tarikhema.org

احوال و آثار

نقاشان قدیم ایران

و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی



تألیف: محمد علی کریم زاده تبریزی

لندن ۱۳۶۹

جلد دوم

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

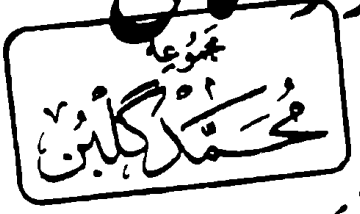
احوال و آثار

نقاشان قدیم ایران

و برخی

از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی





تألیف : محمد علی کریم زاده تبریزی

لندن ۱۳۶۹

انتشارات مستوفی

جلد دوم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

THE LIVES AND ART OF
OLD PAINTERS OF IRAN

Vol. 2

By: M.A.Karimzadeh Tabrizi ©

First Edition April 1990

ISBN 1 872302 02 5

Printed and bound in Great Britain

21 Halfway Street, Sidcup (Kent) DA15 8LQ, England. Tel: 081-309 0675

نام کتاب: احوال وآثار نقاشان قدیم ایران - جلد دوم

مؤلف: محمد علی کریم زاده تبریزی

حروفچینی: انتشارات ساتراپ- تلفن ۰۸۱-۷۴۱۸۰۱۱

صفحه آرایی: محمد علی کریم زاده

چاپ اول: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: پرینت تودی- تلفن ۰۷۱-۳۸۷ ٦٥١٥

محل وتاریخ انتشار: لندن فروردین ۱۳٦۹

حق ترجمه، اقتباس و چاپ و انتشار برای مؤلف محفوظ است

نشانی مؤلف:

All rights reserved. No part of this work, including photographs may be reproduced or transmitted in any form, not translated into any language, whether by any means electronic or mechanical, including photocopying, recording and storing in any storage or retrieval system without the prior written permission from the writer and publisher.

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



مدت زمانی طبع و نشر جلد دوم کتاب به تأخیرافتاد و طبق برنامه تنظیمی به دست علاقمندان نرسید، ابتدا قرار این بود که بعد از توزیع جلد اوّل، به ترتیبی که زمینه مالی فراهم گردد، اقدام به چاپ مجلدات دیگر نموده و هرچه زودتر در اختیار مشتاقان قرار بگیرد، ولی این تصمیم جامه عمل نپوشید و با مشکلات متنوعی که حادث گردید به عهده تعویق افتاد، و چون حتم براین بود که این خدمت ناچیز هرچه زودتر فرجام پذیرفته و دردسترس قرار بگیرد، لذا دست نیاز به درگاه باریتعالی برده و از قدرت لایتناهی اش مدد خواسته و توفیق یافتم که طبع و نشر جلد دوم و سوم کتاب را در یك زمان به‌پایان برسانم.

در ورای وقفه چند سالی که پدید آمد، نتیجه پرباری به دست داد و محتویات استنادی و تراجم کامل نقّاشان غنی تر گشته و ازهر نظر مورد پسند و باب سلیقه قرارگرفت. خطوط متن به بهترین وجه و زیباترین نمونه چاپی موجود، پایان پذیرفت و تعداد عکس ها مضاعف گردید، و از همه چشم گیرتر، سی ودو اثر رنگی نیز بر جمع آنها افزون شد.

هدف و آمال ایده آلی براین بود که جمله تصاویری که برای اوّلین مرتبه شناسایی شده و تنها دراین کتاب معرفی می گردند، جملگی به چاپ رنگی زیبایی طبع شده و حق مطلب ادا گردد، ولی به علت روز افزون هزینه چاپ رنگی و محدودیت های مالی حقیر که یارای بیش ازاستطاعت نبود، معدودی از آن شاهکارها به عکس سیاه و سفید و بقیه باتصاویر رنگی مزین گردید.

در جلد دوم و سوم کتاب، ترجمه احوال ۶۶۳ نفر نقّاش ثبت شده و احوال و آثار بعضی از هنرمندان گمنام و بعضی از نگارگران هند و عثمانی، که دارای آثار بیشتری نبوده‌اند، درذیل بیش از ۲۰۰ زیرنویس یاد شده و به‌ذکر نام و ارائه تنهااثر هنرمند، بسنده شده است.

درمورد شناسایی تصاویر که معلوم نماید، آن تصویراثر دست کدام نقّاشی بوده و به چه صفحه‌ای مربوط می باشد، هم در ذیل عکس هاو همچنین در محل درج همان آثار، شماره‌گذاری شده و خواننده را از سردرگمی و بلاتکلیفی رهانیده و در پیدا کردن نقّاش مورد نظریاری داده‌است.

از درج فهرست اعلام، به علت واضح بودن شیوه الفبائی و تسهیل دریافت نام هنرمندان، که هر علاقمندی می تواند، هنرمند مورد نظرخود را به راحتی پیدا کرده و به احوال وی آگاهی یابد، خودداری گشته واگر به علت مضاعف بودن نام و القاب هر نقّاشی، مشکلاتی برای علاقمندان ایجاد می گردید، مفتاح بسیارساده‌ای در محل های الفبائی ارائه گشته و بطور مثال، اگر کسی خواهان این باشد که یحیی خان پسر صنیع الملك را شناسایی نماید، بطوراصولی می بایستی به محل نام یحیی، در (حرف ی) مراجعه کند و چون احوال نقّاش مورد نظر خود را نمی یابد، از مفتاح ساده‌ای که درآن محل درج شده، (یحیی پسر صنیع الملك در ابوالحسن ثالث آمده) می تواند به مندرجات حرف (الف) در جلد اوّل، مراجعه نموده و نقّاش مورد نظر خود را شناسایی نماید. و این مفتاح الفبائی برای هر هنرمندی که دارای دو نام و اگر کنیه و لقب دیگری نیزداشته باشد، در تمام مجلدات مراعات شده و خواننده را راهنمایی کرده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در قسمت پایانه کتاب که درانتهای جلد سوم چاپ شده، احوال وآثار نقّاشانی که به تازگی شناسایی شده و نامشان در جلد اوّل درج نگشته و همچنین آثار بعضی از نقّاشان را که اخیراً دیدارنموده‌ام، با شماره های جدیدی به حساب آورده و درضمن، برای تحقیقات و تعمق هرچه بیشتر احوال هنرمندانی که درجلد اوّل کتاب ارائه گشته ولی کافی بنظر نمی رسیده، در زیرنویس ها و ذیل نام هر نقّاش علاوه کردم، و همچنین بعضی از تصاویر جلد اوّل که به علت مشکلات پستی و دیر رسیدن بعضی از آنها، درجای خود چاپ نشده، جزو عکس های جلد سوم و با ذکر شماره و صفحات مربوطه ارائه دادم که‌اثر منحصر به فرد و تازه معرفی شده هیچ نقّاشی از قلم نیفتاده باشد.

درباره بعضی از مشاهیر هنرمندان، که به نحوی از انحاء درنقش و تصویرسازی دستی داشته و در ذیل آثار بجامانده شان نقشی آراسته‌اند، گو اینکه نام نقّاش برخود ننهاده و خود را عبد فقیری دانسته‌اند، به اختصار و به همان اندازه‌ای که در نقش آفرینی مقامی داشته‌اند بررسی کرده و بدون این که شماره فردی داشته باشند، یاد نمودم و پر واضح است که ارباب این صنایع، از قبیل استاد کارانی که در طرح و رسمی سازی ابنیه قدیمی، و نقش آفرینی بسیار دشوار مهرها و گچ بری ها و نقر و حکاکی چوب ها و فلزات سخت و طراحی و نقش پارچه‌ها و زربفت ها و ساخت و پرداخت جلد ها و تذهیب و تشعیر کتاب ها و سایر هنرهای نگارگری ایرانی، که اساس اولیه آن، دارا بودن خبرویت کاملی درامر نقّاشی می باشد، درزیر نویس های الفبایی درج کردم که نام نامی شان را در تاریخ هنری ایران ضبط نموده و زحمات بی ریای آنان را ارج بگذارم.

در مجلدات چهارم و پنجم کتاب اگر عمری باقی ماند و استطاعتی فراهم گردید، درباره صنعت قلمدان سازی و تیره های متنوع آن، و طرز ساخت قالب ها و اسکلت مقوایی و پرداخت و رنگ آمیزی و روغن کاری و سایر ریزه‌کاری های قلمدان های مقوائی و دیگر عوامل تکنیکی این صنعت بسیارغنی، که رکن عمده‌ای از ارکان هنرنگارگری ایرانی می باشد، به تفصیل بررسی خواهد شد و دردنباله این هنرها، درباره صنعت تذهیب و تشعیر و حل کاری و ابری سازی و جدول کشی و جلد سازی وطرز ساختن و پرداختن رنگ های قدیمی و سایر رشته‌های هنر تزئینی ایران، تحقیق گسترده‌تری به‌عمل خواهد آمد و این مجلدات در حقیقت دایرةالمعارف هنری ایرانی خواهند بود که مشتاقان هنر راازمراجعه به کتاب ها و نسخه های گوناگون که دسترسی به آنها مشکل و بلکه محال بنظرمی رسند، بی نیازخواهد کرد.

در خاتمه لازم می داند از استادان و سروران گرام که باارسال نامه های تشویق آمیز و دلگرم کننده‌ای، خدمات ناچیز حقیر را ارجی نهاده و دست مریزادی گفته‌اند، تشکر کرده و بخصوص محققین و کارشناسان جهانی و رؤسای موزه ها و کتابخانه های خارجی، که مرا مرهون محبت های خود نموده و به ادامه کار تشویقم کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.

محمد علی کریم زاده تبریزی
اول فروردین ماه ۱۳۶۹

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حرف
﴿ف﴾

۷۲۹ ـ فاتح چند

نگارگر چابك دست و شیرین قلم اواسط قرن ۱۱ هـ. ق. هند بود و در رشته چهره‌سازی و منظره‌پردازی هنرمندی زیانگار بشمار می آمد.

اثر شیوائی، از این هنرمند، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن بیادگار است که ملکه زیبا و طنازی را، با ندیمان خود مصور نموده که در قصر سلطنتی قرار گرفته و در طرف دیگر، تصویر مرد سیه‌چهره‌ای است که از حال رفته و جماعتی از زیبارویان درباری، بمعالجه‌اش مشغول هستند.

نقاشی در کمال استواری عمل آمده و در حد خود تحسین آمیز بود.

۲ـ دیگر اثر ماهرانه‌ای که در روز ۲۴ آپریل سال ۱۹۸۲ در نمایشگاه موزه ویکتوریا آلبرت لندن از این نقاش دیده‌ام، مینیاتور شیوائی، در نسخه با برنامه عبدالحمید لاهوری بود که جلوه خاصی داشت و یکی از بهترین آثار نقاش بشمار می آمد.

۷۳۰ ـ فاخر اله

از نقاشان دربار شاه جهان هندی (۱۰۶۸ ـ ۱۰۳۷ هـ. ق.) بود و در دستگاه سلطنتی و کتابخانه مخصوص وی، بکار تصویرگری اشتغال داشت.

آثار رقم دار و منصوب وی را تاکنون زیارت نکرده و احوال وی را نیز، در هیچ یك از منابع زمان نقاش، مشاهده ننموده‌ام.

---

*فاتح بن تاجی ـ نگارگر دقیق نگاری، بر روی فلزات سخت بود و در اسطرلاب سازی و ارائه نقش و نگار بروی اسطرلابها، نیز قلم و صحیح نگار بشمار می آمد.

احوال و آثار این هنرمند نیز بسان سایر هنرمندان قدیمی مکتوم مانده و مشاهده نشده است. تنها نکته‌ای که از این هنرمند شناسائی شده، سنوات ۳۰۰ هـ. ق. است که در آن زمانها حیات داشته و به هنر مورد علاقه‌اش اشتغال داشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۳۱ ـ فارسی

مولانا فارسی، در زمره نقاشانی بود که در اواسط قرن ۱۰ هـ. قـ. بهمراه عبدالصمد شیرین قلم و سایر یاران ایرانی اش بهند رفته و در آنجا ماندگار گردید.

احوال زندگی و فورم و تنوع کار این نقاش، تاکنون دیده نشده و آثار منسوب و رقم داری نیز از وی مشاهده نشده است.

۷۳۲ ـ فاضل

نقاش خوش ابتکار و شیرین دست دوره اکبرشاه هندی بود و در مکتب مغولی هند نقش تصویر مینمود.

اثر زیبائی از این هنرمند در نسخه رزم نامه جیپور دیده می شود، که پادشاهی بروی زمین نشسته و دو شاهزاده درباری و رجال دیگر، با آرایش پر آذین، در پشت سر پادشاه باحترام قرار گرفته‌اند. اژدهای قوی هیکلی، سر پهلوانی را که گویا در جنگ شکست خورده، بحضور شاه تقدیم میکند. رقم نقاش بروی جدول کناره، چنین است. «عمل فاضل»

در رزمنامه جیپور که قدیمترین رزمنامه‌ها میباشد، تصاویر زیبائی از آثار نقاشان معتبر هندی، از قبیل فاضل ـ دسوانت ـ لعل ـ بسوان، که تحت سرپرستی میرسیدعلی و عبدالصمد شیرین قلم دیده میشود که معرف زبردستی آنان در امر تصویرسازی است.

این هنرمند چهره‌ها و قیافه‌ها را خوب می کشید و در مجلس آرائی بصیر بود، صحنه آرائی و تزئین مجالس وی که با ابتکار بخصوصی همراه بود، مؤید قدرت تفکر و قوی دستی نقاش بشمار می آید.

۷۳۳ ـ فانی نقّاش (ملّا)

نامش فانی نقاش بود و در زمان خود بفعالیت هنری اشتغال داشت. از احوال و مشخصات زندگی این نقاش، اطلاعی نداریم، ولی چهره شبیه نقاش را، هنرمند دیگری که گویا از همکاران و یا از شاگردان وی بوده بنقش درآورده و معلوم داشته که در حدود قرن ۱۱ هـ. قـ. هنرمندی، به این نام و نشان زندگی میکرده که یکی از همکاران وی، صورت نقاش را ترسیم نموده، نام و شکل و قیافه آنرا نیز با قلم تیزنگار خود بیادگار نهاده است.

در این تصویر، فانی نقاش، مرد چاق و جوانی است که ریش و سبیل کم پشتی داشته و عینك کوچك ذره بینی بچشم نهاده و صفحه کاغذی را بدست گرفته و در حال نقاشی است.

کلاه وی عمامه‌ای بوده و لباسهایش بلند و در شیوه البسه زمان صفوی است، زمینه نقاشی ابری بوده و نقش کوهها نیز ساده است. در انتهای تصویر، بخط رقاعی عادی رقم دارد: «تصویر فانی نقاش بلا کلام»

۷۳۴ ـ فتح اله شیرازی

آبرنگ ساز گمنام شیرازی، بغیر از فتح اله نقاشباشی معروف است که تنها یك نمونه آبرنگی بیادگار نهاده و مهارت خود را در شیه پردازی عیان ساخته است.

این نمونه یادگاری، تصویر حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی است که در دوران فتحعلی شاه قاجار مصدر خدماتی بوده و پس از فوت میرزا شفیع صدراعظم، بصدارت عظمائی مفتخر گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در این تصویر، حاجی میرزا محمد حسین خان، کلاه پیچیده دوران فتحعلیشاهی بسر نهاده و ریش و سبیل پر پشتی دارد. لباس بوته جیقه‌ای بلندی که روی پاها را پوشانده بتن کرده و بروی آن، لباس آستین کوتاه دیگری که آذین بوته جیقه‌ای دارد، علاوه نموده و دست بسینه ایستاده است.

در بالا و پائین تصویر بخط زیبای نستعلیق رقم زده: «حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی طاب ثراه ـ رقم کمترین فتح اله شیرازی»

با درج جملات «طاب ثراه» معلوم میگردد که در زمان نقش تصویر، صدر اصفهانی در قید حیات نبوده و چون سال مرگ مرحوم صدر، در سالیان ۱۲۳۹ هـ. ق. اتفاق افتاده، معلوم میگردد که این آبرنگ بعد از فوت وی بنقش درآمده و نقاش با خاطره ذهنی که از شمایل او داشته و چه بسا کراراً او را می دیده و می شناخته، اقدام به شبیه‌سازی کرده خاطر وی را گرامی داشته است.

۷۳۵ ـ فتح اله شیرازی (نقّاشباشی)

نقاشباشی شیرازی بود و در گل آرائی و شیوه‌های آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی دست پرقدرتی داشت.

عمده کار ا ین استاد، قلمدان سازی و کارهای روغنی بود و در این شیوه‌ها، قدرت قلم فوق العاده و قابل تحسینی به ظهور میرسانید و لیاقت نقاشباشی بودن خود را برملا میکرد.

چون اغلب هدایا و پیش کشی های آن دوره، هدیه قلمدان و قاب آئینه و برچسب دان بود، روی این اصل، عمده آثار این استاد که رتبه نقاشباشی را نیز در عهده داشت، تصویر قلمدان ها بود که به سفارش شخص پادشاه و یا سایر رجال و اعیان دیگر انجام می پذیرفت و دست به دست می گشت.

او شبیه ساز شیرین قلم بود و صورت زنان را دلربا و با حلاوت می کشید.

استاد، جانور سازی و نقش پرندگان را بسیار شبیه و طبیعی میساخت و تذهیب و آرایش کارهای خود را نیز بنفسه انجام میداد.

این هنرمند، زمینه‌ها را اغلب نخودی و زرد حنائی می گرفت و بدین ترتیب کارهای وی تا حدی، شناخته شده وجنبه انحصاری داشت.

در صنعت تذهیب و حل کاری و قرینه سازی، بصیر و آگاه بود و داخل و زیر قلمدان و کشو آن را، بحل کاری دقیق و تزئینی، آرایش میداد.

گلها را بسان لطفعلی شیرازی طبیعی و با حالت می ساخت و در بکاربرد و انتخاب رنگها، شیوه مخصوص داشت.

در شبیه پردازی و چهره سازی بسبك ایرانی وفرنگی آگاه بود و علاوه بر اینکه صورتها را شبیه میساخت، با سایه‌های پرداز و استادانه خود، بچهره‌ها حالت طبیعی میداد.

در جانور سازی و پرنده سازی و ارائه رنگهای متنوع و چشم نواز، خلاقیت و استادی داشت و بسیار پرمایه عمل می آورد. این هنرمند علاوه بر مزایای مذکور، جمیع خطوط، مخصوصاً نستعلیق را خوب می نوشت و اشعار مرقومه‌اش را شخصاً می سرود و بمناسبتی در ذیل آثار خود عرضه مینمود.

معلوم نشد این هنرمند در چه زمانی ملقب به نقاشباشی شده، ولی قدیمترین اثری که در ذیل آن، لقب نقاشباشی بودن را درج کرده، برچسب دان کوچك و پر مایه‌ای در مجموعه نگارنده است که بسال ۱۲۸۹ اجرا شده و معرف زبردستی وی میباشد.

این برچسب دان را که بسفارش شخصی بنام آقا رضا خواجه‌باشی انجام داده، پر از گل های ریز و رنگینی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

است که به حلاوت نقاشی شده و رقم و تاریخ دارد: «فرمایش مقرب الحضرت دیوان آقا رضا خواجه‌باشی نائب والا روحنا فداه اتمام پذیرفت. رقم فتح اله نقاش باشی ۱۲۸۹»

فتح اله فرزند با استعدادی بنام فرج اله داشت که او نیز قلمدان و جلد می ساخت و دنباله‌رو شیوه پدر خود بود.

از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ قلمدان دلربا و استادانه‌ای در موزه هنرهای تزئینی تهران دیده‌ام که در داخل ترنجهای رویه قلمدان، تصاویر دلپسندی از زنان و اطفال فرنگی جلب نظر مینمود. در مدالیون وسط آنها، مرغهای متنوعی، با رنگهای الوان به روی شاخه‌ها در جست و خیز بودند و حواشی و کناره قلمدان نیز، پر گل و مرغ و تذهیب بود و رقم داشت: «ابن السلطان ابن السلطان ناصرالدین شاه قاجار عمل کمترین جان نثار فتح اله شیرازی»

۲ـ دیگر قلمدان ارزنده‌ای که از این هنرمند دیده‌ام و آن نیز بناصرالدین شاه قاجار هدیه گشته بود، قلمدان زمینه زرد نخودی بود، که در مدالیون بیضی شکل وسط آن، تصویر مرغ خوش منظری دیده میشد که بسیار پرمایه بود.

در حواشی و اطراف قلمدان، فرشتگانی بسان دختران ماه پیکر و حیواناتی از قبیل شیر و آهو، که در پناه گل و بوته‌های سرسبز، پنهان گشته بودند دیده میشدند. تزئین زیر قلمدان هم کمتر از رویه‌ها نبود و در ترنج وسطی آن، نقش خرگوشی که با گلهای طلائی استادانه محصور شده بود، زیبائی اثر را دو چندان میساخت.

در داخل کشو، قلمدان که زمینه طلائی و تذهیب داشت، مرد ساربا نی دیده میشد که در اطراف آن تصاویر مرغ و خروس و مرغابی و سوار کاران خوش تراش دیده میشدند. این قلمدان که بنظر نگارنده یکی از بهترین آثار استاد بود، رقم و تاریخ داشت: «السلطان ناصرالدین شاه قاجار خلد اله ملکه و سلطانه رقم جان نثار فتح اله شیرازی ۱۳۰۴»

۳ـ قلمدان دیگر استاد فتح اله که بشکل تابوتی درشت بود، در وسط سه مستطیل و دو مدالیون آن، تصاویر دختران زیبائی دیده می شدند که در وسط باغ مصفائی بگشت و گذار سرگرم بودند. گل و مرغهای حاشیه قلمدان، ضعیف بود و بکار شاگردان وی شباهت داشت.

زیر قلمدان تذهیب و مناظر گوناگون داشت و رقم نقاش در شش نقطه جدا از هم چنین بود: «رقم کمترین بنده درگاه فتح اله شیرازی ۱۲۸۴»

چند بیت شعر نیز در وصف حسام السلطنه و در حاشیه قلمدان درج شده بود که سه بیت اول آن چنین است:

شاه جم حشمت، حسام السلطنه — کز حسامش کار عالم را نظام
آنکه از نیروی شمشیر و قلم — داده اندر کار دولت انتظام
کار گیتی را نداد ایزد نظام — جز بمدّ خامه و فرّ حسام

۴ـ دیگر از آثار رقم دار این استاد، قلمدان زمینه نخودی زرد رنگ در موزه نگارستان تهران است، که در وسط آن، دوشیزه‌ای زیبا و ملیح، بسان زیبا رویان فرنگی ترسیم شده و کناره و حواشی آن نیز بگل و مرغ و پروانه آرایش گشته‌است.

این قلمدان که جهت صدر اعظم وقت تصویر شده رقم و تاریخ دارد: «حضور جناب مستطاب اجل اکرم صدر اعظم دام اقباله و مدظله العالی کمترین فتح اله ۱۲۹۶»

۵ـ دیگر از آثار این هنرمند که در حراج ۱۱ جون ۱۹۸۶ کریستی لندن بفروش رسید، قلمدان استادانه‌ای بود که بسفارش حشمت الدوله انجام یافته و ابیاتی را که خود نقاش، در وصف آن شاهزاده سروده بود، بروی کتیبه‌های رویه قلمدان و خط خوش نستعلیق، درج نموده بود که چنین است:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

رشك فردوس این قلمدان آمد از نقش و نگار — زانکه آمد کلك وی شهزاده را مدحت نگار
آنکه از رای مهرش مهر گردون مستنیر — آنکه از عکس ضمیرش نور انجم مستعار
حشمت الدوله‌خدیو آسمان فر کز نهیب — شیر را نگذارد اندر لحظه گیر و فرار
آسمان عز و تمکین را بود یارب مدیر — تا که از رفتار انجم چرخ را باشد مدار

در بین این دو کتیبه، گلهای متنوع زیبا نقش بسته و در وسط روبه قلمدان، تصویر ماده شیری بود که با دو بچه خردسال خود بازی میکرد.

در کناره‌های قلمدان، و در بین دو ترنج کوچکتر، تصاویر زنان دلنواز دیده می شدند و در بین ترنجی های بزرگتر، مناظر طبیعی و حیوانات گوناگون نقش بسته بود که بسیار استادانه بنظر میرسید، زیر قلمدان تذهیب شیوا داشت و رقم و تاریخ تصویر، بخط نستعلیق عالی و رنگ طلائی بروی سر ماده شیر چنین بود: «رقم کمترین فتح اله شیرازی سنه ۱۲۷۵»

۶ـ دیگر آثار شناخته شده این هنرمند، تصاویر استادانه نقاش، در بعضی از دیوارهای عمارت معروف نظامیه بود که در جنب آثار صنیع الملك جلب نظر مینمود.

عاقبت این نقوش زیبا، که با طلای اشرفی و خالص کار کرده بود، راه زوال و انهدام پیموده و مقداری از آن آثار، که بدست افراد باذوقی افتاده بود، تعمیر و مرمت گشته و حالیه زینت بخش مجموعه‌های خصوصی میباشند.

۷ـ از آثار جلد سازی این نقاش، جلد قرآنی در اندازه ۹/۵ × ۱۴/۸ سانتی متر و مضبوط در کتابخانه چستر بیتی است که بسال ۱۳۰۲ هـ. ق. انجام یافته، و در نوع خود هنرمندانه است.

این جلد قرآن که بفرمایش «فرمایش مقرب الحضرت العلیه آقا میرزا فرج اله خان» انجام پذیرفته، در داخل بیضی بزرگتر، دسته گل زیبائی از گل محمدی و زنبق و داودی و گلهای دیگر ترسیم شده و حاشیه جلد هم تذهیب و تشعیر گشته است.

در چهار گوشه لچکی آن، دسته گلهائی، با قالب مثلثی و لچکی علاوه نموده، و حالت و تناسب جلد را استادانه تر نموده است. تصویر شماره (۱) در صفحه (۹۳۵)

۷۳۶ـ فتح اله بن مجلسی

بنوشته نقاش، فرزند شخصی بنام مجلسی بوده و از نقاشان روغنی دوران ناصرالدین شاه قاجار بشمار می آمده است.

تنها اثر رقم داری که از این نقاش دیده‌ام، قاب آینه گل مرغی و مستطیل شکلی بود که در شیوه میرزا نصرالله امامی اصفهانی نقش یافته و در نوع خود شیوا و جالب بنظر میرسید.

در دو طرف قاب آینه، گلهای متنوع و گلهای قندقی و نقش پروانه‌ها جلب نظر میکرد و مهارت نقاش را عیان می ساخت.

در حواشی طلائی آن، اشعاری بخط نسخ مشکی دیده میشد که بیت بالای آن چنین بود:

تا شدم حلقه بگوش در میخانه عشق — هردم از نو غمی آید بمبارك بادم

رقم داشت: «فتح اله بن مجلسی ۱۳۰۵» ـ مجموعه آقای منصور افشار ـ ژنو.

۷۳۷ـ فتحعلی

تصویرگر خوش نگار و گل و مرغ سازی، در شیوه علی اشرف معروف بود و در اواسط قرن ۱۳ هـ. ق.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

فعالیت هنری داشت.

تنها اثر امضا داری که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان خوش نقش، گل و بلبلی بود که در شیوه علی اشرف عمل آورده و رنگها را نیز جالب و چشم نواز انتخاب کرده بود.

از شیوه کار و قدمت اثر، معلوم بود که این هنرمند، در دوره محمد شاه قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، نقش تصویر میساخته و در حد خود نقاش خوش دستی بوده است. رقم نقاش با سجع انحصاری هنرمند، تعین گشته بود که چنین بود: «الفتح منظماً الی علی»

۷۳۸- فتحعلی خان کاشانی ملک الشّعراء

تنها بنوشته هدایت اله لسان الملك، در تذکره خوشنویسان است که می شود گفت این هنرمند، در رشته نقاشی، بسان نوه بزرگوارش محمود خان ملك الشعراء، دستی داشته، و نقش تصویر میکرده است. لسان الملك در تذکره خود چنین می نویسد:

«*فتحعلی خان کاشانی ملك الشعرای خاقان جنت مکان فتحعلی شاه قاجار نورالله مضجعه، خط تعلیق را نیك نگاشت و شکسته را شیرین تحریر نمود و از صنعت نقاشی بهره وافی داشت، و در فنون شعر پارسی، کمتر کس در روزگار، قرین و انباز وی گشت.*»

۷۳۹- فتحعلی ولد سلیمان بیک قورچی باشی

فرزند سلیمان بیك قورچی باشی بود، که پدرش از اعاظم و قورچی باشیان دوره افشاری و اوایل زندیه بحساب میآمد.

تنها اثر این هنرمند را که در حراج سالبی سال ۱۹۷۷ از نزدیك دیده‌ام، تصویر آبرنگی جوانی بشیوه صفوی بود، که در نوع خود شیوا و پخته بنظر میرسید.

جوان مزبور، صراحی شراب بدست داشت و کلاه خز داری بسر نهاده و کفش های پاشنه بلندی پا کرده و در جائی ایستاده بود و رقم و تاریخ تصویر، در ذیل آبرنگ چنین بود: «عمل بنده درگاه فتح علی ولد سلیمان بیك قورچی باشی ۱۶۰» که همانا سنه ۱۱۶۰ هـ. ق. میباشد. تصویر شماره (۲) در صفحه (۹۳۵)

۷۴۰- فتحعلی شیرازی (خطّاط و مذهّب)

فرزند محمد جعفر حکاك شیرازی بود و در خط و تذهیب، قلم استادانه‌ای داشت. این استاد بفضل و کمال موصوف بود و شعر می گفت و حجاب تخلص میکرد.

از آثار تذهیبی وی، اثر رقم داری ندیده‌ام، تنها به استناد نامه‌ای که‌بناصرالدین شاه نوشته و جزو مجموعه خطوط قدیمی نگارنده است، در بین سطور، اشاره‌ای بهنر تذهیب خود کرده و چنین نوشته است:

«*. . . قلیلی از کتابت آن باقیست لیکن تذهیب نشده، لهذا یکجزو آنرا ارسال پیشگاه حضرت عالی داشته چنانچه منظور نظر کیمیا اثر افتد یکماهه تمام نموده و تذهیب کرده انفاد حضور با هر النور نماید. . .*»

اصل نامه و تذهیب کناره و نمونه شیوا و استادانه خط حجاب در تصویر شماره (۳) در صفحه (۹۳۶)کتاب ارائه میگردد.

وفات حجاب بسال ۱۲۶۹ هـ. ق. در شهر شیراز اتفاق افتاده و در بقعه شاهچراغ مدفون گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۴۱ ـ فخر الدّین نقّاش افغانی

خلف میرزا رضای آذربایجانی بود و حاجی فخر الدین نقاش نامیده می شد. سال تولد و مدت عمر این هنرمند ایرانی الاصل، که به افغانستان رفته و در آن دیار ماندگار گشته، معلوم نیست، ولی بنوشته مرحوم فکری سلجوقی، در اواخر عمر، از فن تصویر دست کشیده و در سال ۱۳۱۸ شمسی، در شهر هرات بدرود زندگی گفته است.

آثار رقم دار و منسوب وی را تاکنون ندیده و در منابع هنری نیز، ذکری از آثار وی بمیان نیامده است.

۷۴۲ـ فخر جهان

از بانوان هنرمند و خطاط خوش رقمی، از خاندان قاجار بود و در گل آرائی و تصویر سازی و کتابت، خطوط، به شیوه ناخنی، مهارت داشت.

از آثار ناخنی این هنرمند، مرقع پر امتیازی ، در کتابخانه کاخ گلستان تهران دیده‌ام ، که بناخنی، عمل آمده و رقم داشت: «حرره اقل خادمه الدوله القاهره الباهرة فخرجهان»

۲ـ دیگر اثر این هنرمند که در هنر ناخنی اجرا نموده و در موزه مذکور قرار داشت، اثر زیبای دیگری بود که بخط ناخنی لاتین امضاء شده بود. «خادمه فخری ـ فخر جهان»

۳ـ دیگر از آثار تصویر سازی این زن هنرمند،که بناخنی انجام یافته بود، دسته گل سرخ محمدی بود، که یك گل درشت و شیوائی، در وسط قطعه جلب نظر مینمود، غنچه‌ها و سایر برگهای گل سرخ نیز، به استادی بروی هم انباشته گشته و خرمنی از گلها را بوجود می آورد. حواشی اثر، با تذهیب خوش نقشی طلا کاری شده و زیر سایه‌های گل محمدی، بخط ناخنی امضاء داشت. «فخر جهان نور جهان»

۴ـ دیگر از آثار ناخنی این زن هنرمند که تاریخ نیز در بر داشت، تصویر تمام قد محمد شاه بود که در البسه و کلاه و سایر آرایش سلطنتی، در محلی ایستاده و شمشیر بدست گرفته بود.

در بالای تصویر، چهار بیت شعر بخط نستعلیق درج شده و کناره‌های آنها نیز طلاکاری گشته بود. در زیر تصویر، بخط رقاع استادانه‌ای، علاوه بر اینکه، عبودیت و بندگی خود را بشاه قاجار اظهار کرده‌بود، رقم نهاده بود: «فخر جهان ۱۲۶۰»

۷۴۳ ـ فخری بروسوی

اهل بورسای عثمانی وازقاطعان اواخرقرن ۱۰ واوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. است.

این استاد تذهیب و تشعیر را پر مهارت انجام می داد و درساختن و پیراستن انواع گل ها، قدرت قلم فوق

---

*فخر (صحاف و مذهب). مذهب و صحاف هنرمندی، گویا از اهالی تبریز بود که در معیت استاد عبدالصمد شیرین قلم و یاران هنرمندش، در سال ۹۵۵ هـ. قـ.، به هند رفته و در آن دیار، بخلق آثار هنری مشغول گشته است.

در نامه‌ای که همایون پادشاه درباره یکی از کارهای میر سید علی مرقوم داشته و اصل نامه را در احوال میر سید علی آورده‌ام، در ذیل سه نفر از هنرمندان معروف آن دوره که به هند رفته‌اند، نام ملا فخر صحاف نیز، قید شده و در بین مطالب چنین ارائه گشته است:

«. . . درسال نهصد و پنجاه هشت مولانا سید علی و ملا عبدالصمد شیرین قلم و ملا فخر صحاف صنعتی که در آن ایام کرده بودند به نظر کیمیا اثر آوردند و آن حضرت چون عنایتی به نواب رشیدخان پادشاه کاشغر خصوصیت داشتند لایق دیدند که آنچه آن جماعت به نظر اشرف در آورده بودند، برای رشیدخان مذکور فرستند. . .»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

العاده ای داشت.

در قطاعی واقعاً ید وبیضا می کرد وشکوفه‌ها وبرگ های درختان را طوری بنازك قلمی درمی آورد که حیرت بیننده را برمی انگیخت.

به نوشته کتاب مناقب هنروران (صفحه ۶۳): «ورومیاندن برسوی فخری که قطعه قطعنده لانظیر عالم و باغچه ترتیبنده وشکوفه و ازهاران انواعنی کسمکده صنایع بدایع شعاری هربرده مقبول ومسلم در.» یعنی ازرومیان فخری برسوی، که در قطاعی وقطعه سازی درعالم بی نظیر بوده ودرترتیب باغچه ها و برش انواع گل ها وشکوفه‌ها وصنایع بدایع شعارش، در هرمحلی مقبول ومسلم است. در تایید نوشته های مصطفی عالی افندی، اثرقطاعی استادانه‌ای ازاین هنرمند، در بریتیش میوزیوم دیده‌ام که مهارت وی را در این رشته‌ها مسجل میدارد. دراین اثر پر مایه دسته گل های رنگین وپرجلاوتی، درکمال زبر دستی قطاعی گشته و به تردستی بر روی هم استوارگردیده که در حد خود یك شاهکار به‌شمار می آید.

۲ـ دیگر اثر این هنرمند که حالیه در کتابخانه ملی شهر وین قرار دارد، منظره باغ و درختان پر گل و رنگارنگی است که به استادی تمام قطاعی و روی کاغذی باستحکام وصالی شده است. این هنرمند، در خط نستعلیق نیز دست داشت و آنرا نیکو می نوشت و استادانه می برید. قطعه خط استادانه و امضادار، قطاعی، از این هنرمند دیده‌ام، که این ابیات درج شده بود:

هر که در خطه مسلمانی — باشد از نقد دین گرانمایه
کی پسندد که خود بخسبد سر — بنشیند گرسنه همسایه

(فخری)

۳ـ سومین اثرقطاعی پرمهارتی که‌ازاین هنرمند دیده‌ام، قطعه خطی درشیوه نستعلیق بود، که بنازك قلمی قطاعی گشته و متن امضای آن چنین بود.

سلام وعلیك ای نبی مکرم — مکرم تر از آدم و نسل آدم
سلام و علیك ای ز آبای علوی — بصورت مؤخر به معنی مقدم

فخری البروسوی

۴ـ دیگر ازآثار هنری این استاد که از نزدیك دیده و به مهارت وی آفرین ها گفته‌ام، قطعه نستعلیق غبار فوق العاده شیوایی بود، که به تردستی و نازك قلمی بریده شده و دربالا و پایین خطوط نیز، نمونه تذهیب استاد دیده میشد.

در لچکی بالا و پایین قطعه، تذهیب ریز نقش و چشم آذینی داشت و در داخل لچکی پائین، درج شده بود. (فخری). کناره‌های قطعه، ازانبوه مهرهای ترکی، با سجع های مختلف تزیین یافته، و جلوه دل انگیزی را به اثر داده بود. (مجموعه الیور هور. لندن)

۷۴۴ ـ فرج الله ابن فتح الله‌شیرازی

به نوشته نقاش دریکی از آثار امضادارش خود را فرزند فتح الله نقاشباشی شیرازی دانسته و بدرج نام وی مفتخر بوده‌است.

این هنرمند که گویا دوران شاگردی اش را درمحضر پدر هنرمند خود گذرانیده، درگل و مرغ و تصویر سازی و چهره‌پردازی شیوه پدر را انتخاب کرده و دراین مراحل موفق گشته‌است.

از آثار وی دیده‌ام:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ جلد روغنی گل و مرغی بود، که درکناره ها گل و بلبل داشت و در داخل و رویه آن، پراز خطوط زیابود. این جلد که جهت حشمت الدوله والی فارس، انجام یافته بود، درنوع خود پرحلاوت بود و رقم داشت: «فرج الله بن فتح الله شیرازی» مجموعه شماره ۵

۲ـ دیگراثر رقم دار این هنرمند، جعبه کوچك انفیه دانی بود که در روی آن، جلوس شمس تبریزی و جمع درویشان و مریدان، به زیبایی نقش بسته و رقم و تاریخ داشت.

(رقم کمترین فرج الله شیرازی سنه ۱۳۱۲) مجموعه آقای منصور افشار

۷۴۵ ـ فرّخ بیک مصوّر

گرجی زاده تازه مسلمانی بود که‌از ولایت گرجستان به‌ایران رو آورده و در هنر مورد علاقه خود پیشرفت ها کرده و به مقامات عالیه هنری نایل آمده‌است.

وضع فامیلی و سال تولد و وفات و حتی نام اصلی نقاش، درزمانی که گرجی زاده‌ای پیش نبوده، معلوم نیست ولی اگرنوشته های قاضی احمد و اسکندر بیك را درنظر بگیریم، بعید نیست، فرخ بیك نیز درمعیت برادرش سیاوش بیك و یا مدتی بعد از آن، به ایران آمده وتحت حمایت شاه طهماسب (۹۸۴ ـ ۹۳۰ هـ. قـ.) قرار گرفته و دردربار سلطنتی اجر و قربی پیدا کرده، و در جرگه معتمدان سلطان حمزه میرزا قرار گرفته است.

اسکندر بیك منشی درعالم آرای عباسی، سیاوش بیك گرجی مملوك شاه طهماسب صفوی را، برادر فرخ بیك[1] دانسته و چنین نوشته‌است:

«در زمان نواب سکندرنشان او (سیاوش بیك گرجی) وبرادرش فرخ بیك در سلك معتمدان جوان بخت کامگار سلطان حمزه میرزا منتظم بودند. در زمان حضرت اعلی شاهی مدتها ملازمت اشرف نموده و درکاب مقدس آن حضرت پیکر عمرشان نابود گشت.»

از طرفی قاضی احمد درگلستان هنر و در مورد سیاوش بیك برادر فرخ بیك، چنین قید کرده، که سیاوش بیك مملوك شاه طهماسب، ازگرجستان بوده واو رااز طفولیت به نقاشخانه آورده وبه سرپرستی استاد مظفر علی، به مقامات والا دست یافته وسرآمد دوران گشته‌است.

اگر روایت اسکندربیك، قرین به حقیقت بوده و فرخ بیك برادر سیاوش بیك باشد، معلوم می شود، این دو برادر از گرجیانی بوده‌اند که در دوران خردسالی و جوانی، به‌ایران آمده و به اسلام گرویده و درخدمت پادشاهان و شاهزادگان هنر دوست صفوی، به تصویرگری پرداخته و به مناصب والاتری دست یافته‌اند.

عده‌ای فرخ بیك رااز ترکان کالماك می دانند ولی چون سندی دراین باره ارائه نداده‌اند، پذیرش این حدسیات

---

* فرج الله کرمانی ـ اهل کرمان و طراح و آرایشگر نقوش گوناگون، بر روی پارچه ها بود و درسوزن دوزی نیز مهارت داشت، از آثار زیبا وامضاء داراین هنرمند، که در موزه های نزئینی تهران قراردارد، سوزن دوزی ارزنده‌ای است که این ابیات بروی آن،

این سوزنی که جرت باغ ارم بود — شبهش کنون بعرصه آفاق کم بود
صد آفرین بخاطر طراح وی فرج — کان نقش تازه‌اش زبنان وقلم بود

«عمل فرج الله کرمانی ۱۲۷۸»

---

* فرج الله خان (نقاش قالی)، نقاش نقوش قالی بود ودر محلی به نام خوکان کمره، کارخانه فرش بافی داشت. ازکارهای امضادار این استاد، فرش لاور منقشی بود که رقم داشت: «اداره بندگان اشرف امیرمفخم لطفعلی خان بختیاری. حرره یحیی». «عمل استاد فرج الله خان ۱۳۳۸ درکارخانه خوکان کمره»

---

* فرخ قلمقاق ـ از نقّاشان دوران اکبرشاه (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳) هندی است که درزمان آن پادشاه، به خلق آثار مورد علاقه خود اشتغال داشته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

قابل قبول بنظرنمی رسد.

ازطرفی با ملاحظه تاریخ دقیقی که در ذیل یکی از شاهکارهای فرخ بیك دیده می شود، که درج نموده، (عمل نادر العصر فرخ بیك در سن هفتاد سالگی مرقوم ساخت . . . درسنه ۱۰ جلوس ۱۰۲۴ هجری) می شود حتم داشت که سال تولد وی، یقیناً سنه ۹۵۴ هـ. ق. بوده و به‌سالیان دوران صباوت و چه بسا، درمعیت سیاوش بیك به‌ایران آمده و زیر نظر استادان فن قرار گرفته و در سمت نقاش درباری، به شغل مورد علاقه خود، سرگرم گشته‌است.

بغیراز منزلت درباری و مراعات شخص شاه طهماسب، این دوهنرمند جوان روابط صمیمانه‌ای نیز با طبقات شاهزاده و رجال واعیان داشته، و کما اینکه به گفته اسکندر بیك که اغلب در سفر و حضر همراه حمزه میرزا بوده، این برادران هنرمند، درسلك معتمدان جوانبخت کامگار سلطان حمزه میرزا قرارداشته وازاین مراوده ها، حرمت و رعایت های ارزشمندی به دست آورده اند.

بطوری که میدانیم حمزه میرزا درسن یازده سالگی، به نیابت سلطنت و وکالت دیوان اعلی منصوب گشت و تا سن بیست سالگی، که زندگی پر مخاطره‌ای را می گذارنید به گرفتاری های سلطنتی و جنگ با ترکان عثمانی و سایر مشاغل پردرد سردرباری اشتغال داشت و این دو بردار نقاش نیز، در سلك معتمدان وی قرارداشتند ولی بعداز قتل حمزه میرزا [۲] که در ۲۰ سالگی وبه دست خداوروی خاصه تراش خود انجام شد این دو برادر

هنرمند هم که در دربار حمزه میرزا، به‌احترام و عزت میزیسته، حامی خود رااز دست داده وهریك به دنبال سرنوشت نامعلوم خود روان گشته و زندگی تازه‌ای را آغاز نمودند. سیاوش بیك که مملوك شاه طهماسب و حق نمك خوارگی و خانه زادی داشت، در همان دودمان سلطنتی بجا ماند و رفته رفته به دربار شاه عباسی، راه یافت و از کمك ها و حمایت های بیدریغ شاه عباس، تاانتهای عمر، بهره‌ور گشت و تا اواخر سلطنت شاه عباس کبیرنیزدرقید حیات بود.

ولی استاد فرخ بیك، برخلاف نوشته های اسکندر بیك که درج کرده:

«در زمان حضرت اعلی شاهی مدتها ملازمت اشرف نموده و درركاب مقدس آن حضرت پیکر عمرشان نابود گشت» گویا بسالیان ۹۹۶ به هند آمده و چون نقاش والا مقامی بوده به مرور دردربار سلطنتی اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴) راه یافته و ازمقربان درباری گشته‌است.

سند عمده ای که معلوم میدارد، فرخ بیك، در زمان اواسط سلطنت شاه عباس کبیر درایران نبوده و برخلاف گفته اسکندر بیك، عمرش نیز در رکاب مقدس آن حضرت، نابود نگشته است تصویری ازابراهیم عادلخان طرفدار بیجاپوراست که به وسیله فرخ بیك و سنوات ۱۰۱۹ پایان پذیرفته، و محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی نیز این مسأله را صحه نهاده است.

اکبر شاه که خود از حامیان و مشوقان پرحرارت هنری بشمارمی آمد، در نظر داشت عظمت و جلال کتابخانه پرغنای خود راچنانچه شایسته ولازم بوده، بسر حد تعالی رسانده و شهرت عالمگیر پیدا نماید. روی این اصل،

۱- اسکلتون درنوشته های خود فرخ بیك رااهل شیراز و فرزند مولانا درویش میداند ولی چون دراین مورد مدرکی ارائه نداده، نمی شود این اطلاعات غیر مستند را باورداشت.

۲- عبدالله ورامینی یکی ازشعرای آن دوره، واقعه دردناك حمزه میرزا را به شعر درآورده و چنین سروده‌است.

گشته چون حمزه ثانی کشته هیچ ناپافته از عمر مزه
بهر تاریخ بصد حسرت گوی آه از کشتن سلطان حمزه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هنرمندان صاحب نام و پراستعداد را که به‌دربار وی رو می آوردند، مشفقانه پذیرا گشته و مورد محبت و انعام خود قرار میداد. استاد فرخ بیك نیز که باازدست دادن حامی دیرین خود، حمزه میرزا و تزلزل مقام و هدررفتن خاطرات شیرین گذشته، دربند بدست آوردن پناهگاه مطمئن و مأمن مطلوبی بود، مشتاقانه بدرباراکبرشاه رو آورد و باارائه هنر و شایستگی استعداد خود، به کتابخانه اکبری راه یافت.

رفته رفته دراین محیط هنری، لیاقت واستعداد خود را برملا ساخته و و روز بروز بر تعالی مقامش افزوده گشت، بعداز مدتی که در دربار هند به خدمت بود، به دستور و تشویق اکبرشاه، به ناحیه بیجاپور رفت و فعالیت هنری خود را در جنوب هند آغاز نهاد.

پس از مرگ اکبرشاه و شروع سلطنت جهانگیری (۱۰۱۴ ـ ۱۰۳۷) که پادشاه جدید بسیاق پدرش حامی هنرمندان و مشوق استادکاران بود، فرخ بیك را نیز مجدداً بخدمت خوانده و مناصب نیکو به او اعطا نمود، تا جایی که بعد از مرگ دسونته، او را رئیس نقاشخانه سلطنتی نموده و او را بیش از پیش مورد اعزاز و احترام قرارداد و تا موقعی که حیات داشت، در شغل مزبور باقی گذاشت.

جهانگیر فرخ بیك را دوست میداشت و از توجه و مراعات وی دریغ نمی کرد. چنانچه درصفحه ۷۶ تزوك جهانگیری که در زمان سلطنت جهانگیر پادشاه اتمام یافته و بسال ۱۲۸۱ هـ. قـ. درهند چاپ شده، با درج کلماتی از قبیل «و دو هزار روپیه به فرخ بیك مصورکه ازبی بدلان عصراست لطف نمودم» به لفظ پرپیرایه‌ای هنر وی را ستوده و به‌پاداش قابل توجهی مفتخر نموده است.

فرخ بیك درسنین کهن سالی نیز، به نوشته خودش، درذیل اثری که صراحتاً قید نموده: «رقم فرخ بیك درسن هفتاد سالگی کشیده». تصویرگری می کرده و در قدرت قلم پایدار بوده‌است. به روایت غیر مستند، این هنرمند در حدود سال ۱۰۲۴ هـ. قـ. وفات یافته، و اگر این تاریخ صحیح باشد معلوم میدارد، که استاد عمر طولانی کرده و درسنین حدود ۸۵ سالگی روی در نقاب خاك کشیده‌است. ازشاگردان معروف فرخ بیك، فرخ چیله و فرخ خرد بودند که هر یك بنفسه نقاش پرمایه‌ای بشمار می آمدند. فرخ بیك در شبیه سازی قدرت تمام داشت و کم قرینه بود و شاید بدین علت است که عمده آثار استادانه وی، تصاویر پادشاهان و شاهزادگان و رجال و اعیان درباری است که به شباهت و حلاوت زایدالوصفی، نقش بسته و بروی کاغذ عریان گشته است.

این استاد در هنر چهره‌پردازی وسواس بخصوصی داشت و علاوه بر اینکه تمام اجزاء ناشناخته صورت را ظاهر میساخت، سایه استادانه‌ای نیز بصورت علاوه می نمود که شباهت اثر را مضاعف میساخت.

عمده کارهای وی، تك چهره سازی وشبیه پردازی و به‌اصطلاح، ارائه قیافه ها وشکل و شمایل پادشاهان و شاهزادگان ورجال واعیان مشهور بود، که درزمینه علم رجال، استاد ارزنده‌ای بشمار می آیند.

باارائه این نقوش، که‌ازاغلب افراد و رجال سرشناس زمان خود به‌یادگار نهاده، معلوم میدارد که این هنرمند انیس و جلیس این افراد گشته وازحرمت و احترام زایدالوصفی برخوردار بوده، که مدتها در مصاحبت آن افراد قرارگرفته و شکل وقیافه حقیقی و عیارلباس و سایر نشانه های ظاهری آنان را، به عنوان تمثال واقعی، به نقش درآورده و واقعیت ها را، بروی کاغذ ظاهر میساخته است. بغیر از صنعت شبیه پردازی، در ارائه مجالس گوناگون و حالات و سکنات افراد نقاش صاحب خبرتی بود و در رنگ آمیزی و ارائه فورم البسه و تنوع آنها، وقوف تمام داشت.

این هنرمند بغیر از موارد مذکور، درجانور و پرنده سازی وارائه دشت و دمن و گل وگلزار و تذهیب و حل کاری و آرایش صحنه ها، نقاشی، تیز قلم بود آنهارا نیکو می ساخت.

آثار متعدد و متنوع وی که درموزه ها و مجموعه های خصوصی قرار گرفته اند به اختصار معرفی می گردند.

۱ـ زیباترین تصویر تك نفری استاد فرخ بیك که در مرقع گلشن معروف قرار گرفته و عکس رنگی آن، در صفحه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴۷ نسخه چاپی مرقع جلب نظر می کند، تصویر شاهزاده جوان و برازنده‌ایست که کلاه عمامه‌ای پردار، بسر گذاشته و لباس های زربفت و پرنقش و نگار بلندی به تن کرده و شمشیر به کمر بسته‌است. شاهزاده جوان به دست چپش باز سفیدی را مهار کرده و در دست دیگرش پیاله شراب گرفته‌است. منظره کوه ها و گل و گلزار و زمینه فرح انگیز فضای نقاشی، دل انگیز است. درخت پربرگ و تنومندی به همراه چند تك درخت زیبا در روی کوه‌ها دیده میشوند. حواشی تصویر، تشعیر و حل کاری پرندگان است و در بالای تصویر این بیت کتابت شده‌است.

باز در دست دارد آن سرمست تا دل عالمی شکار کند

درگوشه چپ تصویر رقم دارد: «کمترین بنده‌ها فرخ مصّور»

۲ـ از نقوش دیگر استاد فرخ بیك، تصویر پر شباهت ابراهیم عادلخان سلطان دکنی است که در موسیقی دست پر مهارتی داشته است، در بالا و پائین این تصویر، جملاتی، بخط زیبای محمد حسین کشمیری نوشته شده که‌چنین است:

«الله‌اکبر ـ شبیه ابراهیم عادلخان طرفدار بیجاپور که در علم موسیقی دکن خود را سرآمد اهل فن میداند و عمل فرخ بیك سنه جلوس مبارك موافق ۱۰۱۹ بنده کمترین محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی تحریر نمود» در این تصویر، عادلخان به متکائی تکیه داده و سازی بدست گرفته و چند نفر از ملازمین در حضور وی نشسته و به استادی و مهارت وی دست میزنند.

و در محل دیگری نوشته شده «تصویر شبیه مراد آق قویونلو ـ عمل فرخ بیك شبیه بیرم اغلان».

این تصویر استادانه را در نمایشگاه آثارهندی موزه ویکتوریا آلبرت که به تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ به نمایش بود، دیدار کرده‌ام که بسیار دلکش و ستودنی بود.

۳ـ اثر دیگراین نقاش شبیه شاه طهماسب صفوی در جوانی و شاهزادگی است که خود نقاش در طرف راست نوشته «شبیه شاه طهماسب درشاهزادگی». دراین شکل، شاه طهماسب کلاه مخصوص بسر گذاشته و ریش و سبیل کم پشت دارد. لباس بلندی بر روی دوش ها انداخته و مشغول خواندن نامه و یا رویت آینه میباشد. حواشی تصویر گل و برگ هندی دارد و مهری در گوشه بالا دیده میشود.

این اثر زیبا را که درروز ۲۴ آوریل ۱۹۸۲ در نمایشگاه موزه ویکتوریا آلبرت، دیدم، استادانه بود و عکس آن نیز به شماره ۶۴ در آلبوم موزه چستربیتی به سال ۱۹۳۶ میلادی چاپ شده و رقم داشت: «عمل فرخ بیك درسن هفتاد سالگی کشیده»

۴ـ اثر دیگر نقاش را که در هفتاد سالگی کشیده و آن را نیز از نزدیك دیده‌ام، تصویر استادانه درویش پیری بود که عبای تیره و بلندی بتن داشت و ریش و سبیلش بلند و سفید بود. درویش کلاهی بسر گذاشته و کناره‌های آنرا پارچه بسته و بدرخت تنومندی که روبروی آن بید مجنون طلایی دیده میشد، تکیه داده بود رقم داشت: «رقم فرخ بیك درسن هفتاد سالگی کشیده»

۵ـ یادگار دیگر نقاش، تصویر شاه طهماسب است که با کلاه و البسه سلطنتی روی قالیچه منقشی دو زانو نشسته و منشی مخصوص در حضورش نامه می نویسد و دو خدمتکار دیگر، مشغول تهیه غذا و تنقلات دیگر می باشند، منظره کوه و دشت و دمن و تك درخت تنومند و فرح الزا که برگ های پهنی دارد، به استادی نقش بسته که معرف زبردستی نقاش بشمار می آیند و در گوشه جنبی درخت، رقم و تاریخ دارد، که چنین است (شبیه شاه طهماسب عمل فرخ بیك ۱۰۲۰). حواشی تصویر گل های شیوای هندی ست، و اشعاری در کناره‌ها به خط نستعلیق زیبا نوشته شده، که چند بیت آن چنین است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هر که امروز تیر از اخلاص بدل و جان بدان قیام کند
بی شك و شبهتی مراد دلش حق احسان خود تمام کند

۶ـ دیگر از این هنرمند، تصویر خسرو نامدار است که در مقابل خانه شیرین، دل از کف داده و بر زمین افتاده است یکی از همراهان مراقب احوال خسرو است و شیرین ندیمه‌اش، از بالای قصر، ماجرا را نگاه مینماید.

درخت بزرگ و پر سبزه‌ای، طراوت باغ را زیباتر کرده و سه نفر از محارم و خدمتکاران ناظر صحنه هستند. نقاشی در کمال پختگی و شیوایی است و رقم دارد: «طرح و عمل فرخ بیك»

۷ـ اثر دیگر نقاش تصویر پادشاه و محارم سلطنتی است که در وسط باغی به صحبت و مذاکره اشتغال دارند. ملکه و همراهان زیبایش از بالکن قصر این جمع را نظاره می نمایند و در زیر اثر، به خط سرخ رنگی رقم دارد: «طرح و عمل فرخ بیك»

۸ـ دیگر ازتصاویر شبیه سازی فرخ بیك تصویر شاهزاده هندی است که به شیوه هندیان لباس پوشیده و در یك دست طوطی گرفته و دردست دیگر گلی را نشان میدهد.

شاهزاده جوان خنجری به کمرآویخته و جواهرات گوناگونی رابه سینه و گردن نصب کرده و کفش های نوك برگشته به پاکرده و رقم نقاش چنین است: «عمل فرخ بیك»

درقسمت پائین و کنارپای شاهزاده، یك شاخه گل بلند جلب نظرمی نماید و در زیر پاها نیز برگ های گیاه دیده میشوند.

۹ـ دیگر از یادگارهای ارزنده استاد، تصویر خواجه جهان کابلی است که در مرگ جوانی ازدست رفته بی تابی می نماید. درخت زیبا و پرطراواتی، در وسط تصویر نقش بسته و دربالای شاخه های درخت نوشته شده، (شبیه خواجه جهان کابلی). حواشی اثر تشعیر طلایی و خطوط استادانه نستعلیق دارد، و در زیر خطوط امضا نهاده: «کار فرخ بیك»

۱۰ـ مینیاتور دیگر هنرمند، که بعد از مرگ همایون پادشاه انجام یافته، شکارگاه همایون و میرزا کامران است که همایون سوار بر اسب، گوزنی را شکار کرده و مایه تشویق همراهان گشته است. بازدار مخصوصش که به اسب ایلق و خوش تراشی سوارشده، باز سلطنتی را به دست گرفته و منتظر فرمان است.

دربالا وپائین تصویر، اشعاری دیده میشود که بیت بالای آن چنین است:

جهان جوی می شد چو غرنده شیر حریر زمین زیر ستم ستور

در زیر نوشته شده: «عمل فدوی فرخ بیك» و در محل دیگری درج کرده، «شبیه مبارك حضرت همایون پادشاه» حواشی صفحات، گل و برگ های برازنده تشعیری و حل کاری است، که ستودن دارند.

در تشریح نقش این مینیاتور، محقق اروپایی، تاریخ نقش تصویر را، سال ۱۵۳۵ میلادی و شهر کابل دانسته که بالطبع اشتباه کرده‌است.

و اگر آخرین سال های حیات همایون پادشاه را در نظر بگیریم (۹۳۷ ـ ۹۶۳)، در این سال ها با محاسبه تاریخ هفتاد سالگی نقاش که سنه ۱۰۲۴ هـ.ق. را قید نموده، دراین زمان ها فرخ بیك نه ساله بوده و تاریخ (۱۵۳۵ میلادی = ۹۴۲ هـ.ق.) اشتباه بسیار فاحشی خواهد بود که با شرح و حال فرخ بیك تناسبی ندارد، ولی میشود این حدس را تأیید نمود، که نقاش درسنین بعد از این سنوات، که قدرت قلمی پیدا کرده و در شبیه سازی استاد گشته، جهت بزرگداشت و یاد آوری همایون پادشاه، تصویر خیالی و با شباهتی را که ازروی تصاویر بجا مانده وی، استفاده کرده، به عهده نقش کشیده‌است.

۱۱ـ در حراج کریستی ۱۶ اکتبر سال ۱۹۸۰، یك اثر رقم دار دیگراین استاد، به فروش رسید که امضا داشت «کار فرخ بیك». این اثر شبیه سازی که حواشی گل و بوته و خطوط نستعلیق داشت شبیه پیرمردی بود که لباس

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بلندی پوشیده و دست ها را بروی شال کمر قرار داده و بخوشحالی روبرو را نظاره می کرد. پیرمرد ریش کوتاه داشت و کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته بود. از حالت و شیوه تصویر چنین برمی آمد که از آثار اولیه استاد بوده و در شیراز انجام یافته است.

۱۲ـ دیگر آثار استادانه وی که بنظرنگارنده تصویرخود نقاش و درسنین پیری است مردی مسن و سپید موی و بلند قدی است که عمامه سفید رنگی بسر نهاده و قبای بلندی بر روی لباس های زیری پوشیده است. پیرمرد به حالت تفکر، دست هارا به زیرچانه برده و به عصا تکیه داده و در ضمیر پنهانی به عمرازدست رفته تأسف می خورد. زمینه نقاشی گل و برگ های پرطراوت بوده و در اطراف تصویر جملاتی به ترکی درج شده که ترجمه فارسی آن چنین است:

«فقیر جاروکش آستانه مرقد مبارك مولائی بودم که بسال ۸۳۵ هـ.ق. وفات یافته واین ترجیع بند بنظر می آمد.

تویی اصل همه پنهان و پیدا بافعال و صفات ذات بیجا

۱۳ ـ دیگراز آثار وی تصویر دسته جمعی زنان درباری در حرم سلطنتی است که مؤید استادی و ذوق وابتکار نقاش می باشد.

۱۴ـ دو قطعه رقم دار دیگراین هنرمند که درکتابخانه کاخ گلستان جای دارند. یکی تصویرجوانی است که طوطی بدست گرفته و دیگر اکبر شاه گورکانی است که رقم دارد: «عمل فرخ بیك»

۱۵ـ مینیاتور استادانه و پرمهارت دیگر این هنرمند که اخیراً در ۱۵ اکتبر سال ۱۹۸۴ در حراج ساتبی لندن به مبلغ گزافی به فروش رسید و نگارنده نیز در کمال دقت و حوصله تمام از آن دیدار نمودم، تصویر پیرمردی با ریش و سبیل سفید بلند بود که لباس بلند سبزرنگ بتن داشت و روی صندلی بافت حصیری، نشسته بود. پیرمرد عصای بلند و نازك، بدست داشت و خسته بنظر میرسد، در زمینه تصویر، درخت پربرگی بود که در آرایش ابتکاری، تصویر شده و فوق العاده جالب بود.

در قفسه روبرو که بسان میز تحریر بود، گربه‌ای جلب نظر می کرد که شیر ریخته شده را لیس میزند. در کنار و اطراف پیرمرد، سگی خوابیده بود و گربه‌ای در جای دیگر طعمه میخورد. در گوشه سمت چپ تصویر دو گوسفند و دو بره جلب نظر می کرد و در گوشه بالای سمت راست، رقم و تاریخ داشت: «عمل نادرالعصر فرخ بیك درسن هفتاد سالگی مرقوم ساخت بعد از فتح...در...بنظر درآورد درسنه ۱۰ جلوس ۱۰۲۴ هجری»

مقصود از سنه ۱۰ جلوس، سال شروع پادشاهی نورالدین جهانگیر است (۱۰۱۴ ـ ۱۰۳۷) که در سال ۱۰۲۴، مدت سلطنت وی ده سال بوده است.

در کناره جدول، شاه جهان بخط خود نوشته بود: «عمل فرخ بیك» و در گوشه راست، مهر بیضی شکل (نندرام پاندیت سنه ۱۱۹۱) دیده میشد.

حواشی اثر حل کاری زیبایی از گل های متنوعی بود که در زمینه آبی و کمرنگ جلوه بس دل انگیز داشت.

(عکس رنگی این اثر در اول کاتالوگ مزبور چاپ شده بود)

تصویر شماره (۴) در صفحه (۹۳۷)

۱۶ـ دیگر از آثار این استاد، تصویر مرغ زنبور خواری است که روی شکوفه درختی نشسته و در کمال قدرت و چشم نوازی تصویر گشته است.

حواشی تصویر، ابیاتی به خط نستعلیق دربر داشته و در کناره‌های آن، گل های تزئینی شیوایی، به حل کاری و رنگ آمیزی استادانه‌ای آرایش شده و در داخل متن رقم داشت: «عمل بنده درگاه بااخلاص فرخ بیك»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۷ـ تصویر جوان بالا بلند و خوش تناسبی است که لباس هندی پوشیده و کلاه مخصوص هندیان بسر نهاده و درمیان باغ پرسبزه و گل ایستاده است، جوان مذکورکه گویا شاهزاده آراسته‌ای است کمربند مزین به کمربسته و گلی رااستشمام می نماید. رقم دارد به خط نستعلیق زیبا: «عمل فرخ بیك»

این اثر زیبا درحراج ۱۱ آوریل سال ۱۹۷۲ به فروش رسید.

دراین مقال بدنیست ازکارهای متفرقه فرخ بیك که درنسخ متعدد انجام یافته وبه روایات مختلف، نقل شده، جهت علاقمندان ارائه دهیم.

الف ـ درتصاویر نسخه اکبرنامه که در لاهور فرجام پذیرفته، سه اثراز کار فرخ بیك دیده میشود.

ب ـ مرقع معروف شاه جهان که در مجموعه چستربیتی محفوظ است دو اثر زیبا از فرخ بیك دارد.

پ ـ نسخه خمسه نظامی معروف که در زمان اکبرشاه مصور شده، پنج مجلس از فرخ بیك دارد که معرف زبردستی نقاش است.

به نوشته ابوالفضل علامی، نقاشان دیگری که طرح و صورت سازی و رنگ آمیزی آنها را به عهده داشته‌اند عبارتند از: لعل ـ مکوند ـ تارا ـ مادهو ـ کسو ـ سنولا ـ نانا ـ شریف پسر عبدالصمد ـ منوهر ـ دانو ـ عبدالله ـ ابراهیم ـ میرتقی

۷۴۶ـ فرخ چیله

نقاش پرمایه وشایان تمجید دوره اکبرشاه‌هندی (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. قـ.) است که به غیر از فرخ کلان می باشد. این نقاش، به‌نام های فرخ و فرخ چیله بین مردم شهرت داشت و در مکتب مغولی هند، تصویر می ساخت.

استاد فرخ، در ارائه حالات و تصویر، دقیق و آگاه بود و در ارائه دشت و دمن و انتخاب رنگ های چشم نواز، و بکاربرد قوانین پرسپکتیو و سایر رموزات هنری بصیر بود و در جانورسازی و مجالس گشت و شکار پر وسواس و دست باقدرت داشت و از شاگردان پراستعداد فرخ بیك، مصور بشمار می آمد. ازاین هنرمند اثریی همتایی، در حراج روز بیستم جون سال ۱۹۸۳ ساتبی دیده‌ام که آیتی از کمال بود و درنوع خود ازبهترین ها بشمار می رفت.

این تصویر که درگیری و نزاع دو گاو پرقدرت را نشان می داد، در کمال نازك قلمی و پرداز ماهرانه انجام یافته بود و حالت خشم و گرفت و گیر وحشیانه آنها را، به نیکوترین طرحی عریان می ساخت. جماعت ناظرین و مسئوولین مربوطه که با حرکات گوناگون و قیافه‌های ترسناك، در اطراف گاوها به تك و پو افتاده واز جدا ساختن گاوها عاجز مانده بودند، درکنارهای تصویر دیده میشدند.

این اثر ارزنده که به مبلغ هشتاد هزار پوند بفروش رسید، امضاء نداشت، ولی از حدت قلم و درج رموز و دقایق آن معلوم می گشت که یکی از یادگارهای اصیل فرخ چیله میباشد.

۲ـ دیگراز آثار این هنرمند، تصویر پر فخامت و زیبایی، در نسخه اکبرنامه هندی درموزه ویکتوریا آلبرت لندن است که رقم دارد: «عمل فرخ چیله»

از آثار دیگر فرخ چیله، تصاویری در رزمنامه جیپور کتابت شده، بسال ۹۹۰ و نسخه تیمورنامه نوشته شده بسال ۹۹۲، و در اکبرنامه بتاریخ ۱۰۱۳ و در جامع التواریخ بسال ۱۰۰۵ دیده میشود که معرف قدرت دست و حلاوت قلم وی میباشد.

۳ـ دیگر از آثار این هنرمند که در سالیان ۱۵۹۵ انجام یافته، تصویر لیلی و مجنون در صحرا است که آیتی از

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کمال بشمار می آید، دراین تصویر که دیدار دودلداه را نشان میدهد، مجنون درآغوش دوست همراهش، از حال رفته و شخص مذکور، صراحی آب را بروی سرش گرفته و اورا به هوش می آورد.

لیلی که در کمال زیبایی و لوندی، درمقابل او ترسیم شده، او نیز از حال رفته و پریشان و درمانده، بروی خاك ها افتاده است. البسه و آرایش و حالت صورت و سایر تزیینات تصویر، در کمال مهارت است.

مجنون در قیافه استخوانی، تصویر گشته و فرد قد بلندی بنظر میرسد، در کناره‌ها و اطراف آنها، جمیع حیوانات از قبیل شیر و پلنگ و آهوان و غزالان و توله سگ زیبا، جلب نظر می نماید و در وسط صحنه، یك درخت تنومند و بزرگ دیده میشود.

زمینه تصویر، صخره های مستحکم و جریان آب خروشان و مناظربعضی از خانه ها و عمارات است که درانتهای تصویردیده میشوند. رویهمرفته تصویر در کمال دقت و چشم آذینی عمل آمده و یکی از بهترین کارهای فرخ چیله بشمار می آمد.

۷۴۷- فرخ حسین مصوّر کابلی

کابلی و از تصویرگران اواخر قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. است. این هنرمند، در نماسازی و شیبه پردازی و نقش و عمارات و آرایش مجالس و تزئین البسه، قوی دست و شیرین قلم بود.

شرح حال این نقاش رااز کتاب سه نثر ظهوری که بسال ۱۲۶۶ هـ. قـ. در هند چاپ شده، برداشت کرده‌ام که چنین است:

«مقرب چهارم شاه مولانا فرخ حسین است که، فوق تصویرش متصور نیست نقاشان بالادست به زیردستی اش می نازند و منت برجان نهاده، طرح طراحی اش می کشند. سبز خطانرا مشاهده سیاه قلمش چه رنگ آمیزی ها فرموده، طراوت تصویرش عکس خوبان خوی کرده، درآب گرد رشك نشانده، نافه می نگارد و بوی مشك می شنود و لاله می کارد ورنگ می درود».

بتصویر خوبان خاطر فریب ز دلها فرو شسته نقش شکیب
خلش برده در خار زانان بکار که گردیده چشمان بدبین فکار
کر افشانده مرغابیش بال وپر ترشح رخ حاضران کرده تر
چو فارغ زآلایش گل نشست بپرداز آواز بلبل نشست

دو اثر زیبا از این هنرمند در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته که مشخصاتش چنین است:

۱- منظره بوستان روح پروری است که شاهزاده خانمی روی چهارپایه طلایی نشسته و به نواختن عود سرگرم است. در حضور وی جوانك خدمتکاری ظروف میوه و سایر تنقلات را بدست گرفته و پذیرایی می نماید. منظره دلگشای درخت بید مجنون و پرنده های رنگین، استادانه و تماشایی است. رقم دارد: «راقمه فرخ حسین»

۲- دومین اثر نقاش در این مجموعه، تصویر شاهزاده جوانی است که به لباس فاخر و تزیینات زرین ملبس شده و روی تخت سلطنتی نشسته و با مرد تنومندی که در مقابل او نشسته، مشغول صحبت است. منظره درخت بید مجنون و شکوفه‌های رنگین آن فرح افزا است. در ذیل قطعه‌ای رقم گذاشته: «حرره‌المذنب فرخ حسین مصور» و در بالای تصویر چنین نوشته شده است:

«تصویر شاهزاده عالم و عالمیان میرزا محمد حکیم بهادر و مقرب الحضرت حاج الحرمین الشریفین حاجی یاقوت فی مقام باغ شهر آرای کابل صورت تحریر یافت سنه ۹۹۲»

● **فرصت شیرازی در محمد نصیر الحسینی آمده.**

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۴۸ ـ فرهاد

نقاش گمنام و شیرین قلم اواخر قرن ۹ هـ. قـ. گویا از اهالی شیراز است که در شیوه مخصوصی هنرآفریده و بغیر از یك نمونه موجود، اثر دیگری، از وی مشاهده نشده‌است.

این نمونه ارزنده، نسخه خاوران نامه تصویری است که علاوه بر امتیازات فراوانش، اثردست نقاشی را ارائه میدهد که درشیوه انحصاری بخصوصی هنر آفریده و شیوا وچشم آذین و ماهرانه عمل آورده‌است. خاوران نامه یك مثنوی حماسی است که ازسیاحت هاو غزوات و دلیری های حضرت علی علیه السلام و صحابه و یاران نزدیکش بحث نموده و منازعات وی را با پادشاهی به نام قباد و سایرپادشاهان بت پرست دیگر، که در ولایت خاوران و حوالی آن سامان حکومت می کرده اند یاد کرده و جمله قضایا را بتفصیل بیشتری به نظم آورده‌است.

مؤلف این کتاب شخصی به نام محمد بن حسام الدین الخوسفی معروف بابن حسام است که درسالیان ۸۳۰ هـ. قـ. به نوشته خود شاعر درج نموده:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی　　شد این نامه تازیان پارسی

در عیار شاهنامه فردوسی بنظم درآورده و در سنوات ۸۷۵ دعوت حق را لبیك گفته‌است.

در عیار تقلیدی شاعر با شاهنامه فردوسی این ابیات درآخر نسخه یاد شده است:

اگر طوسی از شاهنامه سخن　　به آرایش رستم افکند بن

★★★★★

ولی نامه من بنام علی است　　می صافی من ز جام علی است

اگر سنوات تصاویر تاریخ دار نقاش راکه درسالیان ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۹۲ انجام پذیرفته، مورد استناد قرار بدهیم، به یقین این نسخه ارزنده، در حوالی سال های ۸۹۲ هـ. قـ. پایان یافته و حدود ده سالی نیز صرف کتابت و نقوش آن گردیده‌است.

بدین ترتیب معلوم می گردد که این نسخه بعد ازمرگ شاعر کتابت شده و قدیمی ترین نسخه موجود نیز بشمار می آید.[1]

۱ـ به نوشته آقای ذکاء در مجله هنرو مردم شماره ۲۰، نسخه مذکور، قبل از متلاشی شدن دارای ۱۵۵ قطعه نقاشی بوده ولی اکنون تعداد نقاشی های باقی مانده آن فقط ۱۱۵ قطعه به نظر میرسد که ۹۷ قطعه آن در آغاز تشکیل موزه هنرهای تزئینی توام بامتن کتاب خریداری شده و ۱۸ قطعه دیگر به کوشش نویسنده این گفتار (آقای یحیی ذکاء) که سابقاً سمت مدیریت موزه مزبور را داشت توسط آقای خلیل رحیمی برادر مرحوم عبدالله رحیمی درآمریکا از مجموعه داران خصوصی خریداری و به ایران عودت داده شده، به نسخه منظم گشته است ولی هنوز ۴۰ قطعه دیگرازاین مینیاتور ها دردست کتابخانه ها و مؤسسات و مجموعه داران اروپایی و آمریکایی به شرح زیرباقی است...

تفصیل بیشتراین کتاب و همچنین دارندگان تصاویر خاوران نامه، در مجله هنر و مردم شماره ۲۰ به توسط آقای یحیی ذکاء معرفی گشته که بعضی از مطالب آن مقاله نیز مورد استفاده ما قرار گرفته وعکس رنگی بعضی از مینیاتورها هم، به روی جلد شماره های ۱۸ و ۲۰ و ۲۷ چاپ گ دیده‌است.

● فرهاد ـ نگارگر نقوش اسلیمی و خطوط کوفی بروی فلزات سخت بود و در قرن ۸ هـ. قـ. زندگی می نمود.

از آثار رقم دار این هنرمند، جعبه نقره کوب فولادی دیده‌ام که در شکل صندوقی و مستطیل شکلی بود و بروی آن، تصاویر افراد مختلف و نقوش گوناگون و خطوط کوفی جلب نظر می کرد.

در رویه‌این اثر فولادی و نقره کوبی که حدوداً به طول ۲۰ و عرض ۱۰ سانتی متر بنظر می رسید، نقوش بزمی زنان و مردانی بود که به آوای طرب می رقصیدند و بین حروف کوفی که به علت ریختگی نمی شد دقیقاً قرائت نمود، نوشته شده بود: «صنعته فرهاد»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

درمورد شیوه بخصوص نقاش که نظر محققان هنری را بخود جلب نموده، میشود نظرداد که شیوه مجلس آرایی و ارائه درختان سرو و گیاهان نواحی گرمسیری و ترسیم حیوانات دریایی، ازقبیل نهنگ ها وماهی های گوناگون و مناظر کشتی ها و ساحل کناره‌ها، این حدس را تأیید می کند که نقاش به ساحل دریاها و امکانات و همجواری آن دسترسی داشته و در شهر شیراز که تا حدودی به آن نواحی نزدیکتر بوده، نقشی ساخته و شیوه شیرازی را، درتصاویر خود اجرا می کرده‌است.

نقوش روی کشتی ها، اسلیمی گل اناری و کلاه های بعضی ازافراد، درویشی و بلند و نمدی، درعیار شیوه شیرازی، وابرها چین دوماتی و باب آن سامان است و تزیینات چادر ها و سایر نقوش نیز دراین مکتب قرار دارند.

شیوه خطوط متن نسخه، شیرازی است که در نسخات دیگری که دراین شهر کتابت شده یکسان و یك عیار می باشند.

ازطرفی شیوه تذهیب و تشعیر صفحات اولیه و آخر کتاب، درمکتب شیراز بوده و نقش پرآذین تاج های کیانی و رگه های مارپیچی ظروف ساسانی و شیوه های ختایی و اسلیمی و نقوش در و دیوار ساختمان ها، و قیافه والبسه زنان و قوسی های طاقی و قندیل های عمارات مؤید این نکته‌است که نقاش مورد بحث، ازاهالی شیراز بوده و نسخه مزبور را در آن دیار مصور نموده‌است. و ضمناً اگر دقت بیشتری به ترسیم و تزئین مینیاتور های خاوران نامه مضبوط در موزه هنرهای تزیینی تهران، بنمائیم، یکسانی و هم طرازی تصاویر موزه بریتانیا که به سال ۸۹۱ هـ. قـ. فرجام پذیرفته و همچنین تصاویر خمسه نظامی موجود درآمریکا، که درهمین سنوات به پایان رسیده، بیش ازپیش واضح گشته و مدلل می سازد که تصاویر نسخه های یادشده، درمکتب واحدی، نقش بسته واز کارهای ارزنده فرهاد شیرازی می باشند.

بعضی از تصاویر این نسخه ها، که درصفحه ۴۱ کتاب Treasures of Islam و صفحات ۳۰ـ ۸۰ـ ۹۰ کتاب Imperial Images in Persian Painting چاپ شده و نکات هم طرازی دارند، که به ترتیب عرضه میگردند.

۱ـ هاله نورانی دور سر حضرت

۲ـ منظره درختان کوهی و سروهای کوتاه قد و علف ها و گل های خود رو دربالای کوه‌ها

۳ـ کاشی کاری و تزئین زمینه اطاق ها و قصور سلاطین

۴ـ تصاویر حیوانات مختلف و اسب های چشم گشاد وقد کوتاه

۵ـ صورت و قیافه والبسه کلاه سربازان واشخاص مختلفی که همه به یك اندازه بوده و سبیل های افتاده‌ای دارند

۶ـ ابر های ترسیمی و مناظر کوهها و تصاویراژدها ها ومخصوصاً در دوائر زیبایی که یکی از آنها بروی جلد مجله هنر و مردم شماره ۲۷ چاپ شده و دیگری تصویر شکاراژدهایی است که به وسیله بهرام گور شکارشده و درصفحه ۴۱ کتاب چاپی مذکور دیده میشود.

بهر حال فرهاد نقاش قوی دستی بوده که درزمان خویش شیوه مخصوصی را ارائه داده و چندین آثار پر حلاوت ازخود به یادگار نهاده‌است.

در یکی ازاین آثار، که تصویر رنگی آن بر روی مجله هنرومردم شماره ۲۰ دیده میشود، اسب ها را با چشمان باز و قدی کوتاه ترسیم کرده و مخصوصاً اسب قاطرگونه، حضرت علی علیه السلام را که درمقابل دو رزم آور متخاصم به طرز مخصوصی وحشت کرده وبا تعجب به مرافعه آنان چشم دوخته به استادی ترسیم نموده است و همچنین دراین مینیاتورها، تصاویر درختان و شکوفه‌های سروها، به سادگی نقش شده و منظره کوه و دشت و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دمن، یکسان و همطراز می باشند و درارائه رنگ ها و تنوع توازن آنها، ابتکارات جالبی بکار برده و شیرین و پر ملاحت عمل آورده است و در تصاویر مجالس رزمی و بزمی و پیرایش آنها، وسواس و نکته سنجی دقیقی، بکار برده و با رنگ های پخته و متعادلی، به شیوه خاص خود، تزئین نموده و رقم و تاریخ نهاده: «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۲»

۲- یادگاردیگر، این هنرمند، تصویر مزینی است که شاه به روی تخت سلطنتی جلوس کرده و دو زن چادر بسر دراطراف وی نشسته‌اند. درمقابل آنها، دوسردار جنگی که گرز وشمشیر به دست گرفته‌اند، درخدمت ایستاده‌اند.

ماحصل تصویر، گویا پادشاه در نصفه های شب، دچار کابوس شده و کنیزان زیبا و همدم خود را بسان دیوهایی در خواب دیده و ازخواب پریشان گشته و مستحفظین و مراقبین درباری را مورد بازخواست قرار داده و آنها رااستنطاق می نماید.

کنیزکان درمقام دفاع برآمده و همه حضار، ازاین قضیه واهی به تعجب درآمده و انگشت بدهان نهاده و بی گناهی خود رانشان می دهند.

تصویر شیوه شیرازی و برداشت نزدیکی از مکتب چینی است و تزئینات قصر وارائه پنجره ها و دیوارهای آن. منقش و دقیق و پرآذین است ودر سردر ورودی به خط رقاعی نوشته شده: «فتح جهان را تو کلید آمدی»

در روی دو آجر پایین کف اطاق، رقم نقاش به خط فوق العاده ریزی دیده میشود که نوشته: «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۱»

اندازه‌این اثر گرانقدر ۲۸×۴۰ سانتی متر بوده و درکتابخانه چستربیتی مضبوط میباشد

۳- از آثار دیگر نقاش، تصویر میر سیّاف است که دست شاه راقطع کرده و زمین انداخته است.

منظره درختان و طراوت و سرسبزی گیاهان، و تصاویر نفرات، استادانه است. و در گوشه راست پایین تصویر، رقم و تاریخ دارد: «کمترین بندگان فرهاد ۸۸۲»

از دیگر آثاراین هنرمند که درحراج ۱۱ آپریل سال ۱۹۸۸ در حراجی ساتبی لندن به فروش رسید دو مینیاتور ازنسخه موزه هنرهای تزئینی تهران بود که روی صفحات یکی از آنها شماره ۵۹۸ جلب نظر می نمود.

دراین مینیاتور که دربالای صفحه این ابیات درج شده‌بود.

همی گرد میدان همی تاختند — بچوگان زرکوی می تاختند

★★★★★

فروماند حیدر زدیدن شگفت — بسوی شمامه نگه کرد وگفت

سواری میان سپاه اندرون — بیالا ز دیگر سواران فزون

سرنامور زیرزرین کلاه — سرو اندرانکشیده بماه

---

* فرهنگ شیرازی - نامش ابوالقاسم و چهارمین فرزند میرزا محمد شفیع وصال شیرازی است.

از آثار شناخته شده و آبرنگی این خطاط، تصویری درشاهنامه محمد قلی ایلخانی، مضبوط درموزه رضا عباسی تهران است که عمده تصاویر آنرا لطفعلی خان شیرازی مصور ساخته و تعداد انگشت شماری رانیز استاد فرهنگ و استاد محمد داوری به رشته نقش کشیده‌اند.

به گفته خود هنرمند، ازفن تصویر سازی اش، سخنی به زبان نیاورده و تنها در باره خود چنین نوشته‌است:

«بنده ضعیف میرزا ابوالقاسم فرهنگ است دررمضان ۱۲۴۲ هـ. ق. به عرصه وجود آمده خط نسخ نستعلیق و شکسته و تعلیق و نسبت و رقاع را می نویسد، شعری هم می گوید»

او بسال ۱۳۰۹ هـ. ق. و در شصت و هفت سالگی به درود حیات گفته و در شیراز مدفون شده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

عده‌ای کلاه درویشی بسرنهاده و براسب ها سوار شده وچوگان بازی می کردند، حیدر که‌از پشت کوه ها جلب نظر می نمود و نوراز سرش ساطع می گشت، سواراسب خود شده و با شمامه صحبت می نمود جوان دیگری که چوب چوگان رادردست داشت پشت سرحیدر دیده می شد و یك جوان سواره نیز درپشت سر آنها قرارگرفته بود.

ابر های مخصوص چین دومانی و دو تکه ابرطلایی نیز، درفضا جلوه زیبایی داشت.

نقاشی درکمال استادی بود و بسان سایر کارهای دیگر نقاش چشم آفین و ماهرانه عمل آمده بود.

● **فرهنگ اصفهانی در محمد علی فرهنگ اصفهانی آمده‌است**

۷۴۹ فضل ـ (نقّاش هندی)

نقاش شیرین قلم اواخر قرن ۱۰ هـ. ق هند بود که آثار زیبایش، درنسخه رزم نامه معروف جلب نظر می نماید.

شیوه کار فضل، ساده و مخصوص به خود بوده و از ابتکارات تازه‌ای نیز بهمراه داشت، او درخت هایی که در جمع تصویر می کشید، بسان این بود که ریشه‌ها بروی کاغذ دویده و بروی صفحه نقاشی دراز کشیده‌اند.

روی هم رفته کاراین هنرمند، شیرین و جالب بود و مزه واستواری خاص داشت و پیرو شیوه مغولی هند بود.

ازکارهای برجسته این هنرمند که با همکاری دوست هنرمندش هانومان و سایر نقاشان درباری تصویرگشته، نسخه مصور و معروفی به نام (رامایانا) است که حالیه، در Free Gallery of Art وشماره (3641) مضبوط بوده و در نوع خود پسندیده میباشد.

کتاب رامایانا که بوسیله عبدالرحیم خان خان خانان تنظیم شده، مدتی تحت نظر خطاط معروف ایرانی، عبدالرشید دیلمی که رئیس کتابخانه دربار شاه جهان بوده، قرا گرفته و چون حاوی مطالب ارزنده‌ای بود، بجا دانستم که مطالب مندرجه ذیل هامش نسخه را که به خط بسیار بد و ناخوانای عبدالرحیم خان خانان کتابت شده، رونویسی کرده بدیدار علاقمندان برسانم. واز طرفی مهر عبدالرشید دیلمی، که در همان زمان ها رئیس کتابخانه سلطنتی بوده، در کنار صفحه با سجع (بنده شاه جهان عبدالرشید دیلمی) جلب نظرمی نمود و چون امکان عکس برداری از مهر مذکور میسر نبود، بدین ترتیب سجع مهراستاد عبدالرشید را که خواهرزاده میرعماد معروف بود و در تاریخ خطاطی ایران یکی از مشاهیر نستعلیق نویسان بشمار میرفته، ازمجموعه خود برگزیده و متن آنرا بزرگ کرده و به هنردوستان تقدیم میدارم.

اینك مشخصات نسخه رامایانا که بدست عبدالرحیم کتابت شده است.

در قسمت بالا، مهر عبدالرشید دیلمی، با سجع (بنده شاه جهان عبدالرشید دیلمی) جلب نظر می نماید،

سجع مهر درتصویر شماره (۵) در صفحه (۹۳۸)

درقسمت پایین مهر مذکور، مطالب فرمان درج شده که چنین است:

والله اکبر. این کتاب که موسوم است به رامایان که از کتب معتبر هند است و احوال رام چند که از پادشاهان بزرگ هند است بوده و خوبی های صوری و معنوی او غریبه بوده که مظهر صفات الهی شده بود به التماس . . . هزار درویشان مفلوك هند بوده به آداب او را سرمهادتو می گویند تفاصیل او را صفات حسنه و اخلاق پسندیده و فتوحات عظیمه احوال او که دال باشد برعظمت حال او بیان می نماید. به حکم بندگان حضرت عرش آشیانی نقیب خان از سادات جلیل القدر این بوده و به مصاحبت و خدمت این شاهنشاه بلند مرتبه سربلند گشته مشرف و سزاوار گشته حسب الحکم از زمان سنس کر (سانسکریت) بر علوم هندسه به آن زبان تدوین یافته ترجمه فارسی نمود دینی مصر نام بهمنی بود که او معنی اسلاك میگفت و نقیب خان فارسی ترجمه می کرد. حسب الحکم آن

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پادشاه جم جاه دراین مواضع که دراین کتاب مصور که تصویر گردید بعد از اتمام آن این بنده پرورده مرحمت عبدالرحیم ابن محمد کرم عفی الله عنها التماس نمود که چون توجه اشرف به این کتاب می بینم نقلی دارم و از روی عنایت اجازه دادند و کاتبان و مصوران این نیك اندیش جهانیان تصویر و ترقیم نمودند و به این طریق که درنظر یاران حاضر است، درسال هزار و هفت به اتمام رسید و ابتدا ترقیم درنهصد و نود و شش شده بود، مجموع مجالس یکصدوسی و پنج مجلس، اوراق سیصد وچهل و نه ورق، اتمام درایام اهتمام مخلص مصاحب مولا شکیبی امامی رحمته الله به اتمام رسید.»

از آثار دیگراین نقاش، تصاویری درنسخه رزم نامه مشهوراست که چندین آثار، پر امتیازی در ذیل نسخه، به نقش کشیده و هنرخود را به استادی ظهور ساخته‌است.

۷۵۰- فضل الله - (میرفضل الله)

از سادات محترم حسینی اصفهانی بود و در ترسیم تابلوهای بزرگ مذهبی و شمایل های اسلامی، تبحر فراوان داشت.

از شیوه کار و قدمت تابلوهایی که از وی دیده‌ام چنین برمی آمد که این نقاش دراواخر قرن ۱۳ هـ. ق. حیات داشته و به نقش آثار مورد علاقه‌اش، مشغول بوده‌است.

در سه اثر گوناگون وی، که ابعاد بزرگتری نیز داشتند، یکی از آنها ترسیم وقایع روز عاشورا بود که تمام حوادث حزن انگیز، آن روز دردناك را، در جنب یکدیگر و صحنه های بزرگتر، مجسم ساخته بود، که ستودن داشت و رقم نقاش در یکی از آن تابلو ها چنین بود: «اقل السادات الحسینی میرزا فضل الله»

اثر مذهبی دیگر این نقاش که در مجموعه نگارنده‌است همان موضوع و وقایع روز عاشورا است که درابعاد ۴×۶ مترپایان یافته و درحد خود پرکار و تحسین انگیز بشمار می آید و در زیر نقاشی، به خط نستعلیق، رقم دارد: «اقل السادات الحسینی میرزا فضل الله»

۷۵۱- فضل الله (مذهّب وصحّاف)

درمعرق سازی و تذهیب و نقوش ابتکاری وتجلید استادانه نسخه های خطی و تعمیر و ترتیب صفحات آب دیده و ازبین رفته کتاب ها، مهارت استادانه‌ای داشت و صحاف باشی آستان قدس رضوی بشمار می آمد.

این هنرمند که در دوره مظفرالدین شاه قاجار می زیسته و چه بسا لقب صحاف باشی را نیز از آن پادشاه دریافت داشته، درفنون مختلف و مربوط به تزیینات و آرایش نسخه ها و مرقعات خطی دست پرمهارتی داشته و درزمان خود شهره بوده‌است.

۷۵۲- فضل الله عثمان (نقّاش عثمانی)

نام این استاد درمعیت دو شاگرد مخصوصش درذیل یکی از اسناد ارزنده عثمانی که درنقاشخانه مخصوص پادشاهی کارمی کردند، یاد شده و بدین ترتیب معلوم نموده است که این استاد هنرمند دارای شخصیت هنری والایی بوده که درنگارخانه پادشاهی کارمی کرده و هنر می آفریده‌است.

این سند قدیمی درآرشیو یکی ازکتابخانه های ترکیه بشماره ۲۳۹ ثبت گردیده و به نام (رئوس دفتر، باش وکالتی) یاد شده که در ماه ذیحجه سال ۹۸۹ ترتیب یافته که اسامی هشت نفر نقاش به علاوه استادان نامی دیگر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از قبیل ولیجان و ملا تفلیسی و ملاقاسم و بخصوص نام این هنرمند (فضل الله عثمان نقاش) درذیل آن دیده میشود.

برای اطلاعات بیشتر درباره‌این سند قدیمی، می توانید به احوال (محمد بیك) دراین کتاب مراجعه فرمایید.

۷۵۳ـ فضل الله اصفهانی

به روایت و تعاریف استاد حسین بهزاد، مینیاتور ساز معروف قرن حاضر، استاد فضل الله نقاش پدر وی بوده و به نقاشی و قلمدان سازی، درشهر اصفهان اشتغال داشته‌است.

متأسفانه به‌احوال بیشتر این هنرمند واقف نبوده و آثاری نیز مشاهده نکرده‌ایم.

۷۵۴ـ فضل الله دیوانه

بالقب دیوانه که در ذیل آثار بجامانده خود به دنبال فضل الله علاوه می نمود، این تصور پیش می آید که یااین نقاش دیوانه بوده و یا اینکه به علت درویش مسلکی و قلندری و احیاناً ارائه تصاویر غیرمعمولی که درآن زمان ها باب روز نبوده، به نام دیوانه معرفی گشته است.

این نقاش در شیوه استاد سیاه قلم، و استاد شیخی نقش تصویر می نمود که شباهت زیادی به شیوه اویغوری و چینی داشته و احیاناً با ابتکارات نو آوری نیز همراه بوده است.

استاد فضل الله، در زمان حکم روایی سلطان خلیل (۸۸۳ تا۸۸۴) و سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۴ ـ ۸۹۶) که درآذربایجان حکومت داشتند فعالیت هنری داشت.

و پس ازسال ۹۰۷ هـ. قـ. که حکومت آق قویونلوها، درجنگ شرور، بدست شاه‌اسمعیل صفوی، از بین رفت، به‌جمع هنرمندان تبریزی پیوست و در دوران شاه اسماعیل صفوی نیز، از هنرمندان دربار صفوی بشمار آمد.

از چند اثر ساخته شده این نقاش که در دست است معلوم میدارد، در جانورسازی دست پرقدرتی داشته و بسان یك دانشمند جانورشناس، از روی ظاهر حقیقی حیوانات نقاشی کرده و بسان طبیعت بروی بوم ظاهر ساخته است.

یکی ازاین آثار، جمع سرها و کله‌های حیوانات و نقوش انسان ها و سرو کله و حرکت دست های آنها است که با دقت و تیز بینی، شبیه سازی کرده و بخوبی از عهده برآمده‌است.

دراین آبرنگ، کله های سگ ـ میمون ـ کفتار ـ روباه ـ اسب ـ گراز ـ خرگوش ـ قوچ ـ عقاب و سروکله یك دیو، درشیوه استاد محمد سیاه قلم، ترسیم نموده و دقت و ابتکار خود را در جانورسازی به منصه ظهور رسانده‌است.

اثر دیگر نقاش، تصویر کله و صورت چند نفر، با کلاه‌های گوناگون و در تصویر تمام قد، از هیکل اشخاصی، با شیوه خاصی است که در بین این نقوش نیز، تصویر آرایش اسلیمی و گل ها و برگ های تزئینی، علاوه نموده و به خط نستعلیق رقم نهاده: «عمل فضل الله دیوانه»

این آبرنگ که دراندازه ۳/۲۴×۳/۳۵ سانتی متر، ترتیب یافته، جزو مرقع شماره H2160 موزه توپ قاپوسرای ترکیه، قرار گرفته و یکی از آثار امضادار نقاش، بشمار میآید.

سومین اثراستاد فضل الله، که عکس آن نیز درکتاب های چاپی منتشر گشته، تصویر زن و مرد چینی است که با آرایش والبسه چینی، مصور شده و شبیه کارهای استاد محمد سیاه قلم و استاد شیخی می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دراین ابرنگ، زن ومرد، هریك كلاه مخصوصی بسرنهاده و زن جوان، صراحی شراب بدست گرفته و به پیاله ریخته و به مرد جوان تعارف می نماید.

در افق پشت سر، تپه‌ای دیده میشود و چند گل و گیاه و یك درخت خشكیده، و یك شاخه گل رنگی، درسطح زمین جلوه‌گر میباشند، مرد جوان، كه رزم آور جوانی بنظر میرسد، یك دست به قبضه شمشیر برده و با دست دیگر، گرز سنگینی رابه زمین تكیه داده و روی گردی گرز، رقم دارد: «عمل فضل الله دیوانه».

۴ـ دیگراثر استاد كه درموزه توپ قاپوسرای قرارگرفته، تصویر مرد قوی هیكلی است كه كلاه پردار و بلندی بسر نهاده و البسه كلفتی بتن كرده است. در طرفین وی، دو زن جوان و زیبا كه آنها نیز كلاه مخصوصی بسر گذاشته و البسه چینی بتن كرده‌اند دیده میشوند. صورت ها و آرایش تصویر ها، بعینه، شبیه زیبا رویان چینی و شیوه سیاه قلم آمده و در گوشه بالا رقم دارد: «كارفضل الله دیوانه».

۷۵۵ـ فضل علی (آقا فضل علی)

نام این هنرمند رادر جایی ندیده و از آثار رقم دارش نیز تاكنون مشاهده نكرده‌ام.

تنها سندی كه از این مرحوم یاد كرده، قباله ازدواج پسرش آقا ابوالحسن است كه به دامادی آقا نجف مفتخر گشته و صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف را به عقد و نكاح خود درآورده‌است.

در این قباله پرارزش كه تفصیل آنرا در احوال آقا نجف نقاشباشی به تفصیل بیان داشته‌ام، پدر و داماد را چنین توصیف نموده‌است.

«... فیمابین عالیشان رفیع مكان عزت و سعادت توامان آقا ابوالحسن مرحوم و مغفور آقا فضل علی نقاش».

با این مندرجات معلوم می گردد كه استاد فضل علی، نقاش صاحب امتیازی بوده و چه بساز همكاران و یا از منسوبان صمیمی آقا نجف بشمارمی آمده و درنتیجه رفاقت ها و قرابت ها، پسرش آقا ابوالحسن به افتخار دامادی آقا نجف، مفتخر گشته‌است.

دیگراز فرزندان فضل الله نقاش، شخص دیگری به نام محمد علی است كه جزو شهود عقد نامه بوده و نام وی چنین درج شده است. (آقا محمد علی ولد مرحوم آقا فضل علی)

۷۵۶ـ فضل علی (شاگرد معین مصوّر)

شاگرد معین مصور نقاش شیرین قلم اواخر قرن ۱۱ هـ.ق. است.

این هنرمند درشیوه رضا عباسی و معین مصور تصویر میساخت و در زمان خود از معاریف تصویر سازان بشمار می آمد.

استاد فضل علی درچهره سازی و منظره پردازی و ترسیم مجالس بزمی و رزمی قوی دست بود و با ارقام «رقم كمینه فضل علی» و یا با سجع «ز عصیان امیدم به فضل علی است» امضاء می نهاد.

عمده آثار این استاد، تصاویری در نسخه شاهنامه موزه متروپولیتن نیویورك است كه بسال ۱۰۷۹ هـ.ق. و به خط ابن شمس الدین شیخ محمد، فرجام پذیرفته است.

این كتاب كه با همكاری نقاشان بنام آن دوره، از قبیل محمد زمان و علی نقی بن شیخ عباسی و پیر بیك غلام (آقاتویان) مصور شده، هیجده اثر رقم دار از فضل علی دارد كه بین سال های ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۹ به‌عهده نقش درآمده است.

یكی از این آثار، تصویر حضرت خضر است كه با صلابت مخصوصی، بروی قاطر سوار شده، و نور عظمت و والاتباری، ازسرش ساطع میشود. اسكندر و همراهان وی، كه برای یافتن آب حیات، در تلاشند،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دنبال حضرت روان می باشند. چهره نفرات و البسه‌افراد و لطافت مناظر استادانه است. روی درخت تنومندی که در بالای کوه دیده می شود، رقم دارد: «رقم کمینه فضلعلی»

۲ـ از آثار رقم دار دیگر وی، نقش بهرام گور است که دیوی را به وسیله تیر و کمان به قتل میرساند. جماعت همراهان و منظره دشت و دمن خوش نقش و پرمایه است.

در قسمت بالای نقاشی و درکنار درخت انتهایی، بخط ریزی رقم دارد: «رقم فضل علی»

۳ـ دیگر ازآثار امضاءدار این نقاش، که در حراج ۹ جولای سال ۱۹۷۹ حراجی ساتبی بفروش رسید، تصویر دختر فتان و دلربایی بود که درشیوه صفوی انجام یافته و درنوع خود بسیار پرحالت بود.

صورت زن جوان بسیار شاداب و شیرین بود و کلاه جیقه‌ای مروارید دوزی، بسر داشت. دختر مزبور که روی صندلی مخصوصی نشسته بود، دفتری بدست گرفته و ورق میزد.

ساق پاها درکمال برازندگی بود و انگشتان پا، ازروی جوراب مخصوص دیده میشدند، درسطح زمین دو شاخه گل نزئینی بلند، جلب نظر می نمود و سجع مخصوص نقاش، در قسمت بالایی تصویر چنین بود: «ز عصیان امیدم به فضل علی است».

۷۵۷ـ فغانی

به‌نوشته امیرعلیشیر نوایی در مجالس النفایس ـ میرسعید گویند ـ فغانی تخلص می کرد و درمجلدی و نقش بندی با وقوف است، واقعاً هنرمندی بی مثل است، اما خیال خوش طمعی اوراپریشان دارد.

وبه‌نوشته حکیم شاه محمد قزوینی ـ مولانا فغانی پسر میرسعید گوینده‌است ومجلدی خوب است و درنقش بُری نظیرندارد، و باوجود کثرت فضایل ازکثرت طمع در فضله دنیای دنی اکثر اوقات خود راپریشان دارد.

۷۵۸ـ فقیرالله مصوّر

نام اصلی اش محمد فقیرالله خان بود و در مکتب مغول و شیوه و دیار هند نقش میساخت و در اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. در آن ولایت زندگی می نمود.

این نقاش در چهره سازی و منظره پردازی صاحب قلم بود و در جانورسازی نیز قلم شیرین داشت. از آثار رقم دار این نقاش که در شیوه دکنی انجام یافته بود، مجلس جلوس ملکه جوانی بروی بارگاه سلطنتی بود، که در وسط باغ مفرح و سرسبزی تشکیل یافته و دو مستخدمه زیبا، در خدمت حاضر بودند.

نقاشی در کمال شیوایی بود و در روی دوشك تخت سلطنتی، رقم داشت: «فقیرالله»

۲ـ ازآثار دیگر هنرمند، تصویراسب خوش تراش و زیبایی بود که سزاوار تحسین بود و رقم داشت: «عمل فقیرالله»

---

*فکری ددهـ نقاش و عاج ساز قرن عثمانی بود و در مشبك سازی ید طولایی داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند که در نمایشگاه چستربیتی لندن دیده ام قط زن عاجی بود که درکمال استادی مشبك شده و رقم داشت: «یا حضرت مولانا جلال الدین روحی قدس ـ فکری دده»

---

* فواد ـ طغرا کش دقیق نگار و خطاط و طراح اواسط قرن ۱۳ عثمانی است.

از این هنرمند اثر طغرایی استادانه‌ای دیده‌ام که سوره «اعوذ بالله» را در شیوه طغرائی و شانه‌ای، از عاج سخت عمل آورده و با دقت و موشکافی تمام آنرا پرداخت نموده بود و در گوشه طغرا رقم داشت: «فواد ۱۲۳۲»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳ـ از دیگر آثار این هنرمند که در حراج ساتبی لندن در روز ۱۱ اکتبر ۱۹۸۸ بفروش رسید، تصویر شاهزاده جوانی، بنام نواب امیرخان بود که با البسه پرزیب و زینت ملبس شده و کلاه سلطنتی پرداری بسر نهاده و معشوق خود را بغل گرفته و راز ونیاز مینمود.

مستخدم کم سن و سالی که موهای بلندش بروی دوش هاریخته بود و سینی بدست گرفته آماده خدمت بود.

حالت نفرات و زیب و زینت البسه و سایر تزئینات ساختمان، به نازك قلمی انجام پذیرفته و در بالای درب ساختمان، درج شده بود، «عمل فقیرالله مصور» و در زیر آب و رنگ، نوشته شده بود «نواب امیر خان». اندازه ۱۲۴×۲۰۹ میلی متر.

۷۵۹ـ فهیم

بردارندیم، هنرمند قرن ۱۸ م. هندی است که در دربار خانخانان به عزت واحترام می زیسته و بخلق آثار شیوا مشغول بوده است.

بعید نیست این هنرمند نیز، در مصور ساختن نسخه رامایانا، که مشخصات آنرا دراحوال (فضل) یاد نمودام، دستی داشته و در خدمت خانخانان، به نقش تصویر سرگرم بوده‌است.

۷۶۰ـ فیّاض (سید علی)

شاعر و نقاش گمنام شیرازی بود و در نقاشی بصیرت داشت.

از آثار بجامانده این هنرمند، کتاب تاریخی قطوری بود که به بحر تقارب نظم نموده و مجالس تصویر آنرا نیز، بشخصه به عهده نقش کشیده بود، فرصت شیرازی درآثار عجم خود، از آشنایی بااین پیرمرد خوش ذوق و قریحه به تفضیل یاد نموده که چنین است:

«اسمش سید علی درشهر جهرم به شغل عطاری مشغول است در جوانی که فقیر آنجا بود به مرافقت شخصی بدیدنم قدم رنجه فرمود، قدری صحبت نمود، پیرزنده دل ظریفی است روزی به محضر خویشم خواند، کتاب کبیری پیشم نهاد مشتمل برصد هزاربیت تاریخ از عهد آدم الی حال به بحر تقارب منظوم فرموده بود و مجالس تصویر آنرا نیز خود صورتگری نموده بود، اظهار داشت که این کتاب را مطالعه نما، بعض اشعارش رااصلاح فرما، گفتم مولانا دراین سرزمین دو روزی بیش نخواهم بود، و به مدت قلیل، تحمل این زحمت کثیر، نتوانم، نمود، پس برخاست، صفحه تمثالی که خود بجامه صنعت کشیده بود آورد، سپس ازهرگونه رنگی که نقش ونگار را بکارآید پیشم نهاد، و قلمی که لازمه صورتگری است بدستم داد که پیکر این تمثال را جامعه تعلیمی درپوشان، مسئوولش را مضایقت ننمودم کمری بخدمت بستم، قلمی به صنعت گشودم رنگی آمیختم طرحی ریختم نقشی نگاشتم نزدش گذاشتم، پس گفت چه باشد که غزلی مناسب دراطراف این به نگاری، اجابت کردم»

آن غزل شانزده بیت بود که آخرین بیت آن چنین است:

فرصت چه کشیدی، ببرش جامه رنگین گلناریش ازخون دل زار کشیدم

۷۶۱ـ فیض الله (مذهّب عثمانی)

مذهب شیرین دست و نازك قلم عثمانی بود و درحرفه خود مهارت داشت.

ازآثار پرکارو زیب افزای این هنرمند، تذهیب قرآن خوش نقشی دیده‌ام که درکمال زبردستی تذهیب شده و به انواع واقسام شیوه تذهیب کاری، ترصیع گشته بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این قرآن که بخط زیبای عثمان المعروف بشاکر و درسنه ۱۲۱۶ هـ. ق. کتابت شده بود، در بطن تذهیب و صفحه آخر، رقم داشت: «به ید فیض الله مذهب»

۷۶۲- فیض الله (نقّاش هندی)

ازاهالی فیض آباد هند بود و دراواخرقرن ۱۲ هـ. ق. درآن ولایت به تصویر سازی اشتغال داشت. این هنرمند، در ترسیم صحیح نقوش عمارات و باغ های مشجر وپر گل و ریحان و آرایش و پیرایش قصور و ساختمان ها، دست دقیق نگارداشت و تمام جزئیات اثر را، بروی کاغذ ظاهر می ساخت بغیراز مراتب بالا، در چهره پردازی و مجلس آرائی و جانور سازی نیز شیرین قلم بود و آن صحنه ها را نیکو عمل می آورد و پیرو شیوه مغولی هند بود.

از آثار منسوب این هنرمند، تصویر قصر پر تجمل وزیبایی بود که عمارات و قصور متنوع آن، در بین باغ پرگل و باطراوتی، محصورگشته واز هرنظر ستودن داشت.

صاحب خانه، که گویا از شاهزادگان معروف هندی بود، با معیت دوستان و محارم خود، درصحن باغ نشسته و به صحبت و مذاکره سرگرم بودند.

نمای قصر و حلاوت و آرایش گل ها، وارائه چهره های شاداب و پرحالت نفرات، استادانه بوده و معرف هنرمندی نقاش بشمار می آمد.

۷۶۳- فیضی هروی

اهل هرات و نقاش گمنام اوایل قرن ۱۰ هـ. ق. است.

نویسنده مجالس النفایس ازاین هنرمند بهاختصار یاد کرده وچنین نوشته است: «مولانا فیضی هروی است و نقاشی نیکو ست.». از آثار رقم دار و یا منسوب وی ندیده‌ام.

---

* فیلیپ - یکی ازنقاشان تصویر ساز دوره شاه عباس بود، که به همراه هنرمند دیگری بهنام انجل، به ایران آمده و تصاویری از مناظر ایرانی را مصور ساخته است.

دیگراز هنرمندان اروپایی که در سنوات مختلف به ایران آمده، و از مناظر و بناهای قدیمی و صورت پادشاهان و رجال معروف ایرانی تصویر سازی کرده اند، جهت ثبت نامشان، درتاریخ هنری ایران، بهاختصار معرفی میشوند.

۱- «ژول» نقاش یونانی بود که در دربار شاه عباس کبیر به خلق آثار هنری اشتغال داشت و ازمشاهیر نقاشان بشمار می آمد

۲- «لوکاس وان هاسولد» نقاش اهل هلند بود کهدرزمان شاهعباس اول به استخدام دربار درآمده و باژول نقاش یونانی همکاری مینمود.

۳- «لوکار» و «آنژل» دو نقاشی بودند که ازطرف نماینده شرکت هلندی، در زمان شاه عباس دوم به کارگماشته شده، و مأمور تصویر سفرا و اروپائیان مشهور در کاخ چهلستون اصفهان بودند که حالا شناخته نمیشوند.

۴- «سی لوبورن» یکی از نقاشان هلندی است که درزمان شاه سلطان حسین صفوی بهایران آمده و بخلق آثار هنری مشغول بوده‌است.

۵- «جوست لامب» نقاش هلندی در اواسط قرن ۱۷ به ایران آمده و تصاویر بعضی ازرجال و شاهزادگان راتصویر نموده‌است.

۶- «جان لوکاس هلت» دراوایل قرن ۱۷، به اصفهان آمده و بحضور شاه صفوی بار یافته‌است.

۷- سیاح و نقاش هلندی، بنام «کرنلیوس دوبروین»، کهاز شهر لاهه هلند در ۱۴ رجب سال ۱۱۱۵ هـ. ق. به اصفهان رسیده و تصویری ازشاه سلطان حسین صفوی را، در سی وپنج سالگی کشیده که در مطبوعات ایرانی نیز عکس آن بچاپ رسیده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حرف

﴿ق﴾

۷۶۴ـ قاسم (رسّام و نقّاش)

طراح و نقاش و حکاك بروی فلزات سخت بود و در این کارها، تردستی برازنده‌ای داشت.

ازآثار امضادار این هنرمند، قوری برنجی بزرگی، در شکل گنبدی بود که حوالی و کناره‌های آن، تصاویر گوناگون داشت که به نازك قلمی، نقش یافته بودند.

درترنج های منظمی که در رویه بدنه قوری، احداث گشته بود، تصاویر حیوانات گوناگونی ازقبیل شیر وگوزن وروباه جلب نظر مینمود که بااسلیمی های متنوع و نقوش دیگر، آذین گشته و رقم نقاش در رویه دسته محکم و زیبای قوری، چنین بود: «عاقبت خیر باد ۱۰۱۱ ـ بنده شاه ولایت قاسم»

۷۶۵ـ قاسم (عراقی)

نقاش وطراح قرن دهم هجری قمری بود و از شاگردان سلطان محمد نقاش بحساب می آمد. مصطفی عالی، در کتاب خود از او تعریف کرده و درباره وی چنین نوشته است:

«از زمره طراحان مشهور آفاق قاسم عراقی است که از شاگردان سلطان محمد سابق الذکر است»

ولی برخلاف گفته مصطفی عالی، علاوه بر اینکه شهره آفاق نبوده، تاکنون نیز اثر امضادار و یا منسوبی به این هنرمند ارائه نگشته و بعید هم نیست که در زمان خود، از مشاهیر طراحان بشمار می آمده است.

---

* قاراپت بیکری ـ مذهب نسخه مصوری اززندگی حضرت مسیح بود که معلوم نیست از ارامنه ایرانی بوده یا عثمانی. ازآثار تذهیبی این مذهب، نسخه‌ای در حراج ساتبی ۲۲ آپریل ۱۹۸۰ لندن بفروش رسید که عکس رنگی و سیاه و سفید آن در کاتالوگ مربوطه چاپ شده و اطلاعاتی نیز از نسخه و تاریخ آن که حدود قرن ۱۵ میلادی فرجام پذیرفته بود درج نموده که علاقمندان را به مطالعه آن راهنمایی مینمائیم.

---

* قاسم آقا تبریزی ـ حاج میرزا قاسم، از اهالی تبریز و مقیم مصر بود و در صنعت تذهیب و آرایش خطوط و طغرا نویسی و جمیع خطوط شش گانه، دست پر قدرتی داشت و استادانه به فرجام می رسانید. این هنرمند بسال ۱۲۹۲ هـ. ق. دراسکندریه فوت کرده و همانجا مدفون گشته‌است.

---

* قاسم بن عبدالله نقّاش عثمانی ـ تنها به استناد فرمان معروفی که جهت نقّاشی به نام محمد بن شیخ بایزید، مشهور به بابا نقّاش، که احوال وی و همچنین ماحصل فرمان رادر جای خود یاد کردهام، می شود باورداشت که نقّاشی بااین نام، درآن زمان ها حیات داشته و احیاناً با بابا نقّاش نیزهمکاری می نموده‌است، این فرمان در زمان سلطان محمد دوم و تاریخ ۸۸۰ هـ. ق. صادرشده و نام نقّاش نیز جزو شهود ذیل فرمان، یاد شده و چنین درج شده‌است: «قاسم بن عبدالله النقّاش»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۶۶ـ قاسم (مذهّب)

مذهب نادره کار ایرانی است که حدود سالیان ۹۵۵ هـ. ق. به همراه میر سیدعلی و خواجه عبدالصمد شیرین قلم و سایر هنرمندان ایرانی، جلای وطن گفته و به دعوت همایون پادشاه هندی، به هند رخت برکشیده و جزو مذهبان عالی مقام کتابخانه سلاطین هندی گشته‌است.

این هنرمند در دربار اکبری نیز احترام و شخصیت والایی داشته و همیشه در معیت میر سیدعلی و عبدالصمد شیرازی و دوست مصور ملتزم رکاب شاه بودند.

۷۶۷ـ قاسم (نقّاش دوران صفوی)

نقاش زبانگار اوایل قرن ۱۱ هـ. ق. است که به احوال وی آگاهی نداریم.

نویسندگان و هنرشناسان اروپایی این نقاش را با شاه قاسم خطاط یکی دانسته و تصاویر نسخه خمسه نظامی را که به خط شاه‌قاسم کتابت شده، اثر تصویری این خطاط دانسته و او را به نام نقاش نیز قلمداد نموده‌اند.

در صورتی که این خطاط، نقاش نبوده و در هیچ یك از تذکره‌ها و اسناد بجا مانده نیز هنر نقش آفرینی وی، معرفی نگشته و حتی یك نمونه تصویر نیز با رقم «شاه‌قاسم» دیده نشده است.

عمده شرح و احوالی که از هنرمندی به نام «شاه قاسم» درآثار بجا مانده خطاطی ایران، جزو ارقام مندرجه ذیل دیده میشود، با درج جملاتی از قبیل: «در کتابخانه نواب مستطاب معلی القاب خانی عالیشانی منبع الاحسانی حسن خان شاملو... فی سنه ۱۰۲۸» با رقم شاه قاسم.

«در کتابخانه نواب نامدار خانی عالیشاه منبع الاحسانی کیوان وقاری حسن خان شاملو قورچی شمشیر...» با رقم شاه قاسم.

«حسب الامر نواب نامدار عدالت شعار سلطان بیرام علی چکنی تحریر یافت... سنه ۱۰۰۲» با رقم شاه قاسم.

«بدارالسلطنه هرات حسب الامر نواب بیرام علی چکنی نوشته شد» با رقم شاه قاسم.

نام هنرمند و مختصر احوالی، که برای چه افرادی خدمت میکرده، ارائه شده و در تمام آن آثار نیز، خود را شاه‌قاسم خوانده و به تصویرگری خود اشاره‌ای ننموده است.

بدین ترتیب میشود این حدس را زد که این هنرمند در بدایت حال و سنوات ۱۰۰۲ و در شهر هرات به خدمت سلطان بیرام علی چکنی اشتغال داشته و پس از آن و حدود سالیان ۱۰۲۸، در دربار حسن خان شاملو پسر حسین خان، که امیرالامرای خراسان بوده، عهده‌دار وظیفه خطاطی گشته و در صنعت نقاشی نیز دستی نداشته واثر رقم داری را که به نام «شاه‌قاسم» امضاء کرده باشد، دیده نشده است.

پس معلوم میگردد، این هنرمند، استاد دیگری به غیر از شاه‌قاسم بوده و در آثار بجا مانده‌اش نیز، تنها به لفظ ساده قاسم اکتفا کرده و ذیل آنها قید نموده است.

این استاد شیوه آقامیرکی و گرفت و گیر را خوب میدانست و نیکو عمل می آورد، در شبیه‌سازی و ارائه صورت ها و حالات گوناگون افراد، صاحب مایه بود و رنگ ها را بتوازن می آراست.

استاد قاسم، علاوه بر هنر تصویرگری خط نستعلیق را نیز خوش می نوشت و شاید یکی از دلایلی که او را با شاه قاسم خطاط یکی دانسته‌اند، رقم نستعلیق خوشی است که در ذیل یکی از آثارش مشاهده شده و معرف هنرمندی وی، در صنعت خط گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از این هنرمند، دو اثر پرمایه‌ای در نمایشگاه نوامبر سال ۱۹۸۳ بریتیش میوزیوم دیده‌ام که هر دو اثر استادانه عمل آمده و در حد خود ستودنی بودند.

یکی از این آثار، ساختن سد یاجوج بوسیله اسکندر بود که در متن شاهنامه‌ای قرار داشت و در موزه مزبور بشماره ۸۶ به نمایش بود.

این نسخه که جمعاً ۸۹ مینیاتور داشت و تاریخ کتابت آن سال (۱۶۱۶ م ۱۰۲۵ هـ) بود، یکی از آثار استاد قاسم را در برداشت که شرح مختصر آن چنین است.

در این اثر زیبا که موضوع آن ساختمان سد یاجوج بود، بنای سدی را بین دو کوه نشان میداد که کارگران بکار اشتغال داشته و چند سرپرست کار آنها را نظارت می نمودند.

در رویه دیوار، بنایی نشسته و عمله‌ای بروی نردبان ایستاده و مصالح مورد لزوم را به بنا میداد.

در گوشه دیگر، کوره آهنگری بود که گویا برای تهیه سرب مذاب و یا سایر مصالح فلزی دیگری تعبیه گشته و رقم نقاش به خط نستعلیق زیبا و بروی کوره آهنگری، چنین بود: «عمل قاسم»

اثر مزبور که به نازك قلمی و انتخاب رنگ های مناسب و حالات گوناگون به استادی تصویر شده بود، مبین قدرت قلم نقاش بشمار می آمد و ستودن داشت.

۲- دیگر اثر شیوای این هنرمند را که در نمایشگاه مذکور از نزدیك دیده‌ام، منظره پرحلاوت و باقدرت گرفت و گیر شیر واژدهائی بود که درشیوه آقامیرکی تصویر کرده و به استادی از عهده برآمده و بخط ریز رقم گذاشته بود: «عمل قاسم»

۳- سومین تصویر رقم دار این هنرمند، تصویر سلطان مراد عثمانی بود، که عمامه مخصوصی بسر گذاشته و لباس آبی گمرنگی پوشیده و باز شکاری پرمهابتی را بدست گرفته و رقم داشت: «سلطان مراد - عمل قاسم»

تصویر این شبیه سازی، بروی جلد کلیات سعدی که به زبان فرانسه چاپ شده، دیده میشود.

دلیل واضح دیگری که شاه‌قاسم خطاط، نقاش نبوده، همین چند آثار بجا مانده نقاش و خطاط هم نام وی میباشند که در جمله آثار بجا مانده خطاط، امضای «شاه قاسم» و در همه تصاویر نقاش، رقم «قاسم» دیده شده و حتی در یك مورد نیز استثنائی، نداشته است.

۷۶۸- قاسم (نقاش و کتیبه نویس)

نقاش و کتیبه نویس گنبد طلایی بارگاه حضرت رضا علیه‌السلام است که در عصر شاه سلیمان صفوی مجدداً تعمیر و تزیین شده و نام این هنرمند نیز در ذیل کتیبه‌ای دیده میشود.

گنبد استوانه‌ای و طلائی بارگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام که در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده ساخته شده و تزئین گشته بود، بسال ۹۳۲ هـ. ق.، بدستور شاه طهماسب صفوی، کاشی های ساده آن کنده شده و خشت های طلایی قیمتی جایگزین آنها گردید.

متاسفانه این آثار، در زمان هجوم عبدالمومن خان از بین رفت و غارت شد و شاه عباس دستور داد که گنبد مذکور را بسان عیار اولیه تذهیب نمایند.

در دور گنبدها، کتیبه نفیسی وجود دارد که در داخل چهار ترنج آن، عباراتی بوسیله علیرضا عباسی نوشته شده که ماحصل آن این است که شاه عباس کبیر تزئین گنبد را در سنه ۱۰۱۰ آغاز کرده و در سال ۱۰۱۶ به پایان رسانده است.

تزئین و بنایی گنبد بارگاه مذکور که در سنه ۱۰۱۶ پایان یافته، عمل کمال الدین محمود یزدی و زرگر آن استادی به نام محمد باقر است که رقمش چنین است:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«که باشد زرگر این قبهٔ خضرای نورانی محمد باقراب حاجی زمان استاد صلّانی»

پس از حدوث زلزله‌ای که بسال ۱۰۸۶ اتفاق افتاد، در عصر شاه‌سلیمان صفوی، گنبد مزبور، مجدداً تعمیر و تزئین شد و به نام همین استاد قاسم که نقاشی و آرایش گنبد را بعهده داشت، درکتیبه ای نصب گردید که چنین است.

«کرده نقاش در این صفحه رقم عمل قاسم فراش حرم»

۷۶۹ـ قاسم بیک تبریزی (مجلّد و مذهّب)

صحاف خوش دست و سوخت ساز نازك نگار و طراح و نقاش تصاویر، بروی جلدها بود و در اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. در ولایت تبریز سکونت داشت.

مصطفی عالی افندی در کتاب خود، به اختصار از مجلدان ایرانی نام برده و میرحسین قزوینی را استاد قاسم بیك تبریزی دانسته است، و از شاگردان بنام قاسم بیك تبریزی، میرزا بیك تبریزی را شناسانده که پسرش محمد زمان تبریزی و قاسم علی مجلد نیز، از شاگردان خود میرزا بیك بوده‌اند.

قاضی احمد منشی در گلستان هنر از این هنرمند، تعریف نموده و چنین بیان داشته است:

«مولانا قاسم بیك تبریزی صحاف بی بدل و مجلد بی عوض بود و چنان در آن امر نادر و قادر بود که اوراق فلك را شیرازه بستی و ایام روزگار را شغره کشیدی، کنجهای کارش مانند انجم بودی و ترنج کارهایش چون خورشید نمودی، بسیار دوریش و فانی بود، بعد از فترت رومیه شومیه و تخریب دارالسلطنه تبریز به عراق آمده و در دارالسلطنه قزوین ساکن شد و بصحافی اشتغال داشت و آخر اراده توطن دارالارشاد اردبیل کرد، قاید توفیق رفیق نگشت و به مصدوقه و ماذاتدری بای ارض تموت در سنه الف در دارالسلطنه قزوین بهجوم طاعون رحلت نمود، علیه‌الرحمه من الله الودود»

۷۷۰ـ قاسم پاشالی حافظ

به اسم حافظ قاسم نامیده می شد و از مذهّبان و طلاکاران قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی بشمار می آمد.

از آثار پرکار و هنرمندانه این استاد، قرآنی در کمال امتیاز دیده‌ام که سرلوح ها و سرسوره‌ها را، به استادی و تذهیب همه انواع شیوه‌های طلاکاری، بنازك قلمی مذهّب نموده و رقم نهاده بود: «ذهبه حافظ قاسم ۱۱۹۰»

۷۷۱ـ قاسم علی چهره گشای

چهره‌گشای نادره کار و استاد چابکدست و پرمهارت اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ هـ. قـ. است.

قاضی احمد منشی در گلستان هنر، وی را از نقاشان مشهور خراسان در زمان سلطان حسین میرزا معرفی کرده و در مورد وی چنین ابراز داشته‌است:

«مولانا قاسم علی چهره‌گشای نقاشی را در کتابخانه امیرکبیر علیشیر کسب نموده و بسبب تعلیم ایشان گوی سبقت را از اقران ربوده و پیوسته در ملازمت امیرکبیر کمر خدمت بسته»

قاسم علی از زبده‌ترین شاگردان بهزاد بود و در ترسیم بعضی از آثار بی همتای بهزاد، شرکت می جست.

حیدر دوغلات در تاریخ رشیدی و ضمن ارائه و احوال بهزاد، عده‌ای از شاگردان وی، از جمله به قاسم علی اشاره کرده و چنین نوشته است:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«بهزاد وی مصور استادی است . . . بعد از خواجه عبدالحی و شاه مظفر، دیگر این بهزاد است و بعد از ایشان الی یومنا هذا، مثل ایشان دیگری پیدا نشد، این دو تربیت یافتگان امیرعلیشیرند، قاسم علی چهره‌گشای وی شاگرد بهزاد است، کارهای وی قریب با بهزاد است و در همه اسلوب کسی که ممارست بسیار کرده باشد، در می یابد که کارهای قاسم علی درست تر است نسبت به کارهای بهزاد، واصل طرح وی بی اندام تراست و مقصود، دوم قاسم علی است و شاگرد بهزاد، قلم او هیچ کمی از قلم قاسم علی ندارد، اما اصل طرح و پرداخت وی، نسبت به قاسم علی، خام است.»

قاسم علی در مکتب هنری هرات اولین کسی است که آثار وی با استادش بهزاد شبیه و هم شیوه بوده که غالب هنرشناسان، آثار وی را با تصاویر استاد بهزاد اشتباه کرده و از آن استاد بهزاد دانسته‌اند.

علت دریافت لقب چهره‌گشایی مؤید این حقیقت است که در جمله رموز نگارگری و بخصوص در امر چهره‌پردازی و شبیه‌سازی، قدرت قلم والایی داشته و به چهره‌گشایی ملقب گشته است.

این استاد در ترسیم مجالس گوناگون و چهره‌پردازی و شبیه‌سازی قوی دست بود و کوه و دشت و دمن و گل و گلزار را شیرین و پرحلاوت میساخت.

نقوش طلایی و پرآذین وی، که در متن بعضی از تصاویر خود بجای نهاده، معرف استادی و نشانه خبرت و بصیرت وی، در امر تصویرسازی است.

امیر علیشیر نوائی، قاسم علی را بسان فرزندی دوست میداشت و همیشه او را مورد محبت و رعایت پدرانه خود قرار میداد. در چهره‌پردازی و ارائه حالات افراد و تزیین و آرایش البسه و انتخاب و بکاربرد صحیح آنها، با وسواس بود.

مخصوصاً درمجمع الشعرایی که بسال ۸۹۰ و در نسخه امیر علیشیر نوایی، ارائه داده و شعرای باستانی ایران را، بمدد حدس و قیاس تصویر کرده مؤید استادی وی بوده و بیننده را بی اختیار به تحسین و تمجید واداشته است.

این هنرمند، درآرایش و پیرایش عمقی صحنه ها، با ابتکار بود و تذهیب و تشمیر و حل کاری را نیز نیکو میدانست. در مناظر و مرایا به برداشت و ذکاوت هنری خود تا حدی وارد بود و در ترسیم قصور و عمارات پرجلال و ترسیمات هندسی دقیق و منظمی که انجام میداد، لیاقت وحدّت قلم خود را برملا میساخت. به روایت غیرمستند گویا این هنرمند به حج رفته و هنرمندی دین دار و صاحب عقیده بوده و عربی را نیکو میدانسته است.

استاد قاسم علی، در شیوه تذهیب، مکتب بخصوصی داشت و اغلب نقوش هندسی را که در عیار نقوش خاتم سازی بود بکار می بست و چشم آذین و پرمحتوی میساخت. این استاد در جمله خطوط، ازقبیل خط کوفی و خط نستعلیق و بخصوص خط رقاعی صاحب قلم بود و در ذیل آثار خود بکار می برد.

خط رقاعی وی که در ذیل کتیبه ها و پیشانی طاق ها درج شده، یکی از امضاهای ناشناخته نقاش است که اثر اصولی وی را مشخص میسازد.

سال تولد و مرگ وی دقیقاً معلوم نیست ولی بطوریکه در احوال وی یاد کرده‌اند، گویا پس از مصور ساختن دیوان امیر علیشیر نوائی که حدود ۸۴۰ هـ. ق. فرجام پذیرفته، به سیستان رفته و چهل سال دیگر نیز زندگی کرده است. و اگر این حدسیات متکی به استناداتی باشد که در متون قدیمه درج شده، میبایستی قاسم علی، نقاش معمری بوده و عمر طولانی داشته است.

آثار امضادار وی که حالیه در موزه‌ها جلب نظر میکنند عبارتند از:

۱- تصاویر نسخه خمسه نظامی مضبوط در موزه بریتانیا که در سنه ۸۹۹ هـ. ق. انجام یافته، گو اینکه از هفت تصویر، فقط یکی از آنها رقم «قاسم علی نقاش» را دارا میباشد، ولی چون همه تصاویر، در مکتب این هنرمند

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

انجام یافته، بلاشك جمله تصاویر نسخه مذکور، اثر دست این نقاش پرابتکار بوده و تنها به ترقیم یکی از تصاویر، اکتفا نموده است.

۲ـ آثار پرمایه و دل انگیز دیگر قاسم علی، تصاویری در چهار نسخه مثنوی امیر علیشیر نوائی است که بسال ۸۹۰ هـ. ق. تصویر گشته و حالیه در کتابخانه بودالیان آکسفورد مضبوط میباشند. در یك اثر رقم دار و پخته نقاش، امیر علیشیر نوائی در حضور شعرای نامدار ایرانی، ازقبیل ۱ـ حسن دهلوی ۲ـ امیر علیشیر نوائی ۳ـ عبدالرحمن جامی ۴ـ نظامی گنجوی ۵ـ امیرخسرو دهلوی ۶ـ شیخ سعدی ۷ـ ابوالقاسم فردوسی ۸ـ ثنایی ۹ـ انوری ۱۰ـ خاقانی ـ نشسته و به بحث و فحص سرگرم هستند.

منظره درختان پرگل و سرسبز، تپه و ماهور خوش منظر، و حلاوت و طراوت جوی آب روان دیدنی است.

قیافه ها و البسه رنگارنگ شعرا، خصوصاً لباس سبز رنگ و آستین افتاده امیر علیشیر، که با تواضع خاصی، در جمع شعرا، حضور یافته، ستودنی است.

این اثر زیبا که بچاپ رنگی و زیبایی در کاتالوگ مجموعه نگارهای داستان علی شیرنوائی چاپ شده[1]، درذیل کلیات اشعار امیر علشیر، بخط سرخ رنگ قلم موئی، رقم دارد: «العبد قاسم علی»

تصویر شماره (۶) در صفحه (۹۳۹)

۳ـ دیگرآثار منسوب قاسم علی دراین نسخه ها وازجمله در حیرت الابرار امیر علیشیر نوائی، نقش ماهرانه است که صوفی والامقامی بروی سجاده‌ای نشسته و چهار مرید با ایمانش، در حوالی وی جلوس کرده و موعظه راگوش میدهند.

صوفی کتابی بدست گرفته و قلمدان و صفحات کاغذ و دفترچه، بروی قالی دیده میشوند.

وضع ساختمان تزیینات هندسی داشته و در عیار خاتم کاری است، در بالای کتیبه انتهائی، بخط رقاعی استادانه نوشته شده:

«روضه خلدبرین صحبت درویشان است مایه محتشمی خدمت درویشان است»

درکنار ساختمان، منظره بیرونی صخره های کوه سنگی جلوه گراست.

۴ـ نقش منسوب دیگری که در این نسخه جلب نظر مینماید، تصویر حضرت محمد (ص ع) و اصحاب وی هستند که حضرت محمد، در صدر مجلس جلوس نموده و مؤمنین در اطراف وی حلقه نموده‌اند، منقل پرآتش و عود سوز، در وسط صحنه دیده میشوند.

ساختمان مجلل وپر نقش نگار مسجد، جلوه دل انگیزی داشته و در کنار محراب، آیاتی از قرآن مجید درج شده و در کتیبه کوچکتر نوشته شده «لااله‌الاالله محمد رسول الله»

۵ـ دیگراز منسوب نقاش در این نسخه، گفتگوی نوشیروان، با زن زیبارویی است که در مقابل یکدیگر نشسته و صحبت میکنند. منظره ساختمان و نقوش تزئینی و تذهیب های ماهرانه‌ای که درآرایش بنا انجام یافته، مؤید مهارت نقاش بشمار آمده و جودت قلم استادش بهزاد را تداعی مینماید.

۱ـ این اثر چاپ شده که سی و دو تصویر، از بهترین نمونه هنر نقش نگاری را در عهد تیموریان ارائه داده، بنام «نگارهای داستان علی شیر نوائی» در شهر سمرقند و بسال ۱۹۶۹ چاپ و منتشر شده و روی جلد آن چنین تشریح گشته است:

«نگارهای داستان های علی شیر نوائی بهترین نمونه هنر نقش نگاری عهد تیموریان میباشد که در خراسان و آسیای میانه از نیمه قرن ۱۵ تانیمه دوم سده ۱۶ به عالی ترین درجه رسیده بود.

نگارهایی که در «حیرت الابرار» و «فرهاد وشیرین» و «لیلی و مجنون» و «سبعه سیاره» و «سد سکندری» و «لسان الطیر» نوائی نگاشته شده است بقلم کمال الدین بهزاد که برجسته ترین مصور خاور و مؤسس مدرسه هرات در هنر نقش نگاری میباشد و قاسم علی و دوست محمد و میرك نقاش و محمد مذهب و غیرهم که شاگردان بهزاد اند منسوب است...»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶ـ نقش ماهرانه دیگری که قلم قاسم علی را بخاطر می آورد، شرح حال شیخ عراقی در نسخه مذکور است که شیخ عراقی عمامه از سر بدور انداخته و سینه خود را چاك مینماید.

چاك ایتبان خرقه ارشادنی او زدی چکیب سبحه اورادنی

یعنی «خرقه ارشاد خود را چاك نموده و سبحه اورادش را نیز قطع کرده است»

جماعت شیوخ و افراد سپاهی و عادی در کنار وی ایستاده و ماوقع را تماشا می کنند.

قیافه و حالات حضار و سیمای واله و پریشان حال شیخ، جالب و ماهرانه بوده و یکی از ارادتمندان وی، عمامه و تسبیح شیخ را از زمین جمع آوری مینماید.

۷ـ دیگر از آثار منسوب قاسم علی در این نسخه‌ها، چهار تصویر بدون امضا، در نسخه سد سکندر امیر علیشیر نوائی است که آن نیز بسال ۸۴۰ هـ. ق. فرجام پذیرفته و یکی از آن تصاویر، نقش اسکندراست که در شاه نشین قصر خود نشسته و با مرد درویشی صحبت میکند.

سکندر انکا احترام ایلادی اوزالیندا عالی مقام ایلادی

یعنی «اسکندر به‌او احترام فراوان کرد و در حضور خود وی را عالی مقام نمود»

خدمه و مستحفظین درباری در اطراف ایستاده و ماجرا را تماشا میکنند

در این مینیاتور نیز نقوش بی قرینه تذهیبی، به همه صورت و آرایش چشم آذین ترتیب یافته و در کتیبه بالای طاق نمای قصر بخط رقاعی نقاش که جمله آنها با یکدیگر شباهت دارند، درج شده «اللّهم ابدّ ظلال دولة السلطان الاعظم خاقان المعظم السلطان بن سلطان، سلطان بدیع الزمان بهادر خان خلّد ملکه»

۸ـ از آثار منسوب دیگر نقاش در سد سکندری، تصویر آمدن مجنون بر در خانه لیلی است که به مصداق بیت مدرجه در ذیل اثر

سالور حیرت شوق جانیغه تاب قیلیپ بی تحمل لوق آنی خراب

یعنی «حیرت شوق دیدار، بجانش توان می اندازد و حالت بی تحملی وی، حال وی را خراب کرده است»

تصویر نموده و مجنون که از شدت شوق و حسرت دیدار لیلی مات و مبهوت، در مقابل در نشسته و دست ها روی زانو گذاشته و لیلی را نظاره می نماید، لیلی که بدون روبند و سربرهنه معشوق خود را دیدار مینماید، در را نیم بند باز کرده و با مجنون صحبت میکند.

زیبایی قصر و شیوه تذهیب و آرایش دیگر ساختمان، در مکتب قاسم علی بوده و یکی از آثار بدون امضای نقاش بحساب می آید.

۹ـ سومین اثر مزین قاسم علی، که رقم صریح نقاش را دربر دارد، تصویر پر زیب و زینت پادشاه و ملکه زیبایش میباشد که در مرقع گلشن کتابخانه کاخ گلستان مضبوط است.

در این اثر دلپذیر که یکی از بهترین کارهای نقاش بشمار می آمد، ملکه جوان و زیبایی، البسه فاخر و زربفت بتن کرده و سوار بر اسب شده و آماده حرکت است. مستخدمین مرد درباری، در اطراف وی جمع گشته و به فرمان وی در خدمت هستند.

پادشاه نیز که در مقابل وی، به لباس سلطنتی ملبس شده، کلاه پردار عمامه‌ای بسر گذاشته و شمشیری بکمر آویخته و با مستخدمی که در داخل خانه قرار گرفته، صحبت می کند.

نقوش هندسی دیوارها و منظره کاشی های خوش تراش کف حیاط، و درب ورودی عمارت، موزون و خوش نقش است و در کتیبه بالای در ورودی، این بیت به چشم میخورد.

درگاه تو قبله‌گاه جان است محراب زمین و آسمان است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بیرون قصر، منظره باطراوت سروهای استوار و درختان پرگل و سرسبز و جوی آب روان است که جلوه دل انگیزی دارند و باغبان پیری مشغول آبیاری مزرعه است و در زمینه فضای آسمان، که بطلا ترسیم شده، رقم دارد: «عمل قاسم علی چهره‌گشای»

۱۰ـ دیگراز آثار این هنرمند، تصویر استادش بهزاد است که چون اصل اثر و یا تصویر آنرا، در جایی مشاهده نکرده‌ام، از ذکر و تشریح آن، خودداری می نمایم.

۷۷۲ـ قاسم بن علی (نقّاش شیرازی)

فرزند علی و اهل شیراز و از نقاشان شیرین قلم اواسط قرن ۱۰ هـ. قـ. است.

این استاد، دوران صباوت و جوانی خود را در شیراز گذرانید و زیر نظر استادان فن، هنر مورد علاقه خود را تکمیل نمود و در کار خود خبره گردید.

رفتـه رفتـه نام وی نیز جزو نقاشان صاحب قلم بشمارآمد و تا جائیکه سام میرزا، او را به نگارستان شاه طهماسبی فراخواند و او را به جمع تصویرسازان و هنرمندان ذوفنون درباری وارد نمود.

درجمع هنرمندان، به مرور موقعیتی بدست آورده و بیش از همه با میرمصور و استاد قدیمی، حشر و نشر پیدا کرد.

این استاد جوان که قدرت قلم و استعداد پرمایه‌ای داشت، به علت مرگ زودرسی که در جوانی بسراغش آمد بیش از چند اثر منسوب و یك اثر امضادار، نمونه دیگری دیده نشده و یا اینکه تاکنون کشف نگشته است.

این اثر ارزنده که گویا در نسخه احسن الکبار موجود درکتابخانه عمومی لنین گراد قرارگرفته، و تنها عکس آنـرا در یك کتـاب روسی چاپ سال ۱۹۶۸ مشاهده کرده‌ام، معرف زبردستی نقاش در امر مجلس آرائی و شبیه‌پردازی و تذهیب و ترصیع و ارائه حالات گوناگون نفرات بوده و او را یکی از نقاشان با کمال زمان خود بشمار آورده است.

این اثر ارزنده که به تحقیق یکی از بهترین آثار نقاش بشمارمی آید، مجلس وعظ و خطابه پیغمبر اسلام (ص ع) در بالای منبر مسجد است که حضرت محمد (ص ع) بالای منبر قرار گرفته و با صورتی پوشیده مشغول ادای خطابه است.

در داخل مسجد، جماعت مسلمین به استماع فرمایشات مشغولند و سقایی به یکی از حضار آب میدهد.

در غرفه بالای مسجد، انبوه زنان با البسه و چادرهای سفید و الوان و چهره‌های نیمه پوشیده به گفتار حضرت گوش میدهند و در غرفه مقابل، چند پسر شرور و لاابالی به کشتی و بازی سرگرمند.

تزئین و آرایش محراب آیتی از زیبایی است. نقوش هندسی زیب افزا و نقش و نگار طلایی و لاجوردی تصویر، چشم ها را خیره می نماید و کاشی های متنوع و رنگارنگ که بسان مینای ملون و درخشنده‌ای در صحن پر جلال مسجد می درخشد، جلوه خاصی به اثر می بخشد.

در کتیبه بلند و طولانی بالای مسجد و در زمینه لاجوردی سیر و چشم نواز آن، خطوط مثلث سفید رنگی جلب نظر می کند که چنین است:

«فی ایام خلافة السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ظل الله الارضین قهرمان الماء الطّیر السلطان بن السلطان بن السلطان ابی المظّفر طهماسب بهادر خان خلدالله تعالی ملکه وافاضَ علی العالمین عداله فی شهر ذی الحجه الحرام حجه اثنین و ثلاثین وتسعمایه الهجریه النبوّیه ۹۳۲»

«علی یدالعبد الضعیف قاسم بن علی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زمینه فضای اثر، برنگ طلایی بوده و دو درخت بلند خرما که شاخه‌های آنها به طرفین متمایل گشته‌اند در کناره‌ها جلب نظر مینمایند. تصویر شماره (۷) در صفحه (۹۴۰)

چند اثر منسوب این هنرمند، که با همکاری استاد میرمصور و قدیمی به پایان رسانده عبارتند از:

۱- یکی ازاین تصاویر که درشاهنامه هاتون جلب نظرمیکند و آن نقش را زیر نظر و همکاری استاد میرمصورانجام داده، مذاکرات نوشیروان با مؤبد مؤبدان است که نوشیروان، با جلال تمام، بروی تخت مزینی نشسته و در مقابل وی مؤبد مؤبدان با وی صحبت میکند، جماعت مورد اعتماد شاه و رجال و درباریان دیگر، هریك در محلی نشسته و با همدیگر مذاکره مینمایند.

در کناره و اطراف، خیل مستحفظین و مستخدمین دیده میشوند که هریك بکار خود اشتغال دارند.

نقش تصویر در کمال استادی است و حالت چهره‌ها والبسه رنگارنگ و تحرك نفرات استادانه بوده و ستودنی است. تصویر سیاه و سفید در صفحه ۱۰۸ کاتالوگ نمایشگاه.

۲- دیگر دراین نسخه که آنرا نیز باهمکاری استاد میر مصورانجام داده، تصویر بهرام چوبینه است که بشکار کردن (شیرکپی) سرگرم است. این اثر ارزنده که به‌تردستی ماهرانه انجام یافته، بهرام گور، با تجهیزات رزمی، در قله کوه مرتفعی، با شیر مذکور مصاف داده و علاوه بر اینکه، نیزه خود را بشکم حیوان فرو برده، با شمشیر خود، دهن وی را پاره نموده و حیوان را مستأصل کرده‌است.

وزان بس به شمشیر یازید مرد تن شیرکپی بدو نیم کرد

منظره صخره‌های کوه و حالات و قیافه‌های مات و مبهوت همراهان، و بخصوص نقش شیرکپی که بنظرم همان گوریل باشد، در نهایت استادی عمل آمده و یکی از بهترین آثار نقاش بشمار می آید. تصویر رنگی درصفحه ۳۷ کاتالوگ نمایشگاه.

۳- دیگر اثر منسوب نقاش که در این شاهنامه نقش گشته و با همکاری استاد قدیمی به پایان رسانده است مجلس پر امتیاز، شکار کردن سیاوش است که افراسیاب با البسه و کلاه سلطنتی، سوار بر اسب شده و در وسط شکارگاه ایستاده و شکار سیاوش را تماشا می کند.

سیاوش که در کمال چالاکی سوار بر اسب گشته و به شیری حمله می کند، دیده میشود، جماعت سربازان و همراهان افراسیاب که سوار بر اسب ها شده و دیواری به اطراف شکارگاه کشیده‌اند، از جسارت و مردانگی سیاوش به تعجب در آمده و ناظر صحنه میباشند.

منظره عمومی شکارگاه و نقش حیوانات گوناگون و تزئین و آرایش نفرات و اسب ها و زیبایی استادانه صحنه شکار، و ارائه سرسبزی درختان و سایر عوامل موجود، به تمام معنی استادانه بوده و یکی از آثار ارزنده نقاش بشمار می آید.

منظره علف ها و گل های هرزه صحنه جنگ، که به حالت چتری و افشانی بروی زمین گسترده شده‌اند، علاوه بر زیبایی و دقیق نگاری، حالت ابتکاری نیز داشته و در نقوش هنرمندان دیگر به این شیوائی دیده نشده است. تصویر سیاه و سفید در صفحه ۷۶ کاتالوگ نمایشگاه.

۴- دیگر اثر منسوب این نقاش که با مدیریت میرمصور انجام داده، رسیدن کیخسرو به نزدیك کاووس است که جزو ۱۵۴ قطعه مینیاتوری بود که در حراج ۱۱ اکتبر ۱۹۸۸ از این شاهنامه (هاتون) به فروش رسید و عکس رنگی آن در صفحه ۲۲ کاتالوگ جلب نظر می کند.

در این اثر فریبنده هر دو نفر بروی تخت زرین نشسته و با یکدیگر صحبت می کنند.

صورت و دست های یکی از آنها در زمان بعد توسط افراد متعصبی سیاه شده و صورت محو گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

جماعت حضار در کنارهها نشسته و ایستادهاند و خدمتکاران درباری، سینی های طعام را به حضور می آورند، عدهای بیرون از کاخ سلطنتی دیده میشوند.

در این تصویر نیز بهیار شیوه میرمصور، جماعت اهل مجلس متعدد بوده و سی و سه نفر میباشند.

۵ـ دیگر اثر این هنرمند که در شاهنامه هاتون که در این حراجی بفروش رسید نقشی با موضوع «جواب فریدون به تهدید سلم و تور» بود که طراحی آنرا میرمصور انجام داده و رنگ آمیزی و پرداختش را قاسم بن علی به اتمام رسانده است.

در این اثر زیبا، فریدون روی تخت سلطنتی و زیرآلاچیق سبز رنگ و مزینی نشسته و با مخاطب خود صحبت می کند، جماعت رجال و سرکردگان و شاهزادگان در کنارهها نشسته و یا ایستادهاند منظره بیرون آلاچیق و جماعتی که در آن حوالی دیده میشوند پرکار و زیب افزا است.

در این تصویر علاوه بر جلال و عظمت زمینه، بیش از چهل نفر از افراد گوناگون، با البسه و حالات مختلف ترسیم شده و کمال و مهارت نقاش را نمایان ساخته است.

عکس رنگی درصفحه ۱۵ کاتالوگ حراجی کریستی ۱۱ نوامبر ۱۹۸۸.

۷۷۳ـ قاسم کاهی کابلی

اهل کابل بود و در شعر «کاهی» تخلص می نمود. این هنرمند در قطاعی و تذهیب کم قرنیه بود و مخصوصاً در هنر قطاعی، از استادان پرمایه این فن بشمار می آید.

از شاگردان مبرز و پراستعدادی، که بنفسه هنرمندی عالی مقام نیز محسوب می گردید، استاد قاطعی هروی است که در صنعت تذهیب و قطاعی، مهارت تامی داشته و پیرو شیوه استاد خود بوده است.

از آثار امضادار این هنرمند، تاکنون رویت نشده ولی آنچه از اسناد قدیمی برداشت شده، وفات هنرمند است که بسال ۹۹۸ هـ. قـ. اتفاق افتاده و روی در بستر خاك نهاده است.

قاضی میراحمد منشی در میراحمد منشی آمده.

۷۷۴ـ قاطعی هروی

ملا قاطعی از اهالی هرات بود و نام اصلی وی مشخص نمی باشد. این هنرمند، در تذهیب و حل کاری و رنگ آمیزی و جلدسازی استاد بود و در قطاعی و برش نازك گونه کاغذها و چرم ها، دست پرهنر داشت.

استاد قاطعی، علاوه بر هنرهای دیگر، در صنعت شعر نیز دست داشت و «قاطعی» تخلص مینمود. چون درآن زمان ها، دربار جهانگیر شاهی، مشوق صنعت گران و حامی سایر هنرمندان بود، روی این اصل، این هنرمند نیز از هرات رخت بربسته و به شهر آگره آمد و به دربار نورالدین جهانگیر راه یافت. رفته رفته مسیر زندگی خود را پیدا کرده و در کتابخانه آن پادشاه هنرپرور، به هنر مورد علاقه خود سرگرم گردید.

این استاد شاگرد مولانا قاسم کاهی کابلی بود و صنعت قطاعی را پیش آن استاد کسب نموده بود. ملا قاطعی عمر طولانی کرده و حدود سالیان ۱۰۲۴ هـ. قـ. و سنین صد سالگی در دیار هند وفات نموده است.

---

* قاسم علی مجلد ـ مذهب و اسلیمی کار بود و به نوشته مصطفی عالی در مناقب هنروران، شاگرد، میرزا بیك تبریزی مجلد است که در حین تألیف کتاب مذکور بسال ۹۹۵ هـ. قـ. به اسلامبول آمده و هم بزم و هم مشرب استادان معروفی، به نام های حسین بیك مذهب و علیخان مصور گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۷۵- قدرت (مذهّب و حل کار)

از حل کاران و مذهبیان پرمایه و برادر استاد حسین و ولی جان مصور است. مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران که بسال ۹۹۵ تألیف نموده، در مورد این استاد چنین یاد کرده است:

«استاد قدرت که در حل کاری نادره عالم و اعجوبه نقاشان نازك قلم و از استادان مانی شیم و بهزاد قلم است. او برادر حسین و ولی جان مصور است و در نقاشخانه عتبه علیا، از استادان مقبول و هنرور میباشد.»

۷۷۶- قدرت الله (شبیه ساز)

شبیه ساز و صورتگر قرن ۱۰ هـ. قـ. بود و در هنر خود، قلم شیرین داشت.

از آثار این هنرمند، که در کتابخانه ملی عرب قرار دارد، تصویر زن جوان و والامقامی بنام ضیاءالسطنه است که کلاه مخصوصی بسر نهاده و موی باریك و بلند خود را، بطرز خاصی پیچیده و به گوشه کلاه آویزان کرده است.

زن جوان، به دست راست گلی گرفته و با دست چپش، دامن بلندش را بالا می برد. لباس گلدار و نقش طلایی وی جالب است و حواشی قطعه، تذهیب های ساده‌ای دارد و رقم نقاش در ذیل تصویر چنین است: «عمل قدرت الله»

۷۷۷- قدری افندی

طغراکش و رسام و مصور اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی است که گویا در نقش طغراها و ترسیم آنها با برادرش قدری افندی، همکاری می نموده است.

عمده تزئینات و طغراهای تذهیب شده آن دوران، بدست این استاد طراحی و ترسیم شده و در نوع خود مشخص میباشد. از آثار امضادار این هنرمند که ندرتاً، در ذیل فرامین، امضایی دیده میشود، فرمان و طغرای زیبایی بود که رقم داشت: «اثر کلك عبدالله افندی التوقیعی، برادری قدری افندی سنه ۱۱۳۶»

● **قدیمی - در محمد قدیمی آمده است.**

۷۷۸- قره جعفر (نقّاش)

به نوشته کتاب «مختار خالد کلیّاتی» که در سنه ۱۳۲۹ هـ. قـ. و در اسلامبول چاپ شده، احوال نقاش را چنین بیان ساخته است:

---

* قدری افندی، مذهب و خطاط اوایل قرن ۱۴ هـ. قـ. عثمانی است که در تزئین و کتابت خطوط دست پرهنری داشته و متخصص کتابت خطوط بروی برگ های تونون بود که بطرز خاصی عمل آورده و بروی آن خط می نوشته‌اند.

از آثار رقم دار این هنرمند که خطوطی بروی تونون نوشته و تذهیب نموده دیده‌ام که رقم داشت: «قدری ۱۳۱۴»

برای اطلاع بیشتر از این هنر انحصاری و مشکل می توانید به احوال محمد نوری بورسوی مراجعه فرموده و از کم و کیف اجرای خطوط، بروی برگ درختان، اطلاع پیدا نمایید.

---

* قرامانلو مذهب حسن - نامش حسن و از طایفه قرامانلوهای عثمانی بود که در قرن ۱۲ هـ. قـ.، در آن ولایت زندگی می کرده است.

این استاد در تذهیب و حل کاری شیرین قلم بود و احوال و آثارش بر ما نامعلوم میباشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«قره جعفراز نقاشان دوره محمد خان رابع (۱۰۵۸ـ ۱۰۹۹ هـ. قـ.) است که با شاعری به نام «فنی»، دوست و همدم بوده و با پادشاه وقت نیز مراوده داشته است.»

از طرفی در تذکره «سالم»، که در همان زمان ها نگارش یافته، تزئینات و آرایش کاشی های خانه شاعر را اثر دست قرمجعفر دانسته، که به علت دوستی و کثرت مراوده، تزیینات خانه را به عهده گرفته و بخوبی از عهده بر آمده است. شاعر مزبور تا آخر عمر در آن خانه اقامت داشته، و همانجا بسال ۱۱۲۷ هـ. قـ. درگذشته است.

۷۷۹ـ قره محمّد (مجلّد و مذهّب)

به مجلد باشی عثمانی در اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. مفتخر بود و از شاگردان، صولاق سلیمان مجلد باشی، بشمار می آمد.

این هنرمند در تذهیب و تجلید و حل کاری و سایر فنون لازمه این شیوه که مجلدان چیره‌دست، می بایستی بهره کافی می داشته‌اند، پر بهره بوده و در اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. در آن ولایت مجلدباشی بوده است.

۷۸۰ـ قره محمود ینی باغچه‌لی

از نواحی باغچه‌لی عثمانی بود و در اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. به حرفه مورد علاقه خود اشتغال داشت.

این هنرمند در تذهیب و تشعیر و حل کاری صاحب قلم بود و همه رشته های ظریف این هنر را استادانه انجام میداد.

از شاگردان معروف این هنرمند، استاد مصطفی صراحی است که در صنعت تذهیب، استادی تیز قلم بشمار می آمد و اغلب آثار نفیس استاد درویش علی خطاط را که از مشاهیر نامی خطاطان عثمانی محسوب می گردد، این مذهب، تذهیب کرده و آرایش میداده است.

۷۸۱ـ قره ممی ـ محمّد چلبی اوّل ـ نقّاشباشی

نام های مختلفی از قبیل محمد چلبی و محمد سیاه داشت و به قره‌ممی شهره بود و از مذهبان عالی مقام و طغراکشان تیز قلم قرن ۱۰ هـ. قـ. عثمانی، در زمان سلطان سلیمان خان قانونی (۹۷۴ ـ ۹۲۶ هـ. قـ.) بشمار می آمد.

مصطفی عالی افندی در مناقب هنروران، مختصر یادی از این مذهب کرده و چنین نوشته است:

«از شاگردان شاه‌قولی معروف و از استادان محترم تذهیب نقاشخانه سلطان سلیمان خان میباشد»

این استاد سرپرستی، جماعت اهل حرفه را که حدود ۳۹ نفر بودند، در بین سالیان ۹۶۵ تا ۹۶۶ هـ. قـ. بعهده داشته و در کار هنری آنان نظارت مینمود.

۲۶ نفر از این هنرمندان، از گروه رومیان و ۱۳ نفر آنها، از گروه عجمیان بودند که یك نقاش اصفهانی نیز در بین آنان وجود داشته است.

این هنرمند، اولین تصویرگری است که نام وی، بسالیان ۹۵۲ هـ. قـ. در مآخذ قدیمی یاد شده و نقاشباشی دربار شاه سلیمان قانونی بوده است.

از جمله کارهای استادانه این هنرمند، که تذهیب و تزیین و تجلید ماهرانه‌ای شده، جلد قرآنی است که بسال ۷۴۵ هـ. قـ. بوسیله عبدالله صیرفی کتابت شده، و جلد آن در سال ۹۶۳ هـ. قـ. بدست قره‌ممی تجلید و تذهیب گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۵۳۲۲

دیگر از آثار شناخته شده این هنرمند، تذهیب شیوای نسخه دیوان محیی است که بسال ۹۷۳ ـ ۹۷۴ هـ. ق. توسط خطاطی به نام محمد شریف کتابت شده و تذهیب و آرایش نسخه را استاد قرمعی عهده‌دار بوده است.

این اثر ارزنده که در کتابخانه دانشگاه اسلامبول مضبوط است صفحه اول و سایر صفحاتش به تذهیب استادانه‌ای انجام پذیرفته و در آخر نسخه رقم دارد:

«قد فرغ الفراغ عن تحریر هذه‌النسخه الشریفه عن یدالعبدالضعیف محمد الشریف الفقیرالی الملك اللطیف بدارالسلطنه العلیه قسطنطنیه المحمیه عن البلیه فی آخر شهر شعبان المعظم لسنه ثلاث و سبعین و تسعمائه من هجره من بعث الی کل فیه ـ تم»

و در زیر آن درج شده «مذهب الفقیر قره معی الحقیر»

۲ـ از آثار بی رقم این استاد که توسط خود قرمعی تذهیب شده، تزیین و تذهیب طغرای فرمانی است که بسال ۹۶۳ صادر شده و حالیه در موزه ترك و اسلامی بشماره ۲۲۳۱ مضبوط میباشد.

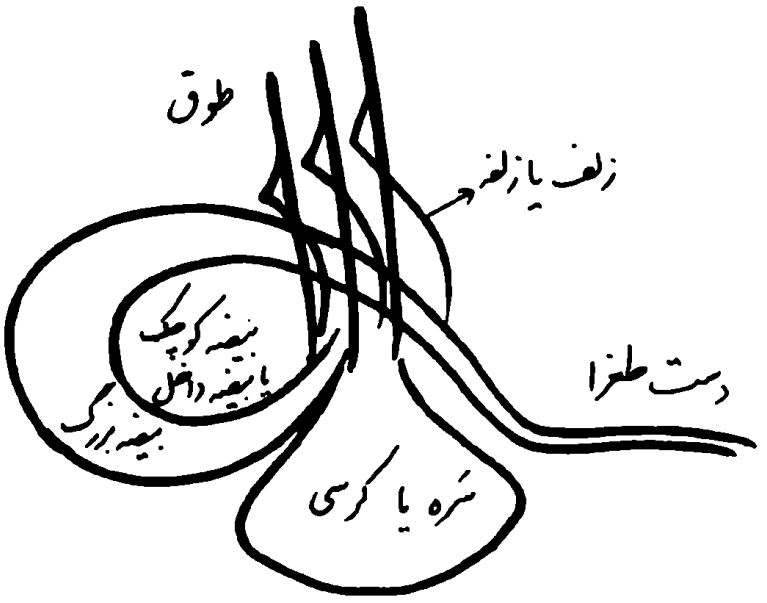
در بیضه بزرگتر طغرا، انواع گل های تزئینی، که با رنگ طلایی و لاجوردی ترسیم شده، در نهایت استادی پایان پذیرفته و مسیر گلها در حالت دورانی است.

در بیضه کوچکتر که کلمه (دائماً) درج شده، بدو سهم بالا و پایین مجزا گشته، و در قسمت پایین آن، گل های تو در توی ضربدری، به حل کاری و دقت تمام ترسیم شده که مهارت نقاش را برملا ساخته است.

در قسمت بالایی آن، شاخه گل های میخك و نیلوفر که به رنگ آبی و سرخ رنگ آمیزی شده، جلب نظر می نماید.

در بین طوق ها نیز به همین نسبت، تذهیب و آرایش گشته، و انواع سنبل های بلند و افراشته و گل های تزیینی و ابرچینی (چین دومانی) ترسیم شده‌است.

در این مقال بجا دانستیم که کروکی ساده یك طغرای سلطنتی را در ذیل این مقال علاوه نمایم که علاقمندان بتوانند، به بعضی از مصطلحات فنی طغرایی، که بین طغراکشان مرسوم میباشد آشنا گردند، دیگر از آثار منسوب



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این هنرمند، که در زمان سلطان سلیم دوم و به سال ۹۷۶ انجام پذیرفته، طغرای مزینی است که در بالای فرمانی نقاشی شده و اصل ملك نامه نیز، در موزه ترك و اسلامی استانبول بشماره ۲۴۰۲ مضبوط میباشد.

در این طغرا نیز، بسان طغرای سابق و در بین بیضه بزرگتر، تزیینات اسلیمی گردونه‌ای و خرطوم فیلی نقش بسته و در بین آنها نیز گل هایی تك به تك، ترسیم گشته است.

داخل بیضه کوچکتر و سهم زیرین آن، نقش خنجری تودرتوئی عمل آورده و در سهم بالایی نیز، چند دسته گل زیبا ارائه داده است، در داخل طاق ها و بین زلف ها، ابرچینی ساخته و محل خالی حروف کرسی را کلاً طلا اندود نموده است.

تذهیب و آرایش این طغرا نیز، قدرت قلم و استادی مذهّب را عیان ساخته و یکی از بهترین کارهای قرممی بشمار می آید.

۷۸۲- قصری بیک کوسه نقّاش

از نقاشان کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا (۹۸۴ - ۹۴۶ هـ. قـ.) بود و از همکاران مولانا، عبدالله شیرازی و استاد محمد هروی بشمار می آمد.

در عالم آرای عباسی که شرح حال مولانا عبداله شیرازی را یاد نموده، قصری بیك کوسه را نیز، هم عصر مولانا عبدالله دانسته و از وی به اختصار نام برده است. از آثار رقم دار و یا منسوب وی ندیده‌ام.

۷۸۳- قلندر چاوش

صحاف و مذهّب و حل کار معروف قرن ۱۰ هـ. قـ. عثمانی بود و در زرافشان و جدول کاری و جلد سازی و معرق کاری و سایر هنرهای آرایشی دست پر قدرت داشت و هنرمندی ذوفنون بشمار می آمد.

مصطفی عالی افندی در کتاب مناقب هنروران، این هنرمند را بیشتر از سایرین معرفی و توصیف نموده که ترجمه فارسی آن چنین است:

«*در ذیل هر کتابی که ملاحظه می نمایید، فصول و ابوابش تحریر و تسطیر شده و سپس لوحه و جدول و سایر زیب و زینت و احتیاجات و آرایش متنوعه که پایان پذیرفت و خاتمه پیدا کرد، استاد صاحب هنر ومجلدی میخواهد که یك جلد معتبری برای آن نسخه تهیه نموده و پس از ختم کار، به آن نسخه وصل نماید پس بسیار مناسب است که در ذیل این کتاب، به یك استاد وصال و نادره کار وصاحب کمال عالی مقدار، اشاره شده و با لسان فصیح و در بطن اشعار نغز، لیاقت و هنروی بیان گردد.*»

---

* قطب الدین بن علی نیشابوری نجار و نقاش چوب های سخت و از اهل نیشابور بود. از آثار ارزنده این هنرمند که در حراج آپریل سال ۱۹۸۳ ساتبی لندن بفروش رسید، درب چوبی استادانه‌ای بود که با نقوش اسلیمی و تزیینات هندسی عمل آمده و رقم تاریخ داشت: «عمل استاد قطب الدین بن علی نیشابوری فی غره شعبان المعظم اربع و عشرین ثمانمائه ۸۲۴»

* قطب الدین نجار طراح نقوش و کاتب حروف بروی چوبها بود و در هنر خود مهارت داشت. از آثار شناخته شده این هنرمند، ضریح چوبی بقعه سید ناصرالدین در خیابان خیام است که رقم دارد: «عمل استاد قطب الدین بن استاد سیف بن استاد صوفی نجار لباسانی».

از آثار دیگر این استاد صندوق عتیقه امامزاده قاسم است که بسال ۹۳۲ فرجام پذیرفته و رقم دارد: «تمام شد این مرقد به عمل قطب الدین بن و سیف نجار بن اسکندر معصوم لباسانی».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۸٤- قلی (امام قلی)

به‌امام قلی معروف بود و از تصویرسازان دوره اکبرشاه و جهانگیرشاه بشمار می آمد.

از آثار ارزنده این هنرمند، تصویری در نسخه عیاردانش مضبوط، در کتابخانه چستربیتی است، که مؤید هنرمندی نقاش، در امر تصویرسازی بوده و در شیوه مغولی به نقش درآمده است.

در صفحه ۴۱ آلبوم موزه مذکور که بسال ۱۹۳۶ چاپ شده، تصویر شیوایی از این هنرمند معرفی میگردد که در زیر صفحه رقم گذاشته: «عمل امام قلی».

در این اثر با حلاوت، شخصی دراز کشیده و با چوب بلندی که بدست گرفته، موشی را از خود دور میسازد. منظره خانه مسکونی و قیافه مهمان ترسو و سایر مراحل تصویرسازی، پر مهارت بوده تحسین آمیز میباشد.

این آبرنگ تنها تصویر امضادار نقاش بشمار آمده، و از سایر آثار امضادار و یا منسوب وی اطلاعی بدست نیست.

صنعت قلمدان سازی

درمورد هنر قلمدان سازی و مشتقات آن که یادآوری آن در (حرف ق) ضروری بنظر میرسید، به اطلاع علاقمندان محترم می رسانم که جمله هنر قلمدان سازی و صنعت تذهیب و ابری و جلدسازی و سایر صنایع نگارگری، که بنحوی در حیطه هنر تصویرسازی ایرانی دخالت قابل ارزشی را دارند، در جلدچهارم‌این کتاب به تفصیل بررسی شده و در اختیار مشتاقان قرار خواهد گرفت

۷۸۵- قمرالدّین مصوّر دهلوی

نقاش ساده‌نگار و قلم سیاه و آبرنگی هندی بود و در اواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. در آن دیار، بشغل نگارگری اشتغال داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، چندین تصویر قلم سیاهی ذیل کتابی بنام «نانك پرکاش» جلب نظر می نمود که یکی از آنها رقم داشت: «تصویر مفلس خفته به صحرا ـ قمرالدین مصور دهلوی»

این کتاب بزبان اردو و خط نستعلیق خطاطی، بنام «شیخ محمد الدین لاهوری» به خوش قلمی کتابت شده و به سال ۱۸۹۱ میلادی در دهلی به چاپ رسیده بود.

۷۸٦- قنبر علی شیرازی

اهل شیراز و از نقاشان گمنام قرن ۸ هـ. قـ. است. از این نقاش تنها اثر امضاداری که بجا مانده، تصویر خیالی شیطان است که گویا از آثار چینی اقتباس شده و با تزئینات ایرانی عمل آمده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در این تصویر، شیطان لباس بلند و مزینی پوشیده و تاج مخصوصی که در کناره‌هایش دوتا شاخ دارد، بسر گذاشته و بروی چهارپایه‌ای قرار گرفته است.

ریش و سبیل وی، بزی و سفید و صورتش تیره و تاریك است، کفش تخته‌ای بپا کرده و کاغذی نیز بدست گرفته است. در کنار وی چند دیو برهنه، که تنها شلواری بپا دارند و صورت هایشان بسان قیافه خرس ها است دیده میشوند که با ابلیس صحبت می کنند.

در این تصویر، ابلیس به منزله رئیس دیوها، نقش بسته و سایر دیوها بفرمان وی در خدمت ایستاده‌اند، رقم نقاش بروی کاغذی که در دست ابلیس قرار گرفته درج شده که چنین است: «عمل قنبرعلی شیرازی فی المدینه المصر ثلاثین».

۷۸۷- قنجی محمود

فقط مصطفی عالی از این هنرمند، در کتاب خود یاد نموده و مختصراً چنین نوشته‌است:

«قنجی محمود مصور شهره بند است و در اوایل سلطنت سلطان سلیم خان (۹۲۶- ۹۱۸ هـ. ق.) به نقش تصویر می پرداخته است».

از آثار رقم دار و یا منسوب وی و همچنین از شرح حال و سنوات تولد و وفات نقاش که به نوشته مصطفی عالی، شهره بوده، کوچکترین نکته‌ای در اسناد قدیمی رویت نگشته است.

---

* قوام الدین شیرازی رسمی ساز و طراح و رسام و معمار در دوران شاهرخ تیموری بود و در حرفه خود، از مشاهیر قرن ۹ هـ. ق. ایران بشمار می آمد.

از آثار ارزنده این هنرمند، رسمی سازی و طراحی و آرایش دهنده تزیینات داخلی و خارجی بنا و همچنین طراح و رسمی ساز، مساجد جامع شهرهای هرات و مشهد مقدس است که به عظمت و جلال تمام بنا شده و با کاشی های نفیسی تزیین و آرایش یافته است.

این بناها که به امر و هزینه گوهرشاد بیگم، زوجه شاهرخ بن امیر تیمور به فرجام رسیده، از بناهای ارزنده شایان توجه قرن ۹هـ. ق. است که بر تارك شهرهای قدیمی، بسان الماس درخشنده‌ای پرتو افکن بوده و نام سازنده و بنیان گزارش را جاودانی ساخته است.

کتیبه مسجد جامع مشهد را که یکی از آثار ارزنده قوام الدین بشمار می آید، به نوشته قاضی احمد در گلستان هنر بایسنقر میرزا کتابت‌نموده که چنین است:

و . . . کتابه‌های پیش طاق عمارت مسجد جامع مشهد مقدس که والده ماجده او گوهرشاد بیگم ساخته بخط اوست و اسم خود نوشته که کتیبه بایسنقر بن شاهرخ بن امیر تیمور گورکان»

۷۸۸- قوام الدّین مجلّد و نقّاش تبریزی

تبریزی و از مجلدان صاحب نام و تذهیب کار ماهر اواسط قرن ۹هـ. ق. است.

این استاد عالیقدر، در تذهیب و تشعیر و طراحی و ترسیم نقوش و ارائه چرم های سوخت و معرق و طراحی قالب های مخصوص و سایر آرایش و پیرایش جلدسازی، که فن نگارگری از شرایط اولیه آن بوده و در حقیقت عمق و مایه کار بشمار می آید شهرت داشته و از استادان طراز اول دوران خود بوده است.

صنعت معرق و مشبك و منبت کاری بروی جلدها و سایر تزیینات جلد سازی که از مراحل بسیار صعب و دشوار این رشته‌ها بشمار میرود، از اختراعات و اکمالات ارزنده این استاد است که به قدرت استعداد و ابتکار و اندیشه، به اختراع شیوه‌ای نایل گشته که بعد از گذشت سالیان متمادی، هنوز هم در مقام اولیه بوده و یکی از شیواترین مکتب هنری جلدسازی بشمار می آید.

بطوری که معلوم است صنعت سوخت و معرق با هنر نقاشی متجانس و هم قرینه بوده و شایسته و بلکه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ضروری است که هنرمند سوخت و معرق ساز، در نقش تصویر و تذهیب و حل کاری و سایر فنون مربوط به آن صداقت و استادی تامی را دارا باشد، تا بتواند در طرح نقش ها و آرایش آنها و سایر مراحل هنری دیگر، به عیارحذاقت قلم یك نقاش چیره‌دست از عهده انجام بر بیاید و در غیر این صورت مجلدی که از این مایه ها بی بهره باشد امکان ارائه کار استادانه‌ای را نخواهد داشت.

این استاد عالیقدر که شهره شهر خود بود و از استادان طراز اول جلدسازی بشمار می آمد رفته رفته صیت شهرتش از مرزهای مسقط الرأس خود بیرون رفت و به دربار بایسنقر میرزا در هرات رسید.

نتیجه این قابلیت ها به مرحله‌ای رسید که بایسنقرمیرزا از وی دعوت نمود که رخت سفر بسته و به شهر هرات که درآن زمان ها یکی از مراکز عمده هنری ایران بشمار می آمد، متوطن گردد.

روی این فرمان که دنباله و تداوم وی، افتخارات و مناصب متعالی نیز به همراه داشت، جلای وطن کرده بجانب هرات رهسپار گردید.

در هرات مقدم وی گرامی گشته و بجمع استادان کتابخانه سلطنتی پیوست ودراین کتابخانه پهناور بود که صفات حمیده و پایه کمالاتش چنانکه‌باید و شاید برملا گشته و روز بروز به احترامش افزوده گردید و نتیجه این

۱ـ متأسفانه موقعی که جنگ مذکور به اتمام رسید بایسنقر میرزا وفات یافت و آرزوی دیدار مرقع را در خاطرهاش مکنون نگه داشت. دوست محمد هروی در مقدمه مرقع بهرام میرزا، این تصادف تأسف بار را یاد کرده و چنین نوشته است:

«و قبل از آنکه جنگ بایسنقری به اتمام رسید، پادشاه مذکور کشتی حیات را از ساحل زندگی در بحر ممات انداخت و ولد بزرگوارش علاءالدوله میرزا، قدم بر مسند فضیلت پروری نهاد و داعیه اتمام جنگ نمود و این جماعت را در کتابخانه جمع نموده نوازش کلی فرمود.»

۲ـ مشبك و یا منبت کاری و یا سوخت معرق که به نوشته همین سند از اختراعات استاد قوام الدین تبریزی دانسته‌اند، رشته ابتکاری و تعالی هنر جلدسازی ایرانی است که به اختصار برای علاقمندان بازگو می گردد.

درقرن ۹هـ. قـ. که می شود گفت عصر طلایی هنر جلدسازی ایران بشمار می آمد، در شهرهای تبریز و هرات با شیواترین جلدهای چرمی که از میشن و یا پوست های نازك دیگر عمل می آمده و به نام سوخت یا سوخته نامیده می شده شهرت یافت که آثار ارزنده و بی همتای آن دوره‌ها، تاکنون بهترین نمونه جلدسازی سوخت ایرانی بشمار آمده و رقیب توانایی نیز در برابر نداشته است.

دراین شیوه ابتکاری، نقوش مورد نظر را بروی میشن ظریف طراحی کرده و سپس زمینه نقوش را که تکه‌های اضافی آن بشمار می آید، با ابزار نوك تیز و مخصوصی با دقت و احتیاط پر وسواسی از توی نقش در می آورند، در نتیجه این عمل، جمله نقوش مندرجه که اغلب گرفت و گیر حیوانات و یا تصویر پرندگان و یا ترسیمات اسلیمی دیگری می باشند، بسان نقوش حفره‌داری نمودار میگردد که زمینه تصاویر توخالی بوده و نقش مورد نظر وی، به روشنی و زیبایی تمام جلوه گر می گردد.

سپس این قطعه بریده شده را در جاهای مخصوصی که قبلاً به اشکال مختلف شمسه‌ای و ترنجی و لچکی و سایر نقوش مورد نظر، سهم بندی شده به دقت تمام می چسبانند و در این مورد، مجلد استاد سعی میکند که رنگ های زمینه با رنگ رویه آن هم آهنگ گشته و چشم آذین و پر حلاوت باشند.

و استادان معرق ساز، غالباً رنگ رویه را طلایی می گیرند که علاوه بر دوام بیشتر، صورت ظاهری و تلفیق رنگ های رویی و زمینه نیز، هم اخت بوده و جلوه بیشتری داشته باشند و بعد از اتمام رنگ آمیزی چرم و پوست رویی را با سریش و یا صمغ های مخصوص دیگری، به زمینه چسبانده با ابزار مخصوصی که تا حد معین نیز حرارت دارد، بروی چرم زمینه متصل می نمایند.

اجرای این عمل، در سوخت های چرمی و معمولی که نقوش درشت تری را دارا هستند، تا حدی سهل تر و آسان تر از سوخت معرق است و اما در مورد عمل آوردن سوخت معرق، که جنبه نفاست و ممتازی مطرح است، تارهای نقوش چرمی، به اندازه‌ای باریك و دقیق است که بسان توری پارچه‌ای میماند که اجرای آن، به نازك قلمی و مهارت استادانه‌ای پایان پذیرفته است.

بدین ترتیب می شود، به جلدهای معرق و ظریف نگار، نام سوخت را بکار برد ولی در جلدهای معمولی سوخت که نقوش درشت تر داشته و از ظرافت دقیق استادانه، کم بهره هستند، نمی شود سوخت معرق نامید.

---

* **قوجانشانچی (نشانچی پیر)** از طغراکشان و طراحان و نقش آفرینان اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. عثمانی بود و در دوره سلطان محمد پنجم (۱۱۰۴ـ ۱۰۵۱ هـ. قـ.) به رشته مورد علاقه‌اش اشتغال داشته و اغلب طغراهای فرامین این سلطان را طراحی و تذهیب نموده و به شیوایی و قدرت قلم استادانه‌ای در بالای فرمان ها جلوه‌گر می ساخته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سفر میمنت اثر، که شاید بقهر و اجبار نیز انجام یافته بود، تأثیر خود را بخشیده و صنعت جلدسازی را در آن دیار رونق داد.

از منابع قدیمی که هنر و مقام استادی وی را ستوده و صنعت منبت کاری در جلدها را اختراع وی دانسته یکی دوست محمد هروی است که در دیباچه مرقع بهرام میرزا به این نکته اشاره نموده و چنین یاد نموده است:

«حضرت بایسنقر میرزا سیدی احمد نقاش و خواجه علی مصور و استاد قوام الدین مجلد تبریزی را از تبریز آورده فرمود که بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد[1] به همان دستور قطع و مسطر و مواضع تصویر بعین ها کتاب ترتیب دهند و جلد را در تعهد استاد قوام الدین مذکور که منبت کاری[2] در جلد اختراع اوست فرمود.»

دیگر از منابع مهم زمان این استاد که نام این هنرمند را درج نموده، عرضه داشتی است که به خط و انشاء جعفر بایسنقری جهت بایسنقر میرزا (۸۰۲- ۸۳۷ هـ. قـ.) ارائه شده و تفصیل آن در صفحه ۸۹ جلد اول این کتاب یاد گردیده است.

در این عرضه داشت از استاد قوام الدین و کارهای اجرایی وی نامبرده و چنین نوشته است:

«مولانا قوام الدین روی جلد شهنامه را حاشیه اسلیمی مکمل کرده و عیش تماشای متن جلد را به قلم گرفته و قریب دودانگ بوم شده است و پشت و سروگردن چسبانیده و طریق کشیده است.»

با این مدرك مستند معلوم می گردد که جلد پرمهارت و استادانه شاهنامه بایسنقری که در کتابخانه سلطنتی ایران قرار گرفته و یکی از آثار ارزنده جهانی بشمار میرود، اثر این مجلد تبریزی بوده که در معیت سایر دوستان هنرمندش، در خلق این اثر بی همتا مشارکت داشته اند.[3]

از تذکره‌های دیگری که از این استاد یاد نموده، تذکره الشعرای دولتشاه سمرقندی است که استاد را چنین توصیف کرده‌است:

«چهار هنرمند در پایتخت شاهرخی بوده‌اند که در ربع مسکون، به روزگار خود نظیر نداشته‌اند.

۱ـ خواجه عبدالقادر مراغی در علم موسیقی

۲ـ یوسف اندکانی در خوانندگی

۳ـ استاد قوام الدین در مهندسی و طراحی

۴ـ و مولانا خلیل مصور که ثانی مانی بود درنقاشی»

متأسفانه آثار رقم دار و همچنین احوال بیشتر این هنرمند در جایی ندیده و حتی در نسخه‌ها واسناد قدیمی نیز که ندرتاً یادی از جلدسازان و هنرمندان معروف آن رشته میرفته بحثی ننموده و احوال این هنرمند وارسته، در بوته نسیان باقی مانده است و چه بسا ممکن است همین جلدهای ارزنده قدیمی که در بستر نسخه‌های ذی قیمت خطی همخوابه گشته و آنها را از آفت زمانه مصون داشته، اثر هنری این استاد تبریزی باشد که به سعه صدر و درك حقیقی فنای زندگی، از درج نام خود ابا کرده و شهرت خود را قربانی معشوق هنری خود کرده است.

● قوام الدین مسعود- در مسعود بن میرکی المذهب آمده.

۳ـ در مصور ساختن این شاهنامه هنرمندان معروف آن دوره، از قبیل امیر خلیل و مولانا علی مصور و خواجه غیاث الدین پیر احمد زرکوب و سیف الدین خواجه و جعفر بایسنقری خطاط و قوام الدین تبریزی مجلد دست داشته‌اند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۸۹- قوام الدّین - میرزا آقا

روغنی کار و جلدساز گمنام دوره ناصرالدین شاه قاجار بود و میرزا آقا نامیده می شد.

از این هنرمند تنها اثری که دیده‌ام، جلد گل و مرغ تاب دیده و خوش نقشی بود که رقم داشت: «عمل قوام الدین - میرزا آقا - به جهت خواجه باشی»

۷۹۰- قوللر آقاسی

حسین قوللر آقاسی فرزند استاد علیرضا نقاش بود که از پیشگامان نقاشی قهوه‌خانه‌ای بشمار می آمد.

این گونه هنرمندان مردمی که برداشت ذهنی و قلمی شان، از موضوعات مورد علاقه مردم کوچه و بازار بود نه پیرو مکتب خاصی بودند که در الگو و شیوه آن طریق، تصویرسازی نمایند، بلکه همیشه بدنبال توسن خیالات خود گام می نهادند و موضوعات را همان گونه که شهره عام بوده، انتخاب کرده و بطریقی که می توانستند، بروی بوم ظاهر میساختند. اغلب این هنرمندان مردان پاك باخته‌ای بودند که خانه و کاشانه‌ای نداشته و تنها مأوی و مسکن آنها، کنج قهوه‌خانه‌هائی بود که در همانجا کار میکردند و همانجا غذا میخوردند و شبانگاه در گوشه همان قهوه‌خانه بخواب میرفتند، و بدین علت است که کار این گونه نقاشان را بعیار متاعی که در آن محل انجام می یافته و یا قهوه‌چی های صاحب نامی که تابلوهای حماسه‌ای و پهلوانی را که اغلب از موضوعات شاهنامه، انتخاب میشده و بدیوار قهوه‌خانه‌های خود می آویختند، نقاشی های قهوه‌خانه‌ای نام گذاری کرده‌اند.

---

* قورخانه دولتی - در حراج کریستی لندن که در روز ۱۱ جون ۱۹۸۶ انجام شد، مجموعه نامه‌های زیادی بود که در زمان ناصرالدین شاه بین شاه و سایر اعیان و رجال مبادله گشته و محتوی اسناد بسیار ارزنده‌ای بود که متأسفانه از ایران خارج شده و در مجموعه خصوصی جا گرفته بود، در فرصت کوتاهی که جمله این آلبوم قطور را بررسی کردم، سندی مربوط به قالب لاله های مردانگی بود که تفصیل آن در متن سند آشکار می گردد، روی این اصل با برداشت این نکته ضروری، که سند ارزنده‌ای، در مورد یك موضوع هنری بوده و معلوم مینماید که اغلب این لاله ها و سایر اشیاء شبیه آنها، در ایران ساخته و نقاشی می شده، بسرعت از روی آلبوم مذکور، رونویسی کرده و در این مقال بدیدار علاقمندان میرسانم:

در بالا بخط ناصرالدین شاه نوشته شده بود «قالب ها نزد اعتضاد السلطنه است یا اینکه میداند پیش کی است ازاو بگیر»

سپس اصل نامه که گویا در جواب فرمان ناصرالدین شاه درج شده چنین بود:

«دربلب بلور آلات مرقوم فرمودند که نمونه ارسال گردید از آنرو ساخته شود اگرچه هنوز نمونه مرحمتی نرسیده است ولی آنچه تاکنون ساخته شده است، خیلی اهتمام در پاکیزگی و امتیاز آن به عمل آورده است، ده پانزده جفت از آن لاله‌ها را تراش و نقاشی کرده‌است و بقیه هم در دست نقاش و تراش کار است، چون منحصر به یك نفر است کارش بیشتر از این پیشرفت ندارد، همه روزه اصرار تأکید به عمل می آورد، زود به اتمام رسانده انفاذ حضور مبارك نماید و در باب. . . آفتابه لگن مرقوم فرموده بودند، سابق به عرض عریضه جسارت کرده بود که بلورسازی قم، اسباب کارشان این ردیف است، چند سال قبل حسب الامر، قالب بلورسازی از فرنگستان آورده‌اند در قورخانه نزد مقرب الخاقان جهانگیر خان آجودان باشی است، هرگاه امر و مقرر فرمایید گرفته ارسال شود. متعهد هستند همه جور اسباب بلور را بطوری خوب از عهده برآیند که با بلور فرنگستان ابداً فرق و تفاوتی نداشته باشد ولی حالیه این فرمایشات بدون قالب انجام نخواهد گرفت اعم از اینکه نمونه بیاید یا نیاد.»

---

* قول رفائیل - رفائیل نقاش ارمنی اواسط قرن ۱۸ میلادی امپراطوری عثمانی است.

این هنرمند که گویا نقش تصویر را در ایتالیا یاد گرفته، به عنوان غلام و زرخرید، به آن دیار آمده و در دربار سلطانی وارد شده و به شهرت رسیده است.

یکی از آثار ارزنده این هنرمند که در آلبوم H 2143 توپ قاپوسرای قرار گرفته، تصویر جوان خدمتکاری است که کلاه سفید عمامه‌ای بسر گذاشته و لباس بلند آبی رنگ پوشیده و بدست خود گلاب پاش گرفته است.

شلوار سرخ رنگ و زیبایش از زیر لباس ها بیرون آمده و جالب است. مهارت این هنرمند در چهره‌سازی بوده و طوری در ارائه سایه‌ها مهارت داشته که بسان ماشین عکاسی تمام حالات چهره را نشان داده و به رنگ طبیعی عمل می آورده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

موضوعات انتخابی این هنرمندان، به سفارش مشتریان تغییر می یافت، مثلاء قصابان علاقمند بودند که قصه جوانمرد قصاب را که نشانه صداقت و جوانمردی بوده، بالای مغازه بیاویزند و در کسب و کار خود از شیوه جوانمردی پیروی نمایند. و یا قهوه‌چی ها، به تابلوهای رزمی و بزمی و حماسه‌ای و ملی گرائی علاقمند بودند و چه بسا میخواستند، نقالان گوناگونی که شب ها از شاهنامه و افسانه‌های غرورآفرین آن، برای مشتریان نقل و تعریف می کردند، رابطه‌ای داشته و به اصطلاح غرور ملی و حسّ میهن پرستی و سنتی آنها را تهییج و ترغیب نمایند. و موضوعات دیگری از قبیل تابلوهای مذهبی و وقایع روز عاشورا و سایر خواسته های موردعلاقه مردم که به سفارشات گوناگون و اندازه‌های مختلف انجام می یافت، در اغلب جاها دیده میشد.

تصاویر مذهبی را اغلب دراویش، بدیوارها آویزان کرده و به اصطلاح پرده کشیده و معرکه میساخته و در مقابل ارائه آنها وجه نقدی نیز برای امرار معاش دریافت میکردند.

عکس ارزنده‌ای از این معرکه‌گیری که در پشت دیوار مسجد سپهسالار بسال ۱۳۰۹ هـ. قـ. انجام یافته و جزو مجموعه عکس های نگارنده است جهت اطلاع علاقمندان بشماره(۸) در صفحه (۹۴۱) آخر کتاب ارائه میگردد.

در این عکس درویشی که شمایل بدیوار آویخته، دیده میشود و چون تماشاچیان به حد لزوم نرسیده‌اند، پارچه سفیدی بروی تابلو انداخته است تا قبل از شروع معرکه کسی آنرا دیدار نکند. بمرور که جماعت زیادتر میشده، با صلواتی رسا و بلند، شروع مقال را اعلام داشته و با شرح مفصل قضایا، دنباله مطلب را به پایان میرسانید. در اواسط قرن ۱۴ هـ. قـ. بعلت ازدیاد سفارشات گوناگون، این موضوعات از رشته نقاشی های رنگ و روغنی به تصویر قلم کاری کشیده شد که اغلب موضوعات آنها، در اندازه های بزرگتری انجام یافته و مورد علاقه مردم قرار گرفت.

قدیمی ترین نقاشی که دراین رشته ها کار کرده، شخصی به نام میر عبدالقادر بود که بسال ۱۲۰۲ هـ. قـ. فعالیت می نمود، ولی چون مرحوم قوللر آقاسی از همه این نقاشان پرکارتر و مشهورتر بوده و به اصطلاح در نقاشی های قهوه‌خانه‌ای سرشناس گشته بود، مورد انتخاب اولیه، قرار گرفته است. نگارنده با اغلب این هنرمندان دیدار و مصاحبه نموده و احوال آنها را جویا گشته و یادداشت ها برداشته‌ام. و چه بسا اغلب آثار آنان را در مجموعه خود بایگانی کرده و منتظر امکاناتی هستم که نام و آثار این نقاشان مردمی را چنانکه باید و شاید، در کتاب جداگانه‌ای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود، منتشر نمایم.

اینك برای اینکه یاد این هنرمندان مردمی را گرامی بداریم، نام بعضی از آنها را در ذیل این مقال ارائه می دهیم.

۱ـ استاد اسماعیل
۲ـ امیرحسین قائم مقامی به سال ۱۳٤۹ خورشیدی وفات یافته
۳ـ حسین پسر علی همدانی
٤ـ اسمعیل کیانی
۵ـ محمد درویش از شاگردان قوللر آقاسی
٦ـ علی همدانی
۷ـ استاد حاجی محمد
۸ـ استاد غدیر
۹ـ محمد صانعی
۱۰ـ محمد رحمانی
۱۱ـ محمد حمید
۱۲ـ سید رسول امامی
۱٤ـ استاد محمد مدبر
۱۵ـ استاد حسین
۱٦ـ بلوک فر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یکی از آثار حماسه‌ای قوللر اقاسی که جهت نمونه در این کتاب بشماره( ) و در صفحه( ) ارائه گردیده تیر زدن رستم بسینه اشکبوس است که بیچاره اشکبوس با آن چکمه‌های سنگینی که پا کرده قدرت حرکت نداشته و با هیکل پهناوری که بیش از جثه اسبش تصویر گشته تیر قضا را بجان خریده است.

حرف

ک

۷۹۱ ـ کاظم

نقاش و خطاط شیرین قلم قرن سیزدهم هـ. قـ. بود و در آرایش و تزیینات خطوط دست شیرین داشت.

از آثار نقاشی خط این هنرمند، که در شیوه گلزار عمل آورده و داخل آنرا از انبوه نقوش اسلیمی و گل و مرغی ترسیم کرده بود، رقم داشت: «رقم بی طالع زمان ـ کاظم نصف زبان»

از دیگر آثار خطی و تذهیبی و نقش گل و مرغی این هنرمند، که در دست فروشنده‌ای دیده‌ام، قطعه خط بزرگ و شش دانگی بود، که بخط زیبا، جمله «انا مدینه العلم و علی بابها» را نوشته و زمینه آن را بتذهیب ریز و استادانه‌ای مذهب نموده و داخل خط و حواشی آن را گل و مرغهای استادانه و سایر تزیینات زیبا نگاری، ترسیم نموده و رقم نهاده بود: «عبده کاظم»

۷۹۲ـ کاظم

نقاش گمنام و متوسط گمنام ناصری است که در رشته چهره‌پردازی فعالیت داشته است.

از آثار رقم دار و کم مایه این نقاش، تصویر میرزا آقا خان نوری را بسیاه قلمی دیده‌ام که شباهت چندانی به آقا خان نداشته و از لحاظ سایه‌ها و شباهت نیز ضعیف مینمود.

در این سیاه قلم، آقاخان کلاه بوقی بسر گذاشته و لباس مخصوصی بتن کرده و ریشی بلند داشت و رقم نقاش در زیر تصویر چنین بود: «رقم کمترین کاظم ۱۲۷۳»

● **کاظم بن نجف علی ـ در محمد کاظم ابن نجفعلی آمده.**

* کارژیلو نقاش پیرو شیوه کلاسیك اروپائی بود و در اوایل افتتاح دارالفنون، طراحی و اصول علمی نقاشی را به شاگردان تدریس مینمود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۹۳- کاظم حسین

ناخنی کار نقوش و خطوط گوناگون بود و در قرن ۱۳ هـ. ق. در ولایت هند زندگی می کرد. از آثار هنری وی که خط و نقاشی را یك جا ناخنی کرده، قطعه ناخنی زیبائی دارم، که علاوه بر خط زیبای نستعلیق، حواشی آنرا بگل و مرغ شیوا و متنوعی، ناخنی کرده و رقم نهاده است: «کاظم حسین»

۷۹۴- کاظم قلی

نقاش زیبا نگار و گمنام اوایل قرن ۱۱ بود و در ارائه مجالس گوناگون و موضوعات مختلف قلم شیرین داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، شاهنامه مصوری بود که در ۵۴۱ صفحه کتابت شده و ۶۲ مینیاتور پخته و زیب افزا داشت.

کاتب این نسخه خطاطی بنام علیجان بن حیدر قلی الهروی بود که کتابرا در سنه ۱۰۱۱ هـ. ق. بخط خوش نستعلیق نگاشته و تصاویر آنرا کاظم قلی نقش نموده بود.

تصاویر دلپذیر کتاب، که عمده آثار آن بدست کاظم قلی آرایش گشته بود، در شیوه خراسان بود که با تردستی و هنرمندی تمام، قصص دلپذیر و حماسه‌های افتخار آفرین شاهنامه را باستادی ترسیم نموده بود که ستودن داشت.

جمله تصاویر این کتاب را که با دقت و حوصله تمام، بسال ۱۹۷۸ در حراج ساتبی بررسی نمودهام، معلوم می داشت که کاظم قلی در ارائه مجالس رزمی و بزمی استادی پرمایه و در تصویر و چهره‌نگاری و جانور سازی با قدرت و در انتخاب رنگ ها و ابتکار طرح ها پر وسواس و شیرین قلم بوده است.

تعداد انگشت شماری از این مینیاتورها که ممکن بود اثر دست شاگردان و یا همکاران کاظم قلی باشند، در بین تصاویر شاهنامه دیده می شدند که شیوه کار و اختلاف سلیقه سایر هنرمندان بروشنی ظاهر می گشت و نظریه ما را تأئید مینمود.

بهر حال در این نسخه نفیس، دو اثر امضادار جلب نظر میکرد و بقیه تصاویر که حدود سی و اندی بودند، اثر دست کاظم قلی بود که به نسبت وضع مزاجی و یا تغییر حالات روحی که در اغلب هنرمندان به علت کثرت کار ایجاد میگردد، مختصر اختلافاتی دیده میشد، ولی عمق کار و پختگی نقوش، مبین دست پر قدرت نقاش بود که بنحوی از انحاء در زوایای هر نقشی تجلی میکرد، ولی عقیده کارشناسان و متخصصین موسسه ساتبی، غیر از این بود و نقش بعضی از مینیاتورها را از آن نقاشی، بنام شاه قاسم می دانستند که در دستگاه حسنخان شاملو، بنقش تصویر اشتغال داشته است و در اینجا ناگزیر به تکرار این حقیقت هستم که آن شاه قاسمی که در کتاب خانه حسنخان شاملو، حاکم خراسان میزیسته و تا حدود سالیان ۱۰۲۸ هـ. ق. در قید حیات بوده، از علم تصویر اطلاعی نداشته و بلکه هنرمند خوش نویس و پرکاری بوده که در همین سنوات، ابتدا در کتابخانه سلطان علی چکنی و بعدها در کتابخانه حسنخان شاملو، بشغل کتابت اشتغال داشته و همیشه خود را بنام شاه قاسم کاتب معرفی مینموده است.

متأسفانه از آثار دیگر استاد کاظم قلی، تاکنون در جائی دیده نشده و نام وی نیز در هیچ یك از تذکره‌ها و نوشته‌های قدیمی ذکر نگشته و همچنان ناشناس باقی مانده است. ولی شیوه کار و بصیرت و خبرت نقاش که در

---

* کاظم شمشیرساز نگارگر نقوش زیبا بروی شمشیرها و فلزات سخت بود و در قرن ۱۲ هـ. ق. بحرفه مورد علاقه خود اشتغال داشت. از آثار زیبا و استادانه این هنرمند، خنجر زیبا و پرکاری را در موزه ویکتوریا آلبرت لندن دیدهام که در کناره تیغه و در محلی که بشکل مثلث طلاکاری گشته بود با سوره کامل «اذا جاء نصرالله والفتح» به خط نسخ زیبا کتابت شده و رقم داشت: «عمل کاظم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زوایای آثار بجا مانده‌اش دیده می شود، معلوم میدارد که کاظم قلی از هنرمندان پر اعتبار شمال خراسان بوده که جمله آثار بجا مانده‌اش را در یك نسخه شاهنامه بیادگار نهاده و نام خود را در تاریخ هنری ایران ثبت کرده است.

این شاهنامه، در سوم ماه آپریل ۱۹۷۸ در حراج ساتبی لندن بمبلغ گزاف بفروش رسید و عکس سیاه و سفید و رنگی بعضی از مینیاتورهای آن نیز، در کاتالوگ حراج مذکور چاپ گردید. در تنها اثر رقم دار نقاش در این نسخه که رقم صریح کاظم قلی را دارد، تصویر رستم نامدار است که با یکی از همراهان صحبت میکند.

در این تصویر، رستم را برخلاف سایر تصویر گران، جوانی باریك اندام و خوش قیافه، بسان کارهای رضا عباسی ارائه داده، که سوار بر رخش شده و با پیرمردی مشغول صحبت است، خیل اسبان خوش تراش و وحشی در صحرا به تك و پو اشتغال داشته و منظره دشت و دمن نیز فرح افزاست، زیر عصای چوبی پیرمرد و در پائین بوته علفی رقم دارد: «کاظم قلی». تصویر شماره (۹) در صفحه (۹۴۲)

۷۹۵- کاظم کاشانی

اهل کاشان بود و به میرزا کاظم خان شهره داشت.

این هنرمند در چهره‌پردازی و فرنگی سازی و آبرنگ و سیاه قلم دست شیرین داشت و منظره پردازی و جانورسازی را خوب عمل میآورد.

از آثارآبرنگی وی دیده‌ام:

۱- نقاشی آبرنگ زن جوانی در شیوه فرنگی بود که در دایره‌ای به قطر ۲۵ سانتی متر ترسیم گشته بود. دراین اثر زلف های فتان او روی سینه عریان، جلوه خاصی داشت و ریسه های الماس را نیز که به گردن آویخته بود، زیبایی زن را مضاعف کرده بود.

زمینه نقاشی، منظره ساختمان قدیمی و درخت های پربرگ و با طراوت داشت و رقم نقاش چنین بود: «حسب الفرمایش سرکار عظمت و شوکت و جلالت مدار عمدةالامراء العظام مقرب الخاقان محمد یوسف خان . . . فدوی بنده جان نثار کاظم کاشانی.»

۲- دومین اثر نقاش، منظره فرح افزا و پرطراوتی به آبرنگ بود، که مناظر کوه ها و ساختمان قدیمی و دشت و دمن به لطافت تمام نقش شده، و درانتهای آن دو سوارکار دیده میشدند. در جنب انتهایی ساختمان، دو بز چرا می کردند و درقسمت های دیگر حیوانات و پرندگان گوناگون، از قبیل خرگوش و مرغ و خروس و بلدرچین به زیبایی ترسیم شده ورقم و تاریخ داشت: «رقم کمترین بنده درگاه کاظم کاشانی به تاریخ شهر شوال ۱۲۸۱»

۷۹۶- کانگ سینگ

نقاش گمنام دوره اکبر شاه هندی (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ. قـ.) است که آثار وی، درذیل نسخه اکبرنامه مضبوط، در کتابخانه بریتانیا که بسال ۱۰۱۳ هـ. قـ. کتابت شده، جلب توجه می نمایند.

۷۹۷ - کانها

طراح و نقاش و جانور ساز دوران ۹۸۸ و ۹۹۹ هـ. قـ. بود و در دوره اکبر شاه هندی (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ. قـ.) به نقش تصویر اشتغال داشت و پیرو شیوه مغولی هند بود.

این هنرمند، به حالات و کیفیات جانوران وقوف تمام داشت و بسان دانشمندی پر وسواس، کلیه مشخصات

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و سکنات حیوان را چنانکه باید و شاید بروی کاغذ درمی آورد.

کانها با نقاشان طراز اول دوران خود جلیس همکار بود و اغلب تصاویر انتخابی آنها را طراحی می کرد.

از همکاران معروف وی، استاد منصور و استاد مسکین بودند که هردوی آنها نقاش شناخته شده‌ای بوده و در کتابخانه سلطنتی به خلق آثار ارزنده اشتغال داشتند.

بطوریکه می دانیم درارائه مجالس پرکار و بااجرای تصاویر یك نسخه، که تعداد زیادی نقوش مختلفه را در بر می گرفت، عده‌ای از هنرمندان همکاری و مشارکت کرده و نسخه را به پایان می رسانیدند و استاد کانها نیز، یکی از طراحان اولیه مجالس بود که پایه اصلی نقوش را به ابتکار و تناسب موضوع، طرح ریزی کرده و نقاشان دیگری آنرا حك و اصلاح کرده، تکامل می بخشیدند.

در تصاویر گوناگون وی که به یادگار مانده، بااستاد منصور وسایر نقاشان نامی آن دوره همکاری داشته، و درکتابخانه درباری نیز مقام و شخصیت والاتری را دارا بوده‌است.

این هنرمند درمدت ده سال واندی که آثار مختلفی راارائه داده، طراح دقیق نگار و آرایشگر نسخ گوناگونی بوده که به نسبت سنوات، عبارتند از:

۱ـ طراحی تصاویر نسخه داراب نامه به تاریخ ۹۸۸ هـ. ق. مضبوط در کتابخانه بریتانیا

۲ـ نسخه رزم نامه به تاریخ ۹۹۰ در موزه شهر جیپور

۳ـ نسخه دیوان حافظ در رامپور به تاریخ ۹۹۷ هـ. ق.

۴ـ نسخه با برنامه به تاریخ ۹۹۸ هـ. ق. مضبوط درموزه ویکتوریا آلبرت لندن

۵ـ نسخه اکبرنامه به تاریخ حدود ۱۰۰۰ هـ. ق. مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن

۶ـ نسخه عجایب المخلوقات به تاریخ ۱۰۰۰ هـ. ق. درکتابخانه چستر بیتی دابلین

از آثار امضادار وی که در نسخه بابرنامه جلب نظر می کند، تصویر گاومیش خیلی کلان است که شاخ های عقب برآمده داشته و به گاو صحرایی معروف می باشند.

این دو حیوان که درکمال صلابت و دقیق نگاری طراحی گشته، بوسیله استاد منصور با شیواترین صورتی به رشته تصویر درآمده ویکی از بهترین کارهای این هنرمندان، به حساب می آید.

در انتهای تصویر، صخره های بهم برآمده، و نقش چند درخت پربرگ دیده میشوند و در زیر جدول رقم دارد: «طرح کانها عمل منصور»

دیگر از آثار هنرمند دراین نسخه، طرح دقیق و پرحالت دو حیوان شبیه آهو است که در ولایت هند به نیله گاو شهره میباشند.

در قسمت بالا، یکی از تیره آنها را که شاخ های کوتاهی دارند، ترسیم نموده و درسهم پایین، دو نوع دیگررا که پاهای کوتاهی داشته و پوست خال خالی دارند و شبیه آهو هستند به استادی به نقش در آورده است.

طراحی کوه ها و درختان و نقش حیوانات درخور توجه بوده و درزیر جدول رقم داشت: «طرح کانها عمل منصور» تصویر شماره (۱۰) در صفحه (۹۴۲)

۷۹۸ـ کاوس نقّاش

نقاش و مذهب و خطاط اواسط قرن ۱۱ هـ. ق. بود. و در هنر های یاد شده مهارت داشت.

ازاین هنرمند تنها اثری که باقی مانده و خود را نقاش و مصور قید نموده، دو کتیبه زیبا در مسجد جامع شهر قزوین است که رقم دارند: «بتوفیق . . . ابوالمظفرشاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی. . . مطابق سنه تسع و ستین والف من الهجره. . . کتبه العبد کاوس نقاش» و دردیگری قید کرده «کتبه الفقیر کاوس مصور»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

● کاهی در قاسم کاهی آمده

۷۹۹- کپک هراتی (کپک سلطان)

اهل هرات بود که از آن دیار به خراسان آمده و در شهر مشهد ساکن شد و به گفته قاضی احمد در مدرسه شاهرخی مشهد مجاور گشت.

این هنرمند دراواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. زندگی میکرد، و صنعت عکس را خوب می دانست و بطوری که دراسناد قدیمی یاد شده، ابداعات و ابتکارات گوناگون، عمل می آورد.

قاضی احمد منشی، ازاختراعات و تصرفاتی که دراین فن نموده یاد کرده و نقش های غریب و طرح های عجیبی که به ابتکار عمل آورده تعریف نموده و چنین نوشته است.

«مولانا کپك از هرات بود عکس را خوب می ساخت و در مشهد مقدس معطر معتکف بود و در مدرسه شاهرخیه بسر می برد. اختراعات و تصرفات در آن فن نموده بغایت نقش های غریب و طرح های عجیب و رنگ آمیزی طرفه ابداع نموده و عکس های او مردم را از افشان فارغ ساخت.»

درمقدمه مرقع بوستان خط که حالیه در یکی از موزه‌های عثمانی به یادگار است و بین سالیان ۹۷۶ الی ۹۸۴ درمشهد مقدسه توسط «شمس الدین محمد وصفی» ترتیب یافته، ذکری از خطاطان و مصوران نامی نموده و راجع به کپك هراتی و سایر هنرمندان دیگر چنین نوشته است:

«... محمد صالح دردمند، سنگی علی بدخشی که قاطع خط است دیگر قلم حیوانیست و آن از موست و دراین باب موشکافان مانی فرهنگ و جادو طبعان خطای و فرنگ تصویرات وخیالات عجیبه و نقش ها و انگیزه‌های غریبه مثل استاد مانی و استاد بهزاد و مظفر علی و مولانا علی مصور و دیگر نادرالعصری مولانا کپك عکاس الهروی که تصویرات و خطوط عکس نموده و عکس الوان افشان و رنگ های گوناگون و طراحی و مشّی آنرا هیچ فردی ازافراد انسانی بهتر و نیکوتراز وی نکرده است، حقا که پری پیکری و حور منظری که برلوح خاطر نقاش و برصفحه ضمیر طراح جلوه نماید در آینه خاطر هیچ کس روی ننماید.

اگر صحایف دوار و اوراق روزنامچه لیل و نهار پراز تعریف صور و اشکال و علامات و آثار این جماعت عدیم المثال و این فرقه نعیم المآل گردد هنوز عشری از عشیر آن برآینه ظهور جلوه‌گر نشود. صور پاکیزه ایشان که حظّ روح و روان است به مثابه آنست.

... است و پاکیزگی وتمیز — نکنجد بجز جان دراو هیچ چیز
زاشکال گلها ونقش طیور — بهشتی زباد خزان بی قصور
هزاران گل ولاله وشاخ وبرگ — همه‌امن از آسیب باد و تگرگ

چون غرض ذکر بعضی از استادان این بود که جواهر خطوط اعلاء ایشان و تنوع تصاویر زیبای ایشان دراین درج، درج و درین مرقع مندرج است...»

۱- صنعت عکس سازی تقریباً شبیه قالب آگهی های دیواری امروزی به عمل می آید و بطوریکه حالیه معمول است تصاویر یا خطوط دلخواه را با دقت در رویه حلبی درآورده و سپس روی دیوار های گچی یا زمینه های روشن دیگر قرارداده و بارنگ های مختلف روی آنرا رنگ می زنند پس از آنکه قالب فلزی از روی دیوار برداشته شد، خطوط یا تصویر مورد دلخواه به عینه در روی دیوار درج می گردد. صنعت عکس که در زمان قدیم معمول بوده و در حواشی نسخ خطی ایجاد میشده مثل همین عمل انجام می گرفته، منتها قالب های آن دوره کاغذ های محکمی بوده که انواع تصاویر مد روز رااز قبیل نقوش اسلامی و یا گرفت وگیر حیوانات و یا انواع گل ها درروی کاغذ و با دقت و احتیاط کامل با شفره در می آوردند و سپس این قالب رادر کنار صفحات کتاب قرار داده روی آن، رنگ

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از آثار این هنرمند تصاویری درآلبوم شماره H ۱۴۲۲ کتابخانه دانشگاه اسلام عثمانی موجود می باشد که از جزئیات آنها بی خبریم.

این مرقع را که شاه طهماسب صفوی، بوسیله شاه قلی خلیفه، به سلطان مراد ثالث هدیه نموده، گویا بسال ۸۹۸ هـ. قـ. اتمام یافته، و آثاری از کپك سلطان و سایر هنرمندان دیگر نیز بوی الصاق گشته است.

عبدالله‌بن محمدهروی تاریخ اختتام مرقع راچنین سروده‌که باحروف ابجدی سال ۸۹۸هـ. قـ. می گردد.

«پرسد اگرکس ازمن تاریخ اختتامش گویم «بی مرقع جمع آمده ورق ها»

۸۰۰- کربلایی اسحق نائینی

آبرنگ ساز گمنام قرن ۱۳ هـ. قـ. ازاهالی نائین بود که در رشته نقاشی فعالیت می نمود.

بروی دیوار یکی ازمساجد قدیمی نائین که بسال ۷۹۶ هـ. قـ. پایان پذیرفته، اثری ازاین نقاش دیده میشود که درشیوه آبرنگی بوده و رقم دارد: «عمل کربلائی اسحق نائینی ۱۲۶۳»

۸۰۱- کرم شاه تبریزی

مذهّب و خطاط زرین نگار دراواسط قرن ۷ هـ. قـ. بود و در حل کاری و تحریر خطوط و تذهیب گوناگون دست استادانه داشت.

از آثار منحصر بفرد و فوق العاده نفیس این استاد اوراق پراکنده ای از یك قرآن بزرگ بود که آیتی از کمال بشمار میرفت و درنوع خود یکی از بهترین ها بشمار می آمد.

جمله این قرآن بخط محقق استادانه‌ای کتابت شده و سر سوره ها نیز با تذهیب شیوایی آرایش شده و هنر تذهیب و کاتب را بر ملا میساخت.

دلخواه را می زدند و پس از اتمام عکس سازی، حواشی نقوش را با طلا و یا رنگ های دیگر حاشیه گیری کرده و حالت میدادند و این عمل مستلزم وقت و زحمت و خرج بیشتر بود و اغلب در کناره کتاب های سلطنتی انجام میشد.

شاهکار این هنر را دریك جنگ ۵۰۰ ساله قدیمی دیده‌ام که حاشیه و زمینه هریك از صفحات نقوش عکسی متنوعی بود که در اوراق دیگر دیده نمیشد و در بعضی موارد قرینه سازی شده و در نوع خود بسیار ارزنده بشمار می آمد.

این جنگ که آثار ارزنده و بی همتای صنعت عکسی را در برداشت و در یکی از صفحات آن تاریخ ۸۷۶ هـ. قـ. دیده می شد، برای سلطان محمد فاتح عثمانی (۸۳۵ - ۸۸۶) هدیه گشته بود که حدود پنجاه قطعه عکسی داشت که به دست استاد تام العیاری انجام پذیرفته ولی نام خود را درج نکرده بود.

دراین صفحات، انواع اسلیمی ها و تصاویر پرندگان و گل وگلزار و سایر تزیینات آرایشی، بطرز استادانه‌ای عکس سازی شده بود که ستون داشت.

چون صاحب جنگ فرد خبره و کار آمدی بود، قیمت سرسام آوری برای آن جنگ در نظر گرفته و ارزش وی را خیلی بالا میدانست.

نگارنده از حلاوت و استادی نقاش در تحیر مانده و در مدت کوتاهی که داشتم این ابیات را یادداشت کردم که دراین سطور ملاحظه می فرمایید.

شاه‌دین سلطان محمد کز خلوص اعتقاد فتح و نصرت در جواردولتش مأوا گرفت

★★★★★

سلطان محمدابن مراد آفتاب فضل دارای دین سکندر عهد افتخارملك

و شاعر خود را چنین معرفی کرده بود.

آری نیم ظهیر ولی کو ظهیرتا شعرم بارمغان به نزل ارسلان دهد

نبود روا بدورتو در روم ساحلی بهرمعاش شعر بشروانیان دهد

تاریخ ختم سال ۸۷۶ هـ. قـ. بود و نام شاعر و نویسنده و نقاش دیده نمیشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بامشاهده تذهیب های فوق العاده غنی و سرشار آن کلام الله که در ذیل سرسوره ها و نشان ها و فواصل آیات جلب نظر می نمود، یقین پیدا کردم که این هنرمند آتش دست که در خط محقق از استادان کم نظیر زمان خود بشمار می رفت در صنعت تذهیب نیز یگانه روزگار خود بوده و رقیب نداشته است.

سرسوره ها عموماً در مستطیل های کتیبه‌ای انجام پذیرفته و کناره های آن با زنجیره‌های مقفّل ترسیم شده و دربین آنها کتیبه‌های کوچك ذوذنقه‌ای مقارن با اسلوب ابتکاری نقش بسته و درحد خود ممتاز بودند، زمینه های سرسوره ها با نقوش اسلیمی و خرطوم فیلی که مسیر دایره‌ای خود را دنبال می نمودند به حلاوت و استادی تمام نقش بسته و آیتی از کمال بشمارمی آمد.

جمله نشان ها با ترسیمات دایره‌ای و ترنجی ترسیم یافته و بین آنها نیز به مثابه سرسوره ها منقش و مذهب و مزین بودند.

نام سوره ها به خط سفید آبی و تحریری کتابت شده و زمینه آن لاجوردی بوده که گل های اسلیمی و تزیینی و طلایی آن، در زمینه لاجوردی پر حالت و درخشان دیده می شدند.

روی هم رفته می شد گفت که استاد کرمشاه تبریزی، از استادان ذوفنون زمان خود بوده که متأسفانه ما را به احوال وآثار بیشتر آن اطلاعی در دست نمی باشد.

در صفحه آخر قرآن که به کاغذ پاره‌ای تبدیل شده و تقریباً پوسیده شده بود، رقم کاتب و مذهب قرآن که تنها یك هنرمند بود، درج گشته بود.

(ذهبّه ـ کتبه ـ کرمشاه تبر. . .) که معلوم می نمود این قرآن در ایران کتابت و تذهیب گشته و بدست یك هنرمند والامقام تبریزی به عهده فرجام رسیده‌است.

متأسفانه این قرآن بدست دلالان ایرانی و بین المللی افتاده و از ایران خارج شده و اوراق آن در اختیار مجموعه‌داران مختلف قرار گرفته و عده‌ای او را خطوط بایسنقری دانسته و جمعی عقیده داشته‌اند که در شیوه احمد سهروردی کتابت شده ولی حقیقت امر غیر از این بوده و کاتب و مذهب آن، استاد کرمشاه تبریزی است که هنر خود را در کتابت نسخه نفیسی از قرآن ارائه داده است، تا گفته نماند که این کلام الله چندین هفته در اختیار نگارنده و روانشاد دکتر مهدی بیانی قرار داشت که برای فروش عرضه گشته بود، خوشبختانه عکس سیاه و سفید صفحه آخر و رقم کاتب در اختیار حقیر بوده و مضبوط در ذیل عکس های قدیمی در تهران است که اگر امکان باشد بدیدار علاقمندان خواهد رسید.

---

* کریم ـ استاد کریم، نقاش و مقوا ساز قلمدان ها بود و در مواردی نقش قلمدان ها را نیز شخصاً اجرا می نمود.
این هنرمند انواع و اقسام قلمدان ها و جلدها و قاب آینه‌ها را مقوا سازی می کرد و آماده برای نقاشی می نمود، بطوری که معمول بوده، استادان مقوا ساز، که اغلب آنها صحافی نیز می کردند، اسکلت مقوایی قلمدان ها و قالب های آنها را مطابق ذوق و سلیقه نقاشان و سفارش دهندگان، آماده ساخته و بتوته می زدند، یکی از این هنرمندان استاد کریم صحاف بود که در داخل قاب قلمدان ها، مهر خود را ارائه می نمود که سجعش چنین بود «لااله‌الاالله الکریم والحلیم ۱۲۶۰»

* کریم شیرازی ـ خاتم ساز و رسام نقوش و طراح استادی از اهالی شیراز بود و در حرفه خود مهارت تامی داشت.
از آثار بجا مانده این هنرمند، درب خاتم زیبایی، در بقعه امامزاده زید (ع) تهران است، که هنگام تعمیرات و تجدید تزیینات و آینه‌کاری آن که در خلال سال های ۱۲۹۷ الی ۱۳۰۱ به‌عهده فرجام رسیده، نصب گردیده که رقم دارد: «صانع استاد کریم شیرازی ساکن دارالخلافه ۱۳۰۱»

---

*کریمی ـ استاد علی کریمی بسال ۱۲۹۲ شمسی در تهران بدنیا آمد و تحت تعلیمات استادان زمان خود قرار گرفته و در هنر نقاشی پیشرفت شایانی کرده است. این هنرمند بدریافت ۹ مدال گوناگون از ایران و خارج نایل شده و در هنر خود موفق بوده است. احوال بیشتر این هنرمند را درکتاب جداگانه‌ای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود ارائه خواهد گشت.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۰۲- کریم داس

نقاش زیبا آفرین دوره اکبر شاه هندی (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ. قـ.) بود و در مکتب هند و پرسان نقش می ساخت.

از آثار به یادگار مانده این نقاش، تصاویری در نسخه اکبر نامه موجود، در کتابخانه بریتانیا است که بسال ۱۰۱۳ هـ. قـ. کتابت شده و نقوش کل آن نسخه سلطنتی را، این هنرمند و سایر مصوران درباری باتمام رسانده و زینت افزای کتابخانه اکبرشاهی نموده‌اند.

۸۰۳- کریم بن محمّد ابراهیم نقّاشباشی

فرزند آقا ابراهیم نقاشباشی معروف بود و به میرزا کریم نقاش شهرت داشت.

تنها اثر رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، تصویر شمایل زیبایی بود که رقم داشت: «کریم بن محمد ابراهیم نقاشباشی»

پرداز و حلاوت تصویر، به ریزنگاری و قدرت قلم تصویر شده، و شیوه پدر نامی اش، استاد آقا ابراهیم را تداعی می نمود.

۸۰۴- کسادا

نقاش گمنام دوره اکبرشاه (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ. قـ.) هندی بود که آثار شناخته شده وی، در ذیل نسخه با برنامه معروف جلوه‌گر می باشد.

۸۰۵- کلبعلی نادر تبریزی

اهل تبریز بود و درشیوه استاد محمدی نقش تصویر می ساخت. به نوشته مرحوم تربیت، از تذکره نصرآبادی «از تبارزه ساکن عباس آباد است زرگر و نقاش بوده و زرگری رابه درجه رسانده که محسود رشید واقع شده این شعر ازاوست

کریم بخش - فرزند محمد بخش از اهالی لاهور است که در هنر نقاشی و بخصوص شیه سازی و چهره پردازی و صنعت تذهیب و تزیین قدرت قلم ماهرانه ای داشته است. از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر نواب محمد بهاول خان نظام الملك رکن الدوله عباسی است که با صلابت تمام روی دوشکی نشسته و اجته پسر ابراهیم خان در حضورش جلوس کرده است. رقم دارد: «عمل کریم بخش ولد محمد بخش لاهوری ۱۲۶۶» عکس این اثر زیبا در صفحه ۵۱ کاتالوگ حراجی ساتبی لندن در ۲۶ آپریل ۱۹۹۰

---

* کروف و ماشکوف دو نفر نقاش روسی بودند که همراه پرملوف سفیر فوق العاده روسی، به تاریخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۲ به چمن سلطانیه آمده و در روز ۲۸ شهر صیام، در چمن مزبور با فتحعلی شاه قاجار دیدار کرده‌اند.

بطوری که روایت می کنند، فتحعلی شاه وقتی اطلاع یافت نقاشانی بین همراهان سفیر، شرلیاب حضور خواهند گشت، علاقمند دیدار آنها شد و دستورداد، دو تصویر از صورت وی را نقاشی نمایند، که یکی از آنها، در دربار سلطنتی قرار گرفته و دیگری برای اروپا ارسال گردد.

بمحدس نزدیك به یقین، نقاشان مذکور همین کروف و ماشکوف روسی بوده‌اند که تاکنون اسمی از آنها در جایی دیده نشده و هویت آنها، برای علاقمندان مکتوم مانده بوده است.

ولی در نسخه خطی ارزنده‌ای که در دوره فتحعلی شاه قاجار بدست محمد منشی باشی متخلص به فروغ تألیف یافته و جزو نسخ خطی کتابخانه نگارنده است، ماوقع ورود سفیر مذکور را، مفصلاً شرح داده و نام نقاشان را نیز جز همراهان سفیر چنین یاد کرده است. سند مذکور، انتخابی از اسناد منتشر نشده دوران فتحعلی شاه قاجار است که در نوروز سال ۱۳۶۸ به کوشش این حقیر انتشار یافته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هشـــدار گزین جهـــان دون بایـد رفت چون آمـــده یـــن که چون بایـــد رفـت
آخـــر به طپـــانـــچـــه مفـــنـــی اجـــل زین دایـره چون صدابـرون باید رفت»

تنها اثر رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، تصویر زن و مردی به شیوه استاد محمدی بود که در کمال قوی دستی و شیرین قلمی انجام یافته و رقم و تاریخ داشت: «در فرح آباد شعبان ۱۰۱۲ ـ در محرم سنه ۱۰۰۹ مشق شد. نادر» مضبوط در موزه هنرهای تزیینی تهران.

۸۰۶ـ کلچران کلان

نقاش گمنام قرن ۱۱ هـ. ق. هند و پیرو شیوه مغولی آن دیار بود.

از آثار رقم دار این نقاش که به‌همکاری نقاش دیگری به نام لعل انجام داده، تصویر چنگیز خان مغول بود که در بالجیونه به استراحت پرداخته بود.

در این مینیاتور، چنگیز خان زیر چادری نشسته و رجال و سرداران همراهش، به احترام در مقابل وی ایستاده بودند در پائین تصویر، عده‌ای از خدمتکاران و سربازان به تهیه سورسات و لوازم مهمانی اشتغال داشتند، این تصویر که درذیل مرقع گلشن چاپ شده بود رقم داشت: «طرح لعل چهرمنامی مادهو عمل کلچرن کلان»

۸۰۷ـ کم کران

نقاش گمنام و کم کار دوره اکبر شاه (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. ق.) هندی بود که تنها اثر به یادگار مانده‌اش، در ذیل نسخه با برنامه مشخص گشته و مؤید هنرمندی وی، در رشته مغولی هند، درآن زمان ها بوده است.

● **کمال الدین بهزاد ـ در بهزاد سلطانی آمده**

۸۰۸ـ کمال الدّین حسینی

گویا از طبقات سادات حسینی بوده و در طراحی و نقش تصویر قلم پر قدرتی داشته و در اواسط قرن ۱۰ هـ. ق. زندگی می کرده است.

این هنرمند، به حدس یقین، به همکاری دوست محمد هروی، در تزیین و آرایش مرقع بهرام میرزا، مفتخر بوده و از هنرمندان مورد نظر بهرام میرزا بوده است.

متأسفانه با این همه تعاریفی که دوست محمد هروی از وی، به عمل آورده، اثر رقم داری، از این هنرمند مشاهده نشده و حتی در مرقع بهرام میرزا نیز، اسمی در ذیل تصاویر دیده نمی شود.

تنها سند ارزنده‌ای که از این استاد یاد کرده، دیباچه مرقع بهرام میرزا است که به اختصار چنین نوشته است:

«دیگر آن طراح با زینت و زین، عدیم المثال، *استاد کمال الدین حسینی*، که هر طراحی که او به روی کارانداخته و هربند رومی وکترمه که او ساخته، نظر باریك بین بکنه کمالش نرسیده و نقاش بی مثل چین، بخوبی نقشش نکشیده. در نقش بسی کمال قدرت دارد.»

۸۰۹ـ کمال الدّین عبدالقصار

گویا نقاش و مذّهب کتابخانه شاه طهماسبی (۹۸۴ ـ ۹۳۰) بوده که گمنام مانده و احوالش ذکر نگشته است.

آثار رقم دار و یا منسوب وی را در جایی ندیده و احوالش را نیز در هیچ یك از منابع قدیمی نیافته‌ام.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۱۰- کمال الدّین محمود

نقش آفرین تیز قلمی، بروی فلزات سخت بود، که در نقش تصویر و حکاکی بروی فلزات، دست با حلاوت داشت و خط نستعلیق را نیکو می نوشت.

از تنها اثر رقم دار این هنرمند که از نزدیك دیده‌ام، مقطع فولادی و طلاکوبی بود که حواشی آن تزیینات پرمایه و نقوش اسلیمی داشت که با برش های استادانه‌ای عمل آورده و درحد خود بسیار جالب بود، وبه خط نستعلیق خوش، رقم و تاریخ داشت: «عمل کمال الدین محمود ۱۱۰۸»

۸۱۱- کمال الدّین محمود نازل یزدی

گنبد استوانه‌ای و طلایی بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام، که در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده ساخته شده و تزیین گشته بود، بسال ۹۳۲ هـ. قـ. به دستور شاه طهماسب صفوی، کاشی های ساده آن، کنده شده وخشت های طلایی جایگزین آنها گردید.

متأسفانه این آثار، در زمان هجوم عبدالمومن خان ازبك از بین رفت و غارت شد، و شاه عباس، دستور داد که گنبد مذکو را بسان اولیه تعمیر و تذهیب نمایند.

در دور گنبد بارگاه، کتیبه نفیسی وجود دارد که درداخل چهار ترنج آن، عباراتی به وسیله علیرضا عباسی نوشته شده که ماحصل آن این است که شاه عباس، تزیین گنبد را درسنه ۱۰۱۰ آغاز کرده و در سال ۱۰۱۶ به پایان رسانده است.

میناکاری و زرگری و طلا کاری بارگاه مذکور، که دارای طراحی های استادانه و تزیینات در خور تمجید است، بدست این استاد و در سنوات ۱۰۱۶ فرجام پذیرفته که رقمش چنین است: «عمل کمال الدین محمود یزدی نازل فی ۱۰۱۵»

ازهمکاران این هنرمند، که در این خدمت مذهبی، استاد محمود را یاری کرده، استاد محمد باقربن حاجی زمان جیلانی است که در این هنر ها دست برقدرتی داشته و همکار استاد محمود بشمار می آمد.

۸۱۲- کمال الدّین مذهّب

مذهّب و محرر و قاطع زبردست قرن ۱۰ هـ. قـ. بود.

این هنرمند علاوه بر اینکه در صنعت خط و تحریر و تذهیب قدرت قلم فوق العاده داشت، در قطاعی نیز نازك قلم بود و خطوط زیبا را با ادوات مخصوصی می برید و با آرایشی چشم نواز عمل می آورد.

از آثار رقم دار این استاد، قطعه خط نستعلیقی، در خزینه اوقاف عثمانی است که به تحریر استادانه‌ای عمل آمده و کناره‌های آن، به تذهیب زیب افزایی آرایش شده و رقم دارد: «حرره کمال الدین مذهب» مضبوط در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول.

---

*کلب علی اصفهانی - نقش آفرین و طراح نقوش اسلیمی بروی فلزات سخت، مخصوصاً شمشیر و سایر ادوات حربیه بود و در اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. در شهر اصفهان، به حرفه شمشیر سازی اشتغال داشت.

از آثار این هنرمند، سه شمشیر متنوع و رقم دار دیده‌ام که عبارتند از:

۱- شمشیر ساده‌ای بود و به خط نستعلیق طلایی رقم داشت: «بنده شاه ولایت اسماعیل عمل کلب علی»

۲- شمشیر پر نقش و نگار بود و تزیینات استادانه داشت و رقمش چنین بود: «عمل کلبعلی اصفهانی»

۳- شمشیر عالی و با نقش و نگار بود و رقم و تاریخ داشت: «بنده شاه ولایت طهماسب - عمل کلبعلی اصفهانی ۱۱۱۲

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دیگر قطعه ارزنده و مذهب این هنرمند، که در مجموعه نگارنده قراردارد قطعه خط ارزنده و مزینی است که به قدرت کمال و تذهیب کم قرینه، کتابت و تحریر شده و رقم دارد: «کمال الدین مذهب»
تصویر شماره (۱۰۲) در صفحه (۱۰۱۵)

دیگر از این هنرمند، تذهیب و آرایش اسکندرنامه احمدی، بخط میر علی هروی درسنوات ۹۲۹ هـ. قـ. است که برای درمش خان کتابت کرده و تذهیب و آرایش آن را این مذهب به پایان رسانده است.

● کمال الدین عبدالوهاب ـ در عبدالوهاب خواجه کاکا آمده
● کمال الدین میرک هروی ـ در جلال الدین میرک هروی آمده
● کمال الملک ـ در محمد غفاری آمده

۸۱۳ـ کمال تبریزی

تبریزی و از شاگردان میرزا علی و شاهقلی، از هنرمندان مکتب بهزاد بود که به عثمانی مهاجرت کرده و به دربار سلطان سلیمان قانونی راه یافته است.

مناقب هنروران در صفحه ۶۴ کتاب خود، او را شاگرد نقاش بلند اشتهار و استاد نامدار میرزا علی دانسته و صنعت طراحی وی را ستوده است.

این هنرمند، درچهره سازی و ارائه حالات پرندگان، دست پر حلاوتی داشته و در طراحی و زمینه سازی بعضی از کارهای میرزا علی، مشارکت داشته است.

ازآثار رقم دار این هنرمند، شاهزاده جوانی بود که کلاه پردار شیوه صفوی بسر گذاشته و دو زانو روی زمین نشسته بود. لباسش بلند بود و قمه کوچکی بکمر داشت.

شاهین زیبایی را با دستکش مخصوص بدست گرفته و کلاه مخصوص پرنده را به کمر آویزان کرده بود و رقم داشت: «عمل کمال تبریزی سلمه‌اله»

۸۱۴ـ کمال مصوّر کاشی

اهل کاشان و شاگرد عبدالعریز نقاش بود و در قرن ۱۰ هـ. قـ. فعالیت هنری می نمود.

کمال در مکتب اصفهان و شیوه استاد محمدی کار می کرد و در تصویر و مجلس آرایی شیرین قلم بود.

به روایتی این هنرمند نیز، در قضیه جعل مهر شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ ـ ۹۳۰ هـ. قـ.) که به وسیله استادش عبدالعزیز انجام یافته بود، شرکت داشته و تنبیه گشته است.

آثار رقم دار و شناخته شده استاد کمال عبارتست از:

۱ـ تصویر زن جوانی بود که گویا دامن خود را در می آورد تا در چشمه، آب تنی نماید.

صورت زن جوان، به استادی نقش بسته و منظره درخت پرگل و زیبا نیز، در کناره‌ها جلوه بخصوصی داشت.

رنگ آمیزی و تناسب نقاشی، در حد خود ماهرانه بود و درگوشه‌ای رقم داشت: «عمل کمال»

۲ـ تصویر جوان پر شهامتی بود که بروی ساق پاها و دست ها و حتی سینه خود، میخ هایی فرو برده و بسان مرتاضان هندی، جلب نظر می نمود، جوان مذکور، موی بلند داشت و شالی بر گردن انداخته بود و پوششی به ستر عورت در بر داشت.

در کناره‌های دامن خود، زنگ هایی آویزان کرده بود و شمشیر و قمه به کمر داشت.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در زمینه آبرنگ، چندین شاخه درخت بود که حل کاری گشته و رقم داشت: «کمال ۶۰» که تاریخ تصویر گویا سال ۹۶۰ هـ. ق. بوده است.

۳ـ دیگر از این هنرمند، تصویر دو جنگاور متخاصم بود، که با البسه رزمی به نبرد برخاسته بودند، یکی ازاین ها، که رستم نامدار بود و کلاه کله دیو سفید را بسرنهاده بود، سوار بر رخش شده و نیزه را به سینه دشمن حواله کرده و او را زخمی نموده بود. حریف متقابل که گویا یکی از شاهان ترك و شاید افراسیاب بود، سوار بر پیل جنگی گشته و با رستم مبارزه می نمود. قیافه و حالت رزم آوران و البسه و ساز و برگ جنگی و حالت اسب و فیل، در خور تحسین بود. و در زیر پای اسب رستم رقم داشت: «قلم کمال»

حواشی اثر مذهب قرینه‌ای بود و ابیاتی، به زبان ترکی نیز به خط نستعلیق درج گشته بود.

۸۱۵ـ کمال کشمیری

کمالی چیله نامیده میشد و از چهره‌پردازان دوره اکبرشاه (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. ق.) هندی بشمار می آمد و در مکتب مغول نقش تصویر می نمود.

این نقاش که در تصویرسازی و شبیه‌پردازی دست پر توان داشت آثار متنوعی از خود به یادگار گذاشته، که از آن جمله، تصویری در نسخه عیار دانش است که بسال ۱۰۰۴ عمل آمده و حالیه در کتاب خانه چستر بیتی دابلین، مضبوط می باشد.

دیگر از آثار گرانقدر و ارزنده این هنرمند، که طرح آنرا گیسو کلان کشیده، مجلس درباری چنگیز خان است که روی تخت شش گوشی نشسته و با مرد جوانی صحبت می کند، جمله فرزندان و اعیان و رجال و خدمتکاران که در کنار وی قرار گرفته و هر یك در البسه و رنگ های چشم نوازی تصویر شده‌اند، در کمال مهارت بوده و در زیر جدول صفحه، رقم داشت: «طرح چهره‌نامی کیسو کلان ـ عمل کمالی چیله»

این اثر زیبا، در جامع التواریخ (چنگیز خان) که بسال ۱۰۰۵ هـ. ق. ترتیب یافته، جلب نظر می نماید.

از دیگر آثار این نقاش، تصاویری در نسخه تیمورنامه است که بسال ۹۹۲ هـ. ق. پایان پذیرفته، و مؤید هنرمندی نقاش بشمار می آید.

۸۱۶ـ کهم

نقاش دوره اکبرشاه هندی بود و یکی از رسامان نسخه بابرنامه مضبوط در بریتیش میوزیوم، بشمار می آمد و در شیوه مغولی تصویر می ساخت.

در یکی از تصاویر نسخه مزبور، که به دست این استاد انجام یافته، صحنه‌ای را ارائه داده، که چهار کشتی باربری، به نام های آسایش ـ آرایش ـ کنجایش و فرمایش، نقاشی شده و مسافران دریا را در حالات مختلف و قیافه‌ها و البسه گوناگون، نشان داده است.

دراین اثر زیبا، بابر پادشاه، در طبقه فوقانی کشتی بزرگتر نشسته و با ندیمان و دوستان خود صحبت می کند.

---

* کشتان ـ از نقاشان فرانسوی بود که در دارالفنون به تعلیم نقاشی اشتغال داشت و با تحصیل کرده‌های ایرانی که از کشور فرانسه، فارغ التحصیل شده بودند، قرابت فامیلی و دوستی بهم رسانیده بود.

دو دختر این نقاش به عقد و ازدواج هدایت الله‌خان، متخصص چینی سازی و آقا محمد برادر زن حاج شیخ محسن خان مشیرالدوله که هر دو تحصیل کرده فرانسه و جزو شاگردان اعزامی سال ۱۲۷۵ هـ. ق. بودند، درآمده و در ایران زندگی می کردند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ملاح پیری، در مقابل بابر قرار گرفته و کشتی را هدایت می نماید. در طبقه پایین کشتی بزرگ تر و در داخل سایر کشتی های کوچکتر، جماعت شکارچیان و دهل نوازان و سایر همراهان نشسته و با ادوات و ابزار مخصوص جنگی، بشکار نهنگ مشغول هستند. قیافه های وحشتناك نهنگ ها و موج های لغزان دریا، و همچنین حالات و البسه نفرات، پرمایه بود و در زیر جدول رقم داشت: «عمل کهم»

۸۱۷- کوبند

نقاش گمنام قرن ۱۰ مغول هند است.

از آثار رقم دار این نقاش، مجلس عرفا و دانشمندان هندی و چینی بود که در خانه و دیرهای مخصوصی نشسته و به مذاکره و کار، سرگرم بودند.

منازل مذکور را کوه‌های بلند، و مهیب احاطه کرده و ریزش آبشار و منظره درختان، دل انگیز بود و رقم داشت: «عمل کوبند»

● کوسه نقاش در قصری بیک آمده

۸۱۸- کیاءالحسینی - قاطع و مذهّب

فرزند داور نامی بود و در تزیین و تذهیب و قطاعی دست داشت.

از آثار امضاءدار این هنرمند، قطعه قطاعی مذهبی دیده‌ام، که به استادی عمل آمده و رقم داشت: «قاطعه ابن داور کیاءالحسینی» حدود قرن ۱۱ هـ. قـ.

۸۱۹- کیسوکلان - کیسو داش

بنام های کیسوکلان و کیسو داس KESU DAS نامیده می شد و نقاش پرمهارت و خوش طرح دوره اکبری (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ. قـ.) بشمار می آمد.

این استاد شیوه فرنگی و مغولی را در هم آمیخته و با تأثیر زیادی که از مکتب فرنگی برداشت می نمود، مبتکر مکتب تازه‌ای گشته بود که حلاوت و عمق هنری وی را مضاعف می ساخت.

این نقاش بعد از بساون جایگزین وی گشته و درآئین اکبری نیز از وی یاد شده است.

استاد کیسو در طراحی دست بی قرینه و ابتکار فوق العاده‌ای داشت و در حقیقت میشود گفت که در جمع نقاشان دیگری که کارهای وی را به اتمام می رساندند سنگ بنای اولیه را این استاد بنا می نهاد.

این هنرمند در چهره‌سازی و منظره پردازی وارائه مجالس با شکوه بخصوص در انتخاب و پیرایش رنگ های درخشان سلیقه خاصی داشت و درخشان و ماهرانه ترسیم می نمود.

در نسخه رزم نامه جیپور که بسال ۹۹۰ هـ. قـ. به فرجام رسانده، عمق و غنای ماهرانه طراحی وی به اثبات رسیده که در تکمیل آنها مسکین نقاش نیز شرکت داشته است.

از طراحی استادانه وی در نسخه اکبر نامه و بخصوص در نسخه جامع التواریخ مضبوط در تهران است که به قدرت تمام از عهده کار برآمده‌است.

آخرین دوران اثری وی سالیان ۹۹۹ هـ. قـ. است که چون اثر شناخته شده دیگری از وی در دست نداریم، معلوم می گردد که این نقاش در سنوات فوق رخت از دنیای خاکی بر بسته و به دنیای عقبی شتافته است.

۱- از طراحی های استادانه این هنرمند که در نسخه بابرنامه جلب نظر می نماید، تصویر نشسته بابر پادشاه است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که عده‌ای از خواص رجال، بدور وی قرار گرفته و جماعت رقاصان به پایکوبی و شمشیربازی مشغول هستند. در کنار مجلس، عده‌ای از نوازندگان که وسایل گوناگون طرب را بدست گرفته‌اند، سرگرم شادمانی هستند. رقم دارد: «طرح کیسوکلان عمل چهترا»

۲ـ دومین طرح پر حالت این استاد که درنسخه مذکور ارائه گشته، تصویر ملکه جوانی است که وضع حمل کرده و مامای مخصوص، نوزاد را بدست گرفته و نوازش می نماید. در حیاط قصر، رقاصان و نوازندگان، به پایکوبی و طرب مشغول بوده و در اندرون و بیرون خانه، زنی به مستمندان غذا می دهد. رقم دارد: «طرح کیسوکلان عمل دهرمداس»

۳ـ دیگر از آثار این هنرمند که در صفحه ۸۳ آلبوم شماره ۳ کتابخانه چستر بیتی جلب توجه می نماید، نقش حضرت مریم و مسیح است که جماعت مختلفی، در کنار آنها ایستاده و آنها را نظاره می نمایند. نقاشی در کمال قدرت انجام یافته و به خط نستعلیق زیبا رقم دارد: «عمل کیسو»

۴ـ از آثار کم نظیر و پر حلاوت وی که حالیه در کتابخانه بادلیان آکسفورد به یادگار است، مجلس مزین و استادانه سن ماتیو است، که روی صندلی چوبی نشسته و فرشته‌ای زیبا، در کنار وی قرار گرفته است. حالت استادانه پیرمرد و زیبایی فرشته و همچنین منظره اطاق و اثاثیه‌ای آن، و دورنمای عمارات و درختان، در کمال فریبندگی و دل انگیزی است.

تاریخ و رقم نقاش، به خط فوق العاده ریزی به روی صراحی فلزی، جلب نظر می کند که چنین است: «عمل کیسو داس ۹۹۶»

۵ـ دیگر اثر رقم دار این استاد که در یکی از مرقعات کتابخانه کاخ گلستان ایران جلب نظر می نماید، منظره گلستان فرح الزایی است که زن زیبایی، در ایوان قصر نشسته و مشغول نامه‌نگاری می باشد. دو مستخدم زن و مرد، در حضور وی ایستاده و آماده خدمت می باشند. رقم نقاش بروی گلابدان کوچك دیده میشود که نوشته است: «کیسو داس»

۶ـ از بهترین یادگاری های این هنرمند، مرقع مخصوصی است که به امر شاه ترتیب یافته و معرف زبردستی و مهارت وی در امر تصویرسازی است.

۷ـ دیگر از آثار این نقاش، نسخه داراب نامه است که بیشترین استفاده از شیوه اروپایی را در این نسخه بکار برده وبخدمت و مقام هنری خود را عرضه کرده است.

۸ـ یکی از آثار ارزنده نقاش که در نسخه جامع التواریخ، چنگیز نامه جلب نظر می نماید، تصویر قوبلای خان و عیال و سایر فامیل است که در یك مجلس به نقش درآمده که قوبلای خان در صدر مجلس بروی تختی نشسته و خاتون در مقابل وی قرار گرفته است، مستخدم مخصوصی بشقاب غذا را به حضور می آورد، خیل جماعت به حالت نشسته و ایستاده دیده میشوند. یکی از مستخدمین مشغول صید کبوترها در پشت بام است، بیرون از جدول درج نموده: «طرح و چهره نامی کیسو کلان ـ عمل کمالی چیله»

---

* گلریز خاتمی ـ شادروان منصور خلیل گلریز خاتمی که در دیماه ۱۳۵۲ شمسی دار فانی را وداع گفته، از استادان صاحب نام صنعت خاتم سازی است که آثار ارزنده وی در موزه‌ها و تالارهای هنری جهان جلوه‌گر بوده و مؤید نام آوری و هنرمندی وی در هنر مورد علاقه او میباشد.

این خانواده هفت نسل، پشت در پشت خاتم کار بوده و علاوه بر فرزندان وی که شگردها و ریزه‌کاریهای این هنر را از پدر یاد گرفته‌اند، شاگردان زیادی نیز از هنر وی مستفیض شده و در حد خود استاد پرمایه‌ای گشته‌اند. روانش شاد باد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حرف

گ

۸۲۰ ـ گل محمّد

نقاش شیرین کار و گمنام قرن ۱۱ هـ. قـ. است. از این هنرمند تنها اثری که معرفی شده، تصویر ملکه زیبا و پر جلالی است که در آلبوم معروف لنین گراد چاپ گشته است.

گل محمد در تذهیب و چهرمسازی و شبیه پردازی بشیوه فرنگیها، استاد چربدستی بود و در آرایش و تزیین کناره‌های تصویر نیز ابتکار ارزنده‌ای داشت.

تصویر مذکور، ملکه جوانی را نشان میداد که لباس و شنل منقش و مزینی بتن کرده، و یقه‌های بلند و چین دار و آهار زده داشت.

سینه‌بند چسبان و جواهر نشانی بسان جلیقه‌ها بتن کرده بود و چهار ریسه بلند مروارید، از گردن آویخته و بیکدست بادبزن گرفته بود.

این اثر زیبا که در کمال استادی نقش بسته و البسه و آرایش آن دوره را به استادی ارائه داده بود، رقم داشت: «رقم گل محمد»

● گنگ مصور در مصور گنگ آمده.

۸۲۱ـ گور دهن

فرزند بهوانی داس و نقاش شایان تحسین اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. هند در مکتب مغولی بود.

این هنرمند از خانه‌زادان دوره جهانگیر شاهی (۱۰۳۷ ـ ۱۰۱۴ هـ. قـ.) بود و در شبیه‌سازی و چهره پردازی قلم پر مهارت داشت.

گوردهن که بالطبع در اوان خردسالی و جوانی، شاگرد پدر هنرمندش بشمار می آمد، در ارائه مجالس بزمی و پر جلال و ارائه حالات نفرات و تزیین البسه و انتخاب رنگها، پر اعتبار و خوش قریحه بود و صورتها را شبیه و پرحالت در می آورد.

این هنرمند در تذهیب و حل کاری و آرایش البسه و سایر اشیاء جنبی تصویر، قلم پر حلاوتی داشت ولی عمده مهارت نقاش در شبیه سازی و ارائه سایه‌های استادانه آن بود که در جمله آثار نقاش هویدا می گردند.

در حاشیه یکی از قطعات مرقع گلشن، تصویر واقعی این نقاش را، دولت معروف، به تردستی ارائه داده و قیافه و وضع ظاهری وی را برملا ساخته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در این تصویر، که او را در حدود سی سالگی نشان میدهد، گوردهن مشغول صحبت با همکاران نزدیك است. دولت در مقابل او نشسته و ورقه‌ای بدست گرفته و سرگرم تصویرسازی است.

گوردهن کلاه عمامه‌ای شکل هندی، بسر گذاشته و قبای سفید و شال رنگی بتن کرده است. در روی زانوی راست او، ورقه بزرگ نقاشی دیده میشود که استاد را در حال ترسیم نشان میدهد و در گوشه بالای کاغذ رقم دارد: «شبیه گوردهن عمل دولت»

یکی از آثار رقم دار و ارزنده وی را که در نمایشگاه ۲۴ آپریل ۱۹۸۲ موزه ویکتوریا آلبرت لندن از نزدیك دیده‌ام، تصویر مرد نوازنده‌ای بود که دو زانو نشسته و گیتار مخصوص بدست گرفته و سرگرم نوازندگی است. سه نفر از یاران همدمش که در قیافه و حالات گوناگون در مقابلش قرار گرفته‌اند، به آوای ساز وی گوش داده و از قیافه و حالات چهره آنان چنین بر می آید که از نوای ساز او خوشحال و شادمان گشته‌اند. منظره چادر پشت، و قفس طوطی، و دورنمای فنی و سرشار انتهای نقاشی، که کالسکه سواران و خیل شترها و چند کلبه دهقانی نقش بسته‌اند استادانه بوده و رقم دارد: «عمل کوردهن».

۲ـ دیگر از آثار رقم دار این استاد، تصویر مرد چاق و عمامه‌بسر و کوسه‌ای است، که در محلی نشسته و در کنارش ظرف میوه و غذا دیده میشود. در مقابل وی جوانی دو زانو نشسته و گویا بقرائت کتابی سرگرم است. روی دفترچه‌ای رقم و تاریخ نهاده: «عمل کمترین خانه‌زادان گوردهن جهانگیر شاهی ولد بهوانی داس خاتم شد. سنه ۱۰۱۸»

۳ـ دیگر از تصاویر بجا مانده هنرمند، صورت، رائو بهاره زمین دار ولایت کجرات است که لباس بلند پوشیده و نورالدین جهانگیر پادشاه بخط خود، در اطراف آن چنین نوشته‌است: «حرره نورالدین جهانگیر بن اکبر پادشاه غازی. بهاره مذکور از زمین داران معتبر کجرات است و بدیدن هیچ یك از حکام این دیار نیامده بود. رقم کوردهن سنه ۱۳ مطابق سنه ۱۰۲۷ در بلده احمد آباد بملازمت رسیده».

۴ـ از نقوش بیادگار مانده دیگر هنرمند، تصویر پیرمرد سپیدموئی است که بروی زمین بخواب رفته و جوانکی در پهلوی وی دراز کشیده است. مرد جوان که گویا شاهزاده والاتباری بوده و بمرشد خود ارادتی داشته، با جمع ندیمان و وزیران در پشت سر وی باحترام قرار گرفته و جهت زیارت او شرفیاب حضور گشته‌اند.

این اثر زیبا، که بشماره ۲۵ در کاتالوگ گالری کل نائی لندن بسال ۱۹۷۹ چاپ شده، رقم دارد: «عمل کوردهن»

۵ـ دیگر از نقوش شبیه سازی وی، تصویر میرمحمدسعید میرجو ملاه است که رقم دارد: «عمل کوردهن»

۶ـ از تصاویر چشم نواز این استاد، که در آلبوم جهانگیر قرار گرفته و عکس زیبای آنها نیز بشماره‌های ۵۵ و ۵۹ در جلد سوم کاتولوگ کتابخانه چستر بیتی بسال ۱۹۳۶ چاپ شده، تصویر پرنس جوان و نگهبان مخصوص است، که در کمال قدرت عمل آمده و جهانگیر بخط خود نوشته: «میگویند شبیه حضرت صاحبقران است. حرره جهانگیر اکبر شاه» و رقم دارد: «گواردهن». دیگر، تصویر سلطان پرویز و جمع دوستان نزدیك است که درکمال فخامت نقش بسته و در کناره‌های نقاشی، گل های زیبا و حل کاری نفیس دیده میشود و رقم دارد: «گواردهن».

۷ـ از بهترین آثار ارزنده این هنرمند، منظره دربار جهانگیر شاه، مضبوط در کتابخانه ملی برلین است که با جمع دیگر آثار نقاش در این آلبوم جلب توجه مینماید.

۸ـ دیگر پرتره شاه جهان با داراشکوه است که در آلبوم مین تو قرار گرفته است.

۹ـ دیگر از آثار این هنرمند که در ذیل نسخه‌ای در تاریخی حدود ۱۰۱۳ انجام پذیرفته، تصویر پر زیب و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زینت بیرام خان است که در صحرائی ایستاده و با جمع یاران و نوکران، تیراندازی اکبر را در سنین خردسالی، مراقبت می نماید.

در این اثر شبیه سازی، بایرام خان لباده بلند و طلائی گلداری پوشیده و یك مستخدم جوان در پشت سر حاضر است. اکبر شاه که در سنین کودکی نشان داده شده، تفنگ بدست گرفته و بنقطه نامعلومی نشانه گرفته است.

جماعت همراهان که حدود سیزده نفر میباشند، هر یك با البسه رنگینی که دو سه نفر تفنگ بدوش گرفته‌اند، در کنارها ایستاده و شکار شاهزاده را نظارت مینمایند.

این اثر ارزنده که در چهره‌سازی و نمای شخصیت افراد و طرز رنگ آمیزی و حالت اشخاص، قابل تحسین است، یکی از آثار با قدرت نقاش بشمار آمده و در روی جدول صفحه رقم دارد: «گوردهن».

تصویر شماره (۱۱) در صفحه (۹۴۳)

۱۰ـ دو اثر ارزنده این استاد، در نسخه اکبرنامه است که یکی حضور یافتن میرزا محمد حکیم با جمعیت فراوان است که بحضور اکبر شاه رسیده و بمنصب عالی وکالت و شرف خطاب خان خانانی و خلعت افتخار در بر کرده است.

تصویر بسیار ماهرانه و مجلس پر جمعیت و البسه و تزیینات استادانه است و زیر جدول درج شده: «گوردهن».

۱۱ـ اثر دیگر در این نسخه، مجلس سلطنتی و پر جلال اکبر شاه است که روی تختی جلوس کرده و ابوالفضل علامی نسخه‌های اکبر نامه را بپادشاه نشان میدهد، این تصویر نیز در کمال استادی و نفاست بوده و چهره پردازیهای آن قابل تحسین است و زیر جدول نوشته شده: «گوردهن».

۸۲۲ـ گومیند

نقاش گمنام دوره اکبر شاه (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. ق.) هندی بود که تنها اثر بجا مانده وی، در نسخه بابرنامه معروف دیده میشود که مؤید خوش نقشی وی در شیوه مغولی هند است.

۸۲۳ـ گهرداس یا گوهرداس

یکی از تصویرگران نسخه انوار سهیلی مضبوط در بریتیش میوزیوم است که مشخصات کتابرا به تفصیل در احوال (آننت نقاش) بیان داشته‌ام.

این هنرمند، در جانورسازی و منظره‌پردازی و ارائه مجالس متنوع و پر ازدحام شیرین قلم و ظریف کار بود و در رنگ آمیزی و انتخاب آنها ابتکار بخصوصی داشت.

اثر استادانه نقاش که بشماره ۳۰ در نسخه انوار سهیلی، جلب نظر مینماید، منظره کوه و دشت و دمن و درختان سر سبز است که در کمال استادی و فرح بخشی، تصویر گشته و دو درخت کم برگ، در روی کوه دیده میشوند.

در وسط تصویر، دو شیر درنده‌ای جلب نظر مینمایند، که شکار خود را هلاك نموده و بخوردن آن مشغول میباشند، در پشت گیاهان، خرگوش ترسو و مضطربی به استتار ایستاده، و شکار آهوان را نظاره مینماید. رقم دارد: «گهر داس».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حرف

﴿ل﴾

۸۲٤ ـ لاله‌لی شاکر

لاله‌لی شاکر از مذهبان شیرین قلم عثمانی در دوارن سلطان محمود خان دوم (۱۲۵۵ ـ ۱۲۲۳ هـ. قـ.) است. که در هنر خود نازك قلم بوده و در صنعت تذهیب و حل کاری دست پر حلاوتی داشته است.

۸۲۵ ـ لاچ من

لاچ من و هنرمند دیگری به نام لنکا، هردو نفر از صورتگران گمنام اکبرشاه (۱۰۴۱ ـ ۹۶۳ هـ. قـ.) هندی بودند که در امر تصویر نسخه با برنامه، با سایر نقاشان درباری همکاری و معاضدت می نمودند.

۸۲٦ ـ لاله لچهمی

نقاش و منشی صاحب مقام بود و دراوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. در دیار هند زندگی می نمود.
در کتاب شاه جهان نامه، خط نستعلیق و شکسته وی را ستوده و او را نقاشی صاحب قلم معرفی نموده است.
از آثار رقم دار وی ندیده‌ام.

۸۲۷ ـ لایق ـ حکیم لایق

حکیم لایق و ملایگانه و ملامفید، سه نفراز نقاشان غیرمشهور بلخ بودند که درزمان سلطنت شاه عباس کبیر (۱۰۳۸ ـ ۹۹۵ هـ. قـ.) و در خدمت امامقلی خان امیرالامرای فارس، به نقش تصویر و آرایش کتاب ها اشتغال داشتند.
از آثار رقم دار یا منسوب به آنان را ندیده‌ام.

۸۲۸ ـ لطف الله (مذهّب)

مذهب خوش پرداز و دقیق نگار اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. بود.
نسخه خمسه نظامی مزینی ازاین هنرمند دیده‌ام که به شیرین قلمی و شایستگی تذهیب کرده و رقم گذاشته بود: «تمّت هذاالکتاب بعون الله الملك الوهاب فی سنه ۱۰۳۴ فی دارالفیض شیراز به کارخانه صلاحیت و کمالات اکتساب نادرالعصری لطف الله مذهب»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دراین اثر برازنده، که شیوه تذهیب کاری شیراز را در برداشت، تنوع نقوش و قدرت قلم و شیوایی رنگ ها و دقت قرینه سازی، به نحو استادانه ای عیان گشته و معرف هنرمندی وی، درامر تذهیب بشمار می آمد.

۸۲۹ ـ لطف الله (مذهّب هندی)

مذهب وطراح و نقاش گمنام دوران اکبرشاه هندی (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. قـ.) است که در شیوه مغولی آن دیار، دست داشته است.

این هنرمند، درنسخه امیرخسرو دهلوی که بسال ۱۰۰۶ کتابت شده ودر والتر آرت گالری بالتیمور قراردارد، اثر شناخته شده‌ای دارد که معرف هنرمندی نقاش بشمار می آید.

این خمسه نفیس، دارای جلد روغنی زمان خود بوده و به خط محمد حسین زرین قلم کتابت شده‌است.

۸۳۰ ـ لطف الله (نقّاش صفوی)

نقاش باابتکار اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. و هم زمان استاد محمدی بود که در مواردی نیز، بسان مکتب وی، نقش تصویر می نمود.

از آثار رقم داراین هنرمند که به کارهای استاد محمدی نیز شباهت داشت، تصویر پیرمردی بود که کلاهی، شبیه به کاسه معمولی، بسرگذاشته و بروی زمین نشسته و گلی رابه دست گرفته بود.

نقش البسه و آرایش سایه ها و ابرهای آسمان، پرمایه بود و رقم داشت: «رقم کمترین لطف الله فی شهر جمادی الآخرسنه ۹۹۷»

۸۳۱ ـ لطف الله حمزوی شیرازی

اهل شیراز بود و به میرزا لطف الله مستوفی شهرت داشت.

این هنرمند در چهره پردازی و شبیه سازی متبحر بود و گل مرغ و منظره سازی را خوب می دانست و در تذهیب و گونه های مختلف طلاکاری دستی پر حلاوت و قوی داشت.

میرزا لطف الله درسیاه قلم و آبرنگ و کارهای روغنی (قلمدان سازی) ازاستادان پر مایه بشمار می آمد و درنظم شعر دست داشت و از رسایل و حسن خط آگاه بود و خط نستعلیق رااستادانه می نوشت.

فرصت شیرازی درآثار عجم خود ازاین نقاش نام برده و چنین آورده است.

«میرزا لطف الله حمزوی در رسائل و مکاتیب بی نظیراست و درنقاشی شهیر میرزا لطف الله گاهی شعر می گوید و واحد تخلص می نماید»

و ایضا در صفحه ۵۴۸ کتاب می نویسد «میرزا لطف الله مستوفی در فن نقاشی به منتهی کمال است»

این ابیات ازاوست

هردل که در او عشق رخ یار نباشد — هیچش خبر از عالم اسرار نباشد
زاشفتگی حال من آگاه نگردد — آنکس که بموی تو گرفتار نباشد
عالم همه‌مست ازمی خمخانه عشق است — یك ذره دراین میکده هشیار نباشد
هرکس که چه واحد شود از عشق یگانه — دروحدت ذات تواش انکار نباشد

ازآثار رقم دار وی دیده‌ام.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ قلمدان دلربا و خوش نقشی بود که زمینه نخودی کم رنگ داشت. در رویه قلمدان، تصاویر گل ومرغی دلربایی، بسان کارهای آقا فتحعلی انجام داده بود که بسیار پسندیده بود و رقم داشت: «لطف الله الحمزوی»

۲ـ اثر دیگر این هنرمند، قلمدان استادانه‌ای بود که درشیوه روسی و مصطفی نقاشباشی تصویر نموده، و حواشی و اطراف قلمدان نیز، مناظر زیبا و بهجت افزای ستودنی داشت و رقمش چنین بود: «لطف الله الحمزوی ۱۳۲۰»

۳ـ سومین اثر رقم دار و یا تنها اثر رقم دار سیاه قلمی، که ازاین هنرمند دیده‌ام، دسته گل های متنوعی، به شیوه لطفعلی شیرازی به سیاه قلم بود، که بسیار برازنده و شایسته تحسین بود و رقم داشت: «لطف الله الحمزوی ۱۳۱۸»

۴ـ دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند تصویر زن زیبا و فتانی در شیوه فرنگی بود که با طنازی تمام روی صندلی نشسته و با قلم پر مرغی روی کتابی یادداشت می نوشت، صورت وی استادانه و رنگ های متوازن و تناسب اندام دل انگیز والبسه شیوا و رنگین داشت ومهارت نقاش را برملا می ساخت.

بالا و پایین قلمدان، تذهیب قالبی و یك دستی درشیوه روسی بود که به یکسان و قدرت قلم نقش بسته بود.

به خط نستعلیق زیبا و درشت رقم داشت: «لطف الله الحمزوی سنه ۱۳۱۵»

۸۳۲ـ لطف اله سهیل شیرازی

نقاش دوره ناصری و اهل فسا بود که به میرزا سهیل شیرازی شهرت داشت. این هنرمند، در خط و نقاشی و شعر دست داشت و تخلصش سهیل بود. فرصت در کتاب خود، مختصری از وی یاد نموده و چنین نوشته است. «میرزا لطف الله از خطاطی و نقاشی و دیگر کمالات خبیر است و تخلصش از فقیر، این شعرازاوست

گاه از هجـر تو نالم گهی از زاری دل — حال دل را بکـه گویم که کند یاری دل

با جفـاهـای تو دل باز تو را می طلبـد — کوچـه سازم دگر از دست طلب کاری دل

آثار نقاشی او را ندیده‌ام».

۸۳۳ـ لطف الله بن یحیی بن محمّد شیرازی

خطاط و مذهّب با اعتبار و خوش رقم اواخر قرن ۸ هـ. قـ. شهر شیراز بود.

تنها اثر رقم داری که از این هنرمند به یادگار مانده، نسخه شاهنامه ایست که بخط خود کتابت و تذهیب کرده و رقم و تاریخ نهاده بود.

«کتبه و ذهبه العبدالضعیف . . . . لطف اله بن یحیی بن محمد شیرازی فی شهور سنه ۷۹۶ فی دارالملك شیراز».

۸۳۴ـ لطفعلی

طراح و نقاش و حکاك استاد، بروی فلزات سخت بود و در حرفه خود مهارت تامی داشت. از آثارامضادار این هنرمند که به سالیان ۱۱۵۱ هـ. قـ. اتمام پذیرفته و حالیه در توپ قاپوسرای عثمانی مضبوط می باشد، قاب آینه مزینی به‌نام (چارآینه) است که به انواع نقوش تزیینی و اسلیمی ترتیب یافته و در نوع خود، منحصر می باشد، این هنرمند، سختی فولاد را نادیده گرفته و با زبردستی و مهارت فوق العاده‌ای که داشته، خرمنی از گلها و پرندگان را، بریزنگاری تمام ارائه داده که آیتی از هنر و کمال نقاش بشمار می آید. در کناره‌ها و وسط آن نیز خطوطی به شیوه نسخ و رقاع استادانه، کتابت نموده و رقم و تاریخ نهاده: «لطفعلی ۱۱۵۱».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۳۵- لطفعلی خان نقّاش شیرازی

تصویرگر نامی و نقاش شیرین کار شیرازی است که به نقاش گل ها مشهور میباشد.
از زندگی خصوصی و دوران صباوت وی آگاهی زیادی نداریم، عمده اطلاعات ما منوط به مدارك مختصری است که توسط نواده دانشمند آن هنرمند، مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر، درمجله نقش و نگار سال ۱۳۳۶ درج شده که درمورد جد خود چنین مینویسد:

«تاریخ تولد جد من لطفعلی خان نقاش شیرازی، مانند سایر هنرمندان ایرانی و اروپائی معلوم نیست و علت آن این است که مردم دانشمند و هنرپیشه، غالباً از میان طبقات بی استطاعت اقوام برمیخاسته‌اند و در آغاز حیات کسی به آنها توجه نداشت که روز ولادت آنان را یادداشت نمایند.

آنچه دراین مورد می شود اظهارداشت، این است که پدرم رحمةالله علیه که در سال ۱۳۰۲ شمسی در سن پنجاه و چهار سالگی درگذشت، می گفت که محضر پدرش را که مردی کلان سال بوده و در حدود شصت و پنج سال داشته است درك نکرده و در کودکی، یتیم شده است.

بااین حساب تاریخ ولادت لطفعلی خان را میتوان حدساً سال ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ شمسی دانست.

اما حیات واقعی هنرمند از روزی آغاز میشود که ذوق و هنر وی آغاز تجلی میکند و به این ترتیب از سن بیست و اند سالگی زندگانی هنری را آغاز می کند که با معاش بسیاراندك ساخته و در خانه پدری خویش عزلت گزیده و به نقاشی پرداخته است.

از حکایات کوچکی که درباره او در خانواده مامشهور بود، یکی این است که مرد موقر هفته‌ای یك بار پس از ادای فریضه، برای خرید رنگ های نقاشی به بازار میرفته و برمی گشته است.

داستان دیگر این است که اوایل جوانی، تصاویری برای شاهنامه ساخته بود که پهلوانان نامی ایران را بسان جوانان عشرت طلب و می گسار ترسیم کرده بود. یکی از ایلخانی های قشقائی[1] برای اینکه او را به قیافه مردم کوه نورد و چادرنشین آشنا کند، وی را مدت یکسال باخود بسفر برده است و پس از مراجعت، برای شاهنامه تصاویری ساخته است که چندان از تصوری که ایرانیان در ذهن خود، برای آنان دارند خارج نیست!

اهمیت کارهای لطفعلی درگل و بوته است و طرز کاراین هنرمند چنین بوده است که شاخه گلی رااز گلستان می چیده و روی خویش می نهاده و نقاشی می کرده‌است و در آثار وی این توجه به طبیعت را می توان تماشا کرد.

درتصاویری که از زن و مرد، به قلم سحار وی پرداخته شده است نیز این حالت موجود است، چنانکه زنان همه دارای چشم های سیاه و درشت و بینی باریك و دهان بسیار کوچك و صورتی گرد و ماه مانند هستند و کمرشان بیش از اندازه باریك است.

لطفعلی خان آثار خود را با خط طغرا امضا میکرده و کمتر با نستعلیق صفحه را رقم نموده است. در موقعی که آثار او را درموزه ارمیتاژ لنین گراد زیارت میکردم، دیدم با قلم مو در گوشه چپ نوشته است «برای فرزندم علی (منظور پدر من است) ساخته شد که زینهار گرد هنر نگرد زیرا مایه خواری و ناداری او خواهد شد. جای خوشوقتی است که او خود به گفته خویش نگروید و تا پایان زندگی کلك موئین را از دست نداد و صفحاتی بسیار زیبا که نمونه کمال هنرمندی است از وی بیادگار ماند و صفحه‌ای از تاریخ هنر ایرانی را بنام خویش اختصاص داد.»

یگانه ماخذ قدیمی و مستندی که نویسنده آن، همکار و مونس نقاش بوده فرصت الدوله شیرازی است که در کتاب آثار عجم خود راجع به لطفعلی چنین می نویسد:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«مرحوم لطفعلی خان با سلسله مرحوم حاجی مشیرالملك[۲] نسبت داشت، اگر چه صورت گری هم می نمود ولی گل و بوته سازی اش، در تمام جهان انحصار داشت و از سابقین و لاحقین به استادی او دیده نشده است.

وفاتش درسنه ۱۲۸۸ و در دارالسلم شیراز مدفون آمد رحمة الله علیه، میرزا محمد علی خان مسعود الملك که صاحب خط و انشاء است و بحسن صفات بی همتا، آن مرحوم را خلف سعادتمند می باشد.»

لطفعلی خان بغیر از تصویر انواع گلها که بحد اعجاز ترسیم مینمود، در چهره پردازی و شبیه سازی بشیوه ایرانی و فرنگی و منظره‌کشی و آرایش گلستان و دشت و چمن استادی چیره دست و در آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی (قلمدان و جلدسازی) و تذهیب و حل کاری و ساختن انواع مرغش ها نازك قلم و بدایع نگار بود.

این هنرمند نقاشی رنگ و روغنی را نیز خوب میدانست و به شیوائی عمل می آورد، چندین اثر رنگ و روغنی پرمایه‌ای که ازاین استاد، در ورای سقف ها و دیوارهای اطاق ها دیده‌ام مؤید این گفتار و نشانه ذوق و ابتکار وی میباشند.

۱ـ و اما داستان اصلی این قضایا که بطرز دیگری در اسناد زمان نقاش یاد شده چنین است.

دیوان بیکی در حدیقه‌الشعرا و دراحوال محمد داوری چنین می نویسد: . . .

«تمام خطوط را خوب می نوشت ولیکن فنش نستعلیق بود که بر سایر امتیاز داشت، در نقاشی و تذهیب یکی ازاساتید محسوب می شد و با هوش و ذکائی مفرط بود هر صنعتی را که اراده مینمود باندك توجهی فرا میگرفت، شعر را هم اعتقاد خودشان این بود که از همه برادران بهتر می گفت اما روزگارش چندان امان نداد و در جوانی بدرود جهان گفت. کتاب شاهنامه تمام کرد که تذهیب و نقاشی و جلد او تمام کار خودش بود و کمال امتیاز داشت قریب پنج سال دردست داشت و در آن مدت اجزاء و اوراق او بنظر غالب بزرگان رسید و کسی طالب نشد جز محمد قلی خان قشقائی ایل خانی فارس طالب شد. او کتاب را تمام کرد و شرحی به بحر تقارب مشتمل برزحمت خود و تعریف کتاب و مدح ایلخانی بیفزود. ایلخانی هفتصد تومان نقد و دوطاقه شال کشمیری ممتاز و دو اسب خوب باو نیاز کرد. . . . . و چون دو قسمت از نقاشی های آن بپایان نرسیده بود. محمد قلی خان، لطفعلی نقاش معروف را با میرزا آقای نقاش که او نیز دراین فن استاد بود، نزد خود خواند و تا دو سال در ییلاق و قشلاق فارس نزد خود نگاه داشت و دو نفر دیگر از اهل تذهیب را بدستیاری آنان برگزید، تا نقاشی و تذهیب آنرا بانمام رسانیدند.»

و اما مطلب اصلی بگونه دیگری است که عمده تصاویر شاهنامه را، لطفعلی خان مصور ساخته تنها تعداد انگشت شماری را محمد داوری و برادرش فرهنگ پایان رسانده که امضا و تاریخ اجرای آنها، در ذیل شاهنامه دیده میشوند.

تصاویر این شاهنامه، از آثار گرانقدر لطفعلی خان بشمار آمده و در موزه رضا عباسی تهران مضبوط میباشد.

سفارش دهنده این اثر ارزنده، محمدخان ابن جانی خان ایلخانی فارس است که تصویر آن دریکی از مدالیون های قلمدان معروف آقا بزرگ شیرازی که احوال آن در (آقا بزرگ شیرازی) گذشت تصویر کرده است.

محمد قلی خان ایلخانی قشقائی از مشاهیر و بزرگان ایل قشقائی بود و پسر پنجم جانی خان ایلخانی قشقائی بشمار می آمد.

او مردی هنر دوست و با ذوق و با کمال بود و تولد وی در سال ۱۲۲۴ هـ. قـ. به وقوع پیوسته و در سال ۱۲۵۰ هـ. قـ. به لقب ایل بیکی ملقب گردیده و در سال ۱۲۶۸ هـ. قـ. بملقب و منصب ایلخانیگری منصوب شده و درسال ۱۲۸۴ هـ. قـ. در سن ۶۰ سالگی درگذشته است.

در فارسنامه ناصری، احوال این هنردوست باذوق را چنین یاد کرده است:

«محمد قلی خان ایلخانی که مادر دهر مانندش نزاید و ابناء زمان برای خدمتش نشاید در درستکاری رایت افراشت و در راستگوئی مانند نداشت تا در قید حیات بود نام دزدی را کسی در فارس نشنید و طریقه ناهنجاری از ایلات کسی ندید. خطوط استادان خط را بهتر از خوشنویسان شناختی و محاسن شعر را بهتر از شعرا دانستی در هر حرفه و صناعت بصیرتی خاص داشتی در سال ۱۲۲۴ متولد شده و در سال ۱۲۵۰ بلقب ایل بیکی سرفراز گردید و از عهده لوازم آن با حسن وجوه برآمد و در سال ۱۲۶۸ به لقب و منصب ایلخانی مملکت فارس قرین مباهات گردید . . . و در سال ۱۲۸۴ بمرحمت ایزدی پیوست.»

بنوشته فرصت:

۲ـ «حاجی مشیرالملك میرزا ابوالحسن خان در ادوار این ازمنه، کمتر کسی بشوکت و شأن وی بوده در حدود سی سال به فارس وزارت نموده در زمان حیات، اوقات خود را مصروف در عمارات و آثار خیرات میداشت، در سال ۱۳۰۱ وفات یافت اولاد ذکور نداشت فقط یك دختر داشت. (صفحه ۲۷۴ آثار عجم) چاپ قدیم مجموعه نگارنده»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در زمینه فرنگی سازی نیز صاحب قلم بود و مناظر و مرایا را خوب میدانست، تصاویر دلفریبی که از صورت و قیافه و البسه و آرایش زیبا رویان فرنگی بجا گذاشته، مهارت وی را درامر چهره پردازی و پرداخت زیبایی ها عیان ساخته و بحد نقاشان آبرنگ ساز و با مهارت خارجی اعتلاء داده است.

چندین نمونه ماهرانه و پرلطافتی که از هنر چهره سازی و شبیه پردازی این استاد دیده‌ام، به یقین شایسته این امتیاز است که علاوه براینکه او را نقاش گلها بدانیم، تصویرگر معجزه‌گری نیز بحساب آورده و در ردیف نقاشان شبیه پرداز و چهره ساز آن زمان ها، از قبیل آقا صادق و آقا نجف و سایرین محسوب بداریم.

لطفعلی خان نقاش پرکار و کثیرالمشق بود و هرائر شیوائی را که بنظرش پسندیده می آمد با امضای طغرائی خود مزین مینمود و درموارد کمتر بدرج نام ساده خود اکتفا کرده و در مراحل ضروری وصف حالی نیز علاوه مینمود.

او سعی داشت کارهای اجرائی خود را بحد سلیقه و وسواس تمام آرایش داده و از سرعت و عجله در کارهای هنری احتراز جوید و بدین جهت است که عمده آثار بجا مانده وی که در موزه ها و مجموعه های خصوصی دیده میشوند، جملگی با شیوائی و استادی مخصوصی به عمل آمده و نود درصد آنها نیز امضای نقاش را در بر دارند.

استاد لطفعلی شیوه های متنوع نقوش را که به آبرنگ و رنگ و روغن و کارهای سیاه قلمی و روغنی (قلمدانی) اختصاص داشت نیکو میدانست و درمکاتیب مذکور، استاد والا رتبه‌ای بشمار می آمد.

عمده علاقه هنرمند، ترتیب قلمدان ها و جلد های پرآفین بود که با ارائه گل های متنوعی که در باغ و راغ می دید و یا درآینه خیالش تجسم می یافت بروی آنها عرضه میکرد و در ورای این گل آرائیها، هر محل خالی و مناسبی را که در جمع تصویر بنظرش می آمد باارائه پرندگان رنگارنگ و پروانه و زنبور، اعتدال نقش را میزان میکرد و چشم نواز و شاداب عمل می آورد.

آثار گل آرائی لطفعلی در شیوه محمد زمان و علی اشرف بود و بعید نیست که از یادگارهای بجا مانده آن استادان سود ها جسته و مشق و تمرین های زیادی انجام داده است.

در قلم سیاهی و آبرنگ های تیره، که درآن زمانها باب روز بود، لطافت و مایه بخصوصی داشت و چه بسا مبتکر بعضی قیاس ها بود که مختص خود نقاش بحساب می آمد.

در جلدسازی که بحرمت نسخه موجود آن، بستگی داشت، سنگ تمام میگذاشت، و گل آرائی ها و جست و خیز پرندگان را باطراوت و استادانه عمل می آورد.

در ارائه رنگ ها و انتخاب زمینه ها دقت پرمهارتی داشت و اغلب زمینه ها را تیره می گرفت تا حالت گل آرائی و نمود رنگ های روشن جلوه بیشتری پیدا نمایند.

در تنوع سایه ها، بخصوص نقطه پرداز و سیاه قلم، به‌تمام معنی استاد بود و سایه پردازها را به شیوه علی اشرفی محکم و غباری می ساخت.

در مقوا سازی و استحکام اسکلت قلمدان و همچنین تناسب طول و عرض و برش دهانه ها بسیار سخت گیر بود و سفارشات خود را به استادکاران طراز اول مقواکار میداد و روی این وسواس و دقت ها است که عمده قلمدان های کار لطفعلی، از تناسب و استحکام و شیوائی مخصوصی برخوردار بوده و در نوع خود متمایز میباشند.

لطفعلی خان بخارج از ایران نیز یعنی نواحی قفقاز و گرجستان، سفر کرده و آثاری هم در این سفرها از خود به یادگار نهاده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از استادان اولیه این هنرمند که او را تعلیم داده یکی نقاش و مذهب نامی شیرازی استاد محمد حسن است که در یك اثر بجا مانده او را نور چشمی خوانده و چنین یاد کرده است:

«از شدت دندان درد، بجهت نور چشمی لطفعلی خان ساخته شد. کمترین خلق اله محمد حسن سنه ۱۲۵۱». از طرفی دراین سنوات که لطفعلی خان، دوره نقش آموزی را در پیش استاد ادامه میداد، در ذیل تصویری، ارادت خود را به استاد بیان کرده و مقام والای وی را حرمت نهاده است.

در این اثر آبرنگی که تصویر تمام قد یك شاهزاده قاجاری است، چنین رقم نهاده است: «هوالله تعالی. از لطف علی فروغ این انجمن است ـ حسن از سرخامه محمد حسن است فی سنه ۱۲۵۱»

بغیر از این سجع انحصاری که از محمد حسن یاد کرده و تنها در این اثر دیده میشود، سجع مشهور و متداول وی «راقمه العبد الاقل لطفعلی» است که نگارنده باندازه بزرگتری ترسیم کرده و در معرض دید علاقمندان قرار داده‌ام.



این امضای طغرائی که در حد خود شاهکاری بوده و ترسیم آن بدست هر کسی میسرنمی باشد به اندازه‌ای دقیق و پر توازن ترسیم مینمود که احدی را یارای تقلید آن نبود. مثلاء در جلد قرآن وصال کوچکتری، که اندازه ۸/۵×۵ سانتی متر را در برداشت و امضای نقاش، بیش از چند میلی متری را در برنمیگرفت، نقش طغرا را بسان تار عنکبوتی چنان دقیق و نازك ترسیم نموده بود که اگر امضا را بزرگ کرده و مورد مداقه قرار میدادیم، تمام نسبت ها و فواصل مسیرها، باندازه‌ای باریك و پروسواس جلوه میکرد که گوئی نقش طغرا را در سطح بزرگتری تنظیم نموده و سپس با وسیله‌ای کوچك کرده و ذیل نقاشی قرار داده‌اند.

لطفعلی خان فرزندی بنام علی داشت که بنام میرزا آقا خان یا محمد علی با لقب مسعود الملك نامیده می شد، که همانا پدر مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر است که گویا بنا به‌وصیت پدر گرد هنر نگشته و به کارهای مورد دلخواهش روی آورده است.

سال مرگ این هنرمند، بنا به‌نوشته فرصت شیرازی، سنه ۱۲۸۸ هـ.قـ. درج شده و اگر سال تولد استاد لطفعلی را، با درنظر گرفتن جلد پر امتیاز قرآن میرزا کوچك وصال که در سال ۱۲۵۷ هـ.قـ. به‌عهده نقش کشیده، ملاك عمل قرار داده و جلد را، اثر دست نقاش خبره‌کار آزموده ای، در حدود سی و پنج سالگی بدانیم، به تقریب، سال تولد نقاش، تاریخ ۱۲۲۲ هـ. قـ. خواهد بود که نقاش عمری، درحدود شصت و شش سالگی را طی نموده و سپس روی در نقاب خاك کشیده است.

بطوریکه روایت میکنند، سالیان آخر عمر نقاش، در ناراحتی و تزلزل خاطر گذشته، و مخصوصاً صدمه روحی زیادی که از سرقت آثار گرانقدرش بر وی وارد آمده، خانه نشین گشته و تا آخر عمر ناراحت و پریشان حال بوده است.

از آثار رقم دار و فراوان لطفعلی خان شیرازی که در موزه ها و مجموعه های خصوصی قرار گرفته.

نگارنده بیش از سی و اندی اثر ارزنده و رقم دار زیارت کرده‌ام که همه آنها در کمال قدرت و شیوائی انجام

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یافته که ارائه تك تك آنها در این مختصر امکان پذیر نمیباشد و ما در اینجا به‌ارائه چند نمونه استادانه آن که معرف تنوع هنرهای نقاش میباشند بسنده کرده و از شرح بقیه آثار وی خودداری می نمائیم.

۱ـ قلمدان نفیس و زیبای درخت مو و برگ انگوری بود که خوشه های آن بسان یاقوت در روی شاخه های درخت می درخشید.

در کنار درخت مو، زن زیبا و فتانی که لباس فرنگی بتن داشت، مشغول انگور چیدن بود و دختر خردسالش که در پهلوی وی ایستاده بود، دامن خود را گسترده و خوشه‌ها را بدامن میریخت. زمینه رویه و حواشی قلمدان پرگل و بوته بود و بخط طغرائی رقم و تاریخ داشت: «هو بجهت پیش کش سرکار جلالت آثار مقرب الخاقان معیر الممالك دام عزه باتمام رسید ۱۲۸۰».

۲ـ قلمدان خوش نقش گل و مرغی بود که در طرفین وی، تصاویر خوش منظر زن و دختر و بچه‌ای خردسال جلب نظرمیکرد. حواشی قلمدان نیز گل و بوته دل آویز داشت و فرشتگان زیبا روئی با بال های بزرگ خود، در بین برگ های گل دیده میشدند. امضا و تاریخ داشت: «راقم العبد الاقل لطفعلی ۱۲۶۶» مضبوط در موزه هنرهای تزینی تهران.

۳ـ قلمدان دیگری که در مجموعه نگارنده قرار گرفته، قلمدان گل و بوته‌ای ظریفی است که در وسط آن زن طنازی بروی صندلی نشسته و طفل خردسالش را در کنار گرفته است. زن دیگری که لباس گلدار بتن دارد با دوست خود صحبت میکند. حواشی و اطراف قلمدان نیز آرایش گل و بوته چشم نواز دارد و رقم نقاش بخط طغرائی چنین است. «راقم العبد الاقل لطفعلی ۱۲۶۲».

۴ـ اثر سیاه قلم این استاد که در مجموعه نگارنده قرار دارد، تصویر زن صاحب جمالی است که دراز کشیده و به متکا تکیه داده است. او لباس تن نمای نازك پوشیده و سینه‌های خود را نمایان ساخته است. در زیر متکا امضای طغرائی و سنه ۱۲۷۰ دیده میشود. در پشت قطعه بخط شکسته چنین درج شده است.

(این قطعه کار مرحمت پناه لطفعلی خان نقاش شیرازی طاب ثراه میباشد. به مبلغ یك تومان ابتیاع گردید. الاقل العبد المذنب محمد الحسینی ۱۳۱۶) تصویر شماره (۱۳) در صفحه (۹۴۴)

۵ـ گل سنبل زیبا و دلپذیر با رقم طغرائی. در موزه نگارستان.

۶ـ تصویر دو دختر ملیح و خوش جمال در شیوه فرنگی سازی با رقم: «مشق حقیر لطفعلی الشیرازی سنه ۱۲۶۵» مضبوط در موزه نگارستان.

۷ـ گل لاله که به آبرنگ نقاشی شده با رقم: «مشقه لطفعلی» مجموعه مهندس عباس مزدا.

۸ـ گل لاله‌ای که برگهای بلند و پیچیده سبز و خوش رنگ داشت، حایل دو گل زیبای سرخ رنگ بود که یکی ایستاده و دیگری تا حدی افتاده بود. بعداز امضای طغرائی، این جملات دیده میشدند «بجهت جناب معلی الالقاب مستغنی الاوصاف نقیب الاشراف آقا میرزا محمود ساخت ۱۲۷۲».

۹ـ معاشقه زن و مرد جوان به آبرنگ بود و رقم و تاریخ داشت:

«رقم حقیر فقیر لطفعلی الشیرازی در سنه ۱۲۶۶» مجموعه آقای صمد خورشید.

۱۰ـ تصویر دلربا و پرحلاوت دسته گلی بود که در گلدان قرار داشت. در این آبرنگ، گلدان سفیدی که بروی آن، عکس ساختمانی دیده میشد، به استادی تصویر شده بود.

در کنار گلدان، مرغ ماهی خواری دیده میشد که سر را بطرف بالا دراز کرده بود و رقم و تاریخ آبرنگ، چنین بود: «هو ـ درزمانی که هوا سرد و دستم سرد و پشتم سرد و دلم سرد بود. روز چهارشنبه ششم ماه رجب بود که کمترین لطفعلی ساخت ۱۲۷۸» مجموعه آقای صمد خورشید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۱ـ تصویر آبرنگ دختر زیبا روی ایرانی بود که به لباس فرنگی ملبس شده بود. زن جوان شال گردن بلندی بدست گرفته و نیم تاج گلی بسرزده و دو ریسه مروارید از گردن آویخته بود. تاریخ و رقم داشت: «مشق حقیر لطفعلی است در زمستان ساخته شد ۱۲۷۰» مجموعه آقای احسانی.

۱۲ـ دیگر اثر گل و مرغ این هنرمند که در کتاب پرسیان مینیاتور پتینگ توسط آقای رابین سون و در سال ۱۹۶۷ چاپ شده. بعد ازامضای طغرائی و سنه ۱۲۵۷ رقم نقاش به لاتین نیز جلب نظر مینمود که بنده از روی آن کپی کرده بنظر علاقمندان میرسانم و جمله بالا نیز کلمه راقمه است که بنظر بنده تاحدی اشتباه نوشته است.

Rucanm

Lotfey Aly Khan

در این اثر بسیار ارزنده و استادانه، گل سرخی را با غنچه‌ها و برگ های باطراوت تصویر نموده و ساقه آنرا بدست محبوبی داده بود که میخواهد بمعشوق خود هدیه نماید.

۱۳ـ دیگر از آثار این هنرمند، گل و شکوفه درخت سیب بود که به‌رنگ سفید و طلائی ترسیم یافته و در حد خود استادانه بود. زیر تخمك گلها، زرد بود و شاخه اصلی شکوفه تا بالا ادامه داشت. در پائین شاخه یك بوته کلفت دیده میشد، که درکنار آن شاخه نازکتری رشد کرده بود، رقم نقاش بشیوه طغرائی معروفش بود و تاریخ ۱۲۵۹ هـ. قـ. را در برداشت.

۱۴ـ از قدیمترین آثار برازنده و پرامتیاز نقاش، جلد گل و مرغی، قرآن کوچکی بخط محمد شفیع وصال شیرازی است، که در رویه این جلد که در اندازه ۵×۸/۵ سانتی متر میباشد، انواع گلها را، با رنگهای چشم آذین و قدرت قلم استادانه، بنقش درآورده و هنر گل آرائی خود را، در محیطی به آن کوچکی، به عظمت تمام جلوه‌گر ساخته‌است.

کناره‌های جلد، طلائی و پرآذین بوده و نقش و نگار دقیق تذهیبی دارد. داخل جلد در زمینه طلائی عمل آمده و بروی آن، یك شاخه گل بادامی، به‌رنگ چهره‌ای مطبوع ترسیم نموده که آیتی از زیبائی است.

رقم طغرائی بسیار ریزی که بیش از چند میلی متری نمی باشد، درقسمت بالائی داخل جلد، به استادی و حذاقت تمام و شاید اعجاب انگیز، ترقیم نموده و نوشته‌است «راقمه العبد الاقل لطفعلی ۱۲۵۷».

۱۵ـ دسته گل سرخ، که به‌سیاه قلمی ساخته و جمع گل و غنچه را به تردستی و با سایه‌های آبرنگی مجسم نموده و رقم نهاده به امضای طغرائی و تاریخ ۱۲۶۷. مضبوط در مجموعه نگارنده

تصویر شماره (۱۴) در صفحه (۹۴۵)

۱۶ـ شاخه گل هلو که با گلهای باطراوتش بروی شاخه درخت تصویر شده و آیتی از کمال است.

در روی شاخه ها یك مرغ رنگین و در کنار آن، یك پروانه جلب نظر مینماید. یك مرغابی خوش نقش و نگاری، در جنب نهال ایستاده و بالا را نگاه میکند.

رقم دارد بخط طغرائی و تاریخ ۱۲۶۸، مضبوط در مجموعه نگارنده تصویر شماره (۱۵) در صفحه (۹۴۶)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۷ـ قلمدان گل و مرغی شیوا با رقم غیر طغرائی که در حراج ساتبی اکتبر ۱۹۸۲ بفروش رسید.

۱۸ـ اما یکی از بهترین و شیواترین آثار وی قاب آینه مصوری است که چهره‌پردازی و گل و مرغ سازی را یك جا عمل آورده و با تذهیب و آرایش استادانه ای به اتمام رسانده است.

در وسط رویه قاب آینه، جمع گل های رنگارنگ و مرغ های متنوع و خوش حالتی را تصویر نموده که آیتی اززیبائی است.

در کناره های رویه، دو شاخه بلند و پربرگ درخت انگور، با پیچیش و حالت گردونه‌ای، مصور ساخته که از پائین تا بیالا ادامه یافته و خوشه انگورهائی نیز در ساقه‌ها علاوه کرده است.

در رویه و پشت سرقاب آینه، منظره انگور چینی و جشن انگور جمع کنی را مجسم ساخته و با ابتکارات استادانه‌ای مکمل ساخته‌است، افرادی که در پائین تصویر به جمع آوری انگور اشتغال دارند، در هر دو طرف به قرینه‌سازی ترسیم نموده که نقوش چپ و راست تصویر، در یك حالت و یك اندازه و یك رنگ در قرینه همدیگر قرار گرفته‌اند.

در رویه قاب آینه و در طرف راست آن، دو دختر زیبا مشغول جمع آوری انگور هستند و یك پسرك کم سال دامن خود را باز کرده و انگورها را بدامن می ریزد، در کنار شاخه انگورها زن جوانی پسری را بالای سرخود نگه داشته و انگور می چیند.

حالت افراد و ترکیب رنگ ها و فورم البسه و طرز قرارگرفتن افراد و سایر آرایش قاب آینه، در حد خود ماهرانه و چشم آذین بوده و در قسمت پائین رویه، به امضای طغرائی رقم دارد: «راقم العبدالاقل لطفعلی ۱۲۸۲» در بالای این صحنه گل آذین، ردیف موزکانچی ها که دهل و شیپور می نوازند دیده میشود. و پنج مشعل فروزان در کنار نوازندگان جلب نظر مینماید که شعله‌های چراغ ها باطلای روشن ارائه گشته‌است.

در طرف چپ و راست موزیسین ها، ردیف سربازان خوش قواره و خوش لباس که پیراهن سرخ پوشیده و شلوار بلند زرد بپا دارند بپاس داری ادای وظیفه مینمایند.

در بالای سرنوازندگان درج نموده: «بجهت سرکار بلند اقتدار جلالت آثار محمد قلی خان ئیل خانی دام عمره» و کلمه ایل خانی را به‌غلط «ئیل» نوشته و با کلمه ئیل ترکی که بمعنی ماه است اشتباه نموده است.

در پشت سرقاب آینه نیز به‌همین ترتیب و همان منظره، گل آرائی نموده و جماعت موزگانچی ها و مشعل داران و سربازان را به‌همان آرایش و با مختصراختلافاتی ارائه داده و به استادی از عهده بر آمده است.

در پائین قاب آینه، منظره و حالت انگور چینان را تغییر داده و در طرف راست آن، دو دختر مه‌چهره و مه‌پیکر را که کلاه بسر نهاده و دامن بلند پوشیده‌اند مجسم ساخته که انگور می چینند و پسرکی که کت قرمز رنگی بتن کرده از درخت پائین می آید، این منظره نیز بسان رویه قاب آینه قرینه سازی شده و به‌همان عیار دست راستی، درطرف چپ نیز ارائه گشته‌است. و در بالای این طرف، بخط طغرائی معروف رقم نهاده: «راقم العبد الاقل لطفعلی ۱۲۸۲» داخل قاب آینه نیز که مهارت و استادی خود را درامر چهره پردازی و زیباسازی ارائه نموده، قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا را به تردستی عمل آورده که در نوع خود کم نظیر بشمار می آید.

دراین صحنه دلباختگی و عبرت انگیز، شیخ صنعان در کمال حیرت و پریشانی، محو زیبائی مسحور کننده دختر ترسا گشته و رشته صبر و بردباری از دست رفته و در کمال بیچارگی، در کنار زیبارویان قرار گرفته است در کنار وی دختر زیبائی که دامن بلند و سبزی پوشیده دیده میشود.

در طرف راست صحنه، دختر ترسا که در کمال دلربائی و طنازی نقش بسته، تاج مرصعی بسر نهاده و نور

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پرفروغی در بالای سر وی حلقه زده، بچه‌ای را در بغل گرفته و بسان حضرت مریم و مسیح، بنقش در آورده و هنر خود را بحد کمال عرضه کرده است. در مقابل وی دختر دیگری که گویا ندیمه یا یکی از یاران وی میباشد به همان استادی و حلاوت نقش پذیرفته است.

در کناره‌ها، دو درخت بلند و برگهای سرسبز و در کناره چپ مجلس، یك ساختمان سه طبقه قدیمی که پشت سرآن درختان سرسبزی احاطه نموده اند، جلب نظر مینماید. مضبوط در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی ـ لندن

۱۹ـ از آثار ارزنده و کم نظیر هنرمند، تصویر شاهنامه‌ای است که به خط محمد داوری کتابت شده و مقدار بیشتر تصاویر، بغیراز چند عددی که توسط داوری و فرهنگ برادرش مصور شده، تماماً بدست استاد لطفعلی فرجام پذیرفته و در کمال قدرت و حلاوت ترسیم نموده است.

این شاهنامه تصویری که در نهایت کمال پایان یافته، حالیه در موزه رضا عباسی تهران مضبوط بوده و یکی از یادگارهای ارزنده لطفعلی خان بشمار می آید.

۸۳۶ ـ لطفی «مذهّب هندی»

از مذهبان و طلاکاران گمنام دوره جهانگیر پادشاه هندی «۱۰۳۷-۱۰۱۴ هـ. ق.» بود و در صنعت تذهیب سازی و حل کاری، نازك قلم و شیرین دست بحساب می آمد.

۸۳۷ ـ لطفی عبداله

نقاشباشی دوران سلطان مراد سوم «۱۰۱۲-۱۰۰۳ هـ. ق.» عثمانی بود و در هنر خود مهارت داشت.

این استاد، در کتابخانه سلطنتی، ناظر تصویرسازی و سرپرست نگار خانه شاهی بود و با نقاشان و مذهبان و سایر صنعت گران دیگر، در خلق آثار هنری همکاری و شرکت مینمود. یکی از این آثار که به‌نام سیاری نبی شهره بوده و توسط استاد حسن و عثمان نقاش تصویرسازی گشته، با آنها شرکت نموده و احیاناً بسیاری از آن نقوش را نیز بشخصه بپایان رسانده است.[1]

گواینکه اثر رقم دار این هنرمند، رویت نشده ولی وجود تصاویر برازنده‌ای که به این نقاش نسبت داده‌اند، مبین قدرت قلم و هنرمندی نقاش است که در مجلس آرائی و تصویرسازی، نقاشی چابك قلم و در انتخاب رنگ ها و طرح نقوش، شیرین کار بوده است.

۱ـ کتاب سیاری نبی که بفرمان سلطان مراد سوم و توسط لطفی عبداله و حسن نقاش و عثمان نقاش تصویر شده، در شش جلد به‌اتمام رسیده و در موزه‌های گوناگون جای گرفته است. این نسخه ارزنده که در احوال حضرت محمد «ص.ع» و تاریخ اسلام کتابت و تصویر گشته، موضوع آن درانتهای قرن ۱۴ میلادی در مصر تصنیف شده و سپس بوسیله داریر مصطفی بن یوسف بن عمر به زبان ترکی در ارضروم ترجمه شده و در زمان سلطان مراد سوم بدست این شاعر بعهده انجام رسیده است.

جلد اول و دوم و ششم نسخه سیاری نبی که جلد آخر آن تاریخ ۱۰۰۳ هـ. ق. را دارا میباشد، در موزه توپ قاپوسرای ترکیه و جلد سوم آن در کتابخانه آمریکا و جلد چهارم در موزه و کتابخانه چستر بیتی و قسمت های انتهائی جلد چهارم که قسمت شده، آن نیز در موزه «اسلام و تورك اثرلری» قرار گرفته و جلد پنجم هم متأسفانه مفقود گشته است.

هفت برگ از مینیاتورهای سیاری نبی که در حراج پانزده آپریل سال ۱۹۸۵ ساتبی به فروش رسید، در شیوه نقاشان مذکور تصویر شده و بعید هم نیست که بعضی از آنها کاراستادان یاد شده بوده که منتهی امضای نقاشان تصویرگر را دارا نبوده است.

بطوریکه معلوم شده، قدیمی ترین تصویر حضرت نبی درنسخه «کتاب آلاغانی» مضبوط در قاهره است که در اوایل قرن سیزده میلادی انجام یافته است.

دراین تصویر حضرت رسول ص. ع. چهار زانو نشسته و شمشیری روی زانوان نهاده است.

در انگشت کوچك وی انگشتری دیده میشود که همانا سجع آن «محمد رسول الله» بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۳۸ ـ لعل چند

از نقاشان پرمهارت هندی اواخر قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. است که زیرنظر استادان نامی ایرانی از قبیل میرسید علی و عبدالصمد شیرین قلم پرورش یافته، و در شیوه مغولی هند نقش می ساخته است.

این استاد در چهره‌پردازی و شبیه سازی بصیر بود و دراراثه مجالس شلوغ و پر ازدحام قدرت قلم برازنده‌ای داشت.

بغیر از شیوه هند و ایرانی که ازاستادان ایرانی خود فرا گرفته بود، در شیوه اروپائی نیز دست داشت و چهره‌ها و فورم البسه آنان را نیکو می کشید.

از آثارارزنده این نقاش که تحت سرپرستی استادان مذکور و به همکاری نقاشان دیگر هندی، تصویر شده کتاب رزم نامه جیپوراست که آثار رقم دار فاضل ـ دسونته ـ بسوان کیسوداس و غیره نیز، در بین تصاویر آن نسخه دیده میشود

۲ـ از طراحی های هنرمندانه این نقاش که توسط کلچرن، پرداخت و اتمام یافته است، استراحت چنگیزخان در بالجیونه است که در ذیل کتاب گلشن، چاپ گشته است. در این اثر، چنگیزخان زیر چادری نشسته و رجال و سرداران در مقابل وی ایستاده‌اند. عده‌ای از خدمه و سربازان، مشغول تهیه سورسات و لوازم جنگی هستند. رقم دارد: «طرح لعل چهره نامی مادهو ـ عمل کلچران کلان».

۳ـ دیگر از آثار این هنرمند که در کتابخانه‌های ایران مضبوط است، تصویر ـ حضرت مخدومی بهاءالدین ذکریا قدس الله سره‌الغریز ـ است که دو زانو نشسته و به متکا تکیه داده است. بهاءالدین، ریش بلندی داشته و عمامه‌ای بسر گذاشته و تسبیح بدست گرفته است. هاله نورانی دور سرش جالب است و رقم دارد: «عمل لعل».

۴ـ دیگر از آثار رقم داراین هنرمند که از نزدیك و در موزه ویکتوریا آلبرت دیده‌ام، مینیاتور زیبائی بود که رقم لعل داشت و شبیه کارهای ابوالحسن نادرالزمان بود.

پنجمین اثر رقم دار این نقاش، تصویر سردار کج بود که سوار فیل شده و با سایر فیل بانان، حیوان را هدایت می نمود. رقم داشت: «شبیه سردار کج سردار فیلان صدی دوم قیمت یك لك روپیه. رقم لعلچند»

۵ـ دیگر از آثار این هنرمند تصویر مرگ سلطان بهادر در کجرات است که در بالای صفحه چنین نوشته است: «و رومیخانرا آشنائی از مردم فرنگ دستگیر کرده پیش خود کشید و سلطان غرقه دریای فنا شد و همراهان سلطان نیز ضایع شدند.»

تصویر بسال ۱۶۰۴ انجام یافته و در این زمان ها یعنی قرن ۱۶ میلادی، پرتقالی ها به بنادر هند تسلط یافته و سلطان بهادر که در سال های «۳۷ ـ ۱۵۲۶» حکومت می کرده، دریکی از بنادر به چنگ پرتقالی ها افتاده، ولی خود را به آب پرت کرده و از چنگ آنها خلاصی یافته‌است.

در این اثر ارزنده، نقش کشتی های پرتقالی و سربازان و افسران آنها و طرز آرایش البسه و اسلحه و سایر اشیاء دشمن به فریبندگی و استادی تمام انجام پذیرفته و هنرمندی نقاش را برملا ساخته‌است.

نقش التهاب آمیز سلطان بهادر که در آن معرکه دریائی، از مرگ نجات یافته و روی یك قایق هندی، سوار شده دقت انگیز است.

موج سهمناك دریا و نقش افراد هندی و پرتغالی و نمود چهره‌های گوناگون که در این گرفت وگیر نقش بسته، ماهرانه بوده و یکی از بهترین آثار نقاش به‌شمار می آید. تصویر شماره (۱۲) در صفحه (۹۴۳)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶ـ از آثار این هنرمند در نسخه اکبر نامه، تصویر دستگیری ابوالمعالی است که توسط تولك خان قوچی انجام یافته و وی را درحین دست شستن گرفتارساخته است.

تصویر در کمال زیبائی و مهارت است و یکی از بهترین آثار نقاش به شمار می آید.

۷ـ دیگر اثر هنرمند در این کتاب، تصویر دیگری ازگرفتاری ابوالمعالی است که به گونه دیگری این ماجرا را مصورساخته و هنر خود را بر ملا ساخته‌است.

در زیر جدول هر دو تصویر درج شده. «لعل»

دیگر از آثار بجا مانده استاد لعل، تصاویری در رزم نامه جیپور، به تاریخ ۹۹۰ و نسخه بهارستان جهان، بسنوات ۱۰۰۴ و خمسه نظامی مضبوط در کتابخانه بریتانیا، بسال ۱۰۰۴ و جامع التواریخ به‌تاریخ ۱۰۰۵ و اکبرنامه و خمسه امیر خسرودهلوی و طوطی نامه، هستند که معرف قوی دستی و شیرین قلمی وی در نقش تصاویر به‌شمار می آیند.

۸۳۹ لونی ـ عبدالجلیل چلبی

نام اصلی وی عبدالجلیل چلبی است که به لونی شهرت داشت و از نقاشان پرکار و شیرین قلم قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی بشمار می آمد.

این هنرمند در شهر ادرنه، یکی از شهرهای عثمانی تولد یافت و سپس جهت یادگیری هنر مورد علاقه‌اش، به نقش خانه استانبول که درتوپ قاپو سرای قرار داشت و مورد حمایت پادشاه عثمانی بود، وارد گردید.

لونی به علت استعداد و علاقه زایدالوصفی که به نقش تصویر داشت، به مرور زمان با فعالیت و پشتکار خود، بر رقیبان برتری یافت و به مرتبه استادی رسید و شهره خاص و عام گردید.

این هنرمند دردوره مصطفی ثانی (۱۱۱۵ ـ ۱۱۰۶ هـ. قـ.) نقاش دولتخانه شاهی بود و بعضی از تزیینات درباری را به عهده داشت.

در دوره سلطان احمد سوم (۱۱۴۳ـ ۱۱۱۵ هـ. قـ.) نیز مقام و رتبه استادی داشت و مورد نظرشاه عثمانی بود، کمااینکه شاهزاده جوان، سفارش ترتیب نسخه‌ای را به نام سورنامه به وی محول نمود که تحت سرپرستی وی و سایر نقاشان درباری، با ۱۳۷ قطعه تصویر به پایان رسانید.

متأسفانه با همه شهرتی که در ولایت خود داشت و مورد حمایت دو پادشاه بود، احوال جامع و کامل وی دردسترس نیست، ولی آنچه از آثار بجامانده وی معلوم می گردد، مبین این نکته است که این نقاش با ترسیم قیافه ها و نوع البسه و سایر موضوعات مختلف از قبیل تصویر پادشاهان و سرداران و زنان زیبا و افراد مشهور عامی که به گونه‌ای مورد علاقه نقاش بوده، با قلم تیزبین خود ثبت کرده و برای آیندگان تاریخ گویا و مستندی را به یادگار گذاشته است.

لونی درچهره پردازی و شبیه سازی و آرایش البسه وانتخاب رنگ ها نقاش تیزبین و پروسواس بود و سعی می کرد قیافه و مشخصات و سایر امتیازات مردم زمان خود را به خوبی ترسیم نماید.

عمده علاقه نقاش، ترسیم حالات و قیافه زمان درباری و سایر زیبا رویان گوناگون بود که با البسه رنگارنگ و متنوع خود، جلوه دل انگیزی داشت.

این هنرمند، زنان فربه را به گونه‌ای لوند و پرحالت می کشید که افتادگی سینه ها و چاقی اضافی، به چشم نمی آمد و لوندی های زیبا رویان را، باالبسه چشم نواز و رنگ های متنوع و حالت شادمانی که به صورت ها می داد، مضاعف می نمود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

درسورنامه وهبی، که به نام شاعرش وهبی نامیده شده و ۱۳۷ مینیاتور، اثر دست لونی را دربردارد، مجموعه‌ای، از آثار بزمی و رزمی و تاریخی و سایر نکات ارزنده نقاش است که معرف حسن ابتکارو وسعت فکر و حوصله و دقت نقاش بشمار می آید.

لونی سعی می کرد، درمکتب رضا عباسی و شیوه محمدی، نقش تصویر کند، گواینکه دربعضی موارد تا حدی به مکتب آنها نزدیك ترگشت ولی هرگز نتوانست قدرت قلم و استواری خطوط و شادابی صورت ها و تناسب اندام ها را بسان استاد رضا عباسی ترسیم نماید.

درزمینه سازی و نقش تذهیب و کتابت خط نسخ هم خوش قلم بود و شعر ترکی را نیز خوش می سرود. او امضای خود را به طلا یارنگ های تیره و خط ساده و «ی» کشیده می نوشت و زیر آن دو نقطه می نهاد.

به روایتی این هنرمند تنها یك گل درزندگی تصویر کرده که آن گل را نیز بایك تصویر میوه قاب کرده و از دیوار منزلش آویزان کرده بود و به غیر ازاین تنها گل، دیگر تصویر گلسازی ننموده است.

این هنرمند علاوه برنقش تصویر شعر نیز می سرود و درادبیات نیز صاحب استعداد بود.

لونی بسال ۱۱۴۵ هـ. ق. دراستانبول وفات یافت و به نوشته کتاب حقیقت الجوامع شخصی به نام حاجی حسین افندی او را با مراسم احترام آمیز و در شأن هنرمند برگذار نمود و در تکیه سعدی (درویش) مدفون گردید.

عمده آثار رقم دار این هنرمند را که در موزه توپ قاپوسرا و یا سایر نمایشگاه های دیگری از نزدیك دیده ویااینکه مشخصات بعضی از آنها را در کتاب های چاپی برداشت نموده‌ام عبارتند از:

۱ـ درنمایشگاه مخصوص اثار عثمانی که بسال ۱۳۴۳ شمسی در کاخ ابیض تهران برگزار گردید چند اثر ازاین هنرمند به نمایش بود که چنین است:

الف ـ سورنامه دوره سلطان احمد ثالث اثر لونی دارای ۱۳۷ مینیاتور و دراندازه ۲۴×۲۷/۵ سانتی متر

ب ـ آلبوم مینیاتوراثر لونی دارای ۳۰ قطعه دراندازه ۱۵×۲۴ سانتی متر

پ ـ تصویر سوار نیزه‌دار اثر لونی دراندازه ۱۹/۵×۲۹ سانتی متر

این کتاب به شماره ۳۵۹۳/۷/۱۷۳ درکتابخانه سلطان احمد ثالث موجود بوده و امضای لونی را دارا می باشد.

عمده آثار این هنرمند که در موزه توپ قاپوسرای قرارگرفته و از نزدیك دیده‌ام و یا آنهائیکه در کتاب های گوناگون چاپ و منتشرشده عبارتند از:

۱ـ تصویر جعفربیك ایچ آقاسی است (خادم داخلی قصر شاهی) که به یك دست فنجان قهوه و دردست دیگر دستمال گرفته و مشغول خدمت است. جعفربیك کلاه مخصوصی بسر نهاده و لباس بلند پوشیده و لنگ بزرگی بدست گرفته‌است. بخط قلم موئی نوشته‌شده.

(سلطان عثمان خانك ایچ آغالرندن جعفر بیك) یعنی (از خادمین داخلی قصر سلطان عثمان خان جعفربیك)

۲ـ تصویر خلیل بیك از بیك های بزرگ و مشهور عثمانی است که کلاه بلندی مثل کلاه درویشان بسر گذاشته که در بالای آن پرطاووسی دیده می شود. در دست راستش، تبرزین دوطرفی گرفته و روی لباس زیرین خود، لباس بلندی مثل فراك گلدار پوشیده و کمربند به کمر بسته‌است. جوراب هایش گلدار و جالب است و لباس زیرینش، مثل دامن اطلسی زنان جلب نظر می کند. رقم دارد: «لونی» و در بالا نوشته شده.

«بیك لردن خلیل بن وایس آغا» یعنی از «بیك ها خلیل بن وایس آغا»

۳ـ تصویرزن جوانی است که دست ها را به زیرسر گذاشته و خوابیده است.

زن زیبا که فقط متکا به‌زیرسر گذاشته، و شکم عریان خود را تاحدی نمایان ساخته است، رقم دارد: «لونی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴ـ از تصاویر شیرین هنرمند، جمع زنان زیبا و مطربان مخصوص هستند که به شادمانی و البسه رنگارنگ دور هم نشسته و ساز می زنند، رقم دارد: «لونی»

۵ـ اثر زیبایی که از این هنرمند در مجله هنر و مردم شماره ۳۱ ارائه شده، تصویر زن پیچه‌دار و روبنده‌داری است که رقم لونی راداشته و نویسنده مقاله، به اشتباه نام نقاش را یونی دانسته‌است.

در یك کتاب تاریخ عثمانی، که به زبان ترکی بوده و بسال ۱۹۶۸ در اسلامبول چاپ شده، چند تصویر از لونی دیده میشود که به اختصارچنین است.

۶ـ زن جوان و بلند قامتی است که لباس بلند و گلدارآبی پوشیده و گل هایی بر هردو دست گرفته‌است. زن مزبور کلاه مخصوصی بسرگذاشته و موهای سر را به نحو جالبی آرایش کرده است. این اثر زیبا که به شیوه رضا عباسی نقش بسته، زیر بوته گلها رقم دارد: «بونی»

۷ـ زن زیباروی پیچه‌داری است که جلو صورت خود را با محوطه بیضی شکلی باز گذاشته و آستین خود را با دست ها بلند کرده و لباس پرنقش خود را نشان می دهد. زیر یکی ازبوته های گل رقم دارد: «لونی»

۸ـ تصویر زن زیبا و نسبتاً فربهی است که روی فرشی نشسته و گویا مشغول نگاه کردن به آینه‌است. او لباس سبزرنگ و گلداری پوشیده و کمر بند مخصوص به کمر بسته و به آرایش خود سرگرم است. زمینه اطاق، فرش گلداری است که با نقوش اسلیمی جلب نظر می کند. رقم دارد: «لونی»

۹ـ تصویر مرد کوتاه قدی است که بـان البسه منقش دوران صفوی و در شیوه رضا عباسی، لباس پوشیده و کلاه عمامه‌ای رنگی بسر نهاده و لباس آبی بلندی که گل های نقره‌ای دارد، بتن کرده است. در زیر لباس، لباس قرمز رنگ بلندتری که گل های طلائی دارد، پوشیده و شال کلفتی به کمر بسته‌است. در زیر یکی از گل های زمینه، رقم دارد: «لونی»

۱۰ـ یادگار دیگر نقاش که در این مجموعه ارائه شده، تصویر جوانی نازك اندام و قد بلند است که لباس سبز رنگ و بلندی بتن کرده و شالی به کمر بسته‌است. کلاه وی نیمه عمامه‌ای است و یك قلم و یك کارد کوچك به کمر دارد. چپق بلندی که ساقه آن دوسوم قد خود جوان می باشد، بدست گرفته و برای دود کردن آماده می سازد. و در داخل ترنجی رقم دارد: «لونی»

۱۱ـ زن نسبتاً فربه و زیبایی است که البسه گوناگون رنگی، بروی هم پوشیده و آستین های بلند و شرابه‌ای آن، از کنار دست ها، آویزان گشته‌است.

زن جوان، کمر بندی به‌کمر بسته و سینه‌های خود را عریان ساخته و کلاه مخصوص و سبکی که به‌انواع جواهرات تزیین شده، بسرگذاشته ومشغول بوئیدن گل سرخ زیبایی است. درزیر بوته گلها، رقم دارد: «لونی».

۱۲ـ آخرین اثر چاپ شده نقاش دراین کتاب، زن بلند و طنازی است که صورت زیبا و چشم های دلربا دارد. این تصویر که به شیوه رضا عباسی به عمل آمده، کلاه قرمز رنگ و بلندی بسرنهاده و لباس بلند وسبز رنگی که گل های طلائی دارد، بتن کرده و کمربند آبی رنگ به کمر بسته است. شلوار پر حجم و سرخ رنگ و طلایی وی، برازنده‌است. زن جوان، به یك دست گل سرخی گرفته و استشمام می نماید. رقم دارد: «لونی».

۱۳ـ از آثار دیگر لونی محمد شاه، جوان خوش قیافه‌ای است که لباس آبی پوست خزدار سفید، بتن کرده و یك گل میخك به دست راست و تسبیح سرخ رنگ مرجانی به دست چپ گرفته و راه می رود. کلاه مخصوص و ترکی وی جالب است. درزیر یکی ازبوته های زمینه، رقم داد: «لونی»

درقسمت بالای تصویر به خط سرخ نوشته است « بورصه نازلرنیدن محمد شاه»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۴ـ تصویر زن جوانی است که لباس بلند و سرمه‌ای رنگ تیره که گل های زردی بروی آن نقش بسته ، بروی نیم تنه زیرین قرمزرنگ پوشیده و شلوار الوان رگه‌دار به‌پا کرده و قنداره سفید پاشنه بلند بکار برده است. نیم کلاه پارچه ای وی که با تورنازکی تاانتهای انگشتان دست ادامه داشته ، زینت یافته و زیبائی وی را دوچندان ساخته است. سردست های بلند و برگردان لباس ، جالب است و زیر بوته گل ها رقم دارد: «لونی».

۱۵ـ دیگراثر ارزنده این نقاش ، پرتره سلطان احمد سوم (۱۷۳۰ـ۱۷۰۳ م) با پرنس است که در پرتره گالری توپ قاپوسرای از نزدیك دیده‌ام.

دراین اثر ، سلطان احمد روی صندلی مرصع نشسته و کلاه سفیدی که با سه جیقه طلایی و پرهای مشکی زینت یافته ، بسر نهاده روی لباس بلند و طلایی رنگش ، پوستین بی آستین خزدار ، طوسی رنگ پوشیده که بسیار پر آذین است. حاشیه گردنش خز سموری مشکی است و کمربند مرصع وقمه طلائی در زیر لباس هادیده می شود. هیبت و صورتش شاهانه و ریش و سبیلش ، منظم و تاحدی پرپشت است. در مقابل وی شاهزاده‌ای که کلاه سفید برسر دارد ، قرار گرفته که روی لباس طوسی رنگش ، پوستین طلائی بی آستین ، بلند پوشیده و شش ردیف یراق و جادکمه فرم قفقازی ، بروی آن جلوه می کند. زمینه نقاشی ، کاشی های چهارگوش و کمرنگ و گل های طلایی است و فرش قرمز رنگ که گل های اسلیمی دارد ، صحن تالار را پوشانده‌است.

این اثر درحدود سال ۱۷۲۰ م. انجام یافته و یکی ازبهترین کارهای لونی است.

۱۶ـ دیگر اثر این هنرمند ، که در گالری بشیر از نزدیك دیده‌ام ، تصویر مصطفی خان ثانی بود که زره آهنی رزمی بتن کرده و شمشیری به دست گرفته و چهار زانو بروی فرش نشسته است.

کلاه زرهدار و عمامه‌ای سبز رنگش ، با دو جیقه پردار و سفید و مشکی طاووسی زینت یافته و صورتش فربه و ریش و سبیل مغولی دارد. درکنار وی چهارنفر از سرداران و خدمه مخصوص که البسه رنگین و کلاه‌های عثمانی متنوع بسر نهاده‌اند ، دیده می شوند. یکی از آنها تیرکش پرآذین به دست گرفته که تیرهای مخصوص درون آن جا گرفته است. تصویر شماره (۱۶) در صفحه (۹۲۷)

این اثر ، به نظرنگارنده یکی ازبهترین آثارلونی بوده و زیرچکمه شاه عثمانی رقم دارد: «لونی».

۱۷ـ دیگر از آثار چهره‌پردازی لونی ، در نقاش خانه توپ قاپوسرای ، مینیاتور شاه اورحان است که یکی از بهترین کارهای نقاش بشمار می آید.

۱۸ـ تصویر دیگر این هنرمند ، نقش مصطفی دوم پادشاه عثمانی است که به صلابت و شیوایی پر آذینی نقش بسته و رقم لونی را دربردارد.

۱۹ـ تصویر دیگر ، قیافه جوان برازنده‌ای است که رقم دارد: «لونی ـ تصویر شاذ بیك از ایران».

۲۰ـ دیگراز آثار این هنرمند ، تصویر یك مرد فرنگی که شاید نقش یك سفیر اروپایی باشد با البسه مخصوص اروپایی نقش نموده که کفش پاشنه بلندی پوشیده و عصائی بدست گرفته و درمحلی ایستاده‌است ، بزیر بوته های گل ها ، رقم دارد: «لونی».

دربالای نقاشی ، یك سطر شعر ترکی به خط قلم موئی نوشته که خوانده نمی شود ولی بعضی از جملات آن چنین است. بوبا . . . حسنه رنگی . . . بونلا ایکنسی نحجه فرنگی.

۲۱ـ دیگر تصویر زیبا روی ترکی است که پیچه به سرنهاده و تور ، بلندی بسر انداخته و البسه بلندی پوشیده که حتی دست هایش نیز رؤیت نمی گردد ، در بالا جملات ، ناخوانایی دیده می شود که چنین است «تبدیل طوریدر» ودرزیر بته گیاه‌ها ، رقم دارد: «لونی».

۲۲ـ اثر دیگر لونی ، تصویر ملامراد است که کلاه بزرگی ترکی بسرنهاده و ریش و سبیل توپی مناسب دارد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ملامراد چهق بلند خود راروشن کرده، مشغول دود کردن است، دردست دیگرش گویا جعبه توتون است که به‌اشکال رؤیت می گردد.

ملای مذکور لباس بلندی روی لباس های زیری پوشیده و دامن آنرا نیز به‌کمر زده است، در کمر وی قلمدان یا وسیله دیگری است که برای استفاده شخصی از کمر آویزان کرده‌است. ملا مراد روی قالیچه منقشی قرار گرفته و در گوشه چپ تصویر، رقم دارد: «لونی»

۲۳ـ دیگر ازاین نقاش تصویر دختر جوانی بود که کلاه مخصوص ترکی بسر نهاده و دامن سه طبقه جالبی بتن کرده و گلی به دست گرفته و استشمام می کند، طره موها از پشت سرآویزان بوده و در کمال شیوائی تصویر گشته‌است.

رقم دارد درزیر بوته: «لونی» نام زن جوان، در کناره درج گشته، «گل بانو»

۲۴ـ آبرنگ زن لوند و زیبایی است که باسینه و پستان های برآمده، چشم های خود رابسته و دست هارا به‌زیر سرنهاده به خواب نازی فرو رفته است، درزیر سر زن جوان، متکایی است که رویه منقشی دارد. البسه وی نیز متنوع و گلدار و درقسمت بالای آن، تورمخصوصی دیده می شود، حالت افتاده و خواب آلود وی، به نیکوترین وجهی ارائه شده و پاهای لخت و برهنه‌اش نیز، جلب نظر می کند و درزیر بته گل روبرویی، رقم دارد: «لونی».

حال بهتراست به سه یادگار ارزنده استاد که درزمان سلطان احمد خان ثالث ترتیب یافته توجه کنیم.

یکی از این آثار، نسخه سورنامه مضبوط در توپ قاپوسرای است که مشخصات آن در اول مقال یاد گردید.

دیگر، دو آلبوم معروف است که یکی از آنها تصاویر زنان ومردان درباری و مشهوراست که درانواع البسه و آرایش نوظهور که باب روز بوده، توسط لونی نقش بسته و به یادگار مانده‌است.

آلبوم دیگر، سلسله نامه است که قیافه و البسه و سایر تزیینات و آرایش هر پادشاه عثمانی را به شباهت ترسیم کرده و نام وی را قید کرده است.

یکی از این آلبوم ها که به‌شماره H. ۲۱۶۴ در توپ قاپوسرای مضبوط است. از چهل و شش آبرنگی که در بر دارد، تعداد چهل و سه تصویر آن رقم لونی را دارا می باشد که در سالیان بین ۱۷۱۰ تا ۱۷۲۰ م. به پایان رسیده است.

در یکی از تصاویر رقم دار سورنامه، که بنظر نگارنده باید تصویر خود نقاش باشد، مرد سوارکاری را نشان می دهد که ریش وسبیل بزی داشته و کلاه مخصوص عثمانی بسرگذاشته و پالتو بلندی که دور یخه آن، خز پربهایی دوخته شده پوشیده و در ردیف سواران جای گرفته‌است. امضاء نقاش، در زیر شکم اسبی که خود سوار شده، جلب نظر می نماید.

تصویر دیگری که‌از کتاب سورنامه و به عنوان نمونه دراینجا معرفی می شود، رژه دهل نوازان و جمع شعبده بازان و طراران، ازمقابل سلطان احمد ثالث است که با همراهان خود، در قصر سلطنتی و کنار دریا نشسته و افراد مزبور را نظاره می کند. این مجلس پرتجمل و زیبا که در دو صفحه مقابل و از یك موضوع ترسیم شده، مهارت نقاش را در مجلس آرایی برملا می سازد. دراین منظره پر ازدحام، افراد مختلفی در قایق ها و کشتی ها نشسته و با ساز و ضرب و آوای و دهل، می رقصند.

چهار بندباز ماهر به روی بندها در حرکتند و بندباز دیگری که دو شمشیر به دست گرفته، مشغول هنرنمایی است.

در وسط مجلس، دو بند محکمی که به دو دَکَل کشتی های بزرگ بسته شده، جلب نظرمی کند، بندباز استاد،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که سوار کالسکه شده و دو مسافر به‌همراه دارد، از روی این دوبند قید شده، حرکت می کند.

عبور کالسکه که به وسیله اسبی حرکت می کند و خود بندباز نیز که به روی آن سوار شده، اعجاب آمیز است.

۲۵ـ ازدیگر آثار لونی تصویر زن جوان و لوندی است که به البسه همان دوره، ملبس شده و باسینه عریان خود دلبری می نماید. زن جوان یکی از دست هارا بالا کرده و زلف خود رانشان می دهد و با دست دیگرش دامن خود را کنار می زند. صورت زیبا و باحلاوت وی مورد تحسین است، بقیه تزیینات و آرایش البسه، درشیوه لونی بوده و خیلی پرکار و شلوغ است، درزیر یکی از بوته‌های گل رقم زده: «لونی» و درقسمت بالا نوشته «عجم جنگیسی ماه روی قول باشی» یعنی «نوجوان ایرانی غلام باشی ماه روی»

دیگراز آثار این هنرمند تصویر جوانی است که شنل سرخ رنگ و بلندی به دوش انداخته و درزیرآن لباس بلند و آبی گمرنگ به تن نموده و چوبی به دست گرفته و درجایی ایستاده‌است.

عمامه وی رنگ تیره‌ای داد و شرابه نخ ها از کناره عمامه آویزان شده و منظره جالب توجهی را ایجاد نموده‌است.

کمر قرمز رنگی به کمر بسته که خنجر و چاقویی نیز از آن آویزان گشته است.

زمینه دشت و دمن، بی آب و صحرایی است که تنها یك نهال برگ سنبلی درآن دیده می شود و چند بوته کوچك نیز درصحنه دشت، جلوه‌گر می باشند.

در گوشه‌های چپ و راست بالائی تصویر، تذهیب لچکی کوچك دیده می شود که روی آنها حل کاری برگ و گل ایجاد شده‌است.

عکس رنگی این اثر در صفحه ۹۵ کاتالوگ حراجی ساتبی درتاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷ دیده می شود.

۸۴۰ ـ لیسکهراج

از تصویر گران چهره‌پرداز هندی در شیوه مغولی بود، که به همراهی خان عالم ایلچی شاه جهان به ایران آمده و تصاویری از شاه عباس بزرگ و سایر اعیان و رجال دربار ترسیم کرده است.

این هنرمند، در شبیه‌سازی و صورت پردازی و تصاویر حیوانات، خوش نقش بود و آنها را نیکو عمل می آورد.

شاه سلیم هندی همراه سفیر خود، نقاشی چند به ایران فرستاده بود، تا تصاویری از شاه عباس و درباریان را ترسیم نماید و از آن جمله، یکی هم لیسکهراج و دیگری بشنداس و آن یکی خیرات خان بود.

این نقاشان، تصاویری چند از شاه عباس و سرداران و ندیمان وی کشیدند که از آنجمله، چهار تصویر کار بشنداس و یك تصویر کار خیرات خان و یکی هم، کار لیسکهراج دردست است.

این اثر ارزنده، تصویری از شاه‌عباس کبیر است که با آرایش و البسه سلطنتی، روی قالیچه‌ای جلوس کرده و خان عالم و سایر همراهان هندی وی نیز، به احترام در مقابل شاه عباس ایستاده‌اند. در اطراف شاه عباس، عده‌ای از رجال دیده می شوند و شاه صفوی پیاله شراب را به دست گرفته و به خان عالم تعارف می کند. درطرف دیگر، مطربان مخصوص، به نوازندگی سرگرمند و سوارکاران و قوش بازان و امرای لشکری و تفنگ داران مخصوص، به خدمت ایستاده و آماده فرمانبرداری هستند.

در زیر جدول رقم دارد: «کار لیسکهراج مصور» تصویر شماره (۱۷) در صفحه (۹۴۸)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حرف



۸۴۱ ـ مادهو نقّاش هندی

نقاش شیه‌ساز و طراح ماهر هندی، در اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. و پیرو شیوه هندوپرسان است.

عبدالباقی نهاوندی در کتاب مآثر رحیمی که به سال ۱۰۲۵ هـ.قـ. تألیف یافته، در مورد نقاش چنین نوشته‌است:

«مادهو نقاش از هنود است. فاما درشبیه سازی و تصویر و نقاشی و طراحی مانی و بهزاد زمان خودست. و اکثر کتب این سرکار را مجالس عالی ساخته و تصاویر بی نظیر پرداخته و در سلك خدمتکاران این کتابخانه منسلك است و بعلوفه و جاگیر سرافزاست و خدمات بتقدیم می رساند و راقم او را دریافته و تصاویر او را در ملازمت این سپه سالار ملاحظه نموده است، الحق از بی بدلان است»

بدین ترتیب معلوم می گردد که‌این استاد جزو نقاشان درباری بوده ومقام والایی داشته است.

آثار منسوب ورقم دار وی عبارتنداز:

۱ـ یکی از آثار ارزنده‌این هنرمند که دریك کتاب خارجی چاپ شده، تصویر شخصی است که ارگ مخصوصی را می نوازد و جمله حیوانات از تأثیر موسیقی به‌حالت، خلسه درآمده و مست و لایعقل، از حال رفته بروی زمین دراز کشیده‌اند.

برداشت نقاش، نمود یکی ازابیات نسخه‌بود که چنین نوشته شده بود.

دویدند هریك به آواز او فتادند چون مرده بر روی خاك

بیرون جدول نوشته شده «مدّو خانه‌زاد»

۲ـ دیگر از این هنرمند که درنسخه اکبرنامه جلب نظر می نماید، تصویر با جلال بر تخت نشستن اکبرشاه است که بروی تخت سلطنتی جلوس کرده و جماعت شاهزادگان و وزراء و رجال در کنار وی قرارگرفته‌اند.

آلاچوب سلطنتی زیبا ومنقش ترسیم شده ودرپایین تصویر، یك نفر سقا مشغول حمل آب است که به میمنت جلوس پادشاهی، به تشنگان آب می برد.

تزیین فرش طالار و نقوش پرجلال چادر سلطنتی، در حد خود قابل تحسین بوده و مؤید کمال و قدرت قلم نقاش بشمار می آید.

در زیر تصویر نوشته شده: «جشن عالی ترتیب دادن و نشستن حضرت بر تخت سلطنت»

ودر زیر جدول درج گردیده «مادهو»

دیگر آثار متعدد نقاش که درنسخه های گوناگون دیده می شوند بدین قرارهستند:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ نسخه خمسه نظامی بتاریخ ۹۹۴ هـ. ق.
۲ـ نسخه بهارستان جامی بتاریخ ۱۰۰۴ هـ. ق.
۳ـ نسخه خمسه نظامی بسال ۱۰۰۴ هـ. ق. مضبوط در بریتیش میوزیوم
۴ـ نسخه رزم نامه جیپور بتاریخ ۹۹۰ هـ. ق.
۵ـ نسخه تیمور نامه بتاریخ ۹۹۲ هـ. ق.
۶ـ نسخه نفخات الانس بتاریخ ۱۰۱۲ هـ. ق. مضبوط در کتابخانه بریتیش
۷ـ نسخه اکبرنامه بتاریخ ۱۰۱۳ هـ. ق. مضبوط درکتابخانه بریتیش

* ماك ـ Paul Mak (Paul Ivanov) از روس های سفیدی بود که بعد ازانقلاب اکتبر روسیه، از آن دیار رخت بسته و به ایران آمده و ماندگار گردید. او درابتدا افسر فراق بود ولی در نقّاشی استعدادی شایان و ابتکاری ستودنی داشت.

او با بکارگرفتن هنر نقّاشی و فعالیت درشیوه ابتکاری ایرانی، توانست برای خود اسم و رسمی یافته و یکی ازهنرمندان نوظهوری تجلی نماید. او شخص متظاهری بود که اغلب خود را بزك می کرد و گوشواره و گردن بند به خود می بست و توجه عموم را برخود جلب می نمود، قیافه وی استخوانی بود و سبیل های چخماقی و چشمان سرخ و دریده داشت بطوری که روایت می کنند او دوست دختر زیبایی داشته که از روی حسادت و نادانی، بصورت زن ماك اسید پاشیده و می خواسته او را از زندگی اش خارج نماید، گو اینکه این عمل، زن ماك رااز یك چشم نابینا کرده و او را مجبور کرده بود روی چشم خود را همیشه پوشیده نگه دارد ولی ماك تا آخر عمر، به زن اولیه خود وفادار مانده و با وی زندگی می کرده‌است. این هنرمند نقّاش مردمی بود و با توده های مختلف اجتماع، از قبیل عمله و بنا و قصاب و سلاخ و ملاّ و ژاندارم و وکیل و وزیر و غیره همدم و دمساز بود وازچهره های آنان تصویر سازی می نمود.

جمله آثاراین استاد درشیوه آبرنگی بود که از موضوعات روزمره ایرانی انتخاب نموده و با قلم طنز آمیز خود چنان می آراست که مشتاقانه بدل می نشست، آثار وی در حراجی های بین المللی به قیمت افزونتری فروش رفته و مقام هنری وی را شناسانده است. اززندگی اولیه و مدت فعالیت و سایر احوال نقّاش اطلاع دقیقی نداریم ولی بطوری که معلوم است بعد از اتمام جنگ بین الملل دوم به انگلیس و سپس به بلژیك رفته و به روایت خبر مستند درسال ۱۹۷۰ میلادی درآن ولایت وفات یافته‌است.

از آثار امضادار و شناخته شده نقّاش که اغلب آنها راازنزدیك دیدار کرده‌ام، یکی تصویر خود نقّاش است که به شماره (۱۹) در صفحه(۹۴۹)ارائه شده و رقم دارد. (Mak 1953) و دیگر تصویر دختر جوان شرقی و ایرانی است که درمقابل چادر مزینی به رقص درآمده و فوق العاده زیبا و لوند می باشد. تزیینات فرش و چادر و زمینه گل و گلزار و البسه دختر جوان، به شیوایی و تردستی تمام عمل آمده و رقم دارد: (Mak 1951) تصویر A درصفحه ۹۴۹

۱ـ تصویر آخوند جوانی بود که ریش های پرپشتی داشته وخندان و سرحال بنظر می رسید.
عمامه آخوند سفید و بزرگ بود، که دست ها را روی هم گذاشته و تسبیح بدست گرفته بود.
این تصویر گویا، شبیه آخوندی بوده که ازصورت وی شبیه سازی نموده واستادانه عمل آورده بود. ودر داخل یك بیضی رقم داشت: "MAK 1948 BRUXELLES" این اثر سیاه‌قلمی، در ۱۶ آپریل سال ۱۹۸۵ در حراج ساتبی لندن به فروش رسید.

۲ـ دیگراز آثار استادانه این هنرمند که درحراج کریستی لندن، به‌تاریخ ۱۲ جون ۱۹۸۴ بفروش رسیده و تصویر هردو اثر نقاش نیز به چاپ سیاه وسفید عرضه گشته، یکی تصویر چند ملای ایرانی است که هریك به قیافه مخصوص نقش بسته و مشغول مطالعه روزنامه «وطن» هستند. اندازه ۲/۴×۱۷/۸ سانتی متر در روی روزنامه از انحلال عدلیه و شکست بلشوی ها نامبرده و رقم نهاده: «ماك تهران ۱۹۲۷» MAK. Teheran 1927

۳ـ دیگر از اثر استاد ماك در این حراجی، تصویر سقای دوره‌گرد و فلاکت باری است که البسه وصله وپاره شده بتن کرده و مشك پرآب خود را به کول گرفته و در کمال افتادگی راه می رود، انبوه برگ های درخت به زمین ریخته و قیافه خسته و البسه مندرس و کیوه و کلاه وی استادانه بوده و امضا دارد: «ماك ـ تهران ۱۹۲۶. اندازه سانتی متر ۸/۱۶×۲/۲۴»

۴ـ تصویر ژاندارم تریاکی بود که تریاك می کشید و جوان بدبختی را که در کنارش قرار داشت تشویق می نمود که او نیز بستی کشیده و هم قطار وی گردد.

۵ـ تصویر زن فتان و لوندی بود که چادر و پیچه سرکرده و با حالت جلوه‌انگیزی راه می رفت.
حالت صورت و ارائه برجستگی های زنانه و سایر حالات وی را به استادی ترسیم نموده و یکی از بهترین کارهای ماك بشمار می آمد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۴۲ـ ماکرا MAKRA

از نقاشان پر کار و شیرین قلم بابرنامه است که در نسخه مذکور هفت تصویر شیوا دارد.

یکی از این تصاویر، صحنه جنگی صادق خان ازبك است که در نزدیکی محلی به نام «مرغان کوه» اتفاق افتاده است.

در این منازعه، طرفین با آرایش و ابزار جنگی سوار بر اسبان تیزپای گشته و در مقابل یکدیگر صف کشیده و مبارزه می نمایند.

صادق خان ازبك که در پیشاپیش لشگریان ایستاده، شمشیر بدست گرفته و آماده کارزار است.

تصویر نفرات و حالت و چرخش اسب ها و ساز و برگ جنگی و سایر آرایش و پیرایش تصویر استادانه بوده و سزاوار تحسین می باشد.

در انتهای آبرنگ، جماعت طبالان و سرنازنان، باحدت تمام تری به نواختن اشتغال داشته و نفرات را به جنگ و درگیری ترغیب می نمایند.

مشخصات و عکس های رنگی و سیاه سفید این نسخه، که گویا، بسال ۱۰۰۶ هـ. قـ. بعهده فرجام رسیده، در کتابی به نام Paintings of the Babur Nama تألیف RANDHAWA در دهلی نو بسال ۱۹۸۳ به چاپ رسیده است.

۸۴۳ ـ مانی (اول)

هنرمند معجزه‌گر و نقاش افسانه‌ای قرن سوم میلادی بود که خود را پیامبر خوانده و در پیشرفت و ارائه آئین خود فعالیت بی شمار و رنج های فراوانی متحمل شده است.

عمده معجزات وی، نقاشی و تصویرگری بوده که طرفداران خود را متحیر ساخته و دین پوشالی خود را تا حد چین و ترکستان که در آن مواقع، مسافت بعیدی بشمار می آمده انتشار داده است.

هنر نقاشی، از ارکان اصلی آیین وی بود، که گفتار و اندیشه خود را، در جمع تصاویر، به امت خود حلول می داد و آنها را با افسانه های کاذب و شیرین خود مسحور می ساخت.

در کتاب «نقاوة الآثار» که بسال ۱۰۰۷ هـ. قـ. و توسط محمود بن هدایت الله افوشته‌ای نطنزی تألیف شده و در سال ۱۳۵۰ شمسی به اهتمام آقای دکتر احسان اشراقی چاپ شده، در صفحات ۵۰۹ تا ۵۱۱ آن راجع به مانی چنین درج شده‌است:

«چنانکه در قرون ماضیه، در ولایت چین، مانی نقاش، که در فن نقاشی و تصویر سرآمد اهالی آن سرزمین بود و این صفت را بسرحدی رسانیده که ارباب این فن را از اتیان بامثال تمثال او، اعتراف به عجز کردند و آن ملعون دقایق آن فنون را معجزه خود ساخته دعوی نبوت کرد و از جمله معجزات و کارنامهٔ او یکی این بود که برزمین مسطّح دایره‌ای به انگشت رسم می نمود که قطرآن دایره ده زرع بود و درهنگام اسب تاختن نوك نیزه بر مرکز دایره فرو می برد ودیگر حوضخانه‌ای ساخته صورت آب روان درو نمود چنانکه تا کسی دست درو نمی نهاد نمی دانست که آب نیست و بسیار سبویی و کوزه‌ای در آن شکست که مردم بی ملاحظه سبو و کوزه درو می زدند که آب بردارند می شکست. و بعد از آن صورت سگی مرده بر سطح آب تصویر کرد چنانکه بعضی به قصد آب برداشتن می رفتند و چون این صورت مشاهده ایشان می شد احتراز کرده و باز می گشتند و می گفتند که سگی در آب افتاده و مرده و بعد از آن که بسیاری از مردم ابله، بی عقل را بکیش باطل و روش مذموم خود دلالت نموده و خلایق اکثر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بلو گرویدند، با بعضی از مخصوصان گفت که من به آسمان می روم و بعد از یکسال می آیم، مرا در پایان فلان کوه طلب کنید تا کتاب جهت شما بیاورم و شعبی درآن کوه پیدا کرده و قوت یکساله به تدریج به آنجا کشید و رفت و درین یکسال صورت کاینات را آنچه درآسمان و زمین بود، از اصناف آدمیان و حیوانات بحری و برّی بر طوماری تصویر کرده، بعد از سال از آن شعب بیرون آمده و خود را به مردم نمود.

و آن طومار را به خلایق نموده گفت خداوند تعالی در عوض کتاب بمن داد و صورت موجودات بمن نمود و حقیقت و کیفیت جمیع آنچه درین طومارست مرا محقق شد و علم بماسوی مرا تعلیم کرد و به این وسیله اکثر بلاد ترکستان به تحت تصرف درآورده و در آن مملکت کارش رونق تمام پیدا کرد وروز بروز قوت و قدرتش می فزود تا آنکه جمیع اکابر و اهالی آن ممالك بحیّز تسخیر در آورد.

پس از آن متوجه ممالك ایران گردید و درآن ایام پادشاه نیکو سرانجام فیروزبن بهرام اشکانی که ازطبقه (۲۸۰) ثالثهٔ ملوك عجم اند، بشهریاری ممالك عجم منسوب بود و بعضی گفته‌اند خروج مانی در عهد پادشاه جمیل الاوصاف شاپوردوالاکتاف بود.

بعد از آنکه مانی در تمامی ایران شهرت تمام یافت و خیلی از اهالی آن حوالی به او گرویده و نزدیك به آن شد، که مهم منجر به فساد ملك گردد، شهریار فیروز، به احضار او فرمان داد و مؤیدان و حکیمان زمانه را جمع کرده و مجلسی ساختند و آن جماعت با مانی طرح مباحثه انداخته لوای مناظره و مجادله افراختند. و بعد از قال و قیل و اقامت حجت و دلیل موبدان عجم و حکمای حکمت شیم، آن شیطان ثانی یعنی مانی را ملزم فرموده و در وادی سکوت و سکونش انداختند و بعد از ظهور عجز و نادانی مانی، پادشاه فریدون کلاه اشارت فرمود تا آن مردود روسیاه را به سیاست و زجر تمام کشتند و پوستش کنده پرکاه کرده و در تمام مملکتش گردانیدند. و عاقبت الامر جسد ناپاکش را به آتش قهر سوختند.»

دوست محمد هروی در مقدمه مرقع بهرام میرزا از مانی نام برده و احوال وی راچنین آورده است:

«چون آفتاب فلك نبوت چهارم رسل اولی العزم عیسی بن مریم... همسایه نیراعظم گشت، مانی دعوی پیغمبری آغاز کرد، و این معنی را در لباس صورت گری، در دیده مردم جلوه قبول داد، مردم از او معجز طلب داشتند، او یك ذرع حریر گرفته بغاری در آمد و فرمود تا در مغاره را مسدود کردند، چون یك سال از غربت او بگذشت، از آنجا بیرون آمد و حریر را ظاهر ساخت.

در آنجا صورت انسان و حیوانات و اشجار و طیور و انواع اشکال، که جز در آینه عقل، بدیده خیال صورت نتوان بست، و جز در صور وهم و گمان، در عالم عیان بر صفحه امکان نتواند نشست، منقش و مصور کرد، کوته نظر اینکه مرآت دل باغل ایشان از غایت کدورت مظهر نور اسلام نمی توانست بود بصور بازیچه او فریفته شدند و حریر مصورش را که به لوح ارتنگ موسوم است مثل می داشتند چنانچه حضرت املح الشعرا شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی در اوایل گلستان آن هر دو را در صورت نظم برابر بیکدیگر سمت ذکر داده.

امید هست که روی ملال درنکشند — ازاین جهت که‌گلستان نه‌جای دلتنگی است
گر التفات خداوندیش بیاراید — نگارخانه چینی ونقش ارتنگی است

و غالباً این احوال از مانی در حدود ممالك عراق روی نموده و بعد از آن عزیمت ختا کرده و در آنجا نیز کارهای عجیب آورده.

درشرف نامه نظامی ـ مانی را چنین توصیف مینماید:

شنیدم که مانی بصورتگری — ز ری سوی چین شد به پیغمبری
ازو چینیان چون خبر یافتند — بران راه پیشینه بشتافتند

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

درخشنده حوضی ز بلور ناب — بران راه بستند چون حوض آب
گزارند گیهای کلك دبیر — برانگیخته موج از آن آبگیر
چو آبی که بادش کند بیقرار — شکن برشکن میدود برکنار
همان سبزه کو برلب حوض رست — بهسبزی بران حوض بستند چست
چو مانی رسید ازبیابان دور — دلی داشت ازتشنگی ناصبور
سوی حوض شد تشنه تشنه فراز — سر کوزه خشك بکشاد باز
چو زد کوزه بر حوضه سنگ بست — سفالین بد آن کوزه حالی شکست
بدانست مانی که در راه او — بد آن حوضهٔ چینیان چاه او
بر آورد کلکی به آیین و زیب — رقم زد بران حوض مانی فریب
نگارید از آن کلك فرمان پذیر — سگی مرده بر روی آن آبگیر
در و کرم جوشنده بیش از قیاس — کزو تشنه رادردل آمد هراس
بدان تا چوتشنه دران حوض آب — سگی مرده بیند نیارد شتاب
چو درخاك چین این خبرگشت فاش — که مانی برآن آب زد دور باش
ز بس جادویی های فرهنگ او — بدو بگروبدند و ارژنگ او

و ضمناً درحراج ساتبی آپریل سال ۱۹۸۴ بهیك صفحه خط خوش برخوردم که برای فروش عرضه شده بود. در این صفحه که حدود ۴۰۰ سال کهنگی داشت، برگی از یك کتاب ناشناخته‌ای بود که شرح احوال مانی نقاش در آن جلب نظرمی کرد، چون حائز اهمیت بوده و مطالبی تازه در برداشت، روی این اصل به دقت پاکنویسی کرده و در این مقال ارائه نمودم.

«ذکر مانی نقاش. بر صحیفه ضمیر مهر تنویر فضلای دانش ندید سمت تحریر و صفت تحریر یافته که مانی نقاش بود در غایت نکته دانی و چون به‌گوش هوش او رسید که عیسی علیه‌السلام به اصحاب خود گفته بعد از من فارقلیطا یعنی محمد مصطفی ص.ع. که مبعوث خواهد گشت اوست و درزمان شاپور بن اردشیر زبان بدعوی نبوت گشاد، به قول مسعودی، شاپور نخست به دین مانی درآمد، اما بالاخره بطلان آن ظال مضل را دانسته قصد قتلش فرمود، ومانی از راه هند به بلاد کشمیر گریخت و از آنجا متوجه ترکستان و ختا شد و چون او پی دستیاری مسطر و پایمردی پرکار نقوش غریبه و صور عجیبه ظاهر می ساخت. درآن بلاد کار او رونق تمام پذیرفت و مانی در اثنای سیر دردیار مشرق به کوهی رسید که غاری داشت مشتمل بر فضای جانفزا و چشمه آب عذوبت مآب پنهان ازمردم قوت یکساله خود را بدان غار که یك راه بیش نداشت کشیده و با متابعان گفت که من به آسمان خواهم رفت و پس ازانقضای یکسال از آسمان به‌زمین آمده شمارا از حال پرودگار اخبار خواهم کرد، باید که چون یکسال از غیبت من بگذرد در فلان موضع که قریب به فلان غارست مرا چشم دارید، مانی وصیت به اتمام رسانیده از چشم مردم غایب گشته بدان غار شتافته صور بدایع و نقوش عجیب بر لوحی که مورخان آنرا ارژنگ مانی گویند منقش و مرقوم گردانید و بعد از گذشتن یکسال حسب الوعده ظاهر شده ارژنگ را به مردم نموده گفت این معجز من است، خلایق از این صورت متعجب گشته به زبان حال مضمون این مقال ادا کردند.

خیز تا برکلك آن نقاش جان افشان کنیم — کین همه نقش عجب درگردش پرگارداشت

و بسیاری ازساکنان ختا و ترکستان به نبوت مانی ایمان آورده، مانی متوجه دیار عجم شد و بعد از وصول به‌خدمت بهرام بن هرمز شتافته واورابه قبول محدث خود دعوت نمود. بهرام نخست زبان به قبول آن سخنان گشاده و خاطر مانی را اطمینان داده تا متابعانش مجتمع گشتند، آنگاه علماء مؤبدان را طلبیده فرمود که با مانی مباحثه کردند،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مانی ملزم شده کذب او به ظهور انجامید و بهرام فرمان داد تا پوست او را کنده به کاه آکنده ساخته در دوازه جندشاپور بیاویختند و پیروانش رانیز از عقب روان گردانیدند.»

ولی آنچه از اسناد قدیمی دیگر بدست می آید، در زمان گالوس امپراتور روم و در دومین سال سلطنت وی تولد یافته و نام پدرش «حماد» یا «فاتیك» و یا «فوتق بابك» و یا «پتك» و یا «فوتتق بن ابوبزرام» و نام مادرش مریم بوده است.

ودر بعضی از منابع دیگر می گویند، پدرمانی اهل همدان بود که به بابل مهاجرت کرده و درقریه‌ای از ناحیه «مسن» به‌نام «ماردنیر» یا «مردی نو» اقامت گزیده و در آن ناحیه با طایفه مفتسله وصلت پیدا کرده و مانی به سال ۲۱۵ یا ۲۱۶ میلادی مطابق سال چهارم سلطنت اردوان پادشاه اشکانی، در آن دیار چشم به‌جهان گشوده است. بعداز اینکه مانی در این دیار بسن تمیز و رشد رسید، ابتدا به عقاید مفتسله راغب گردیده ولی بعداً که از نظریات ادیان دیگر مطلع گردیده، به مسلك «ابن دیصان ومرقیون» روی آورده و از دین سابق خود استنکاف نموده است.

عده‌ای عقیده‌دارند که او، در دومین سال سلطنت اردشیر بابکان و درسن سیزده سالگی، دعوی پیغمبری نموده وبه سال ۲۸۰ میلادی و روز یکشنبه مطابق اول حمل با روز اول نیسان، خود را «فارقلیط» یا «فارقلیطا» که مسیح ظهوروی را خبرداده بود معرفی نموده و درسرودی که به زبان پهلوی سروده‌شده، چنین اظهارداشته است: *«من از بابل به‌زمین آمده‌ام تا ندای دعوت را در همه جهان پراکنده سازم»*

مانی مخترع مذهب مخصوصی که از جمع قوانین مذهبی مختلفی از قبیل یهودی و مسیحی و زردشتی و غیره تشکیل می یافته، شناخته شده، که درسن چهل وپنج سالگی و هنگام جلوس شاپور اول (۲۴۱ ـ ۲۷۱ م) ادعای نبوت کرده ورسالت خود را آشکار کرده‌است. در مراحل اولیه، چون ازشاه وحشت داشته به چین و تاتار عزیمت کرده و پس از مرگ شاپور اوّل و شروع سلطنت هرمز بن شاپور (۲۷۱ ـ ۲۷۲ م) مجدداً به ایران بازگشته است.

مانی عقاید و نظریات خود را با نقاشی و ارائه تصاویر پر مایه، تبلیغ وترویج می نمود و کتاب های دینی خود را به این شیوه‌ها، دربین طرفدارانش ظاهر می ساخت.

مانی درباب خلقت وآفرینش، بدو اصل نور و ظلمت اعتقاد داشت که یکی مقام نیکی و دیگری مقام بدی داشت. او نور را خالق خیر، و ظلمت را خالق شر می دانست و اساس دین وی، زدوخورد دائمی بین ماده و روح و در نتیجه جنگ و ستیز، بین روشنایی و تاریکی بوده است.

مانویت چندین قرن مایه بهت و حیرت دولت مقتدر روم و بیزانس شده و بزرگترین رقیب دین مسیح بوده است. و چنانکه نوشته‌اند، سنت آگوستین مؤسس مذهب کاتولیکی و پدر کلیسای رم، مدتی پیرو آیین مانی بوده است.

مانی برای اثبات و حقانیت دین خود، کتاب های مصوری ارائه داده که قدیمی ترین کتب های تصویری دنیا به شمار آمده‌اند.

یکی از نسخه‌های مصور وی، کتاب «ارژنگ» یا «ارتنگ» و یا «ارثنگ» است که حاوی دستورات دینی مانوی و پر از ترسیمات دل انگیز و استادانه بوده و به عقیده عده‌ای از محققین همان نسخه تکامل یافته انجیل است که بدست مانی نقش بسته و به نام ارژنگ معروف گشته است.

کتاب های شناخته شده مانی، یکی کتاب «سفرالاسرار» است که در آن کتاب، آیات و معجزات انبیا را بی معنی دانسته و آنها را به سخره گرفته است. دیگر «کنزالحیات» یا «کنزالاحیاء» است که درآن، تاریکی را مایه فساد گرفته و افعال بدر را به ظلمت تشبیه کرده است. دیگر کتاب «کفلایه» است که به زبان قبطی نوشته شده

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و حالیه نیز در دسترس می باشد. از کتاب های دیگر وی که تاکنون شناخته شده‌اند عبارتند از رساله الاثنین ـ رساله کوان ـ کتاب پراگماتل انجیل زنده ـ کتاب الهدی والتدبیر ـ کتاب مذهبی و مصور به نام خوستانیفت که در ناحیه پارختو پیدا شده و تصاویر زیبا دارد ـ کتاب بنگاهیك که به زبان پارتی نوشته شده ـ کتاب احکام و قواعد دوازده انجیل که هرانجیل را به حرفی ازحروف تهجی نام گذاری کرده و ترتیب نماز و اخلاص روح را توضیح داده‌است. ولی از همه مهتر و مشهورتر «شاهپورگان» است که بنا به نوشته ابوریحان بیرونی، برای شاپوراول و به زبان پهلوی کتابت شده است. دراین کتاب، نفس رهایی یافته و نفس درآمیخته با شیاطین و آلوده به گژی را شرح داده و فلك را مسطح و هموار توصیف کرده‌است.

و اخیراً کتاب مانوی خیلی مهمی که به زبان قبطی در مصر کشف شده، نسخه ارزنده‌ای است که جمعاً قریب دو هزار از اوراق آن، جهت قرائت و شناسائی به موزه‌های لندن و برلین ارسال شده‌است.

آثار باقی مانده که در حقیقت ارزنده‌ترین آثار تصویر سازی جهان به شمار می آیند ابتدا به وسیله یك هیأت آلمانی به ریاست آ. فن لوکوك درسال ۱۹۰۴ دریکی ازشهرهای ترکستان به نام تورفان کشف گردید و به نظر فون لوکوك این شیوه ها، در دوره ساسانیان نیز رواج داشته که از آنجا به مغولستان و ترکستان و چین نفوذ کرده و بعد ازمدتی مجدداً به ایران باز گشته است.

از منابع و آثار کشف شده که همانا، نسخه‌ها و نقاشی های روی دیواری است، چنین معلوم است که مانی دیوار پرستش گاه ها را با نقاشی های استادانه خود که مظهر عقاید مذهبی اش، ازقبیل طرز تکوین عالم و خلقت بشر و مبارزه نور با ظلمت بوده، تزیین می کرده و حالت روحانی به آن مجامع می داده است. اهمیت تصاویر مانی و محتوای مطالب نسخه‌ها، چنان پر امتیاز بوده، که در همان زمان ها، به زبان های دیگری از قبیل زبان های پهلوی ـ آرامی ـ قبطی ـ ارمنی ـ یونانی ـ لاتین ـ ترکی و اویغوری ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

شهر «ایدی گوت» که در اواسط قرن سوم هجری بدست قیرقیزها خراب شده، ناحیه‌ای از تورفان است که عمده آثار مانی در آنجا کشف شده و باستان شناسان توانسته‌اند آثار ذیقیمتی از این شهر بدست آورند که به‌رسم الخط اویغوری و سغدی نوشته شده است و همچنین در یکی از عمارات قدیمی شهر، نقاشی های دیواری و پارچه های مذهبی پیدا شده که از لحاظ نفاست ارزنده بوده و حالیه درموزه دولتی برلین نگهداری می شود.

در یکی از صفحات نسخه‌های مانوی که در تورفان پیدا شده، تصویر جماعتی از مانویان است که بطرز خاصی نشسته و مشغول کتابت خطوط و نقش تصویر میباشند. هر یك از آنان در دست راست و چپ خود قلم باریك گرفته و با دودست کار میکنند. این نفرات که درقیافه چینی ها دیده میشوند، لباس و کلاه مخصوص به تن کرده و ریش و سبیل کم پشت و باصطلاح بزی دارند.

خطوط مدرجه، ترکی اویغوری «سغدی» است و تزیین حاشیه ها، گل های آفتاب گردان است که گویا غلبه نور رستگاری برظلمات است که بدین سان ظاهر شده است. تصاویر دیگر، خوشه‌های انگوراست که مایه شادی و نمونه لذات دنیوی است که به‌ایمان آورندگان خود ارزانی داشته‌است. در صفحه دیگر، چند عود نواز و خواننده، که گویا ادعیه مخصوص خود را قرائت مینمایند دیده میشوند. حواشی تمام بدنه، گل و برگ های بلندی است که بشیوه خاصی عمل آمده و حلاوت صفحه را نمودار ساخته است.

اما عاقبت کار این هنرمند، با همه شهرت و مقامی که داشته، به‌کیفر سخت و هولناکی دچار شده و پایان وحشتناکی داشته‌است.

بطوری که روایت می کنند شاپوراول در حدود ده سال از این مانی پیروی کرده و به اتباع خود نیز دستور

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پیروی داده است. معلوم است این عمل به زردشتیان ناگوار آمده و به سعایت موبد موبدان و در حضور پادشاه، او را مفسد خوانده و از وی بدگوئی کرده‌اند. و در نتیجه این صحنه‌سازی ها قرار شده، موبد مزبور با مانی روبرگشته و با او مناظره حضوری نماید.

چون موبد بداته مرد پرحرف و پردلی بوده در مباحثه بر مانی غلبه یافته و عاقبت شاپور از عقیده خود برگشته و بدین زردشتی گرویده و تصمیم بر قتل مانی گرفته است. و اما نحوه قتل و تاریخ اجرای آن به درستی معلوم نیست. عده‌ای عقیده دارند، در زمان سلطنت بهرام پسر هرمز انجام یافته و بدست مخالفان زردشتی اجرا شده است. عده‌ای می گویند او مصلوب شده و برخی می پندارند، او را زنده زنده پوستش را کنده و با کاه پر کرده و از دروازه‌های شهر آویخته‌اند. و دیگر روایات مختلف چنین است که پس از بیست و شش روز زندان سخت که با توحش کامل انجام گرفته، دست و پای مانی را زنجیر کرده و در ساعت یازده صبح روز دوشنبه و بیست و شش ماه فوریه سال ۲۷۷ میلادی در شهر جندی شاپور به قتل رسانده‌اند. و قول دیگر که سنوات آن با همدیگر مغایر است چنین می باشد که قتل مانی بدست بهرام اول «۲۷۲ ـ ۲۷۵م» انجام شده که پس از مرگ مانی، سرش را از تن جدا کرده و جسدش را مثله نموده و به دروازه های شهر آویزان کرده‌اند. و جمعی را عقیده براین است که مرگ وی سال ۳۱۵ میلادی که حدود شصت سال داشته، در روز یکشنبه چهارم مهر یزدگردی که چهارده روز به نوروز مانده بود، بسال ۵۲۲ نیروانا در زندان وفات یافته که یکی از پاهای وی نیز کج بوده است.

تصویر بدار آویختن مانی که در یکی از حراجی های لندن بفروش رفت، نقش پرمهارتی بود که مانی را به حالت عریان باطنابی بدرخت نخل بسته و جوانی که مامور قتل مانی است، مشعل بدست کنار وی قرار گرفته است.

دو سوار کار و یك نفر پیاده که کلاه های بوقی مخصوصی بسر گذاشته و گویا مأمورین اعدام مانی هستند، یکی از آنها مشعلی بدست گرفته و میخواهند بعداز مرگ مانی وی را آتش بزنند. یکی از طرفداران مانی که قبلاً بقتل رسیده، در روی زمین دیده میشود و دو نفر از بالاخانه ساختمان روبرو این منظره وحشتناك را نظاره مینمایند.

این تصویر که تاریخ فرجام آن، اواسط قرن ۱۴ میلادی میباشد، تصور ذهنی نقاشی است که از روایات شاهنامه الهام گرفته و مرگ مانی را بدین سان تصویر نموده است.

۸۴۴ـ مانی «دوّم»

نقاش گمنام دیگری بغیر از هنرمندان هم نام خود بود، که در اواسط قرن ۱۴ میلادی فعالیت هنری مینمود.

تنها اثر بجا مانده وی که به شماره آلبوم شماره ۲۱۵۳ واندازه ۴۲×۵/ ۳۰ سانتی متر درموزه توپ قاپو سرای استانبول جلب نظر می نماید، تصویر پرمهارتی است که بشیوه مخصوص نقاش، فرجام پذیرفته است. این اثرارزنده که در شیوه نقوش چینی ترسیم یافته، شروع فصل پاییز را به زیبائی مجسم ساخته و برگهای درختان را بارنگ های سبز و زرد و نارنجی آرایش داده است. کوه‌های کم ارتفاع، که با جمع درختان پاییزی، منظره بدیعی را تشکیل میدهند، ستودنی است.

افق انتهائی تصویر، تقریباً خالی بوده و تنها گیاهان خودرو هستند که در دوردست دیده میشوند. ارائه طوفان وحشتناك و طغیان ابرها و پیچش هنری آن، جالب است و روی تخته سنگی بخط تعلیق رقم دارد: «کارمانی».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸٤۵ ـ مانی شیرازی

نقاش و شاعر پرمایه دوره شاه‌اسماعیل صفوی (۹۰۶ ـ ۹۳۰ هـ. قـ.) و از نزدیکان و درباریان دستگاه شاهی بود، گویند شاه وی را روزی بحضور خواسته و به خواهش و اصرار نقاش، اجازه داد تا پایش را بوسه زند، ولی مانی از شدت علاقه، به ساق شاه جوان بوسه‌زد، رقیبان و درباریان که در آن جمع حضور داشتند، عمل نقاش را توهین آمیز دانسته و شاه را بر قتل وی تحریك کردند، شاه اسماعیل یکی از قورچیان به‌نام خود، امیر نجم زرگر را بکشتن مانی فرمان داد. گو اینکه بعداز مدتی بوساطت دوستان و ریش سفیدان درباری مورد، عفو واقع گردید، ولی حکم بخشش، موقعی بدست جلادّ رسید که کاراز کار گذشته و سرشاعر بیچاره ازتن جدا گشته بود.

روایت است که این ابیات را در آخرین لحظه حیات خود سروده و این افترا را، ناحق دانسته است.

مرابظلم بکشتی طریق داد این بود — زپادشاهی حسن توام مراد این بود
بروز حشرکنم داد ودامنت گیرم — که‌آنکه داد غمش خاك من بباداین بود
سری جداشده از تن بخاك راه‌افتاد — سمندنازتو هرجا که‌پانهاد این بود
شنیده‌ای سخن غیر درحق مانی — مراکجا بتو ای دوست اعتماداین بود

دیگراشعاری که روایت است، درآن لحظه حساس و دم آخر، به نظم درآورده، این ابیات است.

ای گریه فاش کن غم ودرد نهانیم — وی ناله شرح ده صفت ناتوانیم
حیرت چنان به بست زبانم که پیش یار — ناگفته ماند راز دل ازبی زبانیم
مانی که بود صورت بی معنیش چه بود — مانی منم که چهره‌گشای معانیم

تحفه سامی تنها سند اصیل و قدیمی است که احوال این نقاش رایاد نموده وچنین نوشته‌اشت.

«مولانا مانی شیرازی ـ در اوایل ببرزگری اوقات می گذارنید و در اواخر بواسطه شهرت شاعری و لطف طبع، پای در دایره سپاهی گری که هیچ کس جان از آن دایره بی سرو پا به سلامت بیرون نبرده نهاد.

در اوایل زمان صاحبقران مغفور به مراتب عالی صعود کرد اما بموجب «القاص لایحب القاص» بسعایت امیرنجم زرگر، که درآن ولا، سهم سعادتش به‌کمان خانه اقبال رسیده‌بود، هدف نیر غضب اوگشته وکشته شد.

درمحل رفتن، غزلی که‌این دوبیت ازآن است درسلك نظم کشیده ویادگار برصفحه روزگار بی اعتبار گذاشت.

مرابجور بکشتی طریق داد این بود — زپادشاهی حسن توام مراد این بود
چو درّ بسینه‌من چاك هاقراوان است — دری که‌بررخم ازعاشقی گشاد این بود

قبرش در گورستان سرخاب تبریز است، چون مصور بی بدل ونقاش بی نظیر بود، اشعارش خالی از صورتی نیست.

صورت مجنون کشم درعاشقی تمثال خویش — تابدان بدخونمایم صورت احوال خویش

مولانا مانی، فرزندی به نام علی بیك نیز داشت که نقاش ماهری بوده و در یکی از آثار بجا مانده‌اش نام پدر هنرمند خود را درج کرده و چنین نوشته است: «عمل فقیر علی بیك ابن مولانا مانی نقاش»

۸٤٦ ـ مانی مشهدی

تنها درکتاب مجالس النفایس، نامی از این استاد قید شده و احوال وی را چنین آورده است: *«مولانا مانی مشهدی است و بسیار صاحب کمال وجمال ودرغایت زیبایی و رعنایی و در نقاشی مانی زمان خود و در حسن و*

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

جمال یوسف ثانی و چون پدرش کاسه‌گری خوب بود و او نقش و تصویر کاس ها نیکو می کرد، لاجرم مانی تخلص می فرمود و فی الواقع می گویند که در نقاشی کاسه او اهل چین و خطا متحیر می گشته‌اند و او را در این کار مسلم می داشته‌اند»

معلوم میگردد این هنرمند در زمان امیرعلیشیر نوایی (۸۴۴ - ۹۰۶ هـ. قـ.) درمشهد میزیسته و درنقش تصاویر بروی کاسه‌ها و ظروف لعابی تبحر و استادی بخصوص داشته‌است.

آثار رقم دار ومنسوب وی را ندیده‌ام.

۸۴۷ - مانی نقّاش هندی

تصویرگر و پرنده ساز اواخر قرن ۱۰ واوایل قرن ۱۱ هـ. قـ.، در ولایت هند بود که در مکتب مغول تصویر می ساخت.

این هنرمند در زمان اکبر و جهانگیر پادشاه هندی، تصویرسازی می کرد و در ارائه نقش پرندگان وانتخاب و بکاربرد رنگ ها، سلیقه و قدرت قلم داشت.

در یکی از کاتالوگ ها، تصویر مرد نقاشی چاپ شده و زیرآن نوشته شده‌بود «تصویر مانی نقاش» که بنظر نگارنده تصویر حقیقی این هنرمند بود.

او مردی بود که عینك بدون دسته بر روی دماغ نهاده و کلاه عمامه‌ای هندی بسرگذاشته و ریش وسبیلش پرپشت و توپی بود. استاد مانی لباس بلند پوشیده وقلم مو بدست گرفته و نقش تصویر می نمود. وسایل کتابت و قلمدان، دراطراف وی دیده میشدند و رقم نقاش چنین بود: «تصویر مانی نقاش»

این تصویرامضای نقاش را در بر نداشت ومعلوم نبود که این شبیه سازی را خود نقاش از صورت و حالت خود کشیده و یا اینکه سایر همکاران، از قیافه اصلی نقاش ارائه داده و رقم مزبور را قید کرده‌اند.

از آثار امضادار این نقاش که درنسخه «عیاردانش» جلب نظر می کند و عکس آن نیز در کاتالوگ کتابخانه چستر بیتی بسال ۱۹۳۶ دیده میشود، چنین است.

در صفحه ۴۲ و ۵۰ کاتالوگ مزبور، تصاویری ازمرغان «باغری» و مرغ های بزرگ دیگری به‌نام «دنیك» دیده می شوند، که در کمال مهارت و چشم نوازی ورنگ های متنوع ارائه گشته و رقم دارد «عمل منی» - «عمل مانی»

دیگر در این کاتالوگ، که در صفحه ۵۱ ارائه شده، نقش مرغ های الوانی به نام - خرجیل و چرز از نسخه «عجایب المخلوقات» است که در کمال هنرمندی نقش بسته و رقم مانی را دارا می باشند.

از آثار دیگر هنرمند که ذیل نسخه های خطی به فرجام رسیده عبارتند از:

۱- نسخه خمسه نظامی بتاریخ ۹۹۴ هـ. قـ.
۲- نسخه عیار دانش بتاریخ ۱۰۰۴ هـ. قـ.
۳- نسخه بابرنامه بتاریخ ۱۰۰۰ هـ. قـ.
۴- نسخه رزم نامه جیپور ۹۹۰ هـ. قـ.

۸۴۸ - ماه‌پاره (مجلد و مذهّب)

مجلد و مذهّب و نگارگر تزیینات بروی جلدها بود و از یاران و همقطاران استاد سلطانعلی مشهدی خطاط بشمار می آمد.

سلطان‌علی‌مشهدی در نامه‌ای که به‌یکی از فرزندان سلطان حسین میرزا، مرقوم داشته، نام این مجلد را جزو

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

استادان نامی آن دوره، از قبیل سیدبابا افشانگر، عبدالله قاطع و سایرین درج کرده که تفصیل آن را در احوال عبدالله قاطع در جلد اول این کتاب یادکرده‌ام.

۸۴۹ ـ ماهش ـ مهیش

نقاشی درحدود اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. بود و در شیوه مغول نقش می آفرید.

این هنرمند، در چهره‌سازی و شمایل پردازی و ارائه حالات و سکنات افراد، دست پرحلاوت داشت و در رنگ آمیزی صاحب سلیقه بود.

به روایتی استاد ماهش، پدر مسکین نقاش بوده، ولی سند معتبری که این امر را تسجیل نماید تاکنون بدست نیامده است.

این نقاش، در منظره‌سازی واجرای پرسپکتیو مهارت تامی داشت و قوانین و بکار برد دقیق آنرا نیکو می دانست.

یکی از آثار باحلاوت وی، در نسخه «داراب نامه» است که یك تصویر کشیده و در نسخه رزم نامه جیپور نیز، حدود چهار تصویر از خود به یادگار نهاده است.

دیگر از آثار وی، تصویر بابرشاه، در باغ سلطنتی است که دو مستخدم مخصوص، در خدمت حاضر بوده و چند عمله، برای تعمیر و احداث باغ در فعالیت هستند.

در متن تصویر، بخط نستعلیق زیبا نوشته شده: «فرمودم که این جوی را بروجه و سیاق ساختند، بسیار جوی خوبی شد».

منظره عمارات زیبا و تپه صخره‌دار، در انتهای باغ جلب نظر می کنند و درختان پر برگ و نهال های گلدار و سایر مناظر دیگر، ستودنی است.

جوی آب روانی که در کنار آن، سنگ های خرد و بزرگی قرار گرفته و مسیر آب را تغییر می دهند، بسیار استادانه بوده و مهارت نقاش را برملا می سازند.

رقم نقاش، به زیر جدول اطراف چنین است: «عمل مهیس» تصویر شماره (۱۸) در صفحه (۹۴۸)

دیگراز آثار منسوب، ماهش که در کمال قدرت و کنجکاوی ارائه داده، مینیاتور شیوایی در نسخه «حمزه‌نامه» است که در زیر تصویر و پایین جدول نوشته شده «آمدن عمر بصورت مزمحیل جراح به‌پای قلعه عنطلی» = آناتولی

این اثر ارزنده که حدوداً بین سالیان (۹۷۰ تا۹۷۵) به نقش درآمده جراح پیری است که عمامه سفید بسرنهاده و عبای قرمز رنگ پوشیده و سوار قاطر گشته و از بیرون شهر به تاخت، بشهر روی می آورد.

شاطر مخصوص در پیشاپیش وی در حرکت است و او را راهنمایی می نماید.

در قلعه نزدیك وی که حصارهای بلندی داشته و محوطه وسیعی را در برگرفته است، جماعات مختلف که هر کدام البسه بخصوصی پوشیده و سرگرم کارهای متنوعی هستند، به حلاوت تصویرسازی نموده وبه اصطلاح هر چیزی را بجای خویش نیکو نشانده‌است.

در این مینیاتور، یکی خوابیده و زن جوان، او را باد میزند، نفراتی، مار کبری را از گردن آویخته و مشغول هنرنمایی هستند، یکی فرزند لخت خود را کول گرفته و محلی را نگاه می کند.

خلاصه در این جمع پر ازدحام، هر کسی به‌کاری مشغول است که به قلم شیرین و پروسواس نقاش عمل آمده و معرف حسن ابتکار و قدرت قلم نقاش بشمار می آیند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۵۰ـ ماه‌رخسار ـ فخرالدّوله

ملقب به فخرالدوله و دختر عباس میرزا ابن فتحعلیشاه قاجار و خواهرمحمد شاه قاجاراست که به‌همسری محمد حسن خان، سردار ایروانی درآمده و از زنان صاحب کمال و پراعتبار زمان خود بوده‌است.

ماه رخسار، شیفته صنعت خط و هنر نقاشی بود و اغلب اوقات، خود را با این هنرها، سرگرم می نمود.

۸۵۱ ـ مبارک میرزاابن محمود میرزا

یازدهمین فرزند از سی وچهار اولاد محمود میرزا پسر فتحعلیشاه قاجار بود و در چهره‌پردازی به شیوه صنیع الملك، قلم خوشی داشت.

پدرش محمود میرزا بسال ۱۲۱۴ هـ. قـ. از بطن مریم خانم اسرائیله تولد یافت که شاهزاده‌ای با کمال و اهـل علم بشمار می آمد و تألیفات مختلفی از قبیل تذکره و سفینه و گلشن محمود و غیره داشت و در شعر «محمود» تخلص می کرد.

مبارك میرزا در قلمدان سازی و آبرنگ با استعداد بود و شبیه سازی و تذهیب را بسیار خوب نقش می نمود و خط و شعرش نیز، عاری از تعریف نبود.

در سایه‌های پرداز و چهره‌پردازی، دقیق و نازك نگار بود و شیوه استاد صنیع الملك را دنبال می کرد.

او یك برادر نقاش نیز به نام ابراهیم میرزا و دو پسر به‌نام های عبدالله میرزا و یداله میرزا و یك دختر به نام آغا بیگم داشت که نام فرزندان وی به استناد فرمانی که از او به یادگار مانده تسجیل گشته و شناخته شده‌است.

مرحوم معیرالممالك داستان شیرینی از این هنرمند یاد نموده که چنین است:

«شاهزاده مبارك میرزا»

شاهزاده‌ی مبارك میرزا از قلمدان سازهای نامی و فنش ساختن میدان های جنگ بود. شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم از او خواست قلمدانی برایش بسازد که بر هر سه برآن گیرودارهای جنگی منقوش باشد. مبارك میرزا بعنوان پیش قسط وجهی دریافت داشت و درپی تهیه قلمدان رفت. ولی او از آنجا که رندی میگسار بود پول ها را به باد داد و ظرف دوسه ماه چند بار نزد اعتضادالسلطنه بازآمد تقاضای مبلغی پول کرد. سرانجام وزیر علوم به‌تنگ آمد و او را تهدید کرد که اگر در رأس فلان مدت قلمدان را نیاورد تنبیهش کند. مبارك میرزا روزی نزد شهزاده رفت و قلمدانی عرضه داشت. اعتضادالسلطنه با کمال تعجب دید که روی قلمدان بجای منظره‌ی پیکار کوه و تپه نقش شده و با تغیّر سبب پرسید. مبارك میرزا که‌پیری شوخ و بذله‌گو و طرز بیانی مخصوص بخود داشت در جواب گفت: «حضرت والا در انجام امر کوتاهی نشده منتهی میدان های جنگ درپس کوه ها و تپه‌ها واقع است!» وزیر علوم با همه خشمناکی که در مقابل جواب و سبك تقریر مبارك میرزا خودداری نتوانسته بقهقهه خندیده و می پرست شوخ طبع را بخشود. ماجرای این گفت و شنود به گوش ناصرالدین شاه رسید و تامدتی نقل مجلس و درباریان بود.»

---

* مبارك شاه ـ نقاش و حجار و طراح و رسام نقوش بروی سنگ ها بود و در خط و حکاکی نیز قدرت تمام داشت.

ازتنها یادگار ارزشمند وی، کتابت و تراش و تزیین سنگ سیاه و صیقلی روی قبر شاه عباس کبیر است که در بقعه امامزاده حبیب ابن موسی ابن جعفر و در محله پشت مشهد کاشان قرار گرفته است.

بر کنارههای این سنگ قبر، آیاتی از کلام الله مجید و «آیة الکرسی» به خط ثلث ریحانی نفیس، حکاکی گشته و جوانب آن به نقوش ساده‌ای تزیین یافته‌است. رقم دارد: «عمل مبارکشاه» تصویر شماره (۲۹) در صفحه (۹۵۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در فرمانی که به‌سال ۱۳۰۴ هـ. قـ. از طرف ناصرالدین شاه، درباره دریافت مقرری نقدی و جنسی صادر شده نام اولاد و سال مرگ نقاش درج شده که رونویس فرمان چنین است.

«بسم الله تعالی شانه‌العزیز - (محل مهر ناصرالدین شاه) چون مرحوم مبارك میرزا که از منتسبان دودمان سلطنت عظمی بود، دراین اوقات در قم به رحمت خدا رفته و رعایت حال و توسعه امر معاش اولاد بر ذمت همت ملوکانه لازم است، لهذا محض مرحمت مبلغ دویست تومان نقد و مقدار سه خروار جنس از مقرری و مرسوم او را به قرار تفصیل درباره دونفر پسر و یك دختر. (مقرری مرحوم مبارك میرزا - اعداد سیاقی - در حق اولاد آن مرحوم - عبدالله میرزا - یدالله میرزا (مشهور به محمد علی میرزا) نوابه آقا بیگم) مرحمت و مقرر داشتم که از قرار فرمان مهر لمعان مبارك مبلغ و مقدار مزبور را بعد از وضع رسوم از سنه آتیه تنگوز ایل سعادت دلیل و مابعدها هر ساله کمافی السابق از محل قم اخذ و دریافت داشته، به لوازم شکرگذاری پردازند. مقرر آنکه‌مقربوالخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را ثبت و ضبط نموده و در عهد شناسند فی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۴»

در پشت فرمان راجع به تعرفه فرزندان چنین نوشته: *«تعرفه عبدالله میرزا - تعرفه یدالله میرزا مشهور به محمد علی میرزا - تعرفه نوابه آغا بیگم. تصویر شماره (۲۰) درصفحه(۹۵۰)اصل فرمان مضبوط در مجموعه نگارنده - تهران»*

از نوشته‌های فرمان، علاوه‌بر اطلاعات کلی که درباره نقاش ارائه داده، معلوم نموده که مقرری و مواجب وی تا چه اندازه بوده و ضمناً آشکار شده که آخرین دوران عمرش را در شهر قم گذرانده و در سال ۱۳۰۴ هـ. قـ. در آن شهر وفات یافته و همانجا مدفون گشته است.

از آثار او دیده‌ام:

۱- تصویر تمام قد وآبرنگی رضاقلی خان دیوان بیکی که در کمال خوش پردازی نقاشی شده و رنگ لباس و حالت تصویر وسایه پرداز صورت درشیوه صنیع الملك نقاشی شده و به خط نستعلیق زیبا رقم داشت: «شبیه عالیجاه رفیع جایگاه مقرب الخاقان رضاقلی خان دیوان بیگی رقم مبارك ابن محمود القاجار سنه ۱۲۷۹»

۲- آبرنگ دیگر این هنرمند، تصویر تمام قد یکی از رجال قاجاری، به نام هدایت بود که کلاه بوقی دوره قاجاری بسر داشت و ریش و سبلیش بلند بود و رقم داشت: «رقم مبارك بن محمود قاجار»

۳- سومین اثر رقم دار این نقاش، که در مجموعه شماره ۱ قرار دارد، چهره یك مرد زمان قاجاری بود که ریش بزی داشت و سایه صورت ها موزون بود و رقم داشت: «مبارك بن محمود»

۴- چهارمین اثر رقم دار مبارك میرزا که‌ازنزدیك دیده‌ام، تصویرتمام قد نواب والا جلال الدوله بود که در حراج ساتبی نوامبر ۱۹۷۶ لندن بفروش رسید.

دراین آبرنگ، او کلاه بوقی بسر نهاده و یك پوستین کلفت و زیبایی بروی لباس های زیرین پوشیده و تیروکمانی بدست هاگرفته است.

منظره داخل خانه و دو متکای کنار دیوار وچند جلد کتاب و یك قلمدان که روی فرش اطاق پخش شده استادانه بوده و بخط شکسته رقم دارد: «رقم مبارك بن محمود القاجار» و روی صفحه کاغذی نوشته شده:

دبیری بخط است ودانش بهوش اگر عقل داری دراین هردو کوش

اندازه ۳۰×۲۰/۵ سانتیمتر عکس رنگی درصفحه ۲۰۱ کتاب Treasures of Islam تصویر شماره (۲۱) در صفحه (۹۵۱)

از آثار قلمدانی این هنرمند، قلمدان ارزنده و پرکاری دیده‌ام که رقم «مبارك بن محمود» را در برداشت، در رویه قلمدان و در وسط آن، تصویر زن جوان و زیبایی را نقش نموده که سگ کوچك خود را در بغل گرفته

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

است. در طرف چپ رویه قلمدان و در مستطیل بزرگتر، صحنه رقص و ساز و آواز است که زنی تار می نوازد و دیگری دنبك میزند، البسه و سایر لوازم زینت آلات به سبك ایرانی است و دامن ها پرچین و بزرگ و دایره‌ای و در شیوه اروپایی است، در طرف راست رویه نیز، بدین ترتیب جمع اغیار و دوستان است که در کنار هم ایستاده و یکی از آنها گل زیبایی را بدست گرفته است.

در دو دیواره قلمدان و در صحن بزرگتر وی، گروه زنان جوان و عریان دیده می شوند که با زیبایی پرحلاوتی نقش یافته که در چشمه‌ای به آب تنی اشتغال دارند، این نقش، در فرم های مختلفی در دو طرف قلمدان ترسیم گشته و حلاوت خاصی را دارا می باشند.

در بین ترنجها، تذهیب دقیق و نازك قلمی دیده می شود که مهارت نقاش را در امر طلاکاری برملا می سازد، این قلمدان که در شیوه آقا نجف به عمل آمده، یکی از بهترین آثار شاهزاده مبارك میرزا است که به سلیقه خاص وی اتمام یافته و تحسین انگیز است.

۸۵۲ ـ مجدالملک (میرزا تقی خان)

نامش میرزا تقی خان بود و مجد الملك لقب داشت.

این هنرمند درشعر و خط و انشاء و نقاشی صاحب استعداد بود و نقاری و حکاکی نیز میدانست. در مآثرالاثار، از این هنرمند یاد شده واحوال وی را چنین آورده است:

میرزا تقیخان مجدالملک

طراز حلّه چند علم است از معقول و منقول و غرقِ دوحهٔ چند فن از فروع و اصول مانند صناعَنی اعراب و اشتقاق و بعضی از شعب حکمت و اخلاق و علوم ثلثه بلاغت و ملکة قرض الشعر و نقدالشعر و علم الخط و انشاءالرسائل و غیرذلك من الفنون والفضائل در نگارشات دولتی بانواعها موافق اصطلاح وقت و سیره این عهد ماهراست و خداوند قلمی قادر و هم اقسام خطوط را خوش می نویسد و در شعر عبقری تخلص می کند لغت فرانسه را نیز نیك آموخته و قواعدش بدرستی اندوخته این زمان در آن زبان هم سخن رانی می تواند و هم ترجماتی می نماید و هکذا برخی ازصنایع عالیه را از قبیل نقاشی و نقّاری وحکّاکی باید طوُلی می پردازد و بالجمله حسب الوراثه در کلیه موجبات تقدم و وسایل براعت و اسباب تفوق وادوات رفعت و موادّ علیا ثانی مجد الملك اول است.

به‌نوشته مرحوم، بامداد دراوایل عمر جزو اجزای خلوت ناصرالدین شاه و ازپیش خدمتان اوبود و بعد درسال ۱۲۹۹ درسن ۲۱ سالگی به‌منصب و لقب منشی حضوری شاه و معاونت برادر خود میرزا علیخان امین الملك معین و منصوب شد و در شوال ۱۲۹۹ ملقب به لقب پدر خویش مجدالملك گشت و در سال های ۱۳۲۱ وزیر وظایف و اوقاف بود.

میرزا تقی خان در دوران حیات خود شغل های مهمی از قبیل وکالت اعیان تهران ـ وزیر تجارت و وزیر داخله و معاون صدارت عظمی را به عهده داشته و نیکو اداره می کرده است.

اعتماد السلطنه راجع به نقاشی میرزا تقی اشاره نموده وچنین یاد کرده‌است: «پنجشنبه ۱۳۰۳ عصر مجد الملك آنجا آمد، صورت پیرزنی که به‌من سنگ زده بود، با مداد کشید بسیار خوب کشیده است.»

مهر شخصی مجدالملك که جزو مجموعه مُهرهای قدیمی نگارنده درتهران است، دراوّلین سال دریافت لقب مجد الملك حکاکی شده و در عقیق بیضی شکلی به خط نستعلیق زیبا نوشته شده‌است: «مجد الملك ۱۲۹۹»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۵۳ ـ مجد مذهّب

کاتب و مذهّب گمنام و شیرین نگار قرن ۹ هـ. قـ. است.

از آثار رقم دار این هنرمند، نسخه‌ای به‌نام «رشف النصایح الایمانیه» در کتابخانه گلستان تهران است که خود نوشته و تذهیب کرده و رقم گذاشته: «تم الکتاب... فی سنه ۸۵۱ کتبه و ذهبه العبد الضعیف المذنب مجد المذهب غفرله»

۸۵۴ ـ مجلّد باشی (صولاق سلیمان)

ازمجلدان ومذهبان نامی عثمانی دراواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. بود و نام اصلی اش صولاق سلیمان بود.

این هنرمند که درشغل خود استعداد وافری داشت درصنعت تذهیب و تشعیر و ترصیع و انواع جلد های سوخت نازك قلم بود وبه مجلد باشی شهرت داشت.

بطوری که میدانیم، استادان جلد ساز ومخصوصاً آنهایی که در جلد های سوخت مهارت کاملی داشته‌اند، شایسته بوده که درابتدا به‌صنعت تذهیب و تشعیر و سایر گونه‌های بسیار دشوار این هنر، آشنا گشته و سپس بتوانند هنرخودرا بروی جلد عرضه نموده و کاراستادانه‌ای به یادگار بگذارند، این استاد نیز به عیار سایر هنرمندان، در هنر تذهیب و سایر رشته‌های آن، مهارت داشته، تا به مقام مجلد باشی مفتخر گشته‌است.

از شاگردان معروف این استاد که درحرفه خود، مقام عالی تری داشته و بعد ازفوت استاد، مجلد باشی گشته، قره محمد مجلد باشی است که به‌احوال وی آگاهی چندانی نداریم.

۸۵۵ ـ مجیب مذهب

مذهّب و تشعیر ساز دقیق نگار بود و دراواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. در ولایت عثمانی زندگی می کرد.

تنها آثار رقم داری که‌ازاین هنرمند دیده‌ام، تذهیب وتشعیر جزوه ادعیه‌ای بود که به خط استاد محمدشفیق کتابت شده و تذهیب و آرایش جوانب و جداول حاشیه آن، بدست این مذهب پر وسواس انجام یافته بود.

سرلوحه این ادعیه، در کمال زیبایی و ریزکاری بود و درآخر ادعیه وپس ازاتمام آن، دریك صفحه جداگانه‌ای

---

* مجنون ـ فرزند کمال الدین محمود رفیقی شاعر خوشنویس است، این هنرمند در رساله‌ای که بجا گذاشته و نامش را (خط وسواد) نهاده، شرح حال خود رانیز یاد آور شده که چون از صنعت خط، استفاده‌ای نبرده به‌اختراع خط توامان همت گماشته و چنین سروده است.

توامان مخترع مجنون شد کز قلم چهره گشایی ها کرد
تا شدم مخترع و صورت کش خطکم صورتکی پیدا کرد

درسطر دوم ابیات بالا، که به صورت کشی خود اشاره نموده، خط توامان خود را نیز انشعاب از هنر صورت کشی دانسته و تا اینکه به اصطلاح شاعر «خط وی صورتکی پیدا کرده است»

در گلستان هنر یادی از این هنرمند کرده و چنین نوشته است.

«مولا مجنون چپ نویس ولد مولانا کمال الدین رفیقی است، مولانا مجنون از خوشنویسان و کاتبان دارالسلطنه هرات است ونسخ تعلیق را بامزه و خوش وپخته می نوشته و خطی ازخود اختراع کرده بود که از ترکیب کلمات آن صورت انسان و حیوان بهم می رسید.»

سام میرزا درتذکره خود آورده، که مجنون رساله نظمی در بحرلیلی ومجنون بسته، درقاعده خطی و تعریف چگونگی قلم سیاهی ورنگ کردن کاغذ و مایتفق بها، بیتی ازآن بخاطر بود نوشته شد.

رنگی که صفای خط درآن است از آب حنا و زعفران است

و چون این هنرمند، اطلاعاتی درباره سیاه قلم ورنگ آمیزی کاغذ و سایر تزئینات دیگر، داشته وخود نیز دراجرای آن صاحب کمال بوده، به‌معرفی این مختصر اکتفاگردید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که دراندازه ۱۰×۱۵ سانتی متر بود، گلدان گلی، به‌گونه‌ای مختلف تذهیب کاری شده و دسته گل زیبایی، بروی گلدان علاوه گشته بود که آیتی ازهنرمندی بشمار می آمد.

این شیوه تذهیب کاری که دربین هنر عثمانی کمتر قرینه داشت، بهترین نمونه هنراستاد مجیب بشمار می رفت و رقم داشت: «ذهبه مجیب ۱۲۹۸»

۸۵۶- مجید خوئی - مذهّب

دربین اسناد قدیمی که آقای دکتر محمد امین ریاحی، بعضی از آنها را، در مجله هنر ومردم شماره ۱۸۲ منتشر کرده، مختصری ازاحوال این مذهب، درمتن نوشته ها یادشده که چنین است: «*واجیر شرعی شد عالیجناب آخوند ملا مجید مذهب که دو جلد کتاب مثنوی ر ابه انضمام جلد ساغری وکتاب های دیگر تا شب عید نوروز به اتمام برساند. . . ومبلغ شانزده تومان تبریزی رایج، در سه قسط اجرت دریافت و طلای خالص خوب، بدقت تمام پرطلا - متن طلااندازی - سرلوح بسیار خوب انجام دهد سنه ۱۲۵۹*»

مهر بیضی شکل استاد آخوند ملا مجید، در ذیل نوشته، دیده میشود که سجع آن چنین است «انك حمید مجید»

۸۵۷ - محّب علی تبریزی (مذهّب)

محب علی یا محبت علی اهل تبریز و از شاگردان استاد حسن بغدادی رئیس نگارخانه شاه طهماسبی (۹۳۰ - ۹۸۴) است که در اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. به تذهیب و آرایش نسخه ها اشتغال داشته است.

از شاگردان مبرز و استاد این هنرمند، یکی میرزا مذهب تبریزی است که در ابتدا بشاگردی وی مفتخر گشته و سپس از همکاران مذهب و حل کار، استاد خود گشته است.

۸۵۸- محراب علی (محراب مصوّر)

نقاش شیرین قلم اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. است که به احوال وی آگاهی چندانی نداریم.

تنها مأخذ قدیمی که از این استاد یادکرده، مناقب هنروران است که به‌اختصار ازوی چنین نوشته‌است:

«استاد سیاوش گرجی که استاد حسنك شاگردیدر، مذهبلگی آندن تحصیل اتدکدن صکره مصورلك تکمیلی بعض استادلر بدایعندن حسن تقلید وایجادیدر، امّا استاد محراب مصور هم برادری و هم تلمیذ مهارت مآثری درکه نگارخانه بدایع و صنایعده کندنیك شب وروز همسریدر.»

ترجمه: «استاد سیاوش گرجی که ازشاگردان استاد حسن است، بعداز آنکه صنعت تذهیب را ازوی فراگرفت، ازسایر استادان نامی دیگر نیز صنعت تصویر سازی را بیاموخت.

و اما استاد محراب مصور نیز هم برادر و هم شاگرد مهارت مآثر وی است که درنگارخانه وصنایع همکار شبانه روزی وی میباشد.»

و باز محل دیگری ازاین کتاب و در شرح حال شاگردش استاد محمد هروی، از محراب علی یادنموده وچنین درج نموده‌است:

«و دیگر ازاین استادان، استاد محمد هروی، استاد باهر الایجاد است که شاگرد محراب است»

ازآثار منسوب وی، که در صفحه چهل و دوی کاتالوگ گالری کل ناقی لندن به چاپ رنگی طبع شده، تصویر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

لشگریان بیژن اقتباس از قصص شاهنامه فردوسی است که خیل سواران به بالای کوهی صعود کرده، ناظر رزم آوران دیگر هستند که در پایین کوه قرار گرفته‌اند.

این صحنه رزم آور، که برداشت تصویری آن، از بیت‌مدرجه بالای صفحه

«سپهدار بابیژن گرد گفت که برخیز و بگشای راز نهفت»

اخذ شده، معرف زبردستی نقاش، در مجلس آرایی و چهره‌پردازی و جانور سازی است که جمله‌آنها، در یك مجلس رزمی ارائه گشته‌است.

نام ریز نقاش به خط یکی از خبره‌های هنری که او را از آن محراب دانسته در طرف راست مینیاتور درج نموده: «محراب».

۸۵۹ ـ محسن

مذهّب ونقاش اواخر قرن ۱۱ هـ. ق. است که درچهره‌پردازی و منظره سازی دست پر حلاوتی داشته، ودرشیوه محمدی و رضای عباسی نقش تصویر می کرده‌است.

ازآثار رقم دار وی که در موزه هنرهای تزئینی تهران قراردارد، تصویر پیرمردی درشیوه استاد محمدی است که روی زمین نشسته و درمقابلش، یك جلد کتاب و یك قلیان طلایی رنگ، دیده می شود و بخط شکسته رقم دارد: «راقمه محسن»

دومین اثر نقاش، که باز به همان شیوه‌ها ترسیم شده، تصویر درویش جوانی است که زیر درختی نشسته و بسیر وسیاحت سرگرم می باشد. رقم دارد: «محسن»

دیگر اثراین هنرمند، تصویر درویش دیگری است که روی تکه سنگی نشسته و به درخت تکیه کرده‌است.

۸۶۰ ـ محسن (مجلّد و مذهّب)

مجلد دربارشاه طهماسبی بود و درتذهیب ونقش تصویر، بشیوه سوخت و معرق دست پرقدرت داشت.

دوست محمد هروی، درمقدمه مرقع بهرام میرزا، یادی ازاین هنرمند کرده وچنین نوشته است:

«دیگر استاد مخترع مقلد مولانا محسن مجلد که پوست ازهنر وران برکنده و سلسله و زنجیره را به جلد مهر و ماه رسانیده با وجود شکنج کتاب دل کتاب ازو باشکیبا و خاطر احباب از شیرازه مهرش فرخ افزاست.»

متأسفانه آثار رقم دار این هنرمند را که‌نام نامی خودرا، درج نموده باشد، در جایی ندیده و نشناخته‌ام، ولی بهر صورت، جلد های مزین و معرق وسوخت و شیوه‌های دیگری که در زمان سلطنت شاه طهماسب، ومخصوصاً آثار ذی قیمتی که جهت کتابخانه سلطنتی فرجام پذیرفته، بی شك، اثراین هنرمند وسایر همکاران پر هنرش بوده‌که در جمع سایر هنرمندان آن زمان، به خلق آثارگرانبها دست می یازیده‌اند.

۸۶۱ ـ محسن بن کاظم

اهل شیراز وفرزند شخصی به‌نام کاظم است که به‌همراه اولین دانشجویان ایرانی که درزمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و بسرپرستی امیر نظام گروسی به‌پاریس اعزام شده اند به‌فرانسه رفته و درآن دیار به‌نقش آبرنگ علاقه‌پیداکرده‌است.

این هنرمند که گویا جزو کارمندان سفارتخانه بوده، در هنگام فراغت دست به قلم می برده و آبرنگ کار می کرده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از دو آبرنگ رقم دار وی که من دیده‌ام معلوم می گردد، در طراحی دست قوی داشته وبرموز رنگ آمیزی و تکه رنگی وارد بوده‌است.

یکی ازاین آبرنگ ها که در کاخ نخت وزیری تهران قراردارد، نقش رودخانه‌ای است که در کنارآن چند ساختمان اروپایی دیده می شود. و در طرف چپ آن، انبوه درختان سرسبزی جلوه گر می باشند و درگوشه چپ و پایین رقم دارد: «محسن بن کاظم درپاریس ۱۲۷۸»

دیگر آبرنگ این هنرمند که در مجموعه شماره ۲ قراردارد، منظره برکه آبی است که دردامن تپه‌ای احداث شده و انبوه درختان سرسبز که بسان جنگلی دیده‌میشوند، در ساحل رودخانه نمایان است. رقم دارد: «رقم محسن بن کاظم شیرازی ۱۲۷۷» و درگوشه راست به خط لاتین نوشته: «محسن درپاریس»

۸۶۲ ـ محسن منشی

آبرنگ کار و قلمدان وقاب آینه ساز دوره ناصری بود و در هنر خود شیرین قلم بحساب می آمد.

از ارائه کلمه‌منشی که به‌نام خود علاوه‌می نمود معلوم می داشت که این هنرمند، علاوه برنقش تصویر، به حرفه‌منشی گری نیز اشتغال داشته ویا اینکه لقب فامیلی وی بوده‌است.

از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ قاب آینه زیبایی بود که در دو طرف آن تصویر زنان جوانی دیده می شد که به شیوایی نقش یافته و مؤید مهارت نقاش، در امر چهره پردازی بود.

این تصاویر بعینه، شبیه نقاشی های رنگ وروغنی قاجاری بودند که دراندازه کوچکتری نقش پذیرفته و شیرین و باملاحت بودند.

البسه آنان زیبا وبرازنده وصورت هاشاداب و نمکین و منظره‌ای نیز در پشت سرآنان دیده می شد که تناسب تصویر را کامل می نمود.

درداخل قاب آینه هم تصویر دوشیزه قاجاری بود که درمحلی نشسته و به آرایش اشتغال داشت. در روی قاب آینه بخط نستعلیق رقم داشت: «راقمه محسن منشی» مجموعه های آقای منصور الشار ـ ژنو

۲ـ دیگر اثر روغنی این هنرمند، قاب آینه کوچکی بود که در روی آن، تصویر زن جوان و دلربایی جلب نظر می کرد که به حالت ایستاده نقش یافته و رقم داشت: «راقمه محسن»

۳ـ ازآبرنگ های زیبای این هنرمند، تصویر جوانی های ناصرالدین شاه، درسالیان ۱۲۶۶ هـ. قـ. بود که به‌استادی عمل آورده وبا پرداز های ریزی به پایان رسانیده بود.

این اثر ارزنده، به عینه شبیه ناصرالدین شاه در جوانی بود که توسط استاد ابوالحسن اصفهانی ترسیم شده و حالیه در مجموعه نگارنده به یادگار می باشد.

سال اجرای این اثر در ذیل رقم استاد ابوالحسن اصفهانی، سال ۱۲۶۶ هـ. قـ. درج گشته و بعید هم نیست که این هنرمند از روی کارآن استاد، کپی کرده و پرداز زمینه وابرها را به ابتکار خود، علاوه نموده‌است.

این اثر پر حلاوت وابتکاری، که درحراج چهارم جولای سال ۱۹۸۵ حراج کریستی لندن به فروش رسید و عکس رنگی آن نیز در صفحه ۱۲۶ کاتالوگ مذکورچاپ گردید، مبین استادی نقاش، در ارائه چهره پردازی وآرایش البسه وسایر تزیینات دیگر بود که باپرداز ماهرانه‌ای انجام پذیرفته ورقم داشت: «سلطان زمانه ناصرالدین ـ رقم محسن منشی» تصویر شماره (۲۲) در صفحه (۹۵۱)

۴ـ آبرنگ دیگر، تصویر مرغ پر حالت ورنگینی بود که بروی شاخه گل سفیدی که غنچه‌های قرمزی داشت نشسته بود و یك پروانه رنگین، درگوشه بالای آن دیده می شد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این اثر آبرنگی که در حدگل و مرغ های لطفعلی وعلی اشرف نقش بسته بود، به خط عالی نستعلیق، رقم داشت: «العبد محسن المنشی»

۸۶۳ ـ محمّد «حاج محمّد» نقّاش هندی

هنرمند با استعداد و ظریف نگار قرن ۱۹ هـ. قـ. هند است که در رشته نقش تصاویر، بروی فلزات سخت قوی دست و شیرین قلم بوده است.

از آثار بسیار پر کار و با نقش و نگار این هنرمند که در معیت دو استاد همکارش ترتیب یافته بود، جلد فلزی زیبائی در اندازه رحلی بود که در حراج ۲۱ نوامبر سال ۱۹۸۵ ساتبی در لندن بفروش رسید، این جلد ارزنده و مزین که بنقوش اسلیمی و سایر ترسیمات گوناگون، ترتیب یافته، از نقره خالص بود که با طلا و مینا کاری و عاج طلائی، تزیین گشته و در نوع خود بسیار ممتاز بحساب میآمد.

تلفیق گوناگون و گل آرائی و تزیینات دیگر، طوری زیبا و متناسب با هم ترتیب یافته بودند که بسان موزه‌ای، از جمیع هنرهای ظریفه هند و ایرانی بشمار آمده و حذاقت و استادی شخص هنرمند را برملا میساختند.

در زمینه‌های طرفین، ترنجهای مینائی و گلهای اسلیمی طلائی، در بستر گلهای نقره‌ای و تور مانندی جلوه بس درخشانی داشتند.

در کتیبه‌های گوناگون و متنوع آن، آرایش تزیینات اسلیمی و خطوطی به نسخ متوسط، جلوه‌گر بود و در داخل یکی از کتیبه‌ها، رقم داشت:

«عمل حاج محمد و حاج عبداله و حاج عبدالطالب».

۸۶۴ ـ محمّد «حاجی محمّد بن حاج یوسف قمی»

کوچکترین فرزند حاج یوسف قمی و برادر محمد زمان اول و محمد ابراهیم معروف است که در رشته خانوادگی و نقش تصاویر، صاحب خبرتی بوده و گویا کوچکترین برادرها بوده است.

عده‌ای از هنر شناسان داخلی و خارجی، این حاجی محمد را همان استاد محمد ابراهیم مشهور، برادر محمد زمان اول تصور کرده و عقیده داده‌اند که پس از تشرف به مکه معظمه، نام خود را حاجی محمد نهاده و در ذیل بعضی از آثار خود، درج نموده است. و دروراى این عقاید بیمایه نیز، کوچکترین دلیل و سند خبره پسندی، ارائه نداده و تنها مطلب مهمی که روی آن تاکید کرده و شاخ و برگهائی نیز بآن علاوه نموده‌اند، شباهت و یکسانی، شیوه‌های ظاهری آثار دو هنرمند و برادر است که بزعم آنها، در یك مکتب و یك عیار انجام یافته و

---

* محمد = حاجی محمد قلقانچی ـ از هنرمندان تصویرگر بروی اشیاء مختلف در اواسط قرن ۱۰ ه ق عثمانی است که در هنر خود شهره بوده و عیدی مناسبی در حدود هزار و پانصد آقچه «سکه طلا» از پادشاه عثمانی دریافت کرده است. در وثیقه نامه مستندی که در آرشیو اسناد موزه توپ قاپوسرای قرار دارد، اسامی بعضی از هنرمندان درباری را که هدیه مناسبی برای پادشاه عثمانی آورده و هدیه دریافت داشته‌اند درج نموده که عکس سند مذکور در صفحه ( )چاپ شده است.

اسامی افرادیکه در این سند معرفی گشته‌اند عبارتند از:

۱ـ مصطفی قاب چی هزار سکه نقره، ۲ـ حمزه بجقجی «بیچاق چی = چاقوساز» دو هزار سکه نقره و یك لباس ارزنده، ۳ـ شیرم حکاك دوهزار سکه نقره و یك لباس ارزنده، ۴ـ احمد تکلو قیومجی «جواهرساز» سه‌هزار سکه نقره و یك لباس ارزنده، ۵ـ شاه محمد خرده‌کاری «شاید خراطی» هزار و پانصد سکه نقره، ۶ـ حاجی محمد قلقنجی «شمشیرساز» هزار و پانصد سکه نقره، ۷ـ عبدالرحیم قلقنجی هزار و پانصد سکه نقره، ۸ـ شاه حسین قلقنجی هزار و پانصد سکه نقره، ۹ـ ابراهیم قلقنجی هزار و پانصد سکه نقره، ۱۰ـ امیر حسن شریف قیومجی «جواهرساز» هزار و پانصد سکه نقره، ۱۱ـ مونس اوقجی «کمان ساز» هشتصد سکه نقره، ۱۲ـ اورنوس نقاش هزار سکه نقره.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در بعضی از خصوصیت ها و ریزه‌کاریها هم، تجانس و نزدیکی داشته و تا حدی نیز هم افق یکدیگر بوده است. و در نتیجه همین برداشتهای بی بنیان، ثابت کرده‌اند که حاجی محمد همان محمد ابراهیم است که در بعضی موارد، محمد ابراهیم و در گونه‌های دیگر، حاجی محمد امضا کرده و فرزند حاجی یوسف قمی بوده است.

ولی بعقیده حقیر، این استاد حاجی محمد، یکی از پسران حاج یوسف قمی و برادر استاد محمد زمان و محمد ابراهیم بوده که بعداز سفر مکه، نام خود را همیشه حاجی محمد نوشته و خود را شناسانده است و اگر استاد محمد ابراهیم بر فرض عقایدآنها، بمکه نیز رفته باشد، شایسته بوده جهت افتخارات معنوی و مزایای ظاهری حاجی شدن، خود را حاجی محمد ابراهیم بخواند و نه اینکه معلوم نیست به چه جهاتی، مجبور گردد، نام محمد ابراهیم را که سالیان متمادی بآن نام بین مردم موصوف بوده، تغییر داده و بنام حاجی محمد بخواند، و در این زمینه، چه بسا مجبور شود با مشکلات زیاده از حدی، بدوستان و خویشاوندان و سایر مشتاقان هنری خود حالی نماید که این حقیر فقیر معروف به محمد ابراهیم، بعد از مراجعت از سفر مکه، نام خود را به حاجی محمد تغییر داده و کلمه ابراهیم را، از آخر نام خود خذف کرده‌ام.

و ضمناء در دو قلمدانی که با تذهیب و خط آرایش شده و رقم محمد ابراهیم را دارا میباشند، در هر دو محل، نام پدر را حاجی یوسف درج نموده و از علاوه کردن کلمه حاجی، به اول نام خود و یا درج حاجی محمد، که بهترین و مناسب ترین محل، برای درج نام اصلی خود بوده استنکاف کرده، و بدرج محمد ابراهیم بن حاجی یوسف قمی، اکتفا نموده است.

و این مسئله نمودار این حقیقت است که محمد ابراهیم حاجی محمد نبوده و چون بمکه معظمه نیز شرفیاب نگشته بوده، از درج حاجی محمد ابراهیم، خودداری نموده است.

از طرف دیگر، اگر ارقام بجا مانده ذیل آثار این دو برادر را، با یکدیگر بسنجیم، عظمت والای خطوط گوناگون استاد محمد ابراهیم، بطرز بارزی برملا گشته و حلاوت آن آشکار میگردد.

و در این زمینه، بنوشته خود استاد محمد ابراهیم، که در ذیل صحیفه سجاده‌ای یادآور شده:

«سه‌نمط خط که در ترقیم متن و ترجمه و حاشیه این نسخه . . . . بکرسی نشست» ۱.در کتابت خطوط متنوع «نستعلیق و نسخ و شکسته و رقاع» استاد بوده و علاقه داشته، در آثار نگارگری و تذهیبی خود نیز، لیاقت کاتب السلطانی خود را ظاهر ساخته و بنحوی از انحاء، صنعت خطش را با آنها توام نماید.

و ضمناء باتوجه به امضاهای کاملاء روشن و تکامل یافته استاد محمد ابراهیم، خواهیم فهمید که این هنرمند علاقمند بوده در ذیل هر اثر تصویرسازی اش، بنحوی از انحاء، عظمت خط نستعلیق و رقاع خود را ارائه داده و در جمع هر اثری ثابت نماید که این هنرمند، در نقش گلها و صنعت تذهیب و کتابت سه نمط خط، و مخصوصاء خط نستعلیقش، که علاقه زایدالوصفی بآن شیوه داشته، هنرمندی تام العیاری بوده، که برای سایر هنرمندان دیگر، امکان داشتن این مزایا، ممکن نبوده است.

بدین ترتیب است که جمله ارقام آثار بجا مانده خود را، جهت ارائه مهارت خطاطی، طولانی تر نموده و در مواردی حتی به بیست سطر نیز رسانده و بزبان حال بیان داشته، که این نقاش ذو فنون، در کتابت انواع خطوط نیز، استاد صاحب کمالی بوده و ترسیم نقش ها و کتابت خطوط را یك جا، عرضه میکرده است.

نگارنده جهت اینکه نظرعلاقمندان را بارقم طولانی نقاش معطوف بدارد امضای اصیل وبجامانده استاد محمد ابراهیم را به‌اختصار یاد می نماید.

۱ـ امضایی که در ذیل یك قطعه خط نسخ و رقاع استادانه که بسال ۱۱۰۳ هـ. قـ. کتابت کرده درج نموده و اولین مرتبه به‌مذهب بودن خود اشاره کرده ودرحل کاری زمینه قطعه هم، مهارت خود را در امر تذهیب نشان داده، و به خط رقاع ماهرانه چنین رقم نهاده‌است: «مشقه العبد المذنب المستغفر من ذنبه تراب اقدام فقراء

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

المؤمنین الراجی غفور به الکریم محمد ابراهیم المذهب القمی فی شهر شعبان المعظم بمحروسه اصفهان ۱۱۰۳»

۲ـ رقم قلمدان باگل های زیتی وتذهیب شیوا، بادرج ابیاتی به‌خط نستعلیق استادانه، که‌درکنار قلمدان عرضه‌گشته و امضای خود را بخط پرمایه رقاع، در بین ترنج ها ارائه داده و لقب کاتب السلطانی خود رانیز اولین مرتبه نمایان ساخته و چنین نوشته‌است: «کتبه اقل عباداللّه محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور سنه ست ومائه بعدالالف» = ۱۱۰۶ هـ. ق.

۳ـ رقم قلمدان موزه ارمیتاژ لنین گراد، که تلفیق خط وتذهیب را دریك جا نمایان ساخته و بسال ۱۰۹۲ به پایان رسانده و باارائه خطوط نستعلیق ونسخ چنین امضاء نهاده‌است:

«بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۰۹۲ در دارالسلطنه اصفهان بمرقم کمترین این آستان دارا دربان ملائك آشیان ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم قمی اتمام یافت»

۴ـ رقم قلمدانی که برای میرزا محمد علی ضابطه نویس به‌فرجام رسانده، درآنجا نیز بین چهار ترنج کناره‌ها صنعت خط خود رانشان داده وبه خط نستعلیق زیبا چنین درج کرده‌است:

«حسب الفرموده عالیحضرت خدایکانی میرزایی میرزا محمد علی ضابطه نویس دیوان اعلی بتاریخ شهرذی قعدة الحرام اتمام یافت. رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم سنه ۱۰۸۳»

۵ـ رقم نسخه صحیفه سجادیه‌ای که کلاً بدست محمد ابراهیم کتابت شده، تذهیب و آرایش دیگرآنرا هم بنفسه انجام داده، درآخر کتاب، مختصری از وضع خود را ارائه نموده وامضا و ماوقع کتابت نسخه را، حدود بیست سطر، به خط زیبا واستادانه نستعلیق درج کرده که‌توجه علاقمندان راجهت رویت ارقام نقاش، به احوال محمد ابراهیم بن حاجی یوسف قمی در این کتاب، معطوف میداریم.

و بطوری که دقت می نماییم و مخصوصاً در رقم آخر نسخه صحیفه سجادیه، که شمه ای ازحال خود رابیان داشته، اشاره‌ای به‌حاجی محمد بودن خود نکرده و درجمله این آثار، خود رامحمد ابراهیم خوانده و اراقام را بخط شیوای خود درج نموده‌است،

ولی سبب چیست که دردیگر آثار بجامانده نقاش، که بنام حاجی محمد امضاء نهاده‌شده‌است، وبا خط شکسته و بسان سایر نقاشان، فقط نام وتاریخ قید کرده و از تطویل ارقام و ارائه صنعت خط خود، استنکاف کرده، دلیل این قضیه بسیار روشن و ابتدایی است زیرا محمد ابراهیم وحاجی محمد دو شخصیت هنری جداگانه‌ای بوده‌اند، که هریك درحرفه شخصی خود تخصصی داشته و تنها ربطی که باهم داشته‌اند برادری بوده‌اند که نام پدرشان حاج یوسف نامی، از اهالی قم بوده‌است.

درمورد درج نام پدر نیز، اگر به آثار این دوبرادر توجه نماییم، استاد محمد ابراهیم درسه آثار بجامانده‌اش، که دراحوال وی شرح داده‌ام، در جمله آنها، به‌یك عبارت، (ابن حاج یوسف محمد ابراهیم) مبادرت ورزیده، ولی اگر امضای حاجی محمد را با آن شیوه معمولی محمد ابراهیم مقایسه نماییم، دلیلی نداشته که دریك اثر انحصاری که‌نام پدر رانوشته، چنین درج نماید: «راقمه حاجی محمد قمی ابن حاج یوسف ۱۰۸۶» و با ارقام سابق مغایر باشد واگر جنبه احترام و تجلی نام پدررادرنظر بگیریم، به‌مناسبت مقام ارجمندی که‌محمد ابراهیم در دربار داشته‌و کاتب السلطان درباری بوده وبه رسوم رسمی ودرباری نیز وارد بوده، بدین جهت نام خود را بعداز نام پدر نوشته و مقام پدری ولرزندی را مراعات نموده است.

نکته اساسی دیگری که باید مورد مداقه قراردهیم، این است که سبب چیست استاد محمد ابراهیم از زمانی که ازسفر مکه معظمه برگشته وتادوران آخر حیاتش، هر اثری که به‌یادگار نهاده، حتی برای نمونه هم که شده حتی یك بار نیز، خود را حاجی محمد ابراهیم نخوانده و در همه جا حاجی محمد رقم زده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آیا روال این بوده که هرکس به‌مکه معظمه مشرف شده باشد و بخواهد کلمه حاجی را به اول نام خود علاوه نماید، بایسته است که قسمت دوم نام خودرا حذف کرده وبه‌یك نام تنها بسنده نماید. ویا اینکه نام های دوصدایی جرمی محسوب می شده وصاحبان آنها مجبور بوده‌اند، یکی از آنها رابرداشته وبه‌یك نام قناعت نمانید، البته معلوم است که چنین قوانینی دربین نبوده وهرکسی که به‌مکه معظمه مشرف می شده، جهت میمنت ومبارکی و آستان بوسی آن محیط مقدس، خود راحاجی خوانده و مورد احترام واعتماد دیگران قرارمی گرفته است. منتها استاد محمد ابراهیم، سعادت زیارت مکه معظمه را نداشته و بدین لحاظ بدرج نام بی پیرایه وساده خود قناعت ورزیده و درتمام آثارش، محمد ابراهیم رقم زده‌است.

ولی استاد حاجی محمد که شاید برادر کوچکتر محمد زمان و محمد ابراهیم بوده وچه بسا به‌همراهی پدر خود حاجی یوسف، به‌این سفر میمنت اثر موفق شده، به نام حاجی محمد موصوف گشته است.

به هرحال این سه برادر که بالطبع دوران صباوت را با همدیگر گذرانده اند و به واسطه استعداد ذاتی و حرفه‌ای خانوادگی شان به نقش تصویر علاقمند بوده‌اند، هرکدام رشته تخصصی بخصوصی داشته و درآن مرحله، موفقیت هایی نیز به چنگ آورده‌اند.

البته محمد زمان که ازهمه آنها بزرگتر وبه اصطلاح پیش کسوت و بااستعداد تر بوده، در رشته‌های گوناگون نقاشی، بیش ازسایر برادران موفقیت پیدا کرده و بسرحد کمال رسیده‌است. ومحمد ابراهیم که علاقه بیشترش بخط و تذهیب بوده ودرورای آنها، به آرایش وارائه گل ها نیز دست می یازیده، استاد درباری شده وبه لقب کاتب السلطانی مفتخر گشته است. و حاجی محمد نیز، که کوچکترین برادر ها بوده وقدم به‌قدم آنها گام برمی داشته، در رشته آبرنگ وقلمدان های گل مرغی واصولاً گل آرایی موفقیتی بدست آورده، ولی در هنرتصویر سازی به محمد زمان و درخط وانواع آن، به‌محمد ابراهیم نرسیده‌است.

اگر آثار اصیل ورقم دار بی شبهه حاجی محمد را، که درنسخه خمسه مورگان سراغ داریم درنظرگرفته وآن مجلس بزمی راکه بابرداشت ابیاتی از خمسه نظامی،

از این سو باربد چون بلبل مست — زدیگر سو نکیسا چنگ دردست
ملك دلداده بامطرب چه سازد — کدامین راه دستانرانوازد

تصویر گشته، و مورد مداقه قرار دهیم، در خواهیم یافت که آن هنرمندی که مجلس مست وبیحال و در مواردی شلوغ و درهم بزم شاهی را، بروی کاغذ نقش کرده، باهنرمند افسونگری که‌مجلس عیش و نوش و سایر امتیازات نقش آفرینی، را بروی قلمدان آقای خورشید عرضه نموده یکی نمیتواند باشد و همچنین در مقایسه آبرنگ کشتن اژدها، که رقم آن، جعلی به‌نظر میرسد، با مجلس بزمی نسخه موصوف، فواصل امتیازات بهم خورده و هر محقق پر وسواسی در می یابد که این دو نقش متفاوت، بدست دو نقاش جداگانه‌ای تصویر گشته و نقش (کشتن اژدها بدست سوارکار جسور) مضبوط در موزه ارمیتاژ استالین گراد، از امتیازات استادانه بیشتری برخوردار بوده و صد البته که از آثار کم قرینه استاد محمد زمان بشمار می آید.

ازطرفی اگر همین دواثر مجعول حاجی محمد را از قبیل قلمدان آقای خورشید و کشتن اژدها که بزعم نویسنده از آثار گرانقدر و شاهکار محمد زمان بوده و جاعل ناشی او را بنام حاجی محمد تغییر داده و یا سایر آثار گلسازی و گل مرغی وی را که در شیوه محمد زمان انجام یافته و در مواردی هم قرینه بوده‌اند، مقایسه نماییم توافق خواهیم داشت که چه بهتر بوده، محققین عقاید مذکور، بجای اینکه حاجی محمد را محمد ابراهیم دانسته و درباره آن نظریه، قلم فرسایی نمایند، حاجی محمد را همان محمد زمان معروف می پنداشته و شیوه‌های آن

۱ـ شرح مفصل این نسخه ارزنده را دراحوال محمد ابراهیم ابن حاجی یوسف قمی ملاحظه فرمایید

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دو هنرمند را با یکدیگر مقایسه می نمودند. به یقین اگر چنین عقیده‌ای برملا میشد، شاید باور کنندگان نظریه اخیر بیشتر از نظریه سابق هواخواه و علاقمندانی بدست می آورد، زیرا اگر هنرمندی قدرت قلم چنان سحر آسایی داشته که بتواند قلمدان به تمام معنی استادانه و پر مهارت آقای خورشید را، که اغلب نکات و ریزه‌کاری های برجسته آن، به نحوی در سایر آثار محمد زمان مشاهده می گردند، به نقش درآورده و بسان موزه‌ای وارسته و پرمحتوی، جمله عیار هنری خود را از قبیل نقش دقیق پرسپکتیو - چهره سازی - منظره پردازی - کاربرد رنگ ها حالت ها و لوندی ها، تذهیب ها و گل آرایی ها و سایر رموز پروسواس دیگر را که در این مختصر نمی گنجد، ارائه دهد، تنها با آثار محمدزمان معروف می شود مقایسه نمود ولاغیر، و ضمناً برای چنین هنرمند معجزه‌گری، دیگر نسبت دادن و مقایسه کردن آثار وی، با سایر هنرمندان همپایه وی، لزومی نداشت و خود بنفسه در صدر مجلس قرار می گرفت و از شهرت کافی نیز برخوردار می گشت.

به هر حال آن عظمت و گیرایی و آن همه مهارت و استادی، که در جزء جزء تصاویر قلمدان بکار رفته، از دست حاجی محمد نامی که درگل و مرغ و صنعت تذهیب دست داشته، امکان پذیر نبوده و مطلقاً یکی از شاهکارهای برادر افسونکارش، محمد زمان می باشد.

و اما درج امضای «راقمه حاجی محمد سنه ۱۱۲۴» در رویه قلمدان آقای خورشید که آنرا سند معتبری، بشمارآورده و بدون اینکه به عمق کار و مهارت و جودت قلم استاد محمدزمان، که در جمله نقوش پر پیرایه قلمدان مستتر است توجه داشته باشند، شرح و بسطی داده و امضاء را اصیل شناخته‌اند، باید به این عقیده‌ها چنین پاسخ داد که متاسفانه رقم و تاریخ مدرجه، بروی قلمدان، اصیل نبوده و سستی و لرزانی امضای حاجی محمد، طوری روشن و آشکار است که برای هر علاقمند موشکافی، فی الفور هویدا می گردد.

در اینجا بی مناسبت نیست که به شیوه و طرز اجرای ارقام جعلی که ندرتاً، بروی قلمدان ها و سایر آثار روغنی اعمال می گردد، توجه به زیرنویس شماره(۲) نموده و از کم وکیف و شیوه اجرایی آن، آگاهی داشته باشیم.

از طرفی این استاد پرهیزکار که معتقد به مبانی دینی بوده و همیشه با درج کلمه «حاجی» به اول نام خود مباهات می کرده و چه بسا که بخاطر همین امتیازات و علاقه باطنی نیز رنج سفر را به خود هموار ساخته نمی توانسته است نام پر اعتبار حاجی محمد را، در ذیل چنان اثر عاشقانه و بی بند ویاری نهاده و مورد شماتت رقیبان و متعصبان افراطی قراربگیرد.

البته این نوع تصاویر عریان و صحنه های آشکارتر عشق بازی، که دررده نقوش الفیه و شلفیه بشمار می آیند، گو اینکه اغلب نقاشان مشهور، بمزاح و مضحکه به‌این عمل دست یازیده و حتی صحنه‌های عریان تر و همخوابگی زن و مرد را بنحو روشن تری، مصور ساخته‌اند ولی قدرت و جرأتی که بتوانند، امضایی، زیرآن نهاده و خود را معرفی نمایند، عفت قلم و شرم و حیا مانع گشته، از درج امضای خود دست کشیده‌اند.

حاجی محمد دیندار و متعصب نیز که همه جا علاقمند بوده خود را متدین و حاجی محمد بخواند چطور جرأت کرده چنین نقش پرقباحتی را تصویر نموده و پا را از شرم و حیا فراتر نهاده و نام «حاجی محمد» را نیز در ذیل آن ترقیم نماید، و اگر این عمل حقیقت داشته، چه بسا در ارائه چنین گناه نابخشودنی ممکن بود سروجان شیرین خود را نیز در این اقدام از دست داده و آبرو و حیثیت فامیلی و شخصی خود را نیز فدای این اشتباه پر خطر نماید.

بدین ترتیب است که حاجی محمد متعصب و دیندار نیز، نه در بند چنین اجرای تصاویری بوده و نه جرأت امضا نهادن در ذیل آن را داشته است و این جعل امضاء، اثر دست جاعل نادان و ناشی بوده که نه به شیوه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویرسازی حاجی محمد آشنا بوده و نه در ثبت و امضای جعلی، مهارتی داشته است.

ولی قدرت قلم و عظمت هنری قلمدان آقای خورشید و نشانی های متجانسی که در سایر آثار محمد زمان اول مشاهده می گردند، معلوم می نماید که این اثر ارزنده نیز، اثر دست محمد زمان بوده و چه بسا به سفارش شخص شاه انجام پذیرفته و چون جرأت و شهامت درج نامش را در ذیل چنین اثری نداشته، از ثبت نام خود ابا نموده و جاعل نادان نیز محل امضاء را مناسب دیده و بدون در نظر گرفتن اشکالات مذکور، نام حاجی محمد را در روی آن ثبت نموده و گناه نابخشودنی مرتکب گشته است.

و از طرفی با توجه به آثار اصیل محمد ابراهیم نیز که با امضای اصیل وی (محمد ابراهیم) انجام یافته درمی یابیم که استاد محمد ابراهیم بنفسه مرد مذهبی و با ایمانی بوده و مخصوصاً به حضرت علی علیه السلام ارادت خاصی داشته است، کما اینکه در رویه قلمدان بجا مانده مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد و قلمدان رقم دار مجموعه آقای کرمل القانیان، جملات «نادعلیا مظهرالعجایب» را الی آخر درج نموده و اثر فوق العاده ارزنده دیگرش که همانا کتابت صحیفه سجادیه است در آن نیز، پایه ایمان و صداقت دینی خود را به‌عالی ترین مرتبه ارائه داده و در جملات آخر آن نسخه، بیاناتی کاملاً مذهبی ارائه داده و معلوم داشته که در نثر وادبیات فارسی و زبان عربی نیز، فرد بصیر و با ایمانی بوده‌است.

روی هم رفته می شود معلوم داشت، تمام آثار استاد محمد ابراهیم که از سال ۱۰۸۳ الی ۱۱۰۶ انجام پذیرفته و تفصیل آنها را در آثار استاد محمد ابراهیم بن حاج یوسف قمی آورده‌ام، چهار نمونه بارز آن مذهبی بوده و

۲- بطوریکه میدانیم نقش قلمدان ها، بروی اسکلت مقوایی که به وسیله استادان صحاف ساخته و پرداخت می شده، انجام می یافته و ترتیب نقش تصویر نیز، به‌اختصار چنین بود که استاد کار صحافی، تمام جوانب اسکلت مقوایی را با بتونه مخصوص و سفیدی پرداخت می کرده و بعد از خشك شدن بتونه، آنرا با سمباده مخصوص صاف و هموار می نموده تا برای نقاشی آماده گردد. بعد از اینکه، قلمدان آماده نقاشی گردید، نقاش ابتدا طرح مورد نظر را با مداد و یا با گرده‌های حاضر، بروی تمام سطوح قلمدان نقش می نمود و سپس با آبرنگ شروع به رنگ آمیزی کرده و تصویر را به پایان میرساند و امضای نقاش و تاریخ اجرای کار را که به وسیله خود نقاش در ذیل هر اثر دیده می شود، آخرین مرحله‌ای بوده که به وسیله هنرمند انجام میشده و سپس آماده برای روغن کاری می گشته است.

اغلب نقاشان، این عمل روغن کاری را به نفسه انجام میدادند و در موارد دیگر، استادان روغن کاری نیز بودند که در هنر خود مهارت داشته و روغن کمان را آنها میزدند.

بعد از اجرای روغن کاری و خشك شدن آن، که به مثابه شیشه صیقلی شده‌ای، بروی نقش قلمدان، ثابت می گشته است، حك و اصلاح نقش ها و تعویض امضاءها و تاریخ آن ممکن نبوده و هر نکته مجددی که بروی آن نوشته می شده، بسان نقشی بوده که بروی شیشه انجام یافته و در روی آن تثبیت نمی گشته است. بدین ترتیب است که جعل امضاها، بروی قلمدان ها امری بس دشوار بوده و اگر نادرتاً انجام می پذیرفته، سستی و لرزانی و امضاها و نوشتهای آنها ظاهر می گشته و با مختصر الکلی که بروی امضاهای جعلی می کشیدند، امضای جعلی محو شده و زمینه ساده قلمدان نمایان می شده است. و اما جعل کنندگان خبره که در صنعت خط نیز ماهر می باشند، با مختصر الکلی که بروی روغن سابق می زنند، شفافیت و صیقلی بودن روغن قدیمی را ازبین برده و سپس امضای جعلی را در همان محل تثبیت می نمایند که البته این امضاءها نیز در زیر ذره‌بین و برای افراد خبره آشکار شده و لرزش و سستی خطوط و جعل بودن امضاء، مشخص می باشد.

و از طرفی بعد از جعل امضاء شخص جعل کننده مجبور بوده، که مجدداً بروی امضای جعلی خود، روغن زده و با سایر جوانب قلمدان یکسان نماید و چه بسا در این موقع ها است که به علت صیقلی بودن زیر امضاءها، که تازگی ترقیم شده و در جای خود ثابت و خشك نشده است، لرزشی ایجاد شده و با روغن جدید مخلوط گشته و امضاء مخدوش و پاك شده بنظر می رسد.

در قلمدان آقای خورشید نیز، جعل کننده امضاء، نام نقاش (راقمه حاجی محمد سنه۱۱۲۴) را بروی روغن کمان سابق، که بیش از سیصد سال بروی قلمدان چسبیده و به شیشه تبدیل شده است، درج نموده و پس از مالش مختصر روغن کمان، که می بایستی بروی آن مجدداً کشیده میشده، حالت امضاء بهم تنیده و رنگ ها به اطراف حرکت کرده و شیوه خط بهم خورده و با روغن ثانوی مخلوط گشته و به همان عیار رنگ رفته و محو شده، مجدداً خشك شده است و بدین جهت است که امضای جعلی قلمدان مذکور، بسان خط تازه‌ای می نماید، که بلافاصله بعد از نوشتن امضاء، توسط خشك کن نامربوطی خشك شده و مرکب خطوط به اطراف لغزیده و جعل بودن امضاء را مشخص ساخته است. در صورتی که تمام آثار بجامانده استاد محمد ابراهیم، جملگی به قلم شیوای خطوط رقاع و نستعلیق استادانه بوده و کوچکترین خدشه و تزلزلی نیز، در کتابت آنها دیده نمی شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تنها در یك قلمدان دیگر، که برای شخص ضابطه نویسی نقش نموده، از صنعت تذهیب و گل آرایی استفاده کرده و ادعیه مبارکه‌ای، درذیل آن ظاهر ساخته است. و این نیز یکی از دلایل عمده این مدعا است که این محمد ابراهیم متدین و متعصب، اجرا کننده صحنه بزمی ومجالس نیمه‌عریان قلمدان آقای خورشید نبوده بلکه از آثار محمد زمان معروف است که مجالس بزمی دیگری نیز داشته و در مجالس رقص و سماع صاحب قلم بوده است.

حال که به قضایای جعل امضا و شخصیت حقیقی وی که محمد ابراهیم نبوده و بشخصه نقاش گل سازی بنام حاجی محمد است واقف گشتیم، شروع به بررسی آثار رقم دار و اصیل وی پرداخته، عیار و وزنه هنری وی را چنانکه باید و شاید و در حد مقام خود معرفی می نماییم.

از تنها مجلس بزمی و چهره‌سازی وی که در نسخه خمسه نظامی مورگان مضبوط است، میشود دریافت که این نقاش گلساز، هنرمند چهره‌ساز و صورت پرداز خوبی نبوده و به فنون مجلس آرایی و تناسب و آرایش آنها نیز نا آشنا بوده‌است.

دراین اثر رقم دار که بهترین موضوع مجلس آرایی و غنای عشقی است و نقاش می توانسته بنحو بارز و پرملاحت تری، هنر خود را عرضه نماید ولی متأسفانه کادر موضوع و تناسب نفرات و جابجایی اشیاء و به اصطلاح «کمپوزیسیون» اثر نامتناسب بوده و بسان این می ماند که کناره‌های تصویر را بریده و به اجبار در جای به آن تنگی چسبانده‌اند و ضمناً سایه صورت ها و حالت نفرات کم مایه و بی حالت بوده و با سایه پردازی های استادانه و بسیار ماهرانه چهره‌های تصاویر قلمدان آقای خورشید، قابل قیاس نمی باشند. ازطرفی نشست عاشق و معشوق، بی رویه وناهنجار وارائه تمام قد مستخدمی که پشت به بیننده کرده و مشغول ساقی گری است، تناسب مجلس را بهم زده وباید گفت اگر آن جوانك نبود و ساقی گری نمی کرد، مجلس رونق بیشتری داشت و فضای آن را فرح افزاتر می نمود و همچنین خمودگی و افسردگی نوازندگان و خامی و ابتدایی بودن بدون سایه اشیاء روی میز، و مخصوصاً قلیان بلاتکلیف وسط مجلس، که معلوم نیست چوب قلیان بلند آن به چه طرفی امتداد یافته و در خدمت کدام یك از مهمانان قرارگرفته‌است.

بدین سبب و چه بسا ممکن است به صلاحدید محمد زمان بوده که از نقش مجالس بزمی و اصولاً چهره‌سازی و مجلس آرائی دل بریده و به نقوش گل و مرغی و شکوفه و گلزار که حالت شاعرانه نقاش را تجلی داده و به اصول فنی زیادی احتیاج ندارد، علاقه پیدا کرده و دراین زمینه به‌پیشرفت هایی نایل گردید. بطوریکه می دانیم، نقش این تصاویر بزمی و مجلس آرایی، که در نسخه خمسه نظامی سال ۱۰۸۶ مضبوط در کتابخانه پیرپونت مورگان دیده میشود به‌سفارش میرزایی میرزا محمد معصوم وزیر رشت آغاز گشته و انجام این کار موقعی بوده که دو برادر هنرمند، یعنی محمد زمان و حاجی محمد هردو درشهر رشت ویا بلده اشرف ساکن بوده و میرزامحمد معصوم، موقع را مغتنم شمرده، ترسیم نقوش دلپذیر آنرابه حسب الفرموده خویش، به‌محمد زمان واگذار نمود.

محمد زمان که دراین اوقات مشغله زیادی داشته وبه حضور شاه سلیمان، در بلده اشرف بارمی یافت، مأخوذ به‌حیا گشته وفرمایش وزیر رشت راپذیرا گردید و چون در ورای این فعالیت ها، مجبور بوده بسفارش شاه سلیمان نیز جنبه اولویت داده و بعضی از تصاویر خمسه نظامی مضبوط در موزه بریتانیا را بسال ۹۴۷، بدست خطاط معروف شاه محمود نیشابوری پایان پذیرفته، مصور سازد، بدین جهت برای تسریع سفارشات وزیر رشت از برادرش حاجی محمد یاری جسته و تصمیم داشته درمعیت یکدیگر، تصاویر خمسه مذکور را به پایان رسانده و هر دو سفارش را یك وقت به‌پایان برسانند، ولی با دقت و موشکافی پروسواسی که به ضعف ها و سستی های تنها نقش حاجی محمد در موضوع خسرو وشیرین می اندازیم وازطرفی با محاسبه کارهایی که دراین اوقات و در همان نواحی که بدست محمد زمان انجام یافته و دنباله آنها نیز به دو سال بعد کشیده شده است این حدس

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

را میشود زد که میرزا محمد معصوم ازکار کرد حاجی محمد درآن نسخه مصوره ناراضی بوده و از محمدزمان درخواست کرده که بقیه تصاویر را با فرض این که مدت اجرایش طولانی باشد بدست خود نقاش انجام پذیرد. ونتیجه این قیودات به‌این نکته منتهی گشته که نقاش دقیق نگاری بسان محمد زمان که نقش یك تصویریرا به‌مدت چهارده ماه به‌پایان می رسانده، مجبورگشته درهمان مدت محدود سال ۱۰۸۶ که‌در بلده اشرف سکنی داشته چندین تصویر نفیس برشته نقش در آورد که مجملاً تصاویری که از بلده اشرف و رشت نامبرده دراینجا ارائه می گردد.

۱ـ بهرام گور وشاهزاده هندی بارقم:

«حسب الامرالاعلی وهو دربلده اشرف رقم کمترین بندگان محمدزمان اتمام یافت سنه ۱۰۸۶»

۲ـ نقش مجنون درصحرا بارقم:

«دربلده اشرف برقم کمترین بندگان اتمام یافت ۱۰۸۶»

۳ـ شیرین دربالای جسد خسرو:

«حسب الفرموده نواب قبله گاهی میرزایی میرزا محمد معصوم دام ظله وزیر رشت اتمام یافت رقم کمترین محمد زمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶»

حاجی محمد در آرایش گل ها و ارائه سایه‌های طبیعی آنها دقت و پاکیزگی مخصوصی داشت و در انتخاب رنگ ها وسواس زیاد بکار می برد، شیوه وی برداشتی از کارهای گل آرایی برادر پر شهره‌اش محمد زمان بود و بسیاق وی عمل می آورد و در تنوع و آرایش گلها بصیر بود و انواع گل ها و شکوفه ها را در بستر یکدیگر تصویر کرده بسان بوستانی پرگل وشکوفه بروی قلمدان ظاهر می ساخت،

گل های وی باز و گشاده و سایه‌ها طوری شیرین و با حلاوت بود که گویی به تازگی از باغی چیده شده و روی کاغذ ظاهر گشته‌است.

در گل های تك حالتی نیز بسیار دقیق و پر وسواس بود و به عیار دانشمندی گیاه شناس تمام جزئیات گل ها را برملا می ساخت.

بغیر از گل سازی، در نقش مرغ ها و پروانه‌ها که اغلب هنرمندان گل ساز در ارائه آنها قوی دست بودند، این هنرمند نیز قدرت قلم شیرینی داشت و در جمع یکدیگر شادانه و طبیعی به نقش می کشید.

در ارائه گل ها سعی می نمود انواع و اقسام گل های طبیعی وتزیینی را در جمع یکدیگر و تناسب چشم نواز و رنگ های طبیعی عمل آورده و زیبایی اثر را مضاعف سازد. در تذهیب و حل کاری نیز دست با کمال داشت و نقوش وترسیمات مشکل تذهیب رابه حلاوت تمام انجام می داد.

چون مردی وارسته و مفید به‌مبانی دینی بود، ازتصویر انسان ها و چهره‌پردازی استنکاف می کرد و هنر خود را به زیبایی های طبیعت مختص نموده به ارائه گل ها و نمود طراوتشان بسنده می نمود. در مورد خطوط امضاهای حاجی محمد که جمعاً در همه آثار رقم دارنقاش مشاهده می گردد، بغیر از رقم یك قلمدان جملگی به‌خط شکسته بوده و یا با خطوط قلم مویی، در زیر تصاویر نقش بسته‌است.

این هنرمند آثار خود را، به لفظ بی پیرایه و ساده می نوشته واغلب «راقمه العبد» قید می کرده و بغیر از دو جا که در یکی از آنها نام پدر را درج کرده و در دیگری خود را غلام کمترین «حضرت نبی ع ص» دانسته، الفاظ بیشتری را برعکس برادرش محمد ابراهیم بکار نبرده است. از نکات مشخصه دیگری که در زیر یکی از ارقام گل سازی وی مشاهده کرده‌ام، این است که در زیر حرف «ی» نام «حاجی» سه نقطه گذاشته و در زیر کلمه «فی» نیز به‌همین ترتیب، سه نقطه علاوه نموده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از زندگی اولیه و دوران صباوت و محل و مدت کارآموزی وی اطلاعی نداریم فقط ازشیوه گل سازی و همراهی وی در ترسیم یکی از مجالس نسخه خمسه نظامی در می یابیم که این هنرمند شاگرد وهمکار استاد محمد زمان برادر نامدار خود بوده و درگل سازی خوش دست وشیرین قلم بوده‌است. و ضمناً سفرمکه وی نیز به تحقیق معلوم نشده و سال عزیمتش نیز برما مکتوم است وچون درقدیمی ترین آثار خود که بتاریخ ۱۰۸۶ هـ. قـ. فرجام پذیرفته و خود را حاجی محمد قمی پسر حاجی یوسف معرفی نموده بعید نیست سالیانی قبل از این تاریخ به این سفر دست یازیده و یحتمل با پدرش نیز در این سفر همراه بوده است.

در مورد موقعیت سنی حاجی محمد و سایر برادران نیز از همین حدسیات غیر مستند سود جسته و استاد محمد زمان را که آثار وی بین سالیان ۱۰۷۰ تا ۱۱۱۰ هـ. قـ. انجام پذیرفته برادر بزرگتر و آثار بدست آمده استاد محمد ابراهیم کاتب السلطانی را که بین سال های ۱۰۸۳ تا ۱۱۰۶ هـ. قـ. به نقش در آمده برادر وسطی و سومین برادر و یا کوچکترین آنها را همین استاد حاجی محمد قرار دادیم که آثار شناخته شده و اصیل وی بین سالیان ۱۰۸۶ تا ۱۱۲۲ به عهده فرجام رسیده‌است. و در مورد مدت زندگی و سال تولد و تاریخ مرگ وی نیز

اگر سنوات ذیل را در نظر گرفته و بگوییم که در معیت پدر و درسن حدود ۲۲ سالگی و سال ۱۰۸۲ به سفر حج رفته، سال تولدش ۱۰۶۰ هـ. قـ. خواهد بود که اولین کار بدست آمده‌اش که از استادی کاملی نیز بهره نداشته‌است، در سال ۱۰۸۶ و سن ۲۶ سالگی، درمعیت برادربزرگترش به‌سفر رشت واشرف رفته وبرادر خودرا یاری می داده است اجرانموده‌و آخرین کار بجامانده را که‌می بایستی دیدکافی و قدرت قلم پر مقاوم داشته، در سال ۱۱۲۲ هـ. قـ. و در سن ۶۲ سالگی به پایان رسانده و اگر چهار سال و خورده‌ای نیز زنده مانده باشد، تخمیناً در سال ۱۱۲۶ هـ. قـ. و در سن ۶۶سالگی و یا بیشتر، دنیای فانی را وداع گفته و به آخرت پوسته است.

آثار اصیل ورقم دار این استاد عبارت است از:

۱ـ قدیمی ترین اثر حاجی محمد که درنسخه نظامی کتابخانه مورگان دیده می شود و چه بسا بخاطراین صحنه بزمی نیز مورد شماتت پدرش حاجی یوسف قرار گرفته واز آن به بعد از ارائه مجالسی این چنین بی پروایی خودداری نموده. تصویر مجلس خسرو و شیرین است که شیرین بعیار البسه آندوره ها لباس قرمز حنایی به‌تن کرده و کلاه پوست سموری بسرنهاده و پیاله شراب به‌دست گرفته‌است. خسرو نیز به بیحالی در کنار وی قرار گرفته و کلاه مخصوصی بسر گذاشته و بحالت مستی نشسته است. نوازندگان و همراهان در کنار وگوشه ها دیده میشوند و ساغر جوانی که بطری شراب را بدست گرفته دروسط اطاق پذیرایی می کند. منظره بیرون قصر وارائه برگ درختان تاحدی سست و بی رویه نقاشی شده و در بالای ستون قصر به خط شکسته رقم دارد: «راقمه حاجی محمد قمی ابن حاج یوسف ۱۰۸۶»

این اثر آبرنگی که رقم کامل نقاش را در بر دارد، به‌هیچوجه قابل قیاس با نقاشی که قلمدان آقای خورشید و آبرنگ (کشتن اژدها توسط سوارکار جسور) را ترسیم نموده نمیتواند باشد و بدین دلیل میشود باور کرد که ارقام حاجی محمد آنها جعلی بوده و اصل تصویر از آن محمد زمان بوده‌است.

۲ـ دو اثر گل آرایی حاجی محمد که یکی از آنها بسرکار خاصه هدیه شده، و عکس آنها در آلبوم معروف ارمیتاژ لنین گراد بچاپ رنگی رسیده، گل فندقی سرسبزی است که در کمال شیوایی عمل آورده و پوسته سرسبز فندق ها راکه بسان طبیعی جلوه‌گر ساخته، مبین پراعتباری وقدرت قلم نقاش است که به آراستگی نشان داده است. در دو محل مختلف و به خط شکسته رقم دارد: «به رسم پیش کش سرکار خاصه شریفه اتمام یافت. راقمه حاجی محمد ۱۰۹۴»

۳ـ دیگر اثر گل آرایی این استاد، تصویر گل های متنوعی از قبیل قرنفل و میخك و غیرة است که به‌صورت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تك بوته‌ای و درزمینه سیر و تاریك نشان داده و پرواز زنبوری را نیز بدورآنها نمایان ساخته است. بخط شکسته قلم مویی رقم دارد: «راقمه العبد حاجی محمد فی شهور سنه ۱۱۱۲» تصویر شماره (۲۳) در صفحه (۹۵۲)

۴ـ سومین اثر گل آرایی این هنرمند که در حواشی خط استاد محمد صالح جلب نظر می نماید. گل های متفرقه و رنگینی است که دررده‌های منظمی، حاشیه خط را دربرگرفته و زیبایی آنرا مضاعف ساخته‌است. این اثر چشم نواز که درمجموعه نگارنده قرار داشته وتاریخ کتابت خط آن سال ۱۱۰۰ هـ.قـ. است به سجع ریز رقم دارد: «نبی عالمی محمود امجد غلام کمترین حاجی محمد» تصویر شماره (۱۰۳) در صفحه (۱۰۱۶)

۵ـ از آثار قلمدانی این هنرمند که‌ازنزدیك دیده‌ام، قلمدان گل مرغی زیبایی بود که در زمینه رویه وکناره‌های آن، گل های ریز وزیتی ترسیم کرده و درپنج مدالیون بزرگ وکوچك، تصاویر زن جوان و گل و مرغ متنوع کشیده و دربالا وپایین آن رقم زده: «هو رقم زد کمترین حاجی محمد ۱۱۱۶» تصویر (۲۴) در صفحه (۹۵۲)

ساختمان و اسکلت این قلمدان که در نوع خود منحصر است، درزیر بتونه و موازی عرضی آن، مفتول های منظم و نزدیك به همی بکار برده که استقامت قلمدان را مضاعف ساخته است. این مفتول ها که به استادی و دقت کافی، بروی قلمدان پیچیده شده‌است، با بتونه مقاومی پوشش شده ولی رگه‌های مفتول به روشنی از زیر بتونه‌ها دیده میشود. اگر ساختمان قلمدان و پیچش مفتول ها را نیز خود حاجی محمد انجام داده باشد باید وی را یکی از مبتکرین اسکلت سازی قلمدان های قدیمی دانست. مجموعه دکتر ناصر خلیلی.

۶ـ دیگر ازآثار رقم دار وگل ومرغی حاجی محمد قلمدان سالم وارزنده‌ای است که بشماره ۴۳۷۳ درموزه ایران باستان مضبوط می باشد. در این اثر پر حلاوت، که هنر گل و مرغی خود را به‌نیکوترین وجهی برملا ساخته و در بعضی موارد از شیوه برادر هنرمندش یاری جسته است، قلمدانی است که با اسکلت مقوایی کاملاً سالم و محکم و در الگوی همان زمان ها عمل آمده و به‌دست این هنرمند، گل آرایی گشته‌است.

در رویه قلمدان انواع گل ها از قبیل گل سرخ و نرگس شهلا و لاله و قرنفل و پامچال و غیره در کمال قدرت ورنگ های طبیعی عمل آمده و مرغ های زیبا و رنگینی نیز در بین خرمن گل ها علاوه گشته‌است. در کناره قلمدان نیز به همین ترتیب گلهای متنوع با تناسب استادانه و شیوه تجمیع و قرینه‌سازی، ترسیم شده که آیتی از کمال بشمار می آید.

زیر نشیمن قلمدان به رنگ قرمز خوش رنگی بوده که در روی آن، سه ستاره شمسه‌ای هشت شاخه‌ای و نیزه‌ای به طلای درخشان و نقش ماهرانه، انجام یافته که خبره پسند می باشد. کناره‌ها و لبه‌های تمام سطوح قلمدان، بخطوط زوجی درشت و باریك دقیق جدول بندی شده که مهارت و دقت نقاش را در امر تذهیب برملا ساخته است.

کناره و دیوارهای کشو قلمدان نیز، با رنگ سرخ حنایی رنگین گشته و در رویه آن، بسان نقوش تکراری و قرینه‌ای همان دورهها، گل و برگهای کوچکی نقش بسته که‌با ترسیم مخالف ورنگ های روشن وتیره، تمام سطح دیواره را پوشانده و بسان نقوش پارچه‌ای، جلوه‌گر گشته است. قلمدان مذکور که بزرگتر از اندازه‌های معمولی و بطول تقریبی ۳۵ سانتی متر می باشد، به خط نستعلیق رقم دارد: «راقمه حاجی محمد سنه ۱۱۲۲»

از آثار مجعول دیگری که باین استاد منسوب دانسته‌اند، یکی قلمدان معروف مجموعه آقای خورشید است که از بهترین آثار استاد محمد زمان اول بشمار آمده و از نفایس هنر قلمدان سازی محسوب میگردد. نگارنده،

---

* محمد ـ «حاجی محمد قفل ساز» ـ نقاش و طراح نقوش و خطوط زیبا بروی فلزات سخت بود و در عهد بایسنغر و امیر علیشیر نوائی «اوایل قرن ۱۰ هـ. قـ.» زندگی میکرد.
این هنرمند، بعلت مهارتی که در هنر خود داشته، در زمان حیاتش به حاجی محمد قفل ساز موصوف بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دلایل مستند خود را در آثار محمد زمان اول تشریح کرده و جزئیات قلمدان را نیز ارائه داده‌ام.

دیگر تصویر، قهرمان جوانی است که اژدها را می کشد و نقاش بشیوه سابق خود، جوان قهرمان را بنقش شاه سلیمان تصویر نموده است. در بالای تصویر، امضای «راقمه حاجی محمد» (۳) دیده میشود که جعلی بوده و این اثر ارزنده نیز از آثار بدیع محمد زمان است که چگونگی وی را در آثار محمد زمان یاد کرده‌ام.

۸۶۵ ـ محمّد «حافظ محمّد مذهّب عثمانی»

برادر زاده حافظ عثمان خطاط نامدار عثمانی است که در اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. زندگی میکرده و بشغل تذهیب کاری اشتغال داشته است.

بنوشته مستقیم زاده در تحفه خطاطین، این تذهیب کار که بنام حافظ محمد چلبی معروف بوده تربه‌دار بیرام پاشا محسوب می گشته و عمده آرایش و پیرایش و تذهیب و طلاکاری آثار حافظ عثمان را این هنرمند تذهیب میکرده و در خدمت خطاطان دیگر نیز قرار می گرفته است.

همو می نویسد که این هنرمند در صنعت تذهیب، از شاگردان مذهب نامی استاد سرکه‌جی زاده بشمار میآمده است.

سال فوت وی معلوم نبوده ولی تا اواخر قرن ۱۱ ه ق حیات داشته است.

۸۶۶ ـ محمّد «حکّاک و نقّاش»

نقاش و حکاك نگین های برنجی و نقش و نگار گوناگون بروی فلزات بود و در حرفه خود مهارت داشت.

از آثار امضادار این هنرمند، جام برنجی کوچکی بقطر دوازده سانتی متری دیده‌ام که رویه آن بسان کارهای فلزی سوریه‌ای، نقره کوب شده و نقش و نگار ایرانی داشت، و حدود صد ساله بنظر میرسید.

رویه بیرونی و درونی آن، پر از نقش و نگار استادانه و نازك قلم بود که در بین ترنج های داخل نقوش، مجالس رقص و طرب و شکار و سایر تزیینات اسلیمی جلب نظر مینمود. در لابلای نقوش، ابیاتی بخط نستعلیق خوش نوشته شده بود که یکی از ابیات آن چنین بود:

بر آرد روزگارت از سه لب کام لب جوی و لب یار و لب جام

در بین دو سهم کوچك رقم داشت: «قربان دوست ـ محمد حکاك»

دیگر از آثار رقم دار این هنرمند، جام مسی زیبائی با گلهای اسلیمی و تزیینی بود که رقم «مشق کمترین محمد حکاك» را داشت و این ابیات در رویه آن درج گشته بود.

نوش کن جام شراب یك منی تابدان از بیخ دل غم برکنی
چون زجام بیخودی رطلی کنی کی زنی در خویشتن لاف منی
دل گشاده دار چون جام شراب سرگرفته چند چون خم دنی

بعید نیست این اشعار، اثر استعداد و ذوق ادبی هنرمند بوده و بمناسبتی در ذیل آثار خود شعری می سروده و بروی کارهای خود ثبت مینموده است.

۳ـ این موضوع که بگونه‌های مختلف انجام یافته جزو تصاویری است که در آثار استاد محمد زمان تشریح شده و موضوعات آن چنین است.

«مجلس منازعه بهرام گور در خمسه نظامی، خط شاه محمود نیشابوری بارقم. «رقم کمترین غلامان محمد زمان ۱۰۸۶» و دیگری تظلم پیرزن از سلطان سنجر با رقم «محمد زمان سنه ۱۰۸۴» و سومی تصویر بهرام است که اژدها را می کشد با رقم «زمان ۱۰۸۶»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۶۷ـ محمّد «رسّام و حکّاک و نقّاش»

طراح و رسام، خطوط و نقوش تزیینی بروی سکه‌ها، در ولایت عثمانی بود و خط ثلث و نسخ را شیوا می نوشت. این هنرمند بعد از فوت پدر، رسام سکه‌ها، در دارالضرب همایونی شد و در زمان خود شهره گردید.

اغلب سرسکه‌های متداول این دوره را، پدر هنرمندش استاد عمر و همچنین خود محمد رسام، طراحی و حکاکی نموده که روی سکه‌های رسمی، ضرب گشته است. فوت این استاد، بسال «۱۱۵۷ انتقال المرشد» اتفاق افتاده و در استانبول مدفون گشته است.

۸۶۸ ـ محمّد «شبک محمّد» ابری ساز عثمانی

نام اصلی این هنرمند «شبك محمد» یاد شده که همانا شبیك محمد بوده و معلوم نشده که از اهالی کدام دیار بشمار میآمده است.

از تنها اثر رقم دار این هنرمند که در طرابلس شام فرجام پذیرفته، معلوم میدارد که این هنرمند در آن شهر سکونت داشته و بحرفه مورد علاقه خود اشتغال داشته است.

این اثر جامع و چشم نواز، نسخه‌ای بنام «حدیقه السعداء» از فضولی است که چنین رقم دارد:

«کاتب الحروف احمد بن حسن بنی چری قروجیان در گاه عالی فی بلدت طرابلوس شام فی زمان دفتردار محمد افندی سنه ۱۰۰۴»

زمینه صحفات که کلاً ابری سازی شده، شیوه‌های مخصوص ابری سازی را، از قبیل چرخ فلك یا گل گت «بیا و برو» و یا بگفته مصطلح ماشیر عسلی عمل آمده و رنگهای آبی تند و کم رنگ و یا قرمز مختلف، با سفیدك های زیبائی تزیین شده و در نوع خود از بهترین هاست.

دیگر شیوه هنرمندانه‌ای که دراین صفحات مرعی داشته، رنگهای آبی و سفیدی، بسان ابری و تند بادی است که سرعت باد را نشان داده و مثل مرمر رگه‌دار و یا گلبرگهای متوازنی است که مثل شاخه درخت، از زمین روئیده و زمینه صفحات را آذین بخشیده است.

رقم نقاش در روی صفحه اول کتاب درج شده که چنین است. «مع شبك محمد ابریسی»

از ابری سازان معروفی که در این کتاب از آنها یاد شده مروارید بیانی محمد طاهر و تلهیبی و ملا محمد امین و میرزا محمد ابری ساز و ابوطالب مدرس و سایرین هستند که احوال آنها در جای خود یاد شده که هنرمندان ترك و هندی دنباله‌رو هنری آنان گشته و بخصوص در ولایت عثمانی در این شیوه‌ها بموفقیت های چشم گیری نایل گشته‌اند.

از استادان معروف عثمانی که در این طریقه از هنرمندان ایرانی کسب فیض نموده و بشهرت رسیده‌اند بغیر از این هنرمند «شبك محمد» دیگر محمد خطیب است که در حدود سالیان ۱۱۸۴ حیات داشته و اولین دفعه نقش گلها را بروی ابری ظاهر نموده است.

دیگر از هنرمندان شناخته شده ابری عثمانی، استادان صادق افندی بسال ۱۸۴۶م و ادهم افندی و نجم الدین اوکیای و سایر هنرمندان معاصر آن دیار میباشند که از تشریح احوال آنها خودداری مینمائیم.

● **محمد ابری ساز ـ در میرزا محمد ابری ساز آمده**

● **محمد تبریزی مذهب ـ در میرزا محمد تبریزی مذهب آمده**

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۶۹ ـ محمّد «شبیه ساز» سید محمّد

فرزند میرزا کاظم حسینی از اهالی شیراز بود و در چهره‌پردازی و شبیه سازی از هنرمندان دقیق نگار دوره ناصر الدین شاه قاجار بشمار می آمد.

از تصاویر امضادار این هنرمند، نقش آبرنگی مرد پنجاه ساله‌ای را دیده‌ام که بعیار و شیوه صنیع الملك عمل آورده و به پرداز عالی سایه زده و رقم نهاده بود. «سید محمد بن میرزا کاظم حسینی شیرازی»

● محمد سبزواری در شیخ محمد سبزواری آمده.

۸۷۰ ـ محمّد (قلمدان ساز)

ازقلمدان سازان و نقاشان ساکن اصفهان بود و در سنوات قرن ۱۳ هـ. قـ. به‌شغل قلمدان سازی اشتغال داشت.

این هنرمند، در گل آرایی و پرنده‌سازی و تذهیب و خط نسخ دست داشت و آثار خود را با سجع مخصوص «شاهنشه انبیا محمد» ترقیم می نمود.

چند اثر متنوع گوناگونی که از این نقاش دیده‌ام، جملگی گل مرغی بوده وسجع (شاهنشه انبیا محمد) را دارا بوده‌است.

یکی از این قلمدان ها که تا حدی استادانه بود و در شیوه غلامرضا امامی عمل آمده بود ، گل و مرغ پر آذین داشت و رقم و تاریخ قلمدان چنین بود: «شاهنشه انبیا محمد ۱۳۰۲»

قلمدان گل مرغی دیگری که در حراج ساتبی می ۱۹۷۷ در لندن به فروش رسید، زمینه ساده داشت و در روی آن سه دسته گل محمدی و سایر گلها را به شیوائی ترسیم نموده و رقم نهاده بود: «شاهنشه انبیا محمد» تصویر شماره (۲۵) در صفحه (۹۵۳)

۸۷۱ ـ محمّد (قلمدان ساز)

پدر استاد حاج حسین اسلامیان است که به شغل قلمدان سازی اشتغال داشته و تا سال ۱۳۰۰ شمسی در قید حیات بوده است.

---

* محمد (صحاف باشی) ـ استاد محمد جزو چهل و دو نفر شاگردان عازم اروپا بود که بسال ۱۲۷۵ به آن دیار رهسپارگشتند. این استاد فن صحافی و همچنین پاکت سازی را به شیوه جدید فرا گرفت وبه لقب صحاف باشی مفتخر گردید.

---

* محمد (صحاف غزنوی) ـ درویش محمد بن امیر شیخ محمد رامکی غزنوی، اهل یکی از روستاهای غزنه رامك است که در عصر تیموریان از غزنه سفر کرده و در اوایل قرن ۹ هـ. قـ. به خدمت شاهرخ والغ بیك وابوسعید (۸۶۱ ـ ۸۷۳) رسیده است. او شبی حضرت علی علیه السلام را بخواب دیده و با شارت آن حضرت، به آموختن شغل تذهیب و صحافی پرداخته و در خدمت سلاطین مذکور صاحب مقام و احترام گشته‌است.

---

* محمد (قفل ساز) حاجی محمد ـ گویا شغل قفل سازی داشته و در نقش تصویر و صنعت خط به روی فلزات صاحب قلم بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوایی در هرات ساکن بوده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مرحوم حاج حسین اسلامیان که بسال ۱۳۶۰ و درسن ۷۰ سالگی وفات نموده، خود از اساتید طراز اول تذهیب و تشعیر قرن معاصر بشمار می آمد که احوال وی در کتاب مخصوصی که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود، درج خواهد گشت.

مرحوم اسلامیان، مدت دوهفته‌ای در سالیان ۱۳۵۵ شمسی، درکتابخانه و موزه اختصاصی نگارنده، در باب تذهیب و تشعیر و سایر شیوه‌های نگارگری، بحث و گفت وگوی ارزشمندی داشت که باارائه نمونه‌های جالب آن، یادگار بس گرانبهایی بود که درمورد هنرهای مذکورارائه می گردید. خوشبختانه، اغلب این بحث ها و نمونه‌های تزئینی آن، که از مجموعه نگارنده انتخاب می شده، توسط رادیو تلویزیون ملی ایران فیلم برداری شده و در فرصت های گوناگون، ازتلویزیون سراسری ایران پخش گشته است.

نگارنده از گفتارهای هنری این استاد نوارهای ارزنده‌ای ضبط کرده‌ام که امیدوارم بتوانم، در پیشرفت و نمود هر چه بیشتر هنرهای تزیینی ایران، از آنها سود جسته و رضایت خاطر علاقمندان را فراهم سازم.

از استادان معروف و مبرز تصویر سازی قرن معاصر ایران که درهنرخود مقام شامخی داشته، در این مقال به یاد آوری نام بعضی از آنان اکتفا کرده و آثار و احوال کاملتر آنان را در کتاب جداگانه‌ای که مختص تصویرگران معاصر خواهد بود درج خواهیم نمود.

استاد علی کریمی ـ استاد محمدعلی زاویه ـ استاد حسین بهزاد ـ استاد حسین الطافی ـ استاد مهدی سجادی ـ استاد نصرالله‌یوسفی ـ استاد ابوطالب مقیمی ـ استاد رسام ارژنگی ـ استاد میرمصور ارژنگی ـ استاد عباس کاتوزیان ـ استاد عبدالله باقری ـ استاد علی مطیع ـ استاد محمود فرشچیان ـ استاد حسین اسلامیان ـ استاد عرب زاده ـ استاد محمدبهرامی ـ استاد عیسی بهادری ـ استاد محمد تجویدی ـ استاد طریقی ـ استاد وفا ـ استادمحمد ژرفی ـ استاد درودی ـ استاد شایسته ـ استاد آشتیانی ـ استاد حیدریان ـ استاد شیخ ـ استاد مصور الملکی ـ استاد ایران درودی ـ استاد صنیع خاتم ـ استاد امینی ـ استاد رخساز ـ استاد صدیقی ـ استاد صنیع زاده ـ استاد مختاری ـ استاد صنعتی زاده ـ استاد اصغر و اکبرپتکر ـ استاد علی رخساز ـ استاد حسنعلی وزیری ـ استاد یحیی دولتشاهی ـ استاد میرزا علیخان مستغنی ـ استاد جمشید امینی ـ استاد عبدالکریم رفیعی ـ استاد حاج حسین خطائی ـ استاد صمیمی ـ استاد ناصر اویسی وصدها هنرمند ونقاش دیگر که شرح حال مبسوط آنان درکتاب جداگانه‌ای چاپ خواهد گردید.

۸۷۲ ـ محمّد (قلمدان ساز) دوره نادرشاه

نقاش دوران نادری (۱۱۶۰ ـ ۱۱۸۴ هـ. قـ.) بود که درشیوه محمدعلی بن محمدزمان و علیقلی بیك جبادار نقش می آفرید.

از این نقاش، آثار زیادی رویت نکرده و تنها اثر رقم داری را که از وی دیده‌ام، قلمدان تابوتی استادانه‌ای بود که زمینه قهوه‌ای داشت و در شیوه جبادار عمل آمده بود.

در رویه قلمدان، تصاویر شیر و اژدهائی، بسبك دوران صفویه و شیوه حل کاری نقش یافته بود که معرف استادی نقاش بحساب می آمد. کناره ها و اطراف قلمدان نیز، به همین ترتیب نقوش زیبا داشت و رقمش چنین بود: «بنده درگاه نادری محمد»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۷۳ محمّد (قلمدان ساز عثمانی)

از هنرمندان قلمدان ساز قرن ۱۳ هـ. قـ. عثمانی بود، و قلمدان های فلزی ونقره‌ای می ساخت.
این هنرمند، نقوش اسلیمی وسایر شیوه های باب روز را، با قلم تیز نگارش بروی نقره وفلزات دیگر حکاکی می نمود و در کارهای خود، نازك قلمی با وسواسی داشت.
از آثار امضادار این هنرمند، قلمدان پرنقش ونگار، نقره‌ای دیده‌ام که به‌تنوع نقوش کنده‌کاری شده و رقم داشت: «عمل محمد»

۸۷۴ ـ محمّد (گلدوز باشی)

نقاش وطراح گل ومرغ و سایر نقوش دیگر، بروی پارچه‌ها و مخمل ها بود و در هنر خود مقام گلدوز باشی راداشت.
از آثار زیبا و پرکار این هنرمند، روی کرسی و یا پرده بزرگی، در زمینه تیره‌ای از مخمل بود که بروی آن، انواع و اقسام گل ها و شکوفه‌ها، به اصطلاح رشتی دوزی شده و در نوع خود از بهترین ها بود.
این هنرمند که بی شك از اهالی رشت بوده و در آن شهر، مقام و رتبه والایی داشته، در ارائه این اثر ارزنده به‌اصطلاح سنگ تمام گذاشته و رقم زده بود: «محمد گلدوز باشی ۱۳۲۰»

۸۷۵ ـ محمّد (مذهّب)

ازمذهبان گمنام قرن دوم هـ. قـ. است که به احوال و آثار وی اطلاع زیادی نداریم.
● **محمد مذهب شاگرد استاد بهزاد ـ دردرویش خراسانی آمده**

۸۷۶ ـ محمّد (مذهّب عثمانی)

ازمذهبان قدیمی عثمانی، دراواسط قرن ۸ هـ. قـ. است.
از آثارامضادار این هنرمند، که به تحقیق در زمان کتابت قرآن مجید انجام یافته، تذهیب شیوای قرآنی، به خط ارغوان کاملی در کتابخانه عمومی بایزید استانبول است که تاریخ کتابت آن، سال ۷۴۸ هـ. قـ. بوده و به خط پیرآموز عالی، رقم دارد: «ذهبه محمد»

۸۷۷ ـ محمّد (مذهّب) غیاث الدّین

معلوم نیست این مذّهب نامی، همان غیاث الدین محمد مذّهب مشهدی است که به گفته قاضی احمد بسال ۹۴۲ هـ. قـ. وفات یافته و در خدمت امیرعلیشیر نوایی بخدمت مشغول بوده و یا اینکه هنرمند دیگری است که فقط مالك دیلمی، در مرقع امیرحسین بیك یادی کرده و در ذیل اسامی سایر استادان بشمارآورده است،

● محمد (مجلد روغنی) ـ جلدساز و قلمدان ساز سنوات ۱۲۷۹ بود که‌تنها یك جلد روغنی گلدار، ازوی یادداشت نموده‌ام. این جلد گل وبرگی که جلد کلام الله مجیدی درکمال نفاست بود. دربالای «بسم الله» داخل جلد آن رقم نهاده بود (بدل مهر علی دارد محمد ۱۲۷۹) که معلوم نشد نام اصلی این هنرمند «مهرعلی» و یا «محمد علی» و یا تنها «محمد» بوده که باسجع بالا، نام خود رافیل آثار خود درج نموده‌بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بهرحال، بهر نامی که اصالتاً نامیده می شده، نگارنده به‌همان اسم در اینجا آورده‌ام که یادی از وی کرده باشم.

مالك دیلمی در مرقع مذکور، درباره این هنرمند چنین نوشته‌است.

«و مولانا غیاث الدین مذهب و مولانا محمد ابریشمی و مولانا محمد قاسم شادیشاه . . . و جناب مولانا رستم علی زید برکاته که نادره عصر واوانند»

میرزا محمد حیدر دوغلات، درباره محمد مذهب چنین یادکرده‌است:

«مولانا محمد مذهب از یاری برتر بود. او دیباچه‌ای بی نهایت ظریف برای کتابی خطی جهت میرزا سلطان حسین طرح کرده بود که هرچند مدت هفتاد سال بر آن صرف کرد ولی ناتمام ماند، در آن زمان مذهبان بسیاری بودند ولی در میان آنان فقط دو استاد بود که نام بردیم.»

برای تکمیل احوال این هنرمند، می توانید به صفحه ۴۱۵ جلد یك و احوال غیاث الدین محمد نیز مراجعه فرمایید.

محمّد(رسّام فلزّات)- طراح و تصویر نگار زیبا بروی فلزات سخت بود و در هنر خود دست پر قدرتی داشت.
از آثار ارزنده این هنرمند، سینی بزرگ و مدوری بشعاع تقریبی ۴۰ سانتی متر در دست فروشنده‌ای دیده‌ام که جهت امین السلطان اتابك صدراعظم دوره ناصرالدین تهیه گشته و بروی آن انواع و اقسام نقوش را تصویر کرده و هنر خود را بتمام و کمال عریان ساخته بود.
در مرکز دایره سینی که بشعاع ۱۰سانتی متر اندازه داشت، مجلس یوسف و زلیخا را به پُرکاری تمام حکاکی نموده بود که بسان صفحه نقاشی جلوه دل انگیزی داشت. در وسط مجلس حضرت یوسف که در نقش خدمتکار وارد قصر گشته بود، زلیخا درصدر مجلس نشسته و به مخده تکیه داده و محارم و ندیمه‌ها در کنارش قرار گرفته بودند.
بعیار تمام مجالس یوسف و زلیخا، جمله محارم سلطنتی، موقعیکه ترنج ها را می بریدند از عظمت و زیبائی یوسف مدهوش شده و جملگی دستهای خود را بریده بودند.
در کناره‌های این دایره بزرگتر، دایره‌های کوچکتر و مدالیونهای متنوع بود که در داخل هریك از آنها، موضوعات بزمی و مجلسی نقاشی شده و مهارت نقاش را عریان می ساخت.
در داخل یکی از کتیبه‌های کناره رقم داشت: «تقدیم حضور باهرالنور میرزا علی اصغرخان اتابك اعظم کمترین محمد رسام ۱۲۸۰»

---

* محمد (نجار) - طراح نقوش بروی چوب ها ونجار نازك قلم وپر مهارت قرن ۱۰ هـ. ق. بود و در هنر خود مهارت تام داشت.
این هنرمند، فرزند استادی نیز به اسم شمس الدین داشت که بسان پدر هنرمندش، در طراحی نقوش و نقش کردن آن بروی چوب های سخت، استاد والا مرتبه‌ای بشمار می آمد و در هنر خود کم قرینه بود.
متأسفانه نام این استاد، در محل معرفی خود (حرف شین) از قلم افتاده وبجا بوده که به نحوی در احوال پدرمعرفی گشته و هنر پرامتیاز وی شناسایی گردد.
از آثار رقم دار و ارزنده استاد شمس الدین که در مجموعه آقای مهدی محبوبیان قرار گرفته، درب چوبی نفیس و پرکاری است که در تزئینات گل اناری و خرطوم فیلی و سایر نقوش قرینه‌ای و شیوه اسلیمی عمل آمده و در نوع خود کم نظیر بشمار می آید، درب مذکور که‌اندازه هرلنگه آن ۱۹×۷۶ سانتی متر می باشد، باخطوط رقاع استادانه‌ای که در بالا و پایین آن کتابت شده، حلاوت ماهرانه‌ای پیدا کرده و تلفیق خط و نقوش اسلیمی بشیوایی تمام با یکدیگر هم بستر گشته‌است، دقت و مهارت و نازك قلمی استاد شمس الدین در نقر این اثر کمیاب، به اندازه‌ای قوی و پروسواس است که گویی این نقوش بروی فولادی نقش بسته وسستی وشکنندگی چوب، که اغلب در ارائه آثاری این چنین شکسته و خرد می گردند، زایل گشته است.
نام هنرمند و همچنین اسم مالك و سفارش دهنده آن، که به قرینه سطور بالا، بخط رقاع استادانه‌ای در پایین کنده‌کاری شده چنین است: «فتح الاحسان ونصرت الخیرات و عبد موضع عالیشان احمدبن تاج الدین (یارح؟)»
«عمل استاد شمس الدین ابن استاد محمد تاریخ فی شهر جمادی الآخرسنه سبع ستین و تسعمایه سنه ۹۶۷»

---

* محمد (نجارلواسانی) - طراح و نگارگر نقوش و خطوط زیبا بروی چوب ها بود که با برادرش استاد حسین، به کار مورد علاقه خود اشتغال داشتند.
پدر این هنرمند، استاد حسن نجار لواسانی بود که از مشاهیر نجاران زمان خود به شمار می آمد.
ازآثار این هنرمندان، صندوق منبت، بقعه بی بی شهربانو است که بسال ۸۸۸ هـ. ق. به‌عهده فرجام رسیده و معرف هنری این خانواده می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۷۸ ـ محمّد «نقاش آبرنگ ساز»

آبرنگ ساز و شبیه پرداز دوره ناصری بود و در رشته خود شیرین قلم بشمار میآمد.

تنها تصویر رقم داری که از این هنرمند دیدهام، تصویر ایستاده ناصرالدین شاه بود که کلاه پردار سلطنتی، بسر داشت و کمر بند و حمایل جواهرنشان مرصع بکمر بسته و دستکش سفید بدست کرده بود.

شلوار وی خوش دوخت و تا حدی کوتاه بود و جورابهای پا نیز از زیر آن نمودار میشد. ناصرالدین شاه صورت بشاش داشت و قیافهاش جوان تر بنظر میرسید. در زمینه آبرنگ، تذهیب گل انگوری داشت و در داخل ترنجی که در بالای تصویر احداث شده بود، بخط نستعلیق زیبا نوشته شده بود. «السطان بن سلطان ناصرالدین شاه قاجار» و در پائین تصویر رقم زده بود: «بنده خاکسار محمد ۱۲۷۲».

۸۷۹ ـ محمّد «نقّاشباشی دوران فتحعلیشاه»

نقاش دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود، که در زمان سلطنت محمد شاه به لقب نقاشباشی مفتخر گشته است.

این هنرمند، در تصویر و شبیهسازی خوش قلم بود و در کارهای روغنی و قلمدان سازی و میناسازی، قوی دست بشمار میآمد.

از کارهای روغنی وی، جعبه ارزنده ایست که در موزه نگارستان تهران مضبوط بوده و رقم دارد. «رقم کمترین محمد ۱۲۳۸». دیگر از کارهای این نقاش که بهمان شیوهها تصویرسازی شده، مجلس عروسی ناصرالدین شاه است که داماد سوار بر اسب شده و نوازندگان و فانوس بدستان و جماعت تماشاچیان، در جاهای خود قرار گرفته و بشادی و پایکوبی اشتغال دارند.

رقاصه زیبائی، در وسط مجلس هنرنمائی میکند و مدعوین و مامورین مخصوص، هر یك شمع و چراغی بدست گرفته و در کنارهها ایستادهاند.

جهت روشنائی و جلال بیشتر این عروسی شاهانه، شمع ها و فانوسهای دیگری نیز، به زمین نصب کرده و شکوه مجلس عروسی را مضاعف ساختهاند. این اثر پرکار و شلوغ، رقم دارد: «محمد نقاشباشی ۱۲۵۵»

از آثار مینائی این هنرمند، مینای گل و مرغی فتحعلیشاهی است که در مدالیون های مختلف، تصاویر دختران دلربا را به قوی دستی نقاشی کرده و در مدالیون های دیگر نیز، دسته گلهای خوشرنگ و چشم نوازی را ترسیم نموده و رقم گذاشته است: «کمترین محمد»

متاسفانه، با علم به اینکه نقاشباشی بوده و در رشتههای گوناگون تبحر داشته، آثار زیادی از وی دیده نشده و احوال و سرگذشت زندگی حقیقی اش نیز، مکتوم و پوشیده میباشد.

۸۸۰ ـ محمّد «نقّاش رنگ و روغن ساز»

چهره پرداز و شمایل ساز اواسط قرن ۱۳ ه. ق. است که در شیوه رنگ و روغنی، نقش می آفرید، که تنها یك نمونه رقم دار و تاریخ دار وی را، در مجموعه آقای محسن فروغی بیادگار داریم.

احوال حقیقی و سالیان تولد و مرگ و همچنین دوران فعالیت هنری اش بر ما مجهول بوده و تنها برداشتی که از شیوه کار و تنوع مهارت نقاش و سایر امتیازات هنری اش کسب کردهایم، مزایای گوناگونی است که از روی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اثر رقم دار و یا چند آثار منسوب دیگرش بدست آورده‌ایم که بنحوی ما را در کشف بعضی از امتیازات هنری نقاش، یاری میدهد.

از تنها تاریخی (۱۲۵۸ هـ. قـ.) که در ذیل یکی از آثار بجا مانده‌اش بیادگار نهاده، و از طرفی با در نظر گرفتن، سایر آثار دیگرش، که جملگی در مکتب فتحعلیشاهی نقش بسته، متضمن این نکته است که این نقاش، از هنرمندان دوره فتحعلیشاهی بوده و این تصویر، جزو آخرین آثار وی بوده که در زمان محمد شاه قاجار، بسیاق دوران فتحعلیشاهی، بعهده نقش در آورده است.

از شیوه کار و قلم تصویرسازی اش و سایر علائم مشخصه، که در بین آثار وی، تشابهات اصولی دارند، می شود پنداشت که این هنرمند، در مکتب هنرمندان فتحعلیشاهی، هنر اندوخته و بین سالیان ۱۲۳۰ الی ۱۲۶۰ و یا اندکی کمتر و بیشتر، فعالیت هنری داشته که تنها در یك تصویر، سجع و تاریخ «یا محمد ۱۲۵۸» را درج نموده و خود را معرفی کرده است.

این استاد صورتها را زنده و طبیعی می کشید و در چهره پردازی دقیق نگار بود.

صورتهای وی چنان قالبی و شبیه هم ساخته شده‌اند که میشود، آثار بدون امضای وی را شناخت و جزو آثار نقاش بحساب آورد.

ابروها را کمانی و متصل میساخت و چشم ها را بادامی و شهلا می کشید و در مقابل این همه وسواس، دماغ و لب ها را کوچك میگرفت و با پیچش مختصری که بلب پائین میداد، لوندی و خندانی رقاصه را مضاعف مینمود.

در ترسیم دست و پاها دقیق بود و تا حدی متناسب می کشید، و برای بهتر نشان دان آن ها، دست و پا را حنائی می نمود و زیبائی آنها را تجلی میداد.

در آرایش موی سر، دقت داشت که گیسوها را بروی گونه و گوشها حلقه کرده و تاحدی فرخورده و شانه زده نقش نموده، و برای ارائه زیبائی بیشتر، چند رده، زلف و طره سیاه مارگونه، که بهم بافته شده و از پشت سر، تا زیر کمر آویزان گشته، نشان میداد و حلاوت را دو چندان مینمود. در نمودار البسه، علاوه بر تناسب و تنوع رنگها، در بکار برد انواع جواهرات و خصوصاء مروارید دست و دل باز بود و مروارید دوزی را بحد پرغناتری، در جمله ملبوسات و متکاها بکار میگرفت.

به ترسیم طاقت فرسا و یکسان چیدن مرواریددوزی علاقمند بود و این رویه را در روی تاج کلاهها و بازوبندها و البسه و کناره دامن ها و مخصوصاً بروی متکاها اجرا مینمود و از طولانی شدن و سررفتن حوصله، ابائی نداشت.

در ارائه نقوش بوته جیقه‌ای، وسواس تمام داشت، و این شیوه را در کناره دامن ها و روی متکاها و سایر تزیینات دیگر به افراط تمام مجسم میساخت.

زمینه البسه و مخصوصاً دامن ها را ساده می گرفت و از شلوغی درهم و برهم دوری میجست. توازن و رنگها را خوب میشناخت و اغلب رنگهای مخلوط و تا حدی کدر و تیره بکار می برد. در اجرای سایه چهره‌ها دقیق و شیرین نگار بود ولی در سایر جهات دیگر از قبیل سایه دامن ها و پیچ و خم پرده‌ها و نشست صحیح اشیاء، چندان مقید نبود و ساده عمل میکرد.

رویهمرفته شیوه چهره‌پردازی و آرایش پوشش ها و تنظیم رنگها و سایر نکات باریك دیگری که در جزو آثار بجا مانده‌اش یادشده، تعین کننده سایر آثار بی امضای نقاش است که جمله آنها، با شباهت قلم یکسان و آرایش شبیه هم ترتیب یافته، و چون شخص نقاش، هنرمندی غنی الطبع بوده و خصلت افتادگی داشته، از درج نام خود اباء جسته و اغلب بدون امضاء بجا گذاشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آثار اصیل و منسوب وی عبارتند از:

۱ـ تنها اثر رقم دار این هنرمند که با سجع «یا محمد» و تاریخ «۱۲۵۸» برشته نقش در آمده و در مجموعه خاندان فروغی قرار دارد، نقش رقاصه زیبائی با البسه رنگین و پرجواهری است که به دلبری تمام، پشت به متکا نهاده و دست راست خود را بزیر سر گذاشته و با تبختر و لوندی تمام، خود را نمایان ساخته است.

چهره زیبایش غمگین و پرغمزه و چشمان شهلایش بادامی و پرتمنا و ابروان کمانی اش پرحالت است. جیقه کلاه جواهرنشانی بسر نهاده و اقسام جواهرات را بروی البسه و کمربند و بازوبند و دستهای خود نصب کرده و با حالت پرفخامتی، زیبائی خود را عیان ساخته است.

دامن وی پرگل و پرپیرایه و آذینی از گلهای تزئینی دارد که کناره‌های آن، بسان سایر کارهای دیگر نقاش، بوته جیقه‌ای بوده و مراورید دوزی شده است.

نقوش انتهائی و کناره بست متکا بوته جیقه‌ای شده و کل رویه متکا و ریشه و منگوله‌های آن نیز مروارید دوزی گشته است.

درطاقچه بالای سرزن جوان، یك بطری شراب و یك کاسه پر انار که یك قاشق چوبی، بروی آن گذاشته شده، جلب نظر می نماید.

این اثر پرزیب و زینت که یکی از بهترین وشیواترین اثر نقاش بشمار می آید، در زمینه بالای طاقچه به خط زیبای نستعلیق رقم و تاریخ دارد که چنین است: «یا محمد ۱۲۵۸» تصویر شماره (۲۷) در صفحه (۹۵۴)

۲ـ چند تصویر منسوب به استاد محمد که شیوه‌هنرمند رادر برداشته و درموزه نگارستان تهران دیده می شوند، یکی تصویر رقاصه زیبایی به‌نام (سرو شهی ساقی) (و یا سرو سهی) است که تاج کلاه‌مرصع و جواهرنشانی بسرنهاده و دارای چشمان بادامی و ابروان کمانی است که در کمال دلبری و لوندی جلب توجه می نماید.

دست و پاهای رقاصه حنا بسته و زنگوله مخصوصی به انگشتان گرفته و چند مشته منگوله مروارید از سینه و شانه خود آویزان نموده و دستبندها و بازوبندها نیز به همین سیاق، غرق جواهرات بوده که روی نیم تنه رقاصه جلب نظر می نماید.

دامن بلند رقاصه، که مخمل قهوه‌ای رنگ است، با پارچه راه راهی کناره بندی شده و انبوه مرواریدهای دانه درشت نیز در لابلای کناره‌ها، دوخته شده است.

آذین کمر نیز، بسان سایر جزئیات البسه، پر از جواهرات گوناگونی است که به تناسب و زیبایی خاصی دوخته شده و به هیکل رقاصه برازندگی متناسبی بخشیده است.

رقاصه که در حالت رقص بوده و نیم نشسته دیده میشود، حالت لوندی و غمزه ملیحانه وی بحد ممکن ارائه شده‌است.

در این نقاشی، اثری از برشهای هندسی و تو رفته معجرهای قدیمی نبوده، بلکه خیلی ساده طراحی گشته‌است. ولی روی طاقچه، یك عدد نارنج و یك بطری شراب و یك لیوان کریستال دیده میشوند.

در زیر تابلو بخط رقاع ناشیانه نوشته شده «مطرب رقاص» اندازه ۷۵×۱۰۱ سانتی متر.

۳ـ دیگر تابلوی روغنی هنرمند، در این موزه، تصویر رقاصه زیبایی به نام «خانان خاتون» و یا «ختن خاتون» و یا «خاناس خاتون» است که با چهره ملیح و چشم های بادامی و موهای ریخته، بروی یکی از دستهایش که قمه محکمی گرفته و بروی قمه بالانس زده، در حالت هنرنمایی است، دست دیگرش که آن نیز قمه‌ای این چنین دارد، درپشت سر رقاصه دیده میشود.

رقاصه مذکور، عرق چین مرصعی بسر نهاده و گل جواهرنشانی، با سه پر مرصع، به تاج کلاه وصل گشته

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و زیبایی پر حالتی را جلوه‌گر ساخته است. لباسش بسیارچشم آذین ورنگ قرمز تیره ای دارد.

کناره‌های دامنش، بسان سایر آثار دیگرنقاش، مروارید دوزی گشته و با وسواس مخصوص هنرمند، آذین گشته است.

موهای بلند و دراز زن جوان، به عیار مارهای سیاهرنگی می ماند که بروی زمین دراز کشیده و در حال لغزیدن می باشند.

در کنار دست وی، میوه های گوناگونی، از قبیل هندوانه ونارنج و سیب و گلابی و چند خیار دیده میشود که هریك درجای خود، جلوه دل انگیزی دارند.

این اثر زیبا نیز، رقم نقاش را دارا نبوده ولی از شیوه قلم و پختگی اثر معلوم می گردد که از آثار شیوا و هنرمندانه استاد محمد می باشد.

۴ـ دیگراز آثار استاد محمد درموزه نگارستان شاهزاده جوان و زیبایی است که صورت گرد و قیافه زنانه داشته وموهایش به اطراف شانه شده و کلاه بوقی دوران فتحعلیشاهی بسرنهاده است.

چشم هایش بادامی و قرنیه‌ای است و ابروان بهم پیوسته دارد.

جوان مذکور، لباس بلند وقهوه‌ای ساده پوشیده و دوزانو نشسته و دست به قبضه شمشیر برده و روبرو رانگاه می کند.

یخه و سردست و بازوبند و رویه شمشیر و قمه‌اش، بسان سایر آرایش آن دوران، مروارید دوزی شده و جواهرنشان گشته‌است.

تك ریسه درشت و مرواریدی به روی شانه انداخته که دنباله آن با ریسه منگوله‌ای دیگر که شکل قوتازهای قفقازی دارد از کمرش آویزان است.

در پشت سرش متکای مروارید دوزی بزرگی دیده میشود، معجر چوبی تالار، با نقوش هندسی و ستاره‌ای آذین شده و هنرمندانه است، بروی طاقچه معجر چوبی، بطری شراب و لیوان و کاسه سفید که بروی آن قاشق منبت کاری شده قرار داده‌اند، جلب نظر می نماید.

تنها یك دانه سیب درآنجا دیده میشود و در کف اطاق، گلیم منقشی بروی فرش اطاق پهن شده‌است.

این اثر استادانه نیز بی امضاء بوده و اندازه‌اش ۷۶×۱۳۰ سانتی متر می باشد.

۵ـ دیگراز آثار بی امضای نقاش درموزه نگارستان، جوان شاهزاده‌ای، با صورت زیبا وچشمان پرحالت وابروان کمانی وقیافه نجیبانه‌ای است که موهای خود رابه پشت گردن انداخته و کلاه بوقی وپر جلالی که‌دارای جیقه‌های پر جواهر ومروارید دوزی دارد، بسر نهاده و لیوان شرابی بدست گرفته است.

کناره‌های یخه لباس و بازوبند ودستبند ها، بسان تصویر قبلی، مروارید دوزی وترصیع گشته و کمربندش نیز، جواهرنشان بوده و قوتاز مرواریدی، ازآن آویزان می باشد،

شاهزاده، دست به قبضه شمشیر نهاده و دوزانو نشسته و بطری شراب را در روبرو نهاده است.

درپشت سرشاهزاده، متکای تمام مروارید دوزی که بسان سایر کارهای دیگر نقاش، پرکار ومنقش و مرواریدی است جلب توجه می نماید که دو منگوله قوتازی درشت و کوچك، دربست های کناره‌ها دارد.

در بالای طاقچه، یك گلابی وانار بزرگ و سه سیب درشت که روی هم قرار گرفته و کاسه منقشی که دانه‌های انار درآن ریخته وقاشق درشت چوبی بروی آن نقش نموده، رویت می گردد.

این اثر نیز امضای نقاش را دربرنداشته ومضبوط درموزه نگارستان می باشد.

۶ـ اثر پرحالت وبی امضای دیگر نقاش که درموزه مذکور بوده و دراندازه (۷۹×۱۲۷) سانتی متر می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر رقاصه لوندی، بنام شکر است که چهره زیبایش بسان سایر کارهای نقاش، حالت و دلربائی بخصوصی داشته و چشم هایش بادامی و ابروها کمانی است.

در این اثر چشم نواز، سینه‌های عریان و کوچکتر رقاصه، انگیزه گیرایی داشته و سینه بند و بازوبند ودست بند پرجواهرش، بروی البسه موزونش، درخشانی و تلؤ تلؤ خاصی جلوه‌گر ساخته‌است. کلاهش، عرق چین مرصعی و دامنش، سبزرنگ و مخملی است.

کمربند کلفت وپر جواهر و مرواریدی به‌کمر بسته که شادابی وتناسب بدن را توازن بخشیده است. کناره‌های دامن نیز بدین شیوه ها، مروارید دوزی شده و ترصیع گشته است.

چهار ریسه بلند و بافته شده موهای درازش که بسان مارهای لغزان جلوه‌گر می باشند، تا زانوان رقاص ادامه داشته و غمازی ودل آرایی رقاص را مضاعف نموده است.

رقاصه، در حالت هنرنمایی و نیمه نشسته و پر غمزه است که به ابتکار نقاش، حرکات متنوعی را به نقش درآورده و صحنه را شادمانی ترنموده است.

این اثر نیز، به یقین یکی ازبهترین آثار بدون امضای هنرمند به حساب آمده و درجمع رقاصه ها، به عهده نقش در آمده‌است.

۷ـ دونمونه بی امضای دیگر نقاش که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط می باشند، تصویر دو زیباروی پرجمالی هستند که به همان شیوه و همان آرایش، نقش بسته و صورت هانیز درشیوه چهره‌سازی استاد محمد است.

در یکی از این تصاویر، زن جوان دامن بلند و حنایی پوشیده و نیم تنه آبی به تن کرده و مشغول ریختن شراب، به گیلاس شرابخوری می باشد.

موهای سرش به اطراف صورت آویخته و چند تار زلف دراز، بروی لباس های وی دیده می شود.

تاج کلاه مرصع و جواهرنشانی که دارای دو پر طاوسی بلند در رویه دارد، از انبوه مروارید ها پرگشته است، متکا نیز به‌همان عیار سابق مملو از مروارید دوزی است که روی آن نقش های دایره‌ای و مارپیچی دارد، پرده قرمز اتاق به کناره بسته شده و افق آبی و ابرسفید در فضا دیده میشود.

۸ـ نقش دیگر این رقاصه، که در سینی طلایی آجیل می برد، دامن بلند حنایی که در کناه نقوش بوته جیقه‌ای مروارید دوزی دارد، بتن نموده و یك نیم تنه کوچك و مروارید نشان به تن کرده وکمربند مروارید دوزی نیز به کمر بسته و مشغول پذیرایی است.

کلاه این رقاصه نیز، دارای پر طاوس های زیبا بوده و جمع کلاه از مروارید و جواهرات دیگر آذین یافته‌است.

در بالای معجر چوبی، که با آلات چوبی و پره پره هندسی و از اره ترتیب یافته، تنها یك عدد سیب دیده می شود که جای نامتناسبی قرار گرفته و بعید نیست، با کوچکترین وزش بادی، از جای خود درغلطیده و به زمین بیفتد.

۹ـ از آثار بی رقم و برازنده این هنرمند که در مجموعه آقای هاشم خسروانی مضبوط است، تصویر زن جوان و زیبای درباری است که با دست های حنابسته خود، پوشش صورت را برداشته و زیبایی و لوندی خود را آشکار ساخته‌است.

این زن جوان که با پوشش کامل و روبسته‌ای نازك تر، خود را از چشم نامحرمان مستور می داشته، بالطبع از زنان نجیبه حرم درباری بوده که با جلال وآرایش چشم گیر، خودی نشان داده و ملاحت وزیبایی خود را عریان ساخته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

البسه وی طلایی و گلدار و نقوش پارچه آن در حد انحصاری بوده که تاکنون در هیچ تصویر قاجاری، بدین نقوش رویت نشده است.

زیبایی چهره و شیوایی چشم ها و ملاحت لب ها، استادانه بوده و مهارت نقاش را در چهره‌پردازی عریان ساخته‌است.

عکس رنگی این تابلوی ماهرانه که در صفحه ۱۹۶ کتاب Treasures of Islam چاپ شده، ما را از توصیف بیشتر این تابلو بی نیاز کرده و معرف مشخصات کامل آن می باشد.

۱۰- دیگر از کارهای منسوب این هنرمند که در موزه تفلیس نگاهداری می شود، دوشیزه نوازنده‌ای است که کولجه زیبایی پوشیده و دامن بلند وساده‌ای بتن کرده که کناره‌های گلداری دارد.

رقاصه زیبا که انواع جواهرات گوناگون را به لباس و کلاه‌خود نصب نموده دو زانو نشسته و دایره میزند.

در چهارچوب جلو پنجره، تنها سبیی دیده میشود و شیشه شراب و لیوان شیشه‌ای در مقابل جلب نظر می نماید.

چهره سازی لوند و زیبای این رقاصه، و تزئینات لباس و سایر عوامل دیگر، در شیوه استاد محمد بوده و از کارهای بدون امضای وی بحساب می آید.

۸۸۱ - محمّد(نقّاش-شاگرد علی اشرف)

نقاش اواسط قرن ۱۲ هـ. ق. بود واز شاگردان علی اشراف معروف بشمار می آمد.

استاد محمد در آثار خود، مقام والای استادی را محترم شمرده و جهت اعتلای نام استاد، در سجع خودش از وی یاد کرده و چنین قید کرده‌است: «صنع محمد ز علی اشرف است»

از یك اثر رقم دار و چند اثر بی رقم و منسوب این هنرمند، هرآنچه از نزدیك دیده‌ام، گل آرایی و نیرنگ های فنی را بسان علی اشراف با قدرت و چشم آذین به عمل آورده و در انتخاب رنگ ها و پردازهای فوق العاده ریزی که انحصاراً علی اشراف، ازعهده اجرای آن بر می آمده، تابناك و غنی اجرا کرده است.

شیوه گل آرایی و جابجایی تنوع آنها، و پرش و نشست مرغ ها و جمله رموز نهایی و هنری استاد علی اشرف، بنحوی در کارهای این شاگرد، تجلی یافته، که اگر امضای نقاش نمی بود، بی شك ناظر را به شبهه می انداخت و اثر یادشده را، از بهترین آثار هنری علی اشرف می پنداشت.

این استاد در انتخاب رنگ ها و پرداخت واجرای پردازها، و حاشیه گیری ورگ نشانی برگ ها و ملاحت و پریشانی مرغ هایی که به صدایی هراسان شده و از روی شاخه‌ها فراری می شوند، و زمینه سازی و تذهیب گوناگون و سایر عوامل هنری گل آرایی را، به عیار استادش علی اشراف قوی و پر محتوی ساخته و کوچکترین نکته را از نظر دور نداشته است.

تنها شاهکار ارزنده این هنرمند، که در موزه رضا عباسی تهران به یادگار است قاب آینه شیوایی است که به عینه، شبیه کارهای استادش علی اشرف مصور نموده و تحسین بینندگان را فراهم ساخته است.

رویه و پشت قاب آینه، به انواع گل ها و ریاحین و ساق و برگ های سرسبز، بسان بوستانی شاداب و پر طراوت نقش نموده و پرندگان رنگارنگ و چشم نوازی را نیز، در بستر ساقه‌ها به‌ترنم درآورده و درنوع خود شاهکار آفریده‌است.

کناره‌ها و قاب جنبی قاب آینه نیز با تذهیب های دانه‌ای و گل اناری و سایر ترسیمات و تذهیب کاری، آرایش یافته و درقسمت بالای رویه قاب آینه، به خط نستعلیق ریز و استادانه‌ای رقم نهاده و نوشته‌است: «صنع محمد ز علی اشرفست» تصویر شماره (۲۸) در صفحه (۹۵۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۸۲ ـ محمّد (نقّاش شیرازی)

فرزند محمد حسین تاجر شیرازی بود و در اواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می نمود.
این استاد، در شبیه سازی و منظره پردازی به شیوه آبرنگ و رنگ و روغن، خوش قلم بود و نام خود را «استادمحمد» درج می نمود.

۸۸۳ ـ محمّد (نقّاش عثمانی)

نقش آفرین زیبانگاری، بروی فلزات عاج بود و در اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. به خلق آثار زیبا، اشتغال داشت.
از این هنرمند، قاب لولهٔ منقشی که برای استحفاظ فرمان های سلطنتی عثمانی بکار می رفته، به یادگار مانده، که زمینه آن، از نقره و عاج عمل آمده وبروی آنها نقوش مخصوص عثمانی، از جمله تصاویر لوزی مانندی که پیکان های تیزی بروی آنها علاوه شده، و زیبایی اثر را مضاعف ساخته، دیده میشود که امضای محمد وتاریخ ۱۲۱۵ هـ. قـ. را دربردارد.

محمد نقّاش قرن ۱۰ هـ. قـ. در میر محمد نقّاش آمده

۸۸۴ ـ محمّد (نقّاش فراهانی)

نقّاش اهل فراهان است که نقوش سابق دوران فتحعلیشاهی امامزاده حسن را مرمت نموده و رقم نهاده: «قلم محمد نقّاش فراهانی» حدود سال های ۱۳۴۰ هـ. قـ.

۸۸۵ ـ محمّد (نقّاش میناساز)

در دوران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۱ ـ ۱۲۵۰ هـ. قـ.) زندگی می کرد و در میناکاری دستی به کمال داشت.
این هنرمند درگل و مرغ و شکوفه پردازی و چهره سازی و طلاکاری قوی دست بود و این مراحل را در شیوه میناکاری، به نیکوترین وجهی ارائه می داد.
پر واضح است که نقش چهره‌ها وگل و گلزار و سایر ریزه‌کاری های دیگر تصویرسازی، بخصوص در شیوه مینانگاری، کاری بسیار صعب و دشوار بوده و از عهده هر نقّاشی بر نمی آید. ولی این هنرمند توانسته است، تمام هنر خود را بشیوه مینایی، عمل آورده و در حد خود، تحسین بینندگان را برانگیزد.
یکی از آثار رقم دار این هنرمند، سرقلیان نفیسی بود که رقم: «کمترین محمد» را در برداشت، و در داخل یکی از مدالیون ها، تصویر زن فتان و عریانی را به نقش درآورده بود که دارای چشمان بادامی و پر تمنایی بود و خرمن گیسوان را از پشت سر بزیر انداخته بود.
زن جوان، ستر عورت سبکی بخود بسته و بدن لخت و لوند خود را در معرض تماشا گذاشته بود.
در قرینه پشت سر این مدالیون بیضی شکل، مدالیون دیگری نیز، به همین نسبت واندازه، ارائه گشته بود که در داخل آن، زن جوانی با کلاه والبسه دوران زندیه، دسته‌گلی بدست گرفته و دلبری می نمود.
در دو مدالیون بزرگتر کناره سرقلیان، انواع گل های چشم نوازی، از قبیل گل سرخ و زنبق و بنفشه و آهاری و یاسمن و غیره را به شیواترین حالت و زیباترین رنگ ها عریان ساخته و خرمنی از گلها را در جنب زیبایی های زنانه، یکجا عرضه نموده بود. تصویر شماره (۲۶) در صفحه (۹۵۳)
این اثر ارزنده، یکی از بهترین کارهای مینایی استاد محمد بود که چهره‌پردازی و گل آرائی را یکجا عرضه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کرده و هنر خود را با تمام و کمال ظاهر ساخته بود.

دیگر ازآثار شیوای این هنرمند، که به همین امتیاز و عیار مینایی شده، دو سر قلیان دیگری بود، که به علت نداشتن رقم و تاریخ صریح، از شرح و بحث کامل آنها، خودداری می نمائیم.

۸۸۶ ـ محمّد (نقّاش هندی)

پرنده ساز رنگین نگاری ازولایت هند بود ودرقرن ۱۰ هـ. قـ. نقش تصویر می نمود.

از آثار امضا دار این هنرمند، تصویر پرنده زیبایی، درشیوه منصور بود که در وسط مرغزاری قرارگرفته و سر را به عقب برده و مشغول تمیز کردن پرهای خود بود.

حواشی تصویر، ابیاتی از حافظ و گل های رنگین داشت و رقم نقّاش، در بالای تصویر دیده می شد، و تاریخ صریح نقّاشی را دربرنداشت.

از شیوه کار و قدمت اثر معلوم بود، که این اثر، در قرن ۱۰ هـ. قـ. و چه بسا در حمایت و استادی منصور نقّاش جهانگیری، عمل آمده ودر شیوه آن استاد بوده‌است.

۸۸۷ ـ محمّد بن آیبک بن عبدالله (مذهّب)

فرزند آیبك بن عبدالله، از مذهبان نازك قلم اواخر قرن ۷ هـ. قـ. و اوایل قرن ۸ هـ. قـ. ایران است که در هنر طلاکاری و انواع ترسیمات تذهیبی، استاد ماهری بوده و در زمان خود از هنرمندان تذهیب، بشمار می آمده است.

از آثار ارزنده این استاد، تذهیب قرآنی، بخط محقق است که خط آنرا استاد احمد بن الشیخ سهروردی از شاگردان معروف یاقوت مستعصمی، درحدود سالیان (۷۰۶ ـ ۷۰۲ هـ. قـ.) جهت سلطان اولجاتیوی ایلخانی (۶۹۴ ـ ۷۰۳) کتابت نموده و تذهیب وآرایش طلائی آنرا نیز، استاد محمد بن آیبك بن عبدالله به پایان رسانده است.

اجزاء این قرآن، در اعصار گذشته، ازهم گسسته گشته که دو سر سوره مذهب آن، در موزه چستر بیتی و دو اجزاء آن، در موزه توپ قاپو سرای و چهار اجزء آن، در موزه ایران باستان تهران مضبوط می باشد.

جمله تذهیب این کلام الله، درکمال تیز قلمی و تذهیبات بسیار دشوار هندسی و ستاره‌ای و سایر نقوش مرسوم هنر تذهیب کاری، انجام یافته که در حد خود ستودنی است.

تقسیم بندی تذهیبات، از اشکال ستاره‌ای شروع گشته و به تقسیمات مثلثی و چهار ضلعی و پنج ضلعی نامنظم و متنوع ادامه یافته و به‌کناره‌های جدول وصل شده‌است.

---

* محمد ـ نقّاش نائینی ـ تنها به نوشته فرزند هنرمندش، که در ذیل منبر چوبی مسجد نائین درج نموده، (استاد محمود شاه‌بن محمد نقّاش) می شود پنداشت که فردی بنام محمد نقاش، در شهر نائین زندگی می کرده که فرزند هنرمندش، منبر چوبی منبتی را بسال ۷۱۱ هـ. قـ. به پایان رسانیده است.

---

* محمد بن ابراهیم واحمد ـ دو استاد نگارگر نقوش بروی ظزات و اسطرلاب بودند که در اواخر قرن ۴ هـ. قـ. بساختن و تزئین اسطرلاب اشتغال داشتند.

اسطرلاب رقم دار این هنرمندان که درآکسفورد انگلستان قرار گرفته، بسال ۳۷۴ هـ. قـ. ساخته شده و قدیمی ترین اسطرلاب رقم دار آن موزه می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در داخل تزئینات هندسی، تذهیب های اسلیمی و قرینه‌ای و مسیر پیچیده، با نیرنگ های فنی و استادانه‌ای در هم آمیخته و آیتی از کمال، بروی کاغذ ظاهر گشته است حواشی جداول داخلی نیز، با تذهیب های دایره‌ای و تزئینات اسلیمی و برگردان های خرطوم فیلی و سایر تزئینات گردونه‌ای و رنگ های موزون به قدرت تمام انجام یافته و در وسط کناره دست راستی، یك شمسه پر مهارتی، به همان طرح و اصول کناره‌ها، علاوه نموده و مهارت خود را به استادی نشان داده است.

این اثر استادانه، در اوایل قرن ۸ هـ. قـ. در بغداد انجام پذیرفته، و اندازه آن ۳۵×۵۰ سانتی متر می باشد.

۸۸۸ ـ محمّد بن ابوتراب

نامش محمد بود و باسجع مخصوص خود «نامم محمد است و ممدم ابوتراب» آثارش را امضاء می نمود.

این استاد قلمدان ساز گل ومرغی بود و تصویر سازی وچهره‌پردازی راخوب می دانست.

تنهااثر رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، قلمدان زیبایی بود که درداخل سه مدالیون رویه آن، تصاویری از زیبا رویان فرنگی نقش یافته بود که با پرداز ماهرانه‌ای عمل آمده و رنگ البسه وصورت ها نیز، جلوه بخصوصی داشت.

کناره‌های قلمدان، مناظر دشت ودمن و گل های متنوع و رنگین بود که در بین آنها، مناظری از خانه‌های دهقانی جلب نظر می کرد.

حواشی کناره‌ها، و زیر قلمدان و اطراف مدالیون ها، تذهیب عادی داشت و رقم و سجع نقاش بروی قلمدان چنین بود: «نامم محمد است و ممدم ابوتراب ۱۲۰۳»

۸۸۹ ـ محمّد بن ابی بکر اصفهانی

اهل اصفهان ونگارگر نقوش وترسیمات هندسی، بروی فلزات بود و عموماً اسطرلاب می ساخت.

ازآثار امضادار این هنرمند که به‌نقوش اسلیمی و سایر تزئینات دیگر، به نقش درآمده و اجزاء واسماء سماوی آن به خطوط کوفی کتابت شده، اسطرلاب ارزنده‌ای است که در حدود قرن ۷ هـ. قـ. پایان پذیرفته و رقم دارد: «صنعه محمد بن ابی بکر بن محمد الراشدی الابری الاصفهانی»

۸۹۰ ـ محمّد بن ابی طاهر

اهل کاشان وطراح نقوش بروی کاشی ها ودیوارهای کجی بود که درزمان سلطنت سلطان محمد خوارزمشاه و اواسط قرن ۷ هـ. قـ. زندگی می نمود.

این استاد وپسران هنرمندش تا چندین نسل به‌تهیه وآذین کاشی های محراب و مرقد و ازراه های بناهای مذهبی

---

* محمد بن ابوالحسن المقریزی ـ تصویرگر نقوش بروی ظروف سفالی و مینایی زراندود بود و دراواخر قرن ۶ هـ. قـ. ، به‌هنر مورد علاقه خود اشتغال داشت.

ازآثار امضادار این هنرمند که درشهرگرگان به‌فرجام رسیده، کاسه سفالی و لعابی زرین فام است که در روی آن، نقش عاشق ومعشوقی را درشیوه مغولی مصور ساخته که روبروی هم نشسته و به مغازله وگفت وگو سرگرمند. رقم دارد: «محمد بن ابوالحسن المقریزی سنه ۶۰۸»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پرداخته وآثارگرانقدری نیز ازخود بهیادگار نهاده‌اند.

این هنرمند، در پختن کاشی ها ورنگ آمیزی و لعاب دادن آنها دست پرمایه داشت که اغلب آثاروی، زینت بخش بقاع متبرکه گشته‌است.

ازآثار متنوع و استادانه این هنرمند که به یادگار مانده، عبارتند از:

۱ـ کاشی های منقش وبسیار زیبای سردرب حرم آستانه مبارکه مشهد به‌تاریخ ۶۱۲ هـ. ق.

۲ـ کاشی های ممتاز مرقد حضرت معصومه علیهما سلام درشهر قم که به‌تاریخ ۶۰۲ فرجام پذیرفته و تعداد آنها پانزده پارچه به‌اندازه ۵۹×۴۰ سانتی متر است که خطوط آنها را ابوزید کتابت کرده‌است.

۳ـ کتیبه قبر حبیب بن موسی واقع در پشت مشهد کاشان بتاریخ ۶۷۰ هـ. ق.

۴ـ دو محراب بزرگ وکوچك و کتیبه حرم امام رضا علیه السلام که بسال ۶۱۲ ـ و ۶۴۰ هـ. ق. بدست این استاد وفرزندش علی پایان پذیرفته است. رقم کاشی چنین است: «اضعف عباداللّه محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسن . . . بعد ما عمله و صنعه فی تاریخ غره جمادی الاولی سنه اثنی عشر وستمائه. . .»

۵ـ محراب مسجد قم بتاریخ ۶۶۳ هـ. ق. مضبوط در موزه برلین

۶ـ محراب کوچك امامزاده حبیب ابن موسی درکاشان بتاریخ ۶۶۸ هـ. ق. موجود در موزه ایران باستان ازهمکاران کاشی ساز این هنرمند شخصی به‌نام ابوزید بظه نقاش کاشانی است.

دیگر ازکاشی تراشان و طراحان معروف این هنر، استاد علی پسر محمد بن ابی طاهر و نوه وی استاد یوسف است که آثار زیبایی ازخود به‌یادگار نهاده‌اند.

۸۹۱ ـ محمّد بن احمد

نقّاش اواسط قرن ۸ هـ. ق. و گویا ایرانی است که مجموع ۷۶ قطعه تصویر، در یك نسخه کلیله ودمنه از وی دیده شده‌است. دریکی از آن تصاویر، شیر درنده‌ای است که به تحریك شغال بر گاو حمله کرده و گردن وی را می فشارد. مطابق شیوه آن دوران، نقش دو نهال گل و برگ دار درزمینه اثر دیده می شود که یکی از آثار محمّد بن احمد در سالیان ۷۵۵ هـ. ق. است.

۸۹۲ ـ محمّد بن احمد (مذهّب عثمانی)

مستقیم زاده در تحفه خطاطین خود، او را محمد بن احمد بن محمد بن فرج معرفی نموده وخط وی را یاقوتانه وتذهیب وشیرازه بندی وجلد سازی اورا دل پسند معرفی کرده‌است.

این استاد که ازهنرمندان ذوفنون عثمانی بشمار می آمد، بسال ۷۳۰ هـ. ق. وفات یافته است.

محمد بن احمد مجلد در محمد چلبی دوم آمده

۸۹۳ ـ محمّد اصفهانی

آبرنگ ساز قوی دست اصفهانی وبغیر از سید محمد اصفهانی بود.

این استاد در شبیه سازی ونقطه پردازی، بهشیوه استاد صنیع الملك شیرین دست بود والبسه و تزئینات و

* محمّد بن احمد ابری سازعثمانی ـ این هنرمند علاوه بر خطاطی و نقّاشی وابری سازی خطیب مسجد ایاصوفیای کبیر بوده و به نوشته مستقیم زاده ایجاد کننده کاغذ های ابری و منقش در ولایت عثمانی است. وفات وی بسال ۱۱۸۷ اتفاق افتاده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سایرنکات مشخصه تصویر رابه دقت و وسواس تمام تصویر می نمود.

تنها تصویر رقم دار این هنرمند که در مجله اطلاعات ماهانه چاپ شده، تصویر ناصرالدین شاه قاجار است که روی مبل سه نفری نشسته و قمه مرصع بکمر بسته و با وقار تمام بروی مبل جا گرفته است. جوراب رنگی شاه و فرش زیبای تالار که با بوته جیقه های پر امتیاز نقش بسته، ستودنی است و بروی کتیبه پنجره رقم دارد: «تمثال بی مثال اعلیحضرت اقدس همایون السلطان بن سلطان... ناصرالدین شاه غازی خلدالله ملکه ـ بنده درگاه محمد اصفهانی سنه ۱۲۷۲»

۸۹۴ ـ محمّد اصفهانی (نقّاش صفوی)

هنرمند دیگری به میرزا محمد اصفهانی است که در دستگاه شاه اسماعیل صفوی نقش تصویر می ساخته‌است.

این هنرمند در دستگاه امیرعلیشیر نوایی (مرگ ۹۰۶ هـ. قـ.) فعالیت داشته و به‌شغل نقاشی و مهندسی ایفای وظیفه می نموده است.

متأسفانه احوال وآثار این نقاش نیز، بسان بعضی از هنرمندان قدیمی نامعلوم بوده و دوران حیات و وفات و همچنین نحوه کار و مهارت وی در امر تصویر سازی، ناشناخته مانده‌است.

۸۹۵ ـ محمّد بن الزّین

نگارگر تیز قلم و باحدّتی، بروی فلزات سخت بود و در قرن ۷ هـ. قـ. زندگی می نمود.

از آثار شناخته شده این هنرمند، جام منقش و استادانه‌ای درموزه «لوور» است که مؤید هنرمندی استاد بوده وتنها نمونه کار وی نیز بشمار می آید.

۸۹۶ ـ محمّدبن الیاس

مذّهب شیرین قلم و قوی دست عثمانی در اواسط هـ. قـ. بود و در هنر خود ظرافت بخصوصی داشت.

از آثار امضادار این هنرمند که به دست وی انجام گرفته، تذهیب و تشعیر و آرایش قرآن مجیدی است که بسال ۹۵۴ کتابت و تذهیب شده ورقم مذهب (محمد بن الیاس) را در بردارد.

این قرآن پر پیرایه، که یگانه اثر امضاداراین مذهب بشمار می آید، در کتابخانه توپ قاپوسرای ترکیه مضبوط می باشد.

۸۹۷ ـ محمّدبن بایرام (نقّاش عثمانی)

بنام محمد بن بایرام بن درویش در اسناد قدیمی یادشده و پدرش بایرام بیك، از قدیمترین اعضای نقاشخانه درباری عثمانی بوده که بسالیان ۹۳۱ تا۹۶۶ فعالیت هنری داشته‌است.

پدرش بایرام بیك، علاوه بر نقاشی، تذهیب کارنازك قلمی نیز بشمار می آمده که درحدود سالیان ۹۶۶ هـ. قـ. وفات یافته‌است.

ازآثار بیرام بیك، تذهیب پرپیرایه قرآنی است که بسال ۹۳۰ وبدست عبدالله بن الیاس کتابت شده و پیرایش آن، به‌عهده این هنرمند بوده‌است.

استاد محمد، پسربایرام بیك، در نقش تصاویر دست داشته و فرزندش علی نیز، به این حرفه علاقمند بوده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۹۸ ـ محمّد= تاج محمّد (نقّاش هراتی)

اهل هرات بود وبه تاج محمد شهرت داشت.

این هنرمند از نقاشان و مذهبان اواسط قرن ۹ هـ. قـ. آن ولایت بشمار می آمد و درنقش ونگار ظروف چینی وعلم چینی سازی، اطلاعات و تبحر فراوان داشت.

۸۹۹ ـ محمّد بن خداداد

فرزند خداداد و برادر حسن خداداد است که دراواخر قرن ۱۲ واوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. در هنر مورد علاقه خود زحمت کشیده و به مقام والایی نایل گشته‌است.

این استاد بسیاق نقاشان صفویه، نقش آفرینی می کرد و در آبرنگ و کارهای روغنی استعداد و الری داشت.

او گل و مرغ را زنده می آفرید و شبیه سازی را خوب میدانست و مجالس گوناگون را نیکو می ساخت.

از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ قلمدان بسیار زیبای رزمی بود که جنگ چالدران را به حشمت هر چه والاتری نقش نموده و طرفین متخصامین را، در البسه و ساز و برگ نظامی خود جلوه‌گر ساخته و حالات و حرکات سوارکاران را به استادی عرضه کرده بود. این اثر ارزنده که یکی از بهترین آثار قلمدانی نقاش بحساب میآمد، رقم و تاریخ داشت: «رقم محمد بن خداداد ۱۰۲۷» مجموعه آقای محمد علی مسعودی

۲ـ دیگر اثر نقاش، تصویر قابل تحسین دختران طنازی بود که درشیوه صفوی نقش پذیرفته بود، دراین آبرنگ، دختری که در بالای تصویر جلوه‌گر بود، دست خود را بشاخه درخت بلوطی حایل کرده و مناظر اطراف را نظاره می نمود. دختر دیگری که در پایین تصویر دیده میشد، پرنده زیبایی رابغل کرده بود و به پرهای گسترده طاووس زیبایی که خرامان خرامان راه میرفت چشم دوخته بود، و رقم نقاش بخط نستعلیق زیبا چنین بود: «رقم کمترین محمد بن خداداد ۱۰۲۷» مجموعه آقای صمد خورشید.

۳ـ اما بیشترین آثار این هنرمند، در مرقع نفیسی است که شامل خطوط شکسته میرزا کوچك شاگرد درویش عبدالمجید و یازده تصویر از میرزا محمد است که در یکی از کتابخانه‌های ایران قرار گرفته است.

یکی از این تصاویر، تصویر شاهزاده سوارکاری است که البسه زرین پوشیده و خنجری به دست گرفته و بطرف شیری حمله‌می برد. منظره درختان اطراف به زبردستی نقاشی شده و رقم دارد: «راقمه محمد بن خدا داد ۱۲۰۰»

دیگراثر نقاش در این مرقع، تصویر زن جوانی است که گاو تنومندی را بغل کرده و از پله هابالا می برد. وزیر اعظم و ناظرین دیگر، به این عمل حیرت آور، چشم دوخته و زن را ستایش مینمایند.

---

* محمد بن جعفر اسطرلابی ـ فرزند جعفر بن عمربن دولتشاه کرمانی کرمساز معروف ایرانی است.

این هنرمند بسان پدر پرشهره‌اش در نقش و ترسیم تصاویر و نقوش هندسی و سماوی بروی ظزات سخت بخصوص درصنعت اسطرلاب مقام با اعتباردداشت و از هنرمندان اوایل قرن ۹ هـ. قـ. بشمار می آمد.

زیباترین اثر رقم دار این هنرمند، کره منقوش سماوی مفرغی بود که در حراج ساتبی لندن بفروش رسید.

دراین اثر ارزنده که گویا هم طراز آن در برنیش میوزیوم موجود است، نقوش ستاره شناسی و محاسبات ادواری آن، با نقره درخشان، بروی کره نصب شده و جلوه‌استادانه‌ای داشت ورقم هنرمند چنین بود: «عمل محمد بن جعفراسطرلابی ۸۱۳»

از این هنرمند کره سماوی دیگری نیز، درموزه های فرانسه به یادگار است که از ارقام و سنوات آن بی اطلاع هستیم.

در خاتمه بعضی مشخصات واسامی اجزاء اسطرلاب را برای آن عده ای که علاقمند به شناسایی آن می باشند، به اختصار ارائه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

رقم دارد: «راقمه محمد بن خداداد ۱۱۹۹»

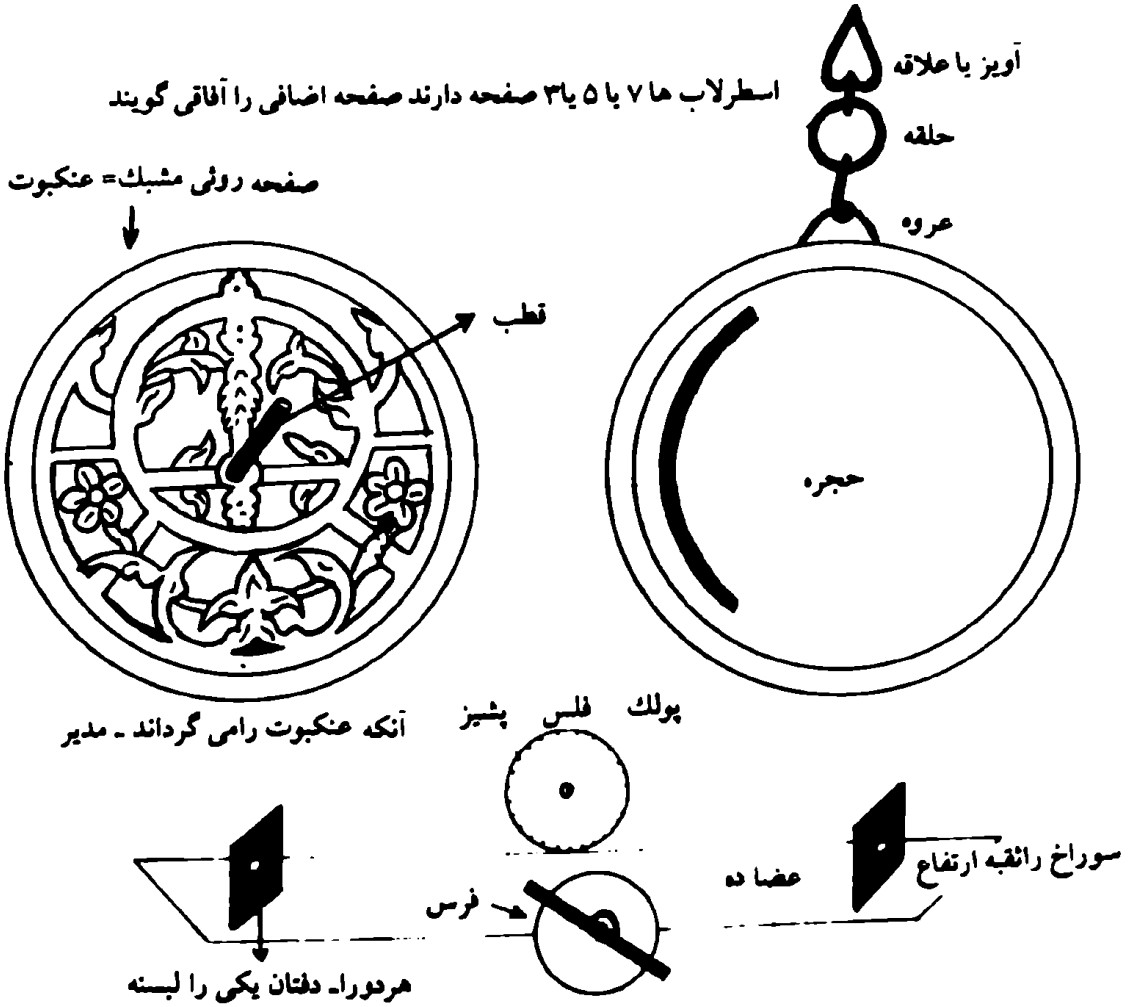
دیگر اثر هنرمند در این آلبوم، تصویر شیر خوابیده و نقش دیگر گرفتار شدن مرد نگون بختی است که دچار حمله شیر قوی پنجه‌ای گشته و در حالت نزع دیده میشود.

میدهیم.

اسطرلاب کلمه یونانی اسطر (ترازو) و لاب (آفتاب) یعنی ترازوی آفتابی است. کمااینکه امیر خسرو در تسمیه اسطرلاب گفته است.

به یونانی اسطر ترازو بود — که در سکه‌ای عدل ساز او بود
دگر میزنیم بازپرسی زلاب — بود هم به گفتار روم آفتاب
پس آنکو مراد از سطرلاب چیست — ترازوی خورشید، باشد درست

اختراع آن بدست هیپارك که در قرون ۲ پیش از میلاد می زیسته انجام یافته و نخستین کس از علمای اسلام که اسطرلاب را ساخته‌است، ابراهیم بن حبیب بن فرازی می باشد که در حدود سال های ۱۳۶ - ۱۵۸ هـ. ق. می زیسته است. قدیمی ترین اسطرلاب درموزه ایران باستان ساخت محمد مقیم یزدی و تاریخ ۱۰۵۲ هـ. ق. میباشد.



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بقیه تصاویر این آلبوم که بدست این هنرمند فرجام پذیرفته، تماماً رقم نقاش را دارا بوده و بین سالیان ۱۱۹۹ تا ۱۲۰۰ هـ. ق. به عهده نقش در آمده‌اند.

محمد خوئی نقاش نسخه ورقه و گلشاه در مؤمن محمد خوئی آمده

* محمد حافظ اصفهانی ـ سازنده ساعت های اسکلتی در اواخر قرن ۹ هـ. ق. بود و کتابی نیز به نام نتیجه‌الدوله داشت.
آقای محمد رضا نوربخش درصفحه ۴۰۰ سال سیزدهم مجله آینده، احوال این هنرمند را از قول کتاب نتیجه‌الدوله چنین ارائه داده است:

. . . به گفته محمداصفهانی در زمان سلطان حسین بن منصور بایقرا وحیات امیر علیشیر یك ساعت اروپایی را از طریق کشور عثمانی به هرات آوردند، در طول راه سلاطین عثمانی و ایرانی پاداش های کلانی برای ساختن نمونه‌ای از روی این ساعت تعیین کردند زیرا اعتقاد داشتند که . . . جمعیت اسلام مقتضی آن است که اهل اسلام به تشریف این علم دقیق و عمل به آن مشرف گردند تا منحصر بدیشان نماند بلکه در تعیین اوقات صلوة در بعضی اوقات به آن احتیاج تمام است، اما کوشندگان این راه همگی عاجز می مانند تا آنکه سرانجام نوبت به محمد اصفهانی می رسد. . .

می گوید وقتی برای این مهم احضارش می کنند طلسمی ملاحظه نمود که محرك ظاهری و تحریك شخصی، در خارج دوایر و چرخ ها در حرکتند. . . و ساعت نهم بود. بعد ازآنکه ساعت نهم تمام شد چکشی وزنگی به هم ترتیب داده بودند، نه بار چکش بر زنگ زد بی امر ظاهری حیرت مؤلف زیاده گشت. . .»

ناگفته نماند که این هنرمند اصفهانی، با حاجی محمدهروی معروف به سیاه قلم. که در رشته تصویر و تذهیب قلم استادانه‌ای داشته و ساعت متحرکی نیز در کتابخانه امیرعلیشیر نوایی ساخته بوده، یك شخص نبوده و هر یك هنرمندان جداگانه‌ای بشمار می آمده‌اند.

* محمد بن حسن اصفهانی ـ سازنده ومصور نقوش اسلیمی زیارت نامه مشبك وفولادی مرقد مطهر امام رضا علیه‌السلام درآستانه قدس رضوی است که بروی فولادی حك کرده و در کمال قدرت به پایان رسانده‌است رقم دارد: «وقف روضه مبارکه حضرت امام رضا علیه‌التحیه والثنا نمود. کمترین استاد حاجی محمد بن استادحسن اصفهانی بتاریخ شهر رمضان ۱۲۹۴»

* محمد بن حسین سالار ـ از نگارگران نقوش اسلیمی و خطوط تزئینی بروی فلزات سخت بود و در قرن ۸ هـ. ق. زندگی می کرد.
از آثار رقم دار این هنرمند، دیگ فلزی چهار دسته‌ای بود که به استادی عمل آمده و روی یکی از دسته های پهن آن، رقم داشت: «عمل محمد بن الحسین السالار»

* محمد بن ختلع الموصلی ـ اهل موصل و از نقش پردازان تصویر، بروی فلزات سخت در قرن ۷ هـ. ق. است.
از این هنرمند، قلمدان فلزی زیبایی به یادگار مانده که طلا ونقره کوب فولادی است.
شکل قلمدان مستطیلی و در کناره و بین یخی ها که بقرینه عمل آمده، تصاویر بروج دوازدگانه ترسیم یافته و در داخل رویه قلمدان، بخط ثلث زیبایی، جملاتی نوشته شده و رقم گذاشته: «محمد بن ختلع الموصلی»

* محمد بن خرم رومی ـ مجلد و مذهب و اسلیمی کار عثمانی است که فرزند مجلد استاد کاری بنام خرم رومی بوده که بین ۹۵۲ ـ ۱۰۰۵ هـ. ق. فعالیت هنری کرده است.
استاد محمد در معیت پدرش و یك مجلد دیگر، بنام احمد کامل، در دربار سلطنتی، به تجلید نسخ خطی اشتغال داشته و بین سالیان ۹۵۲ تا ۹۶۶ هـ. ق. درآن کتابخانه بهخدمت مشغول بوده‌اند.

* محمد بن خضر اسطرلابی ـ ازنگارگران و طراحان دقیق کاراسطرلاب است که در اواسط قرن ۷ هـ. ق. بساختن اسطرلاب اشتغال داشته و بامهارت ازعهده برآمده‌است.
ازآثار رقم داراین استاد، اسطرلاب بامهارتی است که بدقت تمام عمل آمده وبخط پیر آموز تزئینی رقم داشت: «صنعه محمد بن خضر اسطرلابی فی سنه خ ـ س ـ ز» = ۶۶۷ هـ. ق.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۰۰ ـ محمّد بن دولتشاه الشّیرازی

اهل شیراز و کاتب و مذّهب قرآنی است که بسال ۷۳۴ هـ. قـ. پایان پذیرفته و حالیه درموزه (ترك واسلام اثر لری) استانبول قرارگرفته‌است.

دو سر سوره قرآن، در کمال نفاست تذهیب شده و با نقوش اسلیمی متنوع طلاکاری گشته است. در کناره بالا و پایین صفحات نقوش اسلیمی حلزونی و قرینه‌ای، در کنار هم نقش یافته و مثل نواری مزین امتداد است.

در حاشیه چپ و راست، نیم شمسه بزرگی، بجد اول چسبیده و داخل آن نیز نقوش قرینه‌ای پیچی و نقوش حلزونی و خرطوم فیلی در هم پیچیده و شمسه چشم نوازی را ایجاد کرده‌است.

جداول دو کتیبه بالا وپایین، جدول زنجیره‌ای ریز و عادی است ولی جداول کناره‌ها درشت تر بوده ودارای زنجیره‌های مثلثی تو درتو است.

در وسط کتیبه ها، نام سوره فاتحه وسوره بقره، بخط رقاع تحریری، کتابت شده و کناره‌ها نیز تذهیب و تزیین گشته‌است.

این قرآن که بخط ثلث ریحانی کتابت شده و بدست خطاط تذهیب گشته، آیتی از نفاست است که ترجمه ترکی آن نیز به خط نسخ ترکی، در زیر هریك از سطور دیده میشود.

امتیاز این نسخه ومقام و منزلت هنرمندی که این کلام الله را به‌پایان رسانده دراین است که این قرآن قدیمی ترین ترجمه ترکی، از قرآن کریم است که بشماره ۷۳ درموزه مذکور قرارگرفته وبدست یك هنرمند شیرازی کتابت و تذهیب شده‌است.

رقم و تاریخ کتابت قرآن مجید چنین است:

«کتبه و ذهبه اضعف عبادالله و احوجهم المذنب الخاطی الراجی عفوالله تعالی محمد بن الحاج دولتشاه الشیرازی اصلح الله حاله فی شهور سنه اربعین و ثلاثین سبعمأته»

جزوه‌ای ازاین قرآن مجید که درسال ۱۹۶۱ م. در آنکارا چاپ شده، جزو مجموعه قرآن های چاپی نگارنده می باشد.

---

* محمد بن رفیع الدین شیرازی ـ نگارگر نقوش زیبا بروی فلزات بود ودر اواسط قرن ۸ هـ. قـ. درشیراز زندگی می نمود.
ازیادگارهای رقم داراین هنرمند، شمعدان برنجی و فولادی است که طلاکوب و نقره‌کوب گشته و در نوع خود ارزنده می باشد.
در رویه آن، دوایری تعبیه گشته که در داخل آنها گل های متنوع دیده میشوند، درزمینه نیز گل و تزئینات دیگر نقش یافته ورقم دارد: «عمل محمد بن رفیع الدین شیرازی فی جمادی الاول سنه ۶۷۱»
ازآثار، پدراین هنرمند که عکس رنگی آن در صفحه ۲۶۷ کتاب Treasures of Islam چاپ شده، درب کوب برنجی گردی است که در حواشی آن، جملات «عجلوابالصلوة قبل الفوت» «عمل رفیع الدین فی» و «عجلوابالتوبه قبل الموت ـ صدقه» درج شده و نویسنده کتاب تاریخ اصلی و کجایی بودن هنرمند را دقیقاً معلوم نکرده و با این آثار شناخته‌شده فرزندش که او را شیرازی معرفی کرده و تاریخ آثارش را یاد نموده می شود پنداشت، که استاد رفیع الدین نیز اهل شیراز بوده و در سنوات اوایل و اواسط قرن ۸ هـ. قـ. زندگی می کرده است.

---

* محمد بن سانکور ـ طراح و نقاش بروی فلزات و سنگ های قیمتی بود و به تردستی حکاکی می کرد.
از آثار امضادار این هنرمند که در بریتیش میوزیوم قراردارد، قلمدان فلزی کمیابی است که ازفولاد ساخته شده و طلاکوب گشته‌است.
درروبه قلمدان، نقش شیرو خورشید تابانی بطلا حکاکی شده و درکناره های آن نیز، تصویر سربازان و رزمندگانی، بصورمختلف نقش یافته ورقم دارد: «محمد بن سانکور سنه ۶۸۰»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۰۱ ـ محمّد بن سیف الدّین

ازمذهبان شیرین قلم اوایل قرن ۱۴ میلادی بغداد است.

از آثار این هنرمند، تذهیب کلام الله مجیدی است که خط آن بدست ارغون کاملی کتابت شده و آرایش و تذهیب آن نیز بدست محمد بن سیف الدین، فرجام پذیرفته‌است.

نمونه ای از تذهیب شیوای این هنرمند، در صفحه ۳۷ کتاب The Unity of Islamic Art به‌عکس رنگی چاپ شده‌است.

۹۰۲ ـ محمّد بن شاهرخ

فرزند شاهرخ بن ابراهیم خان قاجار ظهیر الدوله‌است که خود ابراهیم خان به‌شیخ احمد احسائی مؤسس فرقه شیخیه ارادتی داشته و شاید سبب این باشد که نوه وی نیز تصویری ازشیخ احمد احسائی برنگ و روغن ترتیب داده و به یادبود جدش به یادگار نهاده‌است.

شیخ مذکور در این تصویر عبایی پوشیده و روی گلیم راه راهی، دو زانو نشسته و دست ها را بروی هم نهاده‌است. ریش و سبیل و حتی ابروهای شیخ بسپیدی گراییده و عمامه سفیدی نیز بسر نهاده‌است.

درپشت سر وی، که درگاهی پنجره و یا درب ورودی است با کاشی های بزرگی فرش شده و درروی یکی ازکاشی ها نوشته‌شده: «عمل کمترین بنده محمد بن شاهرخ بن ابراهیم خان ظهیرالدوله سنه ۱۳۱۰»

ودرزمینه دیواره تصویر، ابیاتی دروصف شیخ درج شده که چنین است:

ان الـذیـن احـمـد نورعـلم　　بهـا تجلی القـلوب الـمـد لهنه

یریـد الـحـاسـدون ان یطفـون　　ویـابـی الله الاان یتـمـنـه

صورت و قیافه تصویر و ارائه دست ها و نقش گلیم زیر پا و منظره آجرها تاحدی شیوا بوده و تنها اثر رنگ و روغنی نقاش می باشد.

در یکی از آثار چاپی که این اثر طبع شده نام شیخ احمد احسائی را احمد نور عالم نوشته‌اند.

۹۰۳ ـ محمّد بن شیخ بایزید (بابانقّاش)

فرزند شیخ با یزید و معروف به بابانقاش بود که از اعاظم و مقرب درگاه، دربار سلطان محمد فاتح عثمانی (۸۸۶ ـ ۸۵۵ هـ. ق.) بشمار می آمد و در هنرخود مقام والاتر ی را داشت.

متأسفانه احوال جامع این هنرمند، درهیچ یك ازاسناد قدیمی عثمانی رؤیت نشده، تنها سند ارزنده‌ای که از این استاد نام برده و نام اصلی و لقب وی راذکر نموده و قفیه قدیمی است که در ۳۵ سطر نگاشته شده وطغرای سلطنتی سلطان محمد فاتح دربالای آن جلب نظرمی نماید.

این وقفیه که حالیه در مجموعه خانم عایشه‌گل نادر مضبوط می باشد، نام بابا نقاش را یادنموده و چنین نوشته‌است:

. . .ثم ان الاستاد المعظم مقرب الحضرت العالیه ذوالکمال الباهر والحسب الطاهر محمد بن شیخ بایزید الشهیر به بابا نقاش لمااختارالاولادة الاحوط والآثرالانفع والاخبط وقف وحبس وسبل به نیته حاضرة. . .

این وقف نامه دراندازه ۵/ ۳۰×۱۶۰ سانتی متر بوده و تاکنون متن آن در هیچ یك ازنشریات ترکی منتشرنگشته و تنها اشاره‌ای که‌از متن این وقف نامه شده، توسط نگارنده است که جمله وقفیه را قرائت کرده ونکاتی، ازمتن

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آنرا در این مقال یادکرده‌ام.

تصویر رنگی این وقف نامه در کاتالوگ مخصوص فرامین سلطنتی که‌از ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۶ الی ۱۸ ژانویه ۱۹۸۷ دراسلامبول به نمایش گذاشته بود، بشماره ۶ به چاپ رنگی ارائه شده است.

مضمون وقف نامه، وقف دهی با تمام املاك موجودی بنام (قوتوبیك کوبی) ازتوابع قسطنطنیه است که جمله عایدات آنرا صرف تعمیر و سایر مخارجات ضروری مسجدی نموده که درآن ده موجود بوده‌است.

این نقاش بااعتبار، علاوه براینکه جزو نقاشان درباری و موردتوجه شخص سلطان عثمانی بوده‌است، فردی متنعم و باایمانی بوده که توانسته‌است یك ده آبادی را جهت مصارف امور دینی وقف نماید.

درمتن وقف نامه او را استاد المعظم و مقرب درگاه حضرت عالیه، یعنی سلطان محمد فاتح و شخصی در کمال باهر و حسب طاهر معرفی نموده و مقام وی را تجلیل نموده است.

تاریخ وقف نامه چنین کتابت شده است «. . . حرره‌فی اوایل صفر المظفرفی سنه ثمانین و ثمانمائه»

۹۰۴ ـ محمّد شیرازی

شیرازی بود و نام شیخ محمد داشت و درکتابخانه شاه اسماعیل دوم و در جمع هنرمندان درباری، نقش تصویر می نمود.

این نقاش، بعد از فوت شاه‌اسماعیل دوم، در خدمت شاه عباس کبیر قرارگرفته، و درکتابخانه سلطنتی، به خلق آثار زیبا که اغلب، درشیوه مخلوط هند واروپایی انجام می شد، اشتغال داشت.

آثار رقم و تاریخ دار این نقاش را تاکنون مشاهده نکرده و در نشریات هنری نیز، اثری ازاین نقاش چاپ نشده و اشاره‌ای نرفته‌است.

۹۰۵ ـ محمّد بن عبدالحی

به روایت غیر مستند، نقاش گمنامی بوده و در سنوات حدود ۸۰۰ هـ. قـ. به نگارگری اشتغال داشته است.

محمد بن علی حافظ اسفراینی در حاجی محمد بن علی آمده

۹۰۶ ـ محمّد بن عبدالرّحمن (مذهّب)

فرزند عبدالرحمن و مشهور به شکرچی زاده بود و در صنعت خط از مشاهیر قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی بشمار می آمد.

این استاد، همگام با خوشنویسی، هنر تذهیب رانیکو میدانست و اغلب قطعات و نوشته‌های خود را بنفسه طلاکاری می نمود.

۹۰۷ ـ محمّد بن عبدالرّحمن (مذهّب)

مذهب نازك قلم قرن ۶ هـ. قـ. از ولایت دامغان وفرزند عبدالرحمن بن محمد الفرج الدامغانی است.

از آثارامضاء دار این هنرمند، تذهیب و آرایش طلایی قرآنی، به خط کوفی پیرآموزی درآستان قدس رضوی است که کتابت آن توسط (احمد بن علی المقری یونس آبادی) و سال ۵۷۳ هـ. قـ. انجام یافته و تذهیب آن، به عهده این هنرمند بوده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

رقم مذهب، قبل از نام کاتب و درانتهای سوره (النّاس) بخط تحریر طلایی درج شده که چنین است: «ذهبه محمد بن عبدالرحمن بن محمد الفرج الدامغانی»

۹۰۸ ـ محمّد بن عثمان (ورّاق غزنوی)

اهل غزنه وفرزند استاد عثمان بن الحسین الوراق غزنوی است که دراواسط قرن هـ. ق. به تذهیب وآرایش قرآن هااشتغال داشته است.

این هنرمند که به تحقیق، هنر طلاکاری وتذهیب رااز والد خود یاد گرفته، بسعی و ابتکار خود، درهنر دلخواهش پیشرفت کرده و از مذهبان دوران خود بشمار آمده‌است.

ازآثار رقم دار این مذّهب که بزعم نگارنده کتابت کلام الله نیز اثردست او می باشد، جزوه قرآن سالمی (جزو بیست وسوم) در کتابخانه آستان قدس رضوی است که چنین رقم دارد: «وذهبه محمد بن عثمان بن الحسین الوراق الغزنوی غفرالله له و لوالدیه ولاسلافه ولجمیع امته محمد صلی الله علیه و سلم»

از آثار ارزشمند پدراین هنرمند که درکتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به‌یادگاراست، بیست وشش جزوه، کار استاد بزرگ کوفی نویس وتذهیبکار هنرمند قرن پنجم هـ عثمان بن حسین وراق غزنوی است که درحد خود بسیار ستودنی می باشد.

تاریخ این مجموعه، سال های ۴۶۵ و ۴۶۶ هـ. ق. است که به امر محمد بن احمد عبدوسی که شاید یکی ازوزرای سلطان مسعود غزنوی باشد، کتابت و تذهیب شده است.

ازکارهای این هنرمند، قبلاً دو نسخه مذهب، درکتابخانه آستان قدس رضوی موجود بوده که تذهیب آنها چندان درخشندگی خاصی نداشته‌است.

خوشبختانه این بیست وشش نسخه مذهب، که تذهیب آنها، با یکدیگر همانند نمی باشند، براین دونسخه علاوه گشته و تعداد جزوات، به بیست و هشت عدد رسیده‌است. تصویر شماره (۳۰) در صفحه (۹۵۶)

۹۰۹ ـ محمّد بن عون

ازنقاشان گمنام اواخر قرن پنجم هـ. ق. و اواخر قرن ششم هـ. ق. است که به احوال و آثار وی آگاهی نداریم.

۹۱۰ ـ محمّد کشمیری

کشمیری بود و در زمان اکبرشاه هندی نقش آفرینی می کرد و در مکتب مغول تصویر می ساخت.

از آثار به یادگار مانده این‌هنرمند که درنسخه تیمورنامه وسال کتابت ۹۹۲ هـ. ق. دیده می شود، معرف

---

* محمد بن عبدالوحید ـ نگارگر و حکاك و ریخته گر فلزات سخت، ازاهالی هرات، دراواخر قرن ۶ هـ. ق. بود و در معیت همکار هنرمندش، استاد مسعود بن احمد، قلمزن و حکاك که احوال وی را در جای خود آورده‌ام بخلق آثار زیبااشتغال داشته‌است.

از آثار رقم داراین هنرمندان، ابریق منقش و استادانه‌ای، در موزه ارمیتاژ لنین گراد است که در ردیف بالایی آن، خطوطی به شیوه کوفی تزیینی که انتهای خطوط آن، سرانسان ها را تشکیل می دهند بادقت نظر بافته و دروسط خطوط هم، دایره‌ای است که در داخل آن، مردی چهارزانو نشسته و در همین ردیف ها، جماعتی پهلوی یکدیگر قرار گرفته و هر کدام بکاری اشتغال دارند.

درردیف سوم نیز خطوط کوفی دیده میشود و در ردیف چهارم منظره سوار کارانی است که اسلحه رزمی بدست گرفته و محاربه می نمایند و در همین ردیف ها، نوع دیگرکوفی تزئینی، جلب نظر می نماید.

درزیر این نقوش، زنجیره‌های تو در توی است که به زیبایی نقش بافته و مهارت استادان را عیان ساخته است. رقم دارد: «محمد بن عبدالوحید و مسعود بن احمد سنه ۵۸۸ هـ. ق.»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هنرمندی نقاش بشمار آمده و او را جزو نقاشان صاحب اسم و رسم زمان خود معرفی می نماید.
دیگر از آثار این هنرمند، نقوشی در نسخه جامع التواریخ است که بسال ۱۰۰۵ هـ. ق. کتابت شده و این نقاش نیز جزو سایر تصویرگرانی بوده که در مصور ساختن آن نسخه، سهم وافری داشته است.

۹۱۱ ـ محمّد بن محمود شاه‌الخیّام

فرزند محمود و یکی ازهنرمندان اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ هـ. ق. است که ازشیوه عبدالحی هروی پیروی کرده وبسان مکتب شیخی و استاد سیاه قلم، که‌پای پند و درمواردی دنباله رو مکتب چینی بوده‌اند نقش تصویر می نمود.

این استاد، از جمله آثار بجامانده‌اش، علاقمند ابراز دو نکته مورد علاقه خود بود که یکی از آنها، درج نام پدرش محمود بود که همیشه بدنباله نام خود علاوه می نمود و دیگری نقل و تقلید وی، ازآثار استاد عبدالحی بود که دربعضی از آثارش نام وی را گرامی داشته و از یادگار های استاد سودجسته‌است.

بااین مشخصات و درج نام پراشتهار عبدالحی، که باستادی اش معترف بوده، بعید نیست که این هنرمند دردربار پادشاهی سمت کتابداری و یا موقعیت متعالی دیگری را دار بوده که توانسته است از روی چندین آثار عبدالحی هروی که‌دراختیارش بوده کپی کرده و هنرخود را تکمیل نماید. والا امکان دردسترس داشتن چندین اثراصیل یك استاد که حالیه نیز از بود و نبود آنها اطلاعی نداریم، محال بوده و برای هر هنرمندی میسور نبوده‌است.

---

* محمد کاشی ـ ازکاشی سازان بنام ونگارگر هنرمند اواسط قرن ۱۰ هـ. ق. است.
از آثار این استاد، کاشی های مزین مسجد جامع کوهپایه‌است که به‌امر حاجی اسکندر نامی ساخته شده و کاشی ها و تزئینات آنرااین هنرمند اجرا نموده‌است.
رقم هنرمند، در ذیل یك کاشی رقم دار که به ابعاد ۳۶×۲۹ سانتی متر بوده و در همان مسجد مضبوط می باشد دیده‌می شود که چنین است: «عمل استاد محمد کاشی ۹۳۵»

---

* محمد کرمانی (مذهّب) به نوشته امیر علیشیر در مجالس النفایس «مولانا محمّد مذهّب کرمانی، پسری بود در سن رهاق و بلوغ، در حسن صورت و زیبایی سیرت نظیر خود نداشت وبه حسن خط و تذهیب مشهور جمهور، همچنان که در حسن یوسف بود، در تذهیب نیز ثانی مانی می نمود و شعر نیز خوب می گفت، در اسطنبول مدت ده روز باپدرو برادری مثل خود بطاعون رفتند و فریق رحمت حق گشتند.»
آثار رقم دار و بی رقم و منسوب وی را ندیده‌ام.

---

* محمد بن مجید ـ نقاش و فلزکار ومنجم قرن ۷ هـ. ق. بود ودراراله نقوش و خطوط وسایر ترسیمات هندسی و علمی بروی فلزات سخت، استادی قابل تحسین بشمار می آمد.
ازآثار به یادگارمانده این هنرمند، کره جغرافیایی ممتازی است که در رویه آن، انواع نقوش استادانه، ازقبیل تصویرانسانی به شیوه مغولی و تصاویر شیر، درفرم های مختلف و تصویر ماهی و اژدها و خرس که در حقیقت تصویر خیالی اجرام سماوی بشمارمی آیند، به استادی ترسیم نموده و جمله تصاویر و مشخصات کره را، به خطوط و اعداد کوفی تزئینی، بروی آن نقر کرده‌است، این کره جغرافیایی که درنوع خود بسیارممتاز وارزنده بود، رقم داشت: «محمد بن مجید الآرد ۶۶۷»

---

* محمد بن محمد بن عثمان البناءالطوسی ـ اهل طوس خراسان وسازنده مسجد معروف شهر قونیه بنام (گورت بوخان) و مدرسه (سیرچالی) درآن دیار است که به ظن قوی، نقش کاشی های زیبا و ظریف آن نیز، به‌طراحی و آرایش این بنای ایرانی بوده که بسالیان ۱۲۴۸ میلادی بپایان رسیده و روی یکی ازکاشی ها رقم گذاشته: «عمل محمد بن محمد بن عثمان البناءالطوسی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در ذیل امضاهای متفرقه‌ای که در ذیل آثار خود درج نموده، نام خود را «محمد بن محمود شاه خیام» یاد نموده ولی بعد از نام محمود، کلمه شاه و یا «شاه بنده» را علاوه نموده و چون آن کلمات را بخط طغرایی درج نموده قرائت دقیق نام وی میسر نشده و به همان اسم مذکور یاد شده‌است.

این هنرمند بسان استاد سیاه قلم وشیخی و فضل الله دیوانه، درشیوه مخلوط ایران و چینی نقش می آفرید و بسان نقاشان چینی قوی دست و ظریف نگار بود.

استاد محمد در مجالس رزمی و صحنه های زدوخورد، قدرت قلم برازنده‌ای داشت و درارائه چهره‌ها و حالات ظاهری آنها باوسواس بود. او اضطراب و وحشت اسب ها و پیچش و خمش آنها را بطور واضح تری آشکار می ساخت و میدان جنگی راپرحرکت و شلوغ نشان میداد.

دربعضی از آثاروی صحنه‌های عشقی نیز رویت می گردد که یکی از آنها تصویر خسرو شیرین ودیگری جمع میگساران زنان لخت ولوندی است که دور پیرمردی راگرفته و بشادی ومیخواری سرگرم می باشند.

علاوه براین سیاق ها درپرنده سازی نیز شیرین قلم بود و دو اثر شیوایی نیز در این باره، به‌عهده نقش در آورده است.

این نقاش در خط تعلیق و توقیع مهارت داشت و جمله آثار بجامانده وی، دارای ارقامی به خطوط مذکور است که به‌شیوایی تمام کتابت شده و فاقد تاریخ می باشند.

در یك اثرخطی استادانه‌ای که زیر نظر بایسنغر میرزا، گویا به‌عنوان مسابقه خوشنویسی بین اساتید کتابخانه سلطنتی انجام یافته، نام این هنرمند و نمونه خط وی نیز دیده میشود که معرف استادی وی در خط رقاع است در این اثراستادانه جمله (بالشکر تدوم النعم) توسط پانزده نفر ازاصحاف کتابخانه بایسنغر میرزا، ۸۳۷ - ۸۰۲ هـ.ق. بخط توقیع استادانه‌ای کتابت شده و اصل قطعه نیز در یکی از مرقعات توپ قاپو سرای ترکیه مضبوط می باشد.

دراین قطعه ارزنده‌که سطر اولیه را استاد احمد رومی، بعنوان پیش کسوت خطاطان درج نموده، در زیر آن، شخصیت های هنری دیگری، به ترتیب، همان جمله را کتابت کرده و ذیل آن رقم گذاشته‌اند که عبارتند از:

۱- (کتبه بایسنغر) ۲- (کتبه العبد محمد بن محمود شاه‌الخیام) ۳- (کاتبه الفقیر نعیمی) ۴- (کتبه اقل عبادالله الغنی منصور القاطع الروزبهانی) ۵- (مشقه العبد الضعیف یوسف الامیری) ۶- (حررّه عبدالعلی النقاش) ۷- (حررّه معروف النقاش) ۸- (کتبه العبد حاجی محمد) ۹- (حررّه العبد حاجی محمد) ۱۰- (اضعف عبادالله الملك التعالی جعفر) ۱۱- (اقل العباد فتح الله) ۱۲- (کتبه‌العبد محمد بن جعفر) ۱۳- (حررّه محمود محمد بن جعفر)۱۴- (کتبه العبد پاینده درویش) ۱۵- (کتبه علی الحسینی) اندازه قطعه ۵۰×۶۸ سانتی متر

آثار به یادگار مانده نقاش که رقم صریح نقاش را در بردارند عبارتند از:

۱- سوارکار رزم آوری است که خود واسبش مسلح به‌زره فولادی بوده، با سوارکار دیگری که آن نیز بسان این سوارکار زره فولادی بتن دارد به رزم و ستیز مشغولند. حالت جنگ و گریز به‌بهترین وجهی ارائه شده و گرد و خاك غلیظی که ازنبرد این دو رزم آور حادث شده، به هوا پراکنده گشته و اطراف آنها را پوشانده است - بخط تعلیق استادانه ای رقم دارد: «نقل از قلم استاد عبدالحی نقاش کمترین بندگان محمد بن محمود الخیام» مضبوط در موزه برلینSB.DIEZ. تصویر شماره (۳۱) در صفحه (۹۵۷)

۲- دیگرآثار این هنرمند درموزه SB.DIEZ برلین، نقش مرغابی پرحالتی است که رقم دارد: «نقل ازقلم استاد عبدالحی نقاش. محمد بن محمودالخیام»

۳- تصویر قوی زیبایی است که یك پای خود را بلند کرده و راه میرود، حالت پرنده و طرز قرار گرفتن وی بطور

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

استادانه‌ای نقش یافته و بخط تعلیق رقم دارد: «محمد بن محمود الخیام» مضبوط در مرقع فاتح.

۴ـ دیگر دراین موزه، تصویر شیرگرسنه وخسته‌ای است که به حالت درماندگی، در صحرا نشسته و لب تشنه خود رابیرون آورده است.

۵ـ از یادگارهای بجا مانده دیگر این استاد، تصویر مرد سوارکاری است که به لوازم کامل جنگی ملبس شده و تیری ازکمان وی بیرون جسته و به‌هدف اصابت کرده‌است، قیافه سوارکار و حالت تاختن اسب در کمال مهارت تصویر گشته و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد: «قلم کمترین بندگان محمد بن محمود الخیام»

۶ـ دیگر تصویر از این نقاش، سه سوارکار رزم آوری هستند که سوار اسبها شده و به حالت تاخت کمان ها را بالا گرفته و مشغول تیراندازی هستند، دسته دیگری که سه نفربوده و سوار بر اسبها گشته‌اند، در پائین تصویر اولیه منتها بعکس جهت آنها نقاشی نموده و این نفرات نیز بهمان ترتیب جنگجویان بالائی، بتاخت و تاز سرگرم بوده و در روی اسب تیراندازی مینمایند، با قلم موئی ریزی رقم دارد: «قلم محمد الخیام».

۷ـ آثار دیگراین هنرمند که دربین دایره‌ای محاط برمربع ایجادشده، تصویر پیرمردی است که روی درختی نشسته و عده‌ای زن لخت ولوند، در اطراف وی قرارگرفته وبه میگساری مشغول می باشند، این شیوه که بسان نقوش رومیان قدیمی به‌عمل آمده، معرف قدرت قلم نقاش است که توانسته است درآن شیوه غیرمعمولی نقش تصویر نموده وبه استادی از عهده برآید، رقم دارد: «محمد خیام».

۸ـ از آثار دیگر این هنرمند که قدرت قلم وی را آشکار ساخته و در شیوه هراتی نقش نموده، تصویر پهلوان با شجاعتی است که‌سوار براسب شده و به اژدهای قوی هیکلی که تاکنون بدین هیبت، در هنر مینیاتور سازی ایرانی دیده نشده، حمله می کند، قهرمان سوارکار، نیزه را بدهن اژدها فروبرده و اورا مستأصل کرده است، دست و پای حیوان به ابتکار نوآوری ترسیم شده و پاهای وی، بسان سندان آهنگران است که بادو پایه، به‌زمین محکم شده و سنگینی حیوان رانحمل نموده‌است رقم دارد: «محمد خیام»

۹ـ اثر بزمی دیگراین نقاش، صحنه حمام کردن شیرین است که درداخل چشمه‌ای نشسته و البسه خود را درآورده ودربالای تپه‌ای نهاده ومشغول شانه کردن موهای پرپشت خود می باشد.

شیرین اسب خود رابه‌درختی بسته و درپشت سر وی، درخت تنومندی دیده میشود که‌اورا از دید نامحرمان مستور میدارد.

خسرو نامدار که سواربراسب بوده و موزیانه و مخفیانه جمال شیرین رادید میزند حالت تعجب آوری داشته و محو زیبایی معشوق خود گشته است.

نقاشی در کمال سادگی بوده وعمق هنری پر محتوایی داشته و بخط نستعلیق معمولی رقم دارد: «قلم کمترین بندگان محمد ابن محمود شاه‌الخیام»

اندازه ۹/۲۰×۷/۱۲ سانتی متر مضبوط در موزه تاریخ و هنر شهر ژنو

۹۱۲ ـ محمّد بن محمود بغدادی (مذهّب)

از مذهبان نازك قلم اوایل قرن ۱۴ میلادی بغداد است که در تذهیب و طلاکاری و تشعیر و حل کاری، و به تذهیب نسخه‌های قرآن سرگرم بوده است.

ازآثار امضادار این استاد، تذهیب و آرایش، نسخه جامع التواریخ است که در داخل شمسه کوچکتری و در کناره صفحه اول نسخه، بخط نسخ تحریری زیبا رقم گذاشته: «عمل العبد الضعیف محمد بن محمود البغدادی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۱۳ ـ محمّد مذهّب باشی

از مذّهبان باشی های تبریز، در اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در هنر مورد علاقه خود استعداد وافری داشت.

تنها نمونه مستندی که از این هنرمند یاد برده، و مذهب باشی بودن وی را تسجیل نموده، نسخه جنّات الخلودی است که به دست محمد تقی ابن محمد زمان، کتابت شده وتذهیب و آرایش آنرا، استاد محمد مذهب باشی به اتمام رسانده است.

رقم نسخه مذکور به‌اختصار چنین است:

«حسب الاشاره آقای محمد رضا خلف الصدق... حاج محمدحسن تاجر تبریزی بسعی... آقا محمد مذهب باشی و ابن محمد زمان، محمد تقی... صورت اتمام یافت... سنه ۱۲۶۰»

۹۱۴ ـ محمّد مذهّب سلطانی

از مذّهبان و مجلدان تردست عثمانی، در اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و مذهب سلطانی بشمار می آمد.

این استاد که دردربار سلطنتی، مذهب باشی بود، سید صحیح النسبی بود و در زیرآثار خود، سید محمد مذهب سلطانی رقم میزد.

از آثار امضاءدار این هنرمند، تذهیب وآرایش جلد قرآنی، در کمال زیبایی است که در کتابخانه و موزه چستربیتی قرار داشته و یکی از نفایس هنری عثمانی بشمار می آید، این کلام الله دراندازه ۱۵×۲/۱۸ سانتی متر بوده و رقم مذهب وتاریخ ۱۲۶۴ هـ. قـ. را دارا می باشد.

تذهیب سر سوره قرآن، آیتی از کمال بوده و در نوع خود از بهترین ها است. علاوه بر تزئینات داخلی و جداول و سر سوره‌ها، آرایش و پرداخت جلد نیز، قابل تحسین بوده و معرف مهارت و قابلیت هنرمند، در آثار تذهیب و تجلید بشمار می آید.

---

* محمد بن محمود بناءاصفهانی ـ معمار و طراح و آرایشگر قبر معروف امیر تیمور گورکانی (۷۳۶ ـ ۸۰۷ هـ. قـ.) در سمرقند است که در کمال پرکاری وطرح ابتکاری فرجام پلمیرفته و لیاقت هنری استاد محمد اصفهانی را بنحو شایسته‌ای به منصه ظهور رسانده است.

این بنای تاریخی، که با طرح ابتکاری و آرایش پر پیرایه، چون نگین درخشانی در آسمان آبی شهر سمرقند جلوه‌گر می باشد، مجموعه کاملی از انواع و اقسام کاشی های رنگارنگ و سایر ملزومات پرمایه آن دوران است که با طرحهای فنی و آرایش پر پیرایه، در بستر یکدیگر جلوه‌گر گشته و نمونه بس نفیس دیگری را، به گنجینه‌های هنری ایران عزیز، علاوه کرده است.

درب ورودی این بنای پر آذین، که رقم سازنده بنا نیز، برتارك آن می درخشد، مفروش ازکاشی های مزین وملّون متعددی است که باطرح ها و آرایش استادانه‌ای، ترسیم شده و به مهارت وتردستی در جنب یکدیگر قرار گرفته‌اند.

طاق ورودی مقبره که به اندازه پنج متر و یا کمی بیشتر بلندی دارد، با آجر های معمولی ساخته شده ولی کنارهها و زیر طاقی ها وروبه ستون های کناره، با کاشی های متنوع و نقوش متنوع هندسی و اسلیمی عمل آمده و زیبایی افسانه‌ای بدربورودی‌داده است، متأسفانه طاق بلند آن یکلی، منهدم شده وستون دست چپی نیز، تا نصفه‌ها ریخته، ولی مقرنس کاری زیر طاق، تا حدی سالم مانده و نقش اولیه بنا راحفظ کرده‌است، گنبد فیروزه‌ای و ترك دار معروف مقبره نیز، درانتهای بنا جلب نظر می نماید.

دربین تزئینات جوراجور وکاشی های پر تنوع، خطوط کوفی وتزئینی پیراموز نیز جلوه‌گرگشته و درداخل یکی از قسمت های ستون دست راستی، چنین درج شده‌است: «قال الله تبارك وتعالی»

رقم معمار، درسینه بالای درب ورودی، به خط ثلث جلی نگاشته شده که چنین است: «عمل العبد الضعیف محمد بن المحمود بناءالاصفهانی»

چون عکس درب ورودی و همچنین امضاء معمار، تاکنون در نشریات ایرانی منتشر نگشته است، بجا دانستیم که عکس مذکور را ازنشریات سال ۱۹۳۵ The Geographical Magazine که در مجموعه عکس های قدیمی نگارنده است انتخاب نموده و بدیدار علاقمندان محترم برسانیم. تصویر شماره(۳۳) درصفحه (۹۵۸)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۱۵ ـ محمّد بن مسعود ابهری

فرزند مسعود از اهالی ابهر بود و در تذهیب و تشعیر و صنعت خط از هنرمندان قرن ۷ هـ. قـ. بشمار می آمد.

۹۱۶ ـ محمّد بن مصطفی

اهل بورسا بود و پدرش از خطاطان عثمانی بشمار می آمد. مستقیم زاده در کتاب خود، او را هنرمندی هزار فن دانسته و در فن تذهیب او را از اهل کمال بحساب آورده‌است.

و همو گوید که در هنگام تجرد، در کارخانه نقاشان آن زمان، اصول هنری را فرا گرفت و بعدها، در قرب محله والده‌خان ساکن حجره‌ای گشته و بشغل مورد علاقه‌اش سرگرم گردید.

این استاد در خط ثلث ونسخ از ابراهیم افندی بهرمها برده و مدتی شاگرد عثمان معروف بوده است. از آثار خطی و رقم دار وی زیاد دیده شده ولی در تذهیب و فنون دیگر، اثری مشاهده نگشته است.

به‌نوشته مستقیم زاده، در اواخر عمر، اختلال حواس و بیشعوری در وی ظاهر شده و بسال (مرشد خط ۱۱۵۳ هـ. قـ.) دعوت حق را لبیك گفته‌است.

از شاگردان نامداراین هنرمند، که درخط و تذهیب مقام عالی داشته، خواجه محمد راسم بن یوسف است که صنعت تذهیب را از این استاد درك نموده‌است.

● **محمد مینا ساز در محمد نقاش میناساز آمده**

۹۱۷ ـ محمّد منشی غزنوی

شیخ محمد منشی نام داشت و ازاهالی غزنین دراواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. بود.

این هنرمند، بنا به نوشته‌ای که در ذیل یکی ازشاهکارهایش درج نموده، مخترع و طراح و تصویرگر و سازنده جعبه قلمدان میز مانندی است که بسال ۹۹۸ هـ. قـ. پایان پذیرفته و گویا جهت خاطرهمایون پادشاه، برای اکبر شاه هندی (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳ هـ. قـ.) تهیه و به اتمام رسانده است.

این هنرمند، در طراحی و تقسیم بندی تزیینات، که به کتیبه‌ها و ستاره‌ها و سایر تنظیمات هندسی ختم شده، هنرمندی دقیق نگار و تیز قلم بوده و کوچکترین نکته‌ای را ازنظر باریك بین خود دور نداشته است.

جمله صدفکاری و منبت کاری جعبه قلمدان، در کمال دقت و بدون کوچکترین لرزشی، در رویه چوب سخت، تثبیت شده و مهارت هنرمند را برملا ساخته است.

این میز تحریر که در کجرات هند بایان پذیرفته، دراندازه ۳۶×۶۵ سانتی متر بوده ودارای چهار پایه محکمی دراندازه ۱۵ سانتی متر می باشد.

طرفین بزرگتر قلمدان را میشود بدو طبقه بالا وپایین تقسیم نمود.

درقسمت بالایی که یك کتیبه مستطیل شکل بلندی است، به سه قسمت تقسیم شده که دو قسمت در طرفین

● محمد معلم ـ حاج میرزا محمد معلم از تذهیب کاران شیرین قلم اواخر سلطنت احمد شاه قاجار بشمار می آمد و در تذهیب نازك قلم بود.

فرزندان این هنرمند، همان استاد حسین خوشنویس زاده اصفهانی است که درصنعت تذهیب و خط مهارتی داشته وهنر سوخت را ماهرانه می ساخته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و یك قسمت بزرگتر، در وسط قرار گرفته است.

در دو قسمت کوچکتر طرفین و در دو کتیبه جنب یکدیگر، ابیاتی راجع به قلم و مرکب درج شده که به خط نستعلیق زیبا دیده میشود.

در قسمت بزرگتر، که چهار کتیبه طولانی تر دارد، مطالبی راجع به نام هنرمند و تاریخ ساخت و سایر مزایای دیگر می باشد که به خط نستعلیق استادانه کتابت شده‌است.

مطالب کتیبه‌های کوچك طرفین چنین است:

امتحان می کنم مرکب را بررخ روز می کشم شب را

★★★★

چون تجربه مداد کردم زلف سیه تو یاد کردم

در قسمت چهار کتیبه بزرگتر وسطی این جملات درج شده

همایون چون ترا رمزی نهانی زان میان گفتم چنان کن تاتوانی کزمیان نرودسخن بیرون

درکتیبه پائین وسطی، نام وتاریخ اجرای کارچنین نوشته شده‌است: «مخترع این قلمدان بنده کمین شیخ محمد غزنوی ـ فی تایخ شهر شعبان سنه خمس و تسعین و تسعمائه صورت اتمام یافت»

همه جوانب قلمدان، پر از صدفکاری استادانه، باطرحهای دقیق هندسی و تزئینات اسلیمی است که بجای تذهیب، ازصدفکاری، پوشانده شده وجای خالی دیده نمیشود.

کتابت خط نستعلیق استادانه‌ای که در تمام اطراف جعبه قلمدان دیده میشود، ازمهارت فوق العاده‌ای برخوردار بوده و معلوم میدارد که استاد شیخ محمد غزنوی، درکتابت خط نستعلیق نیز دستی به‌کمال داشته است. تصویر شماره (۳۲) در صفحه (۹۵۷)

● **محمد هراتی درسلطان محمد هراتی آمده**

۹۱۸ ـ محمّد بن ناصر بن محمّد الهروی

فرزند ناصر بن محمد الهروی از اهالی هرات بود و در نقش تصویر و خطوط کوفی و سایر تزئینات باب زمان، دست با حلاوتی داشت.

از آثار رقم داراین هنرمند که دراواسط قرن ۶ هـ. قـ. عمل آمده و در موزه ارمیتاژ لنین گراد مضبوط می باشد، دلو برنجی زیبایی است که کناره‌های آن، با تزئینات اسلیمی و ادعیه و ابیات کوفی آذین شده و بخط پیرآموز کوفی رقم دارد: «محمد بن ناصر بن محمدالهروی»

۹۱۹ ـ محمّد هروی

به نوشته مناقب هنروران، «استاد محمد هروی، درصنعت طراحی، استادی ماهر الایجاد است و شاگرد استاد محراب».

این استاد، به غیر از استاد حاجی محمد هروی معروف به استاد محمد سیاه قلم می باشد، بطوریکه می دانیم خود استاد محراب علی، که به «محراب مصور» معروف بوده، برادر استاد سیاوش گرجی است که زیر نظر برادر هنرمندش، فنون مربوطه را تعلیم یافته و در حد خود استادی شیرین قلم گشته است.

استاد محمد هروی نیز، علاوه بر طراحی، که اساس و بنیان، طلاکاری است، در رشته تشعیر و تذهیب نیز، ارجی یافته و از طراحان و مذهبان اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. بشمار آمده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

● محمد هروی درحاجی محمد هروی آمده

۹۲۰ ـ محمّد همدانی

اهل همدان و ابری ساز با ابتکار و قلمدان ساز شیرین نگار دوره ناصرالدین شاه قاجاراست.

از آثار رقم دار وی، قلمدان ابری و زیبای تابوتی بود که در موزه نگارستان تهران قرار داشت.

حواشی این قلمدان، با تصاویر ابری استادانه‌ای که با نقطه های ریز و دقیق انجام یافته بود محصور شده وبه خط رقاع طلایی رقم داشت: «عمل کمترین محمد همدانی ۱۲۸۱».

۲ـ دیگر از آثار این هنرمند، جعبه ابری استادانه‌ای درشیوه کاملاً شبیه، بکارهای قیامت استاد ابوطالب مدرس بود که تمام رویه و حواشی را، ابر و بادی ساخته ودرسینه جعبه، به خط درشت نستعلیق رقم زده بود: «یاهو عمل کمترین محمد سنه ۱۲۷۰» مجموعه آقای منصور افشار ـ ژنو

۹۲۱ ـ محمّد ابراهیم

بغیر از محمد ابراهیم بن حاجی یوسف قمی بوده و در شیوه علیرضا عباسی که احوال آن در جلد یك کتاب یاد شده نقش تصویر میکرده است.

از آثار رقم دار این هنرمند، تصویر حضرت مریم، بروی قلمدانی بود که روی سکوئی نشسته و البسه زیبا و بلندی پوشیده و حضرت عیسی را در بغل گرفته بود. حضرت عیسی که کودکی لخت و عور دیده میشد، در بغل مادر جا گرفته و هاله نورانی و طلائی بدور سرش ساطع میگردید. دوشیزه دیگری که آن نیز در عیار مریم، لباس پوشیده بود، در مقابل آنها زانو زده و عیسی را نوازش مینمود.

در قسمت بالای قلمدان، تصویر مناظر و ابنیه قدیمی و درختان کهن سال بود و در برکه آبی، دو ماهی خوار پرحالت و نازك اندام، جلب توجه میکردند. حواشی و اطراف قلمدان، بسان شیوه صفوی، نقوش گلهای متنوع بود و زیر نشیمن آن با تذهیب دل نشینی ترسیم گشته و رقم داشت: «محمد ابراهیم ۱۰۸۵» مجموعه نگارنده ـ تهران.

● محمد ابراهیم نعمت اللهی اصفهانی در ابراهیم نقاشباشی آمده

۹۲۲ ـ محمّد ابراهیم «ملقّب به مجموع الصّنایع»

هنرمندی بغیر از نقاشان همنام خود بوده که مجموع الصنایع امضا مینموده است. معلوم میشود که این استاد، در حرفه‌های دیگری نیز از قبیل خط و قلمدان سازی و سایر حرفه‌های تزیینی آن دوران دستی داشته و روی این دو فنونی، او را بمجموع الصنایع ملقب ساخته‌اند.

متاسفانه با همه هنری که داشته گمنام باقی مانده و بغیر از یك اثر آبرنگی، هنر دیگری از وی ندیده‌ام، این آبرنگ، شمایل مولای متقیان علی علیه السلام بود که حسنین در کنار وی قرار گرفته و در شیوه اسماعیل جلایر عمل آورده بود. سایه صورتها استادانه و روحانی و حالات حسنین مودب و با وقار و تناسب کار و کاغذ متعادل

* محمد آقا اوغلی ـ از مجلدان و مذهبان و تزئین کاران جلدها بشمار میرفت و در قرن ۱۵ هـ. ق. زندگی میکرد. آثار رقم دار و منسوب وی دیده نشده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بود. زمینه تصویر، منظره‌ای از یك ساختمان قدیمی بود و یك شیر نیز در روبروی حضرات نشسته بود.
بالا سر حضرت نوری ساطع شده و در انتهای اشعه فرشتگانی دیده میشدند که عظمت والای علی را جلوه‌گر میساختند. کناره‌های تصویر تذهیب ساده بود و بخط نستعلیق زیبا رقم داشت:
«کلب آستان علی ابن ابیطالب محمد ابراهیم ملقب بمجموع الصنایع فی شهر شعبان سنه ۱۳۰۶» مضبوط در مجموعه آقای فرخ محبوبیان.

۹۲۳ ـ محمّد ابراهیم «میناساز»

میناساز ظریف کار و نازك قلم دوره فتحعلی شاه قاجار بود.
از آثار امضادار این استاد، شمعدان زرین و مینائی بود که به گل و مرغ تصاویر دلپذیر مینائی شده و رقم داشت:
«راقمه محمد ابراهیم فی شهر صفر ۱۲۲۲»

محمد ابراهیم نقاشباشی در آقا ابراهیم نقاشباشی آمده

۹۲۴ ـ محمّد ابراهیم «نقّاش آثار روغنی»

نقاش گمنام و شیرین قلم دوران فتحعلیشاه قاجار بود که در آثار روغنی، دست پر حلاوتی داشت و جعبه و جلد و قلمدان میساخت.
این هنرمند در مجلس آرائی و ارائه گل و گلزار و مجالس بزمی و رزمی با قدرت بود و رنگها و سایه‌ها را پخته و پسندیده عمل میآورد. از تنها اثر این تصویرگر، جعبه آرایش پرکاری دیده‌ام که تمام اطراف و روی آنرا، با مجالس گوناگون مصور ساخته و هنر خود را بتمام و کمال بروی جعبه ظاهر ساخته بود.
اسکلت و ساخت جعبه، جنبه انحصاری داشت و با جعبه‌های مرسوم دوران فتحعلیشاه قاجار متفاوت بود. داخل جعبه بدو قسمت مجزا تقسیم شده بود که قسمت روئی آن، ۹ خانه داشت که مختص وسایل بزك و آرایش

---

* محمد ابراهیم حجار اصفهانی ـ طراح و نقاش و حجار باشی اصفهان بود که بامر فتحعلیشاه قاجار مامور حجاری تخت مرمر معروف گردید. تخت مرمر که بطراحی میرزا بابا نقاشباشی شیرازی عمل آمده و بسرپرستی محمد ابراهیم حجار اصفهانی و سایر حجاران استاد زمان از سنگهای مرمر زردشهر یزد فرجام پذیرفته، مهارت و تردستی این استاد را بر ملا کرده و مایه تحسین علاقمندان قرار گرفته است.
در گوشه و کنار این تخت، ارقام حجاران دیگر که در این امر هنر آفریده‌اند دیده میشوند. ما در اینجا امضای استاد محمد ابراهیم حجار را که در گوشه و کنار تخت دیده میشود، عینا از کتاب «تاریخچه ساختمانهای ارك سلطنتی تهران» نوشته آقای ذکاء نقل مینمائیم.
«چون بنده شاه هفت اقلیم است ـ فرهاد، کمین چاکر ابراهیم است»
در پشت تخت بر روی گرز دیو نوشته: «عمل محمد ابراهیم»
بر روی گرز دیو سخت چپ تخت نوشته: «عمل کمترین غلام محمد ابراهیم»
بر روی دهره دیو سمت راست نوشته: «عمل کمترین غلام محمد ابراهیم اصفهانی»
بر روی گرفت و گیر شیر و اژدها و روی دست راست شیر نوشته: «عمل محمد ابراهیم»
تاریخ ساخت و اتمام تخت مرمر را صبای ملك الشعرا چنین بیان داشته: منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت ـ که «سلیمان زمان داده شرف این اورنگ ۱۲۲۱»

---

* محمد ابراهیم «فلز کار» ـ فلز کار خوش نقش و طراح تصاویر گوناگون، بروی فلزات بود و طلا کوبی را نیز خوب انجام میداد. از این هنرمند، قداره عالی و طلائی دیده‌ام که بخطوط زیبا و نقوش خوش تراش انجام یافته و امضای دو استاد را در برداشت. سازنده تیغه آن، استادی بنام سلیم بود و تزیینات و خطوط طلائی آن، بدست این هنرمند پایان یافته و رقم داشت: «محمد ابراهیم ۱۲۱۶»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زنانه بود. قسمت دیگر، شامل شش کشو بزرگ و کوچك بود که وسایل خیاطی و جای جواهرت و سایر اشیاء مورد لزوم کدبانوی خانه بشمار می آمد.

اندازه جعبه، بطول ۳۵ و عرض ۲۶ و بلندی ۳۳ سانتی متر بود که جمله رویه و کناره‌های آن به نقوش مختلفه تزیین یافته و مهارت نقاش را برملا میساخت. در روی جعبه مجلس پرحلاوت شکاری بود که فتحعلیشاه با آرایش و تاج سلطنتی سوار براسب شده و شمشیر خود را بروی گردن شیری زده و حیوان را مستاصل کرده بود.

همراهان و شاهزادگان و سایر افراد حضور در رکاب که بیش از ۲۵ نفر بنظر میرسیدند، هر کدام اسلحه خود را بدست گرفته و شکار حیوانات را همراهی مینمودند. منظره شکارگاه و حالات چهره و تزیین البسه و بخصوص حالت پریشان و پرتلاش اسبها که بدنبال شکار در هیجان بودند، ستودنی بود و چند توله سگ اهلی نیز در جمع شکارچیان دیده میشدند، رقم نقاش که برنگ سرخ و خط نستعلیق در بالای شکارگاه دیده میشد، چنین بود: «محمد ابراهیم ۱۲۳۰»

کنارهای رویه که بحالت گردی ساخته شده بود، زمینه طلائی داشت و در بین شش مدالیون بیضی شکل، تصاویر زنان و مردان زیبائی بود که باصطلاح فرنگی سازی شده و ماهرانه بودند. جای خالی اطراف مدالیون، پر از دسته‌گلهای متنوعی بود که با رنگهای چشم آذین مستور شده و خرمنی از گلها بشمار میآمد. و در زیر این کناره‌ها، ابیاتی بخط نستعلیق درج شده بود که چنین است:

شه پیروزگر پیروز نامت — به پیروزی شه انجم غلامت
شده پیروزه گردون نگینت — مسخر گشته ملك هند و چینت
اسیر حکمت از مه تا بماهی — بفرمانت سپیدی تا سیاهی
سپاهان تاجیش جوشن سپاهت — جیش تا اصفهان نخجیرگاهت
کمندت برشه چین سرکشیده — سر فغفور در چنبر کشیده
شده چینال هندش بنده رای — زده مهراج رنگش بوسه برپای
گرفتی باج از بلغار و سقین — خراج از هند حبشی جرئت از چین

اطراف جعبه که دارای چهار مجلس پر ازدحام و فوق العاده شیرین بود، یکی از آنها که در صحنه روبروئی جعبه جلوه‌گر بود مجلس یوسف و زلیخا بود که بحلاوت و استادی تمام نقش بسته بود.

در این مجلس بزمی، یوسف در کمال زیبائی و البسه سرخ، قلیان بدست گرفته و در کناری ایستاده بود. زلیخا که در جمع همراهان قرار گرفته و مات و مبهوت بزیبائی یوسف خیره شده بود، بروی دوشکی نشسته و گیلاس شراب را بدست داشت. عمله طرب و رقاصان پر هنر، در وسط صحنه به نواختن و پایکوبی سرگرم بودند.

در این مجلس شادمانی که قریب شانزده نفر حضور داشتند عمق هنر نقاش عیان شده و حالات چهره‌ها و تزئین البسه و سایر اشیاء تالار، به استادی نقاشی شده و مجلس بزمی شادمانه‌ای ظاهر ساخته بود.

تصویر شماره (۳۴) در صفحه (۹۵۹)

صحنه دیگر، قصه زن باشهامتی بنام فتنه است که گاوی را بدوش گرفته و حضور بهرام گور میبرد، در این مجلس قهرمانی، بهرام گور سوار بر اسب شده و انگشت حیرت بدهن گرفته و فتنه را که از پله‌ها بالا میرود و گاوی را بدوش خود حمل مینماید، نظاره مینماید، جماعت همراهان که سوار بر اسب شده و ماجرا نگاه میکنند در کمال قدرت قلم ترسیم شده و بهمان مهارت تصویر قبلی پرجلال و چشم آذین و هنرمندانه است.

در قرینه دیگر این مجلس، تصویر خسرو شیرین است که در شکارگاهی ترسیم یافته و خسرو سوار بر اسب

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

شده و آهوئی را شکار میکند، شیرین که با زیبائی تمام بر اسب خود سوار شده و دو همراه دیگرش، چتری بسروی گرفته‌اند، پشت سر ارباب خود جلوه‌گر هستند.

منظره شکارگاه و حالت چهره‌ها و تزیینات البسه و خوش تراشی و زیبائی اسبها در این صحنه نیز هویدا گشته و مهارت نقاش را ظاهر ساخته است. در صحنه پشت جعبه، دسته گلهای بزرگی، در زمینه طلائی است که بسان بوستانی از گلزار تمام صحنه‌ها را در برگرفته و دو بلبل رنگین، بین شاخه گلهای متنوعی، بجست و خیز سرگرمند.

این جعبه که در نوع خود جنبه انحصاری داشته، تنها نمونه‌ای از کارهای روغنی این نقاش است، که گویا جهت دربار سلطنتی و بانوان حرم سفارش شده و مضمون اشعاری که در کنار جعبه درج شده موید این حدسیات میباشد.

۹۲۵ ـ محمّد ابراهیم «نقّاشباشی»

نقاشباشی اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود که تصویر منحصر بفرد و پرشباهت، محمد تقی خان امیرکبیر را به استادی و رنگ و روغن ترسیم نموده و هنر خود را به زیباترین نمونه‌ای ارائه داده است.

این تابلوی منحصر بفرد و فوق العاده شبیه امیرکبیر که بسفارش شخص ناصرالدین شاه فرجام پذیرفته و اصل آن، در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد، امیرکبیر را با ریش انبوه و قیافه مصمم که کلاه بوقی مخصوصی بسرنهاده، نشان داده و پوستین بوته جیقه‌ای خزداری که دو منقوله مرواریدی، به چپ و راست آن آویخته شده نقاشی کرده است.

نشان مخصوصی که به انواع جواهرات ترصیع گشته و شمایل ناصرالدین شاه، در وسط آن جلب نظر میکند، بدور گردن آویخته و در قسمت بالا و چپ تصویر بخط نستعلیق زیبا رقم دارد: «برحسب امر مبارك سركار اقدس شهریاری روحنا له الفداه، تصویر جناب جلالت مآب صاحب السیف و القلم مقتدی الرجال و الامع آصف الامجد الافخم الاجل الاکرم الاعظم سرکار امیرکبیر میرزا تقی خان ادام الله اقباله، جان نثار محمد ابراهیم نقاشباشی ۱۲۶۵» تصویر شماره (۳۵) در صفحه (۹۶۰)

از تنها اثر یادگاری، که رقم صریح نقاش را در بردارد، موید این نکته است که این نقاش در شبیه سازی قوی دست بوده و بدین جهت تصویر شخص اول دولت علیه ایران بعهده این نقاش واگذار گشته است. در این اثر رنگ روغنی که تنها معرف هنر نقاش بحساب میآید، سایه صورت و تزیین البسه و آرایش نشانها و سایر پیرایش تصویر به کمال شیوائی عمل آمده و درنوع خود ستودنی میباشد.

لقب نقاشباشی که بدنباله نام خود علاوه نموده، گویا این لقب را از محمد شاه قاجار دریافت داشته و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه نیز، نقاشباشی دربار بوده است.

متاسفانه با همه اینکه نقاشباشی دربای بوده و میبایستی آثار زیادی از خود بیادگار می گذاشت، آثار رقم دار دیگری، بجز تصویر امیرکبیر، از این نقاش مشاهده نشده و یا اینکه حقیر زیارت نکرده است.

سال تولد و دوران حیات این نقاش نامعلوم بوده ولی بروایتی بسال ۱۲۶۷ هـ. قـ. فوت نموده و پس از مرگ وی لقب نقاشباشی به ابوالحسن خان صنیع الملك اهدا گشته است.

۹۲۶ ـ محمّد ابراهیم «نگارگر فلزّات»

طراح و نقاش و سازنده فلزات و فولاد کوب دوره ناصری است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از این هنرمند دو اثر رقم دار دیده‌ام، که هر یك بنفسه مهارت استاد را نشان میداد و ستودنی بود. یکی از این آثار، قاب آینه استادانه و طلا کوبی بود که در کمال مهارت و قدرت قلم انجام یافته و رقم داشت. «محمد ابراهیم ۱۲۹۲» مجموعه آقای صمد خورشیدی دیگر اثر ارزنده این استاد که در حراج سابتی ۱۳ اکتوبر ۱۹۸۱ بفروش رسید، آینه فولادی نوع دیگر بود که اندازه ۱۳/۷×۲۰ سانتیمتر داشت که بجای آینه آن شمایل حضرت علی علیه السلام را در داخل آن قرار داده بودند. حواشی این آینه، شاخه‌های باریکی فولادی بود که بحسن سلیقه تمام انجام یافته بود و بخط نستعلیق عالی رقم داشت. «ادام الله تعالی. نواب مستطاب اشرف امجد والاشاهزاده مالکرقاب اقباله عالی. جهت هدیه بزم حضور با هرالنور اقدس اعلی اتمام یافت ـ عمل بنده درگاه محمد ابراهیم سنه ۱۲۸۶»

۹۲۷ ـ محمّد ابراهیم ابن حاجی یوسف قمی
(کاتب السّلطان)

فرزند حاج یوسف قمی و برادر محمد زمان معروف کاتب السلطان و حاجی محمد نقاش است که احوال آنها را با شرح و بسط کامل در جای خود یاد کرده‌ام.

بطوریکه معلوم است این استاد نیز بسان سایر برادران بااستعدادش، در شهر مقدس قم تولد یافت و دوران صباوت و طفولیت خود را در یك خانواده متدین و هنر دوست سپری کرد و به صنعت خط و نقاشی دل باخت. بمرور ایام که این جوان علاقمند بزرگتر می شد، عطش هنری وی افزون تر می گشت و شهر قم را کوچکتر از آن میدید که بتواند تمایلات هنری چنین فرد جستجوگری را مهار کند. بدین ترتیب، زادگاه خود را ترك کرده، بشهر اصفهان که در آن زمانها مجمع استادان نامی و چشم و چراغ شهرهای هنری ایران بود روآورد. در این شهر بود که با خصوصیات هنری برادرها و سایر استادان نامی آن دوران آشنا گشته و در هنر خط و تذهیب و نگارگری و قلمدان سازی شهرتی پیدا کرده و بدربار شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ـ۱۰۷۷) راه یافت.

رفته رفته در کارگاه درباری و کتابخانه سلطنتی، مقام و موقعیت ایده‌ال خود را پیدا نموده موردنظر و حمایت شاه صفوی واقع گردید، تا اینکه بنوشته مندرجات ذیل صحیفه سجادیه که بخطوط سه‌گانه عالی و کم نظیری کتابت و تذهیب نموده و چنین قید نموده: «کمترین کتّاب کتابخانه فیض اساس ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم به نگارش آن زبان داده بود . . . . سنه ۱۰۹۲» سفارشات گوناگونی را که عمده تا در عهده خطاط درباری بوده از شاه سلیمان دریافت داشته و بوجه احسن و شایسته‌ای بپایان رسانید.

در ورای این صداقت ها و خدمت ها بود که باب ترقی و تعالی، بروی هنرمند ذوفنون مکشوف گشته، به لقب پر افتخار کاتب السلطانی مفتخر گردید.

دریافت این لقب پرامتیاز، که تصاحب آن، در جمع رقیبان سرشناس و پرهنر آن دوره، امتیازات پرارزشی را در برداشت، مقام شامخ و بی بدل نقاش را قوامی پر دوام بخشیده و قربت و مکانت استاد محمد ابراهیم را، در دربار سلطنتی تثبیت نمود.

متاسفانه از آثار دوره کاتب السلطانی نقاش، که سال دریافت آن معلوم نیست، یادگار پرمایه‌ای بجز یك قلمدان ارزنده، اثر دیگری را سراغ نداریم و در این قلمدان زیبا افزا که در غایت مزه و لطافت استحکام پایان پذیرفته، صنعت خط و تذهیب و نگارگری خود را، بشایستگی تمام عیان ساخته و به خط رقاع استادانه‌ای، چنین رقم نهاده است: «کتبه اقل عباد الله محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور سنه ست و مائه بعدالالف»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دیگر از آثار ارزنده هنرمند که در مجموعه نگارنده قرار دارد، قطعه خط ممتازی، به نسخ و رقاع استادانه‌ای است، که زمینه آن مذهب و حل کاری شده و تنها مدرك ارزنده‌ایست که به مذهب بودن خود نیز اشاره کرده و چنین امضا نهاده است:

«مشقه العبد المذنب المستغفر من ذنبه تراب اقدام فقراء المومنین الراجی غفوربه الکریم محمد ابراهیم المذهب القمی فی شهر شعبان المعظم بمحرو سه اصفهان ۱۱۰۳»

و در جمله این مدارك بجا مانده، که خط و نقاشی را در جمع یکدیگر، بفرجام رسانده، ثابت نموده که این هنرمند، در خطوط نستعلیق و نسخ و رقاع و شکسته استادی صاحب قلم بوده و در صنعت تذهیب و گل آرائی هم دست پر قدرتی را داشته است. و اما عده‌ای از هنرشناسان داخلی و خارجی، استاد حاجی محمد برادر کوچکتر استاد محمد ابراهیم را با این هنرمند، یك نقاش بحساب آورده و دو اسم متفاوت برای یك نفر در نظر گرفته‌اند و در نتیجه حاجی محمد را همین نقاش موردبحث ما استاد محمد ابراهیم تصور کرده و عقیده داده‌اند که پس از تشرف به مکه معظمه، نام خود را حاجی محمد نهاده و درمواردی نیز، بدرج محمد ابراهیم تنها و بدون ارائه کلمه حاجی، بسنده کرده است.

ولی حقیر را عقیده بر این است که حاجی محمد یکی از برادران و شاید کوچکترین فرد این فامیل پرهنر یعنی «محمد زمان ـ محمد ابراهیم ـ حاجی محمد» بوده که بعداز سفر مکه، نام خود را حاجی محمد نوشته و در آثار خود، این افتخار حاجی بودن را بنحوی ارائه داده است و اگر استاد محمد ابراهیم، در این سفر همراه بوده و بزیارت مکه مشرف شده باشد، شایسته بوده که این سفر مبارك بار خود را، با درج کلمه حاجی به اول اسم خود، نشان بدهد و نه اینکه معلوم نباشد به چه جهاتی، نام محمد ابراهیم را که از دوران صباوت و سالیان متمادی به آن نام شهره بوده، تغییر داده و خود را حاجی محمد بنامد و نکته اساسی دیگر این است که سبب چیست، استاد محمد ابراهیم از زمانیکه از سفر مکه معظمه برگشته و تا دوران آخر زندگی اش، هر آثاری که بیادگار نهاده، حتی برای نمونه هم که شده یك بار نیز، خود را حاجی محمد ابراهیم نخوانده و در همه جا وقتی کلمه حاجی را به اول اسم خود علاوه مینموده، کلمه ابراهیم را از آخر اسم خود حذف کرده و حاجی محمد درج مینموده است.

آیا در آن دوره‌ها چنان رسم بوده که هر کسی بمکه مشرف گشته و بخواهد کلمه حاجی را به اول نام خود اضافه نماید، مجبور است که قسمت دوم نام خود را حذف کرده و تنها از یك نام استفاده نماید. و یا انیکه نامهای دو صدائی جرمی محسوب میشده و صاحبان اسامی مجبور بوده‌اند یکی از آنها را حذف کرده و بیك نام بسنده نمایند.

پرواضح است که چنین قوانینی در بین نبوده و هر کسی که باین سفر پرزحمت در آن دوران مفتخر میگشته، جهت مبارکی آن سفر متعالی، خود را حاجی میخوانده و مورد احترام و اعتماد دیگران نیز قرار میگرفته است. منتها استاد محمد ابراهیم باین سفر مبارك اثر مفتخر نگشته و بدین لحاظ، بدرج نام ساده‌اش اکتفا کرده و در تمام آثار خود، محمد ابراهیم رقم زده است.

و ضمناً دو دو قلمدان مذهب و خطاطی وی، که امضای خود را بخط نستعلیق زیبا درج نموده و از پدر خود نام برده است، بعلت احترام زاید الوصفی که باین سفر عبادی داشته، در هر دو جا، او را حاجی یوسف نوشته و از علاوه کردن کلمه حاجی، که بهترین محل برای ارائه آن بوده، خودداری کرده و ثابت نموده که با علاقه تام و احترامی که باین زیارت قائل میشده، سعادت زیارت، نصیبش نگشته است. و از طرفی اگر ارقام بجا مانده ذیل آثار این دو برادر را، باهم دیگر بسنجیم، عظمت والای خط نستعلیق استاد محمد ابراهیم، بطرز بارزتری

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

برملا گشته و حلاوت خطش جلوه‌گر میگردد.

این هنرمند علاوه براینکه بنوشته خود، در کتابت سه نمط خط یعنی «نسخ و نستعلیق و شکسته» استاد بوده، ولی علاقه داشته، همیشه امضای خود را بخط نستعلیق و رقاع استادانه رقم نهاده و مهارت و استادی اش را، در صنعت خط نشان دهد و در نظر داشته، که ارقام آثارش را با درج عبارات طولانی تر و خطوط ماهرانه‌تر، کتابت کرده و در عمق ضمیرش، این نکته را آشکار سازد که اگر چه من نقاش گل آرا و تذهیب کار آتش دستم ولی بنفسه نیز خطاط شیرین قلم و کاتب السلطان دربار شاه شاه سلیمانم. درصورتیکه ارقام هنری حاجی محمد، بغیر از رقم یك قلمدان بسال ۱۱۱۶ هـ. ق. که بخط نستعلیق معمولی و غیرقابل مقایسه با خط نستعلیق استادانه محمد ابراهیم درج شده، بقیه امضاهای آن بخط شکسته بوده و درمواردی نیز با قلم موی نقاشی درج نموده است.

بدین ترتیب میتوانیم این عقیده را پذیرا گردیم، که حاجی محمد و استاد محمد ابراهیم، دو نقاش جداگانه و برادرانی از سلاله حاج یوسف قمی، بوده‌اند که هریك از آنها، در شیوه و مکتب بخصوصی، نقش می آراسته و آثاری نیز، مستقلاً انجام داده‌اند.

استاد محمد زمان که برادر بزرگتر بوده و تقریباً سمت معلم و خلیفگی باین دو برادر داشته، در تنوع نقش ها و قدرت قلم و صنعت و تذهیب شهره بوده و امضای خود را اغلب، بخط نستعلیق و ندرتاً به شکسته و قلم موئی ترقیم مینموده که در ذیل عمده آثار باقی مانده‌اش مشاهده میگردد.

استاد محمد ابراهیم که بنوشته خود، در سه نمط خط استاد بوده و لقب کاتب السلطانی درباری داشته، افتخار بر کاتب بودن و نقاش بودن خود نموده و در ذیل ارقام آثار خود، باین نکته‌ها اشاره نموده که هنرمندی گلساز و مذهبی چابك قلم وخطاطی صاحب کمال بشمارآمده و در زمان خود شهره بوده است و استاد حاجی محمد که یحتمل برادر کوچکتر اینها بوده، نه آن قدرت قلم والای استاد محمد زمان را دارا بوده و نه بسان برادر وسطی اش استاد محمد ابراهیم، در صنعت خط و کتابت و انواع آن، مهارتی داشته، بلکه هنرمندی گل آرا و نقاشی زیب افزا بوده و در کتابت خطوط مختلفه نیز، مهارت و شهرتی نداشته است.

نکته متمایزه دیگر استاد محمد ابراهیم که در جمله آثار بجا مانده‌اش دیده میشود، این است که این هنرمند، مشخصات کامل خود را به نحوی از انحاء درج نموده و عیان ساخته، که نامش محمد ابراهیم و اسم پدرش حاجی یوسف از اهالی قم، و خودش را علاوه براینکه رسماء مذهب معرفی کرده، در مسئله صنعت خط نیز، استاد تام العیاری شناسانده، کمااینکه نمونه‌های بارز آن ها، در همه آثار بجا مانده نقاش، یا که تلفیق خطوط متنوع با گل و تذهیب است بخوبی واضح میباشد، و از طرفی در آخرین اثر قلمدانی اش نیز، لقب پرافتخار کاتب السلطانی خود را درج کرده و عظمت هنر ـ خود را بدین نحو برملا ساخته است و بسیار مضحك خواهد بود که با این همه مدارك پراعتبار، این نقاش را فرد دیگری بنام حاجی محمد، بدانیم و نظریه علاقمندان را از مسیر حقیقی منحرف سازیم، و در اینجا بجا دانستیم، ارقام این پنج اثر شناخته شده را که جملگی، رقم محمد ابراهیم را دارا میباشند باختصار معرفی نمائیم تا صحت گفتار ما تائید گردد.

۱ـ امضا و تاریخ صحیفه سجادیه که برای شاه سلیمان کتابت کرده است:

با رقم «کمترین کتّاب کتابخانه فیض اساس ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم بنگارش آن زبان داده بود. . . سنه ۱۰۹۲» با رقم نستعلیق عالی که در حدود بیست سطر دنباله رقم ادامه یافته است.

۲ـ قلمدان برای میرزا محمد علی ضابطه نویس: با رقم نستعلیق عالی «حسب الفرموده عالیحضرت خدایگانی میرزائی میرزا محمد علی ضابطه نویس دیوان اعلی بتاریخ شهر ذی قعدة الحرام اتمام یافت. با رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم سنه ۱۰۸۳».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳ـ قلمدان موزه ارمتیاژ با رقم نستعلیق عالی:
«بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۰۹۲ در دارالسلطنة اصفهان برقم کمترین این آستان دارا دربان ملائك آشیان ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم قمی اتمام یافت.»
۴ـ قطعه خط نسخ و رقاع با تذهیب زمینه از مجموعه نگارنده. با رقم رقاعی عالی:
«مشقة العبد المذنب المستغفر من ذنبه تراب اقدام فقراء المومنین الراجی غفور به الکریم محمد ابراهیم المذهب القمی فی شهر شعبان المعظم بمحروسه اصفهان ۱۱۰۳
۵ـ رقم قلمدان خط و تذهیبی آقای کرمل القانیان. با رقم رقاعی عالی و کنارهها و رویه آن با خط نستعلیق عالی:
«کتبه اقل عبادالله محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور سنه ست و مائه بعدالالف» و در مقابل این مشخصات و هنر متعالی خط استاد محمد ابراهیم اگر بنوشتهها و ارقام ساده استاد حاجی محمد نظر بیاندازیم درمییابیم که جمله امضاهای حاجی محمد، با متن ساده و مختصر و کتابت خطوط نستعلیق و شکسته و خطوط قلم موئی معمولی درج گشته و در در دیدار و مقایسه سطحی اولیه نیز، اختلاف شیوهها و مقام و عیار هنری دو برادر ظاهر میگردد.

ارقام و امضاهای اصیل استاد حاجی محمد که در ذیل آثارش بجا مانده باختصار چنین است.
۱ـ در نسخه خمسه نظامی کتابخانه پیرپونت مورگان. تصویر مجلس خسرو شیرین با رقم: «راقمه حاجی محمد قمی ابن حاج یوسف ۱۰۸۶» بخط شکسته معمولی.
۲ـ اثر گل آرائی نقاش و ترسیم گل فندقی مضبوط در ارمتیاژ لنین گراد با رقم: «برسم پیش کش سرکار خاصه شریفه اتمام یافت. راقمه حاجی محمد ۱۰۹۴» بخط شکسته خوب.
۳ـ اثر گل آرائی گلهای گوناگون مضبوط در ارمتیاژ لنین گراد با رقم: «راقمه العبد حاجی محمد فی شهور سنه ۱۱۱۲» بخط شکسته و تعلیق.
۴ـ اثر گل آرائی و حاشیه سازی در کنار خط استاد محمد صالح نستعلیق نویس در سنه ۱۱۰۰ مضبوط در مجموعه نگارنده در تهران با رقم و سجع انحصاری در یك بیت شعر: «نبی عالمی محمود امجد ـ غلام کمترین حاجی محمد» بخط شکسته معمولی.
۵ـ قلمدان تصویری و گلهای زینتی ـ مضبوط در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی با رقم: «هو رقم زد کمترین حاجی محمد ۱۱۱۶» بخط نستعلیق معمولی.
۶ـ قلمدان گل و مرغی زیبا مضبوط در موزه ایران باستان با رقم: «راقمه حاجی محمد سنه ۱۱۲۲».

اگر مسئله معرفی کردن نام پدرش را نیز در نظر بگیریم استاد محمد ابراهیم در سه آثار بجا ماندهاش که اغلب هم قرینه هستند، درج نموده، «ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم» و دلیلی نداشته که تنها در یك جا مرقوم نماید: «راقمه حاجی محمد قمی ابن حاج یوسف ۱۰۸۶» و اگر جنبه احترام را نیز درنظر بگیریم، نظر بمقام ارجمندی که در دربار داشته و کاتب السلطان درباری بوده، به ارائه بعضی احترامات درباری و رسمی وارد بوده و بدین جهت نام خود را، بعداز نام پدر درج نموده و آنرا قبل از نام خود ذکر نموده است.

محمد ابراهیم علاوه بر هنر خطاطی که به اقرار و ارائه آنها، چهار نوع خط: «نستعلیق و نسخ و شکسته و رقاع» را استادانه مینوشت، در هنر تذهیب و تشعیر و حل کاری نیز نازك قلم بود و تلفیق خط و تذهیب و گل آرائی را بمهارت و استادی، در یك اثر آمیخته، بوجود میآورد.

ولی عمده علاقه باطنی اش به ترقیم خطوط گوناگون مخصوصاً خط نستعلیق بود که می اندیشید، اگر این هنر متعالی، در جنب تذهیب استادانه و گل و مرغهای باطراوت، هم بستر گردد، هنر زیبا نگاری وی، جلوه پرجلاوتی یافته و مقام استادی اش را، در سه مرحله از فنون مختلف، تجلی خواهد داد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بعید نیست عمده آثار بجا مانده وی که بروی قلمدان ها نقش بسته، زائیده ذوق سرشارش بصنعت خط بوده، که بهرنحوی که میخواسته، رسم نقوش و کتابت خطوط را، یکجا عرضه کرده و عطش هنری خود را اقناع نموده است.

متاسفانه احوال حقیقی این هنرمند ذوفنون را که در خط و تذهیب و تصویر و گل آرائی استادی طراز اول بشمار آمده و کاتب السلطان درباری بوده، در هیچ یك از تذکره‌ها و احوال خطاطان و نقاشان قدیمی، چه در اسناد زمان حیات نقاش و چه در مدارك بعداز آن نامی از وی، بمیان نیامده و در بوته فراموشی افتاده است.

بطوریکه نمونه خطوط مختلف و قلمدانهای بجا مانده و هنر تذهیب وی را که در جزو آثار نقاش مشاهده مینمائیم، موید این نکته است که استاد محمد ابراهیم، در همه این هنرها دست پرمهارتی اشته و کاتب السلطان دربار شاه سلیمان صفوی «۱۱۰۵ ـ ۱۰۷۷ هـ. ق.» بوده است.

تنها مختصر احوالی که از این هنرمند بدست آمده، همانا ارائه بعضی از احوال و امتیازات هنری خطاط است که در انتهای صحیفه سجادیه بخط خود کتابت نموده و اولین مرتبه نیز در این کتاب منتشر گشته است.

امتیازات و تنوع هنری نقاش، با دریافت استنادی از آثار بدست آمده‌اش، بدین قرار است.

محمد ابراهیم در نقش گل و مرغ، مهارت دلپذیری داشت و آنها را شیوا و باطراوت میکشید. در گلهای ریز و زمینه‌ای که زمینه قلمدان ها را میپوشانید، با دقت و تیزبینی خاصی دست چین میکرد و با تنوع گوناگون پخته و نمکین میکشید.

در حل کاری گلها، واقعاً خوش قلم بود و کناره‌های ریز و شاخه‌های دایره‌ای آنرا، به تشعیرهای زوجی می آراست و دقیق و نازك قلم میساخت.

گلهای وی، حلاوت استادانه‌ای داشت و بسان گلهائی که در صنعت تذهیب بکار رفته و اغلب قرینه‌ای و منظم ترسیم میشوند، با وسواس عمل میآورد.

رنگ ها را کم مایه و در مواردی بسیار تیره و چشم نواز میگرفت و تناسب و خوانائی آنرا، به ابتکار خود تنظیم مینمود.

از آثار مجلسی و چهره‌پردازی و شبیه سازی و تصاویر آبرنگی وی، اثری مشاهده نشده و عمده آثار بجا مانده وی، آرایش و پرداخت قلمدانها و یا ارائه قطعه خطی، با زمینه حل کاری است که جزو آثار هنرمند، تشریح شده است. دیگر از آثار غیر قلمدانی وی، نسخه صحیفه سجاده‌ای است که بسفارش شاه سلیمان صفوی «۱۱۰۵-۱۰۷۷» بطرز پرمهارتی آرایش و کتابت نموده و اقسام خطوط و تذهیب و تشعیر و جدول بندی و سایر آرایش آنرا، بنفسه انجام داده که یکی از نفایس هنری وی بشمار میآید.

از این هنرمند تنها نقشی که چهره سازی کرده، تصویر دوشیزه جوانی است که در وسط یك قلمدان تذهیبی که بسفارش یکی از هم کاران درباری اش، بنام «میرزا محمد علی ضابطه نویس» انجام داده، اثر دیگری در شبیه پردازی دیده نشده و یا اینکه تاکنون معرفی نگشته است.

متاسفانه احوال حقیقی و شرح زندگی وی برما معلوم نیست، تنها مدرك مستند و ارزنده‌ای که بدست داریم، مطالبی است که خود نقاش، در ذیل آثار خود قید نموده و مختصر اطلاعاتی را ارائه داده است.

مثلاً در قدیمترین اثر قلمدانی استاد محمد ابراهیم که برای میرزا محمد علی ضابطه نویس تهیه نموده، معلوم کرده که در سنوات ۱۰۸۳ نقاشی گل آرا و تذهیب کاری دقیق نگار و خطاطی پرمایه و در چهره سازی نیز صاحب قلم بوده است. و در صورت دوم علت آشنائی وی با میرزا محمد علی ضابطه نویس در دیوان اعلی، ممکن است این باشد که استاد محمد ابراهیم، از آن زمانها، در دیوان اعلی مشغول وظیفه‌ای بوده و احیاناً زیردست میرزا محمد علی نیز، بشغل کتابت اشتغال داشته و روی این اصل، او را با لفظ پرپیرایه «عالیحضرت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خدایگانی ـ ضابطه نویس دیوان اعلی» معرفی کرده و قدر و منزلت وی را شناسانده و بفرموده وی نیز، قلمدانی را مختص او، بفرجام رسانده است.

اثر ارزنده دیگری که چند سال بعد، یعنی در سنه ۱۰۹۲ هـ. قـ. و بدستور شاه سلیمان صفوی بانجام رسانده، نسخه ارزنده صحیفه سجادیه‌ای است که خطوط متن و ترجمه و حاشیه آنرا، به سه خط نسخ و نستعلیق و شکسته کتابت کرده و باستادی از عهده انجامش برآمده است.

دراین نسخه شریفه، تمام تذهیب های سرسوره و آرایش کناره‌ها و جدول کشی صفحات و سایر تزئینات زیبانگاری را بنفسه انجام داده و در انتهای نسخه، ماوقع کتابت نسخه را بتفصیل بیان داشته و معلوم نموده که بدستور شاه سلیمان این نسخه را کتابت کرده و یکی از کتّاب مورد نظر کتابخانه شاهی بوده است. و از طرفی با ارائه سه صفحه آخر نسخه مذکور، که با نثر فوق العاده فصیح و مضمون پرامتیاز عرضه شده، معلوم داشته که واقعاً این هنرمند، شخص ذوفنونی بوده و در نثر فارسی و عربی هم، مقام والائی داشته است.

در مورد تذهیب و هنر حل کاری وی، که خط و تذهیب را یکجا عرضه کرده، قطعه خط زیبائی بیادگار نهاده که در سنوات ۱۱۰۳ هـ. قـ. در اصفهان بپایان رسانده و در زیر قطعه نیز خود را محمد ابراهیم مذهب قمی معرفی کرده و هر دو هنر خود را، برویه قطعه ظاهر ساخته است. و درباره لقب کاتب السلطانی نقاش، که سال دریافت دقیق آن نامعلوم است، قلمدانی بسال ۱۱۰۶ که تلفیق خط و تذهیب میباشد، بشیوائی تمام نقش نموده و در این قلمدان است که اولین دفعه، خود را کاتب السلطان درباری معرفی نموده و قربت و مکانت خود را در پیشگاه شاه سلیمان صفوی ظاهر ساخته است.

بازبدین افتخارات بوده، که همه رقیبان درباری را کنار زده و چه بسا منشی مخصوص شاه سلیمان یا منشی الممالک بوده و اغلب فرامین و مناشیر سلطنتی را او انشاء و کتابت مینموده است. و بعید نیست بعلت اطلاعات ادبی و عربی که داشته، در نوشتن سلطانیات و دیوانیات که بدست منشیان و کاتبان زبردست و فاضل اجرا میشده، دست داشته و در دارلانشاء درباری سمت اولیه را داشته است، بطوریکه در تواریخ و اسناد قدیمی یاد شده، بهترین خوشنویسان برای دیوان انشاء تعین میگشته و خطاطان درجه دوم را، بحکام ولایات می سپردند. و این هنرمند عالیقدر که بوفور استعداد و صفات حمیده موصوف بوده، موردنظر و عطوفت شاه قرار گرفته و در نتیجه انیس و جلیس مقامهای پرابهت درباری و حتی خود شاه واقع شده و مورد مشورت وی نیز واقع میشده است. و حالت خصوصیت و محشوری وی، تا حدی بوده که درمورد کتابت صحیفه سجادیه‌ای که با لفظ صمیمانه‌ای بین شاه سلیمان و محمد ابراهیم رد و بدل شده و درج نموده: «بکتابت آن زبان داده بود» واضح میسازد که، کتابت سفارشات، جنبه امرّیه و تحکم نداشته، بلکه با رشته موانست همراه بوده است.

نکته دیگری که در جزو آثار این هنرمند بچشم میخورد، این است که استاد محمد ابراهیم، هنرمندی بنفسه مذهبی و معتقد بمبانی دینی بوده و خصوصاً بحضرت علی علیه السلام ارادت خاصی داشته است، کمااینکه در رویه قلمدان ارمتیاژ و قلمدان آقای کرمل القانیان جملات «نادعلیا مظهرالعجایب» را الی آخر درج نموده و در اثر دیگرش که همان نسخه صحیفه سجادیه میباشد، ثابت نموده که در ارائه آثار مذهبی، شخصی بتمام معنی معتقد بوده و سعی داشته هنر خود را در خدمت ایمان خود قرار داده و اگر هنری میآفریند و خطی مینویسد، موضوعاتی باشد که علاقه باطنی وی را اقناع نموده و مورد حرمت علاقمندان و آشنایان نیز قرار بگیرد.

رویهمرفته درمورد این موضوعات میتوان برداشت نمود، که این نقاش در جمع پنج اثر شیوا و رقم داری که از سالیان ۱۰۸۳ الی ۱۱۰۶ انجام داده، چهار نمونه بارز آن لحن مذهبی داشته و تنها در یك قلمدانی که برای ضابطه نویس ترسیم نموده، از گل سازی و صنعت تذهیب استفاده برده و رقم مفصل خود را به خط نستعلیق استادانه درج کرده است. و این کاوش ها و ارائه بهترین نمونه‌ها، یکی از براهین عمده‌ای است که محمد

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ابراهیم متدین و متعصب، اجرا کننده صحنه بزمی و نیمه عریان قلمدان آقای خورشید نبوده و بطور حتم، از تراوش قلم استاد محمد زمان میباشد که در ارائه مجالس رقص و سماع و شادمانی و بزم آرائی، صاحب قلم و علاقمند بوده است.

دیگر از مدارك استنادی که در ذیل ارقامش متذکر شده، نام پدرش حاجی یوسف قمی است که ثابت مینماید، هر سه نفر استادان مذکور، یعنی محمد زمان اول و محمد ابراهیم و حاجی محمد برادر بوده که بشغل خانوادگی شان، یعنی نقش تصویر اشتغال داشته‌اند.

از استادان خط و صنعت تذهیب و گل آرائی این هنرمند، مدرك صحیحی بدست نداریم ولی آنچه واضح است هنر گل آرائی و سایر زیبا نگاری را از برادر بزرگترش محمد زمان که با لطبع در کنار هم و در یك محفل خانوادگی زندگی میکردند به ارمغان برده، و در خط و تذهیب نیز استادان دیگری داشته است.

درباره سن تقریبی استاد محمد ابراهیم که مترادف با اولین و آخرین کارهای وی باشد، بهتر است مزیت و قدرت قلم، اولین و آخرین اثر بجا مانده و افتخارات ظاهری و معنوی نقاش را از قبیل لقب کاتب السلطانی و سایر امتیازات دیگر، با دقت کافی بررسی نموده و سپس روی قرائن و حدسیاتی، که با سایر سنوات دیگر نیز، تطابق نماید، تاریخ تولد و سال فوت حدسی را با سنوات آثاریکه ارائه داده و با در نظر گرفتن وضع جسمانی و قدرت دید کافی، در دوران کهولت، مطابقت داده و تاریخ تولد و سال وفات تخمینی نقاش را، بدست بیاوریم.

بدین ترتیب، اگر تاریخ قدیمترین اثر وی را که بسال ۱۰۸۳ بپایان رسانده و از استادی پرامتیازی برخوردار است، اثر دست نقاش، در دوران سی سالگی اش بدانیم، سال تولد تقریبی نقاش، سال ۱۰۵۳ خواهد بود و ضمناً اگر آخرین اثروی را که به لقب کاتب السلطانی مفتخر گشته، و قلمدانی را به سال ۱۱۰۶ هـ. ق. بعهده نقش کشیده، جزو کارهای میان سالی وی بحساب بیاوریم، استاد محمد ابراهیم در حین اجرای این قلمدان، نقاشی در سنین پنجاه و اندی بوده و دید چشم کافی داشته که توانسته است اثر بدین والائی را بمعهده فرجام برساند.

در مورد وفات هنرمند نیز، میشود، دو حدس قابل قبول را زد، اول اینکه بگوئیم بعداز این اثر آخری، آثار دیگری را نیز انجام داده که تاکنون کشف نگشته و یا اینکه بگوئیم، هنرمند در این سنوات جان بجان آفرین تسلیم کرده و کار دیگری را انجام نداده است.

البته درباره حدس اولیه، تا بدست آمدن اثر دیگری، نمیتوانیم تحقیقاً درباره سن واقعی نقاش قضاوت نمائیم ولی اگر حدس دومی را قبول داشته و این اثر سال ۱۱۰۶ هـ. ق. را ملاك عمل قرارداده و آخرین اثر وی بدانیم، بعید نیست این هنرمند، در سنین میان سالی و چند سال بعداز ۱۱۰۶ هـ. ق. مثلاً چهارسال بعداز آن و در حدود پنجاه و هفت سالگی دعوت حق را لبیك گفته و اثری نیز بیادگار ننهاده است.

آثار موجود و شناخته شده هنرمند عبارتند از:

۱ـ از آثار ارزنده و رقم دار وی که تاکنون در جائی چاپ نشده و معرفی نگشته است، نسخه پراعتبار صحیفه سجادیه‌ای است که جهت شاه سلیمان صفوی بپایان رسانده و کتابت و جمله آرایش آنرا بنفسه انجام داده و چنین رقم نهاده است.

«لله لحمد که بمیامن توفیق قادر ذوالمنن که بسمله صحیفه جلالت و خاتمه رساله رسالت یعنی کنه کمال حیرت افزای هویت محمدی از قلم قدرت بالغه کاتب صنعش سطری و اثر دعای اجابت اقتضای رب هب لی ملکا ینبغی لاحد من بعدی یعنی سلطنت وافرالحشمت سلیمانی از نعم الوان کاسه دریوزه سایلان درگاه کرمش شطریست در ضمن کتابت این لوح طلسم حاجات و گنجنامه کنوز مرادات هم طاعت یزدان بتقدیم رسید و هم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

امثال فرمان سلیمان زمین و زمان و صفوة ذریت مقصود آفرینش کون و مکان بزم افروز محفل امکان معمار سراچه قلوب جهانیان بهین نتیجه ازدواج عناصر و اجرام ثمین گوهر صدف لیالی و ایام ظل الله فی الارضین قهرمان المآء و الطین السلطان بن السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان که همه دلها را از صمیم قلب وطن ولاوجمله زبانها را از ته دل وقف دعایش ساخته ابدالله ظلال جلاله وافاض علی العالمین سجال افضاله بحصول پیوست و سه نمط خط که در ترقیم متن و ترجمه و حاشیه این نسخه جامعه مزایای بیمنتها قلم مکسور اللسان کمترین کتّاب کتابخانه فیض اساس ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم بنگارش آن زبان داده بود از پس پرده گمان برصدر صفه عیان بکرسی نشست اکنون که برکات ختم این صحیفه ممجّد که ملقب به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد است درهای رحمت آلهی بروی آمال بندگان باد و هنگام عرض حاجات بدرگاه کرم کریم بی نیازست زبان رسول در پیشگاه بارگاه ذوالجلال باین مقال گویا میگردد:

آلهی تو ایـن شاه درویش دوسـت — که آسایش خلق در ظل اوست
بدارش براورنـگ شاهـی مدام — بحـق محـمـد علیـه الـسـلام

سنه ۱۰۹۲

دیدار این نسخه منحصر بفرد که برای نگارنده موهبتی بزرگ بشمار میآمد، نمایانگر نکاتی از احوال محمد ابراهیم بود که در ذیل رقم صحیفه سجاده، ارائه داده و معلوم مینمود، این استاد کاتب مخصوص درباری بوده واین نسخه مبارکه را نیز بسفارش شخص شاه سلیمان صفوی و پذیرش خطاط که بنوشته خودش «به نگارش آن زبان داده بود» در سه نمط خط یعنی نسخ و نستعلیق و شکسته کتابت کرده و آرایش و تذهیب نسخه را نیز شخصا انجام داده است و چون ارائه خطوط نقاش و رقم صفحه آخر آن ضروری بود، فتوکپی صحفه اول و انتهائی آن، بشماره‌های (۳۶) و (۳۷) و (۳۸) در صفحات ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ عرضه گردید که مهارت وی را در کتابت خطوط سه گانه، معرفی و تثبیت نماید.

و از طرفی محل ترقیم و نام نقاش را که صحت این مدعا را ثابت مینماید، بزرگ کرده و در پشت این صفحه ارائه دادیم، که مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

۲ـ دیگر از آثار ارزشمند وی که تاکنون در جائی منتشر نگشته، قطعه خطی در شیوه نسخی است که زمینه آن، انواع حیوانات پرندگان زیبا بشیوه حل کاری آرایش یافته، و هنر خط و نگارگری خود را در یك جا عرضه نموده و خود را خطاط و مذهب معرفی کرده است.

این اثر منحصر بفرد، که در مجموعه نگارنده در تهران قرار گرفته و مبین استادی نقاش در امر تذهیب و خطوط نسخ و رقاع میباشد، بخط رقاعی استادانه‌ای رقم دارد:

«مشقه العبد المذنب المستغفر من ذنبه تراب اقدام فقراء المومنین الراجی غفور به الکریم محمد ابراهیم المذهب القمی فی شهر شعبان المعظم بمحروسه اصفهان ۱۱۰۳» تصویر شماره (۱۰۴) در صفحه (۱۰۱۷)

۳ـ قلمدان دیگر استاد محمد ابراهیم که عبادات مذهبی و ابیاتی در تعریف صنعت خط ارائه داده، قلمدان نفیسی در موزه ارمیتاژ لنین گراد است که مجدداً صنعت خط و تذهیب و گل آرائی را در بطن یك قلمدان به عرصه ظهور نهاده است.

در رویه قلمدان که زمینه سرخ رنگ شیوائی دارد، در داخل یك ترنج بیست کنگره‌ای و قرینه‌ای عبارات:

ناد علیّـا مظهـر الـعـجـایـب — تجـده عونـالـك فی الـنّـوائـب
وکـلّ همّ و غمّ سیـنـجـلی — بولایـتـك یا علیّ یا علیّ یا علی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

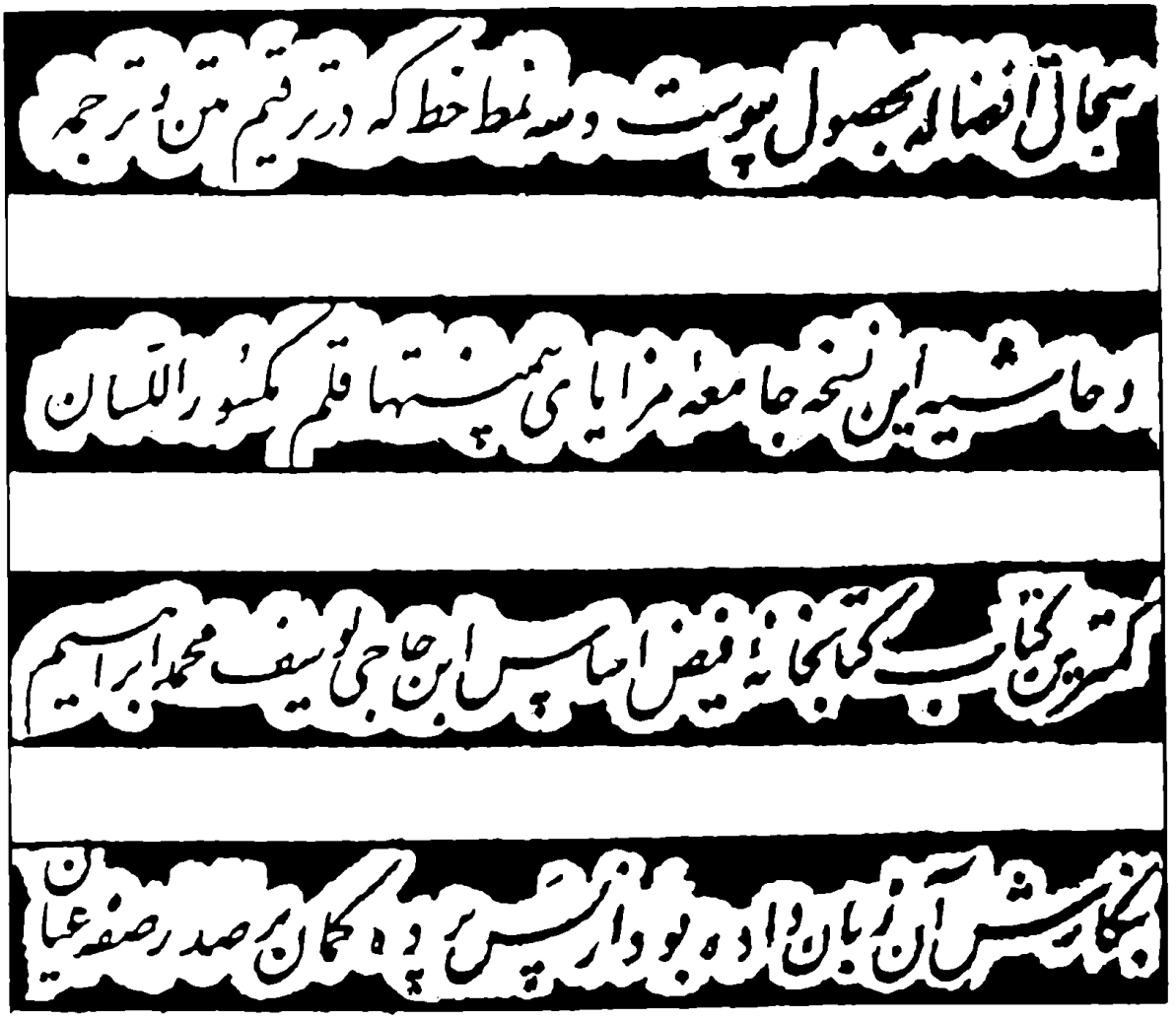
را بخط نستعلیق استادانه درج نموده که شایسته تحسین میباشد، در بالا و پائین این ترنج بزرگ و در داخل چهار ترنج مختلف الشکل کوچکتر، بخط نسخ و نستعلیق زیبا عباراتی، در وصف حضرت علی علیه السلام درج نموده که از بالا بطرف پائین چنین است:

علیّ حبّه جنّة ـ وصی المصطفی حقّاً امام الانس و الجنّه ـ قسیم النّار و الجنّه

در کناره های قلمدان نیز که بشیوه زمینه بالای قلمدان، بهمان رنگ سرخ، زمینه سازی شده، در بین‌کتیبه‌های بلند کناره‌ها بخط نستعلیق ماهرانه، ابیاتی در تعریف صنعت خط ارائه داده و چنین نوشته است.

تا کلك تو در نوشتن اعجاز نماست برمعنی اگر لفظ کند ناز رواست
هر دایره ترا فلك حلقه بگوش هر مد ترا مدت ایام بهاست

با قید این ابیات معروف که اغلب هنرمندان مشهور خطاطی در تعریف صنعت خط، الگو قرار داده و بهنرخود حرمت و مزیت بیشتری داده‌اند، استاد محمد ابراهیم نیز که واقعاً در صنعت خط باین امتیازها، محق بوده و لیاقت این تعاریف را داشته، بدین سبب این ابیات را، جزو آثار خود ثبت نموده و بهنر خود غره گشته است.
رقم نقاش در بین چهار ترنج کوچك و چهار لبه، که در فیمابین چهار کتیبه بلند کناره‌ها دیده میشود، بخط نستعلیق پخته درج شده، که چنین است.



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۰۹۲ در دارالسلطنه اصفهان برقم کمترین این آستان دارا دربان ملائك آشیان ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم قمی اتمام یافت».

در زیر قلمدان نیز، شاخه پربرگ قرنیه‌ای از نیلوفرهای وحشی دیده میشود که بحالت زیبائی، از وسط قلمدان انشعاب شده و بکناره‌ها سرکشیده است، تذهیب کناره‌های درب جعبه قلمدان هم بسان نقوش متداول صنعت طلا کاری، گلهای ریز دایره‌ای با حواشی برگهای خنجری ریز در یك ریسه منظم نقش بسته و مهارت نقاش و راعیان ساخته است. و همچنین در بطن تمام زمینه رویه و کناره قلمدان، نقوشی از تذهیبات طلائی، بروی رنگ قرمز علاوه کرده که زیبائی را مضاعف ساخته است.

در زیر داخلی درب جعبه قلمدان، خرمنی از گلهای کوکب و مینای وحشی و سایر گلها را با شاخه‌های افراشته و برگهای سرسبز و باطراوت، در کنار یکدیگر ترسیم نموده که آیتی ازکمال بشمار میآیند، و همین زمینه استادانه، موید گل آرائی نقاش، در امر تصویر گلها بحساب آمده و او را نقاشی خوفنون بحساب آورده است.

چرم داخلی محفظه قلمدان، که محل قرار دادن قلم ها و قیچی و قط زن و سایر ادوات خوشنویسی میباشد، با چرم معرق و سوخت منقشی انجام یافته، که بسیار کم قرینه بوده و ندرتاً دیده میشوند.

۴ـ از دیگر قلمدان های ارزنده و رقم دار این هنرمند که با تذهیب گوناگون و ارائه یك چهره نقش بسته، قلمدانی در یك مجموعه خصوصی در تهران است که در زمینه سیر عمل آمده و تمام جوانب آن بنقوش مختلف تذهیبی و گلهای ریز و گوناگون ترسیم شده که در نوع خود پرحلاوت میباشد. در وسط رویه آن، تصویر دوشیزه جوانی نقش بسته که معلوم میکند محمد ابراهیم در نقش چهره‌ها نیز دست داشته است.

در کناره‌ها و دیوارهای قلمدان که زمینه آن، پر از گل های تزیینی است، رقم نقاش بخط نستعلیق زیبا جلب توجه میکند که چنین است.

«حسب الفرموده عالیحضرت خدایگانی میرزائی میرزا محمد علی ضابطه نویس دیوان اعلی بتاریخ شهر ذی قعدة الحرام اتمام یافت. رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم سنه ۱۰۸۳»

۵ـ قلمدان دیگر این هنرمند که در مجموعه آقای کرمل القانیان بوده و بطول ۲۵ سانتیمتر میباشد، قلمدان ارزنده‌ای است که از تلفیق خط و تذهیب آرایش یافته است. تصویر شماره (۳۹) در صفحه (۹۶۴)

در رویه قلمدان، گل های میخکی و پنج پر تزیینی، از بالا تا پائین ادامه داشته و جملگی در شیوه قرینه‌ای است و نقوش چپ و راست رویه یکسان میباشند.

گلهای چشم آذین و زیبا، در بین شاخه‌های نازك دایره‌ای، که مسیر دورانی خوش حالتی را به شیوه اسلیمی طی مینماید، از انبوه برگهای خنجری و شاخه منقاری، تشکیل یافته و باتناسب استادانه‌ای رویه قلمدان را در برگرفته است. تصویر شماره (۴۰) در صفحه (۹۶۵)

در وسط قلمدان، یك ترنج بزرگ و در بالا و پایین آن، چهار ترنج قرینه‌ای کوچکتر، تشکیل یافته که در بین آنها جملات «ناد علیا مظهر العجایب» الی آخر، بخط نستعلیق ماهرانه‌ای کتابت شده که سزاوار تحسین میباشد.

کناره‌های رویه، از جداول زوجی تشکیل یافته، که گلهای تزیینی پنج نقطه‌ای، بسان زنجیر مرواریدی تمام کناره را در برگرفته است.

کناره های قلمدان، در شیوه کتیبه سازی طراحی شده که رویهمرفته چهار کتیبه بزرگ را در برمیگیرد. در بین این کتیبه‌ها، اشعاری بخط نستعلیق زیبا نوشته شده و زمینه آنها نیز از تذهیبات ریز گل اناری و برگ خنجری و سنبلی پوشیده شده و زمینه را پر کرده است.

در بین کتیبه‌های بزرگ کناره، چهار ترنج کنگره‌دار دیده میشوند که در داخل آنها، رقم و تاریخ قلمدان بخط استادانه رقاعی ترقیم گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

داخل کشو قلمدان که از چرم میشنی ساخته شده، تزیینات جالب برگ خنجری که بصورت دایره‌ای دور هم گره خورده و سراسر کشو را در برگرفته‌اند در کمال زیبائی جلوه‌گر میگردند.

مطالب رویه قلمدان که از ترنج بزرگ شروع میگردد، چنین است.

ناد علیاً مظهر العجایب تجده عونا لك فی النّوائب
کلّ همّ و غمّ سینجلی بولایتك یا علیّ یا علیّ یا علیّ

و در چهار ترنج کوچك بالا و پایین این عبارت درج شده که شروع آن از ترنج کوچك بالا، بطرف پایین چنین است:

علیّ حبّه جنّه وصیّ المصطفی حقاً
امام الانس و الجنّه قسیم النّار و الجنّه

در کناره‌های قلمدان و در داخل چهار کتیبه بزرگتر، چهار بیت شعر و بخط نستعلیق عالی و بزرگتر از اندازه نستعلیق رویه قلمدان کتابت کرده که چنین است.

تا از قلمت زمانه انجام گرفت ناکام زرشح قلمت کام گرفت
سر برقلمت عطارد وزهره نهاد صدگونه سعادت ازتوبهرام گرفت

و در بین چهار ترنج کنگره دار بین ابیات، تاریخ و رقم نقاش بخط رقاع استادانه چنین است: کتبه اقل عبادالله ـ محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور ـ سنه ست و ماله بعد الالف.

استاد محمد ابراهیم در این قلمدان نیز، بسان سایر آثار دیگرش، صنعت خط و تذهیب خود را به استادانه‌ترین مهارتی، بمنصه ظهور رسانده و در حد یك شاهکار، هنر آفریده است.

۹۲۸ ـ محمّد اسکوب

از نقاشان اواسط قرن دهم هـ. قـ. عثمانی است که نام وی نیز، در سندی که در آرشیو موزه توپ قاپوسرای اسلامبول مضبوط میباشد دیده میشود.

چون عده‌ای از این هنرمندان، ایرانی بوده و در آن دیار فعالیت میکردند و قسمت بخصوصی از افتخارات هنری عثمانی نیز، نمونه ذوق و سلیقه استادان ایرانی در آن زمانها بوده، روی این نظر، نمونه لیست اصلی و همچنین ارائه نام آنها و جمع سایر اساتید گمنام ایرانی و عثمانی را که در آن وثیقه یاد شده، برای اطلاع علاقمندان محترم در این مقال درج مینمائیم [1] و ضمناً تشریح و عکس این اسناد، در احوال شاه قلی و محمد اسکوب و منصور بیك نقاش عثمانی ارائه گشته و دنباله این اطلاعات تکمیل میگردد.

* ۱۹ ـ قول چه کلاه زرگر، یك بازوبند طلائی جهت اسب ۲۰ـ عبدالواحد کاتب یك سعادت نامه و یك دیوان شاهی ۲۱ـ عجم سهرساز «اسم را ننوشته» یك سپر ۲۲ـ قازانچی خواجه ..... ۲۳ـ اوستاد علی یك بازوبند مرصع جهت اسب ۲۴ـ رکن الدین زرنشانچی یك ..... زرنشان ۲۵ـ کاشی تراش یك کاشی گل و یك طبق

صحفه دوم ( ) تتمه جماعت جامه شویان که گویا هدایائی به سلیم خان پیش کش کرده‌اند «قاسم غلام یوسف ـ چهار و نیم» ایضا در ۱۷ ماه رجب سنه ۹۳۴ مطابق روزنامه «محمود روم ـ چهار» ایضا در ۲۰ صفر سنه ۹۳۵ بموجب روزنامه «محمد اسکوب ـ سه و نیم» این اعداد مزد هنرمندان به لیره طلائی بوده است.

* تتمه جماعت کاشی گران ۱ اسکندر طرابوزان = یك ۲ حسن طرابوزان = یك و نیم ۳ حسین اسکوب = یك و نیم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۲۹ـ محمّد اسماعیل اصفهانی

از آبرنگ سازان گمنام و کم مایه اصفهانی است.

از آبرنگهای امضادار محمد اسماعیل که در موزه هنرهای تزیینی تهران دیده میشود. تصویر زن جوانی است که در جائی ایستاده و دو شاخ گوزن را در دستهای خود گرفته است. کودك خردسالش که در کنار وی نقاشی شده، این صحنه را نگاه میکند. نسبت بزرگی و کوچکی مادر و کودك، نامانوس و ناشیانه بوده و بخط شکسته رقم دارد. «فرمایش عالیجاه محمد ابراهیم بیك تفنگدار. رقم کمترین محمد اسماعیل اصفهانی سنه ۱۲۶۹»

● محمد اسمعیل نقاشباشی در اسماعیل نقاشباشی آمده

۹۳۰ـ محمّد افضل بن محمّد علی

تشعیر ساز و حل کار و خطاط و مذهّب اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. بود و پیراستن و آذین نسخه‌های خطی و قرآنها را بعهده داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، تذهیب و کتابت قرآن خوش خطی دیده‌ام که با ورقهای آبی رنگ تهیه گشته، وصفحات اول و حواشی آن، به تردستی ترصیع شده و رقم داشت: «کتبه و ذهبه محمد افضل بن محمد علی سنه ۱۰۹۹»

---

* ایضا جماعت کاشی گران ۱ حبیب تبریزی = هشت و نیم و شاگردان وی، در این سند بغیر از کاشی گران، جماعت کشتی گیران و سایر حرفه‌های دیگر را نیز در اواسط قرن ۱۰ هـ. قـ. یاد کرده بود که از ارائه بیشتر آنها خودداری نموده و عکس آن اسناد را در تصویر شماره (۴۱) در صفحه ۹۶۶ چاپ می کنیم.

و باز در این زمینه چاپ سندی را که در احوال کاشی تراشان خراسانی بود از کتاب تاریخ صنعت ترکیه اخذ نمودم که در این سند کاشی تراشان خراسانی، عرض حالی را به مقامات عثمانی تسلیم نموده و خواستار اجازه خروج و رفتن به دیار آباء و اجدادی خود گشته‌اند.

این استادان خراسانی که در آن زمانها شهره شهر و دیار خود بودند برای کاشی کاری و تزیین قصور شاهانه و ابنیه‌های قدیمی بولایت عثمانی آمده و در آن دیار به خدمت اشتغال داشتند.

این عرضه داشت از طرف کاشی کارانی است که کاشیهای سرقبر محمود پاشا و قصر چینی لی را با تمام رسانده و برای مراجعت به ایران تقاضای اجازت نموده‌اند.

عکس عرضه داشت و باز خوانی آن که باشکال قرائت نموده‌ام در ذیل این مقال ارائه میگردد.

وعرضه داشت بندگان درگاه کاشی تراشان خراسانی

بعداز اداء دعا دوام دولت بعزّ عرض نواب کامیاب اسلام بلاد خلایق مفاد میرساند که در این مدت انواع پریشانی و زحمت کشیدیم و روی قصر را بیراق نموده بهم رسانیدیم اکنون در دل چنان است که خدمت استانه جد و آباء آن حضرت بجا آوریم و پروانه همایون بیرون آمده که مهم این فقیران بسازند، حبّاً لله و بخاطر رسول الله و ائمه المعصومین علیهم الصلوة و السلم که مهم این بیچارگان ساخته روانه استانه گردانند که عندالله ضایع نخواهد بود امره اعلی.»

اسامی بعضی هنرمندان دیگری که در این اسناد یادشده، می توانید به احوال شاه قلی الوانی در صفحه ۲۳۸ جلد اول این کتاب نیز مراجعه نمائید.

---

* محمد ابراهیم خان «معمار باشی» ـ بنوشته جلد سوم کتاب مرآت البلدان که بسال ۱۲۹۶ تالیف یافته، ناصرالدین شاه قاجار، محمد ابراهیم خان را ملقب به معمار باشی نموده و این سمت پرافتخار، در ذیل آن کتاب برشته تحریر در آمده است.

معماران قدیم، عموماً نقشه کش و طراح ساختمانها و تزیینات دیگر آن بودند و عموماً از صنعت ترسیم و تصویر اطلاعاتی داشتند و باصطلاح معماران قدیم رسمی سازی خوب میدانستند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۳۱ ـ محمّد افندی = هزار فن

از لقب هزار فنی که داشته، معلوم میگردد، این هنرمند ذوفنون بوده و در کارهای هنری صاحب مقام بوده است.

این استاد اهل بورسابود و در تذهیب و تصویرسازی و صنعت خط، مهارت داشت و در اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. در بورسای عثمانی زندگی میکرد.

● محمد الحسینی در میرزا محمد الحسینی آمده

● محمد الحسینی امامی در محمد حسین امامی آمده

۹۳۲ـ محمّد امامی حسینی = سید محمّد

نقّاش خوش دست اصفهانی و سید صاحب قدری از سادات آن شهر بود و در کارهای روغنی از قبیل قاب آینه و قلمدان و انواع جلدها ذوق هنرمندانه داشت.

این استاد در شهر مسقط الراس خود، کارخانه مجهزی دایر کرده و طراحی و اساس اولیه نقوش را بنفسه انجام داده و بقیه را بعهده شاگردان مبرز خود وامیگذاشت.

سپس بروایات مختلفی این کارگاه را به تهران منتقل نموده و در آن شهر نیز در معیت هنرمندان مشهور آن دوره بخلق آثار هنری اشتغال داشته است.

آثار متنوع و گوناگونی که از این هنرمند بجا مانده، موید این نکته است که این نقّاش در مجالس بزمی و رزمی، در شیوه دوران با عظمت صفوی، صاحب ابتکار بوده و بنحوی تلفیق و تقلید آنها را در زمان خود حیات تازه‌ای بخشیده است.

طراحی های وی بسیار با ابتکار بود و مخصوصاً در اثر پرکار و ارزنده وی که درب منقشی بود، انواع طرح ها و تزیینات گوناگون را، به تردستی استادانه‌ای جنب یکدیگر قرار داده و مجموعه‌ای از نقوش آن دوران را ظاهر ساخته بود.

این استاد در تذهیب و آرایش گونه گونه آن، تیز قلم و دقیق نگار بود و در ارائه گل و مرغ و مناظر پرطراوت و گرفت و گیر حیوانات و ترسیم پرندگان و سایر نکات تزیینی که بنحوی در آثار وی دیده میشوند، دست باحلاوت داشت و آنها را با مهارت عمل آورد.

استاد محمد علاوه برفنون یادشده، خط نسخ و نستعلیق را خوش مینوشت و در آثار خود بنحوی ارائه میداد.

از سنوات آثار بجا مانده نقّاش، معلوم میگردد که این استاد بین سالیان ۱۲۶۰ الی ۱۲۸۰ هـ. قـ. بخلق آثار زیبا اشتغال داشته و سال دقیق مرگ و مدت عمروی نیز معلوم نمیباشد.

از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ جلد کتاب رحلی بود که حاشیه آن خط نسخ معمولی داشت. در داخل جلد، تصویر مجلس بزمی بود که پیرمرد مسنی با دختر جوانی بروی تخت قرار گرفته و نوازندگان و رامشگران و رقاصان در حضور آنها بشادی و رقص اشتغال داشتند و رقم داشت:

«در اصفهان در کارخانه جناب آقای سید محمد ۱۲۷۴ تمام شد»

۲ـ دیگر اثر رقم دار این نقّاش، قلمدان بزرگی بود که در وسط آن، گل و مرغهای خوشرنگی نقش بسته و حواشی آن اشعاری بود که برنگ قرمز و زرد نوشته شده و رقم داشت: «رقم کمترین سید محمد ۱۲۸۰»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳ـ دیگر از آثار شیوای این هنرمند، یك جفت درب اطاق مزین و منقشی بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۶ بفروش رسید.

در این اثر پرکار که بروی تخته شمشاد عمل آمده و بسان شیوه جلد سازی و قلمدان سازی با روغن کمان صاف و درخشان گشته بود، مجالس گوناگونی بشیوه دوران صفوی و در موضوعات مختلفی از قبیل مجلس کشتی گیران و بزم رقاصان و سایر مجالس شادی آور درباری، درشش کتیبه بزرگ، بوسواس و قدرت قلم عمل آمده و مهارت نقاش را برملا مینمود. در کناره‌ها و اطراف درب مذکور و بین کتیبه‌های متنوع و کوچکتر، مجالسی از مه‌رویان ایرانی و ضیافت های بزمی، که هرکدام یادآور، مجالس پرجلال و سرور آمیز دوران صفوی بود، دیده میشد که درنوع خود بسیار پسندیده بنظر میآمد.

در زمینه کلی درب چوبی و محل هائیکه خالی مانده بود، انواع تذهیب ها و تشعیرها و حل کاریها، بنحوی که نقّاش پسندیده بود، ترسیم نموده بود، که موید قدرت قلم نقّاش در امر طلاکاری بشمار میآمد.

در بین تزیینات گوناگون، ابیاتی نیز بخط رقاع زیبا جلب نظر میکرد و رقم داشت:

«رقم سید محمد اصفهانی» تصویر شماره (۴۲) در صفحه (۹۶۷)

۴ـ دیگر از آثار این هنرمند که بطریقه لابه چینی عمل آمده و نقوش آن برجسته شده بود جلد کتابی بود که در داخل رویه آن، انواع گلها و طاوس جلب نظر مینمود که استادانه عمل آمده و در نوع خود شیرین بود. حواشی نیز خطوط نسخ بود که با ابیات شعر پرگشته و رقم داشت «عمل سید محمد امامی» «حدود سالیان ۱۲۸۰»

۹۳۳ـ محمّد امیر رضوی ـ سید

بروایت غلام محمد هفت قلمی، «*جوانی است مهذب الاخلاق و خوش طبع و شیرین زبان و در فن کشتی گیری و پنجه کشی و هنر نقاشی و مصوری و مذهبی و جدول کشی و صحافی و علاقه بندی و سنگ تراشی دستگاه دارد. از جوانی نستعلیق را بشیوه قدما می نوشت و چون بخانه من آمد و شد داشت و استعداد وی را در خوشنویسی دریافتم، او را به پیروی از روش رشیدا ترغیب کردم و مشقها و قطعات متعددی که از رشیدا داشتم در اختیار او گذاشتم و او از روی آنها مشق کرد و چندی نگذشت که پیشرفت کامل در خط وی حاصل آمد و شیوه و رشیدا فراگرفت و خود مجموعه نفیسی از آثار رشیدا جمع آورد و غالب آنها را خود تذهیب و تزیین کرد. . . . . .*»

مرحوم هفت قلمی با همه تعاریفی که از او کرده و خودش را نیز میشود گفت خوشنویسی پرکار بوده است، ولی از آثار بجا مانده وی که حتی برای پادشاه وقت نوشته، پایه خطی رشیدا را نداشته و حتی از شاگردان رشیدا نیز فروتر بوده است.

ولی درباره تشعیر و تذهیب و طراحی و جدول کشیهای وی، در یك اثر سلطنتی، میشود گفت که اگر او را نقاشی شیرین قلم معرفی نمائیم بهتر است.

این اثر پرزیب و زینت که برای سلطان عالم تهیه شده، مجموعه پرحلاوتی از هنر تذهیب و تشعیر اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. آن دیار است که به استادی و پرکاری با وسواسی برای شاه هند تهیه گشته است.

سلطان عالم که ذوق شعری داشت و اختر تخلص مینمود، این کار مهم را به محمد امیر سپرد که خط و تذهیب و سایر آرایش کتابرا بعهده گرفته و در حد یك کتاب سلطنتی، یادگار ارزنده‌ای برای دودمان خود باشد، در پشت ها مش کتاب، مهر سلطنتی کتابخانه سلطان عالم ثبت شده و شروع نسخه، بعداز درج بسمله با این بیت آغاز گشته است.

ای مری جان مونس و غم خوار حال لکـهـتـاهـی تیـرا اختـبـر زار

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آخر کتاب که بصفحه ۳۸۴ ختم شده، محمد امیر رضوی خود را مدعو به عبداللطیف و عاری از علم و فن معرفی کرده و تاریخ نهاده«بتاریخ غره محرم الحرام سنه ۱۲۷۶ هجری» مجموعه نگارنده ـ تهران

دیگر از آثار پرزیب و زینت این هنرمند، که در نمایشگاه، بریتیش میوزیوم از نزدیك دیده‌ام ، کتابی بهمین زیبائی بود که بشماره ۱۳۳ معرفی گشته بود.

این کتاب مینیاتور نیز داشت که یکی از آنها، تصویر خود سلطان عالم بود که در بالای تصویر نوشته شده بود. «شبیه دست در دست گرفته، فهمانیدن سلطان عالم نواب سرفراز مخلص صاحبه را سنه ۱۲۶۲»

● **محمد امیر مصور هندی در شیخ محمد امیر مصور آمده**

۹۳٤ـ محمّد امین

نقاش گمنامی است که در شیوه رضا عباسی و مکتب اصفهان کار مینمود و در اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. بشغل مورد علاقه خود سرگرم بود.

از آثار امضادار این نقاش، تصویر درویش بیخیالی است که دو زانو نشسته و پوستینی بروی یکی از شانه‌ها انداخته و بروی سینه‌اش گره‌زده است.

شلوار وی بسان دامن چرمی است که بالای زانوی وی قرار گرفته و روی شکم را پوشانده و تاج گلی، بروی شکم ظاهر شده است.

بجای کمربند، زنجیری بکمر بسته و با دو دستهایش، انتهای پوستین را بدست گرفته است، صورت وی جوان و شاداب بنظر میرسد و سبیل های بلندی دارد.

از گوشش گوشواره دایره مانند بزرگی آویزان کرده و مات و مبهوت روبرو را نگاه میکند. کلاهش بطریقه خاصی بوده، و علاوه بر لبه‌های بلند و برگشته‌اش، در انتهای آن قوسی گنبد مانندی است که شبیه کلاه‌های ترسیمی استاد محمد سیاه قلم میباشد.

در روبرو کشکول درویشی و یك چوب کلفت و یك چکش دیده میشوند.

از زیر پوستین شاخ گاوی که او را نفیر میگویند جلب نظر مینماید. در زمینه اثر، منظره ابرهائی در شیوه رضا عباسی و رشته‌های نهال گل و سبزه جلوه‌گر است و در زیر ساق پای درویش، بخط بد رقم دارد «محمد امین»

۹۳۵ـ محمّد امین با سجع «ذرّه بیقدر امین»

نقّاش گل و مرغ ساز اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. است که گویا نام اصلی وی محمد امین بوده و با سجع «ذره بیقدر امین» نام خود را بزیر آثارش، ترسیم نموده است.

از آثار ارزنده و زیبای این نقّاش، جلد کوچك و پر پیرایه، نسخه‌ای از صائب تبریزی است، که بخط شکسته زیبا کتابت شده و در همین سنوات نیز برشته فرجام رسیده است.

اندازه جلد که در حدود ۶×۱۰ سانتی متر میباشد. از انبوه گلهای ریز و استادانه‌ای، مصوّر گشته و آیتی از دقت و کمال بشمار می آید. زنبق پرحالتی در وسط جلد، تصویر شده و انواع گلها و شکوفه‌های وحشی و خوشه‌ای، با تناسب خاصی در کناره‌ها نقش بسته و خرمنی از گل ها را در بر گرفته است.

---

*محمد امین ـ نقاشی بروی فلزات و اسطرلابها بود و در قرن ۱۱ هـ. قـ. زندگی میکرد. فرزند این هنرمند، محمد طاهر اسطرلاب ساز است که از پدر و استاد عبدالانمه، فنون مربوطه را یاد گرفته و در فن خود صاحب مقام گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

انتخاب گلها و دقت در رنگ آمیزی، استادانه بوده و رنگها نیز در حدّ خود رنگ پریده و پخته میباشند.
کناره جلد، با زنجیره‌ای از تذهیب فوق العاده ظریفی، ترسیم یافته و مهارت و دقت نقّاش را در امر تذهیب و زنجیرسازی برملا ساخته است.
رقم نقّاش و سجع انحصاری آن، بخط فوق العاده ریزی که باشکال میشود قرائت نمود، ترقیم شده که چنین است. «رقم ذره بیقدر امین ۱۰۷۰» مضبوط در مجموعه نگارنده ـ تهران
دیگر اثر این هنرمند که در کاخ ویندسور انگلستان مضبوط است رقم دارد: «امین ۱۰۶۹»
از دیگر آثار بی رقم این هنرمند که در شیوه همین گل آرائی نقش بسته و عکس رنگی آن نیز بشماره ۷۵ در کاتالوگ مجموعه پرنس صدرالدین آقاخان، چاپ شده، تصویر دسته گل زیبائی است که دو پرنده زیبا، بروی شاخه‌ها قرار گرفته و چند پروانه نیز در زمینه اثر دیده میشوند.
در زمینه گل آرائی که تپه‌ای را نشان داده، یك شاخه گل بیابانی پنج پره و یك شاخه قرنفل زیبا، که بعینه شبیه این گل آرائی جلد است به مهارت تمام مصوّر ساخته و هنر گل آرائی اش را بتمام و کمال بمنصه ظهور نهاده است.
این دسته گل تزیینی نیز در زمینه زرد نخودی قرار گرفته و بسان زمینه جلد مذکور میباشد.

● محمد امین جدول کش و ابری ساز در ملا محمد امین جدول کش آمده

۹۳۶ـ محمّد امین «مذهّب»

مذهّب و خوشنویس گمنام اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. بود و در تذهیب و حل کاری و کتابت خطوط، دست پر حلاوت داشت.
از تذهیبات رقم دار وی، تاکنون دیده نشده ولی در انتهای خطوطی که بیادگار مانده و حالیه در کتابخانه خزینه اوقاف اسلامبول بیادگار است، خود را مذهّب نامیده و بعید هم نیست که کناره خطوط و مرقعاتی که بدست هنرمند فرجام می پذیرفته، خود تذهیب میکرده و آرایش میداده است.
ارقام خطوط مذکور چنین است:
۱ـ کتبه محمد امین بن ابراهیم المذهّب ۹۹۰، ۲ـ الفقیر محمد امین بن ابراهیم المذهّب، حرره بمکه المشرفه فی شهور ۹۹۱، ۳ـ مشقه محمد امین المذهّب غفرذنوبه.

۹۳۷ـ محمّد امین «مینا ساز»

میناساز و نقاش و نگارگر شیرین قلم دوره فتحعلیشاه قاجار بود و در حرفه خود دست دقیق نگار داشت.
این استاد گویا از شاگردان استاد محمد جعفر میناساز بوده و شیوه او را در تصاویر خود، انتخاب کرده و تجلّی میداده است.
از آثار چشم نواز این میناساز، سینی مینائی مخصوصی جهت عباس میرزا است که با نقوش دل انگیز و رنگهای روشن و پخته، انجام پذیرفته و به نیکوترین وجهی مینائی شده است.
این اثر استادانه که با رقم «غلام درگاه محمد امین» امضا شده، یکی از بهترین آثار هنرمند بشمار میآید.

---

*محمد امین بخاری ـ از نقّاشان گمنام اواسط قرن هـ. قـ. بخارا بود که در کارگاه هنری بخارا بخلق نقوش مورد علاقه‌اش اشتغال داشت.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۳۸ـ محمّد امین بن محمّد مومن اصفهانی

اهل اصفهان و نقّاش و آرایشگر کاشیها و نقوش تزیینی و خطوط مختلف بروی آنها بود و در حرفه خود مهارت پسندیده داشت.

این استاد طراح و رسمی ساز نقوش مختلفه و خطاط کوفی های تزیینی و پیرآموزی و بنائی بود و کاشی ها را با تزیینات گوناگون و خطوط شیوا می آراست.

از آثار امضادار این هنرمند که خطوط بنائی و تزیینات مختلف کاشی کاری را یکجا ارائه داده، پیرایش صفّه استاد، در مسجد جامع اصفهان است که در دوره شاه سلطان حسین صفوی کاشی کاری و تزیین شده است.

صفّه استاد که در ایوان غربی مسجد جمعه بوده و اصل بنای اولیه‌اش در دوران سلجوقی بعهده فرجام رسیده، با تزیینات دوران صفویه تکامل یافته و نقش و طرح کاشی های اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. را این استاد بعهده داشته است.

رقم نقّاش در ایوان غربی مسجد جمعه و همچنین چهار مصرع فارسی که در چهار ترنج غیر منظم آن درج شده، چنین است.

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند — بردند و بمیزان عمل سنجیدند
بیش از همه‌کس گناه‌ما بود ولی — ما را بمحبّت علی بخشیدند

و در وسط چهار ترنج و در یك شكل مربع بخط بنائی نوشته شده است «عمل ابن محمد مومن محمد امین»

این بنا که در سال ۱۱۱۲ هـ. قـ. آرایش و کاشی کاری گشته، امضای دیگر نقاش نیز در طرفین پنجره مشبك، مجدداً ارائه گشته که چنین است:

غرض نقشی است کز ما بازماند — که هستی را نمی بینم بقائی
«عمل ذره‌بیمقدار ابن محمدمومن»

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در حق مسکینان دعائی
«محمد امین بناء اصفاهانی»

۹۳۹ـ محمّد ایواوغلی

از اهالی قصبه ایواوغلی نزدیك شهر خوی است که انگور شاهانی اش شهره آن دیار میباشد.

این هنرمند از قورچیان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب بود و در تذهیب و طلاکاری ید طولائی داشت، بیشترین کارهای این هنرمند، تذهیب و تزیین و حاشیه بندی قطعات و نسخه‌های خطی بود و چون در صنعت شعر نیز دست داشت، اغلب سروده‌های خود و سایر شاعران را تذهیب کرده و هنر متعالی خود را عرضه مینمود.

۹۴۰ـ محمّد باقر (آبرنگ ساز)

نقّاش ساده نگار و گمنام اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و کتاب های تاریخی را بشیوه خود تصویر می نمود.

از آثار رقم دار وی که به آبرنگ ترسیم شده، مجلس یوسف و زلیخا بود که به لاجوردی و رنگ های تند، نقاشی شده و رقم داشت: «محمد باقر ۱۲۴۰»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۴۱ ـ محمّد باقر (شاگرد رضا عبّاسی)

فرزند و یا از شاگردان بسیار نزدیك رضا عباسی بود که در دو اثر بجا مانده وی، با درج جملاتی از قبیل «فرزندی اعزّی محمد باقر» و یا «هو فرزندی محمد باقر آنچه سفارش کردم مبادا از خاطر محو شود که عذر مستمع نیست انشاءالله تعالی. رقم کمینه رضا عباسی» وی را حرمت نهاده و او را به‌کار مداوم تحریص کرده است. از این نقّاش تاکنون اثری به‌دست نیامده و احوال وی نیز در مدارك قدیمی دیده نشده، و علت این قرابت فامیلی و یا نسبت شاگردی و استادی که ما حدس زده و یقین داشته‌ایم، تنها به استناد نوشته‌های خود رضا عباسی است که در ذیل دو اثر بجا مانده، تذکرات مفیدی به فرزند یا شاگرد خود، داده و او را به فعالیت بیشتری تشویق کرده‌است.

۹۴۲ ـ محمّد باقر (مذهّب باشی مشهدی)

احوال این مذهّب باشی نیز بسان هنرمندان دیگر بر ما نامعلوم است ولی نامه‌ای که عکس آن بشماره (۴۳) در صحفه(۹۶۸)چاپ می گردد، علاوه براینکه، گوشه‌ای از هنر تذهیب وی را نشان میدهد، نامه‌ای است که از طرف یکی از مشاهیر دینی آن زمان، به تولیت عظمای آستان قدس رضوی ارسال شده و در متن نامه نیز مختصری به احوال هنرمند اشاره شده است. متن نامه که در دو قسمت نوشته شده چنین است:

«*بعرض عالی میرساند که همواره وجود مبارك در حفظ و حراست حضرت سبحانی بوده ملالی نخواهد بود چون جناب محامد نصاب عمدة الاعاظم و الاشراف حاجی نقّاشباشی و خادم آستانه رضوی سلام الله علیه از اهل کمال و صنایع می باشند اباً عن جد صاحب خیرات و مبرّات بوده لذا خواهش دارد. . . .*»

در حاشیه، با تذهیب فوق العاده ریز و عالی درج نموده.

«*بسم الله الرحمن الرحیم بعرض میرساند که انشاء الله تعالی درباره جناب مستطاب حاجی میرزا محمد باقر مذهب باشی توجه و التفات حاصل خواهند فرمود، البته شایستگی دارند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته*»

اصل نامه که در مجموعه نگارنده، مضبوط می باشد مؤید این نکته است که این هنرمند، علاوه براینکه نقّاش باشی و مذهّب باشی شهر مشهد بشمار می آمده، شخصیتی از اعاظم و اشراف مشهد نیز محسوب می گشته و مورد احترام اهالی بوده است.

یکی از آثاراین هنرمند، قاب آینه زیبا و استادانه‌ای بود که در حراج ساتبی لندن به سال ۱۹۷۶ به فروش رسید که معرف هنرمندی این استاد بود.

در روی قاب آینه، تصویر زن جوانی به قیافه و البسه اروپائی نقش بسته بود که بچه خردسال خود را بغل گرفته و نوازش می داد. این تصویر که در بین محدوده بیضی شکلی انجام، یافته بود به گل های شاداب پراکنده‌ای، حاشیه گیری گشته و در نوع خود باطراوت بود.

در داخل قاب آینه، تصاویر دختر و پسرهای جوان که همه آنها لباس فرنگی بتن کرده بودند، دیده می شدند، که یکی از آنها چند جوجه کوچك را بدست گرفته بود. در طرف دیگر، مجلس خصوصی زن های جوانی بود که با دخترها و بچه های خود، دور هم نشسته و یکی از آنها جوراب خود رااز پای، بیرون می آورد. حواشی وانتهای تمام البسه، با حاشیه‌گیری طلائی، آذین شده و در قسمت بالای قاب آینه، رقم داشت:

«کمترین اقل الحاج میرزا محمد باقر مذهب باشی نقاشباشی آستان قدس ۱۳۱۴» مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۴۳ ـ محمّد باقر (مینا ساز)

از هنرمندان مینا کار دوره فتحعلیشاه و محمد شاه قاجار بود و عمده آثار خود را در زمان این دو پادشاه، و چه بسا به سفارش آنان انجام می داده‌است.

این هنرمند، در ارائه گل و مرغ و زیبائی های طبیعت، شیرین قلم بود و چهره پردازی و صورت سازی را، به شیوه‌اروپائی و ایرانی، قوی و با حالت می ساخت و در تزیین البسه و حواشی تصاویر، ابتکار هنرمندانه‌ای داشت.

در جانور سازی و تصویر پرندگان خوش قلم بود، و رنگ پوست و حالت ترس و فرار آنها را، به استادی برملا می ساخت، طراحی و رسمی سازی وی دقیق بود و آبرنگ و قلم سیاهی را که پایه اولیه صنعت مینا کاری هستند، لطیف و پرمحتوی میساخت.

در نظم شعر نیز دست داشت و گو اینکه به‌اصطلاح، عامی می سرود، ولی اشعارش باب کارش بود و مطابق روند کار و مزیت تصویر، سروده‌های خود را، با موضوعات نقوش، هم اخت می نمود و شیرین و عامه پسند، به نظم در می آورد.

به غیر از هنرهای امتیاز آفرین، در صنعت ترسیم و نقوش علمی و ستاره شناسی، از جمله مشخصات فنی و بسیار دقیق، نقوش اسطرلابی، صاحب مقام بود و بطوری که در ذیل یکی از کارهای وی دیده میشود، علاوه بر زیبا آفرینی هنرمندانه‌ای که در نوع خود ستودنی میباشد، در ترسیم بروج دوازده‌گانه و متعلقات آن، هنرمندی خبره و بااطلاع بوده است.

از دو اثر به یادگار مانده و تاریخ دارش که یکی در سال ۱۲۳۶ هـ. قـ. و دیگری در سال ۱۲۵۹ هـ. قـ. به عهده نقش درآمده، مبین این نکته است که این مینا ساز، در دوران دو پادشاه قاجار، دست به‌هنر یازیده و بیش از یك ربع قرن، فعالیت مینا سازی داشته است.

از یادگارهای ارزنده وی که درمجموعه کریستی قرار دارد، ظرف مینائی سرپوش دار نفیسی است که با بشقاب و قاشق مینا و مطلائی یك دست کرده و به نقوش گوناگون و چشم نواز، تصویر نموده که در تاریخ ۱۲۳۶ پایان پذیرفته است.

در حواشی گردونه‌ای ظرف مینائی، که به‌شکل کاسه‌ای عمل آمده، در بین ترنج های مخصوصی، تصاویری نقش کرده و جمله‌ای پهلوی آن نوشته است.

این جملات و تصاویر که به‌ردیف پهلوی هم قرار گرفته‌اند عبارتنداز:

۱ـ کف الخصیب ـ پهلوی آن تصویر دختر زیبائی ترسیم شده

۲ـ حامل رأس القول ـ دختری، کله پیر مرد شاخداری را که در قیافه غول ها تصویر شده بدست گرفته است.

۳ـ المسلسله ـ دختری نقش نموده که زنجیری بدست دارد.

۴ـ سماك رامح ـ دختری تیرزین درویشی بدوش حایل کرده است.

۵ـ شعرای یمانی ـ دختر زیبائی است که نشسته است.

۶ـ الجبّه ـ دختری که مثل پسرها شده و ماری بدست گرفته است.

در روی سرپوش و کناره های دستگیره آن، تصاویری از حیوانات مختلف نقاشی کرده و این ابیات را در کناره سرپوش نوشته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

موش وبقر وپلنگ وخرگوش شمار — زینهار چوبگذری نهنگ آمدو مار
و آنگاه به‌اسب و گوسفند است حساب — همدونه مرغ و سگ و خوك آخر کار

کلمه زینهار را بغلط، زینحار درج کرده است.

و در محل دیگر، این ابیات نوشته شده:

زرین فنجان دست خاقان — برجام جم انتخاب بنگر
در سیمین برج پنج پایه — زرین ماهی بتاب بنگر
نی نی فلك و دوازده برج — در پنجه آفتاب بنگر

و در صحن بشقاب، تصاویری از برج دوازده گانه رسم کرده و در وسط آن، زن و مردی را ارائه داده که در چنگال اژدها اسیر هستند و در زیر دست های دختر جوان، رقم دارد: «غلام خانه‌زاد باقر» و در حواشی این ابیات بچشم میخورد: «السلطان بن السلطان فتحعلیشاه»

این پیکر زرین تن جان پرور دلخواه — در محفل دارای زمین چون به فلك ماه
نی نی فلکی یافته از طالع مسعود — درانجمن علت ایجاد فلك راه
هفت اختر سیاره در آن آمده ثابت — از امر شهنشاه جهان فتحعلیشاه

۲ـ چند اثر مینائی دیگر که جزو جواهرت سلطنتی دربار انگلستان است. در زمان سلطنت فتحعلیشاه و به‌وسیله وی به پادشاه انگلیس هدیه شده و رقم باقر و محمد باقر میناساز را در بر دارد.

۳ـ میناهای مختلف نفیس و گرانقدری که بشکل فنجان و نعلبکی و بشقاب بوده و جزو مجموعه یکی از کلکسیونرهای سرشناس انگلیسی قرار دارد. به گل و مرغ و تصاویر زیبا واشعار نستعلیق آرایش شده و رقم دارد: «محمد باقر»

۴ـ کم نظیرترین آثار مینائی این استاد که در مجموعه آقای فرخ محبوبیان قرار دارد، کارد گل و مرغی شیوائی با تصاویر، ماهرانه ایست که تمام زیر سازی و فلز کاری اولیه آن، به طلای ناب ساخته شده و به رنگ های مختلف و چشم آذین، تزیین شده که آیتی ازکمال می باشد.

در زیر تیغه و دو سهم اولیه آن، دسته گل های متنوع و خوشرنگی به‌رشته نقش درآمده که با سایه استادانه و تناسب ماهرانه، درکنار یکدیگر هم بستر شده و مرغ های شادان و پر حالتی نیز که رنگ های الوان و گوناگونی دارند، به‌روی گل ها به آرامش تمام، جلب نظر می نمایند.

در قسمت پایین تر و در داخل دو ترنج خوش قواره، که با رنگ سبزی، حاشیه گیری شده، تصویر دختری، فتان و خرامان است که عرقچین سفید و راه راه قرمز بسر نهاده و موهای خود را به اطراف ریخته و البسه زیبای فرنگی بتن نموده، و غزال رامی را به آغوش گرفته و خود نمائی می کند. و در زیرترنج، دو مرغ شانه‌بسر و ظریفی، به استادی تمام جلوه گراست.

در طرف دیگر و در ترنجی شبیه ترنج اولیه، دختر لوندی که پستان های خود را عریان ساخته، مشغول خود نمائی است، دختر جوان لباس فرنگی، با رنگ های شاد و روشن پوشیده و یك ریسه مروارید غلطان، به گردن آویخته و گوشواره های جواهرنشانی به گوش کرده است.

بروی خرمن گیسوهایش، کلاهی با ریسه مرواریدی که گل جواهرنشانی در وسط دارد، قرار داده و پیاله و جام شرابی را بدست گرفته، دلبری می نماید.

در زیر این ترنج حاشیه گیری شده نیز، بسان ترنج اولیه، دو مرغ شانه‌بسر جلب نظر می نمایند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در قسمت پائین کارد، که محفظه تیغه آن بشمار میرود، دسته گل های شاداب و دست چین، از پائین تا کمر محفظه ادامه داشته که آیتی از کمال به حساب می آید، در یك طرف آن، دو گل سرخ و یك زنبق آبی و انبوه لاله و گل های تزیینی دیگر، به شیوائی نقش بسته و چند مرغ رنگین و پرآرایش، بروی گل ها در جست و خیز می باشند.

در طرف دیگر، به همین عیار و استادی، گل های سرخ و زنبق و داودی و گل های متنوع دیگر، بسان گلستانی از گل و غنچه‌ها تصویرشده و چند مرغ رنگی هم، در لابلای آنها دیده می شوند.

انتهای محفظه کارد، گردونه‌ای و کره‌ای است که بروی آن، گل های متنوع و ریز نقشی تصویر شده و جای خالی مشاهده نمی گردد.

در کناره های کارد و در داخل شش کتیبه بزرگ و کوچك تر، این ابیات بخط نستعلیق آبی نوشته شده و رقم نقاش، در بین کتیبه ها چنین است:

ایـن کارد مرصـع و مینـاسـازی زینـت ده دسـت و کمـردلـداری
خونـریـزتـری زتیـغ ابـروی بتـان ای کاربـگـو چه‌فتنـه برسـر داری

«عمل کمترین محمد باقر شهر ذیحجه ۱۲۵۹»

۵ـ از تنها آبرنگ سیاه قلمی این هنرمند که در مجموعه نگارنده در تهران است، آبرنگ گل کوکب پرپری است که با توازن ماهرانه‌ای بروی ساقه آن تصویر نموده و سایه ها و نیم سایه آن را به استادی بنقش در آورده است.

جهت تناسب و زیبائی و حلاوت گل، سه برگ شیوا و آراسته‌ای، از پایه گل رویانده، و تناسب و طراوت آنرا مضاعف نموده و بخط نستعلیق خوش رقم نهاده است: «عمل کمترین محمد باقر مینا ساز سنه ۱۲۶۶» تصویر شماره (۴۴) در صفحه (۹۶۹)

۹۴۴ ـ محمّد باقر (نقّاش صفوی)

در شیوه اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. تصویر سازی می کرد، که تنها یك نمونه تاریخ و رقم دار وی را مشاهده کرده‌ام.

این هنرمند در چهره پردازی شیرین قلم بود و در مکتب اصفهان نگارگری می کرد.

از تصاویر رقم دار وی، تصویرایستاده درویشی بود که صراحی شراب را بدست گرفته و به عصا تکیه داده و به حالت خماری در جائی ایستاده بود. رقم داشت: «محمد باقر ۱۰۶۹».

۹۴۵ ـ محمّد باقر (نقّاش و قاطع)

نقّاش و قاطع دقیق کار و نازك قلم، دوره ناصر الدین شاه قاجار بود و دراین هنرها، سر رشته کامل داشت.

این هنـرمنـد، طراحی و الگوی اولیه هر قطاعی را، به ابتکار و شیوه خود طراحی کرده و سپس باقیچی مخصوصی که مختصّ هنر قطاعی است، با دقت و نردستی بخصوصی، قطاعی میکرد.

از آثار قطاعی وی، منظره درخت رنگین و پرشاخه و برگی بود که به استادی و نازك قلمی، قطاعی شده و با سفیداب رقم گذاشته بود: «محمد باقر ۱۲۶۲».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۴۶ ـ محمّد باقر اصفهانی (یا باقرالعلوم)

فرزند محمد علی و نقّاش پرکار و صاحب ذوق دوران زندیه از اهالی اصفهان بود و به آقا باقر شهرت داشت.

این هنرمند نام خود را به گونه ها و سجع های مختلف از قبیل ـ باقر ـ محمد باقر ـ یا امام محمد باقر ـ یا باقر العلوم ـ باقراز بعد علی اشرف شد ـ کمترین آقا باقر انتخاب کرده و زیراثر می گذاشت که عمده آنها، همان سجع (یا باقرالعلوم) بود که دراجرای کارهای مشکل تر، از بکار برد نام نامی امام محمد باقر علیه السلام یاری جسته و بدرج اسم آن حضرت، افتخار می نمود. تنها مدرك تاریخی که نام این استاد را در ردیف سایر هنرمندان دوره کریمخان زند (۱۱۹۲ـ ۱۱۶۴ هـ. قـ.) قید کرده، کتاب رستم التواریخ میباشد که در این باره چنین نوشته‌است:

«دیگر آنکه در آن عصر پسندیده خلایق در آن آرمیده، نقاشان زیبا نگار و مصوران شیرین کار بوده‌اند، از آن جمله عالیشانان آقا زمان ـ آقا باقر ـ آقا صادق ـ میرزا حسن ـ میرزا محمد که هر یك در نقاشی و مصوری مانی ثانی، بلکه به هزار درجه بالاتر از مانی بوده‌اند.»

از سجع دیگر وی که عبارت از «باقر از بعد علی اشرف شد» بوده، می شود فهمید که این استاد، به اصطلاح، قلاده شاگردی علی اشرف مشهور را به گردن انداخته و از رموز هنری وی بهره‌یاب گشته و به مدارج دلخواه خود دست یافته است.

محمد باقر، در رشته های گوناگون نقاشی، از قبیل رنگ و روغن و آبرنگ و سیاه قلم و کارهای روغنی (قلمدان سازی) دست پرهنر داشت و در اجرای آنها موفق بود.

این هنرمند در فرنگی سازی و چهره پردازی و تذهیب و تشعیر و جانور سازی شیرین قلم بود و سایه ها را به‌استادی و ابتکار خاص خود، تکه‌ای یا پردازی عمل می آورد.

آقا باقر گل و مرغ را در شیوه استاد علی اشرف غنی و پربار می ساخت و طراوت گل ها را طبیعی تر جلوه میداد.

چند اثر رنگ و روغنی وی که دراوایل اشاعه کارهای رنگ و روغنی در ایران فرجام پذیرفته، مبین قدرت قلم و ابتکار نقاش، در ارائه مجالس رزمی و بزمی است که به‌ابتکار خاص نقّاش، به اتمام رسیده است.

این نقّاش، یکی از پیش تازان نقّاشی رنگ و روغنی ایران بشمار می آمده که قبل از میرزا بابا و محمد علی و عبدالله خان و سایر نقّاشان مشهور اواخر زندیه و اوایل قاجاریه به بعضی از نکات و ریزه‌کاری های آن آشنا گشته و راهگشای هنرمندان بعداز خود گشته است.

در چند اثر رنگ و روغنی و بجا مانده وی که در دسترس میباشند، حلاوت قلم و چهره پردازی پسندیده و انتخاب رنگ ها و سایر ریزه کاری های دیگر که در بدایت کار، اشکالات فراوانی داشته‌اند، از عهده بر آمده و شیوا و هنرمندانه عمل آورده است.

استاد باقر، قوانین مناظر و مرایا را به ذکاوت هنری خود، درك کرده و در ارائه آن توفیق یافته است. آشکارترین سند این مدعا، ترسیم صحیح دو دیواره پشت سر تصویر میرفندرسکی است که در صفحه ۳۱۸ مرقعات کتابخانه سلطنتی عرضه شده است.

عمده کارهای روغنی وی، جلد کتاب و قاب آینه سازی بود و کمتر به تصویر قلمدان ها می پرداخت.

این نقّاش، بسیارپر کار و دقیق نگار بود و در جمله آثارش، علاوه بر اینکه سجع های گوناگون خود را ثبت می نمود، تاریخ هر کدام را نیز درج میکرد که این خود یکی از امتیازات قابل توجهی است که کمتر نقاشان دیگر، به آن مبادرت کرده‌اند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تاریخ تولد و حیات آقا باقر، مشخص نیست ولی آنچه از سنوات آثاری بجا مانده‌اش برمی آید، بین سنوات ۱۱۶۰ تا ۱۲۱۰ هـ. ق. فعالیت هنری داشته و پس از آن معلوم نشده، که تا چند سال دیگر زنده بوده است.

آثار بجا مانده و شناخته شده وی عبارتند از:

۱ـ قدیمی ترین اثر قلمدانی وی که در مجموعه نگارنده در تهران است قلمدان گل و مرغی شیوائی است که اقسام گل ها را به‌روی آن ظاهر ساخته است. حواشی قلمدان نیز، جمع گل هائی از قبیل قرنفل و گل فندقی و سایر گل های تزیینی است که بروی زمینه سبز و سیر قلمدان جلوه‌گر گشته است. و به‌خط طلائی رقم دارد: «یا باقرالعلوم ۱۱۶۰»

۲ـ دیگر قلمدانی که ازاین هنرمند دیده‌ام. قلمدان گل و بلبل زیبائی بود که بسان قلمدان یاد شده به انواع گل ها آرایش شده و رقم داشت: «یا باقرالعلوم ۱۱۷۵».

بقیه کارهای روغنی این هنرمند که جلد و قاب آینه ها هستند عبارتند از:

۳ـ قاب آینه پر حلاوت گل و مرغی بود که حواشی آن، به تذهیب استادانه ای عمل آمده و تصویر سفارش دهنده نیز، در داخل قاب آینه جلب نظر می نمود.

رقم داشت: «یا باقرالعلوم ۱۱۸۳».

۴ـ قاب آینه گل و مرغی بود که رویه و اطراف آن، از جمع گل ها تصویر گشته و رقم داشت: «یا باقرالعلوم».

۵ـ قاب آینه مجلسی عالی بود که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار داشت.

در وسط رویه آن، تصویر پیرمردی دیده میشد که شاهزاده جوانی با عبا و البسه مخصوصی که بتن کرده بود، به حالت احترام در مقابل وی ایستاده بود. عده‌ای از مریدان و همچنین همراهان شاهزاده، در کنار آنها قرار گرفته و ناظر صحنه بودند. رقم داشت: «محمد باقر ۱۱۹۳».

۶ـ دیگر از قاب آینه‌های ساخت این استاد، قاب آینه‌ای بود که در حراج ۲۴ آپریل ۱۹۷۹ ساتبی لندن بفروش رسید.

رویه قاب آینه، مجلس یوسف و زلیخا بود که زلیخا در صدر مجلس نشسته و به متکا تکیه داده و مستخدمی که پشت سر زلیخا قرار گرفته، طراوت جوانی و زیبائی یوسف را به او شرح میدهد. و یوسف جوان که لباس بلند طلائی رنگ پوشیده و عمامه‌ای به همان رنگ ها بسر گذاشته، با حجب تمام، وسط مجلس ایستاده و آفتابه لگن بدست گرفته است.

سایر همراهان زلیخا که در اینجا، تنها چهار نفر تصویر گشته‌اند، محو زیبائی یوسف گشته و موقع خوردن نارنج ها، دست های خود را بریده و حیران افتاده‌اند.

در طرف دیگر نیز، گل و مرغ های شیوا و سایر مناظر دل انگیزه بود و رقم داشت: «کمترین باقر ۱۱۹۴».

۷ـ دیگر از قاب آینه‌های چشم نواز این استاد، قاب آینه تصویری است که در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی جلب نظر می نماید. درروبه بیرونی قاب آینه، تصویر دختر بسیار دلربائی که بسان شیوه زندیه ترسیم شده، به حالت طنازی و خماری دیده میشود.

در این صحنه، زن جوان نیم تنه کردی بتن کرده و انواع جواهرات و سنگ های زمردین، به لباس آویخته و بادبزنی بدست گرفته و مشغول استراحت است.

در طرف دیگر، دوشیزه طنازی است که البسه رنگین پوشیده و جواهرت خود را به نمایش گذاشته و سرگرم دلربائی است. در پشت سرش، دو خدمه زیبا جلب توجه میکند و دو ظرف پراز میوه در مقابل آنها دیده میشوند.

صحنه دیگر، صحنه مذهبی و مسیحی است که حضرت مریم، عیسی را در بغل گرفته و یوسف نجار و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

همراهان دیگرش در مقابل آنها ایستاده و ناظر صحنه می باشند، تصویر گاو و یابوی آنها در کنار آنها ترسیم شده است.

این قاب آینه که در کمال استادی و گویا به سفارش یك نفر مسیحی، انجام پذیرفته و در مدت یازده ماه به قدرت قلم تصویر گشته، دربالا و پایین رویه قاب آینه، رقم دارد: «رقم کمترین محمد باقر بن محمد علی بدارالسلطنه اصفهان ـ در مدت یازده ماه به اتمام رسید. به تاریخ شهر جمادی الاول سنه ۱۱۸۷»

آقا باقر علاوه بر قاب آینه های مذکور، هنر خود را بروی جلدهای مختلف نیز ارائه داده که عبارتند از:

۸ـ جلد کتاب مندرسی بود که احتیاج به تعمیر داشت ولی گل و مرغ های کم نظیری به روی آن نقّاشی شده بود و رقم داشت: «یا باقرالعلوم ۱۱۹۰»

۹ـ جلد قرآن مزین گل و مرغی مضبوط در کتابخانه گلستان بود که به انواع گل ها و لچك های تذهیبی تزیین شده و رقم داشت: «یاامام محمد باقر».

۱۰ـ جلد رحلی بزرگ و پرکار گل و مرغی بود و رقم داشت: «یا باقرالعلوم»

۱۱ـ جلد فوق العاده دیگری بود که به گل و بلبل آراسته گشته و حواشی به تشعیر فریبنده‌ای آذین شده و امضا داشت: «یا باقرالعلوم ۱۱۹۵».

۱۲ـ دیگر از جلد های قرآنی این هنرمند، که در کتابخانه گلستان تهران قرار دارد. جلد روغنی گل و مرغی و اندرون سوخت معرق و تذهیبی بود که رقم داشت: «عمل آقا محمد باقر».

از آثارارزنده دیگر این نقاش که در آبرنگ و سیاه قلم ترسیم شده و مهارت وی را در این شیوه‌ها برملا ساخته، عبارت است از:

۱۳ـ تصویر گل زیبائی بود که در حراج کل ناقی لندن به‌فروش رسید و به‌خط بد قلم موئی رقم داشت: «به‌جهت نور چشمی محمد حسن مشق شد. کمترین محمد باقر بن محمد علی».

۱۴ـ تصویر زن جوانی بود که بروی صندلی نشسته و در مقابل وی، مرغابی و خرگوشی باهم بازی می کردند. خدمه زیبایش که کتاب هائی در شیوه زندیه پوشیده و سینی طلائی به دست گرفته، مشغول خدمت بود. حواشی تصویر، گل و مرغ های طلائی و دلربا داشت و رقم نقاش چنین بود: «یا باقرالعلوم ۱۱۹۷».

۱۵ـ تصویر مرد نگون بختی بود که بسر پنجه شیر گرفتار آمده و به تلاش بی حاصل خود ادامه میداد. ارائه صورت وحشتناك شیر و همچنین قیافه درمانده و مستأصل مرد بدبخت، استادانه بود و رقم داشت: «مشق کمترین محمد باقر».

۱۶ـ دیگر آبرنگ این هنرمند که در کتابخانه چستربیتی قرار دارد. تصویر زن چاق و فریبنده‌ای است که زانو زده و روی پارچه سفیدی که بروی سنگ ها گسترده شده، تکیه داده است. بدن عریان و دل انگیز زن جوان به استادی ارائه شده و رقم داشت: «کمترین محمد باقر ۱۱۷۸» حواشی تصویر، و ارائه گل های الوان و تك درخت تنومندی که در بین گل ها، ترسیم شده ستودنی است.

۱۷ـ آبرنگ دیگر وی که در چهره پردازی عمل آمده، تصویر لطفعلی خان زند بود که با چهره مردانه و قیافه زیبا ترسیم شده و کلاه مخصوص زندیه بسر گذاشته و البسه همان زمان ها بتن کرده و رقم دارد: «رقم کمترین آقا باقر».

عمده آثار آبرنگی این استاد که در مرقعات کتابخانه سلطنتی ایران جلب نظر می نمایند عبارتنداز:

۱۸ـ تصویر شاخه گل سنبل، بسیار پرحالت و چشم نواز. با رقم: «کمترین محمد باقر».

۱۹ـ تصویر سیاه قلمی شیر درنده‌ای ایست که به زنجیر مقید گشته و رقم دارد: «کمترین محمد باقر».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۲۰ـ تصویر میرابوالقاسم فندرسکی که نشسته و تسبیح بدست گرفته و کتاب و دوات در مقابل وی دیده میشود. رقم دارد: «کمترین محمد باقر ۱۱۹۲».

۲۱ـ تصویر درویشی با گیسوی بلند و ریش انبوه است که کلاه درویشی زیبائی بسر گذاشته و چماقی بدست گرفته و رقم دارد: «کمترین محمد باقر ۱۱۹۲».

۲۲ـ نقش تك شاخه گل سوسنی است که، برگ های سبز و رنگ بنفش ارغوانی تصویر گشته و رقم دارد: «کمترین محمد باقر».

۲۳ـ تصویر پرندگان رنگارنگی است که بروی درخت و گل سیب نشسته و رقم دارد: «کمترین محمد باقر ۱۱۹۵».

۲۴ـ دو تصویر ارزنده این استاد که در حراج ساتبی لندن بسال های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ بفروش رسید، یکی از آنها، گل سرخ فوق العاده زیبائی بود که رقم داشت: «کمترین محمد باقر. در ساری مازندران ساخته شد».

۲۵ـ و دیگری پرنده بسیار پرحالتی بود که بروی درخت سیب و گل های با طراوت آن نشسته بود و رقم داشت: «کمترین محمد باقر» تصویر شماره (۴۵) در صفحه (۹۷۰)

دیگر از آثار ارزنده این استاد، تصاویر رقم داری است که در آلبوم بزرگ ارمتیاژ لنین گراد و در صفحه سه آن چاپ شده که عبارتند از:

۲۶ـ تصویر دو گوزن کوهی که با گل های تزیینی آرایش یافته و رقم دارد: «باقر از بعد علی اشرف شد».

۲۷ـ منظره کوه و برگ های سرسبز. با رقم: «کمترین محمد باقر».

۲۸ـ تزیینات خوشه و برگ انگوری و طرح های اسلیمی. با رقم: «کمترین محمد باقر».

۲۹ـ گوشه ای از صنعت تشعیر و تذهیب با رقم: «کمترین محمد باقر».

۳۰ـ منظره کوه و درختان سرسبز و تصویر دو خرس. با رقم: «محمد باقر» جمع تصویرها در شماره (۴۷) صفحه (۹۷۱)

۳۱ـ تصویری از صورت شاه جهان، که حواشی آنرا با تذهیب و تشعیر و حل کاری حیوانات و پرندگان مختلف به استادی به پایان رسانده و رقم نهاده: «کمترین محمد باقر».

۳۲ـ و اماً از آثار استادانه و پر پیرایه این هنرمند که جزو آلبوم نفیسی قرار گرفته و در حراج Art Islamique به روز ۲۳ ژوئن سال ۱۹۸۲ در پاریس به فروش رسید، یکی، کپی پر مهارت سوزان و همراهان است که از روی آثار علیقلی جبادار تقلید نموده و به زبردستی از عهده برآمده است.

در این اثر آبرنگی، سوزان با بدن لخت و عریان، که اندك پوششی بروی پاها انداخته، بروی تکه سنگی نشسته و گویا استحمام می نماید، دو پیرمرد محارم که یکی نزدیك شده و آهسته با وی صحبت می کند، و دیگری که سر پا ایستاده و حوله‌ای بدست گرفته، در طرفین سوزان دیده می شوند.

منظره درخت پهناور و صخره های برجسته مجاور و همچنین حالات نفرات و رنگ آمیزی البسه آنها استادانه بوده و بسفیداب رقم دارد: «رقم کمترین محمد باقر ۱۱۷۸».

۳۳ـ دیگر اثر رقم دار هنرمند در مرقع مذکور. تصویر آبرنگی دو قطعه گل سرخی است که باغنچه‌ها و برگ های سرسبز، به حلاوت و استادی تمام عمل آمده و در دو صفحه روبرو و در داخل مرقع نصب گشته‌است.

هر دو قطعه ارقام و تاریخ یکسان دارند که چنین است: «رقم کمترین محمد باقر سنه ۱۱۷۸».

حواشی این مرقع که به نقش و نگار گوناگون و به انواع تذهیب ها و حل کاری ها و گل و مرغ های زیبنده و چشم نواز زینت یافته، بی شك اثر دست این هنرمند شیوانگاراست که علاوه از سه‌اثر رقم دارش که در داخل

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مرقع جلب نظر می نماید، کناره ها را نیز خود ترتیب داده و هنر خود را به انواع ممکنه ارائه داده است. تصویر شماره (۴۸) در صفحه (۹۷۲)

۳۴ـ از یادگارهای رنگ و روغنی این استاد، دو تابلوی رزمی و تاریخی مضبوط در کاخ گلستان است که یکی از آنها تابلوی شکارگاه شاه اسماعیل صفوی است که به‌لباس رزم ملبس شده و با همراهان به‌شکار پرداخته است.

۳۵ـ دیگری، تابلوی جنگ و محاربه امیر تیمور با ایلدرم بایزید عثمانی است که لشگریان متخاصم، در آرایش جنگی و اسلحه و ساز برگ مخصوص، منتظر فرمان حمله می باشند. رقم دارد: «کمترین محمد باقر».

۳۶ـ دیگر، تصویر رنگ و روغنی نقاش زن فتانی در کمال زیبائی و افسونگری است که دست راست را به‌زیر چانه تکیه داده و بادبزنی بدست گرفته و دلبری مینماید.

زن جوان چهار زانو و بسیار راحت نشسته و پشت به متکا داده‌است. قالیچه منقّشی به‌زیر پا انداخته و نقش دو سیب تنها، در جلو تصویر جلوه گراست. دو ریسه مروارید از گردن آویخته و پارچه تن نما پوشیده که نار پستانش، از زیر آن نمایان بوده و چاك پیراهن نیز باز و ناف آشکاراست، شلوار گشاد و کلفتی که نقش راه راهی دارد، به‌تن کرده و مثل کردی است، یك چادر گلدار و سبك بال، بروی سر انداخته و دست و پاها حنائی، فقط انگشتان پااز زیر لباس دیده میشوند. و روی معجر چوبی رقم دارد: «یا باقرالعلوم ۱۱۷۳».

دیگر شبیه این تابلوی رنگ و روغنی، تصویر رقاصه‌ای بود که زنگوله به‌دست ها کرده و یك دست خود را بالا برده و بادست دیگرش دامن را بالا زده و درحال رقصیدن بود. در روی معجر ساده اطاق، چهار گلابی بروی کاسه بود و زیرانگشتان دست راستی رقم داشت: «یا باقرالعلوم ۱۱۹۲»

۳۷ـ از اثار هنرمندانه تشعیر و سیاه قلمی غباری استادانه‌ای که در مجموعه نگارنده است گل اناری و غنچه‌ای اسلیمی است که رقم دارد: «یا باقرالعلوم»

۳۸ـ قلمدان استادانه گل و برگی که در روی قلمدان دو گل میخك تك شاخه‌ای و یك گل سرخ مصور ساخته و زیر قلمدان را نیز تذهیب استادانه نموده است. در کنار یکی از میخك های روی قلمدان رقم نهاده: «یا باقرالعلوم ۱۱۶۵» مجموعه آقای ادیب برومند.

۹۴۷ ـ محمّد باقرالامامی الحسینی

هنرمندی از سادات امامی اصفهانی است که بنا بر سوابق خانوادگی به حرفه نقّاشی رو آورده و در رشته گل آرائی فعالیت داشته است.

عمده کارهای این نقّاش، در شیوه آبرنگی و سیاه قلم بوده و در تذهیب و تشعیر و جدول سازی نیز دست شیرینی داشته است.

* محمد باقر بن حاجی زمان جیلانی ـ نقّاش و زرگر تصویر ساز دوران شاه عباس صفوی است که در آرایش و عمل کرد گنبد طلائی آستان قدس رضوی، بااستاد کمال الدین نازل یزدی همکاری داشته که اسامی آنان، در کتیبه میانی آستان درج شده که در سال ۱۰۱۶ هـ. ق. به عهده فرجام رسیده است.

* محمد باقر زرین قلم طغرائی ـ پدر محمد حسین عطاخان، خوشنویس لکنهوی مرصع رقم است که به زرین قلم موصوف بوده‌است.

این استاد خطوط طغرائی و نقاشی خط و خطوط گلزار و سایر تزیینات خطی را خوش می نوشت و دراوایل قرن ۱۳ هـ. ق. زندگی می کرد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از این نقّاش، قاب آینه گل و مرغی دیده‌ام که با تذهیب خوش قلمی تزیین شده و حواشی و متن قاب آینه نیز، منبت کاری گشته بود و رقم داشت: «رقم میرزا محمد باقر اصفهانی ۱۲۶۹».

۲ـ از آثار آبرنگی این هنرمند، تك شاخه گل سرخی به آبرنگ دارم که در کمال شیوائی عمل آورده و رقم دارد: «رقم محمد باقر الامامی الحسینی ۱۲۶۰».

۳ـ دیگر از آثار رقم دار این نقّاش، تصویر گل و برگی برازنده ایست که رقم دارد: «محمد باقر الامامی الحسینی ۱۲۷۲» مجموعه آقای مهدی عتیقی.

۴ـ ازاستادانه ترین آبرنگ این هنرمند، گل و بوته سازی کناره قطعه‌ای بخط علی مذهّب بود که در کمال استادی به فرجام رسانده و شاهکار گل سازی خود را عرضه کرده بود. متأسفانه تاریخ این آبرنگ را از ۱۲۷۹ به ۱۰۷۹ تعویض نموده و شناسائی آنرا تغییر داده بودند.

این اثر زیبا به خط نستعلیق خوش رقم داشت: «کمترین محمد باقر الحسینی الامامی ۱۲۷۹».

۹۴۸ ـ محمّد باقر سمیرمی نقّاشباشی

در ناحیه سمیرم، حدود قمشه اصفهان بدنیا آمده و در آن ناحیه، نشو و نما یافته و سپس برای کسب هنر مورد دلخواه خود به اصفهان رو آورده است.

به گفته مرحوم اسلامیان که از قول پدرش صحبت می نمود، روایت می کرد که مرحوم پدرم در اصفهان قلمدان سازی می کرد و اغلب حواشی و اطراف آن را نقّاشی و تذهیب می نمود. سمیرمی که دوره نوجوانی خود را طی می نمود، پهلوی پدرم می رفت و مدت ها بطرز کار و رنگ آمیزی آنها دقت کرده و اوّل تك تك اسامی رنگ ها و طرز عمل آوردن آنها را می پرسید و چون اهل طبیعت و عاشق زیبایی های آن بود، به دامن صحرا برمی گشت و هر آنچه دیده و شنیده بود بروی کاغذ میآورد و مداوماً تمرین می نمود.

بدین ترتیب مکتب و استاد اولیه وی، خوی جست و جوگری اش در دامن طبیعت بود که با یاری ذوق و استعداد ذاتی و کوشش های پی گیر و مداومش، مرد صحرا دیده و کوه پرورده را به نقّاشی پرآوازه مبدل ساخت.

او نقّاش چابك دست و پرابتکار بود و در تنوع آرایش و چهره گشائی، قدرت تکنیکی منحصر به‌فردی داشت.

سمیرمی در ایجاد مناظر مواج بدیع و آرایش دشت و دمن که خاطرات دوران کودکی اش را تداعی می نمود، قدرت قلم به‌خصوصی داشت و به دراویش و اهل طریقت ارادت می ورزید و احساس صوفیانه خود را، با ارائه تصاویر آنان ظاهر می نمود.

این هنرمند در رشته‌های گوناگون نقّاشی از قبیل رنگ و روغن ـ آبرنگ ـ سیاه قلم ـ طراحی ـ شبیه پردازی ـ جانورسازی ـ گرفت و گیر حیوانات و منظره سازی و ابداع رنگ های متنوع و زیبااستعداد فراوان داشت.

در شبیه سازی قدرت فراوان داشت و کوچکترین نشانه‌ای رااز نظردور نمی داشت. سایه ها را طوری طبیعی و ملایم درمیآورد که گویی شخص مورد نظر، زنده بوده و در مقابل شماایستاده است و چون طبع پژوهش گرش، در همه سطوح سیر می نمود، ته‌ریش جوانان ماه صورت و حلاوت تبسم زیبا رویان را طوری استادانه و ماهرانه می زد که اعجاب ناظرین را برمی انگیخت.

ابتکار وی در رنگ آمیزی تا حدی بود، که رنگ آمیخته‌ای، از رنگ سبز و سرنج درست کرده و در نقوش خود بکـار می برد و همین تلفیق رنـگ سبـز و نور سرخش بود، که به مثابه غروب آفتاب، دردشت و دمن زادگاهش، تجلی کرده و به‌نحوی از انحاء، در کارهای وی جلوه‌گر می گشت و از نشانه های بارز آثاری وی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بشمار می آمد سمیرمی، ابتکارات متنوعی داشت و چون با طبع کنجکاو و جست وجوگر خود، به دریای هنرها گام نهاده بود، تمکین و تقلید را محکوم می نمود و به ابتکارات هنری خود ایمان داشت.

این استاد با نقّاشان و قلمدان سازان روسی که به‌ناچار برای زلالی و صاف شدن رویه قلمدان، به‌وسط دریاها پناه برده و در بستر آن امکانات، نقش می آفریدند رقابت کرده و بدون اینکه احتیاجی به‌سفر دریاها داشته باشد در همان کنج خانه خود و در شهر اصفهان هنر می آفرید و بسان ماهرترین قلمدان سازان روسی، روشن و پرجمال عمل می آورد.

قلمدان های این استاد، چنان پاکیزه و ترتمیز و بدون خدشه‌ای از نقایص است که گوئی تازه از شست و شوی استادانه، بیرون آمده و تولدی تازه یافته است.

مقوا سازی قلمدان های وی نیز، تا حدی با سایر قلمدان سازان، مغایر بود و اندازه آنها را طوری سفارش می داد که از اندازه معمولی، تا حدی کوچکتر بوده و خوش دست و خوش تراش باشد.

سمیرمی نقش تصاویر را علاوه براینکه با آبرنگ عمل می آورد، در رنگ و روغن نیز صاحب کمال بوده و بعضی نقوش دقیق و نازك قلم را به رنگ و روغن ترسیم مینمود. او بسان هنرمندان قدیم اروپائی که آیکون های ظریف و کوچکی را برنگ و روغن مصور می ساختند، با شیوه‌ابتکاری و تردستی ماهرانه‌اش نقوش مورد دلخواه را بروی قلمدان ها ظاهر می ساخت و به استادی به نقش می کشید.

میرزا محمد باقر، درادبیات و عربیت نیز دست داشت و گاهی شعر می سرود و صدقی تخلص می نمود. این بیت از وی مشهوراست:

مغز نغزی جو که نزد من عرف یك گهر بهتر که یك دریا خزف

سمیرمی مردی سالم و سرزنده بود و اغلب ریش خود را حنا می بست و به لهجه محلی صحبت مینمود. سال دریافت لقب نقاشباشی و همچنین منبع دریافت این لقب به درستی معلوم نیست ولی درج لقب نقاشباشی، در تنها تصویر رنگ و روغنی آقا نجفی که بسال ۱۳۱۸ هـ. ق. فرجام پذیرفته، معلوم می نماید که این هنرمند، در آن زمان ها از ظل السلطان که پدرش باغبان آن شاهزاده بوده و اغلب مورد تشویق وی قرار می گرفته، دریافت نموده و ذیل آثار خود ثبت کرده‌است.

به روایتی این هنرمند، بسال ۱۲۸۳ هـ. ق. تولد یافته و در سنین هفتاد سالگی دراصفهان درگذشته است.

تصویر هنرمند در شماره (۴۹) در صفحه (۹۷۳)

آثار رقم دار شناخته شده وی عبارتند از:

۱ـ چند اثر رنگ و روغنی وی در مقبره رکن الملك و در سرقبر مسجد تخته پولاد اصفهان، و دیگر در تکیه میرداماد همان شهراست که تصاویری از رجال و اعیان آن دوره را نقش نموده و رقم خود را در زیر تابلوها قید نموده است.

۲ـ تصویر رنگ و روغنی آقا نجفی معمم اصفهانی است که در کمال استادی عمل آورده و رقم نهاده: «احقر عباد میرزا محمد باقر نقّاشباشی سمیرمی ۱۳۱۸».

۳ـ تصویر جد مرحوم صنیع خاتم (محمد جعفر شیرازی خاتم ساز به‌رنگ و روغن) که پیرمرد عمامه بسری بوده و عبا بدوش انداخته است. در حاشیه تصویر، اشعاری از قدسی شیرازی درج شده که تاریخ وفات وی را درج کرده است. رقم دارد: «سمیرمی» مجموعه نگارنده ـ تهران.

۴ـ قلمدان تصویری و فوق العاده زیبای نور علیشاه است که ایستاده در وسط قرار داده و پرندگان زیبا و رنگینی نیز در بالا و پائین تصویر نقش نموده که آیتی از زیبائی است این اثر استادانه که عکس رنگی آن در

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

صفحه ۱۸۷ کتاب Treasures of Islam چاپ شده رقم دارد: «۳۰۳ سمیرمی ۱۳۲۷»

۴ـ تصویر آبرنگی زن جوانی است که لباس راه راه آبی به تن کرده و در کمال دلربائی نقاشی شده است. رقم دارد: «سمیرمی» مجموعه آقای صمد خورشید.

۵ـ منظره رنگ و روغنی فرح افزا که مناظر کوه و دشت و دمن و درخت و گیاه را به استادی نقاشی کرده و در میان آنها غزال و آهوان خوش نقشی را به تردستی مجسم ساخته است. رقم دارد: «سمیرمی» مجموعه آقای ادیب برومند.

۶ـ قلمدان ارزنده و دلفریب، که در روی آن شمایل نور علیشاه به شادابی تمام تصویر شده و در بالا و پائین رویه، دو طوطی خوشرنگ و چشم نواز علاوه شده است.

حاشیه و دیواره های قلمدان، منظره کوه و دشت است و حیواناتی از قبیل شیر و گاو در صحرا دیده می شوند. رقم دارد: «سمیرمی ۱۳۲۴» مجموعه آقای ادیب برومند.

۷ـ قلمدان ممتاز دیگری که به سیاق قلمدان مذکور نقاشی شده، تصویر حضرت مریم و عیسی است که در قیافه های ایرانی انجام پذیرفته و در بالا و پایین رویه قلمدان، طوطی رنگینی ترسیم کرده و حواشی آنرا به جنگل و نی زار آراسته است که در بین آنها، دو شیر نر و ماده‌ای به گشت و شکار در حرکت می باشند. رقم دارد: «سمیرمی» مجموعه آقای ادیب برومند.

۸ـ دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند که در سنوات مختلف و تصاویر دراویش و عرفا و رجال نامی اصفهان بسان ظل السلطان حاکم وقت و زنان درباری آنها نقش بسته و رقم سمیرمی داشته‌اند، در مجموعه‌های شخصی و یا اینکه در عتیقه فروشی ها دیده‌ام که از ذکر جزئیات آنها خودداری می نمایم.

۹ـ اما قاب آینه ارزنده این استاد که در اندازه ۲۹×۴۰ سانتی متر بوده و در مجموعه نگارنده در تهران قرار گرفته است، مجالسی از تصاویر تمام قد اسفندیار و گشتاسب است که در محلی قرار گرفته و پشت سر آنان مناظر کوه ها و درختان زیبا جلب نظر می نماید. دو لك لك زیبا در هوا پرواز می کنند و یکی از آنها در رودخانه به شکار سرگرم می باشد.

پشت قاب آینه نیز، اسکندر پیروز را به حالت ایستاده و آرایش سلطنتی نشان داده که دو سردار زندانی دشمن، در مقابل وی زانو زده و سرداران و زندانیان مخصوص، ناظر این صحنه هستند. در ترنجی گلایی شکلی که به قرینه و در بالا ترسیم شده، رقم دارد: «سمیرمی ۱۳۲۰».

از این اثر، نمونه دیگری که در این اندازه نقش بسته و موضوع دیگری را تصویر کرده، در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد که فاقد امضای نقّاش می باشد.

۹۴۹ ـ محمّد باقر شیرازی

شیرازی و نقّاش روغنی جلد ها دراوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. بود. این هنرمند در گل و مرغ دست خوشی داشت و شیوائی و حلاوت گل ها را نیکو عمل می آورد. از آثار رقم دار این هنرمند، جلد پرامتیازی است که بر روی قرآن مجید تجلید شده و تنها اثر امضادار نقاش به شمار می آید.

این کلام الله، بدست استاد قاسم شیرازی و در سال ۱۱۱۷ هـ. قـ. به خط نسخ کتابت شده و زیر نویس فارسی آن را، خطاطی به نام محمد مهدی ابن محمد مغیث کلیددار شیرازی، نوشته است.

جلد کلام الله که بوسیله محمد باقر شیرازی در این سنوات ساخته شده، گل و مرغی پرحالتی است که مؤید

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

قدرت قلم نقّاش، در امر گل سازی است.

اندرون جلد، سوخت معرق و ملمّع است که این امتیازات نیز بدست استاد محمد باقر انجام یافته و مؤید شناسائی وی، در امر معرق سازی و تذهیب کاری می باشد.

۹۵۰ ـ محمّد باقر طاوس

استاد دقیق نگار لایه چینی بوده و آثاری که از این هنرمند به یادگار مانده، عمدتاً در شیوه لایه چینی بوده و روی آنرا نقش تصویر کرده است.

عمل لایه چینی که از اسمش نیز پیداست، نقاشی برجسته‌ای است که به حوصله تمام، بتونه مخصوص و آغشته به شیره‌انگور را روی طراحی نقوشی که قبلاً بروی بوم ترسیم شده، علاوه می نمایند و طرز کار هم به این طریق است که با قلم موی مخصوصی، بتونه را به روی طراحی های اولیه می مالند و پس از خشك شدن، این عمل را مجدداً و چندین بار ادامه می دهند، تا ضخامت مورد دلخواه بدست آید و پس از اتمام کار، آنرا با سمباده، می سایند و پستی و بلندی های اضافی را تنظیم می نمایند و سپس روی آن را رنگ می زنند و با روغن کمان جلا می دهند.

این عمل ریشه ایرانی داشته و از دوره تیموریان، در بعضی از شهرهای هنری آن دوران، از قبیل هرات و تبریز، در رویه بعضی جلد های برجسته، که روی آنرا مینائی می نمودند، معمول بوده و تا دوران صفویه رونقی داشته، ولی به مرور زمان، این هنر بسیاردشوار، از خاطرها فراموش شده و ندرتاً آثاری دیده شده است.

در مورد این شیوه، نمونه بسیار با حلاوتی از دوران صفویه دارم که در اندازه ۱۱/۵×۲۰/۵ سانتی متر بوده و نام اجرا کننده کار محمد رحیم و در سنوات ۱۱۲۰ هـ. قـ. میباشد.

موضوع کار، تصویر شاه عباس کبیر با لباس زربفت و گلداراست که دو زانو نشسته و در پشت وی متکائی با تزیینات طلائی دیده می شود.

در مقابل شاه عباس مستخدم جوانی، در خدمت بوده و انواع ظروف و آلات پذیرائی در مقابل آنها دیده می شود. نقّاشی در کمال دقت انجام یافته و معلوم می نماید که این زمان ها، لایه چینی مرسوم بوده و اغلب نقّاشان این شیوه رااجرا می کرده‌اند.

نگارنده در این زمینه، به‌غیر از زمینه سازی بعضی جلدهای قدیمی که بستر تزیینات سوخت و معرق را تشکیل می دادند اثر زیادی ندیده‌ام ولی در بین کارهای استادان هندی، به بعضی آثار لایه چینی برخورده‌ام که در قرون اخیر انجام یافته و از لحاظ هنری نیز کم مایه بوده‌اند که معیار هنری آنها چندان قابل ارزش نمی باشند.

در کتاب صحافی سنتی، که توسط آقای ایرج افشار گردآوری گشته، آقای فخرالدین نصیری امینی اطلاعاتی در زمینه ساختن بتونه لایه چینی داده‌اند که عیناً در زیرنویس ارائه می گردد. [۱]

۱ـ لایه چینی: جلدهای بزرگ سوخت و معرق (مانند جلد قرآن عظیم بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی که در موزه ایران باستان محفوظ است و روی آن پنج ترنج و چند نیم ترنج برجسته تزیین گردیده) از بطانه‌ای بشرح زیر ساخته شده است.

ابتدا آهن سوخته که از پتك آهنگران افتد یك جزو گرفته صاف و تمیز کنند و پس از صلایه شدن با روغن نارگیل آنرا مالش دهند، آنگه در میان ظرف آهنین روی آتش گذارند و چندان بپزند که روغن در آن نماند. بعد سم گاو بسوزانند تا مانند خاکستر شود. سپس نارگیل کهنه با پوست را بسوزانند تا خاکستر گردد، بعد طلق سیاه را بکویند چندانکه مانند سرمه شود و ده جزو از این طلق و دو جزو نمك ساجی در بوته کنند و سر آنرا محکم سازند و بدهند تا مکلس شود. پس از ان بیاورند قلم گاو را و بسوزانند و خاکستر آنرا نیز صلایه نمایند تا مانند غبار شود. سپس دو جزو از خاکستر قلم مذکور و یك جزو نشاسته سوخته و یك جزو طلق سیاه مکلس و نیم جزو استخوان قلم گاو سوخته را مخلوط کنند و چندان صلایه نمایند تا مثل غبار شود.

بعد از آن یك جزو کوته فرنگی و یك جزو سرشم ماهی و دو جزء دیگر روغن کمان پاکیزه و دو جزو سرشم پنیر که به خوبی طلایه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ناگفته نماند، تهیه این نوع بتونه مشکل که در حقیقت تعلیق به محال بوده و حالیه تهیه آن میسر نمی باشد، فقط به علت مدارك قدیمی و فرمول مختلف آن، در این سطور درج گردید که علاقمندان را بکار آید.

از آثار لایه‌چینی این استاد که بروی تك جلد کتابی عمل آمده و در موزه ویکتوریا آلبرت لندن به‌یادگار است، تصویر یکی از شاهزادگان قاجاری است که به البسه و آرایش آن دوره ملبس بوده و کلاهی بشیوه زنانه بسر کرده و بروی اسب قرار گرفته‌است. صورت جوان بسیار شاداب و پرحالت و در کمال استادی است. لباس های وی طلائی و گلدار بوده، و از همه حیث با دقت و پرجلال می باشند. حالت اسب و رنگ آمیزی وی و همچنین توله سگ ها، باقدرت تصویر شده، و مؤید مهارت نقاش، در امر نقوش روغنی و مخصوصاً لایه چینی است.

این شاهزاده جوان که گویا عازم صحنه شکاراست، عقاب تیز پروازی را بدست گرفته و دو تازی نیز بهمراه دارد. حلاوت و زیبائی نقش تصویر، که در شیوه لایه چینی عمل آمده و برجسته می باشد، بسان همان کارهای روغنی است که در سایر جلد هانیز بکار رفته است. رقم دارد: «عمل محمد باقر طاوس ۱۲۲۶».

از آثار دیگراین هنرمند، لایه چینی تصویری، بعینه مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی است که گویا دو تصویر را شبیه هم ساخته و منتهی دراین یکی امضاء نگذاشته و جای ترنج امضا، خالی می باشد.

این اثر نیز بسیاق نمونه امضادار وی، دارای همان تزیینات طلائی و قدرت قلم چهره پردازی و تصویر استادانه اسب و توله سگ هااست که در قرینه تصویر اولیه، پرداخت شده و مؤید قدرت قلم نقاش، در لایه چینی و پرداخت آن میباشد.

دیگر از آثار لایه چینی این استاد که در مجموعه آقای منصور الشار دیده میشود، تصویر دو سوار کار رزمنده، در حالات گوناگون است که به استادی ترسیم یافته و رقم دارد: «محمد باقر طاوس ۱۲۰۰». در این اثر ارزنده نیز، استاد محمد باقر، در چهره پردازی و ارائه البسه و همچنین حرکات پیچش و حالت رزمی اسب ها، و سایر محتویات تصویر، قدرت قلم نشان داده و دقیق و پر قدرت، عمل آورده است.

۹۵۱ ـ محمّد باقر مازندرانی

گل آرا و جانور ساز گمنامی بود که از شیوه و قدمت کارهایش معلوم می گردید که در اواخر قرن ۱۲ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته است.

در ذیل دو اثر رقم دارش که قید نموده، در ساری مازندران مصور ساخته، بعید نیست که این هنرمند از نقاشان ساروی بوده و درحد خود شیرین قلم بوده است. آثار رقم دار وی عبارتند از:

۱ـ تصویر شیر و اژدهای سهمناکی بود که روبروی هم قرار گرفته و به‌حالت عصبانی به یکدیگر نگاه می کردند. تصویر در کمال قدرت بود و رقم داشت: «در بلده ساری مشق شد. کمترین محمد باقر».

۲ـ دیگر از تصاویر امضادار این نقاش، که در حراج آپریل ۱۹۷۶ ساتبی لندن به‌فروش رسید، تصویر سیاه قلمی و آب رنگی، یك گل سرخ و شکوفه‌ها بود که پسندیده عمل آورده و سایه‌ها را در کمال دقت، مصور

یافته باشد جمله را در هاون انداخته چندان بکویند که اگر بخشی از آن بدست چسبیده پاك نشود، و اگر خواهند در کارهای صدفی و برجسته بکار برند در آفتاب گذارند و کاغذ روی آن نهند تا از غبار محفوظ بماند و آنقدر در آفتاب بگذارند تا اگر ناخن زنند در آن فرو نرود بعد آنرا در قالب فولادین یا برنجین که با روغن کمان چرب کرده‌اند بریزند و در محلی که می خواهند روی جلد قرار دهند. چون هموار گردد طلق سفید و سفیداب قلمی و بلور سوده را در پارچه‌ای بسته و آنرا مالش دهند تا جلا گیرد و مانند آینه روی در آن توان دید و به غایت سخت شود و اگر با چکش هم روی آن بکویند خراب نگردد و ترك برندارد تا برای پذیرش نقوش سوخت و معرق آماده شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ساخته و دسته گل را به حالت طبیعی تصویر کرده و رقم نهاده بود: «کمترین محمد باقر در ساری مازندران ساخته شد»

۳ـ آبرنگ دیگر نقاش که با سایه سیاه قلمی و آبرنگی عمل آورده بود، تصویر سیاه قلمی اسب فوق العاده نحیفی بود که استخوان بدنش ظاهر شده و سست و بی حال در جائی ایستاده و سر را جهت دریافت علف جلو برده بود. نقش تصویر و سایه آنها استادانه بود و رقم داشت: «کمترین محمد باقر».

۹۵۲ ـ محمّد باقر بن محمّد الجزائی اسطرلاب ساز

طراح و نقّاش و رسام فلزات سخت بود و در ساختن اسطرلاب مهارت داشت.

از آثار ر قم دار این هنرمند که به همکاری برادرش انجام پذیرفته، اسطرلابی مضبوط در بریتیش میوزیوم است که چنین رقم دارد: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی، نمقه اقل الطلبه‌اخ الصانع محمد باقر ۱۱۲۴».

این اسطرلاب نفیس جهت شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده و فرمانی که بدین مناسبت بروی اسطرلاب درج گشته و به‌وسیله نگارنده قرائت شده، در شرح حال استاد عبدالعلی در جلد اوّل و صفحه ۳۴۱ ارائه شده که توجه علاقمندان را به آن فرمان جلب می نمایم.

۹۵۳ ـ محمّد باقر بن محمّد علی

نقاش گمنامی در اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در آبرنگ و سیاه قلم کار میکرد.

تنها اثر بجا مانده این نقاش که در کاتالوگ گالری کل ناقی لندن چاپ شده، تصویر گل زیبائی است که با سایه‌های ماهرانه‌ای عمل آورده و رقم نهاده: «بجهته نور چشمی محمد حسن مشق شد کمترین محمد باقر بن محمد علی».

۹۵۴ ـ محمّد باقر بن محمّد قاجار

هنرمندی از خاندان قاجار بود که در دوره ناصر الدین شاه قاجار می زیسته و قلمدان سازی می کرده است.

از این نقاش، قلمدان گل و مرغی خوش منظری دیده‌ام که به رنگ های زیبا نقش گشته و رقم داشت: «محمد باقر بن محمد قاجار».

۹۵۵ ـ محمّد باقر موسوی ـ صنیع الزمان

مذهّب نازك قلم و شیرین کار دوره ناصری بود و لقب صنیع الزمان داشت. این استاد، در تشعیر و حل کاری و ترصیع و گل آرائی قدرت پسندیده داشت و انواع تزیینات متداوله را به‌حلاوت انجام میداد.

از آثار رقم دار وی، آینه شیوائی دیده‌ام که به انواع آرایش تذهیبی، جلب نظر می نمود. در وسط قاب آینه، تصویر گل بزرگی که به‌حل کاری انجام یافته، دیده میشد و حواشی آن نیز، به‌انواع تذهیب و تشعیر دلربا، آذین گشته بود.

در شیار پایین و خط رقاع خوش، رقم داشت: «ذهبه محمد باقر الموسوی الملقب به صنیع الزمان» مجموعه دکتر ناصر خلیلی.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۵۶ ـ محمّد باقر بن میرطاهر مذهّب

فرزند میرطاهر و از مذهّبان و حل کاران اوایل قرن ۱۴ هـ. قـ. بود و در آبرنگ و سیاه قلم نیز دست داشت، از آثار روغنی این هنرمند، جلد مذهّب و افشانی دیده‌ام که گل های متنوعی بهشیوه حل کاری انجام داده و رقم نهاده بود: «ذهبه محمد باقر بن میرطاهر ملهّب ۱۳۰۱».

۲ـ دیگر از آثار سیاه قلمی و تذهیب این هنرمند، تصویر مرد معممی بود که صورت آن بسایه پردازی و در شیوه صنیع الملکی انجام یافته و عبا والبسه ساده داشت وروی گلیمی نشسته بود، رقم نقّاش، به خط نسخ خوش قلمی چنین بود: «سید باقر بن میرطاهر۱۲۹۸»

۳ـ سومین اثر این هنرمند، گل و مرغ زیبائی با پرداز شایسته بود و رقم داشت: «سید باقر مذهّب ۱۳۰۴» مجموعه آقای کرمل القانیان.

۹۵۷ ـ محمّد برساوی

اهل بورسای عثمانی و یکی از تصویر گران کتاب معروف هنرنامه موجود، در توپ قاپوسرای ترکیه است که به شماره ۱۵۲۳ ـ H در آن موزه ثبت شده است.

این کتاب تالیف سید لقمان بوده که بسال ۹۹۲ بخط سنان بن محمد بوسنائی کتابت شده و تصاویر آنرا صورتگران نامی عثمانی، از جمله محمد برساوی نقش نموده‌اند.

این نسخه ارزنده که در اواسط و اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. بنقش درآمده، توسط نقّاشان صاحب ذوق و با مهارتی از قبیل استاد عثمان و علی چلبی و محمد بیك و ولیجان و ملا تفلیسی و ملا قاسم و همین نقّاش تصویر شده که سه میناتور آن بدست این هنرمند فرجام پذیرفته است.

۱ـ جلوس سلطان سلیم یاووز بتخت پادشاهی که در بالا درج شده

سلیم خان کچوب تخته قلدی قرار

۲ـ برگشت سلطان سلیم یاووز از سفر قزلباش (چالدران) که این ابیات در ذیل تصویر درج شده است.

چوحق نصر تیله شه دین پناه نخستین سلیم خان فرخ کلاه

قزلباشی مغلوب ایدوب آلدی کام اسیر ایتدی اهل وعیالین تمام

(البته گوینده شعر نامربوط گفته و در جنگ چالدران علاوه براینکه تعداد کشته‌های لشکر عثمانی حدود صد برابر ایرانی ها بوده و اهل و عیال پادشاهی نیز اسیر نشده بودند، زیرا در میدان رزم حضور نداشته‌اند).

۳ـ تصویر سلطان سلیم عثمانی است که در کنار نهر نیل قرار گرفته و سر یك تمساح رااز تن جدا کرده است.

۹۵۸ ـ محمّد بیک نقّاش عثمانی

به نوشته مناقب هنروران، در تصویر سازی بروی جلد های روغنی و ترسیم مجالس زیب افزا، در عالم ممتاز است.

به روایت دیگر، این هنرمند داماد بهزاد و از اهالی هرات بوده است، بهترین آثار امضادار این هنرمند، در

---

* محمد باقر بن میر علی ـ قاطع ـ بنوشته مناقب هنروران، مولانا محمد باقر فرزند رشید و هنرمند و گرانمایه میر علی هروی خطاط معروف است که بریده های این استاد نیز مثل خطوط پدر والاتبارش بسیار مطبوع و پسندیده میباشند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کتاب، هنرنامه موجود در توپ قاپوسرای عثمانی است. که اصل کتاب را سید لقمان افندی، تألیف کرده و توسط سنان بن محمد بوسنائی بسال ۹۹۲ هـ. ق. کتابت شده و تصاویری از نقاشان معروف عثمانی و از آن جمله محمد بیك را دارا میباشد.

دیگر از آثار این نقّاش، مخطوطی در توپ قاپوسرای عثمانی و با شماره H ۸۳۹ موجود است. که یك تصویر عمل محمد بیك هراتی را در بردارد.

تصاویر دیگر این استاد، در آلبوم شماره H ۲۱۵۵ و همچنین در آلبوم شماره H ۲۱۶۱ است که در ذیل این آلبوم، آثاری نیز از بهزاد معروف مشاهده می گردد.

ولی برعکس عقیده مصطفی عالی افندی، که نوشته، در تصویرسازی بروی جلدهای روغنی در عالم ممتاز است. تاکنون اثری از جلد سازی روغنی این هنرمند، در هیچ موزه‌ای دیده نشده و یا اینکه تاکنون کشف نشده است.

در آرشیو قدیمی یکی از کتابخانه های ترکیه که بشماره ۲۳۹ ثبت گردیده، مدرك ارزنده‌ای به‌نام (رئوس دفتر، باش وکالت) که در ماه ذی حجه سال ۹۸۹ هـ. ق. ترتیب یافته وجود دارد که نام این استاد در جمع ۸ نفر دیگر و از جمله ولیجان و ملا تفلیسی و ملا قاسم درج گشته و ما جهت اهمیت این سند معتبر، جمله آن سند را پاکنویس کرده و بدیدار علاقمندان میرسانیم، ناگفته نماند کلمه (تراقی) که ذیل نام هر هنرمند دیده میشود، همان کلمه (چراغ به‌معنی شاگرد) است و چون حرف (چ) در زبان ترکی معمول نیست بدین دلیل (چراغ را تراق) نوشته اند: «عن جماعت نقّاشان خاصّه».

۱ـ استاد محمد نقّاش و ۲ نفر شاگرد ۲ـ استاد حسن نقّاش و ۲ شاگرد ۳ـ استاد علی نقّاش و ۳ تا شاگرد ۴ـ استاد عثمان نقّاش ۳ تا شاگرد ۵ـ استاد فضل اله عثمان نقاش ۲ تا شاگرد ۶ـ استاد محمد دیگر ۲ تا شاگرد ۷ـ استاد موسی مذهّب ۲ تا شاگرد ۸ـ استاد شاه محمد ۲ تا شاگرد. جمله استادان ۸ نفر

«عن جماعت مجلّدین خاصّه»

۱ـ استاد عبدی و یك شاگرد ۲ـ استاد مصطفی سر مجلدین یك نفر شاگرد. جمله دو نفر استاد.

شماره مجالس و هنرمندانی که دراین نسخه هنر آفریده‌اند عبارتند از:

۱ـ (ولیجان دو مجلس) ۲ـ (محمد بیك ۱۰ مجلس) ۳ـ (علی چلبی ۶ مجلس) ۴ـ (استاد عثمان ۱۹ مجلس) ۵ـ (محمد برساوی ۳ مجلس) ۶ـ (ملا تفلیسی ۵ مجلس) ۷ـ (سرلوح ها ملا قاسم و سایر مذّهبان) ۸ـ (سرلوح های مشخص شده ولیجان ۴ سرلوح).

مجالسی که بدست استاد محمد بیك در نسخه هنرنامه نقش بسته بدین ترتیب است:

۱ـ حکم دار شدن عثمان غازی ـ که در بالا نقّاش درج نموده

خرگه شاهی مبارك تخت عثمانی بلند دایما دیوان عالی برقرار و ارجمند

۲ـ قاپوق اندازی مراد دوم در حضور ایلچی مارین

۳ـ تیراندازی سلطان مراد به ستون شش پر مارپیچی ـ ذیل تصویر درج نموده.

خداوند عدل و خداوند داد نمو نك سرافرازی سلطان مراد

۴ـ هجوم سلطان محمد فاتح به قلعه بلگراد:

در ذیل مینیاتور درج کرده «قلیج صالدی عدویه خرق عاده»

۵ـ در حضور سلطان محمد فاتح علم های اوغورلو محمد دیده میشود.

۶ـ قرم خان در حضور بایزید دوم نشسته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷ـ قرم خان از حضور بایزید دوم مرخص شده و وارد حیاط قصر میشود.
۸ـ قتل یك دیو در مقابل بایزید دوم.
۹ـ سرغوری را بحضور سلطان سلیم یاووز آورده‌اند.
۱۰ـ تیراندازی سلطان سلیم یاووز به‌یك آینه، که در دست مستخدم مخصوص قرار دارد.

۹۵۹ ـ محمّد پناه

نقّاش دوره اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در چهره سازی و نقش تذهیب و آرایش تصاویر دست شیرین داشت.

از آثار امضادار این هنرمند، که تنها یك نمونه مشاهده شده، تصویر نادر شاه افشار است که با صلابت شاهانه، دو زانو نشسته و بیك متکای پرنقش و نگار تکیه کرده است.

کلاه سلطنتی و البسه جواهرنشان وی، و همچنین سایر تزیینات تصویر، بامزه و پخته بوده و رقم داشت: «تصویر شاهنشاه جم جاه نادرشاه به‌عمل خیرخواه محمد پناه سنه ۱۲۳۰».

● محمد پناه در خیرخواه محمد پناه آمده.

۹۶۰ ـ محمّد تاج الدّین حیدر مذهّب شیرازی

از مذهّبان شیرین قلم شیراز بود و در خط نستعلیق نیز، قلم پسندیده داشت.

از آثار امضادار وی، که نمونه خط نستعلیق استادانه و همچنین، صنعت تذهیب خود را یك جا، ارائه داده، یك نسخه کلام الله مجید، به‌خط عبدالوهاب شیرازی و سنه ۱۰۰۰ هـ. قـ. در موزه آثاراسلامی و ترك در اسلامبول است که فال نامه و اضافات و مندرجات آخر کلام الله را به خط نستعلیق عالی ترقیم نموده و چنین امضاء نهاده‌است: «روش قلم تیز گام و تحریك خامه آرام، در قطع مراحل تذهیب این کلام کریم، و طی منازل تحریر این کتاب عظیم، بسعی واهتمام العبدالاحقر، محمد تاج الدّین حیدر مذهّب شیرازی به نهایت رسید.»

● محمد تبریزی مذهّب در میرزا محمد تبریزی آمده.

۹۶۱ ـ محمّد تقی

حاجی محمد تقی از نقاشان کتابخانه سلطان حسین بایقرا بوده و با توجه امیرعلیشر نوایی (۹۰۶ ـ ۸۴۴ هـ. قـ.) و رعایت های هنر پرورانه وی، در کتابخانه سلطنتی به نقش تصویر وسایر تزئینات دیگر اشتغال داشته‌است.

---

* محمد پاشا ـ بنام ایلچی محمد پاشا شهره بوده و از طغراکشان و مذهّبان اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی بشمار می آمده است.
از این هنرمند، فرمانی موجود است که طغرا و آرایش آن، توسط این هنرمند اجرا شده و رقم نهاده: «ایلچی محمد پاشا». اصل فرمان در سنه ۱۱۰۶ هـ. قـ. صادر شده است.

---

* محمد تجویدی ـ فرزند هادی تجویدی نقاش شیرین قلم است که به سال ۱۳۰۳ شمسی تولد یافته و زیر نظر پدر هنرمندش در تصویرگری شهره گشته‌است.
از آثار چاپ شده وی، کتاب های دیوان حافظ و ترانه های خیام است که به سال ۱۳۳۴ و ۱۳۴۰ شمسی انتشار یافته و معرف ذوق وهنرمندی نقاش بشمار می آید.
احوال بیشتر این هنرمند را در کتاب جداگانه‌ای که مختص هنرمندان معاصر خواهد بود ارائه خواهد گشت.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۶۲ ـ محمّد تقی (آبرنگ ساز)

آبرنگ ساز اواخر قرن ۱۳ هـ. ق. بوده و گل مرغ و چهره سازی را خوب می دانست.

از آثارامضا دار این هنرمند، حاشیه زیبا و پرطراوات گل ومرغی بود که درکناره یکی از خطوط ممتاز میرعماد نقش شده و رقم داشت: «محمد تقی»

دیگر از آثار مختلف این هنرمند، چند قطعه تصاویرآبرنگی است که در یکی از مرقعات کتابخانه گلستان تهران دیده می شود.

یکی از آنها، تصویر دو دلداده طناز است که در میعادگاه خلوتی، به عیش ونوش پرداخته و ساقی زیباروئی از آنها پذیرایی می کند. رقم دارد: «محمد تقی»

۹۶۳ ـ محمّد تقی (مذهّب اصفهانی)

شاگرد سید ابوالقاسم حسینی مذهّب باشی مشهوراصفهانی بود و شیوه وی را در هنرخود پیروی می نمود.

میرزا محمد تقی علاوه بر هنر تذهیب و مراحل مختلفه آن، درتصویر سازی و چهره پردازی قلم پاکیزه داشت و پرداز را به شیوه تذهیب، دقیق و منظم میزد.

عمده کار این استاد، تهیه جلد و قاب آینه و قلمدان و سایر کارهای روغنی بود که درکارگاه هنری مخصوص خود عمل می آورد و با شاگردان و همکاران هنرمندش که در تهران و اصفهان با وی همکاری می نمودند، آثار نسبتاً زیادی را دراختیار مشتریان خود قرار می داد.

این استاد که سمت سرپرستی، بر جمع استادان کارگاه های خود داشت، پرداخت و اصلاحات آخری را به نفسه انجام می داد و با خط شیوای خود که نسخ و رقاع را خوش می نوشت، ترقیم می نمود.

آثار رقم دار وی عبارتند از:

۱ـ قاب آینه بسیار استادانه‌ای ازاین هنرمند دیده‌ام که تصاویر دختران زیبا روی را به حلاوت تمام به روی آن نقاشی کرده و کناره ها و حواشی را به تذهیب و تشعیر عالی آرایش داده و رقم نهاده بود: «راقمه محمد تقی مذهب الاصفهانی ۱۲۸۱»

۲ـ دیگر از آثار رقم داراین هنرمند که در کتابخانه گلستان تهران قرار گرفته، جلد قرآن ممتازی است که از روی کارهای استاد بی همتایش، سید ابوالقاسم نقل کرده‌است.

این جلد مزین، که متن آن رنگ زرد و دلربایی داشت، با گل های افشان، تذهیب و تشعیر شده و در ذیل جلد رقم داشت: «نقل من عمل الاستاد الاجل الاکرم ، سید ابوالقاسم مذهب باشی، عن العبد محمد تقی مذهب سنه ۱۲۷۸»

۳ـ از جلد های دیگراین مذهب، جلد تذهیب و تشعیری استادانه‌ای بود که با شمسه ها و خطوط مختلف عمل آمده و درحواشی آن، مطالبی در وصف ناصرالدین شاه قاجار درج نموده بود و به خط رقاع عالی رقم داشت: «در دارالخلافه تهران و درکارخانه محمد تقی مذهب اصفهانی اتمام یافت.»

---

* محمد تقی (صحاف) ـ از صحافان و سوخت سازان و مجلدان اواخر قرن ۱۳ هـ. ق. بود و درکارخود مهارت داشت، این هنرمند در تذهیب و نقش صور اسلیمی دست پر حلاوت داشت و جلد های سوخت و معرق را نیکو عمل می آورد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴ـ دیگر از آثار روغنی هنرمند، جلد گل و مرغی بود که دروسط انبوه گل های رویه آن و داخل ترنج مخصوص، صحنه معاشقه زن و مرد جوانی را به زیبایی تصویر کرده و رقم نهاده بود: «این جلد در کارخانه خیرالحاج محمد تقی نقاش دراصفهان، در ماه مبارك رمضان شد کارمن»

خطوط کناره جلد خط استادانه بود و به سال ۱۲۷۰ هـ. قـ. پایان پذیرفته بود.

۵ـ اما شاهکارارزنده این استاد که درموزه هنری شهروین، مضبوط است، قاب آینه کم نظیری است که دروسط آن، انواع رسوم و نقوش تذهیب کاری، در یك جا ارائه شده و درحواشی رویه آن، اشعاری به خط رقاع استادانه، در وصف ناصرالدین شاه قاجار درج گشته و رقم دارد: «در زمان دولت ناصرالدین شاه قاجار. . . و دردارالخلافه تهران. در کارخانه محمدتقی مذهب اصفهانی اتمام یافت»

۶ـ دیگراز آثار تذهیب کاری این هنرمند، قاب روغنی قرآنی بود که در کمال زیبایی عمل آمده و بسان سایر کارهایش، جامع اقسام شیوه تذهیب کاری در نقوش اسلیمی و سایر مراحل تذهیب بود.

در حواشی و دربین کتیبه های گوناگون آن، اوصافی درباره ناصرالدین شاه و انجام کار قاب قرآن، به خط رقاع استادانه‌ای، درج شده و رقم داشت: «رقم میرزا محمد تقی مذهب ۱۲۹۳»

۹۶۴ ـ محمّد تقی (مذهّب باشی شیرازی)

از طرف ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، قاجار لقب مذهّب باشی داشت و در تذهیب و حل کاری استاد بود.

فرصت شیرازی که از دوستان نزدیك وی بوده، در کتاب آثارعجم خود، در مورد دوستش چنین نوشته است: «*میرزا محمد تقی مذهّب باشی نیز در عمل مذکور مهارت دارد، و از همه استاد تر است، این معنی نیز مستور نما ناد که شخص مذهّب را علم هندسه لازم ولیکن اگر علم مناظر و مرایا را نداند باکی نیست و عمل مذهبی و گل سازی جزئی و فنی از فنون نقاشی است.*»

شیواترین اثر این هنرمند را که از نزدیك دیده‌ام قاب آینه مذهّب و پر پیرایه‌ای بود که تمام نقوش و مراحل مختلف صنعت تذهیب، در آن اجرا شده و استاد مذهّب کار، خواسته بود، تمام شیوه تذهیب را به روی قاب آینه، یك جانشان بدهد و رقم داشت: «محمد تقی مذهّب باشی»

۲ـ دیگر اثر پرپیرایه و استادانه این تذهیب کار، آرایش و پیرایش متنوع و با حلاوت ابیاتی بود که برای پرنس ارفع الدوله کتابت شده و در نوع خود بسیار پرآذین بود.

این اثر دل انگیز، که در حراج ساتبی ۱۵ آوریل سال ۱۹۸۵ به فروش رسیده و عکس آن نیز به شماره ۱۱۷ در کاتالوگ حراج مذکور چاپ شده بود، به خطّ طلایی رقم داشت: «عمل آقا میرزا محمد تقی مذهب باشی شیرازی، حررّه عبدالعلی اشرف الکتاب شیرازی ۱۳۳۹» تصویر شماره (۴۶) در صفحه (۹۷۰)

۹۶۵ ـ محمّد تقی (نقّاش هندی)

گل ساز ومنظره پرداز اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. هند بود و درشیوه منصور نقش تصویر می ساخت.

از آثارشیوا و پرحالت وی، دسته گل پر حالت و زیبایی دیده‌ام که در حراج ۱۴ اکتبر سال ۱۹۸۰ حراج ساتبی لندن به فروش رسید.

این اثر استادانه که در شیوه دکّنی انجام یافته بود، درکنار صفحه نقاشی، به خط نستعلیق رقم داشت: «محمد تقی سنه ۱۰۷۷»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۶۶ ـ محمّد تقی امامی

از سادات امامی شهر اصفهان بود و جزو، خاندان هنرمند امامی ها به شمار می رفت.

این هنرمند در عیار شیوه میرزا نصرالله امامی نقش می آفرید و بعید هم نیست که از شاگردان وی نیز به شمار می آمده‌است.

آقا محمد تقی علاوه بر صنعت نقاشی، خط رقاع را خوب می نوشت و در جدول کشی نیز قلم خوش داشت.

تنها اثر رقم دار وی را که‌ازاین نقاش دیده‌ام، قلمدان برازنده‌ای بود که شباهت تامی به کارهای میرزا نصرالله‌امامی داشت.

گل و مرغ ها در کمال طراوت عمل آمده بود و درانتهای قلمدان، به خط طلایی رقم داشت: «رقم محمد تقی الامامی ۱۲۸۶»

---

* محمد تقی حکاك باشی ـ میرزا محمد تقی حکاك باشی پسر میرزا عبدالرحیم حکاك باشی است که درزمان مظفرالدین شاه قاجار شهره بوده و بسیاری از مهرهای شاه و شاهزادهها و وزراء و رجال و اعیان اثر دست این حکاك معروف می باشد.

به نوشته افضل الملك، مهر چهار گوش سلطنتی مظفرالدین شاه قاجار که به روی بلور سبزی مسطح تاجدار کنده بودند اثر دست این حکاك، با اعتبار است که در بالای آن «الملك الله» حکاکی شده و در زیر آن، سجع معروف مهر مظفرالدین شاهی به خط نستعلیق استادانه‌ای نقاری شده که چنین است:

گرفت خاتم شاهی مظفرالدین شاه دمید کوکب فتح و ظفر بعون الله

این بیت توسط میرزا محمد محیط شاعرقمی که از خزل سرایان خوب تهران بود سروده شده و مورد قبول مظفرالدین شاه قرارگرفته وصد تومان نیز از بابت این یك بیت شعر، صله دریافت نموده بود.

این مهر مخصوص فرامین مواجب والقاب و امتیاز اهالی داخله شد و ضمناً هشت عدد مهر دیگر که بعضی از آنها شیروخورشید علاوه براسم مبارك منقور شده بود، خود شاه همیشه در بغل داشتند و به دستخط ها موشح می ساختند.

---

* محمد تقی خان ـ طراح و نگارگر نقوش زیبا به روی فلزات بود ودر تفنگ سازی استعداد پسندیده داشت.

از آثار امضاء داراین هنرمند که در خزانه جواهرات سلطنتی ایران به یادگاراست. تفنگ چوبی مزین به جواهرات است که به روی آن، این اطلاعات الصاق گشته است. «تفنگ عمل حاجی محمد تقی خان، گلوله سه مثقالی سرونه زرنشان هفت گره ونیم قرچقماق فرانسه ته قنداق و دو سمت دنباله مرصع به انضمام سه بست طلای میان، مشبك مشهور به هلاهل سیچقان لیل سنه ۱۲۹۳»

---

* محمد تقی خان ـ رسمی ساز و نقشه بردار و به اصطلاح مهندس شهرسازی در زمان ۱۲۷۵ هـ. ق. بود که دردارالفنون تحصیل می نمود و زیر نظر موسیو کرشیش سرتیپ تعلیم یافته بود.

ازآثار به یادگار مانده این هنرمند، نقشه دارالخلافه تهران است که در ذیل نقشه چنین درج شده است: «بسعی نواب شاهزاده والاتبار اعتضادالسلطنه العلیه علیقلی میرزا به اهتمام عالیجاه موسیو کرشیش سرتیپ و معلم توپخانه مبارکه و دستیاری ذوالفقار بیك و محمد تقی خان شاگردان مشارالیه که درمدرسه دارالفنون تربیت یافته اند. . . به تاریخ جمادی الاولی سنه ۱۲۵۷»

---

* محمد تقی خان اصفهانی ـ نقاش با ذوق اصفهانی در زمان حکومت ظل السلطان در آن ولایت بود.

از آثار بجا مانده وی نقش و بافت قالیچه منقش یك ذرع ونیمی بود که رقم داشت: «فرمایش ظل السلطان ـ عمل استاد محمدتقی خان اصفهانی ۱۳۱۳»

---

* محمد تقی خان معمارباشی ـ رسام وطراح و سازنده قصور سلطنتی و سایر ابنیه، دردوره ناصرالدین شاه قاجار بوده و سمت معمار باشی داشته است.

این استاد معمار و سازنده بنای دارالفنون بود که‌از روی نقشه میرزا رضاخان مهندس تبریزی که به سال ۱۲۹۹ هـ. ق. درگذشت، دراواخر سال ۱۲۶۶ به کارپرداخته و بنای دارالفنون را آغاز کرد و در نیمه اول سال ۱۲۶۷ هـ. ق. ساختن اتاق های جانب شرقی رابه پایان رسانید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۶۷ ـ محمّد تقی بن شفیع عبّاسی

فرزند هنرمند شیرین قلم شفیع عباسی است که در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته و در شیوه پدر نامدار و محمد زمان معروف، نقش تصویر می کرده‌است.

با تعمق کافی در آثاراین هنرمند، معلوم می دارد، که این نقاش در چهره پردازی و ارائه دشت ودمن و تزیین البسه و نقش ساختمان ها، حدت قلم داشته و پرسپکتیو راتا حدودی مراعات می کرده‌است.

از آثار امضادار این نقاش، تصویر دختر جوان و زیبایی بود که به متکا تکیه داده و مشغول استراحت بود.

منظره درختان سرسبز و عظمت عمارت ستودنی بود و بخط زیبا رقم داشت: «محمد تقی بن شفیع عباسی ۱۰۵۶»

۲ـ دیگر از آثار رقم دار این هنرمند که در شیوه محمد زمان کار کرده بود، تصویر مردی در حدود چهل ساله بود که ریش و سبیل توپی داشت و کلاه رگه‌دار رنگی بسرنهاده و کلیجه‌ای منقش که دور گردنش پوست خز داشت، به روی لباس بلند یخه بسته زیری پوشیده و در محلی ایستاده بود.

کفش ها قنداره‌ای و پاشنه بلند بود و در دورنمای تصویر، منظره خانه‌ها و کوه بلند جلب توجه می کرد، و در داخل یك مستطیل رقم نهاده بود: «محمد تقی بن شفیع عباسی»

۹۶۸ ـ محمّد تقی بن شیخ عبّاسی

برادر علی نقی نقاش فرزند شیخ عباسی هنرمند معروف اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. است.

این نقاش چهره‌سازی را خوب می دانست و در منظره‌سازی و جانور پردازی دست با حلاوت داشت.

از آثار امضادار این هنرمند، منظره شکار شاهزاده‌ای در شکارگاه بود که به استادی نقش گشته و در نوع خود استادانه بود.

منظره کوه‌های برافراشته و سنگی، جلوه خوبی داشت که یك درخت پهناور بروی آن دیده می شد.

تصاویر اسب ها که در حدود هفت یا هشت رأس بودند، به استادی تصویر گشته و چوپان درمانده‌ای، درگوشه‌ای دیده می شد و از شاهزاده تقاضا می کرد که مرغابی رنگینی را که دربرکه آب شنا می کند، شکار نکند رقم داشت: «عمل محمد تقی»

۹۶۹ـ محمّد جعفر (حکّاک و مذهّب)

پدر میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است که در فارسنامه ناصری، وی را میرزا بابای درویش ذهبی معرفی کرده است.

این هنرمند، در خط نستعلیق و تذهیب و حل کاری و ارائه نقوش اسلیمی و جدول سازی، دست داشت و عمده مهارت وی، در حکّاکی بود که از استادان تام العیار به حساب می آمد. میرزا احمد دیوان بیکی، در حدیقة الشّعراء آقا محمد جعفر را حکّاك استاد نامیده و در معرفی وی چنین نوشته است:

«آقا محمد جعفر در عصر خود، در فن حکّاکی منحصر بفرد بود و سلاطین و حکّام ایران بلکه هندوستان و سند و افغانستان هم از او مهر می خواستند و می بردند.»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۷۰ـ محمّد جعفر (مینا ساز)

مینا ساز با تجربه و بلند آوازه دوره فتحعلی شاه قاجار بود و از آن پادشاه حمایت ها و رعایت ها میدید.

رنگهای درخشنده و حلاوت کار و قدرت قلم این نقاش که در جمله آثار وی مشهور است، او را استادی تام العیار شناسانده، تا جائیکه اغلب پیش کشی ها و یادگاری های درباری، که به مناسبتی به سفرا و پادشاهان خارجی هدیه می شده، اثر دست این هنرمند بوده که بنحو استادانه‌ای تجلّی می گشته است.

محمد جعفر در شبیه سازی و تصویر پردازی و ارائه گل و مرغ و تزیینات چشم نواز، چابك است بود و در تلفیق و بکار برد رنگها مهارت پسندیده‌ای داشت.

فرزند وی، هنرمند خطاطی بنام محمّد رضا بود که در خط نستعلیق دست داشت و بقیه خطوط را نیز خوش می نوشت. در یك اثر خطاطی وی که در کتابخانه گلستان تهران بیادگار است در زیر اثر خود چنین رقم زده است: «اقل خانه زاد محمد رضا بن مرحوم آقا محمد جعفر مینا ساز ۱۲۶۳» از این نوشته چنین بر می آید که فوت استاد محمد جعفر، قبل از این تاریخ بوقوع پیوسته ولی سال دقیق فوت وی نامعلوم می باشد.

عمده کارهای موجود استاد، بین سالیان ۱۲۲۲ تا ۱۲۴۲ هـ. قـ. بفرجام رسیده و پس از آن معلوم نشده که تا چند سال دیگر نیز حیات داشته و احیاناً آثار دیگری هم به رشته نقش درآورده است. آثار رقم دار وی عبارت است از:

۱ـ دوات مینائی با تصاویر مرد و زن جوان، با رقم: «محمد جعفر ۱۲۲۲»

۲ـ سرقلیان مینائی، با حاشیه گل و مرغ دلفریب که در وسط مدالیون آن تصویر پیرمردی بسان رجال سرشناس قاجاری که شاید یکی از فرزندان فتحعلیشاه شاه بوده به قدرت تمام ترسیم نموده و رقم گذاشته بود: «رقم محمد جعفر ۱۲۲۷»

۳ـ کوزه قلیان مینائی گل و مرغی که تصاویر مختلفی بین مدالیون های آن ترسیم شده و در زمینه آن گلهای دلپذیر و الوانی، بسان خرمن گلها نقاشی شده و رقم داشت: «رقم محمد جعفر ۱۲۲۶» مضبوط در موزه نگارستان تهران

۴ـ گردن بند مینائی و مرصع که در حراج گالری اسپینك لندن در سال ۱۹۷۷ بفروش رسید، اثر ارزنده و شیوائی بود که در قسمت بالای آن تصویر شیر خوابیده‌ای بود که خورشیدی از پشت آن جلب نظر میکرد و در کناره ها و اطراف نیز بدین ترتیب نشانها و مدالهای متنوع دیده می شد و در پایین نیز بدین ترتیب تصویر شیر دیگری نقش بسته بود. در پشت سر این آثار ارزنده، که در قاب مذکور دیده می شد، گلهای زیبائی بود که باستادی نقش بسته و آیتی از کمال بشمار می آمد. رقم نقاش در زیرپاهای شیر و خورشید بالائی دیده می شد که درج شده بود: «رقم محمد جعفر ۱۲۴۲»

۵ـ اثر دیگر این هنرمند که جزو جواهرات سلطنتی ایران به شمار می آید، کوزه قلیان چرمی زیبائی بود که قسمت بالا و پایین آن، بطلای ناب و مینائی آراسته شده و در مدالیون های کوچك و بزرگ آن، تصاویری از زن و مردهای ایرانی و فرنگی که البسه گوناگونی بتن کرده‌اند، نقش شده و زمینه آنها نیز با گل و مرغهای باطراوت و پسندیده پرگشته و رقم داشت: «رقم محمد جعفر ۱۲۳۳»

۶ـ سرقلیان مینائی گل و مرغی که درموزه نگارستان تهران محفوظ بوده و رقم دارد: «رقم محمد جعفر»

۷ـ بشقاب مینائی و مدور طلائی که در مجموعه یکی از مجموعه داران اروپائی قرار گرفته، بشقاب ارزنده‌ای است که حواشی و کناره های آن به انواع گل و مرغ ها و پرندگان زیبا زینت شده و در وسط آن تصویر شیر و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خورشید خوابیده به چشم می خورد. در حاشیه تصویر شیر و خورشید و در داخل دوازده ترنج های هم قرینه‌ای که بشکل ستاره‌ای جلوه می نمایند، دسته گلها و پرنده تنها دیده می شود که سزاوار تحسین می باشد، در کنار دایره شیر و خورشید وسطی، نام فتحعلیشاه و سر گور اوزلی و القاب قبله عالم به زیبائی درج شده و در زیر پای شیر و خورشید امضاء دارد: «رقم محمد جعفر ۱۲۲۸»

۸ـ بهترین آثار این استاد که توسط فتحعلیشاه قاجار به کمپانی هند شرقی هدیه گشته و حالیه در موزه ویکتوریا آلبرت لندن جلب نظر می نماید، بشقاب مینائی و طلائی گل و مرغی است که در وسط آن تصویر شیر و خورشیدی ارائه شده و در حواشی بخط نستعلیق زیبا چنین درج شده است: «عنایت اعلیحضرت ـ قدر قدرت ـ جمشید حشمت ـ سلیمان رتبت ـ شاهنشاه ممالك بسیطه ـ ایران کمپنی شرق رقم محمد جعفر ۱۲۲۳»

در حاشیه شیر و خورشید خوابیده، گلهای دلربا و باطراواتی را در داخل شش ترنج دایره‌ای نقش کرده و بزیبائی آراسته است.

این بشقاب مینائی و خنجر زمرد نشان طلائی که بهمراه یکدیگر در این موزه دیده می شوند، گویا در مقابل دریافت یك سیب زمینی که از طرف نماینده هند شرقی هدیه گشته بود ارائه داده و رضایت خود را بدین طریق نشان داده است. تصویر شماره (۵۱) در صفحه (۹۷۴)

بطوریکه روایت کرده‌اند در یکی از روزهای عید نوروز، نماینده شرکت کمپانی هند شرقی نیز جهت تبریك سال نو بدربار راه یافت و بعنوان هدیه یك سیب زمینی بشاه ایران تقدیم داشت.

شاه نیز که می خواسته قدرت شاهانه خود را بیك نفر خارجی نشان بدهد، در مقابل آن هدیه مختصر، یکی از شاهکارهای هنری محمد جعفر را که همان بشقاب و خنجر مرصع باشد بوی اعطا نمود. ناگفته نماند آن سیب زمینی اهدائی، اولین سیب زمینی بوده که تا آن موقع وارد ایران شده و کسی از وجود آن اطلاعی نداشته است.

۹ـ تنگ قلیان زیبائی بود که در رویه آن صورت زن و مردی جوان نقش پذیرفته و در کنار آنها تصویر پیرمردی دیده می شد که مشغول کتاب خواندن بود، در طرفین و کناره‌ها اشکال دل آرا و شیوای زن و مرد جوان و بیرون مدالیون ها چمنی از گل و مرغ بود که فاصله ها را پر می نمود، زیر صورت یکی از مردها، رقم داشت: «رقم محمد جعفر ۱۲۲۷»

۱۰ـ دیگر یك سرقلیان کوچك مینائی بود که در داخل دو مدالیون آن، تصاویر زن و مردهای جوان جلوه گر بود و کناره ها و زمینه نیز گل و مرغ پرحالت داشت. در کناره های موی سرجوان، رقم زده بود: «رقم محمد جعفر ۱۲۲۸»

۱۱ـ دیگر از آثار این هنرمند، کوزه قلیان دیگری است که بتصویر و گل و مرغ آذین یافته و رقم نقاش و تاریخ ۱۲۳۴ را در بردارد.

۱۲ـ دیگر انفیه‌دان جواهرنشان که برای عباس میرزا و لیعهد ساخته شده، برویه آن، نقش بانوان اروپائی و یك کودك خردسال و یك فرشته پریچهره دیده می شود، این اثر میناکاری شده نیز، از آثار استاد بشمار رفته که بسال ۱۲۲۹ بعهده انجام رسیده است.

۹۷۱ـ محمّد جعفر (نقّاش صفوی)

در شیوه محمدی نقش می ساخت و صورت ها را بسان هنرمندان چینی می کشید.

این استاد علاوه بر چهره‌پردازی و تناسب اندام که صحیح و خوش قواره می کشید، در صنعت تذهیب و تشعیر نیز استادی نازك قلم بود و جمله مراحل اسلیمی و سایر نقوش بسیار دشوار آنرا صحیح عمل می آورد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

متاسفانه بغیر از یك اثر رقم داری که در حدود سالیان اواخر ۱۰ هـ. قـ. ، بعهده نقش درآورده و حالیه در بریتیش میوزیوم لندن قرار دارد، اثر دیگری ندیده و در جائی نیز نشر نشده است.

در این تصویر، شاهزاده جوانی روی صخره سنگی نشسته و ساز می نوازد. شمایل چهره و بخصوص حالت چشم و ابروها، در شیوه چینی بوده و بسان آن دیار است. شاهزاده، لباس سبز و زیبائی پوشیده که یخه و شلوار و کماندانی که به پهلو آویخته، کلاً تذهیب و طلا کاری شده و آیتی از زیبائی است.

حالت دستها که بروی ساز در حرکت است فوق العاده ماهرانهو متناسب است. شاهزاده جوان چکمه سفیدی پوشیده و موی سرش افشان و بدون کلاه است. در کنار وی، چند گل صحرائی که پروانه‌ای بدور آن می چرخد دیده می شوند. یك شاخه گل طلائی نیز در مقابل ترسیم شده و زیر پای شاهزاده بخط خیلی ریزی رقم دارد: «مشقه محمد جعفر» تصویر شماره (۵۲) در صفحه (۹۷۴)

۹۷۲ـ محمّد جعفر اصفهانی ـ مذهّب

مذهّب گمنام و نازك قلم اصفهانی بود و در دوره ناصری، بشغل مورد علاقه خود اشتغال داشت. از آثار رقم دار این مذهّب مشاهده نکرده‌ام.

● محمد جعفر بن آقا نجفعلی در جعفربن آقا نجفعلی آمده

۹۷۳ـ محمّد جعفر امامی

از سادات صحیح النّسب اصفهانی و از فامیل محترم خاندان امامی که اغلب آنها هنرمندانی قابل تقدیر بوده‌اند، بشمار آمده و در قلمدان و جلد سازی و کارهای روغنی، قلم پرحلاوتی داشته است. از آثار جلد سازی این هنرمند، جلد قرآنی، در اندازه رحلی دیده‌ام که رویه آن گل و مرغ پسندیده داشت و در داخل جلد، دسته گلهای باطراوتی بود که در زمینه مرغشی و طلائی آن، جلب نظر می نمود.

این جلد باحلاوت که به استادی عمل آمده بود، بخط رقاع خوش، رقم داشت: «فی سنه ۱۲۳۲ من الهجرة المقدسه. راقمه محمد جعفر الامامی» مجموعه دکتر ناصر خلیلی. لندن

۹۷۴ـ محمّد جعفر تهرانی حائری ـ مذهّب

مذهّب نازك قلم تهرانی بود و در خط نسخ نیز قلم شیوا داشت.

تنها اثر بجا مانده این هنرمند، که امضای مذهّب را دارا بود، رساله دینی و احکام فرعیه‌ای است که در کتابخانه کاخ گلستان بیادگار مانده است.

این هنرمند علاوه براینکه، تذهیبات و آرایش صفحات و جداول کناره ها را به قلم باریك خود، انجام داده،

---

*محمد جعفر شیرازی ـ طراح نقوش و خاتم ساز بامهارت شهر شیراز بود که خانواده وی از قدیم الایام به این هنر اشتغال داشته و نسل بعداز نسل در این حرفه خانوادگی فعالیت داشته‌اند.

از آثار ارزنده این هنرمند، یك جفت درب خاتم کاری ایوان تخت مر مر در تهران است که به مهارت و دقت تمام انجام داده و از بهترین نمونه خاتم سازی وی به حساب می آید.

عکس رنگ و روغنی این هنرمند که بدست استاد محمد باقر سمیرمی انجام یافته و جزو مجموعه نگارنده می باشد، او را فردی معمّم و عبا بدوشی در حدود هشتاد ساله نشان می دهد که ماده تاریخی نیز درمورد وفات وی توسط قدسی شاعر شیرازی در کنار وی قید گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

متن اصلی رساله را نیز به خط نسخ و شیوای خود کتابت کرده است.

حواشی نسخه، با تذهیب های زیبا و کمند کشی زرین و گلهای الوان و کتیبه های مذهّب و گنبدی آرایش یافته و رقم نهاده: «قدفرغ من تسوید هذه الرّساله . . . . . تما ماً من حیث الخط و الجدول و التذّهیب الحقیر الفقیر المستکین الی رحمت اله الغنی، الشیخ محمد جعفر الطهرانی الحائری فی سنه ۱۲۸۱»

● محمد جعفر خان در جعفر آمده.

۹۷۵- محمّد جعفر شیرازی

حل کار و مذهّب و گل و مرغ ساز شیرازی بود و در کتابت خطوط گوناگون نیز قلمی استادانه داشت.

از آثار ارزنده و تنها یادگار این هنرمند که جهت مظفر الدین شاه قاجار، حل کاری و مصور ساخته، چهار قبّه ضریح حضرت رضا علیه السلام است که گنبد طلائی وی را، با انبوه گلهای طلائی حل کاری نموده و جمع گنبد و تزیینات آنرا، یکدست، طلا اندود و زرفام نموده است.

در داخل صحنه گنبدی، دسته گلهای محّمدی که در کنار نام مظفر لدین شاه قرینه سازی شده، آیتی از کمال است که‌تمام گل و برگها، به طلا حل کاری گشته و با زمینه طلائی، جلوه بدیعی را هویدا ساخته است.

پایه گنبد طلائی، بهمان ترتیب، گل و مرغی شده و در زیر آن، ابیاتی از حافظ کتابت شده است.

این اثر حل کاری که جمله تصاویر و زمینه های آن، به طلای ناب عمل آمده، یکی از بهترین کارهای نقاش است که در یك مجموعه هنری گرد آمده است. در بالای گنبد طلائی، که بنام گلدسته نامیده می شود، بخط رقاعی نوشته شده: «السلطان حسین بن علی موسی الرضا» و سپس در محل مخصوصی که زمینه تیره دارد، بخط نستعلیق زیبا درج نموده.

السلطان العادل ـ مظفر الدین شاه قاجار و آنگاه در زیر آن، ابیاتی در وصف حضرت رضا علیه السّلام ارائه داده و تحریر کرده، (قبر امام هشتم سلطان دین رضا) در خارج متن گنبد طلائی، بخط رقاع طلائی و قرینه‌ای، نوشته شده است: «شبیه چهار قبّه ضریح حرم حضرت ثامن الأئمه علیه السّلام» در زیر پایه گنبد، ابیاتی از حافظ درج نموده که بیت آخر آن چنین است.

حافظ طریق بندگی شاه پیشه کن ـ . . . . .

در روی جدول کناره و زیر پایه گنبد، بخط رقاعی رقم نهاده: «عمل محمد جعفر شیرازی ۱۳۱۴»

● محمد جعفر شریف قاینی در جعفر شریف قاینی آمده.

۹۷۶- محمّدجعفر کاشانی ـ نقّاش و بافنده

طراح نقوش منسوجات و بافنده پارچه های زری و اطلسی، در اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. است.

نقوش و طراحی های این استاد، از ابتکارات خاصی برخودار بوده و در نوع خود شهره بوده است.

این استاد در ترسیم نقوش اسلیمی و ختائی و جانور سازی و منظره پردازی و نقش پرندگان و سایر تزیینات باب روز آن دوران استاد بوده، و اجرای تمام هنرهائی که در این پرده ابریشمی بکار رفته، بنفسه انجام داده و با درج (بنده درگاه محمد جعفر کاشانی) هنر متعالی خود رامسجل ساخته است. یگانه اثر نفیس و کم نظیر وی، پوشش ابریشمی، مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام است که از بدایع نساجی آن دوره ها بشمار می آید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این پارچه هنری که بابعاد ۳×۱۰ فوت عمل آمده و حالیه در موزه هنری سین سیناتی قرار گرفته، در وسط آن، نقوش پرندگان و درختان به استادی انجام پذیرفته و در حاشیه کمندی و وسط آن، این اشعار بخط زیبائی که مؤید ذوق شعری و مبین استادی وی در خط نستعلیق می باشد، درج گشته است.

این آستان قدس که شاهان نوالجلال — برخاك راه او سرو الفسر نهادهاند
انسان و جن و طیور ووحوش و پرّی و دیو — دربارگاه حضرت او سر نهادهاند
نبود عجب از آنکه برطوع بندهوار — برآستان سبط پیغمبر نهادهاند
برآرزوی خویش موفق شوند از آنك — دست طلب بدامن حیدر نهادهاند
زیر قدوم زایرش از بهر کسب فیض — کروبیان قدسی شهپر نهادهاند
بحر وجود هستی آل عبا بود — کاین طاق نه رواق بدو نهادهاند
بهر ثنا مقدم زوار در گهش — در دست چرخ مهر منور نهادهاند
از گرد راه و خاك قدم زایران او — طعنه به مشك و طنز به عنبر نهادهاند
گردید مست باده وصل حالت دوست — گوئی قدم بعالم دیگر نهادهاند
بی رنج راه رسند برچشمه حیوة — ظلمات را نصیب سکندر نهادهاند
لذت برند بیشتر از آب زندگی — آنان که دل بساقی کوثر نهادهاند

(بنده درگاه محمد جعفر کاشانی)

در حاشیه اشعار، نقوش اسلیمی و ختائی کوچکتری بافته شده که زیبائی خاصی را دارا میباشند.

در کناره بزرگتر، که در حقیقت وسیع ترین متن تصویری روپوش است، چهار فرشته بالدار و نشسته، در وسط آنها جلب نظر می نمایند، در گوشه های کنجی پارچه، چهار کله شیر که به آرایش اسلیمی آذین شدهاند جلوه استادانهای دارند.

در لابلای این آمیخته ها، تصاویر تزیینی ماهرانهای، با کله های انسان و حیوانات گوناگون، که به طراحی های اسلیمی و ختائی شیوه صفوی، در هم گشتهاند، جلب نظر می نمایند.

۹۷۷ ـ محمّد جعفر بن نجفعلی نقّاشباشی

تنها باستناد قلمدان منحصر بفردی که در مجموعه نگارنده قرار گرفته و رقم نهاده: «جعفر بن نجفعلی ۱۲۸۵» نام این هنرمند را در حرف (ج) یاد نمودم که اصالت نام اصیل نقاش مخدوش نگشته و تا پیدا شدن اثر دیگر نقاش، باین تنها نمونه موجود اکتفا کردم.

در قباله ازدواج صفیه سلطان خانم دختر آقا نجف، که حالیه در مجموعه دختر عزیزم تلّی کریم زاده تبریزی مضبوط است، نام محمد جعفر را جزو افراد فامیل درج نموده و چنین نوشته است: «آقا محمد جعفر اخ دیگر مسماة مزبوره» و در کنار نام وی، مهر طغرائی شکل نقاش جلب نظر می نماید که نگارنده از رویه مهر، باز نویسی کرده و جهت ثبت تاریخ، در این نوشته ارائه می نمایم. اصل مهر بیضی شکل بوده و در اندازه تقریبی دو سانتی متر است. تصویر در پشت این صفحه و نمونه مهر پدر «نجفعلی» و برادر «محمد کاظم» در صفحه ۶۶۳

عدهای برادر کوچك این هنرمند، یعنی محمد علی بن آقا نجف را که در جمله آثار بجا ماندهاش خود را فرزند آقا نجف نوشته، فرزند این هنرمند می دانند و عقیده دارند که فرزند این نقاش، بخاطر حرمت و بزرگداشت پدر بزرگش آقا نجف، خود را فرزند وی می نوشته و از افتخارات آن بهره مند می گشته است.

ولی به عقیده حقیر، حقیقت مطلب غیر از اینها بوده و در واقع آقا محمد علی فرزند کوچك خانواده بشمار می آمده

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و در حین اجرای عقد خواهرشان صفیه سلطان خانم که در سال ۱۲۷۱ هـ. قـ. انجام پذیرفته، این هنرمند کودك سه ساله و یا چهار ساله‌ای بوده و روی این اصل، نام این کودك در ذیل شهود یاد نشده است.

بطوریکه در احوال آقا نجف و در جلد سوم این کتاب، تشریح شده، سن وی در حین اجرای عقد دخترش، حدود شصت و چهار بوده و بعید هم نیست که بعلت مرگ زن اوّلش که مادر آقا کاظم و محمد جعفر و آقا احمد و صفیه سلطان بوده، زن دومی را نیز عقد کرده و از عیال جدیدش، همین پسر کوچکتر، یعنی محمد علی تولد یافته و کوچکترین فرد خانواده بشمار می آمده است.

و بدین ترتیب می شود گفت که این کوچکترین فرد خانواده، بیش از ده سال و اندی نتوانسته در حمایت و حفاظت پدر قرار گرفته و با مرگ پدر، همیشه خاطره وی را گرامی داشته و خود را (محمد علی بن آقا نجف) می نامیده است.

و بسیار مضحك خواهد بود، اگر پسری، پدر هنرمندی مثل محمد جعفر داشته و بالطبع از چشمه هنر آفرینی پدر نیز بهرمند گشته باشد، بجای نام پدر، اسم پدر بزرگ خود را یاد نموده و در نتیجه باعث رنجش پدر واقعی گردد.

در اینجا بهتر دانستیم که سنین جمیع افراد فامیل آقا نجف را، باختصار بازگو نمائیم تا علاقمندان را بوضع فامیلی و سایر اطلاعات دیگر آشنا نمائیم.

نام	سمت	تاریخ تولد حدسی	سال مرگ حدسی	مدت عمر حدسی	اولین وآخرین اثر تاریخ دار نقاش
نجف علی	پدر	۱۲۰۷ هـ. قـ.	۱۲۷۷ هـ. قـ	۷۰ سال	۱۲۲۷-۱۲۷٤ هـ. قـ
محمد کاظم	پسر اول	۱۲٤٦ ه.ش	۱۳۱۵ ه.ش	٦۹ سال	۱۲۷۳-۱۳۱۲ ه.ش
محمد جعفر	پسر دوم	۱۲٤۸ ه.ش	۱۲۹۰ ه.ش	٤۲ سال	۱۲۸۵- ه.ش
صفیه سلطان	دختر	۱۲۵۰ ه.ش	—	۲۱ ساله در حین عروسی	درسال ۱۲۷۱ عقد شده
احمد	پسر سوم	۱۲۵۵ ه.ش	۱۳۰۷ ه.ش	۵۲ سال	۱۲۷۹-۱۳۰۵ ه.ش
محمد علی	پسر چهارم	۱۲٦۷ ه.ش	۱۳۳۷ ه.ش	۷۰ سال	۱۳۳۵-۱۳۳٦ ه.ش



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org





متأسفانه نمونه کارهای این نقاش را، بغیر از تنها قلمدانی که در مجموعه دارم، اثر دیگری ندیده‌ام و چه بسا بعلت مرگ زود رسی، نتوانسته است کارهای بیشتری را ارائه نماید و یا اینکه آثاری تصویر نموده و جملگی از بین رفته و یا تاکنون کشف نشده است.

بهرحال از تنها نمونه قلمدان سازی این هنرمند معلوم میگردد، که دنباله رو پدر هنرمندش بوده و در چهره پردازی و حل کاری و سایر مراحل تصویر سازی قدرت قلم والائی داشته است.

در این قلمدان استادانه، تصویر یوحنای معروف را بشیوائی تمام، در رویه قلمدان نقش نموده و در حواشی و طرفین آن نیز، تصاویر دو زن زیبا و فنّان فرنگی را به تردستی تصویر نموده و بخط طلائی رقم نهاده است: «جعفر بن نجفعلی ۱۲۸۵»

۹۷۸ ـ محمّد جواد (قلمدان ساز)

بغیر از محمد جواد قلمدان ساز است که در اوایل قرن ۱۴ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته و سجع خود را (جود من کان جواد) می نهاده و در احوال (جواد) از وی یادشده است.

این استاد، سازنده اسکلت مقوائی و نقاش و مذهّب قلمدانها بود و در هنر خود مهارت تامی داشت عمده قلمدان های خوش دست و خوش قواره‌ای که استادان قلمدان ساز دوره ناصری، نقش تصویر می نمودند، اثر دست این هنرمند بوده ومهرخود را در زیر دماغه پائین قلمدان، تثبیت میکرده است.

این هنرمند در مقواسازی قلمدانها و صنعت ابری و تذهیب، از شاگردان استاد ابوطالب مدرس، بشمار می آمد و در رنگ آمیزی و ابری سازی، ابتکارات جدیدی داشت. در بعضی موارد که نقش قلمدانها را نیز سفارش می گرفت، با تذهیب و ابری سازی بخصوصی، آرایش میداد و در بعضی مواقع نیز از تلفیق عکس برگردان و تذهیب و ابری استفاده می نمود.

در قلمدان هائیکه، اسکلت مقوائی آن، بدست این هنرمند انجام پذیرفته، عموماً دارای مهر چهار گوش طلائی رنگ است که سجع (عبده الراجی محمد جواد ۱۲۸۶) در بردارند.

---

*محمد جمعه ـ قدیمترین خاتم ساز پر هنر ایرانی است که حالیه از آثار بجا مانده آن، صندوق مرقد حضرت موسی بن جعفر و امام جواد علیه السلام در کاظمین است که به استادی عمل آورده و شایسته تحسین می باشد.

این صندوق در اوایل سلطنت شاه اسماعیل صفوی و در سال ۹۰۶ بوسیله استاد محمد جمعه ساخته شده و روی مرقد مطهر آنان قرار گرفته است.

هنر خاتم سازی از هنرهای نزیبنی و قدیمی ایرانی است که ما را بتاریخ شروع و ایجاد آن آگاهی نبوده و از احوال و آثار مشاهیر آن نیز، اطلاع دقیقی بدست نداریم.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زیباترین قلمدان این استاد، که با قواره منحصر بفردی فرجام پذیرفته، تذهیب و نقوش ابری قلمدان بزرگی بود که طول ۳۲ سانتی متر و بلندی ۷ سانتی متر داشت و در اسکلت سازی استادانه بود.

داخل این قلمدان، بدو قسمت مجزا یعنی دو طبقه‌ای تقسیم گشته و هر قسمتی از آن، مخصوص قلم ها و رنگهائی بود که نقاش بمیل و سلیقه خود، در داخل آنها جای میداده است. این قلمدان که مخصوص خود نقاش بوده و در کارهای روزمره‌اش از آن استفاده می نمود، دارای همان مهر چهار گوش و سجع مخصوص نقاش بود که در جمله آثارش از آن سود می جسته است. تمام نشیمن داخل و بیرونی قلمدان ابری سازی شانه‌ای شده و زمینه رنگی هر دو نشیمن سرخ و عنابی چشم نواز بود.

کناره ها و لبه ها تذهیب پر پیرایه داشت ولی کناره روئی و رویه قلمدان، کاغذ فرنگی طلائی که برگهای پنجه‌ای درخت انگور در برداشت پوشیده و ساده بنظر میرسید.

این قلمدان که در برش و اسکلت مخصوصی ساخته شده و امضای هنرمند را در برداشت، یکی ا ز بهترین آثار این هنرمند بشمار می آمد که به تذهیب و ابری سازی استادانه‌ای بعهده نقش در آمده بود.

از آثار دیگر این هنرمند که مهر چهار گوش خود را در رویه و بیرونی قلمدان ثبت کرده و معلوم می نمود کار رویه و جوانب آن نیز بدست این هنرمند انجام یافته است، قلمدان بزرگی بود که رویه آن، به تذهیب ساده و زنجیره‌ای استادانه عمل آمده و کناره ها نیز در زمینه تذهیبی، شش ترنج ابری قهوه‌ای داشت.

زیر قلمدان ابری سرخ بود و رگه هائی از تذهیب برگ خنجری جلب نظر می نمود. رویهرفته این قلمدان، از تلفیق ابری سازی و صنعت تذهیب عمل آمده و در بالا و پایین رویه قلمدان و همچنین زیر لبه قلمدان، مهر چهار گوش طلائی نقاش جلب نظر می نمود و یکی از کارهای هنری وی را مشخص میساخت.

از کارهای قلمدان سازی این هنرمند که تنها اسکلت مقوائی آنرا ساخته، بمقدار زیادی برخورده‌ام که عموماً مهر چهار گوش این هنرمند را در برداشته و خوشدستی و استحکام بخصوصی را دارا بوده‌اند.

از همکاران دیگر این هنرمند، که اسکلت قلمدانها و قاب آینه ها و جلدها را می ساختند، استاد احمد است که در زمان ناصر الدین شاه قاجار فعالیت هنری داشته و با مهر (صحّ احمد) آثار خود را مشخص میساخته است.

● **محمد قلمدان ساز در جواد قلمدان ساز آمده**

۹۷۹ ـ محمّد چلبی اوّل (مذهّب عثمانی)

فرزند استاد احمد مجلد و مذهّب نامی دربار عثمانی در اواسط قرن در هـ. قـ. بود.

استاد احمد چهار پسر مذهّب و مجلّد، بنام های محمد و مصطفی و حسن و حسین داشت که همه آنها، بحرفه خانوادگی اشتغال داشته و در صنعت تذهیب و ترصیع و معرق و حل کاری و سایر فنون تجلید، استاد ماهری بشمار آمده و در زمان خود شناسا بوده‌اند.

فرزند بزرگ استاد احمد، به محمد چلبی شهره بوده و باقره ممی نیز همکاری مداومی داشته است. این هنرمند در سالیان (۹۵۲ ـ ۹۷۴) به شغل مجلّد باشی درباری مفتخر بوده و آثار گرانقدری نیز از خود بیادگار نهاده است.

استاد محمد صنعت تجلید و تذهیب و تشعیر و ترنج و ملّون سازی را از پدر هنرمند خود، فراگرفته و سربلوك و سرکسته جماعت مجلّدان که بالطبع می بایستی از صنعت تذهیب و تشعیر و حل کاری سرشته کاملی داشته باشند، قرار گرفته و بسال ۱۰۰۵ جای خود را بفرزندش استاد سلیمان که او نیز صنعت گر قابلی بوده و در این هنرها سررشته داشته، انتقال داده و از خدمت معذور گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بنوشته مصطفی عالی در مناقب هنروران، «از سردفتران نامور و اشهر جلدسازان و مجلّد باشی سلطان سلیم خان ثانی عثمانی محمد چلبی است برادران این استاد، بنامهای حسین و مصطفی و همچنین فرزند یکتا و نادر العصرش، سلیمان چلبی، در نزاکت جلد سازی و ایجاد شمسه و ترنج های ملمّع و ملوّن معروف هستند که در این هنر از استادان عجمی (ایرانی) نیز برترند.»

از آثار شناخته این هنرمند، جلد ضربی و طلائی و منقش ماهرانه، نسخه سلیمان نامه است که جهت سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴)به مهارت تامی پایان رسانده و هنر خود را به عرضه ظهور نهاده است. (۱)

۹۸۰- محمّد چلبی دوّم (مذهّب عثمانی)

از مذهّبان اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. عثمانی است که بنام حافظ محمد چلبی شناخته شده و برادرزاده حافظ عثمان معروف، خطّاط نامدار عثمانی است.

این هنرمند، اغلب آثار حافظ عثمان و سایر اساتید دیگر را، تذهیب می کرده و در این حرفه، از شاگردان سرکه جی زاده مذهّب مشهور، بحساب می آمده است.

دیگر از استادانیکه در این زمان، با وی همکاری کرده و حواشی خطوط حافظ عثمان را تزیین میدادند، استاد حسن مذهّب است که از شاگردان مصطفی مذهّب است.

۹۸۱ - محمّد حسن (زرگر و نقّاش اصفهانی)

از دراویش نعمت اللهی اصفهان بود و «مصورعلیشاه» نامیده می شد و در جوانمردی و صحت عمل و صداقت و ایمان انگشت نما بود.

این هنرمند درنقش و نگار به‌روی فلزات و بخصوص درصنعت زرگری استاد خوش نگاری بود و در زمان خود ازاستادان حرفه خود بشمار می آمد.

درجه ایمان و صداقت نفس و شیوه جوانمردی وی را بسیار ستوده و از جمله روایت نموده اند در مقابل قصاص زرگر جوانی که در حین تعمیر انگشتر ناصرالدین شاه جواهراصلی انگشتر را تعویض نموده و بجای وی جواهر بدلی جای گزین کرده و به دستور ناصرالدین شاه می بایستی چهار انگشت وی قطع گردد، این مصور علیشاه خود را بجای وی معرفی کرده و گناه را به گردن خود گرفته و در کمال جوانمردی حاضر شده تا چهار انگشتش را قطع نمایند، تااینکه قضیه کشف شده و بی گناهی وی ثابت گشته و ناصرالدین شاه درمقابل قولی که به مصور علیشاه داده از اجرای محکومیت مقصر اصلی در گذشته و او را بخشیده‌است. و پس از پرس و جوی زیاد استاد محمد حسن اقرار نموده که چون فرد مقصر، زرگر جوانی بوده و به علت جوانی و حرص مال به این عمل قبیح دست زده و اگر چهار انگشت وی را می بریدند دیگر نمی توانسته کارکند و من نیز که درسنین کهنسالی بوده و چندان احتیاج مبرمی به آن چهارانگشت نداشتم، روی این اصل حاضر شدم این فداکاری و

■۱- در این مقال بجا دانستیم، نام استادان تذهیب کار و مجلدان نامی این سنوات را که در هنر تذهیب و تجلید کشور عثمانی دست داشته و هنر آفریده‌اند، یاد نموده و چون به احوال کامل آنها آگاهی نداریم تنها بذکر نام و دوران فعالیت آنها اکتفا می کنیم.

۱- استاد خرّم رومی که در اواسط قرن ۱۰ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته و پسرش محمد نیز بفن تجلید اشتغال داشته است.

۲- بایرام بن درویش که تذهیب قرآنی را بسال ۹۳۰ هـ. قـ. بفرجام رسانده است.

۳- احمد کامل که در سالیان ۹۵۲-۹۹۶ به صنعت تذهیب و تجلید سرگرم بوده است.

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

جوانمردی را درحق آن زرگر ادا نمایم که یك جوان اشتباه‌کار را به راه راست هدایت نموده و راهگشای زندگی او باشم.

از آثار رقم دار و منسوب وی، نمونه‌ای که معلوم نماید در چه رشته‌ای از هنر نقّاشی تخصص داشته موجود نبوده ولی آنچه معلوم است این هنرمند در طراحی نقوش به‌روی فلزات قیمتی دست پرقدرتی داشته و در بین دراویش آن دوره به (مصورعلیشاه) موصوف بوده‌است.

---

* محمد حسن ـ نقّاش گمنام دوران ناصرالدین شاه قاجار و پدر استاد حسین مصورالملکی است.
این استاد درآب و رنگ وشیوه مینیاتور سازی دست داشته و یکی از استادان فرزند پرهنر خود بوده‌است.
ازآثار امضاءداراین هنرمند، دیده نشده واحوال دقیق وی نیز، برما تاریك است.

---

* محمد حسن (اسلحه ساز) ـ در جبّه خانه دولتی تبریز به ساختن تفنگ های دولول اشتغال داشت و آنرا با تزیینات طلایی آرایش می داد.
ازآثار رقم داراین استاد، تفنگ دولول خوش نقشی به شیوه انگلیسی بود که به استواری و دقیق کاری عمل آمده و تزیینات فرنگی داشت.
این دولول استادانه، که در حراج ساتبی به فروش رسید رقم داشت: «حسب الامر شاهنشاه جمجاه محمد شاه غازی ـ در جبّه خانه تبریز شرف اتمام پذیرفت به تاریخ شهرذی القعده الحرام سنه ۱۲۵۴ ـ محمد حسن در جبّه خانه تبریز به اتمام رسانید»

---

* محمد حسن برادر آقا نجف نقّاشباشی ـ تنها به استناد قباله ازدواج صفیه سلطان، دختر آقا نجف است که او را برادر آقا نجف دانسته و بعید نیست این آقامحمد حسن نیز یکی از نقّاشان آن دوره‌ها بوده که در رشته خانوادگی، به شغل تصویرگری پرداخته که مارا به احوال و آثار او آگاهی نیست.
چه بسا ممکن است این محمد حسن، همان محمد حسن نقّاش اصفهانی باشد که در دارالسلطنه اصفهان کارخانه جلد سازی و قلمدان سازی داشته و احوال وی درجای خود درج گشته و یکی از آثار وی، بسال ۱۲۶۷ اجراشده که درحد خود خوش قلم بوده و کارهای بیشتری، از کارخانه هنری وی، بیرون آمده‌است.
درعقد نامه مذکور که حالیه در مجموعه دخترم تلی کریم زاده تبریزی مضبوط است، نام این هنرمند را جزو افراد فامیل طراز اول درج نموده و نسبت خانوادگی اش را نیزمعلوم داشته و چنین نوشته است: «عالیشان رفیع مکان آقا محمد حسن عمّ مسمّاة مزبوره»، پر واضح است که با به دست آمدن این سند ارزنده، که تفصیل آنرا دراحوال نجفعلی نقاشباشی و در جلد سوم این کتاب یاد کرده‌ام، نسبت فامیلی این خانواده هم که تاکنون تعبیرات اشتباه آمیزی داشته، برطرف گشته و حقیقت مطلب عیان شده‌است.
درزیر نام آقا محمد حسن، مهر بیضی شکل وی که با سجع (گل بوستان محمد، حسن) حکاکی شده جلب نظر مینماید، که نگارنده مهرمذکور را بزرگتر ازاندازه واقعی ترسیم نمودم که در تاریخ هنری ایران ثبت گردد. اندازه اصلی مهر بطول دوسانتی متراست.



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۸۲ ـ محمّد حسن (نقّاش اصفهانی)

کارخانه جلد و قلمدان سازی، دراصفهان داشت و با همکاری دوستان و شاگردان خود، آثار معمولی و بازاری عمل آورده و به علاقمندان عرضه می نمود.

استاد محمد حسن، در نقّاشی شیوه بخصوصی داشت و خیلی ساده و باحلاوت می کشید. و به پرداخت سایه ها و شباهت چهره ها و تنظیم آرایش لباس ها و سایر دقایق تصویر، چندان توجه نمی نمود ولی در جمع تصویر، یك هماهنگی و توازنی وجود داشت که چشم آذین و دوست داشتنی بودند.

در رنگ آمیزی، تاحدی سلیقه به‌کارمی برد و رنگ هارا طوری می زد که سستی سایه ها و عمق کار، چندان به نظر نمی رسید. و چون در جمع شاگردان و به اصطلاح در کارخانه نقّاشی، استادی می نمود، روی این اصل، عمده کارهارا شاگردان و خلیفه ها انجام داده و این هنرمند، در مرحله آخری، مرتب و منظم و پرداخت نموده و روغن کمان می زد.

این هنرمند در شعر نیز دست داشته و بعضی از ابیاتی که به مناسبتی در وصف ناصرالدین شاه یا سایرین به رشته نظم درآورده به خط شکسته بد، در کنار آثار درج می نمود که خوانا نبودند.

یکی از آثار بجا مانده نقّاش که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن به نمایش بود جلد خوش نقش، صحنه عروسی ناصرالدین میرزا در ولیعهدی بود که به حلاوت، نقّاشی شده بود.

در این اثـر شادمانی، ولیعهد سوار براسب شده و با جماعت همراهان که همه پیاده بودند در طرف چپ میدان، به انتظارایستاده بودند.

عروس که متقابلاً، آن نیز سوار بر اسب بود، با انبوه زنان چادری که همگی پیچه بلند و سفیدی به صورت ها بسته بودند، دیده می شدند.

افراد نوازنده و رقاصان و قانوس به دستان و همچنین افرادی که مخصوص آتش بازی بودند در محل های خود جلب نظر می نمودند. ازپشت دیوار های خانه، چند نفری، این صحنه شادی آور را نظاره می نمودند.

حواشی جلد، اشعاری به خط بد نوشته شده بود و رقم نقّاش در بین ده دایره کوچکتر، چنین بود:

«هودر دارالسلطنه اصفهان درکارخانه عالیشان آقا میرزا محمد حسن نقّاش اتمام پذیرفت»

البتـه نویسنده کتاب، راجع به لنگه دیگر جلد چیزی ننوشته بود و تاریخ اثر را نیزاشتباه خوانده و قدری جدیدتر به حساب آورده‌بود.

در مجموعه نگارنده، از همین نقّاش و همان موضوع و همان اندازه یعنی ۲۹/۲ × ۴۵/۱ سانتی متر جلد روغنی بزرگی موجـود است که صحنه عروسی را با آرایش دیگری کشیده و در طرف دیگرآن، منظره شکار ناصرالدین شاه را به پرکاری شیرینی نقش نموده و بسان امضای جلد موزه ویکتوریا آلبرت لندن نیز، ترقیم نموده‌است.

در این شکارگاه، ناصرالدین شاه را در حدود بیست سالگی نشان داده که شاه جوان، سوار بر اسب شده و پیرمرد ریش بلندی که شاید قوش باز سلطنتی باشد، شاهین تیز پروازی به دست گرفته و با جماعت همراهان

---

* محمدبن حسن لباسانی ـ این هنرمند و برادرش حسین، فرزند حسن بوده و هردو نفر نجّار هنرمندی بوده‌اند که به ساختن و طراحی نقوش و خطوط استادانه، به روی چوب اشتغال داشته و از هنرمندان نامی بشمارمی آمدند.

از آثار رقم دار این استاد که در معیت برادرش حسین به پایان رسانده، صندوق عتیقه بقعه امامزاده یحیی در محله عودلاجان تهران است که رقم دارد: «. . . عمل استاد حسین واخوه محمد بن حسن لباسانی، تاریخ ۸۹۵

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که کلاً شش نفر می باشند، به شکار گراز و شیر سرگرم هستند و دو تازی لاغر و تکیده به دنبال شکار در تك وپو می باشند.

نقّاشی درحد خود شیرین و پرکار و درشیوه مخصوص هنرمند است و از ابیاتی که در وصف ناصرالدین شاه نوشته شده

گذشته ز عمرش دو ده سال بخت — که دادش خدای جهان تاج وتخت

معلوم می نماید که شاه قاجار، دراین سنوات، بیست ساله بوده و بدین ترتیب با محاسبه سال تولد وی که درسال ۱۲۴۷ هـ. قـ. اتفاق افتاده و سال به تخت نشستن او که در سنه ۱۲۶۴ هـ. قـ. انجام پذیرفته و نقش تصویر نیز درسال سوم سلطنت به پایان رسیده، تحقیقاً این جلد ها درسال ۱۲۶۷ هـ. قـ. فرجام یافته‌است.

ابیات هردو طرف جلد که به خط شکسته بد و ناخوانا نوشته شده بود چنین است:

ساقی به نور باده برافروز جام ما — مطرب بگو که‌کارجهان شد بکام ما
ما درپیاله عکس رخ یار دیده‌ایم — ای بی خبر زلذت شرب مدام ما
گو نام ما زیاد به عمداً چه می بری — خود آید آنکه یاد نیاری زنام ما
ای باد اگر به گلبن احباب بگذری — زنهار عرضه ده برجانان پیام ما
بینی به چشم شاهد دلبند تاخوش است — زانرو سپرده‌اند هستی او برزمام ما

غزل ازحافظ شیرازی

بدوران سلطان گیتی ستان — خدیو جهان خسروکامران
فلك چاکر و آستان بارگاه — مرصع سریر و ملایك سپاه
بدین ناصر وناصرالدین پناه — برایران پدر برپدر پادشاه
گذشته زعمرش دوده سال بخت — که دادش خدای جهان تاج وتخت
امید آنکه بااین درخشنده مهر — کند سیر اندر فضای سپهر

رقم این جلد ها نیز بسان امضای جلد موزه ویکتوریا آلبرت لندن چنین است:

«هو دردارالسلطنه اصفهان درکارخانه عالیشان آقامیرزا محمد حسن نقّاش اتمام پذیرفت»

۳ـ دیگراز آثار امضاءداراین هنرمند، قاب آینه بزرگی در حدود ۲۰×۳۰ سانتی متر دیده‌ام که در رویه آن، مجلس شکارگاه فتحعلی شاه قاجار و جمع فرزندان و اعیان به‌همان شیوه ها ترسیم یافته که جملگی براسب سوار شده و به دنبال آهوان در تك و پو بودند.

مطابق معمول، شاه قاجار دراین مجلس نیز، با تیر پرمهابتش، پای غزالی را به گردن حیوان دوخته و مهارتش را درامر تیراندازی مدلل ساخته‌است.

در طرف دیگر قاب آینه نیز، به همین ترتیب مجلس بزمی بهرام و شیرین تصویر شده که شیرین مشغول استحمام بوده و بهرام به انتظار دیدار وی درکناره ها ایستاده است.

مستخدم مخصوص شیرین، پرده‌ای را به دست گرفته و او رااز چشم نامحرم مستور می دارد.

درکناره های قاب آینه، ابیاتی به خط شکسته بد و ناخوانا، در وصف این مجالس درج شده که‌از تکرار و بلزخوانی آنها خودداری مینمائیم. در انتهای ابیات کناره‌ها، به خط سبز یشمی رقم داشت: «درکارخانه عالیشان آقا میرزا محمد حسن نقّاش به اتمام رسید»

از کهنگی و ریخته گی اثر معلوم بود که این قاب آینه، در حدود سالیان ۱۲۷۰ هـ. قـ. به پایان رسیده‌است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۸۳ ـ محمّد حسن (نقّاش فتحعلیشاهی)

به غیرازمحمد حسن خان الشار، نقّاشباشی لال است که در زمان ناصرالدین شاه قاجار می زیسته و ازاو لقب نقّاشباشی داشته‌است.

این نقّاش آثار خودرا، اغلب به شیوه رنگ و روغنی کارمی کرد و به درج نام ساده‌اش (محمد حسن) اکتفا می نمود.

تنها تصویر آبرنگی، که‌ازاین هنرمند مشاهده نموده‌ام، به مثابه کارهای رنگ و روغنی، اش، ماهرانه بوده و جهت ارائه هنر آبرنگی، تصویر پرشباهتی از فتحعلیشاه قاجار به رشته نقش کشیده و قدرت قلم خود را دراین رشته نیز، به حضور پادشاه عرضه داشته‌است.

محمد حسن، درارائه چهره های متنوع و البسه رنگارنگ و حلاوت گوناگون افرادی که می خواسته از روی آنها تصویر سازی نماید، احساس و وسواس زیادی داشت و کوچکترین نکته‌ای رااز نظر باریك بین خود دور نمی ساخت.

در آمیختن رنگ ها و به کاربرد اصولی آن استعداد بخصوصی داشت و درشیوه مخصوص خود عمل می آورد.

به غیراز حالات خصوصی و آرایش صورت ها که سعی می کرد، در کمال شباهت انجام پذیرد، بقیه اشیاء زمینه را به کنجکاوی به روی بوم می آورد و جزئیات تك تك آنها را به حوصله تمام نقش می نمود.

این استاد در تذهیب و حل کاری و سایرآرایش و پیرایش زمینه و کناره ها و چه بسا به روی البسه نیز، تیزقلم بود ونیکو می ساخت.

عمده‌ترین آثار رنگ و روغنی این استاد که درموزه نگارستان تهران قرار گرفته عبارتند از:

۱ـ تصویر شاهزاده ای است که با کلاه مخصوص روی قالیچه‌ای نشسته و پسر بچه خردسالی را در کنار خود جای داده است.

ریش شاهزاده توپی و تاحدی بلند و کلاه وی به عیارکلاه عثمانی ها، بوقی کوتاه بود.

زمینه پرده ها تیره بود و گل های زیبای متنوع داشت، دسته گل های با طراوتی که بسان گل های قلمدانی دیده می شدند، به روی گلدان سفید جلب نظر می نمود.

معجر ها و آلات چوبی آنها، نقوش هندسی منظمی داشتند و انواع ستاره های چندپر را تشکیل می دادند.

شاهزاده لباس سرخ آتشی داشت که با بوته جیقه‌های خوش منظر، همه لباس را پوشانده و دقت و بردباری نقّاش را دراجرای این همه نقوش، مدلل می ساخت.

شاهزاده، قمه مرصع نگاری به کمر داشت و شمشیر دسته عاج و جواهر نشانی را نیز به روی پاها قرارداده بود.

او دو زانو نشسته بود و کودك خردسال خود راپرستاری می کرد.

کلاه مخصوص بچه‌اش، پارچه‌ای بود و گوشواره های مرواریدی و ریسه جواهرات از دوش و سینه وی آویزان بود.

پیراهن سفید و تن نمایی پوشیده و گردن بند و بازو بند مرصع و جواهرنشان بسته و بدون شلوار نشسته و میوه‌ای به دست گرفته بود.

نقّاشی در کمال قدرت بود و به خط نستعلیق زیبا رقم داشت: «کمترین محمد حسن»

تصویر شماره (۵۳) در صفحه (۹۷۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۲ـ دومین اثر رنگ و روغنی استاد محمد حسن دراین موزه، تصویر بلند قامت جوان برومندی است که سبیل مخصوص داشته و موهای بلند خود رابه اطراف ریخته است.

این تصویر شایان تحسین، که شمایل یکی از شاهزادگان درباری است، با صلابت تمام درجای خود ایستاده و تفنگ پرنقش و نگاری را به دست گرفته است.

آرایش لباس و نقوش فرش و ترصیع قمه و شمشیر شاهزاده به حسن سلیقه تمام فرجام پذیرفته و رقم دارد: «کمترین محمد حسن»

۳ـ سومین اثرامضاءدار هنرمند در این موزه، تصویر شیخ صنعان و دختر ترسااست که شیخ پاکباخته، در نهایت درماندگی، بروی زمین نشسته و جرعه شراب رااز دست محبوبش دریافت می نماید.

قیافه پریشان و حالت موی سر و ریش سفید او جالب است. دختر ترسا نیز که به برازندگی تمام، نقش بسته، دامن گلدار وسرخی به تن کرده و خود رابه شیوه فرنگیان آرایش داده‌است.

همراهان وی نیز به همین نحوه و شیوه وی، لباس پوشیده و ماجرا را نظاره می نمایند. رقم دارد به خط نستعلیق: «رقم محمد حسن» اندازه ۸۱×۱۰۶ سانتی متر تصویر شماره (۵۴) در صفحه (۹۷۵)

۴ـ دیگراز آثار محمد حسن خان دراین موزه، تصویر شاهزاده بلند و بالایی است که تفنگ به دست گرفته و داخل اطاقی ایستاده‌است.

صورت شاداب و پرحالت جوان، به استادی عمل آمده و موهای سرش از اطراف آویزان گشته است، البسه پرزرق و برق وی و ارائه گل ها و تزیینات پارچه‌های متنوع، در نوع خود زینت افزا است.

فرش گلداری به روی زمین اطاق نقش بسته و معجر چوبی زیبایی که با نقوش منظم هندسی ترسیم شده بسیاردقیق است.

منظره پرده قرمز رنگ و فضای بیرون عمارت، به شیوائی عمل آمده و از بهترین کارهای نقّاش به شمار می آیند. در بالا رقم دارد: «کمترین محمد حسن»

۵ـ یکی دیگراز شیواترین اثر رنگ روغنی نقّاش، دراین موزه، گویا همان شاهزاده سابق الذکراست که لباس بلند و سبز رنگی پوشیده و دست هارا به کمر و روی شمشیر گذاشته و به حالت تبختر، در وسط اطاق ایستاده‌است.

حالت صورت و ترکیب اعضاء بدن و نمود دست ها به خوبی تصویر شده و رنگ ها حالت توازن و چشم نوازی دارند.

ترسیم شال کمر و ارائه خنجر و شمشیر بلند و همچنین جوراب های رنگی، دقیق و پرحالت است.

در زمینه تصویر، فرش پرگل وزیبا و معجر مشبکی که با نقوش هندسی عمل آمده، معرف حسن سلیقه و دقت نقّاش می باشند که همه چیز را بجای خود خوب نقش کرده و استادانه ساخته است. اندازه ۹۱×۱۸۹ سانتی متر.

از آثار دیگر نقّاش دراین موزه، که رقم صریح نقّاش را در بر نداشته ولی، شیوه کارش در عیار همین استاد است.

۶ـ یکی تصویر خدمتکار زیبا رولی است که لباس بلند وقرمز رنگی پوشیده و به روی آن نیم تنه تیره رنگی که کناره یخه و حواشی آن، با جواهرات و مروارید های زیاد، آذین شده به تن کرده‌است.

حالت محجوب و قیافه پرحلاوت و سایه های آن، یکی از آثار پر حالت نقّاش است که بسان صورت های دیگروی، عمل آمده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

منظره و نقوش فرش اطاق و ترسیم هندسی معجز بالائی آن، به ترتیبی است که قرینه آن را در سایر آثار نقّاش نیز مشاهده کرده‌ایم.

دست های حنابسته و گلدان پر آذین و پرگل و سایر نکات دیگر تصویر، بحد خود پسندیده بوده و یکی از کارهای پر امتیاز نقّاش به شمار می آید. اندازه ۵۹×۱۱۴ سانتی متر

۷ـ دومین اثر بی رقم نقّاش دراین موزه که حلاوت آثار دیگر نقّاش را بخاطر می آورد. تصویر زن جوان دلربایی است که به دلبری تمام در اتاقی نشسته و فرزند لخت خود را در بغل گرفته‌است.

صورت پر حالت و غمگین زن جوان و نرمی و شادابی موهای سر، که بدور گردن ریخته و البسه متنوع و پر آذینی که به تن کرده، درحد خود استادانه بوده وتحسین انگیزاست.

دامن سرخ آتشی و گل های زرد و استادانه‌ای که در رده‌های منظم، به روی وی نقش بسته، یکی از زیباترین آثار نقّاش بشمار می آید.

گلدان سفید و منقش و دسته گل متنوع و رنگین و دست های پرحالت و حنا بسته و ارائه طوطی زیبایی که به روی دست وی قرارگرفته معرف قدرت قلم نقّاش بشمار آمده که از روی صورت زیبا روئی، نقش بسته‌است.

۸ـ تنها آبرنگی که ازاین هنرمند دیده‌ام، تصویر پر جلال جلوس فتحعلیشاه به روی تخت سلطنتی بود که در حراج ساتبی سال اکتبر ۱۹۸۷ لندن به فروش رسید.

دراین اثـر چشم نواز، شاه قاجـار تاج مرصعی بسـرنهـاده و گرز بزرگ و سنگینی به روی پاهـای خود گذاشته‌است. لباسش سفید و بلند و محاسن وی بلند و مشکی بود و بازوبند های مرصع وی که پراز الماس و یاقوت وزمرد بود جلوه تابناکی داشت.

در پشت صندلی و در روی طاقچه پنجره، یك دسته گل زیبا که گلدان جواهر نشانی داشت، جلب نظر می نمود.

در کنار ایوان و روی ستون ها، تذهیب چشم نوازی داشت.

در یکی از ترنج های زمینه، لقب فتحعلیشاه و در زمینه آبی کف اطاق، امضای نقّاش دیده می شد که چنین بود: «السلطان بن سلطان و خاقان بن خاقان فتحعلی شاه قاجار ۱۲۳۴»کمترین محمد حسن ۱۲۳۴

۹۸۴ ـ محمّد حسن (نقّاش فتحعلیشاهی)

سجع هنری اش «یا امام حسن» بود و از نقّاشان گمنام دوران فتحعلیشاه به شمار می آمد.

از این هنرمند، قلمدان تصویری و گل مرغی دیده‌ام که درکمال شیوائی عمل آمده و در رویه آن تصاویری از شیوخ و عرفا و مولای رومی بود که به استادی نقش بسته بود و سایه‌های پرداز ریزی داشت.

کناره قلمدان نیز انبوه گل و مرغ بود، که بسان بوستان گل ها، پرحلاوت و چشم آذین بود.

در روی کتابی که مولای رومی به دست گرفته بود رقم داشت: «یاامام حسن ۱۲۳۵»

۹۸۵ ـ محمّد حسن (نقّاش ناخنی)

تصویرساز و خطّاط در شیوه ناخنی بود و در قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می نمود.

تنها اثر رقم داری که از این هنرمند دیده‌ام، دسته گل شیوایی بود که انواع گل ها را به روی گلدانی نقش نموده و مهارت خود را در شیوه نقوش ناخنی به اثبات رسانده بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این اثر ارزنده، که کناره برجستگی ها را با طلا تذهیب نموده بود به خط نستعلیق ناخنی رقم داشت: «کمترین محمد حسن ۱۲۹۹»

۹۸۶ ـ محمّد حسن (نقّاش هندی)

نقّاش مسلمان اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هـ. ق. جیهور و یا لکنهو بود که در میناسازی و نقش چهره ها قلم خوشی داشته و تنها نام وی، درذیل امضاهای فرزندان هنرمندش بود که در ذیل خنجر مینایی پرکاری دیده می شد.

در یکی از آثار ارزنده فرزندان این هنرمند که در نوامبر ۱۹۸۷ حراجی کریستی لندن به فروش رسید، غلاف خنجر مینایی بود که جهت میر فتحعلی خان تالپر، درسالیان ۱۲۱۰ به عهده نقش درآمده و درنوع خود جلوه ستودنی داشت.

ارقام هنرمندانی که این اثر زیبا را به عهده نقش کشیده بودند، دو برادر به نام های (محمد یوسف بن محمد حسن نقّاش) و (عبداللطیف بن محمد حسن نقّاش) بودند که نام پدرشان را ذیل اسامی خود درج نموده و یادش را گرامی داشته بودند.

تنها مدرك مستندی که وجود چنین نقّاشی را معرفی می نماید، همین ارقام فرزندان نقّاش است که زاید برآنها اطلاع دیگری نداشته و آثار رقم داری نیز، مشاهده نگشته است.

۹۸۷ ـ محمّد حسن خان (نقّاشباشی)

اهل تبریز و نقّاشباشی آذربایجانی است که در زمان ولیعهدی مظفرالدین شاه قاجار، از آن ولیعهد، لقب نقّاشباشی گرفته و یك سال بعد نیز، به لقب خانی سرفراز گشته‌است.

ازتاریخ فرمان و صدور لقب که به سال ۱۲۹۱ هـ. ق. صادر شده، معلوم می دارد، این نقّاشباشی، به غیراز محمد حسن خان افشار، نقّاشباشی لال و ازطایفه افشار رومی است که در زمان محمد شاه قاجار به این لقب مفتخر شده‌است.

فرمان نقّاشباشی این نقّاش که جزو فرامین مجموعه نگارنده در تهران بوده و عکس آن نیز بشماره (۵۵) درآخر کتاب چاپ شده چنین است:

سجع مهر

(منشورحکمرانی بگرفت زیب و آئین از خاتم ولیعهد سلطان مظفرالدین

حکم والا شد آنکه چون عالیجاه مجدت همراه میرزا محمد حسن عمری صرف علم نقّاشی نموده و در فنون و دقایق آن کمال فطانت و مهارت را حاصل کرده و این اوقات مراتب استعداد و لیاقت او کاملاً در پیشگاه والا جلوه ظهور یافته شایسته شمول مرحمت و عنایت گردیده علیهذا محض افتخار و استظهار عالیجاه مشارالیه درهذه‌السنه میمونه ایت ایل خیریت دلیل اورا به منصب نقّاشباشی گری آستان معدلت بنیان والا مفتخر وسرافراز داشتیم و مبلغ (سیاقی نوشته) تومان مرسوم به صیغه مواجب درباره‌او مرحمت نمودیم که با کمال امیدواری مشغول تقدیم لوازم شغل محوله خود بوده حسن لیاقت و شایستگی خود را کاملاً در حضرت ملك رفعت ظاهر سازد مقرر آنکه کارگذاران استان والا عالیجاها مشارالیه را به منصب مزبور برقرار و منصوب دانسته مراسم شغل مزبور را به‌او مرجوع دارند المقرر عالیجاهان عزت وسعادت همراهان کتبه گرام ظفر فرجام شرح رقم مبارك را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند فی شهر ربیع الاول ۱۲۹۱»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در قسمت بالا و سمت چپ فرمان مظفرالدین شاه یکسال بعد نقّاشباشی را به لقب خانی سرفراز کرده و چنین نوشته‌است: «اورا به لقب خانی سرافراز فرمودیم و چهل تومان برمقرری او افزودیم ۱۲۹۲» صفحه (۹۷۶)

آثار وی عبارت است از:

۱ـ تصویر آبرنگی و گل مرغی (مرغ یابسم الله) است که در روی جلد اول این کتاب چاپ شده‌است. این اثر ارزنده که جزو مجموعه نگارنده می باشد، بسم الله را در حالت طغرایی و تزئینی نقّاشی کرده وقدرت قلم وابتکار خود را به بهترین وجهی عرضه نموده است. در پایین تصویر رقم دارد: «مرغ بسم الله به جهت تیمّن و تبریك سرکار عالیجاه میر علی آقا. کمترین محمد حسن ۱۲۹۳»

۲ـ اثردیگر این استاد که درموزه نگارستان تهران دیده میشود. گل وبوته شیوایی بهسبك سیاه قلم است که به‌استادی نقش بسته و رقم دارد: «محمد حسن»

۹۸۸ ـ محمّد حسن خان افشار ارومی ـ نقّاشباشی لال

هنرمند لال واز طوایف معروف افشار و ارومیه‌است که در هنر خود سر آمد بوده و از فتحعلیشاه یا محمد شاه قاجار لقب نقّاشباشی داشته است.

عمده افراد این خانواده، به سپاهیگری و امور دیوانی و سایر خدمات دولتی که اغلب نسل به نسل دنبال می شده مفتخر بوده و قلیلی نیز، بجانب خاطردل شتافته و بسان همین استاد، به رشته هنرمورد دلخواه خود رو آورده‌اند.

این هنرمند، هرگز به لال بودن و نقص عضو خود، اشاره‌ای نکرده و در جمله ارقامی که امضاء نهاده خود را نقّاشباشی افشار معرفی نموده‌است.

یکی ازدلایل لال بودن نقّاش، اشاره صریح فرزندش آقا بیگلر است، که در ذیل یکی از آثار خود که به فرزندی استاد مفتخر بوده، به نقص عضو پدر نیز معترف شده و چنین رقم زده‌است: «رقم کمترین آقا بگلرولد عالیجاه محمد حسن آقای نقّاشباشی لال افشار فی شهر شوال ۱۲۶۳»

دلیل مستند دیگر که به لال بودن نقّاش اشاره شده، نکاتی است که اسماعیل جلایر پس از تکمیل قلمدانی که ازنقّاش لال بجامانده و بقیه را جلایر بسال ۱۲۹۶ هـ. قـ. به پایان رسانده، نوشته‌است.

در این نوشته اسماعیل جلایر اشاره کرده که این قلمدان معروف، کار مرحوم نقّاشباشی لال بوده که با بعضی فقرات دیگر، بسال ۱۲۹۶ هـ. قـ. به دست این فقیر به اتمام رسیده‌است.

روایت دیگر که قابل ذکراست، یادداشت فرستادگان حکومت فرانسوی است، که در حین عبور واقامت چند روزه آنها درشهر تبریز، ازنقّاش کرو لالی دیدار کرده‌اند که مردی چهل ساله بوده و در نقش تصویر استعداد شگرفی داشته است.

با همین اشارات مختصر روشن گردید که این نقّاش لال وکر بوده وروی این ضعف طبیعی، سعی داشته، هنر خود را با کیفیت پرمایه‌ای توام ساخته و کمیت اتفاقی را جبران نماید.

محمد حسن خان، در رنگ وروغن و کارهای روغنی و آبرنگ دست پرهنر داشت و رنگ ها را طبیعی عمل می آورد. و درکارهای قلمدانی و خط نستعلیق استعداد بخصوصی داشت و پرسپکتیو راخوب می دانست.

این استاد در چهره‌سازی و شبیه پردازی و تزیین البسه و نقش و نگار جواهرات دقیق کار و بصیر بود و در ارائه مجالس بزمی و رزمی و خصوصاً تك چهره‌های پادشاهان و رجال معروف، شیرین قلم و آگاه بود و صورت هارا بسان دوربین عکاسی، طبیعی و با حالت نشان می داد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این استاد درارائه مجالس رزمی مخصوصاً، تك و پوی افسران و حالات رزم آوری سربازان و پیچش و گردش اسب ها و گردو خاك سم ستوران و شعله خمپاره هارا، به علت خوی سپاهی گری که داشته، به تمام و کمال، دقیق و باوسواس می کشید و حالت پر حرکتی به آنها می بخشید.

در شیوه آبرنگی جودت طبع و حدت ذهن ستودنی داشت و سایه‌پردازها را طوری ریز و طبیعی عمل می آورد که حتی با ذره‌بین نیز موشکافی های هنرمندانه وی را نمی شد رؤیت نمود و از همدیگر تمیز داد.

او پرداز را بسان ذرات غبار مانندی به روی تصاویر می گسترانید و آنها را ظریف و فریبنده و طبیعی عمل می آورد.

درارائه رنگ ها و حالت توازن و اخت و همخوابگی آنها بصیر وآگاه بود و چشم نواز و زنده ترسیم می نمود.

محمد حسن خان در شبیه سازی و مصور ساختن قیافه مشاهیر، علاقه تامی داشت و بیشترین مدل ها و نمونه های خود رااز بین پادشاهان قاجاری انتخاب می نمود و روی این برداشت ها می شود عقیده داد که این هنرمند نقّاش درباری بوده و سعی می کرده جلال و عظمت پادشاهان قاجاری را، به نحو پر پیرایه‌ای، به آیندگان به یادگار گذارد.

محمد حسن خان در گل و مرغ و جانورسازی و نقش مناظر دلفریب، دست باقدرت داشت و تذهیب را با وسواس می کشید.

قدیمی ترین اثریادگاری وی که لقب نقّاشباشی درج شده، درسال ۱۲۶۱ و زمان سلطنت محمد شاه قاجاراست که واضح میسازد، لقب نقّاشباشی را ازاین پادشاه در سنین میان سالی دریافت کرده و یااینکه از زمان فتحعلیشاه نقّاشباشی بوده ولی آثار آن دوران تاکنون بدست نیامده‌است.

در عمده آثار بجا مانده‌اش، خود را محمد حسن خان نقّاشباشی افشار خوانده و درج نام ایل و تبار خود را نشانه افتخار خانوادگی دانسته است.

متأسفانه با همه شهرتی که داشته و مدت مدیدی به کار نقّاشی اشتغال داشته، کوچکترین احوالی از این هنرمند در دسترس نبوده و بسان هنرمندان نقّاش دیگر، ناشناس مانده‌است.

تنها اشاره مختصری که به احوال این نقّاش شده، نوشته مرحوم معیر الممالك است که چنین نوشته است:

«قلمدان ساز لال، برقلمدانی، میدان جنگ سالار را در خراسان نقش کرده بود که یك هزار تن جنگجو روی آن شمرده میشد. قلمدان مزبور را یکی ازاروپائیان مقیم تهران به هزار و پانصد تومان خریداری کرد.»

قدیمی ترین اثر هنری اش را که از نزدیك دیده ام قلمدان گل ومرغی زیبایی بود که در سال ۱۲۳۴ و زمان فتحعلیشاه قاجار پایان یافته و جدیدترین آنها تصویرآبرنگی محمد شفیع خان، یکی از رجال قاجاری است که به‌سال ۱۲۷۹ و زمان سلطنت ناصرالدین شاه ترسیم گشته‌است.

از مقایسه دو اثر قدیم و جدید معلوم می گردد که محمد حسن خان قریب پنجاه سال و اندی در خدمت هنر بوده و آثارارزنده‌ای از خود به یادگار نهاده‌است.

این نقّاش دو پسر هنرمند، به نام های آقا بیگلر و ابوالفیض داشت که هردو نفر، به شغل خانوادگی و نقش تصویر علاقمند بودند و درآن رشته فعالیت می کردند.

از آقا بیگلر چندین اثر رقم دار به یادگار مانده که درهمه آنها خود را فرزند نقّاش نامیده و لال بودن پدر را هوَیدا ساخته است.

و درمورد ابوالفیض، نقشی که امضای صریح نقّاش را دربرداشته باشد، ندیده‌ام ولی در شرح احوال آقا بیگلرافشار، که به زبان روسی نوشته شده و ارقام کارهای ویرا ثبت نموده بودند رقم یکی از آثار بجا مانده برادرش

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

را نیز ارائه داده بودند که چنین بود:

«صورت سرکار مقرب الخاقان خداوند گاری فتح اله خان سرتیپ دام اجلاله عمل ابوالفیض ابن محمد حسن نقّاشباشی افشار فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۷»

درج نام ابوالفیض که، آنرا اسم شخصی یکی از فرزندان محمد حسن فرض نمودیم، بعید نیست نام القابی و امتیازی، همان آقا بیگلر افشار، پسر نقّاش بوده باشد که متعارفاً خود را صاحب فیض عظمی دانسته و چون پدر صاحب مقام و پر شهرتی داشته، بجای درج نامی اصلی اش، خود را (ابوالفیض) قلمداد نموده و ازافتخارات شهرت و معروفیت پدر، بهره یاب گشته است. ویا اینکه (ابوالفیض) اسم یکی از فرزندان نقّاش بوده و به علت هنر موروثی، رشته نقّاشی را پیشه خود ساخته و آثاری نیز به یادگار نهاده‌است.

سال تولد و مرگ محمد حسن خان معلوم نیست ولی آنچه ازسنوات آثارش برمی آید، دوران سه پادشاه قاجاری یعنی (فتحعلی شاه ـ محمدشاه ـ ناصرالدین شاه) را درك کرده، و حدود اواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. و در دوران کهن سالی، دعوت حق را لبیك گفته و به تاریخ پیوسته است. واگر نوشته اسماعیل جلایر راکه درذیل قلمدان نیمه کاری ازاین هنرمند درج نموده و نوشته که: «این قلمدان معروف کار مرحوم نقّاشباشی لال است که دو صحنه بهشت و دوزخ و جنگ ناپلئون کار آن مرحوم است وباقی آن ناتمام مانده بود، باقی مانده را که جنگ هرات است بااین صفحه و بعضی فقرات دیگر به‌اتمام رسانید. راقمه العبد المصور المذکور فی یوم یکشنبه هشت شعبان ۱۲۹۶» درنظر بگیریم، معلوم می شود که مرگ استاد، دراین سنوات و یا اندکی کمتر اتفاق افتاده و شاهکار خود را نتوانسته است تکمیل نماید.

و از طرفی با در نظر گرفتن تاریخ ۱۲۹۶ هـ. قـ. که پایان کار نقّاش تعیین گشته، عده‌ای از محققین این هنرمند را باابوالحسن افشار ارومی که احوال آن، در صفحه ۲۱ جلد اول این کتاب یاد شده، یکی دانسته و احوال و آثار آنان را با یکدیگر مخلوط نموده اند، در صورتی که به نوشته اعتماد السلطنه در المآثر و الاثار، سال فوت ابوالحسن افشار ارومی را سال چهلم سلطنت ناصرالدین شاه، یعنی سال ۱۳۰۴ تعیین نموده که این اختلاف سنوات، خود مؤید این نکته است که این دو نقّاش یك هنرمند نبوده و هریك احوال و آثار جداگانه ای داشته و سال فوتشان نیز اختلافاتی با یکدیگر داشته‌است.

آثار رقم دار و معروف وی عبارتند از:

۱ـ تصویر آبرنگی شاهزاده جوانی بود که با البسه و آرایش درباری انجام یافته و در نوع خود خوش قلم بوده و به خط رقاع امضاء داشت: «مشق کمترین محمد حسن افشار» و درقسمت بالای آن شخص دیگری نوشته بود (کارخوب لال است) مجموعه آقای خورشید.

۲ـ نقش فتحعلیشاه قاجار درسنین اواخر عمر بود که دراندازه کوچکتری ترسیم شده و رقم داشت: «صورة خاقان مغفور مرحوم فتحعلیشاه طاب الله ثراه. بنده درگاه محمد حسن افشار» مجموعه آقای صمد خورشید.

۳ـ تصویر محمد شاه قاجار است که درتالار بزرگ کاخ ابیض به نمایش بود و رقم داشت: «کمترین بندگان محمد حسن نقّاشباشی افشار ۱۲۶۱»

۴ـ تصویر ناصرالدین شاه درآبرنگ استادانه بود که پس از ذکرالقاب طولانی، رقم و تاریخ گذاشته بود: «رقم بنده کمترین درگاه محمد حسن افشار ۱۲۷۱»

این نوشته ها گویا به خط محمد رضا کلهر انجام یافته بود که رقم خطاط را نیز درکنار داشت.

۵ـ تصویر آبرنگی محمد شاه قاجار بود که با آرایش والبسه سلطنتی، روی صندلی نشسته بود و رقم و تاریخ داشت: «محمد حسن افشار ۱۲۶۳»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶ـ آبرنگ جوانی بود که لباس سبز پوشیده و کلاه بسر گذاشته بود. و در پشت سر وی، دو دسته گل های زیبای کوچك دیده می شدند که به چابك دستی تصویر شده و رقم داشت: «صورت عالیجاه نتیجه الامراء العظام محمد شفیع خان ـ رقم کمترین محمد حسن افشار ارومی ذی قعده سنه ۱۲۷۹» مضبوط در موزه هنرهای تزئینی تهران.

۷ـ استادانه‌ترین قلمدان این هنرمند، قلمدانی بود که درحراج ساتبی سال ۱۹۷۸ لندن به فروش رسید دراین قلمدان ارزنده، که اتمام آن به دست اسماعیل جلایر پایان یافته بود جلایر نوشته بود:

«این قلمدان معروف کار مرحوم نقّاشباشی لال است که دو صفحه بهشت و دوزخ و جنگ ناپلئون کارآن مرحوم است، و باقی مانده را که جنگ هرات است، بااین صفحه و بعضی فقرات دیگر به اتمام رسانید. راقمه العبد المصور المذکور فی یوم یکشنبه هشت شعبان ۱۲۹۶»

دردو صحنه مذکور، که هنر کلاسیك محمد حسن خان تجلی می نمود. توانسته بود دو مجلس بزرگ رزمی و افسانه ای را دراندازه کوچکتر تصویر نماید. مضبوط در مجموعه آقای کرمل القانیان

۸ـ قلمدان گل مرغی لطیفی بود که جهت باقرخان سرتیپ ترسیم نموده و چنین امضاء گذاشته بود: «محمد حسن افشار۱۲۳۴»

۹ـ از قاب آینه های چشم نوازاین هنرمند، که در مجموعه نگارنده در تهران قرار دارد، تصویر محمد شاه بروَیه آن است که به زبردستی تصویر گشته و محمد شاه را درالبسه و آذین سلطنتی نشان داده و القابی بدین مضمون ارائه گشته است: «السلطان بن سلطان محمدشاه»

الملک الله

شاهـی که براز نه فلك آگـاه‌اسـت — شاهنشـه بحـر و برّ محمـد شاه‌است
گوئـی کره سپـهـر گوئی است براو — دردسـت شهنشهی به کنـه کاه‌است

۱۲۶۰

در رویه بیرونی قاب آینه، تصویر حاجی میرزا آقاسی ارائه شده که اسطرلابی را به‌دست گرفته است.

حاجی روی صندلی مذهّبی نشسته و لباس گلدار زیبا به تن کرده است، دراطراف وی ساعت و کره مدور و یك گلدان گل دیده میشود. در مورد حاجی نیز القاب واشعاری نوشته شده که چنین است:

«سرکارناصرالدوله والدین، افضل الفضلا والمجتهدین جناب حاجی میرزا آقاسی»

ازقـبـله سرّ نه فلك آگـاه‌اسـت — از دولـت وی... یك گهـراسـت
دررفـعـت شان شه گرفـت اسـطرلاب — چون دیـد مقـابل او بشمـس وقمراست

در زیر معجر چوبی و زیرپای حاجی میرزا آقاسی رقم دارد:

«به تاریخ شهرذی حجّة الحرام ۱۲۶۰ رقم کمترین محمد حسن نقّاش»

در قسمت داخلی قاب آینه، تصویر منوچهرخان معتمد الدوله دیده میشود که سوار براسب بوده و مستخدم مخصوصش که پیاده راه می رود، قلیان خصوصی وی را به دست گرفته‌است.

تصویر شماره (۱۰۵) در صفحه (۱۰۱۸)

۱۰ـ تصویر رنگ و روغنی محمد شاه قاجار دراندازه ۱۲۰×۲۰۲ سانتی متر بود که لباس سرخ رنگی پوشیده و کلاه جیقه ای بسر نهاده و به سربازان حاضر درمیدان منازعه، نظاره می نمود.

محمد شاه با صلابت شاهانه، دست خود را روی توپ گذاشته و مناظر چادر ها و کوه و دشت و دمن و ردیف

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سربازان، به اندازه کوچکتری، در افق دوردیده می شدند، و بخط زیبای نستعلیق رقم داشت:
«السلطان بن السلطان والخاقان بن خاقان خلدالله تعالی ایام سلطنه و دولته و شانه درسن سی وسه سالگی.
رقم کمترین محمد حسن الشار ۱۲۵۵» مجموعه آقای صمد خورشید عکس رنگی این اثر به روی مجله Objets d'art de L'islam چاپ شده‌است.

۱۱ـ شمایل حضرت علی و حسنین و اباذر و مقداد، در رنگ و روغن بود و حالات نفرات را به اعتبار و مقام خود تصویر نموده و امضاء گذاشته بود: «رقم کمترین بنده درگاه محمد حسن نقّاشباشی»

۱۲ـ اثر بی رقم نقاش که به گمان حقیر یکی از بهترین آثار نقاشباشی لال بشمار می آید. تصویر مجلس رنگ و روغنی است، که ناصرالدین شاه را دراندازه حقیقی و حدود بیست و هشت سالگی و در آرایش و البسه سلطنتی و جواهرات ارزنده نشان داده و در کمال شباهت نقّاشی کرده‌است.

میرزا آقاخان نوری و یکی از شاهزادگان خردسال، درکنار وی قرار گرفته‌اند.

درزمینه نقّاشی، منظره منظم مشق سربازان و افسران دیده میشوند و دود غلیظی که شاید آشپزخانه و یا قورخانه می باشد، درانتهای تصویر جلب نظر می نمایند.

این تابلو با دقت تمام تصویر شده، و اغلب افراد، به دقت شبیه سازی شده و شناخته می شوند. مجموعه شماره ۴

۱۳ـ تصویر رنگ و روغنی ناصرالدین شاه، در هیأت سلطنتی است که تمام قد انجام یافته است.

مناظر کوه ها و قسمتی از درختان به استادی ترسیم شده و رقم و تاریخ دارد: «عمل محمد حسن خان نقّاشباشی ۱۲۷۶» این اثر گرانقدر، که در عمارت چهل ستون اصفهان، مضبوط می باشد، گویا پس از تعمیرات عمارت دولتی، توسط ظل السلطان اهدا گشته است. تصویر شماره (۵۶) در صفحه (۹۷۷)

۱۴ـ تصویر جوانی های ناصرالدین شاه قاجار به آبرنگ بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۸۷ لندن به فروش رسید.

دراین اثر، ناصرالدین شاه با سبیل و کلاه جواهرنشان والبسه پاگون دار که شنل مخصوصی نیز به روی یکی از دوش هایش انداخته است جلب نظر می کرد. درزمینه نقّاشی، تصاویر فرشتگانی که دراشکال کودکان نقش بسته بودند جلوه می کردند. این اثر پسندیده که درداخل یك بیضی و اندازه ۳۸×۵۱ میلی متر تصویر شده بود، به رنگ قرمز رقم داشت: «رقم محمد حسن الشار ۱۲۷۱» تصویر شماره (۵۷) در صفحه (۹۷۷)

۱۵ـ شبیه حاجی میرزا آقاسی درآبرنگ بود که در وسط قورخانه ایستاده و صنعت توپ ریزی را نظاره می کرد. میرزا آقاسی که در سنوات جوانی ارائه گشته بود، چوب دستی به دست داشت و البسه تمیز رنگی به تن کرده بود. دو کارگر قورخانه، در صحن حیاط مشغول روشن کردن کوره و ذوب و ریخت گری توپ بودند و یك چرخ مدور، در وسط حیاط دیده می شد.

آجر حیاط و دیوارها، در پرسپکتیو تصویر گشته و صحیح به نظر می رسید و رقم و تاریخ داشت:
«شبیه وزیرایران جناب حاجی میرزا آقاسی ـ رقم کمترین محمد حسن نقّاشباشی افشار ۱۲۶۱»

۱۶ـ کتاب شاهنامه‌ای بود که به نام تاریخ فتوحات خاقان اعظم فتحعلیشاه، در حراج ساتبی سال ۱۹۸۱ درشهر نیویورك به فروش رسید.

یکی از تصاویر این کتاب که رقم نقّاش را دارا بود، میدان رزمی بود که آقا محمد خان قاجار سوار براسب گشته و با عمده سواران ایرانی که البسه رزمی قدیمی و بعضی ها تفنگ به دوش داشتند، با دشمن منازعه می نمود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نقّاش در ارائه این تصویر، ابتکاری به خرج داده و سربازان را در اسلحه و البسه قدیمی و جدید کنارهم نقش کرده که برای بیننده تازگی به خصوصی داشت.

تصاویر این شاهنامه، رویهم رفته، نسبت به کارهای بعدی این هنرمند، قابل مقایسه نبوده و ضعیف به نظر می رسید. و در بالای تصویر، تاریخ و امضاء داشت: «رقم کمترین محمد حسن افشار ۱۲۴۲»

۱۷- ازدیگر آثار این استاد تصویر ناصرالدین شاه و جماعت همراهان است که سوار براسب شده و گویا از رژه سربازان سان می بینند.

صورت و چهره‌ها و نقش لباس ها و ارائه آرایش نظامی آنها و سایر تزئینات دیگر واقعاً استادانه بوده و درکمال هنرمندی است.

حالت چهره ناصرالدین شاه قاجار و سایر افسران و وزیران شبیه‌سازی شده، و صورت میرزا آقاخان نوری و عزیزخان سردار کل و سایر رجال آن دوره، جلب نظر می نمایند.

حالت و حرکت اسب ها و ارائه عضلات برجسته و زیبای آنها، بسان نقّاشان مبرز اروپایی جلوه‌گر گشته و مؤید دقت و مهارت نقّاش درامر تصویر سازی می باشد. رقم دارد: «محمد حسن افشار نقّاشباشی»

۱۸- ازآثار آبرنگی و بسیار هنرمندانه این استاد که درداخل قاب آئینه هشت گوشی به اندازه ۱۸×۲۳ سانتی متر قرار گرفته، تصویر پر حلاوتی است که مرد جوانی، زن نامحرمی را به خانه آورده و پس ازکشف فساد و عریان شدن قضیه، عده‌ای به داخل خانه آمده و هیاهو راه انداخته‌اند.

زن جوان در حالت خماری و ملتهب از شدت عشق، به روی قالیچه‌ای دراز کشیده و متکای بزرگ و سفید رنگی به زیر سرنهاده است، ساق های بلورین و شکم عریان و نار پستان هایش آشکار شده و آیتی از زیبایی است. کولیجه خوش رنگ سبزی پوشیده و دامن سرخش را که بیرون آورده، به دست گرفته است.

یك ریسه مروارید که در بالایش، جقه کوچك مرواریدی علاوه گشته به اطراف سر آویزان نموده و زیبایی چهره را مضاعف ساخته است.

در بالای سر زن جوان، مرد عاشق پیشه‌ای که خود را باخته و نتوانسته است شلوارش را به پا کند، با چشمان از حدقه در رفته‌اش که ناشی از ترس فراوان است، در محلی ایستاده و پاها لخت و عورتین پیداست.

او نیز پیراهن سفیدی به‌تن کرده وشلوار خود را به دست گرفته است، کت ترمه‌ای پر بهایی پوشیده که رگه‌های قرمز آن به خوبی جلوه‌گر است. کلاهش نیزترمه‌ای بوده وشبیه جبه های خواب است.

صورت و چهره‌زن ومرد جوان، رویائی و پرداز های غباری وبسیار ریزی که به صورت ها زده مؤید قدرت قلم نقّاش بمشمار می آید.

ناظران و حمله کنندگان ماجرا که عده‌ای زنان جوانی هستند، هریك به‌حالت مخصوصی ناظر صحنه بوده و دو زنی که نزدیکتر ایستاده اند یکی از آنها چوبی به‌دست گرفته وآماده حمله است.

بقیه افراد هریك در حالت بخصوصی جلوه‌گر گشته و کلفت سیه چهره خانواده که گویا بیش از همه عصبانی شده نیم سوزی به دست گرفته و آماده حمله است. و دوزن دیگر که ازسایر زن ها جوانتر هستند، لبخندی به لب داشته و ماجرا را به استهزاء نظاره می نمایند.

دربین ناظران، دو زن ومرد پیر که گویا زن و شوهر بوده و جز اعضای اصلی خانواده می باشند، در مقابل ایستاده، علاوه براینکه به عمر از دست رفته و رویای جوانی تلف شده تأسف می خورند ولی ازاجرای این عمل و آبروریزی آن در محیط خانوادگی ناراحت گشته وخشمناك و عصبانی به‌نظر می رسند.

منظره پنجره‌ها و ارسی های هندسی شکل وشیشه های رنگی ساختمان جالب بوده و دقیق و منظم ترسیم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

شده‌اند، پشت سر مردك پرده بنفش رنگی دیده می شود که در بالای پنجره نصب شده‌است.

زمینه تصویر فرش و گلیم رنگین بوده که به پرکاری و حوصله زیادی نقش بسته و طبیعی ازآب درآمده‌است.

رویهمرفته می شود گفت که این آبرنگ یکی از ماهرانه ترین آثار نقّاش بشمار آمده و ترسیم طبیعی صورت ها وحالات وقیافه های متنوع افراد وانتخاب رنگ ها وطرح عمومی وتنظیم اشخاص وبخصوص سایه پردازی های بسیار ریز وپرکاری که حتی باذره‌بین نیز نمی شود ضربات قلم مو را تشخیص داد به قدرت قلم تمام عمل آورده وبخط زیبای نستعلیق رقم نهاده: «رقم کمترین محمد حسن نقّاشباشی افشار ارومی ۱۲۶۹»

نقش رویه قاب آینه، نیزگل ومرغی و اثر میرزاجانی پسراستاد احمد شیرازی است که رقم وتاریخ نهاده: «رقم کمترین میرزا جانی ابن احمد ۱۲۸۷»

معلوم می شود، این تصویرآبرنگی به‌سال ۱۲۶۹ هـ. قـ. به دست استاد محمدحسن خان افشار ترسیم گشته و سالیانی بعد یعنی درتاریخ ۱۲۸۷ مالك تصویر، قاب آینه‌ای جهت نصب آن سفارش داده ودرداخل آن جاسازی نموده‌است.

مضبوط در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی ـ لندن

۹۸۹ ـ محمّد حسن خان محقّق الملک

لقب محقّق الملك داشت و دراواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می کرد.

این هنرمند، در تذهیب کتاب وخطوط زیبا خوش قلم بود و آثاری نیزدر این هنرها به رشته نقش می کشید، آثار امضاء دار و یا منسوب وی تاکنون رؤیت نگشته‌است.

۹۹۰ ـ محمّد حسن رضوی

پیرومکتب نوپای محمد زمان و علیقلی بیك جبادار بود و دراواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. به نقش تصویر اشتغال داشت.

از احوال حقیقی این استاد و همچنین دوران فعالیت هنری وی اطلاعی دردست نداریم، تنها اثر رقم داری که‌ازاین هنرمند رؤیت کرده‌ام، مبین این نکات بود که‌این هنرمند، در قلمدان سازی وآبرنگ قلم گیرایی داشته ودرشیوه محمد زمان نقش تصویرمی نموده است.

این اثربه یادگار مانده، قلمدان شکسته و خورد شده‌ای بود که احتیاج مبرمی به تعمیر داشت و ازکهنگی قلمدان و خشکی روغن کمان وشیوه طراحی اش، معلوم می داشت که حدوداً در اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. به‌عهده نقش درآمده و در حد خود ستودنی بود.

درگوشه بالایی قلمدان، تصویر زن جوانی. به قوی دستی نقش بسته و البسه و سایر تزئینات دیگر نیز استادانه بود.

حواشی وکناره‌های قلمدان، پرازگل های چشم آذین و گوناگون بود که در شیوه صفوی ترسیم شده و مؤید مهارت نقّاش درامرگل سازی به‌شمار می آمد.

رویهمرفته برداشتی که از نوع کارقلمدان به دست می آمد، معلوم می نمود که این هنرمند در چهره پردازی و گل ومرغ سازی، استاد صاحب امتیازی بوده که آثار دیگر وی، تاکنون مکشوف نگشته و نقّاش هنرمند و والامقامی، در بوته گمنامی وفراموشی مانده‌است.

رقم نقّاش که خوشبختانه سالم بجا مانده بود چنین بود: «محمد حسن رضوی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۹۱ ـ محمّد حسن شیرازی

شیرازی و استاد نقّاشی و گلسازی لطفعلی خان صورتگراست که در ترسیم گل ومرغ مهارت قابل تقدیری داشته‌است.

درذیل گل سرخ شیرابی که به‌دست این هنرمند نقش یافته بود، لطفعلی خان ر ابه مثابه فرزندی پنداشته و رقم زده‌بود: «ازشدت دندان درد به جهت نورچشمی لطفعلی خان ساخته شد کمترین خلق الله محمد حسن سنه ۱۲۵۱»

متقابلاً لطفعلی خان شیرازی نیز، استاد خود را محترم شمرده و درذیل اثری که ازقیافه یك جوان قاجاری نقش کرده بود، فروغ انجمن هنری خود راازسرخامه استاد دانسته و چنین نوشته بود:

«هوالله تعالی ـ ازلطف علی فروغ این انجمن است ـ حسن ازسرخامه محمد حسن است فی سنه ۱۲۵۱»

از این نوشته ها چنین مستفاد میشود که استاد محمد حسن نقّاش قابل وبااعتباری بوده وشاگردان شایسته‌ای رانیز که به نفسه نقّاش پرامتیازی گشته اند، تعلیم داده است.

استاد محمد حسن درگل ومرغ وتذهیب، استاد شایسته بود وخط نسخ راخوب می نوشت.

گل های وی حلاوت برازنده‌ای داشت و تلفیق ومتجانس بودن رنگ هارا، به وسواس تمام انتخاب می نمود.

این نقّاش درمیناسازی نیز دست داشت و رنگ ها را پخته و چشم نواز و غلیظ عمل می آورد.

متأسفانه بااین همه هنر و قابلیتی که داشته، به غیر از چنداثر رقم دار، اثر دیگری از وی ندیده‌ام.

واین آثار بجامانده که بین سال های ۱۲۵۱ الی ۱۲۸۱ فرجام پذیرفته، مبین دوره فعالیت نقّاش است که مدت سی سال تمام درمیدان هنری ایران هنرآفرینی کرده که‌اغلب آنها را برما مکتوم مانده است.

آثار بجامانده و شناخته شده وی که اغلب آنها را از نزدیك دیده‌ام عبارتند از:

۱ـ قدیمی ترین اثر شیوایی که‌ازاین هنرمند دیده‌ام، تصویر گل سرخ چشم نوازی بود که چند غنچه زیبا درکنار داشت ورقم زده بود: «ازشدت دندان درد به جهته نور چشمی لطفعلی خان ساخته شد. کمترین خلق الله محمد حسن سنه ۱۲۵۱»

۲ـ اثر دیگر، جلد روغنی کلام الله مجید بود که به گل و مرغ استادانه‌ای به‌پایان رسانده و تذهیب و کمند های اطرف را نیز خود انجام داده‌بود

متن و زمینه جلد مرغش یشمی بود ورقم داشت: «محمد حسن شیرازی ۱۲۵۸»

۳ـ دیگر از آثار این استاد، تذهیب درونی و جلد کلام الله مجیدی بود که برای حسام السلطنه والی فارس تهیه کرده و درنوع خود کم نظیر بود.

کتابت قرآن را خطاطی به نام (میرزا عبدالرحیم ابن محمد تقی درسنه ۱۲۸۱) انجام داده و تزئین همه جانبه آنرا نیز محمد حسن نقّاش به عهده داشته است.

چهار صفحه اولیه قرآن، تذهیب متنوع و فوق العاده داشت و بین السطور تمام صفحات، دندان موشی طلایی بود، آخر قرآن نیز، دو صفحه تذهیب پرمایه داشت ودرزمینه نقره‌ای آن، نام حسام السلطنه والقاب مفصل آن، جلب نظر می نمود.

رویه جلد نیز در نقوش مختلفه تذهیبی و در مهارت استادانه‌ای تذهیب گشته ودر داخل آن، تعاریف شمایل نبی ص ع (حلیه نبی) به رنگ سفیدابی و خط نسخ نوشته شده بود که ستودن داشت.

در صفحات داخل جلد، ادعیه رویت هلال و سوره قل هوالله که بین جداول منظمی درج گشته بودند دیده

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

میشدند و رقم نقاش به خط نستعلیق زیبا چنین بود: «محمد حسن شیرازی»

۴ـ دیگر از آثار شیوای این نقاش که از نزدیك دیده ام جلد قرآن مجیدی بود که درحراج ۲۴ آپریل سال ۱۹۷۹ ساتبی لندن به فروش رسید.

این جلد استادانه که در کمال قدرت فرجام پذیرفته بود. جلد مزینی بود که به گل های زیبا و تذهیبات متنوع و خط خوش به‌اتمام رسیده و در یکی از صفحات آن که در کناره‌هایش، ادعیه‌ای به خط نسخ دیده میشد، زنبق پر حلاوتی، در زمینه طلایی جلد تصویر کرده و دو گل لاله و نرگس را که از زنبق مزبور کوچکتر ساخته شده بود، درکنار آن علاوه نموده بود.

این اثر دل انگیز که یکی از بهترین آثار نقاش بشمار می آمد. رقم داشت:

«رقم کمترین محمد حسن سنه ۱۲۵۴»

۵ـ از آثار مینایی وی که رقم استاد محمد حسن را داشته و درسنوات حدود ۱۲۵۰ هـ. قـ. به عهده نقش درآمده بود، سرویس چایخوری مینایی نفیسی بود که برای شخصی به نام بنجامین آمریکایی ساخته شده و معرف زبردستی وی درامر میناکاری به حساب می آمد.

۹۹۲ ـ محمّد حسین (نقّاش صفوی)

مینیاتور ساز و نقّاش گمنام قرن ۱۱ هـ. قـ. بود که به احوال و آثار او آشنایی نداریم.

۹۹۳ ـ محمّد حسین (نقّاش طغرائی)

نقّاش و طغرانویس و استاد نقّاشیخط، درحدود اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. بود و در هنر خود دستی به کمال داشت.

از آثار هنری این نقّاش، تصویر مرغ بسم اللهی است که درشیوه طغرایی عمل آورده و بسم الله را درشیوه پرنده‌ای مجسم ساخته و روی جایگاهی نشانیده‌است.

درزمینه اثر، تصویر درویش جوانی را که کلاه درویشی بسر نهاده، به هنرمندی، نقّاشی کرده و بخط تعلیق رقم نهاده: «مشقه العبد محمد حسین...»

۹۹۴ ـ محمّد حسین (نقّاش مظفری)

نقّاش گمنام دوره مظفرالدین شاه قاجار بود و در قلمدان سازی و رنگ وروغن دست داشت.

از آثار امضاءدار وی، قلمدان مرغشی سیاه رنگی بود که در مدالیون وسطی آن، مناظر گل و مرغی شیرین داشت و رقمش چنین بود: «محمد حسین ۱۳۲۱»

۲ـ از آثار رنگ و روغنی این نقّاش، تصویر سید محمد صادق طباطبایی آزادی خواه مشروطه بود که روی صندلی نشسته و تسبیح به دست گرفته و رقم داشت: «یا محمد یا حسین»

مضبوط در مجموعه نگارنده ـ تهران

۹۹۵ ـ محمّد حسین آغ اولی

از فامیل آغ اولی که فرصت شیرازی آنرا تأیید نموده، گویا از اهالی آذربایجان است که به علت اقامت در

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هندوستان، شیوه کلاسیك رااز نقّاشان اروپایی مقیم آن دیار و یا سایر استادان فرنگی یاد گرفته ودر آن شیوه ها نقش تصویر می نموده‌است.

فرصت در کتاب آثار عجم خود، راجع به این نقّاش چنین می نویسد:

آقا محمد حسین آغ اولی این فن را به نهایت تکمیل کرده که چون نقاشان فرنگستان کارمی کند، دراین اوقات به بمبئی اقامت دارد و شعر راخوب گوید و تخلصش ترکی است.

این اشعار ازاوست

توبدین حسن که درپرده دل خلق ربائی — پرده خلق دری گر زپس پرده درآئی
درپس پرده نهانی و جهانی به‌تو مایل — آه بی پرده اگر رخ به خلایق بنمایی
درسر زلف گره‌گیر تو مشکل شده کارم — گره ار باز کنی مشکل مارا بگشایی

آثار رقم دار و منسوب وی را درجایی ندیده‌ام

۹۹۶ ـ محمّد حسین اصفهانی

نقش پرداز، فلزهای سخت ازاهل اصفهان بود ودر حکاکی و نقاری بروی فلزات سخت دست شیرین داشت.

از آثار امضاءدار این هنرمند که در دوره ناصری عمل آمده بود، قلمدان فولادی و طلایی و مزینی بود که به شیوایی کار شده و درانتهای دماغه داخلی قلمدان، رقم داشت:

«عمل حاجی محمد حسین اصفهانی» مجموعه آقای منصور افشار ـ ژنو

● **محمد الحسینی نقاش دوران صفوی ـ درمیرزا محمد الحسینی آمده**

۹۹۷ ـ محمّد حسین امامی اصفهانی

اهل اصفهان و به حدس نزدیك به یقین، فرزند میرزا نصرالله امامی نقّاشباشی دوران ناصری است که در رشته موردعلاقه خانواده، دستی داشته، که منتها به قدرت قلم پدر وفرزند خود نرسیده‌است.

بااین حدسیات فرزند وی، همانا میرزا آقا امامی (محمد مهدی) است که به سال ۱۳۳۴ شمسی و در سن ۷۵ سالگی فوت نموده و نقّاشباشی زمان خود بوده‌است.

این هنرمند در علوم دینی و مذهبی نیز صاحب مقام ارجمندی بوده و حتی مدتی پیش نمازی یکی ازمساجد اصفهان را به‌عهده داشته‌است.

رقم هنری این نقّاش درج سجع (یا ابا عبدالله الحسین) بوده و در مواردی نیز، به درج نام ساده خود (محمد حسین اصفهانی) اکتفا می کرده‌است.

استاد محمد حسین در گل و بوته و آبرنگ و سیاه قلم و تذهیب دست داشت و بیشتر آبرنگ می ساخت.

از نقوش رقم دار این هنرمند، تصویرآبرنگی گل و مرغی را دیده‌ام که در مکتب پدر و رنگ های چشم آفین نقش نموده و رقم نهاده بود: «محمد حسین اصفهانی»

از آثار قلمدانی این استاد، تنها یك نمونه دیده‌ام که در رویه آن انواع و اقسام گل های با طراوت را به‌استادی در کنار هم تصویر نموده و به هنرمندی به پایان رسانده است، کناره ها نیز به همین منوال گل و مرغی و دشت ودمن بود ودر رویه قلمدان رقم داشت: «یا ابا عبدالله الحسین»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹۹۸ ـ محمّد حسین ایرانی

ازایرانیان مقیم هند و فرزند علی محمد ایرانی است که دراوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. درآن دیار به کار هنری اشتغال داشته است.

محمد حسین شاگرد پدر خود بوده و شیوه گل آرایی را بسان وی تصویر می نمود.

تنها اثر رقم دار این هنرمند را که از نزدیك دیده‌ام جعبه گل و مرغی بود که تاحدی به خوش قلمی نقش گشته و رقم داشت: «محمد حسین ایرانی»

۹۹۹ ـ محمّد حسین بن حاجی محمّد کاشانی

طراح نقوش به روی پارچه های زربفت و ارزنده بود و در کاشان می زیست.

این استاد علاوه براینکه نقش طرح ها را به عهده داشت، بافت پارچه ها را نیز خود انجام می داد.

از یادگارهای ارزنده وی، روپوش حریری یکی از بقاع متبرکه کاشان است که طرح‌های طغرایی به کار برده و بافت آنرا نیز، به چابك دستی به پایان رسانیده است.

در وسط این پارچه، عبارات «نادعلیاً» تاانتها» و «اذا جاءنصرالله والفتح میناً» به استادی عمل آمده و نام مالك و سفارش دهنده آن نیز، به خط نستعلیق زیبا، در ترنج های شیرازه آن به مهارت نقش بسته است.

نام مالك چنین بود «وقف نمود حاجیه خوانزاده بنته قاسم ابیانکی ۱۰۳۵»

نام خطاط که در وسط پارچه و خطوط ریز دیده میشد «کتبه محمد مؤمن» و امضای هنرمند که در زیر پارچه جلب نظر می کرد چنین بود: «عمل محمد حسین بن حاجی محمد کاشانی»

۱۰۰۰ ـ محمّد حسین خان دولّو

شاعر و کاتب و نقّاش گمنام دوره ناصری بود و در شعر شعاعی تخلص می نمود.

از آثار بجا مانده وی، نسخه‌ای از وقایع کربلا، در کتابخانه گلستان تهران است که ده مجلس سیاه قلم دارد.

این هنرمند علاوه براینکه اشعار مدرجه نسخه را خود سروده، سیاه قلم ها را بشیوائی ترسیم کرده و بخط نسخ خوش، کتابت کرده است.

این نسخه شریفه که بدستور حسام السلطنه والی فارس انجام یافته، تذهیب ها و آرایش طلائی دلربائی داشته و رقم دارد: «برحسب امرمطاع . . . . حسام السّلطنه . . . . والی ممالك محروسه . . . . این محقر پیش کشی برسم عبودیت تحریر شد . . . . نظمه و کتبه و مصّوره محمد حسین خان بیگلر بیکی قاجار دولّو فی شهر شوال المکرّم سنه ۱۲۸۵».

۲ـ دیگراز آثار این هنرمند تصویر مرقد حافظ به آبرنگ بود که رنگ های استادانه‌ای داشت ولی در اجرای قوانین پرسپکتیو ضعیف بنظر می رسید و رقم داشت: «صوّره محمّد حسین دولّو فی بلده شیراز ۱۲۸۰»

---

* محمد حسین حجّار بن استاد محمد رضا حجّار ـ طراّح و نقّاش و حجّار اصفهانی بود و نقوشی که به روی سنگ ها حجّاری می کرد، طرح اولیه و آرایش دقیق آنرا بسان سایر حجّاران استاد کار بشخصه طراحی کرده و حجّاری می نمود.

از آثار ارزنده این استاد، سنگ آب مدرسه میرزا حسین در اصفهان است که به استادی عمل آورده و رقم نهاده: «عمل استاد محمد حسین بن استاد محمد رضای حجّار»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۰۱ـ محمّد حسین شیرازی

شیرازی و فرزند محمد علی نقّاش است که فرصت الدوله در کتاب آثار عجم خود، از این پدر و پسر یاد کرده و پدرش را در گل سازی ستوده و چنین نوشته است:

«مرحوم آقا محمد علی نیز، در گل سازی به منتهی درجه کمال بود. وفات او بسال ۱۲۸۵ در شیراز اتفاق افتاده و در دارالسلام مدفون می باشد»

محمد حسین تصویر ساز پاك باخته و درویش مسلکی بود که دنیا را ببازی می گرفت و بغیر از هنر مورد علاقه خود، به چیز دیگری نمی اندیشید و با فقر و قناعت زندگی درهم و برهم خود را ادامه میداد.

استادان اولیه محمد حسین، لطفعلی شیرازی و مرحوم پدرش بودند که رموز اولیه و نکات ناآشنا را، از آن هنرمندان یاد گرفته و بمرحله موفقیت نزدیك گشته بود.

این هنرمند عاشق طبیعت و زیبائی های خدادادی بود و گلها را بسان طراوت طبیعی، آرایش میداد و بگفته فرصت در بوته سازی منحصر بود.

او به طریقت صفا تمایل داشت و اغلب موضوعات انتخابی را از همان اخوان صفا و دراویش پاك اعتقاد انتخاب می نمود، به شعر نیز علاقمند بود و نقاش تخلص میکرد. این ابیات یادگار روزهای فراق نقاش است که بدین ترتیب به نظم درآورده است.

برنیاید بجر ازیاد تو مارا نفسی — نیست درسر بجر ازوصل تو مارا هوسی
گفتم ازدست فراقت بکسی دادبرم — هرکجا می نگرم نیست بغیر ازتوکسی

این نقاش، درچهره سازی و گل و بوته و ارائه مجالس مختلف و جانور سازی شیرین قلم بود و صنعت تذهیب و حل کاری را خوب میدانست و خط را خوش می نوشت.

در گل و مرغ و آرایش طبیعت که نقش مورد علاقه وی بود، الهام از طبیعت می گرفت و رنگها را بسان طبیعت، با حلاوت می ساخت. بطوریکه روایت کرده‌اند، کارگاه نقاشی وی پر از پوست خیار و سیب و پیاز و هندوانه و سایر اشیاء رنگی طبیعی بود که از رنگ طبیعی آنها استفاده می نمود. روزی یکی از شاگردانش که می خواسته برای استاد خدمتی کرده باشد، تصمیم گرفت در غیاب وی، کارگاه را از این زباله‌ها پاك نماید، موقعیکه تمام اطاق را جارو و تمیز نمود و لوازم غیرضروری را بدور ریخت، استاد سراسیمه وارد گشته و بسر خود کوفته و داد زد، این اطاق را کی تمیز کرده و چه کار بدی انجام داده، زیرا من رنگی در روی این پوستها دیده بودم که می خواستم از روی آنها مشق نمایم.

در مورد رنگ قرمز که خود نقاش درست میکرد، می گویند این نقاش به جنگل و بیابان میرفت و کرم های قرمز رنگی را از آن محل ها جمع آوری نموده و در داخل شراب می انداخت و پس از مدت هفت سال که کاملا کرم ها عمل آمده، بیرون کرده و خشك نموده و میکوبید، تا رنگ مورد دلخواه بدست آید. نقاشان این رنگ ها را «کرم شراب کش» میگفتند و در آثار خود مصرف می نمودند.

محمد حسین نام خود را با سجع های مختلف از قبیل «یا حسین بن علی»، «یا حسین مظلوم»، «ادرکنی یا حسین»، «یا امام حسین»، «محمد حسین»، «محمد حسین شیرازی» درج نموده و بخط نستعلیق زیبا کتابت میکرد.

سال وفات و احوال بیشتر این هنرمند بر ما معلوم نیست و تنها برداشتی که از سنوات آثار وی بدست می آید روشن میسازد که این استاد در میان سالهای ۱۲۷۰ تا ۱۲۸۹ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته است. از آثار رقم دار وی دیده‌ام.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ قلمدان زیبائی بود که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۹ لندن بفروش رسید. در وسط آن، یك قرنفل پرحالت و چشم نوازی دیده میشد و حواشی نیز گل و مرغ زیبا داشت و رقمش چنین بود: «حسین بن علی»

۲ـ قلمدان گل و مرغی دلپذیر، که نقش گلهابـان طبیعت بود و رقم داشت: «رقم بنده حسین بن علی».

۳ـ قلمدان گل و مرغی استادانه‌ای بود که رقم داشت: «یاحسین بن علی» مجموعه آقای ادیب برومند.

۴ـ قلمدان مذهّب بسیار شیوائی بود که گلهای خوشه انگوری داشت و به حل کاری شایسته‌ای نیز انجام پذیرفته بود. این قلمدان که در زمینه سرخی عمل آمده بود رقم داشت: «محمد حسین شیرازی»مضبوط در موزه هنرهای تزیینی تهران.

۵ـ جلد گل و مرغ دلپسندی بود و تصاویری از انسان و منظره و جانوران، برروی آن نقش بسته بود و رقم داشت: «یا حسین بن علی».

۶ـ جلد گل و مرغی شیوا بود و اندازه رحلی داشت. در وسط آن، شمایل حضرت علی علیه‌السلام با حسنین به استادی نقاشی شده بود و رقم داشت: «ادرکنی یا حسین سنه ۱۲۸۹».

۷ـ تصویر استادانه درویشی گویا نورعلیشاه بود که صورت درویش زنانه و زیبا بود و البسه و رنگهای آن نیکو عمل آمده بود و رقم داشت: «یا امام حسین ۱۲۸۱».

۸ـ سیاه قلم گل و مرغ بود که در شیوه لطفعلی خان شیرازی تصویر گشته و رقم و تاریخ داشت: «عمل محمد حسین سنه ۱۲۸۲» مضبوط درموزه هنرهای تزیینی تهران.

۹ـ قلمدان مجلسی و سان نظامی بود، که ناصرالدین شاه سوار بر اسب شده و منتظر سان سربازان بود. سربازان و افسران که البسه مخصوص نظامی بتن کرده بودند، در محل مخصوص خود دیده میشدند.

این اثر پرهیاهو و شلوغ که گویا صحنه مانور و یاسان عمومی بود، به قوی دستی نقش گشته و در کناره‌ها درختان زیبا و سرسبز جلوه‌گر بودند.

در وسط قلمدان، دو دایره، باشعاع های مختلف رسم شده بود که در بین یکی از آنها، تصویر کامران میرزا نایب السلطنه بود که سمت وزیر جنگی داشت. این تصویر بشباهت تمام نقش یافته و در وسط کلاه مخصوصش، نشان شیر و خورشید طلائی جلوه گر بود.

در زیر دایره دوم و به زبان فارسی (اشرف والا امیرکبیر) و در بالای دایره دوم، بفرانسه Altess Imperiale Emire Kebir نوشته شده بود.

در حواشی دایره‌ها و در داخل چهار مستطیل منظم، جملاتی بدین ترتیب دیده میشدند. (بجهت تقدیم ـ حضور مبارك ـ حضرت مستطاب ـ وزیر جنگ روحی فداه) و در زیر پای اسب ناصرالدین شاه، امضا گذاشته بود: «یا حسین مظلوم».

حواشی قلمدان تصاویر خرگوش و مناظر دیگر داشت که تاحدی نسبت به نقوش رویه، ضعیف تر بنظر میرسید. زیر و داخل قلمدان نیز تصاویری به حل کاری و گل مرغ داشت که هنر حل کاری نقاش را نمونه میداد.

۱۰ـ دیگر اثر قلمدانی این استاد، قلمدان تابوتی بزرگی بود که بگل و مرغ زیبائی آراسته گشته و در کمال نفاست بود. این اثر ستودنی که یکی از بهترین کارهای نقاش بشمار میرفت. رقم و تاریخ داشت: «ادرکنی یا حسین ۱۲۸۰» مجموعه آقای دکتر بهاری.

۱۱ـ از آبرنگ های ارزنده این استاد، دو تصویر چشم نواز در مجموعه دارم که هر دو را در قیافه دراویش ترسیم نموده است. یکی از آن تصاویر، که در قیافه نورعلیشاه نقاشی شده، کلاه درویشی بسر نهاده و عبا بدوش

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

انداخته و موهای سر را بروی صورت ریخته و در گوشه اطاق بروی فرشی نشسته و بحالت تفکر دیده میشود. رقم و تاریخ دارد: «یا امام حسین ۱۲۷۰» مجموعه نگارنده ـ تهران

۱۲ـ تصویر دومی همان نورعلیشاه است که در حالت دیگری نقاشی شده است. در این آبرنگ، او بدرخت بزرگ و پر برگی تکیه داده و با دست راست خود پاها را گرفته و دست چپ را زیر گوش قرار داده، و گویا آماده تلاوت اشعار صوفیانه است.

منظره افق دور و خانه و عمارات و کوه دشت، در پشت سر درویش دیده میشوند. رقم و تاریخ دارد: «یا امام حسین ۱۲۷۰»

۱۰۰۲ـ محمّد حسین صبوری تبریزی

نقاش گمنام قرن ۱۰ هـ. قـ. تبریز است که باحوال وی آگاهی نداریم.

۱۰۰۳ـ محمّد حسین طوطی

نقاش پیرو شیوه اصفهان و سبك رضا عباسی در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. بود.

از تنها اثر این هنرمند، که در موزه هنرهای تزیینی تهران مضبوط است. رقم دارد: «رقم محمد حسین ۱۰۵۶ طوطی»

۱۰۰۴ـ محمّد حسین عمادالکتّاب

به لقب عمادالکتّاب شهره بود و یکی از اساتید طراز اوّل خط نستعلیق در قرن ۱۴ هـ. قـ. بشمار می آمد.

این استاد علاوه برخط نستعلیق، تمام خطوط شش گانه را استادانه می نوشت و در نقاشی های سیاه قلم و آبرنگ نیز دست با حلاوت داشت.

میرزا محمد حسین در ۲۵ حمل ۱۲۴۰ شمسی در شهر قزوین تولد یافته و در تیر ماه سال ۱۳۱۵ شمسی، در سن هفتاد و پنج سالگی در تهران وفات یافته است.

عماد الکتّاب بعلت جریانات سیاسی، مدتی در حبس بوده و بعضی از خطوط و نقاشی های خود را در آن زمانها و در محبس خانه دولتی، به نقش درآورده است.

در قطعه خطی که یادگار دوران زندان وی بوده و در مجموعه نگارنده قرار گرفته، چنین نوشته است: «بدست آهوی ناگرفته مبخش. افسوس که بیچاره مردم قم قدر و مقام و منزلت این فقیر را نشناختند و بسیار آزار و اذیتم کردند، خدای متعا ل و ایزد سبحان، شاهد احوال است که حضرت استادی میرعمادالملك الحسنی علیه الرحمه خوشتر و نیکوتر از این ننوشته و بتفضلات حضرت رب العزه، مزد زحمت دوره محبوسی را گرفته، فحمد اله ثم حمداله، مشقه عماد السیفی.

---

* محمد حسین صنیع خاتم ـ برادر حاجی محمد صنیع خاتم و فرزند محمد کاظم است که در ۲۰ بهمن ۱۲۶۲ خورشیدی در شیراز متولد شده و بشغل موروثی و خانوادگی، در رشته خاتم کاری و نقوش و طراحی های مختلفه آن اشتغال داشته و در هنر خود سرآمد بوده است.

از آثار بیادگار مانده این هنرمند که در معیت برادر و سایر همکاران دیگر بپایان رسانده، تالار خاتم کاخ مرمر است که احتیاج به توصیف ندارد.

این هنرمند در ۲۹ آذرماه ۱۳۳۱ شمسی در اثر تصادف با دوچرخه، وفات یافت و در شیراز مدفون گردید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

غروب نزدیك و وقت نماز است باید برخاست، شهر شعبان المعظم، العبد المحبوس محمد حسین بن محمد عمادالکّتاب قزوینی ۱۳۳۹ .» تصویر شماره (۵۸) در صفحه ۹۷۸ و همچنین عکس منحصر بفردی که عده‌ای از شاگردان را تعلیم میدهد در تصویر شماره (۵۹) در صفحه ۹۷۹ ارائه میگردد. مضبوط در مجموعه نگارنده ـ تهران

نمونه چند آبرنگ و سیاه قلم این هنرمند که عکس آنها در بعضی از کتابها چاپ شده بدین قرار است:

۱ـ تصویر حوض دایره شکلی است که مملو از آب بوده و اطرافش نرده آهنی کشیده شده است. در کنار حوض، مردی با ته ریش زیادی که لباس بلندی پوشیده و شاید خود عماد الکتّاب باشد، قدم میزند در طرف مقابل، ساختمان محقری که دو پنجره به بیرون دارد و گویا محبس انفرادی است دیده میشود.

این جملات بخط عماد الکتّاب در ذیل آبرنگ نوشته شده است: «منظره محبس انفرادی که در سال ۱۳۳۸ به آبرنگ کشیده شد»

۲ـ دیگر از این هنرمند، تصویر خود نقاش به سیاه قلم است که چهره خود را ساخته و سایه ها را بعیار استاد مهدی مصور الممالك درآورده که بسیار شبیه و استادانه است. رقم دارد: «صورت عماد الکتّاب سیفی که بدست خود ساخته است»

۳ـ تصویر یکی از حواریون حضرت مسیح است که ریش بزی کوتاهی داشته و موی سر کم پشتی دارد و سر را بآسمان برده و گویا در پای صلیب حضرت مسیح آه و ناله می نماید. بخط شکسته و تعلیق زیبا رقم دارد: «در ماه رمضان هزار و سیصد و سی است که آخرین سال سیّم محبوسیت فقیر استه در محبس کشیده شد. العبد عماد السیفی القزوینی»

۴ـ دیگر اثر سیاه قلمی و هنرمندانه وی، تصویر دست پرحالتی است که طرز صحیح، قلم بدست گرفتن و خط نوشتن را نشان میدهد. سایه های دست، ساده و هاشوری بوده و اسکلت و قدرت دست، استادانه می باشد. رقم دارد: «عماد السیفی»

۵ـ دیگر اثر سیاه قلمی این هنرمند تصویر کریم خان زند است که کلاه مخصوص خود را بسر نهاده و ریش توپی دارد. لباسش بوته جیقه‌ای بوده و سایه های صورت هنرمندانه است.

این اثر نیز، به تبعیت از سایر چهره‌های کریم خان، شبیه سازی شده و هنر نقاش را در شیوه سیاه قلمی آشکار ساخته است.

۱۰۰۵ـ محمّد حسین لله بن عبداله زند بکله

ملقّب به یمین الدّوله و نامش محمد حسین لله بن عبداله زند بکله بوده و در نقّاشی و خط و سایر مراحل تصویری، استعداد وافری داشته و در صنعت قطاعی نیز از استادان زمان خود بشمار می آمده است.

طایفه زند بکله، از اقربا و خویشان نزدیك کریم خان زند بوده و اغلب آنها از مردان رزمی و دلیر بشمار می آمدند، عده‌ای از این طایفه، بهنگام رحلت کریمخان که در مرگ سرکرده خود، مویه وزاری میکردند، توسط زکی خان زند، به حیلت و ناجوانمردی قتل عام شده و به دیار عدم رهسپار گردیدند.

این هنرمند که گویا لله و سرپرست یکی از شاهزاده های قاجاری بوده، به لله یادشده و یمین الدوله لقب گرفته است. جماعت قاطعان و کاغذ بران هنرمندان نقش آفرینی بودند که تصاویر مورد دلخواه خود را بروی کاغذهای مخصوص طرح کرده و سپس با قیچی مخصوصی که جهت این کار ساخته میشده، با دقت بریده و تنظیم می کردند. اثر شگفت آور و پرزحمتی از این استاد دیده‌ام که جنگ دو خروس را با یکدیگر نشان میداد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در این اثر پرکار که پرهای افشان خروس ها، بعلت نزاع به هوا پراکنده شده و بریزترین اندازه ممکن، بریده شده و روی کاغذ وصل گشته بود که ستودن داشت.

هنر کاغذبری که بنفسه تجربه مداومی را لازم دارد، چسباندن مجدد آن نیز، به همان نسبت، مهارت می خواهد و اگر در چسباندن آن مختصر انحرافی صورت پذیرد، حلاوت و حالت نقش ها، سست شده و نقش تصویر متزلزل میگردد.

عمده‌ترین آثار هنری نقاش که در یك مرقع بزرگی قرار داشته و جزو مجموعه آقای صمد خورشید بشمار می آمد، حاوی قطاعی و خطوط بریده هنرمندانه‌ای بود که بشخص ناصرالدین شاه قاجار هدیه شده بود.

تمام کناره های این مرقع، با نقوش زیبا و رنگهای طلائی، قطاعی و تزیین شده بود و بسان مجموعه کاملی از کارهای استاد محسوب می گردید.

بعضی از قطعات قطاعی استادانه این مرقع، عبارتنداز:

۱ـ بریده خط یاقوت برنگ سفید و بزرگ، و در شش دانگ. با رقم قاطعه محمد حسین لله

۲ـ خط بریده عماد الحسنی

۳ـ گل و برگهای ریز و رنگی که بسیار پرمهارت بودند

۴ـ حواشی دو نقاشی از محمد زمان، که پرنده و حیوانات گوناگون بریده شده و بعنوان تزیین به حاشیه آن وصل گشته‌اند

۵ـ سیاه مشق بریده شده. بارقم: «یمین الدوله محمد حسین زند بکله»

۶ـ حاشیه تصویر ناصر الدین شاه است که به گل و برگهای بریده تزیین یافته و در بالا سه طاوس زیبا و قرینه‌ای به نازك قلمی ترتیب یافته که ماهرانه می باشند.

۱۰۰۶ ـ محمّد حسین بن محمّد علی بهار مذهّب

فرزند آقا محمد علی مذهّب اصفهانی صاحب یخجالّیه و متخلص به بهار بود و نواده آقا ابو طالب مدرّس، ابری ساز و قلمدان ساز مشهور دوره ناصر الدین شاه قاجار، بشمار می آمد.

استاد محمد حسین با تبعیت از حرفه خانوادگی، در صنعت تذهیب ید طولائی داشت و در حل کاری و زرینه سازی و نقوش اسلیمی و سایر مراحل فنون طلا کاری، استاد کارشیرین دستی بود.

این هنرمند، فرزندی بنام استاد محمد علی مذّهب داشت که بواسطه خودکشی تنها فرزندش بنام (اسداله) شیوه ریاضت را پیشه خود نموده و با اندك مزد تذهیب کاری اعاشه زندگی میکرده است.

مشرب آقا محمد حسین طریقه دراویش خاکسار و از ارادتمندان مرحوم حقیقت دهکردی بود و به احضار ارواح علاقه داشت. از آثار رقم دار وی مشاهده نشده است.

۱۰۰۷ـ محمّد حسین مشکین قلم اصفهانی

طغرانگار پرابتکار اصفهانی است که نقوش زیبائی را از تلفیق خط و نقاشی که حالیه باین کارها نقاشیخط نام نهاده‌اند، عمل می آورد و به طلا و سایر رنگهای تزیینی آرایش میداد. از آثار طغرائی وی که بشیوه‌های مرغ یا بسم الله و خط چلیپائی و صورت کشی ها دیده‌ام، جملگی، رقم مشکین قلم را دارا بوده که بین سالیان ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۵ بعهده انجام رسانده بود.

بهترین آثار طغرائی این هنرمند را که در نمایشگاه لندن (مهر جهان عالم اسلامی) از نزدیك دیده‌ام، تصویر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مرغ با حالتی بود که از تلفیق حروف، تشکیل یافته و امضا داشت: «بنده باب بهاء مشکین قلم سنه ۱۳۰۵»

دیگر اثر زیبای استاد، تصویر قرینه‌ای دو مرغ ایستاده بود که از ترکیب کلمات، سامان یافته و حواشی اش تذهیب و تشعیر فوق العاده داشت.

این اثر زیبا که بسال ۱۹۷۷ در گالری اسپینك لندن بفروش رسید. رقم داشت: «بنده باب بهاء مشکین قلم سنه ۱۳۰۷»

وفات محمد حسین مشکین قلم بسال ۱۳۳۰ هـ. ق. اتفاق افتاده و در خارج از ایران مدفون گشته است.

۱۰۰۸ـ محمّد حسین مشکین قلم شیرازی

ناخنی کار و طرّاح نقوش زیبا از اهل شیراز بود و در کتابت خطوط نیز استعداد داشت.

از آثار ناخنی این هنرمند که در یکی از مرقعات کتابخانه کاخ گلستان تهران دیده میشود، تصویر میرزا فضل اله طباطبائی، در شیوه ناخنی است که هنر نقاشی و ناخنی را یکجا ارائه داده و قدرت قلم خود را برملا ساخته و رقم گذاشته: «محمد حسین شیرازی مشکین قلم ۱۲۸۱»

دیگر از آثار ناخنی این هنرمند، تصویر زیبای زن فرنگی، به شیوه ناخنی بود که رقم داشت: «محمد حسین شیرازی مشکین قلم ۱۲۷۹»

در این اثر زیبا، موهای سر و چین و چروك البسه و سایر تزیینات تصویر را، به مهارت تمام ناخنی کرده و هنر خود را به بهترین وجهی عرضه کرده بود.

۱۰۰۹ـ محمّد حسین مصوّر ـ میرزا

میرزا محمد حسین مصوّر، نقّاش خوش قلم و گمنام دوره شاه عباس کبیر بود و در زمان آن پادشاه بخلق آثار زیبا اشتغال داشت. از آثار رقم دار وی مشاهده نکرده‌ام:

۱۰۱۰ـ محمّد حسین هروی

فرزند شاه محمود هروی و برادر محمد مومن صحاف است و در هنر عکسی که یك شیوه بسیار دشواری، در هنر نقاشی و تزیین کتابها است استاد بوده و هفت رنگ را ماهرانه عمل می آورده است.

از هنر این استاد و برادر ش محمد مؤمن، تنها عبدالباقی نهاوندی در کتاب مآثر رحیمی خود که بسال ۱۰۲۶ هـ. ق. تألیف نموده، چنین توصیف کرده است: «*ملا محمد حسین هروی برادر محمد مؤمن صحاف و مجلد بی نظیر و بی همال است و در عکس کار را از ملا محمد امین گذرانیده و الحال مدت سی و پنج سال است که در این کتابخانه (۱) به خدمتکاری اشتغال دارد. عکس درهم برد هفت رنگ را بهتر از او کسی نکرده و دروادی فن خود ثانی ندارد و بعلوفه و جاگیر لایقه سرافراز است و مدار این کتابخانه امروز براوست.*»

۱۰۱۱ـ محمّد حسین یزدی ـ قاطع

اهل یزد و نقّاش و طرّاح و قاطع نازك قلم بود و در هنر خود استعداد وافری داشت. از آثار رقم دار این استاد دو اثر ارزنده‌ای دیده‌ام که هر دو اثر، در یك شیوه، نقاشی و قطع گشته و در نوع خود ماهرانه بوده‌اند.

۱ـ مقصود از کتابخانه، کتابخانه خان خانان است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یکی از این آثار، جمع گلهای تزیینی بود که دور ادور یك نقش بوته جیقه‌ای، عمل آمده و کنار وی را پوشانده بودند، داخل بوته جیقه، چند آیه‌ای از قرآن مجید واز آن جمله سوره: «نصر من الله و فتح قریب. . . .» به نازك قلمی و خط نسخی، قطاعی نموده و در زیر آن رقم نهاده بود: «عمل محمد حسین یزدی ۱۲۷۲»

۲ـ دیگر از آثار نقاشی و خطاطی و قطاعی هنرمند که در یك قطعه عمل آمده، یادگار ارزنده‌ای، در مجموعه نگارنده در تهران است که به همان شیوه اثر قبلی قطاعی شده و منتها، بجای نقش بوته جیقه‌ای که در وسط آن نقش یافته، نقش ترنجی قرینه‌ای است که در داخل آن، سوره (قل هوالله) قطاعی گشته و تاریخ نهاده: «۱۲۷۹»

مهر چهار گوش نقاش که با سجع (بود نور چشم محمد حسین) مشخص گشته، در بالا و پائین کتیبه ترنجی قرار گرفته و رقم نقاش را تائید کرده است. تصویر شماره (۶۰) در صفحه (۹۸۰)

۱۰۱۲ـ محمّد الحسینی الامامی ـ
حاج محمّد حسینی ـ (سیّد)

از سادات حسینی امامی و اهل اصفهان بود که در آبرنگ و مینا سازی و کارهای روغنی و قلمدان سازی خوش قلم بود و خود را سید محمد الحسینی معرفی می نمود.

به یقین این نقاش نیز از سادات معروف امامی اصفهانی که عمده آنها به نگارگری پرداخته و در هنر خود مقامات شایسته تری را کسب کرده‌اند بشمار می آمده ولی نسبت قرابت آنها به یکدیگر چندان معلوم نمی باشد.

استاد سید محمد، صورتها را شبیه و با حالت می ساخت و در آرایش البسه و مجالس بزمی و رزمی و صنعت تذهیب دست شیرین و قلمی پرتوان داشت.

این هنرمند به نقش سلاطین و ارائه جلال پادشاهان و بخصوص، نقش ناصر الدین شاه علاقه داشت و صورت و شمایل وی را در کمال فخامت و آرایش پرپیرایه ارائه می نمود، تقریباً به غیر از یك اثر پر کار و پرصورتی، که نقوش سلاطین اسطوره‌ای ایران را بقدرت تمام نقش کرده و بنام کیانی موصوف گشته، بقیه آثار بجا مانده‌اش، متضمن ارائه تصویر تمام اندام و نیم تنه شخص ناصر الدین است که بگونه‌های مختلفی عرضه کرده است.

این نقاش به غیر از محمد حسین امامی فرزند میرزا نصرالله امامی است که مدتی پیشنماز یکی از مساجد اصفهان را به عهده داشته است.

۱ـ از پر کارترین اثر وی که قلمدان ارزنده و نفیس کیانی است، تمام رویه و کناره‌ها، تصاویر پادشاهان قدیمی ایرانی است که افسانه آنها، در شاهنامه فردوسی به تفصیل یادگشته است.

این قلمدان کم پیدا که در حقیقت شاهنامه تصویری است، صورتها و قیافه‌ها و حالات و سکنات پادشاهان، بابتکار و تخیل نقاش جان گرفته و بروی قلمدان عرضه گشته است، حواشی و کناره‌ها و مدالیون ها نیز به تذهیب حاشیه گیری شده و رقم داشت: «حاج محمد حسینی» مجموعه آقای ادیب برومند.

۲ـ دیگر، تصویر جوانی های ناصر الدین شاه بود که باکلاه و البسه سلطنتی روی صندلی نشسته و صورتش پرداز استادانه داشت و با قلم نسخ و رقاع قرمز رنگ، در گوشه صندلی نوشته شده بود: «عمل کمترین درگاه سید محمد الحسینی فی سنه ۱۲۶۴»

۳ـ آبرنگهای دیگر این استاد، تصویر دیگر ناصر الدین شاه در اوایل جوانی بود که در بالای نقاشی بخط انگلیسی نوشته شده بود Nesseraddeen Shah of Persia در این اثر شبیه سازی، شاه قاجار، با تمام تزیینات پادشاهی و انواع جواهرات سلطنتی، روی صندلی پر آذین نشسته و شمشیری بدست گرفته بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کلاه سلطنتی جیقه‌دار بسرنهاده و نشان محمد شاهی بسینه نصب کرده و جوراب رنگی سرخ نقشی، به پا کرده بود، و در طرف چپ تصویر بخط رقاع زیبا، رقم داشت: «رقم کمترین بنده فقیر سید محمد الحسینی فی سنه ۱۲۶۵ من الهجره»

۴ـ از آثار دیگر هنرمند که در حراج ساتبی سال ۱۹۷۹ لندن بفروش رسید، تصویر ناصرالدین شاه قاجار بود که بحالت ایستاده نقاشی شده و دست چپ خود را بروی لوله توپ گذشته و دست دیگر را به کمر زده بود.

در بالای کلاه بلند و بوقی اش، جیقه سفید و پرداری بود که پایه آن جواهرنشان بود.

لباس سلطنتی بتن کرده و روی سینه‌اش ملیله دوزی قزاقی بود و پاگونها و حمایل و سایر آرایش البسه وی، طلائی و دوخت فرانسوی بود و به خط بد رقم داشت: «عمل کمترین سید محمد الحسینی الامامی»

۵ـ تنها آثار مینائی و پرمهارت این استاد، سرقلیان مینائی زیبائی بود که گلهای برجسته و صورتهای پرحلاوت داشت و رقمش چنین بود: «سید محمد ۱۲۹۸»

۶ـ تصویر رقم دار دیگری که از این استاد بجا مانده و عکس رنگی آن نیز، در راهنمای کتاب سال ۱۶ به چاپ رسیده، نقش نیم تنه ناصر الدین شاه است که پوستین بوته جیقه‌ای قرمز رنگی پوشیده و حمایل آبی رنگی بروی لباسهای زیری، علاوه کرده است.

صورتش شاداب و ریشش کم پشت و سبیل ها بلند بود و کلاه مخصوصش، با نشان پرطاوسی مزین شده و در ترنجی بالای تصویر، رقم داشت: «عمل حقیر محمد الحسینی الامامی سنه ۱۲۷۸»

۱۰۱۳ـ محمّد حصاری ـ سیّد

مذهّب و خطّاط اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. عثمانی است.

این هنرمند، در خط نسخ و تذهیب و طلا کاری دست پرحلاوت داشت و هر دو هنر را نیکو میدانست.

به نوشته مستقیم زاده اصلش از قره‌حصار بوده و بعد به استانبول آمده و خط ثلث و نسخ را از سید محمد حمدی یادگرفته و بعد از موفقیت در امر خط ـ به تذهیب و آرایش نسخه‌ها دست یازیده است.

همو می نویسد که در محله اسکندر پاشا با زن مسنی ازدواج کرده و زندگی راحتی داشته است و در اواخر عمر عازم حج شده و در تاریخ: «تارك شروع ۱۱۹۷» همانجا وفات یافته است.

از آثار خطی و تذهیبی وی که هر دو را در یك جا به فرجام رسانده، قطعه خط نسخی و تذهیب شده‌ای در مجموعه دارم که به خط زیبای نسخ کتابت کرده و حواشی و بین السطور را مذهّب نموده و رقم نهاده: «حرره و ذهّبه الفقیر الحقیر السیّد محمد حصاری. . . . . ۱۱۶۸»

● محمد حیوة ـ در خلیفه محمد حیوة آمده.

۱۰۱۴ـ محمّد خان بیک

بسیاق علیقلی جبادار و محمد زمان نقش می آفرید و در صنعت چهره سازی قوی دست بود. نصرآبادی در تذکره خود از این نقاش نام برده و او را چنین توصیف کرده است: «*ازنجبای داغستان است والد مشارالیه رستم بیك نام در زمان شاه عباس ماضی کمال اعتبار داشت بعد از فوت او محمد خان بیك در خدمت شاه عباس ثانی نهایت قرب داشت جوانی است در نهایت ملایمت و آهستگی پوینده طریق وداد و الفت و جوینده گوهر نایاب صداقت در اکثر کمالات مثل شعر و معما ربط دارد و در فن نقاشی صریر قلمش نوید حیات به گوش تصویر می رساند الحال در خدمت نواب اشرف بحال خود می باشد شعرش این است*

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

چین ابرو خط آزادی است مجنون ترا نازبیجا باطل السحری است افسون ترا

یگانه اثر رقم دار این استاد، که در یکی از موزه های ایران قرار دارد، تصویر علی قلی خان یکی از رجال عهد صفوی است، که تنها صورت و کلاه او پرداخت شده و بقیه تصویر که از شانه به پایین نیمه کاره مانده، با خطوط مشخص و طراحی استادانه‌ای عمل آمده و ملاحت تصویر را بیشتر کرده است. رقم نقاش در یك بیت شعر چنین است: «نمود معنی صورت بنطق خامه بیان ـ کمینه چاکر عباس شه محمد خان سنه ۱۰۷۰»

۱۰۱۵ـ محمّد خان مصوّر هندی

فرزند میان چند، از اهالی هند بود و در اواسط قرن ۱۱ هـ. ق. و شیوه هندو پرسان تصویر سازی می نمود.

این هنرمند، در شیوه اصفهان نقاشی می نمود و گویا استادان اولیه او ایرانی بوده و یا اینکه به اصفهان رفته و در آن شهر، به کسب هنر و نقاشی دل بسته و یا اینکه از روی آثار مشاهیر اصفهانی کپی و تقلید نموده است.

محمد خان در گل آرائی، با شیوه استاد منصور، چابك دست و شیرین قلم بود و اغلب زمینه کارها را، با گلهای چشم آذین، تزیین می نمود.

این استاد، چهره ساز خوش نقشی بود و صورتها را بسیار شبیه می ساخت، علاوه بر این امتیازات، در بکار برد رنگها و تزیین و انواع البسه و منظره سازی و شکوفه آرائی، دست پرحلاوت داشت و در شیوه مغولی، نیز صاحب قلم بود.

متاسفانه باحوال بیشتر این هنرمند، و دوران فعالیت و همچنین به سال تولد و مرگ وی، اطلاع بیشتری نداشته و در اسناد قدیمی نیز، یادی از این هنرمند وارسته ذکری به میان نیامده است، آثار رقم دار و شناخته شده وی عبارتند از:

۱ـ از تصاویر امضا دار این نقاش که در شیوه اصفهان نقش یافته بود، تصویر شاهزاده جوانی بود که کلاه عمامه‌ای سبز روشن بسر نهاده و پر طاوس رنگینی را به وسط کلاه خود نصب نموده و البسه شاهانه پوشیده و در وسط چمنی نشسته، و از صراحی مخصوص، شراب می ریخت.

تزیین البسه و اشیاء موجود در تابلو خوش نقش بود و نقش گلها در گلدان گل و سایر تزیینات مینیاتور جلوه به خصوصی داشت.

---

* محمد خان نگارگر شمشیر و فلزات سخت و از ملّهبان و تصویر گران و طلاکوبان مغولی بر روی فلزات سخت بود و در اوایل قرن ۱۸ میلادی در دیار هند زندگی می نمود.

از آثار رقم دار این هنرمند، دسته خنجر عاجی و مزینی در بریتیش میوزیوم دیده‌ام که نقوش موزون و دلفریبی، در شیوه طلاکوبی داشت.

در کناره تیغه و در بین مستطیلی، رقم داشت: «عمل محمد خان» و نیم بیت دوم شعری که روی قبضه نوشته شده بود چنین بود: «. . . . گر چه یك مشت استخوان باشد»

---

*محمد خطیب (ابری ساز عثمانی) ـ خطیبی در مسجد ایا صوفیای اسلامبول در سالیان ۱۱۸۴ بود و در رشته ابری سازی مهارت زایدالوصفی داشت.

بروایت بعضی از مدارك عثمانی، این هنرمند مبتکر و ایجاد کننده نقش گلها در صنعت ابری سازی است که انواع شکوفه ها و گلها را بطرز استادانه‌ای بعمل آورده و این شیوه را بنام خود اختصاص داده است.

از آثار نسبتاً زیادی که در ذیل جلدها بیادگار نهاده، معرف هنرمندی نقاش در ابری سازی بوده و نام شیوه های به‌خصوصی که در اجرای ابری ها نموده و ابتکاراتی که به خرج داده، بنام این استاد، یعنی (خطیب) موسوم گشته و بشهرت زاید الوصفی دست یافته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در زمینه چمن، گلهای عالی و ریزی، در شیوه‌علیقلی جبا دار نشان داده و روی ظرف انار، رقم نهاده بود: «عمل محمد خان مصور سنه ۱۰۴۳»

۲ـ تصویر دیگر هنرمند، که به زیبائی نقش کرده بود، نقش پر جلال شاهزاده هندی بود که رقم داشت: «عمل محمد خان فرزند میان چند»

● **محمد خان در دوست محمد خان آمده**

۱۰۱۶ـ محمّد خلیفة الخلفا

به هنگام تألیف مجمع الخواص که در سال ۱۰۱۶ پایان پذیرفته، این هنرمند در سنین جوانی بوده و در نقاشی و تصویر سازی و خط نستعلیق خوش نگار بوده است.

این نقاش در صنعت شعر نیز دست داشته و طنبو را نیز خوش می نواخته است. از آثار رقم دار و یا منسوب وی تاکنون دیده نشده است.

۱۰۱۷ـ محمّد داوری فرزند وصال

فرزند محمد شفیع وصال شیرازی معروف به میرزا کوچك است که بسال ۱۲۳۸ هـ. ق. در شهر شیراز تولد یافته و دوران صباوت را بدرك علوم و فضایل هنری سپری کرده است.

این هنرمند، علوم معمول زمان را از محضر پدر و سایر استادان هم عصر خویش بیاموخت و در خط و نقاشی و شعر مقامی پرمایه یافت. تصویر شماره (۵۰) در صفحه (۹۷۳)

احوال این هنرمند را مرحوم رضا قلی خان هدایت در مجمع الفصحا درج کرده و چنین نوشته است: «*خلف الصّدق میرزا کوچك وصال است علی الجمله جوانی است خلیق و دانائی است دقیق در کمالات صوری و معنوی تمام و در حسن خلق نادره ایام، در علوم ادبیه و عربیه رنجی برده و خطی موفور حاصل آورده در خطوط نیز قدرتی دارد و شکسته نستعلیق را خوش می نگارد. در علوم نقّاشی نیز مهارتی حاصل کرده در زمانیکه فقیر در شیراز بود و غالبا مجلس میرزای وصال رحمة الله میرفت وی پانزده ساله بود اکنونش سی و پنج ساله است و در ایام توقف تهران از ملاقاتش حرمان روی داده . . . .*»

برادر کوچك داوری که به فرهنگ ملقب بود، بتقاضای فارس نامه شیرازی، احوال وی را چنین توصیف نموده است: «*سیمین فرزند حضرت وصال جناب میرزا محمد داوری است و چون جناب وقار به عرصه وجود آمد، پدر بزرگوارش، از پیر عالی مقدار خود رحمهم الله مستدعی است که نام آن طفل را آن جناب گذارد. مسئول مقبول افتاده، پیر روشن ضمیر فرمود، او را به چه نام باید خواند. عرض کردند احمد نیکو نامی است. آن جناب بزبان مبارك راند، احمد، محمود، محمد، ابوالقاسم و چنانکه فرموده بود پسران دیگر را به همان ترتیب نام گذاشتند.*

القصه مرحوم داوری در خط نسخ تعلیق استادی بود بزرگ. خط شکسته را به حد کمال رسانید و در صنعت نقاشی و پیکر نگاری، از استادان سلف بگذرانید. در علوم ادبیه و حکمت دستی تمام داشت. اشعار آبدارش از اندازه توصیف بیرون و دیوان اشعارش نزدیك به هزار بیت است . . . .

در سال ۱۲۳۸ هـ. ق. بعرصه وجود آمده و در سال ۱۲۸۲ هـ. ق. بمرض دق، ترك جهان گفته بفردوس جنان شتافته و در بقعه مبارکه سید احمد علیه السلام، در پهلوی تربت پاك حضرت سکوت علیه الرحمه مدفون گشت . . .»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دیوان بیگی نیز در حدیقه الشعرا او را یاد کرده و در ستایش وی چنین آورده است: «داوری شیرازی سیوم پسر مرحوم میرزای وصال و اسمش محمد بود. از روی تحقیق می توان شمس القلاوه آن طایفه اش گفت، صورتی پسندیده و مطلوب داشت و قامتش زیبا و مرغوب، در حسن اخلاق طاق و در معاشرت و طرز صحبت و انجمن آرائی و دلربائی منفرد آفاق، تمام خطوط را خوب می نوشت ولیکن فنش نسخ تعلیق بود که بر سایر امتیاز داشت، در نقاشی و تذهیب یکی از اساتید محسوب می شد، با هوش و ذکائی مفرط بود، هر صنعتی را که اراده می نمود باندك توجهی فرا می گرفت، شعر را هم اعتقاد خودشان این بود که از همه برادران بهتر می گفت اما روزگارش چندان امان نداد و در جوانی بدرود جهان گفت. کتاب شاهنامه تمام کرد که تذهیب و نقاشی و جلد او تمام کار خودش بود و کمال امتیاز داشت، قریب پنج سال در دست داشت و در آن مدت اجزاء و اوراق او بنظر غالب بزرگان رسید و کسی طالب نشد جز محمد قلی خان قشقائی ایل خانی فارس طالب شد، او کتاب را تمام کرد و شرحی به بحر تقارب مشتمل بر زحمت خود و تعریف کتاب و مدح ایلخانی بر او بیفزود. ایلخانی هفتصد تومان نقد و دو طاقه شال کشمیری ممتاز و دو اسب خوب به او نیاز کرد. . . . . »

نا گفته نماند این شاهنامه معروف که حالیه در یکی از موزه های ایران به یادگار است، چون دو قسمت آن پایان نیافته بود، خان قشقائی لطفعلی خان شیرازی را با میرزا آقای نقاش که او نیز در این فن ها مهارت داشته نزد خود خواند و تا دو سال در ییلاق و قشلاق فارس، نزد خود نگاه داشت و دو نفر دیگر از تذهیب کاران خبره را، بدستیاری آنان برگزیده تا نقاشی و تذهیب آن کتاب نفیس را به پایان رسانند.

پس از پایان این نسخه ارزنده، شاهنامه را در یك سینی طلائی قرار داده و بمقر محمد قلی خان عزیمت نمودند.

در مشایعت این عده، خیل شترهای زیادی به جلال و شکوه تمام آذین شده و چراغانی مفصلی انجام یافته و سرنا و دهل نوازان به شادی و طرب سرگرم شده و بدرقه راه این گروه بوده‌اند. این شاهنامه نفیس که تفصیل اجرای آن در سطور بالا گفته شد، اثر دست این هنرمند بود که بگفته خود نقاش که بنظم شیوائی سروده:

«بسر بر مهم رفت دوبار سی — بسر بردم این نامه پارسی
همه دوستانم به صحرا و باغ — من ایدر فرومانده با درد وداغ
نه از باغ و از بوستان بهره‌ام — نه از خانه بیرون شدن زهره‌ام
به خرداد و مرداد و آبان و دی — همه کارمن با یکی خشك نی
چو کلك نی از دست بگذاشتم — همان کلك موئینه برداشتم»

جوانی و وقت خود را در ارائه این نسخه، صرف کرده و به آرزوی خود نایل گشته است.

میرزا محمد در آبرنگ شیرین قلم و صاحب ابتکار بود و تذهیب و آرایش تصاویر را نیکو می دانست او همچنین شش خط را خوب می نوشت و در شعر صاحب کمال بود.

وفات این هنرمند در سنین چهل و پنج سالگی بسال ۱۲۸۳ هـ. ق. اتفاق افتاده و علت مرگ وی نیز ناشی از فوت ناگهانی فرزند دلبندش میرزا جلال بوده که پس از آن واقعه، بمرض دق مبتلا گشته و در گذشته است.

جسد وی در حرم شاه چراغ شیراز و در جوار میرزای سکوت مدفون گشته و نعمت فسائی ماده تاریخ فوتش را چنین نگاشته است:

«بهر تاریخ وفاتش نعمت محزون رقم زد — داوری راد ای دل بامحمد حشر داد

که همان سال ۱۲۸۳ هـ. ق. است

مرحوم محمد خان دشتی متخلص به فارسی در تحفه للحرمین خود، در باب (تعزیه مرحوم میرزا محمد

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

داوری) حدود چهل بیت شعر ستوده که‌چند بیت آن چنین است.

بی فرودین طلعت یاران مهربان — اردی بهشت همچوتموز است ومهرگان
درآسمان فضل و شرف همچو ماه‌بود — چون درزمین نهان شد آن ماه‌آسمان
او دربیان معانی بود واز این سبب — از بعداو معانی خود نیست در بیان
شیراز کان فضل وهنر بودو دار علم — وان دارشد خراب چوبستی تو بار ازآن
نامی زنقش مانی مانده‌است بی اثر — زین نقش های نامی تو مانده‌بانشان
بعداز تو شاعران بچه‌کس داوری برند — وز دهر درپناه که باشند درامان
امروز درعزای تو خوانند مرثیه — آنان که درثنای تو بودند مدح خوان

و همچنین ابیاتی را که مرحوم داوری در باب تعزیت پدر هنرمندش سروده و بخط نستعلیق زیبای خود کتابت کرده، زیب صفحات کتاب می گردد که‌نمونه‌ای ازخطوط هنرمندباشد. مضبوط در مجموعه نگارنده تهران

آثار بجا مانده و شناخته شده وی عبارت است از:

۱ـ چهار قطعه تصاویر آبرنگی از قیافه رجال برجسته دوره ناصری است که در مرقعی با خطوط متنوع داوری ترتیب یافته و حالیه در کتابخانه کاخ گلستان مضبوط می باشد.

این تصاویر که بسال ۱۲۶۲ هـ. قـ. انجام یافته عبارتند از:

۱ـ حسین خان آجودان باشی امیر نظام ۲ـ حاجی درویش نقال ۳ـ نصراله میرزا پسر مرحوم فرمانفرما، والی فارس ۴ـ عبداله خان معمار باشی. که به زیبائی و شباهت فرجام پذیرفته و از بهترین کارهای محمد داوری است.

۲ـ اثر ارزنده دیگر محمد داوری، تصویر نه نفر از بستگان معروف وصال است که محمد شفیع وصال مشهور به میرزا کوچك در صدر نشسته و دیگر فرزندان به ترتیب ۲ میرزا جان برادر وصال ۳ احمد وقار ۴ حکیم ۵ داوری ۶ فرهنگ ۷ توحید ۸ یزدانی ۹ پیرمردی بنام حاجی نور محمد که خالوی فرزندان وصال بوده است، در پائین آن قرار گرفته‌اند.

این اثر چهره پردازی که معرف هنرمندی نقاش در امر شبیه سازی است، در کتاب «گلشن وصال» چاپ شده است.

۳ـ دیگر اثر این هنرمند که عکس آن در مجله اطلاعات ماهانه سال ۱۳۳۵ و در صفحه ۴۵ آن چاپ شده، تصویر محمد شفیع وصال است که روی دو شکی نشسته و مستخدم سیاه پوستش، قلیان را حاضر کرده و به حضور ارباب آورده است.

۱۰۱۸ـ محمّد درویش

قلمدان ساز دوران اواخر زندیه بود و در هنر خود قلم خوش داشت.

بروایت مرحوم غلامحسین تقوی، که خود قلمدان ساز بوده و آثار این نقاش را مشاهده کرده بود. درویش محمد را، هنرمندی گل و مرغ ساز و چهره پرداز معرفی می نمود که تذهیب و ابری سازی را نیز خوب می دانست و شیرین و استادانه عمل می آورد.

آثار رقم دار این قلمدان ساز را مشاهده نکرده‌ام.

● **محمد درویش خراسانی در حاجی محمد درویش خراسانی آمده**

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۱۹ـ محمّد دوست (قاطع)

قاطع گمنام اهل هرات و فرزند استاد عبداله قاطع هراتی است که در مناقب هنروران و ضمن احوال پدر، از این هنرمند نیز یادشده و چنین قید گشته است: «*عبداله از قاطعان کامل و مکمّل است که در هنر خود استاد می باشد. در هرات تولد و در آن شهر نشوو نما یافته و شهرت خاص و عام دارد. فرزند وی شیخ محمد دوست قاطعی است که از پدر خود این هنر را فرا گرفته و در حرفه خود متمایز و قابل تحسین است*».

ترجمه فارسی دقیقی که در احوال این پدر و پسر در مناقب هنروران نوشته چنین است:

«بعد از وی پسر هنرمند و شاگرد صناعت پرورش، شیخ محمد دوست قاطعی است که در رتبه استادی بوده و قرین والد ماهر خود می باشد، که با مراعات نکته (الولد سرّابیه) آثار بریده های وی، بسان بریده های پدر بوده و از آن امتیازات بهره داشته است»

ناگفته نماند که جماعت قاطعان، هنرمندانی بوده‌اند که از صنعت نقّاشی و طراحی و تذهیب و سایر امتیازات تصویرسازی، اطلاعات دقیقی داشته و روی این خبرویت ها می توانستند، هنر قطاعی را به وجه، اکملی بفرجام رسانده و تزیین و آرایش نمایند.

۱۰۲۰ـ محمّد راشد بن حاج محمّد

طغرا نگار و نقّاش و طرّاح تصاویر، در اوایل قرن ۱۳ هـ. ق. عثمانی بود و در این هنرها ابتکار شایسته‌ای داشت.

از آثار ارزنده این هنرمند که در شیوه طغرائی عمل آورده و تلفیق خط و نقّاشی را به استادی عیان ساخته،

---

* محمد ذهنی مذهّب عثمانی ـ از طغراکشان و مذّهبان و خطّاطان اواسط قرن ۱۲ هـ. ق. عثمانی بشمار میرفت و در گل آرائی و خطوط طغرائی دست پر پرایه‌ای داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند که بسال ۱۱۵۸ هـ. ق. ترسیم نموده، آرایش و کتابت طغرای سلطان محمد اوّل پادشاه عثمانی است که نام سلطان عثمانی را، بطلا و تحریر ماهرانه و خط ثلث طغرائی کتابت کرده، و کناره‌های طغرا را به تذهیب ریز و شیوائی تزیین نموده است. قسمت بالائی طغرا که در محیط مثلث شکلی ایجاد شده، گل و برگهای رنگارنگ و متناسب ترسیم نموده و دو دسته گل زنبق و گل سرخ را بعنوان توازن و هم آهنگی در کنار آنها علاوه نموده است.

اصل فرمان که بخط دیوانی و تعلیق جلی کتابت شده، در موزه ترك و اسلامی استانبول بشماره ۲۲۳۴ محفوظ می باشد.

---

* محمد راسم بن یوسف خطّاط و مذهّب ـ خواجه محمد راسم که از خطّاطان معروف و پر شهره اواسط قرن ۱۲ هـ. ق. عثمانی است، در صنعت تذهیب نیز دست داشته و از شاگردان استاد محمد هزار فن بشمار میآمده است.

مرحوم مستقیم زاده که با این هنرمند مراوده دوستانه داشته، احوال وی را بیش از سایر هنرمندان برشته تحریر در آورده و عظمت هنری وی را به نیکوترین وجهی عرضه کرده است. در احوال استادان تذهیبی که این هنر را به محمد راسم تعلیم داده‌اند، اسامی مذهّبان و مجلدان نامی آن عصر دیده می شود که ارائه اسامی آنها در این مقال خالی از فایدت نمی باشد. بدین جهت، بخش مربوط به احوال این استادان را از ترکی بفارسی ترجمه کرده و بنظر علاقمندان می رسانیم:

«*از استادان تذهیب کاری که آرایش خطوط مختلف خواجه محمدراسم را بعهده داشته‌اند، یکی ابراهیم چلبی حیدر پاشالی است و دیگر سلیمان چلبی درغمانی است و دیگر عبدالرحمن چلبی از اهالی بورسا و استاد دیگر رشید مصطفی چلبی سلطان سلیمی است که شاگرد مجلد باشی قره محمد است که این قره محمد از شاگردان مجلد باشی صولاق سلیمان مذهّب است و خود محمدراسم، صنعت تذهیب را از قره محمد مجلد باشی و استاد علی روضی چلبی از اهالی اسکدار فراگرفته است.*»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر شتری بود که در روی جمازه آن، تابوتی قرار داشت. در کنار تابوت، شمشیر ذوالفقار حضرت علی علیه السّلام جلب نظر می نمود. و در روی تابوت نوشته شده بود (با علی موتو قبل ان تموتو) در رویه بدن شتر که با تذهیب های متنوعی تزیین گشته بود، بیت معروفی را که گویا درمورد محبت خالصانه حضرت علی علیه السلام یاد می نمایند، نوشته شده بود.

در یمنی بامنی پیش منی پیش منی بی منی در یمنی

در کناره ها و اطراف تصویر شتر، گلهای محمدی رنگارنگی بود که جای خالی تصویر را پر می کرد. حضرت علی که در هیکل ساربانی نقش یافته بود، افسار شتر را بدست گرفته و این جملات در کنار آن درج شده بود: «انا مدنیه العلم و علی بابها» امضاء داشت «محمد راشد بن حاج احمد»

۱۰۲۱ـ محمّد ربیع

پیرو شیوه محمد زمان و علیقلی جباردار بود و از هنرمندان صاحب کمال قرن ۱۲ هـ. قـ. ولایت هند بشمار می آمد.

این نقّاش خوش نگار که تنها یك اثر ارزنده قلمدانی بیادگار گذاشته، در چهرمسازی و آرایش گلها زبردست بود و صنعت تذهیب و حل کاری رانیکو می دانست.

این قلمدان پرامتیاز که در اندازه بزرگ و قالب تابوتی است، در کمال حلاوت عمل آمده و به شیوائی تمام آذین یافته است.

در رویه قلمدان، تصویر دو زن فتان و دلربا ترسیم یافته که البسه طلائی و پرآذین بتن کرده و یکی از آنها، موهای سرش را آرایش می کند.

زیبا روی دیگری که تاحدی قربه بنظر می رسد، در محلی نشسته و پا ها را رویهم انداخته و با پارچه زربفت و سرخ رنگی خود را پوشانده است. در قسمت پائین قلمدان، بسان شیوه آن زمان ها، درخت شکسته‌ای نیز تصویر نموده و اطراف آنرا با گلهای درشت و باطراوتی محصور کرده است.

در قسمت بالای تصویر، چند ساختمان ساده و در گوشه چپ آن، یك درخت تنومند و بزرگی جلب نظر می نماید: در کناره ها و دیوارهای قلمدان و در داخل چهار ترنج بیضی شکل، تصویر دختران زیبائی را بشیوه اروپائی و ایرانی ارائه داده و کناره ها را با مناظر مشجر و گیاهان سرسبز آرایش داده است.

تذهیب زیر قلمدان کلفت و ساده و در زمینه سرخ آتشی است و رقم نقاش در رویه قلمدان و کنار درخت بلند، بخط طغرائی استادانه چنین است: «رقم کمترین محمد ربیع» مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی لندن

۱۰۲۲ـ محمّد رحیم (قلمدان ساز)

نقّاش گمنام و با ابتکار اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. بود و گل و مرغ و چهره سازی را خوب می ساخت.

تنها اثر امضاداری که از این نقّاش دیده‌ام، قلمدان گل و مرغ زیبائی بود که در لابلای گلها، صورتهای طرح صفوی، نقش کرده و بخط نستعلیق رقم داشت: «محمد رحیم»

۱۰۲۳ـ محمّد رحیم (قلمدان ساز)

باسجع (بسم الله الرحمن الرحیم) آثار خود را ارائه می داد و از قلمدان سازان گمنام اوایل قرن ۱۴ هـ. قـ. بشمار می آمد. از آثار امضادار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی ارزنده‌ای بود که در شیوه نصراله امامی عمل

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آمده و در نوع خود جالب بود.

زمینه قلمدان مرغشی بود و در رویه آن، انواع گل مرغ ها و گل فندق جلب نظر می نمود.

زیر قلمدان تذهیب شیوائی داشت و در رویه قلمدان، بخط نستعلیق زیبا نوشته شده بود: «بسم الله الرحمن الرحیم ۱۳۱۱»

۱۰۲٤ـ محمّد رحیم (نقّاش لایه چین)

نقّاش و مذهّب و استاد لایه چینی، در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ـ۱۱۳۵ هـ. قـ.) بود و در این شیوه‌ها، نقش تصویر می نمود. هنر لایه چینی از دوره تیموریان، در صنعت جلدها و صندوق، و بعضی مصنوعات دیگر که نقوش آنها برجسته بوده و در شیوه لایه چینی بعمل آمده‌اند، دیده شده، که متأسفانه نام این استادان درج نگشته و ناشناس باقی مانده‌اند.

درمورد این هنر پرکار، بغیر از دو نفر استاد محمد رحیم و استاد محمد باقر طاوس که در سالهای ۱۲۴۵ فعالیت هنری داشته، استاد دیگری را نمی شناسیم و این دو استاد نیز، بذاته در هنر مورد علاقه خود دست ماهرانه‌ای داشته و آثار رقم داری نیز از خود بیادگار نهاده‌اند.

و اما در ولایت هندوستان، بیش از ایران هواخواهانی داشته و آثار نسبتاً زیادی نیز در شیوه لایه چینی به عمل آورده‌اند.

در مورد شیوه اصولی و قدیمی این هنر، که از مستندات قدیمی اقتباس شده، اطلاعاتی در احوال محمد باقر طاوس یاد گشته که نظر علاقمندان را بمراجعه احوال آن نقّاش، معطوف می داریم.

از تنها نمونه رقم دار نقّاش که در کمال قدرت عمل آمده، معلوم می نماید که این هنرمند، در چهره‌سازی و مجلس آرائی و صنعت تذهیب دست ماهرانه‌ای داشته و شیوه لایه چینی را خوب می دانسته است.

در این اثر ارزنده که در اندازه ۱۱/۵ × ۲۰/۵ سانتی متر بوده و جزو مجموعه نگارنده می باشد، شاه عبّاس کبیر با لباس زربفت و گل آذین دو زانو نشسته و به یك متکای بزرگی که آن نیز با نقوش متنوع و طلائی انجام یافته، تکیه داده است.

کلاهش قزلباشی و رنگین و چهره‌اش شاداب و پرحالت و دارای سبیلهای بلند و ریش کوتاه است که مؤید استادی نقاش در امر چهره‌پردازی است.

در مقابل شاه عباس، مستخدم جوان و وارسته‌ای قرار گرفته که آماده خدمت است و ملبوسات دوران صفوی دارد.

جوان مذکور، لباس سرخ رنگی پوشیده و یخه و بازوبند و سایر آرایش وی طلائی بوده و پر از جواهرات گوناگون است. کلاهش لبه دار و خزدار و صورتش زیبا و خوش چهره و سایر ارایش دیگرش نیز با حلاوت است.

انواع شربت آلات و ظروف مرصع و نگین دار، در صحن مجلس دیده می شوند.

از پنجره اطاق، منظره دشت و دمن و کوه بلند و سبزه و اشجار جلب نظر می نماید که بسان یك تابلوی زیبائی، در افق دورتر جلوه‌گر می باشند.

این اثر پر پیرایه که در زمان شاه سلطان حسین صفوی، برشته نقش کشیده شده، در بالای معجر قصر سلطنتی، رقم دارد: «محمد رحیم ۱۱۲۰»

۲ـ دیگر از آثار این هنرمند که متأسفانه امضا نداشته ولی شیوه کار و تاریخ آن مدلل می سازد که از آثار این

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هنرمند است، تصویر لایه چینی روغنی بزرگی در حدود ۲۵ × ۳۵ سانتی متر در مجموعه آقای منصور افشار است، که مجلس بزمی شاه تهماسب صفوی را مجسم ساخته که اعیان و رجال و سایر مهمانان، در حضور شاه تهماسب جلوس نموده و رقاص درباری در وسط تالار برقص و پایکوبی سرگرم است.

دو کنیز زیبا به خدمت اشتغال دارند و بشقابهای میوه نیز جلب توجه می نمایند. در بالای تابلو بخط قلم موئی درج شده: «سلطان شاه تهماسب صفوی حسینی ۱۱۲۰»

۱۰۲۵ـ محمّد رسول تبریزی

از نقّاشان گمنام شهر تبریز، در اواخر سنه ۱۲ هـ. قـ. بود.

از آثار بجا مانده این خطاط و نقّاش تبریزی که بهمکاری استاد محمد باقر انجام یافته، خطوط و نقوش اسلیمی دیوار، آلچاق مسجد تبریز است که بدست این دو نفر مرمت یافته و معرف هنرمندی آنان می باشد.

۱۰۲۶ـ محمّد رشید خان تبریزی

تبریزی و نقّاش شیرین قلم اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. بود و در گل و مرغ و چهره‌پردازی قلم باقدرت داشت. این هنرمند خط شکسته را نیز خوش می نوشت و امضای خود را در این شیوه‌ها می نوشت.

از آثار امضادار این هنرمند که در نمایشگاه گالری کل ناقی لندن دیده‌ام و عکس آن نیز در صفحه ۱۵۷ کاتالوگ گالری مذکور بچاپ رسیده، تصویر سه شاخه زنبق گل درشتی است که به حلاوت تمام نقّاشی کرده و پروانه‌ای را نیز بحال پرواز، در بالای گلها ارائه داده است. در گوشه راست و بالای آن این بیت شعر درج شده:

هو نوروز که سوسن به زبان می آید بلبل به ترنم و بیان می آید

و در کنار آن بخط شکسته، رقم نهاده: «هو محتاج التفات محمد رشید خان تبریزی ۱۱۳۳»

۲ـ دیگر اثر نقّاش، تصویر گل سیب، با ساقه و بوته های زیبا بود که در سیاه قلم عمل آمده و رقم داشت: «هو در تبریز ـ مشك آبیز ـ رقم محمد رشید خان تبریزی ۱۱۳۵»

۳ـ از تنها نمونه چهره‌پردازی این نقّاش، تصویر ملا محمد باقر مجلسی بود که کلاه رنگارنگی بسر نهاده و ریش سفید و پرپشتی داشت. ملا محمد باقر تسبیحی بدست گرفته و دو جلد کتاب و مقداری میوه در پیش وی دیده می شد و در قسمت بالای تصویر، این ابیات بخط شکسته، درج شده بود:

داند آن کس که عالم دین است باقر علم را شبیه این است

فیض لطفش شامل هر خواص و عام علم باقر باد در باقر تمام

و در کناره ها رقم داشت: «محتاج التفات محمد رشیدخان تبریزی ۱۱۳۰»

۴ـ دیگر اثر هنرمند که در مجموعه نگارنده در تهران است، آبرنگ بنفشه کوهی و گل لاله است که در کنار یکدیگر ترسیم نموده و رنگها پریده و طبیعی بنظر می رسد.

در بالا درج نموده:

محمد رسول مرغینانی ـ نگارگر خوش رقم بروی فلزات سخت بود.

از آثار رقم دار این استاد، قهوه جوش برنجی دیده‌ام که با گلهای اسلیمی و سایر نقوش زیبا تزیین شده و رقم داشت: «عمل اوستاد محمد رسول مرغینانی» حدود قرن ۱۲ هـ. قـ.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

چنـــان گو راز خو با بهـتـــریـن دوست که پنـــداری که دشـمن ترکست اوست

«محمد رشید خان تبریزی ۱۱۲۹» و زیر دسته گل لاله نوشته: «محمد رشید تبریزی ۱۱۲۹» ۱۰
تصویر شماره (۶۲) در صفحه (۹۸۲)

۱۰۲۷ـ محمّد رضا (قلمدان ساز)

قاب آینه و قلمدان و جلد ساز دوره محمد شاه قاجار است که در آبرنگ نیز قلم خوشی داشته است.
این استاد، گل و مرغ را در شیوه استاد علی اشرف می آفرید و رنگها را برجسته و زنده می ساخت.
استاد محمد رضا، صنعت تذهیب را خوب می دانست و در رنگهای خود، طلا نیز علاوه نموده و هنر خود را شیواتر نشان میداد.

شیوه سایه پردازی وی، پرداز بود و آنرا باریك و بسیار ریز نقش می نمود. از درج نام و تاریخ تصویر که در آثار وی بیادگار مانده، مبین این نکته است که این نقاش در هنر خط نیز دست داشته و نستعلیق را استادانه می نوشته است. از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ قاب آینه چشم نوازی در موزه نگارستان تهران است که گل سرخ بزرگ و باطراوتی را در وسط قاب آینه، نقاشی کرده و اطراف آن را، با گلهای متنوع ودسته‌ای آذین کرده است. در بین گلها، دو مرغ خوش رنگ و سبك بالی، تصویر کرده که بسیار سرزنده دیده می شوند.

در قسمت بالای قاب آینه، بخط نستعلیق زیبا، تاریخ و رقم نهاده: «رقم کمترین محمد رضا سنه ۱۲۵۶»

۲ـ دومین اثر نقاش، قلمدان گل و بوته‌ای و شکوفه فندقی بود که به آراستگی تمام، عمل آورده و رقم نهاده بود: «رقم کمترین محمد رضا»

۳ـ دیگر اثر این هنرمند، که در آبرنگ ساخته شده بود. تصویر گل قرنفلی بود، که در کمال حلاوت و خوش رنگی، بپایان رسانده و رقم داشت: «کمترین محمد رضا»

۴ـ دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند، قلمدان شیوائی بود که در رویه آن، گل های فندقی، بزیبائی تمام در جنب هم غنوده و استادانه بشمار می آمد. در بین گل فندق ها، سه پرنده رنگین و چشم نواز دیده می شدند که شادمانه در جنب و جوش بودند، کناره های قلمدان نیز بـــیاق رویه قلمدان، پر از گل های فندقی و پرنده بود که به‌همان قدرت و زیبائی مصور شده و استادانه بنظر می رسید. روی قلمدان امضا شده بود: «محمد رضا»

۵ـ دیگر اثر رقم دار نقّاش، قاب آینه نفیسی بود که به گل و مرغ استادانه آرایش شده و در حد خود از بهترین ها بود و دربالای رویه آن به خط رقاع زیبا رقم داشت: «بنده درگاه محمدرضا ۱۲۶۲»

۱۰۲۸ـ محمّد رضا (مذهّب)

خطّاط و مذهّب اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در خط و تذهیب دست داشت، از آثار رقم دار این هنرمند، که خط و تذهیب را یکجا انجام داده، یك قرآن قاجاری زیبائی بود که دو سر لوح اولیه را به تذهیب شیرینی انجام داده و در انتها رقم نهاده بود: «کتبه العبد محمد رضا المذهّب فی سنه ۱۲۵۶»

۱۰۲۹ـ محمّد رضا (نقّاش صفوی)

گویا از هنرمندان ایرانی مقیم هند بوده که در قرن ۱۱ در آن دیار اقامت داشته و نقاشی می کرده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این نقّاش نیز، جزو انبوه هنرمندان تصویر ساز است که به‌همکاری استادان دیگر کتاب معروف «انوار سهیلی» مضبوط در بریتیش میوزیوم را که شرح آنرا در احوال آنست و در جلد اوّل آورده‌ام، ترسیم نموده و بقوی دستی از عهده برآمده‌اند.

سه اثر شیوای استاد محمد رضا که در این نسخه جلب نظر می کنند عبارتند از:

الف ـ منظره شکارگاهی است که پادشاهی سوار بر اسب شده و بازی را بدست گرفته است. منظره کوه ها و زیبائی های اطراف، دل انگیز بوده و در روی یکی از صخره های کوه، رقم دارد: «بنده پادشاه عمل محمد رضا سنه ۱۰۱۳»

ب ـ تصویر پیرمرد کهن سالی است که در داخل غاری نشسته و شاهزاده جوانی که قمه مرصع بکمر بسته در خدمت او ایستاده است.

بفرموده شاهزاده، قفل را از سر صندوقی که در آن غار، به‌امانت بوده، برداشته و جواهرات درون آنرا نشان می دهند. رقم نقّاش در روی تکه سنگی که در گوشه چپ افتاده چنین است: «عمل محمد رضا»

پ ـ سومین اثر هنرمند در این نسخه، منظره شهر آباد و آراسته‌ای است که مردی غانم نام، به‌بالای کوهی رفته و با شیر درنده‌ای مصاف می دهد، شیر خشمگین در این ماجرا غانم را زیر گرفته و با یکدیگر زور آزمائی می نمایند. عده‌ای از حاضرین شاهد ماجرا بوده و این منظره غریب را نظاره می نمایند.

تصویر تماشاچیان و ترسیم کوه و دشت و دمن و سایر مناظر اطراف، دیدنی است و زیر یکی از بوته های گیاه رقم دارد: «عمل محمد رضا مرید باخلاص»

۱۰۳۰ـ محمّد رضا امامی اصفهانی

از طایفه معروف امامی اصفهانی است که در اواخر سلطنت ناصری، بخلق آثار آبرنگی و قلمدانی اشتغال داشته و نقّاشی خوش پرداز و گل آرا بوده است.

تذهیب استادانه قلمدانی را که رقم نقّاش را دار بوده و آیتی از هنر بشمار می آمد، اگر بنفسه خود نقّاش انجام

---

* محمد رضا بن استاد حسین بنّاء اصفهانی ـ طراح نقشه و معمار مسجد معروف شیخ لطف اله که به امر شاه عبّاس کبیر ساخته شده و در سال ۱۰۲۸ پایان رسیده است.

این بنای با عظمت و پرامتیاز، که هر تماشاگری را به تحسین و اعجاب وامیدارد، یکی از شاهکارهای معماری و کاشی کاری استاد محمد رضا، در زمان سلطنت شاه عبّاس کبیر است که به لیاقت و ابتکار ذاتی، به‌عهده انجام رسانده و در داخل محراب مسجد، چنین رقم زده است: «عمل فقیر حقیر محتاج برحمت خدا. محمد رضا بن استاد حسین بنّاء اصفهانی ۱۰۲۸»

محمد رضا شیخ زاده ـ از نقّاشان ساده نگار و قلم کار اصفهان، در اواسط قرن ۱۲ هـ. ق. است.

از این نقّاش، پرده قلم کار تصویری دیده‌ام که بروی آن، تصویر شتری دیده می شد که ازجمع حیوانات مختلف تشکیل یافته بود. لیلی معروف، بروی این شتر سوار گشته و شخص همراهش، چتری بروی سر او گرفته بود تا او را از تابش خورشید محافظت نماید. مجنون که وظیفه ساربانی داشت، دهنه شتر را که بشکل دو مار ترسیم شده بود، بگردن آویخته بود.

در حوالی تصویر، اشعاری، راجع به لیلی و مجنون درج شده و رقم داشت: «محمد رضا شیخ زاده»

نقاشان قلم کار، تصویر گران ساده کار، بعضی از شهرها و مخصوصاً اصفهان بودند که نقش مورد نظر را در قالب چوبی تهیه کرده و بروی قلم کارها، چاپ می کردند.

از استادان و خبرگان مشهور این صنعت که در اصفهان فعالیت می نمودند، در این سنوات عبارتند از:

۱ـ حسین غفنفریه ۲ـ سید علی اصفهانی ۳ـ حسین قلیاتی ۴ـ مهدی طریقی ۵ـ میرزا حسین ۶ـ حاجی محمد حسن ۷ـ غلامحسین اصفهانی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

داده باشد، باید وی را جزو یکی از معتبرترین مذهبان بشمار آورده و هنر وی را ارج دهیم.
این قلمدان گل و مرغی که بسان سایر نقاشان گل و مرغ ساز عمل آورده بود، در دماغه ها و کناره‌های ترنج ها و نیمی اززیر قلمدان تذهیب شیوائی داشت که از گل و مرغ ها استادانه‌تر بنظر می رسید.
متأسفانه این قلمدان نم دیده و احتیاج مبرمی به‌تعمیر داشت و رقم نقّاش بخط طلائی چنین بود: «رقم محمد رضا اصفهانی ۱۲۸۹»

۱۰۳۱ـ محمّد رضا عراقی

پیرو شیوه رضا عبّاسی و نقّاش اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. است.
تنها اثر بجا مانده وی که در صفحه ۹۱۹ کتاب پروفسور پوپ چاپ شده، تصویر جوان اسب سواری است که به شیر غران حمله کرده و تیر قضا را به کله شیر فرو برده است. حالت جوان و پرش پرحالت اسب، که بشیر حمله کرده و شیر مستاصل را که حمله آخری خود را، اجرا می نماید، دیدنی است.
جمع شیوه تصویر، که در مکتب رضا عباسی عمل آمده و مخصوصاً پیچش و لغزندگی ابرها را که بعینه، شبیه، کارهای آن هنرمند تصویر نموده، مبین قدرت قلم و مهارت تصویر سازی نقّاش بشمار می آید.
این اثر هنرمندانه، بخط نستعلیق و زیبا، رقم دارد: «صاحبه عبداله ـ عمل محمد رضا عراقی»

۱۰۳۲ـ محمّد رضا قاجار

هنرمندی از ایل و شاهزاده‌های قاجاری بود که به هنر نقّاشی علاقه داشته و در رشته قلمدان سازی، هنر می آفریده است.
این نقّاش در گل و مرغ و چهرمسازی و ارائه دشت و دمن صاحب استعداد بود و در تذهیب نیز قلم خوش داشت.
از آثار قلمدانی این استاد، قلمدان نسبتاً خوبی دیده‌ام، که در رویه آن و بین سه مدالیون بزرگ و کوچك آن، تصاویر نسبتاً استادانه‌ای از چهره زیبارویان فرنگی و ایرانی نقش شده بود که شیرین و پرملاحت بود.
کناره‌ها و زمینه رویه قلمدان، پر از گل و ریحان و دو منظره زیبا، از شهرهای ایران نقش بسته بود که تحسین انگیز بود.
کناره‌ها و لبه قلمدان و کناره‌های مدالیون ها، تذهیب نازك قلم داشت و بخط شکسته رقم نهاده بود: «محمد رضا قاجار ۱۲۷۹»

۱۰۳۳ـ محمّد رضا هندی

بنوشته خود نقّاش، در جمله آثاری که از او بجا مانده خود را هندی معرفی کرده و از تصویرگران نیمه قرن ۱۲ هـ. قـ. آن ولایت بوده و در شیوه هندو پرسان نقاشی می نمود.
تصاویری که از این هنرمند بیادگار مانده، معرف چیره دستی نقّاش، در امر چهرمسازی و نقش گل و مرغ، و سایر مجالس زیتی است. آثار بجا مانده نقاش عبارت است از:
۱ـ دو قطعه گل و مرغ شیوا و با امتیاز که در مرقع معروف ارمیتاژ ارائه گشته، جمع گلهای کوچك و بزرگی است که در هفت شماره آن، امضای (رقم کمترین محمد رضا هندی) دیده می شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در یکی از آن ها، بلبلی روی گل سرخی نشسته و در طرفین آن ها، دو قرنفل خوش نقشی ترسیم شده که دو پروانه و دو زنبور بالای آن، پرواز می کنند. در قطعه دیگر، که بدین ترتیب گلهای وحشی و باطراوتی نقش بسته، با انبوه گلهای دیگر، که روی آنها نیز، بلبلی نشسته است نقاشی شده، که رویهم رفته، خرمن گلهای متنوعی، ایجاد گشته است.

۲ـ نمونه چهره پردازی این استاد، تصویر با ابهت نادرشاه افشار است که در یکی از آلبوم های کتابخانه کاخ گلستان بیادگار مانده است.

در این آبرنگ، نادرشاه با البسه سلطنتی و تاج مخصوص که با جیقه پردار، آذین گشته، بروی صندلی نشسته و گرز جواهرنشانی را بدست گرفته است.

آر خالق زرد رنگ مخصوص که دور گردن آن، با پوست سمور پوشش شده، بتن نموده و لباس بنفش رنگ زیبائی، بزیر آن پوشیده است. دو ریسه مروارید درشت و غلطان، بگردن آویخته و سه رشته بازو بند نگین دار به بازو بسته است. قیافه آرام و باصلابت نادرشاه، بخوبی نقاشی شده و رقم دارد: «رقم کمترین محمد رضا هندی»

۳ـ دیگر اثر این هنرمند که امضای نقّاش را در برداشت، تصویر زن جوانی بود که در حراج کریستی شهر لندن بفروش رسید.

زن جوان که روی قالیچه زرد رنگی نشسته و به بالشی تکیه داده بود، پیراهن سبز و بلندی پوشیده، و سینه‌ها را باز نموده و پاهای خود را تا نیمه عریان ساخته بود.

نقش بالش و متکا و سینی شراب و ظرف میوه استادانه بود، پشت معجر چوبی اطاق، فضای بازی بود که چند گل نیلوفر، در آن دیده میشدند و رقم داشت: «رقم کمترین محمدرضا هندی ۱۱۷۵»

۴ـ اثر دیگر این هنرمند، گلهای دسته‌ای زیبائی، از نیلوفرهای وحشی بود که یك ملخ، در کنار آن دیده می شد و رقم داشت: «عمل کمترین محمدرضا هندی سنه ۱۱۶۳»

۱۰۳٤ـ محمّد رضی اشتهاردی

نقّاش گمنام اشتهاردی بود و در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می نمود.

این نقّاش، تصویر حیوانات را طبیعی و خوب می ساخت و چهره‌پردازی و منظره‌سازی اش نیز خوش پرداخت بود.

از آثار او دیده‌ام:

۱ـ تصویر پیرمردی به آبرنگ بود که روی قاطر بسیار نحیفی سوار شده و عازم محلی بود. همراه اینها، توله سگی نیز دیده می شد که به قاطر پارس می نمود.

بخط شکسته و رنگ آبی، رقم و تاریخ داشت: «به‌جهت بندگان صاحب زاد گرام تحریر یافت. محمد رضی اشتهاردی ۱۱۹۸»

۲ـ دیگر اثری که از این هنرمند دیده‌ام، تصویر پیرمرد معمّمی به سیاه قلم بود که روی اسب لاغری سوار شده و سگ کوچکی را بهمراه داشت.

پشت سر پیرمرد، درخت تنومندی جلب نظر می کرد و چند مرغ نیز در آسمان به پرواز اشتغال داشتند. بخط ریز و شکسته، رقم و تاریخ داشت: «حسب الامراجل اکرم. . . . . بیداحقر مطاعی سمت تحریر یافت. مشقه محمد رضی اشتهاردی سنه ۱۲۰۰»

مجموعه تیمسار فیروز

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۳۵ـ محمّد رفیع (قلمدان ساز صفوی) با سجع (یا رفیع الدّرجات)

هنرمند شیرین قلم و نقّاش و مذهّب اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. است که باسجع (یا رفیع الدّرجات) تنها اثر یادگاری خود را شناسانده و به زبردستی از عهده برآمده است.

بادر نظر گرفتن سجع مذکور، نام این هنرمند می بایستی رفیع و یا محمد رفیع بوده که به انتخاب چنین سجعی دست یازیده و نام نامی خود را ارائه نموده است.

مختصری از امتیازات این قلمدان در نام (رفیع) که بعید نبوده نام اصلی نقّاش بوده باشد، در جلد اوّل کتاب یادشده و چون تنها قلمدانی بوده که جنبه انحصاری داشته و تاکنون هم در هیچ موزه و مجموعه‌ای دیده نشده بود، روی این اصل، در نام (محمد رفیع) نیز یادآوری شده و عکس رنگی آن نیز، جزو تصاویر بدیدار علاقمندان رسیده است.

در روی قلمدان یك شاهزاده خانم درباری، کلاه لبه دارصفوی که لبه های آن پوست سموری نرم و افشان است، بسرگذاشته و گل سرخی را بدست گرفته و استشمام می نماید. صورت شاهزاده خانم رنگ پریده و ملیح است که خجالتی بودن وی را نشان می دهد. زن جوان نیم تنه از خالق مانند طلائی پوشیده که بوته گلهای سرخ در روی آن جلب نظر می نماید. شاهزاده خانم، قنداره پاشنه بلند و سرخ رنگ بپا کرده و شلوار بلند و چسبان پوشیده و منتظر دیدار دوستی است. زمینه نقّاشی، پرسبزه و درخت است که در انتهای آن ساختمانی دیده می شود. در قسمت بالای قلمدان که فضای خالی و رنگ زرد نخودی دارد، رقم نهاده: «یا رفیع الدّرجات»

حاشیه و کناره‌های قلمدان حل کاری خوشه انگوری است که در زمینه سرخ آتشی، جلوه زیبائی دارد. وزیر قلمدان نیز بسیاق قلمدان های دوران صفوی تذهیب ساده و کناره‌ای است. شیوه و پرداخت کار و همچنین کهنگی و فرسودگی قلمدان و از طرفی قوام و اسکلت سازی مقوائی آن معلوم می دارد که این قلمدان در اوایل قرن ۱۱ هـ. قـ. به نقش درآمده و هم شیوه و هم زمان نقّاشان معروف آن دوره از قبیل محمد زمان و علیقلی جبه‌دار و سایرین می باشد.

قلمدان مذکور که مضبوط در مجموعه نگارنده است علاوه برجنبه انحصاری بودن آن، نمونه بسیار بارز نقّاشان چیره دست صفوی است که هنر خود را بروی قلمدان ها ظاهر ساخته و اشاعه دهنده شیوه بخصوصی هستند که پا را از حیطه مینانورسازی باب روز بیرون نهاده و سبك نوینی را بعرصه نگارگری ایران افزوده‌اند.

تصویر شماره (۱۰۶) در صفحه (۱۰۱۹)

---

*محمّد رفیع نقّاش عثمانی ـ نقّاش گمنام و ساده‌نگار عثمانی دراواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و درخط ثلث نیزدست داشت. ازآثار شلوغ و پرکار این نقّاش که دریکی از حنیفه فروشی های استانبول دیدار نمودم، تصویر شهر مکه درزمان مراسم حج بود که آبرنگ تصویر نموده که درحد خودش خوش قلم بود.

دراین آبرنگ فرسوده که حدوداً ۵۰×۸۰ سانتی متراندازه داشت وپاره و کثیف نیز شده بود. عظمت کعبه را درمراسم حج مجسم ساخته و روی پرده هایی که به روی کعبه گسترده شده بود آیاتی از کلام الله مجید بخط ثلث حلیی کتابت نموده بود که استادانه بنظر می رسید.

انبوه مؤمنین و جماعات مختلفه ممالك اسلامی که به زیارت کعبه آمده بودند، به طراحی های ساده و رنگ های پریده نقش نموده و رقم زده بود: «نقشه محمّد رفیع فی سنه ۱۲۳۰»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سجع معروف «یا صاحب الزّمان»

«لیست نام هنرمندانی که نام اصلی شان «محمدزمان» و یا «آقازمان» و یا «محمدمهدی» بوده و از سجع معروف «یا صاحب الزّمان» سود جسته و ذیل آثار خود درج نموده‌اند».

قبل از اینکه به احوال و آثار نقّاشان هم نام و هم سجعی که در ذیل آثار خود رقم: «یا صاحب الزّمان» نهاده و آثار خود را شناسانده‌اند بپردازیم، شایسته است که از جهت شیوه کار و دوران فعالیت هنری و آثاریکه از آن نقّاشان بیادگار مانده، بررسی کرده و سنوات فعالیت و دوران زندگی هر یك از نقّاشان را تعین نموده و به نسبت قدمت زمانی که در آن دوره ها می زیسته اند، رده بندی کرده و سپس شروع به بسط و شرح کامل زندگی آنان کرده و یادگارهای متعالی و بجا مانده آنانرا معرفی نمائیم.

باعتقاد حقیر و با در نظر گرفتن شیوه‌ها و سنوات اجرائی آثار، پنج نقّاش گوناگون که اغلب آنها در انتخاب سجع «یا صاحب الزّمان»، مشترك بوده و از سالهای ۱۰۷۰ هـ. قـ. تا ۱۲۴۲ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته اند، در عرصه هنری این دوره‌ها تجلّی کرده‌اند که احوال آنها را بدین ترتیب از یکدیگر مجزا ساخته‌ایم.

به حدس نزدیك به یقین جمله نقّاشان و یا سایر هنرمندانی که سجع یا صاحب الزّمان را برای خود انتخاب کرده‌اند، هنرمندانی بوده‌اند که نام اصلی شان محمد و یا مهدی با برداشتی از «مهدی موعود» و یا زمان را دارا بوده و یا اینکه در پیشوند و پسوند نامشان کلمه زمان از قبیل «محمدزمان و آقازمان و زمان خان و زمان آقا» علاوه بوده و به سبب اخلاص و عقیدتی که به امام زمان و مهدی موعود، حضرت امام محمد بن الحسن علیه السلام امام دوازدهم شیعیان داشته‌اند، امضای هنری خود را «یا صاحب الزّمان» اختیار کرده و با توکل بحرمت و پشتیبانی آن حضرت و با ندای «یا صاحب الزّمان» از آن حجةالله کمك خواسته و آرزوی موفقیت و پیروزی نموده‌اند. بدین جهت است که جمله هنرمندانی که خود را با سجع «یا صاحب الزّمان» شناسانده اند، در احوال «محمدزمان ها» معرفی نمودیم که اختلاف و اشتباهی بین نام های اصلی و سجع انتخابی آنها پیش نیاید.

اینك نام هنرمندانی که رقم: «یا صاحب الزّمان» را انحصاراً در آثار خود قید کرده و یا اینکه امضای دو اسمی بسان «محمدزمان و صاحب الزّمان» را تواماً در آثار خود درج کرده‌اند، به ترتیب قدمت و شیوه کار و آثار رقم دار و تاریخ دار آنان را از یکدیگر مجزا کرده و احوال هر یك را در جای خود ارائه نمودیم که عبارتند از:

۱- محمدزمان اوّل و صاحب الزّمان اوّل - پسر حاجی یوسف قمی است که طبق آثار موجوده، از سال ۱۰۷۰ هـ. قـ. تا سال ۱۱۱۱ هـ. قـ. در خدمت سه پادشاه صفوی یعنی «شاه عباس ثانی - شاه سلیمان - شاه سلطان حسین» فعالیت هنری داشته و با درج ارقامی از قبیل «زمان» - «محمدزمان» - «یا صاحب الزّمان» - «کمترین بن حاجی یوسف قمی» و یا در بین ابیاتی از قبیل «به امر سلیمان زمان زد رقم را»

و یا بنوشته پسرش محمد یوسف که در ذیل آثار بجا مانده‌اش قید نموده «محمد یوسف بن آقا زمان ۱۱۳۲» که گویا بین مردم به آقا زمان شهره بوده، هنر خود را ارائه داده که جمله امضاهای اصلی هنرمند در جزو آثار محمد زمان اوّل به تفصیل یاد گشته است.[۱]

۲- محمدزمان دوم و یا صاحب الزّمان دوم - این هنرمند که در تمام آثار خود، سجع یا صاحب الزّمان را اختیار نموده، اسم اصلی خود را که ممکن است محمدزمان و یا آقازمان و یا محمدمهدی و یا مهدی باشد قید ننموده، و چون سجع وی با نقّاشان مذکور یکسان و از لحاظ دوران فعالیتش که بین سالهای ۱۱۲۶ تا ۱۱۳۵

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

معلوم و مسجل شده، بنام صاحب الزّمان دوم تعین نمودیم که سجع وی، در سنوات مختلف چنین است.
قلمدان با رقم: «یا صاحب الزّمان ۱۱۲۶» جلد روغنی با رقم: «یا صاحب الزّمان ۱۱۳۳» قاب آینه هشت گوش با رقم: «یا صاحب الزّمان ۱۱۳۵» و آثار دیگری با رقم: «یا صاحب الزّمان» بدون تاریخ.

۳ـ محمدزمان سوم و یا صاحب الزّمان سوم ـ نام اصلی این نقّاش محمدزمان و یا آقازمان معرفی گشته که در زمان خود به آقازمان شهره بوده است.

این هنرمند در جمله آثار خود سجع (یا صاحب الزّمان) را بکار برده و در شیوه زندیه و اوایل قاجاری نقش تصویر کرده است.

دوره حیات این استاد بین سالیان ۱۱۷۲ تا ۱۲۱۰ هـ. قـ. یعنی تا آخرین کار رقم دار وی محرز بوده و سال وفاتش معلوم نمی باشد.

۴ـ محمدزمان چهارم و یا صاحب الزّمان چهارم ـ محمدزمان و یا صاحب الزّمان چهارم که نام اصلی وی بر ما مکتوم بوده و ممکن است یکی از نامهای قبلی را دارا بوده باشد، تنها باستناد قلمدانی که در سالیان ۱۱۹۷ تصویر نموده رقم: «یا صاحب الزّمان» را درج کرده، معلوم گشته که در زمان سلطنت کریمخان زند و بعد از آن فعالیت هنری داشته و سال تولد و سال مرگ و مدت عمرش نیز بر ما مجهول می باشد.

شیوه نگارگری این هنرمند کاملاً استثنائی بوده و تنها یك قلمدان بزرگ از وی بیادگار مانده است.

۵ـ محمدزمان پنجم یا صاحب الزّمان پنجم ـ نقّاش دوره فتحعلیشاه قاجار است که در آثار بجا مانده خود، هم نام اصلی را رقم زده و هم سجع انتخابی خود را که همانا سجع «یا صاحب الزّمان» باشد درج کرده است، بطوریکه در آثار وی دیده میشود، این هنرمند یقیناً بین سنوات «۱۲۱۹ الی ۱۲۴۲» نقش تصویر میکرده که از جزئیات زندگی وی نیز بی اطلاع می باشیم.

بدین ترتیب و با شناخت مختصر دوران فعالیت هر ۵ نفر نقّاش که در سجع «یا صاحب الزّمان» سهیم بوده و از سنوات ۱۰۷۰ تا ۱۲۴۲ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته‌اند، شروع به بررسی کامل احوال آنها کرده و در ابتدا بذکر زندگی و آثار محمدزمان اوّل که پیشگام این نقّاشان بشمار می آمده و از شهرت وافری نیز برخوردار بوده است پرداخته و سپس بحث خود را درباره سایر نقّاشان هم نام دنبال می کنیم.

۱ـ اثر زیبای دیگری در موزه برن است که بشماره ۶۵۲ در آن موزه قرار گرفته و رقم محمد زمان و تاریخ ۱۰۶۱ هـ. قـ. را دارا می باشد. چون این اثر را از نزدیك ندیده و مشخصات دقیق آنرا نمیدانم، نمی توانم این استاد را بنام محمدزمان اوّل یاد نمایم.
در این باره از معین مصّور، تصویر مرد جوانی در دست است که موهای سرش را بسان زنها آرایش داده و خروسی بدست گرفته است. جوان مزبور لباسش را به کمر بسته و شلوار تنگ و چسبان پوشیده و در حال راه رفتن است. رقم دارد:
«هو بتاریخ روز پنجشنبه پانزدهم شهرذی الحّجة الحرام سنه ۱۰۶۶ بجهت فرزندی مهربانی آقا زمان بی تکلیفانه مشق شد ـ مبارك باد. مشقه معین مصور»
اگر این آقازمان را محمدزمان بن حاجی یوسف قمی که در این سنوات حدود بیست و یکسال و اندی را دارا بوده فرض کنیم، بعید نیست که یکی از شاگردان مورد نظر معین مصّور بوده و او را با لفظ محبت آمیز فرزندی مهربانی در ذیل یکی از مشق هائی که می بایست انجام میداده، یاد نموده و مقام استادی خود را تسجیل کرده است. و این اثر مورد نظر نیز که بسال ۱۰۶۱ پایان یافته چه بسا یکی از کارهای اولیه محمدزمان بوده و موقعیکه شاگردی استاد معین مصّور را انجام میداده، بنقش این تصویر دست یازیده است و در این باره نیز چون دلیل یا اعتباری را سراغ نداریم این حدسیات را بقید احتیاط تلقی می نمائیم.
آقا صاحب الزّمان ـ یکی دیگر از نقّاشانی است که آقا صاحب الزّمان امضا کرده و نقّاش پرنده ساز هندی در قرن ۱۷ میلادی است که احوال وی در صفحه شماره ۷ جلد اوّل این کتاب یادشده است.
دیگر اثر زیبائی که در نمایشگاه آثار هندی، در جولای سال ۱۹۸۲ بریتیش میوزیوم از نزدیك دیدم، کتاب اکبر نامه‌ای بقطع بزرگ بود که در داخل آن، تصویر کم نظیری جلب نظر مینمود، جلد این کتاب که منقش و روغنی بود، رقم محمدزمان عبّاسی داشت که در قرن ۱۷ م انجام یافته بود. و چون این کتاب در دسترس نبوده و تاکنون نیز بررسی نشده، بعید نیست که این هم یکی از آثار ارزنده محمدزمان باشد که بعلت قرب و منزلتی که در دربار شاه عباس ثانی داشته، بنام محمدزمان عبّاسی رقم زده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۳۶ محمّدزمان اوّل «محمّدزمان بن حاج یوسف قمی»

«نقّاشی که هرگز به ایتالیا نرفته و دین خود را نیز تغییر نداده‌است»

در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. در آسمان هنری ایران ستاره تابناك دیگری درخشیدن نمود که به محمدزمان معروف و موصوف گردید. او نگارگر نوگرائی بود که شیوه و مکتب بخصوصی، در نقّاشی ایجاد نمود که سالیان متمادی مورد استفاده و تقلید هنرمندان بعداز وی قرار گرفت.

بهر اندازه که در آثار اصیل و پرحلاوت وی تعمّق می شود، بیش از پیش قدرت قلم و غایت لطافت و حدّت ذهن نقّاش برملا گشته و بیننده را به تمجید و تحسین وامیدارد.

هنروی معجونی از زیبائیهای گونا گون و بهم پیوسته‌ای است که در کمال تردستی، از احساس و تخیلات نقّاش جان. گرفته و به شکوفائی تمام جلوه‌گر گشته است.

متأسفانه با این همه شهرتی که دارا بوده، احوال وی بدرستی معلوم نگشته و آنچه که تاکنون درمورد وی برشته تحریر درآمده، پایه استنادی نداشته، و معلول حد سیات و احیانا اشتباهاتی است که بگونه‌های مختلفی، در نشریات داخلی و خارجی وارد شده و حالیه نیز حالت افسانه‌ای پیدا کرده و حقیقت احوال وی آشکار نگشته است.

نگارنده بابررسی و تحقیق مداومی که درمورد این نقّاش و فامیل وی کرده‌ام قدیمی ترین سندی که اسمی از این نقاش برده و افسانه زندگی نقّاش را درج نموده، کتابی بنام A History of Fine Art in India and Ceylon by Vincent A. Smith چاپ اکسفورد بسال ۱۹۱۱ م است که در صفحه ۴۶۶ این کتاب که مختصراً نیز در اینجا ارائه میگردد، چنین نوشته شده است:

«در ابتدا از دوران سالهای ۱۶۰۶ میلادی و شاه عباس کبیر و سر رابرت شرلی یاد کرده و سپس صحبت از زمان شاه عباس دوم (۶۷-۱۶۴۲ م) بمیان آورده و اشاره نموده که در زمان آن پادشاه، عده‌ای از شاگردان ایرانی، از جمله شخصی بنام محمدزمان به شهر رم اعزام شده که شخص مذکور در آن ولایت، بدین مسیحی گرویده و نام خود را پائولوزمان گذاشته و به ایران بازگشته است و بعد از ورودش به ایران، چون تعویض دین وی بر زبانها افتاده، از ترس شاه عباس دوّم بحضور شاه جهان به هند رفته و در آنجا به سمت منصب داری در کشمیر وارد کار شده و پس از روی کار آمدن اورنگ زیب، چون به حساب مقرری بگیران رسیدگی شده و اختلافاتی روی داده، بدستور اورنگ زیب قرار شده تمامی آنها، خود را بدیوان خانه دولتی معرفی نمایند.»

بعد به اختصار نوشته که هنرمندان ایرانی علاقمند بودند شیوه نقّاشی ایرانی را با اروپائی تلفیق کرده و خود را بسان رافائیل و سایر هنرمندان جهانی شهره آفاق بسازند.

در مقابل این صفحه، نیز تصویر بهرام گور و شاهزاده هندی را چاپ کرده، که رقمش چنین است: «حسب الامر الاعلی - در بلده طیبه اشرف برقم کمترین بندگان محمدزمان اتمام یافت سنه ۱۰۸۶»

دومین سندی که‌در همین زمان ها چاپ شده وشاید از سنداولیه استفاده برده وهمان قضایا را درج نموده، یك مجله اطریشی بنام: Zur orientalischen altertumskunde wom josef von karabacek wien 1911 است که در صفحه ۴۲ و جلد سوم آن، یکی از تصاویر خمسه مورگان را که ملاقات الیزابت و مریم بوده، چاپ کرده که چنین رقم دارد: «برقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان صورت اتمام پذیرفت سنه ۱۰۸۹»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دیگراز اسنادقدیمی که بسال ۱۹۱۲ م چاپ شده وهمان مطالب اولیه‌را بگونه‌ای دیگر ارائه‌داده، کتابی بنام The miniature painting and painters of Persia, India and Turkey. London 1912 F.R. Martin نوشته مارتین در دو جلد است که در Plate 173 دو تصویر از محمدزمان آورده و قید کرده که از روی نقّاشان ایتالیائی کپی و تقلید نموده است.

دیگر از اسناد قدیمی اروپائی که اسمی از محمدزمان برده و احوالات سابق را به گونه‌ای دیگر، باز نویسی کرده و حتی پا را فراتر گذاشته و محمدزمان کرمانی «تبریزی» خطاط را نیز با این محمدزمان یکی دانسته، کتاب هنری چاپ شده‌ای در لپزیك است که بسال ۱۹۱۴ م منتشر شده و نامش چنین است:

Die Persisch Islamische Meniaturmalerei Von Ph Walter Schulz Leipsig 1914

در این کتاب نیز جمله احوالات محمدزمان و قصه مسافرت و سایر زندگی غیراستنادی وی را، در صفحات ۱۹۵ الی ۲۰۳، بزبان آلمانی درج نموده و رقم فارسی یکی از آثار وی را نیز چاپ کرده است و شاید بدین سبب باشد که اقای مارتین ویچ به تبعیت و مطالعه مقاله والتر شولز، در مجله انجمن خاور شناسی امریکا که بسال ۱۹۲۵ م انتشار یافته، محمدزمان کرمانی «تبریزی» را محمدزمان نقّاش دانسته و احوال وی را به شرح حال محمدزمان بن حاجی یوسف قمی علاوه نموده است.[۲]

بغیر از این کتابهای یاد شده، کتابها و کاتولوگ های گوناگونی که بسالیان ۱۹۲۵-۱۹۳۳-۱۹۵۸-۱۹۶۱-۱۹۶۲-۱۹۶۵و تاریخ های نزدیکتر و بدون ذکر و مأخذ و دلیل چاپ شده، از جمله روایت شده که در زمان شاه عباس دوم، تعداد ۱۲ نفر از جوانان ایرانی، برای تحصیل عازم رم گشته که از آن تعداد، نه نفر مراجعت کردند که بعضی از آنها وفات یافته و عده‌ای بدین مسیحی در آمده و در اروپا باقی ماندند و اغلب آنها در شهر Borgo زندگی میکردند. وضمناً یادآور شده‌اند که ممکن است یکی از این افرادیکه مسافرت رفته، همین محمدزمان نقّاش مورد بحث باشد، که بدین مسیحی گرویده و نقوش مسیحی تصویر کرده است.

امّا در نشریات فارسی زبان که اوّلین دفعه نامی از محمدزمان بمیان آورده و اثری نیز از آن نقّاش منتشر نموده، مجله روزگار نو بود که در جلد اوّل شماره دوم سال ۱۹۴۱ م با استفاده از ترجمه مقاله انگلیسی آقای جی ـ وی ـ اس ـ ولکنسن، مطالبی درمورد محمدزمان برشته تحریر درآورده و محمدزمان را چنین معرفی نموده است:

«در عکس آخر ما (سیمرغ پیش رودابه ظهور میکند) بسیارشگفت‌انگیزاست، محمدزمان آنرا کشیده، و او یکی از جوانانی بود که شاه عباس دوم آنها را برای آموختن هنر باختری به رم فرستاده بود، پس از آنکه بایران بازگشت

۲ـ هنرمند مذکور خطاطی از اهالی کرمان است که به علت نشو و نمائی که در تبریز یافته و عمدتاً در آن شهر ساکن بوده است به محمدزمان تبریزی موصوف بوده و از صنعت نقّاشی نیز بی خبر بوده است.

قاضی احمد در گلستان هنر این خطاط را چنین معرفی نموده است:

«مولانا محمدزمان اگر چه اصلش از دارالامان کرمان بود، اما در دارلسلطنهٔ تبریز نشو و نما یافته، در خط تبریزی می نوشت و در آنجا ترقی کرده خوشنویس شده بود، خطش بسیار نازك و با مزه است کمتر از یاران نمی نویسد قطعه نویس بود و در کتابت هم نظیر نداشت.»

از دیگر خطاطان نامی این دوره، که نام محمدزمان داشته و در این سنوات شهره بوده‌اند، عبارتنداز:

۱ـ محمدزمان اصفهانی ـ کاتب گمنام قرن ۱۰ هـ. قـ. اثر بجا مانده، قطعه خطی با رقم محمدزمان کاتب الاصفهانی سنه ۱۰۰۱

۲ـ محمدزمان بیك ـ شاگرد محمد صالح اصفهانی حدود ۱۱۲۰ هـ. قـ.

۳ـ محمدزمان خاتون آبادی، خطاط قرن ۱۱ هـ. قـ. اثر خط وی با رقم محمدزمان بن حسین خاتون آبادی سنه ۱۰۳۰

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و چندی نیز در هندوستان ماند، مأمور شد، چندین نسخه شاه عباسی را مصور بکند، محمدزمان این کار را با شیوه بسیار باختر انه انجام داد و در نقاشی های خود، ابعاد ثلاثه را بکار برد، نسخه‌ای که این عکس را از آن برداشته‌ایم شامل پانزده مینیاتور است که دو تا را محمدزمان کشیده است، این نسخه‌ایست کاملاً شاهانه و بسیار بزرگ و شاید مهمترین نمونه هنر کتاب سازی آن روزگار باشد که با زیبائی بسیار، آنرا زینت کاری کرده‌اند و در آن، تاریخ ۱۰۸۶ هجری خوانده می شود. (عکس ۱۰) بخامه مسترجی ـ وی ـ اس. ولکنسن.»

و سپس آقای یحیی ذکاء، احوال و همچنین آثار شناخته شده محمدزمان را که تا آن موقع معرفی نگشته بود، در صفحات ۱۰۰۷ الی ۱۰۱۶ مجله سخن سال ۱۳۴۱ شمسی دوره سیزدهم و سپس در جزوه منتشره موزه نگارستان، با تیتر «محمدزمان ـ نخستین نگارگر ایرانی که به اروپا فرستاده شد» ارائه نموده که عمده مطالب آن، در زیرنویس شماره ۳ عیناً درج میگردد.

۳ـ بنوشته آقای ذکاء، محمدزمان فرزند جوان و کم سال حاجی یوسف از مردم شهر قم در حدود سالهای ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ هـ. ق. (۱۶۴۲ـ۱۶۴۳ م) به فرمان پادشاه ایران، همراه گروهی از جوانان ایرانی برای فرا گرفتن نقاشی غربی به رم که در آن روزگاران مرکز هنری مغرب زمین شمرده میشد، عازم گردید و شاید مدت دو یا سه سال در آن شهر بسر برد و اصول نقاشی غربی را فرا گرفت. محمدزمان در رم بر اثر تبلیغات روحانیان مسیحی و جوانی و کم سالی از کیش آبائی و اجدادی خود دست شسته و بدین مسیح گرویده و تعمید یافت و نام مسیحی «پائولو» را برای خود انتخاب کرد و از آن پس «پائولوزمان» خوانده شد.

پائولوزمان اخیر یا محمدزمان سابق در حدود ۱۰۵۶ هـ. ق. (۱۶۴۲ م) پس از اتمام و اکمال هنر خود به ایران بازگشت و موضوع تغییر مذهب خود را پنهان داشت. پس از مباحثات و اختلافاتی که، میان او و دیگران پیش آمد، اطرافیانش به او بدگمان شدند، او نیز از ترس غضب شاه و نفر روحانیان شیعی از اصفهان فرار کرد و به هند که پادشاهان گورکانی آنجا به تساهل در امر مذهب معروف بودند، پناهنده گردید. شاه جهان که در این هنگام در هند سلطنت می کرد (۱۶۲۸ـ۱۶۵۹ م) محمدزمان را پناه داد و مقرری منصب داری در حقش برقرار ساخت و او را روانه کشمیر کرد. در آن زمان ظاهراً کشمیر را برای سکونت این گونه پناهندگان ایرانی، که عدشان نیز کم نبود تخصیص داده بودند و همه آنان از دربار هند مستمری منصب داری دریافت می داشتند، ولی پس از مرگ شاه جهان و به سلطنت رسیدن اورنگ زیب چون بحساب مقرری بگیرها رسیدگی کردند معلوم شد برخی از ایرانیان ساکن کشمیر، مرگ اطرافیان خود را پنهان داشته و مستمری آنان را نیز دریافت میکرده‌اند، از این رو در سال ۱۰۷۱ هـ. ق. (۱۶۶۰ م) اورنگ زیب دستور داد همه ایرانیانی که در کشمیر بودند خود را در دهلی بدیوان خانه معرفی کنند تا درباره نام و منصب آنان تحقیقاتی بعمل آید، محمدزمان نیز به ناچار همراه دیگر منصب داران به دهلی پایتخت هند آمد.

جهانگرد ایتالیائی به نام دکتر نیکولائو منوچی که در آن هنگام در دهلی بوده است در کتاب خود بنام Venitian Adventurer in Mugal India که درباره سفر هندوستان و امپراطوران گورکانی هند فراهم آورده و گفته میشود پر از یاوه بافیهای غیرقابل اعتماد است، می نویسد که در سال ۱۶۶۰ م. با محمدزمان ایرانی در دهلی ملاقات کرده و او را مردی باهوش و با فراست یافته است. باز همو تصریح میکند که شاه عباس دوم این شخص را در اوایل سلطنتش برای تحصیل به رم فرستاده بود.

محمدزمان در این سالها با آن که آداب و رسوم و رفتارش به هیچ وجه با سایر مسلمانان فرقی نداشت، خود را مسیحی معرفی میکرده و در دهلی با مسیحیان «ژزوئیت» بویژه با پادری بوسی که مردی دانشمند و از نجیب زادگان فلاندر بود حشر و نشر داشته است. محمدزمان در کتابخانه این کشیش یسوعی که در ۱۶۴۸ م به آگره آمده و در ۱۶۶۷ م در دهلی بدرود زندگانی گفته است نسخه‌ای از کتاب ما تئوریجی را که بنام «هیات اعزامی مسیحیان به چین» نوشته بوده دیده و فصل های دوم تا دهم آنرا بنام «تاریخ چین» از لاتین به فارسی ترجمه کرده است که اینك نسخه خطی آن در کتابخانه انجمن آسیائی بنگال موجود است.

و درمورد کتابی که محمد زمان ترجمه کرده آقای ذکاء چنین می نویسد:

این کتاب که بسال ۹۷۰ هـ. ق. تألیف شده از سوی «سایتیفیك سوسایتی» در سال ۱۸۶۴ م با حروف سربی در ۹۶ صفحه در کلکته چاپ شده و در صفحه نخست آن آمده است:

«تاریخ چین، مصنفه پادری ایکسوس صاحب که آنرا محمدزمان خان مشهور به فرنگی خوان به اشاره پادری بورنو صاحب بزبان فارسی ترجمه نموده بود».

در پیش گفتار آن نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحیم. برحضرات مطالعه کنندگان پوشیده نماند که از قدیم الایام . . . بعدها پادری ایکسوس که پیشوای پادریان مذکور بود. کتابی تصنیف کرد مشتمل براخبار و حقایق چین و آن کتاب را به فرنگستان برده مشتهر کردند و بهر طرف فرستادند. بحسب اتفاق بنده بی زبان محمدزمان مشهور به فرنگی خان «خوان» به جهان آباد رسید و در پیش پادری بورنو که پیشوای پادریان ساکن جهان آباد است کتاب مذکور را دید و بخاطر رسید که آن کتاب را بزبان فارسی ترجمه نماید و پادری هم ترغیب نمود، پس از واجب الوجود استعانت نموده شروع ترجمه نمود . . .» الی آخر.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

محقق خارجی دیگری که پابند مدارك مستدل است، آقای پروفسور آ ـ ا ـ ایوانف روسی است که در پیش گفتار آلبوم نقّاشی های هند و ایران و انستیتوی ملل آسیائی اتحاد جماهیر شوروی و همچنین در جزوه انگلیسی
The life of Muhammed Zaman: A Reconsideration by A. A. Ivanov
که بسال ۱۹۷۹ در The British Institute of Persian Studies و در شش صفحه انتشار داده، نسبت به سفر و رفت و برگشت نقّاش به هند و قصه مسیحی شدن و ارائه فامیل نقّاش و آثار وی اشاره کرده و بواسطه نداشتن مدارك غیرقابل قبول، عقیده داده که شخصی، بنام محمدزمان بن حاجی یوسف قمی، نقّاشی در اصفهان بوده و مدرکی درمورد سال تولد و محل فعالیت و سایر اطلاعات زندگی وی در دست نداریم.

او میان سالهای ۱۶۷۵ تا ۱۶۸۸ م یك سری آثار رقم داری در اصفهان برشته نقش کشیده که موضوع اغلب آنها مسیحی بوده و آنها نیز کپی شده از گراورسازان معروفی از قبیل زادلر هلندی و Lucas Wossterman و سایرین هستند که آثار آنها تاکنون شناخته شده است. و سپس آن آثار کپی شده را با آثار گراورسازی مقایسه نموده و با دلایل مستند و قابل قبولی ثابت نموده که اینها کپی محتاطانه‌ای، از آثار گراورسازان بوده و اسامی و نوع تصویر و سایر اطلاعات مورد لزوم را با دقت ارائه داده که بعلت طول کلام از درج مفصل آن خودداری مینمائیم.

نگارنده نیز در تشریح احوال و زندگی حقیقی محمدزمان، تا جائیکه دلایل محکم و متیقن وجود داشته و با منطق و استدلال توام بوده یاری جسته و از نظریات افسانه‌ای و حدسیات غیرقابل قبول، اجتناب ورزیده و نظریات مستدل و قابل باور خود را ارائه داده‌ام. ولی تا کشف احوال نقّاش که با مستندات قابل قبولی، توام باشد، ابتدا به نظریات معمول و آنچه تاکنون چه در ایران و چه در خارج از ایران، درباره محمد زمان درج شده، توجه نموده و سپس باظهار عقیده و شرح حال حقیقی محمدزمان که با مستندات موجود و قابل باوری توام باشد، پرداخته و تا حد امکان به احوال صحیح نقّاش نزدیك تر گشته‌ام.

آنچه تاکنون رشته زندگی این هنرمند را در بوته ابهام قرار داده، همانا نبودن مدارك مستند و خبره پسندی است که در هیچ یك از تذکره ها و جنگ ها و اسناد قدیمی زمان حیات نقّاش ارائه نگشته و حتی خود محمدزمان نیز کوچکترین اشاره‌ای، در ذیل آثار بجا مانده‌اش به زندگی پرحادثه خود نکرده است.

تنها مأخذ اولیه و شروع داستان محمدزمان، همانا روایت جهانگرد یاوه باف ایتالیائی نیکولائو منوچی در کتاب Venitian Adventurer in Mugal India است که درباره سفر و تاریخ هند نوشته، و ضمن آن، یادآوری کرده که در سال ۱۶۶۰ میلادی با محمدزمان ایرانی در دهلی دیدار کرده و پس از صحبت ها و مذاکرات گوناگون، معلوم شده، شاه عباس دوم صفوی، این هنرمند را در اوایل سلطنت خود، برای تحصیل هنر نقّاشی به رم فرستاده است.[۴]

همین اشاره بی بنیان، کشیش ایتالیائی است که مأخذ استنادی پیدا کرده و الگوی اولیه محققین اروپائی و سپس هنرشناسان ایرانی قرار گرفته، که هر کدام بسلیقه و برداشت ذهنی خود، افسانه‌ها را پوشش حقیقی داده و بنام احوال محمدزمان ثبت تاریخ نموده‌اند. از طرف دیگر باید روشن نمائیم در این سفر گروهی که نوشته‌اند تنیْ چند از جوانان مستعد ایرانی را برای فرا گرفتن نقّاشی و استفاده و تعلیم مستقیم از شیوه هنرهای غربی به اروپا بفرستند آیا این تنی چند که معلوم نیست چند نفر. بوده‌اند، تنها بعلت کمبودی که در هنر نقّاشی ایرانی

۴ـ بنوشته آقای یحیی ذکاء این سفر در حدود سالهای ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳ هـ. ق. انجام یافته که سن شاه عباس دوم در این سنوات یازده بوده است و اگر واقعاً اعزام محمدزمان و همراهانش را زائیده دور اندیشی این پادشاه خردسال بدانیم، باید شاه عباس ثانی را یکی از نخبه‌ترین و با ذکاوت ترین و دور اندیش ترین پادشاهان ایرانی بحساب آوریم.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حس می شده باین سفر اعزام گشته‌اند و یا منظورات دیگری در بین بوده که ما را از بود و نبود آن آگاهی نیست، آیا مملکت ایران در آن زمانها اشکالات و نقایص دیگری مثلاً در امور صنعتی و تجاری و غیره نداشت که در وهله اوّل باین امر غیرضروری اقدام شده و پیش گام تمام برنامه‌های اصلاحی گشته‌است.

درصورتیکه میدانیم این سفر واهی که در سال (۱۰۵۲هـ. قـ. ۱۶۴۲ م) آغاز شده، در اولین سال سلطنت یك پادشاه جوان و نابالغ انجام یافته که خود شخص پادشاه زیرنظر میرزا تقی اعتمادالدوله که نیابت سلطنت را عهده‌دار بوده اداره می شده و در آن موقعیت های متزلزل و بحرانی، گمان نمیشود کرد که کمبود هنر نقّاشی یکی از واجبات عمده‌ای بوده که پیشگام تمام اصلاحات واجب و ضروری قرار گرفته و بعهده اجرا در آید.

درصورت دیگر اگر این سفر گروهی انجام پذیرفته و به شهر رم رهسپار گشته‌اند بالطبع بهمراه این گروه، مراقبین نیز هوش و مأموران کاردانی نیز که مسئول پرداخت هزینه‌ها بوده‌اند سفر می کرده‌اند و چه بسا مجبور بوده‌اند که گزارشات بین راه و اخلاق و رفتار آنها را در ولایت غربت، به ایلچی ایرانی مقیم ایتالیا و یا مستقیماً بدربار پادشاهی ارسال دارند. و در این موقعیت ها چطور می توانست، محمدزمان جوان و بی تجربه که زبان آن دیار را نمیدانسته و همیشه بفکر فعالیت و تعالی در هنر موردعلاقه‌اش بوده، از دین اولیه خود دل بریده و به طریق مسیحی پیوسته و حتی اسم خود را نیز عوض کرده و پائولوزمان نام گذاری نماید و در اینجا این تردید پیش می آید که اگر این هنرمند از دین برگشته بدلایلی که علاقمند بوده که نام خود را تعویض نماید، دلیلی نداشته که نام اضافی «زمان» را نیز بدنبال آن علاوه نماید، فقط کافی بوده که نام فرنگی مورد دلخواه خود را که برلفرض محال پائولو انتخاب کرده باشد، خود را پائولو و یا پائولوی ایرانی بخواند، درصورتیکه نام «زمان» نه مشخص کننده دین وی بوده و نه معرف ملیت نقّاش بشمار می آمده و خود محمدزمان نیز نه علاقمند بدین سابق و نام سابق داشته که سعی کرده آن نام سابق را در پسوند اسم خود علاوه نماید.

از سوی دیگر، بطوریکه معمول بوده، تمام حرکات و فعالیت وی زیرنظر مأمورین مربوطه و حتی دوستانش بوده و جیره و مقرری خود را از همان مأمور دریافت میکرده، چطور توانسته این امر مهم و خطیر را از چشم آنها پوشیده نگه دارد و حتی بعداز ورود به ایران که شایسته بوده به حضور شاه صفوی که خود از علاقمندان هنر نقّاشی بوده، باریافته و ارمغان سه سال تحصیل خود را به ولینعمت خود نشان دهد و ضمناً آیا واقعاً میشود باور داشت که این هنرمند شناخته شده، پس از تکمیل صنعت نقّاشی که میخواسته است نتیجه زحمات خود را به پیشگاه شاه صفوی که او را باین سفرا اعزام داشته ارائه داده و مورد محبت و رعایت واقع گردد، چه سان عمل نموده، آیا از این عمل استنکاف ورزیده و فراری شده و خود را دراختیار سرنوشت قرار داده و از طرفی خود شاه عباس دوّم، موقعیکه هنر آموزان انتخابی خود را که باین سفر اعزام داشته بحضور می پذیرفته و از هنرهای اکتسابی آنها پرس و جوئی مینموده هیچ در بند آن نبوده که از محمدزمان نیز خبری گرفته و از وضع و احوال وی استفسار نماید، بالطبع شاه عباس دوم باین سادگی ها نمی توانسته از روی این موضوعات درگذشته و بعداز مراجعت آنها، تحقیقاتی از این بابت ها نکرده باشد، و بطور یقین با مراقبین سخت گیری که این قضایا را دنبال میکردند و قصه تغییر مذهب محمدزمان را که به پائولوزمان تغییر نام داده می دانستند، ناگزیر بودند تمام گزارشات صحیح و کامل آنرا با آب و تاب تمام، بشاه صفوی عرضه نمایند، و نتیجتاً چه بسا ممکن بوده یا مورد عفو قرار میگرفته و بشغل موردعلاقه خود، در دربار شاهی ادامه میداده و یا اینکه بقصاص اشتباهات و نمك بحرامی که کرده به مجازات رسیده و احیاناً به مرگ و زندان نیز محکوم میگشته است. و در ثانی همراهان دیگر نقّاش که با او دمساز بوده و در یك حجره درس خوانده و هنر یاد گرفته‌اند چه سرنوشتی داشته‌اند، آیا آنها نیز مسیحی شده و از ترس شاه عباس دوم به هند و یا به دیار دیگر رفته و سپس بایران مراجعت کرده‌اند و یا اینکه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بایران آمده و حضور شاه بار یافته‌اند، آیا شاه عباس ثانی، از محمدزمان جوان، هنرمندی که بالطبع او را بیشتر از دیگران می شناخته و بیشتر مورد عنایتش بوده، جویا نگشته و سرنوشت وی را نادیده گرفته است درصورتیکه میدانیم هیچ یك از این قضایا در بین نبوده و تنها قصه‌ای که این ماجرای غیرحقیقی را خلق نموده، افسانه و روایت یك کشیش ایتالیائی است که سرمنشاء قرار گرفته و تأیید کنندگان و پیروان حالیه نیز، آن روایات دروغین را پیرایه بسته و زندگی و شرح حال یك نقّاش مشهور را به بازی گرفته‌اند.

سپس داستان بدینجا تمام نشده و پائولوزمان فرضی، پس از چند سالی که در ایران مانده و یا اینکه در همان ماههای اولیه که از شهر رم مراجعت نموده، در حدود سالیان ۱۰۵۶ هـ. قـ. ، از ترس اینکه مسئله تغییر مذهبش برملا گردد، بدربار شاه جهان (۱۰۶۹-۱۰۳۷ هـ.قـ.) پناه برده و معلوم هم نشده که آیا خود را محمدزمان مسلمان و یا پائولوزمان مسیحی معرفی کرده که شاه جهان، علاوه بر اینکه او را مورد حمایت قرار داده، با مقرری منصب داری، به ولایت کشمیر که عمده اهالی آنجا از متعصبین مسلمان به شمار میآمدند اعزام داشته است.

و در این باره راویان افسانه محمدزمان روشن نساخته‌اند که این مسافت بعید از رم به ایران و از ایران به هند را چگونه طی کرده که کسی از مأمورین و گزمه‌های مخفی از این فرار مصلحتی آگاه نشده و بسلامت به کشمیر رسیده است و همچنین معلوم نکرده‌اند که به چه دلیل و پایه‌ای، شخص شاه جهان یك نفر فراری ایرانی را که پرونده روشنی نداشته و از دست شاه ایران فراری شده و بآن دیار رفته، بدون کوچکترین پرس و جوئی و احیاناً تحویل وی بمقامات ایرانی، او را پناه داده و در ازاء این همه نمك بحرامی که به ولینعمت خود کرده و از دین آباء و اجدادی خود نیز درگذشته، شغل بااعتبار و مقرری خوبی نیز در حق وی قائل گشته است.

و آیا محمدزمان خود را نقّاش معرفی کرده و یا اینکه فرد زبان دان و مترجم شناسانده، و اگر نقّاش پرهنر معرفی کرده، شاه جهان می بایستی وی را در کار گاههای نقّاشان دربار می گماشته و هنر وی را ارج می نهاده و از طرفی شایسته بوده، محمدزمان اصل قضایا را بکسی که او را پناه داده و مقدم وی را گرامی داشته، ماوقع ایتالیا رفتن و تغییر دین اجدادی و ترس از شاه عباس دوم را برای وی تشریح می نموده و علت فرار خود را از ایران آشکار می ساخته است و معلوم هم نبوده که شاه جهان بعداز اطلاع از زندگی پرحادثه این جوان فراری که ولینعمت اصلی خود را که در واقع عامل اصلی سعادت وی بوده و او را به ایتالیا فرستاده و خرج گزاف تحصیل وی را تحمل نموده، و بعداز مراجعت، تمام آن عنایت ها را فراموش کرده، بدربار خود راه بدهد، و اگر بفرض محال، محمد زمان که حتماً در آن موقع بالطبع خود را پائولوزمان معرفی می نموده جمله اسرار زندگی خود را بازگو نموده و شاه جهان نیز از این اشتباهات وی درگذشته باشد، در این مراحل شایسته بوده که این نقّاش فسونکار و ایتالیا دیده را، در نگارخانه سلطنتی خود که مأمن و مسکن تصویرگران پراعتبار و با ابتکار بوده بخلق تصویر تشویق کرده و مقرری خوبی نیز برای وی در نظر می گرفته است، درصورتیکه میدانیم این عنایت ها در کار نبوده و پائولوزمان فرضی، با مقرری منصب داری به کشمیر اعزام شده و در آنجا به وظایف محوله سرگرم گشته است.

بعلاوه این جوان نقّاش که بخاطر آن مرارت ها متحمل شده و از مسکن و مأوی خود دور افتاده، بچه لیاقتی منصب دار کشمیر شده، آیا در شهر رم بغیر از هنر نقّاشی، رشته حقوق و یا رشته سیاسی تحصیل میکرده که شاه جهان او را بدان مأموریت گسیل بدارد و یا اینکه در ولایت هند، شخص منصب دار و با لیاقتی پیدا نمی شده که یك نفر جوان نقّاش ایرانی را بدین سمت منصوب نمایند و اگر در این باره بیشتر تعمق کنیم بدین نتیجه خواهیم رسید که این شخص، نقّاش مورد بحث مامحمدزمان نبوده، بلکه فرد دیگری همنام این هنرمند بوده که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

شرح حال جداگانه‌ای داشته و بحرفه مورد تخصص خود، سرگرم بوده است.

البته در تاریخ هنری ایران، بنام بسیاری از هنرمندان ایرانی برمی خوریم که به هند رفته و در آنجا ساکن شده و مقامات والاتری پیدا کرده و بدربار نیز راه یافته‌اند، و حالیه هم آثار بسیار نفیس آنان که تا حدی نیز بیشتر بوده و اغلب رنگ و بوی هندی گرفته و در شیوه آن ولایت عمل آمده، زیب مرقعات و موزه‌ها شده و چه بسا، شرح حال آنان نیز در مدارك هندی ثبت گشته و مقام و اعتبار آنان، بنحوی ارائه گشته است، ولی سبب چیست که این هنرمند پرهنر که شاه جهان او را پناه داده و مقرری منصب داری در حقش تعین کرده، تصویری از شاه جهان و یا ارائه عظمت دربار وی و یا سایر نقوش دیگری که معرف هنرمندی وی بوده باشد، ارائه نداده و تنها به ترجمه تاریخ چین اکتفا کرده است.

باز دنباله داستان به اینجا پایان نیافته و اضافه شده که در آن سالها یعنی حدود ۱۰۷۱ هـ. ق. بعداز اینکه محمدزمان از ولایت کشمیر بسان ایرانیان دیگر فراخوانده شده و بدیوانخانه معرفی گشته، در شهر دهلی با جماعت مسیحیان یسوعی از جمله با پادری بوسی روابطی داشته است.

در ورای این مراوده ها بوده که قرار شده، فصل تاریخ چین را از کتاب «هیأت اعزامی مسیحیان به چین» که نسخه خطی آن در کتابخانه انجمن آسیائی بنگال وجود دارد ترجمه نماید.

مترجم این کتاب که تفصیل آنرا در زیرنویس شماره ۳ یادکرده‌ایم، شخصی بنام محمدزمان خان فرنگی خوان بوده که قرعه این فال هم، بنام محمدزمان بن حاج یوسف قمی اصابت کرده است.

بعقیده نگارنده این محمدزمان خان فرنگی خوان، گویا از مسلمانان هند و یا از ایرانیان مقیم هند بوده که زبانهای خارجی را میدانسته و بعنوان مترجمی در آن دیار مشغول کار بوده است و کلمه فرنگی خوانی را که خوان آن از مصدر (خواندن) مشتق شده و بعنوان شغل اصلی اش بعداز اسم خود درج کرده، تنها بدلیل دیلماجی و مترجمی است که در آن ولایت بجماعت مترجمین زبانهای خارجی، فرنگی خوان نیز می گفته‌اند. و اگر همین مترجم، محمدزمان واقعی بود، ذیل کتاب، مناسب ترین محلی بشمار می آمد که علاوه بر تشریح احوال و اتفاقاتی که در زندگی اش رخ داده و ما وقع نام تغییر یافته خود را که پائولوزمان ذکر کرده‌اند، بخاطر محبوبیت و حرمت بیشتری که از تغییر دین خود در آن محیط مسیحیت، نصیبش می گشته، بجای محمدزمان فرنگی خوان قید نماید و چنین بنویسد: «تاریخ چین ـ مصنفه پادری ایکسوس صاحب که آنرا پائولوزمان مشهور به فرنگی خوان بفارسی ترجمه نموده است»

مسئله دیگر خان بودن محمدزمان است که معلوم نیست از چه زمانی و از طرف چه شخصیتی باین نام موصوف شده. آیا این نام از موقعی که در ایران بوده انتخاب شده و یا اینکه این کلمه «خان» نیز تحفه ناجوری از مسافرت رم می باشد که بآخر نام ا صلی نقّاش چسبیده است، درصورتیکه در هیچ یك از آثار بجا مانده نقّاش او را بنام محمدزمان خان ندیده‌ایم و در اینجا نیز این تأئید قوت می گیرد که این محمدزمان خان فرنگی خوان، از مسلمانان هندی بوده که کلمه «خان» بکثرت تمام در بین آن سامان معمول بوده است.

از طرفی این کلمه بی زبان که در اول نام خود علاوه نموده، همانا تعارف حقیرانه‌ای است که اغلب هنرمندان غنی الطبع، مقام والای خود را ناچیز شمرده و از خود ستائی دوری می جسته‌اند و محمدزمان فرنگی خوان نیز، با علم باینکه، در رشته مورد علاقه خود «فرنگی خوانی» مهارتی داشته، ولی خود را بی زبان معرفی کرده و از تظاهر به زبان دانی دوری جسته است.

و ضمناً با درج کلمه «بسم الله‌الرّحمن‌الرحیم» که عیناً از قرآن کریم برداشت نموده، و در اول کتاب ارائه داده، مؤید این نکته است که آن محمدزمان فرنگی خوان نیز، مسلمان پاك طریقتی بوده و در ابتدای شروع

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ترجمه، از نام والای آلهی، بسان سایر کاتبین مسلمان، یاری جسته و از انشای ترجمه کتاب نیز روشن میگردد که فرد صاحب معلوماتی بوده و در ادبیات و عربیت دست داشته و متن کتاب را غنی و سلیس ترجمه کرده است.

و در اینجا نیز مجدداً میشود یادآوری کرد که محمدزمان فرنگی خوان همان محمدزمان بن حاجی یوسف قمی نقّاش موردبحث، نمی باشد.

و اما درمورد قلمدانی که بسال ۱۰۷۰ پایان یافته و مختصر شیوه هندی را در بردارد و عده‌ای آنرا اثر دست نقّاش در دوره اقامت وی در هند میدانند، رقم یا صاحب الزمان را دارا بوده و معلوم میدارد که محمدزمان اصالتاً مسلمان پاك اعتقادی بوده و روی این اعتقاد ذاتی، سجع «یا صاحب الزمان» را برای خود انتخاب نموده است.

و بسیار شگفت انگیز خواهد بود که یك نفر درهمین سنوات یعنی سال ۱۰۷۱ هـ. قـ. خود را مسیحی معرفی کرده و با جماعت مسیحیان یسوعی حشرو نشر داشته و کتابی را برای آنها ترجمه نماید و هم قلمدانی را یك سال قبل، نقّاشی کرده و امضای یا صاحب الزمان را که مؤید اعتقاد وی بدین اسلام است در ذیل قلمدان درج نماید.

در اینجاست که تناقض گفتار و جعل بودن داستان آشکار شده و این قصه را بی اعتبار می نماید.

نکته استنادی دیگری که عده‌ای از هنر شناسان دلیل ایتالیا رفتن و مسیحی شدن وی میدانند، وجود چند تصویر مذهبی مسیحی است که بدست محمدزمان انجام یافته و تاکنون شش عدد از آن تصاویر بدست آمده، که تاریخ و ارقام آنها چنین است:

۱ـ ونوس ونراوآمور بسفارش شاه سلیمان با رقم . . . کمترین غلامان محمدزمان سنه ۱۰۸۷

۲ـ ملاقات الیزابت و مریم در خمسه مورگان با رقم . . . ابن حاجی یوسف محمدزمان سنه ۱۰۸۹ به جهت شاه سلیمان

۳ـ نزول روح القدس بر مسیح با رقم . . . کمترین محمدزمان که در مدت ۱۴ ماه انجام یافته در سنه ۱۰۹۴

۴ـ ذبح اسماعیل بسفارش شاه سلیمان و رقم . . . کمترین محمدزمان در سنه ۱۰۹۶

۵ـ مراجعت از سفر مصر با رقم . . . کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان ۱۱۰۰ به جهت شاه سلیمان

۶ـ تصویر جودیت و هولوفرن در کمال استادی با رقم صاحب الزمان بدون تاریخ

و اگر تاریخ سفر و برگشت افسانه‌ای محمدزمان به هند را باور بداریم، مراجعت وی از این سفر، به تحقیق باید در سنواتی بین ۱۰۷۱ تا ۱۰۷۵ انجام شده باشد که محمدزمان از ولایت کشمیر به دهلی فراخوانده شده و بعد کتاب تاریخ چین را بفارسی ترجمه کرده و چون حدس زده که تغییر مذهب وی از خاطره ها فراموش شده مجدداً بایران بازگشته است.

و در این زمان ها واقعا معلوم نگشته است که در موقع مراجعت از هند، محمدزمان بچه دینی اعتقاد داشته، آیا مسلمان بوده و یا همچنان مسیحی مانده است و آیا مراجعت وی در آخرین سالهای زندگی شاه عباس دوم، رخ داده، به چه نحوی انجام پذیرفته، مگر از ترس شاه عباس ثانی به آن دیار نرفته بوده و چطور شده که بعداز مراجعت مورد بازخواست و عقوبت قرار نگرفته است.

و مضحك ترین مسئله در این است، جمله آثاری که دلیل مسیحی بودن و ایتالیا رفتن وی میدانند، کلاً بعداز سال ۱۰۸۷ تصویر شده و همگی آنها رقم محمدزمان داشته و زمانی بوده که بدین اسلام معتقد بوده است.

و اگر این آثار مسیحی، در زمانی بودهکه بدین مسیحیت اعتقاد داشته و تعویض نام هم کرده بوده، می بایستی درهمان تاریخی که او را مسیحی شناسانده‌اند، مثلاً در سنوات (۱۰۵۸ الی ۱۰۶۵ هـ. قـ.) انجام میداده و نام خود را نیز بجای محمد زمان پائولوزمان درج میکرده و از درج سجع «یا صاحب الزمان» در ذیل آبرنگ «جودیت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و هولوفرن» استنکاف می ورزیده است.

اگر فرض کنیم تمام این قصّه‌ها درست بوده و محمدزمان کم سن و سال مثلا ۱۵ یا ۱۶ ساله و کم تجربه در اوایل سلطنت شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ. قـ.) مثلا حدود ۱۰۵۳ به رم رفته است، در این فرضیه‌ها، بالطبع تاریخ تولد وی سال ۱۰۳۷ هـ. قـ. خواهد بود و اگر مراجعت وی را بعد از سه سال در نظر بگیریم، تاریخ برگشت وی به ایران با این حسابها، سال ۱۰۵۶ هـ. قـ.، را نشان خواهد داد. (زیر نویس شماره ۳)

و در این باره نیز عقیده داده‌اند که چون تغییر مذهب وی برملا گشته، بعداز مدتی به هند رهسپار گشته و به منصب داری کشمیر منصوب گشته است.

البته این مدت معلوم نشده و یا نمیدانیم در چه تاریخی به هند رسیده است، تنها اطلاعی که داده‌اند این است که در سال ۱۶۶۰ میلادی مطابق ۱۰۷۱ هـ. قـ.، نیکولائو منوچی محمدزمان را دیده و در این سنوات نیز به دعوت کشیش یسوعی، تاریخ چین را از لاتین به فارسی ترجمه کرده است.

البته با حساب ۱۰۵۶ هـ. قـ. که بایران برگشته و تا ملاقات وی که به سال ۱۰۷۱ در هند انجام یافته، حدود ۱۵ سال طول کشیده و در این مدت معلوم نیست محمدزمان در چه کاری بوده و آیا این ۱۵ سال را در ایران مخفی زندگی میکرده و یا اینکه به هند آمده و در آنجا به شغلی اشتغال داشته است.

و یا اگر سن وی را در موقع ایتالیا رفتن، هیجده ساله و یا بیشتر نیز حساب کنیم، پس این مدت طولانی، در زندگی وی را چگونه میتوانیم نادیده بگیریم، و هر چه باشد این مدت مدید، در زندگی محمدزمان ممالئی است که باید از قصه‌پردازان جواب آنرا بشنویم.

و اگر بر فرض محال، وجود دو قلمدان رقم دار را، که یکی از آنها تاریخ صریح (۱۰۷۰ هـ. قـ.) را در بردارد و هیچگونه معیار هندی و کشمیری از لحاظ نقش گلها و فرم و اسکلت قلمدان و شیوه گل آرائی و سایر نکات دیگر، در نقش آنها مشاهده نمی گردد، از آثار اقامت نقّاش، در ولایت کشمیر بدانیم، ولی با محاسبه مدت زیادی که در هند اقامت داشته، این دو اثر قلمدانی بسیار ناچیز بوده و بالطبع می توانسته است آثار بیشتری را از خود بیادگار گذارد.

از طرفی باتوجه بشیوه های متنوع نقّاش که در دسترس می باشند اگر سهم سه سال اقامت فرضی وی را در ایتالیا وجود چهار و یا پنج تصویر مذهبی و شیوه اروپائی او بدانیم، یقیناً سهم ۱۵ سال و اندی اقامت وی در هند، بیشتر شده و حدوداً باید بیش از بیست اثر هندی و کشمیری داشته باشد که تا این فرضیه جعلی، جامه حقیقی پوشیده و موردقبول هنرشناسان گردد.

در صورتیکه حتی برای نمونه هم که شده، هیچ اثر مستندی که ثابت نماید، آن تصویر را در ولایت هند و بسفارش سلطان وقت و یا رجال و یا سایر علاقمندان دیگر نقش نموده و ماحصل آنرا ذیل اثر خود درج نموده باشد، دیده نمی شود و این نیز یکی از مطالب عمده‌ای است که ثابت می نماید که استاد محمدزمان به‌آن دیار نرفته و فعالیت هنری نیز، در آن سامان نداشته است.

باری در این سنوات، که بعقیده عده‌ای، در هند اقامت داشته و طوری که معلوم گشته حدود ۱۰۷۱ هـ. قـ. یا آن کشیش یاوه باف ملاقات داشته و ضمنا خود را نیز مسیحی معرفی کرده است، یا للعجب موضوع قلمدان مورخ ۱۰۷۰ بارقم «هو - یا صاحب الزمان» وی چه می شود، آیا بعداز اینکه به هند آمده، مسلمان شده و قلمدانی ساخته و بخاطر ایمان واثقی که به امام زمان علیه السلام داشته، رقم مذکور را گذاشته و یك سال بعد، مجدداً تغییر مذهب داده و به مجمع مسیحی ها رفته و خود را مسیحی مؤمن معرفی کرده و در خدمت آنها قرار گرفته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و اصولاً در این مدت که از ایتالیا برگشته، وضع زبان لاتینی وی چطور بوده، آیا مداوماً در این رشته کار میکرده و خود را برای ترجمه آماده می نموده و یا اگر نمی کرده، چطور ممکن بوده بعداز گذشت این مدت طولانی، هنوز زبان لاتین را فراموش نکرده و حتی به اندازه‌ای قوی بوده، که توانسته است، تاریخ چین را از لاتین به فارسی ترجمه نماید.

ضمناً باید این مسئله کشف گردد، آیا محمدزمان برای یاد گرفتن زبان لاتینی به رم سفر کرده بود و یا اینکه جهت تکمیل هنر مورد دلخواهش نقّاشی باین سفر تن در داده بوده است، اگر بگوئیم، این مدت، دو یا سه سال را جهت یادگیری هنر نقّاشی بآن دیار عازم شده بود، دیگر وقتی نداشت که زبان لاتینی را یاد بگیرد، و اگر تنها برای یادگرفتن زبان نیز رفته باشد، این مدت اندك، جهت یادگیری زبان لاتینی فوق العاده کم بوده ویك طلبه ایرانی که جهت تکمیل هنر نقّاشی به‌آن دیار اعزام شده با آن همه ضیق وقتی که داشته، تنها می توانسته احتیاجات روزمره خود را از لحاظ زبان آن دیار برطرف کرده و دیگر توان و قدرتی باقی نمی مانده که زبان سخت لاتین را بحدی عالی و اصولی یاد بگیرد که بتواند کتاب پرمحتوی و مشکلی را بسان «تاریخ چین» از زبان لاتینی به فارسی ترجمه نماید.

بفرض محال اگر همه سه ساله را فقط در یادگیری زبان لاتین نیز مصروف میداشت چندان قدرت و توانائی نداشت که بتواند کتاب به آن مشکلی را از لاتین به فارسی ترجمه کند.

کما انیکه افرادی حتی اگر علاقمند نیز باشند در این دوران دو و یا سه ساله هم نمی توانند زبان دیگری را به چنان مهارتی یاد بگیرند که بتوانند کتابی را ترجمه نمایند و این نکته نیز قابل تعمق است که این طلبه نقّاش که بخاطر عشق و علاقه و استعداد زاید الوصفش که بانتخاب شاه صفوی باین سفر اعزام گشته می بایستی این مدت سه سال را با تمرینات مداوم و پی گیر خود، که حتی برای تکمیل هنر نقّاشی نیز وقت بیشتری نبوده است، فعالیت زیاده از حدی بخرج میداده، تا رموز و نکات برجسته هنر تصویرسازی را نه بحد ایده‌آل، بلکه در مقام اعتدال یادگرفته و ارمغان سفر خود به ایران بیاورد و مخصوصاً با وسواسی که محمدزمان در امر تصویر داشته، و حتی یکی از آثار خود را در مدت چهارده ماه انجام داده، چطور می توانسته است با این ضیق وقت که حتی برای بسامان رساندن رشته نقّاشی نیز کافی نبوده، زبان لاتینی خود را طوری غنی تر سازد که بتواند کتابهائی از قبیل تاریخ چین را که مورد نظر هئیت کلیسائی بوده و در انتخاب مترجم نیز دقت وافی میکرده‌اند، برای آنها ترجمه نماید، و ضمناً مقصود از ترجمه تاریخ چین چه بوده است، آیا می خواسته است خود را زبان دان و مترجم بشناساند و یا اینکه بعلت کسب روزی باین کارتن در میداده است و یا علاقه و ایمان وی بدین مسیحی و محیط کلیسائی بوده که مایل گشته است کثرت ایمان خود را بدین مسیحیت هویدا ساخته و سفارشات و خواهش های آنانرا بطیب خاطر عملی سازد، درصورتیکه اگر جنبه رزق اندوزی و کسب معیشت وی را در نظر بگیریم، حرفه نقّاشی وی با آن همه مهارتی که در وجود نقّاش مشاهده میشده، بهترین و کامیاب ترین شغلی بوده که می توانسته است، زندگی خود را تأمین نموده و بافراغت خاطر بآن ادامه دهد و اگر مقصود وی با این همه مرارات ها و مسافرتهای متنوع، همانا مترجمی و دیپلماجی بوده و یا احترام به سفارشات کلیسائی می گذاشته که او را تشویق به ترجمه تاریخ چین کرده‌اند دیگر به این فرار و گریز ها احتیاج نبوده و می توانسته شغل خود را زبان دانی و مترجمی قرارداده و تا آخر عمر نیز از این حرفه، سود بجوید و نقّاشی را فراموش کند، درصورتیکه میدانیم این هنرمند، آنی از نقش تصویر فارغ نبوده و بدنبال هنر موردعلاقه‌اش در تك و پو بوده است.

و بدین سبب است که در اوّل کتاب تاریخ چین که علت ترجمه کتاب را یاد کرده چنین درج نموده:

وبحسب اتفاق بنده بی زبان محمدزمان خان مشهور به فرنگی خوان بجهان آباد رسید و در پیش پادری بورنو که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پیشوای پادریان ساکن جهان آباد است کتاب مذکور را دید و بخاطر رسید که آن کتاب را بزبان فارسی ترجمه نماید و پادری هم ترغیب نمود.»

درصورتیکه اگر همین شخص فرنگی خوان که شغلش مترجمی بوده، همین محمدزمان نقّاش بوده باشد، باید لااقل در حضور افراد و عوامل کلیسائی از قبیل پادری بورنو و سایر شخصیت های دیگر، خود را پائولوزمان می نامید و در اول کتاب می نوشت (بنده بی زبان محمدزمان مشهور به پائولوزمان) و از طرفی اگر وجود چند اثر مسیحی وی را که اغلب آنها به سفارش شاه سلیمان انجام یافته، و عده‌ای نقش این تصاویر را، دلیل تغییر دین و تعویض نام وی ازمحمدزمان به پائولوزمان میدانند، چطور شده که در ولایت هند و موقعی که در آن سالها یعنی سال ۱۶۶۰ = ۱۰۷۱ با نیکو لائومنوچی ملاقات کرده و خود را مسیحی معرفی می نموده و با مسیحیان یسوعی بویژه با «پادری بوسی» حشر و نشری داشته و به تشویق و اشاره «پادری بورنو» به ترجمه تاریخ چین نایل آمده، تصویری از حضرت مریم و مسیح و یا سایر موضوعات مسیحی نکشیده، درصورتیکه هم حرفه خاص خود بوده و هم در محارم کلیسائی مقامی داشته و ضمناً تعویض نام نیز کرده بوده و پائولوزمان محسوب می شده، و این مواقع بهترین شانس ها را داشته که با عرضه تصاویر مذهبی، که به خاطر و یادگیری آنها، مرارت ها کشیده و خانه بدوش گشته، خود را معرفی می کرده و از امتیازات هنری آن آثار مذهبی بهره‌ور می گشته است.

و اماً درمورد تغییر دین نقّاش، دلایل عرضه شده، به اندازه‌ای سست و بی پایه است که با دلایل افسانه پردازان نیز تطابقی نداشته و بی بنیانی قضایا مشهور میگردد و اگر تنها بداشتن چند کپی آثار مذهبی و مسیحی که عمده آنها را به سفارش شخص سلیمان تصویر نموده او را فرد مسیحی دانسته و این تهمت ناروا را به محمدزمان بزنیم و تاکید نمائیم که این هنرمند از دین اجدادی خود دل بریده و بمسیحیت روآورده و حتی شبهه را قوی تر نموده و با جسارت ادعا نمائیم که غسل تعمید نیز یافته و نام خود را از محمدزمان به پائولوزمان تغییر داده، نهایت درجه بی توجهی و خوش باوری است که این داستان سراپا دروغ را باور داشته‌ایم.

در صورتیکه استاد محمدزمان در خانواده متدین و متعصب شهر مذهبی قم تولد یافته و زیرنظر خانواده دیندار و معتقد بمبانی اسلامی تربیت شده و پدرش حاج یوسف و برادرش حاجی محمد، در ایامی که سفر حج مصائب و مخارجی را دربرداشت و برای همه کسی میسور و مهیا نبود اقدام به سفر کرده و مفتخر به زیارت خانه خدا گشته‌اند، نمیشود باور داشت فرزند چنین خانواده‌ای بتواند از دین اجدادی خود دل بریده و بدون واهمه از عاقبت این گناه بزرگ، به مذهب مسیح تمایل یابد.

و از سوی دیگر در موقع مراجعت از سفر رم، اگر بحضور شاه عباس دوم نمی رفت، لااقل از پدر و خانواده و کسان نزدیك خود دیدار میکرد و مجبور بود، ماوقع را برای آنان بازگو نماید و تغییر دین خود را به کیش مسیحیت آشکار سازد، آیا حاجی یوسف متعصب وافراطی که در شهر قم برای خود حرمت و احترامی داشت چه عکس العملی نشان میداد و سرنوشت محمدزمان بکجا می انجامید، چه بسا ممکن بود جان شیرین خود را در این معامله از دست بدهد و اگر بدین سختی ها نیز مکافات نمی دید، مجبور بود نفی بلد کرده و خانه و خانواده خود را ترك نموده و حتی نام پدر محبوبش را نیز هرگز بر زبان نیاورد، درصورتیکه روشن است، این کدورت ها در بین نبوده و روابط خانوادگی پدر و پسر و جمع خانواده، همچنان محکم و پا برجا بوده و در هر کجای ایران، چه از شهر رشت و اشرف و قم و اصفهان و چه سایر شهرهای دیگر که زندگی میکرده، مقام و رتبه والای پدر را تجلیل کرده و حتی قمی بودن خود را که نشانگر تعصب نقّاش به مسقط الراس مذهبی اش قم می شده مباهات مینموده است و چون بمقام و حرمت زیارت کعبه، روی خلوص مسلمانی ایمان داشت افتخار می نمود که نام پدر زوارش را یاد کرده و از عزّت و والائی بیشتری مستفید گردد. و بمصداق این عقیده، در بین

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آثار رقم دار محمدزمان به نمونه‌های بارزی که نام پدرش حاجی یوسف را شناسانده برمی خوریم که عمده آنها عبارتنداز:

۱ـ شمایل حضرت مسیح و یوسف نجار با ارقام: «جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس همیون اعلی، اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته علی مفارق الانام الی یوم القیام، بتاریخ شهر ذی القعده ۱۱۰۰ در دارالسلطنه اصفهان برقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان صورت اتمام و سمت اختتام یافت».

۲ـ تصویر شیرین و ندیمه‌اش در کنار جسد خسرو ـ با رقم: «حسب الفرموده نواب قبله گاهی میرزائی میرزا محمد معصوم دام ظله وزیر رشت اتمام یافت. رقم کمترین محمدزمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶».

۳ـ تصویر خودکشی فرهاد ـ با رقم: «رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمدزمان ۱۰۸۷».

۴ـ ملاقات الیزابت و حضرت مریم با رقم: «جهت سرکار نواب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی، رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۹».

که در هر چهار نمونه مذکور، بدرج نام پدرش حاج یوسف مباهات کرده و کلمه «حاج» را گواینکه در نظر افراد مسیحی چندان ارزشی نداشته، به افتخار در ذیل نام پدر درج کرده است.

نکات دیگری که اعتقاد نقّاش را به مسلمانی بروز میدهد، ارائه ابیاتی است که در بین اشعار مدرجه ذیل آثار نقّاش جلوه‌گر میگردد که عبارتند از:

«خوش سبزه و گل چو باغ ابراهیم است». که مؤید عقیده راسخ نقّاش به ابراهیم خلیل الله است و یا «شهنشاه عالم سلیمان ثانی ـ که نامش دهد رتبه لوح و قلم را» که منظور از رتبه لوح و قلم، همانا برداشت عمیقانه‌ای، از آیه «ن و القلم و مایسطرون» میباشد که مقام سلطنتی وی را تا این حدّ عروج بخشیده است.

و یا در جای دیگر مرقوم داشته: «بدفع عدو ذوالفقار ولایت» بمعنای تشابه قهرمانه‌ای، از شمشیر ذوالفقار حضرت علی علیه السلام است که در مبارزه با دشمنان اسلام همیشه پیروز بوده است.

مسئله مهمتری که ثابت میکند این هنرمند، بعیار خانوادگی اش مسلمان پاك اعتقادی بوده و بعید بنظر میرسد که بدین مسیحی روآورده باشد، انتخاب سجع مشهور «یا صاحب الزمان» است که از تاریخ ۱۰۷۰ هـ. قـ. تا سنوات ۱۱۰۹ هـ. قـ. مطابق ارقام آثاریکه بجا نهاده، سجع مذهبی مذکور را بکار برده و حدود چهل سال تمام، از موهبت آن سجع برخوردار گشته است.

این انتخاب سجع مذهبی مدلل میسازد که این هنرمند، بمبانی دینی، عقیده مستحکمی داشته و به حجة الله امام محمد بن الحسن «ع س» «مهدی موعود» و غیبت کبری آن که از سال ۳۲۹ هـ. قـ. شروع گشته با ایمان بوده و از کمك غیبی آن حضرت تقاضای یاری داشته است.

دلیل دیگری که او را فرد مسلمانی معرفی می نماید، داشتن دو پسر مسلمان، بنام های محمدعلی و محمدیوسف میباشند که حتماً، نتیجه ازدواج نقّاش مسلمان با عیال مسلمانی بوده که اسامی فرزندانشان را نامهای اسلامی گذاشته‌اند.

از دلایل عمده‌ای که مسلمان بودن محمدزمان را محرز می نماید، نبودن ارقامی از قبیل پائولو و یا پائولو محمدزمان و یا سایر اسامی مسیحی است که بهیچوجه در هیچ یك از آثار بجا مانده وی رویت نمیگردد، و جمله امضاها و رقم های نقّاش که در ذیل نقوش وی دیده میشوند تماماً اسامی اسلامی بوده و یا با سجع «یا صاحب الزمان» مشخص گشته است. درصورتیکه اگر مسیحی بوده، لااقل می توانسته، در یك اثری خود را پائولو و یا فرنگی خان شناسانده عقیده راسخ خود را بدین مسیحیت به ثبوت رساند.

دیگر از دلایل مسیحی نبودن محمد زمان متزلزل بودن دلایل افسانه پردازان است که نتوانسته‌اند دقیقاً ثابت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نمایند که محمدزمان از چه تاریخی و باستناد چه سندی، تغییر دین داده و در سالیان عمرش چه موقعی مسلمان و چه ایامی مسیحی بوده است.

در داستان افسانه‌ای محمدزمان، چنین شایع ساخته‌اند که پائولوزمان بعداز گرایش خود، بدین مسیحیت، حدود سال ۱۰۵۶ هـ. قـ. بایران بازگشت و در اثر بدگمانی اطرافیان و قهر روحانیون مسلمان و ترس از عقوبت شاه به هند سفر نمود، البته ما نمیدانیم این اتفاق کی انجام شده و در چه سالی به هند رفته و در خدمت شاه جهان بوده است.

ولی آنچه معلوم داشته‌اند، این است که بسال ۱۰۷۱ بدستور اورنگ زیب، از کشمیر به دهلی فراخوانده شده و در همان سالها با منوچی ملاقات دست داده و با اینکه رفتارش با سایر مسلمان فرقی نداشته است، خود را مسیحی معرفی کرده و در نتیجه به ترجمه تاریخ چین دست یازیده است.

با این اشارات واضح گردید که محمدزمان از سالی که بایران برگشته و تا زمانیکه به ترجمه تاریخ چین مبادرت نموده، یعنی حدود پانزده سال و اندی، در کیش مسیحیت باقی مانده و بعداز آن نیز آشکار نکرده‌اند که تا چه زمانی بدین مسیح پای بند بوده و از آن پیروی می نموده است.

سپس دنباله داستان را چنین ترتیب داده‌اند. که چون در این زمانها، رفته رفته موضوع مذهبش از یادها فراموش شده ، به ایران برگشته و در سال ۱۰۷۴ مجلس شاه عباس دوم و سفیر هند را دربارگاه سلطنتی بعهده نقش کشیده ولی در اینجا معلوم نداشته‌اند که قضیه تغییر مذهب و نمك بحرامی وی که به ولی نعمت خود رواداشته، عاقبت به کجا انجامیده و در موقع دیدار از شاه عباس ثانی که مجلس نقّاشی را بشاه صفوی هدیه میکرده، چه دلایلی را عرضه داشته است.

بهرحال اصل قضیه هر چه بوده و آیا شاه عباس ثانی او را بخشیده و یا اینکه نقّاش را موردسیاست قرارداده، افسانه سازان ناشی، درمورد این قضایا سکوت اختیار کرده و معلوم نساخته‌اند که عاقبت دینی محمدزمان بکجاها کشیده، آیا همچنان مسیحی باقی مانده و یا اینکه مجدداً بدین اسلام گرویده و از گذشته‌ها نادم گشته است.

ولی منطق مستدل و قوی و با درنظر گرفتن ارقام مستند و حدسیات قابل باوری که در ذیل این مقال ارائه گردید، مؤید این حقیقت است که نه محمدزمان، باین سفرافسانه‌ای اقدام نموده و نه اینکه دین آباء و اجدادی خود را تغییر داده، بلکه هنرمندی از شهر قم بوده که در شهرهای هنری ایران، نقش تصویر آموخته و بدین آبا و اجدادی خود نیز ایمان داشته و مسلمان منزه و پاك اعتقادی بوده است، و جمله خانواده وی از اهالی متعصب و متدین قم بشمار می آمده که پدرش مسلمان مقدس و مؤمن و مکه رفته و برادر کوچکترش حاجی محمد اهل دین وایمان و مکه رفته و برادر وسطی اش محمد ابراهیم که شغل درباری داشته و عمده حرفه‌اش کتابت ادعیه و قرآن و آرایش و تذهیب آنها بوده و حتی در چند قلمدان نمونه‌ای که از وی بیادگار مانده، جملگی با ادعیه و اسماء مطهره زینت یافته و اعتقاد وی را بمبانی دینی باثبات رسانده است.

اکنون که به سستی و بی پایگی احوال افسانه‌ای محمد زمان تا حدی آشنا شدیم، می توانیم با ارائه مختصر قرائن و حدسیاتی که در دست داریم، به اصول صحیح این نقّاش خودساخته آگاهی پیدا کنیم.

متأسفانه کوچکترین اشاره‌ای، از احوال و دوران فعالیت نقّاش، در منابع ایرانی و تذکره‌های مختلف ملل همجوار و سایر منابع دیگر دیده نمی شود و سرگذشت نامعلوم این هنرمند نامی نیز که موجد تحول مخصوصی در شیوه نقّاشی ایرانی بوده و در حقیقت یك شیوه ابتکاری خلق نموده، بسان سایر نقّاشان آن دوران، به بوته فراموشی سپرده شده و اگر یادی از آنها گشته، مستند به مدارك حقیقی نمی باشند

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

صحیح ترین و شاید دقیق ترین مدارکی که تاحدی احوال این هنرمند را روشن میسازد. همانا نوشته ها و ارقامی است که در ذیل آثار باقی مانده نقّاش جلوه گر بوده و شمه‌ای از حالات بسیاراندك محمد زمان را ارائه می نمایند.

در این نوشته ها، نام اصلی نقّاش و نام پدر و برادران هنرمندش و شهری که در آنجا تولد یافته و نقاطی که سفر کرده و علت و سفارش هر نقشی را، به نحوی که شایسته می دانسته و سایر نکات و ریزه کاری های دیگر را، که یگانه منبع استنادی و برداشت عمیقانه حقیر نیز قرار گرفته، بطرز بارز و روشنی آشکار ساخته و تاحدی از زندگی نامعلوم خود را برملا کرده‌است.

بطوری که جزو آبرنگ های استادانه و قلمدان های بجامانده وی دیده میشود، اسم واقعی نقّاش (محمد زمان) بوده و در مواردی خود را «زمان» معرفی کرده و در بعضی تصاویر، از سجع مخصوص «یا صاحب الزمان» استفاده جسته است.

در بین آثار بجا مانده نقّاش، که نگارنده حدود (۵۷) اثر مستند و منسوب به نقّاش را ثبت کرده‌ام (۲۹ تصویر باامضای اصیل محمد زمان) و (۱۳ تصویر با سجع یاصاحب الزمان) و (۲ تصویر با رقم زمان) دیده میشوند که سیزده اثر متنوع دیگر، بدون امضاء و تاریخ و جزو نمونه های بسیار استادانه‌ای نیز می باشند که متأسفانه امضای نقّاش را در بر ندارند.

به غیر از ارقام و اسامی مذکور، یك نام دیگری نیز بین آثار فرزندش محمد یوسف و استاد مورد احترامش معین مصور دیده میشود که نقّاش را به نام «آقازمان» ثبت کرده و معلوم داشته‌اند که استاد محمد زمان، بین مردم و خویشان نزدیك، به آقا زمان شهره بوده و بدین نام نامیده می شده است، ارقام مذکور عبارتند از:

۱ـ رقم اثری از استاد معین مصوّر با امضای:

«هو به تاریخ روز پنجشنبه پانزدهم شهرذی الحجه الحرام سنه ۱۰۶۶ به جهت فرزندی مهربانی آقا زمان بی تکلیفانه مشق شد ـ مبارك باد مشقه معین مصور»

و با محاسبه تقریبی سن دو هنرمند یعنی: تولد و مرگ حدسی معین مصور (۱۱۱۵ ـ ۱۰۲۴) و تولد و مرگ حدسی محمد زمان (۲۰ ـ ۱۱۱۹ ـ ۱۰۴۹) در سال ۱۰۶۶ هـ. قـ.، استاد معین مصور نقّاشی ۴۲ ساله و محمد زمان نیز که دراین سال ها هنرآموزی می کرده و یا اینکه شاگرد زیر نظرش محسوب می شده، هنرآموزی ۱۷ ساله بوده است.

۲ـ رقم دیگری که او را آقا زمان شناسانده، قلمدان استادانه‌ای، از آثار فرزندش محمد یوسف است که رقمش چنین است: «محمد یوسف بن آقا زمان ۱۱۳۲»

در مورد انتخاب سجع «یا صاحب الزمان» باید این نکته را یادآور گردید که به علت احترام زیاده از حدی که نقّاش به امام دوازدهم شیعیان داشته و اسم اصلی اش نیز برداشتی از نام حضرت بوده، تیمناً این سجع روحانی راانتخاب واز حجته‌الله امام محمدبن الحسن (مهدی موعود) کمك و مدد استدعا کرده است.

البته ناگفته نماند که نقّاشان دیگری نیز از این سجع استفاده کرده و جمله «یا صاحب الزمان» را ذیل آثار خود درج نموده‌اند، که نسبت به سنوات اجرایی و شیوه کار و موضوعات روز، آن هنرمندان را به پنج نفر استادی که سجع «یا صاحب الزمان» را در مواردی انحصاراً، و در مواقعی با تطابق نام اصلی شان، در ذیل تصاویر بجا مانده‌شان کتابت نموده‌اند، مجزا نمودیم و محمد زمان بن حاجی یوسف قمی را که از همه آنها قدیمی تر بوده و سجع مذکور را زودتر از همه نقّاشان، در آثار خود ثبت کرده، به نام «محمد زمان اول» و «صاحب الزمان اوّل» تعیین کردیم و بقیه احوالات هنرمندان هم سجع را، به ترتیب شماره و قدمت اثر، دردنباله احوال محمد

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زمان اول یاد نموده و جزئیات احوالشان را نیز به تفصیل بیان داشتیم.

دیگر از اطلاعات ارزنده‌ای که از ارقام ذیل تصویر محمد زمان استنباط میشود، نام پدرش حاجی یوسف از اهالی شهر قم است که نام پدر را، در چهار اثر امضادار خود بیان داشته و در تأیید وی، برادر میانه‌اش استاد محمد ابراهیم در سه مرحله و برادر کوچکترش هم دریك اثر امضاء دارش، این شناسایی را تسجیل نموده که ارقام مربوطه ذیلاً عرضه می گردند:

۱ـ امضای تصویر حضرت مسیح و یوسف نجار:

«. . . به رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان درسنه ۱۱۰۰ هـ. قـ.)

۲ـ رقم شیرین درکنار جسد خسرو:

«. . . رقم کمترین محمد زمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶»

۳ـ رقم تصویر خودکشی فرهاد:

«رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد زمان ۱۰۸۷»

۴ـ رقم تصویر ملاقات الیزابت و حضرت مریم:

«رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمد زمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۹»

و سه اثر از برادر وسطی اش استاد محمد ابراهیم، از قبیل:

۵ـ قلمدانی برای میرزا محمد علی ضابطه نویس با رقم:

«رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم سنه ۱۰۸۳»

۶ـ قلمدانی مضبوط درموزه ارمیتاژ لنین گراد بارقم:

«. . . ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم قمی درسنه۱۰۹۲»

۷ـ رقم صحیفه سجادیه‌ای که برای شاه سلیمان بسال ۱۰۹۲ مرقوم داشته و چنین امضاء نهاده:

«. . . کمترین کتاب کتابخانه فیض اساس ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم. . .»

که مشخصات این نسخه دراحوال محمد ابراهیم به تفصیل یادشده‌است.

و یك نمونه از آثار حاجی محمد، برادر کوچکتر، باامضای «راقمه حاجی محمد قمی بن حاجی یوسف ۱۰۸۹) در تصویر خسرو شیرین از خمسه نظامی کتابخانه مورگان.

دیگر مسأله‌ای که از ترقیم ذیل آثار نقّاش عریان می گردد، همانا قمی بودن شخص نقّاش است که درذیل سه اثر شناخته شده‌اش، خود را «محمد زمان قمی» معرفی کرده و چنین نوشته‌است:

۱ـ رقم آبرنگ شیرین در کنار جسد خسرو به امضای: «رقم کمترین محمد زمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶»

۲ـ رقم تصویر شاپور که صورت خسرو را به شیرین نشان می دهد. با امضای: «رقم محمد زمان قمی ۱۰۸۶»

۳ـ امضای آبرنگ، معاشقه شاه با معشوق خود: با رقم: «در دارالسلطنه اصفهان به رقم کمترین محمد زمان قمی اتمام یافت ۱۰۸۸»

با این تعاریف مستدل روشن گردید که پدرش شخصی، به نام حاجی یوسف از اهالی قم بوده و دو برادر نیز به نام های محمد ابراهیم و حاجی محمد داشته که آنها نیز از اهالی قم به شمار می آمدند.

درباره سن تقریبی نقّاش که مترادف با اولین و آخرین کارهای وی بوده باشد، شایسته بوده که مزیت و والایی اوّلین و آخرین اثر بجامانده وی را، بادقت کافی بررسی نموده و سپس روی حدسیات مقرون به حقیقتی که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

باسایر سنوات دیگر نیز هم آهنگی داشته باشد، تاریخ تولد و سال مرگ حدسی نقّاش را، باسنوات آثاری که ارائه داده، و با درنظر گرفتن نوع کار و مزیت آنها و تطابق نمودن نقوش، بادید چشم کافی و قدرت دست نقّاش، در دوران کهولت و سایر نکات بارز دیگر را با یکدیگر مقایسه نموده و نتیجتاً بتوانیم، سال تولد و وفات هنرمند را بطور تقریب به دست بیاوریم.

در مورد محمد زمان نیز ازاین شیوه خبره‌پسند استفاده نموده و حدس زدیم که اگر نقّاش، آخرین اثر بجا مانده‌اش را که از استادی کامل و قدرت دیدکافی برخوردار بوده، درسن شصت و یك سالگی و یا اندکی کمتر و بیشتر انجام داده باشد، سال تولدوی به تقریب، سنوات ۱۰۴۹ هـ. قـ. خواهد بود که نقّاش در۲۱ سالگی توانسته است قلمدان ۱۰۷۰ هـ. قـ. و در شصت و یك سالگی قلمدان ۱۱۱۱ هـ. قـ. را به عهده نقش کشیده و با توازن و مقایسه سنی، هر دو اثر را استادانه و پر محتوی ساخته‌است.

و ضمناً اگر باور بداریم که ده سال و اندی نیز بیش از این سنوات زنده بوده و به عبادت و استراحت می پرداخته و یا اینکه آثار دیگری را به عهده نقش کشیده که از میان رفته و یا تاکنون کشف نشده، می توانیم ابراز کنیم که این هنرمند بسال ۱۰۴۹ هـ. قـ. تولد یافته و در سنین هفتاد و اند سالگی و حدود سالیان ۱۱۱۹ و ۱۱۲۰ وفات یافته و به افسانه ها پیوسته است.

و اما مشخصات سنّی محمد زمان را، اگر با دید نظریه بعضی از محققین ایرانی و خارجی درنظر بگیریم و فرض کنیم که سن نقّاش در زمان های جوانی و کم سن و سالی که آنها عقیده داده‌اند به سفر رم عازم گشته است، مثلاً بین ۱۴ تا ۱۷ سالگی در اوایل سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) بوده باشد و اوایل سلطنت شاه عباس دوم را نیز حدود ۱۰۵۳ الی ۱۰۵۵ به حساب بیاوریم، تخمیناً سال تولد نقّاش جوان ۱۰۳۸ هـ. قـ. خواهد بود که نقّاش ۱۷ ساله ما بسال ۱۰۵۵ به آن سفر فرضی مبادرت نموده است.

و متقابلاً یکی از آخرین آثار نقّاش را، مثلاً قلمدان های اسکندر اریه را که بسال ۱۱۰۹ به عهده نقش درآورده در مد نظر بگیریم، بااین محاسبات، یقیناً این اثر پرکاررا در سنین هفتاد و یك سالگی مصور ساخته و بسیار بعید بنظر می رسد که نقّاش هفتاد و یك ساله‌ای، بتواند چنین اثر دقیق و ریز نقشی را که چشم جوانتر و دید تیزبین تر می خواهد ترسیم نماید.

ولی درمقابل، شاید فرضیه حقیر، مقرون بحقیقت بوده و با محاسبه سال تولدی که سنوات ۱۰۴۹ هـ. قـ. را درباره نقّاش مرعی داشته‌ام، نقّاش، در آن سال ها هنرمندی شصت ساله بوده و می توانسته و ذوقی داشته، که یك قلمدان بزمی و دلشاد کننده‌ای را با قدرت و دید کافی، به منصه ظهور برساند.

از دیگر اطلاعات جسته و گریخته‌ای که از مستندات ارقام نقّاش بدست می آید، شخص حاج یوسف پدر محمد زمان است که می شود پنداشت، با همه مذهبی بودن و سفر حج رفتن، علاقمند به هنر بوده و توانسته است فرزندان خود رادر رشته های هنری تربیت نموده و به مقامات والاتری عروج دهد و از طرفی چون در جمله ارقامی که نام حاجی یوسف به میان آمده، کلمه مرحوم دیده نمی شود، بعید نیست که حاج یوسف عمر طولانی داشته و تا سالیان ۱۱۰۰ در قید حیات بوده‌است.

دیگر از اطلاعاتی که جزو ارقام فرزندان حاج یوسف عیان می گردد، برادر بودن سه هنرمند «محمد زمان ـ محمد ابراهیم ـ حاجی محمد» می باشد که جمله آنها درذیل ارقامشان خود را پسر حاج یوسف قمی معرفی نموده و برادری خود را به اثبات رسانده اند و با در نظر گرفتن اولین و آخرین آثار تاریخ دارشان که بدست آمده، روشن نموده اند که محمد زمان برادر بزرگتر و محمد ابراهیم برادر وسطی و حاجی‌محمد کوچکترین برادراست و اگر فرزندان دختر و پسر دیگری نیز دراین خانواده وجود داشته، ما رااز بود و یا نبودن آنها، اطلاعی بدست نیست.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اوّلین برادر محمدزمان، محمد ابراهیم مذّهب و خطاط است که به نوشته خود وی که در آخر کتاب تصویر آن مشاهده می شود: «کمترین کتاب کتابخانه فیض اساس (شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ ـ ۱۰۷۷ هـ. قـ.) ابن حاجی یوسف محمـد ابراهیم» معرفی گشته و نسخه صحیفه سجادیه‌ای را که بسال ۱۰۹۲ و درسه نوع خط مختلف تحریر کرده، کافی ترین سند ارزنده‌ای است که استاد وی را درامر کتابت مسجل میسازد.

دیگر هنر وی، گل آرائی و تذهیب های ارزنده‌ای است که در اغلب آثار بجا مانده‌اش، به شیوایی تمام به منصه ظهور رسانده‌است.

از نمونه های تصویر سازی وی به غیراز نمونه چهره پردازی که دروسط رویه قلمدان تذهیبی که بسال ۱۰۸۳ هـ. قـ. فرجام پذیرفته، اثردیگری مشاهده نگشته و قدیمی ترین اثر بجامانده نقّاش هم به حساب می آید.

از جدید ترین آثار رقم دار وی که لقب کاتب السلطانی خود را نیز، یاد آور شده، قلمدان خوش تذهیب و خطی بود که در حراج ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۱ ساتبی نیویورك به فروش رسید که رقم داشت: «کتبه‌اقل عبادالله محمد ابراهیم الکاتب السلطانی فی شهور سنه ست ومائه بعد الالف»= ۱۱۰۶

تصویر شماره (۴۰) در صفحه (۹۶۵)

دیگراز آثار رقم دار این استاد، قطعه خط و تذهیبی را در یك صفحه انجام داده و خود را مذهّب خوانده و چنین امضـاء نهاده‌است: «مشقه‌العبد المذنب المستغفر من ذنبه تراب اقدام فقراء المؤمنین الراجی غفور به الکریم محمد ابراهیم المذهّب القمی فی شهرشعبان المعظم به محروسه اصفهان ۱۱۰۳»

تصویر شماره (۱۰۴) در صفحه (۱۰۱۷)

این هنرمند با حدسیات مستدلی که دراحوال استاد محمد ابراهیم ارائه داده‌ام، در سالیان حدود ۱۰۵۳ تولد یافته و درسنوات حدود ۱۱۱۰ هـ. قـ. و در سنین ۵۷ سالگی یااندکی بیشتر، به درود حیات گفته‌است.

دومین برادر و شاید کوچکترین آنها، حاجی محمد نقّاش است که از قدیمی ترین اثروی، درنسخه خمسه کتابخانه مورگان بارقم: «راقمه حاجی محمد قمی ابن حاج یوسف ۱۰۸۶» و تا جدیدترین آنها، که قلمدانی در موزه ایران باستان به سال ۱۱۲۲ هـ. قـ. است، همیشه با درج نام اصلی خود حاجی محمد، آثار خود را شناسانده، که تفصیل سایرسجع های مندرجه و هم چنین احوال و آثار وی را در ذیل صفحات این کتاب یاد کرده‌ام.

این هنرمند گل و شکوفه و مخصوصاً گل های تزئینی را به طراوات و استادی انجام می داد و در نقش تصویر نیز صاحب قلم بود.

عده‌ای از هنرشناسان داخلی و خارجی، این استاد حاجی محمد برادر کوچکتر را، همان استاد محمد ابراهیم برادر وسطی محمد زمان که خطاط و مذهّب بوده، یك نفر دانسته و معتقد هستند که این هنرمند، همان محمد ابراهیم، برادر محمد زمان است که به میل و دلخواه خود، گاهی حاجی محمد و در مواردی محمد ابراهیم امضا می کرده و دلیلی نیز برای درج نام های متفاوت آن ارائه نداده اند که چرااین حاجی محمد، مثلاً حاجی محمد ابراهیم ننوشته و موقعی که می خواسته، نام حاجی را به اسم خود علاوه نماید، خود را «حاجی محمد» و در مواردی که می خواسته نام اصلی اش محمد ابراهیم را بنویسد از علاوه کردن نام «حاجی» استنکاف ورزیده است.

ولی بنظر حقیر حقیقت مطلب غیر از اینها است که محققین مذکور اعتقاد پیدا کرده‌اند و شخص استاد حاجی محمد یکی از برادران و یحتمل کوچکترین آنها بوده و چه بسا، در معیت پدر خود حاجی یوسف به مکه معظمه مشرف شده و نام خود را حاجی محمد درج کرده است و اگر استاد محمد ابراهیم به مکه عزیمت کرده باشد،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دلیلی نداشته که خود را «حاجی محمد ابراهیم» یاد نکند و از امکانات و اعتبارات حاجی بودن که درآن زمان ها امتیازات فراوانی داشته صرفنظر نماید.

و ضمناً اگر به تمام آثار محمد ابراهیم توجه نماییم، حتی برای نمونه هم که شده، یك دفعه نیز، خود را حاجی محمد ابراهیم ننوشته، مگر نه این است که این استاد، به مکه معظمه شرفیاب نشده و نمی توانسته است خود را حاجی قلمداد نماید.

پس معلوم می گردد، این دو نفر نقّاش، دو برادر جداگانه‌ای بوده‌اند که یکی محمد ابراهیم و دیگری محمد نام داشته که برادر کوچکتر، بعد از تشرف به مکه معظمه «حاجی محمد» گشته و در جمله آثار خود آنرا به کار بسته‌است.

استاد حاجی محمد، بین سالیان ۱۰۸۶ الی ۱۱۲۲ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته و به غیراز یك اثر مجلس آرائی که در خمسه مورگان به یادگار نهاده، عموماً به نقش تصاویر گل ومرغی، علاقمند بوده و نام (حاجی محمد) را در جمله آثار خود قید نموده‌است.

بدین ترتیب می توانیم این عقیده را پذیرا گردیم که این سه برادر، از سلاله حاج یوسف قمی بوده و تك تك آنها، به نسبت قدرت و مهارتی که درامر تصویر داشته‌اند، به مقام شایسته خود نایل گشته و استاد محمد زمان که برادر بزرگتر بوده و تقریباً سرپرستی و استادی دو برادر را داشته است، هنرمندی بوده که در تنوع ترسیم و قدرت نگارگری و سایرهنرهای تصویر سازی، استعداد شایسته‌ای داشته وامضای خود را بانام اصلی محمدزمان و یا سجع مورد نظرش «یاصاحب الزمان» ترقیم می نموده و اغلب به خط نستعلیق زیبا و یا نوك قلم های نقّاشی، در زیر آثار خود ثبت می کرده‌است.

استاد محمد ابراهیم که به نوشته خود، درسه نمط خط استاد بوده و لقب کاتب السلطانی داشته، افتخار برکاتب بودن و مذهّب بودن خود نموده و در جزو ارقام آثار خود، به این نکته ها اشاره نموده، که هنرمندی گل آرا و تذهیب کار و خطاطی صاحب کمال محسوب می گشته و در زمان خود شهره بوده است. و استاد حاجی محمد که برادر کوچکتر به حساب می آمده، نه آن قدرت قلم والای محمد زمان را در نقش تصویر داشته و نه بسان برادر وسطی اش استاد محمد ابراهیم، در کتابت خطوط مهارتی داشته، بلکه نقّاشی گل آرا و زینت گری بوده که در کتابت خطوط نیز، فرد معمولی بشمار می آمده‌است.

واگر درمورد حاجی محمد، تاریخ آخرین اثر بجا مانده‌اش را که قلمدانی در موزه ایران باستان است و تاریخ ۱۱۲۲ را در بردارد ملاك عمل قرار داده و فرض کنیم که این اثر ستودنی را در سنین شصت و دو سالگی انجام داده و زمانی به عهده نقش کشیده که قدرت دید و تسلط دست ها اجازه اجرای این کار را می داده، با محاسبه این عوامل می شود گفت که این هنرمند، در حدود سالیان ۱۰۶۰ هـ. قـ. تولد یافته واگر چهار سال و اندی نیز بعد ازاین سنوات زنده مانده باشد، این هنرمند در حدود سال ۱۱۲۶ و در حوالی ۶۶ سالگی وفات یافته و روی درنقاب خاك کشیده‌است.

از دیگر افراد نزدیك و هنرمند محمد زمان، دو پسرش به نام های محمد علی و محمد یوسف هستند که احوال آنان را در جای خود ارائه داده‌ام.

این دو فرزند که درسنوات ۱۱۲۰ تا ۱۱۴۰ هـ. قـ. فعالیت هنری داشته اند، هرکدام هنرمندان صاحب قلمی به شمار می آمدند، که در شیوه و مکتب پدر تصویر سازی کرده و آثار زیبایی نیز از خود به یادگار نهاده‌اند.

در چهاراثر امضاداراز محمد علی و یك تصویر از محمد یوسف که حالیه شناخته شده‌اند، در جمله آنها، به فرزندی استاد محمد زمان افتخار کرده و نام نامی اش را زینت بخش ارقام خود نموده و چنین درج کرده‌اند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ قلمدان بزمی پر حلاوتی که‌از روی اثر پدر کپی کرده و رقم نهاده: «راقمه ابن محمد زمان محمدعلی فی شهورسنه ۱۱۱۹»

۲ـ قلمدان بزمی دیگری با رقم: «محمد علی بن محمدزمان ۱۱۳۰»

۳ـ تصویر شاه سلطان حسین صفوی ـ هدیه نوروز با رقم: «محمد علی بن محمدزمان ۱۱۳۳»

۴ـ تصویر معاشقه زن و مرد جوان، بارقم: «راقمه بن محمد زمان محمد علی ۱۱۳۳»

۵ـ قلمدان تصویری و تشعیری استادانه بارقم: «محمد یوسف بن آقازمان ۱۱۳۲»

دیگر، نوه با استعداد این هنرمند که محمود نام داشته، و فرزند محمد علی بشمار می آمده، تنها به استناد قلمدان زیبایی که در شیوه محمد زمان و پدرش محمد علی عمل آورده و امضاء گذاشته: «محمود بن محمد علی» می شود بدون سند معتبر، اورا نیزاز افراد این خانواده دانست و نوه محمد زمان بشمار آورد.

در خاتمه بحث خانوادگی، لیست فامیلی محمّد زمان را که از ارقام مدرجه آثار نقّاش استخراج شده، جهت تسهیل شناسایی خاندان وی به دیدار علاقمندان محترم می رسانیم. (صفحه ۷۴۶)

در مورد شیوه و مکتب اروپایی مانندش که نگارنده انرا شیوه محمد زمانی نام گذاشته‌ام، مؤید این حقیقت است که نه محمد زمان به خارج از ایران سفر کرده و نه کسی اورا به این سفراعزام داشته و نه کلاسی در خارج دیده و نه از دین آباء و اجدادی خود دست برداشته، بلکه در همان شهرهای قم و اصفهان و به سرپرستی نگارگران نامی و پرشهره آن دوران، از قبیل شیخ عباسی و معین مصور و سایراستادان گمنام دیگری که متأسفانه اسم و رسمی از آنها باقی نمانده‌است، قلاده شاگردی را به گردن نهاده و در محضر پرهنر آن بزرگواران زانو زده و با کوشش ها و ریاضت هایی که کشیده، پایه کمالاتش را تجلی داده و به آرزوی دلخواه خود دست یافته‌است،

البته درنتیجه ذهن پر بار و ممارست طولانی و نیرنگ های فنی، به نگرش تازه‌ای دست یافته که رقیبان را میسر نبوده، و به شیوه محمد زمانی معروف گشته است.

این شیوه نوگرا که راه‌گشای جدیدی به شمار می آید، در حقیقت آمیخته‌ای از شیوه های ایرانی اروپائی و هندی بود که بسان آرایشی تازه، در ظاهر پر غنای هنرایرانی پرتو افکن گشته، ولی به مایه عمقی و خمیره بنیادی آن، که سالیان متمادی درضمیر هنرمندان ایرانی نقش می بسته، خللی وارد نساخته‌است.

یگانه تأثیر ظاهری و تقلید صد درصدی که احیاناً به دستور شاه سلیمان انجام می گرفت و یا نشأت خود خواهی نقّاش، که خود را هم عیار نقّاشان فرنگی و چه بسا بهتر از آنها می پنداشت، این بود که نقّاش جوان را علاقمند می نمود که از شیوه های، شناخته و نوظهور تصویر سازان اروپایی که در اصفهان فعالیت می نمودند برداشت های سود آوری نموده و باابتکار خاص خود تلفیق نماید.

این مصوران خارجی که درابواب جمعی هیأت های کلیسائی و جهانگردان و یا سفرا و نمایندگان و یاسایر فرقه های فرنگی که هرکدام به وظایف گوناگونی به ایران می آمدند، سعی داشتند نکات و عوامل جالب توجهی را که درنظر هم شهریان خود عجیب و غریب می آمد مصور ساخته و ارمغان ارزنده‌ای به ولایات خود ببرند، روی این اصل، بعضی از آنها مأمور مصور ساختن رسوم و آداب ایرانیان و نقشه شهرها و راه ها و قصور سلطنتی و آثار قدیمه و عتیقه و شیه سازی استادانه‌ای از قیافه پادشاهان و رجال وافراد عادی و طرز آرایش و پیرایش البسه و سایر عوامل ناشناخته دیگر، که امروزه خبرگزاری ها و عکاسان خبره و حرفه‌ای، این اعمال را انجام می دهند، به عهده داشتند که حالیه، آثار آنها زینت بخش سفرنامه‌ها و موزه هاگشته و یکی از آثار ارزنده قدیمی می باشند که ما را به احوال و آثار آن دوره ها مطلع می سازند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

(اطلاعات و مشخصات متفرقه حاج یوسف قمی و جمع فرزندان هنرمندش ۱- محمدزمان ۲- محمدابراهیم ۳- حاجی محمد)

نام	نسبت خانوادگی	سال تولد حدسی	اولین کار تاریخ‌دار و امضا داری که از نقاش موجود است	آخرین کار تاریخ‌دار و امضا داری که از نقاش در دست است	اگر چند سالی نیز بعد از اجرای آخرین کار زنده بوده و سپس فوت کرده است	نام فرزندان	تعداد آثار و شیوه‌های گوناگونی که از نقاش بجا مانده است	نوع، رقم و امضاهائی که در ذیل آثار خود درج کرده‌اند	تعداد رقمی که ذیل آن نام پدر را ذکر نموده‌اند	تعداد نقوشی که قمی بودن خود را یاد نموده‌اند
حاج یوسف قمی	پدر خانواده	حدود ۱۰۲۵ هـ. ق	—	۱۱۰۰ آخرین تاریخی که از پدر یاد شده است	چون مرحوم بنوشته معلوم است که زنده بوده و بعد از سال ۱۱۰۰ و حدود ۸۰ سالگی مرحوم شده است	محمدزمان محمدابراهیم حاجی محمد و شاید دیگران	—	—	—	۰
محمدزمان قمی	فرزند بزرگتر خانواده	حدود ۱۰۴۹ هـ. ق	قلمدان سال ۱۰۷۰ حدود سن ۲۱ سالگی	قلمدان ۱۱۱۱ حدود سن ۶۲ سالگی	اگر ۴ سال دیگر نیز زنده مانده باشد در حدود سال ۱۱۱۵ و در سن ۶۴ سالگی فوت کرده است	محمد علی و محمد یوسف و شاید دیگران	۳۹ اثر آبرنگی ۱۵ اثر قلمدانی ۱ اثر روغنی دایره‌ای ۲ گرده نقاشی	۱- زمان ۲- محمدزمان ۳- یا صاحب‌الزمان ۴- محمدزمان بن حاج یوسف قمی	۴ مرتبه	سه مرتبه
محمدابراهیم قمی	فرزند وسطی خانواده	حدود ۱۰۵۳ هـ. ق	قلمدان سال ۱۰۸۳ در حدود ۳۵ سالگی	قلمدان با امضای کاتب‌السلطان ۱۱۰۶ حدود ۵۲ سالگی	اگر ۴ سال دیگر نیز زنده بوده باشد حدود ۱۱۱۰ و در سن ۵۷ سالگی مرحوم شده است	نامعلوم	۳ اثر قلمدانی ۲ اثر حطی و نذهیبی	۱- محمدابراهیم ۲- محمدابراهیم کاتب‌السلطان ۳- محمدابراهیم بن حاج یوسف قمی	۳ مرتبه	دو مرتبه
حاجی محمد قمی	فرزند کوچکتر خانواده	حدود ۱۰۶۰ هـ. ق	آبرنگ به سال ۱۰۸۶ و حدود ۲۶ سالگی	قلمدان سال ۱۱۲۲ حدود ۶۲ سالگی	اگر ۴ سال دیگر نیز زنده بوده باشد در حدود سال ۱۱۲۶ و سن ۶۶ سالگی فوت کرده است	نامعلوم	۲ اثر قلمدانی ۴ اثر آبرنگی	۱- حاجی محمد ۲- حاجی محمد بن حاج یوسف قمی	یک مرتبه	یک مرتبه

tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org
tarikhema.org

tarikhema.org

در تائید این افراد غریبه که بعنوان سفیر و یا کشیش و یا سایر مشاغل دیگر به ایران می آمدند، پادشاهان وقت نیز مقدم آنها را گرامی داشته و چه بسا فرامینی نیز در معاضدت و یاری به آنان صادر کرده و گردش ها و خواسته‌های آنها را تسهیل مینمودند.

در این باره فرمانی از شاه عباس کبیر جهت یکی از سفرا و نماینده مذهبی دولت فرانسه صادر شده که بعضی نکات عمده آن فرمان را در زیر نویس شماره ۴ بدیدار علاقمندان میرسانیم.

و درثانی این نقّاشان، در قصور سلطنتی و منازل شاهزادگان و تجّار و اعیان به عنوان هنرنمایی و یا نظریات مادی، به کار اشتغال داشته و آثار زیادی نیزاز خود به یادگار نهاده‌اند که اغلب آنها از بین رفته و معدودی نیز تاکنون پابرجا بوده و درقصور ابنیه قدیمی و سلطنتی جلب نظر می نمایند[۵]

پر واضح است که این نقّاشان به تنهایی از عهده انجام این همه سفارشات روزافزون بر نمی آمدند و مجبور بودند ازجوانان پراشتیاق وبا استعداد ایرانی که در علم تصویرصاحب مقام و دلباخته ترقی و تعالی بودند به همکاری دعوت نمایند و محمد زمان جوان نیز، یکی از تشنگان این امکانات بود که می خواسته است رموز و دقایق هنری رااز نقّاشان اروپایی یاد گرفته و به مدارج ایده آل خود دسترسی پیدا نماید.

از جمله نقّاشان اروپایی که دردوره جوانی محمدزمان، دراصفهان بودند وچه بسا محمدزمان نیز با آنها مراوده داشته و همکاری می نموده، یکی فیلیپ و دیگری به نام انجل است که دردوره شاه عباس دوم در ایران بودند و به نقش تصویر اشتغال داشتند.

دیگر، لوکار و آنژل، دو نقّاشی بودند که ازطرف نماینده شرکت هلندی، در زمان شاه‌عباس دوم به کار گماشته شده و مأمورتصویر سفرا و اروپائیان مشهور، در کاخ چهل ستون اصفهان بودند که حالیه مشخصات اصلی صاحبان تصاویر شناخته نمی شوند.

و همچنین جان لوکاس هلت و جوست لامپ نقّاشان هلندی بودند که درقرن ۱۷ م. دراصفهان زندگی می کردند و به نقّاشی اشتغال داشتند.

۴- فرمان همایون شرف نفاذ یافته، آنکه بیگلر بیکیان عظام و حکام گرام و وزرا درایت کیش و عمال کفایت اندیش و ظابطان بناء ممالک محروسه خاقانی و داروغگان و مستحفظان و طرق مسالک خسروانی و سایر مباشرین امور دیوان... نواب گیتی ستان فردوس مکان به تاریخ سنه ۱۰۱۶ به این مضمون عدالت مشحون قرار یافته که چون میانه نواب همایون و پادشاهان مسیحیه و سلاطین فرنگیه کمال دوستی و محبت واقع است همیشه از جانبین آنها ایلچیان آمد و شد می نمایند نواب همایون را نهایت شفقت و مرحمت به جماعت کریستیان هست هرکس که از آن سامان به خدمت اشرف می آید کمال عزت و حرمت می داریم می باید که هرکس از کریستیان فرنگیه بدین دیارآید حکام گرام و داروغگان و وزرا و عمال و کل سکنه قلمرو همایون اعزاز و اکرام بجای آورده و دقیقه ای از دقایق حرمت داری فرو گذاشت نکنند و هیچ آفریده در ممالک محروسه مزاحم و متعرض حال ایشان نشده پیرامون نگردد و خاطر ایشان را رنجیده نسازند و نگذارند که طبقه کریستیان از هرطرف که خواهند ممالک محروسه و قلمرو همایون آمد و شد نمایند احدی پیرامون اموال و جهات آن طبقه نگردد و اگر ازاحدی نسبت به‌ایشان بی اندامی سرزند مورد عتاب خواهند بود و دراینولا از جمله سلاطین عدالت آئین فرنگستان پادشاه خورشید کلاه ولایت پاریس و نرمندیا و بریتانیا و آگوتیانیاه... ولدیسی - دلوروماکالیا - کرایلیس - پرونسا - پریگر - واکلیسا - کارفونو... و کمپانیا و دونکرك و سایر ولایات که باوی تجدید و قوانین محبت و اتحاد دیرین با نواب همایون، گشته ایلچی معتبر و معتمد خود میکائیل ابارقیه صداقت آئین بکریاس هرش تزئین فرستاده و توقع گشادن راه تردد و افتتاح مسالك آمد و شد تجار منیرمدارجهت... مأذون باذن شاهنشاهی فرمودیم که به فراغ بال و رفاه خیال در کمال ایلچیان ممالك محروسه ایران تردد نمایند و مانع و مزاحم آن جماعت نشده و گذارند که بخاطر خواه خود ازهر صورت که خواهند بروند... متن فرمان که عکس آن دراندازه ۱۰/۵×۳/۵ سانتی متر بوده و درصفحه ۲۷۹ کتاب «مقدمه‌یی بر شناخت اسناد رسمی» چاپ شده بود به اشکال تمام قرائت شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

۵- بعضی از آثار نقّاشان اروپایی و ایرانی که در قصر چهل ستون اصفهان جلب نظرمی نمود، به روایت این بیت شعر.
(هزار و یکصد و هیجده زهجرت نبوی - گذشته بود که آتش به چهل ستون افتاد)
در زمان سلطنت شاه سلطان حسین و سال ۱۱۱۸ هـ. ق. طعمه حریق مهیبی شده و عمده آنها ازبین رفته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

محمد زمان جوان نیز، که تازه به روشی نو دست یافته و در کار های خود شیوه کلاسیك خاصی را مراعات می کرد، با دریافت و هنراندوزی، از نقّاشان اروپایی که علاقمند بودند به این جوان پرتلاش یاری نمایند، رشته موردعلاقه خود را کمالی تازه بخشید و به شیوه مخصوص خود نزدیکتر گردید و در ورای این معاشرت ها، دربین نقّاشان خارجی، دوستان و معلمان صاحب علاقه‌ای پیدا کرده و از کم و کیف هنرهای تصویر سازی فرنگی سر درآورد، و بجای این که احتیاجی به سفر خارج داشته باشد، درهمان شهراصفهان، ازاستادان اروپایی تعلیم می دید و در موارد دیگر، از روی نقوش چاپی و باسمه‌ای که در اختیار داشت تمرین های مداوم انجام می داد و نقّاشان و هنرمندان تصویر ساز فرنگی هم که شدت و حرارات محمد زمان را به‌این هنر می دیدند، علاقمند می شدند، به نقّاشی که شیوه آنهارا پسندیده، میدان عمل وسیعی داده و به اصطلاح هرچه در چنته داشتند، به این طلبه پرجستجو گر و تشنه هنر، تعلیم دهند.

این مراوده های همیشگی که بین محمد زمان و نقّاشان متعدد فرنگی، که متأسفانه اسامی آنها را نمی دانیم برقرار بود، نتیجه مثبتی به بار آورد و محمد زمان موفق گردید استعداد خود را به منصه ظهور نهاده و هنرش را چنان تجلی دهد که بین مردم آن دوره شهره خاص و عام بگردد.

البته پر واضح است این تعلیمات غیرمنظم استادان گوناگون که محمد زمان از آنها استفاده می برد نمی توانست اصالت صد درصد هنرکلاسیك را در آثار نقّاش تأمین نماید و محمد زمان را درعیار نقّاشان فرنگی بار بیاورد.

ولی همین برداشت های سطحی و غیرکامل نیز، درنظر هم شهریان و علاقمندان هنر مخصوصاً شهریار جوان صفوی که هنرمندان را می نواخت و هنر آنانرا به رخ هنرمندان اروپایی می کشید، نتیجه مثبتی داشت و محمد زمان را صاحب مکتبی گردانید که علاوه براینکه باشیوه گذشتگان روابط ناگسستنی داشت، با افق و عیارشیوه اروپایی نیز هم بستر بود و مکتب نوپایی بشمار می آمد.

این حسن رقابت که محمد زمان آرزو داشته خود را به پایه نقّاشان فرنگی برساند، اثر خود را با تشویق و حمایت شاه سلیمان صفوی به نیکوترین وجهی نشان داد و با نقش تصاویر مذهبی و مسیحی که‌اغلب آنها به سفارش شاه وقت انجام می یافته و عده‌ای نقش آنها را دلیل علاقه باطنی نقّاش، به دین مسیحیت می پندارند و قصه ها سرمی دهند، ثابت نمود که تنهاانگیزه نقّاش در رقابت هنری بوده و می خواسته است، هنرخود را به منصه ظهور رسانده و مدلل سازد که او نیز می تواند بسان نقّاشان اروپایی نقش تصویر نماید.

علاوه براستادان فرنگی که دراین سنوات دراصفهان بودند، منبع تمرینی محمد زمان، تقلید و کپی استادانه‌ای، از باسمه ها و گراورها و پوستر های تبلیغاتی مذهبی بود که توسط افراد مذکور و یا تجّار هنری، به صورت اشیاء تجملی ازقبیل سینی های مصور و یاسایر وسایل تصویری دیگر، دراختیارش بوده و بهترین وسیله برای تمرین و مشق بشمار می آمده است.

از نمونه های بارز کپی و مونتاژ محمد زمان از باسمه ها و موضوعات فرنگی، یکی هم آبرنگ ونوس و آمور است که گویا باصلاحدید شاه سلیمان، تصویر ساتیر را حذف کرده واصل موضوع رابه گونه‌ای نا مفهوم درآورده‌است.

این اثر ارزنده که درآلبوم انستیتوی ملل آسیایی آکادمی علوم لنین گراد جلب نظر می نماید، کپی یکدست و شیوایی از آثار R.Sadler گراور ساز هلندی درقرن هفدهم است که تصویر دیو مرد شهوترانی رابه نام ساتیر که صورت شیطانی و محیلی داشته و پاهای سُم دارش، بسان پای اسب و قاطر می مانده، حذف کرده و تصویر ونوس و آمور را درکنار هم تصویر نموده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دراین اثر تقلیدی، پرده پشتی ونوس را نیز که وی رااز چشم نامحرمان مستور می داشته، زایل کرده و بجای آن مناظری از شمال ایران و آب دریا و درخت تنومند و پر برگی علاوه نموده و فرشته آمور را نیز، در بلاتکلیفی ناشیانه‌ای، در کنار ونوس جای داده و به مگس پرانی واداشته است.

تختخواب استیل نیز به تختخواب چوبی، با پایه های محکم و ناهنجار تبدیل شده و روی بالش را نیز از پارچه های نقش داراصفهانی نقش نموده و به شیوه گل اناری و حل کاری اسلیمی تکمیل نموده‌است. و طبق معمول گل های ریز و تزئینی زیبایی که درآثار نقّاشان ایرانی آن دوره بسیار دیده می شوند، به زیرپای ونوس نقش نموده‌است.

در این عیارها، اگر با دقت تحقیقی بیشتری به آثار فرنگی سازی و مذهبی مسیحی این استاد، نظر بیندازیم متوجه خواهیم شد که‌اغلب این آثار، کپی یکدست و یا مونتاژ شده‌ای، از باسمه ها و مدل های مذهبی و غیر مذهبی است که باسمه آنها رادراختیار داشته و از روی آن مدل ها، موضوعات دلخواه خود را تلفیق کرده و به قدرت قلم پرمهارتش عرضه کرده‌است.

به عیار کپی محمد زمان از روی گراور زادلر، محمد علی بیك ابن ابدال بیك نقّاشباشی نیز درسال ۱۱۶۴ ازروی همین باسمه زادلر استفاده نموده و نقش های ونوس و اروس و ساتیر را چنان که درمدل اصلی قرارداشته اند ترسیم نموده و رقم زده: «نمقه محمد علی ۱۱۶۴» تصویر شماره (۹۵) در صفحه (۱۰۰۹)

و همین چند آثار مذهبی را که به دست داریم و عده‌ای وجود آنهارا دلیل ایتالیا رفتن و تغییر دین اجدادی وی میدانند، افسانه‌ای بیش نیست واگر این آثار درشهر رم و کشور ایتالیا نقش کرده بود، بالطبع موضوعات جالب تردیگری نیز ازقبیل قیافه زیبارویان شهر رم و یا مناظر گوناگون شهرمذکور و یا قیافه و حالات مردم آن سامان و سایر آثار دیگری که برای هم شهریان نقّاش تازگی داشته و ارمغان خوبی نیز محسوب می گشته ترسیم می نموده و به یادگار می گذاشته‌است.

نکته دیگری که سستی این سفر دروغین را تأیید می نماید، این مسأله است که علت چه بوده که درآن سه سال اقامت پرماجرا درشهر رم، هیچگونه یادگاری و عرض اندامی، در رشته مورد دلخواهش انجام نداده در صورتی که می توانسته نمونه های بسیار خوبی ازدوره های تمرینی و یا شکل و شمایل استادان و هم قطاران و یا نشانه‌ای از آن همه آثار و دیدنی های شهر رم که بالطبع برای یك طلبه هنرمند ایرانی بسیار جالب بوده نقشی ساخته و ارمغان ارزنده‌ای ازاین سفر میمنت اثر به یادگار گذارد.

ولی بطوری که می دانیم، جزیی ترین نمونه‌ای از این یادگار هادیده نمی شود و حتی کوچکترین نشانه‌ای از موضوعات مذهبی درهمان ایام فرضی که در شهر رم بسر می برده و بالطبع بعد از تغییر دین و حلول به دنیای مسیحیت، می خواسته خودی نشان داده و اعتقاد خود رابه دین جدید به اثبات رساند، لااقل یك تصویر مذهبی می ساخت و امضاهایی از قبیل پائولوزمان یا پول آرمان یا محمدزمان فرنگی خوان که جعل کنندگان پر و پا قرص سفر کذایی اش به محمد زمان بیچاره عطا کرده اند، در ذیل آثار خود ارائه می داد.

و ضمناً در هیچ یك از سطور افسانه‌ای این قضایا، ذره‌ای به مقیاس هنری و لیاقت باطنی و بسط و تشریح شیوه وی که همه گرفتاری ها را سبب گشته اند، اشاره نشده و هنر و لیاقتش به فراموشی سپرده شده‌است.

و بدین جهت است که سفرافسانه‌ای وی به رم را قصه‌ای پنداشته واز اصل بی بنیان دانسته و باور نمی داریم ولی اگر علت تشابه به شیوه ها واز اینکه آثار خود را درشیوه همسان فرنگی ها می ساخته، همانا قدرت استعداد و ظهور تجلی ابتکاری نقّاش است که خواسته های پر غنا و مهارت هنر آفرینی خودرا به کشیشان و اروپائیان مقیم اصفهان که باهنر تصویر سازی وی بیش ازهمه سر و کار داشتند و یا به همشهریان و رقیبان هنرمند داخلی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و خارجی خود و مخصوصاً به شاه سلیمان که شخصاً علاقمند به بررسی این گونه مسائل هنری بوده، ثابت نماید که یك نقّاش ایرانی نیز می تواند، به مثابه هنرمندان خارجی نقش تصویرکرده و با قدرت و مهارت تمام از عهده آن بربیاید و بهترین موقع برای ارائه هنرش این شیوه‌را به‌کار می برد که اصل و کپی را یك جا عرضه داشته و برتری خود را مدلل سازد و به زبان حال می گفت که من نیز می توانم، آنچه را که نقّاشان فرنگی به نقش در آورده‌اند، به عینه بازسازی نمایم و چون دراین مسابقه، تنها مدل ها و آثار مذهبی فرنگی دراختیار داشته، روی این موضوعات تکیه کرده و آنها رابه قلم تیزبین خود مصور ساخته‌است.

و بسیار حتمی خواهد بود که در بعضی کارهای مذهبی وی که مستقیم و یا غیر مستقیم، از روی باسمه ها و مدل های فرنگی برداشت هنری کرده، کاملاً با قوانین مناظر و مرایا و قیافه های شناخته شده آنها که اثر دست نقّاشان اروپایی را بخاطر می آورند، موافقت داشته واز شیوه ایرانی وی خبر نیست ولی درسایر آثار دیگرش که به قدرت اندیشه و ابتکار شخصی نقّاش عمل آمده و چه بسا سفارش شاه وقت نیز بوده است، متضمن ذوق شخصی و ابتکار پر غنای نقّاش است که در قالب و شیوه ایرانی ترتیب یافته و فاصله پر آشکاری را با کارهای مذهبی و مسیحی وی ایجاد کرده‌است.

البته این نوع برداشت ها، نه تنها درمورد محمد زمان صدق پیدا می کند، بلکه در بین نقّاشان هم عصر وی نیز ازقبیل برادران و فرزندان وی هم، که در حد خود ازاستادان عالیمقام دوران خود بشمار می آمدند، دیده شده و با علم به اینکه آنان هرگزاز شهر اصفهان خارج نشده و تعلیمات اروپایی را ندیده‌اند، ولی غالب اصول و رموز نقش نگاری را به حدس و قیاس، و حتی قوانین دقیق پرسپکتیو را که در انحصار نقّاشان اروپایی خیال کرده‌اند، یاد گرفته و درآثارخود عرضه کرده‌اند. و مخصوصاً با موشکافی پر وسواسی که به نقوش استادانه دو قلمدان کم نظیری، که از محمد علی بن محمدزمان به یادگارمانده دقت نماییم، معلوم می گردد که‌این نقّاش با آنکه پای ازایران بیرون ننهاده و تنها زیرنظر پدر و سایر استادان ایرانی مقیم اصفهان، اصول و روش تصویر سازی را یاد گرفته، طوری ازعهده اجرای آن برآمده که آثار وی، درعیار و قدرت محمد زمان، قرارگرفته و اصالت هنری اش تأیید گشته‌است.

و یا نقّاشان همزمان و هم شیوه وی، از قبیل محمد مسیح و محمد رفیع و سایر نقّاشان دیگری که دراین مکتب نوپا فعالیت داشته‌اند، در شهر اصفهان و یا سایر شهرهای دیگر ایرانی، از استادان ایرانی و نقّاشان اروپایی هنرآموخته و در کارخود سرآمد گشته‌اند. درصورتی که همین قصه سازان مذکور اگر توانی داشتند و یااینکه مایل بودند اساس کارآنها را نیز به عیار سرنوشت محمد زمان تغییر دهند، برای تك تك هنرمندانی که درمکتب محمد زمان و یا کلاسیك ناقص اروپایی، کار کرده اند داستانی سر داده و منشاء تعلیمات هنری آنان را، یکی ازشهرهای اروپایی قلمداد کرده و قصه های عجیب و غریبی نیز ساز می نمودند.

از طرفی به واسطه نفوذ هیأت مبلغین مسیحی و کشیشانی که در جامعه آن روزی به امر تبلیغ پرداخته و حتی به دربار و خدمت شاه سلیمان نیز راه یافته بودند، در حین ارائه هدایایی که از طرف پادشاهان خود تقدیم می داشتند، درباره دین مسیح و قصه ها و افسانه های مشهور تورات و انجیل که بعضی از آنها ازقبیل ذبح اسماعیل و سرگذشت یوسف، در بین مسلمانان نیزمعمول بوده، باشاه سلیمان بحث هایی کرده و گفتگو می نمودند، و دراین مجالس نیزاز همان نقوش باسمه‌ای که با صنعت چاپ هنرمندانه‌ای به عمل می آمده و بسان نقش حقیقی جلوه‌گر می نموده، به شاه سلیمان نیز هدیه کرده و علاقه شاه صفوی را به گفتار خویش راغب ترمی نمودند.

شاه سلیمان نیز که به صحبت های آنها توجه داشته و درموضوعات مذهبی، به خاطر تبختر و غرور شاهانه که می خواسته‌است ثابت نماید که نقّاش درباری وی محمد زمان نیز می تواند به عینه شبیه‌این تصاویر و بلکه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بهتراز فرنگی ها نقش نماید، روی این علاقه سفارشات گوناگونی را که خود وی از روی باسمه ها انتخاب می نمود به محمد زمان می داد و روی این دستورات است که جمله آثار مذهبی وی، به غیراز یکی دوتای آنها جملگی مشخص شده، که به سفارش شخص شاه سلیمان به نقش آن دست یازیده‌است.

و شاه سلیمان نیز، اغلب این تصاویر مذهبی و یا آبرنگ های تزئینی و قلمدان ها و قطعه گل ها و یا موضوعات دیگری که محمدزمان ترسیم می کرده و تحفه قابلی بشمار می آمدند، در جزو هدایایی که مطابق مرسوم می بایستی، متقابلاً توسط همان نمایندگان و یا کشیشان اروپایی به پادشاه آن ولایات ارسال بدارد تقدیم می نموده‌است.

و در نتیجه عمده آثار محمد زمان و مخصوصاً آنهایی که جنبه تقلیدی دارند، جزو هدایای ارسالی به خارج ازایران راه‌یافته و در مجموعه ها و موزه‌های خارجی جا گرفته‌است.

و روی این برداشت ها و کپی و تقلید ها ومخصوصاً تشویق زایدالوصف شاه سلیمان به این رشته از تصاویر بوده است که علاقه هنرمند جستجوگر را به ارائه نقّاشی های کلاسیك راغب تر نموده و به اصطلاح به فرنگی سازی تمایل پیدا نموده‌است.

این تأثیر حقیقی که برداشت مستقیمی از کارهای اروپایی و کلاسیك بود، رفته رفته کشش و تأثیر خود را ظاهر ساخته و محمد زمان را نقّاشی معرفی نمود که به اصول فرنگی سازی و مذهبی مسیحائی درحد یك نقّاش اروپایی علاقمند بوده و آثارش نیز دراین مکاتیب، به عهده نقش کشیده‌است.

این تقلید و کپی که تا سال ۱۱۰۰ هـ. ق. جریان داشته، عمده‌کار اصولی نقّاش نگشته و بلکه در ورای این آثار، که از اجرای سفارشات شاه وقت فارغ می گشته، به شیوه مخصوص و مورد دلخواه خود که ما او را مکتب (محمـد زمانی) نام گذشته‌ایم، می پرداخته و جای بسیار خوشوقتی است که بیشترین آثار ارزنده خود را که ازابتکار شخصی اش جان می گرفته و ما نیز در حیطه‌هنری محمد زمان، به آن شیوه اختصاصی ارج نهاده‌ایم، خلق می نموده و لیاقت هنری اش را ظاهر می ساخته است.

البته این آثار کپی شده را نمی شود به معیار اصلی و هنری محمد زمان دخالت داد، زیرا درآثار کپی شده و تقلیدی وی، فکر خلاقه اثر، در عهده نقّاشی بوده که طرح اولیه را ریخته و بالیاقت هنری خود به آن افکار ابتکاری جان بخشیده است و نقّاش مقلد که دنباله‌رو نقّاش اولیه بوده، به راحتی توانسته است طرح های پیش ساخته راتقلید نموده و آرایش ظاهری نماید، بدین جهت است که درکارهای تقلیدی محمد زمان، که با الگوی نقّاشان زبردست فرنگی، پایه‌ریزی شده، از مهارت بیشتری برخوردار بوده ازلحاظ مناظر ومرایا نقصی مشاهده نمی گردد و این مزایا به دلیل این نکته‌است که طراحی وعمق هنری اولیه توسط فرد خبره واستاد کاری که به‌تمام رموز هنری آشنایی داشته انجام پذیرفته و محمد زمان هم که پای خود را جای پای استاد فرنگی گذاشته با دقت واحتیاط تمام ازآن عبور نموده ایرادی برآن متصور نیست ولی درآثار دیگری که مستقیماً از ابتکارذاتی نقّاش بهره ور گشته، شیوه ها طوردیگری است که می شود گفت که‌این هنرمند، درمکتب ابتکاری خود که نه به پیشینیان شباهتی داشته و نه درعیار نقّاشان کلاسیك اروپایی بوده، گام برداشته و درشیوه خاص خود نقش آفریده است.

از دلایل دیگری که ثابت می نماید استاد محمد زمان به سفر رم نرفته، و از شیوه کلاسیك آن دیار سودی نجسته است، همانا نداشتن حتی یك نمونه آثار رنگ و روغنی بوده که هم باب روز به شمار میآمده وهم مدت بیشتری دوام می آورده و محمد زمان پرابتکار و جستجوگر نیز که تشنه تازگی ها بوده و می خواسته است نوآوری ها وامتیازات فرنگی ها را درآثار خود تجلی سازد، بالطبع تلاش می کرده که در رشته رنگ و روغنی نیز فعالیت کرده و ارمغان ارزنده‌ای با خود به همراه بیاورد، ولی بطوری که می دانیم این هنرمند بغیر از شیوه آبرنگی و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

صنعت روغنی (قلمدان سازی) که زیرسازی آنها به طریقه آبرنگی ترسیم می گردد به تنوع دیگری دست نیازیده و حتی یك اثر رنگ و روغنی نیز بجا ننهاده‌است.

از آثار تقلیدی و یا کپی و مونتاژ محمد زمان، که در عیار فرنگی ها عمل آورده و تا حدامکان قوانین صحیح نقّاشی را به مدد تقلید و اقتباس به عهده نقش کشیده، چندین آثار مذهبی و غیرمذهبی بجا مانده، که عمدتاً به سفارش شخص شاه سلیمان تصویر شده که دراین نوشته به اختصار معرفی می گردند.

الف ـ آبرنگ حضرت مریم و الیزابت با رقم نستعلیق استادانه و بسیار زیبا:

«جهت سرکار نواب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی. به رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمد زمان صورت اتمام‌یافت سنه ۱۰۸۹» مضبوط در نسخه نظامی کتابخانه مورگان یافت موضوع مذهبی.

ب ـ نزول روح القدس برمسیح، با رقم نستعلیق شیوا:

«به رقم کمترین محمد زمان در مدت چهارده ماه صورت اتمام یافت فی شهورسنه ۱۰۹۴» مضبوط درآلبوم انستیتوی ملل آسیایی آکادمی علوم لنین گراد (Vostokovedeniya) موضوع مذهبی.

پ ـ قربانی کردن اسحق، به وسیله ابراهیم و یا به روایت، مسلمانان ـ حضرت ابراهیم حضرت اسماعیل را قربانی می کند «ذبح اسماعیل» با رقم: «هو جهت سرکارنواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی ـ به رقم کمترین بندگان محمد زمان صورت اتمام یافت سنه ۱۰۹۶» مضبوط در آلبوم انستیتوی ملل آسیایی آکادمی علوم لنین گراد ـ موضوع مذهبی

ت ـ شمایل آبرنگی حضرت مریم و مسیح و یوسف نجار، در مراجعت ازسفر مصر ـ با رقم نستعلیق زیبا:

«جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس همایون اعلی، اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته علی المفارق الانام الی یوم القیام ـ به تاریخ شهرذی العقده ۱۱۰۰ در دارالسلطنه اصفهان به‌رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمد زمان صورت اتمام و سمت اختتام یافت» مضبوط در نسخه نظامی کتابخانه مورگان ـ موضوع مذهبی

اثر دیگر هنرمند که از آثار هنرمندان اروپائی کپی شده و غیرمذهبی میباشد تصویر ونوس و آمور است که آن نیز به سفارش شاه سلیمان انجام یافته و در نوع خود از بهترین ها بشمار میآمد.

ث ـ تصویر ونوس و آمور ـ با رقم نستعلیق ریز و ماهرانه:

«هو، حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی ـ برقم کمترین غلامان محمدزمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۷» مضبوط در آلبوم انستیوی ملل آسیائی آکادمی علوم لنین گراد ـ موضوع غیرمذهبی.

این اثر ارزنده بهترین نمونه کاملی از کپی آثار باسمه‌ای و گراورهای شناخته شده بوده که نقّاش با حذف و علاوه کردن بعضی نکات لازمه، بدقت و شیوائی تمام تصویر نموده است.

اصل اثر از گراورهای «زادلر» گراورساز هلندی در قرن ۱۷ میلادی میباشد. که تصویر SATYR «شیطان» محو گشته است.

دیگر از آثار تقلیدی محمدزمان که نام سفارش دهنده و همچنین تاریخ اجرا ذکر نشده و بجای درج نام خود، از سجع «یا صاحب الزمان» سود جسته، تصویر مذهبی استادانه‌ای است، که مشخصات آن چنین است.

ج ـ تصویر جودیت Judith و هولوفرن Holopherne که الهام گرفته از شیوه نقّاش قرن ۱۷ میلادی ایتالیائی بنام Guido Reni که از مشخصات بیشتر آن اطلاعی نداریم، با رقم: «یا صاحب الزمان»

تصویر شماره (۷۹) در صفحه (۹۹۴)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این اثر ارزنده جزو مرقع بسیار نفیسی بود که خطوط میر عماد و تصاویری از علیقلی جبادار و حواشی گل و مرغی زیبا داشت مرقع مذکور در حراج Art Islamique جون ۱۹۸۲ پاریس بفروش رسید.

درمورد شیوه هندی محمدزمان که خوش باوران قصه نیکولائومنوچی مجبور بوده‌اند او را بصوب هندوستان نیز روانه ساخته و چند سالی نیز نقّاش بیچاره را در آن ولایت سرگردان نمایند بالطبع لازم بوده که براین فرضیه توخالی دلایل قابل قبولی نیز هر اندازه سست تر نیز بوده باشد ارائه نمایند.

و روی این ترتیبات است که شباهت بعضی از گل آرائیهای محمدزمان و بخصوص تزیینات گل و بوته در قلمدان قدیمی را که یکی از آنها بتاریخ ۱۰۷۰ فرجام یافته، با شیوه هندی هم قرین دانسته و از طرفی وجود درناها و سایر پرندگان دیگر را که در آثار هندی بیشتر جلب نظر می نمایند و ندرتاً نیز در آثار محمدزمان رویت میگردند، دلایل متیقنی پنداشته و عقیده داده‌اند که این نقّاش مطابق روایت آن کشیش ایتالیائی، مدتی در هندوستان بسر برده وسپس در اواخر سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) چون مسئله تغییر مذهب وی فراموش شده، مجدداً بایران مراجعت کرده است، و چون با آن محاسبات فرضی، می بایستی استاد محمدزمان، در سالیان ۱۰۷۰ هـ. قـ. حتماً در هندوستان زندگی کرده باشد، روی این اصل قلمدان تابوتی گل و مرغی محمدزمان را که رقم: «هو - یا صاحب الزمان ۱۰۷۰» داشته و هیچگونه رنگ و بوی هندی ندارد، اثر دست نقّاش در دوران اقامت وی در هند دانسته و شیوه و سایر نکات متمایز قلمدان رانادیده گرفته‌اند و همچنین قلمدان دیگر وی را که رقم: «یا صاحب الزمان» داشته و از لحاظ شیوه کار و قدمت آن، و سایر رموز هنری دیگر که یکی از بهترین آثار دوران جوانی نقّاش و حدود بیست و پنج تا سی سالگی وی بشمار می آید، اثر دست نقّاش در حین اقامت وی در هند دانسته و به نکات بارز و آشکار آن که در شیوه ایرانی نقش یافته و اسکلت و مقواسازی و لولابندی آن نیز کاملاً اثر دست هنرمندان ایرانی در اصفهان میباشد دقتی نکرده‌اند.

البته این نکته را نمی شود پنهان داشت که نقّاش پرمهارتی با آن همه علاقه و التهاب که بدنبال هدف ایده‌آل و کشف نکات نوظهور، در تك و پو و ترقی و تعالی بوده نمیتوانسته‌به هنر تصویرسازی هندی که در آن زمانها ارزش و الائی داشته، بی تفاوت مانده و آنهمه امتیازات را ندیده بگیرد، بالطبع از تصاویر و مینیاتورهای هندی که دراختیار داشته و یا اینکه در منازل رجال و اعیان شهر اصفهان و بخصوص، در کتابخانه سلطنتی رویت میکرده تجربه‌ای اندوخته و درمواردی که میخواسته است، بعضی مناظر و مجالس هندیان و قیافه و حالات آن قوم را در آثار خود جلوه‌گر سازد، استفاده می برده است.

پرواضح است نفوذ بعضی از شیوه‌های اروپائی و مخصوصاً در موضوعات مسیحی و مذهبی، قبل از اینکه در ایران هواخواهانی داشته باشد و هنرمندان را بسوی خود بکشاند، در ولایت هند نفوذ داشته و نقّاشان متعددی نیز بوده‌اند که در آثار خود، شیوه فرنگی را دخالت داده و رنگ و بوی فرنگی بآنها داده‌اند، البته از این نوع برداشت ها هنرمندان ایرانی نیز بی بهره نبوده و اغلب در این تقلیدها و تاثیرها شرکت کرده و درمواردی، از شیوه مخلوط هندی و فرنگی استفاده می نمودند، ولی خوشبختانه در کارهای محمدزمان آن تاثیر واضح و علنی که بعقیده محققین، بآن دیار رفته و هنر آن ولایت را در آثارش متجلی ساخته، دیده نشده و از کلاس مخصوص خود و شیوه اصفهانی اش خارج نگشته است.

بطوریکه از آثار هنرمندان قدیمی هندی مستفاد میگردد، بعلت موقعیت جغرافیائی و رابطه‌ای که با اروپائیان داشته، از قرن ۱۶ میلادی ببعد، شیوه اروپائی بحیطه نقّاشی هندی را ه یافته و از سنوات ۱۵۸۰ م پرتقالیها، با آنها روابطی دایر نموده و برای تبلیغ دین مسیح و اشاعه آن، در بین هندیان، باسمه‌ها و نقوش مذهبی زیادی به اکبر شاه تقدیم و معرفی میکردند که یکی از این آثار، که در متن آن، نقوش مذهبی استادانه‌ای در شیوه اروپائی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

جلوه‌گر گشته بود، انجیل سلطنتی بود، که بوسیله کریستوفر پلانتین بین سالهای ۱۵۶۸ - ۱۵۷۳ چاپ شده و حاوی تصاویری از انگرویتگ های Flemish بود.

این تصاویر و سایر باسمه‌های مذهبی که دراختیار علاقمندان قرار می گرفت، منبع تقلیدی هنرمندان و نقّاشان دربار مغولی هند گشته، و شیوه‌ای در عیار مکتب محمدزمان ایجاد گردید که در بین آثار بیادگار مانده آنان، جلب نظر می نمایند.

یکی از این هنرمندان، استاد مسکین است که در سال ۱۰۰۴ در نقّاشی های دیواری و موضوعات ST John استفاده نموده و حتی در بطن یکی از مینیاتورهای موجود وی نیز، این امر برملا گشته و بخوبی از عهده برآمده است.

در قسمت بناسازی و ارائه پرسپکتیو نیز از این مدلها استفاده برده و تا حدی قوانین آنرا در آثار خود مراعات کرده است.

دیگر هنرمند هندی که از این شیوه‌ها سود جسته نقّاش نی نی است که بسال ۱۰۱۴ هـ. قـ. تصویر حضرت مسیح را در شیوه ایتالیائی ترسیم نموده که حائز اهمیت است و بدین ترتیب، نقّاشان دیگر هندی را نیز سراغ داریم که شیوه فرنگی را در آثار خود دخالت داده و اغلب موفق نیز بوده‌اند.

بطور کلی، پیروان هندی شیوه اروپائی، هیچ کدام بسفر اروپا و هلند و ایتالیا نرفته ولی بدرایت هنری و تمرین های زیرکانه، توانسته‌اند، شیوه آنها را نه در حد صد در صد بلکه تا حد مکفی، استفاده نموده و در انتقال این شیوه‌ها سهم بسزائی را دارا بوده‌اند. و محمدزمان نیز از این امر مستثنی نبوده و بسیاق و مسیر آنها، قدم برداشته و شیوه اروپائی را بحد استادانه‌ای، برداشت نموده است.

نگارنده با وسواس پردقتی که بآثار محمدزمان معطوف داشته‌ام، تقلید بارز و تاثیر آشکار شیوه هندی را در تصاویر نقّاش ندیده‌ام و اگر وجود درناها و یا لك لك و سایر پرندگان دیگر را که در آثار محمدزمان مشاهده می نمائیم، همانا تداعی کنجکاوانه نقّاش است که این پرواز دسته جمعی را، بارها در فضای آبی اصفهان و یا شهرهای رشت و اشرف مشاهده نموده و چون نقّاشی طبیعت ساز بودهو از مشاهدات دور و برخود الهام میگرفته، این نکته علنی را ظاهر ساخته است، و بسیار مضحك خواهد بود که رده درناها را در آثار محمدزمان، مدرك قابل قبولی برای سفر نقّاش به هندوستان دانسته و یادآور شویم که ارمغان سفر سیزده سال و اندی محمد زمان بولایت هند، همانا نقش همین درناها در آسمان بوده که در اصفهان نیز امکان چنین مناظری را دراختیار داشته است.

ودر این باره، اگر محقق دیگری وسواس را قوی تر گرفته و مجلس ونوس و آمور محمد زمان را که به سفارش شخص شاه سلیمان نقش نموده، و کهی ماهرانه‌ای از آثار زادلر هلندی بشمار می آید، مدرك مستدلی قرارداده و اظهار نماید که محمدزمان به هلند نیز سفر کرده و مدتی در آن سامان زندگی نموده و بعضی از شیوه‌های آن دیار را در آثار خود بعهده نقش درآورده است و چه بسا بعید نبود که آن مسئله واهی را نیز با تبعیت از قبولی شیوه هندی باور می نمودیم و قبول میکردیم که نقّاش ما به هلند نیز سفر کرده است. درصورت دیگر اگر یادگارهای بجا مانده نقّاش را که بمناسبتی از موضوعات هندی انتخاب نموده مورد شناسائی دقیق قرار بدهیم، روشن خواهد شد که استاد محمدزمان، در مراحلی که موظف بوده، تصاویر باب موضوع هندی را که بمناسبتی در جزو آثار خود ترسیم نماید، در ارائه صد در صد شیوه آن دیار موفقیت چندانی نداشته، در آن مراحل نیز، شیوه ایرانی و مکتب خاص خود را دخالت داده است درصورتیکه اگر محمدزمان این مدت مدید را در هند زندگی میکرده و بمکاتیب مختلفه آن دیار آشنائی داشته، این نمونه‌های انتخابی بهترین میدانی بوده که می توانسته است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هنر صد در صد آن دیار را در آثار خود جلوه‌گر سازد.

این آثار متنوعه که حقیر بیش از سه تصویر زیبا، در جزو آثار محمدزمان نیافته‌ام، یکی مجلس شاهانه شاه عباس دوم است که سفیر هند و همراهان، درحضور شاه صفوی جلوس کرده‌اند. و دیگری حکایت دختر جوزك هندی، مضبوط در نسخه خمسه نظامی کتابخانه پیرپونت مورگان و سومین آبرنگ وی مجلس شبانه بهرام گور و شاهزاده هندی است که در خمسه نظامی موزه بریتانیا جلب نظر می نماید.

در آبرنگ پرجلال و بزمی بار یافتن سفیر هند بحضور شاه عباس دوم که از طرف اورنگ زیب به این سفر اعزام گشته است، سفیر، لباس هندی مخصوصی پوشیده و کلاه هندیان بسر نهاده و قمه مخصوص آن دیار را بکمر بسته و دو زانو در حضور شاه صفوی جلوس کرده است.

قیافه سفیر را گو اینکه اندکی سیاه چهره و بسان هندیان نشان میدهد، ولی حالت عمومی و ریش و سبیل سفید و سایر مشخصات دیگرش در شیوه اصفهان و مکتب معین مصور انجام یافته و فرقی با سایر مهمانان دیگر ندارد، و در حکایت جوزك هندی، با همه شادابی و حلاوت چهره‌ها و البسه مخصوص هندیان که بتن کرده‌اند ولی از چشمهای درشت و بادامی و کشیده زنان هندی که با آرایش مخصوصی، بزرگی چشم را مضاعف می نموده و یك طرف صورت را دربرمیگرفت خبری نیست و اگر دقیقاً بچهره‌های آنها دقت نمائیم، حلاوت و شادابی زیبارویان ایرانی، در مستوره عمقی صورت آنان ظاهر شده و لوندی عاشقانه مه‌رویان ایرانی را بخاطر می آورد و از دماغ کشیده و ابروان باریك و کشیده زنان هندی نشانه‌ای نمی بینیم، تنها البسه مخصوص و روسری نازك هندی است که در عیار و شیوه آن ولایت نقش بسته و بسان نقوش هندیان جلوه‌گر گشته است.

و یا در مجلس بهرام گور و ملکه هندی که یکی از ممتازترین آثار نقّاش بشمار می آید، ملکه هندی را بجای اینکه با آرایش و پیرایش هندی و البسه ملی آن دیار از قبیل لباس ساری جلوه‌گر سازد، ملکه هندی را باقیافه اروپائی و زینت آلات فرنگی و البسه غیرمعمول زمان نقش نموده و تاجی نیز بسر نهاده و اگر کسی از موضوع انتخابی اطلاعی نداشته باشد، بیقین او را یك زیباروی اروپائی فرض میکند که با یکی از سلاطین شرق در صحبت است.

مسئله قابل اهمیت دیگر، وجود دو قلمدان گل و مرغی پرمهارتی است که هر دوی آنها درموزه کاخ نیاوران مضبوط بوده که یکی از آنها دارای امضای «یا صاحب الزمان» و تاریخ ۱۰۷۰ هـ. ق. را دارا میباشد و اگر تعمق و موشکافی دقیقی درنقش گلها و طرز رنگ آمیزی و ارائه سایه‌ها و نشست و تناسب گلها، و حل کاری و تحریر کناره‌ها و اسکلت قلمدان سازی و سایر امتیازات دیگر آنها بنمائیم درمی یابیم که اجرای این آثار در شیوه ایرانی و مکتب خاص اصفهان انجام پذیرفته و کوچکترین برداشتی از شیوه باب روز کشمیری مأخوذ نگشته است.

در آرایش این دو قلمدان که قدیمترین آثار محمدزمان شناخته شده و عده‌ای از هنر شناسان، شیوه آنها را برداشتی از مکتب هندی شناخته و دلیل سفر نقّاش بولایت هند دانسته‌اند، طرز گل آرائی و تنوع گلها و تحریر جوانب آنها که بطلای رخشان کناره‌گیری گشته و ارائه بعضی گلهای تزیینی که در نقوش هندی دیده نمیشوند و اسکلت مقوائی قلمدانها و نقوش چفت و بست و ساخت مخصوص آنها و سایر رموز هنری دیگر قلمدان نشانگر این واقعیت است که جمله این آثار در ایران بپایان رسیده و در شیوه خاص و خالص ایرانی انجام پذیرفته است.

در اینجا باید یادآوری کنم که مسئله اسکلت و مقواسازی قلمدان یکی از دلایل محکمی است که ثابت می نماید این قلمدان در کجا و بدست چه هنرمندی عمل آمده و بطوریکه خبرگان و مجموعه داران قلمدان میدانند، اسکلت و مقواسازی قلمدانها بخصوص در دوران صفویه بقدری استادانه و ماهرانه و خوش دست و محکم ساخته شده که صنعت مقواسازی آن، متضمن تجربه و شیوه انحصاری و مهارت پرسابقه‌ای است که اجرای آن

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از مقواسازان هندی میسور نیست و فرق بسیار محسوسی بین اسکلت مقوائی قلمدان های هندی با قلمدان های ایرانی دارد که در دید اوّل، معلوم می نماید که این قلمدان در ایران ساخته شده و یا در ولایت هند، و نمونه بارز این مدعا همانا قلمدان سال ۱۰۷۰ هـ. قـ. محمدزمان است که اسکلت مقوائی آن بدست زبدهترین قلمدان سازان ایرانی انجام پذیرفته که هنرمندان هندی را یارای ساختن چنین قلمدانی ممکن نبوده است.

دیگر از نکات برجسته این قلمدانها تذهیب قرینه‌ای و حاشیه‌کشی رویه‌ها و دیواره‌ها است که اغلب بدست تذهیب کاران استاد انجام یافته و مهارت مذهبان اصفهانی را برملا ساخته است.

پیرایش و پرداخت این دو قلمدان، و طرز رنگ آمیزی و تنوع گلها و مخصوصاً ترسیم گلهای فندقی که در آثار هندی کمتر دیده میشوند، به مهارت تمام و دست چینی و جابجائی ابتکارانه، انجام یافته و چشم آذین و پرامتیاز میباشند و این حلاوت و طراوت گلها، که باصطلاح از صورت ظاهر آنها، بوی گلهای طبیعی استشمام گشته و شیوه پرمایه تحریری گل و برگها را عریان میسازد، همانا برداشت پروسواسی است که از آثار تحریری و حل کاری استادش، معین مصور بهرهیاب گشته، که نمونه بارز آنرا در تنها قلمدان استاد معین مصور، در مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی مشاهده میکنیم.

با این اشاره مختصر معلوم میگردد، که قلمدان مورخه ۱۰۷۰ هـ. قـ. و دو قلمدان دیگری که در این زمانها بدست استاد محمدزمان نقش پذیرفته، در شیوه اصفهان و مکتب معمول آن دوران انجام یافته و ربطی بشیوه هندی و کشمیری و مأخوذ از شیوه آن دیار را ندارد.

با ارائه این تفاصیل و تشریح شیوه‌های مخصوص محمدزمان روشن گردید که این نقّاش، هنر تصویرسازی و شیوه‌های مختلف آن را در ایران و بخصوص در شهر اصفهان از استادان مشهور دوران خود از قبیل معین مصور و محمد یوسف و نقّاشان و سایر هنرمندان دیگر معاصرش که تعداد و اسامی آنرا بدست نداریم و همچنین شیوه کلاسیك را از هنرمندان مهمان و مسافر اروپائی که هر کدام به سببی در اصفهان فعالیت می نمودند یادگرفته و رموز و ریزه‌کاریها و قوانین پیچیده و نیرنگ های فنی را بحدت ذهن و پرباری استعداد، دریافت نموده و در آثار خود ارائه نموده است.

و از طرفی کپی و اخذ تقلید از باسمه‌های فرنگی و نقوش اصلی مینیاتورهای ایرانی و هندی که ندرتاً بدستش میرسیده و یا اینکه در کتابخانه سلطنتی می دیده، مؤسس مکتب تازه و نوگرائی گردید که بانگرشی پرمحتوی، شیوه بخصوصی را ارائه نمود که در تاریخ هنری ایران بنام وی ثبت گشته است.

شیوه‌های مترادف و گوناگون محمدزمان، که از روی آثار وی ترتیب یافته، متضمن گونه‌های مختلفی است که باختصار ارائه میگردد.

در ابتدا از گل و گلزار و طبیعت اطراف خود اقتباس کرده و در عنفوان جوانی، موقعیکه باصطلاح در جویای نام بوده، کارهای قلمدانی و گل و مرغی می ساخته و عموماً در رشته‌های روغنی کار میکرده و از آبرنگهای مستقل دوران بعدی وی خبری نبوده است، بعدها که تجربه‌ای حاصل کرده و آثار نقّاشان اروپائی را رویت نموده، به کپی کردن آثار اروپائی اقدام کرده و رموز نقّاشی کلاسیك را با فهم ذاتی و تمرینات مداوم و چه بسا که در خدمت استادان فرنگی، ریزه کاریهای این شیوه را فرا گرفته و در این سبك ها مهارتی پیدا کرده است.

بدین سبب است که در کارهای کلاسیکی وی که عموماً موضوعات مذهبی و مسیحی میباشند، شیوه‌ها کاملاً اروپائی بوده و ارائه پرسپکتیو و نشست سایه‌ها و سایر نکات بارز دیگر دقیق و پرمحتوی است ولی در کارهای اختصاصی وی که، او را شیوه «محمدزمانی» نامیده‌ایم، مراحل پرسپکتیو، سست تر شده و بزرگی و کوچکی اشیاء بمیار و خبرویت ایرانی نمودار گشته و سایه‌ها بی بنیان شده و رنگ ها سلیقه ایرانی بخود گرفته است، در

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این شیوه‌ها است که اغلب نقائصی در اصل طراحی و پرداخت کلی و سایر رموز دیگر هویدا گشته و با کارهای کهن و کلاسیك وی مغایرت پیدا می نمایند.

درآرایش گل و مرغی و بوته سازی که مستقیماً از طبیعت الهام میگرفت و مدل خود را از باغ ها و دشت و دمن انتخاب می نمود، قوی دست و پروسواس بود و کوچکترین نکته‌ای را از نظر تیز بین خود فرو نمی گذاشت و آنچه را که در طبیعت می دید عیناً بروی کاغذ منتقل می نمود، نمونه چند اثر گل سازی نقّاش را که به آبرنگ عمل آورده و یا سایر گل های دیگری که بروی قلمدان ها ترسیم نموده بهترین نمونه این مدعا بشمار می آیند.

شیوه گل آرائی محمدزمان متنوع و پرطراوت بود و برای هر طراحی الگوی بخصوصی داشت. در شروع نگارگری که شیوه گل آرائی را با صنعت تحریر و حل کاری توام می نمود گل ها را بشیوه و عیار باب روز آن دوره‌ها، نقش می نمود و گل و برگها را باطلای درخشان تحریر میکرد.

مثلاً در قلمدان سال ۱۰۷۰ هـ. ق. که رویه آنرا در سه سهم مجزا و دسته گلهای متنوع نشان داده بهترین نمونه حذاقت نقّاش در شیوه تحریر طلائی است.

کناره‌های قلمدان نیز بسیاق آن دوره‌ها دسته گلهای متنوعی است که هریك مستقلاً و تنها در جای خود نقش بسته و بسان نمایشگاه شیوائی است که جمع گلهای چشم آذین، در کنار همدیگر بنمایش در آمده‌اند.

در قلمدان دیگری که در همین زمانها فرجام پذیرفته، علاوه براینکه رویه و کناره‌ها را حل کاری و تحریر نموده، داخل قلمدان را نیز با تبحر فراوان گلسازی نموده و گل فندقی شیوائی در بین دسته گلهای دیگر علاوه کرده و بسان بوستانی از گل و گلزار جلوه‌گر ساخته است.

در قلمدان استادانه‌ای که در موزه ایران باستان قرار دارد، شیوه گل آرائی را عوض کرده و خرمنی از گلهای گوناگون را بروی قلمدان تصویر نموده و رویه آنرا تبدیل به بوستان گلها کرده و نزهت افزا ساخته است.

در کناره‌هانیز بسیاق دیگری، شاخه میخك بلندی را پهن کرده و در جمع گلهای دیگر، دیواره‌ها را پوشانده است.

در قلمدان دیگری که در این زمانها و اوایل زندگی استاد محمدزمان ترتیب یافته، انواع گلها را چه از نظر رنگ و حلاوت و چه از لحاظ تعداد و تنوع به استادی و مهارت عمل آورده و لیاقت خود را در محیط یك قلمدان به منصه ظهور رسانده است.

در رویه قلمدان انواع گلها را بسان حالاتی که در طبیعت دیده می شوند، بتردستی ترسیم نموده و در کناره‌های آن نیز، گلهای کوکبی برازنده‌ای بطریقه تحریری و رنگ حقیقی، که در مسیر دورانی بخصوصی بسان حلقه زنجیر مانندی، جوانب قلمدان را طی نموده، بدقت و نازك قلمی پرتحسینی، تصویر کرده که در نوع خود کم نظیر میباشد.

زیر قلمدان نیز بهمین طریق حل کاری و مرغشی گشته و داخل و زیر درب جعبه آن نیز، گلهای کوکبی پرآذینی در جمع گلهای شیوای دیگری نقش بسته است.

شیواترین و رویائی ترین نمونه گل آرائی این استاد، گلهای تك شاخه‌ای است که همه آنها را جهت پیشکش شاه سلیمان تهیه کرده و در ارائه زیب افزائی و طراوت آنها واقعاً سنگ تمام گذشته است.

یکی از این گلها، شاخه گل بادامی است که به شیوائی و حلاوت و رنگ آمیزی تحسین انگیزی، مصور ساخته و بسان یك شاخه طبیعی، بروی کاغذ جا گرفته است. دیگری شاخه گل نرگس شهلا و آن یکی دسته سنبل کوهی است که از لحاظ شادابی و طراوت، دل انگیز میباشند.

رنگها در ارائه این گلها، چنان شاداب و ملایم و حالت گلها چنان آرام و باطراوت است که زبان از تحسین

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

باز می ماند، این گلها که به قوی دستی و چشم نوازی تصویر شده، به یقین جهت عرض تبریك و یا بیمن اعیاد مذهبی و عید نوروز است که از طرف نقّاش، بشاه صفوی عرضه شده و زینت بخش مرقعات سلطنتی گشته است.

هنر گل آرائی دیگر این استاد که اغلب در زمینه تصاویر نقش کرده، گلهای ریز و کوچکی است که بسان گلهای وحشی، در مرغزارها و چمن زارها روئیده و طراوت صحنه‌ها را باصفاتر کرده است.

انواع گلهای دیگر محمدزمان که در مجلس آرائی استفاده کرده، نقوش هندسی و گلهای تزیینی و غیرطبیعی است که بعنوان تفنن و تزیین، در متن فرشها و البسه افراد و پارچه‌ها و در بطن تذهیب های گوناگون ترسیم نموده، که در حد خود ستودنی هستند.

محمدزمان تنه درختان را ترك دار و فرسوده می کشیدمو بسان پوست سوسماری عمل می آورد و برگهای آنرا اغلب بادامی شکل و دست چین نشان میداد و درمواردی درخت شکسته‌ای نیز علاوه می نمود که باغ مشجر را طبیعی تر جلوه‌گر سازد.

در ارائه دشت و دمن و باغ و باغات و فضاهای مشجر، صفا و طراوت را مراعات میکرد و قوانین مناظر و مرایا را که در منظره سازی، صعوبت پردقتی نداشت، صحیح عمل می آورد.

ریشه درختان را بالا آمده و رگه‌دار نقش میکرد که درمواردی، از زیر خاك نیز بیرون آمده و بطور وضوح دیده می شدند.

در خیابان سازی و ارائه درختان کنار خیابان، به یك شیوه پابند بود و آنرا، بطریقه قانون مناظر و مرایا زیبا و دقیق عمل می آورد، نمونه اینگونه خیابان ها را، در پنج اثر ممتاز وی می بینیم که به یك شیوه عمل آورده و اختلاف بسیار جزئی با یکدیگر دارند.

رنگ درختان و برگهای متنوع آنان را چشم نواز و پرحالت می کشید که با تغییر فصل ها نیز تغییر پیدا می نمودند در ارائه درختهای شکسته که نمونه‌های زیادی را سراغ داریم، عمق حقیقی را چنانکه باید و شاید در نیافته و سطحی عمل کرده است بدین، معنی که اغلب درختان شکسته را، با تنه تنومند و قد کوتاه ترسیم کرده و بسیار بعید بنظر میرسد که وزش بادی هر چند هم که سریع تر باشد، بتواند چنان تنه تنومندی را شکسته و به پوسته روئی و نازك خود مهار سازد. مگر اینکه فرض کنیم، هیزم شکنی درخت مذکور را بریده و موقعی که نزدیك با تمام بوده، آنرا بحال خود رها کرده و سپس بوسیله باد شدیدی که در آن نواحی می وزیده، درخت را شکسته و بکناری انداخته است.

در نقش ایرها، شیوه کلاسیك را دنبال میکرد و آنها را طبیعی و متناسب باتنوع منظره‌ها ترسیم می نمود، غلظت و برآمدگی آنها، بسان پنبه‌های سفید و منظمی بودند که با سایه‌های دقیق و رنگهای تیره و روشن، مخلوط گشته و بسان ابرهای طبیعی سبکبال و روان گشته‌اند.

ابرسازی وی نیز یکی از علائم، تصویرگری نقّاش بشمار می آمد و از دیگر نقّاشان متمایز می ساخت.

او رده‌های ابرهای پائینی را مسطح و هموار، بسان تیرهای چوبی بلندی که در فضا مهار گشته‌اند، تصویر می نمود و سپس بروی زمینه آنها، خرمنی از ابرهای پنبه‌ای را که غلظت و پیچیدگی پرعظمتی را دارا بودند علاوه می نمود و حالت رویائی و طبیعی به آنها میداد.

پرسپکتیو را در موضوعات کهی و تقلیدی در کمال دقت انجام میداد، ولی در سایر آثاری که از تخیل واقعی و ابتکار ذاتی اش جان میگرفت، عنان تقلید را رها کرده و بمعیار نقّاشان قدیمی ایرانی ندیده میگرفت. و این حدس پیش میآمد که چون در این باره، تعلیمات کلاسیکی نداشته، برموز و دقایق ظریف مناظر و مرایا وقوف

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کاملی نداشته است.

و روی این نکته است که کارهای اقتباسی و برداشتی وی که از روی باسمه‌ها و سایر مدل ها استفاده کرده کاملاً رنگ اروپائی داشته و از هر نظر بااصول فنی و متداولی آن دیار مطابقت داشته و اگر امضا نداشت بیننده را در شك و تردید قرار میداد و تصویر را از آن نقّاش اروپائی میدانست.

دراین تصاویر، شیوه و حالات قیافه‌ها و پیچ و خم پارچه‌ها و طرز حالات و قیافه‌های نفرات و ترسیم قصور و عمارات و حتی رنگها و سایر نکات مشخصه نقّاشی، با فکر و تخیل یك هنرمند اروپائی توام یافته و در قالب معیار فرنگی است و اگر با دقت و تیزبینی پروسواسی به طرز قرار گرفتن افراد و عیار نشست سایه ها و اجرای صد در صد قوانین پرسپکتیو و سایر نکات قانونی فن تصویر، نظر بیندازیم خواهیم دید که در این آثار باصطلاح کپی شده و یا مونتاژی وی که از روی مدل ها و تخیل نقاشان تعلیم یافته اروپائی رنگ گرفته، تصاویر، حالت حقیقی و کلاسیك پیدا کرده و بسان قطعه عکسی، آن چنانکه بوده عیان گشته است، ولی در سایر آثار محمدزمان که به مناسبتی از بینش و تخیلات نقّاش الهام گرفته، عنان تقید از بین رفته و آنچه را که در خیال داشته عریان ساخته و به ابتکار خود خلق کرده است.

تنها استثنائی که در مورد پرسپکتیو می شود ابراز داشت، همانا اجرای دقیق مناظر و مرایا در منظره‌پردازی و ارائه باغ و باغات و فضای مشجر است که در این موارد نقصی نداشته و آنها را کاملاً طبیعی و قانونی رسم نموده است.

از جمله اشتباهات و نواقص علنی محمدزمان که ثابت می نماید این هنرمند بخارج نرفته و بقوانین دقیق پرسپکتیو آشنا نبوده است. تصویر مجنون در صحرا است که جماعتی از اقوام و نزدیکان، پهلوی وی آمده و او را اندرز می دهند، این آبرنگ پرجلال که سابقاً در مجموعه «ادوین بینی» بوده و حالا دراختیار یك مجموعه‌دار ایرانی است و نگارنده چندین بار در گالری کل ناقی لندن، به هنگام نمایش آثار ایرانی که در آن گالری ترتیب یافته بود دیدار نموده‌ام، علاوه برانیکه اصل تصویر، نفیس بوده و در حد خود از شاهکارهای نقّاش بشمار میآمد، ولی در اجرای صحیح قوانین مناظر و مرایا سست بوده و بطور وضوح، نقص اجرای کار عریان میگردد.

مثلاً اندازه شتری که بروی زمین نشسته، باشخصی که لباس سبز پوشیده و مجنون را دلداری میدهد، چندان تفاوتی ندارد و یا جثه و هیکل دو شیر غران که روی زمین دراز کشیده‌اند، با دو نفر شخصی که ایستاده و نشسته‌اند، و حتی خود مجنون که میبایستی نحیف بوده باشد، چندان فرقی نداشته و جثه‌های شیرها، از انسانهائی که در دورتر تصویر شده‌اند، کوچکتر دیده می شوند. تصویر شماره (۷۵) در صفحه (۹۹۱)

و یا خود مجنون اگر سرپا بایستد و تمام قد خود را ظاهر سازد، از قد شترها بلندتر خواهد بود.

بطور کلی طرح و برداشت اسکلت تصویر، تخیلی بوده و از حیطه پرسپکتیو و قوانین دقیق آن، فاصله دارد و بسان این می ماند که این تابلو، در دو قطعه جداگانه تصویر شده و سپس بیکدیگر تلفیق گشته‌اند. یعنی نقش مجنون و دو نفر مخاطبی که در حضور وی قرار گرفته‌اند با قطعه پایین تری که نقش شترها و آهوان و شیرها را در بردارد، هم آهنگی نداشته و باصطلاح با یکدیگر نمی خوانند.

بهرحال این نکته دقیق تر، که در بعضی از آثار دیگر نقّاش نیز، کم و پیش عریان میگردد، از دلایل عمده دیگری است که این استاد، کلاس نقّاشی خارج از ایران را درك نکرده و تنها تجلی استعداد نقّاش و قوه تخیل پرقدرت استاد محمدزمان است که این رموزات را بمدد حدس و قیاس یادگرفته و در آثار خود بنحوی از انحاء دخالت داده است.

درصورتیکه اگر واقعاً به پایه‌های ابتدائی و در حقیقت به پله اوّل قوانین پرسپکتیو که می بایستی در روزهای

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اولیه تعلیم نقّاشی، در شهر رم واقف می گردید، آشنائی داشت و این قانون تغییر ناپذیر را که عبارتست از «آنچه بما نزدیك تر است بزرگتر است از آنچه بما دورتر می باشد» بکار می بست، کوچکترین ضعفی، نمی شد در آثار وی مشاهده نمود.

برای صحت گفتار خویش، یکی از نمونه‌های امضادار محمدزمان را که بسالیان ۱۰۸۶ هـ. قـ. پایان پذیرفته و درنمایشگاه ها نیز ارائه گشته و عکس و تفصیلات آن هم چه در ایران و چه در خارج منتشر شده، انتخاب نمودم که از لحاظ اجرای قوانین پرسپکتیو مورد مداقه قرار بگیرد.

این اثر ارزنده همانا «ظاهر شدن سیمرغ در حین تولد رستم» می باشد که در اندازه ۲۶×۴۵ سانتی متر بوده و جزو آثار محمدزمان، در مجموعه کتابخانه چستر بیتی قرار گرفته است.

نگارنده این اثر چشم نواز را کراراً در نمایشگاه Leighton House Gallery از نزدیك دیده، علاوه براینکه به مهارت و تردستی نقّاش صحه گذاشته و آفرین ها گفته‌ام، ولی ضعف و سستی بارزی را که در زیر پا گذاشتن قوانین پرسپکتیو، در آن آبرنگ مشاهده کرده‌ام، نتوانسته‌ام همچنان سرسری گرفته و آنرا نادیده انگارم و با خود چنین گفته‌ام، آیا محمدزمانی که به عقیده بسیاری از محققین ایرانی و خارجی به رم رفته و قوانین و فنون مختلفه تصویر سازی را تکمیل کرده و تا اجرای تاریخ این اثر نیز حدوداً ده سال و اندی، تجربه آموخته، چطور این اشتباهات علنی را مرتکب شده و در اجرای قوانین دقیق پرسپکتیو سستی نشان داده است.

یکی از نقایص علنی این اثر، تصویر منظم و هندسی کاشی های شش گوش کف اطاق است که بعیار پیشینیان از قبیل استاد احمد موسی و سایر استادان نامی که عادت داشتند کاشیهای زمینه اطاق را بسان کاشی های یك دیوار تصویر کرده و کف و کناره ها را یکسان ترسیم نمایند، نقش کرده است.

و این عیار، در آثار جمله نقّاشان ایرانی که در شیوه خاص ایرانی نقش می آفریدند، دیده میشود. ولی اجرای این عمل ناشیانه، از محمدزمانی که به عقیده عده بسیاری از محققین، کلاس نقاشی خارج از ایران را دیده و تجربه ها آموخته، شایسته بوده که نکات اولیه رموز نقّاشی کلاسیك را که همانا اجرای صحیح قوانین پرسپکتیو باشد، بطرز کامل و دقیقی اجرا نموده در آثار خود ظاهر سازد.

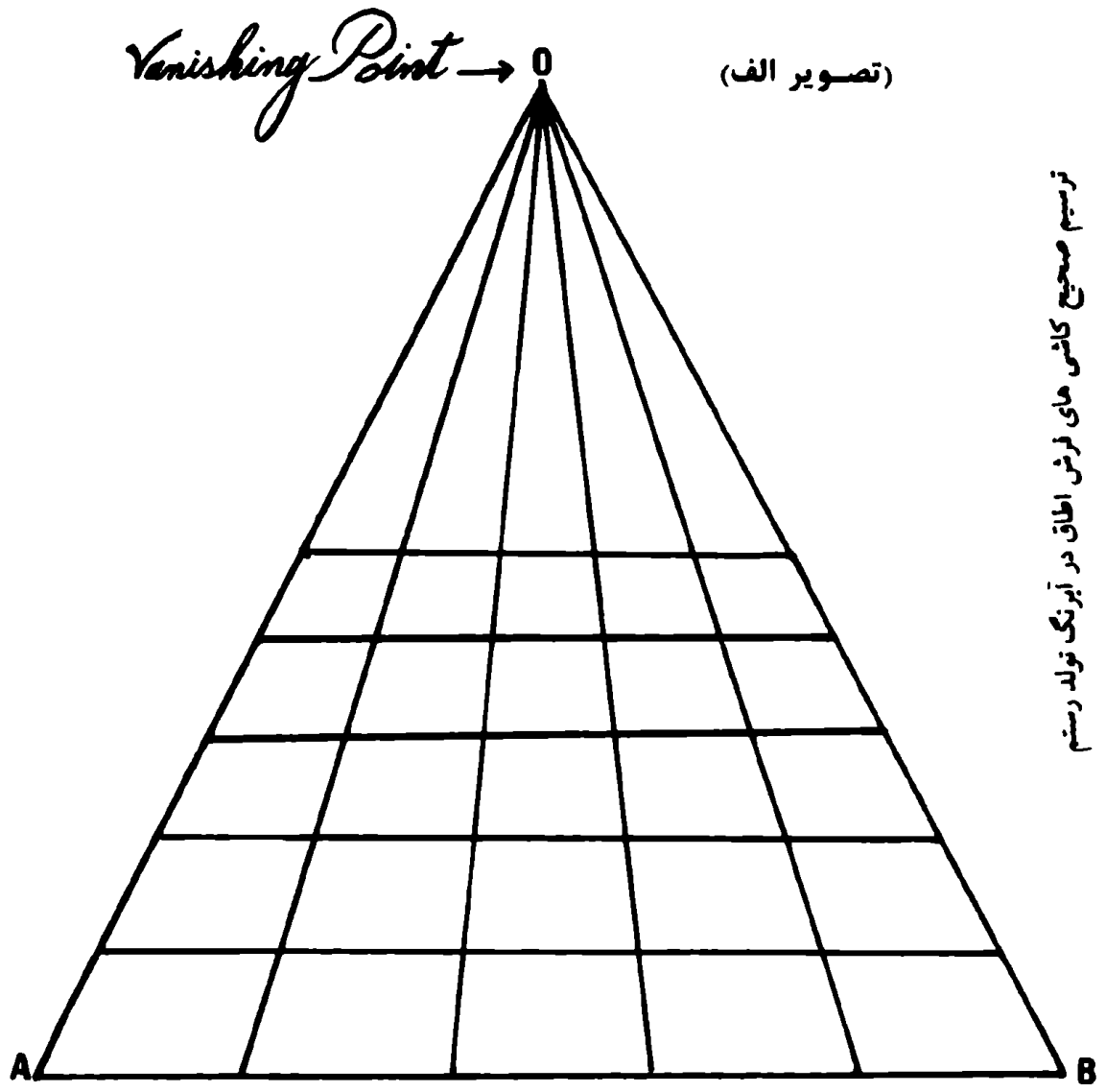
در این کاشی ها که نکته اصلی آن، برمبنای شش ضلعی قرار گرفته، در تمام کف اطاق بسان اینکه بروی دیواری نقش بسته، منظم و یك اندازه ترسیم گشته است و ما اگر میخواستیم نقش این کاشی ها را بروی دیواری ترسیم نمائیم، هیچ اشکالی نداشت و چون نقطه نظر دید ما از روبرو بود ابرادی برآن متصور نبود، ولی اگر همین کاشی ها را در کف اطاق بکار می گرفتیم، فورم و شکل آن، در حیطه قوانین پرسپکتیو تغییر پیدا کرده و بگونه دیگری مجسم میگردید. و ما جهت اینکه این تغییر را برای علاقمندان آشکارسازیم طراحی ترسیم کاشی ها را بشیوه قوانین پرسپکتیو ترسیم نمودیم که اگر نقّاشی، پای بند اجرای صحیح قوانین مناظر و مرایا در آثار خود بوده و می خواسته، همین کاشی ها را در کف اطاقی نمایش دهد، ناچار بوده که طراحی اولیه را چنین ترسیم نماید. (تصویر الف) در صفحه ۷۶۱

اشتباه علنی دیگری که در این تصویر مشاهده میگردد، نقش منقل آتشی است که در وسط اطاق جلب نظر می نماید، ما برای اینکه ترسیم اصلی منقل را بطور وضوح نشان دهیم، شکل منقل را بزرگ کرده و سپس روی خطوط اصلی منقل که شایسته بوده با قوانین پرسپکتیو مطابقت داشته باشد، مطالعه می نمائیم.

متأسفانه استاد محمدزمان طرح اولیه منقل آتش را برخلاف قوانین پرسپکتیو، اشتباه ترسیم نموده و بجای اینکه خط انتهائی منقل را (خط CD) کوچکتر از خط اولیه ترسیم نموده-و اشتباه علنی خود را ظاهر ساخته است، ما در اینجا خطوط کناری منقل را امتداد داده و معلوم ساختیم که این خطوط فرّار که بطرف (O) نزدیك

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



(تصویر الف)

ترسیم صحیح کاشی های فرش اطاق در آبرنگ تولد رستم

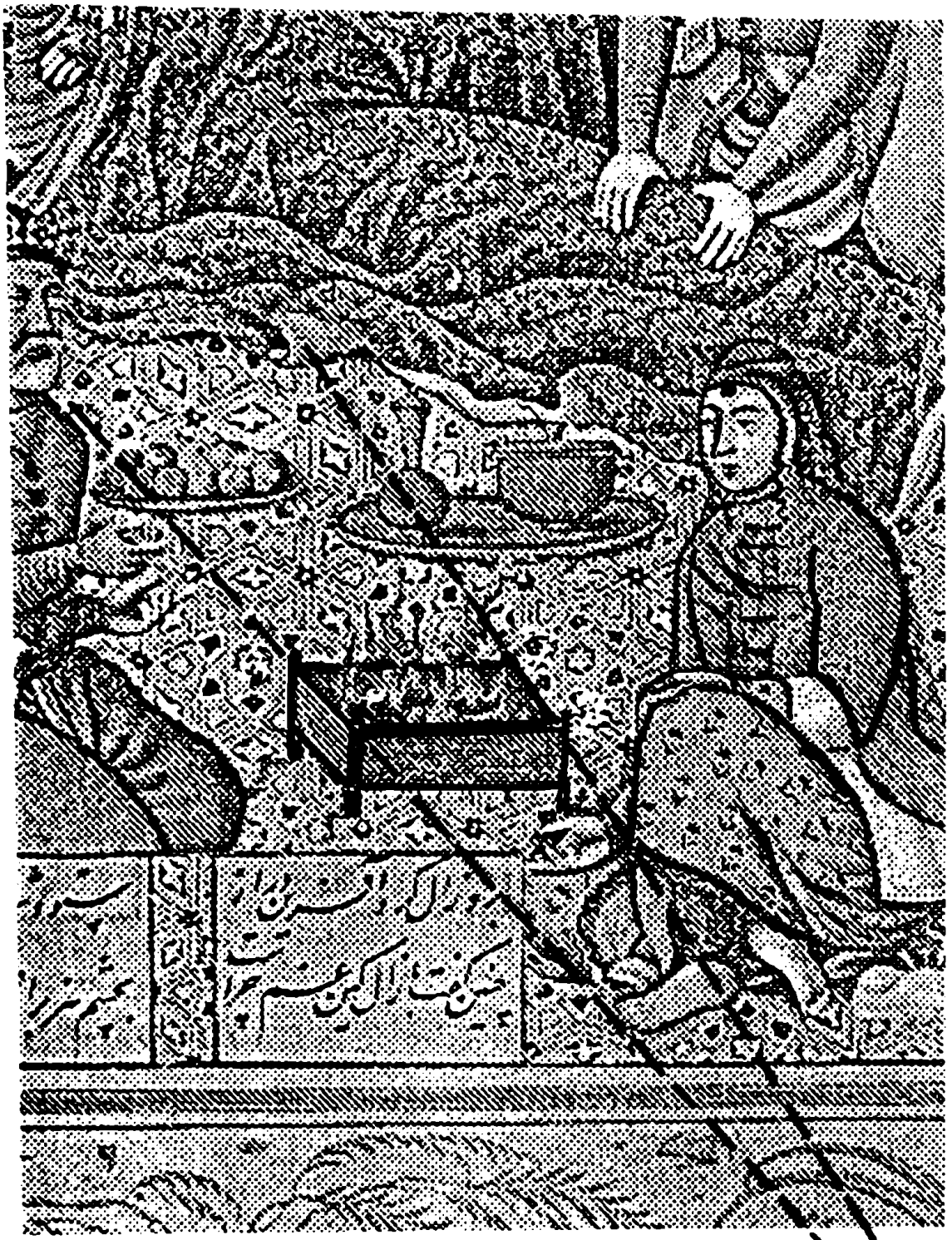
تر می شوند، لازم بوده مطابق قوانین مناظر و مرایا در نقطه (O) همدیگر را تلاقی نمایند، درصورتیکه این عمل در تصویر محمدزمان برعکس تصویر شده و خط اولیه منقل که بما نزدیك تر بوده بزرگتر از خط دومی منقل که بما دور بوده ترسیم شده است. (تصویر ب) در صفحه ۷۶۲

و ضمناً برای اینکه خوانندگان گرامی را به اجرای اصولی پرسپکتیو در این تصویر آشنا سازیم، اندازه اصلی منقل آتش را از روی اصل تصویر برداشت کرده و با اصول صحیح پرسپکتیو ترسیم نموده که در (تصویر پ) ملاحظه می فرمائید. در صفحه ۷۶۳

ابتدا خط AB را که اندازه آن به همان اندازه تصویر نقش بسته ترسیم نمودیم و سپس نقطه (O) را تعین نموده و خطوط فرار پرسپکتیو را رسم کردیم، و سپس خطوط (CD) و سایر خطوط کناری منقل را ترسیم نمودیم که در نتیجه خط (AB) که بما نزدیك تر بوده، بزرگتر از خط (CD) که بما دورتر است ترسیم شده و قوانین مناظر و مرایا، به صحت و اصول اصلی اش ارائه گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

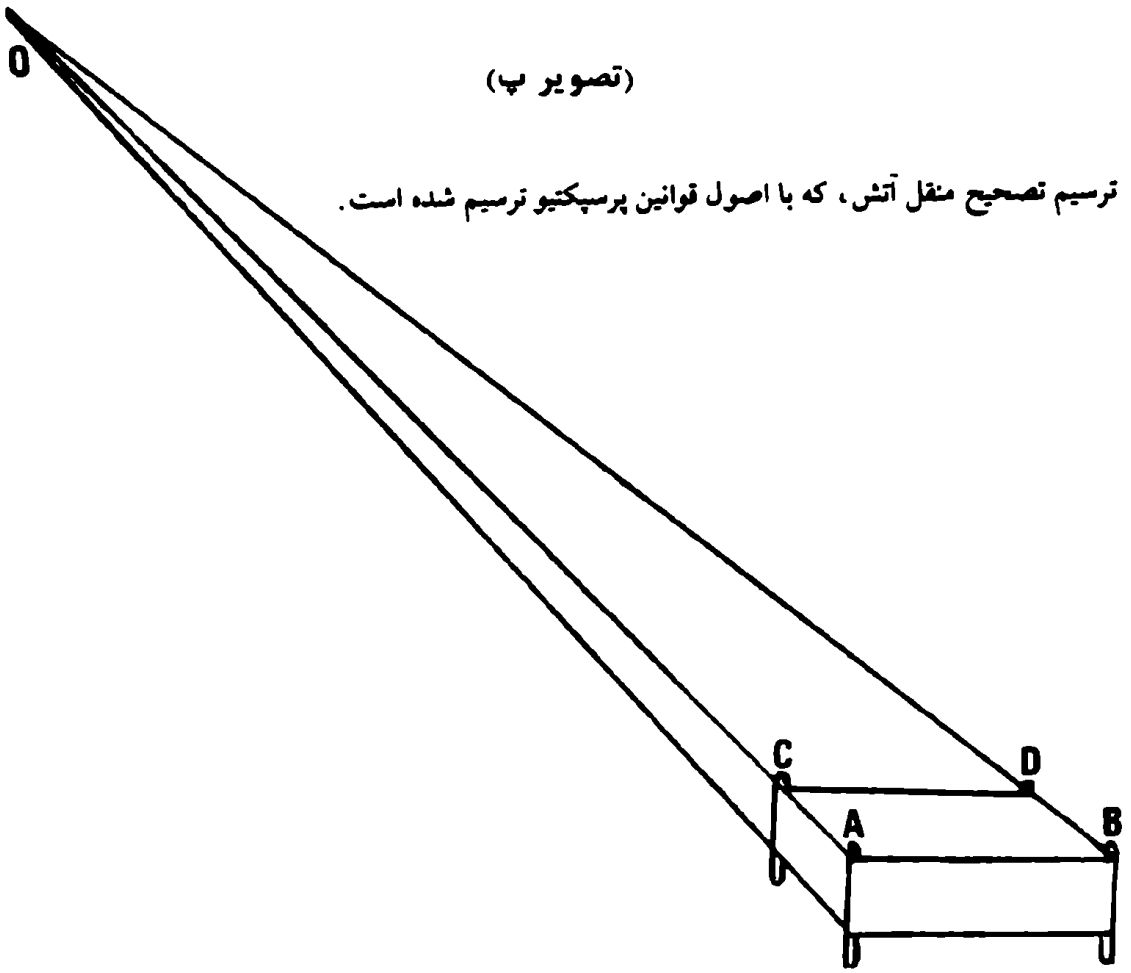


(تصویر ب)

ترسیم اشتباه منقل آتش ـ توسط محمد زمان.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



(تصویر پ)

ترسیم تصحیح منقل آتش، که با اصول قوانین پرسپکتیو ترسیم شده است.

دیگر از اشتباهات علنی پرسپکتیو درآثار محمد زمان، تصویر قصرسنگی است که فرهاد کوه‌کن به تیشه خود تراشیده و در کنار آن خودکشی کرده است (تصویرت) در صفحه ۷۶۴

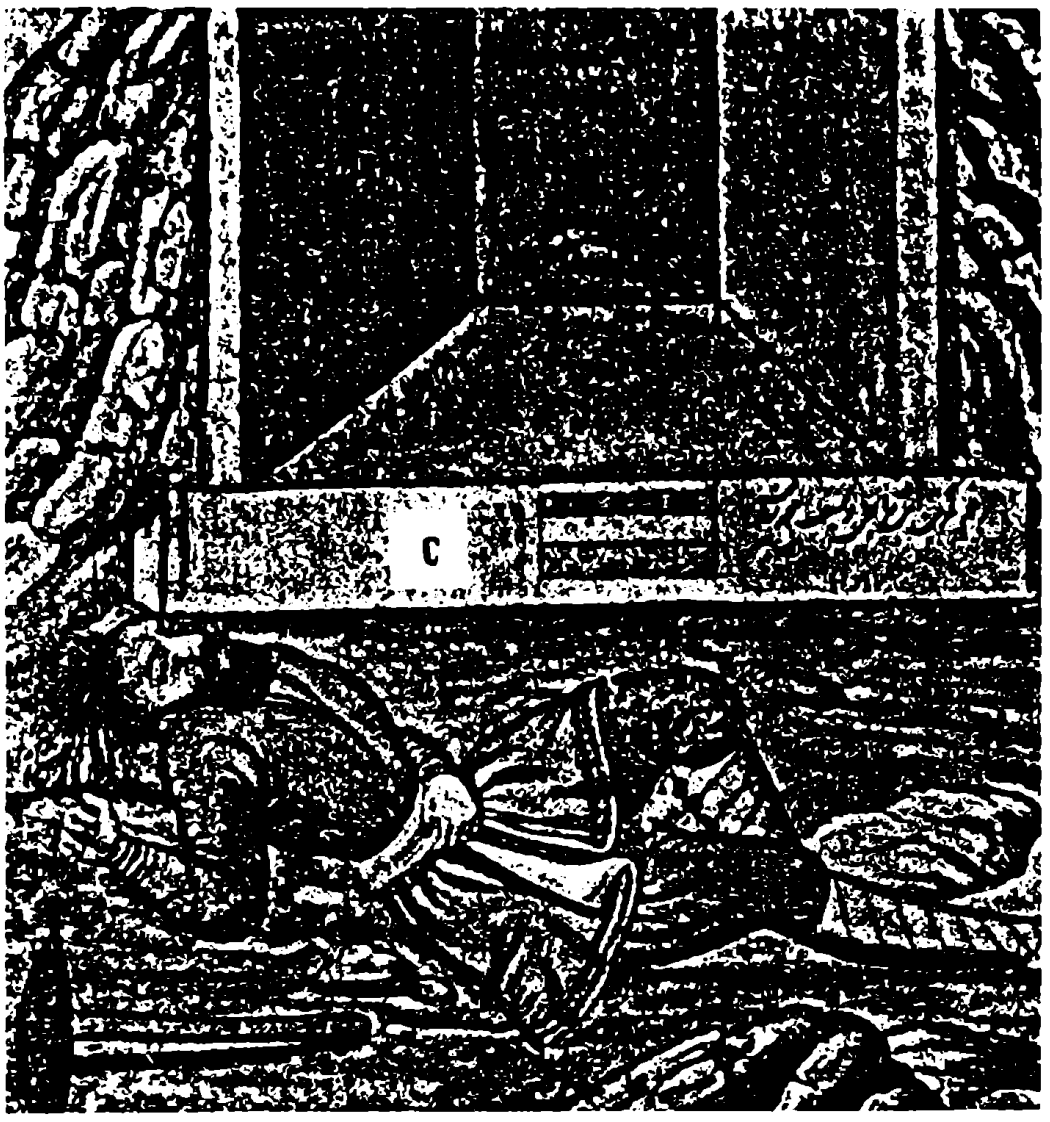
دراین اثر رقم دار که امضای «رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد زمان ۱۰۸۷» را داربوده و جزو سه تصویر نسخه خمسه نظامی مضبوط در کتابخانه مورگان به شمار می آید، خطوط کناره‌ای چپ قصر رااشتباهی ترسیم نموده و در حقیقت دو نقطه O برای یك مسیرانتخاب کرده و حلاوت اثر را خنثی نموده‌است.

دراین باره دو طرح اصولی اطاقك را که به پرسپکتیو صحیح انجام یافته ترسیم نموده‌ام (تصاویر ث) که‌اگر دید، این اطاق از روبرو معلوم می گشته و نقطه O در وسط قرار می گرفته، می بایستی تصویر به شکل (A) ترسیم می شده واگر نظر نقّاش این بوده که فقط دیواره سمت چپی را که انحراف مختصری به پایین دارد، ترسیم نماید مجبور بوده که مطابق قوانین مناظر و مرایا، او را بسان شکل (B) ترسیم نماید، که البته در اصل تصویر، که امضای محمدزمان را دربردارد شکل (C) می بینیم که به هیچوجه بااین طراحی های اصولی مناسبتی ندارد و محمد زمان در ارائه صحیح پرسپکتیو دراین تصویر نیز، دچار اشتباه علنی گشته و از درج صحیح آن عاجز بوده‌است. ـ تصاویر (ث) A و B در صفحه ۷۶۵

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

(تصویر ت) C



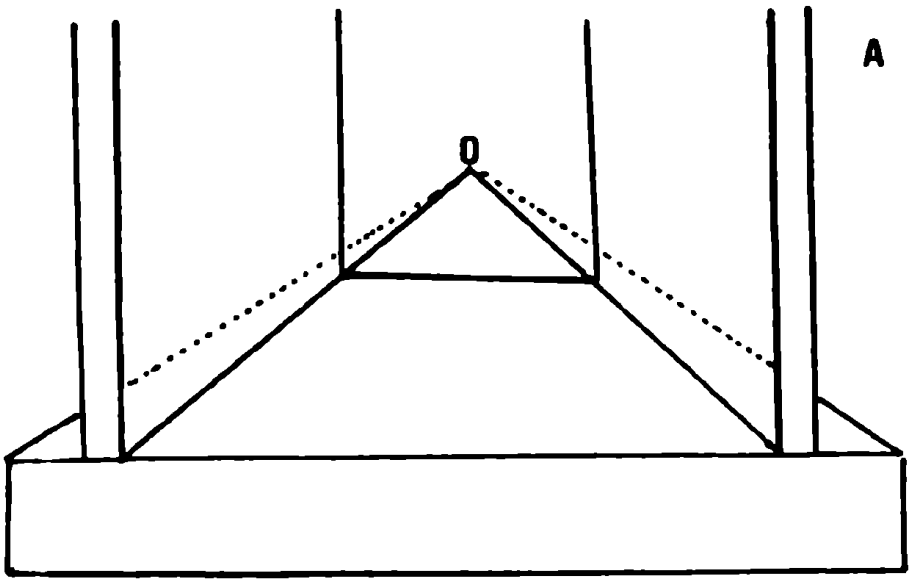
محمد زمان در این تصویر، اطاق را اشتباهی ترسیم نموده و بجای اینکه منظره اطاق را از روبرو ترسیم نماید، از طرف چپ نیز ادامه داده و دو مسیر دید، برای اطاق ساخته است.

دیگر از نقایص قوانین پرسپکتیو که درآثار بجامانده نقّاش به چشم می خورد، تصویری در خمسه نظامی سالیان ۹۴۶ و ۹۵۰ هـ. قـ. است که در بریتیش میوزیوم قرار گرفته و تصویر مذکور را محمد زمان در سال ۱۰۸۶ به عهده نقش درآورده‌است. رنگ آمیزی و قدرت قلم این آبرنگ واقعاً یکی ازشاهکار های محمد زمان است که به اصطلاح سنگ تمام گذاشته و به استادی به فرجام رسانده‌است. ماوقع حکایت زن جوانی به نام فتنه است که لباس بنفشی پوشیده و دامن سفید و توری زیبایی روی شلوار سبز و رگه دار پوشیده و گاو فربهی را به پشت گرفته و حضور بهرام گور می برد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

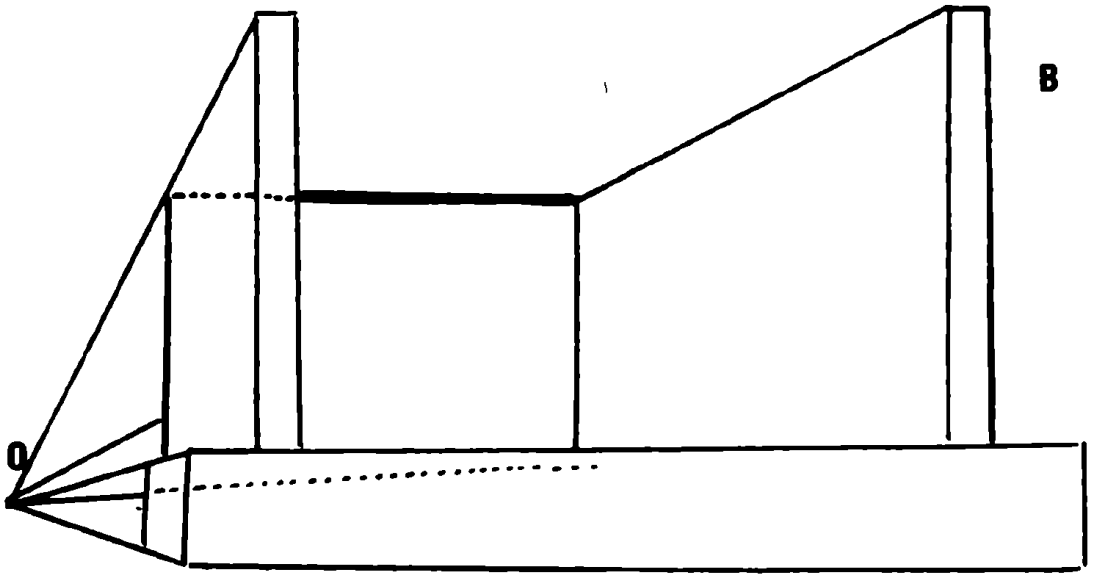
tarikhema.org

(تصویر ث)



در این تصویر، اگر دو تا دید داشته باشیم، هریکی را مستقلا می شود اینطور ترسیم نمود. در صورتیکه محمد زمان هر دو دید را، در یك جا نقش نموده و اشتباه ترسیم کرده است.

(تصویر ث)



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بهرام گور که در صدر مجلس نشسته و پشتی زربفت و اثاثیه طلایی در حضور دارد، شراب می خورد. لباسش سبز و چشم آذین و کلاهش طلایی است. خدمه‌ها و رجال درباری و مهمانان که هر کدام البسه مزین و پربهایی پوشیده‌اند، نشسته و ایستاده دیده می شوند، نوازندگان، دف و ساز بدست گرفته و ترنم می نمایند.

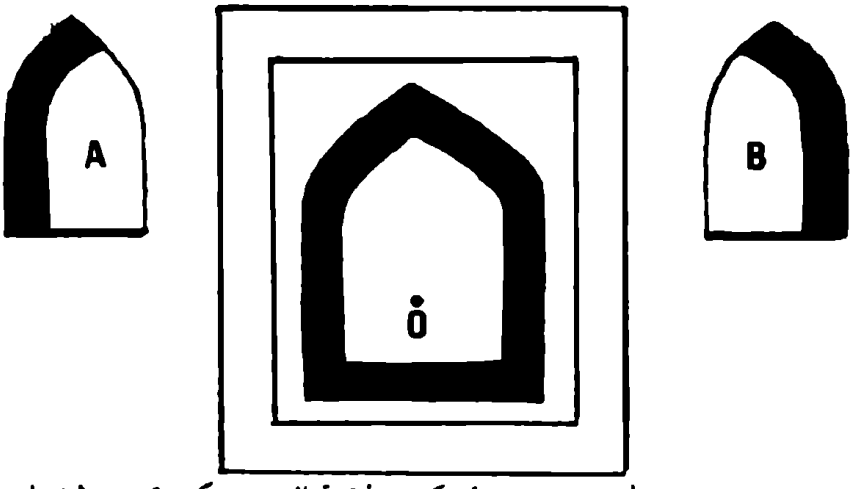
ساختمان قصر والبسه و حالات نفرات و سایرآرایش تصویر استادانه بوده و به خط ریزی رقم نهاده: «به رقم کمترین بندگان محمد زمان اتمام یافت ۱۰۸۶» (تصویر ج) در صفحه ۷۶۷

اما با درنظرگرفتن عظمت هنری و سایر امتیازات آبرنگ که واقعاً شایسته هزاران تحسین است، در اجرای صحیح قوانین پرسپکتیو، و در ارائه پنجره ها و قوسی کنار پله ها، نقص عمده‌ای مرتکب شده و دید خود را از دو نظر متفاوت ترسیم نموده و درنتیجه سایه بیشتر پنجره دست راستی، موازی سایه بیشتر پنجره بزرگ و وسطی تالار، واقع گشته ولی سایه بزرگتر و ضخیم تر پنجره دست چپی، که می بایستی در موازی سایه بیشتر پنجره بزرگ و وسطی تالار، قراربگیرد، اشتباه ترسیم نموده و سایه بیشتر پنجره کوچك دستی، از مسیر اصولی خارج شده و برعکس ترسیم شده‌است. و در همین عیار، دو هلالی آجری کنار پله‌ها نیز، با سایه اشتباه ترسیم شده و قانون مناظر ومرایا را که می بایستی به یك نقطه، معطوف می گشته‌اند، بدو نقطه گرایش یافته‌اند.

این اشتباه علنی نیز، یکی از دلایل مستدل و قابل باوری است که ثابت می کند محمد زمان به ایتالیا و شهر رم نرفته و دراجرای صحیح قوانین پرسپکتیو ضعف داشته‌است.

درطرح ساده و صحیحی که از ترسیم پنجره بزرگ تر وسطی و دو پنجره کوچك چپ و راستی که در (تصویر ج) کشیده‌ام، هردو پنجره و سایه آنها، به نقطه O و وسط پنجره بزرگتر، معطوف گشته و صحیح می باشند، ولی با مداقه به‌اصل تصویر، درخواهید یافت که پنجره دست چپی، یعنی B ، انحراف حاصل نموده وسایه اش به نقطه نامعلومی گرایش پیدا کرده و قوانین پرسپکتیو را مختل ساخته است. و به همین ترتیب، هلالی های کنار پله ها نیز اشتباه بوده و غلط ترسیم گشته است. و باز در همین زمینه ها، نقص حوض فواره دار صحنه ملاقات افراسیاب با گرسیوز است که در شاهنامه متروپولیتن دیده می شود، دراین تصویر، عکس اصلی حوض را بزرگ کرده و با خطوطی به موازات نقش اصلی ادامه داده‌ام، اشتباه محمد زمان را درامر قوانین مناظر ومرایا، برملا

(تصویر ج)



تصویر صحیح پنجره‌ها و درب روبروئی که بر طبق قوانین پرسپکتیو ترسیم شده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر اشتباه پنجره‌ها که توسط محمد زمان بنقش در آمده و طبق قوانین پرسپکتیو صحیح نمی باشند.



(تصویر ج)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کرده و آشکار ساخته‌ام که این نقّاش، با همه استادی ماهرانه‌ای که درامر تصویر داشته، در بکار برد قوانین پرسپکتیو، ناتوان بوده‌است. (تصویر ح) و برای آشکار ساختن ترسیم صحیح حوض داخل ایوان، طراحی ساده‌ای ترسیم کرده‌ام (تصویر خ) که اختلاف این دو تصویر را به خوبی ملاحظه می فرمایید صفحات ۷۶۹ و ۷۷۰

درتصویر کارمحمد زمان، ترکیب اصلی حوض مستطیل شکل، قیافه اصلی خود را از دست داده و با علم به این که، بااصول فنی پرسپکتیو می بایستی خط C ازخط D کوچکتر باشد برعکس تصویر نموده و خط D رااز C کوچکتر گرفته است، باطراحی ساده‌ای که در مسیر اصلی محمد زمان ترسیم نموده‌ام به سادگی در می یابید که‌اگر قوانین اصولی مناظر و مرایا دقیقاً ترسیم گردد علاوه براین که تصویر حالت طبیعی پیدا کرده و به چشم صحیح می آید، در نتیجه بااصل فرمول قوانین پرسپکتیو که معلوم می نماید (آنچه به مانزدیك تراست بزرگتراست از آنچه به ما دورتر می باشد) مطابقت داشته کما این که درطراحی ساده نیز خط B از خط A که به ما دورتربوده بزرگتر ترسیم گشته‌است.

در موارد دیگر و نقض قوانین پرسپکتیو، نمونه های دیگری نیزدر آثار محمد زمان مشاهده می گردد که از بحث دقیق تر و بیشتر آن خودداری می نماییم.

ودراین زمینه بنا به گفته کرنلیس بروین جهانگردی که به سال ۱۱۱۵ هـ. قـ. وارد اصفهان شده، علاوه بر اینکه از هنر دوستی ایرانیان یاد نموده، راجع به هنر نقّاشی استادان ایرانی چنین نوشته که نقّاشان ایرانی کارهای بسیار زیبایی می سازند، اما از پرسپکتیو و سایه روشن اطلاعی ندارند ولی رنگی که آنها به کار می برند، از جمله رنگ های بسیار نجیب و عالی است.

محمد زمان نیزازاین امر مستثنی نبوده و در مواردی نه زیادتر، چون به عمق مناظر و مرایا وارد نبوده، ضعف نشان داده و اشتباهی ترسیم کرده‌است.

و باز اگر در جزئیات آثار وی دقیق تر باشیم، چین های لایه دار و افتادگی و لرزانی پارچه ها و البسه نفرات، در آثار تقلیدی وی که‌از روی باسمه ها انجام یافته، به خاطر ارائه قدرت هنری اش سنگ تمام گذاشته و بسان نقّاشان اروپایی، دقیق و طبیعی کشیده، ولی در ارائه پیچ و تاب لباس های انتخابی و ابتکاری خویش، که صحنه های شرقی را جلوه‌گرمی ساخته، سبکتر گرفته و به چند چین و تاب ساده اکتفا کرده‌است.

البته ناگفته نماند، این نقایص مشهود و علنی را، که به‌اختصار بیان داشتیم نباید برداشت عنادی و خصمانه‌ای گردد، که‌محمد زمان نقّاش کم پایه و بی مایه‌ای به حساب می آمده و آثارش از مزیت اصولی و عمق هنری بی بهره بوده‌است. ، بلکه نظرمان در ارائه این نقایص آشکار، همانا اثبات و تأکید دلایلی است که عقیده داریم، این هنرمند به خارج از ایران و شهر رم سفر نکرده و قوانین پرسپکتیو را که پایه اوّل نقّاشی کلاسیك به شمارمی آمده، به طریق اکمل و صحیح نمی دانسته است. و اگر درمنظره سازی و سایرآثار دیگرش که به نحوی این قوانین را مراعات کرده، همانا برداشت حدسی و قیاسی نقّاش است که به استعداد ذاتی خود دریافته و در کارهای مسیحی نیز که اغلب از طریقه کپی انجام داده، با تبعیت ازطراحی های اصولی نقّاش فرنگی، صحیح و دقیق ساخته‌است.

تنها نکته‌ای که درمورد پرسپکتیو و مراحل آن صحیح انجام داده، تصویر سروهای منظم کنار خیابان ها است که به سردر باغ ها و عمارات منتهی گشته و منظره فرح بخشی را ظاهر ساخته‌است، واین منظره سازی را در پنج مورد یکسان بین آثار خود ترسیم نموده که همه آنها یکدست و قالبی بوده و شبیه یکدیگر می باشند.

و این مسأله شاید به علت تداوم کارها و کثرت دیدار و چه بسا مراعات غیر عمقی قوانین پرسپکتیو انجام پذیرفته و صحیح بنظر می رسند، در صورتی که افق اصولی این خیابان بندی ها، با نقوش دیگر جوانب کار که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



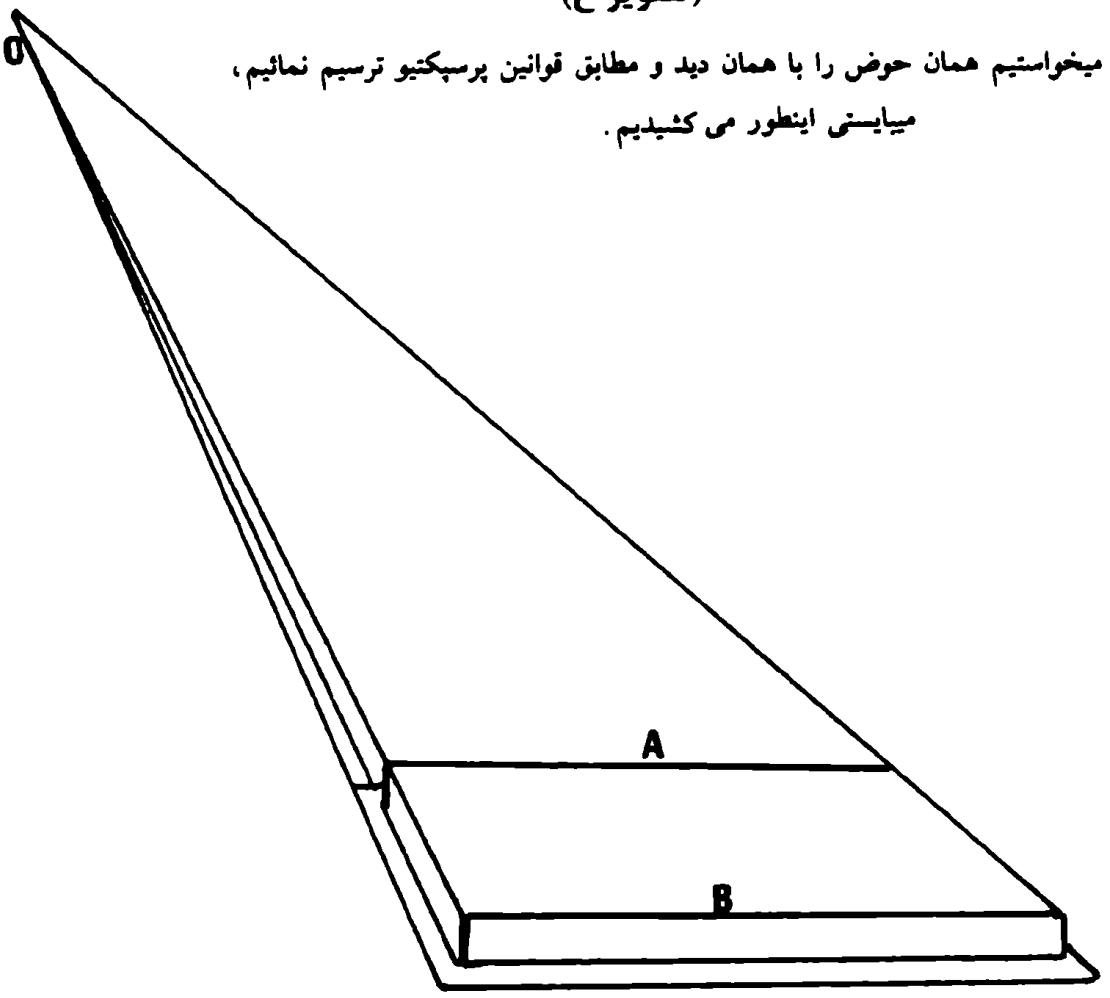
(تصویر ح)

تصویر اشتباهی کنارهای حوض که توسط محمدزمان انجام پذیرفته و برعکس تصویر شده است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

(تصویر خ)



اگر میخواستیم همان حوض را با همان دید و مطابق قوانین پرسپکتیو ترسیم نمائیم، میبایستی اینطور می کشیدیم.

می بایستی از یك منبع اندازه‌گیری گشته و از یك مبداء شروع می شدند، نادرست بوده و درمحل های دیگر تصویر، ازارائه صحیح قوانین مناظر و مرایا خبری نیست. و حتی در سالیان قبل از محمد زمان نیز که نقّاشان اجرای قوانین پرسپکتیو را نمی دانستند، در بعضی موارد ندرتاً صحیح درآمده و ربطی به اصول و قوانین به خصوصی نداشته است واغلب آنها به حدس و قیاس به این مراحل دقیق دست یافته و ناشناخته و نفهمیده به اصول پرسپکتیو نزدیك تر گشته‌اند.

نمونه بارز این مدعا، که کروکی آن رااز روی آثار آقا میرك ترسیم نموده‌ام، ترسیم صحیح سه جعبه‌ای ایست که درزیر دوپای مذهّب قرارگرفته و کاملاً اصولی نقش یافته‌است. این اثرارزنده که عده‌ای از هنرشناسان او را ازآثار آقامیرك می دانند، در نسخه فالنامه قدیمی تصویر شده و یکی از آثار ارزنده اواسط قرن دهم ایران به شمار می آید.

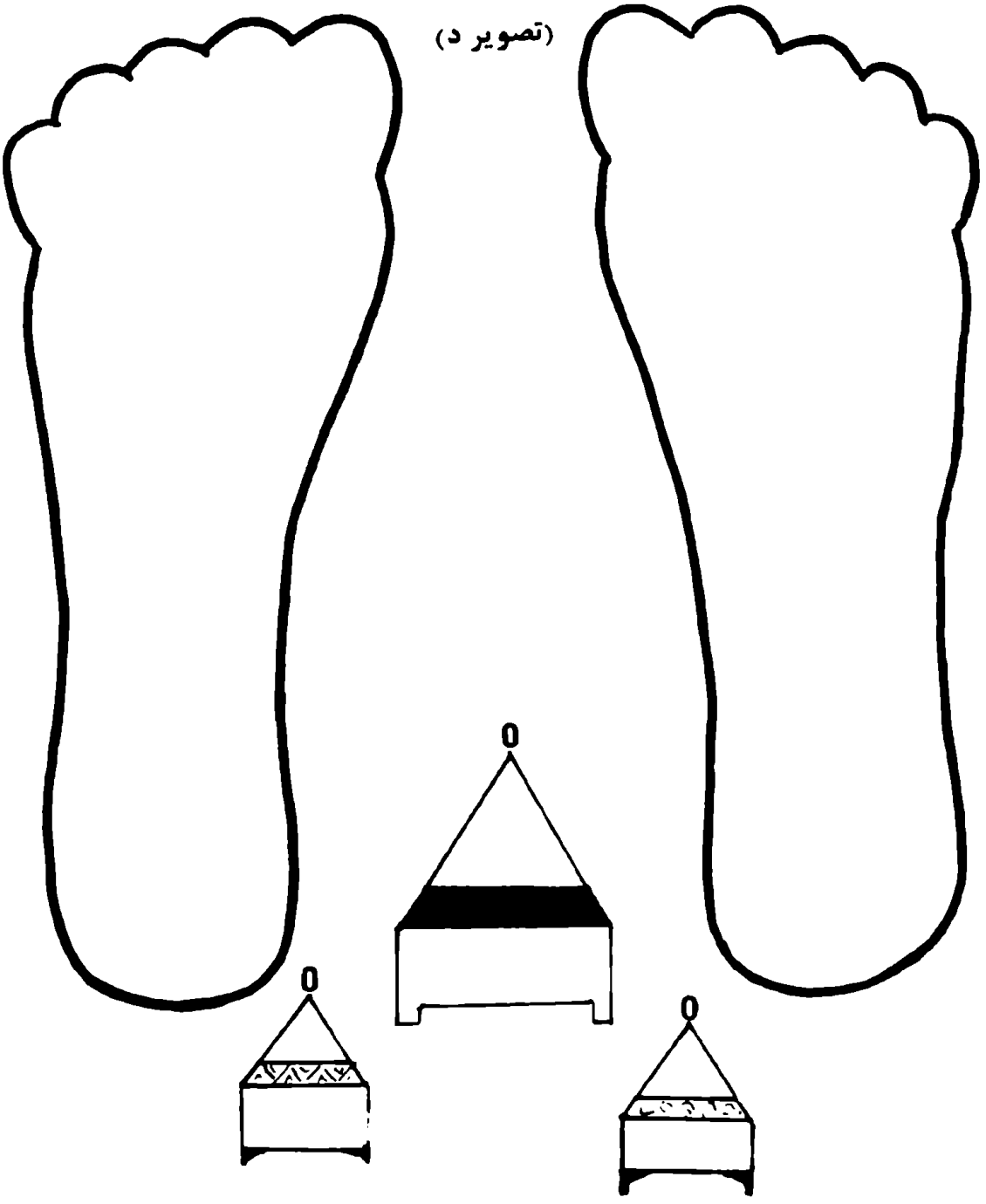
البته بطوری که می دانیم آقا میرك مسافرتی به خارج نکرده واجرای اتفاقی قوانین مناظرو مرایا را نیز انحصاراً دراین تصویر، از ذهن پربار و تخیل فوق العاده قوی که داشته سود جسته و صحیح و دقیق ترسیم نموده است:

تصویر در صفحه ۷۷۱ (تصویر د)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

(تصویر د)



از نسخـه فالنـامه بتاریخ حدود ۹۶۰ هـ. قـ. منسوب به آقا میرک مضبوط درموزه هنر وتاریخ شهر ژنو

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در ورای نقایصی که درپرسپکتیو داشته امتیازات قابل توصیفی را در شیوه‌های متنوع تصویر سازی ارائه می داد که به ترتیب دنبال می کنیم.

این استاد در تزئینات البسه و نقش ونگار متنوع آن، وسواس بسیار داشت و تمام ریزه کاری هارا نشان می داد و طرز دوخت و سایر مشخصات آن را به وضوح ترسیم می نمود.

در زربفت های کامل که می خواسته است تمام البسه را طلائی جلوه‌گر سازد، کل زمینه را با طلای یك دست می آلائید و سپس به روی طلاهای زمینه، رنگ کم مایه‌ای می زد و بعد از خشك شدن رنگ ها، نقش مورد دلخواه را، به روی زمینه ترسیم می نمود و عمق اثررا زیبایی مضاعف می بخشید.

درکارهای تقلیدی و کپی سازی که از روی بعضی از آثاراروپایی برداشت کرده، پارچه هایی که در البسه و سایر پیرایش تصاویر به کار گرفته، جملگی، بدون گل آرایی و تزئینات بوده و ساده و بی نقش است ولی درآثار تخیلی و ابتکاری اش، که با دید اصلی نقّاش جان می گرفت، غالباً، منقش بوده، و زربفت و گلدوزی است.

در نقش کامل العیار لباس ها، رنگ و فرم و شیوه ساخت بعضی از لوازم ضروری، از قبیل شکل کلاه ها و کفش ها وسایر زینت آلات دیگر و بعضی مایحتاج معمول را، به طرز بارز و دقیقی نقش می کرد و به آیندگان به یادگار می نهاد.

از تزئینات گوناگونی که در بعضی از مجالس مختلف، نقش نموده، انواع ظرف ها ـ فرش ها و تجملات زندگی و لوازم طرب و وسایل بزمی و رزمی ـ و سایر نکات متنوع دیگر رانیز به طریق دقیق و بارزی ظاهر ساخته و نکته‌ای رااز نظر دور نداشته‌است.

در حالات گرفت وگیر و مناظر رزمی و بزمی، مخصوصاً حرکات دورانی وپیچ و خمش اسب ها و رزمندگان سوارکار، مهارت و تردستی خود را نشان داده و افکار و خواست درونی خود را چنانچه قابل و شایسته بوده به روی کاغذ درآورده‌است.

در ارائه مجالس رزمی و بزمی پرحوصله بود. اسب ها را درمیدان رزم سبکبار و طناز و دست وپای حیوان را به عیار اسب های نقوش بهزاد، نازك و قلمی می ساخت و بسیار بعید می آمد که این دست و پای قلمی بتوانند جثه سوارکار و تنه فربه اسب را تحمل نمایند.

آبرنگ های وی چنان شادمانه و پرطراوت و رنگ های متجانس و چشم نواز ترتیب گشته، که گویی تولدی تازه یافته و خلقت آفریده‌است، اشیایی که به نحوی در هرکناری جاگرفته، چنان گردگیری شده و تمیز عمل آمده که کوچکترین گردی به روی آنها نخوابیده‌است.

رنگ ها را سنجیده و مترادف بر می گزید و در بکار برد آنها سلیقه پر وسواسی داشت، واگر به تلفیق و هم خوانی آنها دقت کنیم، بی اختیار با خود می گوییم که‌این استاد با رنگ ها بازی کرده و بسان مهره های شطرنج، صحیح و حساب شده برجای نشانده‌است.

در چهره سازی و شبیه پردازی، دقیق و پروسواس بود و سایه صورت هارا با پرداز قوی و غباری عمل می آورد.

حالت خماری و لوندی زنان و قیافه پر التهاب جوانان عاشق پیشه را به تردستی ارائه می داد و مجالس بزمی را با نشاط می آراست.

چشم ها را بادامی و سرمه‌دار ـ و ابروان را کمانی می کشید و حالات گوناگون صاحب چهره را به نیکویی جلوه‌گر می ساخت.

صورت ها را به تزدستی، خجول و شرمنده می کشید و حالات حجب و حیا را به استادی برملا می کرد،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سیاهی ته ریش نوجوانان و رشته موهای خنجر گونه دلبران را به دقت و استواری تمام ظاهرمی ساخت و نکته‌ای را فرو گذارنمی نمود.

این حلاوت واستادی را، در همه صورت ها و اندازه های درشت و ریز، بطور دقیق مرعی می داشت و از عجله و سرعت دوری می جست.

در موارد استثنایی، از قیافه حقیقی شاهزادگان و رجال سرشناس و مخصوصاً قیافه متین و با جلال شاه سلیمان صفوی که در نقش قهرمانان صحنه ظاهر می گشت، بسیار آراسته می کشید و فریبنده و ظریف ازکار در می آورد.

در عمق صورت سازی وی، حلاوت و تردستی استاد معین مصور، که به یقین یکی ازاستادان محمد زمان به شمار می آید جلب نظر نموده و بیننده را نا خود آگاه به شیوه معین مصور معطوف می ساخت و اگر با دقت بیشتری به آبرنگ شاه عباس دوم و بار یافتن سفیراورنگ زیب، نظر بیاندازیم، شیوه استاد معین را به عینه درك می نماییم که گردی صورت ها و حالت شادابی و خندانی نفرات و سایر عوامل چهره‌پردازی را، تاحدی شبیه شیوه معین عمل آورده، ولی در قالب اصلی شیوه محمدزمانی، به اتمام رسانده‌است.

این هنرمند علاوه بر چهره سازی و شبیه پردازی که درارائه آنها دقت تمام داشت، در ترسیم دست وپایی که‌از روی باسمه ها و مدل های موجود عمل می آورد بسیار تحسین انگیز بود ولی در ترسیم و پاهای تصاویر انتخابی و ابتکاری اش که به عیار و خبرویت ایرانی نقش می نمود تاحدی با دست و پای تقلیدی فرق می کرد.

مثلاً در بعضی از تصاویر که افراد را نشسته ترسیم نموده، پیچش پایی را که به زمین تکیه داده و زیرتنه شخص قرار گرفته، طوری پیچیده ترسیم نموده که گویی پای شخص شکسته و زیر پا به طرف بالا تمایل پیدا کرده‌است.

دست ها را در موارد تقلیدی، طبیعی می ساخت و حالت می داد و اغلب تناسب دست ها بااعضای بدن هم آهنگ می گشت، ولی درآثار ابتکاری که به‌اندیشه خود تصویر می نمود، دست ها را کوچك می گرفت و پاها نیز بدین ترتیب کوچکتر می گشتند.

البته بعید نبود که کوچکی دست وپا، در مواردی به عنوان زیبایی و تناسب اندام به حساب بیایند ولی از بابت تناسب اعضاء بدن، اندازه دست و پا مشمول ضوابطی است که هر نقّاشی مجبور است آن ضوابط و تناسب را به خاطر زیبایی و صحت عمل، مراعات نماید.

محمد زمان صورت ها و قیافه ها و تناسب اندام نفرات را به نفسه، با حالت و تناسب می ساخت و در بعضی موارد افراد را فربه و چاق و باد کرده نشان می داد و بعضی نفرات را طوری تصویر می کرد که گویی لباس غواصی و لاستیکی به تن کرده و ازاندازه معمولی چاق تر شده‌اند.

نشست و ترسیم سایه ها درآثار محمدزمان کم مایه بوده و تیرگی عمقی سایه‌ها، به عیار سایه مطلق صحیح نیستند و سایه ها آن طوری که می بایستی طبیعتاً به روی زمین بنشینند و سایه حقیقی را جلوه‌گر سازند کم عیار و متزلزل دیده می شوند.

سایه های موضوعات کپی شده، غنی و تکامل یافته و تابش نور، به حد ممکنه صحیح و پر حالت بوده طبیعی به نظر میرسند و یکی از دلایل عمده‌ای که بخارج سفر نکرده اختلاف سایه‌های آثار کپی شده با سایه‌های تصاویر است که رأساً انجام داده و نشست سایه‌های صحیح آن در آثار کپی شده، در دید اول بچشم میخورند.

بطور مثال پختگی و مهارت پرداخت و اصولی بودن سایه هایی که در نقوش

(۱ـ ونوس و آمور ۲ـ ملاقات الیزابت و مریم ۳ـ نزول روح القدس بر مسیح ۴ـ ذبح اسماعیل ۵ـ مراجعت ازسفر مصر ۶ـ تصویر جودیت و هولوفرن) ترسیم یافته به هیچ وجه قابل مقایسه، با سایه های موضوعات

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ابتکاری و انتخابی نقّاش نبوده و اختلاف هنری آن کاملاً روشن است.

درباره صنعت قلمدان سازی که دومین تعداد آثار بجا مانده نقّاش را تشکیل می دهند و نگارنده پانزده عدد آنرا جزو آثار نقّاش به حساب آورده ام، قدرت قلم برازنده‌ای داشت و با درنظرگرفتن مشکلاتی که دارا بوده و دایره گسترش فکری و فضای تخیلاتش محدود می شده، ولی با چنان مهارت و قدرت قلمی خواسته های خود را درکنارهم دست چین کرده، که گویی درمیدانی وسیع به تاخت و تاز دست یازیده و اشیاء برگزیده را بجا و خوش نشانده و به تردستی در صحنه کوچك قلمدان به مهار کشیده است.

اسکلت مقوایی قلمدان های محمدزمان، سبك و خوش دست و مقاوم وخوش طرح است و گویا این هنرمند طرح های اولیه قلمدان را خود طرح می نموده و سپس به استاد قلمدان ساز می داده و مطابق میل نقّاش تحویل می گرفته است.

چرم داخلی بچه قلمدان و پوشش زیری لوله قلمدان، از میشن نازك و محکمی تهیه می شد و در بعضی موارد نقش و نگار های معرق مانندی، از انواع پوست های رنگارنگ تهیه می گردید و زیبایی کشو قلمدان را مضاعف می نمود.

جداول کناره ها و تذهیب های خمیری و پرضخامت زیری قلمدان و همچنین جداول رویه و سایر آرایش قلمدان رابه تردستی عمل می آورد و رنگ های متناسب و چشم نواز تعیین می کرد.

روغن کمانی که به روی قلمدان های وی کشیده شده، غلیظ و آئینه‌ای است و بسان فولاد شفافی است که با وجود گذشت زمان، سستی نیافته و همچنان صاف و هموار بوده بسان شیشه‌ای مقاوم به روی قلمدان ثابت مانده است.

محمد زمان قدیمی ترین هنرمندی است که آثار روغنی قلمدانی را با امضاء یا صاحب الزمان در تاریخ ۱۰۷۰ هـ. قـ. به یادگارنهاده و نام خود را جاویدان ساخته است، گو اینکه هنرمندان دیگری نیز بوده‌اند که قبل ازاین هنرمند جلد سازی کرده و رقم نهاده‌اند ولی اوّلین قلمدان رقم دار و تاریخ دار رااین هنرمند ارائه داده و تاکنون هم قلمدانی بدین تاریخ شناسایی نشده است و از طرفی محمد زمان اوّلین تصویرگری است که کلمه «قلمدان» و «دوات و قلم» را به روی آثار خود درج نموده و نام مشخصه آنرا عریان ساخته است، این کلمات که در متن ابیاتی که به روی قلمدان ها درج نموده عبارتند از:

«این تحفه قلمدان که مبارك است اثراست (ــ) مجموعه اسباب و کمال و هنراست» مضبوط در مجموعه آثار کاخ نیاوران.

و دیگر «به فرمانش این بنده بی بضاعت (ــ) چو کردم تمام این دوات و قلم را» مجوعه خانم سودآور

در جدول سازی و حاشیه پردازی بسان مهندسی پخته و کارآزموده، دقیق و منظم عمل می آورد و قرینه سازی را به دقت مراعات می نمود.

در تذهیب و حل کاری و آرایش البسه و رنگ آمیزی چشم نواز آنها، به حد کامل شیرین دست بود و مخصوصاً گل های کوچك و ریزتری را که به مناسبتی در زمینه بعضی تصاویر نقش می نمود، استادانه می ساخت و ریزه نگاری می کرد.

عمده آثار تذهیبی و حل کاری وی که به رویه لباس ها و پارچه ها و فرش ها و پشتی ها و متکاها و پوشش و زین اسب ها و کلاه ها وسایر اشیاء زینتی ارائه گشته، تنوع و پیرایش آنان را، به زیبایی خاصی نشان داده و نکته‌ای را فروگذار نکرده‌است.

استاد محمد زمان، درارائه فرم و تنوع پارچه ها، استادی شایان تحسینی به خرج می داد و انواع منسوجات

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و نقش ونگار باب روز را به بهانه ای به روی البسه اشخاص ظاهر می ساخت و جلال و فخامت ارزنده‌ای به پوشش ها می داد.

در تزئینات البسه وانتخاب رنگ ها به حد لزوم دقیق کار بود ورنگ طلا را، در هرمحلی که مناسب می پنداشت علاوه می نمود، تا جایی که در زیر گل های گوناگون، لایه‌ای ازطلا کار می گذاشت و روی آن رنگ می زد، بطوری که درخشانی طلای زیر، همچون نور رنگ پریده‌ای، از زیر گل ها نمودار گشته و حالت طبیعی به گل ها می داد.

امضاها و ارقامی که ذیل عمده آثار خود درج نموده، غالباً به سفارش شاه سلیمان و یا صاحب مقامی پراحترام فرجام پذیرفته و عمدتاً به خط نستعلیق استادانه است ولی در مواردی نیز از خط شکسته و یا شکسته نستعلیق قلم مویی، سودجسته و آثار خود را ترقیم نموده است.

از ارقام نستعلیق استادانه‌ای که ذیل تصاویر سفارشی، ازشاه سلیمان و یا سایر سفارشات متفرقه‌ای که ازافراد دیگر دریافت کرده، معلوم داشته که در خط نستعلیق و شکسته نیز صاحب کمال بوده و اگرارقامی به خط قلم مویی نهاده و تاحدی سست تر به نظر می رسند، همانا لرزانی قلم مو، درنگارش آنها، امری عادی بوده و درارقام سایر نقاشان نیز مشاهده می گردد.

محمدزمان درنگارش خط نستعلیق، بسان خطاطی کارآمد، قلم فرسایی کرده و به حد یك استاد خوش نوشته‌است واگر رقم «یا صاحب الزمان» قلمدان منظره‌ای مجموعه نگارنده را مورد توجه قرار بدهیم و خط نستعلیق و غبار ریز آنرا درنظر بگیریم، اذعان خواهیم داشت که حتی خطاطان ماهر نیز، دراجرای این گونه غبار نستعلیق، چندان موفق نبوده و با اشکالات فراوانی مواجه گشته‌اند.

از نوشته ها و ارقامی که به تفصیل درذیل آثار خود نهاده، معلوم داشته که آن اثر را در چه موقعی و به سفارش چه شخصی و حتی درچه محلی به فرجام رسانده و احیاناً مدت زمان اجرای اثر را نیز، درذیل امضای خود یاد آور گشته‌است.

ازنوشته های ذیل آثار نقّاش معلوم می گردد که این استاد، تصویرگر درباری بوده و سفارشات و اوامر سلطنتی را به سعی تمام انجام داده و روابط قابل احترامی، با شاه سلیمان صفوی داشته است.

در جمله این آثار با درج جملات احترام آمیز از قبیل «حسب الامراعلی ـ جهت سرکار نواب اشرف ـ جهت سرکار نواب ـ حسب الامر نواب ـ جهت پیش کش سرکار ـ به رسم پیش کش سرکار نواب» ثابت کرده که اغلب آثار نفیس خود را به امر و سفارش شاه سلیمان انجام داده و روی علاقه و خصوصیتی که با شاه داشته، بعضی از آثار خود را به عنوان پیش کشی و هدیه مخصوص، به پیشگاه شاه سلیمان ارمغان فرستاده است.

در روابط هنری و صمیمانه‌ای که باشاه سلیمان داشت همیشه خود را رهین منت شاه می دانست و از موقعیت خود سوءاستفاده نمی کرد و با تکرار جملاتی از قبیل «کمترین بندگان و یا کمترین غلامان»، رشته مودت و ارادت رااستحکام می بخشید و روز بروز درتزاید آن کوشا بود و دراین مورد می توان در ذیل ارقام بجا مانده‌اش حدود نه جمله «کمترین» و ده تا «کمترین بندگان» و سه تا «کمترین غلامان» پیدا نمود که نشانه خلوص نیت نقّاش به ولی نعمت حقیقی خود شاه سلیمان می باشند.

به غیراز سفارشات شاهانه، اگر فرصتی می یافت، برای شاهزادگان و رجال و اعیان سرشناس نیز تصویری می ساخت و هنری می آفرید، مثلاً موقعی که درالتزام شاهانه ساکن شهر اشرف و رشت بوده، سفارشی نیز جهت میرزا محمد معصوم وزیر رشت انجام داده و درذیل آن چنین درج کرده است: «حسب الفرموده نواب قبله گاهی میرزا محمد معصوم وزیر رشت...»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این جملات قابل احترام و صمیمی، مؤید این نکته است که به غیراز روابط صمیمانه ای که با دربار داشته، با سایر رجال و مشاهیر آن دوره نیز، روابط خالصانه ای داشته و سفارشات آنها را به دیده منت می پذیرفته‌است.

استاد محمد زمان به غیراز هنرهای مذکور، در صنعت شعر نیز دست داشته و دربعضی از آثار خود، مخصوصاً در دو قلمدان موزه‌ایران باستان و خانم عزت ملك سود آور، اشعاری را به مناسبت مصور ساختن قلمدان نظم نموده که درذیل آن آثار به شماره های ۲ و۴ در لیست قلمدان های محمد زمان ملاحظه می فرمایید.

این استاد به غیراز اشعار، در نثر نیز دست داشت و در بکاربردن جملات فارسی و عربی سلیقه به خرج می داد او بسان یك فاضل ادیبی در کتابت القاب و تعاریف دقت و وسواس داشت و ذیل اغلب تصاویر بجا مانده‌اش را بخصوص آنهایی که برای شاه عباس دوم و شاه سلیمان ترتیب داده، لیاقت ادبی خود را ظاهر ساخته‌است.

در این باره ارقام ذیل بهترین دلیل این مدعا است.

خاقان الخاقان ارفع المؤیدّ صاحبقرانی ابوالمظفر شاه عباس ثانی بهادر خان خلدالله . . . جهت شاه عباس دوّم

چند نمونه دیگر که برای شاه سلیمان انشاء کرده عبارتند از

۱ـ هوحسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی. . . ۱۰۸۷

۲ـ جهت سرکار نواب اشرف اقداس ارفع همیون اعلی. . . ۱۰۸۹

۳ـ جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس همیون اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته علی مفارق الانام الی یوم القیام به تاریخ شهرذی القعده ۱۱۰۰ . . .»

محمد زمان اغلب آثار خود را به غیراز چند اثر ارزنده، که بالطبع از آثار جاویدان وی به شمار می آیند، امضاء نهاده و نام خود را به انواع مختلف در ذیل هراثری، درج نموده که چنین است:

زمان ـ آقازمان ـ محمد زمان ـ صاحب الزمان ـ کمترین غلامان محمد زمان ـ رقم کمترین ابن حاجی یوسف قمی ـ و یا دربیت آخر قلمدان شاه سلیمان ثانی «به‌امر سلیمان زمان زد رقم را» درذیل بعضی از آثار بجاماتده، نیز ابیاتی را که به مناسبت نقش تصویر، به نظم درآورده، درج نموده و صنعت شعر خودرا نشان داده است.

این هنرمند در ارائه آثار خود، زمان را فراموش می کرد و وقعی به شتاب و عجله مشتری و سفارش دهنده نمی نهاد و تنها سعی و دقتش دراین بود که به قدر توانایی خود، هنرش را عرضه نموده و اثر جامع و کاملی را به دیدار علاقمندان برساند، کما این که در ذیل یکی از ارقام بجا مانده‌اش، به‌این مدت اشاره کرده و چنین قید نموده‌است: «به رقم کمترین محمدزمان درمدت چهارده ماه‌اتمام یافت فی شهور سنه ۱۰۹۴»

عمده‌ترین و سریع ترین کارهای وی که جمله آنها در یك سال به پایان رسیده، سال ۱۰۸۶ هـ. ق. می باشد که دراین سنوات، حدود پانزده تصویر، در خمسه نظامی مورگان، و دو تصویر در شاهنامه کتابخانه چستر بیتی و سه مینیاتور در خمسه نظامی موزه بریتانیا به عهده پایان رسانده‌است.

درامضای سفارشی، جهت شاه سلیمان که با تذهیب های حواشی نیز همراه است خط نستعلیق وی چنان استادانه و با قاعده است که اگرارقام ذیل شده را خود محمدزمان درج کرده باشد، به تحقیق باید او را یکی از زبردست ترین خطاطان نستعلیق نیز به شمار آورد.

در بین امضاهای ارقام نقوش محمد زمان، ندرتاً به نام شهرهایی برمی خوریم که نقّاش در معیت شاه سلیمان به آن نواحی سفر کرده و نقشی ساخته‌است، مثلاً بطوری که از نوشته هایش برمی آید، درسال ۱۰۸۶ در شهر رشت و اشرف به تصویر چند آبرنگ استادانه همت گماشته و از سالیان ۱۰۸۸ تا ۱۱۰۰ و چه بسا تا آخر عمردر اصفهان بوده و سفارشات شاه سلیمان و سایر هواخواهان خود را انجام می داده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دراین رابطه از ارقامی که ذیل امضاهای خود درج نموده و محل هایی که اثری در آنجا به یادگار نهاده، تا حدی می شود دریافت که درطول زمان عمرش، در چه شهرهایی فعالیت هنری داشته‌است.

اگر اولین اثر رقم دارش را که به سال ۱۰۷۰ ترسیم شده و حال وهوای ایرانی دارد، درشهر قم یااصفهان انجام داده باشد، می بایستی دراین سنوات. به شهر اصفهان آمده و جویای نام بوده‌است.

و یا موقعی که از روی مجلس شاه عباس ثانی، اثر دست شیخ عباسی که به سال ۱۰۷۳ فرجام پذیرفته و محمد زمان از روی آن کپی نموده، معلوم می دارد، دراین سنوات در شهر اصفهان بسر می برده و علاقمند نزدیکی به هنرمندان کتابخانه سلطنتی بوده که این اثر شیوا را، به عنوان فتح باب نقش نموده و هنر خود را به شاه عباس دوم عرضه نموده است.

دیگراثر رقم و تاریخ داراین استاد، که در شهر قزوین و یا اصفهان به نقش درآمده، قلمدان مضبوط در موزه ایران باستان است که درسال ۱۰۸۲ و حسب الامر اعلی به اتمام رسانده است. و یا اتمام قلمدان مجموعه خانم سودآور است که آنرا نیز در شهر قزوین و یا اصفهان به پایان رسانده و رقم نهاده:

«رقم زد پی سال تاریخ تابع ـ به‌امر سلیمان زمان زد رقم را» سال ۱۰۸۴

از جمله آثار تاریخ و رقم دار نقّاش که درشهر رشت ترسیم نموده، نقش پر اندوه خسرو است که جان بجان آفرین تسلیم نموده و برحسب الفرموده، یکی از اعاظم رشت، به نام میرزا محمد معصوم، نقش نموده و معلوم داشته که درسال ۱۰۸۶ هـ. قـ. درشهر رشت بوده‌است.

از آثار دیگر نقّاش که در همین سال ها انجام پذیرفته، یکی تصویر مجنون و همراهان است که در بلده اشرف و بسال ۱۰۸۶ اتمام یافته و دیگری، مجلس بهرام گور و شاهزاده هندی است که برحسب الامرالاعلی و در بلده طیبه اشرف بسال ۱۰۸۶ فرجام پذیرفته‌است.

دیگر اثر نقّاش که احیاناً درشهر اصفهان نقش نموده، تصویر ونوس و آمور مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد است که حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی، در سال ۱۰۸۷ هـ. قـ. به نقش درآورده‌است.

آبرنگ دیگری که از شهر اصفهان نام برده، معاشقه شاه با معشوق است که رقم نهاده: «در دارالسلطنه اصفهان به رقم کمترین محمد زمان اتمام یافت ۱۰۸۸»

اثردیگری که جهت سرکار نواب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی به پایان رسانده تصویر مریم و الیزابت است که به سال ۱۰۸۹ به عهده نقش درآورده و درشهر اصفهان فرجام پذیرفته است.

اثر دیگری که جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب و در شهر اصفهان سفارش گرفته قربانی حضرت ابراهیم است که به سال ۱۰۹۶ اتمام یافته است.

مهمترین اثر دیگر نقّاش که رقم طولانی دارد، شمایل مریم و مسیح و یوسف نجار است که جهت سرکار نواب به پایان رسانده و قید نموده که در شهر ذی القعده سال ۱۱۰۰ هـ. قـ. و دارالسلطنه اصفهان به پایان رسانده‌است.

دو اثر پیش کشی دیگر را که حتماً در پایتخت اصفهان تقدیم نموده یکی آبرنگ شکوفه بادام و دیگری نقش شاخه نرگس است که هردو آبرنگ را درسال ۱۱۰۵ ترسیم نموده‌است.

با این اشارات مختصر واضح گردید که این هنرمند، در اوایل جوانی که از شهر قم بیرون آمده، از سالیان ۱۰۷۰ الی ۱۱۱۱ هـ. قـ. که یادگارهای تاریخ داری بجا نهاده، در شهر های قم و قزوین و اصفهان و اشرف و رشت به فعالیت هنری پرداخته و عمده‌تاً در شهر اصفهان که شهر هنر و صنعتی و پایتخت ایران به شمار می آمده، ساکن بوده و همانجا نیز جان بجان آفرین تسلیم کرده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از استادان شناخته شده نقّاش که چنین هنرمندی را پرورش داده و به حد کمال رسانده‌اند اطلاع دقیقی نداریم ولی اگر نوشته ذیل یکی از کارهای معین مصور را باور بداریم که درج نموده: «هو به تاریخ روز پنجشنبه پانزدهم شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۰۶۶ به جهت فرزندی مهربانی آقا زمان بی تکلیفانه مشق شد ـ مبارك باد مشقه معین مصور» از شاگردان معین مصور به شمارآمده و بی تکلیفانه از استاد خود مشق دریافت کرده است.

البته با حدسی که نگارنده در مورد سن محمد زمان درنظر گرفته و سال تولد نقّاش را سنه ۱۰۴۹ هـ. ق. فرض نموده ام محمدزمان دراین دوره ها هفده ساله بوده و از استاد معین مصور، تعلیم می گرفته‌است.

البته این نام معمول وی را که بین مردم شهره بوده و آقا زمان نیز خوانده می شده، در ذیل یکی از آثار پسرش نیز مشاهده می کنیم، که درج کرده «محمد یوسف بن آقازمان ۱۱۳۲»

بدین ترتیب می شود باور نمود که استاد محمدزمان، از شاگردان معین مصور بوده و دراین زمان ها که تقریباً، سنین ۲۱ سالگی را می پیموده، در اصفهان زندگی می کرده و به شاگردی استاد معین مصور مفتخر بوده است.

از استادان دیگراین هنرمند که می شود گفت از آن هنرمند بهره‌ها برده و در مواردی نیز شیوه او را به کار بسته، استاد شیخ عباسی است که در زمان شاه عباس دوم از مقربان درباری به شمار می آمده و با درج سجع معروفش که ترقیم نموده: «بهاء گرفت چو گردید شیخ عباسی» ملقب به شیخ عباسی، بوده و لقب مذکور را، از آن پادشاه دریافت کرده است.

دراین رابطه، مجلس جلوس شاه عباس ثانی و سفیر هند را که شیخ عباسی به سال ۱۰۷۴ ترسیم نموده و محمدزمان نیز دراین سنوات و به همان عیار و با مختصر اختلافاتی، از روی اثر استاد کپی نموده، می شود حدس زد که از استاد شیخ عباسی نیز تعلیم یافته و جهت اینکه لیاقت هنری خود را ظاهر سازد، اقدام به این کپی سازی نموده و تقدیم شاه عباس دوم نموده و به دربار راه یافته است. و اگراین اثر بی رقم محمدزمان را که بدون تاریخ نیز می باشد، اثر نقّاش در همان سال ها و یا سالیانی نزدیك تر آن تاریخ، مثلاً ۱۰۷۵ بدانیم معلوم می نماید که این هنرمند درسنین حدود ۲۶ سالگی در شهر اصفهان بسر می برده و از استادان ماهر کسب فیض می کرده‌است.

از شاگردان مسلم وی، دو فرزند هنرمندش محمد علی و محمد یوسف می باشند که از آثار بجامانده شان معلوم می گردد، که درشیوه پدر کار کرده و دنباله رو مکتب وی بوده‌اند.

از سایر شاگردان استاد محمد زمان که دراسناد معتبر قدیمی، اسمی از آنها آمده و یا اینکه درذیل آثار خود یادی کرده باشند، کسی را سراغ نداریم، فقط می توانیم حدس بزنیم که از هنرمندان تصویر ساز بعد از وی، که شیوه محمد زمان را تعقیب کرده‌اند، هنرمندان متعاقب شیوه محمدزمان هستند که مکتب این هنرمند را درك کرده و درآثار بجا مانده خود، بنحوی از انحا دخالت داده‌اند.

دیگر از شاگردان دوره آخر عمر نقّاش که توانسته است، چشم نوازی و حلاوت گل آرائی محمدزمان را به شیوائی تمام، درکارهای خود عرضه نماید، استاد علی اشرف معروف است و گو اینکه سنوات عمری علی اشرف، موافق و مقارن دوران درخشش هنری و جوانی محمد زمان نمی گردد، ولی اقتباس استادانه‌ای که از شیوه گل آرائی محمدزمان و انتخاب سجع «زبعد محمد علی اشرف است» نموده این حدس را پیش می آورد که علی اشرف از شاگردان کم سن و سال و شاید ده و دوازده ساله نقّاش، در سنین بالای عمرش بوده که چند سالی را اگرچه یك و یا دو سالی نیز بیشتر نبوده، به شاگردی استاد محمد زمان مفتخر بوده و شیوه گل سازی وی را در آثار خود تجلی نموده است. (۵)

در خاتمه احوال محمد زمان که در صفحات قبل بطور تفصیل بیان گردید، ماوقع رشته حیات نقّاش دقیقاً

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

معلوم نشده و سال تولد ومرگ نقّاش نیز دربوته ابهام قرار گرفته و برما روشن نیست ولی با در نظر گرفتن تاریخ تولد حدسی که سال ۱۰۴۹ هـ. قـ. را قراردادهایم و ضمناً سالیان ۱۱۱۱ هـ. قـ. که آخرین اثر نقّاش دردست است می شود نظر داد که این هنرمند در حدود شصت ودو واندی سال زندگی کرده و پس از به یادگار گذاشتن آثار بدیع و ابتکاری خود، روی در نقاب خاك کشیده و به افسانه ها پیوسته‌است.

از علائم مشخصه شیوه محمد زمان که بطور یکسانی در آثار وی دیده می شوند، بنظر حقیر هشت نکته متمایزه دارد که با شیوه یکسان و هم شکلی، درآثار وی جلوه‌گر گشته و شباهت کاملی با یکدیگر دارند، این تشابهات استادانه که مبین تشخیص و نکته اتکاء محققین پر وسواس است، در حقیقت آثار اصیل وی رااز سایر تصاویر شبهه دار نقّاش متمایز ساخته و علاقمندان را در شناسایی دقیق آثار محمدزمان کمك و یاری می نماید.

این نشانه های متمایزه که در آثار رقم دار نقّاش مشاهده می گردند عبارتند از:

الف ـ ابر های فشرده و تپه طبیعی، بسان گردونه های غلطان پنبه‌ای، در ده نمونه موجود.

طریقه ابر سازی محمدزمان در نوع خود بسیار استادانه و سبکبال و گردونه‌ای بوده که بیننده را بی اختیار به تحسین وامیدارد ، این شیوه ابرسازی که در آثار گوناگون نقّاش دیده می شوند عبارتند از:

۱ـ نزول روح القدس بر مسیح با رقم: «کمترین محمد زمان ۱۰۹۴»

۲ـ ونوس و آمور با رقم: «کمترین غلامان محمدزمان ۱۰۸۷»

۳ـ الیزابت و مریم با رقم: «ابن حاجی یوسف محمد زمان ۱۱۸۹»

۴ـ ذبح اسماعیل با رقم: «کمترین بندگان محمدزمان ۱۰۹۶»

۵ـ مراجعت از مصر با رقم: «ابن حاج یوسف محمد زمان ۱۱۰۰»

۶ـ مجنون و همراهان با رقم: «کمترین بندگان ۱۰۸۶»

۷ـ بهرام گور با ملکه هندی با رقم: «کمترین بندگان محمدزمان ۱۰۸۶»

۸ـ قلمدان مجموعه نگارنده با رقم: «رقم محمد زمان»

۵ـ دلایل قابل قبولی که علی اشرف را شاگرد محمد زمان می دانیم، یکی پیروی استادانه گل و مرغ سازی از استاد محمدزمان و دیگری انتخاب سجع معروف «زبعد محمد علی اشرف است» که دراین سجع مشهور به زبان حال چنین یاد کرده است که بعد ازاستاد محمد زمان، علی اشرف نقّاش است که گل ها را بسان محمد زمان، طبیعی عمل می آورد و تا آن موقع هم کسی بهتراز وی نساخته‌است.

از طرفی معروف است که علی اشرف شاگرد پسرمحمد زمان، استاد محمد علی نیز بوده و فن گل آرائی را نزد وی تعلیم می دیده‌است و سجع مذکور شاید متضمن این نکته باشد که بعد از محمد علی، علی اشرف نقّاش از همه والاتر است و دراین سجع، کلمه علی را یکی نوشته و از تکرار «علی» بین محمد علی و اشرف خودداری نموده است، ولی اختلاف سنی این استاد و شاگرد، موازنه مقام استاد را تا حدی پایین آورده و اگر علی اشرف، در سال ۱۱۳۵ که قدیمی ترین سنه آثار وی به شمار می آید، نقاش ۲۵ ساله ای باشد به یقین استادش محمد علی درسال ۱۱۳۰ که قدیمی ترین کار وی محسوب می گردد، هنرمندی ۳۵ ساله و یا بیشتر بوده و مقام هنری و سنی وی، چندان تناسبی نداشته، که نقّاش معروفی بسان علی اشرف، سجع خود را با پشتیبانی از هنر وی انتخاب کردهباشد و ضمناً بعید نیست همین استاد محمد علی که درحضور پدرش نقش تصویر باد می گرفته، استاد علی اشرف نیز درسنین نوجوانی، یعنی حدود ده و دوازده سالگی بشرف شاگردی محمد زمان، که دوران بازنشستگی و پیری را می گذرانده، مفتخر گشته و یکی دو سالی و یا بیشتر، ازسرچشمه متعالی استاد فیض یاب گشته است و روی این محبت استادی و شاگردی و بخصوص خلوص عقیده‌ای که علی اشرف به استاد پیر خود داشته، این سجع را سالیانی بعد و چه بسا در همان سال های اجرای کار سال ۱۱۳۵، برای خود انتخاب کرده و با غرور و پشتیبانی زایدالوصفی که به هنر خود داشته سجع «زبعد محمد علی اشرف است» را برای همیشه انتخاب کرده و تا آخر عمر نیز یاد استاد را گرامی داشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹ـ ظهور سیمرغ و تولد رستم با رقم: «کمترین بندگان محمد زمان ۱۰۸۵»
۱۰ـ پیکار بهرام با اژدها با رقم: «کمترین غلامان محمدزمان ۱۰۸۶»

ب ـ تک درخت های تنومندی که پوست های ترک دار و برگ های بادامی و شمرده دارند، در ۹ نمونه موجود.

۱ـ تصویر کشتن بهرام اژدها را با رقم جعلی حاجی محمد
۲ـ بهرام گور و ملکه هندی با رقم: «کمترین بندگان محمدزمان ۱۰۸۶»
۳ـ دیدار شیرین تصویر خسرو را بارقم: «محمدزمان قمی ۱۰۸۶»
۴ـ دیدار شیرین خسرو را درحین استحمام با رقم: «کمترین محمد زمان ۱۰۸۶»
۵ـ ونوس و آمور بارقم: «کمترین غلامان محمد زمان ۱۰۸۷»
۶ـ چندین نمونه در قلمدان خانم سود آور با رقم: «زمان ۱۰۸۴»
۷ـ چندین نمونه در قلمدان آقای اسکندراریه با رقم: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۹»
۸ـ چندین نمونه در قلمدان نگارنده با رقم: «رقم محمدزمان»
۹ـ چندین نمونه در قلمدان آقای صمد خورشید با رقم جعلی «حاجی محمد»

پ ـ درخت های شکسته... در۱۲ نمونه موجود

۱ـ قلمدان مجموعه نگارنده بارقم: «محمد زمان» درسه محل مختلف
۲ـ قلمدان آقای اسکندر اریه با رقم: «یا صاحب الزمان و سنه ۱۱۰۹» در دو محل مختلف
۳ـ قلمدان آقای خورشید بدون رقم در چهار محل مختلف
۴ـ قلمدن خانم سود آور بارقم: «زمان» ۱۰۸۴ در یك محل
۵ـ لشکر کشی رستم با رقم: «یا صاحب الزمان» دریك محل
۶ـ تصویر مجنون و همراهان با رقم: «کمترین بندگان ۱۰۸۶» دریك محل
۷ـ آبرنگ بازگشت از مصر بارقم: «ابن حاج یوسف محمد زمان ۱۱۰۰» در یك محل
۸ـ جعبه قلمدان موزه ایران باستان با رقم: «یاصاحب الزمان» دریك محل
۹ـ قلمدان آقای ادیب برومند با رقم: «یا صاحب الزمان» در یك محل
۱۰ـ تصویر کشتن بهرام اژدها را ـ با رقم جعلی حاجی محمد در یك محل
۱۱ـ قلمدان منظره‌ای و جنگلی مجموعه نگارنده با رقم: «یا صاحب الزمان» در یك محل
۱۲ـ قلمدان آقای دکتر ناصر خلیلی در یك محل

ت ـ قرینه سازی منظم درختان سروی که در دو طرف خیابان به زیبایی و سرسبزی با پرسپکتیو صحیح عمل آمده و منتهی بسر درب باغ و یا فضای خالی گشته است. در ٤ نمونه

۱ـ قلمدان منظره‌ای و جنگلی مجموعه نگارنده با رقم: «یا صاحب الزمان» در یك محل
۲ـ قلمدان آقای خورشید در یك محل
۳ـ سیاوش در حضور افراسیاب بارقم: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۷» در یك محل
۴ـ یك نمونه دیگر که در کتابخانه چستربیتی قرار داشته و منسوب به آثار محمد زمان است، مجلس قصاص ایرج است که سلم و تور دربالای تالار نشسته و جماعت حاضرین ناظر صحنه می باشند، از انتهای ایوان، منظره درختان سروی که به زیبایی تمام، درکناره های خیابان احداث گشته، دیده می شوند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ث ـ وجـود درنـاهـا و پرندگان دیگر که در رده‌های منظم، در اغلب مناظر وی دیده می شوند : در ۸ نمونه موجود

۱ـ قلمدان آقای اریه

۲ـ تصویر مجنون وهمراهان

۳ـ پیرزن و سلطان سنجر

۴ـ شیرین و پیرمردی که درمقابل او زانو زده‌است

۵ـ کشتن بهرام گور اژدها را

۶ـ مجلس شاهانه و ارائه انگشتر

۷ـ وجود رده درنا ها درکناره های قلمدان نگارنده

۸ـ قلمدان آقای دکتر ناصر خلیلی در کناره‌ها

ج ـ منظره ساختمان قدیمی و مخروبه ای که یک طاق بلند در روبرو دارد

ـ از این نوع ساختمان ها که تنها به مثابه یك اطاق بلند وتالار مخروبه جلوه‌گر گشته و آجر های کناره آن ریخته و به حالت کاملاً مخروبه درآمده‌است، دراغلب آثار محمد زمان، تقریباً به یك شیوه و یك طرح نقّاشی شده که در بین آثار بجا مانده نقّاش عبارتند از: **در ٦ نمونه موجود :**

۱ـ قصه نوشیروان و وزیراعظم . سه ساختمان مخروبه در کنار یکدیگر

۲ـ کناره های قلمدان خانم عزت ملك سود آور ـ دردو محل جداگانه

۳ـ انتهای مجلس مجنون و همراهان ـ در یك محل

۴ـ کناره قلمدان نگارنده ـ دریك محل

۵ـ درانتهای منظره زمینهٔ قربانی حضرت ابراهیم ـ در یك محل

۶ـ گوشه دماغه قلمدان آقای خورشید ـ در یك محل

چ ـ تپه های سنگی کوچکی که سنگ های خورد شده و ترک برداشته دارد .

این تپه ها بسان تل هایی از سنگ های خورد شده‌ای است که اغلب به روی آن، درختی روئیده و یا کلبه‌ای احداث گشته است. محمدزمان این گونه سنگ ها را شبیه هم ساخته که در هفت اثر بجا مانده وی چنین است :

۱ـ تپه سنگی پشت سرمجنون، در آبرنگی که با همراهان مشغول مذاکره می باشد

۲ـ منظره پشت سر، صحنه بهرام گوراست که اژدها هارا می کشد

۳ـ تپه سنگی انتهایی باغی پردرخت است که در آبرنگ، ظهور سیمرغ بر رودابه و تولد رستم، جلب نظر می نماید.

۴ـ صخره های سنگی کوهی است که فرهاد برای معشوق خود اطاقی ساخته و در روبروی آن خودکشی کرده‌است

۵ـ تپه سنگی جمع شده‌ای در دماغه انتهایی قلمدان نگارنده است که به عینه شبیه سایر صخره سنگ های دیگراست.

۶ـ تپه سنگی کوچکتری پشت سر بهرام گور، درآبرنگ پرنس هندی است که بسان همان تپه سنگ ها نقش بافته‌است.

۷ـ دماغه قلمدان آقای دکتر ناصر خلیلی که به عینه، شبیه سایر صخره های سنگی است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ح ـ دایرهزنگی نوازنده ها، که جمله آنها پنج پرهٔ دایره‌ای در کناره ها داشته، که در حین نواختن دایره، زنگوله ها به صدا در می آمده است. در ۵ نمونه موجود

۱ـ دایره زنگی، نوازنده ای درمجلس شاه عباس دوم، و بار یافتن سفیر هند

۲ـ دایره زنگی مجلس طرب، در رویه قلمدان آقای اسکندراریه

۳ـ دایره زنگی نوازندگان در قلمدان آقای خورشید

۴ـ دایره زنگی نوازندگان، در تصویر زنی که گاوی را کول کرده و حضور بهرام گور می برد ـ در دو مورد

۵ـ دایره زنگی در مجلس پذیرایی بهرام گور از شاهزاده هندی ـ در دو مورد

محمد زمان تعداد سی و نه تصویرآبرنگی و پانزده قلمدان و یك اثر روغنی دایره‌ای شکل و دو گرده نقّاشی، از خود به یادگار نهاده که تاکنون شناخته شده و نگارنده اغلب آنها را از نزدیك دیده و عکس بعضی از آنها را نیز ذیل آثار نقّاش چاپ کرده‌ام.

درشماره (الف) لیست اختصاری آثار نقّاش است که باامضای «محمد زمان» و «یا صاحب الزمان» و «زمان» مسجل گشته و تاریخ اتمام را نیز به صراحت بعد از نام خود درج نموده است:

(الف)

سنوات	لیست آثار امضا وتاریخ دار محمدزمان که تاکنون شناخته‌است
سال ۱۰۷۰ هـ. ق. «یك اثر»	۱ـ قلمدان تابوتی شکل با گل های تزئینی متنوع با رقم و تاریخ «یا صاحب الزمان ۱۰۷۰»
سال ۱۰۷۴ هـ. ق. «یك اثر»	۲ـ گل زنبق ابرنگی که در حراج دسامبر سال ۱۹۶۷ حراجی ساتبی لندن بفروش رسید با رقم «یاصاحب الزمان سنه ۱۰۷۴»
سال ۱۰۸۲ هـ. ق. «یك اثر»	۳ـ قلمدان بیضی شکل و جعبه‌ای با گل های تزئینی مضبوط، در موزه ایران باستان با رقم: «حسب الامر اعلی صورت اتمام یافت. رقم کمترین محمد زمان فی شهر ربیع الاول ۱۰۸۲»
سال ۱۰۸۳ هـ. ق. «یك اثر»	۴ـ مجلس شکار بروی صفحه دایره‌ای با امضا محمد زمان و تاریخ ۱۰۸۳
سال ۱۰۸۴ هـ. ق. «دواثر»	۵ـ قلمدان خاتم سود آور با رقم: «رقم زد پی سال تاریخ تابع ـ به امر سلیمان زمان زد رقم را» ۱۰۸۴ ۶ـ قلمدان جعبه‌ای بیضی شکل باامضای یا صاحب الزمان و تاریخ ۱۰۸۴ که در شماره ۵ آثار محمد زمان شرح و عکس آن ارائه شده است
سال ۱۰۸۶ هـ. ق. «یك اثر»	۷ـ دو تصویر دریك نسخه شاهنامه، که یکی از آن آبرنگ ها «ظاهر شدن سیمرغ هنگام تولد رستم است که رقم دارد: «کمترین بندگان محمد زمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۶ ۸ـ سه مجلس ارزنده در نسخه خمسه نظامی کتابخانه بریتانیا که دو تای آنها رقم بدون تاریخ دارند
سال ۱۰۸۶ هـ. ق. «پانزده‌اثر»	۹ـ منازعه بهرام گور باازدها: بارقم «کمترین غلامان محمد زمان ۱۰۸۶ ۱۰ـ زن شجاعی که گوساله ای را کول گرفته و از پله ها بالا می برد: «با رقم محمد زمان

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سنوات	لیست آثار امضا وتاریخ دار محمدزمان که تاکنون شناخته‌است
	و تاریخ ۱۰۸۶» آثاری که در خمسه نظامی نقش یافته و در کتابخانه پیرمورگان مضبوط می باشند ۱۱- داستان پیرزن و سلطان سنجر با رقم: «محمدزمان ۱۰۸۶» ۱۲- پیرمردی که در مقابل شیرین زانو زده با رقم: «رقم کمترین محمد زمان ۱۰۸۶» ۱۳- مجنون و همراهان بارقم: «در بلده اشرف به رقم کمترین بندگان اتمام یافت ۱۰۸۶» ۱۴- شاپور صورت خسرو را به شیرین نشان می دهد بارقم: «رقم محمد زمان قمی ۱۰۸۶» ۱۵- تصویر پر اندوه خسرو که جان تسلیم نموده با رقم: «هو - حسب الفرموده نواب قبله گاهی میرزائی میرزا محمد معصوم دام ظله، در بلده رشت اتمام یافت، رقم کمترین محمد زمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶» ۱۶- استحمام شیرین در چشمه با رقم: «رقم کمترین محمد زمان ۱۰۸۶» ۱۷- تصویر انوشیران و وزیر با رقم: «محمد زمان ۱۰۸۶» ۱۸- کشتن بهرام اژدها را بارقم: «زمان ۱۰۸۶» ۱۹- حکایت جوزك هندی با رقم: «رقم کمترین محمدزمان ۱۰۸۶» ۲۰- تصویر حضرت خضر در بدست آوردن آب حیات با رقم: «محمدزمان ۱۰۸۶» ۲۱- تصویر خسرو با شیرین است که خسرو به متکا تکیه داده و شیرین را نظاره می نماید: باامضا و تاریخ «محمدزمان ۱۰۸۶» ۲۲- بهرام گور و شاهزاده هندی که درایوان قصر شاهی نشسته اند با امضا و تاریخ: «حسب الامرالاعلی و هو در بلده طیبه اشرف به رقم کمترین بندگان محمد زمان اتمام یافت سنه ۱۰۸۶»
سال ۱۰۸۷ هـ. ق. «چهاراثر»	۲۳- خودکشی فرهاد با رقم: «رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمد زمان ۱۰۸۷» ۲۴- مکتب خانه لیلی و مجنون با رقم: «راقمه محمد زمان ۱۰۸۷» ۲۵- بوس و کنار خسرو با کنیزك با رقم: «رقم کمترین بندگان محمدزمان ۱۰۸۷» ۲۶- ونوس و آمور مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد با رقم: «هو حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی - به رقم کمترین غلامان محمدزمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۷»
سال ۱۰۸۸ هـ. ق. «دو اثر»	۲۷- معاشقه شاه با معشوق خود با رقم: «در دارالسلطنه اصفهان به رقم کمترین محمدزمان قمی اتمام یافت ۱۰۸۸» ۲۸- استحمام پادشاه در حمام با رقم: «عمل کمترین محمدزمان ۱۰۸۸»
سال ۱۰۸۹ هـ. ق. «یك اثر»	۲۹ - تصویر مریم و الیزابت با رقم: «جهت سرکار نواب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی به رقم کمترین بندگان ابن حاج یوسف محمد زمان صورت اتمام یافت سنه ۱۰۸۹» مضبوط در خمسه مورگان

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سنوات	لیست آثار امضا وتاریخ دار محمدزمان که تاکنون شناخته‌است
سال ۱۰۹۴ هـ. ق. «دواثر»	۳۰ـ نزول روح القدس بر مسیح مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد. بارقم «به رقم کمترین محمدزمان درمدت چهارده ماه صورت اتمام یافت فی شهور سنه ۱۰۹۴» ۳۱ـ سنبل کوهی مضبوط در ارمیتاژ. با رقم: «رقم کمترین بندگان سنه ۱۰۹۴ محمد زمان»
سال ۱۰۹۶ هـ. ق. «یك اثر»	۳۲ـ قربانی ابراهیم مضبوط در ارمیتاژ با رقم: «هو جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی صورت اتمام یافت. رقم کمترین بندگان محمد زمان سنه ۱۰۹۶»
سال ۱۱۰۰ هـ. ق. «یك اثر»	۳۳ـ شمایل آبرنگی حضرت مریم و مسیح و یوسف نجار، در مراجعت از سفر مصر، با رقم نستعلیق زیبا و موجود در خمسه مورگان «جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس همیون اعلی، اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته علی المفارق الانام الی یوم القیام ـ به تاریخ شهرذی القعده ۱۱۰۰ در دارالسلطنه اصفهان به رقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمد زمان صورت اتمام و سمت اختتام یافت»
سال ۱۱۰۵ هـ. ق. «دواثر»	۳۴ـ شکوفه بادام، مضبوط در ارمیتاژ با رقم: «به رسم پیشکش سرکار نواب کامیاب اشرف اقدس همیون اعلی به رقم کمترین بندگان محمد زمان تحریر یافت سنه ۱۱۰۵» ۳۵ـ شاخه نرگس، مضبوط در ارمیتاژ با رقم: «جهت پیشکش سرکار ـ خاصه شریفه ـ به رقم کمترین بندگان محمدزمان صورت اتمام پذیرفت فی سنه ۱۱۰۵»
سال ۱۱۰۶ هـ. ق «یك اثر»	۳۶ـ هدیه انگشتر، مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد. با رقم: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۶»
سال ۱۱۰۷ هـ. ق. «یك اثر»	۳۷ـ سه اثر با رقم محمدزمان در نسخه شاهنامه‌ای که بسال ۱۰۹۷ کتابت شده موجود است که هر سه تای آنها، امضای «یا صاحب الزمان» را دارا بوده و یکی از آنها که دیدار سیاوش و افراسیاب است. رقم و تاریخ دارد: «یاصاحب الزمان ۱۱۰۷»
سال ۱۱۰۹ هـ. ق. «یك اثر»	۳۸ـ قلمدان بزمی اقای اسکندر اریه. با رقم «یا صاحب الزمان ۱۱۰۹»
سال ۱۱۱۱ هـ. ق. «یك اثر»	۳۹ـ قلمدان منظره‌ای و تصاویر شکارچیان با رقم «یا صاحب الزمان ۱۱۰۹»
سال ۱۱۱۱ هـ. ق. «دواثر»	۴۰ـ قلمدان ارزنده که در رویه آن شاهزاده‌مخموری ارائه شده و چون رقم و تاریخ آنرا از پشت ویترین دیدار کرده‌ام، به قید احتیاط درج می نمایم با رقم: «یا صاحب الزمان ۱۱۱۱» مضبوط در موزه ویکتوریا آلبرت لندن ۴۱ـ قلمدان ارزنده و استادانه مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی که در رویه آن، شکار سوارکاران را به مهارت تمام انجام داده و معلوم نموده که در سنین بالای عمر نیز، از دید چشم کافی و قدرت قلم برازنده‌ای برخوردار بوده و می توانسته مهارت هنری خود را ظاهر سازد. با رقم: «یا صاحب الزمان ۱۱۱۰»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ب ـ ۱ـ آثاری که تنها باامضای محمد زمان و بدون تاریخ موجود است، قلمدان مجموعه نگارنده است که قصد شیخ صنعان را مصور ساخته و رقم نموده: «رقم محمد زمان»

پ ـ آثاری که تنها با امضای «یا صاحب الزمان» و بدون تاریخ به نقش درآمده اند عبارتند از:

۱ـ آبرنگ نبرد سام و ایرانیان، تصویرشده در نسخه شاهنامه مضبوط در موزه متروپولیتن نیویورك باامضای «یا صاحب الزمان»

۲ـ آبرنگ، راهنمایی رستم زال است که لشگریان محصور خود رانجات میدهد با رقم «یاصاحب الزمان» درنسخه شاهنامه متروپولیتن

۳ـ آبرنگ جودیت و هولوفرن با رقم «یاصاحب الزمان»

۴ـ قلمدان استادانه مجموعه آقای ادیب برومند که درروبه آن شمایل حضرت مسیح به نقش درآمده و رقم دارد: «یا صاحب الزمان»

۵ـ قلمدان منظره سازی و درختان جنگلی است که در صحن گسترده‌ای نشان داده و رقم دارد: «یا صاحب الزمان» در مجموعه نگارنده

۶ـ قلمدان گل و مرغی آقای دکتر ناصر خلیلی که در زمینه مرغش تیره عمل آمده و به خط نستعلیق غبار و رنگ طلائی امضا نهاده: «یاصاحب الزمان»

۷ـ قلمدان جعبه‌ای بزرگ کاخ نیاوران بارقم: «یا صاحب الزمان» است و چندین بیت شعر که درباره قلمدان کتابت شده‌است.

۸ـ آبرنگ چهره یك زن فرنگی که بارنگ های استادانه ای نقش پذیرفته و رقم «یا صاحب الزمان» را دارا می باشد.

ت ـ آثاری که به دست محمد زمان انجام یافته، ولی یا امضا ندارند و یا اینکه امضای جعلی دارند این آثار عبارتند از:

۱ـ قلمدان بزمی آقای خورشید که یکی ازبهترین آثارمحمد زمان بوده ولی امضای جعلی حاجی محمد را دربردارد.

۲ـ تصویر اژدها و بهرام گور، که درآلبوم ارمیتاژ قرارگرفته و دارای امضای جعلی حاجی محمد است.

۳ـ بزم شاه عباس ثانی و سفیر هندی که در مجموعه پرنس صدرالدین آقاخان مضبوط است و امضا و تاریخ ندارد.

۴ـ قلمدان جعبه‌ای درشت گل مرغی که از بهترین آثار گل ومرغی محمدزمان بوده ولی امضا و تاریخ ندارد. مجموعه دکتر ناصر خلیلی.

۵ـ قلمدان بیضی شکلی که کناره ها تذهیب داشته و زیر جعبه، صحنه‌ای از زیبا رویان فرنگی است. و چون رقم یا صاحب الزمان و تاریخ ۱۶۶۳ میلادی را که نویسنده کتاب درذیل آن درج نموده، ندیده‌ام، جزو آثار بی امضای محمد زمان به حساب آورده‌ام.

۶ـ قلمدانی که رویه و کناره های آن، با تصاویر زیبا رویان همراه بود و دربین آنها، گل های انگوری تصویرشده بود که عکس آن نیز در کتاب La Perse et la France چاپ شده‌است.

ث ـ ۱ و۲، دیگر ازآثار منسوب محمد زمان، دو گرده «ذبح اسماعیل» و «جنگ اسکندر و داریوش» است که حلاوت کار محمدزمان رابر ملا می سازند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حال که به احوال زندگی و سنوات فعالیت وی آشنا گشتیم، به‌ارائه عمده آثار اصیل وی، که بعضی از آنها رااز نزدیك دیده و یا تصاویر و مشخصات بقیه را، در کاتالوگ ها و کتاب های مختلف چاپی مشاهده کرده‌ام، به ترتیب ذیل دراختیار علاقمندان قرار می دهم.

۱ـ قدیمی ترین اثر محمد زمان که بسال ۱۰۷۰ هـ. قـ. فرجام پذیرفته، قلمدان تابوتی و مستطیل شکل جعبه‌ای است که درموزه کاخ نیاوران نگهداری می شود.

در رویه آن، سه دسته گل چشم نواز، از قبیل شاخه هلو و گل محمدی و شاخه گل دیگری به شیوایی و طراوت نقش بسته و روی یکی از آن شاخه ها، مرغ رنگینی نشسته و دربالای شاخه گل ها چند زنبور و پروانه نیز دیده میشوند.

در زیر پایه گل های رویه، بسیاق همان دوره ها، بوته گل های وحشی و صحرایی روئیده و منظره را زیبا ترکرده‌است.

درهر قسمت از کناره های قلمدان، تعداد پنج دسته گل های متنوع و بزرگ نقش نموده و بین فواصل دسته گل های بزرگتر یك شاخه گل زیبا نیز علاوه نموده که صحنه گل آرائی را با طراوت نموده است. و به همین ترتیب دیواره طرف دیگر و دو دیواره بالائی و پائینی قلمدان نیز گل آرائی و آذین شده است.

کناره های رویه طرفین قلمدان، با حاشیه بندی دقیقانه‌ای، تذهیب و جدول بندی گشته، و دقت و نازك قلمی نقّاش را درامر تذهیب آشکار ساخته‌است.

دراین نمونه قدیمی که بسال ۱۰۷۰ و چه بسا در شهراصفهان ترسیم یافته، هیچگونه برداشت و تأثیری از شیوه های هندی، که عده‌ای وجود آنرا، نتیجه اقامت چند ساله نقّاش در ولایت هند می دانند، دیده می نمی شود و بلکه از لحاظ خوشدستی و اسکلت مقوا سازی وشیوه گل آرائی، در مکتب ایرانی عمل آمده و تنظیم نشست گل هاو طراحی پرتوازن آنها و همچنین تذهیب و آرایش قلمدان، نشانه بارزی می باشد که این اثر هنری به شیوه و ترکیب ایرانی فرجام پذیرفته و یکی از بهترین آثار قدیمی استاد محمد زمان بشمارمی آید.

رقم نقّاش که با سجع یا صاحب الزمان ترقیم شده، چنین است: «هو، یاصاحب الزمان سنه ۱۰۷۰»

۲ـ دیگر اثر هنرمند دراین زمان ها قلمدان جعبه‌ای و بزرگی درموزه کاخ نیاوران است، که از آثار اولیه نقّاش بشمار آمده و درنوع خود شایسته تمجید می باشد.

حواشی و رویه قلمدان، در زمینه سیر عمل آمده و گل و برگ های ارغوانی شکل استادانه‌ای، با تناسب و نظم تمام تصویر گشته، و کناره برگ ها و گل ها نیز، به خط ریز و نازك طلایی حاشیه گیری شده و حل کاری گشته‌است.

در داخل جعبه قلمدان که بهترین صحنه گل آرائی است، درزمینه زرد نخودی، شکوفه هایی ازهلو و گل های فندقی و بنفشه و لاله به قدرت و شیوایی تمام ارائه شده که معرف زبردستی نقاش بشمارمی آید. بوته های نهال هلو، بسان پوست سوسماری و شکسته انجام یافته و ترتیب و ارائه گل ها، در تجانس منظم، به قوی دستی نقش بسته‌است.

اسکلت بیضی شکل قلمدان و چفت و بست فولادی آن، درشیوه اصفهان ترتیب یافته و به عیار سایر قلمدان های محمدزمان استادانه می باشد.

درویه قلمدان که در بطن چند شاخه ابتکاری، که از گوشه‌ای رویانده و گلّ و برگ های موزونی به روی آن قرارداده، اشعاری در چهار سهم مساوی به قلم نستعلیق طلائی و خط استادانه‌ای کتابت نموده و رقم نهاده:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«یاصاحب الزمان» که ابیات مدرجّه در چهار سهم رویه قلمدان چنین است.

این تحفه قلمدان که مبارك اثراست — مجموعه اسباب کمال و هنراست
ازخوبی نقش و پری زینت وزیب — نظاره گه تمام اهل نظراست
این محبره که نقش باغ ارم است — ارباب کمال را چنین تحفه کم است
خوش سبزه وگل چوباغ ابراهیم است — پرزینت و باصفاتر از جام جم است

این اثر شیوا نیز یکی از آثار اولیه هنرمند بشمار می آید که درشهر اصفهان، به عهده نقش درآمده و به عوامل مذهبی چون «باغ ابراهیم» و حرمت اعتلای ملّی چون «جام جم» ایمان داشته و اثر خود را با برداشتی ازاین عقیدت ها، نشان داده و گل های چشم آذینی را نیز به قدرت قلم استادانه‌ای به روی قلمدان ظاهر ساخته است. (زیرنویس شماره ۶) تصویر شماره (۶۴) در صفحه (۹۸۳)

دراین اثر استادانه نیز که شاید ازکارهای اولیه نقّاش باشد کوچکترین برداشت و تأثیری که از شیوه هندی معطوف باشد دیده نمی شود و جمله نقش گل ها و تذهیب های گوناگون و اسکلت مقوایی قلمدان و سایر امتیازات دیگر قلمدان، در مکتب ایرانی و اصفهان بوده و یکی از بهترین کارهای محمد زمان بشمار می آید.

۳ـ شبیه این قلمدان، که دراندازه بزرگتر بوده و در بعضی موارد نیز هم افق و هم طراز این قلمدان می باشد، قلمدان استادانه بزرگ و بیضی شکلی در اندازه ۲۹/۵ سانتی متر بود که در رویه قلمدان، گل و بوته های متنوع و با مهارتی نقش نموده و خرمنی از گل ها را به طراوت تمام بروی قلمدان ظاهر ساخته بود.

در مجموعه گل های رویه، پنج گل سرخ درشت و چند غنچه نوشگفته، جلب نظر می نمود که دارای برگ های سبز و چشم نوازی بودند که طبیعی بنظر می رسیدند.

در جمع خرمن گل های رویه، گل های باطراوت دیگری هم، از قبیل میخك و لاله و جعفری و قرنفل و کوکب و غیره، درتناسب پرآذین و رنگ های متنوع نقش نموده و در ورای گل ها، شکوفه و برگ هایی نیز علاوه کرده بود که ستودن داشت.

این گل های تزئینی که شبیه گل های کوکب طبیعی به عمل آمده و بسان کناره های قلمدان بزرگ موزه کاخ نیاوران تزئین شده بود، کناره گل ها و برگ ها را با استادی پرمایه‌ای، تحریر طلایی کرده و به اصطلاح حل کاری نموده بود.

۶ـ مشخصات این قلمدان و همچنین قلمدان قدیمی سنه ۱۰۷۰ را اولین مرتبه آقای یحیی ذکاء در جزوه موزه نگارستان ارائه داده و حتی عکس های رنگی و مشخصات هردو قلمدان را به دیدار علاقمندان رسانده‌است

دراین قلمدان، علاوه بر درنظر گرفتن شیوه گل آرائی و حل کاری و طرز روغن زدن و تذهیب نمودن آن، باید توجه عمده‌ای نیز به طرز ساختن اسکلت مقوایی قلمدان معطوف بداریم، زیرا ساختن و پرداختن اسکلت مقوایی چنین قلمدان های استادانه‌ای که خود صنعت جداگانه‌ای بشمار می آمده از عهده هنرمندان ایرانی امکان پذیر بوده که در کمال نازکی و سبکی، استقامت فوق العاده‌ای داشته و از لحاظ تناسب و زیبایی و خوش دستی نیز بی رقیب بوده‌است.

ولی اسکلت مقوایی قلمدان های هندی، به سبکی و خوش دستی قلمدان های ایرانی نبوده و اغلب کلفت و سنگین و نامرغوب می باشند.

ضمناً ناگفته نماند، داخل کشو قلمدان، که قلم و دوات درآن جا می گرفته، با میشن نازکی روکشی می شده و اغلب به رنگ های مختلف جلب نظر می نمود، بعضی ازاین روکش ها که جهت پادشاه و یا سفارش دهنده با سلیقه و ثروتمندی، انجام می گرفت، کناره های کشو قلمدان، بطریقه معرق انجام می گفت که ماحصل آنرا در زیرنویس شماره (۷) یاد کرده ایم، از طرفی طرز جفت و بست و لولای جعبه قلمدان که درشیوه فلزکاری اصفهانی بوده و اگر نقش و ساختمان آنرا بزرگ کرده و مورد دقت قرار دهیم، به عینه شبیه نقوش و قالب فلز کاری های هنری آن دوران است که نقشه و طرح و قطاعی آن، انحصاراً در دست هنرمندان ایرانی بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

گل های کناره، بطریق مارپیچی، تمام دیواره قلمدان را طی نموده و مثل یك گردن بند طلایی کناره قلمدان را در بغل گرفته بود.

داخل درب جعبه قلمدان که در زمینه طلای ناب نقش بسته بود، گل های کوکب و شکوفه های دیگری را به تابناکی و عدیم المثالی نقش نموده بود که گل سازی با حلاوت محمد زمان را تسجیل می کرد.

داخل جعبه قلمدان، به رنگ چرمی مشکی بود و لولا و چفت و بست آن، در شیوه فلز کاری اصفهانی بود این قلمدان پرمهارت که در نهایت امتیاز و چابکدستی عمل آمده بود، یکی از بهترین کارهای محمدزمان بشمارمی آمد که قرین و هم زمان قلمدان موزه کاخ نیاوران بود و از کارهای اولیه نقّاش بشمار می آمد.

این قلمدان نفیس، رقم نقّاش را دارا نبوده ولی شیوه گل آرایی و مهارت فوق العاده‌ای که در جمع قلمدان بکار رفته بود او را یکی از بهترین آثار روغنی محمد زمان، در این دوران به حساب می آورد. مجموعه آقای دکتر ناصر خلیلی.

۴ـ قلمدان جعبه‌ای است که برای شاه سلیمان صفوی تهیه گشته است. (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) درروی قلمدان مجلس ملاقات دارا شکوه و ملاشاه پیرخردمند هندی است که شاه هندی با جماعت همراهان مقابل مراد خود نشسته و به اندرز های وی گوش می دهد.

در گوشه چپ رویه قلمدان، منظره کشتی به ساحل نشسته و همچنین چند درخت و درخت شکسته، دیده می شوند. دماغه این کشتی که به شیوه کشتی های ونیزی ترسیم گشته، به عینه شبیه کشتی بزرگی در کناره قلمدان نگارنده است که هر دو را به شیوه یکسان و در محل های جداگانه، نقش کرده‌است.

در داخل زیر جعبه قلمدان، جماعتی از شکارچیان و سوارکاران که با آرایش دوران صفوی لباس پوشیده اند، در باغات کنار شهر، به گشت و پو اشتغال دارند، پل شش گوش مثلث شکلی آن که دراغلب آثار محمد زمان و از جمله دو نمونه کاملترش که در قلمدان آقای خورشید دیده می شوند، به استادی تصویر کرده‌است.

کناره ها و اطراف قلمدان نیز به همان ترتیب، منظره درختان سرسبز و ارائه ساختمان های قدیمی و فرسوده است که در شیوه کلاسیك عمل آمده و استادانه است.

در کناره های اطراف درب قلمدان و در داخل کتیبه های باریك آن، ابیاتی به خط نستعلیق زیبا که بالطبع از سروده های خود نقّاش باید باشد، کتابت شده که چنین است

شهنشاه عالم سلیمان ثانی — که نامش دهد رتبه لوح و قلم را
فلك قدر شاهی که دادست شأنش — به خورشید ازصبح صادق علم را
به دفع عدو ذوالفقار ولایت — به شمشیر عدلش سپرده است دم را
بفرمانش این بنده بی بضاعت — چو کردم تمام این دوات و قلم را
رقم زد پی سال تاریخ تابع — به امر سلیمان زمان زد رقم را

و مقصود از سال «تاریخ تابع» همانا تاریخ هجری است که برای تنظیم شعر بکار برده و نظرش تشریح سال هجری است که با تبعیت از آن تاریخ، به حروف ابجدی، سال ۱۰۸۴ هـ. قـ. را آشکار ساخته است. مضبوط در مجموعه خانم عزت ملك سود آور

از علائم مشخصه این قلمدان که جزو علائم مخصوص محمدزمان، در صفحات قبل یاد آوری گردید، تعداد سه علامت ویژه دارد که چنین است:

۱ـ تك درخت های تنومند که پوست های ترکیده دارد ـ با ۹ نمونه مشابه دیگر

۲ـ درخت های شکسته ـ با یازده نمونه مشابه دیگر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳ـ منظره خانه های قدیمی مخروبه ـ با پنج نمونه مشابه دیگر

۵ـ از دیگر آثار هنرمند، قلمدان جعبه‌ای بیضی شکلی بود که دو زنجیر ظریف نقره‌ای درکناره ها الصاق شده و لولای فلزی آن درشیوه صفوی و اصفهانی بود.

داخل قلمدان، چرمی و سرخ رنگ بود و حدود هیجده دسته گل های مختلف، از قبیل پامچال (پاپی چال) و آهاری و میخك و سایر گل های دیگر که در اغلب آثار محمد زمان دیده می شوند، به استادی نقش بسته بود واین نمونه اوّلین اثر هنرمند بود که داخل بچه قلمدان نیز، نقش هایی ترسیم نموده و با مشکلاتی که درامر تصویر داخل قلمدان داشته، به استادی از عهده برآمده بود.

کناره‌های قلمدان، درمسیر زنجیره‌ای و دورانی، بطرز مارپیچی گل آرائی گشته بود و یك لاله قرمز و یك میخك زرد را، به ترتیب بالا و پایین، دورقلمدان گردانده و در لابلا وفاصله گل ها نیز برگ های متناسبی علاوه کرده و بسان گل های قالبی، ظریف و استادانه ساخته بود.

رویه قلمدان، منظره گل و گلزار، درزمینه تیره بود که روی آنها، دو بلبل زیبا و پروانه ترسیم نموده و بنا به نوشته کتاب که عکس رنگی آنرا نیز ارائه داده بود. رقم و تاریخ قلمدان را چنین یاد نموده بود. «یاصاحب الزمان ۱۰۷۴ هـ. قـ.» = ۱۶۶۳ میلادی.

عمده مهارت نقّاش، در داخل قلمدان عرضه گشته و صحنه هایی از نقش زیبا رویان فرنگی را که در باسمه ها و مدل های چاپی دیده بود، به نقش در آورده و به استادی از عهده برآمده بود.

در طرف راست قلمدان، جمع درختان انبوه و فشرده‌ای را ترسیم کرده و در نقطه دورتر ساختمانی را به شیوه فرنگی ترسیم نموده بود که ستودن داشت.

در صحن باز و گسترده آن، میدان وسیعی را مجسم نموده بود که سه سوارکار ماهر، به تاخت و تاز به طرف خانه رهسپار بودند.

در وسط منظره، درخت تنومند و پربرگی که پوسته های ترکیده وریشه های بیرون آمده داشت جلب نظر می نمود. در کنار درخت، زن جوان و زیبایی که البسه سبزی پوشیده و سینه هایش تا حدی عریان بود روی صندلی نشسته و نوای ساز دوستش را گوش می نمود.

دوست زیبای وی که لباس قرمز و بلندی پوشیده بود عود می زد و یك بچه لخت و عور که تیرو کمانی به دست گرفته جلب نظر می کرد و این مجلس بگونه پسر لخت و کمان بدست تصویر ونوس و آمور بود که درآثار باسمه ای زادلر دیده می شود.

در طرف نزدیکتر این مجلس بزمی، زن نسبتاً چاقی که پستان های بر آمده ای داشت، باالبسه سرخ رنگ و چین و چروك دارش، در بستر خاکی دراز کشیده و دستش را روی زانوی دوستش که در کنار وی نشسته، تکیه داده بود.

روبروی زن جوان، یك چهار پایه که روی آن گلدان گلی قرار داشت دیده می شد، و دوست زیبا و دل آرای زن جوان، کلاه شاپوی بخصوصی بسر نهاده و زلف های بلندش را بیرون ریخته بود و در روبروی آن، چند کنده، درخت بریده دیده می شدند.

در پشت سراین افراد، انبوه درختان بزرگ و کوچك که به گونه جنگلی پرپشت جلوه‌گر بود به استادی نقش کرده و مهارت خود را درامرتصویر برملا نموده‌بود.

این اثر ماهرانه نیز از آثاراولیه نقاش که درسال ۱۰۷۴ انجام داده بشمار می آمد و با درج امضای یا صاحب الزمان، معلوم ساخته بود که تغییر دین نداده و دراین زمان ها نیز دراصفهان بوده و با برداشتی از باسمه ها و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نقوش دیگر فرنگی، این مجالس را در داخل قلمدان، به عهده نقش کشیده است.

تصویر شماره (۶۶) در صفحه (۹۸۴)

۶ـ جعبه قلمدان بیضی شکل و کشیده موزه ایران باستان، که رویه آن گل و مرغی شیوایی بوده که انواع گل هارابه استادی به روی قلمدان ظاهر ساخته است.

کناره های وی، گل های میخك گسترده ای است، که در بین آنها، گل های وحشی و تزیینی ترسیم نموده و محیط خالی را پرکرده‌است.

در زیر داخلی جعبه قلمدان، منظره شکارگاهی است که واقعاً آیتی از زیبایی ها و نمود حرکت های دورانی شکارچیانی است که به شکار آهوان سرگرم هستند.

حالت و حرکات اسب ها پرمایه و صحن مجلس شکار ستودنی است.

کناره ها و حاشیه های بالائی آن، تذهیب ساده و استادانه‌ای دارد. رقم نقّاش و تاریخ تصویر که به خط نستعلیق زیبا نوشته شده، چنین است: «حسب الامر اعلی صورت اتمام یافت. رقم کمترین محمد زمان شهر ربیع الاول ۱۰۸۲»

طرز رنگ آمیزی و طراحی در شیوه کار و رویه این قلمدان، به عینه شبیه صحنه گل آرایی داخل جعبه قلمدان آقای صمد خورشید و قلمدان گل و مرغی دیگری است که رقم طلایی و فوق العاده دقیق «یا صاحب الزمان» را دارا بوده، منتهی در یکی از آنها، رقم محمدزمان و در دیگر سجع «یا صاحب الزمان» را درج نموده و در دیگری به علت عریان کردن مجالس بزمی و تاحدی عریان، از درج رقم امتناع ورزیده‌است.

۷ـ قلمدان مجموعه نگارنده که کلیه تصاویر روی آن، از بالا به پایین ترسیم شده و قصه معروف شیخ صنعان و دخترترسا رااز مثنوی منطق الطیر عطّار نیشابوری بنحو شایانی عرضه نموده است.

در بالای قلمدان، بعد از ترسیم ابر های فشرده و درختان کنارهم، قصر پنج طبقه‌ای دیده می شود که یازده پله از زمین به طبقه بالایی راه دارد و در بالکن طبقه چهارم، چهار زن جوان که باالبسه رنگین و طلایی بلند، مشغول سیر و سیاحت فضای بیرون هستند بچشم می خورند و روی شیروانی ساختمان که به شیوه اروپایی بنیان گشته، صلیب طلایی جلب نظرمی کند.

در پشت سر همین ساختمان فرنگی، یك قصر چهار طبقه ایرانی که طاق بزرگ آن تا اندازه سه طبقه عمارت، بلندی دارد دیده می شود.

این ساختمان که گویا، بسان عالی قاپو ترسیم شده، طبقه آخری آن، محوطه بزرگی است که دارای چهارستون و چهار پرده قرمز رنگ است.

در حیاط خانه وزیر طاق بزرگ ساختمان، جماعتی که اغلب آنها لباس طلایی پوشیده اند دراندازه کوچکتر دیده می شوند. در وسط حیاط نیز دو نفر مسیحی که کلاه شاپو بسر نهاده و دو نفردیگر که عمامه بسر نهاده اند، با همدیگر صحبت می کنند و یکی از آنها که در پیشاپیش آنها قرار دارد، جامه طلایی زربفت پوشیده که گل های ریزآن بخوبی دیده می شود.

حالت صورت ها و دقت آرایش البسه و سایر امتیازات تصویر، معرف استادی نقّاش است که در اندازه کوچکتری محتویات یك تابلوی بزرگ را گنجانده و به تناسب کامل نقش نموده‌است.

در کناره های افراد، خیل گراز ها هستند که بچرا مشغول بوده و در پهنه چمن پراکنده گشته‌اند.

در وسط قلمدان، دو شاهزاده خانم زیبا که یکی از آنها تاج طلایی بسر گذاشته و لباس مزین و زرین پوشیده و سینه های خود را عریان ساخته جلب نظر می کند و ندیمه زیبایش نیز به همین ترتیب، البسه پر زیب و زینت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

پوشیده و محلی را به شاهزاده خانم نشان می دهد، پوشش ها و گردن بند ها و مخصوصاً حالت زنده و زیبای آنها که دراندازه چند میلی متری نقش بسته، معرف مهارت نقّاش درامر تصویر سازی است.

در صحنه پایین و به اصطلاح شاه مجلس قلمدان، زن بلند قامت و فوق العاده زیبای ترسایی که تاج جواهر نشانی بسر گذاشته و البسه زرین پوشیده و سینه های دلربای خود را بیرون نهاده دیده می شود، که با تبختر فراوان، جرعه شراب را به لبان تشنه شیخ صنعان نزدیك می کند.

در پشت سرش، ندیمه مخصوص و زیبایش که او نیز پوشش طلایی و آرایش جواهر نشان دارد قرار گرفته و ملکه را همراهی می نماید.

شیخ صنعان که عنان قدرت را از دست داده و بی اختیار در مقابل معشوق زانو زده، شراب فنا را نوش جان کرده به حال مخموری و مسحوری در جای خود، بلا اراده و ساکت مانده است، همراهان شیخ که از ضعف مراد خود درمانده و حیران گشته‌اند ناظر صحنه حزن انگیز و عبرت آمیز حقیقی شده و هریك بجای خود ثابت مانده‌اند. درزیر پای آنها چشمه آب روان و نقش دومرغابی و همچنین کنده درخت شکسته‌ای قابل رویت است. تصویر شماره (۶۱) در صفحه (۹۸۱)

کناره ها و دیواره های قلمدان مجموعه‌ای از ساختمان های مخروبه ایرانی و فرنگی در مناظر مختلف و همچنین چندین ساختمان سالم و متنوع ایرانی و بعضی از آنها که به شیوه ایرانی تصویرشده، بین منظره درختان و دشت و دمن پراکنده گشته و با زیبایی و تناسب استادانه ای هرکدام به جای خود نقش بسته‌اند.

در بین مناظر درختان و ابنیه متنوع کناره ها یك درخت بید مجنون و دو سرو ناز خوش قواره و سرسبز ترسیم شده که عین همین درخت ها را منتها با فاصله بیشتری در کناره های قلمدان آقای خورشید مشاهده می کنیم.

در بین ساختمان های کناره که به ساحل دریا و چند کوه مرتفع ختم می گردد، قلعه معظم و با صلابتی بسان قلعه های شاه عباسی نقش بسته که در داخل آن، عمارت سلطنتی که از هر نظر مطمئن بوده و حفاظ خوبی بشمار می آید بنا شده و بین انبوه درختان و فضای انتهایی آن، جلوه‌ای بس با مهابتی دارد.

دیواره ها و برج های دایره‌ای شکل قلعه، با استحکام تمام ساخته شده و دربالای دیواره ها، مزغل های تیراندازی نقش گردیده که در ردیف منظم دیده می شوند.

این قلعه پر مهابت که در کنار دریا ساخته شده، گویا بندر نیز به حساب می آمده که کشتی های بزرگ درآن لنگر می انداخته‌اند.

دراین لنگرگاه، دو کشتی بزرگ بادی که درشیوه کشتی های ونیزی است، لنگر انداخته و مسافران و کالاها را بوسیله قایق های کوچکی بساحل منتقل می نمایند.

پشت قلعه و کنار ساحل، باغ های مشجر و خانه ها و بناهای معمولی ساکنین است که درکنار آب و نزدیك کوه ها بنا گشته و بسان دهکده‌ای در پشت قلعه دیده می شوند.

زیر قلمدان قرمز عنابی و تك تذهیب های تکه ای و اسلیمی است که بشکل دکمه های طلایی جلب نظر می نمایند و کناره های زیری نیز، خطوط طلایی دقیق و کلفت است که بسان همه قلمدان های وی، تزئین و آرایش یافته است.

محفظه داخلی و محل قرار گرفتن قلم ها و مداد ها و سایر لوازم کتابت از چرم ساغری نازك تر تهیه شده و کناره های بیرونی آن، از نقوش معرق چرم، دو رنگ ساخته شده (۷)

اسکلت مقوایی قلمدان نیز که به استقامت و مرغوبیت تمام و نازکی مقوا ترتیب یافته، یکی از بهترین ها بوده و نمونه کامل اسکلت سازی مقوایی آن دوره بشمار می آید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این مجلس عرفانی که به شیواترین حد ممکنه و دراندازه کوچکتر ترسیم یافته، یکی از بهترین آثار محمد زمان است که قوانین مناظر و مرایا، به کاملترین دقتی مراعات شده و فرجام پذیرفته است.

رقم نقّاش در بالای رویه قلمدان و در فضای ابری آسمان و به رنگ طلایی روشن کتابت شده که چنین است: «رقم محمد زمان» تصویر شماره (۱۰۸) در صفحه (۱۰۲۰) و شماره (۱۱۰) در صفحه (۱۰۲۱)

از علائم مشخصه این قلمدان که جزو علائم محمدزمان، در صفحات قبل یاد آوری گردید، تعداد پنج علامت ویژه دارد که چنین است:

۱ـ ابرهای تیره و نشرده و طبیعی ـ مطابق باده نمونه شبیه دیگر

۲ـ تك درخت های تنومند که پوست های سوسماری دارند ـ مطابق با ۹ نمونه شبیه دیگر

۳ـ درخت های شکسته که دراین قلمدان درسه جا مشاهده می گردد ـ مطابق با یازده نمونه شبیه دیگر

۴ـ وجود رده های درنا ها و لك لك های پرنده ـ مطابق با هفت نمونه شبیه دیگر

۵ـ منظره ساختمان های قدیمی و مخروبه یك طاقه ـ مطابق با شش نمونه شبیه دیگر

۶ـ صخره های سنگ خورد شده ـ مطابق باشش نمونه شبیه دیگر

۸ـ اثر دیگر قلمدان تابوتی است که در مجموعه آقای اسکندر اریه قرار گرفته است.

اصل این قلمدان ابتدا در کلکسیون Hatoun بوده که اوّل دفعه تصویر آنرا درلوحه شماره ۵۷ کاتالوگ Album de l'exposition D'art Persan 1935 نشر کرده‌اند.

در گوشه راست قلمدان، جوان شاهزاده ای که کلاه پوستی بسر گذاشته و لباس بلند یخه خزدار پوشیده، در کنار دختری که مست شراب شده و چشمان خمار خود را بسته، تکیه کرده است. (۸)

در طرف دیگر شاهزاده، دختر جوان دیگری که آن نیز کلاه خزدار بسر نهاده و لباس خز پوشیده ناظر صحنه است. جوان دیگری که گویا یکی از شعرای همدم شاهزاده است، جنگی بدست گرفته و شعری رااز روی آن قرائت می کند. تصویر شماره (۶۷) در صفحه (۹۸۴)

۷ـ نقش معرق و چرم سوختی، که دراغلب قلمدان های ارزنده و کاراستادان نامی به کار رفته و فوق العاده نادراست، شیوه و هنر بخصوصی است که فقط استادان معروف و مقوا ساز و اسکلت ساز قلمدان، از عهده آن بر می آمده اند، و طرز ساخت و پرداخت آن چنین بود که استاد کار درابتدا نقش دلخواه خود را به روی چرم تیره ای که زمینه را تشکیل می داد، ترسیم می نمود و پس از آن، با کارد نوك تیز مخصوصی که در اختیار داشت نقوش اولیه را با احتیاط از توی چرم در می آورد و بجای آن، عین همین نقش را که در روی چرم روشن تر انجام داده و به همین ترتیب بریده شده بود، به روی نقوش بریده شده سابق می چسبانید.

در نتیجه نقش مورد دلخواه، با چرم روشن تری به روی چرم تیره، جلوه‌گر گشته و ارزش پر مایه‌ای به قلمدان می داد.

این شیوه چرم معرق، در آثار قلمدان سازی محمدزمان، تنها درکشو قلمدان نگارنده که رقم محمدزمان را در بر دارد، انجام پذیرفته که درصفحه ۹۸۵ و تصویر A ملاحظه میفرمایید.

دیگر نمونه معرق چرمی داخل قلمدان که تاکنون معرفی شده، چرم معرق داخل کشو قلمدان استاد محمد ابراهیم برادر استاد محمدزمان است که در موزه آرمیتاژ قرار گرفته و بسال ۱۰۹۲ هـ. ق. پایان پذیرفته است.

بعید نیست اسکلت مقوائی این دو قلمدان را یکی از استادان اسکلت ساز درباری، که درصنعت سوخت معرق نیز دست ماهرانه داشته انجام داده، که متأسفانه نام وی و رشته حیاتش را نمی دانیم.

۸ـ عده‌ای این جوان را شاه سلطان حسین نامیده اند که درست نیست، زیرا شاه سلطان حسین دراین زمان ها سی ساله بوده و چهار سال از سلطنت وی می گذشته است. در صورتی که اگر به قیافه جوان مزبور دقت نماییم، شاهزاده‌ای حدود بیست ساله و یا کوچکتر بنظر می رسد.

مؤلف تاریخ وقایع السنین والا عوام، راجع به مرگ شاه سلیمان و پادشاهی شاه سلطان حسین چنین می نویسد: «فوت شاه سلیمان در روز پنجشنبه ۵ ماه ذی الحجه الحرام سنه ۱۱۰۵ در حرم اصفهان، و در چهارم ماه مذکور جلوس نواب همایون شاه سلطان حسین واقع شد و درآن وقت عمر شریف شاه ۲۶ سال گذشته بود» بدین ترتیب سال تولد شاه سلطان حسین حدود ۱۰۷۹ هـ. ق. می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

منظره درخت کهن سالی که جنب نوازندگان قراردارد، به هیئه شبیه درخت تنومند وسط قلمدان آقای خورشید است که یکی از شاخه های آن پیچیده و بطرف پایین رشد کرده‌است.

در گوشه چپ، مناظر ساختمان قدیمی و افراد سواره و پیاده و درخت شکسته و دورنمای درختان و ساختمان و تپه دیده می شوند. بالای سریکی از نوازنده ها رقم دارد: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۹»

در داخل درب جعبه، تصویر شکارگاه پر ازدحامی است که سواران در البسه زمان و اسلحه های گوناگون سوار اسب گشته و به شکارآهو و گراز سرگرمند. یکی از شکارچیان، تعادل خود را از دست داده و در مقابل درب باغی زمین خورده است.

درختان کوچك و بزرگ شکارگاه، جالب و تماشایی است و حالت و حرکت و پیچش اسب ها و سوارکاران که به دنبال شکار جانوران، در تلاش هستند، استادانه بوده و مبین قدرت قلم نقّاش به شمار می آیند.

از علائم مشخصه این قلمدان که جزو علائم مخصوص محمدزمان و درصفحات قبل یادآوری گردید، تعداد چهار علامت ویژه دارد که چنین است:

۱ـ تك درخت های تنومندی که پوست سوسماری دارند ـ مطابق با ۹ نمونه شبیه دیگر

۲ـ درخت های شکسته ـ مطابق با یازده نمونه شبیه دیگر

۳ـ وجود درنا ها و پرندگان دیگر ـ مطابق با هفت نمونه شبیه دیگر

۴ـ دایره زنگی نوازنده ها ـ مطابق با پنج نمونه شبیه دیگر

۹ـ دیگراز آثار این هنرمند که دارای سجع «یا صاحب الزمان» با خط نستعلیق عالی بود، قلمدان ترك خورده ای بود که ابتدا در حراج ساتبی ماه می ۱۹۸۶ لندن به معرض فروش گذاشته شد و عکس رنگی آن نیز در کاتالوگ مذکور چاپ گردید و چون قلمدان مذکور به قیمت تعین شده فروش نرفت در حراج های بعدی، در کریستی لندن به معرض فروش در آمده و نصیب نگارنده گردید.

دراین اثر استادانه که منظره دشت و دمن به وسعت گسترده‌ای به روی قلمدان ترسیم شده آیتی از کمال و برملا کننده مهارت نقّاش است که به روی قلمدان نقش یافته‌است.

در کناره سمت چپی، منظره خیابان پردرختی دیده می شود که بین سایر مناظر دیگر جلوه دل انگیزی دارد.

این نوع خیابان ها که در دو طرف آن، درختان سرو ناز، سر به آسمان کشیده اند، در شیوه پرسپکتیو عمل آمده که انواع این منظره ها را در چند مرحله مختلف، درآثار محمدزمان مشاهده کرده ایم، در صحن گسترده رویه قلمدان که چشم انداز منظره بزرگی را جلوه‌گر می سازد درختان کهن سال دیگری نقش نموده که به علت بلندی آنان، قسمت بالایی آنها دیده نمی شود، ریشه درخت ها مطابق حالتی که در طبیعت داشته، بر آمده نقش شده و از سطح زمین بالاتر مشاهده می گردند.

درخت شکسته‌ای نیز مطابق معمول، در وسط منظره علاوه نموده و به اصطلاح امضای مخفی دیگری را نیز دربطن تصویر نشان داده است.

انتهای منظره، بااستادی کامل، به افق رسیده و تصویر درختان و تپه های کوچکتر، در منتهی الیه نقّاشی، جلوه‌گر گشته و منظره بسیار بدیعی را نمایان ساخته است.

در کناره های قلمدان و مطابق شیوه دوران صفوی، که نقّاشان دیگر نیز ترسیم می نمودند، تك گل های با طراواتی، از قبیل بنفشه و داودی و سایر گل های مرسوم، نقش نموده که در نوع خود چشم آذین هستند.

کناره ها و حواشی قلمدان، تذهیب ساده بوده و زیر قلمدان که زمینه سرخ دلربایی دارد، تذهیب گل اناری

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و خنجری و دسته‌ای بلند، در مسیر دورانی انجام یافته و مهارت و تذهیب کاری نقّاش را به استادی بیان داشته است.

داخل قلمدان، زمینه مشکی داشته و درآنجا نیز، تذهیبات متنوع و دسته گل هایی به تناسب نقش یافته است. رقم «یا صاحب الزمان» به خط نستعلیق استادانه که کتابت آن مهارت و تردستی نقّاش را برملا می سازد بروی منظره رویی قلمدان جلب نظر می کرد. (۹) تصویر شماره (۶۸) در صفحه (۹۸۵)

۱۰ـ از آثار رقم دار دیگر هنرمند که رقم طلایی یا صاحب الزمان را به خط نستعلیق غبار و در کمال استادی نوشته بود قلمدان گل و مرغی استادانه‌ای بود که در وسط رویه آن، دو گل زنبق زیبا دیده می شدند، که با پرداز های استادانه و رنگ های چشم نواز و طراوت طبیعی، نقش بسته بودند.

در طرف راست زنبق ها، شاخه گل سیب و گل آهاری و دسته گل های سرخی که شاخه ها و غنچه های انبوهی داشتند، جلب نظر می نمودند، که در بین آنها دو مرغ زیبا نیزدیده می شدند.

در طرف چپ رویه نیز، شاخه گل های سیب و میخك و پامچال و آهاری و سایر گل های تزئینی در کمال مهارت نقش بسته بود که بین آنها دو مرغ رنگین در پرواز بودند.

زمینه رویه، مرغش تیره بود و به خط نستعلیق و رنگ طلایی امضا داشت «یا صاحب الزمان»

کناره های قلمدان حدود پانزده دسته گل مجزا داشت که از جمع گل های اهلی و وحشی، ازقبیل گل سرخ و میخك و سنبل و قرنفل و گل های ارغوانی و بنفش عمل آمده و خرمنی از گل ها را نشان می داد.

زیر قلمدان قرمز آتشی بود و سه تذهیب ستاره ای و چهار شاخه ای طلایی، بروی آن نقش بسته بود.

شیوه گل آرایی این قلمدان، بسان گل و مرغ های داخل قلمدان آقای خورشید و قلمدان ایران باستان بود که آیتی از کمال بشمار می آمد.

۱۱ـ از آثار دیگر محمدزمان که درحد خود عظمت والائی داشت قلمدان پر تصویر شکارگاهی بود که در کمال استادی عمل آمده و هنر نقّاش را به مهارت تمام ارائه داده بود.

در بالای رویه قلمدان، منظره ابرها و شاخ و برگهای زیبای درختی، جلوگر گشته و در زیر آنها، یك اسب، به رنگ طلائی نقش گردیده و روی آن، سوارکاری نشسته و با دو سوارکار همراه دیگرش، گرازی را تعقیب می نمودند.

در وسط رویه، دو نفر سواره و پیاده که یکی تفنگ بدوش نهاده و گوزنی را نشانه گرفته بود، به همراه سوارکار دیگری که کمان کشیده و آهوئی را شکار می نمود، دیده می شدند.

در پائین تر این منظره، یك اسب سوار و سوارکار دیگری، که در دستش، شاهین تیز پروازی را گرفته بود آماده شکار بودند.

درقسمت زیری این صحنه، یك اسب زرد و سوارکاری که البسه قرمز پوشیده و عقابی بدست گرفته بود جلب نظر می کرد و زیر قلمدان برکه آبی بود که در صحنه شکارگاه احداث گشته بود.

منظره عمومی شکارگاه و ارائه حرکت و خوش تراشی اسبها و نمود هر چه طبیعی تر شکارچی ها، در حد

۹ـ با بدست داشتن این چند قلمدان که تاکنون شناخته شده و بعضی از آنها معرفی گشته اند، مدلل می سازد که محمدزمان بیش از سایر نقّاشان هم دوره خود، به قلمدان سازی علاقه داشته و در سنوات مختلف، به خلق آنها دست یازیده است.

از نقّاشان هم عصر وی که قلمدان سازی می کرده اند، یکی معین مصور است که تنها یك قلمدان به یادگار نهاده و دیگری استاد علیقلی جبادار است که حدود چهار قلمدان رقم دار از وی دیده شده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خود ماهرانه بوده و مؤید قدرت قلم نقّاش به شمار می آمدند، وضعیت قوانین مناظر و مرایا، در این شکارگاه اجرا گشته و به نسبت فاصله‌ای که از نفر اوّل دورتر بودند، کوچکتر ترسیم شده بودند.

در کناره‌های قلمدان نیز تصاویری، در بین کتیبه‌ها و مدالیون ها نقش بسته بود که در وسط یکی از کناره‌ها، عمارت بزرگ و دو طبقه‌ای جلب نظر می نمود، که گویا یکی از عمارات معروف و قدیمی شهر اصفهان در زمان صفویه بود که نقّاش از روی آن شبیه سازی نموده بود.

در محوطه دماغه قلمدان، مناظری از کوهها، به همان ترتیبی که صخره‌های کوهی دیگر را ترسیم می نمود، ارائه داده بود و در صحنه دماغه دیگر، منظره یك برج قدیمی و پل چند پایه و محکمی که گویا یکی از پلهای معروف اصفهان بود بزیبائی نقش گردیده بود.

در وسط طرف دیگر، که بزرگتر از سایر کتیبه‌ها بود یك درخت تنومند و یك درخت شکسته و خیابانی پر از درختهای سرو، که امثال آنرا درجاهای دیگری نیز سراغ داریم، به پرسپکتیو صحیح و یکسان ارائه داده بود و در صحنه دیگر، دو سوارکار نیز دیده می شدند که در حال عبور بودند

در کنار یکی از دماغه‌ها، چند ساختمان زیبا و انواع گلها، که در یك باغ پرگل و انبوه، جلوه‌گر بودند، دیده می شدند.

این قلمدان ارزنده که یکی از آخرین آثار محمدزمان به حساب می آمد، به خط نستعلیق بخصوصی که به خط رقاعی نیز شبیه بود، رقم داشت: «هو یا صاحب الزمان ۱۱۱۰»

۱۲ـ قلمدان دیگر این هنرمند را که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن دیده‌ام، چون امکان دیدن آنرا از نزدیك نداشتم، تاریخ وی را سنه (۱۱۱۱) یادداشت نمودم و چون کار هنری وی واقعاً عالی بود، معلوم می داشت که محمدزمان در سنوات اخیر عمر خود نیز در نقّاشی پرمهارت بوده و استادانه می ساخته است.

در این اثر بزمی، شاهزاده جوانی مست و خمار بروی بازوان دختر جوانی دراز کشیده و نشئه راز و نیاز عاشقانه بودند، در دست راست رویه قلمدان نیز دو نفر دایره می زدند و آواز می خواندند و در طرف دیگر، چهار نفر از اغیار همراه شاهزاده، به عیش و طرب و مغازله سرگرم بودند. حواشی قلمدان هم منظره‌های ساده دشت و دمن و باغ و اشجار بود و در وسط قلمدان رقم داشت: «یا صاحب الزمان ۱۱۱۱»

۱۳ـ دیگر اثر این هنرمند که عکس آن در کتاب La Perse et la France به سال ۱۹۷۲ منتشر گشته، تصویر قلمدانی، از ساخته‌های محمدزمان بود که حواشی و کناره‌های آن با برگهای انگوری حل کاری شده و در بین آنها ترنجها مختلف الشکلی داشت، در بین ترنج ها تصاویری از مناظر و عمارات گوناگون و در داخل یکی از ترنج های بزرگ تصویر زن زیبا و فتانی ارائه گشته بود که البسه زیبائی پوشیده و بدلربائی مشغول بود.

لطافت حل کاری و تذهیب کناره‌ها و منظره‌های گوناگون استادانه بوده و یکی از بهترین کارهای محمدزمان به شمار می آمد. اندازه ۲۹/۱×۶/۴ سانتی متر

۱۴ـ قلمدان زیبائی است که بروی آن، شمایل حضرت مسیح در لباس چوپانی، نقش بسته است. مسیح که در سنین نوجوانی ارائه گشته، لباس سرخ و خوش رنگی پوشیده و کمر خود را بسان شبانان بسته و عصبائی بدست گرفته و گوسفندان را پاسداری می نماید.

منظره درختان و ساختمانهای متنوع و ارائه تپه‌ها و جمله نقوش قلمدان در کمال زبردستی عمل آمده و با رنگ طلائی در بالای قلمدان از سجع مخصوص سود جسته و نوشته است: «یا صاحب الزمان»

در انتهای قلمدان و در زیر پای چپ حضرت مسیح، مطابق برداشت و سلیقه نقّاش درخت شکسته‌ای نیز ترسیم نموده و منظره دشت و دمن را طبیعی جلوه داده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در کناره‌های قلمدان دسته گلهای متنوعی در حدود بیست دسته گل شاداب، بسان سایر آرایش گل کاری محمدزمان و از جمله کناره‌های قلمدان نگارنده که به شرح آن در شماره ۹ آثار محمدزمان یادشده نقش نموده و هنر خود را در آرایش گلها نشان داده است.

اسکلت و مقواسازی این قلمدان نیز شبیه همان قلمدان شماره ۹ نگارنده است که عکس آنرا در صفحه۱۰۲۰ و شماره ۱۰۸ ملاحظه می فرمائید.

در کنار امضای نقّاش، تاریخ ۱۵۱ دیده می شود که اگر آنرا ۱۱۵۱ و یا ۱۰۵۱ به حساب بیاوریم، بهیچ وجه باسنوات زندگی محمدزمان مطابقت نمی نماید ولی چون اصل تصویر از حدت قلم و استادی بدون شبهه‌ای برخوردار است، شایسته است این قلمدان را نیز از آثار محمدزمان دانسته و تاریخ آنرا که ممکن است جملاتی با حروف ابجدی درج کرده باشد، به حساب آورده و کشف نشده فرض نمائیم. مضبوط در مجموعه آقای ادیب برومند.

۱۵- دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند، قلمدان جعبه‌ای مستطیل شکلی بود که در زیر درب جعبه آن، مجلس شکار با عظمتی نقش بسته و یکی از آثار این هنرمند به شمارمی آمد.

در صحنه شکار که نقّاش، با ارائه درختان تنومندی، میدان شکار را به دو محل گسترده‌ای تبدیل کرده بود، در طرف راست آن، چند سوارکار برجسته‌ای به شکار آهوان سرگرم بوده و یکی از شکارچیان، نیزه بلندی به گردن آهو انداخته و او را بدام انداخته بود. یك نفر دیگر که گویا شاهزاده و همراه پادشاه بود، نیزه‌ای بدست گرفته و به طرف شکار حمله می برد و مستخدم جوانی که باز شکاری بدست داشت در پشت سروی دیده می شد، در طرف چپ میدان نیز بهمین ترتیب، سوارکاران به سوی شکار حمله برده و یکی از همراهان آهوئی را که شکار کردهسر بریده و آماده می نمود.

در وسط صحنه، شخص شاه که ریش و سبیل کم پشتی داشته و کلاه سلطنتی عمامه‌ای بسر نهاده بروی اسبش نشسته بود، صحنه شکار را نظاره میکرد.

در زمینه اثر، منظره پل رومی و ساختمان بزرگ و کوه و دشت و دمن دیده میشدند. کناره‌های قلمدان نیز پر از تذهیب استادانه و گل اناری و برگ خنجری بود که جوانب قلمدان را محصور کرده و هنر تذهیب کاری محمدزمان را به استادی نشان می داد. تصویر شماره (۶۹) در صفحه (۹۸۵)

۱۶- دیگر شاهکار قلمدانی محمدزمان که رقم جملی حاجی محمد را دارد، قلمدان معروف مجموعه آقای خورشید است که آقای شهریار عدل در کتاب خود آنرا از آثار «محمد ابراهیم بن حاج یوسف قمی» که بزعم ایشان همان «حاج محمد بن حاج یوسف قمی» دانسته‌اند، تشریح کرده و دلایلی نیز بیان داشته است. و اگر امضای این قلمدان را بدقت بررسی نمائیم، می بینیم که محوشدگی و سائیدگی امضاء نقّاش، به دلیل روغن سابق قلمدان است که جلای آن نگذاشته است، رنگ رقم جدید، بروی بدنه اصلی قلمدان نفوذ کرده و امضای الحاقی را تثبیت نماید. ۱۱

و اگر این امضا صحت داشت و باصطلاح نویسنده مقاله، از آن محمد ابراهیم «حاجی محمد» بود، درج امضای نقّاش نیز بمثابه سایر ریزه کاریهای نقّاش که در متن تصویر انجام یافته، از زیر روغن کمان، به روشنی آشکار گشته و لرزش و سستی آن به وضوح مشاهده نمی گردید.

از طرف دیگر این قلمدان بزمی که در گوشه راست و چپ و وسط آن، مجلس عیش و نوش و بوس و کنار به وضوح عریان گشته، بالطبع نقّاش نمی توانسته است با آن همه قیودات مذهبی مخصوصاً حاجی نیز بوده باشد، نام حاجی محمد را درج کرده و بین خاص و عام بدنام گردد و بطوریکه در نقوش الفیه و شلفیه و بزمی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و عریان، اغلب استادان نامی دیگر که به عنوان تفنن ترسیم کرده‌اند، ملاحظه می گردد که نقّاش از درج نام خود استنکاف ورزیده و خود را از بهتان و شماتت رقیبان رهانیده است.

و اما نفاست و فخامت قلمدان مذکور که یکی از ممتازترین آثار هنری محمدزمان به شمار می آید، مبین قدرت قلم نقّاش است که بعضی از ریزه‌کاری ها و موضوعات آن نیز در آثار دیگر محمدزمان به نحوی عرضه گشته است.

در این اثر ارزنده درختان بمیار سایر آثار محمدزمان و به شیوه مخصوص نقّاش، سایه پردازی شده و در یکی دو جا نیز حالت شکستگی درختان را نشان داده و برگها را منظم و دست چین ترسیم کرده است. و همچنین در محل های مختلف قلمدان، عمارات کهنه و قدیمی اروپائی و جمعی از باغات سرسبز و ساختمان های ایرانی و به خصوص ارائه و نمود کلیسا و ابنیه مذهبی مسیحی که در جمله آنها قوانین پرسپکتیو را به نیکوترین دقتی انجام داده، بروی قلمدان ظاهر ساخته است. درمورد شاه مجلس این قلمدان، که مغازله و عشق بازی زن و مردی را نشان می دهد، گویا به سفارش و اجازه شاه سلیمان، پادشاه عیاش و ضعیف النفس صفوی، صحنه‌هائی از مجالس خصوصی وی را تصویر کرده و حالات عشق بازیهای مخفیانه وی را بروی قلمدان آورده و چه بسا که شبیه شاه سلیمان نیز ترسیم نموده است.

دو زن جوان دیگر که یکی از آنها دایره می زند و دیگری ناظر صحنه عشق بازی است، در کنار آنها جلب توجه می نمایند. حالت قیافه‌ها و مخصوصاً چهره فتان و لوند زن جوان که خود را دراختیار نهاده، و همچنین تزیین البسه و انتخاب رنگها استادانه است. در پشت سر و کناره‌های افراد، منظره درختان بزرگ و کوچك دیده می شوند. (۱۲)

۱۱ـ درمورد امضاهای جعلی و الحاقی بروی قلمدانها، که اغلب در دید اوّل، جعل آنها آشکار می گردد، عمده اشکال امر در این است که امضای جدید و الحاقی، باید بروی روغن قلمدان که به مرور ایام خشك شده و بسان شیشه‌ای شفاف، لغزنده گشته است ثبت شود و این امر محال، هرقدر که جعل کننده امضا مهارت داشته باشد، بروی روغن صیقلی شده نمی چسبد و در نتیجه لغزنده شده و عیار و اصالت امضا بهم می خورد و اگر امضا به وسیله طلا انجام یابد، مشکل کار مضاعف گشته و ناممکن می گردد. جعل کنندگان خبره و استاد که در این امر مهارت دارند و اغلب افراد عامی و عادی را گول می زنند، به قدر اندازه نام نقّاش، بروی روغن قلمدان سمباده زده و یا الکل مخصوص، حالت شفافیت و لغزندگی آنرا از بین می برند، البته طوری این کار را انجام می دهند که به کناره‌ها لطمه نزده و موقع روغن زدن مجدد لکه‌دار نگردد، بعد با نوك مهره، آن محل را صاف کرده و به اصطلاح اطو می کنند و سپس با طلای ناب که طرز نوشتن آن نیز مهارت بخصوصی لازم دارد، در محل مربوطه امضا گذاشته و چند روزی در جای خشك می گذارند که طلا کاملا خشك شود. و بعد از خشك شدن روی امضا را مهره زده و بعد روغن می زنند و اگر به خواهند خیلی دقیق تر شود، جمله روی قلمدان و کناره‌ها را نیز مجدداً روغن می زنند تا محل جعل ارقام شناخته نشود. البته باید عرض کنم که جعل امضاهای طلائی، بسان اثر دست نقّاشان قدیمی که با نوك قلم فوق العاده ریز، نام خود را به طلا می نوشتند غیرممکن بوده و بلکه محال می باشد، زیرا نوشتن خطوطی به آن نازك قلمی، یکی از تیره‌های بسیار دشوار هنر نقّاشی بوده و هم گام و هم طراز هنر نقّاش عرضه می گردد. و از طرفی مدت زمان و نفوذ نور و سایر عوامل دیگر، رنگ طلا را به موازات مدتی که کتابت شده تغییر داده و خود را ظاهر می سازد، و این امر برای اهل بصیرت ساده بوده و در دید اوّل اصل و بدل را از همدیگر تمیز می دهند، نکته عمده دیگر، هم رنگ کردن طلائی است که به نسبت سنوات اثر تغییر می کند و هیچ قدرتی نمی تواند بسان رنگهای طلائی و قدیمی عمل آورده و افراد خبره را گول بزند، زیرا جعل کنندگان ماهر نیز، گواینکه قبل از روغن زدن همان رنگ را بمیار همان زمان درست می کنند و بعد چون روغن کمان بروی آن میزنند، علاوه برابنکه رنگها، به کلی مغایر می گردد و درمواردی ممکن است رنگ طلا کدر گشته و یا شفافیت بی مزه‌ای پیدا کرده و جعل امضا را ظاهر سازد و ضمناً باید در نظر داشته باشیم که صحبت ما تنها درمورد جعل نام و یا امضا و یا تاریخ نقّاشی است و جعل کردن مطالب زیاد و مخصوصاً ابیات شعری که نقّاشان به مناسبتی در کناره‌ها و رویه‌های قلمدان کتابت می نمایند، کار محال بوده و اگر انجام یابد شناسائی وی بسادگی امکان پذیر است. و اما جعل رنگهای آبرنگی، به غیر از طلا، ساده بوده و بدین ترتیب است که جهت سهولت کار از این رنگها استفاده کرده و به مناسبت نوع زمینه، رنگها را تغییر داده و جعل امضا می نمایند، البته گواینکه این نوع جعل ها نیز مشکل می باشند ولی بدشواری طلا نبوده و تا حدی آسان تر اجرا می گردند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در مجلس وسطی که همان جوان سابق تصویر شده، لباس سرخ و خوشرنگی پوشیده و کلاه خزدار صفوی بسر گذاشته و ریش و سبیل کم پشت دارد. زن جوان که گویا همان معشوقه اوّلی است، لباس زرد رنگ و بلندی به تن کرده و خود را در بغل جوان انداخته و به شادابی در آغوش وی جا گرفته است.

جوان مذکور پیاله شرابی بدست گرفته و با معشوق خود راز نیاز می کند و ظرف میوه و صراحی شراب نیز در مقابل آنها جلوه‌گر است و دو درخت تنومند و کوچکتر و انبوه درختان دیگر، در انتها و همچنین در بالای پل ده چشمه نوزنقه شکلی که مقداری از آن قابل رویت است، چهار شخص پیاده و یك سواره در زمینه تصویر دیده می شوند. منظره درخت تنومند، بسان درختی است که در طرف چپ رویه قلمدان آقای اریه جلب نظر می نماید.

مجلس سوم که در گوشه چپ قلمدان جلوه‌گر است، همان زن و مرد جوان است که در لباس و کلاه مختلف صفوی، کنار هم نشسته و دست در دست و گردن نهاده، راز و نیاز می نمایند. ظرف میوه و صراحی شراب در مقابل دیده می شوند. ۱۳ در زمینه اثر، تصویر کلیسا و ساختمان چند طبقه‌ای جلب نظر می نمایند که یکی از بهترین نمونه قدرت ترسیمی محمدزمان، در اجرای صحیح قوانین پرسپکتیو است که در حد استادان اروپائی انجام داده است. تصویر شماره (۷۰) در صفحه (۹۸۶)

یك درخت شکسته در دست راست و یك درخت کهن سال دیگر، در طرف چپ به دقت ترسیم شده و در گوشه چپ انتهائی، سوار کاری با توله سگ خود راه می رود و نفر دیگر در مقابل ساختمانی بزرگ دیده می شود.

اطراف لبه درب قلمدان که حدود یك سانتی متر ضخامت دارد، تصویر گل سرخ و برگهای سرسبز و لاله است که بسان پارچه‌ای رنگین، دور درب جعبه قلمدان را پوشانده و مانند نقش های قالبی، در کنار هم قرار گرفته و کمربندی از گل آرائی را جلوه‌گر ساخته است.

کناره‌ها و حواشی قلمدان نیز مناظر گوناگونی، عبارت از درختان تنومند و متنوع بزرگ و کوچك و چند درخت شکسته و یك خیابان فرح انگیز که طرفین آن با سروهای منظم و سرسبز پوشیده شده و انتهایش به قصر دو طبقه‌ای منتهی می گردد که عین همین منظره‌ها، در موضوع ملاقات سیاوش و افراسیاب که در خمسه نظامی مورگان قرار گرفته، رویت می شود.

اما تصویر زیر در جعبه قلمدان که بعینه بسان تصویر قلمدان موزه ایران باستان که در سنوات ۱۰۸۲ هـ. قـ. اتمام یافته است، مجموعه گلهائی، از قبیل گل سرخ و شکوفه و زنبق و لاله و سنبل و نرگس است که پنج مرغ خوشرنگ و چهار پروانه، در لا بلای گلها به جست و خیز مشغول می باشند.

در این صحنه، علاوه براینکه تمام گلها و سایر جزئیات آن، بسان رویه قلمدان موزه مذکور ترسیم شده، حتی حالت ایستادن مرغها نیز کوچکترین تغییری نکرده و به همان سیاق اولی، مصور شده است. و این تقلید مو به مو که به دقت تمام انجام پذیرفته، یکی از دلایل محکم دیگری است که معلوم می دارد این قلمدان را محمدزمان ساخته و در بعضی موارد، از کارهای گذشته خود نیز تقلید نموده است.

۱۲ـ از آثار دیگر نقّاشان که در عیار همین قلمدان و قلمدان بزمی آقای اسکندر اریه انجام داده‌اند، قلمدان بزمی بود که به شماره ۱۰۷ حراج ساتبی روز ۲۵ جون سال ۱۹۸۵ ثبت گشته و قیمتی بین ۳۰/۰۰۰ الی ۵۰/۰۰۰ پوند تعیین کرده بودند. قلمدان مذکور که گویا از قلمدان آقای خورشید کیی برداری شده بود، خیلی ضعیف بود و رنگها نیز جلوه چندان قابل تعریفی نداشت.

۱۳ـ این صحنه عشق بازی، بطور یك سان و هم شیوه، در خمسه نظامی کتابخانه مورگان نیز رویت می گردد که به سال ۱۰۸۸ فرجام پذیرفته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

شبیه این نوع طرح و رنگ آمیزی و گل و مرغ سازی را در یکی از کارهای گل و مرغی محمدزمان می بینیم که رویه آنرا به یك طرح و یك سان و با مختصر اختلافی ساخته و با رقم نستعلیق طلائی استادانه‌ای که امضای «یاصاحب الزمان» را جلوه‌گر می سازد، ثابت نموده که این سه قلمدان اثر دست محمدزمان بن حاجی یوسف است که در یکی از آنها نام محمدزمان و در دیگری سجع یا صاحب الزمان قید نموده و در قلمدان سومی که مجلس بزم و سماع و لهو و لعب بوده از درج امضاء خودداری کرده است.

از علائم مشخصه این قلمدان که جزو علائم مخصوص شیوه محمدزمان در صفحات قبل یادرآوری گردید.

تعداد پنج علامت مشخصه وجود دارد که چنین است.

۱ـ تك درخت های تنومند، باهشت نمونه مشابه دیگر.

۲ـ درخت های شکسته، با یازده نمونه مشابه دیگر.

۳ـ قرینه‌سازی منظم درختان، با چهار نمونه مشابه دیگر.

۴ـ منظره ساختمان های قدیمی و مخروبه، با پنج نمونه مشابه دیگر.

۵ـ دایره زنگی نوازنده‌ها، در چهار نمونه مشابه دیگر.

۱۷ـ مجلس شکار بروی صفحه دایره‌ای، که رقم محمدزمان و سنه ۱۰۸۳ هـ. ق. را دارا بوده و در موزه هنرهای تزیینی تهران دیده می شود.

درمیدان شکارگاه چهار گراز و یك آهو دیده می شوند که هر کدام از شکارچیان، با نیزه و تیر به شکار آنها سرگرمند. یکی از شکارچیان شاخ آهو را گرفته و او را گرفتار کرده است.

البسه و حالت شکارچیان و همچنین حرکات و حالات اسبها که هر یك در پوز مخصوصی نقش بسته‌اند، استادانه است، مطابق شیوه محمدزمانی، تنه اسبها چاق و سنگین و پاها نازك و استوار، که بعید بنظر می رسد این پاهای ناتوان، سنگینی بدن حیوان و بار تنه سوار کار را تحمل نماید.

پیچش یکی از پاهای جلوی اسب، تا حدی ناقص ترسیم شده و بسان این می ماند که پای حیوان شکسته شده و از ساقه آن آویزان است.

در افق دور منظره دهکده و دیوار باغ بزرگ و چند سوار کار دیده می شوند، و در کنار گردونه، دو درخت پهناور و در فضای دشت و دمن نیز، چند درخت کوچکتر جلب نظر می نمایند.

یکی از شکارچیان باز شکاری بدست گرفته و آماده فرمان است. تصویر شماره (۶۵) در صفحه (۹۸۳)

۱۸ـ از آبرنگهای شناخته شده و بدون امضای استاد محمدزمان که یقیناً بعداز سال ۱۰۷۴ و قبل از سال مرگ شاه عباس ثانی در سنوات ۱۰۷۷ هـ انجام یافته، تصویر سفیر پادشاه هند است که با جمع همراهان، شرفیاب حضور شاه عباس ثانی گشته و مورد پذیرائی واقع شده است.

در این آبرنگ، شاه صفوی کلاه صفوی جیقه‌دار بسر نهاده و ریش وی کوتاه است.

او لباس سرخ رنگی پوشیده و شمشیر به کمر بسته و دو زانو روی مخده سبز رنگی قرار گرفته است.

جماعت شاهزادگان و سایر رجال و اعیان، هر دو طرف، با البسه رنگین و پرآذین و اسلحه مخصوص با احترام ایستاده و نوازندگان مشغول ترنم و آواز هستند.

منظره داخل قصر پشت سرشاه دیده می شود و مطالبی که در حاشیه و دیوار شاه نشین نوشته شده چنین است:

در قسمت بالا «بزم شاه . . . عباس ثانی»

پشت سرشاه:

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«خاقان الخاقان ارفع المؤید صاحبقرانی ابوالمظفر شاه عباس ثانی بهادر خان خلد الله . . .» اندازه ۲۰/۳ × ۳۱/۸ سانتی متر مجموعه پرنس صدرالدین آقاخان.

شبیه این مجلس و شرفیابی سفیر هند را شیخ عباسی نیز به سال ۱۰۷۴ هـ. ق. تصویر کرده و رقم گذشته: «بها گرفت چو گردید شیخ عباسی ۱۰۷۴» که با محاسبه تاریخ تولد شاه عباس ثانی که در دست است، شاه عباس ثانی در این زمانها ۳۲ ساله بوده است. (۱۴)

این اثر پرجلال گواینکه امضای نقّاش را در برندارد ولی اصولاً با شیوه نقّاش هم اخت بوده و از آثار اولیه وی می باشد، که در سنین ۲۵ سالگی به عهده نقش درآورده است. تصویر شماره (۷۱) در صفحه (۹۸۷)

از دلایل عمده‌ایکه این اثر را از آن محمدزمان پنداشته‌ایم، پرسپکتیو داخل خانه و ارائه نقش فرش که تا حدودی شبیه نقوش فرشها در تصویر «ارائه انگشتر» است و ضمناً حلاوت کار و شیوه صورت سازی که با دید عمیقانه، شیوه چهره‌پردازی استادش معین مصور را به خاطر می آورد و آرایش و پیرایش البسه و سایر نکات زیبا نگاری نیز در شیوه اصفهان بوده و مؤید اثر دست نقّاش در شهر اصفهان می باشد.

ناگفته نماند موقعیکه شیخ عباسی به سال ۱۰۷۴ هـ. ق. از شاه صفوی تصویر می ساخت، یقیناً شاه عباس دوم ۳۲ ساله بوده و محمدزمان نیز که به حدس ما در سال ۱۰۴۹ هـ. ق. تولّد یافته، در این سالها هنرمندی ۲۵ ساله بوده و می توانسته است چنین آبرنگ استادانه‌ای را از خود به یادگار گذارد و علت اینکه امضائی نکرده و خود را نشناسانده، همانا این بوده که تا آن زمانها شهرت چندانی نداشته که شایسته ورود به مجامع هنری دربار را داشته باشد و کپی و بازسازی این مجلس مکرر نیز شاید بدین جهت بوده که می خواسته است لیاقت هنری خود را به شاه عباس ثانی، به نحوی از انحاء نشان بدهد و مورد مرحمت شاه هنرشناس صفوی قرار به گیرد.

۱۹ـ از آثار ارزنده دیگر نقّاش، که سعادت دیدارش به نگارنده دست داده، تصویری به‌اندازه ۲۶ × ۴۵ سانتی متر، در یك نسخه شاهنامه از دوران شاه عباس کبیر است که دارای پانزده تصویر از رضا عباسی و صادقی بیك و محمدزمان دارد، دو تصویر این نسخه را محمدزمان به سال ۱۰۸۶ به پایان رسانده و به استادی از عهده برآمده است.

حواشی و حل کاری آنرا، استاد میرزین العابدین مذهب تبریزی، به قدرت و مهارت تمام، نقش نموده که شایسته تحسین است.

این اثر گرانقدر و همچنین شاهنامه مذکور را که در کتابخانه چستر بیتی، و در دوبلین نگهداری می شود، در ماه جون سال ۱۹۸۱ در نمایشگاه Leighton House London چندین مرتبه از نزدیك دیدار کرده و محو قدرت قلم و تابناکی تصویرسازی محمدزمان گشتم.

در این آبرنگ که موضوع آن ظاهر شدن سیمرغ به هنگام تولد رستم است، زن حامله‌ای دراز کشیده و ماما او را کمك می کند. زال که کلاه مخصوص بسر نهاده، با یکی از زنان خانه صحبت می کند. تصویر باعظمت و رنگارنگ سیمرغ، که از فضای باز ظهور کرده قابل تحسین است. تصویر شماره (۷۲) در صفحه (۹۸۸)

. منظره درختان باغ و استواری کوه‌ها و چشم نوازی افق دور، موزون بوده و به روی معجر چوبی ایوان رقم

۱۴ـ ولی قلی شاملو مؤلف قصص الخاقانی درمورد سال تولد شاه عباس دوم چنین نوشته است: «در سن ۹ سال و۸ ماه و ۲۸ روز گذشته بود وفات پدرش در روز دوشنبه ۱۲ ماه صفر سال ۱۰۵۲ هـ. ق. در کاشان اتفاق افتاد. عمر شاه عباس دوم ۳۴ سال و ۹ ماه و چهارده روز و ایام سلطنتش ۲۵ سال و ۱۵ روز بوده است.»

واگر سن شاه عباس دوم را در موقع تخت نشستن ده سال بدانیم، تاریخ تولد وی سال ۱۰۴۲ هـ. ق. خواهد بود که به سال ۱۰۷۷ در سن حدود ۳۵ سالگی وفات یافته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دارد: «کمترین بندگان محمدزمان صورت اتمام یافت ۱۰۸۶».

در این اثر ارزنده، پرسپکتیو منقل آتش اشتباه ترسیم شده و بجای اینکه خط اولی منقل، بزرگتر از خط دومی کناره آن باشد، برعکس ترسیم شده و اشتباه انجام یافته است.

در این اثر ارزنده که چندین بار از نزدیك دیده‌ام، حلاوت قلم و انتخاب رنگها و قدرت قلم نقّاش به خوبی ظاهر شده و عظمت و الای نقّاش را عرضه می نماید.

زمینه تصویر که در ستاره‌های معجری شش پر، کف طالار را مستور ساخته، بسان کاشی های قدیمی فرنگی است که اغلب، در زمینه قدیمی دیده می شوند، ولی نقّاش این شیوه را در معیار ایرانی نگریسته و بسان اشکال چوبی پنجره‌ها، بروی زمین نقش کرده است.

در این تصویر پیچ پارچه لحاف و گوشه متکا کامل بوده و بسان کارهای تقلیدی وی، جامع و کامل از آب درآمده است و ضمناً دید نقّاش، در این آبرنگ به گونه دیگری معطوف شده و نقش زال و زنی را که با وی صحبت می کند، کوچکتر از رودابه و مامای مخصوصش رسم نموده و موازنه پرسپکتیو را بهم زده است، ولی عظمت و قدرت تصویر به اندازه‌ای است که این اشکالات جزئی، کوچکترین اثری، در عمق آبرنگ نه گذاشته و همچنان غنی و پربار ارائه شده است. مضبوط به شماره Fal 3V , MS.277 در کتابخانه مذکور.

اشتباهات و نقایص پرسپکتیو این آبرنگ را، در صفحات قبل به تفصیل شرح داده‌ام که توجه علاقمندان را به آن صفحات معطوف می دارم. صفحه ۷۶۱ و صفحه ۷۶۲

۲۰ـ دیگر اثر هنرمند در این شاهنامه، تصویر به قتل رسیدن ایرج است که توسط برادرانش سلم و تور انجام یافته ولی امضاء و تاریخ نقّاش را در برندارد.

در این اثر پرجمعیت، که سلم و تور بروی تخت نشسته و ایرج بقصاص مرگ نزدیك می شود، جماعتی از همراهان و مشاوران سلطنتی، در کناره‌ها ایستاده و ماوقع دردناك را نظاره می نمایند. عمده امتیاز این اثر، ارائه صحیح صنعت پرسپکتیو، در ساختمان و عمارت سلطنتی است که به شیوائی و قدرت تمام عمل آمده و برخلاف بعضی از آثار شناخته شده وی، که نواقصاتی را در ارائه قوانین پرسپکتیو در بردارند، دیده نمی شوند.

متأسفانه اصل اثر و همچنین عکس رنگی و سایر مشخصات دیگر این را از نزدیك ندیده، و بدین ترتیب تحقیقات خود را باین مختصر بسنده می نمایم. مضبوط به شماره P. 277 , Fol. 10 کتابخانه مذکور.

۲۱ـ از آثار دیگر هنرمند که در نسخه خمسه نظامی مضبوط در موزه بریتانیا و به شماره (OR 2265) و اندازه ۲۵×۳۶ سانتی متر، دیده می شوند، سه مجلس مینیاتور دلپذیر است که در سالیان بعد تصویر گشته است.

نسخه این خمسه، به سال ۹۴۷ هـ. قـ. بدست شاه محمود نیشابوری کتابت شده و تصاویر آنرا چند نقّاش نامی، از قبیل آقا میرك و سلطان محمد و میرسید علی و میرزا علی و مظفر علی ترسیم نموده‌اند. و چون سه صفحه سفید، در این نسخه باقی بوده و تصویری هم نداشته. بدستور شاه سلیمان صفوی این امر مهم به محمدزمان واگذار شده که نقش تصویر سه صفحه خالی را به عهده بگیرد. (۱۵)

بدین ترتیب، به سال ۱۰۸۶ هـ. قـ.، سه مجلس چشم نوازی، را در صفحات خالی آن نسخه به پایان رسانده که از آثار ستودنی محمدزمان به شمار می آیند.

۱۵ـ رقم کاتب نسخه مزبور چنین است:

«تمت الکتاب بعون الملك الوهاب علی ید احقر العباد شاه محمود النیشابوری غفرله ذنوبه و ستر عیوبه فی سلخ شهر ربیع الاوّل سنه سبع و اربعین و تسعمایه الهجرة النبویه»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یکی از آنها مجلس پیکار بهرام گور با اژدها است (۱۶) که بهرام، در قیافه و آرایش سلطنتی سوار بر اسب شده و تیری به طرف اژدهای تنومند و خشمگینی رها کرده است.

عظمت و پرتوانی اژدها و خوش تراشی قامت اسب و حالت قهرمانی سوارکار، پرمایه است. منظره صخره کناره و ارائه درختان سرسبز و کلبه دیده بانی و اسبی که در پشت سر سوارکار دیده می شود، استادانه بوده و معرف قدرت قلم نقّاش به شمار می آیند.

قرابت تپه سنگی این آبرنگ، در چند نمونه مشابه دیگر، از قبیل، خودکشی فرهاد ـ مجنون و همراهان در بیابان ـ و دماغه قلمدان نگارنده و سایر آبرنگهای دیگر دیده می شوند که به یك سان و یك شیوه عمل آورده و سنگ های خورد شده، بانظم یکسانی در کنار یکدیگر نقش بسته‌اند.

رقم نقّاش و تاریخ تصویر در زیرپای اژدها و در وسط جدول اشعار به خط شکسته چنین است:
«رقم کمترین غلامان محمدزمان ۱۰۸۶»

حواشی قطعه، گلهای متنوع و پربرگ و وحشی دارد که در بین آنها، تصاویر حیواناتی از قبیل شیر و گوزن و غیره دیده می شوند.

۲۲ـ دیگر اثر هنرمند در این خمسه، تصویر زنی بنام فتنه است که گاوی را کول گرفته و از پله‌ها به حضور شاه می برد. برداشت نقّاش از این بیت شعر است که نوشته:
«پیش آن گاو رفت چون مه بدر ـ ماه در برج گاو یابد قدر»

در این مجلس پرجلال، بهرام گور که درصدر مجلس نشسته، و تکیه به پستی داده، مشغول نوشیدن شراب است. دوشیزه جوان گاو تنومندی را بدوش گرفته و از پله‌ها بالا می آورد.

جماعت همراهان که عده‌ای نشسته و تعدادی سرپا و دست به سینه در کناره‌ها ایستاده‌اند، دیده می شوند. سه نوازنده دف و کمانچه، در کنار مجلس نشسته و ترنّم می نمایند، انواع میوه‌ها و شربت ها حاضر است. وضع قصر و ترسیم باجلال آن، و ارائه آجرهای متنوع ساختمان، استادانه و پرمهارت است. در داخل پنجره سمت چپی، رقم نقاش و تاریخ ۱۰۸۶، جلب نظر می نماید.

حالت قیافه‌ها و تزیین البسه و سایر نکات دیگر تصویر، در کمال قدرت و استادی انجام یافته و یکی از بهترین آثار محمدزمان به شمار می آید. تصویر شماره (۷۳) در صفحه (۹۸۹)

متأسفانه در این اثر نیز، نکته عمده‌ای را در قانون پرسپکتیو فراموش کرده و دید خود را از دو طرف معطوف داشته و پرسپکتیو، دو دهنه پنجره‌های کنار شاه نشین و پنجره وسطی را، در یك افق و یك معیار ترسیم نموده است. بریتش میوزیوم OR-2265 Fol 213V

۲۳ـ سومین یادگار ارزنده نقّاش در خمسه نظامی موزه بریتانیا، بهرام گور و شاهزاده خانم هندی است که در ایوان قصر باغ پادشاهی، به عیش و نوش اشتغال دارند.

بهرام گور که در هیئت شاه سلیمان صفوی ارائه گشته، دو زانو نشسته و پشت به مخده داده و پیاله شرابی را که از دست شاهزاده زیبای هندی گرفته، آماده نوشیدن است.

شاهزاده خانم دلربا که در مقابل وی دو زانو نشسته، لباس سینه باز و بلند پوشیده و تاج جواهرنشان بسر گذاشته و صراحی شراب بدست گرفته و بهرام گور را پذیرائی می نماید.

جماعت مستخدمین و نوازندگان و خوانندگان که جملگی دختران جوان و زیبا هستند، در کنار شاه و شاهزاده

۱۶ـ عکس رنگی این اثر، در صفحه ۳۲ کتابی بنام Painting in Islam تألیف سرتوماس آرنولد و همچنین در صفحه ۹۲۵ جلد هفتم مجموعه کتاب های پرولسور پوپ دیده می شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هر یك به کاری سرگرم هستند.

منظره درختان و فضای ابری که مهتاب کامل نیز دیده می شود، به پختکی و نازك قلمی ارائه گشته و رقم نقّاش و تاریخ تصویر بروی دایره یکی از نوازندگان که به خط شکسته درج شده چنین است: «حسب الامرالاعلی و هو. در بلده طیبه اشرف برقم کمترین بندگان محمدزمان اتمام یافت سنه ۱۰۸۶».

عکس این اثر ارزنده که تاکنون درنشریات ایرانی منتشر نگشته، در تصویر شماره (۷۴) در صفحه (۹۹۰) چاپ می گردد و اندازه حقیقی آن ۱۰×۱۴/۵ اینچ می باشد.

این اثر غنی و سرشار، بدلیل اینکه موقعیت شاهزاده هندی را به نیکوترین وجهی نشان دهد، جماعت حاضر در صحنه را به شیوه و قیافه و البسه هندیان ترسیم کرده ولی قیافه خود ملکه و البسه‌ای که بتن کرده به شباهت هندیان نمی باشد.

از طرفی با درج نام شهر اشرف و نمود درختان هم جوار و ارائه تخته سنگ های کنار جنگلی و خورد شده که در لابلای آنها، نهال و گیاه روئیده و در هر سه مجلس به یکسان اجرا گشته، مؤید این نکته است که محمدزمان در نواحی شهر اشرف که حالا بهشهر نامیده می شود، خدمت شاه سلیمان حضور داشته و بعضی از مجالس را به مناسبتی که دست داده، تصویر کرده است.

۲۴ـ دیگر اثر استاد محمدزمان، که در کتاب گالری کل ناقی و همچنین در جزوه نگارستان به چاپ رنگی رسیده و جزو مجموعه «ادوین بینی» محسوب می گردد. نقش مرد معمم و ریش سفیدی است که لباس سبز خوشرنگی پوشیده و با همراهان پیر و جوان خود پیش مجنون آمده و او را اندرز می دهند. مجنون، در کمال ضعف و لاغری بروی قطعه سنگی نشسته و با اشاره دست، با آنها مذاکره می نماید. خیل حیوانات اهلی و وحشی، از قبیل شتر و آهو و شیر و میمون در جلو نقّاشی جلب نظر می کنند.

منظره درختان و فضا و ابرها و دید انتهائی آبرنگ استادانه بوده و زیر پای توله سگی که در گوشه چپ دیده می شود رقم و تاریخ تصویر جلب نظر می کند که چنین است:

«در بلده اشرف برقم کمترین بندگان اتمام یافت ۱۰۸۶» تصویر شماره (۷۵) در صفحه (۹۹۱)

متأسفانه در این اثر پرارزش نیز که یکی از بهترین آثار نقّاش به شمار میآید، قوانین دقیق مناظر و مرایا مراعات نشده و دو شیر نر و ماده‌ای که پیش مجنون دیده می شوند، بنظر کوچکتر از مجنون تصویر گشته‌اند و حتی اندازه شترها که در جلو اثر جلوه‌گر است، تناسب درستی، با پیرمرد و همراهش که با مجنون مذاکره می نمایند، ندارد.

از آثار محمدزمان که در موضوعات و سنوات مختلف در خمسه نظامی کتابخانه پیرپونت مورگان به یادگار مانده عبارتنداز: (۱۷)

۲۵ـ داستان «پیرزنی را ستمی در گرفت ـ دست زد و دامن سنجرگرفت» دراین مینیاتور، سلطان سنجر را که

۱۷ـ رقم آخر نسخه خمسه نظامی مذکور چنین است:

«تمام شد خمسه شیخ نظامی علیه الرحمه بعون الملك المنان به تاریخ روز شنبه عشر اوّل شهر صفر خیر اثر سنه ۱۰۸۶ تو شقان ئیل من ید اضعف خلق الله الغنی غیاث الدین بن سلیم لاتی من مواضع رشت امیدوار بکرم عمیم خوانندگان آنست که چون بر غلط های او مطلع گردند با صلاح آورند که منتسخ غلط بود و حمل به غلط نویسی داعی نکنند. تم»

در این نسخه، چهارده مجلس رقم دار از محمدزمان و یك تصویر از حاجی محمد برادر کوچکترش دیده می شوند و بقیه مجالس تصاویر، بی امضا است و چون نسخه مذکور، بسال ۱۰۸۶ کتابت شده، شروع تصویرها نیز در این سالها آغاز گشته است. از تاریخ سنواتی که در ذیل آثار دیده می شوند، بغیر از پنج تصویر آن که در سالیان ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ در اصفهان انجام یافته، ۹ تصویر باقیمانده آن، در سال ۱۰۸۶ و در شهرهای رشت و اشرف «بهشهر» به عهده فرجام رسیده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در قیافه و جوانی شاه سلیمان ترسیم کرده، کلاه عمامه‌ای صفوی بسر گذاشته و لباس فاخر پوشیده و بر اسب سوار است. پیرزن که چادر از سر افتاده و دامن پادشاه را گرفته، دادخواهی می کند. مستخدم مخصوص پادشاه که در مقابل قرار گرفته انگشت حیرت بدهان گرفته و این منظره را نگاه می کند. منظره کوه‌ها و مختصری از تك درختی که در کنارها قرار گرفته دیده می شوند. رقم و تاریخ تصویر، در زیری پای پیرزن و خط شکسته چنین است: «محمدزمان ۱۰۸۶»

متأسفانه تکه گوشت زیادی که در زیر شکم و نزدیك پاهای اسب بیرون آمده و بزعم نقّاش ارائه ران طرف چپ اسب می باشد، غلط ترسیم شده و از دقت نقّاش کاسته است.

۲۶ـ مردپیری است که در مقابل شیرین زانو زده و صحبت می کند. شیرین که تاج جواهرنشان بسر گذاشته و لباس بلندی پوشیده و با یکدست دامن خود را بالا کشیده و در مقابل او پیرمردی ایستاده و به تقاضای وی پاسخ می دهد. دو خدمه‌ای که پشت سر شیرین دیده می شوند، یکی میوه و دیگری صراحی شراب بدست گرفته‌اند. منظره کوه و درختان و رودخانه، در زمینه دیده می شوند، تصویر شیرین، بعینه شبیه دختر ترسائی است که در روی قلمدان محمدزمان نگارنده، نقش بسته است. رقم نقّاش و تاریخ تصویر در گوشه انتهائی اثر و خط شکسته چنین است: «رقم کمترین محمدزمان ۱۰۸۶»

۲۷ـ شاپور صورت خسرو را به شیرین نشان می دهد. در این اثر شاپور دو زانو نشسته و صورت خسرو را که بروی تابلوئی کشیده شده و تاج مخصوص بسر نهاده به شیرین نشان می دهد. شیرین که روی سجاده‌ای نشسته و در مقابل وی صراحی شراب و بشقاب میوه قرار گرفته، چارقد بلندی بسر نهاده و چهار زانو نشسته و صحبت می کند. زن بلندقد دیگری که لباس بلندی بسان فرنگی ها پوشیده، در مقابل ایستاده است.

منظره کوه‌ها و دریاچه فرح افزا و درخت پربرگ و تنومند، در پشت تصویر دیده می شوند و رقم نقّاش به خط شکسته معمولی چنین است: «رقم محمدزمان قمی ۱۰۸۶»

۲۸ـ تصویر مرگ پراندوه خسرو است که بروی رختخواب دراز کشیده و جان بجان آفرین تسلیم نموده است. شیرین و ندیمه همراهش که ناظر صحنه هستند به اندوه فراوان، این صحنه غم انگیز را نظاره کرده و در پی چاره‌جوئی هستند.

حالت نزع خسرو و قیافه افسرده شیرین و ندیمه‌اش استادانه بوده و دست ها نیز پرحالت تصویر گشته است.

منظره دو بالش زیر و چین و تاب رختخواب و گلهای ریزی که بروی البسه و پارچه‌ها، نقش بسته زیب افزاست، در این آبرنگ، دوری و نزدیکی نفرات، به دقت ترسیم شده و هیکل خسرو را که نزدیك تر بوده بزرگتر از شیرین و ندیمه‌اش کشیده و معیار پرسپکتیو را صحیح درآورده است و رقم و تاریخش به خط شکسته و زیبا چنین است: «هو ـ حسب الفرموده نواب قبله گاهی میرزائی میرزا محمد معصوم دام ظله در بلده رشت اتمام یافت. رقم کمترین محمدزمان ابن حاجی یوسف قمی ۱۰۸۶»

۲۹ـ استحمام شیرین در چشمه است که عریان شده و به زیبائی تمام، روی تخته سنگی قرار گرفته است، خسرو که سوار بر اسب بوده و سرزده این منظره را دیدار می کند، انگشت تعجب به دهن برده و از زیبائی و طنازی شیرین مبهوت گشته است.

منظره کوه و چشمه آب روان و درخت تنومند، در زمینه تصویر دیده می شوند. سراسب شیرین که مشغول آب خوردن است در گوشه راست اثر، نمایان است.

تنه عریان شیرین و چاقی و تنومندی نشیمن و ساق پای شکسته دست راستی وی که ناگهان پیچیده و حتی مختصری نیز دیده نمی شود یا پیراستگی و تناسب اندام «ونوس و آمور» که بسال ۱۰۸۷ هـ. قـ. تصویر کرده،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بهیچوجه قابل قیاس نبوده و مؤید این نکته است که در کارهای تخیلی و ابتکاری، دنباله‌رو مکتب خود بوده و همـانطور یکه مایل بوده به رشته نقش در می کشیده است. رقم نقّاش به خط معمولی شکسته چنین است: «رقم کمترین محمدزمان ۱۰۸۶»

۳۰ـ تصویر نوشیروان به همراه وزیر است که هردو سوار بر اسب شده و لباس های مزین پوشیده و در مقابل ساختمان خرابه‌ای که بروی آن جغد مسکن گزیده، مات و متحیر، انگشت حسرت به دهان گرفته و به عمر برباد رفته و به بی بنیانی روزگار تأسف می خورند.

منظره عمارت مخروبه و اجرای قوانین پرسپکتیو در ترسیم آنها استادانه بوده و امضای نقّاش بروی دیوار ساختمان و خط شکسته چنین است: «محمدزمان ۱۰۸۶»

۳۱ـ مجلس استادانه کشتن اژدهای سهمگین و با عظمتی است که به تیر بهرام نامدار گرفتار آمده و در حال غریدن است.

بهرام که لباس مزین سلطنتی پوشیده و کلاه مخصوص بسر نهاده و بروی اسب سوار گشته است، کمان را به قدرت تمام کشیده و تیری به طرف اژدها رها می کند.

البسه مزین و منقش بهرام و همچنین کلاه مخصوص پردارش، به حوصله و دقت تمام نقش بسته، و حالت کمان کشی و قدرت بازوی وی را به نیکوئی هویدا ساخته است.

اسب وی در کمال آراستگی است ولی تا حدی چاق و فربه تصویر شده و اژدهای غول آسا، با اینکه پرمهابت و ترسناك است ولی زیبا و بی خطر جلوه می نماید.

منظره کوه‌ها و درختان پشت سر، با حلاوت و آرام است و رقم تاریخ دارد: «زمان ۱۰۸۶»

۳۲ـ حکایت جوزك هندی است که در مقابل شاه نشسته و صحبت می کنند، ندیمه زیبای وی در کنار آنها قرار گرفته و به مذاکرات آنها گوش می دهد.

قیافه و البسه زنان، درشیوه هندی بوده و زلف های زیبای آنان با پیچش مخصوصی، بروی گوشها آویزان گشته و زیبائی را مضاعف ساخته است.

شاه صفوی، کلاه خزداری بسر نهاده، و ریش و سبیل تنك دارد، البسه نفرات و پوشش تزیینی آنان، با گلهای شیوائی مستور گشته و همچنین پشتی مخصوص شاه، با تذهیب استادانه‌ای، طلاکاری شده و جالب است.

منظره بیرون قصر و باغ مشجر و پردرخت و ارائه کوه هائی که در افق دور جلوه‌گر می باشند، پرمهارت بوده و رقم و تاریخ تصویر، بروی ستون دست چپی چنین است: «رقم کمترین محمدزمان ۱۰۸۶»

۳۳ـ تصویر حضرت خضر است که در چشمه آب حیات فرو رفته و اسکندر و همراهان که بر یابوها سوار گشته‌اند، چراغ بدست گرفته و دنبال آب حیات روان هستند. نقّاشی در زمینه تاریك تصویر شده و رقم و تاریخش این است: «محمدزمان ۱۰۸۶»

اثر دیگر نقّاش در این نسخه، تصویر خسرو نامدار است که در خلوت نشسته و با محبوبه خود شیرین صحبت می کند، خسرو که قیافه مردانه‌ای دارد، به متکا تکیه داده و محو تماشای صورت شیرین است.

شیرین نیز در مقابل وی، چهار زانو نشسته و گلی را به کلاه خود نصب می کند، منظره اطاق و شعله آتش بخاری و ظرف میوه و صراحی شراب وسلفدان روبروی خسرو، استادانه است.

ترسیم کلاهها و البسه عاشق و معشوق و همچنین ارائه پشتی های گلدار و تجسم شعله آتشین، در بخاری دیواری به مهارت ترسیم شده و رقم و تاریخ دارد: «محمدزمان ۱۰۸۶»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳۴ـ خودکشی فرهاد است که در مقابل صخره‌های سنگ دراز کشیده و جان به جان آفرین تسلیم کرده است. چکش نوك تیز کوه کنی، در کنار وی دیده می شود. محلی که اصول پرسپکتیو را رعایت کرده و دقیق و منظم از سنگ در آورده، درست است.

در این اثر مهندسی که قوانین مناظر و مرایا را تمام و کمال ارائه داده، از روبرو کامل بوده، ولی نمود طرف چپی ، با نقطه مرکزی پرسپکتیو، هم آهنگ نبوده و غلط به نظر می رسد.

نگارنده این اشتباه را در صفحات قبلی، با درج تصویری از این اثر، نشان داده و اشتباه نقّاش را تشریح نموده‌ام.

در تناسب اجزاء بدن فرهاد نیز، کوچکی دست و پاها با بزرگی صورت و کله آن متناسب نبوده و بعید به نظر می رسد که شخصی با داشتن دستهائی بدین کوچکی، بتواند چکش بدان سنگینی را بدست گرفته و محلی را در کوه سنگی، برای معشوق خود بسازد.

تاریخ اثر و رقم نقّاش، به خط شکسته‌ای که در روی سنگ ساختمان جلب نظر می نماید، چنین است: «رقم کمترین ابن حاجی یوسف محمدزمان ـ ۱۰۸۷»

۳۵ـ نقش مکتب خانه‌ای است که لیلی با موهای پوشیده خود، دو زانو نشسته و مجنون و همراهش که شاگردان هم مکتب وی می باشند، در مقابل وی نشسته‌اند. معلم پیری که ریش سفید و بلندی دارد، مشغول مشق دادن بوده و بروی کاغذ، مطالبی می نویسد. وسایل و ابزار درسی، و دو عدد رحل کتاب در مقابل آنها دیده می شوند. منظره داخلی مکتب خانه و انبوه درختان بیرون خانه، به زیبائی نقش بسته و رقم و تاریخ آن بروی دیوار چنین است: «راقمه محمدزمان ۱۰۸۷»

۳۶ـ بوس و کنار خسرو و کنیزك است که خسرو، بروی دوشکی نشسته و کنیزك را تنگ در بغل گرفته و معاشقه می نمایند. حالت خسرو، تا حدی ناهم آهنگ است و نگران به نظر می رسد. منظره شمع و بشقاب میوه و صراحی شراب و پشتی منقش، در وسط و کناره تصویر، جلب نظر می نمایند و رقم و تاریخ تصویر چنین است: «رقم کمترین بندگان محمدزمان ۱۰۸۷»

۳۷ـ معاشقه شاه با معشوق خود می باشد که در کنار هم نشسته و دستها را به یکدیگر داده و راز و نیاز می نمایند، تصویر دو دلداده و آرایش البسه آنها، بسان تصویرهای قبلی است. بشقاب میوه و عودسوز مخصوص و صراحی شراب در مقابل آنها دیده می شوند.

بالکن عمارت که معلوم است در بلندی قرار گرفته، با معجرهای چوبی و دو ستون محکم جلب نظر می کنند. منظره کوهها و درختان سرسبز و آب روان، از داخل خانه به خوبی نمودار است. رقم و تاریخ تصویر بروی ستون طرف راستی چنین است: «در دارالسلطنه اصفهان برقم کمترین محمدزمان قمی اتمام یافت ۱۰۸۸»

۳۸ـ استحمام پادشاه در حمام است که به قوی هیکلی دیده می شود. پادشاه لنگی به کمر بسته و چهارزانو، بروی صحن حمام نشسته و دلاك مخصوص سر وی را می تراشد. سبیل های شاه بلند و پر پشت است.

منظره داخلی صحن حمام و حوض وسط آن و همچنین نقش دیوارها، که به قوانین مناظر و مرایا انجام یافته پسندیده است و در رویه پایه حمام، رقم و تاریخ نهاده است: «عمل کمترین محمدزمان ۱۰۸۸» (۱۸)

۱۸ـ این تصاویر که در یك نسخه خمسه نظامی، به خط غیاث الدین بن سلیم در سال ۱۰۸۶ هـ. قـ. تصویر گشته، پنج تصویر باقیمانده آن، بعد از دو سال و در شهر اصفهان پایان یافته و آخرین تاریخ آن سال ۱۰۸۸ می باشد.

چون سفارش تصویر سازی این نسخه، توسط میرزا محمد معصوم وزیر رشت به محمدزمان احاله شده، معلوم می گردد، این نسخه را وزیر رشت به شاه سلیمان هدیه داده و شاه سلیمان نیز اتمام تصاویر را به نقاشباشی درباری خود، محمدزمان سپرده و او نیز بقیه تصاویر را بسال ۱۰۸۸ به پایان رسانیده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از آثار ارزنده محمدزمان که در آلبوم انستیتوی ملل آسیائی آکادمی علوم لنین گراد «وستوکوودنیا» Vostokovedenia قرار گرفته و عکس رنگی آنها نیز، در ذیل آلبوم مذکور ارائه شده تصاویری است که به شماره‌های زیر در این گفتار یادشده است.

۳۹ـ از نمونه‌های مسجل و کهی و مونتاژ محمدزمان، از باسمه‌ها و موضوعات فرنگی، تصویر ونوس و آمور است که به انتخاب و حسب الامر شاه سلیمان که محققا اصل باسمه و گراور زادلر را مشاهده کرده و علاقمند شده که تنها از تصویر ونوس و محافظ آن اثری داشته باشد، به محمدزمان دستور داده که تصویر ساتیر را از کنار تصویر حذف نموده و بقیه را به تمام و کمال بازسازی نماید.

این اثر زیبا، کهی یکدست و شیوائی از آثار Raphael Sadeler گراورساز هلندی بنام Venus et l'Amour و یا The sleeping Venus. Attended by Eros, disturbed by a Satir در قرن هفدهم میلادی است که تصویر شیطان شهوترانی بنام ساتیر را که قیافه ابلیسی و محیلی داشته و پاهایش بسان اسب ها سم دار و گوشها از گردن روئیده بوده حذف کرده و بجای آن، از مناظر باصفای دریای مازندران، استفاده کرده است.

در این اثر تقلیدی، پرده پشتی ونوس را که وی را از چشم نامحرمان مستور می داشته، زایل کرده و بجای آن منظره‌ای از آب روان و درختان تنومند و سایر نکات باطراوت آن سامان، علاوه نموده و فرشته آمور را نیز بدون هیچ وظیفه‌ای، در کنار ونوس نقش کرده است.

در تختخواب نیز تغییراتی داده و روی بالش ونوس، نقوش تذهیبی اسلیمی نقش کرده و در زمینه آن، گلهای ریز و تزیینی علاوه نموده و رقم و تاریخ اثر را در سه قسمت مختلف و به خط نستعلیق پخته و طلائی درج نموده که چنین است: «هو، حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی ـ برقم کمترین غلامان محمدزمان ـ صورت اتمام یافت ۱۰۸۷»

در این اثر پرمحتوی، گواینکه طراحی اصلی را از روی گراور زادلر برداشت نموده ولی در پرداخت آرایش و رنگ آمیزی آن و دقت سایه ها و سایر امتیازات هنری، چنان قدرت و مهارت استادانه‌ای ارائه داده که اگر تنها این اثر کهی شده از وی به یادگار می ماند، کافی بود که او را در ردیف نقّاشان پرمهارت دوران خود، به شمار بیاوریم.

خوشبختانه عین گراور زادلر را استاد محمد علی بیك نقاشباشی بن ابدال بیك که مشخصات کامل و عکس سیاه و سفید آن، در احوال هنرمند تشریح شده، کهی نموده و در آن آبرنگ بدون اینکه نکته‌ای را حذف نموده باشد ونوس فرشته و ابلیس را بدقت تمام مصور ساخته و من غیر مستقیم ثابت نموده که محمدزمان از روی باسمه‌های زادلر که همان زمان ها در ایران وجود داشته کهی نموده و این نقّاش نیز بعد از سالیان متمادی تقلید تمام و کمال آنرا مصور ساخته و هنر خود را نمایان ساخته است.

جهت مقایسه این اثر محمدزمان و کهی استادانه‌ایکه محمد علی ابن ابدال بیك از اثر زادلر نموده و نکته‌ای را باقی نگذاشته، می توانید به احوال نقّاش مذکور، در همین کتاب مراجعه نموده و عکس آنرا نیز رویت نمائید.

۴۰ـ تصویر نزول روح القدس بر مسیح است که حضرت عیسی بر دامن یوسف نشسته و حضرت مریم دست در زیر بغل وی نهاده و او را نوازش می کند، در مقابل آنها، فرشته بالداری که در هیبت یك زن جوان ظاهر شده و البسه بلند و پرچینی پوشیده و شاخه گل میخکی را بدست گرفته و گویا به میمنت این مراسم در حال هدیه است، بالهای زمخت و ستبر وی، در پشت سرش دیده می شود.

حضرت مسیح که در سنین خردسالی است، البسه کامل بتن کرده و هاله نورانی در دور سرش ساطع گشته است، یوسف نجار که موی سر بلندی داشته و ریش و سبیلش کم پشت است، البسه چین دار کلفت پوشیده

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و در جائی نشسته و مسیح را در بغل گرفته است.

حضرت مریم که بقد تمام و زیبائی پرملاحت نقش بسته، درکنار راست تصویر قرار گرفته و لباس کلفت و بلندی بتن کرده و موی سرش کوتاه است.

در انتهای ابرها ذات روح القدس، که به شکل پیرمردی ظاهر شده بروی ابرها در پرواز بوده و دستها را باز کرده و نظر به حضرت مسیح دوخته است. فرشته‌های خردسالی که پرهای کوچکی در پشت سر دارند، لخت و برهنه در فضای ابرها در پرواز بوده، دسته گلها و تاج جواهرنشانی را جهت حضرت مسیح بارمغان می آورند و چند فرشته کوچك در انتهای ابرها دیده می شوند.

تصویر در کمال فخامت و استادی است و معلوم نیست اصل اثر، یادگار کدام استاد اروپائی است که نظیر آنرا در کارهای مذهبی مسیحی سایر نقّاشان فرنگی نیز به کرات دیده‌ایم. اما آرایش و سایه پردازی و نقش ابرهای غلطان، یکی از شاهکارهای محمدزمان به شمار آمده و در حد کمال می باشد.

این اثر ارزنده که گویا به سفارش شخص شاه سلیمان فرجام پذیرفته، به خط نستعلیق استادانه تاریخ و رقم نهاده، که چنین است: «برقم کمترین محمدزمان در مدت چهارده ماه صورت اتمام یافت فی شهور سنه ۱۰۹۴»

۴۱ـ قربانی ابراهیم است که حضرت اسماعیل را در راه خدا قربانی می کند.

در این اثر نفیس که یکی از شاهکارهای محمدزمان به شمار می آید، حضرت ابراهیم با ریش و سبیل بلند و قیافه مصمم، شمشیری بدست گرفته، و بالای سر اسماعیل ایستاده و آماده قربانی کردن است. (۱۹)

حضرت اسماعیل که دستهایش بسته شده و دو زانو روی پله کانی قرار گرفته، در کمال خلوص نیت، خود را دراختیار پدر گذاشته و به فرمان خدا و قضا و قدر آلهی گردن نهاده است. ملائکه پرداری که در هئیت انسانی از آسمان فرود آمده، پیغام آور لطف آلهی است که ابراهیم را از این کار بازداشته و قوچی را در نهانگاه و بزیر برگهای درخت، به این کار حاضر ساخته است.

روی قبضه قداره به خط طلائی درج شده «ابراهیم خلیل الله» تصویر شماره (۷۶) در صفحه (۹۹۲)

حالت و قیافه نفرات و رنگها و فرم البسه و مناظر زمینه و فضای ابری آسمان که نور رحمت آلهی بر ساکنان ارضی ساطع شده، به قوی دستی و پرمایگی تصویر گشته و به خط نستعلیق و در بالای پرهای فرشته، درج نموده «هو جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی» و در باریکه پله‌کان چوبی، علاوه کرده: «صورت اتمام یافت. رقم کمترین بندگان محمدزمان سنه ۱۰۹۶»

۴۲ـ دسته گل سنبل کوهی برنگ ارغوانی و سفید است که به شکوفائی و دلفریبی تمام نقش بسته و در حد خود استادانه است.

این اثر «طبیعت مرده» که بالطبع از روی دسته‌گل طبیعی تصویر نموده، دقت و توانائی نقّاش را در امر نقّاشی از روی طبیعت ظاهر ساخته و او را نقّاشی بدیع و صورتگری توانا و مصوری دقیق نگار به شمار آورده است.

این اثر گل آرائی که بعید نیست به سفارش شاه سلیمان انجام یافته باشد، رقم نقّاش و تاریخ اثر را در بردارد که‌چنین است: «رقم کمترین بندگان ـ سنه ۱۰۹۴ ـ محمدزمان»

۱۹ـ در تاریخ طبری در این باره چنین می نویسد: «و چون ابراهیم در ده با پسر تنها ماند و چنانکه گفته‌اند آنجا دره ثبیر بود بدو گفت (پسرم در خواب دیده‌ام که ترا قربان کنم.» و او گفت (پدر آنچه فرمان یافته‌ای به کار بند که مرا صبور خواهی دید.» . . . پس چنانکه اسماعیل گفته بود، او را محکم ببست و کارد را تیز کرد و او را به رو در افکند. . .»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴۳ـ دیگر اثر ارزنده‌ای که آن نیز به سفارش شاه سلیمان و در سالهای آخر عمرش انجام یافته، (۲۰) تصویر شکوفه بادامی است که در کمال قدرت و شیوائی عمل آمده که تصویر آن، در آلبوم نقّاشی های هند و ایران مؤسسه آسیائی اتحاد جماهیر شوروی موجود است.

این شکوفه گل نیز به شاه هدیه گشته و در بالا و پائین اثر و با خط شکسته، رقم و تاریخ تصویر و ما حصل آنرا چنین یادکرده است: «برسم پیشکش سرکار نواب کامیاب اشرف اقدس همیون اعلی ـ برقم کمترین بندگان محمدزمان تحریر یافت سنه ۱۱۰۵» تصویر شماره (۷۷) در صفحه (۹۹۲)

۴۴ـ شاخه گل دیگری که در آلبوم مزبور قرار گرفته و به جهت پیش کشی، به شاه سلیمان عرضه شده، دسته گل نرگس پرحالتی است که در چهار سهم مختلف، به خط شکسته رقم نهاده است: «جهته پیشکش سرکار ـ خاصه شریفه ـ برقم کمترین بندگان محمدزمان ـ صورت اتمام پذیرفت فی سنه ۱۱۰۵»

۴۵ـ مجلس پرزیب و زینت هدیه انگشتر است که توسط شاه سلطان حسین صفوی انجام یافته است. این تصویر مجلل که در قصر سلطنتی ترسیم گشته، شاه سلطان حسین را در اوایل سلطنت و حدود بیست و هفت سالگی نشان می دهد. شاه صفوی با ریش و سبیل معمولی، تاج عمامه‌ای بسر نهاده و لباس منقش و خزداری پوشیده و دو زانو روی سجاده‌ای نشسته و انگشتری را به شاهزاده جوانی که او نیز کلاه صفوی بسر گذاشته و لباس فاخر پوشیده و به حالت احترام زانو زده، هدیه می نماید.

چند شاهزاده و خدمتکار که البسه گوناگون و رنگارنگی پوشیده و کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته‌اند، جهت اجرای اوامر شاهانه، در خدمت آماده‌اند. چند جلد کتاب و یك قلمدان و یك سلفدان و یك ظرف شیرینی در کنار پادشاه دیده می شوند. فرش نفیسی که به اشکال اسلیمی ترتیب یافته، سطح تالار را پوشانده است.

منظره گلها و درختان کوچك و بزرگ باغ جالب و دیدنی است.

این اثر پرکار که یکی از نمونه‌های آبرنگی و زیبای محمدزمان به شمار می آید، در بالای ردیف پرندگان امضاء و تاریخ گذاشته: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۶» مضبوط در آلبوم نقّاشیهای هند و ایران، موزه ارمیتاژ.

این تصویر به عینه شبیه تصویر شاه سلطان حسین صفوی است که نقّاش هلندی بنام کرنلیوس دوبروین حدود سال های ۱۱۱۵ از شاه صفوی نقش کرده است. در این اثر، وی کلاه قزلباشی بسر نهاده و لباس سلطنتی منقش و یخه خزدار پوشیده و ریش و سبیل مختصر و توپی دارد. عکس این تصویر مکرراً در نشریات ایرانی نیز دیده شده است. تصویر شماره (۷۸) در صفحه (۹۹۳)

۴۶ـ تصویر دیگر، کشتن اژدهای تنومندی بدست بهرام گور است که در شمایل شاه سلیمان صفوی ظاهر ساخته است.

این موضوع که به گونه‌های مختلف و جزو تصاویر گذشته از جمله: «مجلس منازعه بهرام گور که در نسخه خمسه نظامی شاه محمود نیشابوری دیده می شود با رقم کمترین غلامان محمدزمان ۱۰۸۶»

و دیگر، پیرزنی که از سلطان سنجر تظلم می کند. مضبوط در خمسه نظامی کتابخانه مورگان با رقم: «محمدزمان سنه ۱۰۸۴»

و سومین نمونه، تصویر بهرام است که اژدها را می کشد که با رقم و تاریخ: «زمان ۱۰۸۶» در خمسه نظامی مورگان دیده می شود. ارائه شده و یکی از بهترین آثار محمدزمان محسوب می گردد.

۲۰ـ مؤلف تاریخ وقایع السنین و الاعوام، راجع به مرگ شاه سلیمان چنین نوشته است: «فوت شاه سلیمان در روز پنجشنبه پنجم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۰۵ در حرم اصفهان.»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در این اثر ارزنده، بهرام گور لباس سرخی پوشیده و کلاه خزدار بسر نهاده و شاخ های اژدها را بدست چپ گرفته و با خنجری که در دست دیگر دارد، آماده وارد کردن ضربه است.

اژدها که برنگ سفید و آبی ترسیم گشته، با حرکت دورانی و لغزندگی خاصی، به دور و سر و گردن اسب پیچیده و بهرام را متاصل ساخته است.

منظره درخت تنومندی که در پشت سر بهرام ترسیم شده و همچنین درخت شکسته‌ای که در سایر آثار نقّاش نیز دیده می شوند، جلوه دل انگیزی دارند.

این شاهکار بس ارزنده، یکی از نفیس ترین و شیواترین آثار محمدزمان به شمار میآید که جاعل ناشی آنرا از آن حاجی محمد برادر کوچك محمدزمان که در نقش تصویر با استاد محمدزمان قابل مقایسه نبوده و تنها به گل سازی اشتغال داشته است، دانسته و امضای بد خطی نیز در بالای تصویر ترقیم کرده است.

اگر بامضای جعلی تصویر دقت کنیم و مخصوصاً کتیبه کناره های نام نقّاش را در نظر بگیریم، به قدری ناشیانه و بی تقارن ترسیم گشته که حتی افراد ناوارد نیز، به جعل آن واقف خواهند شد. و در این لحظات که چشم را از رقم و تزیین کناره آن بر می داریم و به اصل تصویر تعمق می نمائیم، درمی یابیم که ارائه چنین تصویری، به غیر از قلم محمدزمان، بر نقّاش دیگری میسر نیست.

در این تصویر، اژدها به قدری شیرین و غلطان و چشم نواز ترسیم گشته که انسان را از بین بردن چنین موجود زیبائی باز می دارد و دوست دارد هم نشین و هم عیار اسب دوست داشتنی خود، او را نیز در اسطبل قرار داده و از او نگهداری و مواظبت نماید.

و اما رقم جعلی که در بالای اثر مشاهده می شود، با خطوط مدرجه حاجی محمد که احوال وی را در محمد بن حاجی یوسف قمی آورده‌ام، به هیچوجه تشابهی نداشته و جعل بودنش آشکار می گردد.

نگارنده را عقیده این است که این امضا، بدست جاعل نادانی که آثار نقّاش را نمی شناخته، و فرض می کرده که حاجی محمد همان محمد ابراهیم نقّاش است که بعد از تشرف مکه، نام خود را عوض کرده و حاجی محمد رقم زده است و یا اینکه بدست حاجی محمد برادر کوچکتر محمدزمان و بعداز مرگ نقّاش انجام یافته و امضای خود را بالای تصویر نهاده و جزو آثار خود به شمار آورده است.

بهرحال اصل جعل امضاء، بهرنحوی که اجرا شده باشد نقش مذکور اصالت خود را از دست نداده و هنرشناسائی که به آثار و مکتب محمدزمان تسلط دارند، به یقین این اثر را نیز، یکی از تصاویر ارزشمند وی دانسته و انجام وی را بدست محمدزمان نقّاش به حساب آورده‌اند.

این اثر به شماره ۸۶، در آلبوم معروف لنین گراد چاپ شده است.

۴۷- تصویر مریم و الیزابت که الیزابت دست برسینه مریم نهاده و با یکدیگر نجوا می نمایند، از زُست و حالت چهره‌ها و ملاحت دستها و سایر نکات پرمایه آن چنین معلوم می گردد که این تصویر نیز کپی ماهرانه‌ای از باسمه‌ها و گراورهای مذهبی بوده، که محمدزمان آنرا به صورت مطلوب آرایش داده و به سفارش شخص شاه سلیمان به اجرا درآورده است.

در این اثر استادانه، صورت ها کاملاً ماهرانه و حالت دست ها شایان تحسین و تناسب نفرات با یکدیگر موزون است، پیچ و تابی که به البسه آنها داده شده، در کمال استواری و طبیعی است و بسان بهترین آثار نقّاشان اروپائی جلوه می نماید.

در انتهای تصویر نیز به ابتکار و برداشت زیرکانه، منظره یکی از ساختمان ها قدیمی را به دقت تمام و ترسیم صحیح، اضافه کرده و یك درخت تنومند را در کناره و چند درخت کوچك و بزرگ دیگر را در انتهای منظره،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نمایش داده و ابرهای فشرده را نیز، در عمق فضا جلوه‌گر ساخته است.

در پشت سر الیزابت، درب ورودی قصری را نشان داده که به پرسپکتیو صحیح انجام یافته و در کمال قدرت نقش نموده است.

کناره‌های تصویر نیز، به تذهیب گلهای گرد و خنجری تذهیب شده، و در بین تذهیب های بالا و پائین، به خط نستعلیق زیبا و استادانه، رقم و تاریخ نهاده است: «جهته سرکار نواب اشرف اقدس ارفع همیون اعلی. برقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان صورت اتمام یافت سنه ۱۰۸۹» جزو نقوش خمسه نظامی مورگان.

۴۸- بازگشت حضرت مسیح و مریم و یوسف نجار، از مهاجرت مصر است که بعید نیست این اثر شیوا نیز، کپی صادقانه‌ای از گراورها و یا سمه‌های مذهبی باشد که در آن زمان ها دراختیار داشته است.

در این اثر ارزنده و پرمهارت، حضرت مریم دست مسیح را گرفته و یوسف نجار که افسار یابوی خود را بدست دارد در کنار آنان دیده می شود.

مریم با قد برافراشته و چهره نجیبانه، که با پوشش پارچه‌ای بلندی، خود را مستور ساخته، در حال راه رفتن است، سینه برجسته وی که از روی لباس ها ظاهر شده زیب افزاست، هاله نورانی، در کنار سروی جلوه‌گر ساخته است.

یوسف نجار که پیرمردی با سر برهنه و ریش و سبیل سفید و پرپشت ظاهر شده، تن پوشهای کلفتی پوشیده و با اشاره دست، با همراهان صحبت می کند، او نیز پا برهنه راه می رود و حفاظت الاغ خود را که تنها کله و یك پای حیوان دیده می شود، به عهده دارد.

درخت تنومند و پربرگ نخلی در پشت سر مریم جلوه‌گر است.

در زیر پای مسافران، انبوه بوته‌های گیاه و گلهای صحرائی و سنگ ریزه‌ها و تنه درخت شکسته‌ای دیده می شود، در افق دور، درختان کوتاه قد و برکه آبهای روان جلوه‌گر می باشند. انبوه ابرها، در فضای پهناور آسمان، باغلظت گردونه‌ای و پنبه‌ای آن، بسان سایر آرایش ابری محمدزمان که واقعاً در نوع خود زیب افزائی افسانه‌ای دارند، گسترده گشته و حلاوت پسندیده‌ای را به اثر بخشیده‌اند. در بالا و پائین نقّاشی به خط نستعلیق زیبا رقم و تاریخ دارد: «جهت سرکار نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف اقدس همیون اعلی اعلی الله تعالی لواء دولته و خلافته علی مفارق الانام الی یوم القیام - به تاریخ شهرذی القعده ۱۱۰۰ در دارالسلطنته اصفهان برقم کمترین بندگان ابن حاجی یوسف محمدزمان صورت اتمام و سمت اختتام یافت.» مضبوط در خمسه نظامی کتابخانه مورگان تصویر این اثر زیبا برای اوّلین بار در Plate 173 کتاب چاپ ۱۹۱۲ میلادی لندن نوشته مارتین دیده می شود.

سه اثر زیبای محمدزمان که به تاریخ ۱۱۰۷ انجام یافته و رقم صاحب الزمان را در بردارند، جزو چهل و دو تصویری است که در سنواتی دیرتر و در یك نسخه خطی شاهنامه که به تاریخ ۱۰۷۹ هـ. ق. کتابت شده نقش بسته‌اند.

این شاهنامه که از طرف شخصی بنام الکساندر اسمیت کوچران به موزه مترو پولیتن نیویورك هدیه شده، برای اوّلین بار، توسط آقای ب - و- رابینسون هنرشناس معروف انگلیسی وجود سه اثر شیوای محمدزمان را در این نسخه، که با شیوه وافق کار نقّاش مطابقت می کنند، در نشریه موزه مذکور، به سال ۱۹۷۲ تشریح کرده و دلایل خود را ارائه داده است.

و ضمناً بطوریکه از نحوه کار و حالت نفرات و تزیین مناظر و سایر نکات مشخصه نقوش که در سایر آثار

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بجا مانده نقّاش به صورتی دیگر تقلید شده، برداشت تحقیقی آقای رابین سون را به ثبوت رسانده و سه آبرنگ مذکور را اثر دست نقّاش در سنوات ۱۱۰۷ هـ. قـ. به حساب آورده است.

۴۹ـ این آثار که یکی ازآنها نبرد سام و ایرانیان است، میدان رزم را در نهایت ازدحام و جنگ و گریز نشان داده، که طرفین متخصامین، به دفاع و حمله پرداخته و به کشتن و زخمی کردن حریف پرداخته‌اند. منظره کوس و کرنا و پرچم ها و علم های طرفین، از دور نمایان است. دو کوه پرصلابت در انتهای تصویر دیده می شوند و رقم نقّاش چنین است: «یا صاحب الزمان» در بالا و پائین تصویر ابیاتی به مناسبت درج گشته که، بدین قرارند:

چو فرمان دهد مرمرا شهریار — که تنها روم من بدین کارزار
چو بشنید سالار توران زمین — به گفتا زلشکر سران برگزین

۵۰ـ اثر دیگر نقّاش در این شاهنامه، دیدار سیاوش و افراسیاب در قصر سلطنتی است که حوض و فواره آن، در وسط شاه نشین جلوه دل انگیزی دارند. دو نفر مذکور روبروی هم نشسته و به مذاکره اشتغال دارند. جماعت همراهان و نوکران سرپا ایستاده و ناظر صحنه هستند.

منظره بیرون خانه و درختان ردیف کشیده باغ قصر، که مطابق قوانین پرسپکتیو و در کمال دقت عمل آمده، دیده می شوند و رقم تصویر چنین است: «یا صاحب الزمان ۱۱۰۷»

۵۱ـ سومین آبرنگ محمدزمان در این نسخه، تصویر رستم نامدار است که در کمال صلابت سوار اسب شده و گرز کله گاوی را بدوش نهاده و به انواع سلاح ها مجهز شده و جنگ آوران ایرانی را هدایت و اداره می نماید.

لشکریان رزم آور، هر یك به حالتی تصویر گشته و در پشت سر رستم دیده می شوند.

شاطر مخصوص رستم و رخش معروفش جلب نظر می نمایند.

منظره درختان شکسته و کهن سال و همچنین ارائه دو کوه با عظمت در انتهای آبرنگ جلوه زیبائی دارند و امضای استاد محمدزمان با سجع: «یا صاحب الزمان» در ذیل نقّاشی دیده می شود.

در صفحه تصویر، ابیاتی درج شده که بیتی از آن اشعار چنین است:

یکی گرز همچون سرگاو میش — سپاه از پس و نیزه دارانش پیش

این آثار گواینکه شیوه محمدزمان را دارا بوده و رقم یا صاحب الزمان را نیز در بردارد، عده‌ای از کارشناسان خارجی به امضاء و شیوه نقّاش توجه نکرده و تصاویر مربوطه را از آثار «آقانویان» به حساب آورده‌اند.

۵۲ـ دیگر از آثار مزین و پراعتبار محمدزمان که در داخل مرقعی قرار داشته و بسال ۱۹۸۲ در حراج پاریس به فروش رسید، تصویر «جودیت وَ هولوفرن» بود که از گراور سازان اروپائی الهام گرفته و تقلید شده بود.

در این آبرنگ، زن بلند بالائی که لباس های رنگین و بلند پوشیده و شمشیری بدست گرفته بود کله بریده مردی را بدست چپ گرفته و نشان می داد.

در پشت سروی زن دیگری که پارچه سفیدی بسر پیچیده و کیسه زرد رنگی بدستش گرفته، با زن اوّلی صحبت می کرد.

در داخل اطاق، زره فولادی و یك صندلی قدیمی که پایه آن به شکل پای حیوانات ساخته شده که روی آن پارچه بلند و سفیدی گسترده گشته و سر بریده را بروی آن تکیه داده‌اند.

منظره پرده سرخ رنگ و بزرگی که از اطاق ایوان آویزان شده و همچنین گلهای متنوع و کوچکی که در پیشاپیش تصویر ارائه گشته، شایان تحسین می باشند.

در بیرون خانه، ساختمان ها و عمارات گوناگون که طاقه های مخروطی دارند، با انبوه کوهها و مناظر دور دست و ارائه یك درخت تنومند، که در شیوه محمدزمان ترسیم شده جلب نظر می نمایند. و در زیر پای زن

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

قدبلند، رقم دارد: «یا صاحب الزمان» تصویر شماره (۷۹) در صفحه (۹۹۴)

۵۳ و ۵۴ـ دیگر از آثار محمدزمان دو گرده استادانه‌ای است که در مجموعه نگارنده قرار گرفته است، یکی از آنها که ذبح اسماعیل است و اندازه ۱۲/۵×۱۰ سانتی متر دارد، و به عینه شبیه تصویر قربانی ابراهیم، مضبوط در ارمیتاژ لنین گراد است که تفصیل آن، جزو آثار محمدزمان و شماره (۴۱) یادگشته است. دیگری که میدان جنگ اسکندر و داریوش را در اربل «ترکیه کنونی» نشان می دهد و شاید از روی گراور هنرمند معروف فرانسوی، لوبرن کپی شده باشد، در اندازه ۸×۲۱ سانتی متر است تصویر شماره (۸۰) در صفحه (۹۹۵)این گرده‌ها، اگر بدست نقّاش انجام پذیرفته و یا اینکه استادان دیگری، از روی کارهای محمدزمان گرده برداری کرده‌اند، در هر دو صورت، نمونه کاملی از آثار محمدزمان به شمار می آیند که لازم بوده، در انتهای کارهای محمدزمان ثبت گشته و عکس آنها نیز چاپ شود. تصویر شماره (۸۱) در صفحه (۹۹۶)

۵۵ـ از آثار اولیه و رقم دار محمدزمان که در شهر اصفهان و رنگهای باب آن شهر عمل آورده زنبق آبی و بنفشی زیبائی است که در کمال حلاوت و طبیعی نقش نموده و رگه‌های سفید و کم رنگ آنرا نیز، به استادی ارائه داده است.

شاخه بلند و محکم زنبق، سبز و رگه دار و طبیعی است و غنچه نشکفته‌ای که رنگ آبی بنفشی دارد، در کنار راست برگ ها جلب نظر می نماید.

اندازه این آبرنگ که ۱۱×۱۸/۵ سانتی متر می باشد، به خط شکسته استادانه‌ای رقم دارد: «هو یا صاحب الزمان سنه ۱۰۷۴»

۵۶ـ یك آبرنگ دیگر، که سایه‌های استادانه‌ای داشته و از لحاظ حلاوت و شادابی و عمق طراحی در حد تحسین است رقم: «یا صاحب الزمان» داشته و به عقیده حقیر یکی از آثار آبرنگی استاد محمدزمان است که گویا از روی طبیعت نقش نموده و به استادی به فرجام رسانده است.

۲۱ـ از آثار اشتباه و جعلی محمدزمان که بسال ۱۱۲۹ اجرا شده، تصویر سفیر روسی بنام آرتمی پطرویچ ولنسکی است که عین آنرا در آثار علیقلی جبادار و در همین سال ها به یاد داریم. اثر اصلی که قدیمی تر و بسیار استادانه‌تر از علیقلی جبادار است با شیوه محمدزمان مغایرت داشته، مخصوصاً حالت چشم ها و نازك قلمی و ملاحت دست ها به هیچ وجه با افق محمدزمان موافقت ندارد.

این اثر آبرنگی، به یقین اثر دست یکی از هنرمندان شبیه ساز روسی و یا فرنگی دیگری بوده که در شبیه سازی قدرت وافری داشته و از قیافه طبیعی سفیر روسی، نقش کرده است. نکته متمایزه دیگر، درج کلمات غیرمعمولی زمان است که جاعل نادان بدون در نظر گرفتن عبارات آن دوره‌ها، درج کرده و چنین نوشته است: «حسب الامر شاهنشاه . . . نگارش یافت. رقم محمدزمان فی سنه ۱۱۲۹»

البته افرادی که به تاریخ علاقمند بوده و به عبارات مخصوص هر زمان آشنائی دارند به خوبی می دانند که کلمه «شاهنشاه» و جمله «نگارش یافت» از جمله عبارات متداوله معاصر است که در کتابت نامه‌ها و فرامین و سایر مدارج تاریخی، به کثرت دیده می شوند. و جاعل مذکور بدون در نظر گرفتن این مراحل جعل امضا کرده و بنام محمدزمان ثبت تاریخ کرده است، درصورتیکه بین اولین اثر بادگار مانده محمدزمان که قلمدان استادانه‌ای به تاریخ ۱۰۷۰ هـ. قـ. است، و با این اثری که در سنوات ۱۱۲۹ به عهده نقش کشیده، حدود شصت سال تمام تفاوت وجود دارد که هیچ نقّاشی نمی تواند، در این مدت زیاد، دو اثر ارزنده با فاصله شصت ساله داشته باشد. و اگر این امضاء و تاریخ اصیل باشد بعید نیست که یکی از آثار محمدزمان دوم است.

در این زمینه، شبیه یك سفیر روسی که گویا از آثار رضا عباسی باید باشد، در آلبوم شماره ۲۱۵۵ . H توپ قاپوسرای است که در اندازه ۱۹/۳×۹/۲ سانتی متر بوده و زمینه آن کاغذ قهوه‌ای سیر است که در کناره‌های آن، انواع خط نستعلیق نصب نموده و برای مرقع آماده ساخته‌اند.

سفیر که پیرمرد سپیدمویی است و ریش بلند و سفیدی دارد، کلاه پوست خزی مشکی بسر نهاده و لباس بلند و آبی کمرنگ پوشیده که یخه پوست سموری دارد و دکمه‌ها قیطانی است، در زیر آن، لباس قرمز یخه بسته و بلند پوشیده و کفش هائی به شیوه رضا عباسی که زرد رنگ می باشد، پوشیده است، و جوراب مشکی پا دارد، عصای فوق العاده نازکی که به شکل سیم بوده و هیچگونه استقامتی ندارد به دست گرفته است. در قسمت بالا رقم زده: «صورت ایلچی ارس، حسب الامر نواب اشرف اقدس اعلاء شاه عباس سمت تحریر یافت»

در زیر رقم، مهر چهار گوش شاه عباس دیده می شود که سجع آن چنین است: «بنده شاه ولایت عباس».

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۳۷ (محمّد زمان دوّم) یا (صاحب الزّمان دوّم)

به غیراز محمدزمان اوّل نقّاش معروف دوران صفوی است که با سجع (یا صاحب الزمان) خود را شناسانده و دراغلب آثار خود، از آن سجع استفاده برده است.

این هنرمند نیز، به عیار انتخاب سجع «یا صاحب الزّمان» گویا نامش محمد یا محمدزمان یا محمد مهدی و یا تنها زمان بوده، که به حرمت نام شریف حضرت مهدی قائم علیه‌السلام، از سجع «یا صاحب الزّمان» امداد جسته و از کمك غیبی وی طلب معاضدت کرده است، بدین جهت ما نیز او را محمد زمان دوم و یا «صاحب الزّمان دوّم» انتخاب کرده و در محل خود، بدین نام معرفی کرده‌ایم.

آثار این استاد بین سنوات ۱۱۲۶ تا ۱۱۳۵ هـ. قـ. اجرا شده و همچنین چند اثر بی رقم دیگری که به احتمال زیاد از کارهای این هنرمند می باشند، مبین این نکته است که این نقّاش به مدت بیست سال و اندی فعالیت های هنری داشته، که متأسفانه آثار رقم دار دیگرش به دست ما نرسیده است.

تصاویر این نقّاش بسیار شیرین و با امتیاز بوده و در ترسیم گل و مرغ و تذهیب و تشعیر و انتخاب رنگ ها و در بعضی موارد ارائه مجالس شیوا، سلیقه استادانه‌ای داشته است.

این هنرمند اغلب آثار خود را گل و مرغی انجام می داد و سعی می کرد دنباله‌رو، شیوه گل سازی محمد زمان اوّل باشد، ولی در ارائه طرح و انتخاب رنگ ها، شیوه بخصوصی داشت و همین اختلافات چشم گیر است که کارهای وی را با استاد محمد زمان مشخص می سازد و ضعف وی را عریان می نماید.

عمده کار های این هنرمند، جلد های گل و مرغی است، که هم بستر نسخه های ذیقیمت شده و همچنین قاب آینه های ظریف هشت ضلعی می باشند که آن زمان ها باب روز بوده و بیشترین آثار این نقّاش را تشکیل می دهند.

از قلمدان سازی وی، به غیراز یك نمونه موجود، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن، قلمدان دیگری، مشاهده نکرده‌ام و یا این که تاکنون کشف نگشته است.

عمده ارقام این هنرمند، به خط نسخ و رقاعی مخصوصی بود که به هیچوجه با ارقام سایر نقّاشان هم نام و هم سجع خود مطابقت نداشت.

این هنرمند حرف های (ص) و (ح) نام «صاحب» را گشاده و غیر معمولی می نوشت که در حقیقت مخلوطی از شیوه نسخ و رقاعی بشمار می آمد و در نوع خود انحصاری بود.

محمد زمان دوم، تذهیب و حل کاری و تشعیر و سایر آرایش طلا کاری را استادانه می ساخت و مخصوصاً درآرایش و پیرایش البسه نفرات، دست با حلاوت داشت.

این هنرمند در گل و بوته سازی که عمده آثار وی را تشکیل می داد، نقّاشی با کمال بود و در تصویر سازی و مجلس آرایی نیز قلم شیرینی داشت.

از دو نمونه باقی مانده چهره پردازی و مجلس آرایی وی که یکی در موزه ویکتوریا آلبرت و دیگری در بریتیش میوزیوم به یادگار مانده، مؤید این حقیقت است که این هنرمند در چهره پردازی و ارائه حالات نفرات و پیرایش البسه و سایر ضروریات زندگی و حتی در تصویراسب های خوش تراش نیز نازك قلم و متبحر بوده است.

محمد زمان دوم افراد را قلمی و لاغرتر می ساخت و برخلاف محمدزمان اوّل چاق و تنومند نمی کشید.

صورت سازی وی دقیق و بی حالت بود و جمله آنها را به حالت متفکرانه، طوری تصویر می کرد که گویی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

همه افراد، در بهت و تعجب فرو رفته و به نقطه نامعلومی خیره گشته‌اند.

اسب ها را متناسب و موزن می کشید و با سایه های پرداز، حالت طبیعی به آنها می داد.

در ارائه و پیرایش البسه، وسواس داشت و آنها را چشم نواز و مزین عمل می آورد.

در رویه قلمدانی که در ویکتوریا آلبرت لندن دیده می شود، گویا این هنرمند از مدل های مذهبی مسیحی سود می جسته، کمااینکه تصویر حضرت مریم و یوسف نجار را به تردستی عمل آورده و شبیه نقّاشان اروپایی به سامان رسانده است.

بطور کلی می شود گفت که این استاد، در کارهای روغنی «قلمدان و جلد سازی» و آبرنگ، دست دلفریب و متینی داشته ولی عمده کارهای وی جلد سازی، با نقش گل ها بوده است.

از آثار رقم دار و بجا مانده وی آنچه تاکنون دیده ام عبارتند از:

۱ـ قدیمی ترین اثر رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن نگهداری می شود، قلمدان مجلسی زیبایی است که در رویه آن تصاویر حضرت مریم و یوسف نجار و جمع فرشتگان به نحو پرحالتی عرضه گشته و معرف شیرین قلمی نقّاش می باشند.

حواشی قلمدان، گل و مرغ شاداب و پر زینت بود و رقم داشت: «یا صاحب الّزمان ۱۱۲۶»

۲ـ دیگر اثراین هنرمند، که از نزدیك دیده‌ام، قاب آینه گل و مرغی هشت گوشی بود که در حراج ساتبی نوامبر ۱۹۷۶ لندن به فروش رسید.

این قاب آینه گل و مرغی، که در کمال شیوایی ترسیم یافته و داخل آن نیز تصاویر مذهبی نقش بسته بود، به خط رقاعی رقم داشت: «یا صاحب الّزمان ۱۱۳۵» تصویر شماره (۸۲) در صفحه (۹۹۷)

از آثار بی تاریخ این هنرمند که رقم یا صاحب الزمان را به خط رقاعی درج کرده و در شیوه همین قاب آینه نقش کرده بود، دو جلد قرآن کریم دیده ام که هردوی آنها، به شیوه گل و مرغی انجام یافته و در حد خود ستودنی بودند.

۳ـ دیگر اثر رقم دار این استاد که درآبرنگ ساخته شده، گل لاله قرمز رنگی بود که در کمال قدرت ترسیم شده و یکی از بهترین آثار آبرنگی نقّاش به شمار می آمد.

این قطعه گل چشم نواز که در یکی از حراج های شهر تهران و گالری مرحوم مهندس شاهرخشاهی در تاریخ ۱۳۵۴ شمسی به مبلغ بیست و پنج هزار تومان به فروش رسید، رقم داشت: «یا صاحب الّزمان»

۴ـ از آبرنگ های دیگر این نقّاش، تك گل کم رنگی، با برگ های طلایی دیده ام که در داخل مرقعی قرار داشت و اندازه تقریبی آن ۱۱×۱۵ سانتی متر بود.

این اثر آبرنگی که حلاوت به خصوصی داشت، به خط رقاعی زیبا رقم زده بود: «هو یا صاحب الّزمان»

۵ـ از آبرنگ های دیگر این هنرمند که صحنه گردش شاهزاده ای را با جمع احباب خود ارائه می دهد. تصویر شاه سلیمان است که با کلاه های عمامه‌ای و البسه سلطنتی سوار بر اسب شده و با همراهان ایستاده است. پشت سر وی جوان همراهی است که او نیز بر اسب سوار بوده و از کلاه عمامه‌ای مخصوصی که به سر نهاده، شاید از میهمانان و شاهزادگان عثمانی باشد که به دربار صفوی بار یافته است.

دو مستخدم ایرانی و هندی، در مقابل آنها ایستاده و منتظر اجرای فرمان هستند.

این اثر زیبا که در موزه بریتانیا قرار گرفته، رقم دارد: «یا صاحب الّزمان»تصویر شماره (۸۳) در صفحه۹۹۸

۶ـ دیگراز آثار این هنرمند، جلد خوش نقشی دیده‌ام که در کمال هنرمندی و قدرت قلم، پایان پذیرفته، و گل های متنوعی را در خرمنی از گل ها مصّور ساخته بود، مرغ های متنوع و پر حالتی را در بین گل ها ارائه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

داده بود که رنگ های دلپذیر و چشم نواز داشت.

کناره های جلد، زنجیره های طلایی پر امتیاز داشت و معرف هنرمندی نقّاش درامر تذهیب به شمار می آمد و در بالای جلد، به خط رقاعی رقم داشت: «یا صاحب الزّمان ۱۱۳۳»

۷ـ از قاب آینه های هشت گوشه ای این هنرمند که گل و مرغی بوده و گل سرخ های با طراوتی به روی آن نقش بسته بود، آیتی از زیبایی بود ولی تا حدی صدمه دیده و احتیاج به تعمیر داشت.

این قاب آینه نیز، بسان سایر آثار هنرمند، به شیوه گل و مرغی فرجام پذیرفته و در نوع خود امتیازاتی داشت.

داخل درب قاب آینه، در زمینه حنایی بود و به روی آن، گلسرخ های بسیار استادانه‌ای، به شیوه حل کاری عمل آمده و معرف صنعت هنرمند، در هنر تذهیب به شمار می آمد و رقم نقّاش به رویه قاب آینه و به خط رقاعی چنین بود: «یا صاحب الزّمان»

از آثار بی رقم این هنرمند، سه جلد متنوع گل و مرغی دیده‌ام، که جملگی آنها در شیوه گل و مرغی این هنرمند پایان پذیرفته و متأسفانه رقم و تاریخ را دارا نبودند.

۱۰۳۸ ـ «محمّدزمان سوّم» یا «صاحب الزّمان سوّم» مشهور به آقا زمان

نقّاش معروف دوره سلاطین زندیه (۱۲۰۹ ـ ۱۱۶۳) بود که آثارش بین سنوات ۱۱۷۲ الی ۱۲۱۰ هـ .ق. به یادگار مانده و در ذیل آنها «محمد زمان» و «یا صاحب زمان» ترقیم نموده است.

این نقّاش در زمان خود به آقا زمان شهرت داشت و رقم یا صاحب الزمان را نیز که در عمده آثار وی مشاهده می کنیم، همانا برداشت مذهبی و عقیدتی وی بود که نام خود را در استتار این سجع معروف، تجلی داده است.

بطوری که می دانیم، جمله نقّاشانی که سجع یا صاحب الزمان را انتخاب کرده‌اند، یقیناً اشخاصی بوده اند که نام اصلی شان محمد یا محمد مهدی یا محمد زمان بوده و به علت اخلاص و عقیدتی که به حضرت قائم علیه السلام داشته اند، سجع هنری خود را صاحب الزمان اختیار کرده و با توکل به حرمت و پشتیبانی وی «یا صاحب الزمان» امضاء کرده‌اند.

زندگی اولیه و دوران فعالیت و همچنین سال تولد و مرگ نقّاش دقیقاً معلوم نیست و چه بسا ممکن است دوران اولیه قاجار را هم درك کرده و در سنین کهن سالی به دنیای عقبی شتافته است.

قدیمی ترین سندی که از این نقّاش اسم برده، کتاب معروف رستم التواریخ است که در زمان زندیه تألیف یافته و در یکی از صفحات وی چنین درج گشته است.

«دیگر آنکه درآن عصر پسندیده خلایق در آن آرمیده، نقّاشان زیبا نگار و مصّوران شیرین کار بوده اند، از آن جمله عالیشانان آقازمان ـ آقا باقر ـ آقا صادق ـ میرزا حسن ـ میرزا محمد که هر یك در نقّاشی و مصوری مانیْ ثانی بلکه به‌هزار درجه بالاتر از مانی بوده‌اند.»

۱ـ تصاویر آبرنگی استادانه‌ای که بروی جلد دوم کتاب (لطفعلی خان زند) و تصویر (یکی از محارم درباری) چاپ شده انتخابی از مرقع نفیسی است که درزمان لطفعلی خان زند وبرای شخص وی تهیه شده و فاقد امضای نقّاش می باشند. این آبرنگ های ماهرانه که چهار قطعه بوده و جزء مجموعه خانوادگی نگارنده درتهران است، از نفیس ترین آثارآقازمان بوده که نقّاش از درج نامش خودداری ورزیده است. خوشبختانه دو اسلاید رنگی این مرقع که به سال ۱۳۵۸ تهیه شده در دستر س بوده که زیب صفحات آخر کتاب قرار گرفته است. ناگفته نماند کلیه آثاری که به نام حضیر درذیل این مجلدات یاد شده، مضبوط در کتابخانه شخصی نگارنده در تهران بوده که امکان عکس برداری و چاپ آنها دراین کتاب میسر نگشته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ما نیز جهت تسهیل و شناسایی احوال و آثار این هنرمند، که متأسفانه در هیچ یك از تصاویر بجا مانده‌اش، اثری از نام آقازمان دیده نمی شود، او را «محمد زمان سوّم» و یا «صاحب الزمان سوّم» معرفی نمودیم که سنواتی در حدود سی سال، به خلق تصویر اشتغال داشته و در زمان خود معروف بوده است.

این هنرمند در مجلس آرایی بزمی و رزمی و ارائه مناظر دلپسند، دست با قدرت داشت و گل و مرغ و چهره پردازی و همچنین تذهیب و حل کاری را به نیکوترین وجهی عمل می آورد.

آقا زمان چهره ها را واضح می ساخت و حالت نفرات را استادانه می کشید و در صورت سازی و چهره پردازی شیوه بخصوصی داشت.

تك صورت هایی که از این استاد به یادگار مانده، به مثابه صنعت عکاسی است که چهره ها را کاملاً دقیق و شبیه عمل آورده و هنر خود را به دقیق ترین مرحله‌ای ارائه نموده‌است.

آقا زمان در پرسپکتیو نیز دست داشت و درارائه ساختمان ها و نمود اشخاص و سایر اشیاء دیگر آن قوانین را به کار می برد و صحیح و دقیق می کشید.

از چند قلمدان بجا مانده وی که قصور ایرانی و فرنگی را در جمع همدیگر ارائه داده، در جمله آنها قوانین مناظر ومرایا را به نحو استادانه ای مراعات نموده و کمتر اشتباه کرده است.

قدرت قلم این نقّاش در صحنه های رزمی نیز قابل تحسین بود و ازدحام و جنب و جوش و هیبت خصمانه مردان جنگی را به حوصله تمام می آراست و پیچش و خمش اسب ها و سایر مراحل میدان مبارزه را دقیق و پر محتوی می کشید.

در حل کاری و صنعت تذهیب نازك قلم و تیزنگار بود و جمله آثار بجا مانده خود را به نفسه تذهیب می نمود و به استادی آرایش می داد.

این استاد در مرغش سازی نیز بصیر بود و در بعضی موارد، شیوه‌ای به شباهت مرغش سازی، با طلای ورقی و پرداز درشت تر، عمل می آورد که در زیر نقش گل ها، بسان تابش آفتاب تلؤلؤ می کرد و زیبایی پر جلالی را، در زمینه اثر هویدا می ساخت.

تابلوی رنگ و روغنی زیبایی که به نظر حقیر، در حدود سالیان اواخر زندیه و اوایل قاجاریه عمل آمده و رقم: «کمترین محمدزمان» را دارا می باشد، به حدس نزدیك به یقین از آثار رنگ و روغنی این نقّاش بوده، که توانسته است همگام با میرزا بابا و محمدعلی و سایر نقّاشان رنگ و روغن کاری که در ابتدای این شیوه ها، قلم فرسایی می نموده‌اند، قدم برداشته و اثر رنگ و روغنی شیوائی نیز ازخود به یادگار گذارد.

بدین ترتیب می شود گفت که این استاد علاوه بر شیوه روغنی و آبرنگ و سیاه قلم، در رنگ و روغن نیز دست داشته و از پیش گامان هنر رنگ روغنی تازه رونق یافته آن دوران محسوب می شده و نامش نیز «محمد زمان» بوده است.

شرح زندگی و رشته حیات و مدت عمر این هنرمند بر ما مکتوم است ولی آنچه از آثار بجا مانده و تاریخ دار وی بر می آید، چنین میرساند که این هنرمند در سال های ۱۱۷۲ الی ۱۲۱۰ هـ. قـ. حیات داشته و به شغل مورد علاقه خود سرگرم بوده است. و ضمناً اگر اوّلین اثر رقم داراین هنرمند را که به سال ۱۱۷۲ هـ. قـ. انجام داده اثر دست دوران ۲۲ سالگی نقّاش بدانیم، تخمیناً می شود گفت که این هنرمند حدود ۱۱۵۰ هـ. قـ. تولد یافته و تا سالیان ۱۲۱۵ و یا ۱۱۲۰ زنده بوده و در سنین ۶۵ یا هفتاد سالگی وفات یافته و به دنیای عقبی شتافته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آثار بجا مانده نقّاش عبارتند از:

۱ـ قلمدان جنگی پر ازدحامی بود که در حراج سال ۱۹۷۶ ساتبی لندن به فروش رسید.

در رویه قلمدان، شهامت شاه اسماعیل و سایر سربازان ایرانی، در جنگ چالدران به استادی ارائه گشته و حمله و گریز لشکریان متخاصم و سایر حالات و حرکات جنگی و جمع تلفات لشکریان، به شیرین قلمی عیان شده و مؤید استادی نقّاش به شمار می آمد.

حواشی قلمدان، مجالس شکار شاهزادگان در دشت و دمن بود، که به ابتکار و قدرت قلم، عمل آمده و رقم داشت: «یا صاحب الزمان ۱۲۰۸» تصویر شماره (۸۴) در صفحه (۹۹۹)

۲ـ قلمدان دیگر این استاد که در حراج کریستی لندن به فروش رسید، قلمدان پر جلالی بود که در رویه آن، تصویر شاهزاده‌ای، در لباس زربفت و آرایش دوران زندیه، نقش بسته بود که کلاه مخصوصی به سر نهاده و خنجری به کمر آویخته و دو بازوبند مرصع، به بازو ها محکم کرده بود. این جوان خوش سیما که گویا لطفعلی خان زند بود، قنداره مخصوصی به پا کرده و سپر خود را به پشت سرش آویخته بود و در قسمت بالای صحنه رقم داشت: «یا صاحب الزمان»

۳ـ دیگراز آثار رقم دار این هنرمند که در کتابخانه گلستان قرار دارد، جلد نسخه خطی و ارزنده‌ای است که به روی آن، دسته گل های متنوعی، در جمع هم تصویر شده که فوق العاده دلچسب و موزون جلوه می کردند.

در قسمت بالای صفحه، گل سرخ خوش رنگی با غنچه ها و برگ های سرسبزی تصویر شده بود که در کنار آن، گل زرد خوش حالتی دیده می شد که بین برگ های خود به شکوفایی جلب نظر می نمود. در پایین جلد، دو دسته گل های ارغوانی و بنفش قرار گرفته بودند که به وسیله برگ هایی به هم پیچیده شده بودند و یك بوته گل دلفریب که شاید گل هلو بود، از زمینه پایین به بالا امتداد یافته و در جمع گل ها قرار گرفته بود. این جلد خوش منظر که می شد به او باغ گل ها نامید رقم داشت: «یا صاحب الزمان»

۴ـ دیگر قلمدان این هنرمند که به رویه آن، مجلس شکار نقش بسته بود، قلمدان صاحب امتیازی بود که جمله شکارچیان و حیوانات وحشی و اسبان بادپای را به استواری و نازك قلمی نقش نموده و با خط طلایی رقم نهاده بود: «یا صاحب الزمان ۱۲۱۰» مضبوط در موزه نگارستان تهران.

۵ـ قلمدان استادانه دیگری که از آثار ارزنده آقازمان به شمار می آمد و کپی آن نیز رقم: «یا صاحب الزمان» را در برداشت، قلمدان پر حلاوت و شیوایی بود که یقیناً در اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. به عهده نقش در آمده و در رویه قلمدان زن زیبا و سر برهنه‌ای ایستاده و گیلاس شراب را به دست گرفته و خرامان راه می رفت. زن جوان شلوار بلند و گشادی پوشیده و لباس نازکی به تن کرده و سینه های خود را عریان ساخته بود. صورت زن در شیوه فرنگی و مو ها طلایی بود، و در انتهای مجلس، سه زن دهاتی، درگوشه ای نشسته و صحبت می کردند، در زیر پای زن، برکه آبی دیده می شد که چند مرغابی درآن به شنا مشغول بودند و یك طاوس رنگین نیز در کنار آنها جلب نظر می نمود.

در زمینه و بالای سر زن جوان، رودخانه عظیم و پل یك چشمه‌ای دیده می شد که سوار کاری، با دوست همراهش در حرکت بود، در صحنه های بالایی، پوشش آب و تپه های کوچك دیده می شدند که به روی تپه ها، خانه های کلبه مانندی جلب نظر می نمودند، و چند درخت پر برگی که گسترده تر نقش بسته بودند، منظره را زیباتر کرده و جلوه پر حالتی به اثر بخشیده بودند.

کناره های قلمدان، نیز پراز مناظر زیبا و ابنیه قدیمی سالم و مخروبه به شیوه ساختمان های ایرانی و اروپایی بود که گویا از آثار محمدزمان اوّل کپی کرده و پرسپکتیو را به حد لزوم مراعات کرده بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در بین خانه ها و مناظر گوناگون، انبوه درختان تصویر شده، و افرادی نیز به مناسبت حال، بین آنها علاوه گشته بود.

زیر قلمدان، حل کاری گل های تزئینی بود و در کشو قلمدان نیز، این حل کاری ادامه یافته بود.

عین این قلمدان که رویه آن، بسان این قلمدان تصویر شده و در موزه نگارستان تهران قرار گرفته است. به خط ریز و سرخ رنگی، رقم داشت: «یا صاحب الزمان ۱۱۷۲»

ولی چون این قلمدان تعمیر شده و رنگ های ناهنجار و غیر لازمی، در موقع تعمیر، به روی قلمدان علاوه گشته بود حلاوت اثر راازبین برده و هنر نقّاش را زایل کرده بود.

این قلمدان نیز از آثار اولیه نقّاش به شمار می آمد که در بدایت حال، به یك طرح و یك نقش عمل آورده و نام و تاریخ را در ذیل یکی از آنها به یادگار نهاده بود.

۶ـ دیگر از آثار قلمدانی این استاد که در زمینه مرغش عنابی تصویر شده، قلمدان زیبایی بود که در رویه آن و در سه سهم مستطیلی شکلش، دسته گل های محمدی، آهاری، زنبق، نرگس شهلا و سنبل کوهی و سایرگل های وحشی و درختی تصویر شده ولی پرنده‌ای داخل گل ها مشاهده نمی گردید.

در داخل دو مدالیون، تصویر دو زن فتان و زیبا، که درشیوه فرنگی سازی عمل آمده، جلب نظر می نمود که یکی از آنها دسته گلی به دست گرفته و استشمام می کرد.

زن جوان دیگر که آیتی از زیبایی بود، سینه های باز داشت و مرواریدی به گردن آویخته و دسته گل زیادی به دست گرفته و روی سینه را پوشانده بود.

در کناره ها نیز به همین منوال، گل های متنوع و وحشی، با رنگ های پخته دیده می شد و بین مدالیون های کناره، تصویر دو مرد و دو زن برازنده که البسه ایرانی به تن کرده و کلاه زندیه بسر نهاده بودند جلب نظر می کردند. زیر قلمدان قرمز آتشی بود و حل کاری گل های پراکنده داشت و تذهیب کناره ها نیز پرکار بود.

رقم نقّاش به خط نستعلیق زیبای غبار چنین بود: «یا صاحب الزمان ۱۲۰۷»

۷ـ دیگر اثر پر پیرایه این استاد، قلمدان گل و مرغی استادانه و چشم آذینی بود که در زمینه نخودی عمل آمده و معرف هنرمندی نقّاش، در آرایش گل و مرغی به شمار می آمد.

رویه و کناره های قلمدان، با گل های متنوع و پر طراوت پوشیده گشته و در بستر آنها نیز، مرغ های الوانی جلوه‌گر بودند که صفای بوستان ها و گلزار ها را به خاطر می آوردند.

در زیر رویه قلمدان، به خط نستعلیق سرخ، رقم داشت: «یا صاحب الزمان لی سنه ۱۱۹۰»

۸ـ از آثار آبرنگی و فوق استادانه این هنرمند که در مجموعه تصاویر آبرنگی دارم، تصویر نیم تنه یك زن اروپایی است که در کمال مهارت و تردستی عمل آورده و رقم: «یا صاحب الزمان» را در ذیل آن ثبت نموده‌است.

از قدرت قلم برازنده‌ای که در اجرای این آبرنگ بکار برده بود ابتدا گمان می بردم که از آثار آبرنگی محمد زمان اوّل است ولی شیوه پختگی و ارائه سایه‌های تکه‌ای و نوع کاغذ و رنگ ها برآنم داشت که از آثار این هنرمند محسوب داشته و یکی از عالی ترین آثار وی بشمار بیاورم، دراین اثر، صورت چشم ها دلربا و فتان و مو های سر فرفری و پر حالت که به روی شانه ها ریخته و سینه ها باز و تاحدی مستور بوده و گردن بند مرواریدی غلطانی که به گردن آویخته یك صلیب جواهر نشان ازآن آویزان گشته‌است.

تصویر شماره A درصفحه ۱۰۰۰

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۹ـ تنها یادگار رنگ و روغنی این هنرمند که عکس رنگی آن، پشت جلد حراجی Art D'orient - Hotel Drouot در ۱۲ دسامبر سال ۱۹۷۵ چاپ شده. مجلس خسرو و شیرین است که به رنگ و روغن ترسیم شده و در نوع خود بسیار با حلاوت است. دراین اثر زیبا، صورت و چهره ها و البسه نفرات و کلاه های اشخاص نشانه های دیگر تابلو، در شیوه افشار و زندیه بوده ولی چون شمایل خسرو را در قیافه لطفعلی خان زند ارائه داده، بعید نیست که نقّاش خواسته است، خسرو را در قیافه پادشاه زند تجلی داده و در زمان حکمرانی وی به سال های (۱۲۰۳ ـ ۱۲۰۹) عرض اندام نموده و هنر خود را نمایش بدهد.

دراین نقّاشی، ملاحت چهره ها و تزئینات البسه و شکل کلاه ها و شیوه مجلس آرایی، به شیوه استثنایی انجام پذیرفته، که ارائه چنین اثری را بین هنرمندان هم نام قبل و بعد از نقّاش سراغ نداریم.

از قدرت قلم نقّاش که به رنگ و روغن به فرجام رسانده، چنین برمی آید که این استاد در رنگ و روغن و چهره پردازی و نقش صورت ها مهارتی داشته و در آرایش و پیرایش نقش ها، و اجرای طلا کاری و تذهیب، دست پر هنری را دارا بوده‌است.

متأسفانه در ارائه تناسب افراد، مخصوصاً پا های فربه و تنومند شیرین، در مقابل شاطر جوانی که اسب وی را مهار نموده و همچنین ارائه دو تازی تیزپایی که در اندازه موش صحرایی نشان داده، سستی طراحی و نادیده گرفتن نسبت ها، عیان گشته و گیرایی اثر را خنثی نموده است. ولی چهره پردازی و شادابی صورت ها که زیبایی افسانه‌ای شرقی را، به خاطر می آورد، قدرت قلم نقّاش را هویدا ساخته‌است.

در زیر تابلو به خط نستعلیق زیبا نوشته شده: «مجلس خسرو و شیرین» «کمترین محمدزمان»

تصویر شماره (۸۵) در صفحه (۹۹۹)

۱۰۳۹ ـ «محمّد زمان چهارم» یا «صاحب الزّمان چهارم»

قلمدان استادانه و پر جماعتی از خیل شکارچیان درباری به یادگار مانده که در دشت و دمن بی انتها، به شکار شیر و حیوانات دیگر پرداخته و در شیوه کاملاً انحصاری و ابتکارانه‌ای، فرجام پذیرفته است.

این اثر نوگرا، که تا آن زمان ها، همتا نداشته، به دست نقّاش جستجوگری نقش یافته که به نام «یا صاحب الزمان» ترقیم شده و سال اجرای آن، تاریخ ۱۱۹۷ هـ. قـ. را دارا می باشد.

در مورد شناسایی این هنرمند و رابطه شیوه انتخابی که در حالت استثنایی نقشی آفریده، با کار هیچ یك از نقّاشان هم دورانش، قابل قیاس نبوده، بلکه هنرمند جداگانه‌ای به شمار می آید که به ابتکار خود، مکتبی ایجاد کرده، که در بین نقش آفرینان قلمدان ساز، تا آن موقع چنین شیوه ای دیده نشده و انحصاراً در حیطه قلم خود بوده است.

و از طرفی چون امضای خود را «یا صاحب الزمان» رقم کرده، به عیار نام سایر نقّاشان گویا اسم اصلی اش، محمد و یا مهدی و یا محمد مهدی و چه بسا محمدزمان بوده که سجع یا صاحب الزمان را انتخاب کرده و در ردیف آن نقّاشان به حساب آمده‌است.

لهذا به علت شیوه انحصاری و نداشتن نمونه های دیگر، این هنرمند را به نام محمد زمان چهارم و صاحب الزّمان چهارم قلمداد نموده و تصویر قلمدان انحصاری اش را نیز در شماره ۱۱۴ و صفحه ۱۰۲۵ کتاب چاپ نمودیم.

در این قلمدان استادانه که صحنه پر ازدحام شکارگاه را مجسم ساخته، انبوه سوارکاران و اسب های باد پایی را نشان داده که با اندك سیاه قلم مویی، به چهره ها جان بخشیده و به حالت استادانه‌ای عمل آورده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این قلمدان، بر عکس سایر قلمدان ها که نقوش آنها به آبرنگ عمل آمده، با رنگ و روغن تصویر شده و مهارت کار دراین بوده است که نقّاش پر هنر، توانسته است، نقوش بدان باریکی و حساس را، با قلم تیزبین خود به رنگ و روغنی، مصور سازد.

رنگ صورت ها، دراین قلمدان یکسان و جمله آنها نارنجی درهم و مایل به نخودی است.

سایه صورت ها، به هیچ وجه نمودار نیست ولی چشم و ابرو و قیافه کلی، در کمال دقت ترسیم شده و با رگه های قلم مو، شبه سایه‌ای نیز، بر آنها علاوه گشته است.

صورت شکارچیان گرد و مردانه و سبیل ها ضخیم و پرپشت و جمله آنها جوان و تنومند که تنها دو پیرمرد، در هیبت پادشاهان وقت، شبیه سازی شده اند که اسامی آنها مشخص نمی باشند.

کلاه پادشاه و شاهزادگان و سایر شکارچیان، قزلباشی و ترك دار و اغلب آنها با طلای درخشان و رنگ های روشن تصویر گشته، که در زمینه تیره تلؤلؤ خاصی به اثر بخشیده است.

البسه نیز به همین منوال طلایی شده و درخشنده است، کمرهای زرین و مرصع و بازوبند و ساعد بندهای طلایی و در بعضی موارد، جمله البسه ای که به تن کرده‌اند، حل کاری شده و زراندود می باشند، ساز و برگ اسب ها و قلاده ها و دهنه ها و زین ها و پهلو پوش آنها، طلا کاری گشته و درخشنده‌گی خاصی به قلمدان بخشیده اند.

اسب ها پر حالت و خوش تراش و لغزش و پیچش متوازنی دارند، چند تازی کمر باریك سبك سر، به دنبال شکار خرگوش در تلاشند، در گوشه دیگر، سواران، آهویی را شکار کرده و ضربه آخر را می زنند، در صحنه وسط، شیر عظیم الجثه‌ای دیده می شود که مستأصل شده و واله و حیران به سرنوشت غم انگیز خود تسلیم گشته است، قیافه و حالت پریشانی شیر که از پشت سر ترسیم شده، بسیار پرحالت و استادانه بوده و در شیوه کلاسیك اروپایی است.

اسلحه نفرات، انحصاراً شمشیر و نیزه و تیر و کمان است و همه افراد بلا استثناء چکمه سیاه رنگی به پا دارند. قوانین پرسپکتیو را به دقت تمام اجرا نموده و سوارهای دورتر را، به اندازه تناسب قانونی، کوچکتر ترسیم نموده‌است.

منظره دشت و دمن و کوه و صحرا و درختان، درشیوه خاصی است که همه آنها با رنگ سیر و سایه کمتر ولی پرمحتوی و استادانه ترسیم گشته‌اند.

درخت ها گو این که با رنگ سیر پرداخت شده و کلاً یك رنگ را نمایش می دهند ولی حالت و شاخ و برگ ها و تنه درخت ها و رگه های برآمده آنها کاملاً هویدا بوده و به استادی ترتیب یافته‌اند.

دو درویش عمامه بسر که عمامه سیاه به سر نهاده و لباس بلند پوشیده و عصا به دست گرفته اند، فارغ از هیاهوی شکار پشت درخت ها قرار گرفته و با یکدیگر صحبت می کنند.

روی هم رفته می شود گفت که این هنرمند، در مجالس رزمی و شکار دست ماهرانه و پرابتکاری داشته و درشیوه ساده و پر محتوای خود، جمله مهارت های خود را ارائه داده‌است.

چهره پردازی وی غنی و با حلاوت و جانور سازی اش با حالت و پر تحرك و در جمع مجلس آرایی، قدرت قلم شیوایی را دارا است.

شیوه وی مخلوطی از تخیل افسانه‌ای و حقیقی است که به سادگی به روی بوم آمده و جذاب و پرمایه گشته است.

داخل قلمدان حنایی و طلایی خالص است. جدول کناره ها نیز به سیاق سایر قلمدان های صفویه، ضخیم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و پرگوشت بوده و تذهیبات دماغه قلمدان ساده است.

رنگ زمینه و جمله صورت ها و رنگ بعضی ازاسب ها و شیر و توله سگ ها، زرد نخودی سیر می باشند.

نمایش دشت و دمن و پستی و بلندی صحرا و ارائه کوه و تپه ها، با رنگ های غیر مرسوم عمل آمده و اغلب رنگ های تند و قهوه ای بکار رفته است.

این قلمدان انحصاری که جزو مجموعه نگارنده است، دراندازه (طول ۳۳/۵ سانتی متر و عرض ۸ سانتی متر و بلندی ۶/۵ سانتی متر) بوده و به خط شکسته استادانه و طلایی، رقم دارد: «یا صاحب الزمان ۱۱۹۷»

۱۰۴۰ ـ «محمّد زمان پنجم» یا «صاحب الّزمان پنجم»

نقّاش دیگری به غیر از نقّاشان سابق الذکراست که سجع یا صاحب الزمان و نام محمد زمان رااختیار کرده و بین سالیان ۱۲۱۸ الی ۱۲۴۲ که آثار رقم داری بجا نهاده، در رشته مورد علاقه خود، فعالیت می کرده‌است.

نام اصلی این نقّاش محمدزمان بوده و به خاطر ایمان خالصانه‌ای که به حضرت مهدی قائم علیه السلام داشته سجع «یا صاحب زمان» را نیز به کار می برده و هردو امضا را دراثر خود ترقیم می نموده است.

ما نیز، روی این قرائن، و دوران سنواتی که فعالیت هنری داشته، او را «محمد زمان پنجم» و یا «صاحب الزّمان پنجم» تعیین نمودیم.

این هنرمند، گل و مرغی را به شیوه علی اشرف شیوا می ساخت و در انتخاب رنگ ها و به کاربرد صحیح آن، سبك استادانه‌ای داشت، علاوه برهنر گل و مرغ سازی، در صنعت تذهیب نیز کم قرینه بود و حل کاری را پر حلاوت و نازك قلم عمل می آورد.

در آثار متنوع و بجامانده این نقّاش که باید او را مذّهب نامی نیز قلمداد کرد، در بستر گل و مرغ ها و زمینه های خالی آن، طرح های موزون و بدیعی، از صنعت تذهیب و تشعیر و حل کاری، به زیباترین وجهی عرضه کرده و هنر تذهیب خود را نشان داده‌است.

این هنرمند تنها جلد سازی می کرده و آثار قلمدانی و قاب آینه سازی وی را تاکنون ندیده‌ام.

علاوه بر این هنر ها در صنعت خط نیز دست داشت و مرغش سازی را نیز خوب می دانست.

از آثار وی دیده‌ام:

۱ـ از تنها آبرنگ این هنرمند که در مجموعه نگارنده قرار دارد، سنبل کوهی استادانه‌ای است که با رنگ های آبی و بنفش کم رنگ و در شیوه محمد زمان اوّل عمل آورده و مهارت و دقت خود را در ارائه گل های طبیعی ارائه نموده‌است.

این اثر رنگ پریده که قدمت ایام رنگ ها رااز بین برده، به خط نستعلیق سبز رنگ رقم دارد: «یا صاحب الزمان ۱۲۱۸» تصویر شماره (۸۶) در صفحه (۱۰۰۰)

۲ـ جلد گل و مرغ چشم نواز و پر حالت قرآنی بود که کتابت آن به وسیله خطاط خوش نگاری به نام «ابن عبدالصمد محمد شریف» و تاریخ ۱۲۲۵ هـ. قـ. انجام یافته و سه سال بعد، محمدزمان جلد آنرا تصویر کرده و رقم گذاشته بود: «یا صاحب الزمان ۱۲۲۸»

۳ـ از آثار دیگر هنرمند، جلد روغنی و گل و مرغی طلایی زیبایی دیده‌ام که زمینه را با طلای ورقی پوشانده و روی آن را قرمز آتشی زده و با پودر صدفی و گرده‌ای، زمینه را پرکرده و بسان مرغش طبیعی و بلکه زیباتر از

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

آن، جلوه‌گر ساخته بود.

در رویه های طرفین، گل و مرغ های چشم نواز و پر ملاحت و مخصوصاً شاخه گل زیبای فندقی، علاوه کرده بود که معرف هنرمندی نقّاش در امر گل سازی به شمار می آمد، و رقم نقّاش به خط نستعلیق خوش و در دو سهم مجزا چنین بود: «یا صاحب الزمان» «سنه ۱۲۱۹»

۴ـ تذهیب کاری دیگر نقّاش، جلد روغنی قرآنی مضبوط در کتابخانه گلستان تهران است که به گل و بوته الوان تذهیب شده و حاشیه های زنجیره‌ای طلایی دارد، در داخل جلد نیز که چند ترنج و سر ترنج احداث گشته، برگ های مو و خوشه انگوری، به شیوایی تمام حل کاری و تذهیب شده و رقم دارد: «یا صاحب الزمان ۱۲۱۹»

۵ـ از جلد های ممتاز این هنرمند که پوشش قرآن فوق العاده نفیسی را در برداشت، جلد مزین و مذّهب استادانه و پرکاری بود که جمله هنر های پیرایشی را، از قبیل گل و بوته سازی و تذهیب و طلا اندازی جمعاً در محیط یك، جلد ارائه نموده و موزه کاملی رااز هنرهای تزئینی ایرانی ترتیب می داد، این جلد استادانه که درنوع خود از بهترین ها به شمار می آمد، در شیوه استاد علی اشرف نقش یافته و گل و مرغ ها به عیار آن هنرمند، شیوا و پرحلاوت بودند، سطح داخلی جلد نیز به همین عیار، گل و مرغی شده و تذهیب نازك قلم داشت، رقم نقّاش در قسمت بالا و رویه جلد به خط نستعلیق، جلب نظر می نمود که چنین بود: «یا صاحب الزمان سنه ۱۲۲۲» مجموعه آقای ادیب برومند.

۶ـ از جلد های رقم دار دیگر این نقّاش ـ جلد قرآنی در کمال شیوایی بود که در کتابخانه سلطنتی ایران جلب نظر می نمود، در رویه بیرونی جلد، گل و بوته های گوناگون، باالوان چشم نوازی ترسیم یافته، و کناره های آن نیز، به تذهیب ممتازی آرایش یافته بود، در داخل جلد، یك شاخه نرگس شهلا و دو شاخه گل مینایی، به تردستی تمام نقش شده و حواشی آن به طلا کاری تزیین یافته بود، این اثر زیبا که از آخرین یادگار های نقّاش به شمار می آمد، رقم داشت: «محمد زمان ۱۲۴۲»

---

* محمدزمان اصفهانی ـ شمشیر ساز ـ اصفهانی و نگارگر خوش قلم تزئینات گوناگون، دراواخر قرن ۱۲ هـ. ق. به روی فلزات سخت و از جمله شمشیر ها و قداره ها بود و در هنر خود مهارت تام داشت.

از آثار ارزنده و امضاءدار این هنرمند، شمشیر استادانه‌ای دیده‌ام که در حراج ۲۵ جون ۱۹۸۵ ساتبی به فروش رسید.

قبضه شمشیر که طلا کوب فولادی بود، نقوش گل و برگ ریزی، همه رویه قبضه را پوشانده و حلاوت و استادی کار را برملا می نمود، تیغه شمشیر، بیاق صفویه، سر کج بود و از فولاد مخصوص عمل آمده بود، رقم استاد و نام مالك شمشیر، به طلا کوبی به روی شمشیر، نقش بسته بود که چنین بود:

در داخل کتیبه کوچك نوشته شده بود: «عمل محمد زمان اصفهانی» و در زیر آن و در داخل ترنج کوچکتری، درج گشته بود: «سرکار میرفتحعلی خان تالپر»

و در کناره زیر قبضه شمشیر، نوشته شده بود: «سرکارمیان غلام شاه، عرف عباسی ـ مالکه میر بهرام بن میر شهداد الله «جلیهانه؟ جلیی خانه؟»

و بعد در کناره آن و در داخل مربعی، حروف (ن ـ د ـ و ـ ح) جلب نظر می کرد.

---

* محمد زمان تبریزی مجلد ـ به نوشته مناقب هنروران. فرزند اشهر و نامور میرزا بیك تبریزی است که در صنعت جلد سازی دستی پر مهارت داشته است.

بطوری که می دانیم، مجلدان نامی، تذهیب کاری و طراحی و ترسیم نقوش گوناگون را می دانستند و درآرایش و تزیین جلد ها، از هنرهای مذکور استفاده می بردند.

---

* محمد زهدی زکی ـ طغراکش و رسام و خطاط اوایل قرن ۱۴ هـ. ق. عثمانی بود و در حرفه خود قلم شیرین داشت.

از آثار رقم دار این هنرمند، که طغرا و خطوط تزئینات دیگر فرمان را، با قلم استادانه‌ای انجام داده بود، فرمانی بود که رقم داشت: «مرسمی و محرری، محمد زهدی زکی ۱۳۱۸»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰٤۱ ـ محمّد زمان مشهدی

نقّاش روی فلزات سخت و سازنده اسطرلاب ها و کرات جغرافیایی از اهالی مشهد بود که در هیئت افلاك نیز اطلاعات جامعی داشته و صنعت اسطرلاب را به خوبی می دانسته است.

با اینکه وسایل هندسی، در آن زمان ها ناقص بود و تصویر خطوط و اَشکال هندسی، به اِشکال به روی فلزات نقش می گردید، این استاد، در حرفه خود دست پرتوان داشت و نقوش مربوطه را به استادی عمل می آورد. از آثار رقم دار این هنرمند که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن قرار گرفته، کره جغرافیایی دقیقی است که علائم کواکب و رئوس سلسله، به استادی نقش بسته و رقم دارد: «محمد زمان درمشهد ۱۰۵۱» (۱)

● محمد زمان هندی درآقا محمد زمان آمده

● محمد سبزواری درشیخ محمد سبزواری آمده

۱۰٤۲ ـ محمّد سعید اشرف

خوشنویس و نقّاش و شاعر اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. بود و در هند زندگی می کرد.

در تذکره حزین راجع به این هنرمند، چنین درج گشته است:

«خلف فاضل محقق مولانا محمد صالح مازندرانی و صبیه زاده قدوة الفقها والمحدثین مولانا محمد تقی مجلسی اصفهانی است. اکتساب علم و کمالات نموده و در بدایت حال به شعر و شاعری رغبت نموده طبعی رسا داشت. . . دراواخر که عازم عود به ایران بود در راه بنگاله درسنه ۱۱۱۶ داعی حق را لبیك اجابت گفت.

در باره استعداد نقّاشی و خطاطی خود گوید:

اشرف تو کمیت نکته رانی رانی — اسرار رموز جاودانی دانی

هرچند که مانند نداری در خط — درشیوه تصویر بمانی مانی

★★★★★

گاهی چون خط سخن زمعنی گویم — گه چون قلم مو ره صورت پویم

گر زانکه شبیه خلق تصویر کنم — زین راه تشبهی به مبداء جویم

۱۰٤۳ ـ محمّد سعید لاهیجانی

لاهیجانی و معروف به سعیدای گیلانی است که در قرن ۱۱ هـ. قـ. در آن دیار زندگی می کرده است.

به نوشته تذکره نصر آبادی: «فرزند علی لاهیجانی و ازخاندان بازرگان و متمکن بود ولی وقتی حریقی، در

۱ـ درسفر نامه شخصی به نام جملی کاری که به سال ۱۶۹۴ از ایران دیدن کرده، مطالبی راجع به ساختن و پرداختن فلز ها دیده‌ام که چنین نوشته بود: «در مورد ساختن اسلحه فولادین و منقش و ظریف دراین صنعت یعنی منقش ساختن تیغه و قبضه سلاح های جنگی از جوهر گوگرد استفاده می کنند»

معلوم می شود، هنرمندان آن دوره، از جوهر گوگرد «اسید سولفوریك» استفاده می کرده و نقش و نگارهای فلزات را به کمك آن جوهر، عمل می آوردند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

لاهیجان افتاد، خان و مان وی بسوخت.

در فن نقّاشی و طراحی طلا و نقره دست دارد و طبعش درترتیب نظم خالی از لطف نیست.

در مآثرالامرا آمده که به هندوستان رفته و در عهد شاه جهان به خطاب بی بدل خان ممتاز شده و مدتی داروغه زرگر خانه شده و سریر مرصعی که موسوم به تخت طاوس است، به اهتمام او به اتمام رسیده.

صاحب تذکره شمع انجمن، حکاکی و مهارت خوشنویسی وی را ستوده و بی بدل خان نامیده‌است.»

۱۰۴۴ ـ محمّد سلطانی

نقّاش هم دوره محمدزمان اوّل بود و با سجع های «محمد» و «محمد سلطانی» آثار خود را ترقیم می نمود.

از دو اثر استادانه و درخور تحقیق این هنرمند که تصویر آنها، در یك کتاب روسی چاپ شده، می شود پنداشت که محمد سلطانی در شیوه محمد زمان و علیقلی جبادار و محمد رفیع، نقش تصویر می نموده و به سلیقه و عیار آنها واقف بوده‌است.

ازاحوال و زندگی خصوصی و هم چنین سال تولد و مرگ و دوران فعالیت وی، کوچکترین مدرك استنادی، به دست نداریم ولی تنها مدرك قابل قبولی که ازاین نقّاش سراغ داریم، همانا، نقش و تصویرآبرنگی و امضا هایی به خط بد و قلم موئی است، که در یکی از آنها، خود را محمد و در دیگری محمد سلطانی نامیده است.

با درج لقب سلطانی که به دنبال نام خود، علاوه نموده، این حدس پیش می آید که استاد محمد، نقّاشباشی دربار شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ ـ ۱۱۰۵ هـ. قـ.) صفوی بوده و لقب سلطانی را نیز ازاین پادشاه دریافت کرده است. و از طرفی ممکن است این نقّاش، از دوران ولیعهدی و ایام شباب شاه سلطان حسین، در خدمت شاهزاده به نقش تصویر اشتغال داشته و بعد از به سلطنت رسیدن ارباب خود، ازاین قرابت ها، سود برده و نقّاش حضوری گشته است.

این استاد که گویا هم زمان و یا از شاگردان محمد زمان اوّل نیز به شمار می آمده، سعی می کرده، جمله شیوه ها و عیار محمد زمان اوّل را به نحوی در آثار خود جای داده و لیاقت و قدرت قلم خود را بسان محمدزمان نشان دهد.

گو اینکه دراین رقابت ها موفق و منصور بیرون آمده ولی هیچوقت مهارت و حلاوت کار های محمد زمان اوّل را نتوانسته است چنانچه باید و شاید درآثار خود متجلی سازد.

این هنرمند در چهره‌پردازی و ارائه تزئینات البسه و سایراشیاء حاضر در مجلس، دقیق بود و به نازك قلمی عمل می آورد و در بکاربرد قوانین پرسپکتیو، تا حدی موفق بود و صحیح می کشید.

---

* محمد سبزواری= شیخ محمد سبزواری ـ احوال این هنرمند را در صفحه ۲۵۳ جلد اوّل به تفصیل یاد کرده‌ام و در اینجا نیز جهت یاد آوری احوال این هنرمند، در جزو اسامی «محمد»، دو اثر شناخته شده و امضادار وی را که از صفحات ۴۸ و ۴۹ Esin Atil برداشت نموده‌ایم جهت تکمیل آثار وی در زیرنویس ارائه می دهیم.

۱ـ تصویر شاهزاده جوانی است که طوطی زیبایی را به دست گرفته و در جایی نشسته است. رقم دارد: «راقمه شیخ محمد»

۲ـ دومین اثر چاپ شده نقّاش در این کتاب، تصویر ساربانی است که پای شترش را به چوبی بسته و خودش در کناری ایستاده و نخ ریسی می کند.

تصویر شتر و پوشش پارچه‌ای مذهب و منقش و همچنین حالت و قیافه ساربان در کمال استادی است و به خط نستعلیق در بالا و پایین تصویر رقم دارد: «مصوّره و محرره شیخ محمد فی شهور سنه ۹۶۲»

در گوشه سمت راستی بالای تصویر، مهر شاه عباس کبیر با سجع «بنده شاه ولایت عباس» دیده می شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در ترسیم سایه ها و تذهیب و طلا کاری تیز قلم بود و بسیار پاکیزه می کشید.
در شبیه سازی قدرت قلم داشت و تا حد امکان صحیح و شبیه عمل می آورد.
متأسفانه بیشتر از دو اثر رقم داری که در موزه ارمیتاژ لنین گراد مضبوط است، نقش دیگری ازاین استاد معرفی نگشته و یا اینکه تاکنون کشف نشده است.
این دواثر استادانه عبارتند از:
۱ـ یکی از آثار ارزنده و رقم دار این هنرمند، تصویر پر جلال و با صلابت شاه سلطان حسین صفوی است که کلاه عمامه ای قزلباشی بهسر نهاده و البسه فاخر پوشیده و دو زانو نشسته و پشت به مخده منقش نهاده و چوب تعلیمی کوچکی به دست گرفته است.
قالیچه زیبایی که به نقوش اصیل ایرانی بافته شده در زیرپای شاه گسترده گشته و یك سلفدان چینی هم به روی قالیچه دیده می شود.
منظره دهکده ساحلی و خانه های محقر آن و کوه ها و تپه های دور دست و چند درخت بزرگ کناره ها، و فضای گسترده سطح دریا که چند قایق مسافر بری، به روی آنها دیده می شوند، مؤید قدرت قلم و زیب افزایی هنر نقّاش است که دراین آبرنگ به ثبوت رسانده است.
این اثر یادگاری که گویا به سفارش شاه سلطان حسین انجام یافته، رقم دارد: «رقم محمد سلطانی» تصویر شماره (۸۷) در صفحه (۱۰۰۱)
۲ـ اثر دیگر محمد سلطانی که دراین کتاب ارائه گشته، تصویر شاه عباس کبیر است که بعید نیست آن هم به سفارش شاه سلطان حسین انجام یافته و نقّاش با تصاویر و نقوشی که در دسترس داشته قیافه شاه پرقدرت صفوی را به مدد حدس و قیاس شبیه سازی کرده و به خوبی از عهده بر آمده است.
دراین آبرنگ، شاه عباس را با سبیل های بلند و صورت زیرکانه ای ترسیم کرده که از هرجهت با تعاریف و اشاراتی که توماس هربرت انگلیسی در سفر نامه خود از شاه عباس کبیر داده، مطابقت دارد.
این جهانگرد انگلیسی که در اواسط قرن ۱۷ میلادی از اصفهان و شاه عباس دیدار کرده، شاه عباس را با چشمان کوچك و آتشین و پیشانی کوتاه و بینی بلند و منقاری و سبیل بی اندازه بلند و کلفتی که به طرف پایین آرایش گشته، تعریف نموده و در سفر نامه خود که بسال ۱۶۳۴ میلادی در لندن انتشار داده، تصویر شاه عباس را با همان برداشت حقیقی، در سفرنامه خود ارائه دادهاست.
اصل تصویر که با مشخصات این آبرنگ مطابقت می کند، به حدس نزدیك به یقین، تصویر شاه عباس کبیر است که با کلاه قزلباشی و البسه و سبیل کاملاً بلند، روی سجادهای، دو زانو نشسته و یك دست به قبضه خنجر برده و دست چپ را نیز در جیب خود فرو بردهاست.
منظره داخل خانه، با سجاده ای گلدار مفروش گشته و یك بشقاب میوه در پیش، و یك سلفدان درکنار دیده می شود.
نقش معجر ها و ستون قصر، استادانه و چشم انداز باغ قصر، که با گل ها و درختان بزرگ و کوچك آرایش یافته، دیدنی است.
منظره ساختمان ها و قصور سلطنتی که با قوانین پرسپکتیو ترسیم گشته، درانتهای تصویر جلب نظر می نماید و در بالای تنها ستون داخلی خانه، به خط «نوك قلم مویی» رقم دارد: «به جهت نواب اشرف به اتمام رسید. کمترین بندگان محمد سنه ۱۱۰۹»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۴۵ - محمّد سلیم بخاری

به غیراز محمد سلیم تبریزی بوده و نقّاشی از کارگاه بخارا در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. به شمار می آمده و درآن کارگاه به خلق آثار مورد علاقه‌اش اشتغال داشته است.

۱۰۴۶ ـ محمّد سلیم تبریزی

اهل تبریز و از میناتور سازان شیرین قلم قرن ۱۱ هـ. قـ. آن دیاراست.

از آثار پر مهارت وی، مجلس تصویرسازی و منظره پردازی زیبایی، در یك نسخه دیوان حافظ است که به سال ۱۰۴۹ هـ. قـ. کتابت شده و رقم این هنرمند را در بردارد.

دیگراز آثار این نقّاش، ارائه تنه پراستقامت درختی است که شاخه ها و شکوفه های سرسبز و زیبایی داشته و پرنده‌ای، در بالای درخت به آواز خوانی اشتغال دارد.

این اثر زیبا که در کتابخانه کاخ گلستان تهران به یادگار است. رقم دارد: «رقم ذره بیمقدار و کمینه خاکسار ـ محمد سلیم تبریزی سنه ۱۰۷۱»

۱۰۴۷ ـ محمّد سنان

از نقّاشان پر تجربه و استادکار، گروه هنرمندان درباری، در اواخر قرن ۱۰ هـ. قـ. عثمانی بود و در مقام خود رتبه والایی داشت.

نام این هنرمند، در ذیل یکی از اسناد قدیمی کشور عثمانی که به سال ۹۷۴ درج شده، دیده می شود که سرپرست و رئیس نقّاشان عثمانی بوده است.

دراین سند اشاره شده که در همین سنوات، از جماعت اهل حرفه که در نقّاشخانه درباری انجام وظیفه می نمودند، سی و یك نفرآنها، جزو جماعت رومیان بوده اند که رئیس آنها همین محمد سنان بوده است واز هنرمندان دیگر نواحی و از جمله نقّاشان عجمی که از ایران رفته و در دربار سلطنتی نقش می نمودند، پنج نفر هنرمندان تبریزی بوده اند که با هنرمندان رومی همکاری می کردند که اسامی آنان در جای خود آمده است.

۱۰۴۸ ـ «محمّد سیاه قلم» = «حاجی محمّد هروی»

هنرمند پرابتکار و نقّاش عجیب نگار اواخر قرن ۹ هـ. قـ. ایرانی بود که بیش از سالیان متمادی توجه هنرشناسان را به خود معطوف داشته و کتاب ها و مقالات گوناگونی نیز در شیوه کار و مکتب هنری وی نشر و بخش گشته است.

در اسناد قدیمی ایرانی و عثمانی که ندرتاً از مشاهیر نگارگران یادشده، نامی از استاد محمد سیاه قلم و احوال وی رویت نگشته و زندگی و سایر مشخصات نقّاش، در بوته ابهام باقی مانده است.

در اغلب تصاویر بجا مانده هنرمند که عمدتاً در موزه توپ قاپوسرای عثمانی قرار دارند، ارقامی دیده می

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

شوند که امضای اصلی نقّاش نبوده و جمله نوشته‌ها، بمیار بعضی ارقام الحاقی توسط فرد مسئول و یا صاحب ذوقی هنرشناس ثبت گردیده، که از لحاظ شیوه کتابت و لحن کلمات سست و بی مایه به نظر می رسند.

در این ارقام، امضاهائی از قبیل «کار استاد محمد سیاه قلم» و یا «کار استاد سیاه قلم و استاد شیخی درهم» و غیره با خطوط و شیوه‌های گوناگونی از قبیل نستعلیق و تعلیق دیده می شوند که عیار کتابت امضاها، با یکدیگر مغایر بوده و مخصوصاً با خلوص نیتی که هنرمندان قدیمی داشته و حتی از درج نام اصلی خود نیز ابا می نمودند، معلوم نیست علت چه بوده که این هنرمند، در همه جا خود را استاد معرفی نموده و از ذکر نام ساده خود احتراز نموده است.

شیوه اجرائی تصاویر، مخلوطی، از مکتب هراتی و چینی بوده که موضوعات آن، از تخیل افسانه‌ای، جان گرفته و به ترتیب نوظهوری، بروی کاغذ ظاهر گشته است.

با دقت و تعمّق بیشتری که به قیافه و حالات چهره‌ها و شیوه نگارگری و به کار برد رنگ ها و انتخاب موضوع و سایر نکات ابتکاری تصاویر، معطوف می داریم، درمی یابیم که این نقّاش نوگرا، در قدرت قلم و خلق تصوّرات، کم قرین بوده و خواسته و ناخواسته، به ارائه مکتبی نایل گشته، که علاوه براینکه، در آن زمان ها، جزو صُوَر عجیبه و نقوش غریبه بشمار می آمدند، حالیه نیز بعداز گذشت ۵۰۰ سال، مایه اعجاب محققین واقع شده و مورد توجه آنان قرار گرفته است.

به عقیده نگارنده خلّاق و مجری این تصاویر، هنرمندی از هرات و یا حوالی آن سامان بوده که توانسته است چهره و قیافه هم شهریان خود را در شیوه بخصوصی که تا آن موقع برای آحاد و اهالی دور و بر نقّاش ناآشنا بوده تصویر کرده و از قصه‌های تخیّلی و افسانه‌ای نیز برداشت هنری نموده و به اشکال متنوع و شیوه ابتکاری خود، به نقش درآورده است.

احوال حقیقی و سن و مدت عمر و همچنین تاریخ اجرای آثار نقّاش، بدرستی معلوم نیست و هنرشناسان جهانی نیز، هرکدام حدسیات گوناگون و غیرمستندی را درباره نقّاش روا داشته‌اند که قبول و یا رد آن، محتاج پژوهش های دقیقی است که نمی توان بدون داشتن مدارك خبره پسندی، به کشف حقایق اصلی توفیق یافت.

در بین هنرمندان موردنظر که می شود حدس زد، استاد محمد سیاه قلم، یکی از همان نقّاشان بوده باشد، سه نفر نقّاش موردنظر نگارنده است که ما می توانیم با در دست داشتن مدارك مستندی که تا حدی با احوال استاد سیاه قلم ارتباط داشته باشند، انتخاب نمائیم که به ترتیب عبارتنداز:

۱ـ غیاث الدین نقّاش ۲ـ محمد بخشی و یا مالك بخشی ۳ـ حاجی محمد هروی

اولین هنرمندی که شاید استاد محمد سیاه قلم بوده باشد، غیاث الدین نقّاش است که به سال ۸۲۲ از طرف میرزا بایسنغر، عازم دیار چین گشته و در روز دهم رمضان سال ۸۲۵، به شهر هرات مراجعت کرده است.

غیاث الدین در این سفر پرمخاطره و طولانی، علاوه بر وظایفی که به عهده داشته، دیده‌ها و مشاهدات خود را در جزوه کوچکی، بنام عجایب اللّطایف گرد آوری نموده و تقدیم بایسنغر میرزا نموده که متن سفر نامه را در احوال غیاث الدین نقّاش و در جلد اول این کتاب، به تفصیل یاد کرده‌ایم.

بطوریکه در سطور سفرنامه دیده می شود، سلطان احمد و خواجه غیاث الدین، در معیت صد و پنجاه نفر ابوابجمعی خود، از طرف دربار بایسنغر میرزا باین سفر مبادرت کرده‌اند و دیگر سفرا و نمایندگان نواحی دیگر، از قبیل ایلچی میرزا شاهرخ در معیت ۲۲۰ نفر و ایلچی میرزا سیور غتمش در معیت ۶۰ نفر و ایلچی بدخشان در معیت ۵۰ نفر و همچنین نمایندگان و ابوابجمعی ایالات دیگر از قبیل، سفرای میرزا رستم از اصفهان، و میرزا ابراهیم سلطان از شیراز وایلچی شاه ملك و ایلچی اویس خان و ایلچی میرزا الغ بیك و سایر همراهان

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دیگر که در سفرنامه به آنها اشارتی رفته، در این سفر دسته جمعی، ملازم و هم رکاب بوده و در جمع یکدیگر بوظایف محوله سرگرم بوده‌اند.

خواجه غیاث الدین نقّاش که از طرف بایسنغر میرزا و در جمع ۱۵۰ نفر دیگر، به این سفر پرهزینه اعزام شده بود، بالطبع دارای وظایفی بوده که عمده‌تاً، با حرفه مورد علاقه وی قرین بوده و بعید هم نیست که جمله نقّاشی ها بدست این هنرمند تصویر شده و در جوار سفر نامه نقّاش، به بایسنغر میرزا هدیه گشته است.

عمده اشکال ما در این نظریه، ارائه نام صحیح خواجه غیاث الدین است که معلوم نیست نام غیاث الدین لقب و یا کنیه نقّاش بوده و یا اینکه نام واقعی هنرمند بوده است زیرا در همه صفحات سفرنامه که از راوی حکایت نام برده، خود را خواجه غیاث الدین معرفی کرده و از ذکر نام حقیقی اش خودداری نموده است.

از طرفی در احوال غیاث الدین نقّاش که در جلد اوّل این کتاب بیان شده، نگارنده از نوشته دوست محمد هروی، در مرقع بهرام میرزا، سود جسته و نام وی را پیراحمد زرکوب یادکرده‌ام، زیرا موقعی که بایسنغر میرزا دستور داده بود که جمله هنرمندان به تبریز رفته و بر اسلوب مرغوب جنگ سلطان احمد بغداد، به همان دستور عمل نمایند، غیاث الدین نقّاش نیز، در آن جمع شرکت داشته و عهده‌دار وظایفی بوده است، تا اینکه فرمان مجددی از طرف بایسنغر میرزا صادر شده و بروایت دوست محمد هروی مجدداً به هرات مراجعت کرده است.

«همین اوان از عقب خواجه غیاث الدین پیراحمد زرکوب کسی به مملکت تبریز فرستاد و چون خواجه حسب الحکم کتابخانه را به یمن قدم و اوراق نقّاشی را در هرات به لطف قلم معزز و مکرم گردانیدند و موضع چند از مواضع جنگ قلم گیری کرد و بالوان فتنه انگیز رنگ آمیز نمود و به خون جگر و آب دیده پاکیزه ابر شستمان فرموده و با تمام رسانید امیر خلیل بدیده انصاف بر اطراف آن بساطین جنت انصاف به گذشت منصف و به صفت انصاف متصف گشت و همت به ترك تصویر گماشت و خود را از اندیشه آن معاف داشت.»

دیگر از اسناد ارزنده‌ایکه از این هنرمند یادکرده، عرضه داشت جعفر بایسنغری به حضور بایسنغر میرزا است که تفصیل آن در صفحه ۸۹ جلد اوّل درج شده و از کارهای وی چنین گزارش شده است:

«خواجه غیاث الدین از رسایل دو موضوع به چهره رسانیده و یك موضوع دیگر نزدیك است و حالی بیك موضع عمارت که از گلستان باطل کرده‌اند مشغول است.»

در این دو سند متفاوت که از خبرت و قدرت نقّاش تعریف ها کرده و او را بسیار ستوده‌اند، وی را بنام خواجه غیاث الدین خوانده، و تنها دوست محمد هروی نام وی را پیراحمد زرکوب یاد نموده است. (۱)

بدین ترتیب می شود حدس زد که همین غیاث الدین نقّاش که سفرنامه عجایب اللطایف را درج نموده، تصاویری نیز، در جمع آن انجام داده و همراه یکدیگر، به خدمت بایسنغر میرزا تقدیم داشته است. و شاید نام

۱- دیگر از اسنادی که در زمان حیات این هنرمند، از شخصی بنام غیاث الدین محمد نام برده و او را یگانه زمان و هنرمند جهان معرفی نموده، نوشته خطاطی بنام مظفر بن عبداله، در ذیل نسخه کلیات سعدی است که حالیه در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور مضبوط می باشد.

در انتهای نسخه چنین ترقیم شده است: «تمام شد دیوان املح الشعرا افضل السالکین ناصح الملوك و السلاطین افصح المتکلمین، زبدة العارفین، شیخ مصلح الدین مشرف، المعروف بسعدی رحمه الله علیه ... در عهد خلافت بندگی حضرت سلطان ... خلیل الرحمان، مغیث السلطنه و الدین، ابوالفتح ابراهیم سلطان خلداله ملکه و سلطانه ... بارشاد جناب مخدومم و استادم، یگانه زمان و هنرمند جهان، خواجه غیاث الدین محمد فرج الله مدظله، علی یدالعبد مظفر بن عبداله اصلح الله شانهما ... در شهور سنه ۸۲۹ ...»

و در پشت صفحه اوّل نوشته شده: «برسم خزانة السلطان الاعظم الاعدل الاشجع مغیث الدنیا و الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان خلداالله ملکه» و اگر این هنرمند معرفی شده، همان غیاث الدین، نقّاش موردنظر ما باشد، معلوم می گردد که نام اصلی وی محمد بوده و در زمان خود، به استاد محمد سیاه قلم نیز شهره بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سفرنامه را که «عجایب اللطایف» نامگذاری کرده، تنها مربوط به متن سفرنامه نبوده و تصاویر عجیب و غریب دیگری نیز، در متن جزوه‌ها دارا بوده است.

مثلاً در صفحه ۴۲۳ جلد ۱ این کتاب قید کرده که تصاویر دیوهائی را دیده که، قصر سلطنتی را در دست های خود نگه داشته‌اند. و یا در صفحه ۴۲۱ مرقوم داشته که رقاص ها، ماسك هائی به شکل دیو به صورت زده بودند که دماغ های سرخ رنگی داشتند و یا در صفحه ۴۱۹ راجع به تصویر نزاع دیوها اشاره کرده و چه بسا، همین نقوش متنوع دیوها، که در اغلب موضوعات وی دیده می شوند، در حین گشت و گذار، طراحی نموده و پس از تکمیل و رنگ آمیزی، به عنوان تحفه سفر و گزارش کار پرمسئولیت خود، به بایسنغر میرزا هدیه نموده است. همچنین در سطور بعدی سفرنامه بنکات دیگری برمی خوریم که شبیه همان گزارشات سفرنامه، در مجالس متنوعی تصویر شده و جزو کارهای سیاه قلم جمع گشته است. مثلاً در صفحه ۴۲۸ نوشته شده است:

«در این ضیافت شاهانه که از اهالی چین و ماچین و تبت و قامل و قراخواجه و جورجه و دریا بار و سایر اهالی ولایات دیگر که در حدود صد هزار نفر بودند»

بعید نیست جمله صورت ها و حالات و سکنات متنوع افرادی که ترسیم نموده، از این جماعت مختلف که البسه گوناگون و قیافه و حالات عجیبی داشته‌اند، اقتباس کرده و بطرز نوظهوری ترسیم نموده است، مثلاً چهره ها و تزیینات و قیافه‌های انسان های حوالی نپال و تبت که حالیه دیده می شوند، قیافه‌ها بسان صورت هائی است که سیاه قلم کشیده و اغلب اینها پا برهنه و البسه مندرسی دارند و حتی رنگ صورت ها نیز، بسان تصاویر سیاه قلم برنگ مسی است و البسه آنها نیز اغلب قرمز حنائی، مثل رنگ گیلاسی کدر و یا رنگ بنفش رنگ پریده است.

بدین ترتیب، نقّاشی بسان غیاث الدین که کوچکترین نکته‌ای را از نظرش دور نمی داشته و در دیدار مجالس گوناگون که به ضیافت شاهانه دعوت می شده، علاقمند بوده، نکاتی که به نظر خود جالب و شایسته بوده‌اند، به نقش درآورده و جهت گزارش کار آماده نماید. دیگر از افراد موردنظر که به عقیده بعضی از هنرشناسان، همان استاد سیاه قلم است، شخصی بنام محمد بدخشی است که احوال وی را با استاد حاجی محمد هروی مخلوط کرده و او را بنام های محمد بدخشی و یا بخشی ملکی و یا بخشی ملك و حاجی محمد بخشی و محمد مالك بخشی و حاجی محمد بخشی او یغوری معرفی نموده‌اند.

درصورتیکه محمد بخشی، یکی از سفرای پراعتبار میرزا الغ بیك بوده که به همراه سلطان شاه و همراهان متعدد دیگر، در یك سفر دسته جمعی که غیاث الدین نقّاش در عجایب اللطایف ثبت نموده، باین سفر عزیمت نموده و در سطور سفرنامه نیز از مشارالیه یادکرده و چنین نوشته است:

«دو ماه قبل از رسیدن ما (غیاث الدین) میرزا الغ بیك سفرای خود را بنام های سلطان شاه و محمد بدخشی به دیار ختای روانه کرده و در آن مملکت به انتظار رسیدن دیگران توقف کرده بودند.» و یا در صفحات دیگری مجدداً نام وی را درج نموده و اینطور معرفی نموده است: *«و سلطان شاه و محمد بدخشی قبل از ما باین شهر وارد شده و خارج گشته بودند»*

و یا در جای دیگری محمد بخشی را بخشی ملکی نوشته و چنین ارائه داده است:

«سفرا را برای آوردن به منزل خانه آماده نمودند که سلطان شاه و بخشی ملکی سفرای میرزا الغ بیك نیز در آن منزل خانه و مأوی داشتند» و در صفحاتی بعد، راجع به بخشی ملکی چنین نوشته: *«در هشتم ماه ربیع الاول سلطان شاه و بخشی ملکی را دعوت کرده یك اسب و سی قواره اقمشه شاهانه و بعضی تحف و اشیاء زرین و برای خاتون ها و عیال های آنان ده قواره قماش تحویل گردید.»* و در صفحات دیگر می نویسد: *«در چهارم ربیع*

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

الاول مهماندار آمده عطایای بخشیده شده از طرف سلطان شاه و بخشی ملك و جمع سفرا را به سرای پادشاهی آورده»

بدین ترتیب فاصله سنی و سنواتی حاجی محمد هروی و محمد بخشی به هم خورده و ثابت می نماید که این دو نفر دو شخصیت جداگانه‌ای بوده‌اند که حاجی محمد هروی در سال ۹۱۳ وفات یافته و محمد بخشی در تاریخ ۸۲۲ هـ. قـ. جزو سفرای الغ بیك به چین رفته و به همراه غیاث الدین نقّاش سیر و سیاحت نموده و کوچکترین مدرکی نیز، مبنی بر نقّاش بودن وی ارائه نشده است. و اگر سن محمد بخشی و یا بخشی ملکی و یا برفرض محال حاجی محمد هروی را در این سنوات، سی سال و یا بیشتر فرض کنیم و به گفته خواند میر نیز اعتماد داشته باشیم، یقیناً سن تخمینی نقّاش، به هنگام مرگش که بسال ۹۱۳ اتفاق افتاده، باید پیرمردی حدود ۱۲۰ ساله و یا بیشتر بوده باشد که بالطبع در این سنین بالا و کهولت و ناتوانی، نمی توانسته عهده‌دار کارهای پرزحمتی که خواند میر اشاره کرده، در خدمت امیر علیشیر و یا در خدمت بدیع الزمان میرزا، به شغل کتابداری اشتغال داشته باشد.

در اینجاست که اختلاف شناسائی این دو نفر با یکدیگر محرز گشته و معلوم می گردد که محمد بخشی و یا بخشی ملك و یا بخشی ملکی که به عنوان سفیر میرزا الغ بیك بسال ۸۲۲ هـ. قـ. به سفر چین عزیمت نموده و نام وی نیز در عجایب اللطایف غیاث الدین درج شده با سلطان محمد هروی نقّاش، که بسال ۹۱۳ وفات نموده یك نفر نمی توانند باشند، زیرا در احوال مفصل وی که خواند میر در هنگام تألیف کتاب حبیب السیر که بسال ۹۲۹ انجام پذیرفته، گواینکه تقریباً، عمده احوالات وی را درج نموده، صحبتی از سفر او را به میان نیاورده و او را بدخشی و یا بخشی ملك نیز نه نامیده است.

سومین هنرمند پرشهره‌ای که بعید نیست همان استاد محمد سیاه قلم باشد، به‌عقیده حقیر استاد حاجی محمد هروی است که به همین نام در اسناد قدیمی یادشده و با داشتن مستندات قابل پذیرشی که در زمان خود نقّاش، برشته تحریر درآمده، این حدس را تائید می نماید که حاجی محمد هروی، همان استاد محمد سیاه قلم می باشد که در حیات خود به این نام شهره بوده است.

از اسناد معتبری که تاحدی شیوه و مراحل ابتکاری نقّاش را ظاهر می سازد، نوشته امیر علیشیر نوائی در کتاب مجالس النفایس است که چنین معرفی می نماید:

«نقّاش متعین شهر هرات بوده است و خوش طبع است وخیالات غریب می کند و کم فنی باشدکه او را درآن اندیشه به خاطر نرسد خواه راست و خواه‌غلط»

از درج خیالات غریبی که امیر علیشیر نوائی به نقّاش نسبت داده، علاوه بر تصاویر عجیبی که نقّاش، به ابتکار خود خلق نموده، شاید متضمن این نکته است که این نقّاش، به علوم غریبه و سحرو ساحری آشنا بوده و موضوعات انتخابی خود را، از داستان دیوها و قصص افسانه‌ای آنها برگزیده و نقوشی تصویر کرده که دیوها و خانه بدوشان، نقش اول آنرا به عهده داشته‌اند. صاحب کتاب حبیب السیر که گویا این هنرمند را بیشتر می شناخته و خیالات عجیبه و صور غریبه نقّاش را مشاهده کرده بوده، او را بیشتر از امیرعلیشیرنوائی معرفی نموده و در احوال وی چنین آورده‌است:

«مولاناحاجی محمد، نقّاش ذوفنون زمان خود بود وپیوسته به قلم اندیشه امور غریبه وصور عجیبه برصحایف روزگار تحریر می نمود. درفن تصویر و تذهیب مهارت تام داشت، چندگاه همت برپختن چینی فغفوری می گماشت، بعداز تجربه بسیار و ارتکاب مشقت بیشمار، جسم ظروف واوانی که می ساخت با چینی به‌غایت شبیه گشت، اما رنگ وصفایش چنانچه می باید نبود و از جمله مخترعات مولاناحاجی محمد، صندوق ساعتی است

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که درکتابخانه امیرعلیشیر ترتیب نمود ودرآن صندوق، صورتی تعبیه کرده بود که چوبی در دست داشت و چون یك ساعت از روز می گذشت آن پیکر، چوب را یك نوبت برنقاره که در پیش بود می زد و بعداز گذشتن ساعت دوم، دو نوبت آن حرکت می کرد و علی هذ القیاس، و خدمت مولوی مدتی کتابدار امیر علیشیر بود، آخر الامر از آن جناب رنجیده و در شهور ۹۰۴ که بدیع الزمان به محاصره بلده هرات اشتغال داشت، بهگریخت و بهشاهزاده پیوست و بههمان منصب منصوب گشت ودراوایل زمستان واستیلاء ابوالفتح خان شیبانی(۹۱۳) درگذشت.» (۲)

اگر احوالات مستند نقّاش را که دو نفر از اعاظم و بزرگوار آن دوره، به رشته تحریر درآورده و تاحدی او را شناسانده‌اند، قبول داشته باشم، بعید نیست که این نقّاش، همان استاد محمد سیاه قلم باشد که بعدها به مکه رفته و به حاجی محمد هروی شهره گشته و منتها از درج نام خود، در ذیل تصاویر امتناع ورزیده است.

از طرفی چون خواندمیر اشاره‌ای نموده که در چینی فغفوری و پخت آن نیز دست داشته، چه بسا که این هنرمند، سفری نیز به چین نموده، تا از پخت صحیح و اسرار لعاب و رنگ های مخصوص چینی، اطلاعاتی بدست بیاورد و در ذیل گشت ها و دیدارها، علاوه براینکه، از منابع صنعتی و هنری آن سامان بهره‌ها برده و توشه‌ای اندوخته، چون نقّاش جستجوگر و کنجکاوی بوده و به گفته خواندمیر، خیالات عجیبه و غریبه به مغزش می رسیده، جلال و جبروت پادشاهان و ناز و حشمت توانگران را در پروازهای پرتجمل و کجاوه‌های زرین که دیوها حمل می نموده‌اند، ارائه داده و در ذیل این زندگی افسانه‌ای هم، حالات و قیافه‌های اندوهبار تنگدستان را به مثابه دیوهای نگون بخت و هیکل دراویش و خانه بدوشان، تصویر نموده و زندگی فلاکت بار آنانرا، بطرز جامعی به عهده نقش کشیده است.

و چون این مسافرت احتمالی، دلایل استنادی ندارد، ما سفر ختای وی را نادیده گرفته و فرض می کنیم، به قدرت حدس و قیاس و احیانا دیدن مسافران چینی که به هرات آمد و رفت داشته‌اند برداشت هنری کرده و حالات و قیافه‌های تصاویر خود را در قالب آنها متجسم نموده است.

از طرفی شاید تنها دلیلی که یادگارهای متعالی نقّاش را چه خواند میر و چه امیر علیشیر نوائی خیالات غریبه و صور عجیبه فرض کرده‌اند، این بوده که تصاویر عجیب و نقوش ناشناخته نقّاش را که تا آن موقع غیرباور بوده، به دیدار علاقمندان می رسانده است. و رویت کنندگان پروسواس و تیز بین نیز، با نقوش و مینیاتورهای باب روز و استادانه سایر هنرمندان آن دوره، که زینت بخش مرقعات و نسخ پرامتیاز بوده، مقایسه نموده و آثار نوظهور استاد محمد هروی را بی اعتبار دانسته و بسان شیوع مکتب کوبیسم در اروپا که هنرمندان مبتکر آن دوره را بجنون و هذیان فکری متهم می نمودند، با مخالفت های جدی روبرو می گشت.

و امیر با تدبیر نیز که در مسیر همان مکاتب قدیمی و شیوه پرجلال مینیاتور سازی قرار گرفته بود، ابتکار و تخیل نوگرائی نقّاش را خیالات عجیبه فرض کرده و به مرور، دست از حمایت نقّاش کوتاه می نمود، و نتیجه

۲ـ عده‌ای از علاقمندان حدس میزنند که حاجی محمد درویش که در دربار سلطان حسین بایقرا به امر تصویر سازی می پرداخته، همین استاد محمد سیاه قلم باشد، درصورتیکه شرح حال هر دو استاد را امیر علیشیر نوائی در مجالس النفایس آورده و او را به گونه دیگری تعریف کرده و آثارش نیز کوچکترین شباهتی با تصاویر استاد محمد سیاه قلم ندارد.

امیرعلیشیر نوائی گواینکه راجع به حاجی محمد هروی مطالبی نوشته و او را خوش طبع خوانده که خیالات عجیب می نموده، راجع به حاجی محمد دورویش چنین اظهار عقیده نموده است:

«از آدمی زادگان خراسان است و ترکیب نیز دارد کوکلتاش (هم شیر) محمد مؤمن میرزا بوده اوّل رنگ و روغن کاری می کرد، چون به ملازمت استاد بهزاد رسید عشق تصویر و نقّاشی پیدا کرد و استاد نیز به تربیت او مشغول شد و در اندك فرصتی کامل شد طبع نیك دارد.»

البته هنرمند دیگری نیز در این زمان ها زندگی می کرده که بنام محمد حافظ اصفهانی نامیده می‌شده و کتابی نیز بنام نتیجه الدوله دارد که در آن رساله‌هائی، در باب ساعت های بزرگ و آسیاب و دستگاه روغن کشی دیده می شوند.

این هنرمند نیز به غیر از حاجی محمد هروی بوده و از اهالی اصفهان بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این خواری ها و تنگ نظری ها باعث گردیده که نقّاش ذوفنون، از امیر و مقام کتابداری دل بریده و گواینکه به حرفه و شغل خود، نهایت دلگرمی را داشته، به بدیع الزمان میرزا پیوسته و شغل کتابداری را در آن دستگاه دوباره به چنگ آورده است.

و بعید هم نیست که یکی از علل رنجیدگی امیر علیشیر، شاید تصویر نقوشی باشد که در ذمّ امیر و شبیه وی ساخته و او را در شمایل قلندران و درویشان تصویر کرده، زیرا در تصاویر امیر علیشیر نوائی که بدست نقّاشان هم زمان و از جمله محمود مذهّب انجام یافته، قیافه و صورت امیر علیشیر تاحدی، بسان صورت همان دراویشی است که استاد محمد سیاه قلم در بین آثار خود نشان داده است.

از توصیفات دیگری که در مدارك استنادی دورانش قید شده، یکی نوشته حبیب السّیر است که او را نقّاش ذوفنونی یادنموده که صنعت تذهیب را نیز نیکو می دانسته و قبل از اینکه، تصاویر ابتکاری خود را بنیان سازد، بسان تصویرگران نامی هرات، در آن شیوه‌ها قدرت قلم برازنده‌ای داشته و چون به سبك خلاقه و ابتکار مخصوص خودش روآورده، از مکتب باب روز شهر هرات نیز دست بر نداشته و در همان عیارها تصویر می نموده است. کمااینکه در بین تصاویر ابداعی اش، قدرت ابتکار و چشم نوازی مناظر و کنجکاوی و حالات چهره‌ها و تزیین البسه و سایر لوازم آرایش و پیرایش نقش ها، در شیوه هراتی بوده و ستودنی می باشند.

و از طرفی به نوشته خواندمیر چون به اصول فنی وارد بوده و در ساختن ساعت مخصوص و تهیه ظروف چینی، دست با مهارتی داشته، ترسیمات دقیق و فنی، جمله ابزار و اشیائی که، به نحوی در ذیل نقوش وی جلوه‌گر گشته‌اند، بسان یك مهندس آرشتیکت، دقیق و پرمحتوی ساخته و کوچکترین ریزه کاری ها را، از نظر دور نداشته است.

بدین ترتیب و با ارائه مختصر احوال سه هنرمند یادشده، از قبیل:

«۱ـ غیاث الدین ۲ـ محمد بخشی ۳ـ حاجی محمد هروی» مطلب را به پایان رسانده و نظریه خود را درباره هنرمندیکه، بزعم نگارنده، همان استادمحمد سیاه قلم می باشد، دنبال می نمائیم.

نگارنده برای دستیابی به احوال حقیقی نقّاش (۳) که در جمله آثارش خود را استاد محمد سیاه قلم نامیده دائماً در تك و پو بودم که بتوانم کور سوی مختصری را از احوال نقّاش بدست آورده، به احوال کامل زندگی وی دسترسی پیدا نمایم، ولی با در نظر گرفتن احوال سه هنرمند مذکور که در صفحات گذشته معرفی گشتند عقیده پیدا نمودم که حاجی محمد هروی که مدتی کتابدار امیر علیشیر نوائی بوده، همان استاد محمد سیاه قلم معروف است که جمله مدارك استنادی که از امیر علیشیر نوائی و خوند میر، درباره نقّاش مذکور بجا مانده، می بایستی در احوال استاد محمد سیاه قلم ثبت نموده و حتم داشته باشیم که نام اصلی نقاش حاجی محمد هروی بوده و در زمان حیات به «استادمحمدسیاه‌قلم» شهره بوده است.

در متن نوشته امیر علیشیر که در مجالس النفایس یادنموده و عقیده داده که حاجی محمد هروی نقّاش شهر هرات بوده است، خود دلیل بسیار پرامتیازی است که شخصیتی مثل امیر علیشیر نوائی مقام والای نقّاش را درك نموده و او را نقّاش متمین شهر هرات به حساب آورده است. والحق نیز این عبارات، درباره سیاه قلم نظر شایسته‌ای بوده و بطوریکه به آثار قبل از تحول نقّاش از قبیل سفر شبانه و یا صحنه حضرت سلیمان و ملکه سبا توجه داشته باشیم در خواهیم یافت که هنر وی واقعاً در حد نقّاشان ممتاز هراتی بوده و در نوع خود رتبه والائی داشته است.

درمورد جملات بعدی نظریه امیر علیشیر که نوشته است: «خوش طبع است و خیالات غریب می کند» بطور یقین ارائه همین شیوه انحصاری و نا مأنوس سیاه قلم است که قوه ابتکار و حسن نوجوئی وی را که در

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نظر امیر علیشیر نوائی، خوش طبعی توصیف شده، عیان کرده و شیوه های خود ساخته و تاحدی ناهنجار استاد محمد را که زائیده ابتکار نوگرائی وی بوده، به خیالات عجیب و غریب تعبیر نموده و از درك حقیقت امر عاجز بوده است.

و در آخر احوال نقّاش که تاحدی مقام نوپردازی هنرمند را تضعیف کرده، چنین اظهار عقیده نموده است: «و کم فنی باشد که او را در آن اندیشه به خاطر نرسد خواه راست و خواه غلط» نظر امیر علیشیر در ارائه این جملات، علاوه براینکه لیاقت فنی نقّاش را مورد تمجید قرار داده، ولی چون شیوه نوآوری وی را درك ننموده، در بعضی موارد، اندیشه ابتکاری نقّاش را اشتباه فرض کرده و غلط خوانده است.

از فنون مختلفه‌ای که، گفته امیر علیشیر را تأئید می نمایند، یکی ترتیب ساعت معروف در کتابخانه امیر علیشیر نوائی، و از فنون دیگرش که به نظر حقیر در جزو آثار بجا مانده نقّاش دیده می شوند، تصاویری از قبیل رده زنگوله‌ها و تنوع فشفشه‌ها و تنظیم شاغول و ادواتی که در ساختن بناها به کار می رفته و همچنین ساختن و لعاب دادن و رنگ آمیزی کردن ظروف واوانی، و تذهیب و تشعیر آثار خود نقّاش است که به مثابه ذوفنونی

۳- برای تشریح زندگی و شناسائی استاد محمد سیاه قلم، نشست به خصوصی از ۲۳ الی ۲۵ ماه جون سال ۱۹۸۰ در لندن، تشکیل گردید که نگارنده نیز در آن جلسات شرکت کرده و از نظریات و عقاید هنرشناسان مختلف سود یافتم. عمده گفتار و سایر تحقیقات مستدلی که درباره نقّاش ارائه گردیده، در کتابی بنام Islamic Art 1, 1981 چاپ شده و رونوشت سخن رانان و هنرشناسانی که در این نشست، حضور داشته‌اند، جهت یادبود آن اجتماع، به یادگار در این زیرنویس ارائه گردید:

P.D.F. COLLOQUY NO.10 BETWEEN CHINA AND IRAN: A GROUP OF PAINTINGS IN FOUR ALBUMS IN ISTANBUL 23-25 JUNE 1980

I
Monday, 23 June
Morning: The Problem
1. Filiz Cagman
2. Zeren (Alkalay) Tanindi
3. Julian Raby
4. Ernst J. Grube
Afternoon: The Persian Connection
1. Anatol A. Ivanov
2. Eleanor G. Sims
3. Filiz Cagman
4. B.W. Robinson

II
Tuesday, 24th June
Morning: The Chinese Connection
1. William Watson
2. Nancy Shatzman-Steinhardt
3. Basil Gray
4. Claus P. Haase
Afternoon: Central Asian and Mongol connections
1. Emil Esin
2. Sinasi Takin and Gönül Alpay Tekin
3. Beyhan Karamagarali
4. Peter Andrews

Wednesday, 25th June
Objects in the paintings.
Morning:
1. Lisa Golombek
2. John Vollmer
3. David Nicolle
4. Geza Fehérvári and Philip Denwood
Afternoon:
1. John Carswell
2. Margaret Medley
3. Ernst Grube

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نقّاش به حساب آمده‌اند که خوند میر نیز، در نوشته‌های خود، این امتیازات را یاد نموده است.

سند معتبر دیگری که احوال نقّاش را با تأئید گفته‌های امیر علیشیر نوائی توام ساخته، عقیده خواندمیر، مولف کتاب معروف حبیب السیر است که نقّاش را چنین معرفی می نماید:

«*مولانا حاجی محمد نقّاش ذوفنون زمان خود بود و پیوسته به قلم اندیشه امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار تحریر می نمود . . .*»

در این جملات، علاوه بر ذوفنونی نقّاش که امیر علیشیر نوائی نیز به آن اشاره کرده، توصیف ضمنی استاد سیاه قلم است که تذکر داده که این نقّاش، با قلم اندیشه، امور غریبه و صور عجیبه را بر صحایف روزگار تحریر می نموده است.

درج این تعاریف مستدل که اولین توصیف حقیقی احوال نقّاش است، توسط فرد خبره و مشهوری که چه بسا، با نقّاش نیز مراوده و دوستی داشته، به رشته تحریر درآورده و تمام ریزه کاری ها و ابتکارات جسورانه نقّاش را، با کمترین و غنی ترین جملات ممکنه، آشکار ساخته و سایر امتیازات دیگر نقّاش را نیز، بر آن علاوه نموده است.

این صُوَر عجیبه و امور غریبه، همانا تصاویر درویشان و خانه بدوشان و دیوها و سایر نقوش ابتکاری نقّاش است که حالیه نیز، بعد از گذشت پانصد سال، تنها توصیفی که بر آثار سیاه قلم می شود ابراز داشت این نکته است که نقّاش به مهارت تمام توانسته است، صور عجیبه و امور غریبه‌ای را، بطرز غیرمعمول زمان خود، مصور ساخته و خیالات غریبه و خوش طبعی اش را، در شیوه خاص خود به منصه ظهور رسانده است.

باز در دنباله سخنان خوُندمیر، به این جملات: «در فن تصویر و تذهیب مهارت تام داشت» بر می خوریم که سخنی به گزاف نه گفته و اگر صنعت تذهیب و طلا کاری و آرایش و پیرایش چشم نواز نقّاش را، در البسه و اشیاء گوناگون و سایر نکات ریزه کاری های او، به خصوص در مجالس پرامتیاز سلیمان و ملکه سبا و سفر شبانه و سایر آثار قبل از انتخاب شیوه جدیدش، مورد مداقه قرار دهیم، حق خواهیم داد که خواند میر عقیده صحیح و باور کردنی داده و به استادی و مهارت نقّاش، صحّه نهاده است.

دیگر اظهار عقیده خالصانه خواند میر، درباره نقّاش، این است که استاد سیاه قلم چند گاه همت برپختن چینی فغفوری نموده و پس از تجربه بسیار و ارتکاب مشقت بیشمار، جسم ظروف واوانی که می ساخته به غایت شبیه شده، ولی رنگ و صفایش بسان چینی های ساخت آن دیار نبوده است و این مشقت و رنج بسیار، که در این باره کشیده، و دست تنها خواسته است با صنعت چندین صد ساله کشوری بسان چین، برابری نماید، زائیده پشتکار فراوان و حدّت ذکاوت و ذوفنونی نقّاش است که به هنرهای غیرحرفه‌ای نیز، دست یازیده و موفق از آب درآمده است.

روی هم رفته این استاد و الامرتبه، که به حق لقب ذوفنونی، بروی برازنده است، در هنر تصویر سازی و خطاطی و رنگ آمیزی و تذهیب و تشعیر و سایر فنون دیگر، که به نحوی در تخیل نقّاش جان می گرفته، استاد با مهارتی بوده، که بعضی از آن تخیلات را، بسان ساعت مخصوص کتابخانه امیر علیشیر نوائی، به منصه ظهور درآورده و گونه‌های دیگری را که در تفکر و خیال خود می پرورانده، در ذیل بعضی از آثار خود، به نقش کشیده و در فکر تکامل آنها بوده است.

بطوریکه دیده شده، بعضی از نقّاشان پر شهره نیز که قوه خلاقه بیشتری داشته‌اند از تخیل و ابتکارات خود سود جسته و تخیلات خود را به مرحله عمل درآورده‌اند، از قبیل استاد لئونارد دوویچی که به غیر از هنر تصویر سازی که به حد اعلائی اعتلاء یافته بود، در باب فنون و علوم متنوعه نیز ابتکارات مستندی را ارائه داده که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خوشبختانه تمام مسودات و کروکی های آن در دست بوده و درمواردی نیز قابل انجام بوده است و استاد سیاه قلم نیز در این استعدادها صاحب نظر بوده و ابتکارات و نو آوری های عجیبانه‌ای، از خود به یادگار نهاده است.

بطوریکه از امتیازات و قدرت قلم آثار اولیه نقّاش تفهیم می گردد، مؤید این نکته است که استاد سیاه قلم، قبل از اینکه به کارهای عجیب و غریبی دست بزند، به نوشته خوُند میر نقّاش ستوده شهر هرات بوده و به عیار و سیاق دوره خود، نقش می آفریده است. و اگر به آثار قبل از تحول شیوه سیاه قلم، نظر بیندازیم، توجه خواهیم کرد که این هنرمند، در ابتداء نقّاش کار آمدی بوده و آثاری نیز به شیوه قدما، تصویر نموده که هم عیار سایر نقّاشان قرن ۹ هـ. قـ. هرات به عهده نقش درآمده است و بهترین نمونه اینگونه تصاویر، آبرنگ سلیمان و ملکه سبا است که در جمله این شیوه‌ها، چهره‌ها به عیار مکتب باب روز شهر هرات و زینت آلات و سایر تزیینات دیگر، در عیار شیوه‌هائی است که سایر نقّاشان آن دوره، بدان طریق تصویرگری می کرده‌اند.

البته تغییر شیوه نقّاشان نامی، به عیار و برداشت تخیلی هنرمند، امری عادی است و نقّاشان هنرمند، در مدت زمان عمرشان، چه بسا به چندین شیوه گوناگون دست یازیده و عاقبت شیوه موردپسند خود را پیدا نموده و دنباله رومکتب نو یافته خود گشته‌اند، در این باره اگر به وضع هنری پیکاسو نیز در قرن معاصر توجه نمایم، خواهیم دید که این نقّاش پرابتکار، ابتداء دنباله‌رو شیوه کلاسیك بوده و بعدها به کشف شیوه کوبیسم موفق گشته و رشته نوآور خود را دنبال کرده و به حد اعلای خود رسانده است و استاد سیاه قلم نیز از این امر مستثنی نبوده و چون به شیوه تصویر سازی زمان خود، وارد بوده و در کار خود از استادان مشهور بشمار می آمده و حتی تصاویری نیز در آن سیاق ها به یادگار نهاده، ناخود آگاه، به کشف مکتب تازه‌ای نایل شده که نتیجه فکر طغیان گر نقّاش بوده و حالیه پس از گذشت سالیانی دراز مقام و منزلت حقیقی خود را باز یافته و موردستایش هنرشناسان قرار گرفته است، درصورتیکه این شیوه‌ها در زمان خود، محکوم به بی حرمتی ها و زخم زبان ها بوده و حتی از طرف شخص امیر علیشیر نوائی هم که هنرمندان را رعایت می کرده و مشوق آنها بوده، در باب هنری استاد سیاه قلم، راه بی انصافی پیموده و او را هنرمندی معرفی کرده که خیالات غریب می نموده و اندیشه هنری اش نیز در مواردی راست و در موضوعات دیگر غلط به حساب می آمده است.

برای تشریح شیوه اولیه نقّاش، آثار باب روز استاد سیاه قلم را که در اوج استادی و بسان سایر هم قطاران هرات و سمرقند تصویر نموده و نمونه بارز آن را، در تصاویر سلیمان و بلقیس و یا عروسی در شب و یا چند آثار دیگرش که در شیوه هراتی انجام داده، مشاهده نموده‌ایم جملگی را، ذیل آثار قبل از تحول شیوه جدید نقّاش، به حساب آورده و از نمونه های ابتکاری و شیوه نو یافته وی مجزا ساخته‌ایم.

این آثار ارزنده که در شیوه هراتی و قبل از تحول مکتب جدید نقّاش، به یادگار مانده، عبارتنداز:

۱ـ تصویر فرشتگان و قصه‌های تاریخی و افسانه‌ای است که به تخیل و درك فکری نقّاش، از امکانات گوناگون حقیقی و تخیلی جان گرفته و به قدرت تمام بروی بوم درآمده است.

۲ـ تصویر طبقات سلاطین و اغنیا و رجال و شاهزادگان و سایر متنعمان دیگر، که به نحو گسترده‌ای از زندگی پرغنای خود، بهره‌ها برده و فارغ از وظایف حقیقی و انسانی، زندگی کرده و وقعی به پریشان حالی و درماندگی طبقات محروم ننهاده‌اند.

۳ـ تصویر طبقات عادی جامعه است، که دانشمندان و صنعت گران و ارباب حرف و صنایع و کارگران و زارعان و سایر افرادی که رنج ساختن و پرداختن جامعه، بدوش آنها نهاده شده، جزو این گروه به حساب آمده و نقّاش توانسته است، در ارائه تك تك آنها، ذوق و سلیقه خود را حاکم قرار داده و در شیوه قدیمی خود، تصویر نماید.

۴ـ گروه درویشان و قلندران است که به دنیا و مافیها و لذات سوری و ظاهری بی قید بوده و به زندگی ساده و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

راحت و چه بسا خلسه آور خود عادت کرده و با درك حقیقی فنای زندگی، آنرا به بازی گرفته و به زندگی درویشانه خود قناعت کرده‌اند.

۵ـ رده شامان ها، که افرادی حکیم و جادوگر قبیله‌ای بودند، که در رده مخصوصی قرار گرفته و وضع ظاهری آنها، به درك و اراده نقّاش، افرادی بالاتر از رده دیوها و شیاطین به حساب آمده و از جماعت درویشان، هم از لحاظ قیافه و هم از لحاظ معنویات، در طبقه پائین تر قرار گرفته و نازلترین مخلوقات در آثار سیاه قلم بشمار آمده‌اند.

۶ـ طبقه اجنه و شیاطین و دیوها که در زمره اضداد فرشتگان قرار گرفته و موجودات تخیلی و افسانه‌ای ذهن انسانی هستند که به نسبت قدرت تخیل هر هنرمند، تغییر کرده و وجه تشابهی نیز با انسان ها را نداشته‌اند. این شش طبقه متمایزه، که بزعم نگارنده، در آثار استاد سیاه قلم، تجلی کرده و گونه‌های مختلف شیوه وی را نمایان ساخته، شامل تصاویر متنوعی است که به اختصار بازگو می گردند.

در تصویر فرشتگان و از ما بهتران، سعی نقّاش در این بوده که آنها را فارغ از هرگونه زندگی انسانی، دارای چهره‌های شادان و زیبا ترسیم نموده که با البسه روحانی و پرنقش و نگار و با پرهای باز و روشن که در ضمیر نقّاش، نمونه آزادی حقیقی در فضای لایتناهی است، نقش کرده که در آسمان ها به پرواز درآمده و با نیزه‌هائی که بدست گرفته‌اند، جانوران و مزاحمین انسانی را که در بعضی موارد، در قیافه اژدها مجسم یافته‌اند، از بین برده و از مسیر انسان ها دور ساخته‌اند.

۷ـ رده دیگری که خارج از تصاویر انسانی است، انواع نقوش هنری و جانوران و پرندگان و مناظر و گل آرائی و سایر نقوش متنوع دیگر است، که در دنباله مطلب، به اختصار تشریح خواهند گردید.

این آثار قبل از تحول که، آنها را از نقوش بعداز تحول فکری نقّاش مجزا ساخته‌ایم، در حقیقت مطابق نظریه امیر علیشیر نوائی است که عقیده داشته، این هنرمند نقّاش‌متعین‌شهر هرات بوده و بسان شیوه‌های متداول آن دوران و در عیار نقّاشان دیگر، نقش تصویر نموده است.

دو نمونه بارز این تصاویر یکی، تصویر فرشته‌ای است که چتر مخصوصی، روی سر ملکه سبا کشیده و قیافه فرشته، بسان زیبارویان چینی است، نمونه دیگر، تصویر شش فرشته آسمانی است که نیزه بدست گرفته و به خیل اژدهاها و جانوران مهیب، که در بین صخره‌های سنگی بدام افتاده‌اند، حمله می نمایند، در این اثر نیز قیافه و چهره‌ها و آرایش موی سر، در شیوه چینی است و برداشت عمقی نقّاش، در این مینیاتور، غلبه حقیقت بر جهل و تاریکی است که بدین ترتیب به رشته تصویر در آورده است.

در تصاویر طبقات سلاطین و اغنیا و رجال و شاهزادگان، صورت ها و حالات انسانی و البسه و آرایش آنها، در شیوه مخلوط هرات و چینی است و در شیوه باب روز آن دوره‌ها، ترسیم گشته است، البسه نفرات، منقش و ممتاز و مخلوطی از البسه چینی و هراتی است.

آرایش مو و چهره زنان در شیوه چینی است، و ریش پیرمردان و قیافه آنها، بسان ساکنین هرات و سمرقند بوده و از کوسه ریشان چینی خبری نیست، اگر نازنین روئی بر یابو سوار شده و در شیوه چینی ترسیم یافته، متقابلاً مردی در چهره هراتی بر یابوی دیگری سوار گشته و در جوار هم پیش می تازند.

نمونه پرجلال دیگری که در این سیاق ها نقش بسته، سفر شبانه یك شاهزاده خانم درباری است که با همراهان و ندیمان خود، به عزم سیاحت و سفر، طی طریق می نمایند و یا اینکه قافله پرجلال، عروس پادشاهی است که با آن همه فخامت و حشمت چشم گر، جلوه‌گر گشته و نقّاش در آرایش و پیرایش این مجلس بزمی، نکته‌ای را از نظر دور نداشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

عروس خانم که شاهزاده و الاتباری بوده و بعید هم نیست که یکی از دختران سلطان حسین بایقرا بوده باشد. تاج کلاه مخصوصی بسر نهاده و البسه منقش و زیبائی بتن کرده و در حفاظت مأمورین درباری، روانه مقصد است. دو رقاصه هنرمند، به میمنت این سفر باشکوه، به رقص و پایکوبی پرداخته و شادمانی می کنند.

نکته عمده‌ای که مدلل می سازد، این اثر استادانه را، در یکی از شهرهای معروف آن سامان، یعنی شهر هرات و سمرقند به نقش درآورده، وجود مستحفظین حکومتی است که شکل و قیافه آن نواحی را دارا بوده و مخصوصاً وجود تبرزین درویشی که به دوش یکی از محافظان دیده می شود، خود گواه صادقی است که صحت این مدعا را به ثبوت میرساند و بعید هم نیست شخصی که کلاه درویشی بسر نهاده و تبر مخصوص درویشان را به شانه نهاده و با تحیر و حیرانی، باین زندگی پرتجملات چشم دوخته، خود استاد سیاه قلم نباشد که به نحوی، تصویر خود را، در ذیل این مجلس نشان داده و با قلم معجز نگارش، تضادها را عریان ساخته و بدین نحو به مسئولین وقت، هشدار زیرکانه‌ای داده است.

دیگر از این گونه تصاویر که می شود گفت، قبل از تحول خیالی نقّاش، و در عیار سایر هنرمندان شهر هرات مصور ساخته، چند نمونه مجلل دیگری دیده می شوند که یکی از آنها تصویر خیالی سلیمان و بلقیس معروف است که جمله جن و پری، در تحت فرمان آنها بوده و کجاوه و تخت روان را حمل می نمایند و یا اینکه تصویر جمشید جم معروف در روز عید نوروز است که بروایت از شاهنامه فردوسی تعبیر و تصویر گشته است. و دیگر تصویر عروس خجالتی است که سوار بر اسب شده و با جماعت همراهان به پیش می رود، تزیین و تنوع آرایش البسه و حالات و قیافه افراد و شیوائی و ملاحت هر دو تصویر و سایر تزیینات و تذهیبات دیگر آن تصاویر بسیار غنی و پرمحتوی بوده و اگر همین چند نمونه انگشت شمار نیز، به یادگار می مانده، معرف مهارت و تردستی نقّاش، در امر تصویر گری بوده و احتیاجی به نمونه‌های دیگری، نداشته است.

علاوه بر این مجالس پرشکوه و پرجلال که در شیوه هراتی و چینی و به اصطلاح قبل از تحول فکری نقّاش، انجام یافته، نقوش استادانه دیگری نیز، به عیار سابق خود مصور ساخته که از آن جمله، تصاویر حیوانات اهلی و وحشی گوناگونی است که بعضی از آنها، بسیار استادانه بوده و در مواردی کم کار و ساده انجام یافته است.

مثلاً در چند مجلس جانور سازی، اسبها را به گونه‌های متنوعی ترسیم نموده که یکی اسب را آب می دهد و یا در جای دیگر شخصی مهار اسبی را گرفته و از وی حفاظت می کند و یا آنها را در رکاب مردان جنگاور و شکارچی ها قرار می دهد. بهرحال در تنوع آرایش این حیوانات، نقّاش مهارت خود را نشان داده و حرکت ها و تاخت تاز و حالت پیچش و مسیر دورانی آنها را، به استادی نقش نموده است، و در ارائه حیوانات دیگر از قبیل شتر و گاو و شیر و یابو و اژدها و میمون و سیمرغ نیز به همان ترتیب استادی خود را برملا ساخته و آن حیوانات را به حالات مختلف ترسیم کرده است.

از موضوعات انتخابی دیگر نقّاش، در این تصاویر، مضامین فنی و حرفه‌ای، از قبیل معماری و کارهای ساختمانی و بنائی و نجاری و مراسم آتش بازی و فشفشه سازی و غیره است که در بستر بعضی از مضامین مختلف نقوش دیده می شوند. و گل ها و مناظر و سایر عوامل طبیعی، به نسبت موضوعات دیگر کمتر به چشم می خورند، در چند نمونه گل و برگی که از نقّاش بجا مانده، به حدی شاداب و پرمایه نقش بسته‌اند، که آتش دستی نقّاش را تأیید می نمایند.

با ارائه این نمونه‌های مشخصه، آثار بجا مانده نقّاش را، بدو مرحله قبل از تحول و بعداز تحول، مجزا ساخته و نقوشی که در عیار سایر نقّاشان هراتی، به عهده فرجام رسانده، به آثار قبل از تحول فکری نقّاش اختصاص داده و تصاویری که در شیوه مخصوص سیاه قلمی ساخته شده و عیار مخصوص نقّاش را هویدا می

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سازنـد، به نمـونه‌های بعداز تحول فکری هنرمند مربوط نمودیم، که تشخیص مکتب قدیم و جدید نقّاش، احتیاجی به تشریح بیشتر نداشته باشد.

عمده ترین نقوش سیاه قلم «حاجی محمد هروی» قبل از تحول شیوه جدید، ارائه حالات افراد عادی و کوچه و بازار است که در حدود سی و اندی ترسیم نموده و حالت فقر و در ماندگی و استیصال آنها را به نیکوترین پایه‌ای مصور ساخته و نوع البسه و کلاه و کفش و آرایش ظاهری و پوشش زنان این طبقه را، با قلم کنجاوش نشان داده و به استادی از عهده برآمده است، چند نمونه برجسته این رده را جهت نمونه، ارائه می نمائیم:

۱ـ پیرمردی که محاسن سفیدی دارد با البسه هراتی سوار یابو شده و راه می رود، جوانك خدمت کاری که قیافه چینی ها را دارد، علم مخصوصی به کول گرفته و دنبال پیرمرد راه افتاده است، قیافه و حالات نفرات استادانه بوده و تصویر یابو نیز در کمال استادی است.

۲ـ تصویر شخص پیری با ریش و سبیل سفید است که پا برهنه در کنار جوی آبی، کنار درختی نشسته و افسار گاو را زیر پا گرفته است، قیافه و حالت مرد نشسته و همچنین تصویر گاو در کمال استادی است. و مخصوصاً زین مخصوص گاو که برای بارکشی به کار رفته، جالب است.

۳ـ تصویر سوار کار برجسته‌ای است که در کمال استادی نقش بسته، مخصوصاً تصویر اسب وی که تناسب استادانه‌ای داشته و شخصی که سوار شده و باز شکاری را بدست گرفته، در شیوه چینی است و وسایل رزمی و شمشیر به کمر دارد. تصویر فوق العاده چشم نواز است و از تصاویر ارزنده قبل از تحول نقّاش بشمار می آید.

۴ـ تصویر جماع دو سگ در بیابان است که جماعتی از زن ها از پشت تپه‌ای نظاره می نمایند و شخص عارفی که گویا از این مطلب برداشت حکیمانه‌ای کرده، در حالت و عظ و نصیحت دیده می شود، فرد دیگری که ساز و برگ جنگی به همراه دارد، از کنار آنها در حال عبور است.

۵ـ از نقوش عادی دیگر سیاه قلم، عبور شکارچیان از کنار بیشه است که پوست پلنگی نیز در آنجا دیده می شود. شکارچیان سوار بر اسب شده و بازهای شکاری بدست دارند و توله سگ کوچکی نیز به دنبال آنها در حال دویدن است.

۶ـ فال بین شیادی است که کتاب فال بدست گرفته و روی صندلی نشسته و جماعت زنان را که مشتریان دائمی وی بوده‌اند، به بازی گرفته و مشغول مغازله با آنها است.

۷ـ در تصویر دیگر، صحبت کردن گاوی با شخصی است که نقّاش برداشت عمیقانه‌ای، از کلیله و دمنه کرده و چه بسا ممکن است شخصی که با گاو صحبت می کند، خود سیاه قلم بوده و یا اینکه نقش امیر علیشیر نوائی را مصور کرده باشد، در این اثر هنرمندانه، تصویر گاو به زیبائی نقش بسته و طبیعی به نظر می رسد.

در بین تصاویر قبل از تحول فکری نقّاش، اغلب به موضوعات فنی و حرفه‌ای بر می خوریم که بعید نیست بعضی از آن صنایع، زائیده فکر نقّاش بوده و بسان ابتکارات لئوناردو ویچی از تخیل نقّاش جان گرفته و به ابتکارات تازه‌ای پایان پذیرفته است. این تصاویر فنی عبارتند از:

۱ـ مردی به چوب محکمی تکیه داده که زنگ های سنگین به آن بسته شده و زنی که کفش تخته‌ای پوشیده، با وی صحبت می کند.

۲ـ مردی زنگ سنگینی را که چوب بزرگی به آن وصل شده، بدست گرفته و زنگ های کوچکتری که با فن به خصوصی به هم وصل گشته‌اند، دیده می شوند، مرد دیگری که مسئول کشیدن طناب است، با کشیدن یکی از طناب ها، جمله زنگ ها را به صدا درآورده است.

۳ـ از آثار فنی دیگری که از اختراعات سیاه قلم است، گردونه فشفشه‌ای است که چرخش آن، شاید کمك می

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

کند که بار سنگینی را به راحتی از جا کنده و سنگینی جسم را خنثی سازد، در این اثر فنی، جمله صورت ها و نقش و نگار و البسه و حالت نفرات، به طریقه مرسوم تصویر شده و با نقوش ابتکاری سیاه قلم، که بعدها به آن امر علاقمند شده یازیده، دیده نمی شود. مسائل فنی دیگر، ابزار و اثاثیه بنائی و سایر نقوش ظروف و آلات و وسایل رزمی و حربه‌ای است که ترسیم آنها، مهارت نقّاش را در ارائه صحیح ابزار و آلات فنی و حرفه‌ای مدلل می سازد.

آثار قبل از انتخاب شیوه جدید نقّاش که به عیار سایر نقّاشان هراتی و سمرقندی به عهده نقش در آمده آشکار ساخته که گفته امیر علیشیر نوائی قرین به حقیقت بوده و سیاه قلم، نقّاش متین شهر هرات بوده است و از طرفی با مشاهده چند اثر مجلسی و بسیار مجللی که به یادگار نهاده، می شود یقین داشت که این هنرمند، در مجلس آرائی و چهره پردازی و ارائه زیب و زینت نفرات و تذهیب و پیرایش البسه و سایر رموز تصویر سازی، به حد ذاته استادی گرانقدر بوده و در هنر خود مهارت بسزائی داشته است.

ولی بعداز تحول فکری و تخیل ابتکاری نقّاش، که معلوم نیست از چه سالیانی شروع شده، تصاویر متنوعی به یادگار نهاده، که مؤید فکر طغیان گر و ابتکارات نوین نقّاش بشمار می آیند. این تصاویر ابتکاری که از عظمت فکری و تخیل پرغنای نقّاش جان گرفته، او را به پایه ممتازی رسانده که حالیه پس از گذشت سالیان متمادی، موردستایش هنر شناسان قرار گرفته و در نوع خود، از امتیازات فوق العاده‌ای بهره‌ور گشته است، در اینجا است که گفته خواند میر را که به حدس یقین، آثار نوگرائی هنرمند را دیده و چنین عقیده داده:

«مولانا حاجی محمد نقّاش ذوفنون زمان خود بود و پیوسته به قلم اندیشه امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار تحریر می نمود. در فن تصویر و تذهیب مهارت تمام داشت . . .»

باور می داریم و عقیده مندیم که استاد محمد سیاه قلم، همان استاد حاجی محمد هروی است که در زمان خود به «استاد محمد سیاه قلم» معروف بوده و چون از شهرت و خود ستائی بیزار بوده، از درج نام اصلی خود ابا نموده و این امضاهای گوناگون جعلی نیز، اثر دست جاعلین گمراهی است که زیر آثار نقّاش ترقیم نموده و یا ارقام هنرشناسان خبره‌ای است، که جهت تسجیل کار نقّاش، باین عمل اقدام نموده‌اند.

آثار بعداز تحول نقّاش که ما او را مکتب نو پایه سیاه قلم نام نهاده‌ایم، با آثار قبلی و پر مهارت وی که در عیار سایر نقّاشان هراتی به عهده فرجام رسانده، فرق های محسوسی دارند که با اشکال مختلف و موضوعات گوناگون ارائه گشته و تمایز و تشخیص آنها برارباب بصیرت به سادگی امکان پذیر می باشند. به غیر از تصاویر درویشان و قلندران و جماعت دیوها و اشقیا و سایر موضوعات دیگر که عمدتاً در شیوه جدید ترسیم یافته‌اند، تصاویری از افراد عادی و عامی نیز ترسیم نموده که به اختصار معرفی می گردند.

۱ـ یك نفر سوار یابو شده و یکی لوحه سنگینی برداشته و پشت سر وی راه می رود و فرد سومی نیز عصا بدست گرفته و با سوارکار صحبت می نماید.

۲ـ سقائی مشك آبی را به پشت خر نهاده و با کمك دوستش به جائی حمل می نماید.

۳ـ مردی به خر خود غذا می دهد و زن و سه بچه خردسالش ناظر جریان هستند.

۴ـ جمع تصاویر گوناگون است و مردی در انتها نشسته و لباس می شوید.

۵ـ یکی با تخماق چیزی را می کوبد و آن یکی خمیر درست می کند.

۶ـ مرد پیری ظرفی بدست گرفته و چیزی را می ساید.

۷ـ سه نفر در جمع همدیگر قرار گرفته، یکی دست به کلاه برده و دیگری سطل آبی بدست گرفته است و هاون بزرگ و سنگینی نیز در وسط دیده می شود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸ـ سه نفر پهلوی هم قرار گرفته و با یکدیگر صحبت می کنند.
۹ـ دو نفر شاغول بدست گرفته و آزمایش می کنند، در زمینه تنه یك درخت دیده می شود.
۱۰ـ دو نفر در مقابل هم ایستاده و یکی فشفشه روشن کرده و دیگری یك لوحه منقشی را بدست گرفته است.
۱۱ـ طراحی ساده دو نفر است که یك نفر در هاون چیزی می کوبد و آن یکی آفتابه بدست دارد.
۱۲ـ دو نفر که گویا حالت نشئه‌ای دارند، در مقابل همدیگر نشسته و یکی از آنها چیزی بدهان می گذارد.
۱۳ـ سه نفر در جمع یکدیگر قرار گرفته، یکی ظرف سنگینی بدست گرفته و دو نفر دیگر چیزی را بدست گرفته‌اند.
۱۴ـ سه نفر در کنار یکدیگر قرار گرفته و یکی از آنها، گلدان گلی را بدست گرفته است.
۱۵ـ دو نفر که یکی گویا سنگی بسرش خورده و درگذشته است، و دیگری در کنار او ایستاده و انگشت بدهان نهاده و صحنه را نظاره می نماید.
۱۶ـ مردی به چوب دستی تکیه داده و دهنه اسب خود را گرفته و گویا او را آب می دهد.
۱۷ـ دو نفر در کنار هم ایستاده و یکی از آنها اسب خود را آب می دهد.
۱۸ـ زن و مردی در معیت یکدیگر، گاو کوهان داری را با خود می برند.
۱۹ـ پنج مرد و یك خر که سوار بر حیوان شده و یکی دیگر نیز، کول دیگری سوار شده است.
۲۰ـ دو نفر مرد، ظرف بدست گرفته، و یك مرد و زن هراتی و یك زن چینی در پشت کوه دیده می شوند.

آثار بعداز تحول سیاه قلم «حاجی محمد هروی» گواینکه در زمان وی چندان موفقیتی نداشته و حتی عجیب و غریب نیز بشمار می آمده، ولی در حقیقت می شود گفت که این آثار بجا مانده تاریخ گویای زمان نقّاش بوده که با برداشت زیر کانه‌ای، زندگی نابسامان و دردآور هم شهریان خود را، چنانکه به تعریف نمی آمده، با قلم سحرآسا و طنزآلود خود، آشکار ساخته و در معرض دید مسئولین بی خبر قرار داده است.

شیوه سیاه قلم، اثر ذهن پربار و انتقادات اصولی هنرمند، از مسائلی است که همیشه دوروبر خود مشاهده کرده و چون یارای اعتراض و بازگوئی به متصدیان امر را نداشته، با قلم توانای خود، هرچه را در اجتماع دیده، با مفاهیم کوبنده و گستاخانه‌ای، برخ زعمای قوم، مخصوصاً امیر علیشیر نوائی رسانده و وظیفه درویشی و اجتماعی خود را، به نحو انسانی تری به انجام رسانده است. و شاید مشاهده این افکار فضولانه نقّاش بوده که امیر علیشیر نوائی، او را نقّاش مالیخولیائی پنداشته و درباره‌اش گفته است که او اشکال عجیب و غریب می کشد، خواه راست و خواه نادرست.

بدین ترتیب می شود گفت، این هنرمند اولین نقّاش پرجرئتی بوده که رنج ها و مرارت های مردم مزر و بوم خود را، با قلم مو شکاف خود به سخره گرفته و رنج ها و محرومیت آنان را، به نحوی بدیدار مسئولین امر رسانده است و چون خود نقّاش، دم ساز و محشور درویشان و خانه بدوشان بوده، بهتر توانسته است، زندگی تلخ و اسف بار آنانرا، بدقت تمام مصور سازد.

از طرفی امکان داشت بعضی از تصاویر وی مورد بازخواست قرار گرفته و احیاناً موجب عقوبتی نیز بوده باشد، بدین جهت سعی کرده، تصاویر خود را، در شیوه غیرعادی و خارج از باب روز، نقش نموده و ناخواسته پیشرو مکتب نورآوری گشته که حالیه می شود گفت، اصل و منشاء شیوه کوبیسم، در زمان های دور بوده است.

اگر با دقت و وسواسی به نقش و حالات و بخصوص صورت و قیافه اسب ها که به چندین نوع آنها را ارائه نموده و یا تصاویر دیگر نقّاش را که از حالات اصولی شیوه هراتی خارج شده کنجکاو باشیم، می توانیم ادعا نمائیم که بعید نیست راهنما و راه گشای هنرمندانی بسان پیکاسو و یا سایر نقّاشان شیوه جدیدی که در دنیا شهره

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

خاص و عام گردیده‌اند، همین نقوش سیاه قلم بوده که راهنمای آنان شده و به حدس نزدیك به یقین، این هنرمندان آن آثار را دیده و عکس العمل هنرمندانه‌ای در مغز آنان تابیده و شیوه جدیدی را که نطفه آن پانصد سال پیش انعقاد پیدا نموده، به منصه ظهور در آورده و از افتخارات آن بهره یاب گردیده‌اند.

تعاریف دیگری که باین گونه تصاویر می شود قائل گردید، این است که به گوئیم، این هنرمند اوّلین کاریکاتوریست جهانی بوده و اولین هنرمندی است که رنج ها و مرارت های هم شهریان خود را، در شیوه طنز و خارج از مکتب باب روز آن دوره، تصویر کرده و در بین مردم شایع ساخته است. و از طرفی چون هنرمند مردمی بوده و در اغلب زوایای جامعه حضور داشته، موضوعات انتخابی را از بین مردم و اجتماع حاضر بر می گزیده و با قلم تیز نگارش بین جامعه منتشر می ساخته است، و روی این امتیازات است که می شود بیان داشت که استاد سیاه قلم، اولین خبرنگار اجتماعی بوده که در هیئت یك نقاد صلاح اندیش، حالات فلاکت بار مردم آن سامان را، بروی کاغذ ظاهر ساخته و در معرض دیدار عموم نهاده است.

گونه های متنوع آثار سیاه قلم و شیوه هائی که به ابتکار نقّاش تکامل یافته و همچنین مشخصات مختلف آثار وی در مرقعاتی که آثار سیاه قلم در ذیل آنها جلوه‌گر می باشند، بدین ترتیب رده بندی گشته که عبارتند از:

۱ـ قیافه و چهره پردازی و البسه نفرات
۲ـ چهره و قیافه و تن پوش درویشان و قلندران
۳ـ چهره و تن پوش شامان ها و خانه بدوشان
۴ـ ترسیم حیوانات و پرندگان
۵ـ حالت و چهره دیوها
۶ـ گل آرائی و منظره پردازی
۷ـ طرز رنگ آمیزی و تنوع آنها
۸ـ زمینه سازی
۹ـ تنوع کاغذ
۱۰ـ اثاثیه و ابزار کار
۱۱ـ کپی کردن و پیروی نمودن از شیوه های چینی
۱۲ـ تنوع امضاها
۱۳ـ رسیدن مرقعات به موزه توپ قاپو سرای
۱۴ـ دوران آخر زندگی نقّاش
۱۵ـ تشریح آلبوم هائیکه، تصاویر سیاه قلم در آنها مضبوط هستند
۱۶ـ آثار بجا مانده نقّاش و تعداد و مشخصات آنان.

«قیافه و چهره سازی و البسه نفرات»

چهره سازی در آثار سیاه قلم متفاوت و متنوع است، بعضی از آنها به شباهت ساکنین ترکستان و مغولی و قبچاق و هراتی و سمرقندی است و بعضی دیگر، مخصوصاً قیافه صورت زنان، شبیه زیبا رویان چینی است.

چهره پردازی سیاه قلم قبل از انتخاب شیوه ابتکاری، بسان چهره سازی سایر نقّاشان آن دوره در مکتب مغولی «ایلخانی» و یا هراتی و سمرقندی بوده و بطوریکه در آثار متنوع نقوش ایرانی مشاهده می شود بعد از حمله مغول به ایران و حکمرانی ایل چنگیز خانی، صورت و چهره قهرمانان آن دوران، در عیار چهره پردازی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مغولی ایلخانی و ترکستانی و ازبکی بوده و این شیوه‌ها برداشت عینی و یا فرمایشی و دستوری از حکمرانان مغولی بوده که قیافه چینی داشته و اغلب آنان از اصل و نسب چنگیزخان بشمار میآمدند.

این شیوه متداوله که مدت زمان طولانی تری را در هنر تصویر سازی ایرانی ایجاد نموده، عده‌ای از محققین و هنرشناسان را به اشتباه انداخته و چنین تصور نموده‌اند که شیوه ایرانی مأخوذی از هنر چینی بوده و عبارت «چینی سازی» را که اغلب آنان یاد نموده‌اند، متضمن این اندیشه دانسته‌اند که نقّاشان معجز نگار ایرانی، تقلید پر شباهتی را از چهره‌سازی آن دیار به عمل آورده و صورت ها را در عیار چینی ها ساخته‌اند، درصورتیکه می دانیم هنر تصویرسازی ایرانی سابقه بسیار طولانی داشته و قبل از اشاعه تصویرسازی در دیار چین آغاز گردیده است.

استاد سیاه قلم نیز، از این امر مستثنی نبوده و کمااینکه، در آثار ارزنده قبل از انتخاب شیوه جدیدش، جمله چهره‌ها، در عیار چینی و مغولی «ایلخانی» بوده و در افق سایر نقّاشان هم عصر خود، چهره پردازی می نموده است، و اماً در مکتب جدیدش، چهره‌ها تغییر پیدا کرده و شیوه ابتکاری نقّاش را در برگرفته است.

مثلاً چهره‌های افراد عادی و درویشان و خانه به دوشان و Shamans ها، دارای چهره‌های زشت و درشت و هیولائی بوده که با سایه‌های رگه دار و پوست گرکدنی، ضمخت تر و ناهنجارتر دیده می شوند.

در شیوه جدید وی، قیافه‌ها، اصولا عبوس و ترسناك و تخم چشم ها عموماً در وسط و حالت صورت ها بهت زدگی و مالیخولیائی را نشان می دهند.

سایه‌های رگه‌دار و لایه‌ای صورت ها، که بطرز خاصی در آثار سیاه قلم دیده می شوند، گوئی بسان پوست صورت بعضی از قبایل افریقائی است که در دوران صباوت با چاقو تراش داده و بعداز بزرگ شدن، تا حدی برآمدگی پیدا کرده و صورت شخص را از حالت عادی خارج نموده است و درموارد دیگر سایه صورت ها لایه‌ای و بسان چهره خزندگانی از قبیل مار مولك و سمندر است که قیافه بخصوصی پیدا کرده است.

چهره‌ها اغلب غمگین و ستمدیده بوده و نشانه‌ای از شادی و شادمانی دیده نمی شود، در بعضی از تصاویر، افراد ریش و سبیل پرپشتی دارند و ریش بزی و کوسه‌ای و کم موئی بسان اهالی چین دیده نمی شود، و موهای سرها نیز، بغیر از چند نمونه اندك، بقیه کوتاه‌تر می باشند.

دندان های اشخاص، تا حدی بیرون آمده و ردیفی است و دماغ اغلب افراد، گوشتالو و پهن بوده و بسان دماغ های افراد بوکسوری می ماند که در نتیجه ضرب خوردگی، پهن گشته‌اند.

اندازه صورت ها بزرگتر از حد عادی است و تمام افراد تنومند و ورزیده بوده و شخص لاغر و درمانده دیده نمی شود.

رنگ چهره و صورت و بدن اشخاص، قهوه‌ای مایل به تیره‌ای و در مواردی سرخ روشن و رنگ مسی است و می شود گفت که سیاه قلم، در رنگ آمیزی پوست افراد، چهار نوع رنگ بکار برده که یکی تیره‌ای مایل به سیاه و دیگری تیره‌ای معمولی و قدری روشن تر از سیاه و سومی رنگ سرخ و روشن که بسان پوست سرخ پوستان است و چهارمی رنگ قهوه‌ای است که بعیار اختلاط رنگ ها، غلظت آن کم و یا زیاد گشته است، و اصولاً رنگ های وی، رنگ های آمیخته‌ای و تیره‌ای است. و شاید چون رنگ ها را کدر و تیره می گرفته، بدین جهت به سیاه قلم معروف و شهره گشته است.

سایه‌های بدن و صورت و لباس و سایر اشیاء دیگر، لایه‌ای و ضخیم بوده و بسان پوست گرکدن می باشند که لایه‌دار بوده و بطور وضوح عیان می گردند.

دست و پای افراد عموماً بزرگتر نقش شده و مخصوصاً در دیوها و دراویش و خانه بدوشان به حدی است که

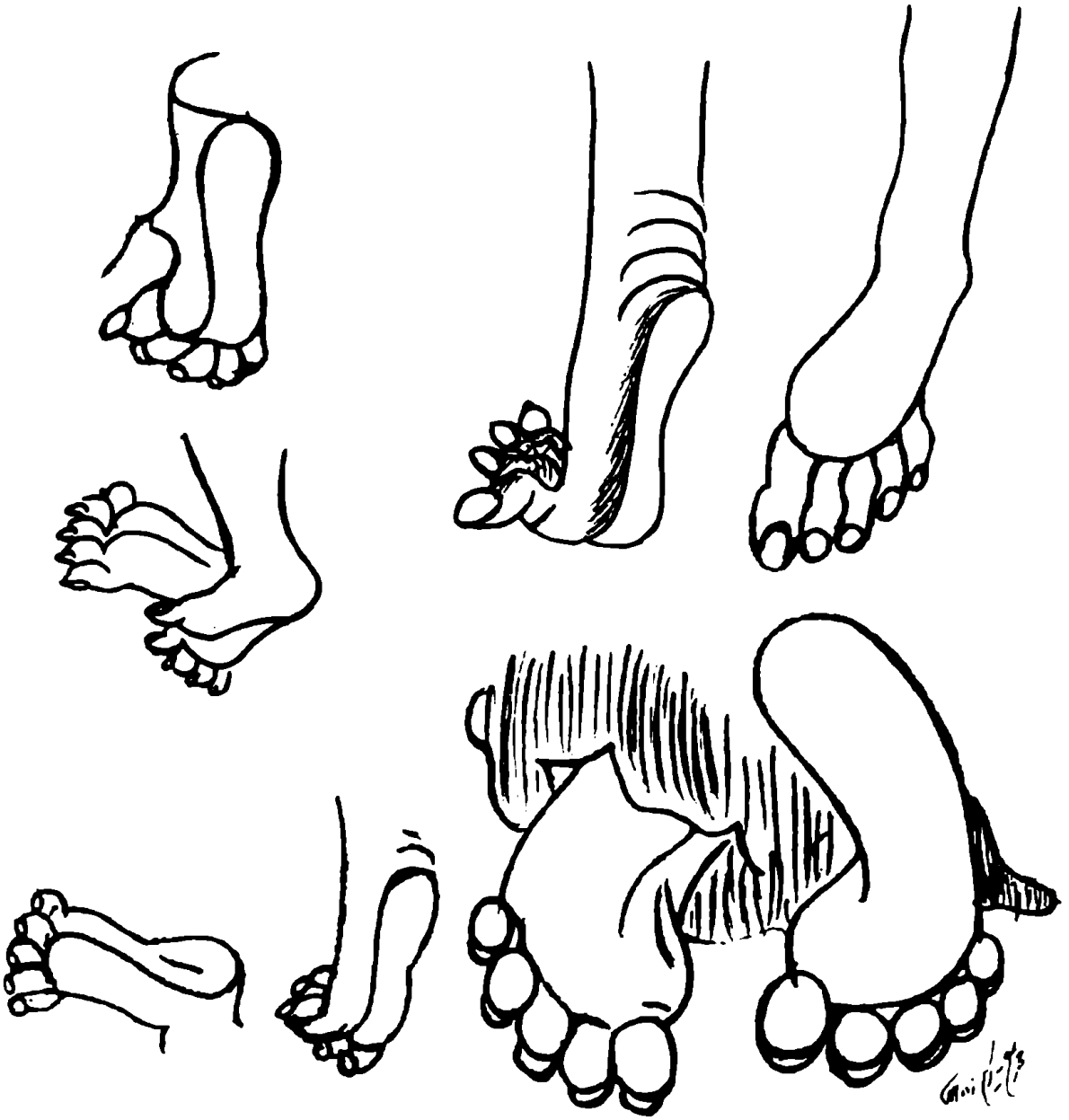
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

با بدن آنها تناسب درستی ندارد و انگشتان پا بزرگ و چاق و بلند بوده و بندهای آنها، طوری سست و افتاده ترسیم شده‌اند که انسان خیال می کند، انگشت ها بریده شده و دوام ایستادان را ندارند.

درمورد دست و پا و بخصوص پای افراد ابتکارات جالبی عرضه نموده که حالت و طراحی آنها تا آن موقع، در قلم هیچ یك از نقّاشان دیده نمی شود، او گویا مایل بوده که سطح زیری پاها و موقعیت گوناگون آنرا طوری ترسیم نماید که نمایانگر شیوه ابتکاری نقّاش باشد، نگارنده حالات مختلف و گوناگون بعضی از پاها را ترسیم نموده و یادآور شیوه کوبیسم جدید نمودم که پایه گذار اصلی آن سیاه قلم بوده است. «تصویر A»

تصویر A



mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بطورکلی طراحی های اصولی نفرات، در شیوه ابتکاری سیاه قلم، بسیار ساده و در عین حال پیچیده و مخصوص خود نقّاش است، در این طراحی ها مسئله تناسب اندام و حالت تثبیت آنان، و چگونگی فواصل و بزرگی و کوچکی اندام مطرح نیست. او عقیده داشته که یك طراحی ساده و کلی کافی بوده و بقیه عیار و مزیت نقش را می بایستی، در حیطه آن طراحی، جلوه‌گر ساخت و معنی تراشید.

به یك نمونه خیلی پیچیده و ساده، که شخصی بروی زمین خوابیده و زیر سه پایه اجاق را فوت می کند که شعله آتش بیشتر شود دقت نمائید، طراحی و جای گزینی دست و پا به اندازه‌ای راحت و ساده است که بیننده را به اختیار یاد کاریکاتورهای معاصر و آثار نقّاشان مدر نیست حالیه می اندازد. «تصویر B»



تصویرB

البسه و کلاه و کفش و سایر مایحتاج زندگی، در شیوه های قبل و بعداز تحولّ مکتب سیاه قلم فرق کرده و اصولاً نقش این مراحل، در قبل از تحول دقیق و منظم بوده و رنگ آمیزی و دقت قلم استادانه داشته، و جمع اشیاء و تجملات و اشیاء ضروری را بسان سایر نقّاشان شهر هرات تصویر نموده که شایان تمجید می باشند، ولی جمله این مراحل، بعداز تحول و روی آوردن نقّاش به شیوه ابتکاری، عوض شده و صورت دیگری پیدا کرده، که فرق محسوس آنها را، در بین این دو شیوه متفاوت، به آشکار درك می نمائیم.

نگارنده انواع کفش و کلاه هائیکه در شیوه قدیم و جدید سیاه قلم بکار رفته، نقوش ساده‌ای ترسیم کرده‌ام که ممکن است مفتاح پرامتیازی درمورد شناسائی افراد و شهرهائیکه این کفش و کلاه ها در آنجا مرسوم بوده و مورد استفاده اهالی واقع می شده و چه بسا شناسائی ذی قیمتی باشد که تعین نماید این آثار در کجا، و از روی چه برداشتی تصویر شده و اصل تصاویر در کدام شهر سامان یافته است. تصاویر « CD »

متأسفانه به علت دستری نداشتن به تاریخ البسه و پوشش کلی و انواع کفش و کلاهی که درآن نواحی معمول بوده، امکان شناسائی کامل میسر نگشته ولی باارائه و واضح ساختن اشکال تك تك آنها و چه بسا مقایسه کنجاوانه علاقمندان با مینیاتورها وآبرنگ های آن دوران، محققین را یاری نماید که دریابند این وسایل زندگی در چه مکان ها و در چه سنواتی مورد مصرف قرارمی گرفته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر C کلاه‌ها



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

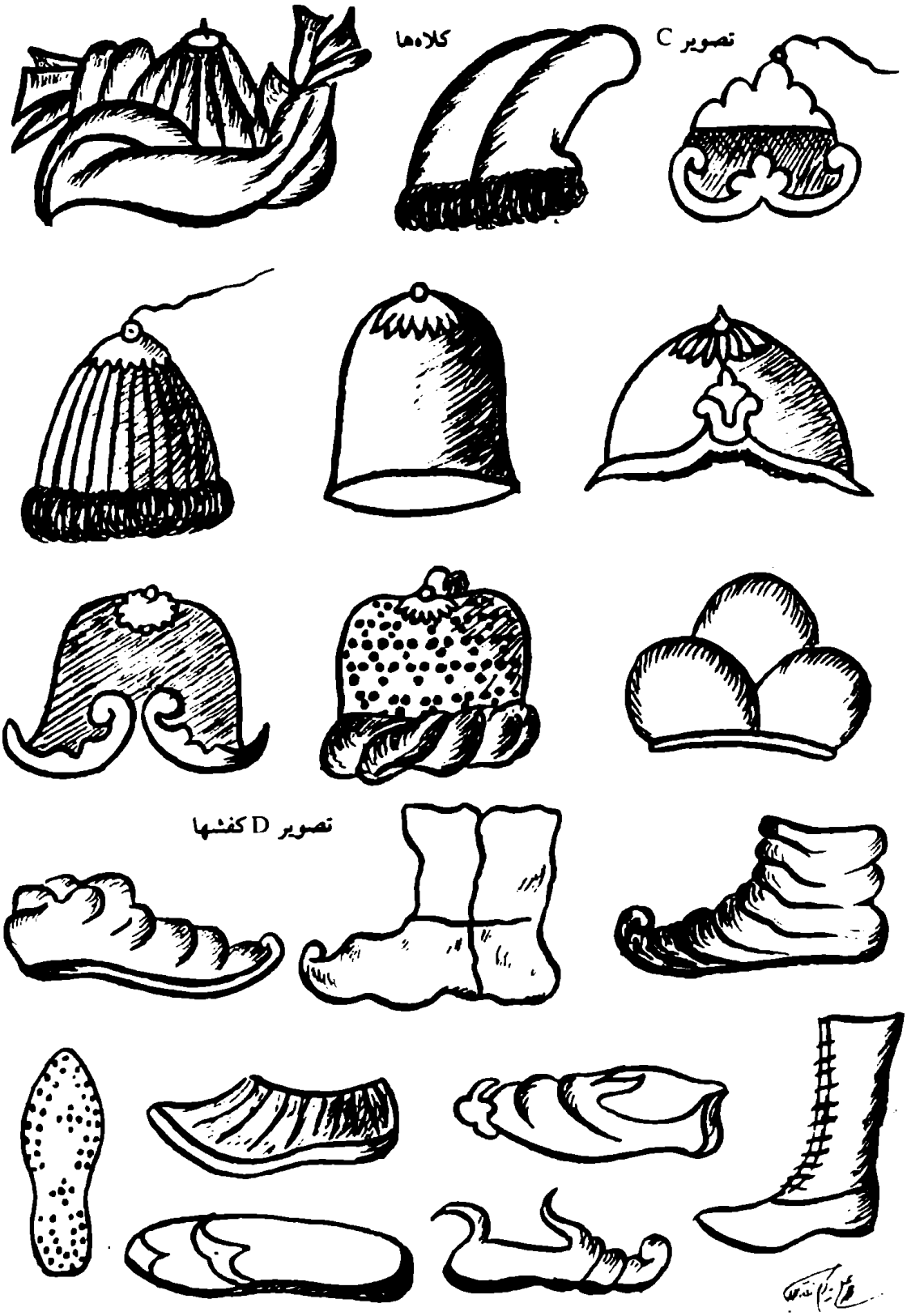
tarikhema.org

تصویر C کلاه‌ها



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر D کفشها



mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

البسه سلطنتی و سایر پوشش های دیگر، که در بعضی از آثار سیاه قلم دیده می شوند، در کمال جلال و شکوه بوده و به انواع و اقسام تزیینات شیوائی، آراسته شده و در نوع خود زیبائی چشم آذینی دارند. بهترین نمونه این لباس ها، پوشش زنان و مردان و همراهان مسافر و یا عروسی است که شبانه سفر می کنند.

عروس سوار بر اسب شده و با قافله پرجلال و با فخامت همراهان، طی طریق می نماید، البسه همراهان و تنوع دوخت و آرایش ابتکاری آنها، در خور تحقیق بوده و نقّاش آتش دست، با ارائه چند نمونه ارزنده، توانسته است زیبائیها و عظمت پرجلال آن صحنه، و فورم البسه و آرایش دوران خود را به‌نحو بازرتری عیان نماید.

و یا تصویر زن پیر و خمیده‌ای است که عصا بدست گرفته و لباس یك رنگ پوشیده، و کفش به پا کرده و در جمع قلندران قرار گرفته است، این زن ها جملگی پوشش کلفتی بکار برده و چارقدی ضخیم بسر نهاده و کفش کلفت پوشیده و شلوار به پا دارند.

البسه دیوها، تنها شلوار کوتاه و ضخیم و محکم است که در رنگ های مختلفی، تصویر گشته و سایه های لایه‌ای درشت و برجسته‌ای داشته و بند تنبان نیز به بند کمر آویزان می باشد.

پوشش های نفرات عموماً کلفت و بلند بوده که تا روی پاها ادامه داشته و شلوار دیده نمی شود، عمده افراد عادی و بعضی از دراویش و خانه بدوشان و مخصوصاً کسانیکه این لباس ها را پوشیده‌اند، جملگی یخه بزرگی داشته که نوك آنها به اطراف برگشته است.

سایه لباس ها، بسان سایه شکافی صورت ها، رگه دار و بلند است که به قسمت های بزرگی تقسیم شده و در امتداد و مسیر گوناگون سایه خورده است، به غیر از دو نمونه مشخصه، از البسه کلفت زنان و مردان که در سینه آنها قیطان کلفتی شبیه البسه قزاق ها دوخته شده، بقیه آنها ساده بوده و تزیینات دیگر دیده نمی شود.

رنگ البسه، تماماً تیره‌ای و مایل به قهوه‌ای است و در بعضی موارد، آبی سیر یا رنگ تیره غلیظ دیده می شود. که مایل به حنائی بوده، و مختصر سایه هائی را در بردارند.

زن ها عموماً پوشش و چادر مخصوصی دارند که مؤید اسلامی بودن آنها بوده و موی سرشان، در زیر چادرها مخفی است، چهارقد آنان شبیه هراتی و ترکستانی است که تنها در ایران دیده شده و در چین معمول نبوده است.

بعضی از دراویش، بسان دیوها، تنها ستر عورتی به پا دارند و از البسه و سایر پوشش ها خبری نیست، معدودی از دیوها، پوستینی به پشت انداخته و شلیته‌ای به پا کرده و در مواردی شال گردنی نیز به گردن دارند، این نوع پوشش ها که پوست پلنگ و ببری نیز پوشیده‌اند، بسان البسه دیوهائی است که در دربار کیومرث، اثر سلطان محمد نقّاش نیز دیده می شوند.

عمده افراد و دراویش، کلاه مخصوصی بسر نهاده و هریك شکل خاصی را دارا می باشند، رویهمرفته شکل آنها قابلمه‌ای بوده و یا نمدی می باشند.

جنس اغلب کلاه ها، از پوست ببر و پلنگ که خال های تیره‌ای دارند، ساخته شده و کناره های کلاه را با پارچه‌ای دوخته و بسر نهاده‌اند، نوع دیگر از پوست و چرم نازك ساخته شده و در بالا و طرفین آن ها، فلزاتی از قبیل زنگوله طلائی یا برنجی، جهت زیبائی و یا استحکام علاوه گشته است. دیوها هیچ کدام کلاه نداشته و بعضی از قلندران و خانه بدوشان نیز بی کلاه هستند.

البسه افراد عادی بلند و رگه دار و رنگ های آنها مخلوط، یا قهوه‌ای و درمواردی آبی و قرمز تیره و کمرنگ و روشن بوده و یخه تمام لباس ها باز بوده و به کنار رفته است.

کلاه ها نیز قابلمه‌ای بوده و چکمه‌ها هم، به عیار سایر ملزومات دیگر، دارای سایه‌های لایه‌ای و رگه‌دار می باشند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در حالت دیگر، زنان افسرده و پریشان حالی را می بینیم، که صورت ها رگه‌دار و کریهی داشته، و چهار قدی بسر نهاده و البسه تیره و خشنی پوشیده و سست و بیحال در جای خود قرار گرفته‌اند. در جای دیگر، زن فقیری را مشاهده می کنیم که با پشت خمیده و صورتی اندوهبار، عصائی بدست گرفته و با دو قلندر پریشان حال، به صحبت اشتغال دارد.

صورت های اینگونه زنان نیز، بسان سایر اشخاصی که در آثار سیاه قلم دیده می شوند، دارای سایه‌های رگه‌دار و کلفت است، که کوچکترین حلاوت و زیبائی زنانه، درصورت آنان مشاهده نمی گردد.

البسه این افراد نگون بخت نیز، البسه بلند و روسری ضخیم است که با سایه های لایه دار، ترسیم شده و به رنگ های مختلف تیره و قرمز و آبی مخلوط دیده می شوند.

از نمونه های بارز و قیافه زنان معمولی که در طبقه مستمندان و خانه بدوشان قرار گرفته‌اند، می توان به نمونه های زیر اشاره نمود.

۱ـ زنی با پوششی تمام عیار، ایستاده و روسری بسر نهاده و لباس بلند و شلوار پوشیده و کفش ساده‌ای به پا دارد.

۲ـ زن بلند قدی روسری بلند و سفیدی بسر کرده که مختصری از کلاه زیری نیز دیده می شود، لباس قرمزی به روی لباس زرد دیگرش پوشیده و کفش هایش بسان زنان چینی، تخته‌ای و پاشنه بلند است.

۳ـ زن سیاه چهره‌ای که صورتش سایه های رگه‌ای دارد، لباس بلند و قرمز به تن کرده و روسری پرشکن و رگه دار بسر نهاده که تکمه‌های روی سینه‌اش شیوه قزاقی باقیطانی است، زن مذکور کفش های رگه دار پوشیده و عصای قرمز رنگ و آفتابه طلائی بدست دیگر گرفته که آرایش انحصاری، در بین تصاویر زنان سیاه قلم را دارد.

۴ـ دو زن پریشان حال و افسرده، کنار هم نشسته و چهار قد بسر نهاده و البسه پوشیده دارند.

البسه زنان در آثار سیاه قلم بلند بوده و تا روی پاها ادامه می یابد، آنهائیکه روسری به سرنهاده‌اند روی دست ها و پائین تنه افراد را پوشانده و عاری از تزیینات است، زلف های زنان تا حدی بیرون است و درمواردی به علت حجب و حیا، قسمتی از صورت را پوشانده‌اند.

قیافه‌ها عموماً هراتی و سمرقندی است و کفش های راحتی به پا دارند.

زنان درویش که در هیبت درویشان بوده و البسه کلفتی بتن کرده و روسری ضخیمی نیز بسر نهاده‌اند، بعضی از آنان بروی البسه خود، دکمه‌های قزاقی دوخته و درمواردی عصا بدست گرفته و آفتابه با خود حمل می نمایند.

عمده کفش های آنها راحتی است، ولی در چند مورد کفش تخته‌ای و بند چرمی که مختص چینیان است به پا کرده‌اند.

زنان ثروتمند و اغنیاء، البسه چینی بتن کرده و آرایش آن دیار را نموده و کفش های «چورسی = چستی» پوشیده و کلاه مخصوص بسر نهاده‌اند، این زیبا رویان، بجای چادر، از کلاه های مختلف استفاده برده‌اند.

در یکی از مجلل ترین مینیاتورهای سیاه قلم، عروسی روی اسب سوار شده و البسه مزین و منقش چینی بتن کرده و تاج کلاه ایرانی بسر نهاده و ندیمه نیز لباس چینی پوشیده و کفش مخصوصی بپا کرده و کلاه مخصوص بسر نهاده است، زنان داخل کالسکه نیز، بدین مراتب، البسه مزیّن چینی پوشیده و بجای روسری، کلاه مخصوص بسر نهاده‌اند.

رقاصان و مطربان زیباروئی که در پیش پای عروس می رقصند آنها نیز البسه منقش چینی بتن کرده و کلاههای نخصوصی بسر نهاده و کفش های چستی بپا نموده‌اند.

تصاویر اطفال هم در آثار سیاه قلم اندك بوده و نمونه بیشتری دیده نمی شود، در یکی از این تصاویر اطفالی دیده می شوند که در کنار مادر قرار گرفته، و کلاههای قابلمه‌ای و پوستی بسان کلاه بزرگتران بسر نهاده و یا

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اینکه سر برهنه هستند، فورم البسه آنها، بسان بزرگترها است و رنگ لباس ها هم آبی و قرمز و آبی سیر می باشند.

صحنه دیگری که تصویر طفلی را نشان می دهد، بسان آبرنگ تابلوی درویش و فال بین مکاراست که طفلی را در کنار مادر نشان داده و معلوم داشته که کودکان نیز بسان بزرگتران، کلاه پوستی بسر نهاده و لباس و شلوار بلند می پوشیده‌اند.

«چهره و قیافه و تن پوش درویشان و قلندران»

درویشان را که در حقیقت می شود گفت به مادیات و ظاهر نمائی، بی قید بوده و حد اعتدال بین مردم عادی و سایر خانه بدوشان و چادر نشینان می باشند.

اغلب آنها البسه بلند و ضخیم و ناهنجار و پوشیده که تمام بدن را پوشانده است، آستین های آنها بسیاق البسه سمرقندی، بلند و افتاده بوده و از سر تا پا پوشیده و ستر عورت کامل و معمولی دارند. زنان درویش نیز که ندرتاً بین دراویش دیگر دیده می شوند، همگی ستر عورت کامل داشته و روسری های کلفت و ضخیمی بسر دارند.

صورت و قیافه قلندران‌ودرویشان تا حدی شادمان تر و خوش به حال تر دیده می شوند که ریش و سبیل بلند و در مواردی ژولیده داشته و دست و پایشان بزرگ و ناخن های بلندی دارند، سایه صورت ها و البسه آنها، بسان سایر آثار سیاه قلم رگه دار و لایه‌ای بوده و دارای سایه‌های برآمده‌ای می باشند. کلاه درویشان تقریباً یکسان و یك مدل بوده و مثل کلاه های متنوع افراد عادی نمی باشند.

ریش و سبیل همگی، بلند و ژولیده و قیافه‌ها مخمور و افتاده، ولی عمیقاً حالت عرفانی داشته و متفکر به نظر می رسد.

عمده آنها عصا بدست گرفته و تنها کشکولی که در یکی از تصاویر بدست درویشی آویخته گشته، تنها نمونه کشکولی است که در آثار سیاه قلم رویت گشته است.

کفش درویشان، از نمونه‌های معمولی مردم عادی بوده ولی بعضی ها، با پای برهنه و پیاده راه می روند، درویشان انسان هائی فارغ البال و عادی بشمار آمده و حرکات زشت و زننده‌ای اعمال نمی دارند، و همیشه در جمع یکدیگر قرار گرفته و با همدیگر نجوا و صحبت می نمایند، بعضی از قلندران، بجای البسه ضخیم، پوست ببر و پلنگی، تن پوش کرده و راحت تر از سایر درویشان می باشند. این پوستین پوشان، بجای شلوار، شلیته‌ای به پا کرده و یکی کشکول درویشی بدست دارد.

در تصویر دو درویش دیگر، یکی از آنها پوست پلنگی بدوش انداخته و کلاه پوست پلنگی بسر نهاده، و شلیته پوشیده و پا و دست بزرگی دارد این درویش، دارای ریش و سبیل ژولیده بوده و در دستش یك اسباب مخصوصی دیده می شود که بعید نیست وسایل حشیش کشی باشد، بطوریکه میدانیم بعضی از دراویش مواد مخدر مصرف نموده و حشیش می کشند. این گروه از دراویش را در قدیم، گروه قلندران خزپوش و یا خس پوش و یا حشیش پوش گفته و از سایر درویشان مجزا می ساخته‌اند.

«چهره و تن پوش شامان هاShamans و خانه بدوشان»

دیگر افرادی که در آثار سیاه قلم مشاهده می شوند، گروه شامان ها ۴ هستند که ما لفظ حقیقی و مناسبی، در زبان فارسی به آن گروه را پیدا نکرده‌ایم و اگر بگوئیم که این افراد، کولی های محلی بوده که اغلب به طریقه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

جادو جنبل متوسل شده و داروهائی برای بچه‌دار شدن زنان نازا و دل درد و دندان درد و سایر نکات دیگری که با قوانین علمی منافات دارند و تنها جهت فریب افراد ساده و عامی بکار می روند، دراختیار داشتند و به همین طریق طی منازل کرده و زندگی را به عیار خانه بدوشی سپری کرده و در یك جا و یك محل نمی ماندند.

صورت ها و قیافه شامان ها، تا حدی شبیه صورت دیوها بوده و رنگ های سرخ پوستی دارند. حالت چشم ها و وضع ظاهری صورت ها، خشن و ترسناك بوده و حالت برافروختگی دارند، در بعضی موارد رنگ پوست و اعضاء دیگر، با یکدیگر فرق می کند، مثلاً در یکی از آن تصاویر، شامانی که با رنگ روشن تصویر شده و با شامان سیاه پوستی صحبت می کند و شال آبی، به گردن بسته و ستر عورت سیاه به تن نموده و تخم چشم آبی رنگی دارد و نژاد اصلی اش با سایر شامان ها فرق می کند. سایه های صورت و بدن و دست و پا و روی شکم، بسان سایر آثار سیاه قلم رگه‌دار و لایه‌ای بوده و با سایه‌های دیگر فرقی ندارند. دست و پایشان نیز، به مثابه درویشان بزرگ بوده و ریش و سبیل ژولیده و درهم برهمی دارند. شامان ها اغلب سربرهنه‌اند، تنها در چند مورد، کلاه مخصوصی بسر نهاده‌اند که پوستی بوده و بسان کلاه های افراد عادی و هراتی است.

مسئله عمده‌ای که دربین تصاویر شامان ها دیده می شود، شامان های سیاه پوستی هستند که به نسبت سایر تصاویر دیگر سیاه قلم، دربین این گروه بیشتر دیده می شوند.

بقایای نسل شامان ها، که حالیه در اطراف آذربایجان مخصوصاً شهر خوی دیده‌ام، گروه خانه بدوشانی هستند که به آنها (قره‌چی) می گویند، البته درست معلوم نیست به چه دلیل این اصطلاح درباره آنها معمول شده و اصل و منشاء قره‌چی ها چه بوده‌است، و چون معنی لغت قره در ترکی (سیاه) است و بعید نیست که این افراد بازماندگان شامان های مقیم سمرقند و هرات بوده است و اغلب آنها نیز چون سیاه بوده‌اند، این نام (قره‌چی) نام مناسبی بوده که به اعقاب آنها اختصاص یافته است.

زنان در رده شامان ها، بسان زنان دراویش هستند و چون فرقی با زنان دروایش ندارند، نمی شود این دو فرقه را از یکدیگر متمایز ساخت، در تصویر دو شامان سفید و سیاه که پهلوی هم نشسته و یکی از آنها چیزی می خورد و یا معجون حشیش به دهان گذاشته و می جود، زن پیر و پشت خمیده‌ای که به عصا تکیه کرده و به صحبت آنان گوش می دهد، بسان زنان فرقه دراویش است که البسه بلند و ضخیم پوشیده و چادر کلفت بسر کشیده و قیافه نیز، درشیوه همان زنان مذکور است، دو زن دیگر که شاید از شامان ها باشند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و صحبت می کنند.

این دو زن نیز، البسه کلفت و روسری ضخیمی دارند و کفش هایی که به تن کرده اند، در اغلب پای زنان دیگر نیز دیده می شود، بدین جهت می شود گفت، که زنان دراویش و شامان ها درآثار سیاه قلم یك شیوه بوده و فرق چندانی با هم ندارند.

۴ـ شامان ها پیروان دینی هستند که در شمال آسیا بین افرادی که‌از نژاد فنلاندی و تارتاری هستند ایجاد شده و رئیس این دین را شامان می گویند.

شیبه این دین یکی هم در شمال آمریکاست و کسی است که حکیم آن قبیله است و بقیه افراد از لحاظ دینی نیز به آن ایمان دارند و او را شامان می نامند.

افراد پیرو این دین کسانی هستند، که به دنیای بعد از مرگ و وجود آسمان های زیاد و دنیاهای دیگر و دنیای زیر زمین، اعتقاد دارند و رئیس وحکیم این قبایل را شامان می گویند.

این حکیم و رئیس قبیله و به اصطلاح شامان، باوردها و جادوهایی که بلد است، با دشمنان انسانی و بدی ها و شیاطین می جنگد و مریض ها را شفا می دهد و اگر بخواهد، باران می آورد و سرنوشت و پیشگوی عاقبت شما را نیز می داند و به افراد بازگو می نماید.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حالات روحی شامان ها، گواینکه در بعضی موارد، عصبانی و خشمناك بنظر می رسند، ولی گهگاهی صورت های شادمانی دارند و درمواردی از شادی و شعف دستمالی به دست گرفته، درجای خود می رقصند و دست ها را نیز حرکت می دهند، در تصویر دیگر، یکی ساز مخصوصی به دست گرفته و شامان دیگر دست میزند البته ممکن است این شامان ها جای خود را به منازعه داده و صحنه‌ها عوض گردد.

در تصویر دو شامان که تا حدی قیافه آنها نزدیك تر به قیافه وحشتناك دیو ها است برای به دست آوردن پارچه سفیدی که گویا دستار سر یکی از آنها است، به نزاع پرداخته‌اند.

این دو شامان که یکی رنگ قهوه‌ای سیر و دیگری رنگ سیاه دارد، کلاه مخصوصی بسر نهاده و با یکدیگر در ستیز می باشند، دو شامان سیاه پوست دیگر، که قیافه ها بسان دیو ها است، پشت سر هم ایستاده که یکی از آنها لباس بلند و سفید پوشیده و دیگری لباس بلند و قرمز رنگ به تن کرده است، در دست یکی ازآنها، ظرفی دیده می شود که رنگ قهوه‌ای روشن دارد، این افراد نیز پا برهنه بوده و یکی از آنها از درگیری دو نفر دیگر ترسیده، خود را به دوست خود چسبانده و منازعه را تماشا می کند.

به غیراز شلیته‌ای که به پا نموده‌اند، تنها تن پوشی که اغلب استفاده می نمایند، پارچه بلندی بسان شال گردنی است که به پشت انداخته و آویزه آنرا به روی دست ها قرار می دهند، و رنگ اغلب این پاره‌ها نیز آبی می باشد.

از وسایل زینتی که شامان ها استفاده کرده‌اند، به غیراز عصایی که بعضی از آنها در دست دارند، دست بند و پابند طلائی است که تنها می شود، در یك نمونه مخصوص مشاهده نمود.

(ترسیم حیوانات و پرندگان)

سیاه قلم در ارائه تصاویر حیوانات ابتکاری نشان داده و حالات و حرکات آنها را در موقعیت گوناگونی به رسم آورده، مثلاً تصاویر اسب ها، اغلب افتاده و افسرده و پوست شکم رگه‌دار و بعضی آنها را از روبرو و پشت سر حیوان به شیوه مخصوص و استادانه ای نقش نموده و در مواردی دهن برگشته ارائه داده و نعل ها جملگی طلایی و درخشان است، و در محل دیگری به اصطلاح اسبی خر غلت می زند و یا در چشمه‌ای آب می خورد و در موضوعی دیگر اسب ها را در مجالس شادمانی و عروسی نشان می دهد که در هیار دیگر نقش بسته و یا این که مهتری اسب را تیمار می کند و در صحنه دیگر اسب ها را با سوار کار ها نشان می دهد که به شکار می روند و در نقش دیگری که گویا، خواسته است قدرت دیو ها را نشان دهد، دیوی رامی بیند که اسبی را به بازوان گرفته و با خود حمل می نمایند.

اسب ها در بعضی از نقوش سیاه قلم، کوتاه و کم جثه و درهیار قاطر و یابوها نقش شده و در نقوش دیگر، با جثه سوارکار تناسبی ندارند.

در ارائه سر و کله اسب ها که کروکی سه نمونه آنها را ترسیم کرده‌ام می خواسته حس ابتکار و نوجوئی خود را، درشیوه نو آور خود مجسم ساخته و شیوه‌ای باب روز نماید که به تحقیق مایه برداشت نقّاشان مدرنیست قرن بیست قرار گرفته و بخصوص صورت های دو سطحی پیکاسو که صورت را بدو سهم مجزا تقسیم نموده، صراحتاً از ابتکار استاد سیاه قلم سود جسته‌است.

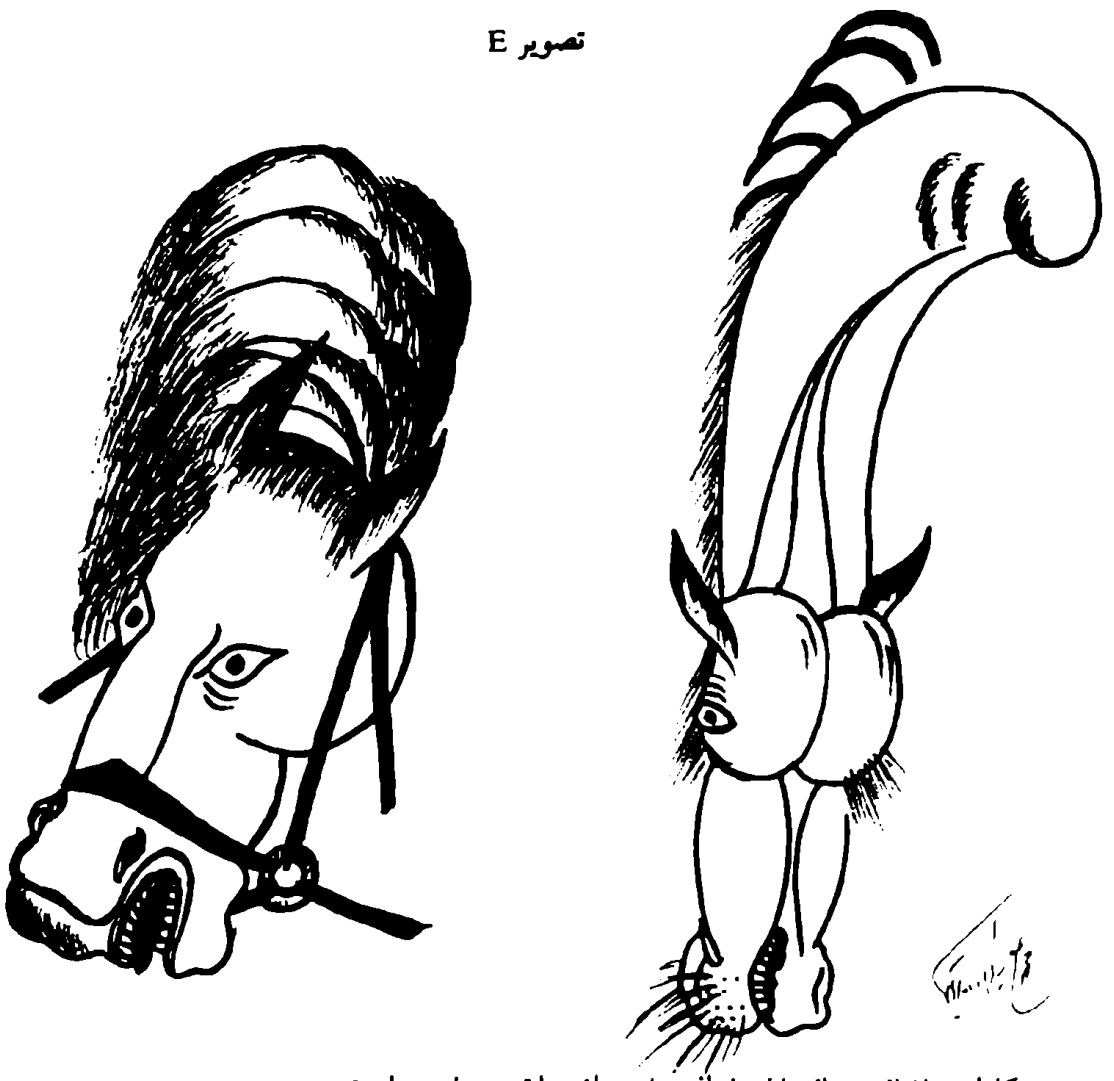
دوطرح ساده کله اسب ها را که از بین تصاویر سیاه قلم انتخاب کرده‌ام در تصویر (E) ملاحظه می نمائید.

تصویر شیرها تا حدی عادی و متناسب بوده و از قد انسان هایی که در جنب آنها قرار دارند بزرگتر نقش یافته‌اند. گاوها نیز به همین نسبت کوچکتر نقش شده و تناسب حقیقی، رعایت نگشته است. در بین حیوانات ترسیمی، گاهی تخیل خود را به دنیای افسانه‌ای برده اژدها وسیمرغ و سایر حیوانات دیگر را در بین آثار خود گنجانده است، در موارد دیگر جمع اژدهای قوی هیکلی را، از جمع انسان و حیوان خلق نموده و در حقیقت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر E



مجموعه کاملی، از انبوه جانوران مختلف را در یك جا ترسیم نموده است.

دیگر از انواع جانوران که درآثار سیاه قلم جلب نظرمی نمایند، حیواناتی است که در جمع بعضی مناظر و موضوعات گوناگون نقش بسته اند، مثلاً چند عقاب تیز پروازی، به دست شکارچیان دیده می شوند و یا یك گاو کوهان دار را که پوست قهوه‌ای و بنفش سیر دارد، افساری به گردنش بسته شده و توسط دو نفر کشیده می شود و یا شتری به رنگ قهوه‌ای تیره که مختصر رنگ آبی نیز علاوه گشته، نقش نموده و جهت ارائه مهارت خود، حیوان را از پشت سرنشان داده است. و یا گاوی را در حالت بسیار استادانه و طوری در کنار اربابش ترسیم نموده که گوئی با یکدیگر حرف می زنند و یا شیر و گاوی را که به یکدیگر خیره شده و حالت نزاع پیدا کرده‌اند، به کمال قدرت و شیوه غیرمعمولی زمان، تصویر نموده که در نوع خود کامل عیار بوده و ستودنی می باشد.

دیگر حیواناتی که در نقوش سیاه قلم دیده می شوند یابو های گوناگونی است که بحالات مختلفی نشان داده، مثلاً یابویی که پارچه‌ای به گردن دارد مشغول حمل خیك آبی است و یا یابوی دیگری که بسیار نحیف است، نفاله می ریزد و یا یکی از آنها مشغول علف خوردن است و دیگری که تقریباً سرحال و شاداب است خری به رنگ سیاه است که شخص تنومندی، با ریش بلند و کلاه قابلمه‌ای و البسه بلند و رگه دار، بروی وی سوار شده و عازم محلی می باشد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

روی هم رفته حیوانات گوناگونی که در آثار استاد سیاه قلم ترسیم یافته‌اند، متنوع بوده و مؤید این نکته است که نقّاش آن حیوانات را در حین عبور و یا اتفاقی درمحلی دیده و چون حالی داشته، نقش نموده و در بعضی مراحل، موقعیت آنها را نیز در شیوه مشکل تر ارائه داده‌است.

در هرحال حیوانات و پرندگان و خزندگان افسانه‌ای که در آثار سیاه‌قلم دیده می شوند عبارتند از اسب و قاطر و یابو و خر ـ گراز ـ شیر ـ ببر ـ پلنگ ـ گربه‌وحشی ـ خرس ـ میمون ـ روباه ـ خرگوش ـ لاك پشت ـ گاوهای مختلف در اشکال متنوع و قوچ و بز های پر دار و افسانه‌ای ـ اژدهای قوی هیکل افسانه‌ای ـ آهو و شترهای مختلف سگ و تازی و مار ـ شیوه گرفت و گیر شیر وآهو و از پرندگان طوطی ـ مرغان شکاری ـ باز و شاهین ـ مرغابی ـ مرغ ماهی خوار یا لك لك ـ پروانه و حشرات دیگر هستند که به مناسبتی در بین تصاویر جلوه‌گر گشته که ارائه و شرح تمامی آنها، در این مختصر نمی گنجد.

ابتکار دیگر هنرمند، در جانور سازی، شیوه ابتکاری نوظهوری بوده که تا آن موقع کمتر نظیرش را می شناسیم، مثلاً سگ و خرسی را در جوار هم نقش نموده و به حالت گردونه‌ای جلوه‌گر ساخته که نظر نقّاش و محتوی هنری آن، نامعلوم است، در بعضی موارد حیوانات را نیز بسان انسان های رنجدیده، علیل و ناتوان ساخته و نقص و رنج آنان را آشکار نموده است. و در مواردی حیوانات را هم عیار سایر همراهان، نقش نموده و بطور مثال سگ اصحاب کهف را که به نام قطمیر نامیده می شد، در جمع یاران و حالت خواب و افسردگی نقش نموده و در گوشه‌ای نشان داده‌است. و یا توله سگ های ولگرد دیگری رانیز می بینیم، که افسرده و بیحال درکنار نقشی عریان ساخته‌است.

در نقوش دیگر، جنگ و گریز حیوانات و گرفت و گیر جانوران را با حالت ماهرانه‌ای مصور ساخته و هر دو شیوه قدیم و جدید خود را یك جا ظاهر نموده، مثلاً در تصویر جنگ آورانی که به شیوه و البسه و قیافه چینی ساخته شده، اسب های سوارکاران، چابك و چالاك و خوش تراش هستند، بعد به حیطه صلح و صفا رفته، یابوی رام شده و اهلی را می بینی که مشغول باربری است.

پرنده سازی سیاه قلم، علاوه بر پرندگان تخیلی و افسانه‌ای که شیوه مخصوص نقّاش را در بردارند، بقیه درشیوه چینی ها عمل آمده و جملگی در عیار سبك های قدیم است.

تنوع پرنده ها، در نقوش بجا مانده نقّاش زیاد دیده نمی شوند، اغلب پرندگانی که در جزو آثار وی جلوه‌گر است، مرغ کاکل بسر و چند نوع دیگراست که بسان استاد شیخی، خوش آفریده و رنگ ها را استادانه و چشم آذین انتخاب کرده و حالت شادمانی و نگرانی پرنده را به استادی، ظاهر ساخته است.

درمناظر دیگر، مرغابی های پر جنب و جوشی را می بینیم که به حالت طبیعی و رنگ های پخته ترسیم کرده و مهارت خود را در پرنده سازی به منصه ظهور رسانده‌است.

شاهین و باز شکاری که در بعضی از زمینه‌ها و مناظر تزئینی ارائه داده، به تمام معنی پرحالت و استادانه بوده و به قدرت قلم به‌نقش در آمده‌اند.

(حالت و چهره دیو ها)

دیو ها که درافسانه ها و قصص قدیمی و روایات و داستان های عادی ایرانی، به نام دیو و جن و طایفه ابلیس و شیاطین و هیولا های عظیم الجثه نامیده می شوند، یکی از موضوعات مورد نظر استاد سیاه قلم است که به نحوی از انحاء در آثار متنوع وی دیده می شوند، این ذیروحان خیالی و افسانه‌ای، موجودات خارج از مرحله آدمیزادی هستند که به نام های گلیم گوش ها و یا سگ سرها دراسناد قدیمی دیده شده و هر هنرمند قصه پردازی،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

به عیار تخیل و برداشت فکری خود، آنها راشرح و بسط داده و جزو آثار خود نشان داده‌است. در قصص قدیمی و زندگی کیومرث که ازمنابع مورد نظر اغلب محققین ایرانی است، دیوهارا چنین توصیف نموده‌اند.

«علماء تواریخ اکثری چنین گویند که دیو و پری دراوایل بر بنی آدم آشکار بوده و یکدیگر را دوستی و دشمنی و حرب با دیوان ظاهر بودی تا به وقت نوح، بعد از طوفان بر خلق ناپدید شدند و درایام کیومرث لباس آدمیان از جلود حیوانات بود و مردمان از دیوان در زحمت بودند، او خلایق را از ظلم ایشان خلاص داد و دیوان را از آبادانی ها براند و جناح عدل و احسان برسر بنی آدم به گسترد و درکشف ظلمات متظلمان و قضاء حوایج ملهوفان مبالغت نمود»

بعید نیست دیو ها، همان گوریل های تنومندی بوده که در ازمنه قدیمه، کسانی که در جنگل ها مشاهده نموده و چون اطلاعاتی دراین زمینه نداشته‌اند، او را موجودات خارق العاده‌ای تصور کرده و به نسبت ابتکار و ذوق و تخیلات واهی خود، در قصه ها و داستان ها توصیف کرده اند. واگر موجودات کاتاماند و یا آدم های برفی را درنپال باور بداریم، بعید نیست همین موجودات نیرومند، که دائماً با صفات انسانی درجنگ و جدال بوده‌اند دیوهائی باشند که شعرا و نقّاشان وسایر هنرمندان قصه ساز، آنها را شاخ و برگی داده و در داستان های غیر حقیقی خود بسط و شرح داده‌اند.

رستم پیل الکن که درافسانه های شاهنامه، سمبل نیرو و قدرت بوده، با جماعت دیوها و شیاطین همیشه در نبرد بوده کما اینکه کلّه وحشتناك دیو سفید را که به دست خود به قتل رسانده به نشانه پیروزی، بسر نهاده و مایه مباهات وی بشمار آمده‌است.

استاد سیاه قلم نیز با تبعیت از داستان های قدیمی که به خاطر داشته و چه بسا افراد بخصوصی که در زندگی دیده و حالات و سکنات آنها را بررسی کرده و قیافه ظاهری و باطنی آنها را سنجیده و با جماعت دیوها درآمیخته و تصاویر ابتکاری خود را بشکل نوظهوری ظاهر ساخته و درآثار خود به شکل ابتکاری نمایان ساخته‌است.

دراین تصاویر، دیو ها دارای ریش و سبیل بلند و ژولیده و قیافه‌های وحشتناك و ترسناکی هستند.

دیوها به غیراز قیافه ناهنجاری که دارند، دارای شاخ های مختلفی ازقبیل شاخ های تنها و شاخ های قرینه‌ای بسان حیوانات و شاخ های شاخك داری بسان آهوان، که در مواردی آنها را قطع کرده و کوتاه نموده‌اند دیده میشوند.

رنگ چشم ها سرخ و وحشتناك و از حدقه بیرون آمده و خون گرفته است، پوست بدنشان پر مو و خالدار بوده و در مواردی چنان پرپشت است که بسان یال های اسب به اطراف افتاده است.

جمله دیو ها دارای دم بلندی هستند که اغلب آنها خال خال بوده و درموقع راه رفتن به پای آنها می پیچند. گوش های آنها بسان گوش یابو و دهانشان گشاد و دندان هایشان بیرون است، دماغ آنها عقابی و منقاری و پاهایشان کلفت و ناخن هایشان بلند است، در بازوها و پا های خود، بندهای فلزی محکمی دارند که بند کشیدن و مهار نمودن آنها را آسان تر می نماید، گوشواره و سینه بند و بازوبندی نیز در همین عیارها دارند که اغلب آنها طلایی بوده و به عنوان زینت و زیبائی، در نقاط مختلفه بدن آنها به کار گرفته شده است.

در پاهایشان زنگوله‌ای آویزان است که حضور آنها را در بین مردم اعلام می دارد، جمله وسایل زینتی که به عنوان آرایش، به تن دیوها نصب گشته‌اند، اغلب طلائی و مزین و گران قیمت هستند. تن پوش های آنها بسان شلیته‌های معمولی کوتاهی است که از پارچه های زمخت تهیه شده و تنها به خاطر ستر عورت استفاده می شده است. پوست بدنشان لایه‌ای و رگه‌دار بوده و به گونه پوست گرگدن ها می ماند. سرگرمی و کارشان بارکشی و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اجرای کارهای سنگین و پر زحمتی است که از عهده انسان ها بر نمی آید.

در تصاویر سیاه قلم، دیوها کجاوه‌ها را به دوش می کشند و سورسات خزانه و ملزومات سنگین و پربها را از محلی به محل دیگر می برند، و در جمله اجرای این وظایف، که به جای حیوانات، بکار گرفته می شوند، دست و پایشان در بند بوده و تحت نظر افراد مسئول می باشند.

دیو ها بسان اندیشه های تخیلی، از عهده همه کارها بر می آیند و حتی به معیار قصه‌های قدیمی و اساطیری، می توانند در فضا پرواز نمایند، خلاصه به فکر و تخیل هر شخصیتی، کارهای ناممکن را که انسان ها از عهده انجام آن عاجز می باشند، دیوها به قدرت بازوی خود آن مهم را به فرجام می رسانند.

سرگرمی مخصوصی که بعداز انجام کارها دراختیار دارند، یا با همدیگر کشتی می گیرند و یا اینکه به نزاع پرداخته و یکدیگر را زخمی می نمایند، دراین حربه‌ها، اغلب از گرز و قمه و پای گاوی که که آرایش طلائی زینت یافته و دستگیره محکمی به آن الصاق گشته، استفاده می نمایند، واگر فراغتی ازاین کارهای حیوانی داشته باشند، کمانچه‌ای به دست گرفته و ترنم آغاز می نمایند، بطور خلاصه می شود گفت که هیبت و قیافه دیوهایی که سیاه قلم به رشته تصویر درآورده، در حالت استثنائی بوده و قبل از وی بدین شیوه و شمایل دیده نشده اند. و بعید هم نیست، علت ارائه چنین تصاویری، برداشت طنزآمیزی از افراد زرخرید و غلام سیاه های درمانده و یا جماعت اشقیا در مغولستان بوده و با این شیوه ابتکاری، توانسته است مصائب و بدبختی های آنها را در مقابل ظلم و ستم اربابان، به منصه دیدار مسئولان برساند.

(گل آرائی و منظره پردازی)

از آثار منظره پردازی و گل آرائی سیاه قلم، نمونه چندان زیادی به دست نداریم و به غیراز چند اثر منظره پردازی که گل و شکوفه و پرندگان را نیز در بردارند، بقیه آنها، در ذیل مناظر زمینه ارائه گشته که چندان پر کار نبوده و ساده به نظر می رسند.

نقش درختان و بعضی مناظر و گل آرائی وی درشیوه مخلوط چینی و هراتی است ولی ارائه سنبل و گیاهان وحشی و درمواردی نقش ابرها «چین دومانی»، در مکتب تذهیب کاری هراتی است.

نمونه های بسیار شبیه این آثار را، غالباً در کنار صفحات نسخه‌های ارزشمندی که نقّاشان هراتی زمان سیاه قلم، حل کاری کرده و جمع حیوانات رانیز برآن علاوه نموده‌اند، به کرات مشاهده کرده‌ایم.

در گل آرائی، بسان استاد شیخی از شیوه چینی استفاده برده و مخصوصاً درگل سرخ، به عینه شبیه کار استادان چینی عمل آورده که نمونه‌های عالی آنرا، نقّاشان چینی دیگر نیز، به روی پارچه‌های رنگی نقش نموده‌اند.

در بعضی از تصاویر، درخت هایی را با گل های درشت و برگ های سرسبز، مشاهده می کنیم که در شیوه خاص هنرمندان چینی عمل آورده و در نقش دیگر، درخت های لخت و بی برگی را نظاره می نمائیم که در شیوه هراتی بوده و نقوش رویه جلد های سوختی هراتی را به خاطر می آورند.

در جنب گل آرائی ها و منظره پردازی ها، شاخه نهال های میوه داری نیز ترسیم نموده و از شاخه‌های سیب و هلو و یا میوه‌های دیگر برداشت نموده و عین طبیعت را به نقش درآورده است و دراین گونه گل آرایی ها، برگ ها تا حدی بلند و کشیده بوده و رگه‌های نازك برگ ها، بطور وضوح و ماهرانه دیده می شوند.

ساقه ها و حالت افت و ایستادگی آنها، در شیوه چینی است و در بعضی موارد، فورم برگ ها عوض شده و فاصله رگ برگ ها تا حدی زیاد تر شده است، در هرسه نمونه این نهال ها، مرغ های رنگین و شانه بسری که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در کمال استادی و چشم نوازی نقش یافته‌اند، درشیوه چینی ساخته شده و با هنر استادان آن سامان برابری می نمایند.

تنها نمونه‌ای که در سایر مناظر دیگر رویت نشده، مرغ شانه بسری است که بعید نیست این مرغ های شانه بسر، از پرندگان بومی شهر هرات و سمرقند بوده که نقّاش از وجود آنها دراین منظره پردازی سود جسته‌است.

گل ها و شاخه برگ های دیگری نیز، در زمینه بعضی ازکارهای نقّاش مشاهده می گردند که اغلب آنها گو اینکه موضوع اصلی نقّاشی نبوده ولی از مهارت و استادی بیشتری برخوردار بوده و نقّاش توانسته است با حوصله تمام، جمع بوته‌ها و علف های خودرو و گل های وحشی را به نحو چشم نوازی، در کناره‌ها نشان داده و صحنه تصویر را پیرایش دهد.

شیواترین اثر هنرمند که انواع شاخ و برگ ها و شکوفه‌ها و علف های هرزه و درختان بزرگ و کوچك را نشان داده، مجلس شکار پرمهارتی است که دو سوارکار ورزیده، در صحنه شکارگاه به شکار پرداخته و به تك و پو مشغول هستند.

در این شکارگاه، به جای حیوانات اهلی، چند اژدهای سهمناکی کمین گرفته و هرکدام پشت درختی مخفی گشته‌اند، و چند سیمرغ و عقاب نیز، در هوا پرواز می نمایند.

در جنب این حیوانات تخیلی، چند خرس وحشی و چند مرغ رنگین و حتی دو سه پروانه زیبا که چند برابر اندازه حقیقی شان نقش گشته‌اند، دیده می شوند.

دراین مجلس پر ازدحام، حرکت حیوانات و مسیر طبیعی درخت ها و برگ ها و حتی لغزش ابرها نیز با یکدیگر هم اخت بوده و به اصطلاح هر نکته‌ای درجای خود خوش نشسته است.

این نمونه نیز، مهارت و استادی نقّاش را قبل از تحول شیوه جدید، نشان داده و معلوم می دارد که استاد سیاه قلم، یکی از استادان پرمهارت شهر هرات بوده و همین مهارت ها است که بعدها در حل کاری و گرفت و گیر حیوانات بروی جلدها و سایر آثار تزئینی هراتی، تأثیر بسزایی گذاشته و صنعت جلد سازی و تذهیب و حل کاری را، رونق بخشیده‌است.

شیوه ابتکاری دیگرش که به عقیده حقیر، بعید نیست منشاء شیوه گرفت و گیر حیوانات باشد، ترسیم دو گاو یا دو قوچ شاخداری است که در تلفیق درختان بی شاخ و برگی، که از باد خزان آسیب دیده و گسسته گشته‌اند، در کمال مهارت و قدرت قلم به نقش در آمده و ابتکار غیر قابل انکاری را به شیوه هنر تصویرسازی هراتی، علاوه نموده است.

(طرز رنگ آمیزی و تنوع آنها)

رنگ های تصاویر سیاه قلم درحد خود، استادی تابناکی داشته و چه تیره و چه روشن و چه رنگ های آمیخته، طوری بکار برده که انسان از دیدنش خسته نمی شود، اسکلت رنگ آمیزی وی از چند قسمت سیاه و آبی و قهوه‌ای وقرمز و سیاه طلائی و سایر رنگ های مخلوط است که نمی شود موازنه‌ای، در مصرف رنگ ها به دست آورد، ولی عمده رنگ های مورد مصرف نقّاش، سیاه و قرمز آبی و زرد است که در بعضی موارد، رنگ های آبی سیر و آبی روشن نیز به انتخاب و سلیقه نقّاش علاوه گشته که جلوه اثر را مجلوب تر نموده است.

علاوه بر مصرف تك رنگ ها، رنگ قهوه‌ای آجری، زیاد کار کرده و در مواردی، رنگ ها را به هم درآمیخته و یك پاتن استادانه‌ای به اثر بخشیده است.

در انتخاب و مصرف بعضی از رنگ ها، شیوه رنگ آمیزی چینی بکار برده ودر حد خود و در کمال استادی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

موفق گشته‌است.

بطور کلی در جمع رنگ آمیزی، که می شود گفت که، در آثار سیاه قلم، چشم آذین و سنگین و متین و در مواردی تند و بسیار خشن و در بعضی از آنها روشن و فرحناك، به عبارت دیگر نقّاش خواسته است که با رنگ ها بازی کرده و به همان نسبت و معیاری که در ابتکار طراحی نقش ها مهارت داشته، درانتخاب و بکار برد رنگ ها نیز، مهارت و چربدستی خود را ظاهر ساخته و رنگ ها را خارج از اصول و بکار برد زمان خود، جلوه‌گر ساخته‌است.

در رنگ آمیزی سیاه قلم، گواینکه مقدار زیادی رنگ های روشن به کار برده، ولی اصولاً رنگ ها کدر و تیره مخلوط بوده و حالت بخصوصی را دارا هستند. و شاید علت اینکه، او را سیاه قلم می گفته اند، این بوده که نقّاش، با قلم مو کار می کرده و از رنگ های تند و تیره استفاده می برده و احیاناً طراحی های خود را که از محیط اطرافش استفاده می کرده، به سیاه قلمی طراحی می نموده و رنگ آمیزی و اصلاح آنرا، موقعی که فرصتی داشته، تکمیل کرده و به پایان می رسانده است.

(زمینه سازی)

زمینه سازی سیاه قلم به نسبت موضع و سایر امتیازات دیگر تغییر پیدا می کرد، مثلاً مواقعی که به شیوه قدیم و خارج از شیوه ابتکاری جدید، نقش می ساخت، مختصر تپه و بلندی با گیاهان وحشی را نشان می داد و در مواردی چند، درخت کوچك و بزرگ نیز به جمع سایر مناظر علاوه می کرد.

در اغلب زمینه‌های تصاویر، تك نهال های سبز و گل های وحشی و در بعضی موارد، بسان زمینه سازی نقوش چینیان عمل می آورد و بوته های خشك و تکیده را در زمینه اثر خود ارائه می نمود.

در زمینه سازی ابتدا درختان پر برگ و نهال ها و علف های متنوع که عموماً دارای برگ های پهنی بوده و اغلب شبیه برگ های شاه بلوط ها که در زمینه اسکناس های چاپی دیده می شوند، جلوه‌گر می ساخت و سپس انواع حیوانات و پرندگان را درلابلای برگ ها ارائه مینمود.

تناسب درختان و مسیر حرکت جانوران توازن استادانه‌ای دارند و در مواردی که جا خالی مانده‌اند، با ابرهای لغزنده و «چین دومانی» «ابرهای چینی» پر کرده و حالت رویائی به تصویر بخشیده است.

قدرت قلم نقّاش در نمودار ساختن برگ ها و علف های هرزه و گل های تزئینی و بخصوص در نمود درختان متنوع، به قدری استادانه و ماهرانه است، گواینکه موضوعات با یکدیگر هم الق نیستند ولی جلوه استادانه‌ای داشته و مورد تحسین قرار می گیرد.

جمع حیوانات متنوع، در صحنه دشت و دمن بقدری ابتکاری و غیر مترقبه است که بیننده را به دنیای افسانه‌ای برده و نقش تصاویر را خواب و خیال فرض می کند.

ابتکار پر قدرت نقّاش تاحدی است که در پهنه پهناور مناظر، میمونی رامی بینی که دروسط بیابان زیر درختی نشسته و ظرف شکستنی بزرگی را به دست گرفته و می خواهد به میمون بزرگتری که در بالای درخت نشسته است تحویل بدهد.

از نکات عمده‌ای که، در ذیل زمینه‌ها جلب نظر می نماید، تصویر گنبد های مذهبی بسان گنبدهای امامزاده ها و یا زیارت گاه‌های بین راه است که در شیوه هراتی و سمرقندی نقش نموده که با گنبد سازی ملل هم جوار، فرق هائی دارند. در کنار یکی از گنبد ها، علم و کتل مذهبی دیده می شوند که قوتازهای بلندی، در کناره‌های آن آویزان گشته و نمودار معابد اسلامی هستند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زمینه نقوش، در ارائه تصویر عادی و دیوها و درویشان و خانه بدوشان، که از تجمل پرباری بهره‌ای ندارند، ساده بوده و ندرتاً چند شاخه خشکیده و یا تکه رنگ های ناهم آهنگی است که در زمینه تصویر علاوه شده و نامأنوس به نظر می رسد.

در مراحل دیگر، که موضوعات غنی تر و پرکارتر گشته‌اند، زمینه‌ها نیزفرق کرده و به نسبت های مختلف تغییر پیدا نموده‌اند. مثلاً در آبرنگ سفر دسته جمعی، که عازم محلی بوده و ظروف های چینی گوناگونی، به روی گاری نهاده‌اند، بوته‌ها و نهال های خشکیده و تکیده‌ای را، درافق دورتر تپه بلندی، نقش نموده و در کناره و پشت سرتپه نیز، امامزاده‌ای مصور ساخته که گنبد بیضی شکلی دارد، این بقعه مذهبی را با دیوار های آجری زیبائی محصور نموده که عده‌ای از اهالی نیز از پشت کوه‌ها ناظر صحنه هستند. و یا در نقّاشی خیل فرشتگان که با نیزه‌های بلندی به جمع اژدهاها تاخته‌اند، نظر نقّاش را که برداشتی از تفوق روشنی بر تاریکی ها است، به استادی برملا ساخته و انواع صخره‌های سخت را ارائه داده و در گوشه چپ نیز چهره دیو پر هیبتی را به روی صخره‌ای ظاهر ساخته که بعدها این شیوه‌ها درآثار نقّاشان بعدی هم کم و بیش دیده شده است.

در تصویر دیگری که میدان منازعه‌ای را نشان می دهد، زمینه تصویر پوشیده از بوته‌ها و سنگ ریزه‌ها است که گرد و خاك پای اسبان و سوارکاران را، بر آنها علاوه نموده و ندرتاً چندین تك درخت نیز هویدا ساخته‌است.

در زمینه نقشی که ارباب بر خر مراد سوار شده و مستخدم به دنبال وی راه می رود، یك درخت پر برگ و چند نهال و شکوفه‌های گلدار و پر برگی را ارائه داده و تپه ماهور زمینه را، باطراوات نشان داده است.

در زمینه تابلوی سفر شبانه، انواع علف ها بوته‌های ریز و درشتی، در زیر پای افراد نقّاشی شده و گل های متنوع وحشی و اهلی که شکوفه‌های دلچسبی دارند، علاوه نموده و در پشت تپه‌ها نیز درختان جنگلی پر انبوهی ترسیم نموده و معلوم ساخته که این سفر شبانه، در کناره‌های نقاط جنگلی انجام پذیرفته است.

(تنوع کاغذ)

در مورد نوع و فرم کاغذی که درآثار سیاه قلم به کار رفته، تنوع گوناگونی دارند که محتاج بحث های طولانی است ولی عمده آنها، کاغذ های آهاری گوناگونی است که در اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰ هـ. قـ. متداول بوده و بعید هم نیست که آن گونه کاغذ ها را از چین می آورده و نقّاشان از آنها استفاده می نموده‌اند.

بعضی از کاغذ های نقوش، فوق العاده سفید رنگ بوده که مختصر دوغاب سیاهرنگی به روی آن علاوه نموده و از حالت سفیدی خالص بیرون آورده‌اند.

دیگر کاغذهای مصرف شده کاغذهای سبز کم رنگی هستند که در آن دوران، به کار می رفته‌اند.

یك نوع دیگر، کاغذ های کلفتی بوده که با الیاف کلفت و خشن عمل می آمده و روی آن را آهار می زده، که به مرور ایام آهار آنها از بین می رفته و حالت بخصوصی ایجاد می نموده است.

بعضی از تصاویر بروی پارچه‌های نخی و ابریشم که با آهار مخصوصی عمل آمده و آماده مصرف بوده ترسیم شده که حائز اهمیت هستند.

دیگر از کاغذهای مورد مصرف سیاه قلم، کاغذهای آهار زده رنگی چینی است که به رنگ های سبز و بنفش و آبی و صورتی و یا آبی پر رنگ بوده که به روی بعضی از آنها پودر طلایی پاشیده شده‌است.

روی هم رفته می شود گفت که نقش تصاویر، بروی کاغذهای مذکور که در چین و اویغور عمل می آمده، انجام یافته که در مواردی صاف و هموار نبوده و شکننده بوده‌است.

در مورد نوع و اسامی کاغذهای قدیمی، که ممکن است کاغذهای مصرفی سیاه قلم نیز جزو آنها بوده باشد،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مصطفی عالی افندی، در کتاب خود، آنها را یاد کرده و چنین نوشته است:

بهترین کاغذ به ترتیب، ۱ـ دمشقی ۲ـ دولت آبادی ۳ـ خطایی ۴ـ عادلشاهی ۵ـ حریری سمرقندی ۶ـ سلطانی سمرقندی ۷ـ هندی ۸ـ نظام شاهی ۹ـ قاسم بیك ۱۰ـ حریری هندی ۱۱ـ لونی «رنگی» تبریز است که به رنگ شکر است که طرز کار کردن آن فقط توسط هنرمندان تبریز میسر است ۱۲ـ مخیرّ که آن نیز رنگ شکری دارد.

خلاصه کلام از کاتبان قدیمی، درباب کاغذها، این ابیات ضبط شده است.

بهترین کاغذ مجموع بلاد — از دمشق آمد و هند و بغداد
پس سمرقندی باشد مرغوب — آید از آمد هم کاغذ خوب
کاغذ جای دگر خشو بود — خشك و بی مایه و با نشو بود

«اثاثیه و ابزار کار»

اسباب و اثاثیه‌ای که در نقوش سیاه قلم به کار رفته شامل اثاثیه فردی و تزئیناتی و علمی و دفاعی و اسباب کار و لوازم ضروری است که به گونه‌های مختلفی در بطن تصاویر نقش بسته است.

وسایل علمی وابزار کار، برای ساختمان ها و اره نمودن و یا اندازه گرفتن آن از قبیل گونیا و شاغول طلائی و خط کش و کلنگ و طناب و زنجیرهای بزرگ جهت بلند کردن وزنه‌های سنگین و غیره است، که ابزار واسباب آن دوره را مشخص می سازند.

در نقش مصنوعات صنعتی بسان یك آرشیتکت و طراح، دقیق و پر وسواس بود و از روی نقوشی که با دقت و تعمق کافی به عهده نقش در آورده، حالیه نیز می شود از روی تصاویر ارائه شده، اشیاء را به همان ترتیبی که قبلاً بوده تهیه نموده و از نو ایجاد نمود.

درارائه پرسپکتیو گواینکه خام بوده و دقیقاً نتوانسته، تمام مراحل و جزئیات آنرا آشکار سازد ولی در نقش صندوق ها و سایر اشیائی که، احتیاج به پرسپکتیو داشته، تا حدی نزدیك شده وآنرا حسن نموده است.

دیگر وسایلی که برای مهمانی ها و سرگرمی های عمومی دیده می شوند، از قبیل مشعل های مختلف ـ البسه مزین و منقش و کفش ها کلاه‌ها و آفتابه و گلدان طلائی و سایر وسایل تزئینی طلائی و منقل آتش و وسایل آتش بازی ـ سایه بان سلطنتی ـ آرایش کجاوه‌ها، در حد خود استادانه بوده و جزئیات نیز در حد ممکنه عریان گشته است. و یا وسایلی که برای زینت انسان ها وحیوان ها و دیوها به کار رفته، از قبیل زنگوله طلائی گردن گاو ـ افسار طلائی شتر ـ محفظه طلائی و سنگین ـ دهنه وزین ها و یراق های قیمتی برای اسب ها و وسایل آرایش زنان، ازقبیل سینه بند و دست بند و گوشواره و کمربند و غیره ـ گل ها و شکوفه های مزین طلائی ـ انواع واقسام تزئینات برای اسب ها ـ کجاوه‌ها ـ دیوها و عصای درویشان ـ زنگوله دستی ـ شمعدان ـ بافت پشتی اسب ها ـ اسباب گوناگون و متنوع تزئینی طلائی که در دست دیوهاست، ـ دست بندها و خلخال پاهای دیوها ـ زنگ مخصوص دیوها که در حین رقص به صدا در می آورند ـ کشکول درویشی ـ زنگ ها و قاشقك های چوبی برای ترنم و آواز رقص ها، به کار رفته، تك تك آنها دقیق و متناسب تصویر شده و مؤید تیز بینی نقّاش هستند.

و همچنین در نشان دادن اسلحه های گوناگون ـ مثل شمشیر سوارکاری که روی شتر سوار شده ـ زوبین و کمان دان ـ شمشیر ـ قمه ـ نیزه ـ قمه کوچك دیو ـ گرز طلائی دیوها ـ قمقمه و سایر اسلحه‌های لازمه که از پای حیواناتی از قبیل پای شتر و خر و حیوانات دیگر استفاده می شده که بعد از دباغی و خشك کردن آن، با طلا و سایر فلزات دیگر آرایش کرده و محکم می نمودند و سپس زنگوله‌ای نیز بر آن علاوه می نمودند که در حین منازعه

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

به جای گرز و چوبدستی استفاده شود.

و یا سایر مایحتاج زندگی، ازقبیل هاون فلزی ـ طغار برزگ غذا ـ تویره‌ای که به دست گرفته‌اند ـ چکش و سندان ـ ظرف خمیر برای پختن نان ـ سرپوش فلزی ـ زنگوله طلائی گردن گاو ـ شلاق مولی ـ مچ پیچ سر عمله ـ گرز مخصوص اسب سوار ـ کمربند و کیف مخصوص ـ زنگ های بزرگ مسی که به چوب ها بسته‌اند ـ البسه مختلف ـ شال کمر ـ کمربند و نوع کفش ها و انواع کلاه‌ها ـ نوع و لوازم زینت آلات که عروس و داماد بر خود بسته‌اند ـ وسایل و ابزار رقاصه‌ها ـ وسایل معمولی دیوها و خانه بدوشان و قلندران ـ اسباب و ادوات و ظروف مختلف چینی و فلزی ـ تخت روان و کالسکه و صندوق های بزرگ که دیوها حمل می کنند ـ پوست حیوانات برای کلاه‌ها ـ ساز ساده دیوها که می نوازند و انواع تذهیب و طلاکاری و آذین بندی بروی لوازم کار و البسه و پارچه‌ها و کجاوه‌ها و اشیاء دیگر، بسان یك مهندس کار گشته دقیق و پر وسواس عمل آورده و کوچکترین نکته‌ای راازنظر نینداخته است. و در ارائه اشیاء دیوها و درویشان و خانه بدوشان گواینکه خود آنها چندان منقش و زینتی تصور نشده‌اند، ولی اشیائی که به دست گرفته، و یا وسایل کاری که با آن کار می کنند و یا زنیت آلاتی که برخود بسته‌اند، دقیق بوده و از ارائه جزئیات آنها چیزی کاسته نشده‌است.

در نقش ظروف واوانی و انواعی که درآن زمان ها باب بوده، بیشتر دقت نموده و چون در ساختن و لعاب دادن آن ها نیز دست داشته و حتی عمل نیز نموده و به گفته خوندمیر: «چند گاه همت برپختن چینی فغفوری می گماشت بعد از تجربه بسیار و ارتکاب مشقت بیشمار جسم ظروف واوانی که می ساخت با چینی بغایت شبیه گشت اما رنگ و صفایش چنانچه می باید نبود، هنرمندی ذوفنون بوده، درترتیب و رنگ آمیزی و لعاب دادن آنها، کمال بصیرت را دارا بوده است.

بطوری که دراسناد قدیمی یاد شده، صنعت چینی سازی، در حدود سالیان ۸۳۴ هـ. قـ.، توسط سفرای آن سامان به ایران آمده و در نواحی کنار سرحد چین و ایران، مخصوصاً شهر سمرقند و هرات متداول گشته و در اواخر قرن ۹ هـ. قـ. نیز توسط استاد محمد هروی «سیاه قلم» آزمایش شده و تاحدی موفق از آب درآمده‌است.

«کپی کردن و پیروی نمودن از شیوه های چینی»

درمورد کپی کردن و پیروی نمودن، از شیوه چینی ها، می شود پنداشت که یا این هنرمند به دیار چین رفته و رموز و دقایق باریك شیوه چینی را از استادان زبردست آن دیار فرا گرفته و در جمع تصویر سازی، به فنون و شیوه پخت چینی سازی نیز آشنا گشته، و یا اینکه شیوه چینی را از مدل های چینی کتابخانه سلطنتی، که دراختیارش بوده تمرین نموده و در حد خود، استادی توانا گشته است.

درباره این گونه سفرهای هنری، استادان دیگری نیز خواسته و یا ناخواسته، سفرهائی به ولایت دور دست می نمودند که ناشناخته‌ها را یاد بگیرند و در ولایت خود به کار گیرند، در این باره، استاد دوست محمد هروی، در دیباچه مرقع بهرام میرزا، اشارتی به این قضایا نموده و چنین نوشته است:

«... و چون رایات ملك ستانی امیر تیمور گورگان پرتو خلافت به تسخیر ممالك بغداد انداخت و آن دارالسلام را روزی چند به قدوم سعی و اهتمام مستقر بر سریر خلافت ساخت، خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر بدارالسلطنة سمرقند آورد و در آنجا استاد مشارالیه وفات نمود، بعداز فوت خواجه همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند.»

و یا اینکه در ذیل ارقام استاد محمود خیامی که درج نموده «از روی کار عبدالحی نقل نمودم» استاد سیاه قلم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نیز، از شیوه قدما استفاده نموده و بعضی از شیوه های آنها را در ذیل آثار خود بکار گرفته است.

و چه بسا ممکن است بعضی از هنرمندان چینی که به همراهی سفرا و چه در مقام مسافر و سیاح، به هرات و سمرقند راه یافته و در این دیدارها با استاد سیاه قلم نیز ملاقاتی دست داده و در این دید و بازدیدها، بعضی از رموز و شیوه‌های ناشناخته آن دیار را اخذ کرده و در آثار خود به نحوی از انحاء آشکار ساخته است.

و یا اینکه روی عادت معمولی که نقّاشان آن دوره اجرا می نمودند و چهره‌های پادشاهان و رجال و سایر اعیان مشهور دیگر را در قیافه چینی و مغولی می ساختند، این نقّاش نیز به همان شیوه‌ها روآورده و قبل از اینکه به مکتب نو یافته خود تأسی جوید، در عیار سایر نقّاشان هراتی و شیوه معمول آن دوران نقش نموده و صورت ها و البسه و حالات و حرکات موضوعات را در شیوه چینی به فرجام رسانده است. و یا درموارد دیگر، مستقیماً از شیوه چینی برداشت نموده و کوچکترین نکته‌ای رااز نظر دور نداشته است.

مثلاً در نقش اژدها و سایر حیوانات تخیلی، و انواع گرفت و گیرهای حیوانات، و یا درمورد بعضی از گل ها و برگ ها و درختان و البسه، و انواع اسلحه و بعضی از ظروف و ادوات چینی، بسان شیوه چینی است و بیننده فرض می کند، که اینگونه نقوش، اثر دست یك نقّاش چینی است. ولی اگر قدری بیشتر تعمق نماید، نکات برجسته‌ای پیدا می کند و در می یابد که این نقوش پراعتبار، در یکی از شهرهای شمالی ایران و بدست یك هنرمند ایرانی انجام پذیرفته و منتهی چون نقّاش مایل بوده قدرت قلم و وفور استعدادش را عریان سازد، خواسته است هنر خود را در شیوه نقّاشان چینی که در آن زمان ها از اعتبار والاتری برخوردار بوده‌اند، عمل آورده و مهارت خود را علنی سازد.

از جمع بررسی هائی که در آثار سیاه قلم اعمال می گردد، می شود گفت که این استاد، به مکاتب مختلف دوران خود آشنائی داشته و احیاناً سفرهائی که به ولایات مختلف و به خصوص کشور چین نموده، توانسته است شیوه مخصوص چین را نیز دریافت نموده و در ذیل آثار خود، بکار گرفته است.

ولی عمده شیوه‌هائی که در مد نظرش بوده، مکاتیب آسیای مرکزی و شیوه سمرقندی و هراتی بود که در بعضی موارد نیز از سیاق اویغوری سود می جسته است.

و درمورد تذهیب و تشعیر و سایر ریزه کاری های طلا کاری، قبل از اینکه به شیوه جدید خود روی بیاورد. نهایت کمال را داشت و علاوه بر نقوش خاص ایرانی، از ریزه کاری های چینی نیز سود جسته و مخصوصاً شیوه پیچش کرمی و صدفی را که در آرایش هنرمندان چینی دیده می شوند، در بین آثار تذهیبی خود نشان داده است درمورد هنر مناظر و مرایا که اصلاً نمی بایستی چندان پای بندش می شده، ولی به مدد حدس و قیاس توانسته است کورسوئی را درك کرده و درمواردی بکار ببرد و این مسئله بخصوص در تصاویری که آجرسازی بناها و یا نقش بعضی از اشیاء را تشکیل می دهند تا حدی عریان گشته است.

در این باره نگاه کنید به صندوق های مختلفی که دیوها حمل می نمایند و یا تخت روانی که ملکه سبا نشسته و یا گاری بخصوصی که ظروف چینی حمل می نمایند و تناسب بزرگی و کوچکی افرادی که در این تصویر، در جلو و یا پشت کوه قرار گرفته‌اند. و نقش آجرهای دیواری که گنبد را محصور نموده است.

«تنوع امضاها»

ارقام و امضاهای متنوعی که به خطوط و شیوه های گوناگونی دراین مرقعات، به نام سیاه قلم و یا سایر نقّاشان دیگر مشاهده می گردند هیچ کدام جنبه حقیقی و استنادی نداشته بلکه امضا های جعلی و مخدوشی است که

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

توسط افراد مسئولی، درج شده و ذیل آثار هنرمندان ثبت گشته‌است.

بطوری که از آثار بجامانده نقّاش آشکار می گردد، خود نقّاش در بند شهرت و امضا نهادن نبوده و همیشه ازاین کار دوری می جسته‌است، بهترین نمونه این مدعا، چند شاهکار ارزنده نقّاش است که قبل از تغییر شیوه کار، مصّور ساخته و در هیچ یك از آنها نیز، امضاء اصیل نقّاش مشاهده نمی گردد.

البته این نوع درویش مسلکی ها وسعه صدری که بعضی از هنرمندان نمی خواستند خودنمایی کرده و اسم و رسمی از خود باقی بگذارند، نمونه های مختلفی دیده شده، ولی در مورد استاد محمد سیاه قلم که آثار نسبتاً زیادی از خود به یادگار نهاده، این امتیاز، خالصانه‌ترین افتادگی و برازندگی ها است که او را در رده درویشان حقیقی به شمار آورده است. و با حدس فوق العاده ضعیفی می شود باور داشت که چون آثار نوظهور و ابتکاری اش که در آن دوره ها پایگاهی نداشته و به گفته امیر علیشیر نوایی خیالات عجیب و غریب می نموده و چه بسا مؤید سفاهت و مالیخولیایی نقّاش به حساب می آمده، دل سرد شده و از امضا نهادن خودداری نموده‌است. و یا اینکه کارهای خود را ناتمام می پنداشته و علاقمند بوده که بعد از پایان کار آنها راامضا نماید.

در صورتی که ذیل کارهای فوق العاده عالی و ارزنده نقّاش نیز که پایان پذیرفته و شایسته هزاران تحسین است، رقم اصیل وی دیده نمی شود، و در ورای این دقت ها است که می شود حدس زد که نقّاش در ارائه کارهای خود، دچار شك و تردید گشته و از شماتت همکاران و استهزا و تمسخر کهنه‌اندیشان واهمه داشته و از طعنه مغرضین و رقیبان، گوشه گیر و منزوی بوده است و یا اینکه باور بداریم که این هنرمند ذاتاً درویش مسلك و قلندر صفت بوده و نقش های بدیع واعجاب انگیز خود را به خاطر دل و نفس جستجوگر خود می خواسته و از شهرت و خودنمایی بیزار بوده است.

مسأله عمده‌ای که جعل امضا ها را بر ملا می سازد، معرفی نقّاش با لفظ غرور آمیز استاد محمد سیاه قلم است که بسیار بعید بنظر می رسد که نقّاش خود را در مقام استادی دانسته و در همه جا خود را استاد قلمداد نموده و حتی یك نمونه نیز، استثناء نداشته باشد.

در صورتی که اغلب هنرمندان پرمایه و عالیشانی بسان استاد محمد سیاه قلم، که آثار بجا ماندهشان زینت بخش موزه ها و مجموعه های خصوصی شده است، به هیچوجه در قید شهرت و خودنمایی نبوده و ارج هنر متعالی خود را، در مقابل فنای زندگی، بی ارزش دانسته و از درج نام پر آوازه خود، استنکاف ورزیده اند، و استاد محمد سیاه قلم نیز که در ردیف همین فرقه ها بوده و هنرمندی فروتن و فقیر مشرب به حساب می آمده، در قید این امتیاز ها نبوده و از حیطه خودنمایی مصون بوده است، و اگر برفرض محمول، می خواسته مهارت و زبردستی خود را در امر تصویر سازی بر ملا سازد، از الفاظ و جملات درویش مآبانه‌ای، که نشانه فروتنی هنرمند والا مقام به شمار می آمدند، از قبیل «رسم حقیر یا کمترین و یا نقشه و مشقه حقیر و یا کمترین» که سایر نقّاشان استاد نیز به کار می برده‌اند یاری جسته و مقام و عظمت استادی اش را در سعه صدر و فروتنی خاضعانه خود، تجلی می داد.

و ضمناً اگر این هنرمند، در بند خود نمائی بوده، محض نمونه هم که شده در یکی از آثار رقم دار خود، شایسته بوده که نام خود و نام پدر و سایر القاب و کنیه‌اش را به تمام و کمال ثبت می نموده و بسان سایر هنرمندان دیگر، تاریخ اجرا و علت ترسیم و شروع و ختم تصویر را در ذیل اثر یادداشت می کرده‌است.

در صورتی که در جمله آثار سیاه قلم که امضاهای ساختگی را در بر دارند، تماماً جملات «کار استاد محمد سیاه قلم» درج شده و استثنایی نیز مشاهده نگشته‌است.

دیگر دلیل ساختگی بودن امضاها، همانا تنوع ارقام و نوع شیوه ها و سایر نکات ضعف آنها است که با

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یکدیگر توافق نداشته و هم نواخت نمی باشند.

نگارنده جهت تفکیک و ارائه گونه های مختلف امضا های استاد سیاه قلم که در مرقعات H ۲۱۵۳ و H ۲۱۶۰ ـ نقش بسته، لیست کوتاهی تنظیم کرده‌ام که نوع خط و درجه مزیت آنها و طرز نگارش ارقام را تا حدی بر ملا ساخته و سستی و جعلی بودن آنها را عریان می سازد.

این تقسیم بندی که به هشت قسمت مختلف ارائه گشته، با مقایسه امضا های مرقعات چنین است:

الف ـ ارقامی که به خط نستعلیق استادانه نوشته شده و کاتب آن فرد خطاطی بوده که به صنعت خط وارد بوده و احیاناً به غیر از خطاطی، نقّاشی نیز می دانسته است.

این خطوط نستعلیق که هم سان و هم شیوه، درج گشته‌اند عبارتند از:

«کاراستاد شیخی نقّاش» «عمل شیخی الیعقوبی» «کاراستاد شیخی» «عمل استاد محمد سیاه قلم» «عمل استاد محمد» «کار استاد شیخی نقّاش» حدود شش نمونه مشخصه.

در جمله این خطوط، زیر همه چهار حرف (س) استادانه، سه نقطه گذاشته و سعی کرده حروف (س و ش) را بدون دندانه بنویسد و در دو نمونه دیگر، زیر حرف (ی) یك الف کوتاه نقش نموده است.

این خط ها قدیمی بوده و به دست یك خطاط نامی آن دوره ها، کتابت شده و این ها قدیمی ترین امضائی هستند که در ذیل آثار سیاه قلم مشاهده می گردند. تصویر الف در صفحه شماره (۱۰۰۲) شماره (۸۸)

ب ـ رقم دیگری که به شماره (ب) یاد شده، با درنظر گرفتن کوچکی و تنگی حرف (ی) درآخر نام شیخی و حرف (ي) که بعد از (ش) شیخی نوشته شده و بلند تر درج گشته، اثر خطاط دیگری است که با خطوط سابق امضا ها فرق دارد و بعید نیست که این امضا اثر خط کتابدار و یا مسئول مرقعات باشد که جهت تشخیص کار هریك از نقّاشان، در ذیل آثار آنان، ثبت نموده است.

تشخیص دهنده این اثر، فردی بوده که حرف (خ) کلمه (شیخی) را ندیده گرفته و اصولاً حرف (خ) را ساقط نموده و درج نکرده است. «تنها یك نمونه» (تصویر (ب) در شکل زیر)

پ ـ استادانه‌ترین امضاء سیاه قلم، به خط تعلیق شیوایی است که نویسنده آن، خطاط بوده و در شیوه تعلیق نویسی، مهارت تامی داشته است، بعید نیست این هنرمند از همکاران و ندیمان نقّاش بوده و چه بسا در حین اجرای کار، حضور داشته و مشق استاد را از نزدیك دیده و به درج رقم «مشق استاد محمد سیاه قلم» مبادرت نموده است. «تنها یك نمونه» (تصویر (پ) در شکل زیر)

ت ـ دیگر از امضا های گوناگونی، که به خط دیوانی عثمانی درج شده و تنها یك نمونه وجود دارد که درج نموده «محمد سیاه قلم» تصاویر (ب ـ پ ـ ت) در صفحه شماره (۱۰۰۲)

ث ـ چهارمین نوع خطی که در بین امضا های این مرقعات دیده می شوند، خط نستعلیق عادی است که نویسنده آن نه به قواعد خطی وارد بوده و نه خوش نویس بوده است، بلکه امضاها را با عجله و سریع دست هم کرده و رفع تکلیف نموده‌است.

دراین ارقام بجای (کار) کلمه (عمل) به کار رفته و درسه رقم مختلف، امضاهایی بدین ترتیب درج نموده است: «عمل استاد شیخی نقّاش» «عمل استاد محمد سیاه قلم» «عمل استاد محمد سیاه قلم» و در جمله این ارقام، کلمه (عمل) یك شیوه نوشته شده و حرف (م) در وسط عمل خارج از قوانین خطاطی بوده و به حالت ناشیانه و یکسانی درج گشته است. و همچنین اسامی (محمد) در هردو رقم «استاد محمد سیاه قلم» یك فرم بوده و کلمات و اسامی «عمل استاد» و «شیخی» و «نقّاش» ناشیانه و بی ترتیب است. (در سه نمونه) تصویر (ث) تصویر شماره (۸۹) در صفحه (۱۰۰۳)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ج ـ بقیه امضاها که به خط درهم و ناخوش و در مواردی ناشیانه انجام یافته و بیشترین ارقام مرقعات را در بر می گیرد ممکن است اثر رقم مسئولین کتابخانه و یا نقّاشباشی درباری و یا خط احمدخان عثمانی باشد که پادشاه مذکور، نظر به علاقه مفرطی که به امر مطالعه داشته، بعید نیست که درهنگام فراغت و بیکاری، این مرقعات را بازدید می کرده و با صلاحدید و نظریات اطرافیان، که در همین مواقع وی را یاری می نموده‌اند، تشخیص داده و به خط بد خود امضا نهاده است و اگر دست نویس های این پادشاه را در کنار صفحات مرقعات شماره ۲۱۵۳ H ۲۱۶۰ H در مد نظربگیریم در خواهیم یافت که ممکن است بعضی از این ارقام، به خط سلطان احمد خان عثمانی باشند.

در جمله این امضا ها کلمه (کار) به کار رفته و علاوه بر کار استاد شیخی و کار استاد محمد سیاه قلم کار مزدك و کار فرنگ را نیز شناسایی کرده و ذیل تصاویر درج کرده است.

در بعضی موارد، محل امضاها، در محل اصلی خود که قاعدتاً می بایستی زیر تصاویر نوشته می شدند، نبوده و بی تناسب ثبت شده است و این شیوه ها، علاوه بر اینکه جعل امضا ها را ثابت می نمایند، مبین این نکته نیز ممکن است باشد که درج امضا ها، بعد از مرقع سازی انجام یافته و شخصی که این امضا های ساختگی را، ترقیم نموده، بدون اینکه زحمتی کشیده و مرقع سنگینی را به حرکت درآورده و محل مناسب امضا ها را تعیین نماید، هر محلی که نزدیك به دست داشته امضا نهاده و جوانب کار را نادیده گرفته‌است.

تعیین کننده امضای این تصاویر، دارای خط بی مایه‌ای بوده و بدون دقت و وسواس و شاید با عجله و شتاب، آثار سیاه قلم را شناسایی کرده و حرف (م) وسط نام (محمد) را بدون کلفتی نوشته و از لحاظ شیوه کتابت، ده نمونه مشخصه دارد که عبارتند از:

«امضای پنج اثر مربوط به استاد محمد سیاه قلم» و «امضای دواثر مربوط به استاد شیخی» و «امضای سه اثر مربوط به آثار فرنگ» و «امضای سه اثر مربوط به مزدك» که به نمونه سه اثر مربوط به فرنگ و مزدك اکتفا کرده‌ایم. تصویر (ج) در تصویر شماره (۸۹) در صفحه (۱۰۰۳)

چ ـ مشخص کننده این آثار گو این که با نویسنده شماره (ث) از لحاظ شیوه خط، یکسان می باشند ولی اگر دقیق تر باشیم، درمی یابیم که حرف (م) وسط (محمد) را گرد نوشته و با (محمد) شماره ۶ مغایرت دارد. بدین ترتیب، صلاح دانستیم که این امضاها را، در رده دیگر مشخص ساخته و از شماره (ث) جدا نماییم. (در شش نمونه مشخصه) تصویر (چ) تصویر شماره (۹۰) در صفحه (۱۰۰۴)

ح ـ دیگر امضاهایی که به خطوط نستعلیق تحریری، کتابت شده و جوانب آن نیز به تذهیب شیوایی آرایش شده، عبارتنداز:

۱ـ کار استاد احمد موسی است ۲ـ این صورت هااز کارهای خوب استادان خطایی است ۳ـ عمل ابن مؤذن که از استادان مشهور فرنگ است ۴ـ این هم از کارهای استادان خطایی است ۵ـ کار استادان خطایی ۶ـ صورت میر سید علی شوقی عمل ملك قاسم نقّاش.

که به نظر نگارنده، جمله این خطوط و تذهیب کاری آنها اثر دست استاد دوست محمد هروی می باشد که دیباچه و مقدمه مرقع شماره ۲۱۵۴ H رانیز به خط و انشاء و تذهیب خود به پایان رسانده که یکی از مرقعات نفیس موزه توپ قاپوسرای ترکیه به شمار می آید. تصویر (ح) در تصویر شماره (۹۰) در صفحه (۱۰۰۴)

خ ـ از دیگر خطوط مشخصه، که در ذیل آلبوم ۲۱۵۳ و ۲۱۶۰ دیده می شوند، خط سلطان احمد خان عثمانی (۱۰۱۲ ـ ۱۰۲۶) است که در اواخر سلطنت خود، در کنار بعضی از صفحات مطالبی نوشته و خط خود را ارائه داده‌است، البته از شیوه و نارسائی خط وی چنین معلوم می گردد که امضاهای جعلی شماره (ث و ج)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اثر خط این پادشاه بوده که با مشورت هنرشناسان وقت شناسایی شده و به دست این پادشاه ترقیم یافته است.
تصویر (خ) تصویر شماره (۹۱) در صفحه (۱۰۰۵)

نکته عمده‌ای که دراین باب باید مورد توجه واقع گردد، زمان درج ارقام است که به گمان حقیر جمله این ارقام، بعد از فوت استاد نوشته شده و افرادی که این ارقام را ثبت نموده‌اند اشخاصی بوده‌اند که شیوه کار و مکتب تخصصی سیاه قلم را می شناخته و در مواردی نیز از عقاید پیشینیان سود، می جسته‌اند و یا برداشتی از روایت همکاران و دوستان و شاگردان وی بوده که بعد از مرگ استاد، به همت یکی از افراد، بعضی از آثار سیاه قلم شناسایی و ترقیم گشته‌است.

ولی آنچه محرز است شیوه کتابت، امضاهایی است که به شماره الف در سطور گذشته یاد گردیده و آن امضا ها قدیمی ترین رقم ساختگی ارقامی نزدیك به حیات نقّاش هستند که درشیوه قدیمی نستعلیق کتابت شده و اثر خطی یکی از هنرمندان معروف خطاطی آن دوره می باشد، و بقیه امضاها که در ۸ سهم گوناگون رده بندی شده، به تواتر و در دوران های بعدی، به دست اشخاص مختلفی جعل و ترقیم شده‌است.

به هر حال اصل قضیه و ماجرای صحیح امضاها، از چه قراری باشد باید بدانیم که امضا کنندگان این ارقام افراد خبره‌ای بوده‌اند که از هنر نقّاشی و شیوه‌های متنوع آن آگاهی داشته و یا اینکه نقّاشباشی درباری بوده و علاوه براینکه سرپرستی و باشی نقّاشان و مصّوران را به عهده داشته اند، مسئول و عهده‌دار گنجینه های سلطنتی بوده و احیاناً ریاست کتابخانه را نیز موظف بوده و بدین ترتیب جهت ارائه کارهای ناشناخته و یی امضای نقّاشان مفتاحی ارائه داده و نام آنها را در ذیل آثارشان ضبط کرده‌اند. و یا مثل استاد دوست محمد هروی و سایر هنرمندان ذوفنون که در ترتیب آرایش مرقعات صاحب نظر بوده اند، عقاید خود و سایر خبره‌های سرشناس را به حساب آورده و در جمع نظرات، سلیقه خود را حاکم دانسته و هر نقشی را که حتم داشته اند از آن کیست، نام وی را در ذیل اثر یاد نموده و اجرا کننده نقش را شناسایی کرده اند و چه بسا ممکن است این امضا های ناهنجار و خط ناخوش، که در کمال سستی ترقیم شده، اثر خط پادشاهان و شاهزادگان عثمانی از قبیل سلطان احمدخان و سایرین بوده باشد که با توجه به نظرات استادان فن، به خط خود صحه نهاده و نام آنها را معین ساخته‌اند.

دو نمونه از خطوط سلطان احمد خان پادشاه عثمانی (۱۰۲۶-۱۰۱۲) در اینجا ارائه می گردد، که یکی از آنها در مرقع H ۲۱۵۳ است که به عقیده نگارنده درج نموده:

«سیاه - کار نقّاش - استاد قلم» یعنی «کار نقّاش استاد سیاه قلم» و چون در کمال عجله، جملاتی را قید نموده، و اصولاً خطش نیز بسیار بد و ناخوانا بوده و سواد درستی نیز نداشته، روی این اصل جملات را درهم و برهم نوشته است.

و دیگری جملات متنوعی است که در تصویر شماره (ب) ارائه می گردد و آن خطوط، در مرقع H ۲۱۶۰ قرار گرفته و جملاتی که ابن مالك از حضرت رسول ص. ع. استماع نموده چنین نوشته است:

«قال لااله الا الله خالصاً و مخلصاً یوماً ینبغی وجهالله دخل الجنته صدق رسول الله وصدق حبیب الله» «شنبه بنگ یگرمی دورت ماهی ذوالقعده» یعنی در روز شنبه۱۰۲۴ درماه ذوالقعده: تصویر (خ) تصویر شماره (۹۱) در صفحه (۱۰۰۵)

رسیدن مرقعات به موزه توپ قاپوسرای

بعد از شکست شاه صفوی، در دشت چالدران که به سال ۹۲۰ هـ. ق. اتفاق افتاد، لشکریان غدار و خونخوار ینی چری، که تنها به امید غارت شهرهای دشمن و ایلغار اهالی، دراین حملات شرکت کرده بودند، در معیت شخص سلطان سلیم وارد شهر تبریز گشتند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

درمدت یك ماهی که عمده قوای عثمانی و خود سلطان سلیم درشهر تبریز بودند، کلیه اموال دیوانی و ثروت ملی و آثار هنری و خزائن و سورسات درباری و کتابخانه‌های سلطنتی و از جمله تمامی قطعات و مرقعاتی که آثـار سیاه قلم و سایر هنرمندان خطاط و نقّاش دیگر، در ذیل آنها بودند به یغما رفته و ثبت خزائن سلطنتی عثمانی، در استانبول گردید.

در حقیقت می شود باور داشت که عمده نفایس ایرانی که حالیه جزو موزه های آن دیار به شمار می آیند جزو غنایم و چپاول های متعددی است که توسط غارتگران عثمانی انجام یافته و از ایران خارج شده‌است.

سلطان سلیم یاوز (بی رحم) علاوه بر غارت و چپاول گری که خصلت ذاتی وی به شمار می آمد، به علت علاقه شدیدی که به ادبیات فارسی داشت، در غارت نسخه های خطی و تصویری و مرقعات متنوع و سایر آثار گرانبهای دیگر، بر لشگریان خود پیشی گرفته و آنچه را که از سرقت کتابخانه های سلطنتی و خصوصی به دست آورده بود، به عنوان ارمغان فتح تبریز به استانبول برده و در خزائن سلطنتی ضبط نمود.

درمورد این غارت ها و ایلغار شهر تبریز، به چند استاد قدیمی بر می خوریم که صحت این مدعا را به اثبات می رساند.

در اسناد قدیمی که ماوقع جنگ چالدران را شرح و بسط داده‌اند چنین اشاره کرده‌اند که بعد از تصرف شهر تبریز به سال ۹۲۰ هـ. ق. سلطان سلیم، طی فولی که به سربازان داده بود چپاول شهر و قصور سلطنتی و مخازن و کتابخانه ها آغاز گردید و بخصوص سربازان ینی چری که عادت داشتند بعد از پیروزی، وقتی وارد یك شهر می شوند، آن ناحیه را مورد یغما قرار بدهند. در شهر تبریز هم چنین شد و شهر مورد چپاول قرار گرفت.

یك بازرگان انگلیسی موسوم به «هکلیوت» که یك سال بعد از ورود سلطان سلیم به تبریز وارد آذربایجان گردیده، بعد از دیدن شهر تبریز در کتاب خود چنین نوشته است:

«سال ها بود که وصف تبریز را می شنیدم و خیلی میل داشتم آن شهر را که می گفتند بزرگترین شهر مشرق زمین است ببینم ولی وقتی به تبریز رسیدم، مشاهده کردم که شهری است نیمه ویران و سکنه آن پژمرده و مفلوك بنظر می رسیدند و به من گفتند از وقتی که قشون سلطان سلیم وارد آن شهر شده، شهر تبریز به آن شکل درآمده‌است»

و باز دراین باره یکی از رجال سیاسی انگلستان به نام «آنتونی ـ جین کین سون» که به سال ۱۵۶۱ میلادی وارد ایران گشته، نامه‌ای را از طرف الیزابت اوّل ملکه انگلستان، به شاه طهماسب برساند، بعد از دیدن شهر تبریز در سفرنامه خود چنین نوشته است: *«شهر تبریز که آباد ترین شهر ایران بود، بعد از حمله سلطان سلیم به ایران، ویران شد و از آن موقع تاکنون آبادی گذشته را باز نیافته‌است»*

بدین جهت است که دراثر این فاجعه ناگوار، آثار ارزنده سیاه‌قلم نیز، در ذیل سایر آثار بی همتای دیگر ایرانی، به صوب عثمانی سرازیر گشته و زینت بخش مخازن آن دیار گردید.

اما علت اصلی و جمع نفایس هنری آن دوران، که در شهر تبریز قرار داشت، فداکاری و علاقمندی شخص شاه اسماعیل صفوی، پادشاه بلند آوازه ایران بود که این آثار بی همتا رااز هر نقطه‌ای که به چنگ می آورد، در مخازن سلطنتی شهر تبریز، که در آن زمان ها رقیب شهرهای معروفی چون هرات و سمرقند و غزنه به شمار می آمد و محفل هنرمندان طراز اوّل ایران محسوب می گردید، جمع آوری کرده و بر عظمت و شکوه پایتخت خود افزون می نمود.

تجلی این هنر آفرینی ها، در مدت سی و پنج سال سلطنت سلطان حسین بایقرا و هنر نوازی و پشتکار وزیر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دانشمندش امیر علیشیر نوایی، در شهر هرات پایه گذاری گشته و به عیار و آرزوی دیرینه پادشاه جوان که می خواسته است، شهر هرات را بسان شهر غزنه، در ایام سلطان محمود نماید، به نوازش و تشویق هنرمندان می پرداخت و بر مناصب و مراعات آنها می افزود.

نقّاشان معروف این دوران، پرورش یافتگان عهد شاهرخی بودند که تحت نظر و توجهات سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی شهرت عالمگیر یافته و در کتابخانه سلطنتی به خلق آثار هنری اشتغال داشتند.

در بین ابوابجمعی این هنرمندان، استاد حاجی محمد هروی معروف به سیاه قلم شهرت و مقام والایی داشت که علاوه بر هنر آفرینی و ابتکارات نوظهور، کتابدار مخصوص سلطنتی بود و از مراحم و اشفاقات امیر علیشیر هم بهره یاب می گردید.

و عمده آثار حاجی محمد نیز که در جمع مرقعات جلب نظرمی نمایند، دراین زمان ها و حدود سنوات ۸۹۰ الی ۹۰۴ هـ. قـ. انجام یافته و ضبط کتابخانه سلطنتی گردیده است.

و همچنین دراین زمان ها است که امیر علیشیر نوائی، به علت شبوه های ناشناخته و ناهنجاری، که به مذاق امیر خوش نمی آمده و حتی مورد تنفر نیز واقع می گشته، از حاجی محمد هروی روی گردان شده و به همان الفاظی که در مجالس النفایس نیز یاد نموده: «خیالات عجیب و غریب می نماید خواه درست خواه غلط» نسبت به نقّاش کم توجهی نموده و چه بسا با نیش زبان های عناد آمیز، او را رنجانده و دل آزرده نموده‌است. و در ورای این بی توجهی ها بوده که حاجی محمد، بسال ۹۰۴ هـ. قـ. از امیر دل بریده و قهراً و اضطراراً از پیش وی بیرون آمده و درخدمت بدیع الزمان میرزا قرار گرفته است.

از سال ۹۰۴ هـ. قـ. الی سال مرگ هنرمند، که به سال ۹۱۳ هـ.قـ. اتفاق افتاده، مدت نه سال تمام، در خدمت بدیع الزمان میرزا بوده و در این مدت، علاوه براین که در سمت کتابداری ادای وظیفه می نموده، از حرفه مورد دلخواه خود دست نکشیده و بهترین آثار ارزنده‌اش را، دراین سنوات به عهده نقش درآورده است.

متقارن با مرگ نقّاش، در سال ۹۱۳ هـ. قـ. افول ستاره حکومت بدیع الزمان میرزا نیز بسر رسید و شیبك خان اوزبك خراسان را گرفت و جمله خزائن و نفایس درباری و از جمله کتابخانه معتبر بدیع الزمان میرزا، کلاً در اختیار وی قرار گرفت.

شیبك خان مدت سه سال و اندی، در آن دیار به حکمرانی پرداخت و آخرالامر، شاه اسماعیل صفوی، به خراسان حمله برده و شیبك خان را کشته و جمله آن نواحی را بسال ۹۱۶ هـ. قـ. از دست ازبکان خارج نمود.

شاه اسماعیل پس از فتح خراسان، از هرات به تبریز بازگشت و جمله آثار هنری و خزانه پادشاهی و از جمله نفایس کتابخانه بدیع الزمان میرزا را که به دست شیبك خان افتاده بود، و یادگارهای بیشماری از آثار نقّاشان پر شهره آن دوره، از قبیل بهزاد و میرك و سلطان محمد و غیره، و مخصوصاً آثار کم قرینه استاد محمد سیاه قلم «حاجی محمد هروی» که مدت ۹ سال تمام، درآن کتابخانه به عهده نقش در آمده و جزو ابوابجمعی کتابخانه شیبك به شمار می آمد، با خود به تبریز آورده و در کتابخانه بسیار غنی و پراعتبار خود جای داد.

در همین زمان ها، درآذربایجان نیز، در سایه حمایت و مراعات سلطان خلیل و سلطان یعقوب آق قویونلو، آثار ارزنده‌ای که نشانه هنرمندی خطاطان و نقّاشان معجزنگار آن دیار محسوب می گردید، نصیب کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل گردید، که با جمع نسخه های بسیار نفیس و مرقعات مزین و مصور شهرهای مختلف ایرانی، در نوع خود بسر حد کمال رسیده و شهرت بسزایی کسب نمود.

متأسفانه این خوشبختی دیری نپایید و شهر تبریز مورد غارت ینی چریان عثمانی قرار گرفت و هرچه آثار نفیس خطی و تصویری بود، به باد چپاول رفت که آثار بجامانده استاد حاج محمد سیاه قلم نیز، در جزو آن نفایس

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

بشمار می آمد.

بعد از اینکه نفایس مذکور به توپ قاپوسرای رسید، به دستور سلطان سلیم فهرست شده و با مُهر مخصوص سلطان مهمور گردید، و حالیه بعد از گذشت سالیان متمادی، مهر مخصوص سلطان سلیم را در صفحات بعضی از نسخ کتاب ها و یا مرقعات و مخصوصاً درمرقع H۲۱۶۰ می بینید که به عنوان تملك نامه رسمی، جلب نظر می نماید.

ناگفته نماند، به میمنت و مبارکی این غارت و چپاول، مُهر مخصوص سلطان سلیم که به روی درب سراها و خزاین سلطنتی، به مدت سلطنت بیست و هفت پادشاه عثمانی تثبیت شده، تاکنون نیز تغییر نیافته و همان مهر اولیه سلطان سلیم، مورد استفاده واقع می گردد.

بعد از مرگ سلطان سلیم، سایر پادشاهان دیگر عثمانی، در حك واصلاح و تغییر و تبدیل مرقعاتی که آثار سیاه قلم درآنها جای دارند، تغییراتی داده، که در جریان این تبدیلات، بعضی از آثار سیاه قلم به خارج راه یافته و در موزه های دیگر مضبوط گشته است.

در زمان سلطان احمد اوّل و در ذی قعده ۱۰۲۴ این آلبوم، مورد مطالعه سلطان مذکور قرار گرفته و به خط خود جملاتی درج نموده که در مشخصات مرقعات یاد شده است.

بعضی از این مرقعات در زمان عبدالحمید، مجدداً بازسازی شده و به شکل حاضر درآمده‌است.

«سن و دوران فعالیت هنری نقّاش»

درمورد سن و دوران فعالیت هنری و همچنین سال تولد و فوت نقّاش می توانیم این حدسیات فرضی را درنظر گرفته و تا حدی به حقایق نزدیکتر گردیم.

اگر فرض کنیم که در موقع پیوستن نقّاش به کتابخانه بدیع الزّمان میرزا، شخصی ۵۰ یا ۵۵ ساله ای بوده که می توانسته رنج سفررا بدوش کشیده و خود را به شاهزاده برساند و ضمناً موقعیتی داشته که می توانسته، بار خدمات کتابداری را تقبل نموده و خدمات و وظایف مربوطه را به وجه احسنی انجام دهد، بااین تفصیلات می شود حدس زد که تاریخ ولادت نقّاش، حدود ۸۵۰ هـ. قـ. بوده که در سال ۹۰۴ از خدمت در کتابخانه امیر علیشیر آزرده خاطر گشته و آنجا را ترك نموده است.

و چون به نوشته خوندمیر، در سال ۹۱۳ وفات یافته، تخمیناً درموقع مرگ، نقّاشی حدود ۶۳ ساله و یا اندکی کم و یا بیشتر بوده‌است.

در این باره، با تعمق دقیق تری که به آثار نقّاش معطوف می داریم، معلوم می نماید که جمله آثار نقّاش آنچه در شیوه معمولی هراتی و یا شیوه ابتکاری اش انجام یافته، اثر دست نقّاشی است که قدرت قلم و دید کافی داشته و کوچکترین لرزشی، در بکار برد خطوط و پرداخت رنگ ها و سایر ریزه کاری های آن مشاهده نگشته، و شخص هنرمند، فردی در سنین پختگی بوده و احیاناً سنین شصت و اند سالگی را می گذرانده‌است.

از استادان و شاگردان استاد سیاه قلم، کسی را نمی شناسیم و حتی هنرمندی که قبل و بعد از درخشش نقّاش، چنین نقوش ابتکاری و عجیبی را ارائه نماید، هنرمندی را سراغ نداریم ولی در مورد شیوه میرکی که استاد سیاه قلم نیز بسان وی گرفت وگیر و پیچش برگ ها و شاخه ها و نمود اژدها و سیمرغ و شاهین های افسانه‌ای و سایر شیوه متجانس آن هنرمند را بطرز استادانه تر و حتی ماهرانه تراز میرك عمل آورده این ظن پیش می آید که این دو هنرمند هردو ازاهالی هرات بوده و هردو در کتابخانه معتبری کار می کردند، روح الله میرك در کتابخانه سلطنتی شاه سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ ـ ۸۷۷) کار می کرد و حاجی محمد هروی در کتابخانه امیر

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

علیشیر نوائی که وزیراعظم وی به شمار می رفت به کار کتابداری اشتغال داشت و از طرفی هردوی این هنرمندان، در سال ۹۱۳ هـ. ق. فوت کرده و تفاوت سنی و مدت عمر آنان نامعلوم است ولی از آثاری که بجا نهاده‌اند هردو درشیوه میرکی کار می کرده و مهارت والایی داشته‌اند ولی تشخیص اینکه کدام یك از این هنرمندان سمت استادی داشته و یا اینکه معمرتر از دیگری بوده است، نامعلوم می باشد.

دیگر از نقّاشان بعد از سیاه قلم که در نقوش خود بعضی تشبیهات را بسان وی عمل آورده، استاد سلطان محمد است که دیو ها را در عیار سیاه قلم ساخته و بعضی از اثاثیه‌ای که در ذیل تصاویر وی دیده می شوند، شبیه کارهای استاد سیاه قلم بوده که جسته و گریخته، ازآن هنرمند برداشت نموده و جزو کارهای خود ارائه کرده‌است.

دیگر از نکات مشخصه‌ای که بعید نیست ازاستاد سیاه قلم اخذ کرده باشد، تصاویر ابرها و شبیه سازی پوست حیوانات و بخصوص کلاه هایی که از پوست پلنگ و ببر استفاده نموده و یا نقش پرندگانی بسان سیمرغ افسانه‌ای و گل و برگ های درختان که درکنار صفحات جلوه‌گر می باشند و همچنین سایه های لایه‌ای و بدون پرداخت و در مواردی شبیه پوست گرگدن ها، نکات قابل استناد دیگر هستند که از استاد محمد سیاه قلم اخذ و تقلید شده‌است.

از بابت وضع، فامیلی و سایر مشخصات خانوادگی و بخصوص نام پدر و نام فرزند و یا فرزندانش کوچکترین نشانه‌ای نداریم و حتی شهری که در آن دیار تولد یافته و فوت نموده نامعلوم است.

و اما دریك نسخه نظامی که بسال ۸۹۹ هـ. ق. کتابت شده، نویسنده نسخه، نامش را علی بن حاجی محمد المذّهب درج نموده و اگر حدس بزنیم که این حاجی محمد مذّهب همان استاد محمد سیاه قلم بوده باشد که در تذهیب نیز مقام والایی داشته، بالطبع استاد محمد سیاه قلم «حاجی محمد مذهب»، دارای فرزندی به نام علی بوده که در خط نستعلیق مهارتی داشته و جهت یاد آوری و گرامی داشت پدر، نام و شغل وی را نیز در دنباله نام خود علاوه نموده است.

خمسه مذکور، به شماره H۷۸۷ در کتابخانه توپ قاپوسرای ترکیه مضبوط می باشد.

نکته دیگری که باید مورد مداقه قرار گیرد، این است که این آثار و تنوع نقوش مختلفه آن، که باابتکارات جالبی همراه است، در کجا و برای چه کسی ساخته شده و نظر نقّاش، درارائه این آثار ابتکاری چه بوده است.

در بررسی های گوناگونی که از کم و کیف آثار سیاه قلم به عمل آورده‌ام، کوچکترین نشانه‌ای که مشخص کننده محل و احیاناً نام سفارش دهنده و یا فردی که او را ملزم به اجرای آثاری نماید، دیده نمی شود و ما نیز دقیقاً نمی دانیم که این آثار را در چه شهری و درچه زمانی به رشته نقش درآورده ولی چون مدت مدیدی، زیرنظر امیر علیشیر نوائی به کتابداری اشتغال داشته و در کارگاه هنری سلطان حسین بایقرا فرد صاحب نامی بوده، می شود پنداشت که عمده آثار این هنرمند، در سال های آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم، تا سال مرگش که به تاریخ ۹۱۳ هـ. ق. اتفاق افتاد، فرجام پذیرفته و در شهرهای سمرقند و هرات انجام یافته‌است.

استاد محمد سیاه قلم در کتابت خطوط نیز استعداد کامل داشت و در کتابخانه امیر علیشیر نوائی علاوه بر سمت کتابداری، منشی مخصوص امیر نیز به حساب می آمد، از آثار شناخته شده این هنرمند که به خط ثلث عالی کتابت شده، لوح قدیم مزار سادات ستّه هرات است که به «امام شش نوره معروف می باشد.

مرقعاتی که آثار سیاه قلم و بعضی مشاهیر نقّاشی و خطاطی قدیمی را در برداشته و در کتابخانه خزینه اوقاف و توپ قاپوسرای ترکیه مضبوط می باشند عبارتند از:

الف ـ آلبوم H ۲۱۵۲ که عثمانی ها به او نام بایسنغر را داده اند، در اندازه ۵۰×۶۸ سانتی متر بوده و در ۹۸

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

برگ تشکیل یافته‌است.

جمع تصاویر گوناگون این مرقع، ۳۶۱ برگ و خطوط آن رویهمرفته ۱۱۴ قطعه است که اثر خطاطان معروف مختلف ایرانی است که بعضی از آنها، امضاء و تاریخ داشته و مقداری از آنها نیز، سیاه مشق می باشند.

قدیمی ترین خط این مرقع، محمد بن حیدر الحسینی در محرم سال ۷۱۷ هـ. قـ. و دیگری خط علی خواجه خوارزمی در سال ۸۵۹ و دیگر اثر ابراهیم سلطان پسر شاهرخ با تاریخ ۸۲۳، و سایر آثار دیگری از دوران سلطان خلیل (۸۱۴ ـ ۷۸۶) هستند که از ذکر بیشتر آنها خودداری می نمائیم.

قدیمی ترین تصاویر دراین آلبوم، از اوایل قرن ۱۴ میلادی و بعضی از آنها کار محمد بن محمود شاه ابن الخیام و حسین شیرازی و عبدالله بخاری است که احوال آنها به اختصار درجای خود آمده‌است.

این آلبوم نیز، به حدسیات مختلفی که هیچ کدام جنبه استنادی ندارند، توسط سلطان سلیم اوّل و بعد از جنگ چالدران به عثمانی آمده و مُهر سلطان سلیم اوّل را دارا می باشد.

بعد از سلطان سلیم که این آثار در مالکیت پادشاهان دیگر عثمانی قرار گرفته‌اند، مُهر سلطان احمد سوّم و مُهر سلطان عبدالحمید نیز در ذیل بعضی از صفحات مرقع دیده می شوند.

ب ـ مرقع خزینه به شماره ۲۱۵۳ H و در اندازه ۳۳/۸×۲/۵۰ سانتی متر و دارای ۱۹۹ ورق است که شامل ۵۴۶ تصویر و ترسیمات و خطوط گوناگون و مرقع دیگری که به شماره ۲۱۶۰ H شهرت یافته و دراندازه ۳۴/۷×۷/۵۰ سانتی متر و دارای ۹۰ ورق و با ۱۳۱ تصویر و نقوش و خطوط مختلف پایان یافته که جمعاً بر روی هم ۶۷۷ تصویر و نقّاشی را تشکیل می دهند که عمده آثار مورد بحث استاد سیاه قلم نیز، دراین مرقعات وصالی گشته است.

این آلبوم ها چون در اول و آخر و در مواردی در وسط ها نیز، مهر سلطان سلیم عثمانی را در بر دارند، به عقیده نگارنده، توسط شاه اسماعیل صفوی وارد کتابخانه سلطنتی در تبریز شده و بعد از واقعه چالدران که سلطان سلیم بر آن نواحی دست یافته این مرقعات را با سایر اموال تاراجی دیگر، یا به نام غنائم جنگی و یا بهانه های دیگری، با خود به استانبول آورده در خزائن عثمانی جای داده‌است.

البته این مرقعات، در خزینه اوقاف، به نام فاتح شناخته شده و دلیل نام گزاری این مرقعات، وجود دو تصویر از سلطان محمد فاتح و آثاری است که در زمان وی ترتیب یافته و یا به همت وی جمع آوری گشته‌است، عده دیگری، این عقیده را باور نداشته و نام این مرقع را آلبوم یعقوب بیك می گویند و عقیده دارند که آثار عمده این مرقعات، در زمان یعقوب بیك و در دوره های وی در تبریز انجام یافته و بدین نام مسمی گشته‌است.

عده دیگری حدس می زنند که سلطان محمد فاتح، این آلبوم را برای پسرش بایزید و نوه‌اش سلطان سلیم هدیه کرده و سلطان سلیم هم برای اینکه قدر و منزلت هدیه اجدادی خود را حفظ نماید، آنها را با مُهر خود تثبیت نمود، و از گزند آفات بر حذر داشته است.

خطوط مرقع H۲۵۱۵ از دوران آق قویونلو ها، از قبیل عبدالحی بن حافظ شیخ محمد البخاری شیخ محمد ـ عبدالکریم خوارزمی ـ عبدالرحیم یعقوبی و شرف الدین حسینی الکاتب و جمع دیگری از نقّاشان و خطاطان دیگر قدیمی است که زینت بخش مرقع گشته‌است.

قدیمی ترین نقّاشی ها دراین مرقع، در شیوه آثار جامع التواریخ و نقّاشان پیرو آن مکتب هستند و بیشترین آثار استاد سیاه قلم و استاد شیخی یعقوبی که مورد بحث ما قرار دارند دراین مرقع جا گرفته و بروی اوراق پارچه‌ای مخصوصی که از اطلس و کتان به عمل آمده، نقش بسته و تعداد دیگری نیز، بر روی کاغذ های رنگی و براّق چینی تصویر گشته و در جمع خطوط و آثار سایر هنرمندان دیگر، به جمع صفحات مرقع الصاق شده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در بین این آثار که جالب ترین تصاویر استاد محمد سیاه قلم را در بر دارند، تصاویر درویشان و دیوها و قلندران و خانه بدوشان هستند که در مکاتیب بخصوصی انجام یافته و مایه اعجاب و سردرگمی محققین گشته‌اند.

گویا چندین اثر شیوایی که از استاد سیاه قلم، در فری گالری واشنگتن و موزه متروپولیتن نیویورك قرار گرفته‌اند، به نحو غیر معلومی از این مرقع مجزا گشته و به آن دیار رخت بر بسته‌اند.

آخرین خطی که دراین مرقع دیده می شود، تاریخ ۹۱۷ هـ. ق. را دارا بوده و بدین سبب نیز ممکن است بعد از واقعه چالدران، به سال ۹۲۰ هـ. ق. از شهر تبریز به یغما رفته‌است.

عمده آثار سیاه قلم و نقّاشان دیگری که به نحوی نام آنها دراین مرقع یاد شده‌اند به جهت نمونه و ارائه فهرست آنان به اختصار درج می گردند.

در مرقع خزینه شماره H ۲۱۵۳ علاوه بر ارقام جعلی دیگر که در زیر نقوش دیده می شوند، سلطان احمد پادشاه عثمانی (۱۰۲۶ - ۱۰۱۲) به خط بد و جملات غلط، مطالبی نوشته که چنین است:

. . . اهـلی دینـا ایلمـز عاقـل اولان بل مگـر کم جاهـلو نادان اولان

. . . سوو - جاهنه‌انك ایتمز غوورور(غرور) بل مگـر کم جاهـلو نادان اولان

کتبه سلطان احمد خان بن سلطان محمد خان غفرالله ذوبه (ذنوبه) شنبه بنگ یگرمی بشی هجری نبی صلی الله تعالی علی صحبی (اصحابه) و سلم تسلیما)

ترجمه شعر و ماحصل مطلب این است که: (اهل دنیا اگر عاقل باشد به جاه و مقام غرور نمی ورزد مگر کسی که جاهل و نادان باشد) (شنبه هزار و بیست و پنج هجری)

در این جملات غرور را (غوورور) و اصحابه (صحبی) و ذنوبه را (ذوبه) نوشته است و در کنار این خط ها، تصویر ارزنده و پرمهارت استاد سیاه قلم و یا استاد شیخی است که تجسم دو شیر زنده را با نقوش اسلیمی و تزئینی فوق العاده زیبایی تلفیق نموده و به خط سلطان احمد خان جملاتی نوشته شده که شاید چنین باشد:

«سیاه - کار نقّاش - استاد قلم» یعنی «کار نقّاش استاد سیاه قلم» که در جزو امضاها نیز تصویر خط وی درج شده‌است.

در مرقع شماره H ۲۱۵۳ علاوه بر تصاویر و خطوط گوناگون یك اثر از درویش محمد و ۹ اثر از شیخی و دواثر از نقوش فرنگی و آثاری از استاد محمد سیاه قلم است عبارتند از:

۱- تصـویـر دو شتر که پاهایشان بسته شده و دو نفر مستحفظ مراقب آنها هستند. رقم دارد به خط ساده «کاراستاد محمد و استاد شیخی درهم»

۲- تصویر شتری است که ساربانی دهنه وی را گرفته و با خود می برد.

به خط تعلیق عالی که گویا خط عبدالحی فرمان نویس معروف آن دوره باید باشد، نوشته شده: «مشق استاد محمد سیاه قلم»

۳- تصویر سوارکاری درمکتب چینی است که عقابی را به دست گرفته و سوار براسب شده و به دنبال شکار روان است. رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم»

۴- جمع ملائکه های آسمانی است که هرکدام نیزه‌ای به دست گرفته و به حالت پرواز به انبوه اژدها ها حمله کرده و آنها را زخمی نموده اند. به خط خوش رقم دارد: «کاراستاد محمد»

۵- رقص درویشان و قلندران است که یکی دایره و دیگری سنج می زند. رقم الحاقی دارد «کاراستاد محمد سیاه‌قلم»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶ـ تصویر جنگجویان پیاده و سواره گروه متخاصمینی است که با نیزه های بلند، به جنگ و گریز پرداخته و عده‌ای دراطراف، این منازعه را نظاره می نمایند. در گوشه پایین و خارج از دایره امضا دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم»

۷ـ نقوش اژدها و مارماهی های عظیمی است که طعمه خود را به دهان گرفته و درآب شناور هستند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۸ـ تصویر دو قوچ پردار، در بیابان است که به شیوه کاملاً ابتکاری عمل آمده و تك درخت خشکی نیز در کناره ها مشاهده می شود. رقم نستعلیقش بسان ارقام خوش شیخی بوده و نوشته شده: «عمل استاد محمد سیاه قلم» تصویر شماره (۹۲) در صفحه (۱۰۰۶)

۹ـ مصاحبت و دعوای دیوهای پر مو و بد هیبتی هستند که در حالات مختلفی تصویر شده و رقم الحاقی دارد: «کار محمد سیاه قلم»

۱۰ـ قلندر درویشی، به عصا تکیه داده و ایستاده است. رقم دارد: «کار محمد سیاه قلم»

۱۱ـ دو دیو در محلی نشسته و با همدیگر صحبت می کنند. رقم دارد: «کار محمد سیاه قلم»

۱۲ـ تصویر مجلل و پرکار و ممتاز حمل عروس و داماد در کجاوه مزینی است که توسط دیو ها انجام پذیرفته، به خط فردی که اغلب امضا های شیخی نقّاش را رقم زده، به خط نستعلیق خوب نوشته: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۱۳ـ تصویر دیوی که در چنگال اژدها اسیر شده و توسط دیو دیگری نجات می یابد، رقم به خط بد دارد: «کار سیاه قلم»

۱۴ـ تصویر دو دیو که خر نحیفی را هدایت می کنند. به خط بد امضاء نهاده‌اند: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۱۵ـ دو دیو که درختی را با اره می برند، به خط بد امضا دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۱۶ـ نقش دو دیو که یکی ساز می زند و دیگری پیاله شراب به دست دارد، و دیو دیگری در محل دیگر ایستاده است. به خط بد رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم»

۱۷ـ تصویر مردی است که به یابوی خود علف می دهد و در کنار صحنه زن و سه بچه‌اش ایستاده اند، به خط بد و الحاقی رقم دارد: «کاراستاد محمد»

۱۸ـ دو مرد که یکی لوحه طلایی سنگینی به دست گرفته، و دیگری فشفشه آتش نموده است، به خط نیمه خوش نستعلیق رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۱۹ـ دو قلندر درویش با جامه های نسبتاً بلند و تازه که یکی به چوبدستی تکیه داده با یکدیگر صحبت می کنند رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۲۰ـ جمع مهندسین و معماران است که برای ساختن بنایی فعالیت می نمایند، به خط بد و امضای الحاقی رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۲۱ـ دو قلندر درویش زن و مرد با جامه های کلفت و پوشیده و یك درویش دیگر به عصا تکیه داده و به زمین نشسته است. در بالای تصویر نوشته اند: «کار سیاه قلم»

۲۲ـ تصویر فردی است که به عصا تکیه داده و افسار اسب خود را به دست گرفته‌است، امضاء دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۲۳ـ دو فرد پیر که تا حدی البسه منظمی به تن کرده‌اند، یکی ایستاده و دیگری افسار اسب خود را به دست گرفته است. در گوشه بالا و برعکس امضا نهاده‌اند: «کاراستاد محمد سیاه قلم»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۲۴ـ تصویر گاوی است که با صاحب خود به زبان حال صحبت می کند و صاحب گاو که فرد متنعمی است و البسه ای منظم دارد عصا به دست گرفته و به نعره گاو چشم دوخته است، این تصویر که به حدس نگارنده شاید تصویر خود سیاه قلم باشد که به نسبتی، خود را با جماعت حیوانات هم افق دانسته و این تصویر را به همان تخیل خود ترسیم نموده است، و امضایی که به خط خوش نستعلیق در ذیل تصویر الحاق نموده اند به دست همان کسی که آثار شیخی را امضا نهاده، انجام پذیرفته و چنین رقم نهاده است: «عمل استاد محمد سیاه قلم»

۲۵ـ جمع دراویش و قلندران است که خری را با خود به همراه می برند و یکی از آنها پیرزنی را بدوش گرفته و درجمع آنها حرکت می کند، رقم نقّاش را در محل غیر مرسوم و در قسمت بالا و برعکس نهاده و نوشته‌اند: «کار استاد محمد سیاه قلم» (۵)

پ ـ آلبوم شماره H ۲۱۵۴ که در کتابخانه خزینه اوقاف قرار دارد و جزو چهار مرقع معروف و قدیمی آن کتابخانه است، مرقعی به قطع رحلی و دارای ۱۴۸ ورق در صفحه ایست که به خط نستعلیق نیم دو دانگ خوش، توسط دوست محمد هروی بسال ۹۵۱ هـ. قـ. برای بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل صفوی تهیه شده‌است.

۵ـ درمرقع H ۲۱۵۳ و در fol 74 v آن، فرمانی از سلطان یعقوب بهادرخان است که به خط تعلیق استادانه عبدالحی بن حافظ شیخ محمد بخاری بوده و نام سلطان را در بالا و پایین سطر اوّل فرمان به خط تعلیق شیوایی کتابت کرده و اصل فرمان اوّلین باری است که توسط حقیر قرائت شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. «المظفر سلطان یعقوب بهادر خان خدالله تعالی ملکه و سلطانه»

و در قسمت پایین سطر اوّل اضافه نموده: «فی الارض... العالمین بعدله و احسانه»

بعد سطر اوّل بزرگ شروع می شود که چنین نوشته است:

(سطر اوّل فرمان به رنگ مشکی) ـ همیشه تا سلطان فلك مسیر و جمشید گردون سریر آیت مطالع و یار شمال متوجه تسخیر و تنویر حامل یا حایل جنوب می گردد، ایام سعادت روز افزون و اعوام دولت میمون حضرت شهزاده که لوامع انوار بختیاری ابد عز غرا وجهه حسنا او کالشمس فی رابعه النهار درخشان و تابان است آنکه می تابد ز روی او شهاب بر سپهر سلطنت چون آفتاب و ازهار حدائق ابهت و کامگاری.

بقیه مطالب در چهار سطر کوچکتر و زیر سطر اوّل بزرگ چنین درج گشته.

از ریاض قابلیت شمار و ریاض و خضرته الاشجار خلق و حسن و خلق مستحسن شکفته و دمان است و زمان مأذون سباح بهارفصاحت و غواص صباحی مراعات است در بنیان محاسن مستعد او مدت ثبت بلاغت آثار رطب اللسان مواظبت می نماید که مبارك الاسم آخر اللقب کریم البحرینی شریف المنسب و خبره خبرگان «خرده خردگان» ملك لازمه عرفان و حاکم اقالیم ایقان است.

(شروع سطر دوم بزرگ) در تمدید محامد صفات و تحدید محاسن ذات از رعایت علو شأن و نمو مکان آن شاهزاده عالمیان به زبان اعتذار بدین مقال مواظبت می نماید.

شاهـا من از کجـا که زمـدح تو دم زنـم کانـدر حریـم قدرتـو از کمتـریـن منـم

الحق از صدف کاینات دری چنین ثمین بیرون نیاید و از معدن زرنگار گوهری نفیس ترازاین حاصل نگشته زمانه وجود شریفش فخری و ایام خلود را سعادتش شرفی.

(شروع سطر های کوچك در زیر سطر بزرگ دوم) به یاری تابانه (مآبانه) الملك فی نوال حمیم و عدل؟

مخمـر طبیـعـت به عدل وبـداد مجـمـم ز الـطاف راس الـعـبـاد

دلش همـچـو دریـای عمـان وسـیـع کفش در الـفـاضـت حـسـاب ربـیـع

اُنکه جبهه عدالتش کالصبح از تنفس دم آورد به نیت صفاء نوید زند و ظلمت یلدا طره سیاهی اش به او (عیبی؟) پیش دیده غیبی کشیده، المؤسس قوانین عدالته من قوانین آبائه العظام المخصوص متعاهد سلطنته به قواعد اجداد الکرام شهزاده عالم عادل مربی ارباب فضایل کلب بوستان خلافت و گلدسته شوکت و ابهت درّ دریای (وصفت ؟) و معدلت درآن برج عدالت و منزلت (خورشید سپهر کامگاری ـ دردانه بحر تخت شاهی)

بعد ازاین جملات نام سلطان یعقوب را می برد که در اوّل فرمان درج شده و ما درمحل خود یاد کرده‌ایم و خطاط فرمان که جمله آنرا به خط تعلیق استادانه‌ای درج نموده و در گوشه انتهایی چپ فرمان امضا نهاده و چنین نوشته است:

«کتبه اضعف الحقیر المذنب المحتاج الی رحمة الله تعالی عبدالحی بن حافظ شیخ محمد البخاری»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در شروع مرقع و در وسط یك شمسه مذّهب فوق العاده زیبا، که شعاع های خطی آن، بسان نور خورشید به اطراف تابیده و زمینه حاشیه نیز افشان طلایی است، به خط سفیدایی و تحریر عالی نوشته شده است. «به رسم کتب خانه شهریار ابوالظفر بهرام جم اقتدار»

هر صفحه آن، دارای چندین قطعه خطوط مختلف و تصاویر و مینیاتور های نفیس و کناره ها و حواشی آن نیز زرافشان و قطعات آن، دارای تذهیب های عالی و پر آرایشی هستند که روی هم رفته ۶۱ تصویر زیبا را تشکیل می دهند.

مقدمه این مرقع را دوست محمد هروی، که احوال وی را در صفحه ۱۷۵ جلد اول این کتاب آورده‌ایم، به خط و انشای خود نوشته و احوال بعضی از خطاطان و نقّاشان صاحب مقام را نیز در ذیل مقدمه آن، یاد نموده است.

دراین مرقع اثری از استاد محمد سیاه قلم مشاهده نمی شود.

ت ـ مرقع H ۲۱۶۰ که همیشه در جوار آلبوم ۲۱۵۳ قرار می گیرد، اندازه ۳۴/۷×۷/ ۵۰ سانتی متر داشته و در ۹۰ ورق نقّاشی و خطوط گوناگون، به یکدیگر وصل شده‌است.

قدیمی ترین خط این مرقع، اثری از یاقوت مستعصمی است که به سالیان ۶۹۱ و ۶۹۵ اتمام یافته و رقم اصیل خطاط را در بر دارد.

دراین آلبوم، آثار قرن ۸ هـ. قـ. کمتر به چشم می خورد و از آثار خطاطان به نام و معروفی، که در این مرقع جلب نظر می نمایند، عبارتند از: عبدالله صیرفی ـ عمرالاقصی و محمد بن محمد المشاریجی و عده‌ای از هنرمندان قرن ۹ هـ.قـ. از قبیل احمد الروم ـ جعفر ـ اظهر ـ شیخ عبدالله هروی در سنه ۸۶۶ و سلطانعلی مشهدی معروف.

اغلب خطوط، برای سلاطین آق قویونلو کتابت شده و چهل وهشت نمونه گوناگون دارد، دو خطاط که با هم برادر نیز می باشند، به نام های عبدالرحیم و عبدالکریم معرفی گشته‌اند که فرزندان عبدالرحمن خوارزمی به شمار می آیند.

این مرقع که مجموعاً ۱۳۱ برگ نقّاشی های گوناگون در بر دارد، بسان مرقع H ۲۱۵۳ آثاری نیز از استاد محمد سیاه قلم دیده می شود که لیست برخی از آنها، درآخر مقال ارائه گشته‌است.

این آثار که تا حدی با شیوه ابتکاری استاد سیاه قلم، در مرقع H ۲۱۵۳ فرق دارند، درشیوه هراتی و تبریز به رشته نقش درآمده و مؤید مهارت نقّاش در شیوه باب روز آن دوران می باشد.

بعید نیست، این تصاویر، درشهر تبریز و زمان حکومت سلطان یعقوب فرجام یافته و در مواردی نیز شیوه خطائی را دنبال نموده و احیاناً از آنها نیز تقلید نموده است.

کاغذ های این آلبوم گو اینکه مختصر فرق هایی که با کاغذ های مرقع H ۲۱۵۳ دارد ولی دراصل یکسان است و موضوعاتش نیز از تصاویر دیو و دراویش و خانه‌بدوشان بیرون آمده و ندرتاً با تصاویر حیوانات و گل و برگ ها و موضوعات عادی مخلوط گشته است.

این مرقع نیز بسان مرقع دیگر، به نام مرقع فاتح خوانده شده و مُهر سلطان سلیم را در بردارد.

بطوری که درمرقع H۲۱۵۳ مشهود است، سلطان احمد، اغلب این مرقعات را مطالعه می کرد و نسبت به مطالب و نقّاشی های آن، ازافراد خبره نیز استعانت می خواست و احیاناً اگر حالی داشت، در حاشیه صفحات، نیز نوشته‌ای از خود به جا می گذاشت. کما اینکه در ذیل یکی از صفحات مرقع H ۲۱۶۰ جملاتی که ابن مالك از حضرت رسول استماع کرده چنین نوشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«قال لااله الاالله خالصاً و مخلصاً یوماً ینبغی وجه‌الله دخل الجنته صدق رسول الله و صدق حبیب الله» شنبه بنگ یگرمی درت ماهی ذوالقعده «شنبه ۱۰۲۴ ماه ذوالقعده»

آثار شناخته شده استاد سیاه قلم در این مرقع عبارتند از:

۱ـ تصویر مردی درشیوه چینی است که به دست بادبزن گرفته و در پشت سرش، درخت پرگل و برگ زیبایی دیده می شود نوشته شده: «عمل استاد محمد سیاه قلم»

۲ـ مردی به عصا تکیه داده و شمشیر به‌کمر بسته و کلاه چینی بسر نهاده، و اصل تصویر نیز در مکتب چینی است. رقم دارد: «استاد محمد سیاه قلم»

۳ـ برگ های درخت پرمیوه ای است که مرغی به روی آن نشسته است، رقم بخط ناموزون دارد. «عمل استاد محمد سیاه قلم»

۴ـ دراین زمینه، تصویری به همین شیوه که همان بادبزن را به دست گرفته، ولی مهارت کارش ضعیف تر از کار خیالی مزدك است، به خط الحاقی رقم نهاده‌اند. «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۵ـ از آثار امضادار الحاقی سیاه قلم، دراین آلبوم، تصویر مرغابی به روی آب است که در حال شنا به عقب برگشته و پرهای خود را تمیز می نماید. در زیر پای مرغابی، دسته های متنوع گل و برگ جلب نظر می کنند و به خط الحاقی رقم دارد: «عمل استاد محمد سیاه قلم»

۶ـ تصویر مردی که سوار خری شده و مستخدمی که پرچم به دوش نهاده و در پشت سرش حرکت می کند. در زمینه، شکوفه گل های بلند و درخت پر برگ دیده می شوند. امضای الحاقی دارد «کاراستاد محمد سیاه قلم» که جمله سیاه قلم آن زیر کاغذی که بعداً چسبانده اند مخفی گشته است، این اثر گویا از تصویری که درآلبوم H۲۱۵۳ نقش پذیرفته با مختصر تغییراتی که از بابت گل و درخت ها و سایر ریزه کاری های دیگر به عمل آمده، تقلید شده و از آثار سیاه قلم به حساب آمده است.

۷ـ تصویر درهم، توله سگ و بچه خرسی است که به شکل دایره‌ای تصویر شده و در گوشه آن، رقم الحاقی دارد. «عمل استاد محمد سیاه قلم»

۸ـ تصویر مرد بلند قد و پابرهنه‌ای است که آستین خود را بالازده و کلاهی مثل دیگ بسر نهاده است و به خط الحاقی و بد رقم دارد. «کار استاد محمد سیاه قلم»

۹ـ تصویر مردی است که کلاه پوست پلنگی بسر نهاده و کاسه غذایی به دست گرفته و در محلی نشسته است، به خط بد رقم دارد. «کاراستاد محمد سیاه قلم»

از طرز غذا خوردن معلوم است که این تصویر، درشیوه هراتی و یا تبریز عمل آمده‌است.

۱۰ـ عبور سوارکاران از رهگذری است که مقداری پوست حیوانات برای خشك شدن پهن شده و رقم دارد. «کاراستاد محمد سیاه قلم»

۱۱ـ تصویر فردی است که شلوار کوتاهی به عیار فرنگیان به پا کرده و کاسه چینی به دست گرفته. رقم دارد به خط خوش. «عمل استاد محمد سیاه قلم»

از نوشته های دیگری که در ذیل بعضی از نقوش آلبوم شماره ۲۱۶۰، در کتاب ها چاپ و منتشر شده و تاکنون قرائت نشده جهت علاقمندان ارائه می گردد.

یکی ازاین آثار که به شماره ۷ fol 48 در آلبوم H ۲۱۶۰ دیده می شود. تصویر چند نفری، در جمع دایره است که در زیر آن بخط تعلیق استادانه‌ای نوشته شده:

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«منع و آخر ثمانین و امسال اوامر و نواهی حضرت رسالت پناهی علم اجتهاد و طوق رهنمایی و ارشاد سرفراز و تحریص بر اداء آداب انبیا و اختیار بطرق اصفیا و اولیا ازسر صدق و صفا نموده ـ و در زیر این نوشته ها نیز، قطعه خط استادانه‌ای، ز سلطان علی یعقوبی دیده می شود که رقم دارد: «مشقه سلطان علی یعقوبی»

و باز دراین آلبوم و fol 83 R در زیر تصاویر اصحاب کهف، که در داخل دایره‌ای ترسیم شده، به همان خط تعلیق، سطوری، از یك فرمان درج شده که سطر اول آن چنین است:

«سریر سلطنت جاوید به جلوس همایون رونق فیها و زمین و ضیاء ارزانی فرمود برذمت همت بلند و به همت ارجمند واجب و لازم است که در تعیین مناصب اقتدا به آثار آباءعظام بامداد و اجداد گرام بزرگوار نمود.»

در این اثر مذهبی استاد محمد سیاه قلم از سوره کهف استفاده نموده و جمع هفت نفری آنها را در داخل دایره‌ای ترسیم نموده و سگ قطمیر را نیز جزء آنها نقش کرده است. (۶)

۶ـ دراین تصویر که در داخل دایره‌ای به نقش درآمده، هفت نفر اصحاب کهف، در کنار یکدیگر بخواب عمیقی فرو رفته و سگ نیز در جمع آنها دیده می شود، و چون این روایت از قرآن نقل شده و در اغلب آثار هنری و خطی ذکری از آنها به میان آمده، به تشریح بیشتر آن در این مقال اقدام ننمودیم.

در یکی از تفسیر ها نوشته شده، در عهد دقیانوس شش نفر شاهزاده جلای وطن کرده از شهر بیرون آمدند، در وسط راه به یك نفر برخوردند که سگی نیز همراه داشت و او را نیز با خود بردند و گفتند سگ را با خودت نیاور، او گفت من هر جا بروم او نیز خواهد آمد. اینها شب هنگام در غاری رفتند و از خدای متعال خواب عمیقی خواستند.

در نتیجه دعای آنها مستجاب گشته و حدود سیصد سال خوابیدند، بعد از مدتی که بیدار شدند همان نفری که سگ همراهش بود، گفت من به شهر میروم و برای شما ها غذا می آورم، وقتی که به شهر رسید، دید وضع شهر عوض شده و تغییر پیدا کرده است، وقتی که پول دقیانوس را برای خرید ارائه داد، همه گفتند این پول ها را دزدیده‌ای و بعد از ماجرای بسیار وی را پهلوی حاکم شهر بردند، آن پادشاه بعد ازاین که با دانایان و مشاوران شاهی مذاکره کرد، برای زیارت آن افراد عازم غار گردید. ولی چون شخص همراه قبلاً آمدن شاه را به غار اطلاع داده بود، آنها آرزو داشتند که خدا آنها را مرگ دهد. چون شاه و همراهان برای دیدن آنها رسیدند اثری از آنها ندیدند و همه مرده و از آن مکان ناپدید شده بودند.؟

در قرآن کریم و سوره کهف ماوقع این افراد را به گفتاری نغز بیان داشته که مختصراً چنین است:

«. . . *آیا گمان داری تو آنکه اصحاب کهف و یاران رقیم بودند از نشان های قدرت، شگفت چون جای گرفتند جوانان بسوی غار پس گفتند پروردگار را بده مارااز نزد خود بخششی و مهیا ساز برای ما از کارهای صواب و راستی، پس زدیم ما برگوش های ایشان در غار مجالی که سخن نشنیدند در سال های شمرده، پس بیدار کردیم ایشان را تا بدانیم که کدام از دو شماره دارنده تراست مرآن مدت را، قصه می کنیم برتو خبر ایشان را، به راستی بدرستی که ایشان جوانان بودند که گرویدند به پروردگارشان و زیاد کردیم ایشان را راه نمودن و بستیم ما بر دل هاشان، چون ایستادند نزدشاه، پس گفتند پروردگار آسمان و زمین است، هرگز نخواهیم پرستید غیراز خدا خدایی دیگر. . . که گویند سه تن بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود و می گویند ترسایان پنج نفر بودند و ششم ایشان سگ ایشان است انداختن به غیب و می گویند مسلمانان هفت نفرند و هشتم ایشان سگ ایشان است بگو پروردگار من دانا تراست به شماره ایشان. . .*»

در ارائه نام و تعداد آنها اختلاف نظرهایی است، بعضی ها می گویند سه نفر بوده و چهارمی همان سگ می باشد، بعضی ها عقیده دارند پنج نفر بودند که با سگ شدند شش نفر، و می گویند نام آن سگ فرفربره بود و بعضی نام حیوان را قطمیر می شناسند و رنگش را نیز زرد می نویسند و چون به در غار می رسند شبان از پیش میرود و بعداً جملگی دنبال وی به غار فرود می آیند.

قصه دیگراین است که اینها هفت نفر مسیحی بودند که از فامیل های خوب آن دوره یعنی زمان امپراتوری (دسیوس) بشمار می آمدند و در موقع مسافرت سگی نیز به آنها علاوه می گردد که نام وی (راودات قطمیر) بوده‌است.

در اغلب آثار ترکی و ایرانی نام این افراد دیده می شود که به شیوه های گوناگونی کتابت شده و حتی استاد محمد سیاه قلم نیز تصویر آنها را به نقش در آورده‌است.

اسامی اصحاب کهف چنین است:

یملیخا ـ مکثلینا ـ مرنوش ـ دبرنوش ـ مثلینا ـ شاذنوش ـ کفشططیوش ـ قطمیر که همان سگ است.

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان دوید و آدم شد

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

حال به ارائه لیست آثار بجا مانده سیاه قلم که تاکنون شناسائی شده و رقم الحاقی دارند، پرداخته و به علت اینکه جمله آثار سیاه قلم، در کتاب های مختلفه و در بعضی موارد با تصاویر فوق العاده عالی و رنگی، که بسان اصل تصویر چاپ شده، روی این اصل از ارائه عکس های گوناگون سفید و سیاه و رنگی خودداری نموده و باارائه تصاویری در صفحات مختلف آثار وی را به اختصار و فهرست وار ارائه نموده و از تشریح و توضیح بیشترآنها صرف نظر می نماییم.

عمده کتاب های چاپی جامعی که آثار سیاه قلم را به شیوائی و تشریح کامل چاپ کرده و نگارنده نیز در بعضی موارد از آنها سود جسته‌ام، یکی نوشته «مظهرایپ شیراوغلو» MAZHARŞ-IPŞIROGLU است که به سال ۱۹۷۲ در واشنگتن و به زبان آلمانی چاپ شده و نام مؤلف و مشخصات کتاب را چنین یاد کرده‌است:

Mazhar-ş Ipşiroglu

Siyah Qalem

Vollstândige Faksimile ausgabe der blatter des meisters mehmed Siyah Qalem aus desn besitz des

Topkapi Sarayi Musesi Istambul under freer gallery of art Washington 1972

و دیگری کتابی است به نام Islamic Art

An Annual Deticated to the art and culture of the muslim world .1. 1981

The Islamic Art Foundation New York

آثار شناخته شده استاد محمد سیاه قلم عبارتند از:

۱ـ دو دیو پهلوی هم نشسته و یکی از آنها ظرف طلایی به دست دارد.

۲ـ تصویر بزرگی است که دواسب و دو تازی ایستاده و در طرفی، یك مرد فقیر و در طرف دیگر یك فرد ثروتمند مشغول درست کردن زین اسب است، و در گوشه ای وسایل جنگی دیده می شود و فرد دیگری غذا می پزد و دو نفر دیگر سرگرم رختشویی هستند. اندازه (۸/۱۹×۱/۳۷ سانتی متر)

۳ـ مردی افسار اسبی را گرفته و باخود می برد، اندازه (۱۴×۲۵/۵ سانتی متر)

۴ـ دو مرد در محلی نشسته و مشغول درست کردن شیئی هستند. اندازه (۹/۱۶×۱/۲۱)

۵ـ دو نفر یابوئی را که مشکی به رنگ آبی در کوله دارد، چیزی به گردنش بسته و به زور می کشند. اندازه (۴/۱۵×۵/۲۶)

۶ـ تصویر پنج نفری است که خری را با خود می برند، یکی ازافراد که شاید ناخوش و یا شخص عاجز پیری است، به پشت یکی از آنها سوار شده و می خواهد سوار خر شود. با رقم: «کار استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۴/۱۴×۳/۲۶ سانتی متر)

۷ـ مردی مشغول تغلیه یابوی خود بوده و زن و بچه‌اش، ناظر صحنه هستند رقم دارد: «کار استاد محمد» اندازه (۵/۱۴×۵/۲۵ سانتی متر)

۸ـ تصویر زن و مردی است که گاوی را با خود می برند. اندازه (۹/۱۶×۲۶ سانتی متر)

۹ـ یك نفر به چوبدستی تکیه داده و مهار اسبی را بدست گرفته است.

رقم دارد. «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۸/۱۶×۸/۲۵ سانتی متر)

۱۰ـ اسبی از چشمه آب می خورد و دو نفر محافظ آن، در کنار ایستاده‌اند رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۷/۱۶×۴/۲۶ سانتی متر)

۱۱ـ یك شتر و یك شترسوار، از پشت سر دیده می شوند.

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۹×۱۵/۶ سانتی متر)

۱۲ـ مرد مستی که بی حال گشته و کلاه از سرش افتاده، نفر دیگر که ناظر صحنه‌است، انگشت حیرت به دهن برده و در کنارایستاده‌است. اندازه (۹/۱۶×۲۷/۳) سانتی متر.

۱۳ـ دو نفر که یکی از آنها شیئی طلائی سنگینی به دست گرفته و در مقابل، یك نفر فشفشه ساز است که یکی روشن شده و نور طلائی دیده می شود.

رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۵/۷×۲۴ سانتی متر)

۱۴ـ دو نفر که گویا معمار هستند مقابل هم ایستاده و یکی از آنها طنابی که به شاغول بسته شده‌است، می کشد. اندازه (۱۶×۱/۲۵ سانتی متر)

۱۵ـ یك نفر سوار خر شده و یکی چوب بدست، در مقابل وی ایستاده، و یك خدمتکار درباری که یك قاب طلایی بزرگ که گویا جلد مذّهب ادعیه مذهب است، به دست گرفته‌است. اندازه (۱۷×۱/۲۵) سانتی متر

۱۶ـ دو مرد با کلاه و لباس بلند که هرکدام عصائی بدست گرفته‌اند و در وسط آنها زن سیاه پوستی دیده می شود که لباس شسته خود را بدست گرفته و با مردها صحبت می کند. اندازه (۶/۲۲×۳۳/۵ سانتی متر)

۱۷ـ سه مرد سفید پوست که کلاه های مختلفی بسر گذاشته و لباس های گوناگونی پوشیده‌اند دیده می شوند، که یکی از آنها، در داخل یك گلدان طلایی چند برگی از شاخه شاهدانه به دست گرفته و در مورد آن با یکدیگر مذاکره می نمایند. اندازه (۴/۱۸×۲۵/۶ سانتی متر)

۱۸ـ یك مرد سفید پوست پیر که کلاه مخصوصی بسر نهاده، در جایی نشسته و دو نفر در مقابل وی ایستاده‌اند. اندازه (۱۸×۲۵/۷ سانتی متر)

۱۹ـ مرد و زن سیاه پوستی است که زن آفتابه طلایی به دست گرفته و به عصا تکیه داده و با همدیگر صحبت می کنند.

رقم دارد «کار سیاه قلم» اندازه (۱۷×۲۶/۸ سانتی متر)

۲۰ـ سه مرد سیاه پوست و کهن سال، مقابل هم نشسته و صحبت می کنند. اندازه (۱۶×۲۶/۵ سانتی متر)

۲۱ـ دو درویش که هرکدام پوست خزی به پشت دارند، با همدیگرصحبت می کنند، یکی از آنها کشکول درویشی به دست گرفته است. اندازه (۲۰×۲۳/۵ سانتی متر)

۲۲ـ دو مرد سیاه و سفید لخت که هرکدام لنگی به خود بسته و دستاری به گردن انداخته و عصائی به دست گرفته اند، درمحلی نشسته و سرگرم صحبت هستند اندازه (۴/۱۸×۲۶/۵ سانتی متر)

۲۳ـ دو نفر سفید پوست که هرکدام بسیاق درویشان، پوست پلنگی به دوش بسته‌اند و با یکدیگر گفت وگو می نمایند اندازه (۲/۲۰×۲۶/۹ سانتی متر)

۲۴ـ دو گدای سفید و سیاه پوست کنارهم نشسته و یکی از آنها غذا می خورد، یك زن مفلوك دیگر که با پوششی کامل، بدن خود را پوشانده عصا به دست گرفته و با آنها صحبت می کند، کفش وی فورم بخصوصی داشته و جالب توجه می باشد. اندازه (۹/۱۹×۳۵/۹ سانتی متر)

۲۵ـ دو نفر سیاه پوست که یکی از آنها دهن خود را با دست گرفته و مشغول خوردن چیزی است. یکی از آنها لباس بلند و خوشرنگی به تن کرده و کفش های زیبایی پوشیده‌است، در مقابل اینها، مرد سفید پوستی که ریش های سفید داشته و لباس آبی سیربه تن کرده و کلاه خزدار بسر نهاده و روی چهارپایه طلایی نشسته، دیده می شود که با همدیگر صحبت می کنند. اندازه (۱/۱۳×۱۹/۷ سانتی متر)

۲۶ـ درویش سیاه‌پوستی است که موهای ژولیده داشته و لنگی به پا بسته و به چوبدستی تکیه داده و در محلی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ایستاده است. رقم دارد: «کار محمد سیاه قلم» اندازه (۱۸/۵×۱۰/۲ سانتی متر)

۲۷ـ درویش سیاه پوستی است که با البسه و لنگ قرمز رنگ خود، کنار هم نشسته صحبت می کنند. یکی از آنها چوبی به دست داشته و رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۲/۷×۱۲/۸ سانتی متر)

۲۸ـ یك پیرمرد دست خود را به ریش خود گذاشته و روی زمین نشسته است. اندازه (۱۲/۸×۱۲/۸ سانتی متر)

۲۹ـ دو دیو سیاه پوست و سرخ پوست که یکی از آنها، ساز مخصوصی میزند و آن یکی بدست زدن مشغول است اندازه (۱۶/۲×۲۷ سانتی متر)

۳۰ـ دو دیو سیاه پوست که لنگ های قرمز رنگ به پا داشته و به هر دو دست، دستمال آبی گرفته و می رقصند. اندازه (۱۹/۶×۲۵/۶ سانتی متر)

۳۱ـ چند نفر با کلاه های درویشی و البسه پردار، به روی زمین نشسته و یك زن دیگر عصائی به دست گرفته و در وسط ایستاده است، فرد قهرمانی که کلاه خزداری بسرنهاده، سوارشیری شده و نمایش می دهد پره های بلند البسه شخص قهرمان، بلند بوده و به هوا بلند گشته است. اندازه (۱۵/۸×۲۸/۵ سانتی متر)

۳۲ـ شخصی که کلاه خزدار بسر نهاده و با دو پر و گل طلائی آذین شده است، دیو قوی هیکلی را به دوش گرفته و با کله به زمین زده‌است، منظره درخت بریده و چند قارچ در زمینه دیده می شوند. اندازه (۱۷/۹×۲۶/۵ سانتی متر)

۳۳ـ دو درویش عصایی به دست گرفته و لباس های بلند پوشیده و سرگرم صحبت هستند. اندازه (۱۷/۲×۱۲/۶ سانتی متر)

۳۴ـ دو زن پیر که سرهای خود را بسته و البسه‌ای پر پوشش پوشیده اند، در محلی نشسته با یکدیگر صحبت می کنند. اندازه (۱۲/۱×۱۲/۷ سانتی متر)

۳۵ـ دو درویش با کلاه های گرد و لباس بلند، هرکدام به چوبی تکیه داده و سرگرم صحبتند. اندازه ۱۵/۶×۲۵/۴ سانتی متر)

۳۶ـ دو درویش با پوشش بلند، که هرکدام به چوبی تکیه داده‌اند، در محلی ایستاده اند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۸/۹×۲۷/۹ سانتی متر)

۳۷ـ دیو قوی هیکلی، فلز طلایی سنگینی را روی دست بلند کرده‌است. اندازه (۱۹/۸×۲۵/۷ سانتی متر)

۳۸ـ دو دیو طنابی را به هم می پیچیند و دو دیو دیگر، آنها را نظاره می نمایند. اندازه (۲۶×۳۳/۸ سانتی متر)

۳۹ـ دیو قوی هیکلی، انسانی را به دوش گرفته و با خود می برد. اندازه (۱۶/۵×۲۷/۶ سانتی متر)

۴۰ـ دیو شاخداری به چوبدستی تکیه داده و سر و دمش، بسان کله اژدها است. اندازه (۱۶×۲۸ سانتی متر)

۴۱ـ دو دیو خری را با خود می برند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۲۷/۶×۳۶/۱ سانتی متر)

۴۲ـ دیو شاخداری جسد یك انسان را با خود می برد. اندازه ۱۸/۹×۲۶/۵ سانتی متر)

۴۳ـ دو دیو چوبی را با اره از وسط می برند و دیو دیگری، در بالا نشسته و کارآنها را تماشا می کند. رقم دارد «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۲۶/۵×۳۵ سانتی متر)

۴۴ـ سه دیو بساط لهو و لعب را گسترده و شادی می نمایند، یکی از آنها، کمانچه می زند و دیگری ساقی شراب است و آن یکی ایستاده و نظاره گر مجلس است. رقم دارد. «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۵/۸×۳۳/۴ سانتی متر)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴۵ـ رقص دیو هااست که دوتای آنها، پارچه ها را به هوا انداخته و دو دیو دیگر، زنگ های مخصوص را به هم زده و ترنم می نمایند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۲۲/۸×۴۸/۹ سانتی متر)

۴۶ـ دو دیو مقابل هم نشسته و گلدان طلایی را بررسی می نمایند، پارچه بسته شده و گرز طلایی دیده می شود و رقم دارد: «کار محمد سیاه قلم» اندازه (۱۸/۵×۲۴/۹ سانتی متر)

۴۷ـ دو دیو در حال نزاع هستند که یکی از آنها، دم دیگری را گرفته و حریف مقابل، با قمه طلایی کوتاه، به او حمله می کند. اندازه (۲۲/۲×۲۴/۵ سانتی متر)

۴۸ـ یك دیو دست و پای دو دیو دیگر را می بندد. اندازه (۱۹/۴×۲۷ سانتی متر)

۴۹ـ دیو سحر آمیزی که از چشمانش آتش طلایی بیرون می جهد، اسبی را بغل کرده با خود می برد. اندازه (۱۶×۲۰/۸ سانتی متر)

۵۰ـ دیو ها طعمه خود را به دست گرفته و با یکدیگر نزاع می نمایند و دو دیو دیگر که پشت کوه ها، ایستاده‌اند تماشاگر ماجرا هستند. رقم دارد: «کارمحمد سیاه قلم» اندازه (۲۰×۴۹/۶ سانتی متر)

۵۱ـ دو دیو گلدان طلایی را به یکدیگر نشان می دهند. اندازه (۱۹/۶×۲۰/۸ سانتی متر)

۵۲ـ دیو قوی هیکلی، شلوار آبی به پا کرده و دیو لخت دیگری را با دست بلند کرده و کله‌اش به طرف زمین است. اندازه (۲۱×۳۳/۴) سانتی متر.

۵۳ـ دیوی دیو دیگری را گرفته و به زمین می زند، دو تا چوب آنها، توی زمین نصب شده و در انتها، هوا یا دریا تصویر گشته است. زمینه قرمز تکه‌ای، و گرد و خاك بخوبی ارائه گشته است. اندازه (۲۰/۹×۲۸/۸ سانتی متر)

۵۴ ـ دیوی دهان اژدهایی را پاره می کند و دیو دیگر، طنابی به‌او می دهد تا دهان وی را به بندد رقم دارد: «محمد سیاه قلم» اندازه (۲۴/۳×۳۶/۶ سانتی متر)

۵۵ـ دو نفر مست شراب می خورند و کمانچه می زنند. اندازه (۱۴/۶×۲۲)

A ۵۶ـ حمل افراد سه نفری، در کالسکه زیبا و در مقابل یك صندوق، که این تصویر آیتی از زیبایی و محتاج مقاله های بیشتر و عکس های رنگی است. اندازه (۲۰/۵×۳۲ سانتی متر)

B ۵۶ـ حمل دیو ها و فرشتگان، کالسکه دو شاهزاده عاشق و معشوق را. دراندازه (۲۰/۵×۳۲/۸)

C ۵۶ـ چند دیو دست و پا بسته، صندوق های مختلف را با خود می برند اندازه (۲۲/۴×۳۲ سانتی متر)

۵۷ـ تصاویر شیر و یك گاو که بطرز استادانه‌ای انجام یافته‌است. اندازه (۱۴/۴×۲۵/۶)

۵۸ـ تصویراسبی است خوابیده، که روی زمین دراز کشیده و خود را میخاراند و نوکر بی انصاف چوبی به دست گرفته و او را می زند. اندازه (۱۵/۸×۲۵/۱ سانتی متر)

۵۹ـ کارگران سنگ و گل، برای ساختن محلی می برند. اندازه (۲۶/۷×۳۵/۲ سانتی متر)

۶۰ـ وسایل بنایی و نجّاری مهیا است و دو نفر دستور می دهند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۲۶/۸×۳۵/۲ سانتی متر)

۶۱ـ مراسم آتش بازی است، که دو نفر در حال حرکت، چرخ فلك آتش زائی را شعله‌ور ساخته و فشار باروت، چرخ مذکور را می چرخاند و آتش بیرون می دهد. اندازه (۱۵/۴×۲۲/۶ سانتی متر)

۶۲ـ مردی ناقوس سبك وزنی بدست گرفته و دیگری طناب کشیده و ناقوس را به صدا در می آورد سر زنگ های دیگری نیز در طناب های مجاور آویزان گشته است. اندازه (۱۹/۵×۲۸/۱)

۶۳ـ دو نفر مقابل هم دیده می شوند، رنگ ها قرمز کمرنگ است و رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱۰/۷×۱۳/۲ سانتی متر)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶۴ـ دو نفر زن و مرد که لباس و روپوش سفید رنگی پوشیده‌اند. اندازه (۱۱×۱۶/۵ سانتی متر)

۶۵ـ تصویر چند مرد خسته. رقم دارد: «استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۴/۱۴×۸/۲۳ سانتی متر)

۶۶ـ فرشتگان اژدها ها را مهار می کنند. رقم دارد: «کاراستاد محمد» اندازه (۸/۲۷×۳/۳۶ سانتی متر)

۶۷ A و ۶۷ B ـ بزرگترین و زیباترین تصویر عروسی است که عاری از توصیف است. (زیرنویس ۷)

اندازه ۶۷ A (۵/۳۳×۸/۳۳ سانتی متر) واندازه ۶۷ B (۸/۳۳×۶/۳۴ سانتی متر)

۶۷ C ـ تصویر مجلس عروسی است که پیشاپیش آنها دو نفر می رقصند و جزو شاهکار های سیاه قلم است. اندازه (۲۰×۴/۳۳ سانتی متر)

دراین تصویر، عروس خجالتی سوار اسب شده و جمع همراهان دراطراف وی دیده می شوند، وضع البسه و کلاه های گوناگون و وسایل و اشیایی که به دست گرفته تماشایی است. اصل نقّاشی که دراندازه (۳۳×۸۷ سانتی متر) است، آیتی از زیبایی است که محتاج مقالات متعددی است که دراین مختصر نمی شود تشریح نمود.

۶۸ـ تصویر سه دوستی است که پهلوی یکدیگر نشسته و لباس های کلفتی پوشیده و یکی از آنها که ایستاده طغار غذایی به دست گرفته و یك هاون بزرگ، در روبروی آنها دیده میشود.

کلاه های افراد عجیب است و یك پیرمرد، از پشت کوه ها ناظر صحنه است. اندازه (۸/۱۶×۲/۲۴ سانتی متر).

۶۹ A و ۶۹ B تصاویر تازی هااست که در حالات مختلف ترسیم شده‌اند.

اندازه ۶۹ A (۴/۱۷×۴/۲۶ سانتی متر) و ۶۹ B (۵/۱۲×۷/۱۲ سانتی متر)

۷ـ این تصاویر که در دو صفحه جداگانه به مرقع وصل گشته، گویا تصویر خیالی سلیمان و بلقیس معروف است که جمله جن و پری، در اختیار آنها بوده و کجاوه و تخت روان را حمل می کنند.

در یکی از آنها تخت روان مزین و معجرداری است که پوشش آن به عیار گرفت وگیر اژدها تذهیب شده و سه نفر، درداخل آن جا گرفته است. چهار دیو قوی هیکلی، کجاوه مخصوص را به دوش گرفته و در پرواز هستند. در پایین این تصویر، کجاوه بی سرپوشی است که معجر های منظمی داشته و دو نفر درداخل آن قرارگرفته است. این تخت، به وسیله شاهین بزرگی و به دست دو دیوی که در حال پرواز هستند، حمل می شوند.

تصویر مقابل، تخت روان نوع دیگری است که نفراتی در داخل آن نشسته و یك ملائکه زیبا، چتر مزینی را بالای سر آنها گرفته است، دو دیو قوی هیکل نیز تخت را بدوش گرفته و عازم محلی می باشند.

در زیر این تصویر، دو دیوی که با زنجیر مخصوص به هم پیوسته اند، مأمور حمل صندوق هستند که درحالت پرواز دیده می شوند، بین این دو صفحه، رقمی که فرد صاحب اطلاعی درج کرده نوشته شده «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه این دو صفحه درمرقع (۲/۶۳×۶/۲۰ و ۴/۶۲×۴/۲۰ سانتی متر) می باشند.

و یااینکه تصویر جمشید جم در روز عید نوروز است که به روایت از شاهنامه فردوسی مصور ساخته و از مضمون ابیات زیر برداشت نموده است.

به فر کیانی یکی تخت ساخت — چه مایه بدو گوهر اندر شناخت
که چون خواستی دیو برداشتی — زهامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا — نشسته براو شاه فرمانروا
جهان انجمن شد برتخت اوی — فرومانده‌از فرهٔ بخت اوی
به جمشید برگوهر افشاندند — مرآن روز را روز نو خواندند
سرسال نو هرمز فرودین — برآسوده از رنج ـ تن دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند — می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار — بمانده است از آن خسروان یادگار

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۷۰ـ مردی با البسه و کلاه مخصوص، اسب سفیدی را تیمار می کند، گرزی به زمین افتاده و منظره درختی که برگ های پنج پره دارد، جلب نظر می کند. اندازه (۶/۲۱×۵/۲۴ سانتی متر)

۷۱ـ منظره شکارگاهی است که چند سوار کار، سوار بر اسب شده و دو تا از آنها، باز شکاری به دست دارند، در پشت صخره کوه، درختی بدون برگ دیده می شود و دو پلنگ سفید و خال خالی درآن حوالی ایستاده‌اند. رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۷/۱۷×۵/ ۲۶ سانتی متر)

۷۲ـ تصویر استادانه و فوق العاده گرفت و گیر، شیر هااست، که دست ها را، به شیوه اسلیمی و خرطوم فیلی و سایر تزیینات زمان ترسیم نموده است. اندازه (۸/۲۶×۲/۳۶ سانتی متر)

۷۳ـ تصویر چند سیمرغ و درختی با برگ های بلوطی است، که در زمینه آن، منظره کوه ها و تخته سنگی است که آنهارا شبیه کله های حیوانات وحشی ترسیم نموده است. اندازه (۴/۲۷×۶/۳۷ سانتی متر)

۷۴ـ تصویر اژدهایی است که جهت شکار میمون ها، دور درختی پیچیده و آنها را مستأصل ساخته‌است، یکی از میمون ها، با چوب به اژدها حمله می کند. اندازه (۲/۲۷×۲/۳۷ سانتی متر)

۷۵ـ تصویر شتری در حال راه رفتن است که افسارش را ساربان به دست گرفته و با خود می برد، فرد دیگری که به دست خود نخ می بافد دیده می شود. به خط نعلیق زیبا رقم دارد: «مشق استاد محمد سیاه قلم» اندازه (۲/۱۷×۵/۳۳ سانتی متر)

۷۶ـ تصویر دو شتری است که دست های حیوان بسته شده و دو نفر ساربان، مشغول تمیز کردن محل آنها می باشند. رقم دارد: «کار استاد محمد و استاد شیخی درهم» اندازه (۵/۲۳×۳۵ سانتی متر)

۷۷ـ تصویر سوار جنگ آوری است که صورت را شبیه شیخی ساخته و حالت مینیاتور های اوایل صفویه را به خاطر می آورد، سوارکار ورزیده، به دست چپ سنقر شکاری گرفته و پیش می رود رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم. اندازه (۵/۲۶×۲۷ سانتی متر)

۷۸ ـ از کار های گل و برگی این استاد، دو تصویر که رقم معروف را دارا بوده اند، یادداشت نموده‌ام که یکی از آنها شاخه نهالی پر میوه است که به روی آن مرغی نشسته و رقم دارد: «عمل استاد محمد سیاه قلم» دراندازه (۳۰×۲۱ سانتی متر) و دیگری شاخه گل و برگ هایی است، که دو مرغ زیبا، به روی شاخه ها نشسته و رقم دارد: «عمل استاد محمد سیاه قلم» دراندازه (۶/۲۷×۵/۲۹ سانتی متر)

۷۹ـ دیگر از آثار سیاه قلم H 2153 در fol 19 B ، و دراندازه ۵/۴۸×۵/۳۳ سامتی متر است. در قسمت جمع حیوانات، از قبیل شیر و ببر و پلنگ، اسب و خوك و گوزن شاخدار و گاو و مخصوصاً یك گاو سیاه، با زین و مهار های بخصوصی است که در کمال قدرت و استادی انجام یافته و بین این جنگل حیوانات، انواع و اقسام بوته ها را به زیبایی ارائه نموده‌است. در زیر آن صفحه، چند گرگ درنده که خال خالی هستند، در حالت های مختلف دیده می شوند.

۸۰ـ دیو بد هیکلی است که اسبی را بغل کرده و با خود می برد.

۸۱ـ تصویر قلندر درویشی است که کلاه پوست پلنگی بسر نهاده و با دست خود ریشش را گرفته است.

۸۲ـ تصویر اژدها با جمع انسان و حیوانات است که به شیوه ابتکاری، مثل لغزش آب و ابرها نشان داده است. رقم الحاقی و خط بد دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم»

۸۳ـ تصویر دیو شاخداری که شاخ هایش بسان درختی روئیده و دندان ها دیده می شوند. دو نفر زن و مرد سیاه پوست که دیو را گرفتار کرده و بند کشیده اند او را به اسارت می برند، و مرد با چوبدستی دیو را کتك می زند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۸۴ـ چند دیو دور هم نشسته و یکی از آنها آسیاب دستی و سنگی را می چرخاند، دو دیو دیگر که در حالت دیگری تصویر گشته‌اند، مقابل همدیگر قرار گرفته و یکی از آنها گردونه گردی که به وسیله نخی به گردن دارد به دیگری نشان می دهد.

این دو اثر شماره های ۸۳ و ۸۴ درموزه متروپولیتن نیویورك مضبوط می باشند.

۸۵ـ تصویر گروهی شامان ها که انسان و حیوان را در یك جا تجسم نموده و آنها انسان هایی هستند که بدن و جمله صورت و سر از موی انبوه پوشیده شده و بسان دیو نقش بسته که بعضی ها دُم نیز دارند. رقم دارد: «کار استاد محمد سیاه قلم» مضبوط در مرقع H 2153 اندازه ۲۰×۴۹ سانتی متر.

۸۶ـ طراحی دو نفر در قیافه چینی که در کنارهم قرار گرفته و خندان هستند در بین آنها تصویر شیری که رام شده دیده می شود. چوبدستی کج و معوجی که به دست گرفته‌اند بسان شیوه چینی است و جمله تصویر در شیوه چینی عمل آمده و رقم دارد: «کاراستاد محمد سیاه قلم» اندازه (۱/۲×۲۴/۳۴) New York M M A

۸۷ ـ تصویر دیوی است که با پارچه ساده‌ای ستر عورت کرده و با دیو دیگری که قیافه وحشتناکی گرفته و شاخ به سر دارد اژدهای قوی هیکلی را اسیر نموده و دهن اژدها را پاره می نمایند. دیو دیگر طنابی به دست گرفته و شاید می خواهند اژدها را طناب پیچ نمایند. رقم دارد: «محمد سیاه قلم»

۸۸ـ تصویر دواژدهایی است که با یکدیگر مصاف می دهند. در میدان منازعه تخته سنگ های درشت و تنه بریده درختان تنومند و چند درخت پر برگ در جنب آنها دیده می شوند.

روی هم رفته اصل تصویر شلوغ و درهم بوده و حتی در کتابی که چاپ کرده اند بر عکس چاپ کرده اند رقم انحصاری دارد: «عمل استاد محمد»

از آثار دیگر نقّاش، که بی شك بیشتر از این آثارمدرجه، می باشند به علت دسترسی نداشتن به نمونه های چاپی و یا اصلی آن، صحبتی به میان نیاورده و به نمونه های مذکور اکتفا نمودیم.

۱۰۴۹ ـ محمّد سیمی نیشابوری

فرزند علی و از اهالی نیشابور مقیم مشهد بود که در اوایل قرن ۹ هـ. قـ. به کار تدریس اشتغال می ورزید.

به گفته دولتشاه سمرقندی، مردی ذوفنون بود و از کاتبان دربار بایسنغر میرزا (۸۳۷ ـ ۷۹۹) بشمار می آمد و در معماری و رنگ آمیزی و مرکب سازی و افشانگری و تذهیب و وصّالی و رنگ کاری و کاغذ سازی سر رشته داشته‌است.

قاضی احمد در گلستان هنر احوال این استاد را تا حدی بیشتر نوشته و چنین معرفی نموده است.

«مولانا سیمی نیشابوری به غایت مستعد و صاحب فنون بوده و در مشهد مقدس اعلی مزکی ساکن گشته به مکتب داری اشتغال داشته، به هفت قلم خط نوشتی و در فن شعر و پاکیزگی و سرعت کتابت عدیل نداشته و معماری خوب بوده و در رنگ آمیزی و سیاهی ساختن و افشان و تذهیب سر آمد روزگار بوده و دراین فن رسایل خوب دارد و ترسلی نیز تألیف نموده و صاحب فن بوده، اولاد اکابر مشهد مقدس معلی بواسطه میمنت همیشه پیش او چیزی می خوانده و هر کس که پیش او تعلیم گرفته به مرتبه عالی رسیده، خواجه عبدالحی منشی از جمله شاگردان او است و اهل زمان او را مسلم می داشتند، مشهور است که مولانا سیمی در یك روز دوهزار بیت به دعوی خود گفته و نوشته و این حد هیچ کدام از اهل شعر و ارباب کتابت نبود و هیچکس توفیق این مرتبه نداشت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و نیافته و جهت سجع انگشتری خود این بیت را گفته و به حکاك داده که نقش کرده و در انگشتری نهاده.

یك روز به مدح شه پاکیزه سرشت سیمی دوهزار بیت گفت و بنوشت

وی در زمان علاءالدوله بن میرزا بایسنغر بن میرزا شاهرخ بن امیر تیمور بوده»

مصطفی عالی افندی نیز ازاین استاد یاد کرده و چنین معرفی کرده است:

«ناقد کامل العیار کتابت و مالك سیم و دینار و جواهر خزانه حروف مولانا سیمی نیشابوری است که در مشهد رضویه ساکن بوده و در شش قلم و فن معما و غزل گویی و رنگ آمیزی اوراق و تذهیب و زرافشانی و وصّالی، دارای مهارت زیاد و افتخار عصر خود می باشد.

از مزایای وی این است که معلم و مکتب داری بقعه مبارکه است. و حتی مولانا عبدالحی که در خط دیوانی و نقّاشی یگانه عالم است از شاگردان مسلم و مقبول مولانا سیمی است. حکایت شده که مولانا سیمی در یك روز و یك شب، دوازده من طعام و میوه شهد آشام میل کرده و در همان اثنا، به دستور علاءالدوله و درباب قصه‌ای سه هزار بیت نظم کرده و در بین صدای دهل و نفیر و نقاره و غوغای بی مآل، واقعاً سیماگری کرده و همه را نوشته و با این معما به پایان رسانده‌است.

برلب بام مه آن سه گفت باید مردنت کافتاب عمراینك برلب بام آمدست

در مورد شرح حال دو هنرمند هم نام به نام های عبدالحی هروی و دیگری عبدالحی استرآبادی که شاگرد استاد محمد سیمی محسوب می گردید، اگر نوشته مناقب هنروران را سند قرار داده و بگوییم که عبدالحی خطاط و شاگرد محمد سیمی نیشابوری، بنا به گفته مصطفی عالی، در خط دیوانی و نقّاشی یگانه عالم بوده بدین ترتیب، تحقیقاً دو نقّاش به نام های عبدالحی وجود داشته که یکی همان عبدالحی هروی است که در زمان امیر تیمور گورگان (۸۰۷ ـ ۷۳۶) که در حدود سال ۸۰۳ هـ. قـ. و به نوشته دوست محمد هروی در دیباچه مرقع بهرام میرزا «... خواجه عبدالحی را همراه عساکر گردون مآثر بدار السلطنه سمرقند آورده و درآنجا استاد مشارالیه وفات نمود... و بعد از فوت خواجه همه استادان تتبع کارهای ایشان کردند» به سمرقند کوچ کرده و دیگر عبدالحی استرآبادی است که از شاگردان محمد سیمی نیشابوری به شمار آمده و علاوه بر خط دیوانی، به روایت مصطفی عالی افندی که منبع استنادی را در کتابش ذکر نکرده، در نقّاشی نیز یگانه عالم محسوب داشته جزو نقّاشان صاحب اعتبار زمان علاءالدوله پسر بایسنغر میرزا (۸۲۰ ـ ۸۶۵ هـ. قـ.) ذکر کرده است.

در جلد اوّل نیز ما مختصر اشارتی به احوال عبدالحی استرآبادی کرده و ماوقع را بیان داشته و سپس به ذکر احوال عبدالحی هروی یا بغدادی پرداخته و مدارك و آثار بجامانده وی و همچنین تقلید هایی که محمد بن محمود خیامی از آثار او کرده یاد نموده و متأسفانه به علت اشکالاتی که در ماشین نویسی ایجاد شده، در تیتر نام های دو نقّاش همنام، تنها نام «عبدالحی استرآبادی» که می بایستی از نقطه نظر القابی، قبل از عبدالحی هروی نوشته شده باشد، درج شده و مختصری از احوالات آن دو نقّاش با هم مخلوط شده که بدینوسیله اصلاح می گردد و برای اینکه نام این دو هنرمند، جدا از یکدیگر ثبت گردد، در مندرجات آخر جلد سوم، اصلاح شده و نام هر هنرمند در جای خود درج خواهد گردید.

۱۰۵۰ ـ محمّد شاه (نقّاش هندی)

نقّاش پر مایه خوش قلم قرن ۱۲ هـ. قـ. هندی است.

تنها آبرنگ این استاد که در صفحه ۱۱۷ کتابت تاج محل چاپ شده، تصویر نشسته نادر شاه است که لباس سرخ رنگی به تن کرده و کلاه مرصّع و جواهر نشانی بسر گذاشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نادرشاه که با تبختر شاهانه قرار گرفته، با اشاره دست، فرمانی را صادر می کند. رقم نقّاش که به خط نستعلیق درج شده چنین است: «تصویر شاهنشاه جم جاه نادر شاه عمل محمد شاه»

۱۰۵۱ ـ محمّد شاه تبریزی

درکتابخانه سلطنتی عثمانی جماعتی بوده‌اند که به آنها اهل حرفه و صناعت می گفتند. و هر یکی از آنها نیز، در حرفه و هنر تخصصی خود، مهارت تامی داشته و در آن کتابخانه به خلق آثار زیبا اشتغال داشتند.

نقّاشان و کاتبان و مذهّبان و مجلّدان و سایر هنرهای مربوط به‌امر کتابت، جماعتی ازاین اهل حرفه ها بشمار می آمدند که در انجام سفارش شاهانه، نسخه هاو مرقعات و سایر آثار تزئینی دیگر را، بطور انفرادی و یا دسته جمعی تهیه کرده و تقدیم پیشگاه سلطان می نمودند.

قدیمی ترین سندی که راجع به نقّاشان و اهل حرفه آن دوران، اطلاعاتی داده، سندی به تاریخ ۹۳۱ هـ. قـ. است که اعضاء جماعت حرفه را در آن سنوات، چهل و یك نفر نامیده‌است.

و در سند دیگری که به تاریخ ۹۳۳ هـ. قـ. کتابت شده، جماعت اهل حرفه را پنجاه و یك نفر درج نموده و رئیس آنها را شاه قولی معرفی کرده است.

در سال ۹۵۲ هـ. قـ. که دوران فعالیت محمد شاه شروع می گردد، جماعت اهل صنعت را همان تعداد پنجاه یك نفر نوشته‌اند که سر نقّاش آنها همین محمد شاه تبریزی بوده‌است.

جماعت زیر نظر محمد شاه، از هنرمندان عثمانی و ایرانی و آلبانی و هنگری و بوسینان و اتریش و غیره تشکیل می شدند که از این گروه، ده نفر آنها ایرانی و سرپرست گروه نیز ایرانی بوده‌است.

از آثار امضاء دار این هنرمند، تاکنون مشاهده نشده و تنها این اطلاعات مختصر و مستندی است که از مخازن اسناد عثمانی، استخاده شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.[1]

۱ـدراین مقوله بدنیست اطلاعات مختصری که حائز اهمیت بوده و نام بعضی از استادان را در لیست هنرمندان قرار داده، جهت علاقمندان ارائه بدهیم.

سندی که بسال ۱۰۰۵ هـ. قـ. نوشته شده، جماعت اهل حرفه را ۱۲۹ نفر یاد نموده که رئیس آنها را «سر نقّاشان» و یا «کدخدا» و یا «سربلوك» می گفتند.

در این اسناد، همچنین از هنرمندی به نام حسن بن عبدالجلیل مشهور به حسن چلبی یاد کرده که بسال ۹۱۶ هـ. قـ. پاداش وی بین ۲۵ تا۳۵ آقچه بوده‌است.

دیگراز هنرمندان یادشده، شاه قولی است که به او «شاه قلی بغدادی» نیز می گفته‌اند. این هنرمند، حدود سالیان ۹۱۶ به امامیه آمده و در سال ۹۵۲ هـ. قـ. سر بلوك شده و بسالیان ۹۶۳ یا ۹۶۴ قبل از اینکه هدیه‌اش را به سلطان عثمانی تقدیم نماید، فوت نموده است. مدارك موجود نشان می دهد که نقّاش خانه، در زمان بایزید دوم ۸۸۶ ـ ۹۱۸ تأسیس شده و جماعت اهل حرفه، از هنرمندانی که به وسیله سلطان سلیم از تبریز کوچ کرده بودند، تکمیل گردیده و در سال ۹۲۷ هـ. قـ. به دو قسمت رومیان و عجمیان تقسیم گشته است.

---

* محمد شاه قاجار ـ پسر عباس میرزا ابن فتحعلیشاه قاجاراست که بعد از مرگ فتحعلی شاه، تا سال ۱۲۶۴ هـ. سلطنت کرده و پدر ناصرالدین شاه قاجار می باشد.

مرحوم لسان الملك سپهر، در ناسخ التواریخ، هنر های وی را ستوده و در مورد تصویر سازی وی، چنین نوشته‌است:

«در پیشه نقّاشان و فن حسابدانان و مهندسان از تمام بار یافتگان درگاه و چاکران پیشگاه رتبت برتری داشت»

معلوم می گردد، که مرحوم سپهر از لطف و مرحمتی که به شاه قاجار داشته، این تعاریف بی استناد را در مورد وی مرعی داشته، در صورتی که، محمد شاه قاجار، علاوه براین که، در هنر نقّاشی، از نقّاشان باریافته برتر نبوده، بلکه نقّاشی متوسط نیز، به حساب نمی آمده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۵۲ ـ محمّد شاه نقّاش

طرّاح و رسمی ساز مساجد و ابنیه قدیمی بود و در گچ بری و ترسیم نقوش اسلامی دستی پر مهارت داشت.
از یادگار های این استاد که در اوایل قرن ۸ هـ. قـ. فرجام پذیرفته، طرح نقوش و گچ بری های صحن بقعه پیر بکران است که رقم دارد: «عمل محمد شاه نقّاش»

۱۰۵۳ ـ محمّد شریف

مجلّد و قلمدان ساز اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در هنر خود قلم شیرینی داشت.
از آثار رقم دار این استاد، جلد قرآنی دیده‌ام که در گل و مرغی عمل آورده و در داخل جلد نیز شمایل مولا علی علیه السلام با حسنین را به استادی نقّاشی نموده و رقم نهاده بود: «محمد شریف ۱۲۰۵»

● محمد شریف پسر عبدالصمد شیرازی درشریف خان آمده

۱۰۵۴ ـ محمّد شفیع (سلیما)

به سلیما نقّاش معروف بود و در اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. زندگی می نمود.
احوال این استاد را نصر آبادی در تذکره خود به اختصار یاد کرده و چنین معرفی کرده است:

---

* محمد شریف ـ طراح و نگارگر دوران اکبر شاه هندی (۱۰۱۴ ـ ۹۶۳) بوده و در شیوه هندوپرسان تصویر می ساخت.
از آثار شناخته شده این استاد، تصاویری در نسخه رزم نامه جیپور است که بسالیان ۹۹۰ تا ۹۹۵ هـ. قـ. فرجام پذیرفته، معرف قدرت قلم نقّاش به حساب می آید.

---

* محمد شریف ـ فرزند عبدالصمد ـ فرزند عبدالصمد نقّاش معروف است که احوال پدر و پسر را مفصلاً در جای خود ذکر کرده‌ام.
اخیراً در حراجی ساتبی لندن و روز ۲۱ نوامبر ۱۹۸۵ مینیاتور فوق العاده زیبایی ازاین هنرمند دیده‌ام که مجبور بودم دراین محل نیز یادی از آثار کمیاب نقّاش ارائه دهم، این تصویر، نقش شتر پر حالتی بود که گرفتار نگهبان بی انصاف شده و به زمین لغزیده و گرفتار شلاق محافظ خود گشته‌است.
در این اثر ارزنده، قیافه خشمناك و متأصل شتر، که به پشت خوابیده و دست و پای خود را حفاظ قرارداده و دمش به گوشه کمند زین رنگی اش، محکم گشته، دیده می شود، ساربان عصبانی، لباس هندی به تن کرده، شلاقی به دست گرفته و حیوان زبان بسته را میزند.
حالت طغیان و عصبانیت ساربان و شتر، به نحو استادانه‌ای ارائه گشته و ازهر نظر پر مهارت بود.
در کنار تصویر، یك بیت شعر و امضای هنرمند دیده می شد که چنین بود:
واحسن الخالقین رب العالمین، حسب الفرموده، حضرت حقایق آگاه معرفت دستگاه امیر محمد صالح سلمه‌الله و ابقاه قلمی نمود، کتبه المذنب و العبد محمد شریف غفرله ذنوبه و ستراله عیوبه فی شهور سنه ۱۰۲۸»

---

* محمد شریف حکّاك ـ نگارگر نقوش و خطوط گوناگون، به روی عقیق و فلزات در قرن ۱۰ هـ. قـ. بود که قاضی احمد، هنر وی را ستوده و در گلستان هنر چنین معرفی کرده‌است:
«مولانا محمد شریف از بزرگ زادهای اعراب نمیری است بواسطه استعداد ذاتی، کسب فضایل نمود، هم جلی و هم خفی را خوش می نوشت و از دیگر حیثیات مثل حکاکی بهره‌ای تمام داشت و نسخ تعلیق را بطریقی که می نوشت، در عقیق نقش می نمود و در سپاهی گری و شجاعت خود صاحب میراث بود.»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«محمد شفیع نام دارد، در شبکه و طراحی طلا و نقره مانند ندارد. و مقبول جمیع استادان است، قدرتش در تربیت نظم به مرتبه ایست که خود می گفت اشعار ما به صد هزار رسیده است. خدااز چشم زخم این چنین طبع ها را نگه دارد»

●محمد شفیع اصفهانی در شفیع عباسی آمده

۱۰۵۵ ـ محمّد شفیع التّبریزی

اهل تبریز واز قلمدان سازان گمنام و خوش قلم آن دریار است که تنها یك اثر قلمدانی وی رادیدارکرده‌ام. اندازه این قلمدان بطول ۴۰ سانتی متر و عرض ۱۰ سانتی متر و ضخامت ۹ سانتی متر بود و بزرگترین قلمدان رزمی و کیانی ایرانی بود که تاکنون مشاهده نموده بودم.

در مدالیون وسطی صحنه پذیرایی شاه عباس از پادشاه هندی بود که هر دو پادشاه روی مخده‌ای نشسته و پشت به متکای زربفتی داده و جمع فرماندهان و وزراء و شاهزادگان و همراهان هر دو طرف، پشت سرآنها ایستاده و یا نشسته بودند و مطرب هاو رقاصه ها هم در پیشاپیش صحنه به رقص و پایکوبی اشتغال داشتند.

در کنار مجلس وسطی، صحنه جنگی و بسیارشلوغ چالدران بود که شاه اسماعیل سوار براسب شده و انبوه لشگریان عثمانی، تارو مارشده و راه هزیمت را پیش گرفته بودند.

در صحنه رویه قلمدان، مجلس معجزه حضرت موسی در پیش فرعون بود که عصای خود را به‌عصا تبدیل نموده و فرعون را ترسانده بود.

درکناره های قلمدان نیز، بدین ترتیب صحنه های جنگی و نشست پادشاهان اساطیری ایرانی بود که در مجالس متنوع ترسیم شده و با طلا آذین گشته بودند.

این قلمدان کیانی بزرگ و پرحجم که بیش از هزار چهره متنوع در برداشت به پرکاری و خوش دستی تصویر شده و دربالای صحنه وسطی رویه قلمدان رقم و تاریخ داشت: «محمد شفیع التبریزی سنه ۱۲۰۸»

۱۰۵۶ ـ محمّد شفیع الحسینی = شفیعا

معروف به شفیعا، از سادات حسینی هرات بود که به حسن محضر معروف گشته و در خط شاگرد فصیحی شاعر دستگاه مرتضی قلی خان شاملو بود. این استاد خط نسخ و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و خط شکسته را بجایی رسانده بود که به نام وی شفیعایی خوانده می شد. این هنرمند، در نقّاشی ورسامی و تذهیب کاری بی قرین بود و از مفاخر قرن ۱۱ هـ. قـ. به شمار می آمد. مرحوم عبدالمحمد خان ایرانی، در کتاب خود، اینْ هنرمند را بسیار ستوده و احوال وی را کامل العیار درج نموده و بدون ذکر مأخذی که معلوم نکرده از کدام اسناد استفاده نموده، او را در نقّاشی ورسامی و تذهیب کاری و سطوربندی بی قرین دانسته و چنین یاد کرده است:

«میرزا شفیعا ملقّب به پیشوا از مردم هرات بود، و در کمالات مختلفه مقامی عالی داشت و در خدمت مرتضی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

قلی خان شاملو حکمران هرات مدتها منصب منشی باشی را داشت و همت بر تکمیل خط شکسته استاد خود مرتضی قلیخان شاملو گماشت تا متدرجاً آن خط مانند زلف عروسان پیچش و گره طنازانه پیدا کرد و در صفحات زیبا جلوات رعنایی نمود و یکی از خطوط مطلوبه شد که بعد ها به مرور ایام و تصرفات گوناگون از حلیه اعتبار اولیه اش کاسته شد و راه قهقرا و انحطاط گرفت و این خط آخرین خطی است که پا به دایره وجود گذاشت. و اولین خطی است در بین فارسی نویسان که راه زوال گرفت و اگر چه هنوز مستعمل و خوش نویسان چندی به این خط نگارش در کمال دل آرائی و قشنگی می نمایند. بااین همه از منزلت و مقام اولیش کاسته شده و دارد به طرف اضمحلال و زوال میرود. بالجمله میرزا شفیعا یکی از مفاخر قرن ۱۱ هـ. قـ. بود که علاوه از حسن خط در نقّاشی ورسامی و تذهیب کاری و سطور بندی بی قرین بود و هشتاد و پنج مرحله از حیات عاریت به پیمود و سفری هم به طرف هندوستان رفت و مقتضی المرام به هرات بازگشت تا درگذشت

مرحوم فکری سلجوقی نیز در کتاب خوشنویسان و هنرمندان خود، درباره میرزا شفیعای هراتی یاد نموده که شفیعا درشعر و ادب و خط و نقّاشی و تذهیب استادی بی مانند بوده، سفری به هند کرده و سپس به هرات برگشته، بار دیگر همراه شاه عباس ثانی به اصفهان رفته و عاقبت درمشهد به عمر هشتاد و پنج سالگی از دنیا رفته‌است.

واله داغستانی و نصر آبادی که هر دو نزدیك به عصر شفیعا بوده‌اند سال وفات او را ۱۰۸۱ هـ. قـ. نوشته‌اند.

محمّد شفیع اصفهانی = محمّد شفیع = شفیع عباسی

هنرمند پر شهره دربارشاه صفی (۱۰۵۲ ـ ۱۰۳۸) و شاه عباس ثانی (۱۰۷۷ ـ ۱۰۵۲) است که احوال وی، در نام (شفیع عباسی) و صفحه ۲۴۳ جلد اوّل این کتاب یاد شده ولی چون اخیراً آلبوم فوق العاده نفیسی که شامل گل های مختلف بوده و از آثار گرانقدر محمد شفیع بشمار می آمد و در حراج روز ۱۱ آپریل سال ۱۹۸۸ ساتبی لندن به فروش رسید، علاقمند شدم که مشخصات کامل مرقع را نیز به آثار نقّاش علاوه نموده و در محل نام محمد شفیع عباسی، یادگارهای بجا مانده وی را تکمیل نمایم، روی این اصل بعضی از مشخصات قطعات آلبوم را که امضا و نوشته هایی داشته و از لحاظ سندیت هنری، ارزش قابل اعتباری را دارا بوده اند، به شماره صفحات آلبوم یاد نموده و پاکنویس نمایم و برای شرح بیشتر آثار نقّاش، ابتدا شماره صفحات و نام گلی که در آن صفحه نقش یافته یاد نموده و سپس صفحاتی که امضاء یا نوشته هایی در بر داشته‌اند با ذکر شماره صفحه به تفصیل بیان کردم که تصاویر گل هایی که در متن آلبوم مصوّر شده و نام آنها به وسیله خط قلم موئی نقّاش، در ذیل آنها و همچنین در صفحه مقابل آنها نوشته شده رونویسی کردم که عبارتند از:

۱ـ میخک گلدان ۲ـ زرنشان ۳ـ میخک و گل سرخ ٤ـ خطمی قرمز ۵ـ شقایق ٦ـ نیلوفر فرنگی ۷ـ خطمی قرمز ۸ـ خطمی سفید ۹ـ گل انار ۱۰ـ برگ خزان ۱۱ـ نرگس ۱۲ ـ رعنا ۱۳ـ شقایق ١٤ـ بنفشه کوهی ۱۵ـ دسته گل رعنا ١٦ـ شکوفه به ۱۷ـ لاله شهری ۱۸ـ لاله شهری ۱۹ـ لاله شهری ۲۰ـ عنبر بو ۲۱ـ گل مریم ۲۲ـ لاله کوهی ۲۳ـ لاله کوهی ٢٤ـ نرگس ۲۵ـ خطمی ٢٦ـ گل سرخ ۲۷ـ پاپی چال ـ میخک ۲۸ـ میخک ۲۹ـ یاس بنفش ۳۰

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

ـ گل انار ۳۱ـ گل خوار ۳۲ ـ لاله کوهی ۳۴ـ بنفشه کوهی ۳۵ـ سنبل ۳۶ـ شقایق ۳۷ـ گل آفتاب ۳۸ـ مخملی ۳۹ـ خطمی ۴۰ـ گل گندم ۴۱ـ شکوفه سیب ۴۲ـ رعنا بنفشه ۴۳ـ رعنا ۴۴ـ شکوفه آلوچه ۴۵ـ بنفشه ۴۶ـ نرگس ۴۷ـ زرنشان ۴۸ـ میخک ۴۹ـ گل سرخ ۵۰ ـ زنبق سفید ۵۱ـ گل گندم ۵۲ـ لاله کوهی ۵۳ـ خطمی ۵۴ـ ایلچی سوسن ۵۵ـ شکوفه ۵۶ـ درخت برگ

اغلب این گل ها، به رنگ های مختلف رنگ آمیزی شده و مقداری نیز به سیاه قلم انجام پذیرفته بود که در حد خود ستودن داشت و از بهترین کارهای نقّاش بشمار می آمد.

مشخصات صفحاتی که در ذیل آن، نوشته و یا امضایی دارند عبارتند از:

(مشخصات صفحه ۱ مرقع)

در گوشه بالا به خط نسخ زیبا نوشته:

«در تاریخ یوم الاحد (؟۸۱۶) شهر رمضان المبارك (سنه ؟۱۰۱۶) رقم کمینه شفیع عباسی آب و رنگ شد)

و این اشعار در زیرآن نوشته شده:

«بید مجنونیم و برگ ما زبان خاموشیست گل بچین از برگ ما احوال یار ما مپرس

از دیارحُسن خبر عشق... میشوی آواره احوال...

در مورد تاریخ های ۸۱۶ و ۱۰۱۶ که در بالا قید شده چون در بالای سطور و در محل غیر مأنوس درج شده، ممکن است اثر دست کسی باشد که آنرا بعداً نوشته است.

و در مورد بیت دوم اشعار که قرائت نشده، متأسفانه باید گفت، کسی که مرقع را ترتیب می داده، دنباله خط را بریده و شعر ناتمام دیده میشود.

(مشخصات صفحه ۶ مرقع)

مهر کوچك بیضی شکل با سجع «بنده آل محمد مهدی ۱۱۸۲»

مهر مالك آلبوم است که درسال ۱۱۸۲، در اختیار داشته‌است.

(مشخصات صفحه ۱۰ مرقع)

به خط نستعلیق امضاء و تاریخ نهاده:

«در روز شنبه پوزدهم ربیع الاول سنه ۱۵۲ آبرنگ شد»

سنه ۱۵۲ یعنی ۱۰۵۲ و پوزدهم به زبان عادی درج کرده که همانا پانزدهم می باشد.

(مشخصات صفحه ۱۱ مرقع)

در اینجا اسم نقّاش نوشته نشده ولی خط از محمد شفیع است که چنین نوشته:

«در روز سه‌شنبه پنجم شهر ربیع الاول بود که پادشاه جمجاه ملایك سپاه سایه ظل الله شاه صفی از دارالسلطنه اصفهان متوجه بساق السلام بغداد سنه ۱۰۴» که سنه ۱۰۴ همانا سنه ۱۰۴۰ بوده‌است.

(مشخصات صفحه ۲۴ مرقع)

مهر دایره‌ای با قطر حدود پنج سانتی متر است که سجع آن چنین است.

«مرید خاص شاه جهان پادشاه غازی جعفرخان» این مهر به خط نستعلیق زیبا حکاکی شده و گویا یکی از صاحبان دیگر آلبوم بوده که مدتی آنرا دراختیار داشته‌است. و در کنار آن به خط شکسته بد و ناخوانا که خواندن آنها تجربه فراوانی می خواهد، چنین نوشته شده‌است: «زمین طلا و زمین علی (اعلی) و زمین سبز خواهد شد ـ نیز منطبق ساده این طرح خواهد شد»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

(مشخصات صفحه ۳۵ مرقع)

«یا هو درشب چهارشنبه ثالث شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۰ در مدرسه مولانا عبدالله آبرنگ یافت رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی»

(مشخصات صفحه ۴۵ مرقع)

«در روز دوشنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۴ آبرنگ شد»

مهر بیضی شکل محمّد شفیع، که در جلد اوّل کتاب و صفحه ۲۴۳ تشریح نموده و طرز قرار گرفتن جملات و سجع مخصوص آنرا که اولین بار معرفی گشته، در زیر جملات دیده میشود که چنین است:

«محمد شد شفیع هردو عالم ۱۰۴۶»

خوشبختانه دراین تصویر، سجع مهر نقّاش و تاریخ حکاکی آن که سال ۱۰۴۶ درج شده، خود سند با امتیازی است که میشود مهر مذکور را بدین ترتیب اصلاح نمود.



تصویر سجع مهر را با دقت تمام و بطوریکه مسیر و نوع خط تغییر پیدا نکند، ترسیم نمودم که در تاریخ هنری ایران ثبت گشته و قرائت آن برای علاقمندان آسان گردد.

(مشخصات صفحه ۴۶ مرقع)

«در روز سه‌شنبه نوزدهم ربیع الاول آبرنگ شد سنه ۱۰۵۲»

(مشخصات صفحه ۴۸ مرقع)

در وسط دو تا میخك و همان مهر جعفرخان دیده می شود که مشخصات آن قبلاً تشریح شده است.

تصویر رنگی شماره ۳۵ مرقع و همچنین تصویر سیاه و سفید شماره ۴۵ مرقع و شماره های ۳۴ و ۴۴ و ۴۱ در کاتالوگ حراجی مذکور چاپ شده که علاقمندان می توانند به آن کاتالوگ مراجعه نموده و شیوه و مهارت نقّاش را درگل آرایی دیدار نمایند.

اینك مشخصات تمام گل هایی که، در صفحات مرقع جا گرفته، جهت مشتاقان هنری رونویسی می گردد.

۱- (میخك گلدان)

گل میخك با قلم سیاهی بدون رنگ، و گلدان نیز طراحی شده به طریق ساده‌است.

در گوشه بالا به خط نسخ نوشته:

«در تاریخ یوم الاحد (۸۱۶؟) شهر رمضان المبارك (سنه ۱۰۱۶؟) رقم کمینه شفیع عباسی آب و رنگ شد»

و این اشعار در زیر آن نوشته شده:

«بید مجنونیم و برگ ما زبان خاموشیست گل بچین از برگ ما احوال یارما بپرس

ازدیار حسن خیر عشق... میشوی آواره احوال...

۲- (زرنشان) تصویر برگ های خنجری و گل های شبیه اناری به قلم سیاهی و بدون رنگ، به شیوه تذهیب نقّاشی نموده و نامش را زرنشان یاد کرده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۳ـ (میخك و گل سرخ) تصویر گل میخك و یك گل سرخ، بدون رنگ و قلم سیاهی، در كنار آنها یك سوسمار و یك قورباغه و یك عنكبوت علاوه نموده‌است.

۴ـ (خطمی قرمز) طراحی به طریق قلم سیاهی و رگه های هاشوری، گل خطمی را بدون رنگ تصویر نموده و در بالا یك پروانه و یك زنبور و یا خرمگس و یك پروانه روی غنچه های گل ایستاده‌است.

۵ـ (شقایق) تصویر یك شقایق بزرگ با خطوط ساده و دو تا سوسك و پینه دوز.

۶ـ (نیلوفر فرنگی) دارای گل های متعدد و برگ های استادانه، بدون رنگ و مهر كوچك بیضی شكل، با سجع «بنده آل محمد مهدی ۱۱۸۲»

۷ـ (خطمی قرمز) بسیار عالی همه خطوط سیاه قلمی، فقط كنارهٔ گل بزرگ وسطی، به رنگ قرمز شده و در بالا، دو تا زنبور و در پایین یك سوسك.

۸ـ (خطمی سفید) نقش گل با طراحی ساده است و زیاد سایه نخورده و كاغذ زمینه چرك زرد رنگ است.

۹ـ (گل انار) دسته گل انار، با انار های نارس و كوچك و در پایین آن، یك پامچال وحشی بالا و پایین دو تا زنبور، بدون رنگ و سایه‌های هاشوری.

۱۰ـ (برگ خزان) تصویر برگ های خزانی، در حالت ساده بوده و در بعضی جاها مختصر قرمزی زده و وضع خزان گل را مجسم ساخته و با خط نستعلیق رقم گذاشته:

«در روز شنبه پوزدهم ربیع الاول سنه ۱۵۲ (۱۰۵۲) آبرنگ شده»

۱۱ـ (نرگس) با شیوه قلم سیاهی و هاشوری تا حدی بلند كه سمت بالای دست راستی، پاره شده. با رقم: «در روز سه شنبه پنجم شهر ربیع الاول بود كه پادشاه جمجاه ملایك سپاه سایه ظل الله شاه صفی از دارالسلطنه اصفهان متوجه بساق السلام بغداد سنه ؟۱۰۴۴»

۱۲ـ (رعنا) گل رعنا با دو شاخه، مختصر رنگی نموده و استادانه است، یك پروانه بزرگ و زیبا، در شیوه سیاه قلمی، در وسط، دوشاخه گل، مصور كرده‌است.

۱۳ـ (شقایق) این گل را با خطوط سبز كم رنگ تصویر نموده و خود شایق را با شیوه سیاه قلمی و هاشور استادانه آبرنگ كرده است.

۱۴ـ (بنفشه كوهی) با هاشور استادانه و سیاه قلمی و در كمال كمرنگی عمل آورده و دوتا زنبور، در كناره ها علاوه نموده‌است.

۱۵ـ (دسته گل رعنا) یك دسته گل رعنا با هاشورهای استادانه و سیاه قلمی، در كمال قدرت مصور ساخته و چند زنبور و چند پروانه كوچك و بزرگ و یك ملخ زیبا، در كنار دسته گل ها علاوه نموده است.

۱۶ـ (شكوفه به) شكوفه های درخت به را با رنگ های طبیعی گمرنگ، در شیوه گل آرایی محمد زمان ارائه داده و مهارت خود را در رنگ آمیزی نشان داده‌است.

در بالای این دسته گل، طراحی گل دیگری را نیز علاوه نموده ولی پرداخت نكرده است.

در زیر شاخه ها، تصویر یك چوپان، كه چوبی به دست گرفته و در اندازه كوچكتراست به مهارت نقش نموده‌است.

۱۷ـ (لاله شهری) یك لاله ساده و رنگی است كه جنبه تمرینی دارد.

۱۸ـ (لاله شهری) یك نوع دیگر لاله بود قدری بزرگتر و سیاه قلم و هاشوری و یك پروانه كوچك.

۱۹ـ (لاله شهری) لاله شهری را از دوتا لاله قبلی استادانه تر كشیده بود، در شیوه قلمی و هاشوری و تصویر یك پروانه در بالا.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۲۰ـ (عنبر بو) دارای سه گل درشت و دو برگ زیبا و چند غنچه با هاشورهای سبك و شیوه سیاه قلمی به استادی نقّاشی کرده و دو تا زنبور و شاه‌پرك، در بالا دیده می شدند.

۲۱ـ (گل مریم) دارای شاخه‌های زیبا و گل های توپر و خوشه‌های پنج و شش تایی، درشیوه سیاه قلم و هاشورهای ماهرانه، در کناره ها دو زنبور و دو سوسك علاوه کرده بود.

۲۲ـ (لاله کوهی) دارای شاخه های بلند و دسته‌ای بود و شیوه سیاه قلمی با دوتا زنبور.

۲۳ـ (لاله‌کوهی) به عیار گل بالایی، دارای دسته‌های پر برگ و بدون حشرات.

۲۴ـ (نرگس) گل نرگس کوچك، که رنگ های ملایم و پریده داشت. یك مهر دایره‌ای در پایین داشت، با قطری در حدود پنج سانتی متر که سجع آن چنین بود: «مرید خاص شاه جهان پادشاه غازی جعفرخان» در کنار آن به خط بد شکسته و ناخوانا نوشته شده بود: «زمین طلا و زمین علی (اعلی) و زمین سبز خواهد شد ـ نیز منطبق ساده این طرح خواهد شد»

۲۵ـ (خطمی) در عین سادگی، خیلی استادانه بود و مختصر رنگی علاوه داشت

۲۶ـ (گل سرخ) گل سرخ ساده‌ای بود با سایه های هاشوری که یك پروانه در بالا دیده می شد. و یك مرغ درشت روی ساقه ها نشسته بود و سنگینی می کرد.

۲۷ـ (پاپی چال. میخك) یك بسته گل میخك زیبا بود و در کنار آن یك بوته پامچال دیده می شد، در شیوه سیاه قلمی نقش یافته و بدون رنگ بود.

۲۸ـ (میخك) یك شاخه میخك بلند و دراز بود که دو تا گل و یك غنچه داشت، و درشیوه سیاه قلمی و سایه های هاشوری نقش یافته بود.

۲۹ـ (یاس بنفش) یاس، دارای شاخه های پر گل و مختصری رنگ بنفش، بسیار پرکار و ماهرانه و ریزه کاری شده و از بهترین کارهای نقّاش بشمار می آمد.

۳۰ـ (گل انار) دارای برگ های بزرگ و گل پر پر، ولی ساده و کم کار نقش نموده است.

۳۱ـ (گل خوار) دو تا گل در کنار هم ارائه داده و در شیوه سیاه قلمی و سایه هاشوری است و یك پروانه در وسط دیده میشود.

۳۲ـ (لاله کوهی) گل ساده و درشت و سایه های هاشوری معمولی.

۳۴ـ (بنفشه کوهی) دسته گل های درشت و بلند و پرکار بود که اغلب رنگ ملایم مشکی زده بود و سایه های هاشوری داشت، این دسته گل در کمال قدرت تصویر شده بود.

تصویر بشماره ۳۴ در کاتالوگ حراجی ساتبی چاپ سیاه و سفید

۳۵ـ (سنبل) همان سنبل زیبایی است که بشماره ۳۵ در کاتالوگ حراجی به رنگ زیبا چاپ شده و رقم دارد: «یاهو درشب چهارشنبه ثالث شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۰ در مدرسه مولانا عبدالله آبرنگ یافت رقم کمینه محمد شفیع اصفهانی»

۳۶ـ (شقایق) شقایق درشت و گل قرمز و برگ ها نیز، دارای رنگ سبز کمتری است.

۳۷ـ (گل آفتاب) یك گل بلند، دارای دایره بزرگتر، و برگ ها نیز جنب یکدیگر قرار گرفته و با مختصر رنگی در شیوه قلمی و سایه‌های هاشوری عمل آمده و استادانه‌است.

۳۸ـ (مخملی) گل هایش مثل میخك بود و برگ هایش لبه دار و کوچك، در شیوه سیاه قلمی انجام یافته بود.

۳۹ـ (خطمی) دارای دو تا گل مجزا بود که در شیوه سیاه قلمی عمل آمده و بسیار استادانه بود و در وسط یك زنبور نیز دیده می شد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۴۰ـ (گل گندم) گل گندم را در جنب زنبق سفید کشیده و هردو را در شیوه سیاه قلمی و هاشوری عمل آورده و یك زنبور نیز دیده می شد.

۴۱ـ (شکوفه سیب) شکوفه سیب، در جنب سنبل کوهی ترسیم نموده و بسیار زیبا بود. یك کرم ابریشم نیز در زیر دسته گل ها دیده می شد.

۴۲ـ (رعنا بنفشه) دسته گل های بنفشه عالی بود و در سیاه قلمی و سایه هاشوری ترسیم نموده و دو پروانه و زنبور و یك سوسك و یك غنچه گل محمدی و یك بوته پامچال علاوه نموده و یکی از بهترین کارهای وی بشمار می آمد.

۴۳ـ (رعنا) یك رعنای با طراوات ترسیم نموده و یك گل سرخ نیز به همراه داشت. دو تا سوسك و دو تا زنبور و یك پرنده و یك پروانه سیاه قلمی عالی تصویر نموده و در نوع خود از بهترین ها بود.

۴۴ـ (شکوفه آلوچه) شاخه بلند آلوچه با گل های ریز بود و در بالا یك زنبور و در پایین یك بوقلمون و در کنار آنها یك پامچال ساده جلب نظر می کرد. عکس سیاه و سفید این اثر، در شماره ۴۴ کاتالوگ ساتبی به چاپ رسیده‌است.

۴۵ـ (بنفشه) بسته پرگل بنفشه است که گل ها رنگ بنفشه‌ای دارند و عکس آن به شماره ۴۵ کاتالوگ ساتبی چاپ شده است و رقم دارد: «در روز دوشنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۵۴ آبرنگ شد»

مهر بیضی شکل محمد شفیع که در جلد اوّل کتاب و صفحه شماره ( ) تشریح نموده و طرز قرار گرفتن حروف و سجع مخصوص آنرا اوّلین بار ارائه داده‌ام چنین است: «محمد شد شفیع هردو عالم ۱۰۴۶»

۴۶ـ (نرگس) نرگس سه شاخه‌ای است که رقم دارد: «در روز سه‌شنبه نوزدهم ربیع الاول آبرنگ شد سنه ۱۰۵۲»

۴۷ـ (زرنشان) دو دسته گل با هاشور عالی، بسان کار های میرکی و شیوه تذهیب کاری نقش نموده و به نام زرنشان معرفی نموده‌است.

۴۸ـ (میخك) دو گل میخك ارائه داده و در وسط همان مُهر جعفر قلی خان دیده می شد.

۴۹ـ (گل سرخ) دسته گل سرخی به همراه پروانه کرم ابریشم و آخوندك که عکس آن بشماره ۴۱ در کاتالوگ ساتبی چاپ شده است.

۵۰ـ (زنبق سفید) دارای شاخه بلند و در پایین دو گل کوچك و پامچال نقش کرده‌است.

۵۱ـ (گل گندم) یك گل گندم و یك گل دیگر تصویر نموده و دراطراف آنها زنبور و سوسك و خرگوش نقش نموده‌است.

۵۲ـ (لاله کوهی) یك نقش لاله کوهی ترسیم نموده که استادانه بوده و یك زنبور نیز در کنار آن علاوه نموده‌است.

۵۳ـ (خطمی) تصویر عالی گل ختمی است که یك گل زیبا در کنار آن دیده می شود و یك پروانه و زنبور علاوه کرده‌است.

۵۴ـ (ابلچی سوسن) یك گل عالی در شیوه سیاه قلمی و یك پروانه و یك زنبور نیز در ذیل آنها ترسیم نموده‌است.

۵۵ـ (شکوفه) دسته گل زیبایی بود که در پایین شاخه ها یك مرغ دیده می شد و یك غاز بزرگ نیز جلوه‌گر بود.

۵۶ـ (درخت برگ) فقط یك دسته برگ بود که درشیوه میرکی عمل آمده و یك پروانه و یك زنبور نیز درکنار آنها دیده می شد.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این آلبوم ارزنده که برای قسمت آثار هنرشرقی بریتیش میوزیوم خریداری گردید، طی نامه‌ای که آقای بازیل گری در ۱۴ آپریل ۱۹۸۸ برای حقیر ارسال نمود، درخواست نموده بود که کلیه اطلاعات دقیق این آلبوم و ارقامی که ذیل آن درج گشته و تااین موقع نیز مطالب آن قرائت نشده بود برای آن موزه ارسال بدارم که در نشریات داخلی آن موزه ثبت گردد، بدین ترتیب کپی دیگری نیز از این مطالب به آن موزه فرستاده شد که جنب آلبوم مذکور الصاق شده و مورد استفاده واقع گردد.

یکی از آثار رقم دار وی را که نقش مهر شخصی نقّاش را در بر دارد در تصویر (۶۳) صفحه (۹۸۲) ملاحظه می فرمایید.

۱۰۵۷ ـ محمّد شفیع رضوی

سیاه قلم را خوش می ساخت و پرداز را استادانه میزد.

این هنرمند، در اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می کرد و در جانور سازی صاحب ابتکار بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت.

از آثار این هنرمند، تصویر گاو بخصوصی، در سیاه قلمی دیده‌ام که کوهان بر آمده داشته و در نوع خود جالب بنظر میرسید.

سایه های تصویر، به شکل پرداز قوی انجام یافته بود و تصویر مرد چوپانی که به حفاظت حیوان اشتغال داشت، با رنگ سفیدی، در روی بدن تیره رنگ گاو ایجاد بود که تازگی داشت.

رقم نقّاش به خط نستعلیق چنین بود: «محمد شفیع رضوی»

●محمد شفیع عباسی در شفیع عباسی آمده

۱۰۵۸ ـ محمّد صابر

نقّاش گمنام اوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. و پیرو شیوه محمد زمان اوّل بود.

این هنرمند در انواع تذهیب و حل کاری، دست شیرین داشت و در چهره‌پردازی و منظره سازی قوی دست بود.

شیوه وی مخلوطی از هند و ایرانی بود که به مهارت خاصی تلفیق شده و در نوع خود هنرمندانه به شمار می آمد.

قلمدان زیبایی ازاین هنرمند دیده‌ام که در کمال چشم آذینی و شیوه صفوی ترسیم نموده و قدرت قلم خود را در عیار نقّاشان صفوی نمودار ساخته بود.

رویه قلمدان، تصویر زیبا روی جوانی بود که درشیوه آثار صفوی لباس پوشیده بود.

---

* محمد شوقی ـ مذهّب شیرین قلم عثمانی است که در اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. در آن دیار به تذهیب کاری اشتغال داشته و خط نسخ را نیز نیکو می نوشته‌است.

از آثار امضادار این هنرمند حلیه زیبا و پر آرایشی است که توسط خطاط اسماعیرت به سال ۱۲۰۹ هـ. قـ. کتابت شده و تذهیب حواشی و سایر تزئینات آن به عهده این مذهّب بوده است.

این حلیه بطرز خاصی تزیین و تذهیب شده و در کناره ها دو سر و بلند جلب نظر می نمایند که داخل آن، از ادعیه حفاظ پر شده است.

زمینه خطوط، برگ ها و غنچه های زیبایی است که به نازك قلمی ترسیم شده و حلاوت حلیه را مضاعف نموده است. تصویر در صفحه ۲۰۶ کتاب چاپی ناجی زین العابدین ـ بغداد

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زن جوان، آرخالق گلدار پوشیده و چشم و ابروان مشکی داشت.
در زمینه تصاویر، منظره ابنیه قدیمی و سوار کار و درخت پر برگ، جلب نظر می کرد و رقم داشت:
«رقم کمینه محمد صابر ۱۱۳۰» مجموعه دکتر ناصر خلیلی ـ لندن

۱۰۵۹ ـ محمّد صادق (آبرنگ ساز)

نقّاش و مذهّب و خطاط اواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. بود و در نقش خطوط، به خصوص خط گلزاری، مهارت بسیاری داشت.
از آثار مخلوط این هنرمند، قطعه خط نستعلیق گلزاری در موزه «فوگ آرت دانشگاه هاروارد» موجود است که به خط عالی نوشته شده و داخل آنرا، با انواع اسلیمی ها، گلزاری نموده و زمینه را با دوایر اسلیمی و برگ خنجری و خرطوم فیلی پر کرده و در گوشه ها، به خط شکسته رقم نهاده: «العبد الاقل محمد صادق ۱۲۴۸»

●محمد صادق اوّل در صادق اوّل آمده

●محمد صادق دوم در صادق دوم آمده[1]

۱۰۶۰ ـ محمّد صادق ـ رسمی ساز ومعمار

طراح و نقّاش و رسمی ساز مساجد و قصور وابنیه در ولایت یزد بود و از مشاهیر زمان خود بشمار می آمد، صاحب کتاب جامع مفیدی هنر وی را ستوده و چنین نوشته‌است:
«قدوهٔ مهندسان زمان و مرجع معماران دوران بود. از جملهٔ آثار آن استاد نادره کار در خطه یزد عمارات «دارالفتح» است و آن چنان بنائیست که قوت ناطقه از توصیف آن به عجز قایل و زبان قلم در تعریف آن به قصور مایل در رفعت به مرتبه ایست که مرغ تیزپر تا به سقف آن می رسد چند جای توقف می نماید.

پراز نقش و نگـار ازفـرش تا سقـف — مهـنـدس را برو فکـر و نظر وقـف
ز عالـی غرفـه هایش چشـم بد دور — مقـرنس طاقـهـا چون ابـروی حور

انهدام بناء حیات استاد محمد صالح در شهور سنه اربع وستین و الف اتفاق افتاد.
«باغ استاد شهاب» که نمونه ای از روضهٔ ارم و در «محله خلف باغ عزآباد» واقع است از آثار استاد شهاب معمار والد مشارلیه است.»
باز همو در باره تعمیر یکی از بناهای قدیمی یزد چنین می نویسد:
«قدوه مهندسان و مرجع معماران دوران است و از جمله آثار آن استاد نادره کار در خطه یزد، تعمیر عمارت «چهارسوق اعظم» است که بین الجمهور مشهور و منظور اقطار نظاره گیان اکناف و اقطاراست.»

۱۰۶۱ ـ محمّد صادق (نقّاش و عاج تراش)

از نقّاشان متبحر و حکاکان نازك قلم اواخر سلطنت محمد شاه قاجاراست که در عاج تراشی نیز مهارت خاصی داشته است.

۱ـ استاد محمد صادق و یا آقا صادق اوّل از نقّاشان اوایل الی اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. است که عمدةً سجع «صادق از لطف علی اشرف شد» و ندرتاً نیز «یا صادق الوعد» استفاده می نمود و استاد محمد صادق و یا آقا صادق دوم در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هنر آفرینی می کرد و رقمش منحصراً «صادق الوعد» بود و ندرتاً محمد صادق و صادق امضا می نمود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تنها اثر بی همتای این هنرمند، که در موزه کاخ گلستان تهران جلب توجه می نماید، قاب آینه شایان تحسینی است که تصاویر مختلف محمد شاه را به روی عاج کنده‌کاری کرده و به تردستی عمل آورده‌است.

در یك طرف قاب آینه، تصویر محمد شاه را در شکارگاه سلطنتی ارائه داده، که براسب سوار شده و با همراهان خود به شکار پرداخته است، منظره دشت و دمن و قیافه و حالات همراهان به حسن سلیقه تمام ترسیم شده و با حالت هستند. رویه دیگر این اثر زیبا که به دو قسمت جدا ازهم مجزا شده، در قسمت گردی بالای آن، تصویر محمد شاه را به حلاوت ترسیم نموده که شاه قاجار، شمشیری به روی دوپا قرار داده و دو زانو نشسته است. در قسمت پایین، جلوس محمد شاه را به تخت سلطنتی، با زبردستی کامل، به روی عاج کنده کاری نموده و به استادی از عهده بر آمده‌است. کناره و اطراف قاب آینه، تزئینات فلزی زیبایی دارند که بسیار پسندیده می باشند. این اثر دل انگیز که یکی از بهترین آثار تزئینی این زمان ها بشمار می آید. رقم دارد:

«زد رقم چاکر درگاه محمد صادق ۱۲۵۶»

حواشی این تصاویر که از عاج عمل آمده بود، نقوشی از پرندگان دلفریب و گل و بوته زیب افزا و برگ های انگوری، توسط استاد یحیی نقّاش، به شیوه روغنی عمل آمده و تاریخ ۱۳۱۰ هـ. ق. را در برداشت.

۱۰۶۲ ـ محمّد صادق امامی

گویا برادر نصرالله امامی نقّاشباشی اصفهانی است که شیوه برادر را الگوی کار خود کرده و دنباله رو مکتب برادر گشته‌است. خاندان محمد صادق امامی از سادات اصیل و قدیمی شهر اصفهان بودند که اغلب آنها، در رشته های هنری صاحب ذوقی بوده و چه بسا مکتب خاصی را دنبال کرده و در هنر مورد انتخاب خود نیز شهرت داشته‌اند. این هنرمند در گل و مرغ، دست شیرین داشت و اغلب کارهای گل و مرغی انجام می داد. گل و مرغ های وی، درشیوه آقا فتح الله بود که انواع گل ها را در بستر یکدیگر، به شیوایی ترسیم کرده و مرغ های رنگینی را، در لابلای آنها جای می داد و منظره هایش طبیعی ترجلوه می نمود.

این نقّاش، در چهره‌سازی نیز دست داشت و حالت صاحب چهره را نیکو می آراست و در تزئینات البسه و حواشی هم شیرین قلم بود.

استاد محمد صادق به غیراز صنعت قلمدان سازی که شیوا عمل می آورد، به آبرنگ و سیاه قلم نیز علاقه داشت و تذهیبات و آرایش طلایی را خود انجام می داد.

از آثار او دیده ام:

۱ـ قلمدان ارزنده سیاه قلمی، در مکتب آقا فتح الله بود، که تصاویر مختلفی از روابط عاشقانه زن و مرد و گل و بوته های دلپذیر را، در سه مدالیون مختلف ترسیم کرده بود که جلوه خاصی داشت.

این قلمدان که در موزه هنرهای تزئینی تهران به یادگار است رقم و تاریخ دارد: «رقم محمد صادق الامامی ۱۳۰۷»

۲ـ دیگر از آثار این هنرمند، جلد روغنی و رحلی بزرگ گل و مرغی، قرآن مجیدی بود که در کمال قدرت تزئین نموده و رقم نهاده بود: «رقم محمد صادق امامی سنه ۱۳۱۳»

۳ـ سومین اثر زیبای این استاد که در مجموعه نگارنده قرار دارد، قلمدان خوش نقش و گل و مرغی است که دسته گل سنبلی را به روی قلمدان ارائه داده و در کنار آنها، گل فندق و گل سرخ و گل هلو و سیب را به تردستی نقّاشی نموده و مرغ ها و پروانه های الوان و رنگینی را، در لابلای آنها مجسم ساخته بود. حواشی را نیز بسان چمن زاری پر طراوت ترسیم کرده بود که ستودن داشت. زیر قلمدان و داخل آن، با تذهیب های برگ انگوری

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و درهم، تذهیب کرده و به خط رقاع سفید رقم نهاده بود: «محمد صاق الامامی ۱۳۰۹»

۴ـ قدیمی ترین اثر قلمدانی این استاد که آن نیز، در مجموعه نگارنده قرار دارد، قلمدان استادانه ای است که در کمال شیوایی عمل آمده و رنگ ها و پرداخت آن ماهرانه است.

از مهارت و استادی زاید الوصفی که در ارائه این اثر زیبا بکار برده، معلوم می دارد که این هنرمند از دوران جوانی، به نقّاشی علاقه داشته و قلمدان سازی می کرده‌است.

تذهیب های زیر و کناره قلمدان نیز جالب است و به خط طلایی رقم دارد: «رقم کمترین محمد صادق الامامی ۱۲۸۹»

۱۰۶۳ ـ محمّد صادق رضوی یزدی

مذهّب ذوفنون و نقّاش نازك قلمی بود که خطوط نسخ و رقاع را استادانه می نوشت و در جلد سازی نیز تبحر داشت.

این هنرمند به نوشته خود، فرزند شخصی به نام عبدالحی رضوی از اهالی یزد بود که جمله فنون کتابت رااز قبیل خط و تذهیب و جدول سازی و حل کاری و حتی جلد روغنی و آرایش آنرا به نفسه انجام می داد و تمام رشته ها را پرمایه عمل می آورد.

از آثار او دیده‌ام:

۱ـ جلد رقم دار این هنرمند که در مجموعه نگارنده قرار دارد جلد استادانه ادعیه نفیسی از دعای کمیل است که تمام صفحات آن به شیوایی تمام تذهیب و حل کاری شده و به نسخ ممتاز کتابت گشته است. حواشی صفحات مذهّب و رنگین بوده و گل های تزئینی طلایی دارد و رقم خطاط در انتها چنین است: «حرره الداعی لدوام لدولة القاهره الباهرة ابن عبدالحی الرضوی محمد صادق به محروسه الیزد فی شهر شعبان المعظم من شهور سنه ۱۲۴۸»

جلد کتاب که در نوع خود از شیواترین تذهیب های روغنی است، با ارائه ترنج های کوچك و بزرگ و کمند زرین تقسیم بندی شده و بین الاثنین آنها، آیاتی به خط رقاع ممتاز دیده می شود که تحسین انگیز هستند.

حواشی جلد، لچك های زرین گوشه‌ای دارد و زمینه آن، پر از نقوش مختلفه هنر تذهیب کاری است که به روی جلد رقم دارد: «حررّه محمّد صادق الرضوی فی شهر جمادی الاولی من شهورسنه ۱۲۴۸»

۲ـ اثر دیگری که ازاین هنرمند دیده‌ام، بسان ادعیه کمیل مذکور بود و قدرت کتابت و هنر تذهیب و جلد سازی نقّاش را برملا می ساخت.

این نسخه شریفه، ادعیه ای به خط نسخ بود و جلد روغنی مذهّب داشت که حواشی آن نیز از آیه هایی به خط رقاع مستور گشته بود.

تذهیب داخل نیز بسیار شیوا بود و رقم داشت: «محمد صادق الرضوی سنه ۱۲۴۶»

۱۰۶۴ ـ محمّد صادق کاشانی

طراح نقوش بر روی کاشی ها و نقّاش ساده نگاری به روی ساختمان ها و عمارت ها بود و در تهران فعالیت داشت.

از آثار بجا مانده این هنرمند که در حدود سالیان ۱۳۰۲ به پایان رسیده، کاشی های مدرسه سپهسالار در تهران است که با همکاری استاد مهدی پایان پذیرفته و مهارت خود را ارائه نموده‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۶۵ ـ محمّد صالح (مذهّب قزوینی)

از مذهّبان گمنام قرن ۱۱ هـ. قـ. بشمار می آید و به اشارت اثری که در شهر قزوین به فرجام رسانده بعید نیست که از اهالی آن دیار باشد.

این هنرمند، فرزندی به نام محمد زمان داشت و در ذیل کتابی که بسال ۱۰۵۰ هـ. قـ. فرجام پذیرفته و حالیه در کتابخانه نور عثمانی قرار دارد، به هنر پدر خود اشاره کرده و چنین نوشته‌است:

«من متملکات اقل خلق الله محمد زمان ابن محمّد صالح مذهّب عفاعنها»

و ضمناً در تزئینات کاشی کاری معرّق ایوان مسجد جامع قزوین که در زمان شاه عباس دوم علاوه گشته است، در بالای فخری سمت راست ایوان و زیر کتیبه، در روی خشت کاشی لاجوردی رنگ به خط ثلث نزدیك به رنگ زرد چنین نوشته شده:

«غلام شاه ولایت شریف کاشی پز» و در مقابل نام کاشی پز درج گشته:

«مشقه حاجی محمد صالح المذهّب قزوینی سنه ۱۰۶۹»

معلوم می گردد نقوش تزئینی و خطوط کاشی ها، ازاین هنرمند بوده و چون در صنعت تذهیب نیز دست پر قدرتی داشته، خود را مذهب معرفی نموده‌است.

۱۰۶۶ ـ محمدصالح (مذهّب و مجلّد تبریزی)

اهل تبریز بود و در تذهیب و حل کاری و سوخت سازی، از مجلّدان قوی دست اواخرقرن ۱۰ هـ. قـ. ایران به‌شمار می آمد.

مجلّدان و سوخت سازان، هنرمندانی بوده‌اند، که شایسته بوده، درصنعت تذهیب وسایر مشتقات آن، مهارتی داشته تااینکه بتوانند، در طراحی و برش وتذهیب و حل کاری و سایر تزیینات دیگر جلد ها مهارت داشته و انواع هنرها را بروی جلدها عمل بیاورند.

---

* محمّد صالح (مذهب عثمانی) در اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. به تذهیب کاری اشتغال داشت و در هنر خود صاحب قلم بود. این هنرمند علاوه بر نقوش قدیمی و اسلیمی و تذهیب کاری که درشیوه قدما تذهیب می کرد، در اشکال ابتکاری و برگه سازی و گل آرایی نیز بصیر بود و دست پر هنر داشت.

از آثار امضادار این هنرمند قرآن مزین و مذهبی دیده‌ام که علاوه بر تذهیب سرلوح ها و آخر آن، یك صفحه درخشانی نیز از گل و برگ های طلایی، درشیوه ابتکاری ترسیم نموده و به انتهای کلام الله علاوه نموده بود.

رقم خطاط و مذهّب قرآن چنین بود: «کتبه الفقیر الحقیر... ابوبکر الزهدی تبرداران... من تلمیذ عمرالوهبی... سنه ۱۱۵۴ ذهبه محمد صالح»

---

* محمد صالح عاج تراش ـ گویاازاهالی ایران بوده که در ولایت مصر زندگی می کرده واز هنرمندان اواخر قرن ۱۱ هـ. قـ. بشمار می آمده‌است. این هنرمند نقّاش و طراح بروی فلزات و عاج بود و در رشته خود مهارت زایدالوصفی داشت. ازآثار مشهور و رقم داراین استاد که از نزدیك دیده‌ام، قلمدان کمری عاجی بود که به خطوط نسخ زیبا و آرایش اسلیمی انجام یافته و درنوع خود ستودنی بود.

حروف زیر را که به اشکال از بیرون ویترین قرائت نموده‌ام چنین است.

وانما انا محتاج الواحده ـ لنقل نقطه حرف الحاللطّاء ـ لاحسبوولان حسن الخط یتفعنی ـ ولماسماحة کف الحاتم الطائی.

این قلمدان که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن مضبوط است رقم دارد: «رقم محمد صالح سنه ۱۰۸۲»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از آثار گرانقدر این هنرمند که در مجموعه «گلبنگیان» قراردارد، جلد سوخت ممتازی است که به آرایش استادانه‌ای به انجام رسانده و در وسط آن، تصاویر گل و مرغ ها و نقوش هم طراز اسلیمی، به قوی دستی ارائه نموده و درکنار جلد رقم نهاده: «عمل محمد صالح التبریزی»

۱۰۶۷ ـ محمّد صالح تقوی

از اهالی هند و نقّاش و طراح و آرایشگر نقوش زیبا به روی فلزات بود و در حکاکی و نقاری نیز دست پرقدرت داشت.

از آثار ارزنده و دقیق این هنرمند که برای شاهزاده جایی سینگ تهیه شده، نقش و ترسیم بروج مختلفه بروی کره جغرافیایی است که از برنج ساخته شده و بروی چهارپایه‌ای، نصب گشته‌است.

روی این کره، که با دقت تمام و ریزه‌کاری های با وسواس عمل آمده، بروج مختلفه را به نازك قلمی و تصاویر گوناگون نقش کرده و مطالب و اسامی آنرا، به خطوط گوناگون نسخ و نستعلیق و نگاره‌های هندی، درج نموده که درنوع خود از بهترین هااست.

خانواده این هرمند، از اسطرلاب سازان لاهور بودند که استاد محمد صالح نیز به حرفه خانوادگی دل بسته، به ادامه صنعت مورد دلخواهش اشتغال داشته است.

رقم هنرمند بروی کره جغرافیایی چنین بود: «عمل محمد صالح تقوی سنه ۱۰۷۴»

۱۰۶۸ ـ محمّد صالح ندائی

در تاریخ افغانستان آمده که شاگرد مشفقی بوده و در خط نستعلیق و شعر و تذهیب و تشمیر دست داشته‌است.

این هنرمند بسال ۱۰۱۱ هـ. قـ. و سنین پنجاه و سه‌سالگی عازم هندوستان گشته، و پس از مدتی به مکه رفته و در سلك عرفای صوفیه در آمده‌است.

۱۰۶۹ ـ محمّد صائب

قلمدان ساز گمنام و شیرین قلم دوره ناصری بود و تذهیب را نیز تا حدی بلد بود.

از آثار امضا دار این نقّاش، قلمدان گل و مرغی و منظره سازی خوبی دیده‌ام که تا حدی شیرین عمل آورده و کناره‌های مدالیون ها را نیز تذهیب مختصری نموده بود.

در رویه قلمدان و در بین چهار مدالیون کوچك و بزرگ، مناظری از شهر اصفهان و دسته گل های متنوع ترسیم کرده بود که خوش قلم بود.

کناره‌ها نیز بدین ترتیب مناظر باغ و باغات و دسته گل های زیبا بود و در رویه قلمدان، به خط شکسته زیبا رقم داشت: «رقم محمد صائب ۱۲۹۹»

---

* محمد صنیع خاتم ـ حاجی محمد صنیع خاتم که در سال ۱۲۷۰ خورشیدی متولد شده، برادر محمد حسین صنیع خاتم است که به لقب صنیع دیوان ملقب است.

این استاد علاقه زیادی به تعمیر و مرمت صندوق های مزار ائمه داشت و تزئینات و طراحی نقوش را به استادی طرح کرده و با همکاری شاگردان خود به فرجام می رسانید.

از آثار این استاد، تجدید ضریح نقره حضرت شاه عبدالعظیم و ساختن و پرداختن تالار خاتم کاخ مرمر و سایر آثار دیگر خاتم کاری است که از بحث بیشتر آن خودداری می نمائیم.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۷۰ ـ محمّد طاهر

از نقاشان گمنام شیوه رضا عباسی و معین مصور بود و در مکتب اصفهان، نقش می ساخت.

از آثار امضا دار وی که عکس آن در کتاب Islamic Painting and the Arts of the Book چاپ شده، تصویر پیرمرد نشسته‌ای است که سری برهنه و ریش معمولی دارد و به عنوان استراحت دست خود را به‌زمین تکیه داده و به افسردگی نشسته است.

این تصویر که به شیوه رضا عباسی عمل آمده و حدود اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. انجام یافته، رقم دارد: «محمد طاهر»

● محمّد طاهر ابری ساز در میرمحمّد طاهر ابری ساز آمده.

۱۰۷۱ ـ محمّد طاهر حکّاک باشی اصفهانی

نگارنده بعضی از حکاکان ماهر واستاد را که در صنعت نقّاشی و تشعیر و تذهیب دست پرمایه‌ای داشته و چه بسا در ذیل آثار خود، شمه‌ای از آنرا ارائه داده‌اند جزو تصویرگران و نگارسازان محسوب داشته و احوال آنان را به اختصار بیان داشه‌ام، پر واضح است که استادان حکاك، علاوه براین که می بایستی درصنعت خط مهارتی داشته و چپ نویسی را بلد باشند، در حاشیه و جدول سازی کناره‌های مهر که اغلب آنها، به شکل بیضی و یا شکل قلب و یا سایر طرح های ابتکاری بوده، باید قدرت قلم والایی داشته، دقیق و نازك قلم بار بیاورند. و از طرفی بتوانند نقوش و سایر تزئینات اسلیمی را که در لابلای خط ترسیم می شده و بعضی ازاشکال مختلف و طغراهای متنوع را که به تقاضای سفارش دهنده، تغییر می یافته به استادی از عهده بر آمده و هنر خود را آشکارنمایند.

بدین ترتیب است که عمده حکاکان تیز قلم، در تذهیب و تشعیر و نقوش اسلیمی و صنعت خط مهارت داشته و هنرخود رابا جمع این گونه مهارت ها، غنی تر و پرمحتوی ترساخته‌اند.

یکی ازاستادان مبرزی که در زمان خود شهره خاص و عام بوده، استاد محمد طاهر حکاك است که به آقا طاهر معروف بوده و از حکاکان تیزنگار زمان خویش به شمار می آمده‌است.

این استاد دراواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی می کرد و اوقاتی در اصفهان و گاهی در تهران اقامت می نمود.

دراین مقال بجا دانستیم که بعضی از شگردها و رموز فنی را که در حکاکی و نگین تراشی بکار می رفته و از نسخ قدیمی استفاده شده، جهت اطلاع علاقمندان دراین نوشته ها ارائه بدهیم.

در نسخه بیان الصّناعات که در سنه ۸۸۴ هـ. قـ. و در بلده قسطنطنیه کتابت شده، راجع به حکاکی و نقّاشی کردن عقیق چنین نوشته است:

«نبشتن و نقش کردن بر عقیق ـ بستاند لختی قلیهٔ سپید و لختی بلگ (برگ) عرعر پس هر دو را چون سرمه بساید پس از آن هر دو را نیك به‌سرکه تیز بمالد و آنچه خواهد بدین دارو بر عقیق بنویسد و بنگارد و بگذارد تا خشك شود ـ پس کوره آتش را گرم کند و آن عقیق را در آتش نهد تا نیك گرم شود. چون زمانی برآید از آتش بیرون آورد چون سرد شود آن دارو از وی پاك کند آنچه نبشته باشد یا نقش کرده بگونه سیم سپید باشد و عقیق همچنان سرخ.

نوعی دیگر ـ بستاند گوگرد و سپید و زنگار از هریکی بهری و هردو را خرد بساید و بسپیده خایه بسر شد. پس ویرا بقرع و انبیق بچکاند و آنچه خواهد بنویسد. چون خشك شود برابر آفتاب بدارد تا گرم شود پس او را پاك کند. آن نبشته همچو نقره باشد»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از فرزندان وی حاج محمد حسن و نواده هایش یکی میرزا نصرالله و دیگری میرزا اسدالله و سومی میرزا اسماعیل صدرالقراء بودند که به شغل اجدادی اشتغال داشته و در هنرخود صاحب کمال بوده‌اند. وی فرزند دیگری نیز، به نام علی داشته که حکاکی را نمی دانسته و به شغل دیگری سرگرم بوده‌است.

مرحوم عبدالله مستوفی در کتاب تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه می نویسد:

«میرزا نصرالله نواده آقا محمد طاهر، به شغل اجدادی خویش یعنی حکاکی مشغول بود. دراواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شاگرد میرزا رضای کلهر خوشنویس بود واز او تعلیم خط می گرفته‌است. اخلاف حاج محمد طاهر، با نام خانوادگی طاهری حکاك در تهران بسرمی برند و میرزا اسماعیل ۱ ـ صدرالقراء نواده آن مرحوم از قاریان مشهور قرآن مجید و بسیار معروف بوده است. از مهرهای رقم دار او کم دیده‌ام ولی مهرهای بی رقم او بندرت در بین اشخاص دیده می شود.»

این استاد در نقش و تزیین مُهر ها استاد ذوفنون بود و در کتابت خطوط نیز دست پر قدرت داشت. آقا طاهر عمر طولانی داشته و درحدود نود سالگی در اصفهان وفات یافته و همانجا نیز مدفون شده‌است.

از بهترین و ارزنده ترین اثر رقم دار این هنرمند که برای شخص ناصرالدین شاه قاجار به فرجام رسانده و او نیـز به علت قدردانی و رضایت خاطر صمیمانه‌ای، به ظل السلطان اهدا نموده، تسبیح صد دانه‌ای از لعل بدخشانی است که درنوع خود از نفایس هنری زمان بشمار می آید.

دراین تسبیح ارزنده، که کلیه دانه های آن گرد و دایره‌ای است، در یك طرف آن نام «الله» و در طرف دیگر نام «محمّد» حکاکی شده و در جمله صددانه، به یك شیوا و عیار و خط نستعلیق ماهرانه، کتابت شده و آیتی ازمهارت است.

در جوانب شیطانك تسبیح، نام های مطهر «الله ـ محمّد ـ علی ـ فاطمه ـ حسن و حسین» به همان عیار و خط نستعلیق استادانه‌ای حکاکی شده و در ذیل آنها رقم نهاده: «یا طاهر»

این تسبیح گرانبها که بالطبع شاهکار تمام عیار استاد بشمار می آید، حالبه جزو مجموعه مهرهای ارزنده آقای منصور افشار قرار گرفته و در نوع خود منحصر به فرد می باشد.

۱۰۷۲ ـ محمّد طاهر قطاعی شیرازی

مذهّب و طرّاح و رسّام و قاطع تیز قلم اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. و فرزند استاد مسیح شیرازی است.

از آثار این هنرمند کتیبه‌ای، در مشهد رضا علیه‌السلام است که کاتب آن، بعد از درج نام خود، از قاطع نیز نام برده و چنین نوشته است:

«کتبه محمد علی بن سلیمان الرضوی غفرالله ذنوبها فی شهور سنه ۱۱۴۵ و کتیبه ثلث و نستعلیق که در این ایوان زرنشان عالی به خط این بنده عاصی محمّد علی الرضوی است، قطاعی آن بید اهتمام محمّد طاهر ولد استاد مسیح شیرازی به اتمام رسید ۱۱۴۶»

دراین اثراستادانه، ابیاتی به نستعلیق زیبا به روی فولاد سخت قطاعی شده و زمینه آن، با تزئینات دایره‌ای و

---

* محمّد طاهر زرگر ولد استاد مسیح شیرازی ـ زرگر و تصویر نگار شیرین قلمی، به روی فلزات گرانبها بود و در اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. زندگی می کرد.

از آثار این هنرمند که نام محمد طاهر و تاریخ ۱۱۴۵ هـ. قـ. را در بر دارد آرایش و پیرایش طلائی صحن کهنه آستان قدس رضوی است که در دوران نادر شاه، به دست این هنرمند تعمیر و طلا کاری گشته‌است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اسلیمی مدور، به زیبایی تمام به کناره ها وصل گشته و بسان تور محکم و تنیده‌ای، خطوط اصلی را، در بطن خود نگه داشته است.

این لوحه و کتیبه که‌از آثار رسامی و طراحی و تیز قلمی هنرمند بشمار می آید، در وسط ایوان طلای نادری، جلب نظر نموده و بیت اول اشعاری که در آن ایوان زرنشان قطاعی شده، چنین است:

حبذا این منظر اعلی که فردوس برین بردر صحنش چو زائر ازصداقت جبهه ساخت

۱۰۷۳ ـ محمّد طاهر کاشانی

اهل کاشان بود و سیاه قلم را خوش می ساخت و در شیوه عباسی کار می کرد.

نصر آبادی درتذکره خود، ازاین هنرمند به اختصار یاد نموده و چنین نوشته‌است:

«تخلص او کاشی بوده و به امر نقش بندی در کاشان مشغول است.»

۱۰۷٤ ـ محمّد طاهر مجلّد الخاقانی

هنرمند نوفنون و مذهّب و خوشنویس و قاطع و مجلّد پر استعداد دربار سلطان مراد بود و دراواسط قرن ۱۰ هـ. قـ. درآن دیار به خلق آثار هنری اشتغال داشت.

اثر قطاعی وی که درمرقع سلطان مراد قرارگرفته و حالیه در کتابخانه شهر وین به یادگاراست چنین رقم دارد:

«هوالملك الکریم»

بازهوای چمنم آرزوست جلوه‌سرو و سمنم آرزوست

نکهت گل را چه کنم ای پسر بویی از آن پیرهنم آرزوست

«قطّعه العبد محمد طاهر مجلّد الخاقانی فی سنه ۹۶۱»

کناره ها و گوشه های قطعه، تذهیب لچکی استادانه‌ای شده و به خط نستعلیق قطاعی درج نموده:

خوانده بودم فاتحه وصل ترا شد قبول لحمده و فاتحه

۱۰۷۵ ـ محمّد طاهر ابن محمّد امین

فرزند محمّد امین و طرّاح و رسّام و نقّاش، بروی فلزات سخت و آرایشگر اسطرلاب ها بود و دراوایل قرن ۱۲ هـ. قـ. زندگی می کرد.

ازآثار امضا داراین استاد که جمله هنرهای خود را عرصه نموده بود اسطرلابی در خور تحسین بود که نقش و نگار تمام سطوح و تزئینات دیگر آن را به مهارت عمل آورده بود که حالیه در موزه «سن لوئیز آرت میوزیوم» قرار دارد.

دراین اسطرلاب که ابعاد آن ۷۱/۸ اینچ می باشد، صفحات مشبك و عنکبوتی آن، به استادی نقش یافته و حلقه و عروهٔ آن نقوش اسلیمی زیبائی دارند.

سایر صفحات و اسامی بروج مختلفه نیز به خط رقاع فرجام پذیرفته و رقم دارد: «صنعه ابن محمّد امین محمّد طاهر» در حواشی دایره نوشته شده «نمقّه عبدالائمه»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۷۶ ـ محمّد عالم اکبر شاهی

نقّاش دوره اکبر شاه هندی (۹۶۳-۱۰۱۴) بود و در منظره سازی و تصویر پرندگان دست پر قدرت داشت.

از آثار امضادار این هنرمند، تصویر کبك الوان و خوشرنگی است که در کتاب Islamik Science چاپ شده و معرف قدرت قلم نقّاش میباشد.

تصویر کبك، در چمن سادهای نقش بسته وافق زرد رنگی دارد. حاشیه آبرنگ، بسان نقّاشی های استاد منصور مذهّب تزیین یافته و در بین تذهیب ها، خطوط نستعلیقی نیز دیده می شوند که رقم دارد:

«کار بنده درگاه محمد عالم اکبر شاهی»

از احوال بیشتر و همچنین آثار دیگر نقّاش اطلاعی نداشته، و این تنها نمونه اثر نقّاش است که از وی به یادگار مانده است.

● **محمد عبید در عبید آمده**

۱۰۷۷ ـ محمّد عبدی

از مذهّبان و حل کاران گمنام قرن ۱۳ هـ. ق. عثمانی است که به احوال و آثار وی واقف نبوده و اثر رقم داری نیز، از وی مشاهده نشده است.

۱۰۷۸ ـ محمّد عدیمی اصفهانی

به نوشته مرحوم فکری سلجوقی، مولانا محمّد عدیمی از نقّاشان شهر هرات است که در عصر سلطان حسین و امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶) زندگی می کرده و اصلاً اصفهانی بوده و در مکتب هرات تربیت یافته است.

این هنرمند، علاوه بر اینکه در صورت گری مهارت داشته، در صنعت هندسه و نجوم نیز دستی داشته و به آن صنایع آشنا بوده است.

غیاث الدین خواندمیر، در خلاصه الاخبار او را بنام محمّد اصفهانی معرفی کرده و می گوید که وی نیز مانند حاجی محمّد هروی، صندوق ساعتی اختراع نموده و طاسی در آن صندوق تعبیه نموده که از آن طاس، دقایق و ساعات روز و شب معلوم میشده است.

بعید نیست این هنرمند نیز، بسان شیخی و استاد سیاه قلم، در شیوه مخلوط ایرانی و چینی کار می کرده و اثر میآفریده است.

متاسفانه اثر رقم دار و یا منسوب وی دیده نشده و شیوه کارش نیز، بر ما مکتوم میباشد.

---

* محمّد عاکف ـ از طغراکشان و نشانچی های دوره محمود خان اول بن مصطفی (۱۱۰۸-۱۱۶۸) کشور عثمانی است که اغلب طغراها و نشان های مذهّب و رنگی و خط استادانه آن فرامین از این هنرمند میباشد، در یکی از طغراهای بجا مانده وی، چنین رقم نهاده است:

«کشیده محمد عاکف ابن ابوبکر پاشا الشهید سنه ۱۱۵۱»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۰۷۹ـ محمّد عریضی ـ نقّاش و قلمزن

طراح و مذهّب و نگارگر پر استعداد اصفهانی است که در اواسط قرن ۱۴ هـ. قـ. حیات داشته و در آن شهر به خلق آثار زیبا اشتغال می ورزیده است.

این سید هنرمند که به حاج سید محمّد قلمزن «عریضی» اصفهانی اشتهار داشته، در هنر خود صاحب کمال بوده و از استادان صاحب نام زمان خود بشمار می آمد. این استاد در تذهیب و طراحی و شیوه‌های مختلف آن دست با قدرتی داشت و صاحب ابتکار بود.

از این هنرمند، سینی نقره‌ای پرکاری بجا مانده که به انواع تزیینات اسلیمی و شیوه اصفهانی عمل آمده و مبین استادی هنرمند، در رشته مورد علاقه خود میباشد.

در وسط سینی، تصویر فردوسی قرار گرفته و در داخل بعضی محدوده‌های دایره‌ای و ابتکاری آن، انواع تزیینات زیبا نقش پذیرفته و رقم نهاده: «عمل حاج سید محمد قلمزن (عریضی) اصفهانی ۱۳۵۵ هـ. قـ.»

۱۰۸۰ـ محمّد عظیم اصم ابکم

به نوشته مرحوم فکری سلجوقی، از نقّاشان افغانی دوره امیر شیر علی خان (۱۲۸۰ـ۱۲۹۶ هـ. قـ.) بود و از شاگردان میرزا رضا، شاگرد افغانی به حساب میآمد.

همو می نویسد، ابکم معروف به نقّاش گنگه، وی گنگ مادر زاد بود و در طفلی خدمت میرزا رضا می کرد و فن تصویر را از وی آموخت. در عصر امیر شیر علی خان به کابل آمد و تا پایان عمر در کابل زیست.

از آثار امضاداراین نقّاش تصویرامیر دوست محمد خان و غلام حیدر خان بود که رقم زده بود: «سرکار غلام حیدرخان خلف سرکار بندگان امیردوست محمد خان. عمل محمد عظیم اصم ابکم ملازم سردار عالی ۱۹ شهر رمضان سنه ۱۲۷۱) تصویر این دواثر در صفحات ۴۴ و ۴۵ کاتالوگ ساتبی لندن ۲۶ آپریل ۱۹۹۰.

۱۰۸۱ ـ محمّد بن علی بن سلیمان بن محمّد الرّاوندی

بنوشته آقای امیر مسعود سپهرم در کتاب مشاهیر ایران و عرب خود که معلوم نیست از چه سندی سود جسته، محمد بن علی را چنین معرفی نموده:

«به نجم الدین ابوبکر شهره بود و در محضر خال خود، تاج الدین احمد بن محمّد بن علی الراوندی که از فاضلان آن عهد و در انواع علوم شرعی و ادبی سر آمد بود، بسر برد و علوم شرعی و ادبی و خط را بیاموخت و از استنساخ

---

* محمّد عظیم کوفته‌گر ـ نقّاش و کوفته‌گر قرن ۱۳ هـ. قـ. از اهل کجرات پنجاب بود.
از آثار این هنرمند، بشقاب فولادی بزرگی دیده‌ام که آفنین و گل های تزیینی و طلایی داشت که به استادی عمل آمده بود. در حواشی وسط آن، این اشعار به خط نستعلیق و طلایی جلوه بس دل انگیزی داشت که چنین است:

زهی طشت مطلا پراز گل های طلاکاری — نگارخانه مانی است چون ارژنگ پنداری
چومهر ازمطلع خاوربدهد این قرص زرین را — فدا بنمود زرداری و ساکن شد زسیاهی
طشت زرین پر به گل از هر طرف — بی خزان گل صد چمن دارد بکف
می کنم در بزم عالی پیش کش — گر قبول افتد زهی عزّ و شرف

در گوشه بشقاب رقم داشت: «محمّد عظیم کوفتگر ساخته کجرات پنجاب»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

مصاحف و تذهیب و تجلید آنها که خوب فرا گرفته بود، زندگی می گذرانید و از این راه کتب علمی بدست میآورد و بر مشایخ و علماء روزگار می خواند و اجازه روایت می گرفت.

در سال ۵۷۷ هـ. ق. که سلطان طغرل بن ارسلان تمایل به آموختن خط کرد، خال دیگر وی، به‌استادی سلطان برگزیده شد و مصاحفی که سلطان می نوشت، محمّد آنها را تذهیب می کرد و بدین طریق از نزدیکان درگاه گردید. بعد از آنکه طغرل در سال ۵۹۰ هـ. ق. به قتل رسید راوندی از عراق به آسیای صغیر روی نهاد و در خدمت غیاث الدین کیخسرو بن قلج ارسلان، از سلاجقه آسیای صغیر در آمد و راحة الصدور را که از مدتی پیش، به تألیف آن شروع کرده بود به سال ۵۹۹ هـ. ق. بنام او تمام کرد».

۱۰۸۲ـ محمّد علی «مذهّب تبریزی»

از مذهّبان گمنام تبریزی در ولایت عثمانی بود و در قرن ۱۱ هـ. ق. در آن دیار به تذهیب و حل کاری اشتغال داشت،

از این هنرمند، تنها مصطفی عالی، در مناقب هنروران یاد کرده و او را شاگرد استاد حسن بغدادی معرفی کرده و چنین نوشته است:

«از شاگردان مقبول الایجاد رئیس نگارخانه شاه طهماسب اوّل، استاد حسن بغدادی بود و در رشته خود مهارت داشت.»

۱۰۸۳ـ محمّدعلی «مذهّب شیرازی»

مذهّب گمنام اواسط قرن ۱۱ هـ. ق. شیراز بود که به جهاتی به دیار هند سفر کرده و به صنعت تذهیب اشتغال داشته است.

رضا عباسی در یکی از آثار خود، صورت استاد محمّد علی را تصویر کرده و در زیر آن چنین نوشته است:

«صورت استاد محمّد علی مذهّب شیرازی که از هند آمده بود»

قیافه‌ای که رضا عباسی از این مذهّب ارائه داده، وی را پیر مردی چاق و شکم گنده‌ای، تصویر کرده که بسان هندی ها، لباس پوشیده و عمامه سفیدی بسر گذاشته است.

بساط تذهیب و کاغذ و قلم و کیف مخصوص نقّاش، در کنار تصویر دیده میشوند.

از اینکه رضا عباسی قیافه وی را ترسیم نموده و وی را استاد مذهّب خوانده، مبین استادی و مهارت او در صنعت تذهیب است که در اواخر عمر، بزادگاه اصلی خود مراجعت کرده و از رضا عباسی نیز دیدار کرده است.

۱۰۸۴ـ محمّد علی «مذهّب و گلزاری نویس»

مذهّب و نقّاش و خطاط شیرین قلم قرن ۱۳ هـ. ق. بود و در خط گلزاری و تذهیب و تشعیر، قلم هنرمندانه‌ای داشت.

از احوال وآثار دیگر نقّاش، اطلاعی بدست نداریم و تنها یادگار ارزنده و چشم آذین نقّاش که در مجموعه نگارنده در تهران قرار گرفته، خط شش دانگ گلزاری است که جمله «یاامیرالمؤمنین حیدر» را بخط نستعلیق جلی نوشته و داخل آنرا، در شیوه گلزاری تزیین نموده و زمینه را نیز به تذهیب پرکاری، آرایش داده است.

در داخل متن خطوط، که زمینه مشکی دارد، نقوش متنوع اسلیمی از قبیل طرح های خرطوم فیلی و دهن

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اژدری و نقش خنجری و گل اناری و سایر شیوه‌های دیگر و همچنین تصویر پرندگان و مرغ های گوناگون را به استادی عمل آورده و مختصر رنگی نیز بروی آنها علاوه کرده است. تنها نقاطی که نقّاشی شده و تصویری ترسیم نموده، شش نقطه انتخابی، از جمع نقطه‌های کلمات است که در بین آنها شمایل ائمه اطهار علیه السلام را که کلیه آنها، صورت های پوشیده‌ای دارند، نقّاشی کرده که با صلابت تامی، دو زانو در جای خود قرار گرفته‌اند

زمینه این اثر مذهبی، به استادی و پرمایگی تمام، تذهیب شده و انواع نقوش طلا کاری و شیوه‌های دشوار آن را به شیوایی ظاهر گشته، و مهارت و قدرت قلم نقّاش را بر ملا ساخته است. این اثر پرزیب و زینت که نشانه بارز خطاطی و نقّاشی و صنعت تذهیب و تشعیر هنرمند است، در انتهای یای «یا امیرالمؤمنین» رقم دارد: «یاعلی ادرکنی» که سجع مخصوص محمد علی مذهّب میباشد. تصویر شماره (۱۱۲) در صفحه (۱۰۲۳)

۱۰۸۵ـ محمّد علی «مذهّب و مجلّد»

مذهّب و مجلّد نازك قلم اواسط قرن ۱۲ هـ. قـ. است که در هنر سوخت و نقوش مذهبی، بروی جلدها و کتاب ها مهارت خاصی داشته است.

از آثار ارزشمند این هنرمند که در موزه نگارستان به یادگار است، جلد سوخت ممتازی است که به استادی و مهارت خاصی عمل آورده و بخط نستعلیق زیبا و طلایی رقم نهاده: «فلك جناب عالی با تمام رسید. عمل کمینه محمّد علی ۱۱۴۱»

۱۰۸۶ـ محمّدعلی «محمّدعلی منصوربن ملک حسین اصفهانی»

زاده شهر اصفهان و فرزند ملك حسین اصفهانی بود که در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. در آن شهر اقامت داشت و در شیوه محمّد قاسم و معین مصوّر نقش تصویر مینمود.

پدر و معلم اولیه این نقّاش استاد ملك حسین اصفهانی است که خود به نفسه نقّاش قوی دستی بوده و آثار ارزنده‌ای را به یادگار نهاده که در کتابخانه‌های ملی عرب و ملی پاریس و ویندسور جلب نظر می نمایند.

این پدر هنرمند که به فنون تصویرگری احاطه کاملی داشته، تربیت فرزند پراستعداد خود را به عهده داشته و باصطلاح هر چه در چنته داشته به او آموخته و از پیشرفت وی غافل نبوده است.

دیگر از استادان نامور این نقّاش، گویا استاد معین مصور بوده که شاگرد پر استعدادش، توانسته است، در مراحلی شیوه وی را بکار برده و حالات چهره‌ها مسیر دورانی خطوط و سایر تردستی ماهرانه وی را دریافته، و در بعضی از آثار خود، بدان نحوه‌ها تجلی داده است.

محمّد علی سایه پردازها را درشت و باقلم موی نقّاشی عمل میآورد و در مواردی با خطوط ها شوری ریزی که در موازات و مسیر همدیگر ترسیم می نمود، سایه‌ها را دقیق و موزون نشان میداد.

او رنگ ها را تا حدی کم رنگ و پریده می گرفت و خطوط حواشی را درست می کشید و زمینه اثر را، با گل های متنوع آرایش میداد.

کوه ها را با برآمدگی خاصی که با طبیعت چندان مطابقت نداشت بالا می برد و مثل موج های طوفانی آب دریا، تصویر مینمود.

روی همرفته نقّاشی با ذوق بود و در تك چهره پردازی و ارائه مجالس گوناگون و جانورسازی قلم گیرا داشت.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

متاسفانه در هیچ یك از آثار بجا مانده وی، بجز یك قطعه رقم داری که تاریخ اجرای آن نیز تا حدی مخدوش میباشد، سنه نداشته و دوران فعالیت و ایام عمر این هنرمند، مکتوم مانده است. ولی پرواضح است که این هنرمند، در اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. زندگی میکرده و از استادان معروف آن دوره که در اصفهان فعالیت داشتند، هنری اندوخته و در جرگه نقاشان آن دوره بحساب آمده است.

آثار بجامانده وی عبارت است از

۱ـ تصویر جوان بلند قامتی بود که در حراج ساتبی شهر لندن به فروش رسید، این اثر ارزنده که در شیوه اصفهان تصویر گشته بود، لباس بلند و نارنجی بتن کرده و کلاه عمامه‌ای پردار بسر گذاشته و صراحی منقش و طلائی بدست گرفته و پیاله شراب را جلو سینه داشت.

حواشی مینیاتور، گل های تزیینی مختلفی بود و رقم داشت: «محمدعلی».

۲ـ تصویر دیگر هنرمند، پیر مردی در شیوه رضا عباسی بود که دو زانو نشسته و کاغذی را قرائت میکرد. حواشی نقّاشی را گل و برگ های سنبلی طلائی پر کرده و حلاوت اثر را مضاعف می نمود.

این مینیاتور که در یك کتاب آلمانی بنام DIE ARABER چاپ شده بود، به خط قلم موئی رقم داشت: «مشقّه محمد علی مصور بن ملك حسین اصفهانی»

۳ـ دو اثر رقم دار این هنرمند که در موزه اسلامی لور پاریس موجود است، یکی از آنها تصویر جوانی است که صراحی و پیاله شراب بدست گرفته و روی یك زانو نشسته است. حالت طنازی و قیافه دلربای زن جوان فریبنده است. منظره کوه ها و درخت بزرگ سپیدار، که برگ های گردی دارد تماشائی است.

دیگر آبرنگ هنرمند در این موزه، تصویر دختر فتانی است که کلاه پوست سموری بسر گذاشته و زلف های بلند خود را دورسر آویخته است. صورت و لب های پر حالت و چشمان درشت وی دل انگیز است. دختر جوان روی یك زانو نشسته و دست های خود را بروی زانوان نهاده و به انتظار استاده است. گل و برگ های اطراف و کشش سایه دار کوه ها، و آرایش و نقوش لباس وی استادانه بوده و رقم دارد:

«مشقّه محمد علی مصوّر» موزه گیومه پاریس.

۴ـ اثر ارزنده دیگر محمد علی مصور که بشماره ۵۳ در کاتالوگ گالری کل ناقی لندن دیده میشود.

تصویر جوانی است که دوزانو نشسته و پیاله شرابی را به شخصی که در مقابل وی قرار گرفته و دوزانو بروی زمین نشسته است تعارف میکند. پیر مرد دیگری که ناظر صحنه است، کلاه عمامه‌ای بسر گذاشته و لباس های بلندی که آستین های دراز آن آویزان گشته پوشیده و در کنار خم شراب ها ایستاده است.

منظره کوه بلند و صخره‌های آن که بسان موج غلطنده دریای طوفانی، ارائه شده جالب است و پشت سر آن، افق دور و ارائه چندین درخت سرسبز جلوه بخصوصی دارند.

نقوش تزیینی و رنگین خم های بزرگ شراب و حالت و گیرائی صورت نفرات و ارائه البسه و رنگ های آرام و ملایم، در خور تحسین است و روی صراحی مخصوصی که به شکل کدو تنبل نقش یافته، رقم دارد: «رقم کمینه محمد علی سنه» که متاسفانه تاریخ اجرای آن بخوبی دیده نمی شود.

۵ـ دیگر اثر هنرمند، تصویر میمونی بود که پشت خرس بزرگی سوار شده و چوبی بدست گرفته و او را راه میبرد.

از پشت کوه های زمینه یك، خرگوش و یك روباه دیده میشوند که ناظر ماجرا هستند. رقم دارد:

«رقم زد کمینه محمد علی»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۶ـ دیگر از آثار رقم دار این هنرمند، چندین آبرنگ زیبا در اندازه‌های کوچکی است که موضوعات مختلفی از قبیل رقاصه و شاهزاده و مجالس زنانه انجام شده و رقم: «مشقه محمد علی مصور» را دارا میباشند. و همچنین تصویر نوازنده‌ای در دهکده است که رقم دارد:

«رقم کمترین محمد علی مصوّر»

۷ـ دیگر اثر این هنرمند که در نمایشگاه گنجینه هنر اسلامی در شهر ژنو، که بسال ۱۹۸۵ مفتوح بوده و عکس رنگی آن نیز در صفحه ۱۲۲ چاپ شده است، تصویر زیبا روی خدمتکاری است که کلاه قابلمه‌ای کنار سموری بسر نهاده، و زلف ها را بروی گونه ریخته و سینی بدست گرفته و در کاسه‌ای که هندوانه سرخ و یا شراب قرمز، در آن گذاشته‌اند، جهت پذیرائی ایستاده است.

لباس بلند و سبز رنگ وی جالب بوده و در زمینه، نقوش طلائی دارد.

در زمینه تصویر بسان قالبهای قلمکار، تعدادی بوته برگهای گلدار، که به رنگ سبز و سرخ رنگ آمیزی گشته جلب نظر می نمایند.

در قسمت بالای تصویر، ابری سازی زیبایی در شیوه رضا عباسی عمل آورده و در کنار سینی رقم نهاده: «محمّد علی»

۸ـ از دیگر آثار استاد محمّد علی که به عقیده حقیراز بهترین آثار وی بشمار میآمد، تصویر جوانی در شیوه صفوی بود که عکس آن در صفحه ۳۱ کاتالوگ حراجی کریستی لندن در ۲۳ نوامبر ۱۹۸۴ جلب نظر می نمود.

در این آبرنگ، جوان مذکور کلاه عمامه‌ای بسر نهاده و البسه بلند و منقشی که از برگ های گل ها احداث شده بتن کرده است.

جوان مذکور، به یکدست عصا گرفته و روی دوش گذاشته، و دست دیگر را، در کیسه‌ای که به کمر آویخته، فرو برده و در محلی ایستاده است.

کناره‌های تصویر، مطابق شیوه نقّاش، دسته علف های هرزه که همه جا را پوشانده‌اند دیده می شوند.

در قسمت بالای تصویر، قله کوهی است که بسادگی ترسیم شده و نقوش دیگری را در بر ندارد.

۱۰۸۷ـ محمّد علی «مصوّر زاده خوئی»

از نقّاشان تصویر ساز و تابلو نویس خوش دست شهر خوی در سنوات ۱۳۲۰ شمسی بود.

این نقّاش در معیت پدر هنرمندش و سایر نقّاشان آن دوره، تصاویر قصر معروف سردار ماکو را که در شهر ماکو قرار دارد، مصور ساخته و آرایش نموده‌اند.

نگارنده از مصاحبت این هنرمند، در شهر خوی مستفیض شده و از هنروی تعریف ها شنیده‌ام.

این استاد در سالیان ۱۳۲۱ شمسی، دارفانی را وداع گفته و در مقبره محله امامزاده خوی مدفون گشته است.

از آثار بجا مانده این هنرمند که در ترتیب و نقش آنها با سایر هنرمندان دیگر نیز همکاری نموده دو تصویر بزرگ رنگ و روغنی زیبائی است که بروی قصر سردار ماکو مصور شده و در نوع خود جالب میباشند.

در یکی از این تابلوها که مهمانی مجللی، به نقش در آمده، جمله مهمانان در کنار سفره قلم کار نشسته و غذا تناول می نمایند، در روی سفره قلم کار، انواع غذاهای ایرانی با شربت آلات مخصوص دیده میشوند که صحنه مهمانی های قدیم را بخاطر میآورند.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

در سقف دیگر که به همین ترتیب نقش یافته، مجلس مهمانی دیگری بشیوه اروپائی است که مهمانان با البسه و قیافه اروپائی، روی میز و صندلی سالن غذاخوری نشسته و غذاهای فرنگی و شراب میخورند.

نگارنده در ایام نوجوانی و موقعیکه دانش آموز سیکل اول دبیرستان بودم با این استاد دمساز و محشور بودم، طراحی های مدادی خوبی میکرد و بخصوص در شبیه سازی صاحب قلم بود.

میرزا محمّد علی مصور زاده، تقریباً یکی دو ماه مانده بعید، نقش انارها را جهت چهارشنبه سوری شروع میکرد و بعد از آنکه جمله روی انار را رنگ مینمود، چند چهره از زنان قاجاری را که چشمان بادامی درشت و قشنگی داشتند بروی انارها نقش مینمود و بهترین هدیه نوروزی بشمار میآمد. یاد آن روزها و آن انسانها بخیر باد.

۱۰۸۸ـ محمّد علی «میناساز»

میناساز گمنام و صورتگر اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. است که در حرفه خود، استعدادی داشته و در صنعت میناسازی وارد بوده است.

از آثار امضادار و همچنین از احوال خصوصی این هنرمند، اطلاعی نداشته و آثاری نیز از این مینا ساز ندیده‌ام.

۱۰۸۹ ـ محمّد علی «نقّاش رنگ روغنی»

نقّاش رنگ و روغن کار و قلمدان ساز دوران فتحعلیشاه و محمّد شاه قاجار است که در شبیه پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی بصیرت داشته و گل و مرغ و پرنده سازی را نیز نیکو میدانسته است.

از تابلوهای رنگ و روغنی و ارزنده وی که عکس آن در صفحه ۱۲۶ کتاب روسی چاپ لنین گراد ارائه شده و اصل آن در موزه هنری ملت آسیا در مسکو جلب توجه می نماید، صف سلام فتحعلیشاه قاجار است که از روی اثر عبداله خان معمار و نقاشباشی، در سالیانی بعد از آن تصویر کرده و بخوبی از عهده برآمده است.

در این اثر رنگ و روغنی، فتحعلیشاه در وسط قرار گرفته و شاهزادگان و رجال درباری و سفرا و نمایندگان ممالك دیگر، در اطراف وی بردیف ایستاده‌اند.

شش نفر از خدمه‌های مخصوص که حامل شمشیر و کمان و سایر ملزومات سلطنتی هستند، جهت تشریفات درباری، در زیر تخت شاه قاجار بصف منظم قرار گرفته‌اند. رقم نقّاش بخط شکسته زیبا چنین است: «عمل کمترین محمّد علی فی سنه ۱۲۵۰»

این اثرتاریخی که، ماوقع کامل آن بشماره ۵۴۰ وصفحه ۳۰۱ جلداول این کتاب و در احوال عبداله‌خان معمار و نقاشباشی یادشده، بوسیله چندنقّاش دیگر کپی گشته و درموزه‌ها ومجموعه‌های خصوصی جاگرفته است.

عکس اصلی این اثر به سال ۱۳۴۰ شمسی در آخر کتاب فروغ بسطامی در هفت قطعه و بعد ها نیز بسال ۱۳۵۳ شمسی در مجله هنر و مردم شماره ۱۴۴ چاپ شده و اسامی نفرات نیز درج گشته است.

۲ـ دیگر از آثار قلمدانی این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبائی در موزه برن است که رقم دارد:

«کمترین محمّد علی ۱۲۵۸»

۳ـ اثر آبرنگی این هنرمند، که در یکی از مرقعات کتابخانه سلطنتی ایران بیادگار است، تصویر دختر دلربائی است که موهای سر را بشیوه اروپائیان فر زده و لباس تن نما پوشیده و مشغول خود نمائی است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دخترجوان، نیمتاج نقره‌نشان بسرگذاشته که بوته‌جیقه‌ای بوده و دو ریسه‌مروارید غلطان ویك گل سرخ زیبا با آن آذین گشته است.

زیبائی و حلاوت تصویر ستودنی بوده و رقم دارد: «در شب مشق شد کمترین محمّد علی»

۴ـ آبرنگ دیگر نقاش، قرنفل کوچك و با طراوتی است که رقم دارد: «کمترین محمّد علی»

۵ـ پرنده سازی این نقاش، تصویر عقاب تیز پروازی بود که به آبرنگ نقش بسته و رقم داشت: «کمترین محمّد علی».

۱۰۹۰ـ محمّد علی «نقّاش رنگ و روغن»

گویا اهل تبریز بوده که به ولایت قفقاز مهاجرت کرده و در آن دیار به تکمیل هنر مورد علاقه خود پرداخته و به نقّاشی کلاسیك تمایل یافته است.

این هنرمند خوش قریحه که در رشته رنگ و روغن هنر نمائی میکرده، سعی داشته در لفافه احساس و تخیلات با ابتکار خود، از زندگی روزمره و موضوعات مردمی آن سامان که بین آنها زندگی میکرده، برداشت حقیقی کرده و با قلم موی معجز نگار خود صحنه‌های حقیقی را بهمان سان که دیدار کرده، به آیندگان بیادگار گذارد.

در دو اثر رنگ و روغن و امضادار این هنرمند که در حراج ۱۹ ژوئن سال ۱۹۸۱ شهر پاریس بفروش رسید، صحنه‌های حقیقی و تشریفات رایج عامه را بطوریکه در زندگی روزمره نیز مشاهده میگردند بنحو استادانه‌ای ارائه داده و تا حد امکان ظاهر ساخته است.

یکی از این تصاویر، مجلس عروسی زن و مردی از مشرق زمین است که عروس، صورت خود را پوشانده و کلاه مخصوصی بسر نهاده و چادر مشکی بلندی که دامن آن، رنگ طلائی دارد، بتن کرده است.

درطرفین عروس، دو زن دیگری که‌بعنوان ساقدوش وسولدوش قرارگرفته‌اند دیده‌میشوند که البسه بلند ورنگین پوشیده و پیچه بلندی که‌فقط چشمها دیده میشود، بروی صورت گرفته و بی حالت، در کنار عروس ایستاده‌اند.

جماعت نظارو عمله طرب که طبل و سرنازنان، مجلس عروسی را شادمان کرده‌اند، در طرف چپ تصویر دیده میشوند، جوان پا برهنه‌ای که لباس بلندو سفید بتن کردهو کلاه سفید بسر گذاشته باعصائی که در پشت سرش گرفته مشغول رقصیدن است.

حالات گوناگون چهرهها و فرم و رنگ آمیزی لباسها و سایر دقایق و آرایش تصویر و همچنین پنجره‌ها و دیوارهای حیاط خانه استادانه بوده و رقم دارد: «محمّد علی نقّاش» اندازه ۲۸×۳۴ سانتی متر.

۲ـ دیگر اثر هنرمند که در حراج مذکور بفروش رسید و عکس آن نیز در آخر کتاب ارائه میگردد، مجلس زنانه‌ای است که بزیبائی تمام در یکی از اطاقهای خانه برگزار شده‌است.

خانم خانه که زن جوان و طنازی است، لباسهای رنگین و چهار قد بزرگی بسر کرده و بروی دوشکی نشسته و به متکا تکیه داده است.

دو زن جوان دیگر که در گوشه راست تصویر دیده میشوند، بهمان هیار، لباسهای تازه پوشیده و یکی از آنها فنجان چائی بدست گرفته و با یکدیگر، درگوشی صحبت میکنند.

سماور روسی و چایدان چینی و قندان بلوری و سینی سبز و خوش رنگ که دو فنجان خالی، بروی آن قرارگرفته در وسط اطاق جلوه جالبی دارند.

دوشیزه کم سالی که چادر سبز و بلند بتن کرده و چارقد سفید بسر کشیده، در وسط اطاق سر پا ایستاده و خودی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

نشان میدهد، شلوار بهم پیوسته و کفش های قرمز رنگ وی جالب است.
دو تخته قالی قفقازی در صحن اطاق گسترده شده و یك قالیچه نیز از دیوار آویزان گشته است.
آیینه منبت کاری مخصوصی بروی طاقچه قرار گرفته و قمه زیبائی نیز در دیوار کناره، دیده میشود.
این اثر پرزیب و زینت که از زندگی عمومی یك خانواده‌معمولی برداشت شده، بقدرت قلم نقاش، درشیوائی تمام انجام یافته و روی فرش اطاق رقم دارد: «محمدعلی نقاش ۱۳۲۲». تصویر شماره (۹۳) در صفحه (۱۰۰۷)

۱۰۹۱ـ محمّد علی (نقّاش روغنی)

از نقّاشان گمنام اواخر قرن ۱۲ هـ. قـ. بود و در رشته گل مرغی دست داشت. تنها اثر رقم و امضادار این هنرمند را که از نزدیك دیده‌ام، جلد روغنی کوچکی در اندازه ۱۳×۲۰ سانتی متر بود که مهارت وی را در امر گلسازی برملا میساخت.
در صحن رویه جلد و کناره‌های حاشیه‌ای آن، گلهای تزئینی داشت و در صحن وسطی، که بازرك قرمز رنگ آتشی، عمل آمده بود، جلوه تابناکی داشت و استادانه بنظر میرسید.
در ترنج وسطی، دسته گل زیبائی، بشیوه علی اشرف نقش نموده ودر بالا و پائین ترنج مذکور، و در داخل دو ترنج کوچکتر، گلهائی هم بدینطریق علاوه کرده بود.
درهر دو قرینه جلدها، و دربالای ترنج وسطی، بخط شکسته طلائی رقم زده بود:
«راقمه محمد علی ۱۱۷۷». مجموعه دکتر ناصر خلیلی لندن.
تاریخ این جلد روغنی به آثار استادان هم نامی، از قبیل محمّد علی بن محمّد زمان که قدیمترین اثر وی در سال ۱۱۱۹ هـ. قـ. فرجام یافته و استاد محمّد علی بیك ابن ابدال بیك که بسال ۱۱۷۲ هـ. قـ. وفات یافته، مطابقت نداشته و معلوم مینماید که این استاد نقاش دیگری، بغیر از هنرمندان مذکور بوده است.

۱۰۹۲ـ محمّد علی (نقّاش روغنی)

نقّاش جلدهای روغنی بود و در این هنر مهارت چندانی نداشت.
از آثار رقم دار این نقّاش، جلد روغنی اندازه رحلی دیده‌ام که تمامی سطح روی جلد را، با سبز چمنی خوش رنگی آرایش داده و کناره‌ها رابسان نقوش هندی تذهیب نموده و داخل جلد را، که در زمینه سرخ رسم نموده، یك تذهیب ترنجی درشتی، علاوه نموده بود که چندان ماهرانه بنظر نمیرسید.
شیوه تذهیبی نقاش متوسط بود و بر روی جلد، بخط نستعلیق و طلائی رقم زده بود «راقمه محمد علی ۱۱۷۶»

۱۰۹۳ـمحمّد علی (نقّاش صدف کار)

طرّاح و نقّاش روی چوبها و صدفهای تزیینی بود که نقوش مورد دلخواه خود را بروی آنها طرح کرده و بشیوائی عمل میآورد.
از آثار رقم دار این هنرمند که در موزه مردم شناسی شهر تهران بیادگار است. کشکول صدفکاری شده و منقّشی است، که زمینه گردی آنرا، با نقوش گوناگونی آریش داده و در کناره‌های دهانه آن، اشعاری را از صدف بریده و بزیبائی نصب کرده و رقم گذاشته.
«چاکر درگاه محمد علی شوال المکرم سنه ۱۲۶۷»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

اشعار حاشیه آن چنین است:

گرچشمه خضر ازنظر خلق نهان شد — درظلمت کشکول من آن چشم عیان شد
از دولت و اقبال شهنشاه زمانه — هرپیر که نوشید دگرباره جوان شد

۱۰۹۴ـ محمّد علی (نقّاش قلم کار)

نقاش و طراح شیرین قلم دوره ناصری بود و در صنعت قلم کار، تبحر فراوان داشت.

از آثار ارزنده و نفیس این هنرمند که بدستور ناصرالدین شاه و برای شخص امیر کبیر تهیه شده، سفره بزرگ و درباری قلم کاری است که به نقوش گوناگون و اشعار مناسب تهیه شده و در نوع خود منحصر بفرد میباشد.

ماوقع تهیه و هدیه سفره مذکور، به اشعاری مناسب و خطی زیبا، در کناره‌های سفره درج شده و رقم دارد. (قلم کار اعلا حاجی محمّد علی ۱۲۶۶) مجموعه نگارنده ـ تهران.

۱۰۹۵ـ محمّد علی (نقّاش قهوه‌خانه‌ای)

از نقّاشان ساده‌کار و قهوه خانه‌ای دوره فتحعلیشاه شاه قاجار بود که علاوه بر نقاشی، در قهوه‌خانه‌ها و مجامع عمومی، نقالی نیز مینموده است.

از آثار شیرین و ساده این هنرمند، کتاب شاهنامه‌ای دیده‌ام که تمام مجالس آنرا بابتکار و شیوه خاص خود تصویر کرده و بارنگهای تند و غلیظ رنگ آمیزی نموده و رقم زده بود. (کمترین محمد علی ۱۲۴۹)

۱۰۹۶ـ محمّد علی بن آقا نجف نقّاشباشی

کوچکترین فرزند آقا نجف معروف است که در رشته قلمدان سازی و نقاشی های رنگ و روغنی، دست با کمالی داشته‌است.

در عقد نامه دختر آقا نجف که تفصیل آنرا در نجفعلی نقاشباشی آورده‌ام، نامی از این کوچکترین اولاد آقا نجف در بین سایر اعضاء آن خانواده که بعنوان شهود عقد، حضور داشته و ذیل قباله را مهر نهاده‌اند، دیده نشده و گویا بعلت خردسالی و صغر سن نتوانسته است در آن مراسم پر سرور، شرکت نماید.

ولی با درج ارقام صریح «محمد علی بن آقا نجف» که در ذیل بسیاری از آثارش دیده میشوند، قرابت پدر و فرزندی را مسجل نموده و به ارائه آن، مفتخر بوده است.

عده‌ای را عقیده بر این است که این نقاش، پسرجعفر بن نجفعلی بوده و چون میخواسته است از شهرت پدر بزرگش بهره‌ور گردد، همیشه خود را (محمد علی بن آقا نجف) معرفی میکرد و از ذکر نام پدرش که او نیز نقاش قابلی بوده استنکاف ورزیده است.

ولی عقیده نگارنده بغیر از این است که این هنرمند، کوچکترین فرزند آقا نجف بوده و بسان آقا احمد که او نیز در حین اجرای عروسی خواهرشان ،صفیه سلطان، جوانی ۱۵ یا ۱۶ ساله بوده ونتوانسته است بعنوان شهود عقد، ذیل عقد نامه را امضا نماید، آقا محمد علی نیز پسرك کوچکی در حدود سه و یا چهار ساله بود و روی این اصل، یادی از وی نرفته است.

بطوریکه در احوال آقا نجف موشکافی شده و سن وی، در حین اجرای عقد و عروسی که بسال ۱۲۷۱ هـ. قـ. برگذار گشته، در حد ۶۴ سالگی بوده و بعید هم نیست که بعلت مرگ زن اولش که مادر، محمد کاظم و

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

محمد جعفر و آقا احمد و صفیه سلطان خانم بشمار میآمده، زن دومی را نیز عقد کرده و از عیال جدیدش، همین پسر کوچکتر، یعنی محمد علی تولد یافته و کوچکترین فرد خانواده بشمار میآمده است. و بدین ترتیب می شود گفت که این کوچکترین فرزند آقا نجف، بیش از ده سال واندی نتوانسته است. از محضر پدر هنرمندش سود جسته و با مرگ آقا نجف، یاد پدر را گرامی داشته و بسان سایر برادرهایش که خود را فرزند آقا نجف معرفی مینمودند، این هنرمند نیز بسان برادرها، خود را «محمد علی بن آقا نجف» نامیده است.

با این حدسیات نزدیك بیقین، می شود گفت، که استاد محمد علی در سال ۱۲۶۷ تولد یافته و آخرین کار وی که بسال ۱۳۳۶ فرجام پذیرفته، هنرمندی ۶۹ ساله بشمار می آمده و معلوم هم نشده است که در چه زمانی فوت کرده است.

این نقّاش گل و مرغ را شیرین و با حالت می ساخت و در چهره‌سازی و منظره پردازی نیز خوش قلم بود.

در نقّاشی های رنگ و روغنی، که اغلب مجالس بزمی و رزمی و تاریخی تصویر مینمود، ابتکار و وسواس بخصوصی داشت و صحنه‌ها را با جلال و پر ابهت عمل می آورد.

از آثار او دیده‌ام:

۱ـ قلمدان گل و مرغ نسبتاً زیبا، بارقم: «محمد علی بن آقا نجف»

۲ـ قلمدان گل و مرغی خوش حالت که تك صورتی نیز در رویه داشت. با رقم: «محمد علی بن آقا نجف»

۳ـ قلمدان گل و مرغی شیوا، که تصاویری نیز در بین گل ها دیده میشد. و رقم داشت:

«آقا میرزا محمد علی بن آقا نجف تاریخ ۱۳۳۶»

۴ـ قلمدان تصویری پر جمعیت بود که تصاویر دراویش معروف را از قبیل میرمعصوم علیشاه‌نور علیشاه ـ مولای رومی ـ ابراهیم ادهم و سایرین را در رویه و کناره‌های قلمدان و در داخل مدالیون های مختلف نقّاشی کرده و رقم گذاشته بود: «محمد علی بن آقا نجف ۱۳۳۵» مجموعه نگارنده ـ تهران

۵ـ نقّاشی رنگ و روغنی از جنگ معروف چالدران که در اندازه بزرگتر ترسیم نموده و سربازان متخاصمین را با البسه و اسلحه مخصوص خود نقّاشی کرده و رقم گذاشته بود: «محمد علی بن آقا نجف»

۶ـ دیگر نقّاشی این هنرمند که در شیوه صفویه و در رنگ و روغن ساخته بود، تصویر زن زیبائی بود که در البسه و آرایش آن دوره خود را زینت داده و رقم داشت: «محمد علی بن آقا نجف»

۷ـ تابلوی رنگ و روغنی بزم شاه عباس و عبدالمومن خان ازبك با رقم: «راقم محمد علی بن آقا نجف» کپی از کاخ چهل ستون اصفهان موجود در کاخ نخست وزیری تهران.

۸ـ تابلوی رنگ و روغنی پذیرائی شاه طهماسب از همایون شاه هندی با رقم: «محمد علی بن آقا نجف». کپی از کاخ چهل ستون اصفهان ـ مضبوط در کاخ نخست وزیری تهران.

۱۰۹۷ ـ محمّد علی امامی

چهره پرداز و آبرنگ ساز اهل اصفهان بود و از سادات صحیح النسب امامی های آن شهر بشمار می آمد.

از آثار استادانه این هنرمند که در آبرنگ نقش یافته بود، تصویر سهام الملك را در لباس وزارتی دیده‌ام که البسه مزین و یراق داری پوشیده و کلاه وزارتی بسر نهاده و نشان های مخصوصی به سینه آویخته و سر پا ایستاده است.

این اثر آبرنگی، که به عنوان پیش کشی به سهام الملك عرضه گشته بود، رقم داشت:

«شبیه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا ابراهیم خان سهام الملك بجهت پیش کش سمت اختتام پذیرفت. علی

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

یدالعبد محمد علی الامامی ۱۲۷۷»

۱۰۹۸ ـ محمّد علی بهار ـ مذهّب

فرزند میرزا ابوطالب مدرس، نقّاش با ابتکار و ابری ساز مشهور است.

این مذهّب، در مکتب پدر هنرمندش، نقش تصویر و تذهیب و تشعیر و شیوه ابری سازی و حل کاری و سایر فنون مربوط به این هنر را فرا گرفت و در حرفه خود تخصصی پیدا نمود.

میرزا محمد علی علاوه بر این هنرها در صنعت خط نیز پیشرفت کرد و به شعر و نظم رو آورد و بهار تخلص نمود.

در کتاب المآثر و الآثار که بسال ۱۳۰۶ هـ. قـ. تالیف یافته، در احوال میرزا محمد علی چنین نوشته است:

«*مذهّب و شاعر بود و باجماع معاصرین در صنعت تذهیب و صناعت شعر لاسیماً غزل مقام استادی داشت ـ رساله بخجالیه از اختراعات فکر بکر اوست وقتی به طهران آمد و پس از چندی باصفهان بازگشت و در آنجا درگذشت.*»

فرزند این هنرمند، استاد محمد حسین مذهّب اصفهانی است که حرفه پدر را یاد گرفته و در حد خود استاد والائی بوده است.

نوه این هنرمند و پسر استاد محمد حسین، آقا محمد علی مذهّب (تذهیبی) است که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی وفات یافته است.

آثار رقم دار این هنرمند را تاکنون ندیده‌ام.

۱۰۹۹ ـ محمّد علی بیک نقّاش باشی بن ابدال بیک

نقّاشباشی دوران نادرشاهی و تربیت یافته خاندان پر هنری است که اجداد وی از زمان صفویه تا دوران حیات نقّاش به تصویر نقوش اشتغال داشته و حرفه خانوادگی آنها بشمار می آمده است.

این استاد در مجلس آرائی و ارائه مناظر جنگی، قوی دست و پر ابتکار بود و در جانورسازی و شبیه پردازی از استادان بشمار میآمد.

محمد علی بیك اصولا آبرنگ کار میکرد و آثار شیوه‌های دیگری از قبیل قلمدان سازی و یا تصاویر رنگ و روغنی، از وی دیده نشده است.

لطفعلی بیك آذر بیکدلی که از یاران نزدیك و جلیس و هم نشین نقّاش بوده، احوال کامل استاد را، در کتاب آتشکده آذر خود بیان داشته که ما را از تشریح و توضیح بیشتر احوال نقّاش بی نیاز مینماید.

او در این باره چنین مینویسد:

«*واسمش علی ـ محمد علی بیك خلف ابدال بیك نقّاش باشی است و جدایشان علی قلی بیك فرنگی است (آرناوت) و در فن نقّاشی ثانی مانی است و در دولت سلاطین صفویه بشرف اسلام مشرف و مشغول خدمات سلطانی و خود نیز در اصفهان نشو و نما یافته و در عهد شاه طهماسب ثانی صفوی و در زمان سلطنت نادرشاهی نقّاش باشی و آخرالامر ضعف باصره بهم رسانیده و در مازندران در سنه ۱۱۷۲ بدرود عالم فانی کرده باکثر کمالات صوری و معنوی آراسته خصوص در فن تصویر یگانه آفاق بود و در میان فقیر (لطفعلی بیك آذربیکدگی) و ایشان کمال رفاقت و خصوصیت بود غرض شعر را میفهمد و بدقایق شعری خوب میرسد گاهی شعری نیز موزون می کرد چون تخلص نداشت باسم علی نوشته شد این مطلع و قطعه بیادگار از وی ثبت شد.*

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

هر بلبلی و گلشن ما دیار یار خود بلبل زگل نالان ومن نالان زگل رخسارخود»

بدین ترتیب معلوم میگردد این هنرمند نوه علیقلی جبادار و فرزند ابدال بیك نقّاشباشی است که در زمان شاه طهماسب صفوی و نادرشاه افشار به لقب نقّاشباشی مفتخر گشته و در زمان خود شهره بوده است .

برخی از هنرشناسان، این استاد را، معلم استاد علی اشرف معروف دانسته و عقیده دارند که علت انتخاب سجع «ز بعد محمد علی اشرف است» همانا این است که استاد علی اشرف، شاگرد محمد علی بیك بوده و انتخاب سجع مذکور، همانا یادآوری این امتیازات است که بعد از محمد علی بیك، استاد علی اشرف در جای وی قرار گرفته و از شاگردان وی بحساب میآمده است. البته با محاسبه سنوات زندگی این نقّاش که در سال ۱۱۷۲ وفات یافته، چندان اختلاف سنی، با علی اشرف نداشته و از طرفی، چون محمد علی بیك تخصصّ گلسازی نداشته و نمونه‌ای هم ارائه نداده است، نمی تواند، معلم هنرمندی گردد، که رشته تخصص و مهارت وی، در گلسازی و گل آرائی شهره خاص و عام بوده و بشیوه‌های دیگری نیز دست نیازیده است.

از آثار رقم دار این هنرمند که لقب نقّاش باشی بودن خود را نیز درج نموده، تصویر مرد جوانی به آبرنگ است که شاهین بدست گرفته و ایستاده است، این اثر ارزنده که در یکی از مرقعات کتابخانه سلطنتی ایران جلب نظر میکند، رقم دارد: «محمد علی بیك نقّاشباشی» دیگر از آثار ارزنده و نفیس این هنرمند که رقم نداشته و بنظر نگارنده، از آثار شیوای این هنرمند بشمار میآمد، نسخه درّه نادری معروفی، در مجموعه آقای ادیب برومند است که سیزده تصویر استادانه دارد. (۱)

علت اینکه این آثار را به محمد علی بیك نقّاشباشی نسبت داده‌ایم، بدین اعتبار است که نفیس ترین نسخه‌ای که بنام تاریخ جهانگشای نامیده شده و معرّف جلال و نمود مبارزات فاتحانه و ارائه مردانگیهای سربازان ایرانی بوده و در زمان حیات نادرشاه، برشته نقش درآمده، نمی تواند اثر هنرمند دیگری، بغیر از محمد علی بیك نقّاشباشی درباری باشد. و بظن قوی می شود حدس زد که این هنرمند، در سفر و حضر ملازم و هم رکاب نادری بوده و جمله قضایای تاریخی و نیش و نوش های آن دوران را برأی العین دیده و با عمق ضمیر و دید کنجکاوانه، برداشت هنری کرده و در نوع خود شاهکار آفریده است.

در این نسخه که سیزده مینیاتور زیبا دیده میشود، یازده قطعه آن بطرز استادانه‌ای عمل آمده و دو مجلس آن تا حدی ضعیف ترسیم گشته است.

زیباترین صحنه این نقّاشی ها، مجلس دامادی رضا قلی میرزا است که نادرشاه روی فرشی نشسته و به متکای زربفتی تکیه داده است. در طرفین وی فرزندان و وزرا و رجال درباری و دانشمندان ایستاده و نوازندگان به نواختن طبل و سرنا مشغولند و رقاصه‌ها، پیش نادر می رقصند و انواع شیرینی جات و ماکولات دیگر در حضور نادرشاه دیده میشوند.

تصویر دیگر، بارگاه سلطنتی است که نادرشاه تاج خود را از سر برداشته و با کلاه پادشاه هند که گویا جواهراتی درآن نهفته است عوض میکند.

۱ـ این نسخه ارزنده را که در نوع خود از نفایس بی همتای نگارگری میهن میباشد، چندین بار با حضور آقای ادیب برومند زیارت کرده و بهترنمائی و تابناکی آن آفرین ها گفته و جمله مجالس رزمی و بزمی آنرا بحد وسواس و اشتیاق تمام از نظر گذرانده و لذت ها برده‌ام و جهت آشنائی بیشتر علاقمندان بمزایای والای این نسخه، نظر آنان را بمقاله بسیط و محققانه آقای ادیب برومند که در مجله هنر ومردم شماره ۱۸۸ چاپ شده معطوف میدارم و لیست میناتورها را نیز از روی نوشته ایشان بدیدار علاقمندان محترم میرسانم.

۱ـ الف ـ نخستین تابلو جنگ نادر با اشرف الفان در محل مهماندوست دامغان بقطع (۱۹×۱۶/۵) میباشد. درین مجلس نادر بر اسب سپید رنگی سوار است و در قلب سپاه ایران پیش میرود و اشرف الفان با سپاهیان خود در برابر توپ های آتش نشان به حال گریز

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

از صحنه‌های رزمی دیگر این نسخه، مجالس مختلفی است که در یکی از آنها نادرشاه با صلابت پادشاهی در وسط معرکه جنگ ایستاده و رهبری میکند. اسرای زخمی هندی که با دست بسته در حضور وی ایستاده‌اند جلب نظر مینمایند.

در گوشه دیگر، منظره سنگر سربازان است که پشت کوه‌ها ترتیب یافته و مشغول تیراندازی میباشند.

منظره هزیمت لشگریان اشرف افغان و علم و کتل و آرایش منظم سربازان نادری، در کمال قدرت ترسیم گشته و معرف استادی نقّاش در این تصویر میباشد.

۲ـ دیگر از آثار منسوب باین هنرمند، تصویر میرزا مهدی خان منشی استرآبادی است که تصویر آنرا بشماره (۹۴) در صفحه (۱۰۰۸) ملاحظه می فرمائید.

دراین تصویر، منشی نادرشاه بروی سجاده‌ای نشسته و پشتی گلداری به پشت نهاده و مشغول کتابت فرمانی است که میبایستی به توشیح نادرشاه برساند.

کلاه وی افشاری و ریش و سبیلش توپی و البسه ممتازی در خور جلال پوشیده و در گوشه باغ مصفائی مشغول کار روزانه است.

منظره درختان بزرگ و کوچك که در قواعد پرسپکتیو عمل آمده، قابل تحسین است.

در روی ورقه فرمان درج شده «حکم جهانمطاع شد آنکه عمال و کدخدایان محل . . .»

و دو نسخه‌ایکه در کنار میرزا مهدی خان و روی هم گذاشته شده‌اند نسخه روئی (تاریخ و صاف) وزیری

دیده میشوند ـ علمدار انان نیز از اسب بروی زمین در غلتیده است.

۲ـ ب ـ دومین تابلو جنگ نادر با افغان ها در صحرای مورچه خورت است باندازه ۱۷×۲۰ در اینجا باز افغان ها از برابر لشکریان نادر رو به هزیمت نهاده‌اند. نادر در میدان جنگ سوار براسب متوقف است و ۳ تن که دو نفر آنان یکی نصراله میرزا و دیگری میرزامهدی خان است و سومی بعلت شباهت زیادش با نادر شاید ابراهیم خان ظهیرالدوله برادر وی باشد دست فرا سینه در برابرش ایستاده‌اند. تصویر A درصفحه ۹۹۵

۳ـ ج ـ تابلوی سوم جنگ نادر با اشرف افغان در زرقان شیراز به اندازه (۱۳/۵×۱۴) است دراینجا نادر سوار بر اسب ابرش در حالیکه گرز کوچکی بر دست دارد متوقف است و لشکریان اشرف در حال گریزند.

۴ـ د ـ تابلوی چهارم جشن دامادی رضا قلی میرزا در عمارت چهار باغ مشهد مقدس است باندازهٔ (۱۷×۱۹) در این مجلس نادر در صدر عمارت بر روی یك دوشك زربفت مروارید دوزی شده‌ئی نشسته و بر متکائی جواهرنشان مزین به نقش های زرین تکیه داده است در حالیکه یك مجمر طلایی پر از آتش برابر اوست و رضاقلی میرزا در سمت راست و نصراله میرزا در سوی چپش دست فراهم، ایستاده‌اند. و عده‌ای از سران لشکری و کشوری در حاشیه مجلس بهمین وضع قرار دارند و رقاصه‌های خوش سیما و خوش لباس با آهنگ ساز رامشگران پیاپکویی مشغولند.

۵ـ ه ـ تابلوی پنجم محاصره و تسخیر هرات است باندازه ۱۶×۹/۵ در اینجا برج و باروی شهر هرات با سپاهیان نادر که گرداگرد او به جنگ و ستیز مشغولند نشان داده میشود. نادر سوار بر اسب ایستاده است و چند تن از سربازان دلاور اسیران کتف بسته را با تعدادی سرهای بریده به او عرضه میکنند.

۶ـ ششمین تابلو جنگ نادر با عثمان پاشا سردار سپاه عثمانی بقطع ۱۵×۱۹ است. در اینجا نادر در قلب سپاه انبوهی که مشغول حمله به لشکریان عثمانی هستند ایستاده و جماعتی از سپاهیان ایران در کمرکش کوه سنگر گرفته عثمانی ها را هدف آتش قرار داده‌اند.

۷ـ ز ـ تابلوی هفتم. جنگ نادر با عبداله پاشا فرمانده سپاه عثمانی است (بقطع ۱۵×۲۶) در این تابلو ایرانیان سپاه عثمانی را شکست داده و کشته عبداله پاشا را پیش پای اسب نادر انداخته و سه تن دست فراهم، در برابر نادر ایستاده‌اند که یکی از آنان کتابی در بغل گرفته و این همان میرزا مهدی خان نویسنده تاریخ جهانگشاست.

۸ـ ح ـ هشتمین تابلوی کتاب مجلس تاجگذاری نادر در دشت مغانست (بقطع ۱۹×۱۶/۳) که چادر سلطنتی بزرگی را نشان میدهد. نادر با سرافرازی هر چه بیشتر برروی مسند مجللی دو زانو نشسته و شمشیرش در برابر اوست کنار وی رضا قلی میرزا در سمت راست و نصراله میرزا و امام قلی میرزا در سمت چپ ایستاده‌اند. عده‌ای از سران مملکت در حاشیه مجلس با قیافه‌های مختلف ولی با لباس همانند بترتیب تشریفاتی ایستاده و نشسته‌اند و ظرف های پر از شیرینی پیش آنهاست موزیك شاهی سرگرم نواختن و توپ ها در حال شلیك شدن است. چند ظرف زرین سرپوش دار و بی سرپوش نیز درمیان مجلس دیده میشود. وضع ایستادن و نشستن حاضران بگونه قرینه سازی است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«تاریخ تیموری» است.

اصل تصویر، بروی جلد نسخه تاریخ جهانگشای نادری در مجموعه خانم ملك زاده بیانی است و تاریخ نسخه ۱۱۹۵ هـ. قـ. است که تصویر در زمان حیات نادر و میرزا مهدی خان کشیده شده وقبل از سال ۱۱۷۲ و فوت محمد علی بیك بعهده نقش در آمده است.

این تصویر که نمونه کامل شمایل میرزا مهدی خان منشی بشمار می آید در اندازه بزرگتری آب رنگ شده و شبیه قیافه منشی نادری، در نسخه جهانگشای نادری است که در چند مجلس ،در حضور نادرشاه قرار گرفته است.

۳ـ از آثار دیگر این استاد که تاریخ و امضا دارد، کپی استادانه‌ای از آثار باسمه‌ای زادلر گراورساز معروف هلندی بنام (Venus et Lamour) است که در کمال پردقتی از وی کپی کرده و باستادی از عهده برآمده است.

این موضوع را محمد زمان بن حاجی یوسف قمی نیز استفاده نموده و منتها تصویر ساتیر را از آن حذف نموده و تنها ونوس و فرشته عشق را بنحو غیر مانوسی تصویر نموده و تاریخ و رقم خود رادر ذیل آن چنین نوشته است: «هو، حسب الامر نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی ـ برقم کمترین غلامان ـ صورت اتمام یافت ۱۰۸۷» ولی آبرنگ استادانه محمد علی بیك که عکس آن درتصویر شماره (۹۵) در صفحه (۱۰۰۹)رویت میگردد، ونوس در رختخواب دراز کشیده و فرشته بالداری که کمان بدست گرفته و EROS نام دارد در کنار وی بحراست قرار گرفته است.

ساتیر که بمنزله شیطان محیلی است و پاهایش بسان اسبها، سم دار است، پرده پوشش ونوس را کنار زده و چشم چرانی مینماید.

۹ـ ط ـ مجلس نهم . محاصره قندهار را در سال ۱۱۵۰ هجری ارائه میکند (بقطع ۲۰×۱۶) نادر کنار خندق کنده شده در گرداگرد شهر، سوار بر اسب ایستاده و دستور داده است توپ ها را بسوی باره شهر آتش کرده‌اند و عده‌ای از سپاهیان نردبان های بزرگ را از اینسوی خندق بباروی شهر متکی ساخته مشغول بالا رفتن و نصب پرچم پیروزی برفراز حصارند. در حالیکه مردم شهر نیز تفنگ ها را از روزنهای بزرگ برج و بارو بسوی محاصره کنندگان نشانه گرفته‌اند.

۱۰ـ ی ـ در دهمین مجلس (بقطع ۱۶×۲۲) نادر در صحرای کرنال باهیتی در خور فاتح هندوستان دیده میشود که بر اسب ابرش نشسته است و گروه بیشماری از سپاهیان ایران مشغول زد و خوردند. سعادت خان سردار سپاه هند در هودجی که روی فیل قرار دارد با کتف بسته بحضور نادر آورده شده است.

۱۱ـ ك ـ در مجلس یازدهم (اندازه ۱۳×۱۶) عمارت سلطنتی محمد شاه گورکانی پادشاه هند بنظر میرسد که شاه روی مسند مجلل برمتکای مروارید نشانی تکیه داده در سمت راست مجلس نصراله میرزا روبروی وی نشسته و چند تن از ایرانیان پشت سرنصراله میرزا ایستاده‌اند و در سوی چپ عمارت چند تن از بزرگان هندی کنار تخت پادشاه گورکانی حضور دارند. در اینجا یك قطعه الماس درشت که گویا کوه نور یا دریای نور است در کف راست محمد شاه مشاهده میشود که با چهره‌ئی ناراحت به نصراله میرزا میدهد.

۱۲ـ ل ـ مجلس دوازدهم. (بقطع ۱۳×۱۶) همان عمارت سلطنتی را نشان میدهد نادر برروی یك زیرانداز زرین و ملیله دوزی شده‌ئی نشسته و ساده مروارید نشانی با نقوش طلائی در پشت او قرار دارد محمد شاه با نهایت خضوع دست ها در بغل پیش او زانوی تذلل بر زمین زده در حالیکه نادر جقه‌ای بکلاه وی نصب میکند. در این مجلس نصراله میرزا و عده‌ای از ایرانیان پشت سر نادر ایستاده‌اند و چند عودسوز زرین برروی زمین در پائین شاه نشین جلب نظر میکند.

۱۳ـ م ـ مجلس سیزدهم جنگ نادر با ایلبارس خان و فتح خوارزم است (به قطع ۲۴×۱۷) که از همه تابلوهای کتاب بزرگتر میباشد در این تابلو نادر پیشاپیش سپاه در حال تاختن است و سپاه ایران ترکمانان را که رو بفرارند دنبال میکنند و بسیاری از آنان را بخاك هلاك میافکنند.

نگارگر این نقاشیها معلوم نیست چه کسی بوده و باحتمال ممکن است محمد علی بیك نقّاشباشی دربار نادر پسر ابدال بیك یا علی بن محمد زمان باشد.

---

* محمد علی بن میرزا حسینعلی ـ طغرا نگار و هنرمند باابتکار نقاشیخط بود که جمله خطوط شش گانه را استادانه می نوشت. از آثار وی، طغرای استادانه شش دانگی دارم که جمله (کلّ شیء هالك الا وجهه) را بطرز بی نظیری کتابت کرده که تصویر آنرا در صفحه (۱۰۱۰) ملاحظه می فرمایید. تصویر شماره (۹۶)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تفاوت هائی که این آبرنگ با اصل گراور زادلر دارد، بغیر از تغییرات بسیار جزئی، که ندرتا بچشم میخورند، یکی علاوه کردن ستر عورت به فرشته بالدار ودیگری ندیده انگاشتن کماندان مخصوصی است که در کنار تخت افتاده و نقّاش آنرا ترسیم نکرده است.

رقم نقّاش که بخط شکسته استادانه‌ای بروی پرده پشت ونوس درج گردیده چنین است: «نمقّه محمد علی ۱۱۶۴» متاسفانه مسئول قرائت ارقام کلمه «نمقّه» (NAMAGGAHU) را مشقّه خوانده و در کاتالوگ حراجی اشتباه درج گشته است در صورتیکه، برداشت از کلمه «نمقّه» چنین استنباط میشود که نقّاش کپی کردن خود را از روی تصویر دیگری یاد نموده و مهارت خود را در امر تقلید به اثبات رسانده است.

در روی جدول کناری جملاتی درج شده بود که چنین است:

«تصویر بدیع . . . السلم است که ابلیس . . . وحق تعالی . . . و فرشته‌ای که جلال و رفعت دارد آمده و ابلیس از آن ملاحظه مینماید، و این صورت ابلیس است که گوش ها از گردن خلق شده است . . .»

تصویر سیاه سفید این اثر کپی شده، در صفحه ۵۷ کاتالوگ حراجی ART ISLAMIQUE پاریس که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۸ بر پا گشته بود چاپ شده بود که در صفحه ۱۰۰۹ و شماره (۹۵) بدیدار علاقمندان محترم میرسانیم.

۱۱۰۰ ـ محمّد علی تبریزی «رنگ و روغن کار»

نقّاش رنگ و روغن کار تبریزی و بغیر از محمد علی قلمدان ساز تبریزی است.

این هنرمند که گویا هنر نقّاشی را در روسیه تکمیل کرده، در رشته رنگ و روغنی مهارتی پیدا نموده و در چهره پردازی چیره دست گشته است.

از تنها اثر رقم دار این هنرمند، که در مجموعه آقای دکتر پرویز فر قرار گرفته، تصویر استادانه و فوق العاده شبیه میرزا علی اصغر خان اتابك، در جوانی است که با لباس مشکی و پاپیون فرنگی، تصویر نموده و به استادی از عهده بر آمده است.

سایه های صورت و البسه و ترسیم و آرایش اثاثیه اطاق و سایر نکات مشخصه دیگر، بدقت تمام ترسیم گشته و بخط شکسته سفید، رقم دارد: «عمل محمّد علی تبریزی»

۱۱۰۱ ـ محمّد علی تبریزی «قلمدان ساز»

تبریزی و نقّاش اوایل قرن ۱۴ هـ. قـ. است که در چهره پردازی دست پر قدرتی داشته است.

از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان پر چهره‌ای دیده‌ام که تصاویر شاهان قاجار را مصّور نموده و بقوی دستی از عهده برآمده بود.

در وسط قلمدان، چهره آغا محمد خان قاجار و در بالای آن فتحعلیشاه و در پائین آن نقش محمد شاه جلب نظر میکرد، و در سمت راست حاشیه بالا، ناصرالدین شاه و در پائین عباس میرزا، و در سمت راست و بالا، مظفرالدین شاه و در پائین محمد علی شاه نقّاشی شده بود که جملگی با شباهت تمام نقش گشته بودند.

این قلمدان پرچهره، که در شبیه سازی و سایه پرداز استادانه‌ای عمل آمده بود، مجموعه کاملی از تصاویر سلاطین قاجاری بشمار میآمد، که هر کدام بشباهت تمام مصور شده و در زیر هر یك از تصاویر نیز، مختصر شرح حالی علاوه شده بود و بخط شکسته رقم داشت: «محمد علی تبریزی ۱۳۲۵»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۱۰۲ ـ محمّد علی جهانگیر شاهی

نقّاش پرمایه و با مهارت در بار جهانگیر پادشاه «۱۰۱۴ ـ ۱۰۳۷» هندی بود که در آن سامان به آسایش و احترام زیسته و بلقب جهانگیر شاهی مفتخر بوده است.

این استاد که گویا با فرّخ بیك معروف همدم و همکار بوده، در اوایل قرن ۱۱ هجری قمری در بیجا پور و دکن فعالیت هنری داشته و از شیوه آثارشان معلوم میشود که به یك دوره تعلق داشته و توانسته‌اند طبیعت را آنچنان که بوده زیبا و با طراوت نشان داده و تا حد امکان، رنگهای درخشان و زیب افزا بکار گیرند.

بدین نظر، در آثار محمد علی، زیبائی و حلاوت تصاویر، بحد وسواسی تجلی کرده و نقّاش، با دیده تیز بین خود، توانسته است ریزه کاریها و نکات نادیده را برملا ساخته و تا حد امکان به طبیعت نزدیك تر سازد.

استاد محمّد علی، حالات و سکنات شخص مورد نظر را بدقت بررسی میکرد و حسن صورت و صفای سیرت را یکجا، بروی صفحه نقّاشی در میآورد و تا حد امکان شبیه و پرحالت میساخت.

رنگ ها را با دقت مخصوصی که میبایستی با همدیگر بخوانند، انتخاب کرده و سایه و پیچ و تاب البسه و سایر تزیینات اضافی را، بدقت و پیرایه تمام نشان داده و بسان طبیعت عمل می آورد.

جمله زمینه تصاویر را با نهال های سرسبزی که گل های رنگارنگ و متنوعی در برداشتند، مثل خرمنی از گل ها پوشش میداد و ملاحت منظر را مضاعف میساخت.

این هنرمند از قوانین پرسپکتیو اطلاعی نداشت و مثلا صندوقی که شاهزاده جوان بروی آن نشسته و کتابی رامطالعه میکند، به اندازه‌ای سست و بی مایه عمل آورده که با هیچ روشی مطابقت نمیکند.

در صنعت تذهیب و گل آرائی ید طولانی داشت و زائیده قلب خود را در لفافه احساس و تخیلات بروی کاغذ میآورد و زیبائیها را بحد ممکن عرضه مینمود.

بهرحال استاد محمد علی نقّاش دقیق کار وپراتبکاری بود که حقیقت و فانتزی را در جمع یکدیگر بکار گرفته و آثار خود را بازیب و زینت بسیار لطیف و دلفریب عرضه می نمود. آثار بجا مانده وی عبارت است:

۱ـ پسندیده ترین اثر این استاد، تصویر شاهزاده جوانی است که کلاه مخصوص بسر نهاده و لباس بلند و سرخ رنگی بتن کرده و روی صندوق مذهّب و طلائی نشسته و کتاب مطالعه میکند. حالت چهره و تناسب اندام و انتخاب رنگ ها، به حسن سلیقه تمام انجام پذیرفته و مؤید ذوق و قریحه نقّاش بشمار میآید.

در زمینه تصویر و طرفین شاهزاده، شاخه نهال های سرسبز و پر گل، بسان سایر کارهای وی به طراوت تمام ترسیم گشته و تنه بدون برگ درخت تنومندی که شاهزاده به آن تکیه کرده، در وسط جلب نظر مینماید. و در گوشه دیگر، شاهینی به روی سه پایه طلائی قرار گرفته که پرهای سفید و مشکی دارد.

حواشی تصویر، بسان آرایش سایر صفحات، گل های ملوّن و متنوعی نقش بسته و در روی یکی از حاشیه‌ها رقم دارد: «عمل محمد علی»

این اثر پر ارزش که در آلبوم معروف شاه جهان قرار دارد، در اندازه ۱۷/۲×۹/۷ سانتی متر بوده و تصویر رنگی آن، در صفحه ۹۳ کتاب The Imperial Image چاپ گشته است.

۲ـ اثر دیگر، دختر دلربا و زیبای بلند قامتی است که لباس ساری الوان و تن نما پوشیده و دست بکمر زده و به دلربائی در وسط باغ مشغول است.

حالت چهره و نگاه پر تمنای وی و همچنین تناسب اندام و انتخاب رنگ ها، به ابتکار و قدرت تمام، ترسیم شده و استوار و نمکین در جای خود جلوه گر گشته است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زمینه تصویر که در حقیقت روضه روح پروری را مجسم میسازد، با نهال های سرسبز و پربرگ مستور شده و در زمینه آن ، گل های الوانی ظاهر ساخته و بخط نستعلیق زیبا رقم دارد:

«بیادگاری از برای میر وجیه‌الدین محمد ساخته شد. رقم محمد علی جهانگیر شاهی سنه ۱۰۱۹» مجموعه ادوین بینی و اندازه ۷×۶/۱۴ سانتی متر

۳- پیر مرد معمم و ریش سفیدی است که روی زمین قرار گرفته و با دست راست ، ریش خود را گرفته و بحالت تفکر چشم به مقابل دوخته است.

حالت چهره و توازن دست ها و تناسب اندام و سایر مراحل تصویر سازی، استادانه بوده و رنگ ها به ابتکار نقّاش ، در غایت مزه و حسن سلیقه عمل آمده است.

پیر مرد نسخه کتابی بدست گرفته و گویا در حال فال گرفتن است و دارد نیت میکند.

در مقابل وی جمعه قلمدان زیبائی است که تقریبا زمینه را پوشانده و طراوت و شادابی فریندهای به اثر بخشیده است.

این اثر ارزنده که در اندازه ۳/۱۰×۲/۱۲ سانتی متر بوده و در آلبوم جهانگیر جا گرفته، رقم دارد:

«عمل محمد علی»

۴- دو اثر احتمالی که احیانا از کارهای این هنرمند میباشند، یکی جوانی است که کتاب میخواند و دیگری پرنس اسب سواری است که در مجموعه پرنس صدرالدین قرار گرفته است . این تصویر که بعقیده نگارنده ، از بهترین تصاویر محمد علی جهانگیر شاهی است ، پرنس جوان بروی اسب سوار شده و تزیینات البسه و انواع اسلحه و آرایش و پیرایش زین و دهنه اسب و ارائه نهال های سرسبز و گل های تزئینی آن ، مخصوصا چهره شاداب و تناسب اندام و تزیین البسه شاهزاده ، جملگی با شیوه نقّاش هم طراز بوده و یکی از بهترین و استادانه‌ترین اثر نقّاش بشمار میآید.

این اثر ارزنده که بشماره ۶۵ در کاتالوگ مجموعه پرنس صدرالدین و همچنین بشماره ۹۲ در کاتالوگ گالری کل ناقی لندن به عکس رنگی ارائه گشته، در اندازه ۲۶×۶/۳۶ سانتی متر بوده و دارای حواشی مزین و گلداری است که در زمینه صورتی فرجام یافته و در بالا و پائین تصویر، این جملات بخط نستعلیق استادانه درج گشته است.

«چون خطی بر خط نویسند آنکه خواند مضطرست ـ ساده کن دل تا توانی خواند اگر حرفی دهند
باربرخر بند و رو کاستر حزونتر از خراست ـ احتراق مفلسی مفتاح راه ظلمت است.»

۱۱۰۳ ـ محمّد علی خان مذهّب

معروف به آقا رئیس بود و از مذهّبان شیرین قلم اواسط قرن ۱۴ هـ. قـ. بشمار میآمد.

از آثار ارزنده و مشهور این استاد، یك رقعه تبریکیه بخط عمادالکتاب سیفی قزوینی و تذهیب محمد علی خان معروف به آقا رئیس، با امضای بسیاری از معارف پروران ایرانی بعنوان پروفسور ادوارد براون فرستاده شده است ، که رقعه مزبوره را در یك لوله نقره کار شیراز جایگیر نموده و بر روی آن ، بخط نستعلیق بسیار خوب

* محمد علی حکاك ـ بروایت غلام محمد هفت قلمی که در اواسط قرن ۱۳ هـ. قـ. حیات داشته ، او را در خط ثلث و نسخ و ریحان شاگرد میرزا محمد علی بن خیراله دانسته و هنر حکاکی وی را چنین ستوده است.
«مردی خوش طلعت و خوش محضر و در مهرکنی، در عصر خود بی عدیل بود و قطعات جلی را خوش می نوشت»

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

که آن نیز به خط عماد الکتاب بود کنده شده بود به پروفسور هدیه گردید که در زیر نامه درج گشته بود.
«تقدیم پروفسور ادوارد براون از طرف ایرانیان قدردان»

۱۱۰٤ ـ محمّد علی خان هندی

نقّاش اواسط قرن ۱۱ هـ. قـ. هند بود و پرتره سازی میکرد.

از آثار چهره پردازی این نقّاش که در حدود ۱۰۵۰ هـ. قـ. انجام یافته ، تصویر محمد دوم عادلشاه است که در شیوه بیجاپور عمل آورده و از آثار اروپائی کپی نموده است.

اصل تصویر که گویا بوسیله جیمز اوّل و توسط Sir Thomas Roe فرستاده شده و نقّاش از روی آن تقلید کرده و به استادی از عهده بر آمده است.

عادلشاه در این تصویر، ریش و سبیل کوتاهی داشته و کلاه مخصوص هندیان بسر نهاده و یك پر طاوس در بالا و یك جواهر درخشنده از پشت کلاه آویزان کرده است .

دو ریسه مروارید به گردن آویخته و لباس سینه بسته پوشیده و بازو بند در دستها دارد. صورت عادلشاه بسیار شبیه و استادانه بوده و مؤید قدرت قلم نقّاش ، در چهره پردازی بشمار میآید.

۱۱۰۵ ـ محمّد علی سلطان الکتّاب

مذهّب و خوشنویس اواخر دوران قاجاری بود و در هنر خود مهارت داشت.

از فرزندان هنرمندش که در دامن با کفایت وی هنر آموخته و سپس در حد خود، استادی والامقام گشته‌اند، یکی محمّد کاظم است که یکی از دانشمندان و نقّاشان دوره خود بشمار میآمد. و دیگر، هادی تجویدی و مهدی تائب هستند که در چهره پردازی و شبیه سازی، در رشته آبرنگ و سیاه قلم، از مشاهیر تصویر ساز دوران خود محسوب گشته و استادان عالی مقامی بحساب میآمدند.

۱۱۰٦ ـ محمّد علی شریف

بغیر از محمد علی شریف قاینی فرزند محمود شریف قاینی است که خانواده هنرمندی داشته و جمع پدر و برادران ، به شغل نقّاشی اشتغال داشته‌اند.

این نقّاش ، قلمدان ساز ساده کاری بوده و در اوایل قرن ۱۳ هـ. قـ. زندگی میکرده است.

از آثار امضا دار این نقّاش ، قلمدان گل و مرغی خوش نقشی دیده‌ام که جمع گل ها را بروی قلمدان ظاهر ساخته و جوانب آنرا تذهیب کرده و رقم نهاده بود: «محمد علی شریف ۱۲۰۸»

---

* محمد علی زرگر ـ طراح و نقّاش بروی جواهرات و طلا آلات بود و در زمان ناصرالدین شاه قاجار فعالیت هنری مینمود.
به نوشته اعتمادالسلطنه که در آلماثر و آلاثار یاد نموده، منبت کاری سنگ قبر یکی از شاهزاده‌ها را باین هنرمند نسبت داده و چنین روایت کرده است:
آقا محمد علی نقّاش زرگر ـ مشغول منبت کاری سنگ قبر شاهزاده مبرور مغفور جنت مکان رضوان استان میباشد ـ استاد یك نفر و شاگرد دو نفر.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۱۰۷ ـ محمّد علی شریف قاینی = علی محمّد شریف قاینی

از این هنرمند دو قلمدان استادانه‌ای دیده‌ام که در شیوه آقا نجف کار کرده و در یکی از این قلمدان ها «محمد علی شریف قاینی» و در دیگری «علی محمد شریف قاینی» امضا نهاده و تاریخ ها نیز، تا حدی قرین بوده و در سالهای اواخر قرن ۱۳ هـ. قـ. بعهده نقش در آمده است.

ممکن است این هنرمندان، دو نقاش جداگانه‌ای بوده‌اند که در یك زمان، فعالیت هنری داشته و هر دو نفر اهل قاین بوده و لقب «شریف قاینی» را نیز دنبال نام خود علاوه میکرده‌اند. و یا اینکه، این ارقام اسامی، نام یك نفر بوده که در یکی محمد علی و در دیگری علی محمد رقم زده و شریف قاینی را، بدنبال آن درج نموده است. نگارنده نیز، جهت انتخاب اسم اصلی این هنرمند، از نام «محمد علی شریف قاینی» که نامی در خور معمول بوده و بین مردم آن زمان، استاد محمّد علی نامیده می شده، نام این هنرمند را در حرف «م» آورده و تا بدست آمدن اثر دیگری که نام واقعی و تثبیت شده این نقاش را، برملا سازد، بهمین نام اکتفا نموده‌ام.

در واقع اگر اسم اصلی هنرمند محمد علی و یا علی محمد بوده باشد فرزند استاد محمود شریف قاینی و برادر جعفر قاینی است که احوالش را در جلد یك کتاب یاد کرده‌ام.

و یا اینکه این هنرمندان، سه نفر بنامهای «محمّد علی ـ علی محمّد و جعفر» بوده‌اند که فرزندان استاد محمود شریف قاینی بشمار می آمدند.

استاد قاینی چهره پرداز و مجلس آرای خوبی بود و مجالس بزمی و با جلال را بشیوائی و حلاوت تصویر مینمود.

این استاد در تذهیب و آرایش زمینه‌ها، استعداد وافر داشت و در ارائه ساختمانها و سایر موارد دیگر، پرسپکتیو را مراعات نموده و صحیح عمل میآورد.

در دو قلمدان بیادگار مانده این استاد، چهره دراویش و مخصوصا تصویر یوحنا را بعیار آقا نجف ترسیم نموده که سزاوار تمجید می باشد.

در آثار این هنرمند، بعضی از بناهای قدیم اصفهان از جمله سی و سه پل و قصر عالی قاپو و سایر مناظر دیگر دیده میشوند که معلوم مینماید، این هنرمند گواینکه قاینی بوده ولی در اصفهان فعالیت هنری داشته و در جمع نقاشان آن شهر، بشمار می آمده است.

از قلمدان های وی دیده‌ام:

۱ـ قلمدان پر پیرایه‌ای بود که در رویه آن سه مدالیون بیضی شکل دیده می شدند، در داخل مدالیون ها، قصه معروف شیخ صنعان و دختر ترسا نقش شده بود که ستودن داشت، پرداز چهره‌ها و تزیین البسه و قیافه شیخ صنعان و جمع مریدان در محیط به آن کوچکی، واقعاً زبردستی و تیز قلمی نقّاش را میرسانید و ثابت میکرد که این هنرمند، در مجلس آرائی و چهره‌پردازی دست پرقدرتی داشته است.

کناره‌های مدالیون ها و کناره‌ها و زیر قلمدان، تذهیب طلائی فوق العاده داشت و انواع ترسیمات صنعت تذهیبی، بدقت ترسیم شده بود.

در کناره‌های قلمدان، مدالیون های کوچك دایره‌ای و بیضی شکل داشت که در بین مدالیون های بیضی شکل، مناظر دشت و دمن و قصور و ابنیه و در دو جا، پل سی و سه پل و آلهوردی خان ترسیم نموده و مهارت خود را نشان داده بود.

رقم نقّاش، در رویه قلمدان و زیرپای شیخ صنعان بخط طلائی زیر چنین بود.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«عمل محمد علی شریف قاینی ۱۲۸۲»

۲ـ دیگر از آثار ارزنده این هنرمند، قلمدانی در شیوه آقا نجف بود که بسان کارهای وی تصویر یوحنا را بقدرت تمام تصویر نموده بود که کتابی بدست گرفته و عبای سفیدی بروی لباس سبز رنگش پوشیده و بدست دیگرش نیز عصا گرفته بود.

در پشت سروی، کلیسائی با رنگهای متناسب و دو مناره آن بشیوه فرنگی ها ترسیم گشته بود که زمینه و درخت و ابرهای آن، جملگی به طلائی آرایش یافته بودند.

در قسمت بالائی ساحل دریا، چند قایق ایتالیائی نقاشی کرده که عده‌ای سواره و درشگه سوار، مسافرها را بدرقه مینمودند.

ابرهای این منظره، غلیظ بوده و نور آفتاب، با دو شعاع طلائی بروی صحن منظره تابیده و غروب آفتاب را مجسم ساخته بود.

در پائین رویه قلمدان ،منظره سی و سه پل اصفهان نقش بسته بود که اسب سوارها از روی آن عبور میکردند در پشت آن پل تاریخی، منظره بالکن عمارت عالی قاپو ترسیم یافته و چند درخت بزرگ و کوچك در کناره‌ها دیده می شدند، در این منظره نیز ابرهای غلیظی نشان داده بود که در شعاع آفتاب، با رنگ طلائی درخشانی، بروی ساختمان تابیده و منظره را طبیعی تر جلوه داده بود.

در کناره‌ها نیز، تصاویر و مناظر مختلفی، بین شش کتیبه بیضی شکل، تصویر شده بود که در داخل یکی از آنها، درویش جوانی، در مقابل مرشد خود نشسته و در دیگری منظره شکارگاه و در سومی دو مرد ماهی گیر، و در کتیبه چهارمی نورعلیشاه بود که قلیان بدست گرفته و با مرید خود صحبت می کرد و در آن یکی، مرشد پیری مشغول عبادت بود، و در کتیبه ششمی، مرد سوارکاری دیده می شد که منتظر شکار آهوان بوده و در پشت سروی، یکی از پلهای اصفهان و دو مناره کلیسا، جلب نظر مینمودند.

کناره‌ها و جوانب و زیر قلمدان به تذهیب استادانه طلا کاری شده بود و در رویه قلمدان وزیر ساختمان عالی قاپو بخط ریزی رقم داشت «الاقل علی محمد شریف القاینی ۱۲۷۸»

قلمدان بسیار شبیه این قلمدان، بدست استاد محمود شریف قاینی که پدر این هنرمند بوده، بهمین سیاق و همین نقش و با مختصر اختلافاتی نقش بسته بود و رقم داشت «الاقل محمود شریف القاینی ۱۲۷۵»

۱۱۰۸ـ محمّد علی شیرازی

شیرازی و نقاش پر قریحه گل و بوته سازی است که در شیوه لطفعلی خان، گل آرائی مینموده است.

فرزند وی، نقاش پر آوازه شیرازی، استاد محمد حسین است که زیر نظر پدر، فنون اولیه را یاد گرفته و در نقاشی صاحب نام گشته است.

این نقاش علاوه بر درج نام خود از سجع «یا امیرالمومنین» نیز سود می جست و در مواردی ترقیم مینمود.

فرصت شیرازی در کتاب آثار عجم و در احوال فرزند هنرمندش، باختصار از پدر نیز یاد کرده و چنین نوشته است «مرحوم آقا محمّد علی نیز در گل سازی به منتهی درجه کمال بود و وفات او بسال ۱۲۸۵ هـ. قـ. در شیراز اتفاق افتاده و در دارالسلم مدفون میباشد»

میرزا محمّد علی در آرایش گل ها و چهره پردازی و صنعت تذهیب و ارائه مجالس رزمی دست پرتوان داشت و در نقّاشی های لعابی و کاشیکاری نیز صاحب مقام بود.

از آثار او دیده‌ام،

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱ـ قلمدان خوش نقش گل و مرغی بود که در مدالیون رویه آن، تصویر زن جوانی بشیوه روسی جلب نظر میکرد که پردازهای استادانه داشت. کنارهها و دیوارههای قلمدان، مناظر مختلفی بود که گلهای زیبائی تصویر گشته و حواشی با تذهیب زنجیرهای احاطه شده و رقم داشت «محمد علی شیرازی ۱۲۸۴»

۲ـ دیگر از آثار این هنرمند، قلمدان صدمه دیده و ریخته شده گل و مرغی بود که در کمال مهارت عمل آورده و خرمنی از گلستان واقعی، مصور ساخته بود.

در رویه قلمدان، چند گل سرخ محمدی داشت که رنگها و برگها کاملاً طبیعی بود و در کنارههای خالی آنها نیز، گلهای متنوع دیگری جلب نظر میکرد.

متاسفانه کنارهها و قسمتی از رویه آن احتیاج به تعمیر کلی داشت و در بالای دماغه روی قلمدان، امضاء نهاده بود «یا امیرالمومنین ۱۲۸۰»

از تصویر سازی دیگر هنرمند که بروی کاشی جلب نظر مینماید، تصویر پیکار رستم با دیو است که رستم با صلابت تمام دو زانو نشسته و با دیو مبارزه میکند.

این اثر ارزنده که در بالای دروازه معروف شاه تهران نصب گردیده بود بواسطه ندانم کاری اولیاء امور، دروازه زیبا را منهدم ساخته و کاشی ها را نیز در اداره بیوتات سلطنتی بایگانی نمودند و در سال ۱۳۱۴ شمسی، کاشی های مذکور را، از انبار خارج نموده و بروی دیوار مدخل ورزشگاه امجدیه نصب نمودند و مجدداً، در هنگام تعمیر و تجدید بنای مذکور، کاشیهای مذکور را در دیوار جایگاه مخصوص جای دادند که حالیه نیز، گویا در همانجا قرار گرفته است.

رقم کاشی ها بروایت مرحوم سید محمد تقی مصطفوی «عمل استاد محمد قلی کاشی پز شیرازی سنه ۱۲۷۳» بوده که آقای ذکاء این آثار را رقم «محمد علی شیرازی» یاد نموده و چون نگارنده، رقم اصلی کاشی ها را از نزدیك ندیدهام، از صحت و سقم آن اطلاعی نداشته و در احوال محمد علی یاد ننمودم.

گویا کپی این صحنه، در بالای ارك کریم خان شیراز نیز جلب نظر مینماید که از سازنده آن اطلاعی بدست نداریم.

تنها عکس رنگی این بنا که در مجموعه عکس های قدیمی نگارنده است، کارت پستالی است که توسط شرکت کاویانی و در حدود سال های ۱۳۱۰ شمسی، در برلن چاپ شده و در کنار آن درج شده «دروازه شاه تهران»

تصویر صحنه پیکار رستم و دیو نیز، در بالای طاق دروازه دیده میشود که رستم لباس رزم قرمز رنگی پوشیده و دو زانو نشسته و مبارزه مینماید.

۱۱۰۹ ـ محمّد علی فرهنگ اصفهانی

بنوشته رضا قلی خان هدایت: نامش آقا محمّد علی و شغلش تذهیب کلام الله مجید است و کتابی در مطایبه نگاشته که بطرب الاحباب موسوم است گاهی شعر نیز میگوید و فرهنگ تخلص میکند.

از آثار امضادار این هنرمند که در موزه هنرهای تزیینی تهران قرار دارد، جلد روغنی مذهب و ممتازی است که بانواع نقوش پرمایه، تذهیب شده و بهترین معرف نقاش در امر طلا کاری است.

---

*محمد علی صحاف ـ صحاف و نقّاش دوره زندیه بود که در رویه جلدها نقش می کشید و به مفتول و طلا و نقره تزیین مینمود. به نوشته کتاب رستم التواریخ، از لوطیان و مقلدان دوره کریم خان زند و هنرمندی مردم دار و خوش محضر بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

این اثر دلربا، رقم محمّد علی مذهّب را دارا بوده و تاریخ اتمام آن سال ۱۲۹۸ میباشد.

۱۱۱۰- محمّد علی کرمانی

نقّاش و طراح هنرمندی از اهالی کرمان و سازنده سر درب زیبا و استادانه باغ ملی تهران است که درکنار پست خانه دولتی و خیابان سپه قرار گرفته است.

یکی از شاگردان قدیمی وی که در ساختن درب مذکور نیز با استاد همکاری نموده بود، سرهنگ اعتمادی بود که در همسایگی ما در تهران اقامت داشت و حکایت میکرد که استاد برای طرح نقشه، خمیر مخصوصی درست کرده و روی مقوا می چسبانید و بعد در قورخانه دولتی از این قالب ریخته گری مینمود.

مواد اولیه این درب، که از برنز ساخته میشده پس از ریخته‌گری ابتدائی، بروی آن طلای مخصوصی که به آن طلای ملقمه می گفتند می کشیدند و بعد از اتمام این عمل، روی آتش می گذاشتند تا مواد زائد آن از بین برود، پس از اینکه، زوائد آن از بین میرفت ما شاگردان تمیز کرده و پرداخت مینمودیم.

بگفته این شاگرد، استاد محمد علی نقاش و مجسمه ساز قابلی نیز بوده و تمام فرم و نقشه ساختمان سردرب را نیز شخصا طراحی نموده بود.

این هنرمند بسال ۱۳۱۸ خورشیدی و در سن هشتاد سالگی در تهران وفات یافته و در آن شهر مدفون گردیده است.

---

* محمد علی کریم زاده تبریزی ـ نظر از ارائه احوال حقیر در این مقال شناسائی مختصری است که از دوران صباوت الی حال بخط و نقّاشی داشته و تاکنون نیز از شدّت و حدّت آن کاسته نگشته است.

در ورای این علاقه‌ها در سال ۱۳۱۹ شمسی که نوجوان ۱۸ ساله‌ای بوده و در کلاس نهم دبیرستان بتحصیل سرگرم بودم، اولین مرتبه به دریافت مدال هنری بخصوصی که از طرف فرهنگ شهرستان خوی برای دانش آموزان علاقمند در نظر گرفته شده بود نایل شدم. تصویر شماره(۹۷)در صفحه۱۰۱۱

تشویقات زیاده از حد پدر و دریافت مدال هنری مدرسه، اولین محرك و مشوق اصلی من در امور هنری گردید و پس از پایان تحصیلات، در رشته‌های سیاه قلم و رنگ و روغن شروع بکار کرده و در تکمیل آن کوشا گشتم.

در ابتدا از روی مدلها و آثار منظره سازان اروپائی کپی کرده و سپس بنقاشی از روی طبیعت و شبیه‌سازی و بخصوص نقش ساختمانهای قدیمی ایرانی که رو باتهدام میرفتند پرداخته و برموز و دقایق هنر مورد علاقه‌ام بیشتر آشنا گشتم. نمونه رنگ و روغنی این دوران را در صفحات شماره۱۰۱۲و۱۰۲۶ آخر کتاب ملاحظه می فرمائید.

۱ـ تصویر شماره ۱۱۶ منظره درختان جنگلی و ابرهای فشرده‌ای است که در اندازه ۱۲۰×۲۰۰ سانتی متر بسال ۱۳۲۸ شمسی و سنین ۲۷ سالگی فرجام پذیرفته است.

۲ـ تصویر شماره (۹۸) منظره ساحلی دریای آرامی در اندازه ۷۰×۱۲۰ سانتی متر است که بسال ۱۳۳۴ شمسی و سنین ۳۳ سالگی تصویر گشته است.

چون پایه بنیادی و عشق و علاقه شدیدم بهنرهای سنّتی افزون گردید، رفته رفته بحیطه گسترده آثار خطی و تصویرسازی و سایر هنرهای تزیینی و استنادی ایرانی که دریای بی پایان این ارزش ها بود قدم نهاده و تمام فعالیت و زندگی ام در اختیار هنرهای قدیمی ایرانی قرار گرفت.

در اجرای این هدف های خالصانه و از همان سالهای جوانی ام شروع بجمع آوری آثار مختلف هنرهای ایرانی که بدون پشتوانه و پشت پناهی در سماری ها خاك میخورد و رقیب جدی نیز در گردآوری آنها در بین نبود، اقدام کرده و مجموعه ساده خانوادگی را تکمیل تر نمودم.

نتیجه این زحمات و تحقیقات هرچه بیشتر آن هنرها، گشایش بیش از سی نمایشگاه پر فنا و موفقی در موزه‌ها و تالارهای اجتماعی و مدارس و کتابخانه‌ها و انجمن های گوناگون بود که با تحقیقات وسیع و مستندی که با نمونه اصلی هنرها همراه بود و بوسیله حقیر تشریح میشد، بدیدار علاقمندان رسیده و نشریات آن دوره نیز، مقام و اعتبار نمایشگاه‌ها را تا حدی که بوده در روزنامه‌ها و مجلات منتشر ساختند.

بعد از دوران بازنشستگی که فراغت بیشتری بدست آمد، شروع به نشر تحقیقات مداومی که در مدت چهل سال واندی اندوخته گشته بود نموده و جمله تحقیقات خود را ذیل کتابهای مختلفی که لیست آنها ارائه خواهد گشت بدیدار علاقمندان رسانده و خدمت ناقابل

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

۱۱۱۱ـ محمّد علی کشمیری

نام پدرش میرزا غلام رسول و از استادان شیرین نگار نقاشیخط و نقوش و خطوط طغرائی بود و در قرن چهارده هـ. قـ. ، در ولایت کشمیر بخلق آثار زیبا اشتغال داشت.

این هنرمند در نوشتن خطوط و تلفیق نقش و خط ابتکار بخصوصی داشت و در طغرانگاری نیز صاحب سلیقه بود.

شیوه رنگ آمیزی این نقاش، طرز بخصوصی داشت و با علاوه کردن نفت و یا روغن معمولی که بمرکب مخلوط میکرد، بعد از کتابت طغرا، کشش و مسیر خطوط ترك برمیداشت و جلوه چشم نوازی پیدا مینمود.

از آثار طغرائی و نقاشیخط این هنرمند چند اثر هنرمندانه‌ای دیده‌ام که با تلفیق حروف و ترتیب گل و مرغ، اشکالی بوجود آورده و هنر خود را در این زمینه ارائه داده است.

یکی از این آثار، تصویر مرغ یا بسم الله بود که به تردستی طراحی شده و حواشی و بطن آن ، به گل و مرغ شیوا آرایش شده و رقم داشت «میرزا محمد علی کشمیری ۱۳۲۶»

اثر دیگر نقاش، طغرای گلابی شکلی بود که از جملات «محمد رسول الله» ترتیب داده و دو گل سرخ بلند و زیبا در کناره‌های آن ترسیم کرده بود که تحسین انگیز بود.

این اثر تزیینی ، که به جهت تبریك عید ترتیب یافته بود. رقم داشت «این عید و هزار عید دیگر ـ برذات مقدست مبارك. «کتبه العبد محمّد علی کشمیری»

دیگر اثر طغرائی این هنرمند که منحصراً تلفیق خطوط بود، خطوط ثلثی و دایره‌ای بود که تمام سوره «قل هوالله» را بشیوه ستاره‌ای، کتابت نموده و داخل خطوط را نیز، در سیاق خود تزئین نموده و رقم نهاده بود.

خود را عرضه نمودم. و در مورد تداوم این علاقه‌ها که میبایستی بمعیار رسم خانوادگی این مجموعه در خانواده باقی می ماند، طی مراسم رسمی که در سال ۱۳۵۵ شمسی برگذار گردید، جمع مجموعه در اختیار خانواده و فرزندان قرار گرفت که هر یك از افراد خانواده، به نسبت علاقمندی و تخصصی که در آن رشته‌ها پیدا نموده شروع به تحقیق کرده و در تکمیل مجموعه خانوادگی کوشا باشند.

خوشبختانه فرزندان نیز که از دوران صباوت الی حال، با این هنرها اخت گرفته و همیشه دوربر آنها هنرآموزی میکردند، رفته رفته علاقه بیشتری پیدا کرده و هر یکی از آنها، تحقیقات بخصوصی را دنبال نمودند که حالیه توانسته‌اند از کم و کیف هنر مورد دلخواه خود اطلاعات عمیقانه‌ای را داشته باشند.

بدین ترتیب با فراغت خاطری که بدستم آمد توانستم تحقیقات پایان یافته خود را که مدت مدیدی صرف آن گشته بود تکمیل تر نموده واگر عمری باشد و استطاعتی فراهم گردد، طی تالیفاتی که ذیلا ارائه میگردد منتشر ساخته و خدمت ناقابل خود را بمیهن عزیزم ایران ادا نمایم.

آثاری که چاپ آنها باتمام رسیده و یا اینکه آماده چاپ هستند عبارتند از:

۱ـ احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از نگارگران هند و عثمانی ـ در سه جلد ـ که هر ۳ جلد آن چاپ شده است.
۲ـ اسناد و فرامین منتشر نشده قاجاری ـ در یك جلد ـ چاپ شده است.
۳ـ صنعت قلمدان سازی و ارائه آثار قلمدان سازان بنام ایرانی ـ آماده برای چاپ.
۴ـ احوال و آثار خطاطان ایرانی با ارائه تصاویر خطوط آنان ـ در چهار جلد ـ آماده برای چاپ.
۵ـ سجع مهرها و طغرای پادشاهان ایران و دستخط پادشاهان ـ آماده برای چاپ.
۶ـ تاریخ عکاسی در ایران و ارائه آرم عکاسهای ایران ـ آماده برای چاپ.
۷ـ تاریخ حکاکی و نگین تراشی در ایران ـ آماده برای چاپ.
۸ـ احوال و آثار خطاطان عثمانی ـ در دوجلد ـ در شرف تکمیل.
۹ـ اجازه‌نامه خطاطان عثمانی ـ بزبان انگلیسی ـ آماده برای چاپ.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«کتبه میرزا محمّد علی ابن میرزا غلام رسول سنه ۱۳۱۳ هجری»

اصل این خط زیبا که در موزه رضا عباسی مضبوط بوده و عکس رنگی آن نیز در تقویم سال ۱۳۶۷ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده، متاسفانه مسئولین مربوطه به جعل تاریخ آن، که از سنه ۱۳۱۳ به ۱۱۳۳ تعویض شده، توجهی ننموده و تاریخ آنرا سال ۱۱۳۳ هـ. قـ. بحساب آورده‌بودند.

از آثار دیگر این هنرمند که در دست فروشنده‌ای درتهران دیده‌ام، طغرای زیبائی برای عالیجناب صاحب زاده سید سعادت دیار خان صاحب بهادر بود که اسم و القاب وی را در شیوه طغرائی نوشته و انتهای آنرا بکلمه مرغی تشبیه نموده بود که جلوه ابتکاری داشت، در چهار گوشه صفحه نیز شاخه گلهای رنگینی علاوه کرده و حلاوت اثررا چشم نواز نموده بود.

متن داخلی طغرا عبارت بود:

«صاحب زاده سید سعادت دیار خان صاحب بهادر دام اقباله»

در سمت بالای تصویر بخط رقاعی کشمیری نوشته شده بود:

«این گلدسته طغرای رومی بنام نامی و اسم گرامی رئیس نیك خصال قدردان اهل کمال انیس الریاست جلیس السلطنت ـ پرتو عالی جناب صاحب زاده سید سعادت دیار خان صاحب بهادر ـ ریاست رامپور دام اقباله العظیم الطاهرین» و در سطر پائین نوشته بود:

«بسم الله الرحم الرحیم تعالی الله الغنی میرزا محمد علی بن میرزا غلام رسول خوشنویس الکشمیری فی سنه ۱۳۳۲ هجری برین صفحه قرطاس صورت نگار پذیرفته کحل الجواهر اولی الابصار و منظور نظر آن نظام گردید»

۱۱۱۲ـ محمّد علی بن محمّد حسین مذهّب

نوه استاد محمد علی بهار بن میرزا ابوطالب مدرسّ است که در صنعت تذهیب دستی داشته و در زمان خود از تذهیب کاران شیرین قلم بوده است.

بنوشته کتاب المآثر و الآثار پدر بزرگ این هنرمند:

«مذهب و شاعر بود و با جماع معاصرین در صنعت تذهیب و صناعت شعر لاسیما غزل مقام استادی داشت، رساله یخجالیه از اختراعات فکر بکر اوست. . . .» در تذهیب و شعر صاحب مقام بود و فرزند و نوه هنرمندش نیز در رشته تذهیب و شعر دستی داشته و از تذهیب کاران شیرین قلم زمان خود بشمار میآمدند. این مذهب فرزندی بنام اسداله داشت که در صنعت تذهیب استعدادی داشت که متاسفانه در جوانی خودکشی نموده و پدر هنرمندش را داغدار کرده‌بود.

این هنرمند پس از فوت فرزند گرامی اش، ریاضت را پیشه خود نمود و با اندك مزد تذهیب کاری اعاشه زندگی مینمود، تا عاقبت در سال ۱۳۱۲ شمسی جان به جان آفرین تسلیم نموده، بدنیای عقبی شتافت.

آثار رقم دار وی را تاکنون ندیده‌ام.

۱۱۱۳ـ محمّد علی بن محمّد زمان

فرزند صاحب قریحه و با استعداد محمّد زمان اول است که با رعایت و تربیت پدر و سایراستادان نامی زمان به‌اکتساب هنر مورد دلخواه خود پرداخته و در صنعت نقاشی، بمعارج و مدارج عالی نایل گردیده است.

بطوریکه مسجل است محمد زمان دو پسر بنام های محمّد علی و محمّد یوسف داشته که هر یك از آنان در

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

زمان خود نقّاش با اعتباری بوده و یادگارهای بس متعالی نیز، به یادگار گذاشته‌اند. یکی از فرزندان وی، همین استاد محمّد علی است که در یکی از یادگارهای ارزنده خود، نام پدر صاحب کمالش را قید نموده و چنین نوشته‌است:

«محمّد علی بن محمّد زمان ۱۱۳۰» و دیگری نیز، نقّاش محمّد یوسف است که در یکی از آثار قلمدانی خود نسبت پدر و فرزندی را مشخص ساخته و نوشته است «محمّد یوسف بن آقا زمان ۱۱۳۲»

استاد محمّد علی که گویا از برادر دیگرش بزرگتر بود، شیوه پدر را دنبال میکرد و سعی داشت لطافت و استحکام هنر پدر را در آثار خود عرضه نماید. گو اینکه در این زمینه‌ها، قدرت قلم و خبرت و بصیرت محمّد زمان را پیدا نکرد ولی توانست به رموز و دقایق هنر تسلط یافته و به زیب افزائی و چشم نوازی، نقش تصویر کند.

این هنرمند در گل و مرغ و ارائه مجالس بزمی قلم زیب افزا داشت و در چهره پردازی و حالات و حرکات متنوع افراد مخصوصاً درارائه بیشتر طنازی و جذابیت زنان پروسواس بود. علاوه براینها به قوانین مناظر و مرایا نیز آشنا بود و تذهیب و حل کاری را نیکو میدانست.

عده‌ای از هنرشناسان، علی اشرف معروف را بمصداق سجع مندرجه‌اش «ز بعد محمّد علی اشرف است» شاگرد این استاد میدانند و عقیده‌مندند که سجع مذکور همانا مبین این نکته است که بعد از استاد محمّد علی، شاگرد پر اعتبارش علی‌اشرف‌درنقّاشی ثانی استاد است و خلف شایسته‌ای بشمار می آید.

ولی بعقیده نگارنده، افق کار علی اشرف و کیفیت اصول هنری اش، مخصوصا در پرداز استادانه و رنگ آمیزی ابتکاری اش که در تصویر گل و مرغها بکار برده، از استاد محمّد علی برتر بوده و چنین شخصی با این همه جودت قلم و زبردستی شایان تمجیدش، باید شاگرد استاد متعالی تری باشد که شاگردانی مثل علی اشرف را پرورش دهد، و این استاد همان محمّد زمان معروف پدر استاد محمّد علی است که علی اشرف در سجع معروفش که نوشته «زبعد محمّد ـ علی اشرف است» منظورش این بوده که بعد از محمّد، یعنی استاد محمّد زمان، علی اشرف است که توانسته است استواری و عظمت هنری وی را مجدداً احیا نماید.

از طرفی بعید نیست که این هنرمند و برادرش محمّد یوسف، همکار علی اشرف بوده و با جمع سایر پویندگان هنری که از محضر استاد محمّد زمان سود می جسته‌اند، از سرچشمه والای استاد بهره‌ها برده و در حد خود تصویر سازی با اعتبار گشته‌اند.

و ضمنا چون سنوات عمری علی اشرف، موافق و متقارن دوران درخشش هنری و جوانی محمد زمان نمی گردد ممکن است که این هنرمند آتش دست، از شاگردان کم سن و سال ده و دوازده ساله نقاش، در سنین بالای

۱ـ دلایل قابل قبولی که علی اشرف را شاگرد محمد زمان معرفی می کنیم یکی پیروی استادانه گل و مرغ سازی از استاد محمّد زمان و دیگر انتخاب سجع معروف است که بزبان حال یاد کرده، که بعد از استاد محمّد زمان علی اشرف نقاش، بالاتر از همه است.

از طرفی بعید نیست علی اشرف شاگرد همین استاد محمّد علی بن محمّد زمان نیز بوده و در سجع مذکور، نام استاد محمّد علی را یاد نموده و مفهومش چنین بوده است که بعد از استاد محمّد علی، استاد علی اشرف استاد تر است و در این سجع کلمه علی را یکی نوشته و از تکرار نام (علی) بین محمد علی و علی اشرف خودداری نموده است.

و اما چون فاصله سنی و قدرت هنری استاد و شاگرد، نزدیك تر میباشد گمان نمیرود که این سجع را مخصوص محمد علی ساخته باشد. و از طرفی ممکن است قبل از اینکه استاد علی اشرف بشاگردی استاد محمّد علی علاقمند باشد، در سنین نوجوانی و کم سالی مثلاً حدود ده و دوازده سالگی، بشرف شاگردی محمّد زمان که دوران هفتاد و پنج سالگی را طی میکرده، افتخار یافته و یکی دو سالی، در خدمت استاد به فراگیری پرداخته است.

روی این نکته، میشود باور داشت که از همان دوران صباوت که خاطره استاد را گرامی میداشته، سجع معروف «زبعد محمّد علی اشرف است» را برای خود انتخاب کرده و تا آخر عمر به آن وفادار بوده است.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

عمرش بوده که بسان فرزندی عزیز، رموز و نکات باریك صنعت تصویر را باو یاد داده و چند سالی، از چشمه پر هنر استاد فیض یاب گشته است.

از عمده آثار بجا مانده و نفیس استاد محمد علی دو قلمدان ارزنده‌ای است که در حراج های ساتبی نیویورك بتاریخ ۱۹ ماه می سال ۱۹۸۲ و ساتبی پارك برنت موناکو بتاریخ ژوئن سال ۱۹۸۳ بفروش رسید. و حالیه در مجموعه آقای کرمل القانیان است.

یکی از آنها قلمدان تابوتی شیوائی در اندازه ۲۸/۵×۶/۵ سانتی متر بود که دیواره‌های آن از گل و مرغهای چشم نواز و دل انگیز مستور گشته بود. در رویه قلمدان، مجلس بزم فرح الزائی دیده میشد که حدود ده سال بعد، بعینه از روی یکی از مجالس بزمی استاد محمد زمان که آن نیز روی قلمدانی بوده و حالیه جزو مجموعه آقای اسکندراریه قرار دارد، تقلید شده و در کمال استواری و قدرت قلم انجام یافته بود.

در بزم خالی از اغیار، که در یکی از باغات مصفا ترتیب یافته بود، شاهزاده‌ای با البسه زربفت و کلاه مخصوص، کنار درختی نشسته و با دختر پری پیکری که خود را در آغوش وی جا داده، مشغول عشقبازی است.

زن جوان دیگری که بعنوان ساقی در کنار وی دو زانو نشسته، البسه خوشرنگ صورتی پوشیده و پیاله شراب را بدست گرفته وآماده تقدیم است. در مقابل آنها جوانکی که گویا شاعر و یا همدم مخصوص است، کاغذی بدست گرفته و مناظر دلفریب و حالات افسانه‌ای مجلس عشرت را توصیف مینماید.

در طرف دیگر، نوازندگان مخصوص که یکی از آنها سه‌تار بدست گرفته و دیگری کمانچه می نوازد و سومی دایره میزند، دیده میشوند که مجلس بزم را شادمان تر کرده و به آواز و طرب سرگرم هستند.

منظره درختان سرسبز و حلاوت افق دور و ارائه چند ساختمان قدیمی و مخصوصاً وجود درخت شکسته‌ای، در گوشه چپ قلمدان استادانه بوده و در قسمت بالای رویه رقم دارد:

«راقمه ابن محمد زمان محمد علی فی شهور سنه ۱۱۱۹» تصویر شماره (۹۹) در صفحه (۱۰۱۳)

اختلافاتی که این بزم شادمانی با مجلس بزمی قلمدان آقای اریه، که رقم محمد زمان و تاریخ ۱۱۰۹ را در بر دارد، منظره دو سوار کار و یك نفر پیاده و چند نفر دیگر است که پشت درخت شکسته‌ای قرار گرفته و استاد محمد علی از ارائه تك تك و تقلید صد در صد آنها خودداری نموده است.

۲ـ دیگر اثر استاد که حدود ده سال و اندی، بعد از قلمدان مذکور انجام یافته، قلمدان گل و مرغ و بزمی دلفریبی است که در حراج ساتبی نیویورك بفروش رسید.

کناره‌های این قلمدان، با گل و برگهای متنوع و دل انگیز، بسان خرمنی از گلها ترتیب یافته و اطراف قلمدان را محصور نموده است. در رویه قلمدان، مجلس بزم و عشرت شاهانه‌ای است که تمام سطح قلمدان را پوشانده و به ابتکار و حسن سلیقه نقاش انجام یافته است.

در این مجلس پر سرور که در ایوان قصر سلطنتی و مشرف به مناظر دلفریب و فضای مشجر وافق کم نظیر، تشکیل یافته است، دو شاهزاده جوان با سوگلی های خود، در صدر مجلس نشسته و پشت به متکا داده و به عیش و شادمانی مشغول هستند، یکی از آنها که لباس زربفت بتن کرده کنار ستونی نشسته، به صحنه پرشور و شعف مجلس چشم دوخته است. معشوقه زیباروی وی، که البسه مخصوص و زرینی پوشیده، کنار وی قرار گرفته و پیاله شرابی را که از دست ساغر وسط مجلس، دریافت کرده، به شاهزاده جوان تقدیم میکند.

شاهزاده دیگری که کلاه عمامه‌ای شیوه صفوی بسر گذاشته و لباس مزین و یخه خزدار پوشیده. با معشوق زیبایش که سه تاری بدست گرفته و راز عشق و سوز و گداز آن را به شاهزاده جوان حالی میدارد، بشادی پرداخته

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

و بترنم معشوق، گوش فرا داده است.

یك مطرب کمانچه بدست و دو دایره نواز زن ، در سمت راست و یك کمانچه‌کش و دو دایره نواز مرد، در طرف چپ جلب نظر مینمایند که با البسه رنگین و کلاه‌های مخصوصی، در جای خود قرار گرفته و مجلس بزم را شادان و گرم تر ساخته‌اند.

چهار رقاصه زیبا روئی که آرایش مخصوصی داشته و البسه مزین و رنگی پوشیده و برجستگیهای سینه را نمایان ساخته‌اند، در صحن مجلس به پایکوبی اشتغال داشته و به کرشمه و ناز خود، مجلس بزم را رونقی تازه بخشیده‌اند.

این صحنه بزمی که یکی از شاهکارهای استاد محمد علی بحساب میآید، مبین قدرت قلم و ابتکار زیرکانه نقاش است که آرایش البسه و تنوع رنگها و قیافه و حالات افراد و ارائه ریزه‌کاریهای دیگری که بحد پروسواسی خلق کرده و کوچکترین نکته را از دیده تیزبین خود دور نساخته، بشمار آمده و وی را از نقاشان صاحب کمال دوره خود بشمار آورده است.

دیگر از صحنه‌های پر زیب و زینت قلمدان که در صفحه داخلی وزیر درب آن نقش بسته، تصویر زن فتان و لوندی است که البسه نازك و شلوار راه راه رنگی پوشیده و با تمنای عاشقانه، بروی بستری دراز کشیده است.

حالت چهره و زیبائی صورت و همچنین دلفریبی اندام که از زیر پوشش البسه نیز هویدا است به استادی و خوش تراشی عرضه کرده و هنر خود را به کمال تمام ارائه داده است.

در حواشی تختخواب و زمینه سبز سیر آن، گل و مرغهای پر آذین علاوه کرده و بسان بوستانی پر گل و ریحان آرایش داده و رقم نهاده.

«محمد علی بن محمد زمان ۱۱۳۰»

این قلمدان که بطول ۲۹/۷ سانتی متر فرجام پذیرفته، یکی از بهترین آثار این هنرمند بشمار آمده و در نوع خود فوق العاده ارزنده میباشد تصویر شماره (۱۰۰) در صفحه (۱۰۱۳)

۳ـ از دیگر آثار رقم دار این هنرمند که گویا در کتابخانه بریتیش موزیوم قرار دارد، تصویر شاه سلطان حسین صفوی است که هدایای عید نوروز را پخش مینماید، این اثر رقم دار که اصل تصویر را از نزدیك ندیده‌ام، امضا و تاریخ دارد «محمد علی بن محمد زمان ۱۱۳۳» تصویر شماره (۱۰۱) در صفحه (۱۰۱۴)

۴ـ دیگر از آثار محمد علی، قلمدان ارزنده و رقم دار دیگری بود که بسال ۱۱۴۴ انجام پذیرفته و یکی از بهترین ها بود.

در این اثر پر مایه یك زن و مرد شاهزاده در کنار همدیگر قرار گرفته و در حالت عشقبازی بودند.

دخترك زیبا که زلفهای آویزانی به اطراف صورت داشت، کلیجه طلائی و منقشی بتن کرده و به طنازی و دلربائی در کنار شاهزاده قرار گرفته بود. شاهزاده جوان نیز که کلاه چرکسی مخصوصی بسان شکل قابلمه‌ای بسر داشت، البسه زربفت و شاهانه پوشیده و محو زیبائی معشوق خود بود.

حالت التهاب و کشش عشق و زیبائی سحرآسا، در صورت آنها آشکار می گردید.

در زیر تخت، برکه آب و دو مرغابی رنگین که یکی از آنها سر را بعقب برده بود دیده میشدند.

درخت بریده‌ای که صاف و هموار بریده شده و بر عکس بریدگیهای پدرش محمد زمان جلوه گر گشته بود در پائین قلمدان مشاهده میگردید.

منظره ابرها و افق دور و همچنین یك درخت پر برگی، بسان انجیر و یا بلوط که برگهای درشتی داشت در پشت سر جوان جلب نظر مینمود و در بالای قلمدان، بخط شکسته رقم داشت

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

«راقمه ابن محمد زمان محمد علی»

کناره قلمدان که در زمینه مرغش سبز عمل آمده بود دسته گلهای متنوع و الوان دلربا داشت که در لابه آنها، تصاویر مرغهای خوشرنگ و پروانه و زنبور جلب نظر مینمودند.

زیر قلمدان و کناره‌های داخلی بچه قلمدان، در زمینه عنابی بود که رشته برگهای بلند و پیچی درخت مو، به شیوه حل کاری عمل آمده و جالب بود.

۵ـ از قلمدان های بی رقم این استاد که بعقیده حقیر، اثر دست این هنرمند میباشد، قلمدان پر هنری است که در رویه آن، تصویر شاهزاده جوانی در آرایش سلطنتی نقش یافته که شایسته هزاران تحسین می باشد.

در این تصویر، شاهزاده پر جلال، عمامه رگه‌دار طلائی بسر نهاده و کلیجه طلائی با گلهای سرخ رنگ، پوشیده که در کناره‌های یخه آن، پوست خز دوخته شده است.

در زیر لباسهای بلند و قرمزش ، شال طلائی گلدار بسته و در یکدست شاهین تیز پروازی گرفته و در دست چپش کلاهك چرمی شاهین را که چشمهایش را با آن می بندند گرفته است.

صورت جوان فوق العاده زیبا و معصوم و بدون ریش و سبیل است.

شلوارش قهوه‌ای سرخ رنگ و چسبان بوده و کفش قوندارهای پاشنه بلند پوشیده و در جای خود ایستاده است.

در پشت سر شاهزاده ، یك درخت پر برگ تنومند دیده میشود و در زیر پای شاهزاده ، یك برکه آب زلال و یك درخت شکسته ، بسان کارهای محمد زمان جلب نظر مینماید.

در کناره‌های قلمدان و بین کتیبه‌های مختلف آن، انواع و اقسام مناظر اصفهان و کوه‌های آن دیار و دشت و دمن مصفا، دیده میشوند.

این قلمدان ارزنده که در نوع خود از بهترین کارهای استاد بشمار میآید، رقم و تاریخ نداشته ، ولی از شیوه کار و نقش آفرینی هنرمندانه آن، معلوم میگردد که این قلمدان نیز از کارهای کمیاب محمد علی بن محمد زمان میباشد (مجموعه دکتر ناصر خلیلی لندن)

۱۱۱٤ـ محمّد علی بن محرم یزدی

نامش میرزا محمد علی معروف به محرم یزدی و فرزند محمد هاشم زرگر، نسخ نویس معروف اصفهانی مشهور به (صائغ) است.

این هنرمند در یزد متوطن شده و به تذهیب و تزیین نسخه‌ها و قطعات اشتغال داشته است.

او مردی دانا بود و محرم تخلص میکرد و در اواخر قرن ۱۲ هجری قمری زندگی مینمود.

فرزند وی شاعری توانا، بنام میرزا عبدالوهاب محرم یزدی است که مداح محمّد شاه قاجار بود و لقب ملك الشعرای عراقین را داشت و در خط شکسته نیز از استادان بشمار می آمد.

پایان جلد دوم

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

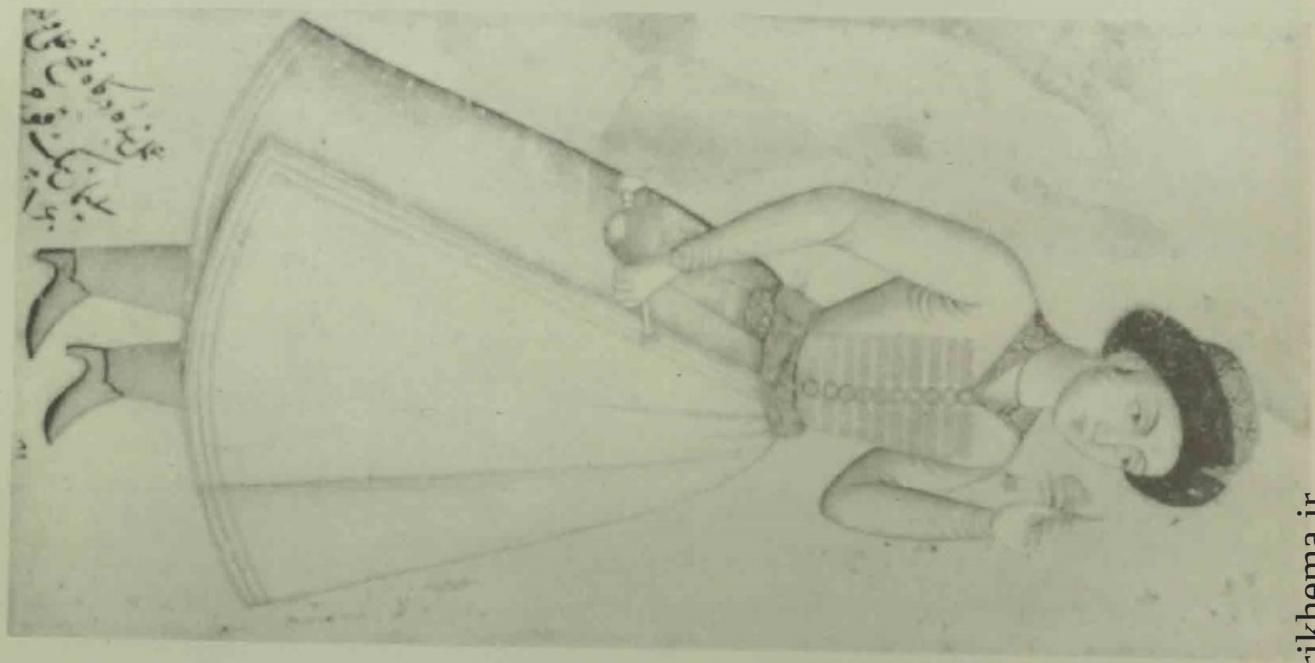
﴿ تصاویر ﴾

mandegar.tarikhema.org

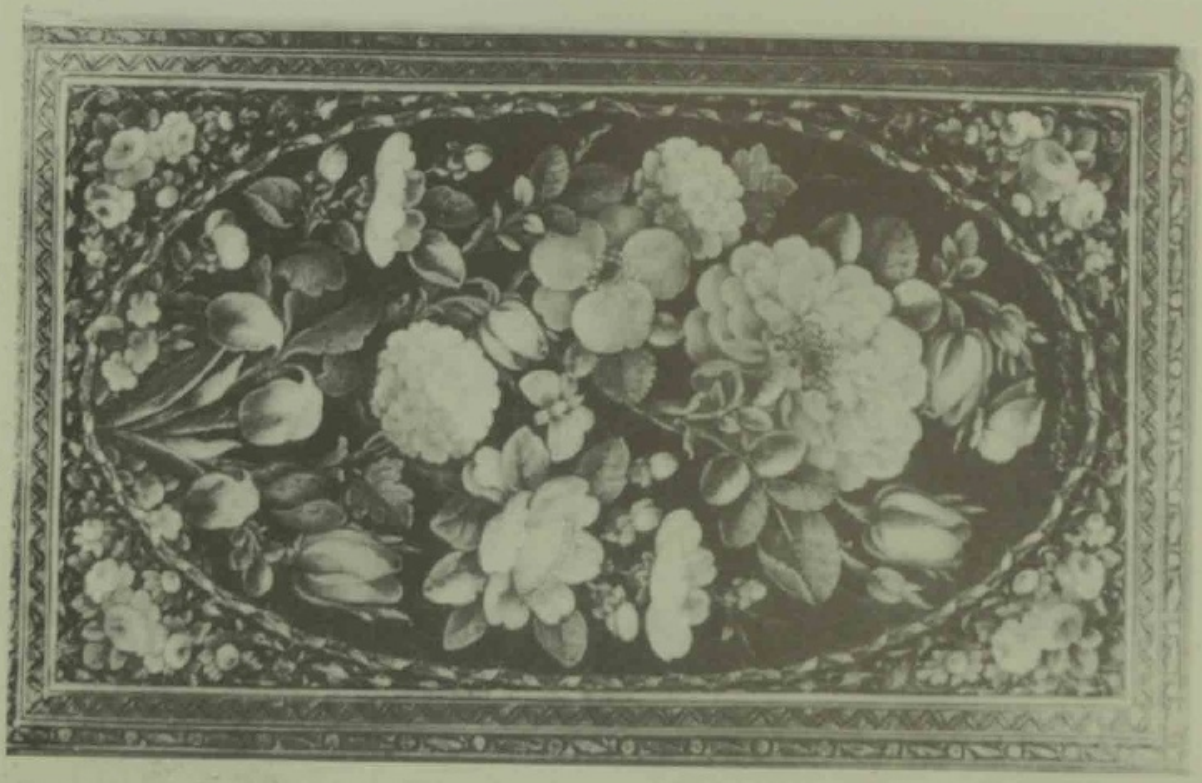
tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۲) مربوط به صفحه (۵۰۰)



تصویر شماره (۱) مربوط به صفحه (۴۹۹)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

فدای حضور مبارکت کردم بنده از بندگان متوقف بارگاه حضور عالی عرضه میدارد

از انجا که لازمست که هر صاحب هنر و کمال و هنر خود را بمعرض عرض بندگان عالی درآورد

این بنده نیز دیوان خواجه شمس الدین حافظ را بنظر امیدواری خط بنام قبول خود جهت

پیشکش حضور سعادت گنجور نوشته قبلی از کتابت آن ماقیت لیکن تذهیب نشده

لهذا مکرر آنرا ارسال پیشگاه حضرت عالی داشته چنانچه منظور نظر کیمیا اثر افتد کما

تمام نموده و تذهیب کرده انفاذ حضور باهر النور نماید و عرض مطلب اینکه در زمان دولت سلطان

خلد آشیان شاه مرحوم این بنده در اینمصدر بجاه و توان بواجب مستمری بوده الحال محض بهمان

مستمریست با جمعی عیال بلکه هرچه از مستمری کاسته بر عیال افزوده استدعا از مراحم بیکران آنست

که رعایت حال این بیچاره پریشان و جبر کسر مستمری این ناتوان را فرموده بهمان مبلغ سابق

مقرر فرمایند تا این بنده مرفه الحال مدعاگوی دولت بمدت اشتغال نماید و هر یک از

نسخ مرغوبه ورسائل مطلوبه که منظور نظر باشد اعلام فرمایند که هر سالی یکی از انها نوشته

شود و پیشکش حضور عالی گردد الداعی الدوله المتمسک المتخلی الشراری المخلص

تصویر شماره (۳) مربوط به صفحه (۵۰۰)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۴) مربوط به صفحه (۵۰۸)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org

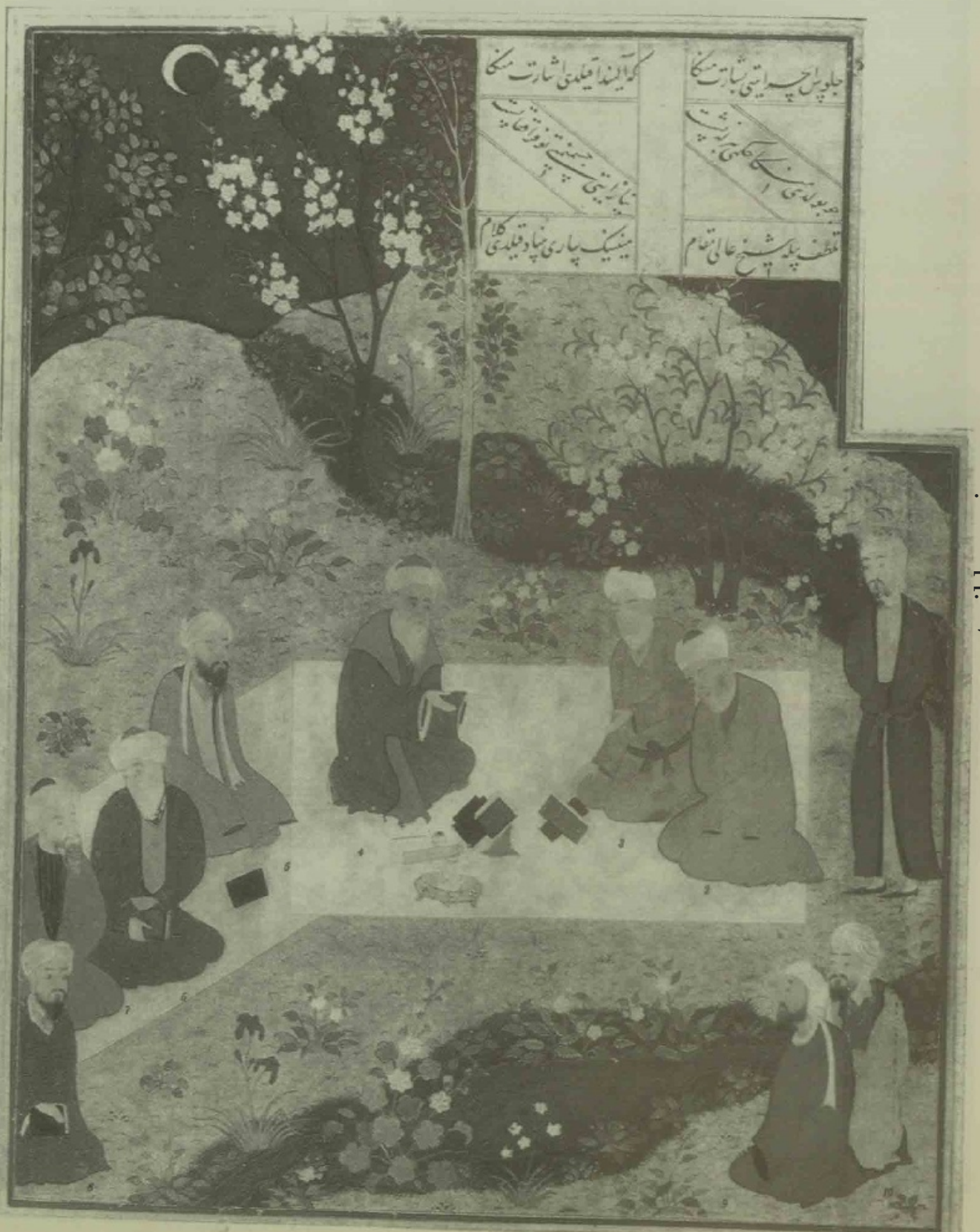




تصویر شماره (۵) مربوط به صفحه (۵۱۴)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

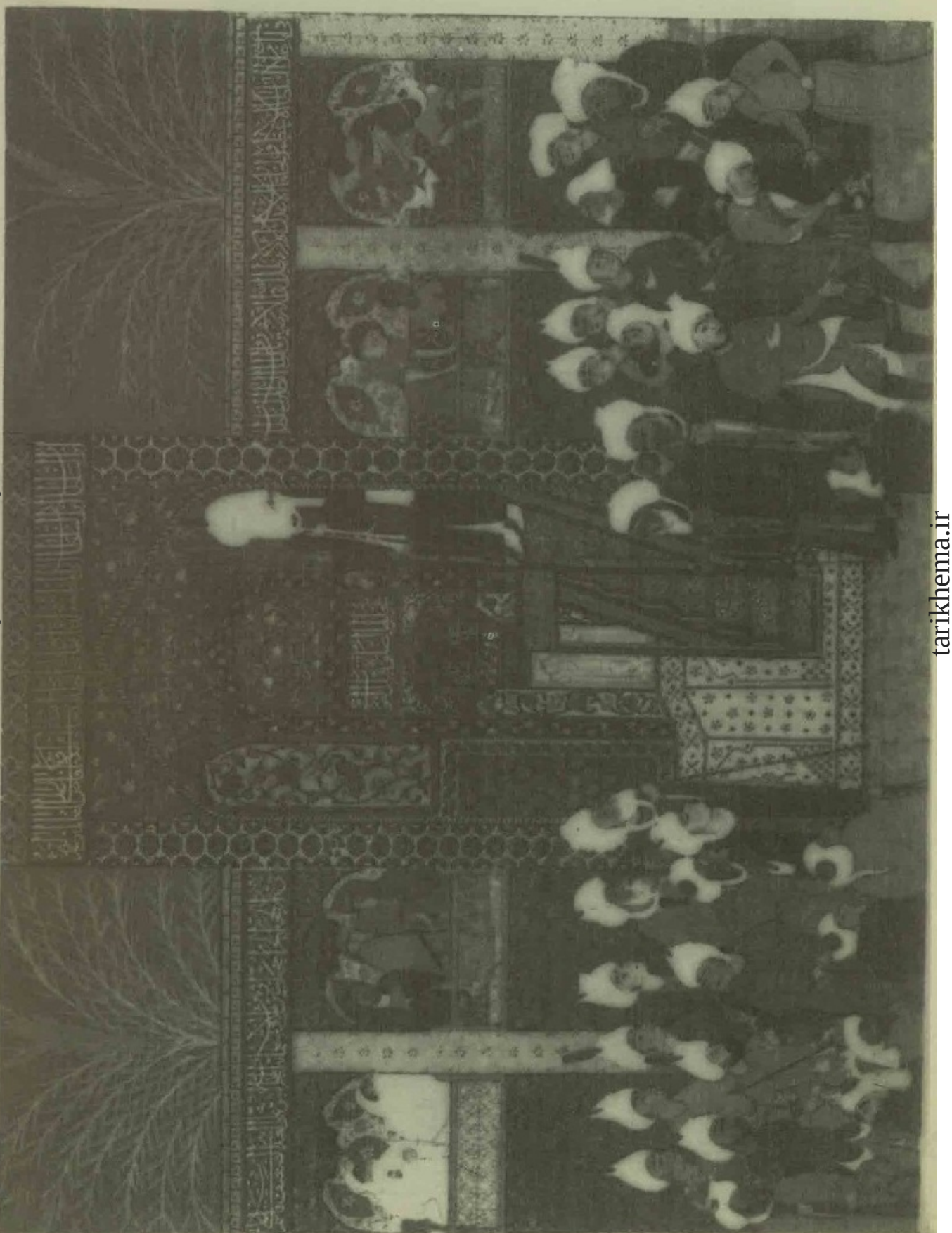
tarikhema.org



تصویر شماره (۶) مربوط به صفحه (۵۲۶)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۷) مربوط به صفحه (۵۲۹)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org

در فرهنگ کرمانشاه دبیرستان [illegible] در سال تحصیلی ۱۳۴۰ ـ ۱۳۴۱ ـ

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

تصویر شماره (۸) مربوط به صفحه (۵۴۰)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر شماره (۹) مربوط به صفحه (۵۴۳)

تصویر شماره (۱۰) مربوط به صفحه (۵۴۴)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر شماره (۱۱) مربوط به صفحه (۵۵۷)

تصویر شماره (۱۲) مربوط به صفحه (۵۶۹)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۳) مربوط به صفحه (۵۶۵)

tarikhema.ir
mandegar.tarikhema.org
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۴) مربوط به صفحه (۵۶۶)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org





تصویر شماره (۱۵) مربوط به صفحه (۵۶۷)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



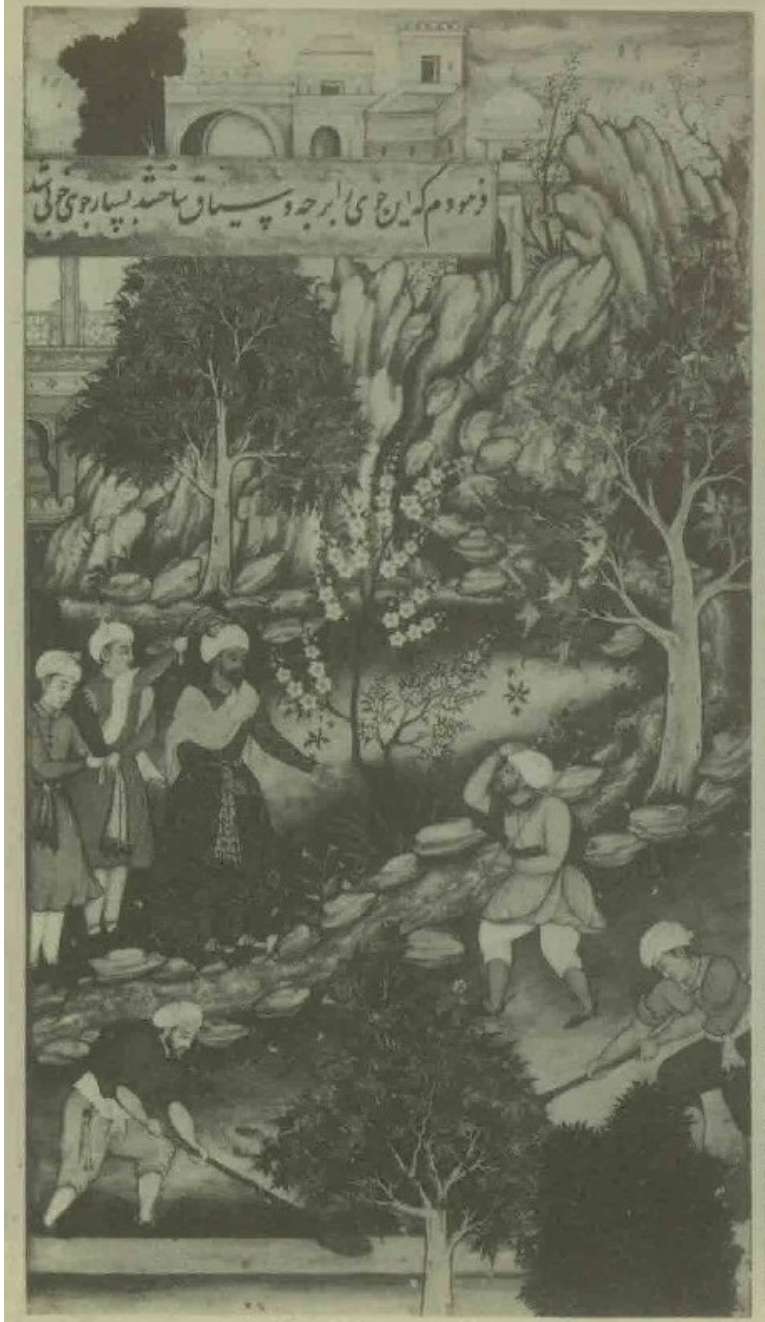
تصویر شماره (۱۶) مربوط به صفحه ۵۷۳)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

mandegar.tarikhema.org



تصویر شماره (۱۷) مربوط به صفحه (۵۷۵)



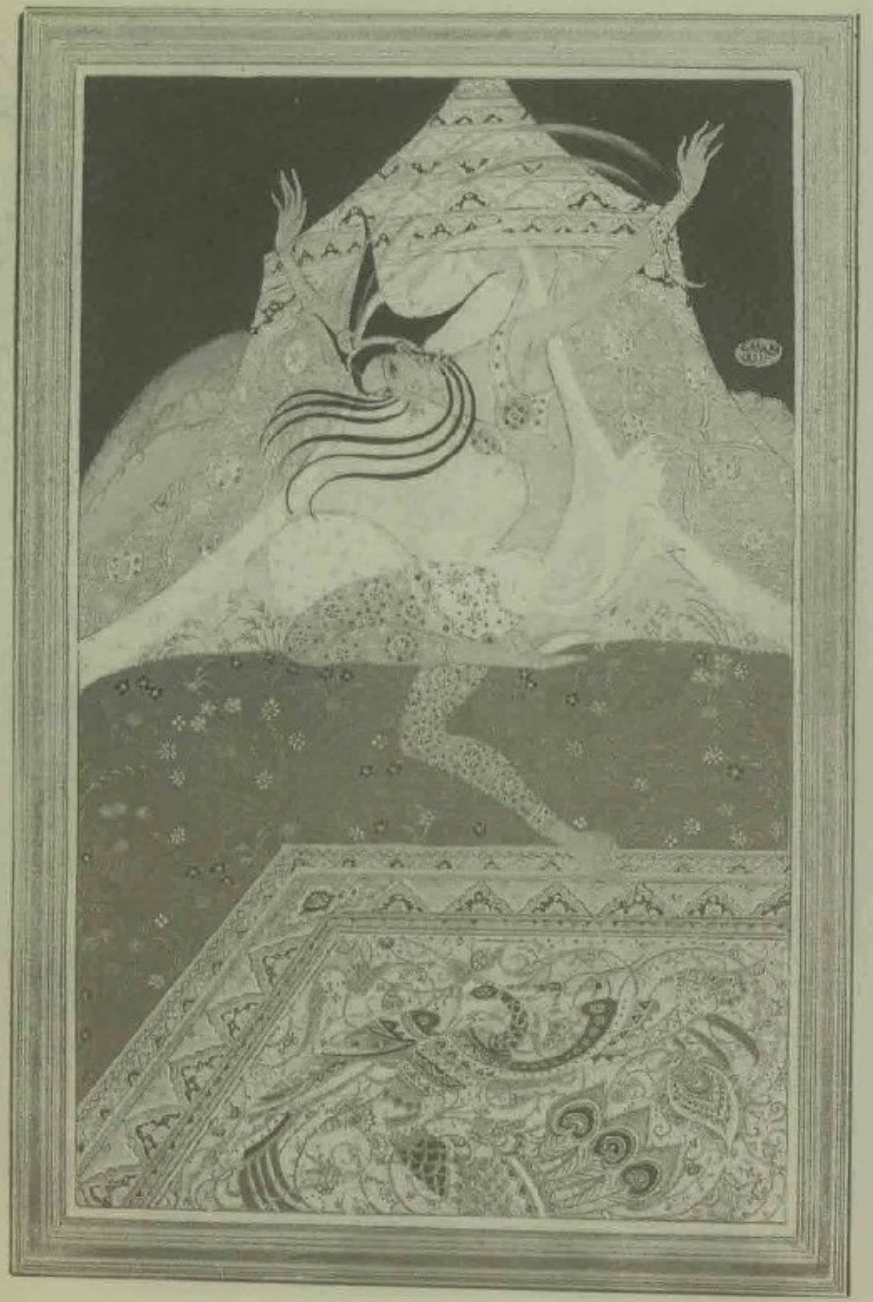
تصویر شماره (۱۸) مربوط به صفحه (۵۸۶)

tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org
tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org



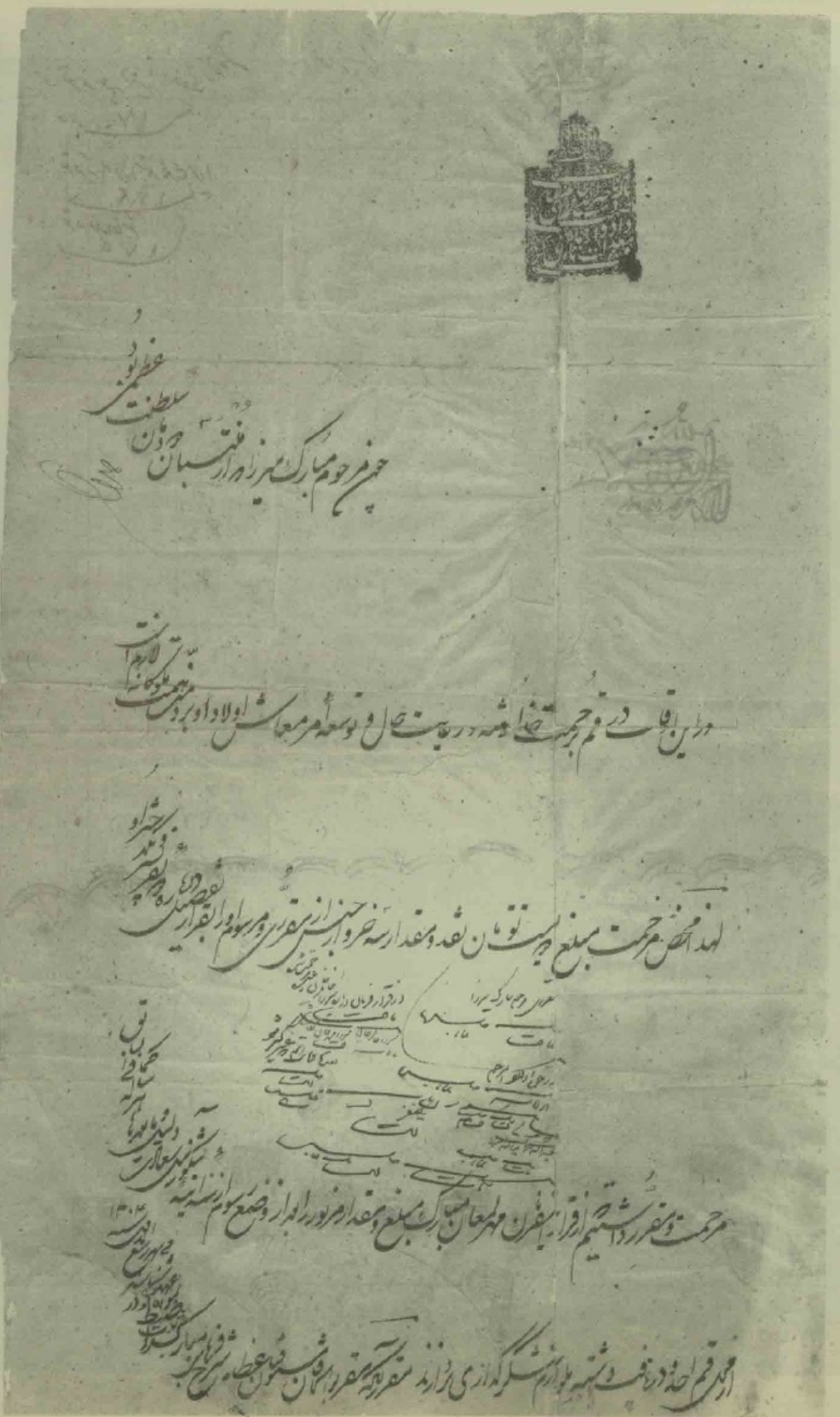
تصویر شماره (۱۹) مربوط به صفحه (۵۷۷)



یکی از آثار ماك مربوط به صفحه شماره (۹۴۹)

tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org
tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۲۰) مربوط به صفحه (۵۸۸)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

تصویر شماره (۲۲) مربوط به صفحه (۵۹۳)

تصویر شماره (۲۱) مربوط به صفحه (۵۸۸)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org





mandegar.tarikhema.org

تصویر شماره (۲۴) مربوط به صفحه (۶۰۳)

tarikhema.ir

تصویر شماره (۲۳) مربوط به صفحه (۶۰۳)

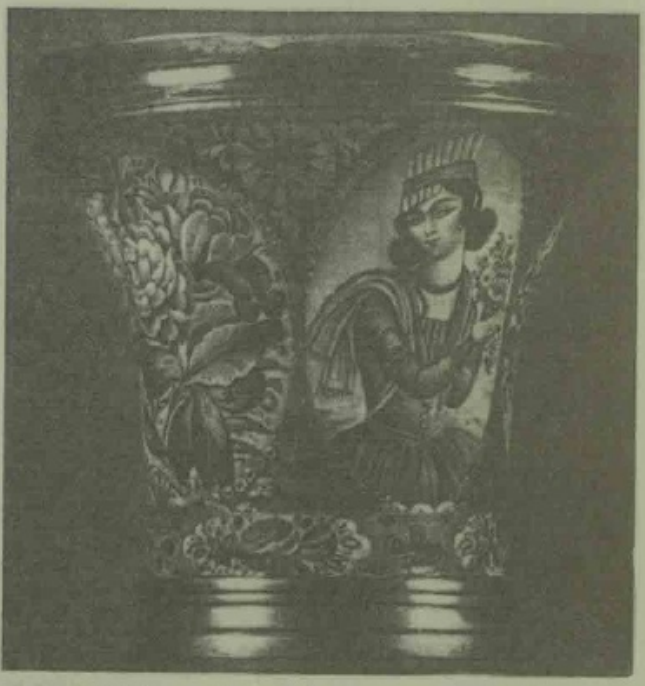
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۲۵) مربوط به صفحه (۶۰۶)





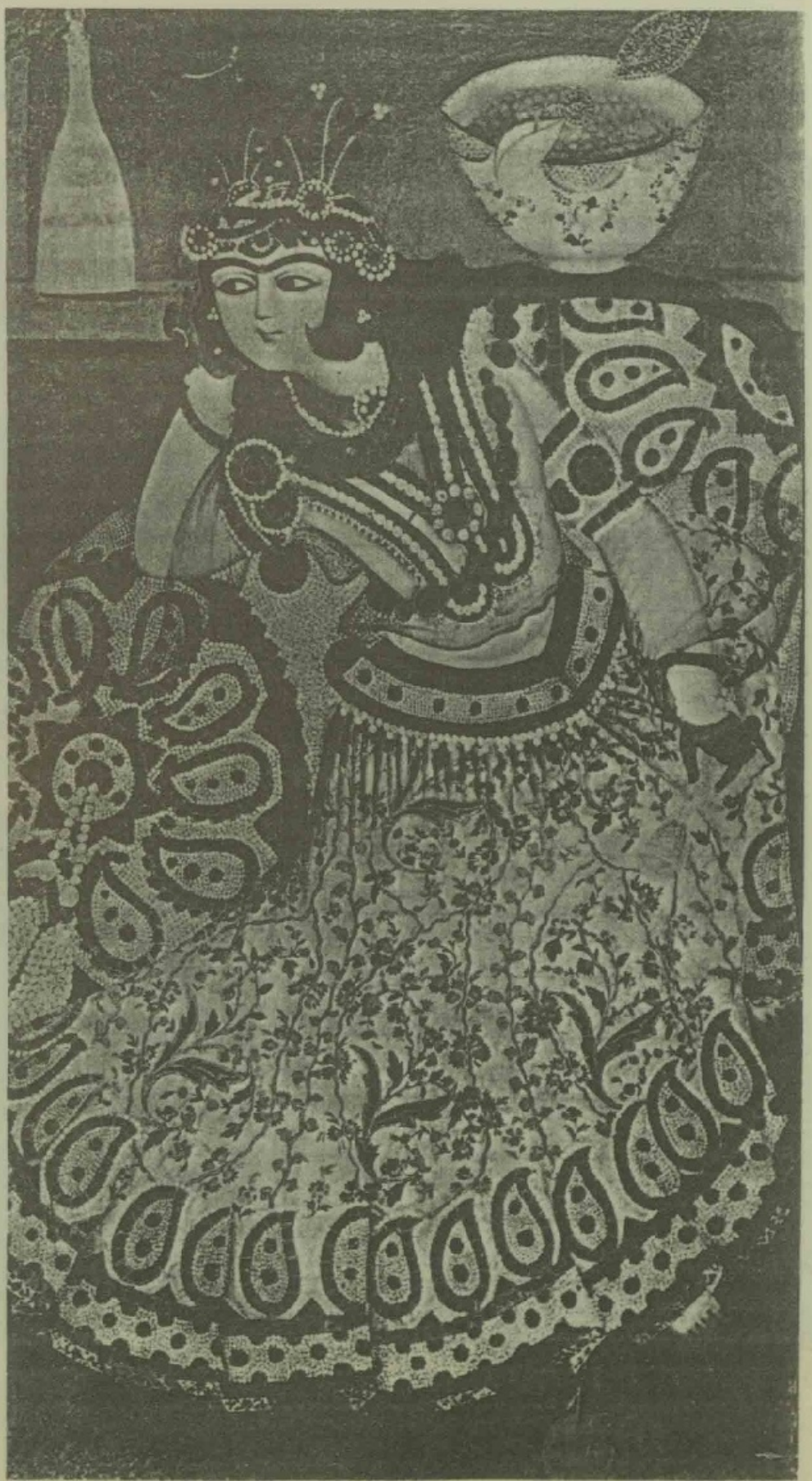
تصویر شماره (۲۶) مربوط به صفحه (۶۱۶)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۲۷) مربوط به صفحه (۶۱۲)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۲۹) مربوط به صفحه (۵۸۷)



تصویر شماره (۲۸) مربوط به صفحه (۶۱۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

تصویر شماره (۳۰) مربوط به صفحه (۶۲۷)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۳۲) مربوط به صفحه (۶۳۳)

mandegar.tarikhema.org

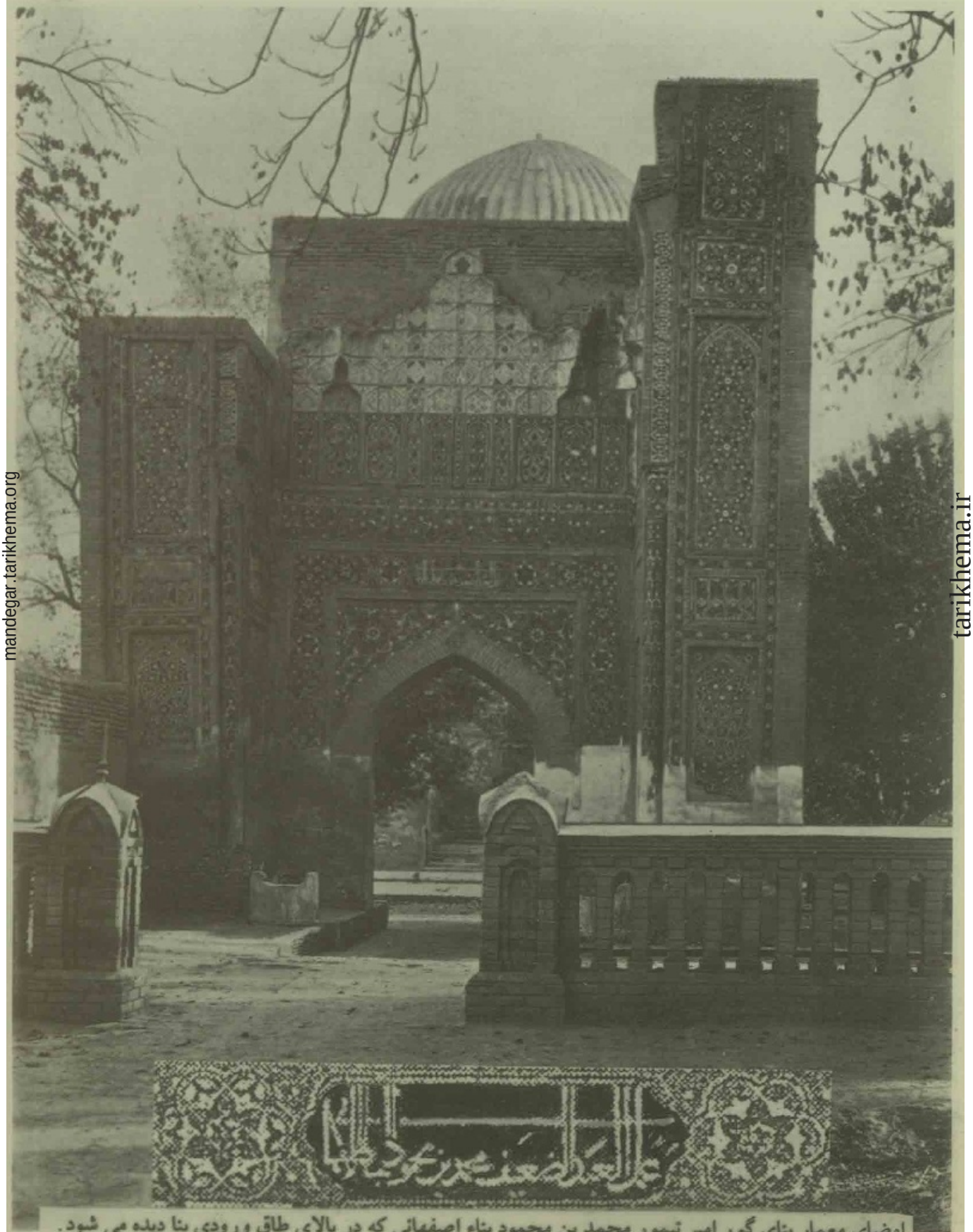
tarikhema.ir



تصویر شماره (۳۱) مربوط به صفحه (۶۲۹)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



امضای معمار بنای گور امیر تیمور محمد بن محمود بناء اصفهانی که در بالای طاق ورودی بنا دیده می شود.

تصویر شماره (۹۶) مربوط به صفحه (۶۳۱)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۳۴) مربوط به صفحه (۶۳۶)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



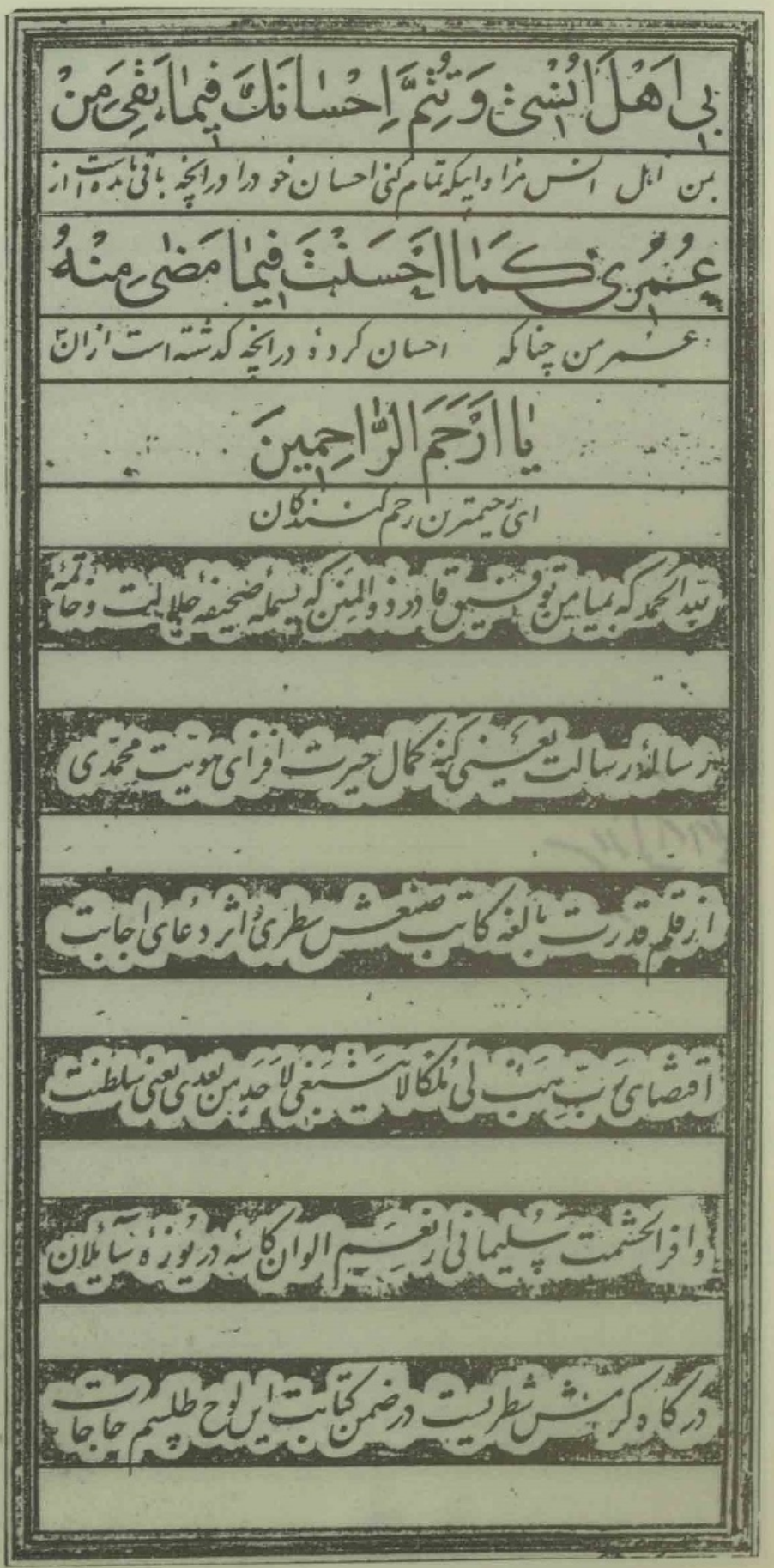
تصویر شماره (۳۵) مربوط به صفحه (۶۳۷)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org


بی اهل انسی و تتم احسانک فیما بقی من

بمن اهل انس مرا و اینکه تمام کنی احسان خود را در انچه باقی مانده است از

عمری کما احسنت فیما مضی منه

عمر من چنانکه احسان کردی در انچه گذشته است ازان

یا ارحم الراحمین

ای رحیمترین رحم کنندگان

بعد الحمد که بمیامن توفیق قادر ذوالمنن که بسمله صحیفه جلالیت و حامله

سر سالهٔ رسالت یعنی کنه کمال حیرت افزای هویت محمدی

از قلم قدرت بالغه کاتب صنعش سطری اثر دعای اجابت

اقتضای رب هب لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی یعنی سلطنت

وافر الحشمت سلیمانی را نقیم الوان کاسه دریوزه سایلان

در گاه کرمش شطریست در ضمن کتابت این لوح طلسم حاجات

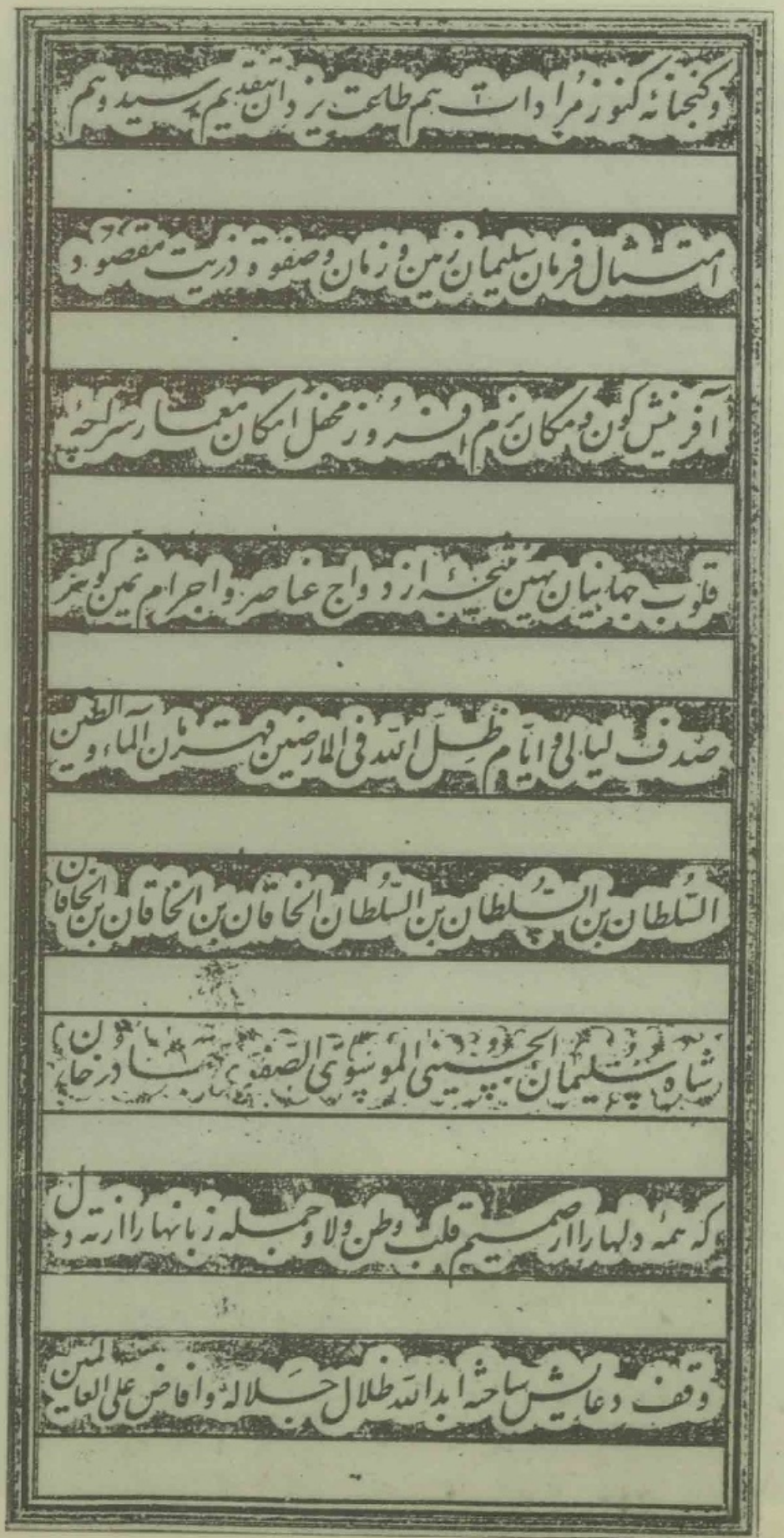
تصویر شماره (۳۶) مربوط به صفحه (۶۴۵)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



وگنجانه کنوز مرادات بهم طلعت بزدان تقدیم پرسید و بهم

امتثال فرمان سلیمان زمین و زمان وصفوه ذریت مقصود

آفرینش کون و مکان بزم افروز محفل امکان معمار سرلحه

قلوب جهانیان بهین تتمه ازدواج عناصر و اجرام ثمین گوهر

صدف لیالی و ایام ظل الله فی الارضین فهرمان الماء و الطین

السلطان بن السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان

شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادر خان

که همه دلها را از صمیم قلب وطن ولا و جمله زبانها را از ته دل

وقف دعا یش ساخته ابد الله ظلال جلاله و افاض علی العالمین

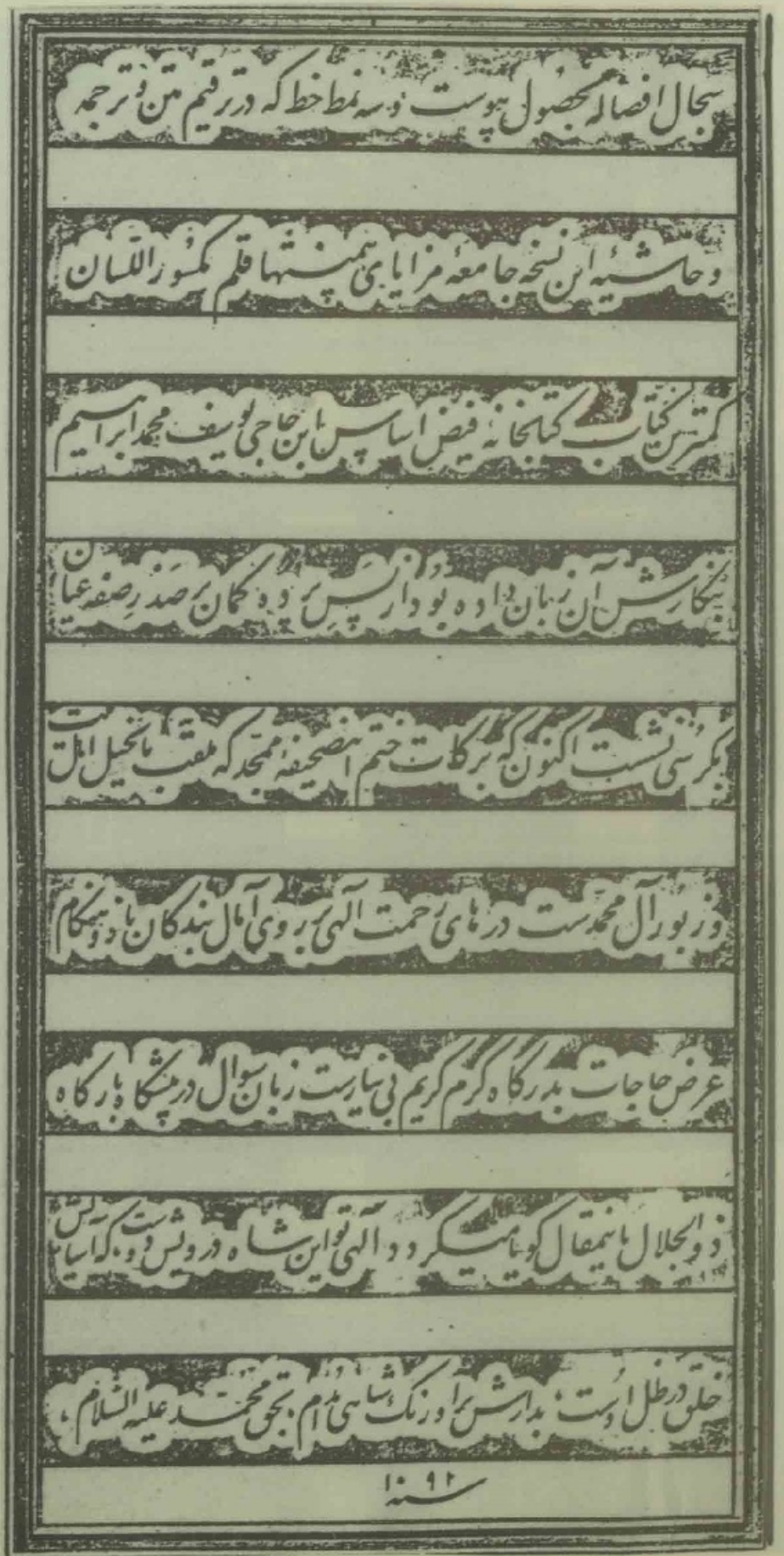
تصویر شماره (۳۷) مربوط

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org


سجال افضاله بحصول پیوست نوسه نمط خط که در رقیم متن مترجم

و حاشیه این نسخه جامعه مزایای پیشتها قلم مکسور اللسان

کمترین کتاب کتابخانه فیض اساس ابن حاجی یوسف محمد ابراهیم

بنگارش آن زبان داده بود از پس پرده گمان صد رصفه عیان

بگرسی نشست اکنون که برکات ختم این صحیفه ممجده که ملقب بانجیل اهل

و زبور آل محمدست درهای رحمت الهی بروی آمال بندگان باز و هنگام

عرض حاجات بدرگاه کرم کریم بی نیازست زبان سوال در پیشگاه بارگاه

ذو الجلال با نیمقال گویا میگردد الهی تو این شاه درویش دوست که آسایش

خلق در ظل اوست بدارش بر اورنگ شاهی دام بتجی محمد علیه السلام

سنه ۱۰۹۲

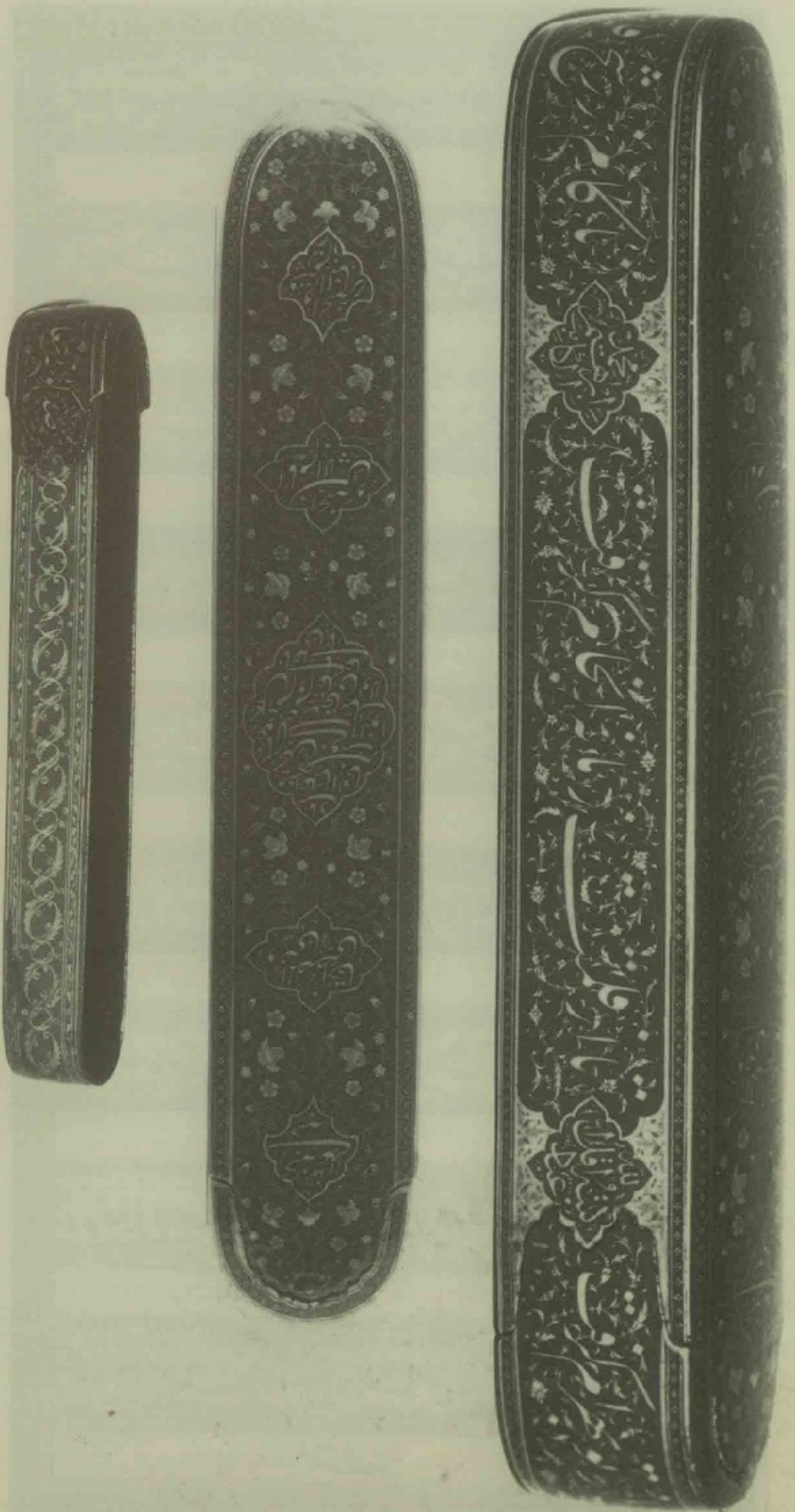
تصویر شماره (۳۸) مربوط به صفحه (۶۴۸)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



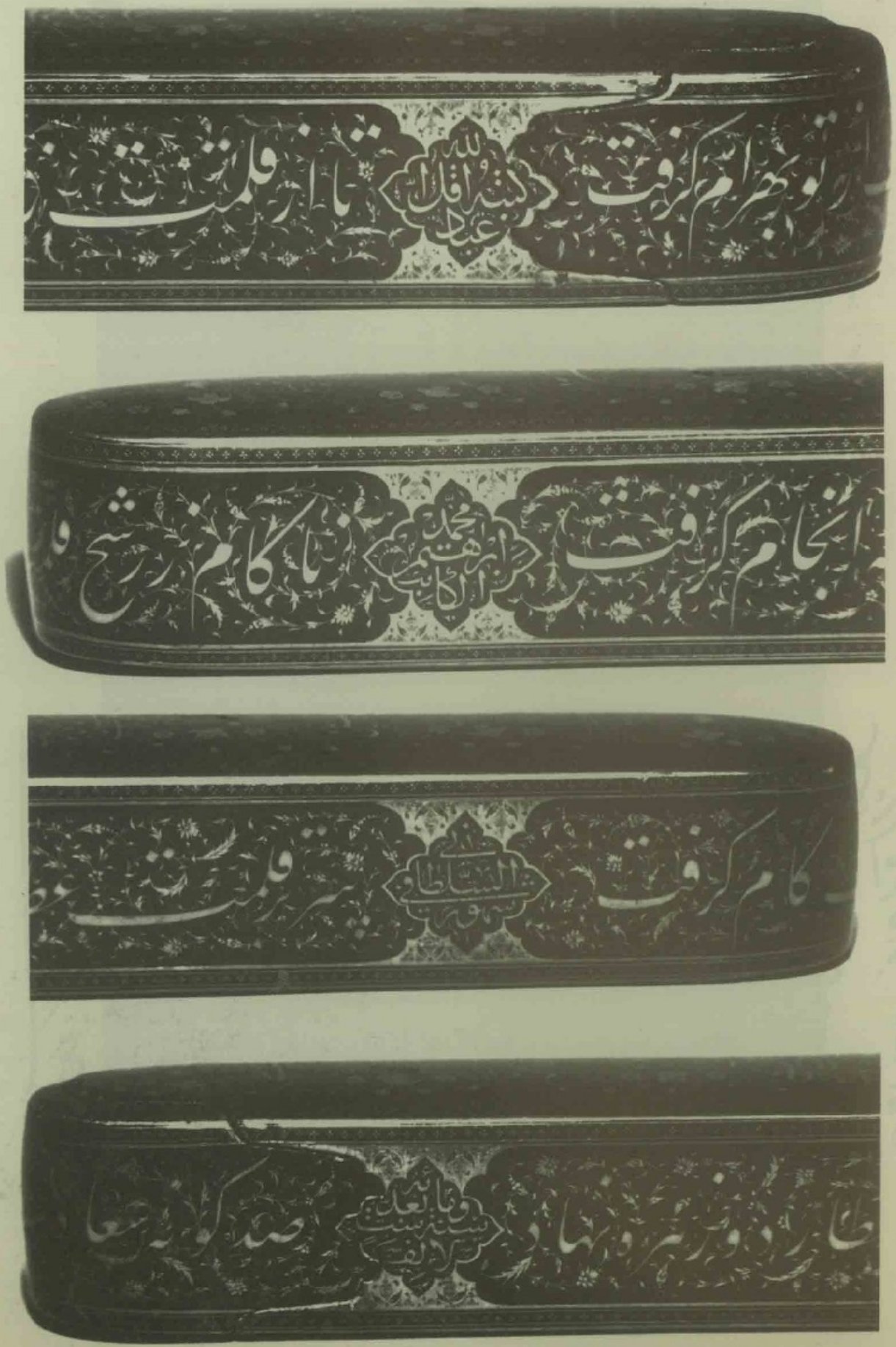
تصویر شماره (۳۹) مربوط به صفحه (۶۴۷)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۴۰) مربوط به صفحه (۶۴۷)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org

tarikhema.ir

mandegar.tarikhema.org

عرضه داشت کاشی تراشان خراسان

تصویر شماره (۳۱) مربوط به صفحه (۶۴۹)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۴۲) مربوط به صفحه (۶۵۱)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۴۳) مربوط به صفحه (۶۵۵)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

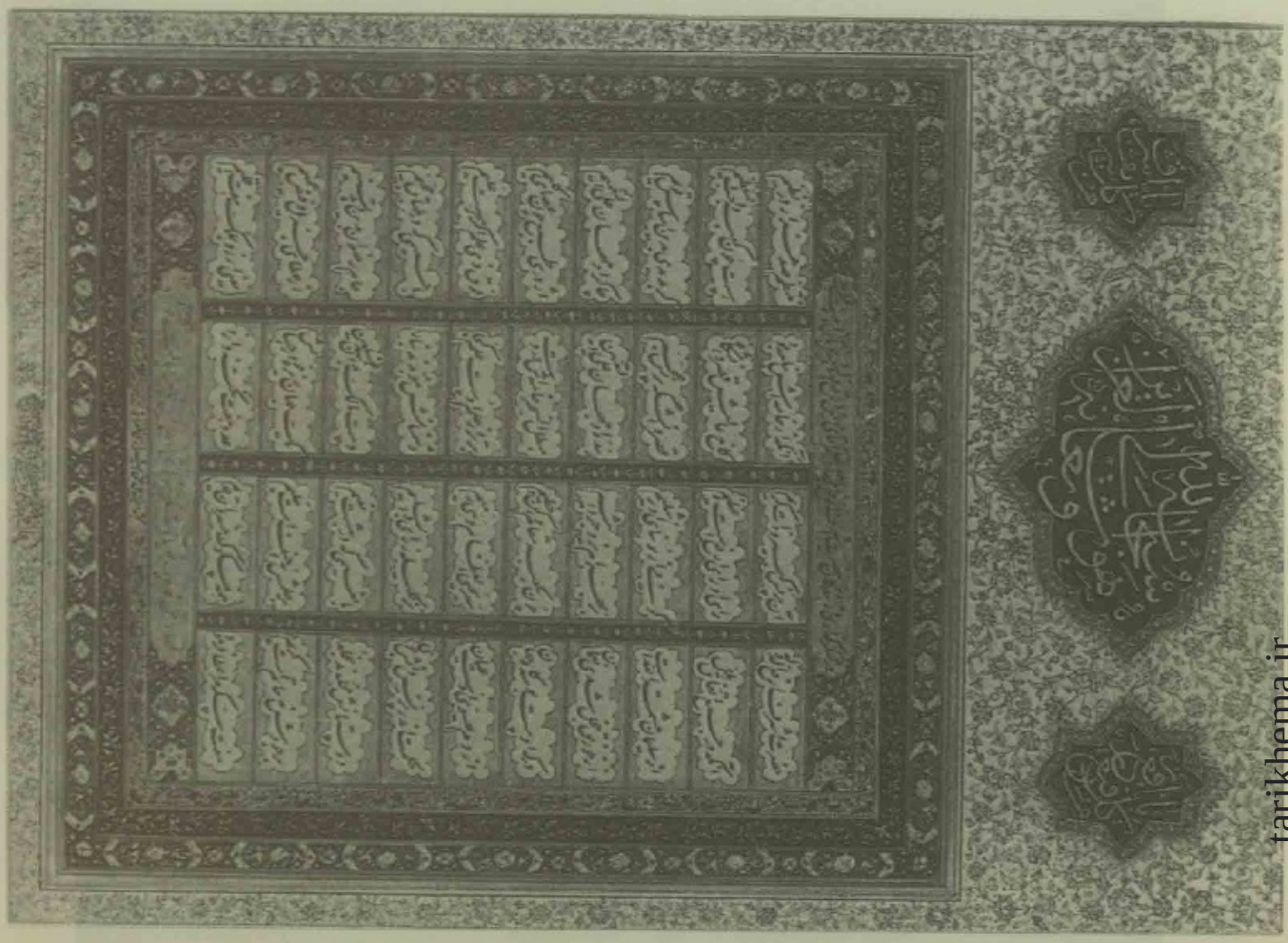
tarikhema.org



تصویر شماره (۴۴) مربوط به صفحه (۶۵۸)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

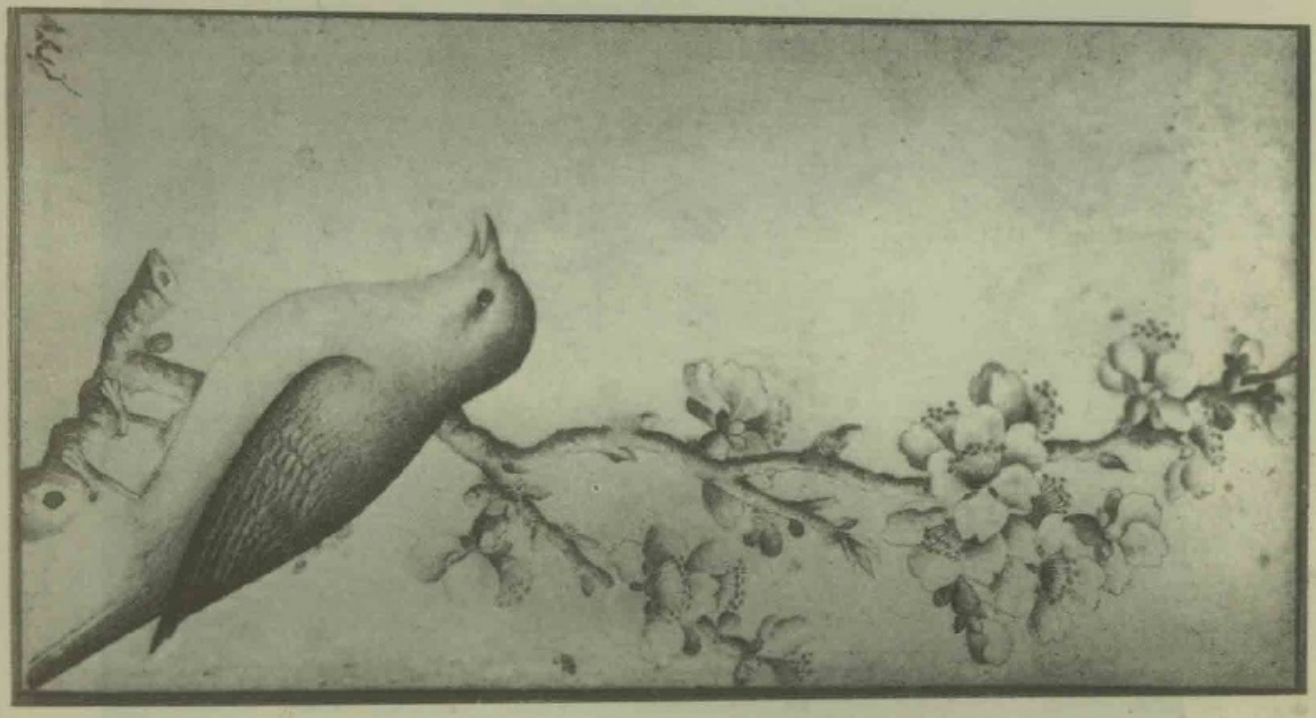
tarikhema.org



tarikhema.ir

تصویر شماره (۴۶) مربوط به صفحه (۶۷۴)

mandegar.tarikhema.org



تصویر شماره (۴۵) مربوط به صفحه (۶۶۲)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org











تصویر شماره (۴۷) مربوط به صفحه (۶۶۲)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۴۸) مربوط به صفحه (۶۶۳)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

تصویر شماره (۴۹) مربوط به صفحه (۶۶۵)

تصویر شماره (۵۰) مربوط به صفحه (۷۱۳)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۵۱) مربوط به صفحه (۶۷۸)



تصویر شماره (۵۲) مربوط به صفحه (۶۷۹)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر شماره (۵۳) مربوط به صفحه (۶۸۹)

تصویر شماره (۵۴) مربوط به صفحه (۶۹۰)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۵۵) مربوط به صفحه (۶۹۲)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۵۶) مربوط به صفحه (۶۹۷)



تصویر شماره (۵۷) مربوط به صفحه (۶۹۷)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۵۸) مربوط به صفحه (۷۰۷)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

تصویر شماره (۵۹) مربوط به صفحه (۷۰۷)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



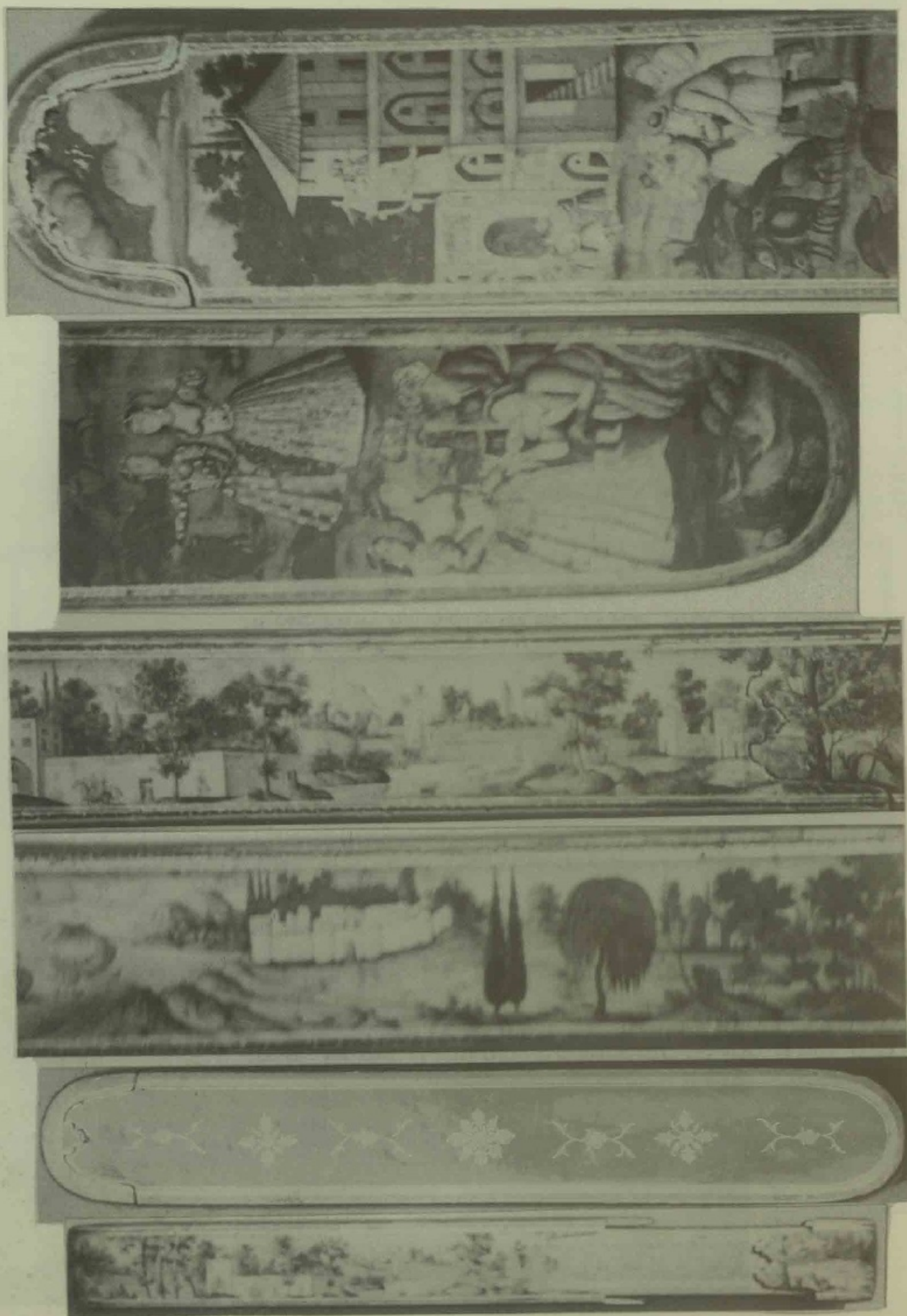
تصویر شماره (۶۰) مربوط به صفحه (۷۱۰)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۶۱) مربوط به صفحه (۷۱۵)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۶۳) مربوط به صفحه (۸۹۷)



تصویر شماره (۶۲) مربوط به صفحه (۷۲۰)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۶۴) مربوط به صفحه (۷۸۷)

mandegar.tarikhema.org

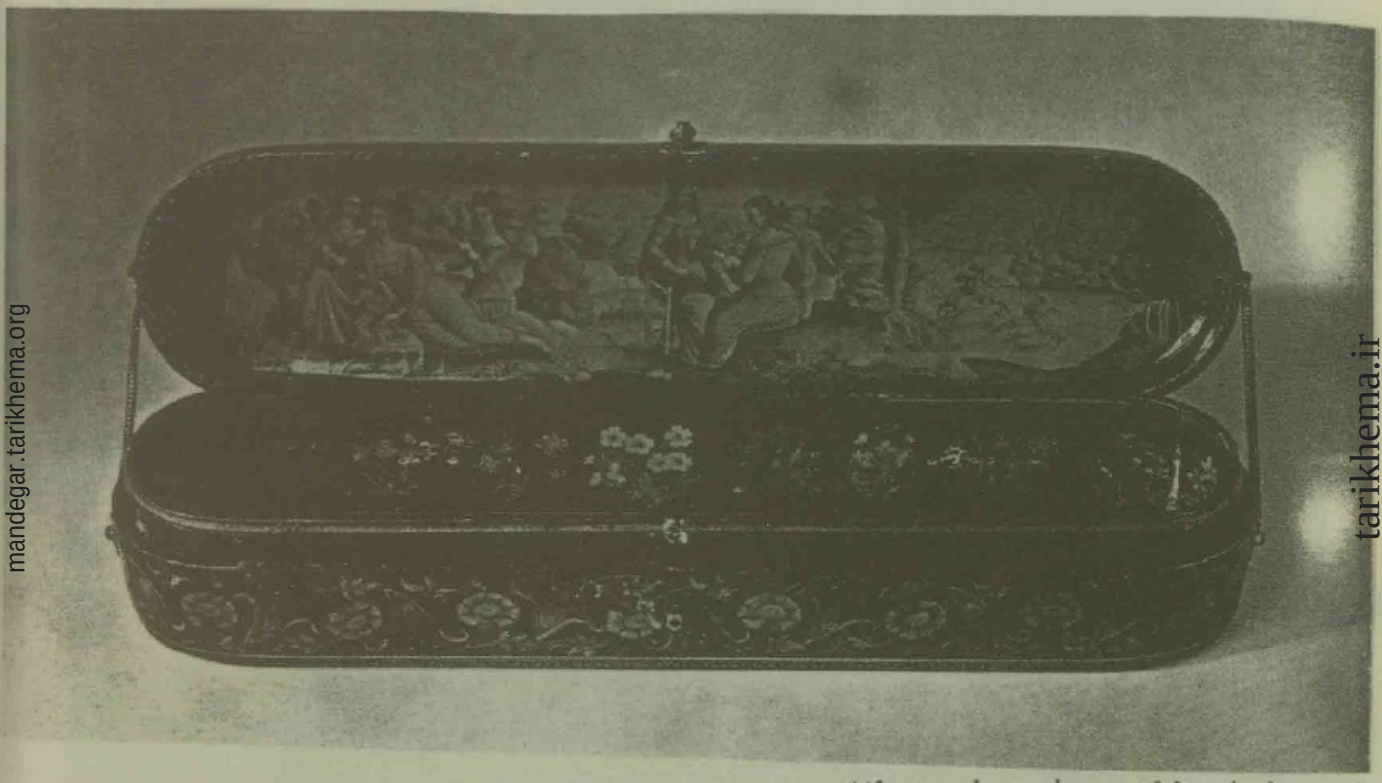
tarikhema.ir



تصویر شماره (۶۵) مربوط به صفحه (۷۹۹)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

تصویر شماره (۶۶) مربوط به صفحه (۷۹۰)



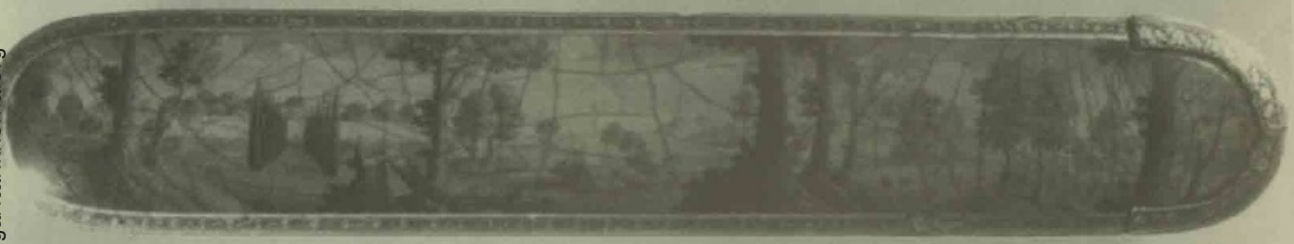
تصویر شماره (۶۷) مربوط به صفحه (۷۹۲)

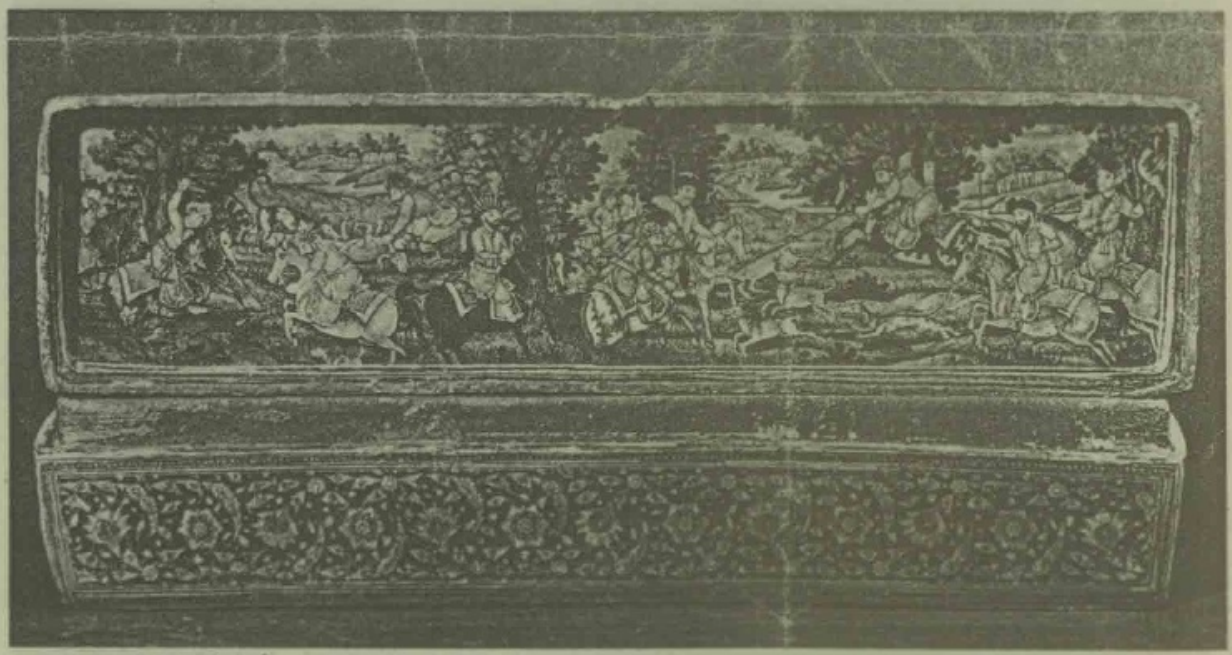
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر A





تصویر شماره (۶۹) مربوط به صفحه (۷۹۶)

تصویر شماره (۶۸) مربوط به صفحه (۷۹۴)

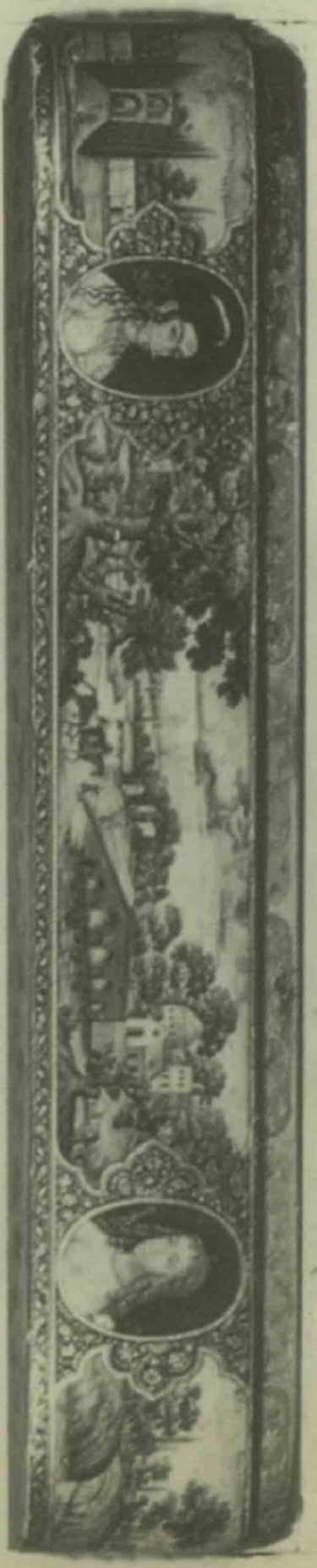
mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org





تصویر شماره (۷۰) مربوط به صفحه (۷۹۸)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

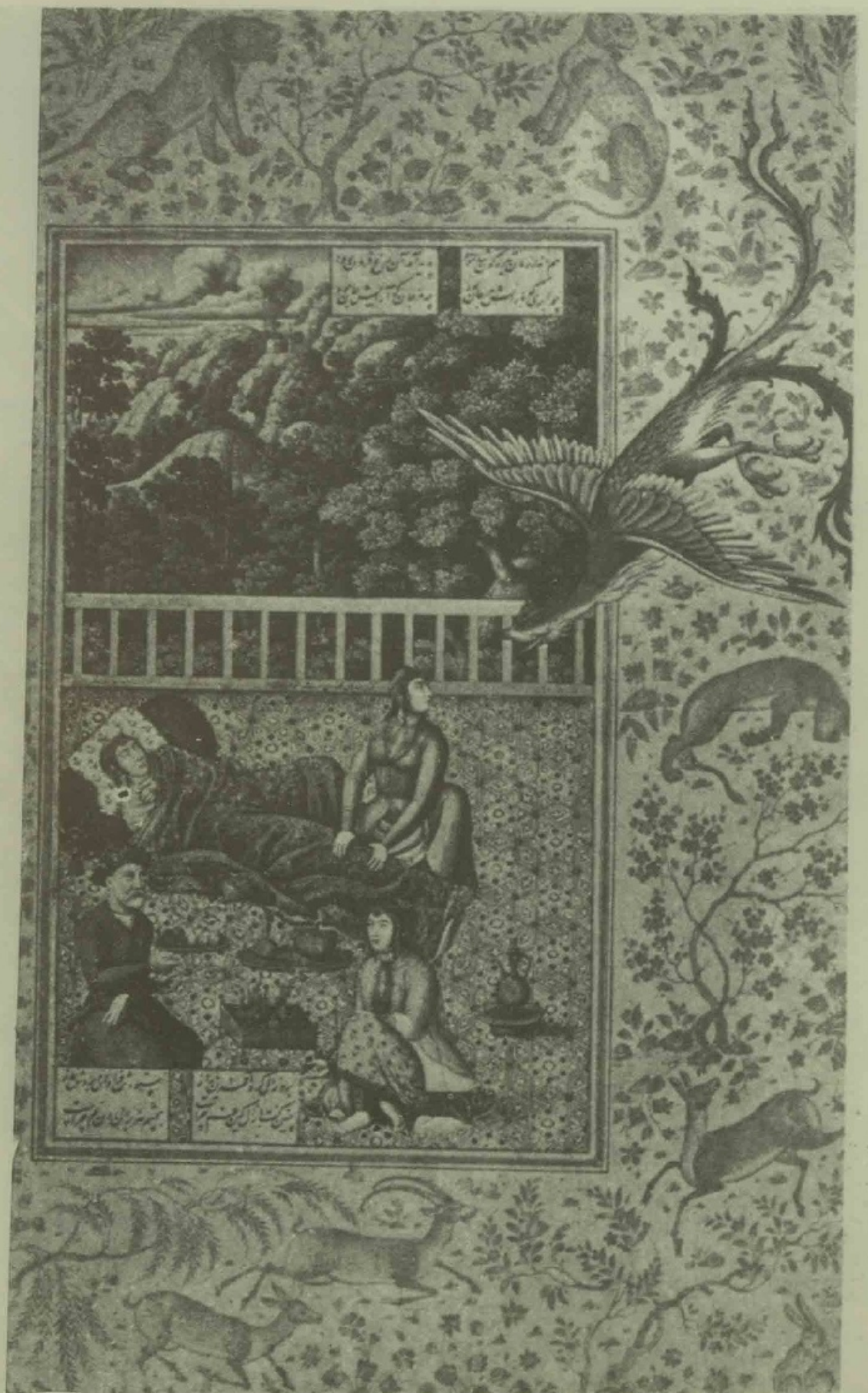
tarikhema.org



تصویر شماره (۷۱) مربوط به صفحه (۸۰۰)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۷۲) مربوط به صفحه (۸۰۰)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۷۳) مربوط به صفحه (۸۰۲)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۷۴) مربوط به صفحه (۸۰۳)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۷۵) مربوط به صفحه (۸۰۳)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org





تصویر شماره (۷۶) مربوط به صفحه (۸۰۸)

تصویر شماره (۷۷) مربوط به صفحه (۸۰۹)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



tarikhema.ir

mandegar.tarikhema.org

تصویر شماره (۷۸) مربوط به صفحه (۸۰۹)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

تصویر شماره (۷۹) مربوط به صفحه (۸۱۳)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

تصویر A مربوط به صفحه (۹۱۹)

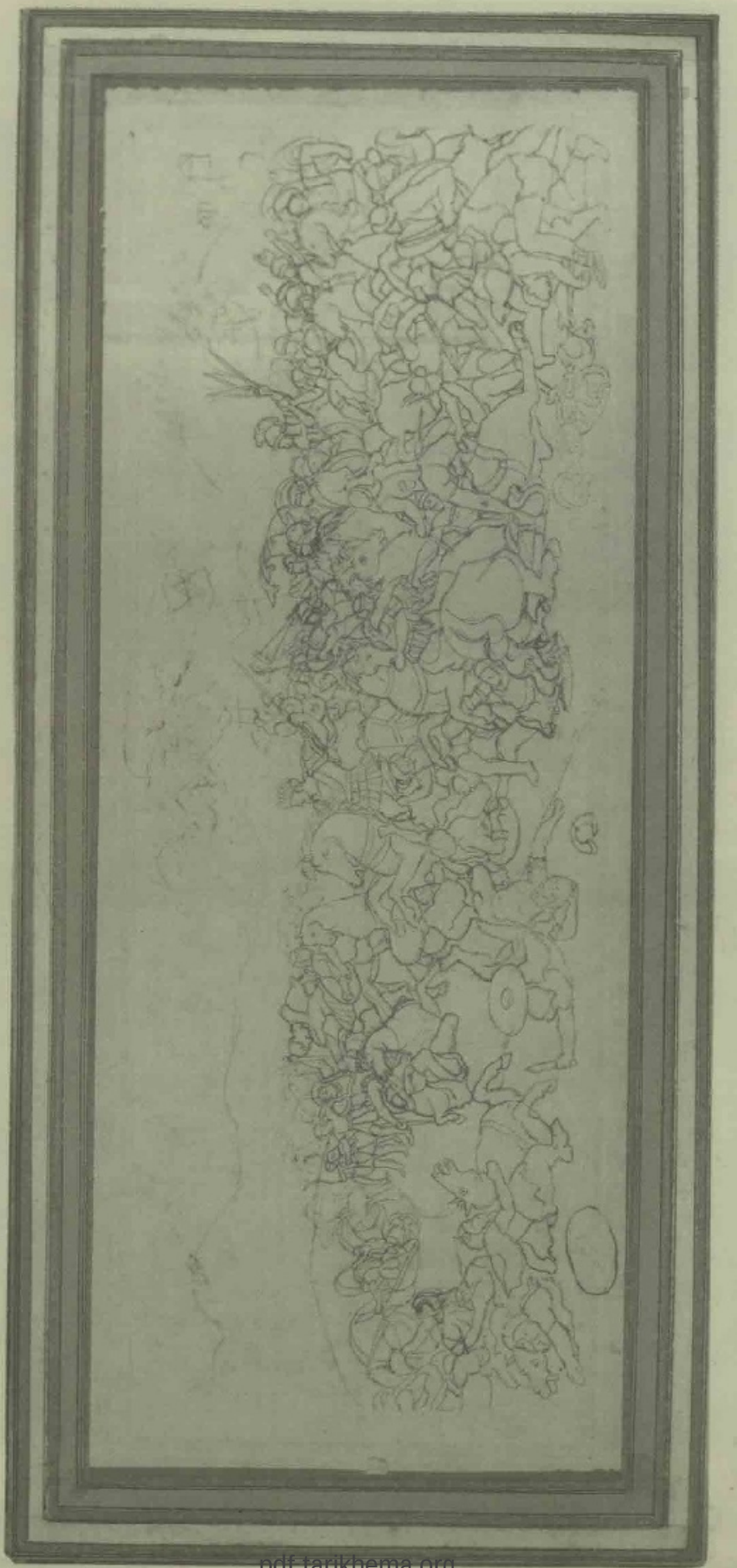
تصویر شماره (۸۰) مربوط به صفحه (۸۱۳)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



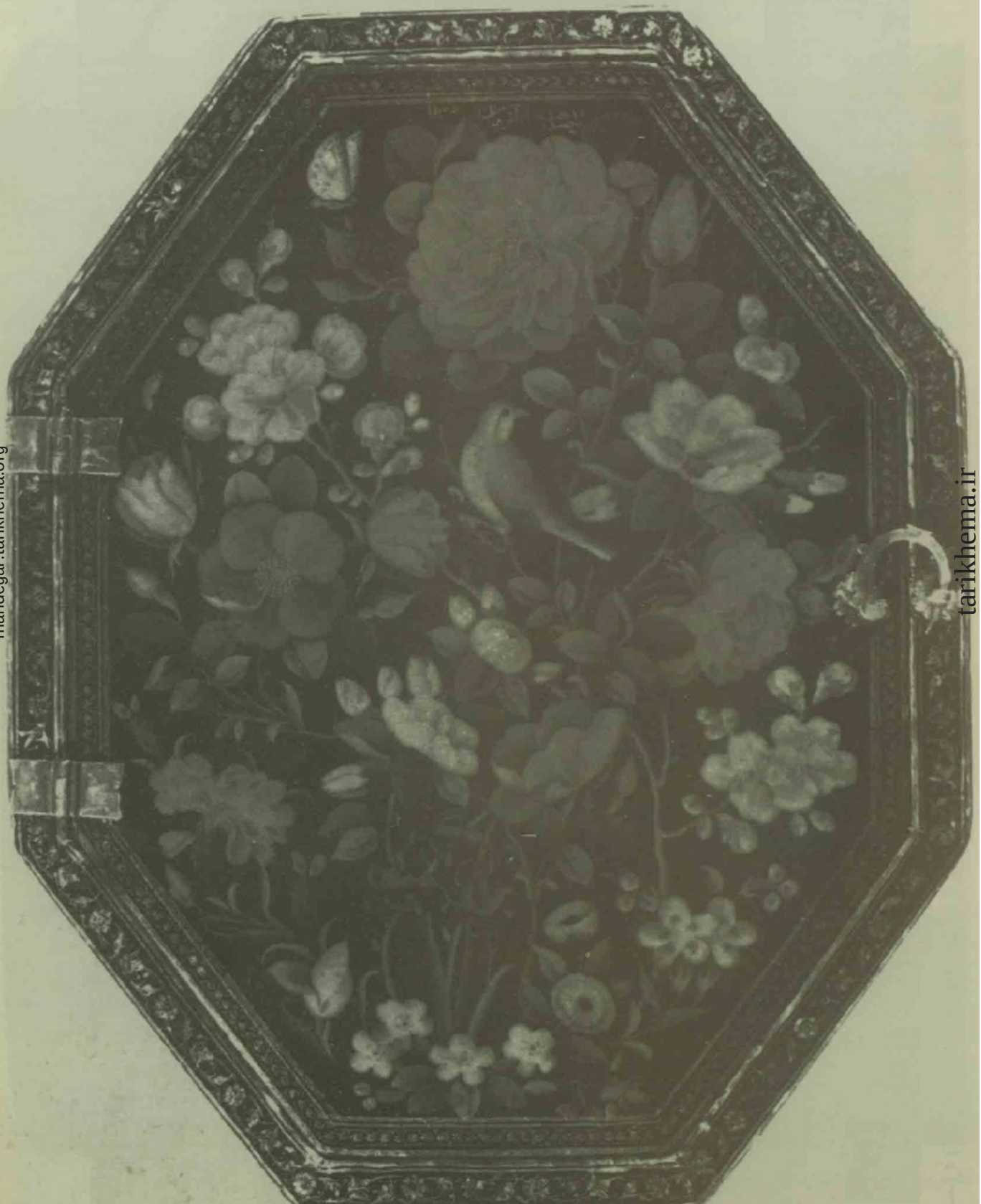
تصویر شماره (۸۱) مربوط به صفحه (۸۱۳)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۸۲) مربوط به صفحه (۸۱۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



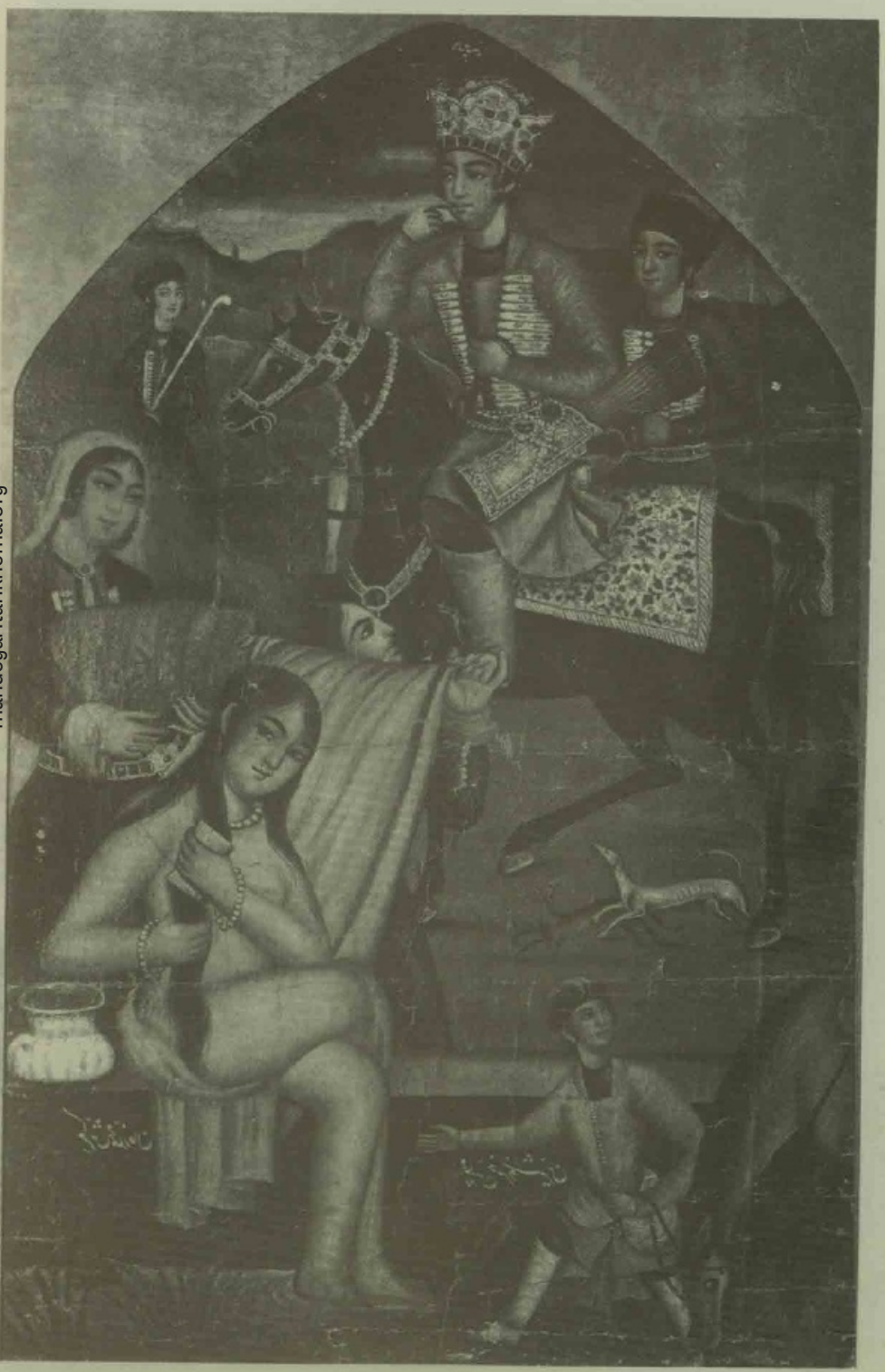
تصویر شماره (۸۳) مربوط به صفحه (۸۱۵)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



صفحه ی طلا و لاجورد (۵۸) تصویر شماره (۰۲۸)



صفحه ی طلا و لاجورد (۴۸) تصویر شماره (۸۱۸)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org





تصویر شماره ۸ مربوط به صفحه ۸۱۹ محمد زمان سوم

mandegar.tarikhema.org

تصویر شماره ۹ (۸۶) مربوط به صفحه (۸۲۲)

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۸۷) مربوط به صفحه (۱۲۶)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

(تصویر الف)

کار استاد شیخی نقاش — عمل شیخی الیعقوبی

کار استاد شیخی نقاش — عمل شیخی الیعقوبی

کار استاد شیخی — عمل استاد محمد سیاه قلم — عمل استاد محمد

کار استاد شیخی — عمل استاد محمد سیاه قلم — عمل استاد محمد



کار استاد شیخی نقاش

(تصاویر ب - پ - ت)

ب — پ — ت



کار شیخی — مشق استاد محمد سیاه قلم

کار شیخی — مشق استاد محمد سیاه قلم — محمد سیاه قلم

تصویر شماره (۸۸) مربوط به صفحه (۸۶۶)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

(تصویر ث)

عمل استاد شیخی نقاش

عمل استاد محمد سیاه قلم

عمل استاد محمد سیاه قلم

عمل استاد محمد سیاه قلم

(تصویر ج)

کار محمد سیاه قلم

کار محمد سیاه قلم

کار محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار شیخی

کار استاد شیخی نقاش

کار استاد شیخی نقاش

کار فرنگ

کار فرنگ

کار مزدک

تصویر شماره (۸۹) مربوط به صفحه (۸۶۶)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

(تصویر چ)

کار استاد محمد و استاد شیخی درهم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد و استاد شیخی درهم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

کار استاد محمد سیاه قلم

(تصویر ح)



۱ کار استاد احمد موسی است



۲ این صورتها از جمله کارهای خوب استادان خطائی است





۳ عمل این مؤذن کار از استادان مشهور فرنگ است ٤ این هم از کارهای استادان خطائی است

تصویر شماره (۹۰) مربوط به صفحه (۸۶۷)

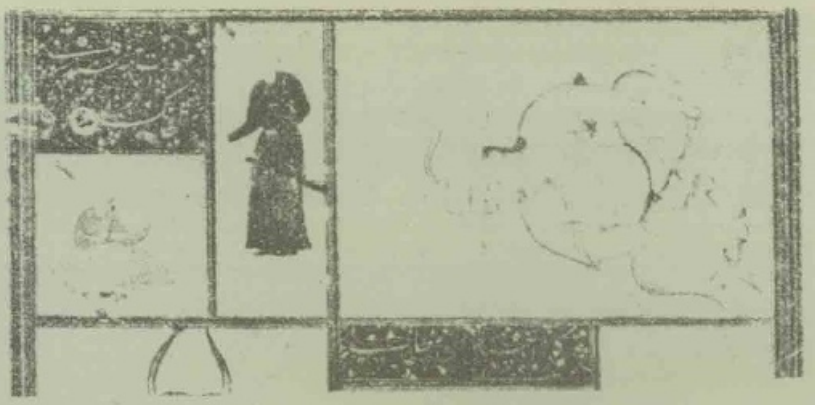
pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

۵/



۶/

کار استادان خطائی صورت میر سید علی شوقی عمل ملک قاسم نقاش

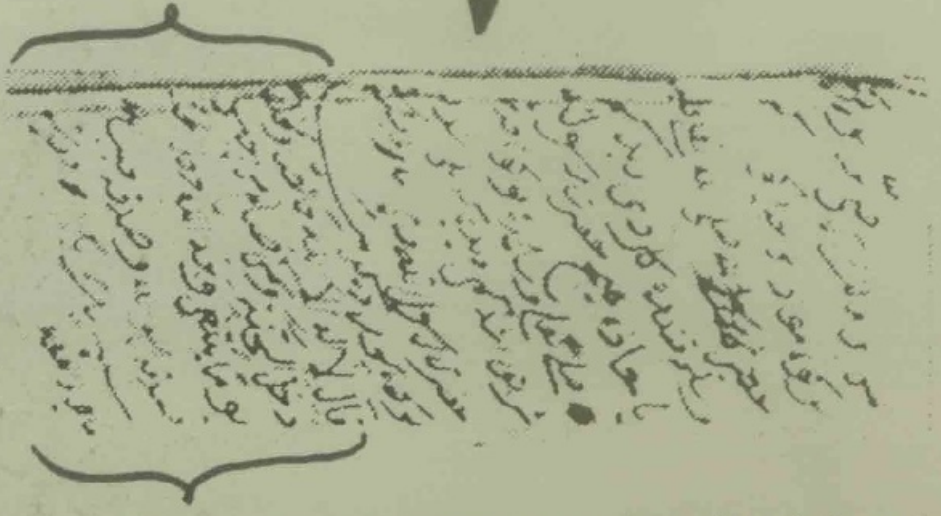
(تصویر خ) از مرقع H 2154

سیاه = سیاه

کار نقاش = کار نقاش

استاد قلم = استاد عدم

از مرقع شماره H 2160



تصویر شماره (۹۱) مربوط به صفحه (۸۶۸)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۹۲) مربوط به صفحه (۸۷۵)

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



tarikhema.ir

mandegar.tarikhema.org

تصویر شماره (۹۳) مربوط به صفحه (۹۱۴)

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۹۴) مربوط به صفحه (۹۱۹)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۹۵) مربوط به صفحه (۹۲۰)

tarikhema.ir
mandegar.tarikhema.org
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۹۶) مربوط به صفحه (۹۲۰)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

تاریخ ۱۳۱۹/۵/۱۵
شماره ۷۳۴۴ ضمیمه
موضوع

وزارت فرهنگ
اداره فرهنگ شهرستان خوی
شهرستان
بخش
دایره

یک قطعه مدال (نشان) بپاداش زحمات شما
برابر درخواست تقدیم میشود
خسروی از طرف اداره فرهنگ شهرستان خوی اعطاء میشود



تصویر شماره (۹۷) مربوط به صفحه (۹۲۸)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

mandegar.tarikhema.org



نصویر شماره (۹۸) مربوط به صفحه (۹۲۸)

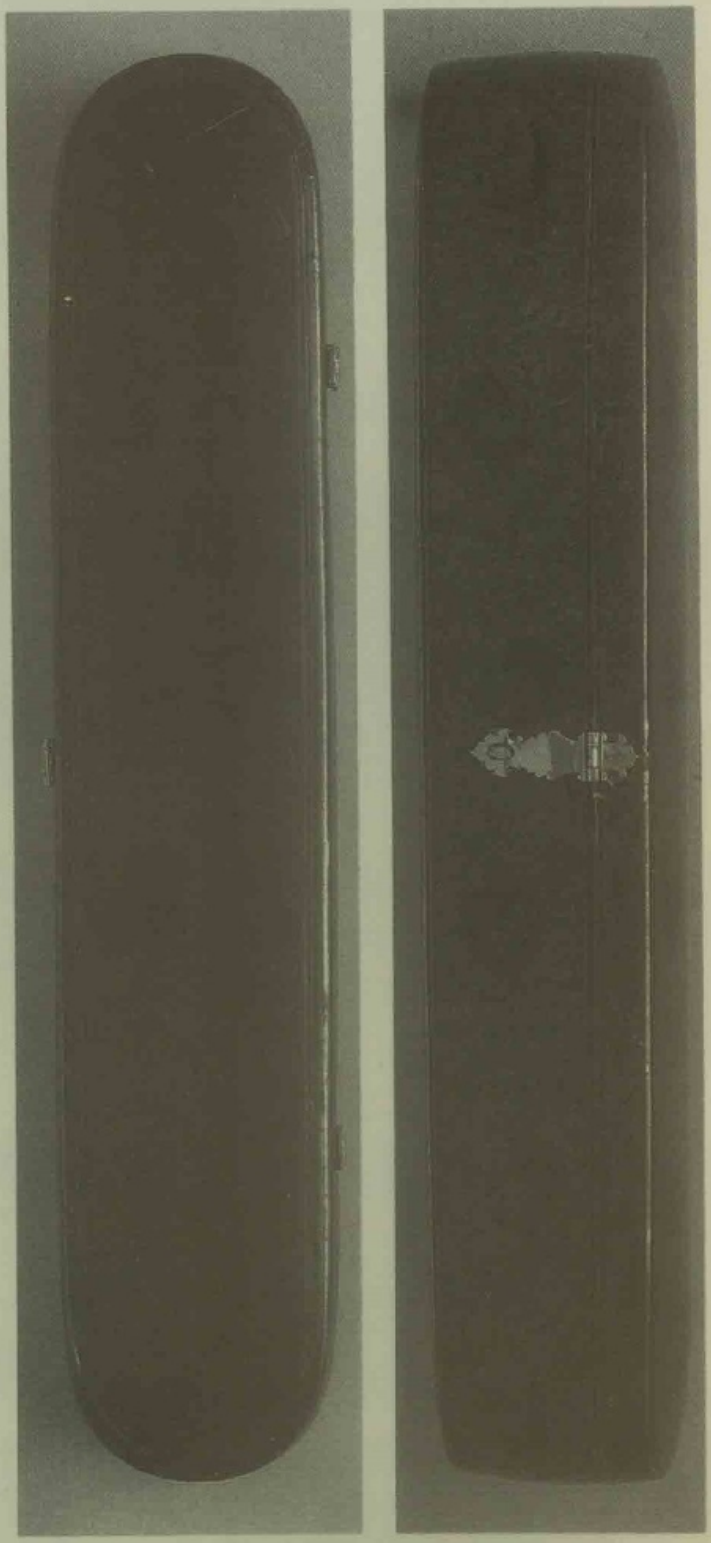
tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۹۹) مربوط به صفحه (۹۳۲)



تصویر شماره (۱۰۰) مربوط به صفحه (۹۳۳)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۱) مربوط به صفحه (۹۳۳)

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۲) مربوط به صفحه (۵۵۱)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۳) مربوط به صفحه (۶۰۳)

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۴) مربوط به صفحه (۶۴۵)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۵) مربوط به صفحه (۶۹۶)

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۰۶) مربوط به صفحه (۷۲۴)

تصویر شماره (۱۰۷) مربوط به صفحه (۳۹۷) جلد اوّل اثر شماره ۲۳

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۰۸ مربوط به صفحه ۷۹۲

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۰۹ مربوط به صفحه ۱۲۳۸ — تصویر شماره ۱۱۰ مربوط به صفحه ۷۹۲

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



مربوط به حیدر علی در صفحه ۱۶۴ جلد ... شماره ۱۱۱ آثار قلمدانی علی اشرف در صفحه ۳۷۲

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

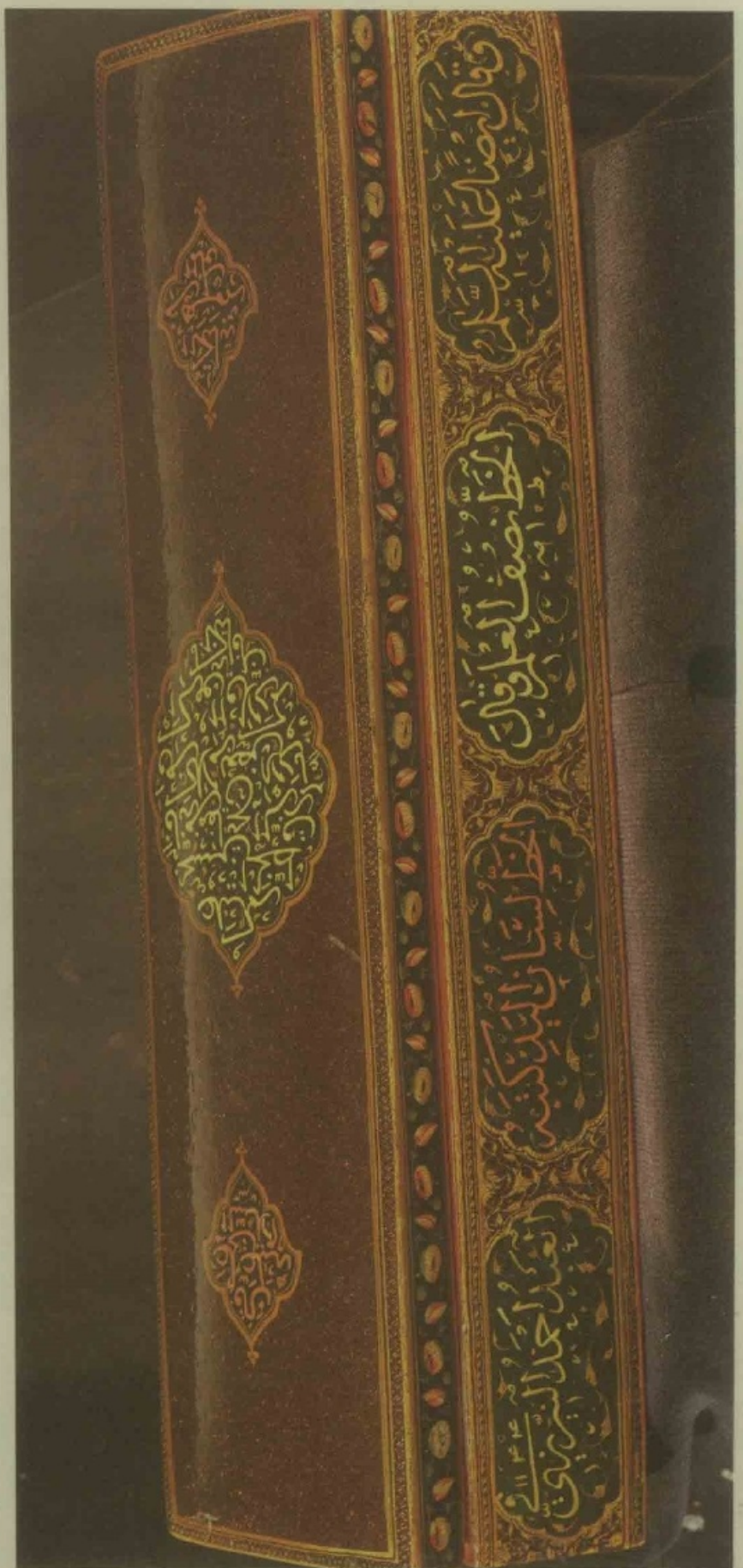
tarikhema.org



تصویر شماره ۱۱۲ مربوط به صفحه ۹۰۹

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۱۳) مربوط به احمد نیریزی درصفحه ۶۱ جلد اول

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۱۴ مربوط به صفحه ۸۲۰ تصویر (۱۱۵) مربوط به احمد نیریزی

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۱۶ مربوط به صفحه ۹۲۸

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره (۱۱۷) مربوط به ابوالحسن اصفهانی در صفحه ۲۰۰ جلد اوّل

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویرشماره (۱۱۸) مربوط به حبیب الله شیرازی درصفحه ۱۴۵ جلد اوّل

pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۱۹ اغا محمد خان قاجار

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org



تصویر شماره ۱۲۰ مربوط به زیر نویس شماره

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

THE LIVES & ART OF

OLD PAINTERS OF IRAN

AND

A SELECTION OF MASTERS FROM THE OTTOMAN & INDIAN REGIONS

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

MOHAMMAD ALI KARIMZADEH TABRIZI

LONDON 1990

VOL 2

pdf.tarikhema.org